رهبر معظم انقلاب درگذشت پدر شهید کاوه را تسلیت گفتند

* درگذشت مرحوم مغفور آقای حاج محمدکاوه پدر شهید عزیز سردار محمودکاوه را که از سالیان پیش از پیروزی انقلاب با اینجانب مرتبط و به احساس و انگیزه انقلابی شناخته شده بود، به خانواده گرامی و همه بازماندگان و دوستان آن مرحوم تسلیت می گویم

صفحه ۲

اطلاعات

برگزاری همه پرسی الحاق منطقه کریمه به روسیه

* آمریکا و اتحادیه اروپا اعلام کردند نتیجه این همه پرسی را نخواهند پذیرفت
* مسکو: همه پرسی کریمه کاملاً بر اساس منشور سازمان ملل است
* سی ان ان: آمریکا نگران سیطره روسیه برقطب شمال است

صفحه ۱۶

دوشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۲ ـ ۱۵ جمادی الاول ۱۴۳۵ ـ ۱۷ مارس ۲۰۱۴ ـ شماره ۲۵۸۳۶ ـ ۱۶ صفحه به همراه ۱۶ صفحه ضمیمه ـ ۲۰۰ تومان

رئیس جمهوری در دیدار معاون نخست وزیر یونان:

ایران آماده گفتگو با اروپا درباره مسائل استراتژیک است



* توسعه مناسبات ایران و اتحادیه اروپا به نفع منطقه و جهان است
* بهانه هسته‌ای نباید وسیله‌ای برای فاصله انداختن میان ایران واتحادیه اروپا شود
* روابط سنتی و تاریخی ایران و اتحادیه اروپا باید بازسازی شود
* ایران نسبت به همه توافق‌های بین‌المللی درباره سلاح‌های کشتار جمعی متعهد است
* ملت ایران درباره حقوق خود هیچ‌گاه تبعیض را نمی‌پذیرد و فناوری هسته‌ای صلح آمیز را حق خود می‌داند
* معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه یونان: آتن در جهت روابط دو جانبه ایران و اتحادیه اروپا تلاش می‌کند
* دولت جدید در ایران می‌تواند در زمینه ایجاد اعتماد و اطمینان متقابل نقش قابل توجهی را ایفا کند

رئیس جمهوری پیش از ظهر دیروز در دیدار "اوانجلوس ونیزلوس"، معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه یونان، توسعه مناسبات ایران و اتحادیه اروپا را به نفع منطقه و جهان دانست و بر اراده جمهوری اسلامی ایران در راستای توسعه روابط فی مابین تاکید کرد.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر حسن روحانی در این دیدار روابط ایران و یونان را دیرینه و تاریخی توصیف کرد و توسعه مناسبات میان دو کشور را به نفع دو ملت و دو کشور دانست وگفت: ظرفیت های بسیار خوبی برای تقویت و تحکیم روابط اقتصادی دو کشور وجود دارد.

بقیه در صفحه ۲

۵۰۰ هزار نفر در کنترل ترافیک نوروزی مشارکت می کنند

* سردار مؤمنی: تخلف‌های حادثه‌ساز همچنان خط قرمز پلیس است
* فرمانده ناجا: هر سال در صدد کمرنگ کردن حضور پلیس در مراسم چهارشنبه‌سوری هستیم

سرویس خبر: رزمایش بزرگ ترافیکی نوروز ۱۳۹۳ با فعال شدن بیش از ۵۰۰ هزار نفرنیروی پلیسی و امدادی و تجهیزات امداد و نجات درسراسرکشور آغاز شد.

این رزمایش با مشارکت پلیس راهنمایی و رانندگی، پلیس راه، سازمان راهداری و حمل ونقل جاده‌ای، اورژانس، هلال‌احمر، امداد خودرو، همیاران پلیس، فرهنگیاران ترافیک و بازرسان نامحسوس در طول تعطیلات نوروز ۹۳ اجرا می‌شود.

سردار مؤمنی، رئیس پلیس راهور ناجا اظهار داشت: دراین طرح خط قرمز پلیس، برخورد با تخلفات حادثه‌ساز از جمله سرعت و سبقت غیرمجاز است.

وی بار دیگر توصیه کرد رانندگان

بقیه در صفحه ۱۳

دور تازه مذاکرات ایران و ۱+۵ فردا در وین آغاز می‌شود

* ظریف: غنی‌سازی تاسیسات اراک، همکاری هسته‌ای و رفع تحریم‌ها در نشست وین مذاکره می‌شود
* به عنوان خدمتگزاران به این آب و خاک از هیچ کوششی برای آزادی مرزبانان ربوده شده فروگذار نخواهیم کرد
* وزرای خارجه ایران و تاجیکستان درباره روابط دوجانبه تحولات منطقه آسیای میانه و موضوع افغانستان رایزنی کردند

صفحه ۲

افزایش ۲۵ درصدی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی

* نور بخش مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی: افزایش حقوق بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی از ابتدای سال آینده اعمال می‌شود
* درمان مستمری‌بگیران در بخش بستری، از سال آینده رایگان خواهد بود

صفحه ۱۴

محصولات ایران خودرو و سایپا ۲۵ درصد گران تر از ارزش واقعی عرضه می شوند

* رئیس هیات تحقیق و تفحص از عملکرد صنعت خودروسازی: خودرو ال-۹۰ امروز با ۱۰ میلیون تومان اختلاف قیمت به مردم فروخته می‌شود
* گروه خودروسازی سایپا و ایران خودرو عملا از یک ساختار دولتی و دستوری برخوردارند
* نظام مالی درستی در هیچکدام از خودروسازی‌های سایپا و ایران خودرو وجود ندارد
* آنچه در صنعت خودروسازی اتفاق می‌افتد با رهنمودهای رهبری و رضایتمندی مردم مطابق نیست

صفحه ۴

یادداشت

لزوم جراحی نظام اداری

فتح الله آملی

صفحه ۲

و امّا بعد...

به امید دیدار

علی اکبر عبدالرشیدی

صفحه ۲

گزارش

زمستان به سر آمد...



صفحه ۵

نظرها و اندیشه ها

ماهیت مرزی و مشروعیت دولت

دکترسید موسی دیباج

صفحه ۶



اقتصادی

نقش کشاورزی در سیاست های اقتصاد مقاومتی

صفحه ۷

اطلاعات ویژه زنجان و آذربایجان شرقی

ضمیمه رایگان اطلاعات امروز از دکه های مطبوعاتی در استان مربوطه بخواهید



ویژه راه نور ضمیمه اطلاعات امروز



ویژه اجتماعی ضمیمه اطلاعات امروز

یادداشت

لزوم جراحی نظام اداری

فتح ا... آملی (جوادی)

گزارشی که روز گذشته در صفحه اول روزنامه اطلاعات تیتر یک قرار گرفت به قدر کافی هشداردهنده بود و بی‌توجهی نسبت به آن می‌تواند در آینده‌ای نه چندان دور نظام اداری کشور را دچار مخاطره و سازوکار نظام پرداختهای دولت را دچار سرگیجه و انسداد کند.

دکتر عسگری معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور در این گزارش از رشد بدنه و نیز افزایش شدید هزینه‌های جاری دولت آمارهایی تکان‌دهنده و تأمل‌برانگیز ارائه داد. بد نیست به چند سرفصل مهم آن اشاره شود:

در حال حاضر ۱۸ وزارتخانه، ٤٤ سازمان و مؤسسه دولتی، ۳٤٤ مؤسسه آموزشی داریم که طی ۸ سال گذشته پنجاه درصد رشد نشان می‌دهد. واحدهای ستادی با ۱۵۳ درصد رشد به بیش از ۱٤۵ هزار واحد رسیده و تعداد مدیران رده بالای کشور با رشدی فزاینده به ۳۰۰هزار نفر بالغ شده که از کل کارمندان دولت ژاپن با جمعیتی بیشتر از ایران هم بیشتر است. تا سال ۸٤، ٦۸ درصد بودجه کشور صرف هزینه‌های جاری می‌شد که در سال ۹۲ این رقم به ۸۸ درصد افزایش یافته و تعداد کارمندان و نیروهای مسلح و بازنشستگان که همگی حقوق‌بگیران دولت محسوب می‌شوند بیش از ٤میلیون و هفتصد هزار نفر است و تعداد افراد بازنشسته نیز افزایش شدید داشته و مجموع این اتفاقات باعث شده که پرداختی دولت به صندوق بازنشستگی ده برابر سال ۸٤ شود...

اما تمام این اتفاقات در حالی افتاد که طبق قانون برنامه پنجساله و نیز براساس ابلاغیه سند چشم‌انداز قرار بود که حجم دولت کوچک شود و همین‌طور هزینه‌های آن نیز... و این درحالی بود که رهبر انقلاب با ابلاغ مجوز خصوصی‌سازی‌های اصل ٤٤ قانون اساسی بیشترین کمک را در مسیر سپردن بخشهای مهم اقتصادی به بخش خصوصی صورت دادند و همین مجوز می‌توانست راه خصوصی‌سازی را هموار کند.

و این تازه در حالی است که دولت قبل تلاش کرد تا با صدور مجوز استخدام ۵۰۰هزار نفر در قالب طرح مهر به این حجم بدنه دولت به میزان قابل توجهی بیفزاید که معلوم نیست از این تعداد چند هزار یا چند ده‌هزار نفر وارد بدنه دولت شده و تا ۳۰ سال باید از دولت حقوق بگیرند. وقتی ۸۸ درصد بودجه تنها صرف پرداخت حقوق شود چه چیزی برای سایر فعالیت‌ها و انجام سایر مأموریت‌های دولت باقی می‌ماند؟ نکته تأسف‌آور ماجرا این است که چاق شدن بدنه دولت نه‌تنها کمکی به حل مشکلات مردم نخواهد کرد بلکه باعث کندی کار و نیز گاه تداخل کارها و تزاحم هم می‌شود. و درد اینجاست که چگونه با وجود مجلس، دستگاههای نظارتی و سازمانهای حسابرسی چنین روندی طی شده است؟ یکی از چالش‌هایی که در صورت استمرار این وضعیت کشور و دولت با آن روبرو خواهد بود نحوه تأمین اعتبار پرداختهاست و چالش بعدی افزایش تعداد بازنشستگان است. براساس آمار متوسط سن زنان بازنشسته در ایران کمتر از ۵۰ سال و استاندارد جهانی آن ٦۰ سال است. در مورد مردان هم این رقم کمی بیش از ۵۲ سال است و در جهان نزدیک به ٦۱ سال. با توجه به افزایش امید به زندگی و رشد متوسط طول عمر در کشور، بیشتر این افراد حداقل ۲۰ سال و با توجه به مستمری وابستگان آنان نزدیک ۳۰ سال حقوق‌بگیر دولت باقی خواهند ماند. در آینده و در صورتی که این وضعیت اصلاح نشود و درمانی برای این درد با اصلاح نظام اداری صورت نگیرد حتی اگر نظام پرداختها به بن‌بست نخورد و حتی اگر نخواهیم به کسری بودجه دچار شویم که تبعات این مرض را همه می‌دانیم، باز با مشکل عدم تناسب پرداختها با هزینه‌ها روبرو خواهیم بود. یعنی همچنان به خاطر ضعف بودجه دولت و حجم زیاد بدنه دولت و افزایش حقوق‌بگیران اعم از کارمندان، نیروهای مسلح و بازنشستگان دولت مجبور است خسّت به خرج دهد و بیش از آنچه که حال شاهد آنیم، کمتر از نرخ تورم و کمتر از حداقل نیاز یک کارمند یا بازنشسته به حساب او بریزد و این خود آبستن ناهنجاریها و نارضایتی‌های بعدی خواهد بود. کارمندی که حقوقش کم است، یا خوب کار نمی‌کند یا از کارش می‌دزدد و یا اختیاری را که در یک اداره دارد به جای خدمت در خدمت منافع خودش به صورت نامشروع قرار می‌دهد و اگر هیچکدام از اینها نباشد و فرد وظیفه‌شناس و پرهیزکاری باشد احساس ظلم و جفا و نامرادی خواهد کرد.

اصلاً چه اصراری است که مرتب بر تعداد کارمندان دولت بیفزائیم و بعد برای پرداخت حقوق به آنان دچار دردسر شویم و چون به مشکل پرداخت دچار می‌شویم در حد بخور و نمیر به آنان بپردازیم؟

چگونه دولت انتظار دارد کارمندی که درآمدش هیچ نسبتی با هزینه‌هایش ندارد وظیفه خود را به درستی انجام دهد؟

اما نکات تأمل‌برانگیز این گزارش هنوز تمام نشده است. براساس آمار ارائه شده سهم سواد در کارمندان دولت بیانگر عجایب دیگری است. آمار می‌گوید تنها ۲۹ درصد کارمندان دولت تحصیلات دانشگاهی دارند! در میان کارمندان ۲ درصد بیسواد، ١٤ درصد در سطح ابتدایی، ۱۹ درصد در سطح راهنمایی، ۳۱ درصد دیپلمه و ۳٤ درصد بالاتر از دیپلم هستند که از درصد اخیر ۲۹ درصد آنان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند و نکته اینجاست. که با وجود خروج صدها هزار نفر از بدنه نظام اداری و پیوستن آنان به بازنشستگان تعداد کارکنان دارای تحصیلات دانشگاهی به جای اینکه افزایش یابد کاهش یافته است! و جالب اینجاست که تنها حدود ۵/۵ درصد کارمندان تحصیلات فوق‌لیسانس و دکترا دارند!

کوته سخن آنکه افسوس درباره آنچه که بر نظام اداری رفته است دردی را دوا نمی‌کند. حقیقت آن است که این نظام در حال حاضر کارآمد نیست. چاق و تنبل است. پرهزینه است. چندان باسواد هم نیست. در عین حال مجموعه شاغل در آن هم رضایتمند نیست. ضمن آنکه وجود تبعیض و اختلاف گاه بسیار ظالمانه در درآمدها و دریافتی‌ها که علیرغم تصویب نظام هماهنگ پرداخت تغییری نمایان و اصلاحی مناسب در آن به وجود نیامده است، خود موجد ناهنجاریها و نارضایتی‌های فراوانی شده است. و اگر تغییری در ساختار آن به وجود نیاید و اصلاح اساسی در آن صورت نگیرد راهی جز شکست و انسداد و قفل شدن نظام اداری و به ستوه آمدن دولتمردان در تأمین هزینه‌هایش نخواهد داشت. این جراحی را باید انجام داد و دردهای ناشی از عمل و دوران نقاهت پس از آن‌را نیز باید قبول کرد.

اخبار کوتاه

همایش غیر دولتی «روز ملی ارتقای سلامت اداری» ۱۰ اردیبهشت برگزار می‌شود

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: دومین همایش مردم نهاد روز ملی ارتقای سلامت اداری، با عنوان «الزامات تحقق سلامت اداری نظام با چالش‌ها و دستاوردها» ۱۰ اردیبهشت در سالروز فرمان هشت ماده‌ای رهبر معظم انقلاب درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی برگزار می‌شود.

این همایش توسط ۲ سازمان مردم نهاد موسسه آموزشی ـ مطالعاتی توسعه فراگیر آسیا و انجمن علمی مدیریت رفتار سازمانی با محورهای الزامات راهبردی و نقش نهادهای راهبردی نظام، الزامات حقوقی و نقش قوه مقننه و شوراها، الزامات قضایی و نقش قوه قضائیه، الزامات اجرایی، ساختاری و تجربه‌های برتر، الزامات اطلاع‌رسانی و نقش رسانه‌ها، الزامات پژوهشی و نقش مراکز پژوهشی، الزامات آموزشی و نقش مراکز آموزشی، الزامات و نقش بخش خصوصی، الزامات و نقش بخش غیر دولتی و الزامات و نقش مردم برگزار می‌شود. علاقه‌مندان به ارسال مقاله و گزارش دستاوردهای اجرایی به این همایش تا ۲۵ فروردین مهلت دارند. موسسه آموزشی مطالعاتی توسعه فراگیر آسیا و انجمن علمی مدیریت رفتار سازمانی، اولین همایش روز ملی ارتقای سلامت اداری را ۱۰ اردیبهشت امسال و همایش‌های روز بین‌المللی مبارزه با فساد را ۱۸ آذر ۹۱ و ۹۲ برگزار کردند.

رئیس سازمان مدیریت بحران کشور منصوب شد

عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور در حکمی «اسماعیل نجار» را به سمت معاون و رئیس سازمان مدیریت بحران کشور منصوب کرد.

به گزارش روابط عمومی وزارت کشور، در این حکم آمده است: پیگیری مسایل مربوط به خشکسالی، توسعه و استفاده از ظرفیت‌های صنعت بیمه در حوزه مدیریت بحران، انجام مطلوب و شایسته امور مربوط و اجرایی مصوبات شورای عالی مدیریت بحران کشور، پیگیری امور مربوط به شورای هماهنگی مدیریت بحران و کارگروه‌های تخصصی و نظارت بر عملکرد کارگروه‌ها فعال‌سازی اداره کل مدیریت بحران استان‌ها، اجرای کامل همه تکالیف و الزامات قانون و آیین نامه اجرایی آن و همچنین بررسی قانون موجود و تهیه لایحه جدید قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور هم از اهم وظایفی است که انتظار دارد با توجه به اهتمام ویژه دولت تدبیر و امید به این بخش با برنامه ریزی مناسب نسبت به تحقق آن کوشش و تلاش کنید

اخضر ابراهیمی به تهران آمد

اخضر ابراهیمی، نماینده مشترک دبیرکل سازمان ملل و اتحادیه عرب در امور سوریه به منظور دیدار و گفتگو با مقامات کشورمان دیروز با استقبال یکی از مدیران کل وزارت امور خارجه وارد تهران شد.

به گزارش ایسنا، قرار است اخضر ابراهیمی در سفر خود به تهران درباره آخرین وضع بحران سوریه و راهکارهای سیاسی برای حل این بحران و ارائه کمک‌های انساندوستانه به این کشور با مقامات ایرانی گفتگو و تبادل نظر کند.او صبح امروز دیداری با محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان خواهد داشت.دیدار با علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی هم از دیگر برنامه‌های اخضر ابراهیمی در سفر به تهران است.

رهبر معظم انقلاب درگذشت پدر شهید کاوه را تسلیت گفتند

در پی درگذشت پدر شهید سردار محمود کاوه، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی پیام تسلیتی صادر کردند.

متن پیام رهبر معظم انقلاب به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

درگذشت مرحوم مغفور آقای حاج محمّد کاوه پدر شهید عزیز سردار محمود کاوه را که از سالیان پیش از پیروزی انقلاب با اینجانب مرتبط و به احساس و انگیزه‌ی انقلابی شناخته شده بود، به خانواده‌ی گرامی و همه‌ی بازماندگان و دوستان آن مرحوم تسلیت می‌گویم و اجر و پاداش الهی را برای آن مرحوم مسألت می‌کنم.

سیّد علی خامنه‌ای

۲۵/اسفند ماه/۱۳۹۲

خاطره رهبری انقلاب از پدر شهید کاوه

در پی درگذشت پدر سردار شهید محمود کاوه و پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی، پایگاه اطلاع رسانیدفترحفظ ونشرآثارحضرت آیت‌الله خامنه ای خاطره ایشان را از سردار شهید کاوه و پدر این شهید بزرگوار منتشر کرد. این خاطره مربوط به تاریخ ۱۳٦٦/۰۵/۲۷ است.

من در خود سپاه عناصر بسیار خوبی را سراغ دارم که این‌ها آمادگی خودسازی و دیگرسازی داشتند و دارند، خوب است من از برادر شهید عزیزمان محمود کاوه یاد کنم؛ که من او را از بچگی‌اش می‌شناختم. پدر این شهید جزو اصحاب و ملازمین همیشگی مسجد امام حسن بود - که بنده آن‌جا نماز می‌خواندم و سخنرانی می‌کردم - دست این بچه را هم می‌گرفت با خودش می‌آورد، و من می‌دانستم همین یک پسر را دارد، پدرش هم می‌شناسید شما دیگر - قاعدتاً برادرهای مشهدی می‌شناسند - از همان وقت‌ها همینجور بود. پرشور و بی‌محابا در برخورد، گاهی حرفهای تندی هم می‌زد که در دوران اختناق آنجور حرفی کسی نمی‌زد. این بچه آنجور توی این محیط خانوادگی پرشور و پرهیجان تربیت شد و خوراک فکری او از دوران نوجوانیش - که شاید آن سالهایی که من دیدم ایشان مثلاً دوازده - سیزده سال چهارده سال شاید بیشتر نداشت - حالا دقیقاً البته درست یادم نیست - عبارت بود از مطالب مسجد امام حسن. که اگر از شماها برادرهایی آن وقت بودند می‌دانند چه صنف مطالبی بود؟ و می‌شود فهمید دیگر. از نوارها و آثار آن مسجد [می‌شد فهمید] که چه نوع مطالبی بود.

در یک چنین محیط فکری این جوان تربیت شد، و جزو عناصر کم‌نظیری بود که من او را در صدد خودسازی یافتم؛ حقیقتاً اهل خودسازی بود - هم خودسازی معنوی و اخلاقی و تقوایی، هم خودسازی رزمی - در یکی از عملیات اخیر دستش مجروح شده بود - که آمد مشهد و مدتی هم این‌جا بیمارستان بود، مدت کوتاهی ظاهراً، بعد برگشت مجدداً جبهه - تهران آمد سراغ من؛ من دیدم دستش متورّم است. بنده نسبت به این کسانی که دست‌هایشان آسیب دیده یک حساسیتی دارم، فوری می‌پرسم دستت درد می‌کند. پرسیدم دستت درد می‌کند گفت که نه. بعد من اطلاع پیدا کردم، برادرهایی که آن‌جا بودند، برادرهای مشهدی‌ای که آن‌جا هستند، گفتند دستش شدید درد می‌کند، این همه درد را کتمان می‌کرد و نمی‌گفت - که این مستحب است، که انسان حتی‌المقدور درد را کتمان کند و به دیگران نگوید - یک چنین حالت خودسازی ایشان داشت. یک فرمانده‌ی بسیار خوب بود، از لحاظ اداره‌ی واحد خودش که تیپ ویژه‌ی شهدا - تیپ ویژه‌ی آن روز شهدا فکر می‌کنم حالا لشگر شده، آن وقت تیپ بود - یک واحد خوب بود جزو واحدهای کارآمد ما محسوب می‌شد و به این عنوان از آن نام برده می‌شد، خود او هم در عملیات گوناگونی شرکت داشت، و کارآزموده‌ی میدان جنگ شده بود؛ از لحاظ نظم اداره‌ی واحد، مدیریت قوی، دوستی و رفاقت با عناصر لشگر و از لحاظ معنوی، اخلاق، ادب، تربیت توجه و ذکر یک انسان جوان اما برجسته بود.

این هم یکی از خصوصیات دوران ماست، که برجستگان همیشه از پیرها نیستند، آدم جوان‌ها و بچه‌ها را می‌بیند که جزو چهره‌های برجسته می‌شوند.

رهبان اللیل و اوسط النهار غالباً توی همین بچه‌هایند، توی همین جوانهایند. ما نشستیم از دور داریم نگاه می‌کنیم حسرت می‌خوریم، و آرزو می‌کنیم کاش برویم توی محیط آن‌ها. کمتر وقتی است که بنده همین حالاها دلم پرواز نکند به سمت محفل سنگرنشینان؛ آن‌جا انسان ساخته می‌شود و خوب هم ساخته می‌شود، و این جوان‌ها خوب ساخته شدند، و شهید کاوه حقیقتاً خوب ساخته شد.

پیام تسلیت رئیس مجلس

رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی درگذشت حاج محمد کاوه پدر شهید محمود کاوه فرمانده لشکر ۱۵ ویژه شهدا را تسلیت گفت.

به گزارش مهر، متن پیام علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

درگذشت مرحوم حاج محمد کاوه پدر بزرگوار شهید محمود کاوه فرمانده پرافتخار و رشید لشکر ۱۵ ویژه شهدا، موجب تاسف گردید.

آن مرحوم از مبارزان علیه رژیم طاغوت در پیش از انقلاب و از خادمین و یاران انقلاب و نظام اسلامی بودند.

اینجانب از سوی خود و نمایندگان مجلس شورای اسلامی درگذشت مرحوم حاج محمد کاوه را به خانواده معزز ایشان تسلیت گفته، برای آن مرحوم رحمت و مغفرت و برای بازماندگان صبر و اجر از درگاه خداوند متعال مسالت می کنم

علی لاریجانی

رئیس مجلس شورای اسلامی

تشییع پیکر حاج محمد کاوه در قاین و مشهد

سرویس شهرستانها ـ حاج محمد کاوه پدر سرلشکر شهید محمود کاوه یکی از فرماندهان خراسانی دوران دفاع مقدس و فرمانده لشکر ویژه شهدا عصر شنبه بر اثر ایست قلبی دار فانی را وداع گفت و به دیدار فرزند شهیدش شتافت.

پدر شهید کاوه در ۸۵ سالگی در زادگاهش روستای بیهود شهرستان قاین دعوت حق را لبیک گفت و پیکر مطهرش دیروز پس از تشییع در زادگاهش برای خاکسپاری به مشهد مقدس منتقل شد تاامروز بعداز تشییع از مقابل مهدیه این شهر در بهشت‌رضا(ع) به خاک سپرده شود.

رئیس جمهوری:ایران آماده گفتگو با اروپا درباره مسائل استراتژیک است

بقیه از صفحه اول

دکتر روحانی با اشاره به ریاست دوره ای یونان بر شورای اتحادیه اروپا اظهار داشت: بهانه هسته ای نباید وسیله ای برای فاصله انداختن میان ایران و اتحادیه اروپا شود و معتقدم روابط سنتی و تاریخی ایران و اتحادیه اروپا که به نفع منافع مشترک دو طرف خواهد بود، باید بازسازی شود.

دکتر روحانی با بیان این که اعتماد متقابل زیربنای توسعه مناسبات است، گفت: البته در گذشته معضلات و سوءظن هایی میان ایران و برخی کشورهای اروپایی وجود داشته که هنوز هم ادامه دارد؛ در این زمینه هر دو طرف باید برای رفع این بی اعتمادی تلاش کنند .

رئیس جمهوری با بیان این که ایران جدای از روابط اقتصادی، تجاری و فرهنگی با اتحادیه اروپا آمادگی گفتگو در باره مسائل استراتژیک را هم دارد، موضوع انرژی ، ترانزیت ، ثبات و امنیت منطقه ای و مبارزه با تروریسم ، خشونت و افراطی گری را از جمله این مسائل دانست.

دکتر روحانی با اشاره به تصویب پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر مبارزه با خشونت و افراطی گری، گفت: جمهوری اسلامی ایران با جدیت آمادگی دارد با اتحادیه اروپا بر علیه خشونت ، تروریسم و افراطی گری درچارچوب قطعنامهWave همکاری کند.

وی با بیان این که جمهوری اسلامی ایران در اجرای تعهدات خود در باره توافق ژنو متعهد بوده است، گفت: ایران نسبت به همه توافق های بین المللی در باره سلاح های کشتار جمعی متعهد است و این در حالی است که ملت ایران از لحاظ اخلاقی و مذهبی هم نگهداری، ساخت و استفاده از سلاح های کشتار جمعی را امری مذموم و حرام می داند .

رئیس جمهوری تاکید کرد: البته ملت ایران در باره حقوق خود هیچ گاه تبعیض را نمی پذیرد و فناوری هسته ای صلح آمیز را حق خود می داند.

گفته های معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه یونان

معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه یونان هم در این دیدار با اشاره به روابط تاریخی و طولانی‌مدت دو کشور گفت: هیچ مانعی در روابط ایران و یونان وجود ندارد و دو کشور آمادگی دارند همکاری اقتصادی خود را در زمینه حمل و نقل، تجارت، دارو و کشاورزی توسعه دهند.

وزیر امور خارجه یونان با اشاره به ریاست دوره‌ای کشورش بر اتحادیه اروپا، گفت: یونان در جهت روابط دوجانبه ایران و اتحادیه اروپا تلاش می کند.

وی افزود: معتقدیم دولت جدید در ایران می تواند در زمینه ایجاد اعتماد و اطمینان متقابل نقش قابل توجهی را ایفا کند .

اوانجلوس ونیزلوس گفت: من به عنوان معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه یونان و رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا در خدمت شما هستم تا دیالوگ سیاسی بین ما برقرار باشد و نتایج سفرم را به اطلاع اتحادیه اروپا خواهم رساند.

وی حفظ اعتماد به وجود آمده میان ایران و اروپا را وظیفه مشترک و تاریخی همگان دانست و تصریح کرد: امروز جامعه بین المللی به یک اطمینان همیشگی نیاز دارد و نقش بالقوه ایران می تواند در حل بسیاری از مشکلات و مسائل منطقه ای و بین المللی از جمله موضوع سوریه، مصر، بحران اوکراین و مساله افغانستان تاثیر گذار باشد.

وی با بیان این که یونان مواضع راهبردی و قابلیت‌های ایران که می تواند نقش بالقوه ای را در منطقه و جهان ایفا کند باور دارد گفت: مطمئناً بدون حضور، مشارکت و همکاری ایران در موضوع سوریه هرگز نمی توان به راه حلی مطمئن رسید.

وزیر امور خارجه یونان همچنین بر ضرورت تقویت و گسترش مناسبات و همکاری های بخش‌های خصوصی ایران و یونان با یکدیگر تاکید کرد و افزود: یونان همیشه دروازه ایران به اروپا خواهد بود.

دیدار وزیر خارجه یونان با دبیر شورای عالی امنیت ملی

معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه یونان صبح دیروز با علی شمخانی نماینده مقام معظم رهبری و دبیر شورای عالی امنیت ملی هم دیدار و گفتگو کرد.

به گزارش مهر، شمخانی در این دیدار با اشاره به سوابق تاریخی و تمدنی دو کشور، بر لزوم گسترش همکاری ها و تقویت مناسبات در زمینه های مختلف سیاسی و اقتصادی تاکید کرد.

نماینده مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت ملی با اشاره به حوادث اوکراین و سوریه، التزام به قواعد دموکراسی و احترام به خواست مردم را یگانه راه حل این کشورها دانست و افزود: همه کشورها باید در زمینه فراهم کردن شرایط برای انتخاب آزادانه مردم برای تعیین سرنوشت دلخواهشان همکاری کنند.

شمخانی گفت: دخالت خارجی و گسترش خشونت و تروریسم نه فقط بر ضد امنیت و ثبات بین‌المللی است بلکه حامیان آنها را نیز درگیر مشکلات لاینحل خواهد کرد.

اوانجلوس ونیزلوس معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه یونان هم در این دیدار با تاکید بر دیپلماسی به عنوان یگانه راه حل موضوع هسته ای گفت: یونان به عنوان رئیس دوره ای اتحادیه اروپا با استقبال از توافقات میان ایران و کشورهای ۱+۵ وظیفه دارد فضای همکاری های اقتصادی و سیاسی میان ایران و این اتحادیه را تسهیل کند .

وی با اشاره به پیوندهای محکم تاریخی و فرهنگی میان ایران و یونان افزود: جمهوری اسلامی ایران کشوری با ثبات و شکوفاست که غرور ملی، خودباوری و نظم در آن نهادینه شده است.

و اما بعد...

به امید دیدار

علی اکبر عبدالرشیدی

راستش را بخواهید چند سالی است که دوست داشتم در شب سال نو چنین مطلبی بنویسم و منتشر کنم، اما دلم نمی‌آمد در چنین ساعاتی از سال و در آستانه عید از این قبیل حرف‌ها بنویسم.

تا این که چند روز پیش آمار تکاندهنده‌ای از سوی سازمان پزشکی قانونی منتشر شد که احساس کردم این مطلب را بالاخره باید بنویسم.

خبر این بود که در پنج سال گذشته فقط در ۱۳ روز آغازین سال نو، حدود ٦۳۵۷ نفر از مردم کشورمان در تصادفات رانندگی جاده‌ای کشته شده اند. می‌دانیم هر هواپیمای ایرباس از نوع A.۳۳۰,۲۰۰ بالغ بر ۲۵۳ مسافر حمل می‌کند. ٦۳۵۷ کشته معادل تلفات ناشی از سقوط ۲۵ هواپیمای ایرباس خواهد بود.

متوسط این تلفات برای هر نوروز حدود ۱۲۷۰ نفر است، یعنی معادل تلفات ناشی از سقوط پنج هواپیمای ایرباس در هر نوروز یا روزی حدود ۱۰۰ نفر کشته.

تصور کنید اگر در طول ۱۳ روز در یک کشور پنج هواپیمای مسافربری سقوط کنند ـ یعنی هر دو روز روز یک هواپیما ـ چه رکوردی در دنیا می‌شکند، اما با کشته‌های زمینی؟ چه عرض کنم!

این فقط آمار کشته‌هاست. آمار مجروحان و معلولان و تعداد کسانی که تا آخر عمر علیل و ناتوان روی صندلی چرخدار یا در بستر خواهند ماند جای خود را دارد. تعداد خانواده‌هایی هم که در اثر این تصادفات از نظر مادی و احساسی نابود می‌شوند، به کنار.

باور می‌کنید این روزها خیلی افراد پیدا می‌شوند که ترجیح می‌دهند در ایام نوروز در خانه بمانند و با همسر و فرزندانشان به سفر نروند. چرا؟ برای این که می‌ترسند. نگران هستند که مبادا راننده خام، بی‌احتیاط و کم تجربه‌ای در یک خطای رانندگی، هم خود را به کشتن بدهد و هم مسافران خودروهای دیگر را.

به اعتباری، کسانی که قصد سفر زمینی نوروزی دارند نمی‌دانند خودشان، همسرشان و فرزندانشان در پایان سفر سالم به خانه بر می‌گردند، یا نه.

موضوع را از زاویه تلخ دیگری هم می‌توان دید. آن این که حدود ۱۲۰۰ نفر از کسانی که در نوروز ۱۳۹۳ در لحظه سال تحویل در کنار خانواده و عزیزانشان سر سفره هفت سین می‌نشینند، سیزده‌به‌در همین سال را نخواهند دید و بسیاری بیشتر، سال آینده عزادار، مجروح، معلول و ناتوان، اصلاً نای نشستن سر سفره هفت سین بعدی را نخواهند داشت.

حساب هزینه، وقت، گرفتاری، افسردگی، پاشیده شدن بنیان خانواده‌ها، وقت دادگاه‌ها، زندانی شدن راننده‌های مقصر، تعهدات دیه، هزینه‌های درمانی بعد از تصادف، دارو، پزشک، درمان و بسیاری موضوعات دیگر را هم حساب کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که در ایام نوروز رانندگانی موجب بروز این همه خسارت ناخواسته می‌شوند که یا قانون را نمی‌دانند، یا آیین‌نامه رانندگی را بلد نیستند، یا نقص فنی اتومبیلشان را قبل از سفر از بین نمی‌برند؛ یا همین چند روز پیش گواهینامه گرفته‌اند و آنقدر بی‌تجربه هستند که از خطرات جاده‌ای اطلاعی ندارند؛ یعنی نمی‌دانند رانندگی در بیابان بسیار متفاوت و دشوارتر از رانندگی در خیابان‌های پر ترافیک شهرهاست.

همین رانندگان خودسر و بی احتیاط با چنین سابقه‌ای، جاده‌ها را ناامن می‌کنند و هم جان خود و عزیزانشان را و هم دیگران را به خطر جدی می‌اندازند.

بد نیست آرزو کنیم که امسال با توصیه‌های شما خوانندگان عزیز این نوشته به اعضای خانواده و دوستانتان و به ویژه به فرزندان جوانتان، هیچیک از ۱۲۰۰ نفری که قرار است سیزده به در را نبینند، جزو خانواده و دوستان شما نباشند. از آن بالاتر خدا کند این رقم به کمترین حد ممکن برسد. طبعا تنها راه آن هم احتیاط و رانندگی در چارچوب آیین نامه‌ها و در قالب موازین فنی است. همین!

الهی که روز ١٤ فروردین باز هم همدیگر را ببینیم.

اصلاً! ۱۰۰ سال به از این سال‌ها.

آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی: تیرگی روابط ایران و غرب به زیان دو طرف است

آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی صبح دیروز در دیدار معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه یونان، با ابراز تأسف از توقفی که در سال‌های گذشته در روابط دوجانبه ایجاد شد، گفت: یونان و کشورهای اتحادیه اروپا باید هوشیار باشند تحت القائات دیگران، اشتباهات گذشته تکرار نشود.

وی تیرگی روابط ایران و غرب را به زیان دو طرف دانست و گفت: منطقه ما به عنوان منبع انرژی دنیا باید آرامش داشته باشد و ایران به خاطر موقعیت‌های جغرافیایی، تاریخ و سیاسی، محور امنیت در منطقه است.هاشمی رفسنجانی گفت: نباید نوع نگاه اتحادیه اروپا به مسائل جهانی بر اساس رضایت آمریکا و تحت تأثیر لابی صهیونیست باشد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، سلاح هسته‌ای‌را وسیله‌ای‌برای‌قتل‌عام‌ونسل‌کشی‌دانست و گفت: ایران براساس تعالیم اسلامی و انسانی به دنبال ابزار بهتر کردن زندگی است. وی با اشاره به اتفاقات چند سال اخیر یونان و مشکلات اقتصادی، گفت: حتما به عنوان مسئولان یونانی بررسی کرده‌اید که چرا زودتر از دیگر کشورهای اروپایی دچار رکود اقتصادی شده‌اید.اوانگلوس ونیزلوس هم در این دیدار با تشریح اهداف سفر خویش به تهران، به دیدارهایش با مسئولان جمهوری اسلامی ایران، به خصوص وزیر امور خارجه اشاره کرد و گفت: آماده هستیم روابط و همکاری‌ها را در چارچوب نظم جهانی ادامه بدهیم.

مخالفت نمایندگان مجلس با طرح مسائل دفاعی در مذاکرات هسته‌ای

سرویس پارلمانی: بررسی لایحه یک فوریتی «اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم»، در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی ادامه یافت و در پی تصویب چند ماده دیگر آن، مقرر شد برای شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی، اطلاعات مالی، پولی، اعتباری، معاملاتی، سرمایه‌ای و ملکی اشخاص حقیقی و حقوقی در پایگاه اطلاعات سازمان امور مالیاتی کشور جمع آوری شود.

همچنین بندهای ۳۸ و ٤٤ این لایحه برای بازنگری در اختیار کمیسیون اقتصادی قرار گرفت و تمامی پرداختها به بازنشستگان مشمول دریافت مالیات شد.

گزارش مواد اصلاح شده را در زیر می‌خوانید:

براساس بند ۳۳ معادل ۱۰۰ درصد سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط بخش غیردولتی در طرح‌های تولیدی، معدنی، خدماتی، از کل درآمد مشمول مالیات ابرازی کسر و مالیات آن به نرخ صفر محاسبه می‌شود.

این معافیت‌ها شامل درآمد واحدهای تولیدی و معدنی مستقر در شعاع ۱۲۰ کیلومتری مرکز تهران، ۵۰کیلومتری مرکز اصفهان و ۳۰ کیلومتری مراکز استان‌ها و شهرهای دارای بیش از ۳۰۰ هزار نفر جمعیت به جز شهرک‌های صنعتی مستقر در شعاع ۳۰ کیلومتری مراکز استان‌ها و شهرهای مذکور خواهد بود.

در دیگر بندهای اصلاح شده، ۱۰۰ درصد درآمد شرکت تعاونی مرزنشینان، درآمد آموزشگاه‌های فنی حرفه‌ای آزاد که زیر نظر سازمان آموزش فنی حرفه‌ای کشور فعالیت می‌کنند، وجوه پرداختی بابت انواع بیمه‌های عمر و زندگی و فعالیت‌های قرآنی، از پرداخت مالیات معاف شد.

براساس بند دیگر، برای شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و استقرار نظام یک پارچه اطلاعات مالیاتی، پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مؤدیان مالیاتی، شامل مواردی مانند اطلاعات مالی، پولی و اعتباری، معاملاتی، سرمایه‌ای و ملکی اشخاص حقیقی و حقوقی، در سازمان امور مالیاتی کشور، ایجاد خواهد شد.

وزارتخانه‌ها، نهادهای دولتی، شهرداری‌ها، مؤسسه‌های وابسته به دولت و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی ـ اعتباری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و دیگر اشخاص حقوقی، اعم از دولتی و غیردولتی که اطلاعات مورد نیاز این پایگاه را در اختیار دارند یا به نحوی موجبات تحصیل درآمد و دارایی برای اشخاص را فراهم می‌کنند موظفند اطلاعات هویتی و مکانی اشخاص حقیقی و حقوقی، مجوزهای فعالیت اقتصادی و معاملات تجاری، اطلاعات معاملاتی، اطلاعات مربوط به خرید و فروش ارز و سکه طلا، اطلاعات بیمه نامه‌ها و خسارت‌های پرداختی، بارنامه و صورت وضع حمل و نقل بار و مسافر، اطلاعات مالی، پولی، اعتباری و سرمایه‌ای، گردش سالانه نقل و انتقال سهام و دیگر اوراق بهادار، جمع گردش و مانده سالانه انواع حساب‌های بانکی، سپرده‌ها و سود آن‌ها، تسهیلات بانکی ارزی و ریالی و اطلاعات مربوط به دارایی‌ها، اموال، املاک و نقل و انتقال آن‌ها را در اختیار سازمان امور مالیاتی کشور قرار دهند.

شرایط برقراری معافیت مالیاتی

معافیت‌های مالیاتی زیر به عنوان مالیات به نرخ صفر منظور می‌شود و در صورت ارائه نشدن اظهارنامه مالیاتی و دفاتر و اسناد و مدارک مربوط در موعد مقرر، مؤدی برابر احکام و ضوابط قانونی مشمول مالیات، جریمه و مجازات می‌شود:

معافیت‌های مربوط به درآمد شرکت‌های تعاونی روستایی، عشایری، کشاورزی، صیادی، کارگری، کارمندی، دانش آموزی و دانشجویی، درآمد حاصل از مدارس غیر انتفاعی نهادهای فنی حرفه‌ای، دانشگاهی، مؤسسه‌های نگاهداری معلولان و باشگاههای ورزشی، کمک و هدایای دریافتی، صندوق‌های پس انداز بازنشستگی، سازمان بیمه خدمات درمانی و سازمان تأمین اجتماعی، حق بیمه، کمک‌ها و هدایای دریافتی توسط مدارس علوم اسلامی، نهادهای انقلاب اسلامی، درآمد صندوق عمران موقوفات کشور، مؤسسه‌های خیریه، کمک‌های دریافتی از سوی احزاب، انجمن‌ها و تشکل‌های غیر دولتی، موقوفات و کمک‌های دریافتی هیأت‌های مذهبی مربوط به اقلیت‌های دینی، فعالیت‌های انتشاراتی، مطبوعاتی و قرآنی، درآمد برگزاری دوره‌های آموزشی و سمینارها، درآمد کارگاههای فرش دست‌بافت، صنایع دستی و شرکت‌های تعاونی، اتحادیه‌های تولیدی و نقل‌وانتقال سهام و اوراق بهادار.

مالیات مضاعف

به گزارش خبرنگار پارلمانی اطلاعات، به‌هنگام بررسی این لایحه، چندتن از نمایندگان، از جمله علی‌رضا محجوب، دریافت مالیات از بازنشستگان را غیرعادلانه ارزیابی کردند و احمد توکلی، محتوای بسیاری از اصلاحات انجام شده را نوعی مالیات مضاعف دانست و خواستار مسکوت ماندن لایحه شد که با اعتراض کتبی دولت مورد موافقت قرار نگرفت.

حجت‌الاسلام و المسلمین سیدمحمد حسن ابوترابی‌فرد، به عنوان رئیس جلسه در پاسخ به تذکرات نمایندگان اظهار امیدواری کرد که مطالبات ایثارگران هرچه زودتر پرداخت شود. بنابراین گزارش، در این جلسه از ۱۳ تن از نمایندگان به عنوان فرزند شهید تجلیل و تقدیرنامه‌هایی به رسم یادبود به آنان اهدا شد. بر پایه این گزارش، ۱۸۱ تن از نمایندگان در بیانیه‌ای خواستار جلوگیری از تضییع حقوق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در جریان مذاکرات ژنو شدند.

در این بیانیه تأکید شده است: هیأت مذاکره کننده در هر مرحله از مذاکرات باید در این راستا حرکت کند و به هیچ عنوان نباید از حقوق هسته‌ای ملت ایران عقب نشینی کند.

همچنین هرگونه توافق با گروه «۱+۵» نباید برخلاف معاهده «ان.پی.تی» باشد و هیچ‌گونه محدودیت و ممنوعیتی برای فعالیت‌های مربوط به توسعه راکتور آب سنگین اراک و غنی‌سازی ایجاد نشود.

از طرح موضوعات دفاعی، مانند توان موشکی، در جریان مذاکرات هم باید جلوگیری شود.

دور تازه مذاکرات ایران و ۱+۵ فردا در وین آغاز می‌شود



وزیران خارجه ایران و بلاروس در تهران مذاکره کردند

وزیر امور خارجه کشورمان گفت در مذاکرات فردا در وین درباره غنی‌سازی، آب‌سنگین اراک، همکاری‌های بین‌المللی در حوزه فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و رفع تحریم‌ها گفت‌وگو می‌شود.

به گزارش فارس، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان دیروز پس از دیدار و گفتگو با ولادیمیر ماکی همتای بلاروسی خود در نشست خبری مشترک حضور یافت.

وی در پاسخ به سئوالی در باره دومین دور مذاکرات ایران و ۱+۵ در وین در باره گام پایانی توافقنامه ژنو که قرار است از فردا در این شهر برگزار شود، گفت: هرچه مذاکرات به جلو برود دقیق‌تر، ریزتر، جدی‌تر و دشوارتر می‌شود و این دور در مقایسه با دور قبل بحث جدی‌تر ، ریزتر و دشوارتر خواهد بود.

وی با بیان این که ما توقع توافق در این دوره از مذاکرات را نداریم خاطرنشان کرد: قرار نبوده است این دور به توافق منجر شود.

رئیس دستگاه دیپلماسی افزود:ابعادبرنامه‌صلح‌آمیزهسته‌ای ایران‌به‌ویژه‌غنی‌سازی، آب‌سنگین اراک و همکاری‌های بین‌المللی در حوزه فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای که از تعهدات ۱+۵ در برنامه اقدام مشترک و تعهدات قراردادی آنها در چارچوب بند ۲ ماده ٤ معاهده منع تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و رفع تحریم‌هاست که در نشست وین به آن پرداخته می‌شود.

ظریف توضیح داد: هدف این جلسه بیشتر تبادل نظر است که البته تا حدی در جلسه کارشناسی که حدود دو هفته قبل در وین برگزار شد، مباحث اولیه صورت گرفت.

وزیر خارجه با بیان این که سطح این نشست چون گذشته است، گفت: هدایت مذاکرات با بنده و خانم اشتون است و اصل مذاکره توسط مدیران سیاسی و معاونان وزرای خارجه ایران و ۱+۵ صورت می گیرد و بنده مسئولیت نظارت بر کارها را برعهده دارم.

وزیر خارجه اضافه کرد: بعید می‌دانم در این دور از مذاکرات ضرورتی پیدا شود که وزرای خارجه ۱+۵ به این مذاکرات بپیوندند. البته هرچه پیش برویم ممکن است این ضرورت در مراحل بعدی بیشتر ایجاد شود و معمولاً بر حسب ضرورت سطح مذاکرات تغییر کرده است.

وی گفت: ما در همه این حوزه‌ها در مورد نحوه ایجاد اعتماد صحبت می‌کنیم و نه در مورد برنامه هسته‌ای ایران.

ظریف تصریح کرد: برنامه هسته‌ای ایران چه در حوزه غنی‌سازی و چه در حوزه اراک و چه در مورد سایر موضوعاتی که در برنامه هسته‌ای ما وجود دارد ادامه می‌یابد. آمادگی داریم که ایجاد اطمینان کنیم که این برنامه همواره صلح‌آمیز خواهد بود و بارها اعلام کرده‌ایم که مقام معظم رهبری نیز فتوایی در این خصوص صادر کرده‌اند. ما هیچ منفعت سیاسی، نظامی و امنیتی در داشتن سلاح‌هسته‌ای نمی‌بینیم و این را خلاف شرع می‌دانیم.

رئیس دستگاه دیپلماسی درباره اقدامات دستگاه دیپلماسی درباره ۵ مرزبان ربوده شده و همچنین دیپلمات ایرانی ربوده شده در یمن بیان کرد: موضوع گروگان‌های ایرانی چه ۵سرباز عزیزی که توسط گروه‌های تروریستی ربوده شده‌اند و چه وضع دیپلمات گروگان‌گرفته شده در یمن از موضوعات بسیار مهمی است که وزارت خارجه را به لحاظ وظیفه رسمی و هم به لحاظ یک نگرانی انسانی مشغول به خود کرده است.

وی اضافه کرد: در آستانه سال نو به خانواده‌های این افراد که همه برای خدمت به این آب و خاک و پاسداری از مرزها و حقوق مردم ایران تلاش کرده و در این تلاش مقدس به دست گروه‌های افراطی افتاده‌اند اعلام می‌کنم که ما به عنوان اعضای یک خانواده بزرگتر خدمتگزاران به این آب و خاک خود را همراه آنها می‌دانیم و از هیچ کوششی برای آزادی آنها فروگذار نخواهیم کرد.

وزیر خارجه با بیان این که تلاش‌ها در مسیرهای مختلف دیپلماتیک از جمله با پاکستان، یمن و سایر اطراف ذیربط ادامه دارد بیان کرد: امیدواریم با همکاری و هماهنگی همه کشورها در این منطقه که معتقدیم تروریست و افراط به نفع هیچکس نیست و هیچکس از این بلیه در امان نخواهد بود، این افراد هرچه سریعتر به آغوش خانواده خود برگردند.

رئیس دستگاه دیپلماسی افزود: توقع ما از دولت پاکستان و یمن این است که سلامت اتباع ما را تضمین کرده و از هر اقدامی برای آزاد کردن آنها و بازگرداندن سالم و سریعشان به خانواده‌هایشان فروگذار نکنند.

رئیس دستگاه دیپلماسی همچنین در پاسخ به سئوالی درباره برگزاری همه‌پرسی در کریمه با اشاره به اظهارات همتای بلاروسی خود دراین باره گفت: ما نیز دیدگاهمان با بلاروس یکسان است. وضع در اوکراین باید بر اساس حقوق بین‌الملل و خواست مردم و بدون توسل به زور و جلوگیری از ترویج افراط‌گرایی و خشونت به راه‌حلی دست یابد که برای منطقه آرامش ایجاد کند.

وی با بیان این که جهان ما آماده تنش و درگیری جدیدی نیست، خاطرنشان کرد: امیدواریم از طریق گفتگو موضوع به راه حل منجر شود. رئیس دستگاه دیپلماسی در ابتدای این نشست خبری با بیان این که این آخرین نشست خبری‌اش در سال ۹۲ با خبرنگاران است پیشاپیش سال نو را تبریک گفت و افزود: امیدوارم سال خوب و پرباری داشته باشید.

وی با بیان این که روابط ایران و بلاروس در همه حوزه‌ها از جمله سیاسی،اقتصادی،فرهنگی،علمی، امنیتی و دفاعی رو به گسترش است، گفت: روابط ما علیه هیچ کشور و جای دیگری نیست و مبتنی بر نیازهای مردم و زمینه‌ها و مشترکات دو ملت است.

وزیر خارجه کشورمان از دولت بلاروس به خاطر حمایت‌هایش از جمهوری اسلامی ایران قدردانی کرد و افزود: ما نیز در همه موارد از بلاروس حمایت کردیم.ظریف از سفر علی لاریجانی رئیس مجلس در اوایل سال آینده شمسی به بلاروس خبر داد و گفت که اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور قرار است در آینده نزدیک در تهران برگزار شود.

رایزنی وزرای خارجه ایران و تاجیکستان

وزرای خارجه جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان هم با مرور موضوعات دوجانبه تحولات منطقه آسیای میانه و افغانستان را مورد تبادل نظر قرار دادند.

وزیر امور خارجه کشورمان در این دیدار با تبریک فرارسیدن ایام سال جدید و عید نوروز و با اشاره به مشترکات گسترده فرهنگی فیمابین، توسعه همکاری‌های دو کشور در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و علاقه جمهوری اسلامی ایران به گسترش روابط مستحکم و برادرانه با ملت و دولت تاجیکستان مبتنی بر فرهنگ و تاریخ مشترک را مورد تاکید قرار داد.

ظریف همچنین آمادگی ایران برای همکاری با تاجیکستان در حوزه امنیتی، مبارزه با تروریسم و افراط گرایی به عنوان تهدید مشترک برای دو کشور را مورد اشاره قرار داد و اعلام کرد: هیچ سقفی برای گسترش همکاری های دو کشور وجود ندارد.

سراج الدین اصل اف وزیر امور خارجه تاجیکستان هم در این دیدار با ابلاغ سلام های گرم و صمیمی رئیس جمهوری و مردم تاجیکستان به مردم کشورمان و تبریک متقابل به مناسبت فرارسیدن نوروز، موفقیت‌های دیپلماتیک ایران در توافق مقدماتی با گروه ۱+۵ را تبریک گفته و حق ایران برای بهره برداری صلح آمیز از انرژی هسته ای را مورد تاکید قرار داد.وزرای خارجه ایران و تاجیکستان علاوه بر موضوعات دوجانبه روند تحولات در منطقه آسیای میانه و افغانستان را نیز مورد تبادل نظر قرار دادند.

دکتراحمدیان:

اولویت احداث نیروگاه‌های جدید هسته‌ای باحاشیه خلیج فارس و دریای عمان است

معاون نیروگاهی سازمان انرژی اتمی گفت: ١٦ ساختگاه به عنوان ساختگاه‌هایی که اولویت بیشتری دارند انتخاب شده‌اند که عمدتا در حاشیه خلیج فارس و دریای عمان هستند .البته در داخل پهنه کشورهم می توان ساختگاه در نظر گرفت اما اولویت با مناطق جنوبی کشور است.

به گزارش فارس، محمد احمدیان با بیان این که نیروگاه هسته‌ای بوشهر به دلیل شرایطش باید در کنار دریا واقع شود گفت: راکتور نیروگاهی مانند بوشهر حدود سه هزار مگاوات حرارت تولید می کند.

از این سه هزار مگاوات، هزار مگاوات در ژنراتور تبدیل به برق می‌شود و دو هزار مگاوات دیگر باید به نوعی از سیکل دوم نیروگاه تخلیه شود و این کار نیاز به حجم بالایی آب دارد و بر این اساس نیروگاه در کنار دریا احداث شده است. در عین حال ملاحظات زیست محیطی اقتضاء می کند که درجه حرارت آبی که برای خنک کردن راکتور نیروگاه مورد استفاده قرار می گیرد در زمان بازگشت به دریا خیلی بالا نباشد. بر این اساس به حجم بالایی آب نیاز است و احداث در کنار دریا یا رودخانه‌های پر آب گزینه اصلی است. ما در ایران رودخانه‌های پر آب نداریم و بنابراین در کنار دریا بهترین مکان برای احداث چنین نیروگاه‌هایی است.

احمدیان با بیان این که بعد از تکلیفی که مجلس شورای اسلامی برای سازمان انرژی اتمی با تصویب قانون مشخص کرد، این سازمان موظف است زمینه‌های احداث تا بیست هزار مگاوات نیروگاه هسته‌ای را فراهم کند گفت: به دنبال این قانون، سازمان انرژی اتمی به طور طبیعی در فکر ساختگاه‌های این نیروگاه‌ها بود. به دنبال آن کل کشور به شش منطقه تقسیم شد و کار هر منطقه را به یک شرکت مهندسی مشاور عهده دار شد و البته یک شرکت مهندسی مشاور مادرهم هماهنگی این شش شرکت را بر عهده گرفت.

جانمایی ١٦ نیروگاه جدید

وی افزود: بر اساس مطالعات انجام شده ١٦ ساختگاه منتخب وجود دارد که ۱۰ مورد آن که در حاشیه خلیج فارس و دریای عمان هستند در اولویت بالاتری قرار دارند. هر کدام از این ها می توانند چندین واحد هسته‌ای را در خود جای دهند. بر این اساس برای ظرفیت‌های فوق العاده بالای برق هسته‌ای در کشور هم می توان مدعی شد که اکنون به اندازه کافی ساختگاه در نظر گرفته شده است. این باعث می شود در برنامه ریزی‌های آینده کشور برای توسعه مناطقی که نزدیک این ساختگاه‌هاست این واقعیت که ممکن است نیروگاه هسته‌ای در مجاورت آن باشد، مد نظر قرار گرفته شود.

معاون نیروگاهی سازمان انرژی اتمی و مدیرعامل شرکت تولید و توسعه انرژی اتمی ایران خاطرنشان کرد: مطالعات ما در ایران نشان می دهد با توجه به شرایط خاص کشور و با در نظر گرفتن هزینه استفاده از سوخت‌های فسیلی، اگر سوخت رایگان در اختیار نیروگاه‌های تولید برق قرار داده شود، هیچ نیروگاهی در جهان قدرت رقابت با نیروگاه‌های تولید برق با سوخت فسیلی ما را نخواهد داشت اما اگرارزش واقعی گاز و سایر سوخت‌های فسیلی را با توجه به شرایط خاص کشورمان لحاظ کنیم، آمارها نشان می دهد که برای بار پایه، نیروگاه‌های هسته‌ای برای تولید برق می توانند گزینه مناسبی باشند و هزینه برق تولیدی این نیروگاه‌ها نسبت به نیروگاه‌های رقیب(نیروگاه‌های ترکیبی) مناسب تر است.

این در حالی است که سوخت‌های فسیلی محدود و رو به اتمام هستند و می توان از آن ها در موارد مهمی چون خوراک صنایع پتروشیمی با صرفه اقتصادی بالاتر استفاده کرد. این موضوع از منظر علمی و کارشناسی کاملا مورد بررسی قرار گرفته و اثبات شده است .

احمدیان با بیان این که راکتور آب سنگین اراک در حال به سرانجام رسیدن است گفت: پروژه اراک در زمانی مطرح شد که کشور تصمیم گرفت برخی از نیازهای خود را که در یک راکتور تحقیقاتی قابل انجام است برنامه‌ریزی کند. در آن مقطع هنوز بحث غنی سازی در کشور شروع نشده بود. بر این اساس مسئولان دو مسیر را انتخاب کردند؛ یکی دنبال کردن بحث‌های غنی سازی برای آن که بتوانیم سوخت مورد نیاز راکتورهایی که به اورانیوم غنی شده نیاز دارند را تامین کنیم و یکی هم تاسیس راکتور آب سنگین اراک بود که نیازی به سوخت غنی شده ندارد.

خوشبختانه هر دو مسیر موفق شد. اکنون کشور هم در غنی سازی به دستاوردهای خوبی رسیده است و هم راکتور آب سنگین اراک در حال به سرانجام رسیدن است. بنابراین هدف اصلی از تاسیس راکتور اراک ایجاد یک تاسیسات تحقیقاتی بود که سوخت آن به امکانات غنی سازی نیاز نداشته باشد.

مدیرعامل شرکت تولید و توسعه انرژی اتمی ایران با اشاره به این که نیروگاه دارخوین با حداکثر توان ساخت داخل در دستور کار است گفت: کل تجهیزات نیروگاه بوشهر از روسیه خریداری شده است اما پروژه دیگری را در سازمان انرژی اتمی دنبال می کنیم به نام پروژه دارخوین که در قالب آن هدف این است که یک نیروگاه با توان متوسط با استفاده از توان و تکنولوژی داخلی ساخته شود. مطالعات انجام شده نشان می دهد که قابلیت ساخت بسیاری از تجهیزات مدار اول در داخل کشور وجود دارد اما با در نظر گرفتن همان واقعیتی که اشاره داشتم یعنی ساخت داخل این تجهیزات زمان بر است و به شدت هزینه‌ها را افزایش می دهد. اینجا با توجه به شرایط باید تصمیم گرفت. یکی از عوامل این است که در کنار ساخت این مجموعه چه قابلیت‌های صنعتی جدیدی احداث خواهد شد که می تواند در سایر موارد برای کشور مفید باشد.

نشست «آزادی مسئولانه و تعطیلی رسانه‌ها» برگزار شد

«آزادی مسئولانه و تعطیلی رسانه‌ها» عنوان نشستی بود که در دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه برگزار شد و موضوع‌هایی مانند معنای آزادی، دلایل توقیف رسانه‌ها، خلأهای قانونی، تدوین کردن یک نظام حقوقی مدون و تاریخ توقیف مطبوعات، در آن مطرح شدند.

به گزارش ایسنا، در این نشست تخصصی که صبح دیروز در دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، امیر محبیان، حسن نمکدوست تهرانی، کامبیز نوروزی، سیدفرید قاسمی، مجید رضاییان، محمدمهدی فرقانی، الیاس حضرتی، هادی خانیکی، محمد سلطانی فر و سید محمود دعایی حضور داشتند.

در ابتدای این نشست، محمد سلطانی فر – رییس دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها – با بیان این که بحثی که سال‌ها مطرح بوده، تعطیلی رسانه‌های کشور و دلایل آن است، اظهار کرد: متأسفانه تعطیلی رسانه‌ها هر روز سایه‌اش را بر سر مطبوعات کشور بیشتر پهن می کند و ما نمی دانیم آیا چنین مجازاتی قابل جایگزینی هست یا خیر. این که رسانه‌ها با توجه به تکثرشان از آزادی نسبی برخوردار باشند، حق آن‌هاست؛ اما موضوعاتی که امروز در این نشست مطرح می‌شود، این است که آیا رسانه‌ها قابلیت کنترل توسط دولت‌ها را در درون خود دارند؟ آیا رسانه‌ها در قبال آنچه می نویسند مسوول هستند یا خیر و آیا این مسوولیت آزادی‌شان را سلب می کند؟ حدود آزادی رسانه‌ها باید تا کجا باشد؟

او ادامه داد: سه دیدگاه در زمینه‌ی آزادی رسانه‌ها و مسوولیت آن‌ها وجود دارد؛ نخست آن‌که مردم خودشان آنقدر فهم دارند که می توانند خوب را از بد تشخیص دهند و نیاز به کنترل آن‌ها نیست. در دیدگاه دوم، رسانه‌ها با در نظر گرفتن منافع ملی قادرند با رعایت مسوولیت‌های اجتماعی جلوی سوءاستفاده‌های احتمالی را بگیرند و در این شرایط، اگر رسانه‌ای اشتباه کرد، ناخودآگاه با بی‌محلی مخاطب روبه‌رو می‌شود.

سلطانی‌فر در توضیح دیدگاه سوم، گفت: چون امروز تولیدکنندگان پیام، مردم هستند امکان هر نوع سوءاستفاده‌ای می تواند وجود داشته باشد و هرچقدر هم مکانیزم‌های مختلفی برای کنترل پیام به‌کار گرفته شود، باز هم پیام منتقل خواهد شد. حالا این پرسش به‌وجود می آید، در فضایی که مردم تولیدکننده‌ی پیام هستند چه کسی باید این کنترل پیام را در نظر داشته باشد؟ مردم، نهادهای صنفی یا حکومت.

رییس دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه با تأکید بر این‌که تعطیل کردن رسانه‌ها به‌عنوان اولین قدم از سوی دولت برداشته می‌شود، تصریح کرد: فضایی که از پس این تعطیلی به‌وجود می آید، سبب هدر رفتن سرمایه‌های فکری، پیوستن روزنامه‌نگاران به خیل بی کاران، افزایش فضای شک و میل به خودسانسوری و عدم امنیت می‌شود. رشد رسانه‌های مجیزگو و پایین بودن عمر مطبوعات که در سال‌های اخیر به‌شدت شاهد آن بوده‌ایم، از دستاوردهای همین اتفاق است.

او با بیان این‌که می توان راهکارهایی را برای جلوگیری از به‌وجود آمدن چنین فضایی پیش‌بینی کرد، افزود: باید فضایی را ایجاد کنیم که اگر رسانه‌ای تخلف کرد، بتواند در آن فضا اشتباه‌های خود را جبران کند و به سامان‌دهی آن اشتباه‌ها بپردازد. همچنین مسوولان، آستانه‌ی تحمل خود را بالا ببرند. اگر رسانه‌ای درپی اولین اشتباه، تعطیل شود، مردم به‌دنبال آن می‌روند که ببینند آن رسانه چه‌چیز را منتشر کرده و این، همان «تشویش اذهان عمومی» است.

محمدمهدی فرقانی نیز در این نشست گفت: روزنامه‌نگاری ما با وجود ۱۷۰ سال قدمت، هنوز حرفه‌ای نیست و ساختارها و نهادهای لازم آن شکل نگرفته‌اند. در نتیجه، ما یک روزنامه‌نگاری به حال خود رهاشده داریم.

این استاد رشته ارتباطات با بیان این‌که نتیجه روزنامه‌نگاری‌ای که در آن، هر کسی به حال خودش رها شده، این است که هر کسی به خود اجازه می‌دهد تا با نهاد رسانه، برخورد و برای آن تعیین تکلیف کند، اظهار کرد: تصور غالب در برخی دولت‌مردان ما این بوده که اگر اعتماد مردم نسبت به آن‌ها کم است، دلیلش رسانه‌ها هستند. بنابراین تلاش کردند که اعتماد مردم را نسبت به رسانه‌ها سلب کنند تا اعتماد مردم به آن‌ها بیشتر شود. دولت‌مردان ما فکر کردند اگر بگویند روزنامه‌نگاران، افرادی بیگانه و مزدور هستند، در نهایت، اعتماد عمومی را نسبت به دولت بالا می‌برند. در حالی که تحقیقات چیز دیگری را نشان می‌دهد.

او با اعتقاد به این‌که با توجه به خاستگاه تاریخی مطبوعات، همیشه رابطه‌ی مستقیمی میان اعتماد مردم به رسانه‌ها و اعتماد مردم به دولت وجود داشته است، بیان کرد: این تحقیقات نشان می‌دهد که هرگاه رابطه دولت و ملت خوب نبوده، رابطه مردم با رسانه‌ها نیز خوب نبوده است. در صورتی که هرگاه رابطه‌ی مردم با رسانه‌ها مناسب بوده، ضریب امنیت اجتماعی و اعتماد عمومی به دولت بیشتر بوده است. چنین نتیجه‌ای نشان می‌دهد که دولت‌مردان ما باید زمینه‌ی اعتماد مردم را به رسانه‌ها بیشتر فراهم کنند.

این استاد رشته‌ی ارتباطات با بیان این‌که ساختار حرفه‌ای، ارکان ویژه‌ی خود را دارد، افزود: آموزش تخصصی، وجود تشکل‌های صنفی، استقلال حرفه‌ای، امنیت شغلی، استقلال اقتصادی، وجود نظام پرداخت مشخص، شورای عالی مطبوعات و میثاق اخلاق حرفه‌ای از جمله‌ی این ارکان هستند که تحقق آن‌ها، در نگاه کلان به نفع دولت و جامعه است.

هادی خانیکی نیز در ادامه‌ی این نشست، اظهار کرد: طول عمر مطبوعات ما بسیار کم است و تاریخ مطبوعات نشان می‌دهد که روزنامه‌نگاری ما جزو مشاغل لرزان به‌شمار می‌رود. این استاد رشته ارتباطات با گرامی داشتن یاد دکتر معتمدنژاد – پدر علوم ارتباطات در ایران – گفت: ما در ابتدا باید بدانیم که مشکل رسانه‌های ما کجاست؛ مشکل اصلی رسانه‌های ما، این است که ما ارزیابی درستی از موقعیت مطبوعات در نظام اطلاع‌رسانی نداریم. برخی دیدگاه‌ها در حکومت، نقش مطبوعات را بیش از آنچه که هست، می‌دانند بنابراین با اشتباه آن‌ها، بزرگ‌تر از حد واقعی رفتار می‌کنند.

او ادامه داد: ما تا کنون دچار یک سوءتدبیر و سوءتفاهم درباره‌ی جایگاه تاریخی مطبوعات بوده‌ایم. ما نمی‌دانیم مطبوعات ما عقلانیت جامعه را بیشتر می‌کنند یا زاده‌ی هیاهو هستند. همچنین سنت و تبار مطبوعات موضوع دیگری است که نشان می‌دهد طول عمر مطبوعات ما هیچ‌گاه به درازا نینجامیده است.

بقیه در صفحه ۱۴

وزیر ارشاد: بانک اطلاعاتی هنرمندان و طراحان مد و لباس ایجاد می شود



وزیر ارشاد گفت: ایجاد بانک اطلاعاتی هنرمندان و طراحان مد و لباس از جمله برنامه های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است .

به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، "علی جنتی" که در آیین پایانی سومین جشنواره بین‌المللی مد و لباس سخن می گفت با اعلام این خبر افزود: ایجاد ساختار مناسب برای ساماندهی طراحی، تولید و توزیع پوشاک، اهتمام ویژه برای تقویت جایگاه طراحان و تلاشگران توسعه پوشاک ایرانی اسلامی، تقویت و تحول صنعت نساجی با تشکیل کارگروه های مختلف، کمک به ایجاد برندهای ملی در این عرصه و تقویت مشارکت اندیشمندان و فرهیختگان علمی کشور در طراحی و تولید پوشاک از دیگر برنامه های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه مد و لباس کشور است.

وزیر ارشاد ادامه داد: فعال شدن موسسات هنری تک منظوره و حضور ۲۵ موسسه در نمایشگاه امسال، برنامه‌ریزی برای ایجاد موزه مد و لباس، برقرای ارتباط و تعامل با کشورهای اسلامی، هویت سازی و صدور مجوزهای لازم، ایجاد هماهنگی بین صنوف انجمن ها و سایر دستگاه ها و برنامه ریزی برای برگزاری نمایشگاه استانی مد و لباس در سال جدید از دیگر برنامه های این حوزه می باشد.

وزیر ارشاد ، خلاقیت و ابتکار برای برآوردن نیازهای پوشش عامه‌پسند و متناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی را یکی از مهمترین اقدامات در حوزه طراحی و تولید لباس دانست و افزود: باید به لباس در جامعه هویت ببخشیم. جنتی افزود: طراحان مد تلاش می کنند لباس هایی راحت، با دوام، زیبا و دل انگیز طراحی کنند که در دل آنها نشان هایی از آیین ها و سنت های رایج نیز نمایان باشد بنابراین با این نگاه طراحی مد ولباس جزو گستره وسیع هنر به شمار می آید.

وی ادامه داد: ترویج روحیه زیبا پسندی و نشاط در جامعه، نهادینه کردن پوشش با معیارهای اسلامی، رونق تولید، کسب و کارو ایجاد اشتغال، تقویت صنعت نساجی و صنایع وابسته، پاسخگویی به نیازها و علایق مخاطبان فراوان از جمله مزایای مهم گسترش صنعت طراحی و تولید مد و لباس در کشور ماست.

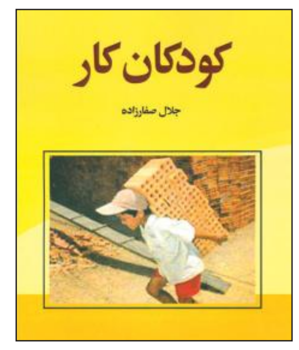
جنتی ادامه داد: یکی از مهمترین اهداف مهم سومین جشنواره بین‌المللی مد و لباس فجر سپردن فعالیت ها به دست نهادهای غیر دولتی بود که اتفاق هم افتاده است و مراکز تخصصی ژورنال با سرمایه گذاری بخش خصوصی راه اندازی شده اند و به زودی مرکز آموزش مدلینگ و مرکز نمایش زنده با معیارهای مورد نظر راه اندازی می شود.

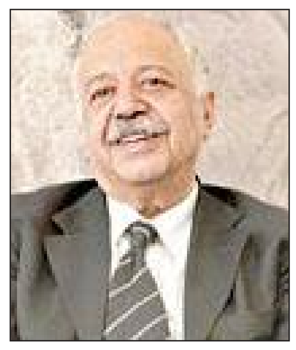
در این مراسم مراد خانی، معاون هنری وزیر ارشاد، حمید قبادی دبیر جشنواره مد و لباس و جمعی از مدیران و مشاوران معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و طراحان و تولید کنندگان صنف پوشاک حضور داشتند. همچنین به گزارش خبرنگار ما، حمید قبادی دبیر سومین جشنواره مد و لباس فجر در این مراسم گفت: اتفاقات خوبی در زمینهٔ مد و لباس در سال ۹۲ رقم خورد و نتایج بسیار خوبی حاصل شد. یکی از اتفاقات بسیار خوب این دوره واگذاری امور مد و لباس به بخش غیردولتی و استفاده از ظرفیت‌های آنها بود اما شاه کلید جشنوارهٔ امسال در حوزهٔ مد و لباس، راه‌اندازی مؤسسات تک منظوره بود و بنا است براساس رعایت اصول دینی و اسلامی این مؤسسات در مد و لباس ایران جریان‌ساز باشند که با این روند شاهد حضور مد ایرانی و اسلامی در پوشاک سال ۹۳ خواهیم بود.

دبیر سومین جشنواره مد و لباس فجر خاطرنشان کرد: باید مردم را از عادت بد پوشیدن دور کنیم مطالبات آنان را ارتقاء دهیم. متأسفانه به رغم تمدن و تاریخ گرانقدری که داریم امروزه شاهد لباس‌های تکراری و تقلیدی هستیم که شادی و نشاط در آنها مشاهده نمی‌شود. برگزاری این جشنواره و مجموعه مد و لباس این مطالبه را در مردم ایجاد کرده که مردم به دنبال بهترین‌ها در این زمینه باشند.

در ادامه علی مرادخانی معاون هنری وزارت ارشاد هم طی سخنان کوتاه خود اظهار امیدواری کرد روزی برسد که این جشنواره واقعاً به صورت بین‌المللی برگزار شود. در ادامه این مراسم برگزیدگان جشنواره سوم مد و لباس فجر معرفی شدند.

انتشار کتاب «کودکان کار» اثر مهندس صفارزاده





«کودکان کار» عنوان کتابی به قلم مهندس جلال صفارزاده است که به تازگی چاپ شده و در دسترس علاقمندان قرار گرفته است.

این کتاب به مباحثی چون کودکان فقیر جهان، آسیب‌های اجتماعی، تکدیگری، بررسی وضعیت کودکان خیابانی، سوء استفاده جنسی از کودکان در گذشته‌های دور و کار و حقوق کودکان پرداخته است.

نویسنده در مبحث کودکان فقیر جهان آن را به کودکان کار، بهره‌برداری جنسی از کودکان، کودکان سرباز، کودکان خیابانی، کودک همسری و تعریف فساد دسته‌بندی کرده و در موضوع آسیب‌های اجتماعی، ۳ پرسش اساسی با موضوع منظور از آسیب یا کجروی اجتماعی چیست؟ در ایران با چه گونه‌هایی از آسیب‌های اجتماعی سر و کار داریم؟ و هر یک از آسیب‌های اجتماعی عمده در ایران دارای چه ویژگی هایی است؟ را هم طرح کرده است.

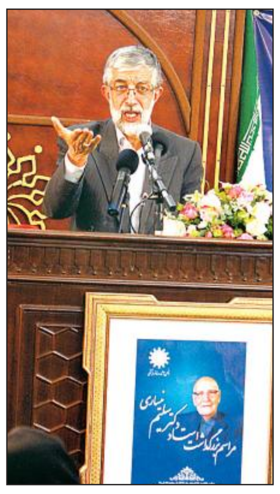
کتاب سپس به تعاریف مختلفی که از تکدیگری وجود دارد پرداخته و علل و ریشه‌های آن را هم موشکافانه و دقیق مورد بررسی قرار داده است. ضرورت تحقیق درباره کودکان خیابانی، اثرات زندگی در خیابان بر کودکان، علل فرار کودکان در خانواده‌های پر جمعیت، علل فرار در خانواده‌های تک سرپرست تحت تکفل پدر، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه کنترل اجتماعی، نظریه فشار، و نظریه انگ زنی از جمله مباحث مهمی است که نویسنده در بخش بررسی وضعیت کودکان خیابانی به آن پرداخته است.

در بخشی از پیش گفتار کتاب می خوانیم: همیشه بنده از رنجی که این کودکان و نوجوانان می برند متاثر و دل آزرده می شوم، چون این عزیزان بی خانمان و آواره، فرزندان عزیز ما ایرانی ها هستند که به لحاظ مشکلات اقتصادی زندگی و برخوردهای خشن خانواده که آن هم خود زمینه اقتصادی دارد، تن به هر کاری که پیش آید داده‌اند و خواهند داد. خواندن این سطور ممکن است شما عزیزان را ناراحت نماید ولی چه می شود کرد؟ باید آسیب‌های اجتماعی را یادآور شد چون همه ما در رفع این آسیب‌ها می توانیم به اندازه توان خود مساعدت کنیم و هر کودک چه پسر و چه دختر را فرزندان خود بدانیم و آن عزیزان را از یاد نبریم و ضرب المثل شکرانه بازوی توانا بگرفتن دست ناتوان است را مدنظر قرار دهیم و آن را با عمل خود مصداق بخشیم.

مهندس صفارزاده به عنوان نکته پایانی کتاب این مسأله را مورد توجه قرار داده که: هنوز برنامه‌های اطلاع رسانی جامع تر و موارد آگاهی بخش بیشتری باید ایجاد شود تا به مرور همه اقشار جامعه که هر کس به نحوی با کودک در ارتباط است، آگاه شده و ملزم به رعایت (حقوق کودکان) شوند. زمان طولانی، برنامه ریزی گسترده و ایجاد ساختارهای مربوطه و... مورد نیاز است تا بتوان طبق کنوانسیون حقوق کودک با کودکمان رفتار کنیم. این کتاب که در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه توسط نشر پارس منتشر شده دارای ۱۴۴ صفحه است.

مهندس جلال صفارزاده (نویسنده کتاب) در سال ۱۳۱۹ در سیرجان متولد شد و دیپلم ریاضی خود را در سال ۱۳۴۱ از دبیرستان دارالفنون تهران اخذ کرد و در سال ۱۳۴۵ از پلی تکنیک (امیرکبیر) با درجه مهندسی فوق لیسانس شیمی و پتروشیمی فارغ التحصیل شد. کتاب‌های دیگر این نویسنده عبارتند از: مدیر کارخانه، فرزند خوانده، گنج رایگان، ایران خانه و...

بزرگداشت ۸۰ سال خدمت استاد دکتر سلیم نیساری به زبان فارسی





سرویس فرهنگی، هنری: مراسم بزرگداشت دکتر سلیم نیساری، دیروز در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، در ابتدای این آئین دکتر مهدی محقق رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: مراسم نودو سومین سال زندگی استاد سلیم نیساری به پاس حدود ۸۰ سال خدمت ایشان به زبان فارسی برگزار می‌شود و مفتخریم شاهد هجدهمین بزرگداشت ادیبان آذری زبان هستیم، استادانی که از خطه آذربایجان بودند و به زبان فارسی خدمت کردند و باز یاد می‌کنم از بزرگوارانی چون آیت‌الله شیخ محمد علی مدرس تبریزی فقیه بزرگ تبریز که از جوانی علاقه به زبان فارسی داشته است. صاحب کتاب فرهنگ نوبهار در دو مجلد و فرهنگ بهار دربارهٔ مترادفات زبان فارسی و همچنین ایشان یک تنه دایره المعارف قاموس المعارف را در ۶ جلد نوشتند.

ما خوشحالیم که زبان فارسی نماد هویت ماست و شمارگان کتاب‌هایی که میراث فرهنگی ما هستند نباید کاهش یابد. مثلاً شرح جامع دیوان ناصر خسرو که قرار بود در ۵ جلد به چاپ برسد، در دو جلد متوقف ماند. وی افزود: امیدواریم این مجالس مانند گذشته ماهانه و مرتب برگزار شود.

سپس دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در این مراسم گفت: مایه خوشبختی است که جناب دکتر محقق در دوره دومی که به ریاست انجمن مفاخر منصوب شده‌اند، اولین بزرگداشت این انجمن را به شخصیتی اختصاص داده‌اند که در سزاواری ایشان متفق القول هستیم. به نظر من بارزترین خدمت استاد نیساری به دستگاه تعلیم و تربیت این سرزمین بوده است و این مراسم، قدردانی از خدمات مدیری با سابقه است که علاوه بر تدریس و تألیف کتاب وقت و عمر خود را صرف اداره دستگاه‌های مختلف فرهنگی کرده است. وی افزود: در شخصیت علمی نیساری، چند ویژگی برجسته وجود دارد: جنبه نخست توجه او به زبان فارسی است. وی علاوه بر زبان و ادبیات فارسی به اهمیت آموزش آن نیز توجه داشته‌اند. در کشور ما اندک کسانی هستند که به آموزش علم عنایت دارند. آقای دکتر نیساری با تحصیل در دانشگاه‌های انگلستان و آمریکا، روش تدریس زبان فارسی را درک کرده‌اند. باید او را از پیشگامان روش‌شناسی آموزش زبان و خط فارسی دانست. او به ویژه در زمینه آموزش درست زبان فارسی به اطفال پژوهش کرده است.

استاد نیساری، آموزش املاء، انشاء و رسم‌الخط فارسی را از ۶۰ سال پیش مد نظر داشته است، هم تقدم فضل داشته‌اند و هم فضل تقدم.

دکتر حداد عادل افزود: جنبه دیگر شخصیت ایشان، عشق به حافظ و نسخه شناسی حافظ است. می‌دانیم که مقوله مهم تحقیقی در حافظ‌شناسی، شناخت نسخه‌های حافظ است. استاد نیساری با دقت و علاقه بسیار به گردآوری نسخ و معرفی آنها پرداخته است.

دکتر حداد عادل اظهار داشت: از دیگر ابعاد شخصیتی ایشان، سابقه مطبوعاتی‌شان است که کمتر مورد توجه قرار گرفته و تخصص دیگر او تمبرشناسی است.

وی هفت وزیر آموزش و پرورش را از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۹ درک کرده است. مدتی در یونسکو و سپس به مأموریت یونسکو به کشورهای آفریقایی و آسیایی سفر کرده است.

در ادامه دکتر حسن انوری عضو پیوسته فرهنگستان ادب فارسی مقاله‌ای دربارهٔ تاریخچه نسخه شناسی دیوان حافظ ارائه کرد. سپس فریدون اکبری عضو سازمان پژوهش و آموزش وزارت آموزش و پرورش نیز درباره تمرکز استاد نیساری بر آموزش به کودکان سخنرانی کرد.

دکتر توفیق سبحانی نیز درباره تکریم استاد نیساری نسبت به دیگر استادان فن سخنرانی کرد.

در پایان این مراسم پس از اعطای لوح تقدیر به استاد نیساری توسط دکتر مهدی محقق، دکتر حدادعادل و حجت‌الاسلام هادی خامنه‌ای، دکتر نیساری از زحمات انجمن مفاخر برای برگزاری این مراسم تشکر کرد.



کوتاه آموزشی

اعطای نامحدود پژوهانه یک میلیون تومانی به دانشجویان پژوهشگر

معاون پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تهران از اعطای پژوهانه تا سقف یک میلیون تومان به دانشجویان علاقه‌مند به پژوهش در این دانشگاه خبر داد و گفت: دانشجویانی که طرح پژوهشی آنها به تصویب معاونت پژوهشی دانشکده مربوطه خود رسیده باشد، می توانند بدون هیچ مانعی این گرنت ها را دریافت کنند.

دکتر مسعود یونسیان در گفت‌وگو با ایسنا ، با تاکید بر این که استفاده از گرنت های پژوهشی تا سقف یک میلیون تومان برای دانشجویان نامحدود است، تصریح کرد: این گرنت های پژوهشی محدودیت طرحی برای دانشجو ایجاد نمی کند و آنها می توانند هر تعداد که طرح پژوهشی داشته باشند از این گرنت ها دریافت کنند، البته مبالغی از این گرنت ها در ابتدای طرح و مابقی بعد از پایان به آنها اعطا خواهد شد.

پیک نوروزی نداریم

معاون آموزش ابتدایی شهرستان‌های استان تهران با بیان اینکه پیک نوروزی نداریم، گفت: از سه ماه پیش برای فعالیت‌های نوروزی دانش‌آموزان برنامه‌ریزی و ۶۰ آیتم طراحی شد. افسانه مسجل در گفت‌وگو با فارس، با بیان این مطلب افزود: دستورالعمل برنامه‌های ایام نوروز دانش‌آموزان به مناطق و مدارس ابلاغ شده است و مدیران و مسئولان مدرسه بر این اساس اقدام می کنند.

وزارت علوم: باتخلفات پژوهشی برخورد قاطع خواهد شد



معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم گفت: سیاست ما هل دادن ظرفیت‌های دانشگاه‌ها به سمت نیازمندی‌های کشور و همچنین هدایت کردن نیازهای کشور به سمت دانشگاه‌ها است.

وحید احمدی معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم بااعلام این که سیاست دولت جدید و وزارت علوم ارتقای کیفیت و فناوری و کاربردی کردن حوزه پژوهش و ارتباط آن با صنعت و نیازهای کشور است، افزود: ایجاد انسجام و هماهنگی در مجموعه زیرساخت‌ها و سیاست‌گذاری به معنای ساماندهی پایش و آمایش در حوزه پژوهش و فناوری و ایجاد ارتباط بین دانشگاه و مجموعه متقاضی کشور از دیگر برنامه‌های ما است.

وی گفت: کارگروهی بین معاونت علمی ریاست جمهوری و وزارت علوم تشکیل شده تا کارهای موازی و مشابه در این حوزه صورت نگیرد همچنین در این کارگروه آیین‌نامه مربوط به شرکت‌های دانش‌بنیان نهایی شد و برای هم‌افزایی فعالیت‌هایمان هماهنگی‌هایی بین وزارت علوم و بهداشت نیز صورت گرفته است. احمدی در همین رابطه گفت: اساس‌نامه ایجاد آزمایشگاه ملی علوم رفتاری بین سه دستگاه معاونت علمی ریاست جمهوری، وزارت علوم و بهداشت تدوین شده است که با ۱۵ میلیارد تومان به مرحله اجرا خواهد رسید.

بقیه در صفحه ۱۴

ویژه نامه نوروزی «جهان سینما» منتشر شد



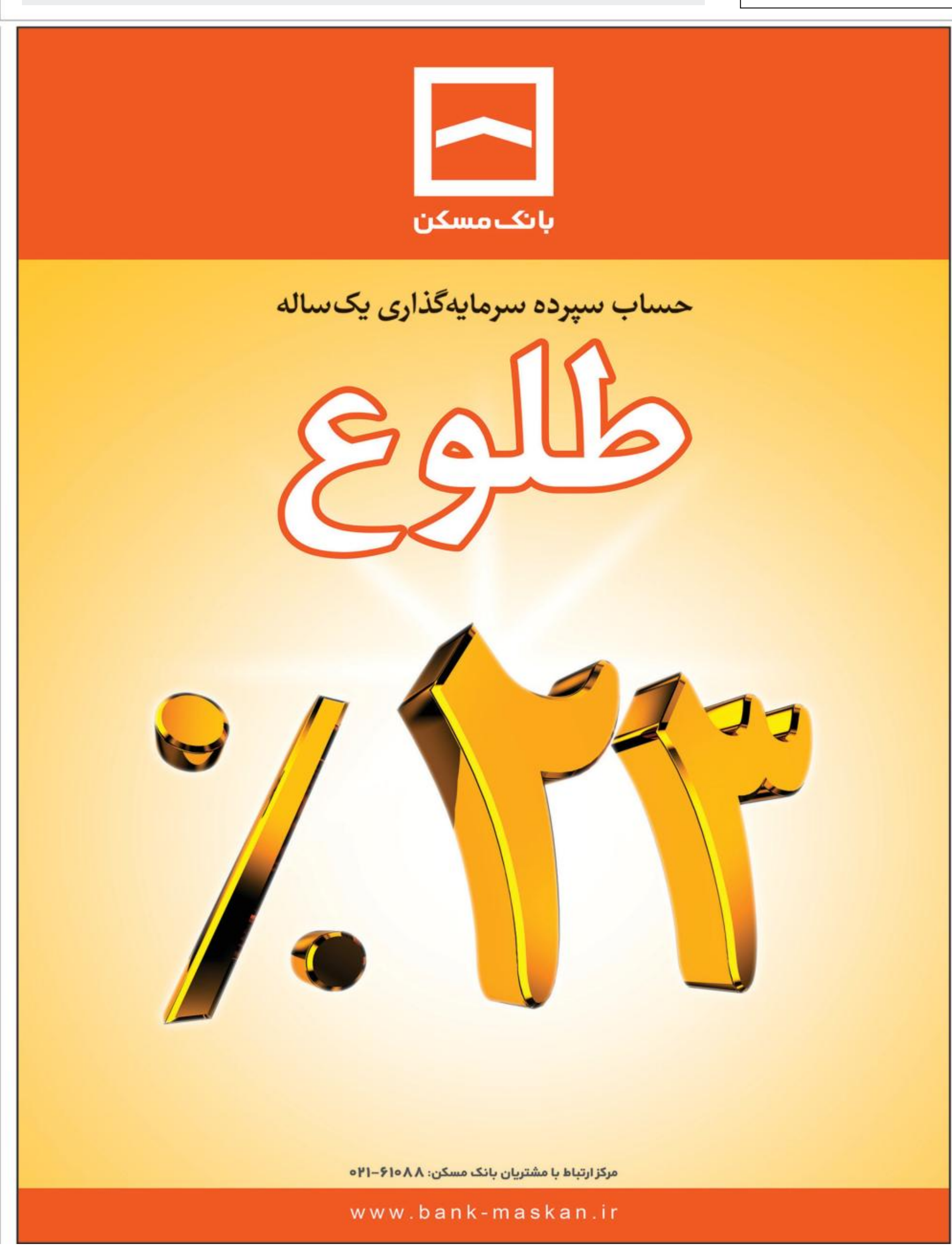
ویژه نامه نوروزی هفته‌نامه «جهان سینما» به مدیر مسئولی عباس تهرانی و سردبیری سیدمحمد سلیمانی منتشر شد.

در این شماره «جهان سینما» که از این پس با قطع جدید به چاپ می‌رسد، می‌خوانید: همدلی و تفاهم، حلقه مفقوده سینمای ایران، نگاهی به مهم‌ترین رویدادهای سینمایی در سالی که گذشت، معرفی فیلم‌های اکران نوروزی به طریقی دیگر، نگاهی به فیلم برنده اسکار بهترین مستندکوتاه ۲۰۱۴، بررسی سینمای ایران در سال ۱۳۹۲، سینما، سین هشتم هفت سین‌ما! نظرسنجی از هنرمندان و اهالی مطبوعات در باره سینمای ۹۲، گزارش پشت صحنه سریال نوروزی، گفت‌وگوی‌های ویژه با: رضا عطاران، کمال تبریزی، اکبر عبدی، ناصر طهماسب، مرجانه گلچین، دنیا فنی‌زاده، پرونده فیلم «گرگ وال‌استریت» و ...

شماره جدید جهان سینما در ۱۱۲ صفحه و با بهای ۵۰۰۰ تومان عرضه شده است.

مرور آثار چلیپا و اسکندری در موزه

نمایشگاه سیری در هنر معاصر ایران با مروری بر آثار هنرمندان کاظم چلیپا و ایرج اسکندری از روز سوم فروردین در موزه هنرهای معاصر تهران برای دیدار عمومی برقرار است این نمایشگاه درسال جدید از سوم فروردین از ساعت ۱۰ تا ۱۸ برای دیدار عموم علاقه‌مندان دایر است.



احتمال کشف ذخایر عظیم نفت و گاز در نوار شمالی کشور

با توجه به لرزه نگاری دو بعدی در نواحی مرزی استان گلستان و ترکمنستان، احتمال وجود ذخایر گازی در مرزهای شمال شرقی کشور قوت گرفته است.

به گزارش ایرنا، مدیر اکتشاف شرکت نفت خزر از پایان لرزه‌نگاری دوبعدی در استان گلستان خبر داد و گفت: در سیاست های کلان شرکت ملی نفت ایران، نگاه ویژه‌ای به فعالیت‌های اکتشافی و توسعه‌ای در نوارهای مرزی و مشترک کشور شده و شرکت نفت خزر هم این اولویت را مد نظر قرار داده است.

یوسف اعتمادی افزود: در خصوص مرز مشترک استان گلستان و ترکمنستان، اطلاعات مختصری در حوزه زمین شناسی وجود داشت و فعالیت های ترکمنستان در این مرز مشترک، ما را نسبت به شناسایی و انجام فعالیت های اکتشافی در این منطقه ترغیب کرد.

وی گفت: به این ترتیب، طراحی خطوط دوبعدی لرزه نگاری به طول ۱۲۵۰ کیلومتر و تعداد تقریبی ۲۵ هزار شوت در سال ۹۰ به گونه ای انجام شد که نوار مرزی ایران و ترکمنستان را برای بررسی ساختارهای مرزی پوشش دهد.

مدیر اکتشاف شرکت نفت خزر با بیان اینکه قرارداد لرزه نگاری دو بعدی در استان گلستان در آبان ۹۱ با شرکت ژئوفیزیک دانا به عنوان برنده مناقصه منعقد شد، ادامه داد: پس از تجهیز کارگاه و انجام فیلدتست از سوی پیمانکار، عملیات برداشت از چهاردهم فروردین سال جاری آغاز شد و این عملیات در یازدهم دی امسال پایان پذیرفت.

علی ماجدی معاون امور بین‌الملل وزارت نفت هم با تشریح سیاست‌های نفتی ایران در دریای خزر، اعلام کرد: حفاری چاه‌های جدید نفت و گاز ایران در آب‌های عمیق حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر ادامه می یابد.

وی گفت: یکی از برنامه های اولویت دار نفتی ایران در حوزه دریای خزر توسعه میدان گازی سردار جنگل است.

از سوی دیگر، علی اصولی مدیرعامل شرکت نفت خزر با اشاره به حفاری دومین چاه توسعه‌ای ایران در موقعیت میدان گازی سردار جنگل در آب‌های عمیق دریای خزر افزود: پس از انجام مطالعات و اثبات وجود ۴۶ ساختار هیدروکربنی در دریای خزر، سال گذشته ایران در این منطقه ذخایر جدید نفت و گاز طبیعی کشف کرده است.

۲۸/۵ درصد مطالبات بانکی در اختیار ۷۳ پرونده اشخاص حقیقی و حقوقی است

در حالی بانک مرکزی نسبت به رشد مطالبات معوق بانکی هشدار داده است که بانک‌ها در روزهای پایانی سال، دریافت مطالبات سررسید گذشته با مبالغ کم را در دستور کار قرار داده‌اند و به مشتریان خرد هشدار می‌دهند.

به گزارش مهر، موضوع مطالبات معوق بانکی به یکی از مهمترین مسائل نظام بانکی کشور تبدیل شده است و برخی از بانکها رقم مطالبات معوقشان به بالاترین حد خود رسیده است و در عین حال مسئولان برخی از بانک‌ها عنوان می کنند که مطالبات معوقی ندارند و تنها بخشی از تسهیلات آنها مربوط به سررسید گذشته است که در این روزهای پایانی سال به حداقل خود خواهد رسید.

در حالی که بانکها در آخرین روزهای پایانی سال به دنبال جمع آوری مطالبات معوق هستند و هشدارهای بانک مرکزی آنها را مصر به انجام این کار کرده است، برخی از بانکها پا را فراتر گذاشته و به مشتریانی که پرداخت تنها یک یا دو قسط بانکی آنها به تاخیر افتاده باشد، هشدار می دهند و با ارسال پیامک یا تماس تلفنی خواستار پرداخت اقساط سررسید گذشته می شوند.

براساس آخرین آمارهای اعلام شده از سوی بانک مرکزی ۲۸/۵ درصد از کل مطالبات شبکه بانکی در اختیار ۷۳ پرونده متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی است، اما بانکها بدون توجه به وضع پرونده های بزرگ مطالبات سررسید گذشته، ارقام کوچک را مدنظر قرار داده اند و بر روی مشتریان خرد متمرکز شده اند.

براساس آخرین آمارهای بانک مرکزی، کل تسهیلات اعم از جاری و غیرجاری نظام بانکی کشور مبلغ ۵ ۲۳۳/۶ هزار میلیارد ریال و تسهیلات غیرجاری ۸۰۷ هزار میلیارد ریال و نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات ۱۵/۴ درصد است.

بدهکاران بالای ۱۰۰۰ میلیارد ریال ۶۱ پرونده است که مبلغ کل تسهیلات غیرجاری آنها ۱۵۲/۴ هزار میلیارد ریال است که ۱۸/۹ درصد کل مطالبات غیرجاری شبکه بانکی را شامل می‌شود. بدهکاران از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد ریال ۱۱۲ پرونده است که مبلغ کل تسهیلات غیرجاری آنها ۷۷/۳ هزار میلیارد ریال برابر ۹/۶ درصد کل مطالبات غیرجاری شبکه بانکی کشور است.

بر این اساس، بدهکاران تا ۵۰۰ میلیارد ریال ۱۷۳ پرونده متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی است وجمع مبلغ آن ۲۲۹/۷ هزار میلیارد ریال بوده که ۲۸/۵ درصد از کل مطالبات غیرجاری شبکه بانکی را شامل می‌شوند.

محصولات ایران خودرو و سایپا ۲۵ درصد گران‌تر از ارزش واقعی عرضه می‌شوند

*امروز به جرأت می توان گفت محصولات ایران خودرو و سایپا به راحتی بین ۱۵تا ۲۵ درصد بیشتر از قیمت واقعی فروخته می شوند؛ که البته باید کار کارشناسی سریعی انجام شود تا به نسبت محصولات مختلف کاهش قیمت داشته باشیم.

*بر اساس حسابرسی های انجام شده از صنعت خودروسازی مشخص شده است با قراردادی که بین سازمان گسترش و رنو فرانسه بسته شده، خودرو ال ۹۰ امروز با ۱۰ میلیون تومان اختلاف قیمت به مردم فروخته می شود.

*سند تحول صنعت خودرو بر اساس اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی رهبری در یک کارگروه مشترک بین مجلس، دولت، دانشگاه و افراد دلسوز و مجرب تدوین می شود.

به گزارش مهر، علی علی لو رئیس هیأت تحقیق و تفحص از عملکرد صنعت خودروسازی کشور در نشست خبری ضمن اعلام این مطالب با اشاره به اینکه تحقیق و تفحص از صنعت خودرو از نیمه دوم سال ۹۲ آغاز شد، گفت: با نتیجه ای که دریافت کرده ایم مشخص شده که گروه خودروسازی سایپا و ایران خودرو عملاً از یک ساختار دولتی و دستوری برخوردارند، اگرچه شاید شرکتهای اقماری یا حتی شرکتهای مادر بر اساس قانون تجارت خصوصی تلقی شوند.

وی ادامه داد: بالغ بر ۱۶۰ شرکت زیر مجموعه ایران خودرو است که برخی از آنها خود، چندین شرکت زیرمجموعه دارند که سهام داران آن خود این شرکت ها هستند و از ده ها شرکت بیرونی در جهت مأموریت های خود استفاده می کنند که تعدادی از این شرکت ها زیان ده و تعدادی هم با فراز و نشیب سوددهی دارند.

علی لو با اشاره به اینکه هیأت مدیره های آنها به صورت دستوری از طریق مدیرعامل شرکت مادر تأمین می شوند، گفت: اکثریت اعضای هیأت مدیره این شرکتها تکراری هستند بطوری که یک نفر در چند شرکت عضو یا رئیس هیأت مدیره است. این امر باعث زمینگیر شدن بخش های خصوصی، از بین رفتن رقابت و ایجاد انحصارهای شدید در صنعت خودرو سازی شده؛ برخی از این شرکتهای زیرمجموعه که توانسته اند از رانتها و حمایتهای دولتی برخی دستگاه ها برخوردار باشند، نفوذ بیشتری در شرکت مادر پیدا کرده و انحصارهای شگفت آوری برای خود رقم زدند.

وی با بیان اینکه شرکتهای زیرمجموعه به خاطر منافع خود حتی شرکتهای مادر را زمین گیر کرده اند، افزود: بر اساس مستندات، مشخص شده یکی از این شرکت ها به دنبال خرید بیشتر سهام شرکت مادر است تا بتواند در هیأت مدیره شاهد کرسی و رای شود. البته مجلس پیگیر این موضوع است و به زودی در این باره اقدام قانونی خواهد کرد.

نماینده مردم شبستر گفت: شرکت های زیر مجموعه این چنینی که در حال حاضر با ایران خودرو در ارتباط هستند به طور واضح ۱۰تا ۱۲ شرکت هستند که به این شکل انحصارهای خاص دارند.

وی با اشاره به اینکه نمایندگی های



این دو گروه خودروساز هزاران میلیارد بدهی دارند، گفت: نظام مالی درستی درهیچ کدام از گروه های سایپا و ایران خودرو وجود ندارد. چنانکه در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۱۸۱۵ میلیارد تومان تسهیلات ریالی و ۴۲۰ میلیارد تومان تسهیلات ارزی به سایپا داده شد، در سال ۹۱ تسهیلات گرفته شده از سوی سایپا به شکل ارزی و ریالی ۲۶۵۰ میلیارد و در ۶ ماه نخست امسال، تسهیلات دریافت شده از سوی سایپا به منظور تأمین نقدینگی ۱۵۰۰ میلیارد تومان بوده است؛ این در حالی است که در جریان تحقیق و تفحص از این شرکت هیچ طرح توجیهی اعم از پروژه یا طرحی برای دریافت این تسهیلات ارائه نشده است.

رئیس هیأت تحقیق و تفحص از عملکرد صنعت خودروسازی گفت: حدود ۵هزار میلیارد تومان برای ایجاد ۴ سایت در ۴ شهر از سوی گروه سایپا مصوب شد که بالغ بر هزار میلیارد تومان آن در این ۴سایت از سوی سایپا هزینه شد، اما به دلیل نداشتن نقدینگی، این پروژه ها رها شده و امروز برآورد تسهیلات مورد نیاز برای اتمام این پروژه ها به ۲۵ هزار میلیارد رسیده است که قطعا با توان مالی سایپا این امر به نتیجه نخواهد رسید.

وی با اشاره به اینکه در زمینه ساختار صنعت خودروسازی به قدری صدمه به خودروسازها رسیده که امروز این خودروسازان قادر به اصلاح ساختار و اصلاح وضع آن نیستند، گفت: پس از تحقیق و تفحص از صنعت خودروسازی کشور مشخص شد در بحث بهره وری با وجود ساختار و مدیریت موجود و علی رغم وجود شرکتهای غیرضروری به هم تنیده و انحصاری که هر دو گروه ایجاد کردند، به شدت هزینه ها بالا رفته و توان کیفیت بخشی پائین آمده است که در نهایت منجر به ارائه محصولات با کیفیت پائین و قیمت های بالا به مردم شده است.

علی لو ادامه داد: آنچه در صنعت خودروسازی اتفاق می افتد با رهنمودهای رهبری و بارضایتمندی مردم مطابق نیست.

وی ادامه داد: شرکت ایران خودرو با ۸۵هزار پرسنل و گردش مالی ۴ تا ۵ هزار میلیارد تومانی در سال نه حسابرسی داخلی درستی دارد و نه نظارت درستی بر فرآیندهای حقوقی، فنی و هیأت مدیره آن صورت می گیرد.

نامبرده گفت: در بین سالهای ۸۱ تا ۹۰ شرکت های زیر مجموعه که خود زیان‌ده هم بوده اند در مجمع سالانه دستکاری کرده و با سوءاستفاده از قاعده تعدیل، شرکت را به صاحبان آن سود ده معرفی می کردند و بعد از توزیع پاداش ها و سود سهام برای ارائه به اداره مالیات تعدیل را برگردانده و شرکت را زیان ده معرفی می کردند. این امر باعث شده امروز خودروسازان چندین هزار میلیارد تومان به اداره مالیات بدهکار باشند.

وی با بیان اینکه در حال حاضر میزان بدهی ها و دارایی های ایران خودرو و سایپا برابر است، گفت: بعد از انجام تحقیق و تفحص معلوم شد در پی عقد قرارداد و خرید بن رو توسط سایپا و پرداخت کامل پول آن، ۲۲,۴ درصد بن رو متعلق به سازمان بازنشستگی و غیرقابل فروش بوده است و این معامله به عنوان عقد فضولی انجام شده است.

رئیس هیأت تحقیق و تفحص از صنعت خودروسازی افزود: همچنین چند سال بعد مشخص شد که سایپا محصول بن رو را نخریده و فقط سوله و اسکلت آن را خریداری کرده است. اما هیچ کس در این باره توضیح یا پاسخی نداده است. در این زمینه شرکت فیات ایتالیا بالغ بر ۴ میلیون یورو از بن رو طلب داشته که با فروش بن رو به سایپا این طلب هم به سایپا منتقل شده که البته این مسأله بعد از چند سال از عقد قرارداد خرید بن رو مشخص شد.

وی گفت: تحقیق و تفحص از صنعت خودروسازی به اتمام رسیده و ما نامه انجام این تحقیق و تفحص را به رئیس کمیسیون اصل نود ارائه کردیم و منتظر اعلام زمان قرائت آن در صحن علنی مجلس هستیم.

این مقام مسئول خاطرنشان کرد: عده ای که خود را قیم صنعت خودرو می دانند در ۲۰ سال گذشته این بلا را بر سر صنعت خودرو آوردند.

مردم نگران کمبود بنزین در نوروز نباشند

بنزین مورد نیاز سفرهای نوروزی و حمل و نقل کشور در تعطیلات پیش رو فراهم شده و جای هیچ نگرانی در این زمینه نیست.

مهندس عباس کاظمی معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی با بیان این مطلب گفت: در روزهای اخیر با آغاز فصل خرید و رفت و آمدهای پایان سال، مصرف بنزین کشور هم بطور متوسط روزانه ۴ تا ۵ میلیون لیتر جهش یافته است.

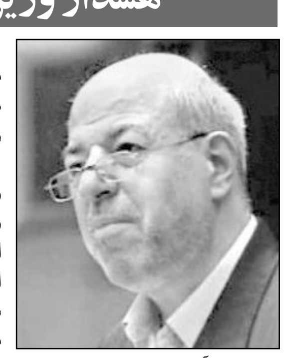
وی با اعلام اینکه در حال حاضر متوسط مصرف بنزین کشور به بیش از ۷۰ میلیون لیتر در روز افزایش یافته است، تصریح کرد: پیش بینی می شود متوسط مصرف روزانه بنزین کشور در روزهای باقی مانده از سال بازهم با افزایش روبرو شود.

معاون وزیر نفت با یادآوری اینکه مردم نگرانی از بابت تامین بنزین و گازوئیل مورد نیاز خود در روزهای پایانی سال و ایام نوروز نداشته باشند، بیان کرد: هم اکنون ذخایر بنزین کشور در شرایط مطلوبی قرار دارد و مشکلی در تامین سوخت جایگاه‌ها حتی در صورت افزایش مصرف بنزین وجود ندارد.

وی همچنین در خصوص وضع ذخیره سازی بنزین توضیح داد: حجم ذخیره سازی بنزین برای روزهای پایانی اسفند و حتی ایام نوروز نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود یک میلیارد لیتر افزایش یافته است.

نامبرده با اشاره به آماده باش تمامی مناطق عملیاتی پخش فرآورده‌های نفتی و پالایشگاه‌ها برای تامین سوخت نوروزی مردم خاطرنشان کرد: دربرخی ازمسیرهای پر رفت و آمد بین شهری جایگاه‌های سوخت سیار راه‌اندازی شده است.

هشدار وزیر نیرو در مورد کاهش ارتفاع آب از تراز ایمنی سدها



پایین آمدن ارتفاع آب از تراز ایمنی مورد نیاز در شمار قابل توجهی از سدها هشدار برانگیز است و باید طی نامه‌ای به رئیس جمهوری اعلام خطر شود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی وزارت نیرو (پاون)، حمید چیت چیان وزیر نیرو با اعلام خطر نسبت به اینکه ارتفاع آب در بسیاری از سدها پایین آمده است، گفت: پایین آمدن آب از سطح ایمنی در پایداری سدها اشکال ایجاد می کند و مشکلاتی را برای پایین دست سدها به وجود می آورد و باید اعتباری برای این کار تخصیص یابد.

وی در نشست شورای مدیران آب این وزارتخانه با بیان اینکه باروری ابرها طرحی بسیار خوب و ارزشمند است، اظهارداشت: با توجه به وضع نابسامان منابع آبی و بارش ها در کشور، باید با تخصیص اعتباری ویژه ۱۰ تا ۱۵ درصد بارش ناشی از باروری ابرها حاصل شود. چیت چیان ادامه داد: باید با جابجایی اعتبارها یا اخذ یک مجوز ویژه یا با استفاده از اعتبار خشکسالی، بارورسازی ابرها از سر گرفته شود و ساختار اجرایی در شرکت منابع آب ایران برای این کار دیده شود.

وی با بیان اینکه گاهی فقط صحبت از کمبود منابع آبی در کشور برای مردم کفایت نمی کند، گفت: لازم است گزارش های تفصیلی همراه با اعداد و ارقام و گزارش تصویری از منابع آبی کشور در رسانه ها ارائه شود تا پیام های وضع فعلی منابع آب کشور، مخاطبان را قانع کند و پیام های وزارت نیرو مبنی بر لزوم مدیریت مصرف گوش شنوا پیدا کند.

نامبرده بر لزوم توجه بر ایمنی سدها تاکید کرد و گفت: ارتفاع آب از تراز ایمنی مورد نیاز در شمار قابل توجهی از سدها پایین آمده و بنابراین باید از طریق نامه به رئیس جمهوری اعلام خطر شود.

وی افزود: پایین آمدن آب از سطح ایمنی در پایداری سدها اشکال ایجاد می کند و مشکلاتی را برای پایین دست سدها به وجود می آورد و باید اعتباری برای این کار تخصیص یابد.

وزیر نیرو با بیان اینکه الگوی استفاده از آب در مناطق مختلف جهان متفاوت است، گفت: در برخی مناطق مانند برزیل یا اروپا تامین آب متکی بر میزان بارش باران و در برخی مناطق مانند هند و چین تامین آب متکی بر ذخیره سازی آب های سطحی است. وی ادامه داد: ایران جزو کشورهایی است که تامین آب آن از گذشته متکی بر منابع آب زیرزمینی بوده و با توجه به تغییر اقلیم، بالا رفتن درجه حرارت و تبخیر، اتکا بر ذخیره آب سطحی کاهش می یابد.

چیت چیان خاطرنشان کرد: بر اساس نظر شماری از استادان و کارشناسان بخش آب کشور، در وضع فعلی منابع آب کشور، باید از منابع ژرف آب مانند سدهای زیرزمینی استفاده شود و سراغ روش های ذخیره سازی برویم تا آب در درون زمین دچار تبخیر نشود.

وی بیان داشت: در زمان حاضر میزان قابل توجهی از بارش ها در مناطق مختلف ایران از طریق گسل ها از سرزمین ما خارج می شود. زیرا گسل ها هم آب را به کشور آورده و هم آب را خارج می کنند.

این وزیر کابینه با بیان اینکه باید درباره آب های ژرف و نحوه ذخیره سازی آب در زیر زمین، مطالعه و سرمایه گذاری های بیشتری انجام شود، گفت: مرکز ویژه ای برای پژوهش در این زمینه لازم است تا در زمینه آثار تغییر اقلیم و به ویژه بخش آب زیرزمینی مطالعه بیشتری انجام گیرد.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۹۸/۸۹دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۸/۲۱ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۱۰۳/۷۱ دلار
هر اونس (۳۱/۱گرم) طلا	۱۳۸۳ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳گرم)	۹۷۷۸۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳گرم)	۹۷۹۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۵۰۸۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۸۸۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۹۸۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۰۰۰۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۲۵۰۰/۸ تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۲۱/۵۰تومان
دلار آمریکا(نرخ غیر بانکی)	۳۰۲۰ تومان
یورو(نرخ بانکی)	۳۴۷۸/۴ تومان
یورو(نرخ غیر بانکی)	۴۱۹۰تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۴۱۶۹/۴ تومان
پوند انگلستان(نرخ غیر بانکی)	۵۰۲۰ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۶۸۱ تومان
درهم امارات (نرخ غیر بانکی)	۸۲۵ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

محاسبه افزایش قیمت مسکن مهر نهایی شد

مدیرعامل شهر جدید پردیس از تعیین تکلیف محاسبه پرداخت مابه‌التفاوت افزایش قیمت مسکن مهر برخی واحدهای مسکونی مهر خبر داد.

سیدمهدی هدایت در گفتگو با فارس افزود: محاسبه افزایش قیمت مسکن مهر (مابه‌التفاوت هزینه پروژه‌های مسکن مهر بر اساس دستورالعمل شماره ۳) مربوط به واحدهای مسکونی فاز ۹ شهر پردیس به اتمام رسیده و متقاضیان باید طبق برنامه اعلام شده این مبالغ را در اسرع وقت پرداخت کنند.

وی ادامه داد: در خصوص اجرای دستورالعمل شماره ۳ در خصوص مابه‌التفاوت هزینه‌های پروژه‌های مسکن مهر فعلا متقاضیان مسکن مهر فاز ۹ باید در اسرع وقت نسبت به پرداخت مابه‌التفاوت اقدام کنند.

تعیین مهلت برای دسترسی کاربران به برنامه‌های سامسونگ

وزیر ارتباطات ضمن انتقاد از فقدان دسترسی کاربران ایرانی به برنامه‌های سامسونگ برروی گوشی های تلفن همراه، به نماینده این شرکت در ایران مهلت داد تا برای حل این مشکل اقدام کند.

محمود واعظی دراین باره اظهار داشت: مدتی است که امکان استفاده از Samsung apps برای خریداران گوشی سامسونگ مقدور نیست، با توجه به اینکه حمایت از حقوق مصرف کنندگان یکی از برنامه‌های اصلی بنده است، مراتب از طریق مذاکره نماینده وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات با نمایندگی سامسونگ پیگیری شده و با توجه به بهبود فضای حاکم بر کسب و کار شرکت های بین المللی در کشور، رفع موانع موجود و میزان قابل توجه سهم بازار گوشی های سامسونگ، مقرر شد نمایندگی مذکور پس از اعمال تنظیمات و تغییرات لازم از تاریخ شانزدهم فروردین ۹۳ سرویس مذکور را در اختیار کاربران ایرانی قرار دهد.

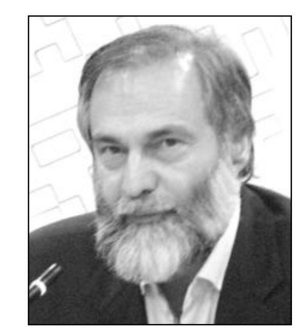
صدور تولیدات دخانی به کشورهای اطراف از سال آینده

تولیدات دخانی ایران از سال جدید به کشورهای اطراف صادر می شود

سیاوش افضلی معاون بازرگانی و اقتصادی دخانیات ایران با بیان این مطلب گفت: حرکت دخانیات ایران در سال آینده به سمت فروش مویرگی و تولید محصولات سفارشی خواهد بود. همچنین در سال آینده حوزه صادرات به عنوان یک مدیریت مستقل در تشکیلات جدید دخانیات ایران پیشنهاد شده است.

وی ادامه داد: قصد داریم در حوزه فروش تحولی اساسی ایجاد کنیم و با عرضه درست برندهای جدید در بازار مصرف، سهم تولیدات داخلی را در بازار احیاء کنیم.

بزرگترین تشکل تولید کنندگان داخلی بزودی ایجاد می شود



بزرگترین تشکل فراگیر تولیدکنندگان داخلی از سال آینده در اتاق بازرگانی تهران تشکیل خواهد شد.

محمدحسین برخوردار رئیس مجمع واردات دیروز با بیان این مطلب گفت: فرآیند ایجاد این تشکل که هدف عمده آن ساماندهی، سیاستگذاری و حمایت از تولید داخل است، آغاز شده و جزئیات بیشتری از آن در سال آینده منتشر خواهد شد.

به گفته وی، مسیر شکل گرفته تولید و تجارت در سال ۹۲، سال آینده هم ادامه می یابد و برای تحریک بازار و خروج از شرایط رکود تورمی لازم است تا هزینه های تجارت خارجی کم شود.

برخوردار ادامه داد: افزایش قیمت حامل های انرژی به طور قطع در رفتار مصرف کنندگان تاثیر قابل توجهی خواهد داشت و از هم اکنون بنگاه های اقتصادی فعال در حوزه تجارت خارجی باید برای مقابله با آن برنامه ریزی درستی داشته باشند که البته دولت قول داده تا شیب افزایش قیمت حامل های انرژی بسیار ملایم باشد، اما به هر حال این تغییر قیمت بر روی بازار اثرگذار است.

وی در ادامه با بیان این که سیاست ممنوعیت واردات کالا در اولویت بندی ۱۰ گانه سیاست درست بوده و حتی برخی ممنوعیت‌های اعلام شده در اولویت ۱۰ هم ضروری بود که صورت گیرد، خاطرنشان کرد: البته در این میان برخی کالاهای سلامت محور با ممنوعیت واردات مواجه شده بودند که این امر مشکلاتی را ایجاد کرده بود.

نامبرده همچنین از تشکیل میز کشوری مجمع عالی واردات در برخی سفارتخانه ها از جمله ترکیه و تایلند در تهران خبر داد و گفت: سرمایه گذاری مشترک و به رسمیت شناختن مجمع واردات می تواند در تسهیل تجاری دو کشور موثر باشد.

وی افزود: وقتی دولت بزرگ می‌شود، امضای طلایی به‌وجود می‌آید و ترمزهای زیادی درمسیر فعالان اقتصادی قرار می گیرد. لذا برای رسیدن به اقتصاد آزاد باید تشکل گرایی تقویت شود.

رئیس مجمع واردات گفت: مجمع عالی واردات ۲۵۰ عضو دارد که در حال حاضر ۹۵ درصد از واردات لوازم خانگی، ۱۰۰ درصد واردات مواد سلولزی، ۸۰درصد واردات مواد غذایی و ۸۰ درصد مواد آرایشی و بهداشتی توسط تشکل‌های زیر مجموعه آن انجام می‌شود.

وی درمورد وضع کالاهای اولویت دهم اظهار داشت: واردات لوازم خانگی، مبلمان، لوستر و کالاهایی نظیر وسایل استخر و سونا ارزبری بالایی داشته و کالاهای مصرفی به حساب می‌آیند، لذا دولت باید از ابزارهای تعرفه‌ای برای حمایت از تولید داخل استفاده کند.

برخوردار افزود: در مورد کالاهایی نظیر آرایشی، بهداشتی، غذایی و آی تی چون به طور مستقیم با سلامت خانواده‌ها در ارتباط است، باید تعرفه یک برابری داشته باشد، تا به صورت رسمی و با رعایت استانداردها وارد کشور شود، چرا که افزایش تعرفه در شرایطی که تولید داخل مشابه وجود ندارد، باعث افزایش قاچاق می‌شود.

وی گفت: متاسفانه در کشور ما کالای خارجی را به کالای داخلی ترجیح می‌دهند، چرا که کارخانجات داخلی عمدتا به صورت دولتی اداره می‌شوند.

وی با اشاره به اینکه طرح شبنم طرح خوبی بود، اما اشکالات زیادی داشت و از وقتی که این طرح حذف شده است، قاچاق افزایش یافته است، افزود: طرح شبنم باید به عنوان یک بازدارنده کالای قاچاق به کار می‌رفت اما وقتی که به سطح صنوف و توزیع آمد، با فساد مواجه شد.

رئیس مجمع عالی واردات گفت: برندهای معروف برای حمایت از تولیدات خود باید در خصوص واردات کالاهای تقلبی و قاچاق اقدام کنند و اعلام کنند که چه کالاهایی مربوط به آنهاست.

وی گفت: کارت‌های بازرگانی باید تخصصی شود. به نحوی که واردکننده چای نتواند میلگرد هم وارد کند، چرا که هرکدام از اینها تخصص خود را لازم دارد. برخوردار گفت: کارت‌های بازرگانی به جای آنکه یک ساله صادر شوند، باید ۳ و ۵ ساله صادر شوند و دولت تمهیداتی را به وجود آورد تا بازرگانان از کارت بازرگانی خودشان استفاده کنند.

وی افزایش نرخ ارز در روزهای گذشته را ناشی از افزایش تقاضا به دلیل مسافرت‌های خارجی پایان سال دانست و گفت: بنگاه‌های اقتصادی همچنان در فشار به سر می برند و باید از خوش‌بینی کاذب پرهیز کرد.

رئیس مجمع واردات با بیان اینکه این گونه نیست که بازار ارز از کنترل بانک مرکزی خارج شده باشد، افزود: برخی تسویه حساب‌های تجار در پایان سال نسبت به وام‌های ارزی سبب شده تا تقاضا برای ارز در جامعه بالا برود.

وجه خرید تضمینی گندم در سال ۹۳ آنلاین پرداخت می شود

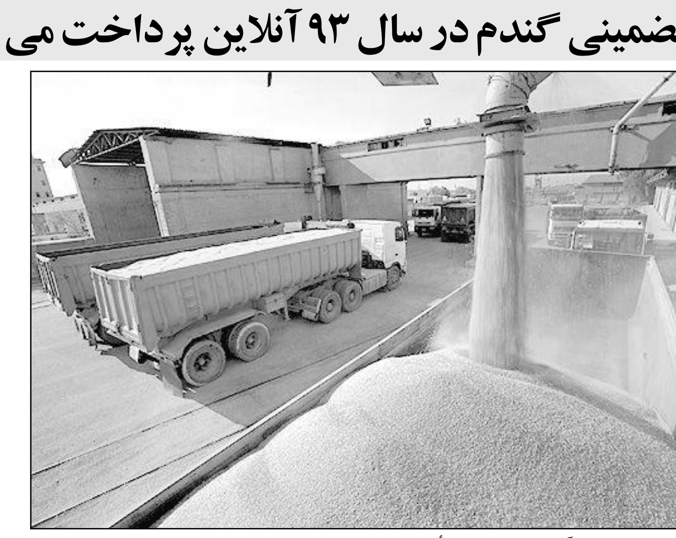
وجه خرید تضمینی گندم از کشاورزان در سال آینده با عاملیت بانک سپه و به صورت آنلاین و بدون تاخیر پرداخت خواهد شد.

به گزارش خبرنگار ما، حسین صفایی مدیرعامل سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران در حاشیه بازدید از انبار ذخیره مرکبات و سیب تنظیم بازار پس از نوروز با اعلام این خبرافزود: در پی تمرکز وظایف بازرگانی کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی از ابتدای سال آینده، این سازمان مباشر خرید تضمینی گندم است و با همکاری شرکت بازرگانی دولتی خرید این محصول را انجام خواهد داد.

وی گفت: به این منظور ۱۰۰۰ مرکز خرید در سراسر کشور ایجاد شده است و خرید از گندمکاران جنوب از نیمه فروردین آغاز می شود و سازمان مرکزی تعاون روستایی از ۱۰ فروردین آماده خرید گندم کشاورزان است.

صفایی با بیان اینکه قیمت خرید تضمینی گندم در سال ۹۳ بهترین قیمت خرید در یک دهه گذشته و حتی بالاتر از نرخ جهانی است، خاطرنشان کرد: گندمکاران در تحویل محصول تولیدی خود عجله نکنند و آن را به واسطه‌ها نفروشند.

وی افزود: بانک سپه به عنوان عامل پرداخت پول کشاورزان تعیین شده و وجه خرید گندم به صورت آنلاین و بدون تأخیر به حساب کشاورزان واریز خواهد شد.



نامبرده در خصوص دلیل تأخیر پرداخت پول کشاورزان در سال زراعی گذشته گفت: قیمت گندم در این سال دو بار ابلاغ شد و به همین دلیل محاسبه مابه‌التفاوت و پرداخت آن در دو نوبت مشکلاتی برای کشاورزان ایجاد کرد.

مدیرعامل سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران همچنین در جریان بازدید از مرکز ذخیره مرکبات و سیب گفت: ذخیره سازی این مرکز مشمول تنظیم بازار آخرین روزهای امسال نیست، بلکه برای کنترل قیمت پس از پایان نوروز از ذخایر این مرکز استفاده خواهد شد.

به گفته وی، با توجه به کمبود میوه در دو ماه اول بهار، وزارت جهادکشاورزی قصد دارد با عرضه مرکبات جنوب و سیب های ذخیره سازی شده تقاضای بازار را تامین کند تا با افزایش قیمت مواجه نشویم. میوه های ذخیره شده هم ۳۰ تا ۴۰ درصد زیر قیمت بازار عرضه خواهد شد.

صفایی افزود: به جز ۶-۵ سال اخیر که به میوه یارانه پرداخت می شد، این کار سابقه نداشته است؛ بنابراین ما هم قصد نداریم یارانه ای به میوه پرداخت کنیم، بلکه قصد داریم از طریق نظام عرضه بتوانیم در بازار تعادل ایجاد کنیم.

وی خاطرنشان کرد: برنامه تنظیم میوه شب عید به عهده وزارت صنعت است و البته وزارت جهاد کشاورزی هم کمک می کند، اما از اول فروردین تمامی برنامه‌های تامین، توزیع و تنظیم بازار توسط وزارت جهاد کشاورزی انجام خواهد شد.

عباس بنازاده مدیرعامل اتحادیه مرکزی تعاون روستایی کشور هم در جریان این بازدید گفت: محصول کشت و صنعت‌های جیرفت و دزفول که توسط سازمان مرکزی تعاون روستایی مدیریت می‌شوند، به این محل منتقل شده است تا پس از درجه بندی و نگهداری در دمای مناسب برای تنظیم بازار عرضه شود.

وی با بیان اینکه پرتقال ذخیره شده جنوب از نوع والنسیا با مدت ماندگاری بالاست، یادآور شد: تولید پرتقال امسال در منطقه جنوب کشور ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش داشته و مشکلی برای تامین ایام نوروز و حتی بهار وجود ندارد.

بخشنامه افزایش دستمزد ۹۳ کارگران ابلاغ شد

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بخشنامه افزایش دستمزد سال ۹۳ کارگران را ابلاغ کرد.

به گزارش خبرنگار ما، در ابلاغیه علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی آمده است: از اول سال ۱۳۹۳ حداقل مزد روزانه با نرخ یکسان برای تمام کارگران مشمول قانون کار (اعم از قرارداد دائم یا موقت) مبلغ ۲۰۲,۹۷۰ ریال تعیین می شود. همچنین از اول سال ۱۳۹۳ سایر سطوح مزدی هم روزانه ۱۲ درصد مزد ثابت یا مزد مبنا (موضوع ماده ۳۶ قانون کار) به اضافه روزانه ۲۱۱۱۰ ریال به نسبت آخرین مزد در سال ۱۳۹۲ افزایش می یابد.

تبصره: با اعمال افزایش این بند مزد شغل کارگران مشمول طرح های طبقه بندی مشاغل مصوب وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مزد ثابت سایر کارگران نباید از مبلغ ۲۰۲,۹۷۰ ریال بند یک کمتر شود.

همچنین به کارگرانی که در سال ۱۳۹۳ دارای یک سال سابقه کار شده یا یک سال از دریافت آخرین پایه سنواتی آنان گذشته باشد، روزانه مبلغ ۵۰۰۰ ریال به عنوان پایه (سنوات) پرداخت خواهد شد.

تبصره: پرداخت مبلغ مربوط به پایه سنواتی کارگران مشمول طرح های طبقه بندی مشاغل مصوب وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با در نظر گرفتن رقم فوق الذکر برای گروه یک با توجه به دستورالعمل و جدول اعلامی توسط اداره کل روابط کار و جبران خدمت صورت می گیرد.

ازسوی دیگر به کارگران فصلی به نسبت مدت کارکردشان در سال ۱۳۹۲، میزان مقرر در این بند حسب مورد تعلق خواهد گرفت.

بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۳ شورای عالی کار و در راستای تقویت مهارت محوری و بهره مندی تمامی کارگران و در نتیجه رضایتمندی کارگران با سابقه، از ابتدای سال ۱۳۹۳ همه کارگران دارای قرارداد دائم و موقت مشمول قانون کار که دارای یک سال سابقه کار شده یا یک سال از دریافت آخرین پایه (سنوات) آنان در همان کارگاه گذشته باشد، اعم از اینکه حق سنوات یا مزایای پایان کار خود را تسویه حساب کرده باشند یا خیر، مشمول دریافت پایه (سنوات) خواهند بود.

همچنین براساس مصوبه مورخ ۱۳۷۸/۷/۲۱ شورای عالی کار و در جهت افزایش رضایتمندی کارگران و کارفرمایان و به منظور تثبیت و تسری به تمامی کارگران اعم از دائم و موقت مقرر شد از ابتدای سال ۱۳۹۳ کمک هزینه اقلام مصرفی خانوار به عنوان مزایای رفاهی و انگیزه ای موضوع تبصره ۲ ماده ۳۶ قانون کار بابت هر کارگر (اعم از متاهل و مجرد) ماهانه مبلغ ۸۰۰هزار ریال از سوی کارفرمایان به آنان پرداخت شود.

مقررات این مصوبه شامل حال دانش آموزان و دانشجویانی که در ایام تعطیلات تابستانی در سال ۱۳۹۳ به طور موقت در کارگاه ها اشتغال می یابند، نخواهد شد.

از سوی دیگر واحدهای مشمول قانون کار به منظور ایجاد رابطه هر چه بیشتر مزد و مزایا با بهره وری و تولید و ایجاد انگیزه بیشتر در بین کارکنان خود، علاوه بر اجرای این مصوبه می توانند نسبت به افزایش و برقراری مزایا در قالب موافقت نامه های کارگاهی و پیمان های دسته جمعی و پس از تایید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اقدام کنند.

جدول نرخ پایه (سنوات) در گروه های بیستگانه ـ (ارقام ریال در روز)

گروه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
نرخ پایه	۵۰۰۰	۵۱۰۰	۵۲۰۰	۵۳۰۰	۵۴۰۰	۵۵۰۰	۵۶۰۰	۵۷۰۰	۵۸۰۰	۵۹۰۰
گروه	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
نرخ پایه	۶۰۰۰	۶۲۰۰	۶۴۰۰	۶۶۰۰	۶۸۰۰	۷۰۰۰	۷۲۰۰	۷۴۰۰	۷۶۰۰	۷۸۰۰

تکمیل قطعه یک آزادراه تهران - شمال تا ۳۰ ماه آینده

معاون ساخت و توسعه آزادراه‌ها با اشاره به ورود چینی‌ها به کشور و ادامه مذاکرات بنیاد و طرف چینی برای قطعه یک آزادراه تهران - شمال گفت: قطعه یک تا ۳۰ ماه دیگر تکمیل می‌شود.

به گزارش فارس، حسن احمدی نوری در جمع خبرنگاران درباره آخرین وضع عملیات اجرایی و تکمیل قطعات چهارگانه آزادراه تهران-شمال اظهار داشت: کل پروژه آزادراه تهران-شمال به طول ۱۲۱ کیلومتر در قالب مشارکت وزارت راه و بنیاد مستضعفان اجرا می‌شود. بنابراین باید با بنیاد جلساتی داشت مبنی بر اینکه آنها برای تکمیل پروژه سرمایه‌گذار می‌آورند یا این که خود تمایل به ادامه کار دارند.

وی با بیان اینکه دوران مشارکت شامل دوره احداث و دوره بهره‌برداری است، ادامه داد: دوره احداث ممکن است به دلایل مختلفی از جمله تورم، افزایش قیمت قیر، آزادسازی مسیر، شرایط سخت منطقه، تأمین نشدن به موقع منابع مالی ریالی و ارزی به تاخیر بیفتد و همین مسائل موجب می‌شود دوره احداث طولانی‌تر شود.

معاون ساخت و توسعه آزادراه‌ها اضافه کرد: دوره بهره‌برداری پس از دوران احداث آغاز و اصل و سود سرمایه بخش خصوصی در یک دوره مشخص برگشت داده می شود و پس از استهلاک سرمایه، آزادراه به دولت بازگردانده می‌شود.

وی بیان کرد: قطعه ۴ آزادراه تهران-شمال در دولت قبلی با پیشرفت ۹۷ درصدی به بهره‌برداری رسید، اما ۳ درصد باقی‌مانده، توسط این دولت همزمان با بهره‌برداری تکمیل خواهد شد.

نامبرده بیان کرد: قطعه یک آزاد راه تهران - شمال پروژه بسیار سنگینی است که از منطقه سخت کوهستانی عبور می‌کند و برای ساخت آن سه دوره تابستان لازم داریم.

وی با بیان اینکه عملیات عمرانی در فصول سرد سال به خاطر نزولات جوی و سردی هوا به کندی پیش می‌رود، ادامه داد: در سه ماه آخر سال که برف و یخبندان است، عملیات عمرانی بسیار کند می‌شود، ولی با این حال تکمیل قطعه یک آزادراه تهران-شمال اولویت ویژه‌ای در وزارت راه و شهرسازی دارد.

احمدی‌نوری با بیان اینکه با ساخت قطعه یک آزادراه ۶۰ کیلومتر مسیر تهران-شمال کوتاه می‌شود، گفت: اغلب تونل‌های قطعه یک در حال تکمیل شدن است.

وی با اشاره به روند مثبت مذاکرات بنیاد مستضعفان و طرف چینی در قطعه یک آزادراه تهران-شمال، گفت: بنیاد مستضعفان به عنوان مجری و کارفرمای این قطعه، باید در این‌باره پاسخگو باشد.

اما اطلاعات ما حاکی از آن است که طرف چینی وارد کشور شده است.

این مقام مسئول با بیان اینکه بین طرف چینی و بنیاد مستضعفان مشکلاتی وجود دارد که در حال بررسی است، بیان کرد: پیشرفت فیزیکی قطعه یک آزادراه ۴۷ درصد است.

وی‌افزود: وزیرراه‌وشهرسازی شورای راهبردی برای این پروژه تشکیل داده است که جلسات آن به طور منظم برگزار می‌شود تا با رصد پروژه، گزارش‌های مربوطه به اطلاع ریاست‌جمهوری برسد.

معاون ساخت و توسعه آزادراه‌ها تأکید کرد: امیدوارم تا ۳۰ ماه آینده، منطقه یک آزادراه تهران-شمال به بهره‌برداری برسد.

معاون ساخت و توسعه آزادراه‌ها درباره قطعات ۲ و ۳ آزادراه تهران-شمال بیان داشت: با توجه به محدودیت منابع، اولویت ما تکمیل و بهره‌برداری پروژه‌هایی است که پیشرفت فیزیکی دارند و در این‌باره آماده همکاری با سرمایه‌گذاران هستیم.

وی بیان کرد: در حال حاضر تونل البرز به عنوان یکی از گلوگاه‌های منطقه ۲ آزادراه تهران-شمال در حال ساخت است.

اجرای طرح آمارگیری از فعالیت فرهنگی خانوار در فروردین ۹۳

مرکز آمار ایران از اجرای طرح آمارگیری از فعالیت های فرهنگی خانوار در فروردین ۹۳ خبر داد.

به گزارش روابط عمومی مرکز آمار ایران، سمینار آموزشی طرح آمارگیری از فعالیت‌های فرهنگی خانوار با حضور کارشناسان مسئول طرح از ۳۱ استان کشور به مدت دو روز برگزار شد.

مدیر کل دفتر آمارهای فرهنگی، بازرگانی و خدمات مرکز آمار ایران در مراسم افتتاحیه این سمینار آموزشی، این طرح را پایه سایر طرح‌های فرهنگی ذکر کرد و افزود: مرکز آمار تا قبل از دهه ۱۳۸۰ بیشتر در زمینه اجرای طرح‌های آمارهای جمعیتی و اقتصادی فعالیت داشت و کمتر به مسائل فرهنگی می‌پرداخت، اما از سال ۱۳۸۱ با تأسیس دفتر آمارهای فرهنگی، توجه بیشتری به شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی معطوف شد.

معظمی گودرزی در ادامه به طرح آمارگیری از سازمان‌های غیردولتی و طرح آمارگیری از گردشگران ملی به عنوان طرح‌های فرهنگی موفق در کشور اشاره کرد.

به گفته وی، در این طرح شاخص‌های فرهنگی از قبیل شاخص سرانه مطالعه و سرانه مطالعه در کتابخانه‌ها، سالن‌های سینما و ... که شامل شاخص‌های کلیدی فرهنگی خانواده است، استخراج خواهد شد.

این طرح با هدف فراهم کردن داده‌های مورد نیاز برای تحلیل تغییرات فرهنگی ایرانیان و ارزیابی شاخص‌های فرهنگ عمومی، نیاز بسیاری از نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات پژوهشی و نخبگان و محققان عرصه فرهنگ و مسایل اجتماعی ایران را پوشش می‌دهد.

توزیع گسترده میوه شب عید از امروز آغاز شد

توزیع گسترده میوه برای مصرف تعطیلات نوروز از امروزدوشنبه درسراسر کشور آغاز شد.

به گزارش خبرنگارما، در غرف عرضه کننده میوه که از سوی سازمان های صنعت، معدن و تجارت استان ها برپا شده است، قیمت هر کیلوگرم پرتقال ۱۷۵۰، سیب درجه یک ۳۰۰۰ تومان و سیب ممتاز ۳۶۰۰ تومان است.

پیشتر مقامات وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کرده بودند که امسال دولت یارانه ویژه ای برای توزیع میوه شب عید در نظر گرفته است.

بر اساس اعلام این دستگاه، قیمت تمام شده هر کیلو پرتقال ۲۳۰۰، سیب درجه یک ۴۳۰۰ و سیب ممتاز ۴۷۰۰ تومان است که با یارانه دولتی به قیمت‌های بالا عرضه می‌شود.

شایان ذکر است که سازمان میادین میوه و تره‌بار، واحدهای منتخب توزیع میوه، واحدهای صنفی عضو اتحادیه میوه و سبزی که همه با تابلو مشخص شده‌اند، میوه شب عید را توزیع می کنند.

نگاهی به آداب و رسوم نوروز در برخی از شهرهای ایران

زمستان به سر آمد...

برخیز که می‌رود زمستان، بگشای در سرای بستان
نارنج و بنفشه بر طبق نه، منقل بگذار در شبستان
برخیز که بادصبح‌نوروز، درباغچه‌می کندگل‌افشان
بوی گل بامداد نوروز، و آواز خوش هزار دستان!
سعدی

ایرانیان از روزگاران کهن تا به امروز، رسم و آیین‌های خاصی داشته‌اند که همان‌ها دلیل شکوفایی جامعه ایرانی از آغاز بوده است. در ایران باستان، مردم، روزهای بسیاری از سال را شادمانه جشن می گرفتند، و با مراسمی دل‌انگیز و شادی‌آفرین، فرشتگان نیکی را تقدیس و از خدای بزرگ و یکتا که به آنان شادی ارزانی می فرمود، سپاسگزاری می کردند.

از بسیاری جشن‌ها در ایران باستان چنین پیداست که نیاکان ما برای شادی‌های زندگی، ارزش فراوانی قائل بوده‌اند و طبع انسانی و روح دادگری و بی زاری از خون‌ریزی و گرایش به راستی و درستی کردار و مهربانی، خود دلیل بارزی بر طبع لطیف و شادی آفرین آنان بوده است.

جشن‌های بزرگ ایرانیان باستان عبارت بودند از نوروز، مهرگان، جشن‌های آتش مثل سده و چهار شنبه سوری، جشن زایش آشوزرتشت، سپندارمذگان و سیزده به در که در خلال هر یک از این جشن‌ها، مراسم و جشن‌های وابسته‌ای نیز برگزار می‌شده است در هر ماه جشن مخصوص به آن ماه نیز از اعیادی بوده است که ایرانیان برای آن‌ها اهمیت قائل می‌شده‌اند.

جشن ـ با سکون حرف دوم ـ در ایران به همان معنی عید است که زرتشتیان نیز به همین مفهوم و معنی آن را به کار می‌برند. هدف از برگزاری این همه جشن و گردهمایی ها، نزدیکی افراد جامعه و اتحاد و اتفاق آنان با یکدیگر بوده است.

امروز هم کمابیش بعضی از این جشن‌ها بزرگداشت می‌شود و همچنان رسوم و آیین‌های اصلی آن‌ها، بجا آورده می‌شود.

نوروز، بزرگترین این جشن‌هاست که امروز در شهرهای مختلف ایران برگزار و باعث می‌شود بخشی از سنت‌ها که در پستوی خانه‌ها پنهان شده اند، بیرون بیایند و همگان از آن‌ها لذت ببرند.

آداب و رسوم نوروزی، همه سرچشمه‌ای کهن دارند. ایرانیان عقیده داشتند که سرنوشت انسان و جهان در سالی که در پیش است، در نوروز تعیین می‌شود. گفته می‌شد که در این روز زرتشت با خدا گفتگویی پنهانی داشت و در این روز نیکبختی‌ها برای مردمان زمین، تقسیم می‌شود و از این روست که ایرانیان، آن را روز امید می‌نامند.

نوروز در همه جای ایران جشن گرفته می‌شود و سنت‌های خاص خود را دارد، اما در شهرهای مختلف ایران، بعضی از رسوم نوروزی با هم تفاوت‌هایی دارند.

نوروز خوانی در گیلان

امیر هدایت، پسر جوانی از اهالی فومن در استان گیلان است که در مورد آیین‌های نوروزی در منطقه خود به گزارشگر روزنامه اطلاعات می گوید: یکی از کارهایی که ما انجام می‌دهیم، درست کردن حلواست. تقریباً همه افراد خانواده در این کار کمک می کنند. مردان خمیر را ورز می‌دهند و خانم‌ها به دیگر کارهای آن، می‌پردازند. حلوا معمولاً به شکل لوزی برش داده می‌شود و در رنگ‌های مختلف سبز و زعفرانی و قرمز و سفید و کاکائویی، برای ایام نوروز پخته می‌شوند.

«نوروز خوانی» هم یکی دیگر از رسومی است که امیر شاهدش بوده است. وی در این مورد می گوید: دو یا سه نفر که معمولاً سن و سال زیادی ندارند و اکثراً نوجوان هستند، خانه به خانه راه می‌افتند و زنگ خانه‌ها را می‌زنند و با هم شروع به خواندن آواز می کنند و در قبالش صاحب خانه به آن‌ها پول یا همان عیدی می‌دهد.

امیر با خنده ادامه می‌دهد: قبل ترها بیشتر خانه‌ها ویلایی بود و نوروز خوانان باید منتظر اجازه صاحبخانه می‌شدند و بعد آواز می‌خواندند و کارشان هم هماهنگ‌تر بود، اما الان همین که گوشی آیفون را برداری، از ترس اینکه بهشان بگویی نخوانند، یک دفعه شروع به خواندن می کنند و از آنجا که این کار را ناگهانی انجام می‌دهند، خیلی وقت‌ها آوازشان ناهماهنگ می‌شود.

*** در شیراز به هنگام نوروز برای تازه عروس و دامادها رسوم خاصی وجود دارد. در صورتی که عید نوروز در فاصله نامزدی یا عقد و عروسی یک زوج باشد، خانواده داماد باید عیدانه برای خانه عروس بفرستند که شامل قطعه‌ای طلا، سفره ابتکاری هفت سین که قابل حمل باشد و لباس‌های نو است**

*** یکی از رسومی که در گذشته و در مواقع مختلف از جمله نوروز در بیرجند انجام می‌شده، حنابندان است. هنوز هم گروهی از مردم به ویژه بزرگسالان با آمدن عید نوروز با رنگ کردن موهای سر و انگشتان خود با حنا، به استقبال نوروز می‌روند**

*** از جمله مراسمی که قبل از عید نوروز در میان عشایر قشقایی برگزار می‌شود، جشن اسفند ماه است. شب اول اسفند مقداری جوهر قرمز در آب حل و قسمتی از پشت و پهلوی گوسفندان را رنگ آمیزی می‌کنند. چرا که معتقدند چون طبیعت زیبا و رنگین شده است، پشم گوسفندان هم باید تغییر رنگ بدهد**



خوراکی‌های نوروز در شیراز

زهرا آیت اللهی که از اهالی استان فارس و شهر زیبای شیراز است، به گزارشگر روزنامه اطلاعات می گوید: در اینجا مردم از چند هفته پیش از نوروز به تهیه شیرینی و آجیل رو می‌آورند. شیرینی های خانگی مانند سوهان عسلی، کلوچه نخود، نان فسایی، قطاب، نان پنجره ای، لوز بادام و نارگیل، حلوای مسقطی، شیرینی لطیفه، نان یوخه، میشکا و نان شیری را در خانه درست می کنند. شربت آبلیمو و بستنی و فالوده شیرازی هم از دیگر خوراکی هایی است که برای پذیرایی در نوروز، مورد استفاده قرار می گیرند.

وی ادامه می دهد: غذاهایی نظیر آش سبزی، کلم پلو و سبزی پلو با ماهی در عیدنوروز بیشتر پخت می شوند. اما در لحظه تحویل سال حتماً باید شیربرنج روی آتش در حال پختن باشد. شب عید حتماً باید خوراک شوید لوبیا پلو با مرغ پخته شود و شب بعد از آن، چلو و خورشت سبزی.

اوایل اسفندماه، خانواده‌هایی که نذرهای سالانه خاصی دارند، مراسم سمنو پزان می گیرند و بعد از پختن سمنو آن را میان همسایه‌ها و فامیل پخش می کنند. این کار به دلیل خصلت ماندگاری سمنو، خیلی زودتر از عید انجام می گیرد. بسیاری از شیرازی ها معتقدند که باید گندم، عدس یا دیگر روئیدنی ها را خودشان سبز کنند و این کار شگون بیشتری دارد. برای همین از اوایل اسفند برای سبز کردن گندم و ماشک و عدس در کوزه سفالی، اقدام می کنند. در این میان پرورش گل‌های سوسن و سنبل را بسیاری از گلخانه‌ها در برنامه کار خود قرار می دهند. علاوه بر این، نمایشگاه‌های گل و گیاه در مناطق مختلف شیراز در ایام اسفند و فروردین برقرار است.

در شیراز علاوه بر هفت سین، «هفت میم» را هم درسفره می گذارند که عبارت است از مدنی (لیمو شیرین)، مرغ، ماهی، میگو، مسقطی، ماست و مویز. به علاوه این‌ها در سفره هفت سین یا هفت میم از کنگر ماست، عسل، خرما، کره، پنیر، کاهو، تخم مرغ رنگی هم استفاده می‌شود.

آیت‌اللهی در مورد اینکه در شیراز برای تازه عروس و دامادها به هنگام نوروز رسوم خاص دیگری هم وجود دارد می گوید: در صورتی که عید نوروز در فاصله بین نامزدی یا عقد و عروسی یک زوج باشد، خانواده داماد باید عیدی برای خانه عروس بفرستند. که شامل قطعه‌ای طلا، سفره ابتکاری هفت سین که قابل حمل باشد و لباس‌های نو است. هم چنین شیرینی‌های عید به علاوه گوشت مرغ، ماهی، سبزی پاک کرده و هفت میوه مثل سیب، پرتقال، به و انار را با خوش سلیقه گی در قاب بزرگی می چینند و به خانه عروس می‌فرستند اما اگر در سالی که گذشته عروسی برگزار شده باشد، همین عیدانه را باید خانواده عروس برای دخترش ببرد. این سال اولین سالی است که یک خانواده جدید برای دید و بازدید به طرفین اضافه شده است. وی سپس به مراسم چهارشنبه سوری هم اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد: درست کردن آتش در کوچه‌ها و حیاط خانه‌ها، دود کردن اسفند و نمک گرداندن (در موقع اسفند دود کردن و نمک گردانیدن، زنان اورادی می‌خوانند)، از رسوم چهارشنبه آخر سال است.

زیارت حرم مطهر حضرت شاه چراغ(ع) در شب چهارشنبه سوری، فال گوش ایستادن و قاشق زنی، پختن آش ابودردا که تهیه وسایل اولیه آن آداب منحصر به خود را دارد، آجیل چهارشنبه سوری و تفال به دیوان حافظ، از دیگر مراسمی است که در این شب، شیرازی‌ها انجام می‌دهند.

آیت‌اللهی همچنین می گوید: یکی از کارهایی که زنان باردار انجام می‌دهند، این است که اگر در شب چهار شنبه سوری، در ماه‌های آخر بارداری باشد، سر چهارراهی می‌ایستد و چهارسنگ به چهار راه می‌اندازد و منتظر می‌ماند. در صورتی که اولین فردی که به چهارراه می‌رسد، پسر یا مرد باشد، گمان می کند که فرزند آینده اش پسر است. و در صورتی که زنی رد شود، فرزنده آینده دختر است! البته این تعبیر به حرف و رفتار عابر هم مربوط است. تهیه لباس عید از مهم‌ترین کارهایی است که مردم در سراسر ایران به آن پایبندند. پوشیدن لباس نو در شیراز یکی از ضروریات نوروز است به طوری که در گذشته حتی اگر پارچه نو خریده اما خیاط پیدا نکرده بودند، قسمتی از پارچه را می‌بریدند و از سر آن را می‌پوشیدند و می‌خواندند:

یلم و یلاش مونده..... تریج و بالاش مونده.... دو تا آستیناش مونده!

در صورتی که خودشان قصد دوختن لباس داشته باشند، در روزهای سه شنبه و چهارشنبه این کار را انجام نمی‌دهند. رسم است که بزرگان فامیل برای فرزندان و کوچکترهایی که عزیزی را از دست داده‌اند، لباس رنگ روشن می‌دوزند و قبل از نوروز به خانه آنها می‌روند و می‌خواهند که لباس مشکی را در آوردند و آن لباس‌ها را بپوشند.

آیت‌اللهی در ادامه سخنانش، لحظه تحویل سال در شیراز را هم این چنین شرح می‌دهد: خانواده‌ها لباس‌های نو می‌پوشند و دور سفره هفت سین می‌نشینند و با خواندن دعا، انتظار تحویل سال را می‌کشند. آینه‌ای را وسط سفره می‌گذارند و شمعی روشن می‌کنند و تخم مرغ‌های رنگی را دور شمع می‌چینند. زمان روشن کردن شمع را طوری تنظیم می‌کنند که زمان تحویل سال اشک‌های شمع باعث به حرکت در آمدن تخم مرغ‌ها روی آینه شود.

علاوه بر این، بسیاری از مردم برای تحویل سال به زیارتگاه‌ها و امامزاده‌هایی مثل شاهچراغ و آستانه سید علاالدین می‌روند.

خراسان جنوبی و سرسوزی!

فرهاد آجرکاران هم که از دیار بیرجند است، در گفت‌وگو با گزارشگر روزنامه اطلاعات با اشاره به اینکه اهالی این منطقه با کاشت «سرسوزی» به استقبال بهار می‌روند، می گوید: شیرینی پزان، نان پزان، کدورت زدایی، پرداخت دین، فاتحه خوانی، خانه تکانی سال نو و آماده کردن آجیل شب عید مانند کشمش، عناب، نقل، پختن و تفت دادن تخمه و پسته و دید و بازدید بزرگان فامیل، از مراسم مورد علاقه مردم در این ایام است که با شور خاصی انجام می‌شود.

کاشتن سرسبزی یا به قول بیرجندی‌ها «سرسوزی»، یکی از آیین‌های پابرجا در ایام عید است که طبق آن زنان، حدود یک ماه مانده به عید در ظرف‌های کوچک یا بزرگ مقداری جو، گندم، عدس یا ماش می‌کارند تا روز عید سبز شود. برخی هم روی جداره‌های کوزه‌های سفالی، سبزی‌های بسیار زیبایی به وجود می‌آورند. در بعضی از خانواده‌ها هم به نیت سلامت افراد خانواده برای هر یک از آنها به اصطلاح یک سرسبزی می کارند.

آجرکاران ادامه می‌دهد: اما یکی از رسومی که بیشتر خاص مردم منطقه بیرجند به شمار می‌آید، حنابندان است که در گذشته و در مواقع مختلف از جمله نوروز انجام می‌شده است. هنوز هم گروهی از مردم به ویژه بزرگسالان با آمدن عید نوروز با رنگ کردن موهای سر و انگشتان خود با حنا به استقبال نوروز می‌روند. یکی دیگر از مراسم نوروزی در استان خراسان جنوبی، رسم «شاه مولایی» است که در مناطق شهری و روستایی این استان مرسوم است. انجام آن به‌این ترتیب است که چند روز مانده به نوروز افراد خیر و معتمدان محل با مراجعه به ثروتمندان، اجناسی را برای کمک به نیازمندان تهیه می‌کنند و آن‌ها را در اختیار آنان می‌گذارند.

وی می‌افزاید: اهالی بیرجند قدیم اعتقاد داشتند که شام شب عید به هر قیمت که شده باید پلو باشد و از اینرو فقیر و ثروتمند خود را مقید به تهیه و پختن پلو در شب عید می‌دانستند.

آجرکاران سپس به رسم سمنو پزان که کم و بیش هنوز هم در نقاط مختلف ایران رایج است، اشاره می‌کند و می‌گوید: سمنو پزان یک مراسم پررنج و زحمت، پرطرفدار و تشریفاتی در نوروز است که در گذشته برای انجام آن ۴۰ تا ۵۰ روز مانده به عید، خانم‌ها ظرف‌هایی وسط حیاط یا پشت بام‌ها می‌گذاشتند تا از آب باران پر شود و همزمان مقداری گندم در پارچه‌های سفید و نازک به نام صافی می‌ریختند تا در آب خیس شود و پیوسته آن را با آب نگه می‌داشتند تا گندم‌ها جوانه بزنند و بعد هم کارهای دیگر مربوط به سمنو را انجام می‌دادند، تا به طور کامل آماده شود.

رنگ آمیزی گوسفندان در میان عشایر

اما از دیگر اقوامی که رسوم خاص نوروزی دارند و شاید آن را کمی متفاوت از مردم شهری و یکجا نشین به جا می‌آورند، می‌توان به مردم عشایر قشقایی اشاره کرد. قشقایی‌ها دارای اعیاد مذهبی و مراسم ملی هستند. یکی از مراسمی که قبل از عید نوروز برگزار می‌شود، جشن اسفند ماه است. در این ماه در منطقه قشلاق به دلیل تغییر درجه هوا و سرسبزی طبیعت و زاد و ولد دام‌ها و وفور لبنیات، روحیه چادرنشینان هم بهتر از قبل است.

به همین منظور است که شب اول اسفند مقداری جوهر قرمز در آب حل و قسمتی از پشت و پهلوی گوسفندان را رنگ آمیزی می‌کنند، زیرا معتقدند چون طبیعت زیبا و رنگین شده است، پشم گوسفندان هم باید تغییر رنگ بدهد.

علاوه بر رنگ کردن گوسفندان، در جشن اسفند ماه در میان مردم قشقایی رسم بر این است که هنگام عصر دختر بچه‌ها مقداری علوفه خشک و خار و خاشاک از بیابان جمع آوری می‌کنند و با غروب آفتاب آنها را در محلی آتش می‌زنند و در اطرافش شادمانی می‌کنند. هنگامی که آخرین شعله‌های آتش در حال خاموشی است، اطرافش را سنگ چین می‌کنند تا باد، خاکسترش را به هم نریزد.

هر خانواده‌ای پیش خود نیت می‌کند که سال آینده چه خواهد شد. صبح روز بعد به خاکسترها نگاه می‌کنند در وسط آن معمولاً گودال‌هایی کوچک، که شبیه جای پای گوسفند یا شتر است، به جا می‌ماند و مردم بر این اعتقاد هستند که در سال آینده، بسته به اینکه رد پای چه حیوانی به جا مانده باشد، شانس به آن‌ها رو می‌آورد.

روز قبل از تحویل سال با آرد و روغن و خرما حلوای مخصوصی تهیه می‌کنند و به عنوان آخرین روز سال برای مردگان خیرات می‌کنند و این روز را «عرفها» گویند. شب عید سعی می‌کنند شام مرتب و مفصلی نظیر بره پلو یا مرغ پلو داشته باشند. همچنین قبل از تحویل سال، مقداری حنا خیس می‌کنند و آخر شب که بچه‌ها خواب هستند، به دست آنها می‌مالند، صبح که کودکان بیدار شدند، متوجه رنگین شدن کف دستان خود می‌شوند!

مراسم سلام عید قبل از ظهر شروع می‌شود. اولین بار به منزل خان طایفه می‌روند و معمولاً بره یا بزغاله یا جاجیم به عنوان عیدی تهیه می‌کنند و دسته جمعی به حضور بزرگان ایل می‌شتابند.

«خواب آب» کرمانی‌ها

مردم استان کرمان هم مانند سایر هموطنان خود، سال‌نو را با آداب و رسوم خاصی آغاز می‌کنند. برخی از این آداب هنوز در میان مردم مرسوم است، اما برخی دیگر در طول زمان به فراموشی سپرده شده است. جدا از رسومی مانند خانه تکانی، سمنو پزان و خرید لباس نو و سبزه گذاشتن که کم و بیش در بیشتر مناطق ایران رواج دارد، اهالی کرمان باور دارند که زمان تحویل سال تمامی آب‌های جاری برای یک لحظه می‌ایستند که اصطلاحاً به‌آن «خواب‌آب» می‌گویند. در برخی از شهرستان‌ها مانند سیرجان، اهالی موقع تحویل سال اقدام به رشته‌بری و پختن آش با آن می‌کنند و باور دارند که‌با این کار سررشته‌زندگی تا آخر سال‌به‌دستشان‌خواهد بود.

در قدیم کسانی که با سواد یا به اصطلاح عامیانه‌ملا بودند، هنگام‌تحویل‌سال قرآن می‌خواندند و سکه‌ای به‌عنوان برکت به بقیه می‌دادند. در بعضی‌از مناطق استان کرمان دعای مخصوص تحویل سال را با زعفران و گلاب بر بدنه یک کاسه چینی می‌نویسند و سپس از آن شربت‌درست می‌کنند و به نیت سلامتی اعضا خانواده در طول‌سال، همگی‌از آن می‌نوشند. عید دیدین کوچکترها از بزرگان فامیل و هدیه دادن بزرگان به بچه‌ها، از دیگر آداب مرسوم عید نوروز در استان کرمان است. در برخی شهرستان‌ها از جمله شهر بابک، سیرجان و بم، مردم شنبه اول سال به گردش و تفریح می‌روند و آش می‌پزند.

در قدیم کرمانی‌ها روز قبل‌از عید تکه‌ای سبزه از باغ‌ها یا بیابان‌ها می‌آوردند و آن‌را با گل بالای سر در منزلشان می‌چسباندند و بر این باور بودند که برای شگون و خوش یمنی روز اول سال، بهتر است چشمانشان به سبزه بیفتد. در روز ۱۳ فروردین‌نیز سبزه‌ها را به‌خارج از خانه می‌برند و برای‌رفع بلا، در آب‌روان می‌ریزند. مردم‌استان‌کرمان هم مثل همه مردم ایران، از قدیم روز ۱۳ فروردین‌ماه را نحس می‌شمردند و برای رفع نحوست آن، به دامان کوه و دشت پناه می‌بردند. عده‌ای حتی تا ۱۳ فروردین‌به‌مسافرت نمی‌رفتند و باور داشتند که به اصطلاح سیزده‌گیر می‌شوند! گره‌زدن سبزه‌از آیین‌های سنتی‌مردم استان‌کرمان است. برخی‌از اهالی شهر بابک روز ۱۳ بدر، ۱۳ سنگ جمع می‌کنند و در سوراخی قرار می‌دهند سپس‌در آن را می‌بندند و باور دارند با این‌کار، تمامی بلاها از آنها دور می‌شود.

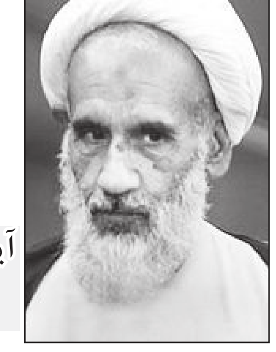
شبنم سید مجیدی

جدول

طراح: غلامحسین باغبان

۲۲۲۲۸

صلح در نهج البلاغه



آیت‌الله دکتر احمد بهشتی
بخش دوم

۴ـ موانع صلح

صلح جویی در راه رضای خدا فضیلت، و جنگجویی در راه ارضای هواهای نفسانی و برای برآوردن آرمانهای شیطانی، رذیلت است. اگر ادعا کنیم که آن فضیلت، «ام‌الفضائل» و این رذیلت، «ام‌الرذائل» است، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. اهالی مدینۀ فاضله می‌کوشند که موانع صلح را از میان بردارند و زمینه را برای آرامش و آسایش مردم فراهم سازند. در مقابل، ساکنان کشور رذیلت، همواره با تهدید و تخویف و فساد می‌کوشند که آب زلال زندگی مردم را گل‌آلود کنند تا بتوانند نیات شوم خود را بر کرسی نشانند و از آب گل‌آلود ماهی بگیرند.

امام علی(ع) که پیشوای صلحها و جهان است و سعادت بشریت را در صلاح مردم، و شقاوت و بدبختی و گرفتاری را در فساد آنها می‌بیند، به یاران و پیروان خود توصیه می‌کند که موانع صلح را از سر راه مردم بردارند و مشوق جنگ و خونریزی نباشند. با مروری بر نهج‌البلاغه می‌توانیم موانعی را برای صلح شناسایی کنیم.

الف) بدگویی و دشنام

هنگامی که امام علی(ع) می‌شنود گروهی از اصحابش زبان به بدگویی و دشنام گشوده و شامیان را مورد سب و شتم قرار داده‌اند و کورۀ گداخته جنگ صفین را گداخته‌تر می‌کنند، می‌فرماید: «**انی اکره لکم ان تکونوا سبّابین:** من نمی‌پسندم که شما دشنام‌دهنده باشید.» (همان، خطبه ۱۹۷)

دشنام دادن به دشمن هیچ گره‌ای نمی‌گشاید و هیچ مشکلی را از سر راه مردم برنمی‌دارد. باید با دشمن با منطق صلح و آشتی و خیرخواهی سخن گفت. پرخاشهای خصمانه و گفتارهای وقیحانه جز اینکه آتش خشم و کینه رقیب را برافروخته‌تر کند، نتیجه‌ای ندارد. خدا هم نمی‌پسندید که فرستادگانش با بزرگترین دشمنی چون فرعون، سخن درشت بگویند و برسرکشی و عناد او بیفزایند؛ از این رو به موسی و هارون فرمود: «**اذهبا الی فرعون انه طغی. فقولا له قولاً لیّناً لعله یتذکر او یخشی:** بروید به سوی فرعون که سرکشی کرده است، و با او به نرمی سخن بگویید. شاید متذکر شود یا از عاقبت کار خود بیمناک گردد.» (طه: ۲۰، آیه ۴۳ و ۴۴) پیامبر بزرگ اسلام(ص) مظهر اعلای نرمخوئی و سخن نرم بود و همین، راز موفقیتش در تمام عرصه‌ها شناخته شده است؛ چرا که خدای متعال می‌فرماید: «**فبما رحمه من الله لنت لهم و لو کنت فظّاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک:** به واسطۀ رحمت الهی است که تو برای مردم نرمخو و مهربان شده‌ای و اگر درشتخو و سنگدل بودی، از اطرافت پراکنده می‌شدند.» (آل عمران: ۳، آیه ۱۵۹)

بر سب و دشنام هیچ نتیجه‌ای مثبت، مترتب نمی‌شود. تنها فایده‌اش تحریک احساسات دشمن و سوق دادن او به سوی واکنشهای گستاخانه است. خدای متعال فرمود: «**لاتسبّوا الذین یدعون من دون‌الله فیسبوا الله عدواً بغیر علم:** به خدایان [پوشالی] مشرکان دشنام مدهید، تا مبادا آنان نیز از روی دشمنی و جهالت، خدای را دشنام دهند.» (انعام: ۶، آیه ۱۰۸)

ب) انجام کارهای غیراخلاقی و غیرانسانی

در جنگ صفین، یاران معاویه شریعه فرات را به تصرف درآوردند و اصحاب امام علی(ع) را از دسترسی به آب منع کردند. امام در خطبه‌ای شکوهمند به یاران فرمود: «**اقروا علی مذلّه و تأخیر محله، او رووا السیوف بالدماء ترووا من الماء:** بر خواری و عقب‌ماندگی اقرار کنید یا شمشیرها را با خون سیراب کنید، تا از آب سیراب شوید.» (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام، خطبه ۵۱)

این سخن حماسی و پرشکوه، همت و غیرت را در سپاهیان بیدار کرد و شریعه را به تصرف درآوردند. برخی پیشنهاد کردند که معامله به مثل کنند و دشمن را از دسترسی به آب بازدارند؛ ولی حضرت فرمود: «**لا افعل ما فعله الجاهلون... فی حد السیف ما یغنی:** من کار جاهلان را انجام نمی‌دهم... در تیزی شمشیر چیزی است که از این کار بی‌نیاز می‌کند.» (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۲، ج۳، ص ۳۳۱)

میدان جنگ و سیاست، میدان ذبح اخلاق و زیر پا نهادن فضائل اخلاقی و انسانی نیست. رفتار اخلاقی با دوستان و بستگان هنر است، ولی هنری عادی و معمولی؛ اما رفتار اخلاقی با دشمنان و بیگانگان، هنری عالی و الهی است؛ زیرا باید اصالت را به جذب داد، نه دفع، و محوریت را باید به دوستی داد، نه دشمنی. با دشمن شکست‌خورده و اسیر یا فراری نباید کینه‌توزی و نامردمی کرد. انسان حیوان درنده نیست. درندگان همین که شکار گریزپا خود را گرفتار کنند، با چنگ و دندان، پاره پاره‌اش می‌کنند و او را می‌خورند. اگر انسانها به درنده‌خویی روی آورند، با اسیران و ضعیفان شکست‌خورده، همان می‌کنند که گرگها با گوسفندان می‌کنند؛ اما سیره جنگی علوی، سیره‌ای است الهی. او به سپاهیان خود فرمود: «**فاذا کانت الهزیمه باذن‌الله فلا تقتلوا مدبراً، و لاتصیبوا معوراً و لاتجهزوا علی جریح، و لاتهیجوا النساء و ان شتمن اعراضکم و سببن أمرائکم:**[۱] هرگاه به اذن خدا دشمن شکست بخورد، آن را که گریخته، مکشید، و به آن که توان دفاع ندارد، آسیب مرسانید، و مجروحان را مکشید، و زنان را با رفتار بد خود، به هیجان میاورید؛ هرچند شما را دشنام دهند و نسبت به امیران شما بدگویی کنند.»

این گونه کارها مانع پدید آمدن صلح راستین است. دشمن شکست‌خورده اگر با رفتار زشت و اخلاق بد و غیرانسانی رقیب روبرو گردد، هرگز دلش از کینه و عداوت پاک نمی‌شود، و اگر از راه ناچاری و ناتوانی تن به صلح دهد، همواره در کمین فرصت است تا انتقام بگیرد و عقده‌گشایی کند. حضرت در مورد زنان حساسیت بیشتری نشان می‌دهد. دلیلش هم روشن است: زنان از احساسات و عواطف رقیقی برخوردارند، و به همین جهت است که باید با آنها رفتاری عاطفی و اخلاقی داشت؛ به خصوص که بدرفتاری با زنان، مردان غیرتمند را تحریک می‌کند و موجب شعله‌ورتر شدن کوره جنگ و ضعیف شدن انگیزه صلح می‌شود. در اینجا به هیچ وجه نباید اختلافات دینی و مذهبی را ملاک بدرفتاری با زنان قرار داد؛ از این رو فرمود: «**ان کنّا لنؤمر بالکفّ عنهن و انهن لمشرکات:**[۲] ما مأمور بودیم که با زنان مشرک بدرفتاری نکنیم.»

عصر جاهلیت عربی، عصری تیره و تاریک بود و کارهای ضداخلاق سخت رواج داشت. در عین حال، بدرفتاری با زنان مورد نکوهش بود؛ از این رو فرمود: «**و ان کان الرجل لیتناول لمرأه فی الجاهلیه بالفهر او الهراوه فیعیّر بها و عقبه من بعده:**[۳] در جاهلیت، اگر مردی با سنگ یا چوب به زنی حمله می‌کرد، خود و بازماندگانش ملامت می‌شدند.»

اگر صلح اصالت دارد که دارد، باید در راه تحقق بخشیدن به آن، گذشت و همت و فداکاری و حلم و بردباری پیشه کرد و اگر جنگ‌افروزی خلاف دین و وجدان و پدیده‌ای اضطراری و فرعی است، باید مقتضیات آن را از میان برداشت تا از قداست نیفتد و تنها «فی سبیل‌الله» باشد.

ج) آغازگر جنگ بودن

به هیچ وجه نباید در راه حاکمیت صلح سنگ‌اندازی کرد. در هنگامه‌ای که نیروهای رزمی طرفین در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند، و کوره جنگ، آماده شعله‌ور شدن و آتش‌افروزی است، هر کس جنگ را آغاز کند، محکوم است و باید سرکوب و ملامت شود. به همین جهت است که امام علی(ع) می‌فرماید: «**لاتقاتلوهم حتی یبدئوکم:**[۴] تا دشمنان جنگ را آغاز نکرده‌اند، با آنها مجنگید.»

در حقیقت تا آخرین لحظاتی که امکان دارد شعله جنگ فرونشیند، باید برای صلح فرصت‌سازی کرد، نه فرصت‌سوزی و باید آب صلح‌جویی بر آتش جنگ ریخت، نه هیزم‌بیار معرکه شد. هرگاه جنگاوران به جنگ مکتبی روی آورده و می‌خواهند جهاد فی سبیل‌الله کنند و از خدای خود پاداش بگیرند، باید بدانند که تا اتمام حجت نکنند، نباید تن به جنگ دهند. اینان اگر آغازگر جنگ باشند، فرصت فکر و اندیشه را از دشمن سلب می‌کنند و راه هدایت را بر او می‌بندند. بی‌جهت نیست که امام رستگاران و راهنمای گمراهان در ادامه سخن بالا به یاران خود فرمود: «**فانکم بحمدالله علی حجه، و ترککم ایاهم حتی یبدئوکم حجه اُخری لکم علیهم:**[۵] شما بحمدالله حجت دارید و ترک شروع جنگ از ناحیه شما تا دشمن جنگ را شروع کند، حجتی دیگر است برای شما در برابر آنها.»

مجاهدان راه خدا باید اتمام حجت کنند. اتمام حجت تنها به این نیست که بگویند: ما حقیم و باید در راه حق بجنگیم، و دشمنان باطل است و باید سرکوبش کنیم. در سیره جنگی علوی که همانا سیره جنگی نبوی و الهی است، اتمام حجت دیگری لازم است که اگر مهمتر از اتمام حجت نخست نباشد، کم اهمیت‌تر نیست؛ چرا که اگر این نباشد، فرصت‌سوزی می‌شود. در محیط صلح، انسانها فرصت پیدا می‌کنند که بیندیشند و پشت و روی کارها و رویه‌ها را بسنجند و چه بسا به راه آیند، و نیروی خود و دیگران را نفله نکنند. افراد ارزشی و متعهد نباید در زمان جنگ، تماشاگر و منزوی باشند. با انزوا و گوشه‌گیری رفع مسئولیت نمی‌شود؛ مگر این که پیش خدا و وجدان و خلق حجت داشته باشند، که این خود نیز کمکی است به صلح، و اعراض است از جنگ‌های بیهوده و ویرانگر!

ادامه دارد

پی‌نوشتها:
۱ـ نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام، نامه ۱۴
۲ـ همان
۳ـ همان
۴ـ همان
۵ـ همان

ماهیت مرزی و مشروعیت دولت

دکتر سید موسی دیباج
بخش اول



مقدمه

اولی‌ترین و مهمترین وظیفه علمی ما در این نوشتار تمییز مفهوم علمی «مشروعیت مرزها» از مفهوم فلسفی «مشروعیت مرزی» است که اولی به حوزه علوم سیاسی و دومی به حوزه فلسفه سیاسی متعلق است. مبحث علمی مرزهای مشروع و مشروعیت مرزها از یک سو با اطلاعات دقیق از حدود و ثغور فیزیکی و نهادهای مربوط آن و شیوه‌های کمیت‌گذاری و اندازه‌گیری پدیده‌های مرزی سروکار دارد و از دیگر سو با کدهای قانونی و مقررات و قوانین پذیرفته یا تصویب‌شدۀ حقوقی و سیاسی ـ اعم از داخلی و بین‌المللی ـ که التزام عملی دولتها را تعیین کرده و تعهدات آنها را به نحو دقیق زمینی و انضمامی شده می‌کند.

مطالعه التزام و رویه عملی دولتها نسبت به میثاقها، تعهدات و مقررات بین‌المللی غالباً محدود به علم حقوق سیاسی بین‌المللی است؛ اما اندیشه درباره ماهیت این تعهدها و چگونگی عمل سیاسی متعهدانه دولتها با یک دولت خاص، کار فیلسوفان عملی و صاحب‌نظران سیاسی است. در این مقاله ابتدا به مفهوم فلسفی مشروعیت اعتنا می‌شود که به مثابه ماهیت و مرز و خط دولت امری تاریخی، انضمامی و توصیف شدنی است.[۱] ماهیت عمل سیاسی یک دولت مترادف با مشروعیت حاکمیت دولت مزبور و حد و مرز این دولت همان حد و ماهیت عمل سیاسی یا همان مشروعیت آن است.

این پرسش وجود دارد که: چرا امر حدی و ماهوی دولت با مرزهای آن دولت ـ اعم از فیزیکی و متافیزیکی ـ گره خورده است؟ پاسخ این است که حکومتها بر قلمروی مشخص جغرافیایی نصب شده‌اند. آنها قدرت آمرانه خود را در ضمن این قلمرو مشخص تثبیت می‌کنند. حکومتها در امر کلی و امر جزئی، در سوژه و ابژه تمایل دارند خود را با مکان مرکزی و قلمروی یکپارچه خود متحد و متعین سازند.

بر این اساس کوشش مؤلف این است که با توسیع در مفهوم حد، سرحد و سرزمین بار دیگر اهمیت موضوعی را یادآوری کند که از دهه ۱۹۷۰ به تدریج توجه به آن در فرهنگ سیاسی جهان کاسته شده است: گویی به مدت سه دهه کشورها موجوداتی بدون رویکردهای سرحد شناسی و مرزشناسی تصور شده‌اند. به عقیده ما سرحد به مثابه ماهیت دولت و جامع دو حکم توصیفی و هنجاری آن است و بدون تأمل در مفهوم سرحدی مفهوم مشروعیت دولت، غیرقابل دستیابی است.

از سوی دیگر، در ماهیت مشروعیت دولت سه قلمرو دانش «علوم سیاسی»، «فلسفه سیاسی» و «تاریخ سیاسی» به هم نزدیک می‌شوند؛ زیرا این مفهوم ماهوی بیش از دیگر مفاهیم مبادی بنیادی در هر سه قلمرو بحث را می‌سازد و زمینه‌های مشترک یگانه‌ای حول ماهیت مشروعیت تدارک می‌کند. به نظر ما به رغم اختلاف دیدگاه دانشمندان روابط بین‌الملل و نظریه‌پردازان سیاسی درباره مفهوم مشروعیت اقتدار و حکومت، آنچه در عمل رخ می‌دهد و قدرت عمل سیاسی حکومت را منعکس می‌کند، حاوی مشروعیت است که هر دو گروه معترف به اصل منشائیت آن هستند. یک حاکمیت با نقطه ثقل تصمیم‌گیری درونی یا نیروی مرکزی برای ایجاد تمایز با دیگر قدرتها شناخته می‌شود. البته همچنان محل سؤال است که: آیا می‌توان این قدرت را عین آن مشروعیت نامید یا نه؟

قصد ما در این مقاله تبیین مشروعیت دولت به مثابه حد طبیعی و ذاتی دولت است که منشأ و سرچشمه موضوع تجویزی مشروعیت و مبتنی بر اراده فردی یا اجتماعی انسان است. اینکه مرزهای مشروعیت چه باید باشد و تا چه اندازه این مرزها اتساع‌پذیر است قبل از هرچیز منوط به این است که این مرزها در حد طبیعی چیست و در کجا قرار دارد. کما اینکه بدون تأمل در نقائص مرزهای موجود نمی‌توان نسبت به احتمال بسط و وسع آن چاره اندیشید.

از ساختارهای ساده تا سازمانهای پیچیده

دانایان علوم سیاسی و اجتماعی بر این امر اذعان دارند که جوامع فاقد حکومت از ساختارهای نسبتاً ساده به سازمانهای پیچیده‌تر و دارای سلسله مراتب تکامل یافته‌اند.

*** گستره جغرافیایی و منطقه‌ای یک دولت از این حیث اهمیت دارد که محدوده‌های مشروعیت آن دولت را که مبتنی بر محدوده اقتدار و حکم طبیعی دولت است، منعکس می‌کند. دولت واجد خصوصیت فضایی است و این خصوصیت هندسی فضایی با مرزهایش معین می‌شود**

قلمروهای قبیله‌ای جوامعی هستند که در میانه این سیر استکمالی قرار دارند. آنها نه کشور هستند و نه جوامع کمونیستی مساوات‌طلب (Earle ,1991,11) قلمروهای قبیله‌ای شایسته عنوان نظامهای سیاسی است؛ زیرا در آنها قدرت سیاسی و اقتصاد روزمره سازمان‌یافته قابل مشاهده است. هر قبیله به تدریج به ابداع فعالیتهای ظاهری نمایشی می‌پردازد که موجد مشروعیت قدرت ابتدایی موجود حاکم می‌شود. طبقات حاکم به تدریج همراه با ایجاد مشروعیت قدرتمندتر می‌شود.

قلمرو قبیله‌ای که از شاخه‌های قلمروهای نژادی است به عنوان یک واحد سیاسی اطلاق می‌گردد که در مکان معین مخصوص به یک جمعیت نژاد منطقه‌ای در میان بسیاری از جمعیت‌های دیگر سازماندهی می‌شود. رابرت ساک معتقد است سازمانهای اجتماعی غالباً در پی کسب قلمروند. آنها درباره حق نظارت بر یک منطقه جغرافیایی ادعا دارند (ص۱۶۷، ۱۹۸۰) در بسیاری از کشورهای جهان در حال توسعه نظامهای سیاسی از قلمروهای قبیله‌ای هنوز قابل جدا کردن نیست.

جامعه با پیشرفت به سوی تمدن آماده تکثر و تقسیم‌های نوین اجتماعی و اقتصادی می‌گردد که دیگر ابتدایی نیست. توده‌های مردم در طبقات متنوعی جایگزین شده و مرزهای خانوادگی و قومی و نژادی جای خود را به قلمروهایی می‌دهد که قدرتهای سیاسی نوین را در محدوده خود تعریف می‌نماید. اینک نظامهای سرزمینی برای شهروندان تعریف تابعیت می‌کند، در حالی که پیشتر تابعیت بر پایه نظام قبیله‌ای و تعلق خانوادگی بر همان سرزمین مستولی، تعیین‌پذیر بود. ظهور قدرتهای سرزمینی رابطه انسان و سرزمین را متحول ساخته و دولتها به مثابه پدیده‌های سرزمینی نوین پدید می‌گردد.

در جوامع و قدرتهای ابتدایی جامعه پیوند نزدیک با سرزمین خود دارد و مردم از سرزمین و مکان خود بیگانه نیستند. مع‌ذلک مفهومی که یک قبیله و حتی یک دولت یا آتوریته ابتدایی از فضا دارد، با مفهومی که دولت پیشرفته امروزی از فضا دارد، فرق می‌کند.

در اکثر مناطق جهان در خلال دویست سال گذشته حکومت متکی به ملت به عنوان مناسب‌ترین و بزرگترین شکل سازمان سیاسی ظاهر شده است. اصطلاح «ملی» امروز اغلب مترادف تعلق یک مردم خاص به کشوری خاص به کار برده می‌شود. بعد از انقلاب فرانسه، تعیین رسمی حدود، استقرار مساوات مدنی، نهادینه شدن حقوق سیاسی و پیوند میان تابعیت و ملی از لوازم حاکمیت‌های ملی شد. ملی‌گرایی با میل ایجابی و احساس رضایت از حضور سیاسی و فرهنگی در یک کشور آمیخته است. چنین احساس رضایت از حضور به معنای تحقق بالفعل یک دولت نیست و همین امروز مردمانی هستند که همچنان در پی بازگشت به سرزمین خویش و ایجاد اقتدار ملی و تأسیس یک دولت و کشوری هستند که موضوع آرزوی آنهاست.

می‌توان گفت حضور بالقوه برای آنها همچون حضور بالفعل برای مردمانی که از کشور و دولت خویش برخوردار هستند، یک امر محترم شناخته می‌شود. شاید بتوان گفت احساس رضایت و یا نارضایتی میان جوامع ملی و منطقه‌ای به ترتیب مبتنی بر احترام و عدم احترام نسبت به علایق و مصالح ملتها، هویتهای دینی و فرهنگی آنها از طرف متقابل است. نسبت کشورهایی که مرزهای آنها کامل است و سرزمین آنها جامع ملی است، یعنی ملت واحدی را در خود در برگرفته، زیر ده درصد از کل کشورهای جهان است؛ کشورهایی مانند ژاپن، ایسلند، کره و پرتغال از این جمله‌اند.

ملت و مردم از یک سو و حکومت و دولت از سوی دیگر درباره سرزمین به شیوه‌ای یکسان نمی‌اندیشند. در قلمروهای ملتهای کهن، مردمان به نحو عمیق‌تری با سرزمینهای خود گره خورده‌اند. آنها به سرزمین و طبیعتی که در آن نشو و نمو داشته‌اند، بیش از آنچه ساختارهای مادی و طبیعی بالنسبه در دولت رسمی و قانونی روا می‌دارند، ارج می‌گذارند و این پیوند بیش از آنکه مادی و قابل اندازه‌گیری باشد، عمیق و معنوی است.

در برابر این حقیقت را نیز نمی‌توان کتمان نمود که دولتها مردمان را در قلمروهای مستقل تجربه شده جای می‌دهند و تبعه یک دولت از سوی سازمان و آپاراتوس یک دولت به طرق و انحای گوناگون از مردمان تابع دیگر مناطق و قلمروها متمایز تعریف و بازشناخته می‌شود و در عمل زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی فرد متبوع کشوری خاص از اتباع قلمرو و کشورهای دیگر مستقل ساخته می‌شود. دولتها رابطه تبعه خود را با دیگر اتباع تبعه بیگانه صرفاً از جهت مصالح امنیتی و یا اقتصادی کشور کنترل نمی‌کنند، بلکه برای تشدید مبانی هویت ملی و القای مفهوم آن در مردمان تابع آن کشور ناچار از ایجاد و تعریف هویتی متمایز با دیگر هویتها از ملل گوناگون‌اند. دولتها مردمان خود را متعلق به خود ساخته و با هویت خود متحد می‌سازند.

وحدت دولت مهمترین وحدت تحقق یافته سیاسی است؛ زیرا وحدت مردم گرچه با شور و نشاط و گاهی انقلابی و سهمگین است، اما کمتر فرصت ظهور و حضور می‌یابد. وحدت دولت همواره حضور دارد و در هر عرصه سیاسی وحدت دولت می‌تواند در برابر قدرت بیگانه یا رقیب عرض اندام کند و برخلاف وحدت مردم هیچ گاه نمی‌تواند کاملاً مخفی بماند. یگانگی و وحدت دولت به ظهور مشروعیت دولت کمک می‌کند و مشروعیت آن را از عدم مشروعیتهای مجاور نظیر دشمنی‌ها و یا وضعیت‌های متضاد با حاکمیت جدا می‌سازد.

در تعریف امرسون، ملت گروهی از مردمند که احساس می‌کنند از دو شأن مشترکی برخوردارند: اینکه در عناصر بسیار مهمی از یک میراث مشترک سهم می‌برند و اینکه آینده آنان مشترک است.[۲] می‌توان گفت تعریف امرسون از ملت، نامتکافی است؛ این تعریف نه جامع است و نه مانع. مانع نیست زیرا شامل گروهها و مردمانی می‌شود که به سرزمینهای گوناگون تعلق دارند؛ مانند اکثر مسلمانان که به رغم اینکه به ملیت‌های مختلف شناخته می‌شوند، خود را از ملت اسلام می‌دانند؛ و جامع نیست، زیرا نسبت به مسئله اقلیم و سرزمین که مؤلفۀ اصلی یک ملت است، ملاحظه‌ای ندارد.

فردریک راتزل فیلسوف و جغرافیدان آلمانی (۱۹۰۴ـ۱۸۴۴) که او را پدر جغرافیای سیاسی مدرن برمی‌شمارند، پیش از هر کس به اهمیت مکان و فضا و اقلیم برای تحقق یک حکومت پی برده است. او معتقد است که در سراسر کره زمین انسانها برای کسب فضای زندگی با یکدیگر در ستیزند. در نظر او تنازع فضا جای تنازع بقا را می‌گیرد. کشمکش و جنگ انسانها و دولتها برای کسب فضاست و فضا اولین شرط حیات است که تعیین‌کنندۀ شرایط دیگر انسانی است.[۳]

حکومت موجود زنده وابسته به زمین است و هر موجود زنده‌ای بر روی کره زمین خواستار مقداری سرزمین یا فضای حیاتی است. البته راتزل هنوز درنیافته بود که فضاهای انسانی محدودکنندۀ یکدیگر است و از این رو مرزها و سرحدها که مفهوم فضاهای طبیعی و انسانی را برای یک دولت ممکن می‌نمایند، باید همراه با فضای حیاتی و پیش از آن مطرح شود. راتزل توضیح داده است چگونه دولتها همچون موجودات زنده بر پهنه زمین نگران حاکمیت رقیبان خود بر سرزمینهای خودشان هستند. معذلک او پیش‌بینی تنگی جای دولتها را تا بدین حد درک ننموده و نمی‌شناخت.

در آغاز قرن بیست و یکم حدود هویتی و مرزهای اندازه سرزمینهای ملی در حد قابل ملاحظه‌ای تغییر کرده است. آلمانی‌ها، فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها جایشان بسیار تنگ‌تر از قبل شده است و در حالی که حق نظارت آنها بر منطقه جغرافیایی مورد ادعای تاریخی آنها به همان نحو پیشین مانده است. در عین حال مطامع مرزی و مشروعیت این کشورها به مراتب توسعه‌یافته‌تر است.

تا پیش از پایان هزاره دوم پیش از هشتصد جنبش ملی‌گرا و کمتر از دویست کشور در جهان وجود داشت. بسیاری از این هشتصد جنبش، کوچک، ناتوان، متفرق و ناپایدار بوده، اما ضرورتاً تسلیم سرنوشت خویش نیستند و این احتمال وجود ندارد که بتوان این ملی‌گرایی‌ها را با اعطای حکومت مستقل مساعدت کرد. «در حقیقت، ادعاهای ارضی غالباً لایه به لایه هستند، به طوری که اثبات سرنوشت ملی یکی، جای دیگری را خواهد گرفت.»[۴]

امتیاز دولتها

صور و اشکال دیگر اجتماعی سیاسی ملی غیر از دولتها همچون پدیده «ضددولت»ها که ما از آن یاد کرده‌ایم، امروزه تقریباً امری نادر و دور از ذهن نیست. اما امتیاز دولتها از دیگر اشکال اجتماع سیاسی این است که چون دولتها مرزها را متعلق به خود می‌دانند، هویت سیاسی انسانی را منحصر به هویت سیاسی دولتها می‌شمارند. مرز دولتها از ضد دولتها از همین مرز داشتن دولتها آغاز می‌شود. واکر می‌گوید: «ادعای کشورها نسبت به انحصار قدرت مشروع در یک سرزمینی معین موجب نادیده گرفتن و حتی محو اظهارات دیگری در باب هویت سیاسی شده است.» (واکر، ۱۹۹۰، ص۶)

دولتهای گوناگون در اثبات اینکه قدرت مشروع منحصر به آنهاست، به یک اندازه توانا نیستند. اما چه آنها توانا بر نظارت سرزمین و حدود باشند یا نباشند، تنها موجودات سیاسی‌اند که دارای مرزند. داعش و القاعده دو هویت سیاسی متمایزند، اما بدون اقتضای یک هویت مرزی تعریف شده و عمل می‌کنند، در حالی که دولتهای عراق یا سوریه هر یک محدود به هویت مرزی خود در حال دفاع از همان هویت‌اند.



برای هر حاکمیت دو وجهۀ داخلی و خارجی وجود دارد و امر مشروعیت برای یک دولت امروزی صرفاً منبعث و برخاسته از جوهر و ذات آن نیست. در عین حال باید اذعان کرد توجه به مشروعیت مرزهای دیگر دولتها یا جهات قدرتهای خارجی بدون ملاحظه مشروعیت مفروض جوهری و درونی نیست. یک دولت ملی که از طریق انتخابات توسط شهروندان خود به رسمیت شناخته شده و بنابر این مشروع است، ممکن است مورد هجوم بیگانگان واقع شود و حاکمیت و به تبع آن مشروعیتش مورد خدشه قرار بگیرد.

سخن از مشروعیت حاکمیت داخلی که نماینده سلطه بر تمام افراد گروهها، سازمانها و نهادهای رسمی متعلقه دولت است خود به خود بیان یک توتولوژی اقتدار است. چنانچه مرجع سلطنت یا رئیس جمهور متصدی این اقتدار باشد، باز تغییر چندانی در مفهوم مشروعیت به وجود نمی‌آورد. این توتولوژی اقتدار سیکلی است و در صحنه جهانی همه دولتها متقابلاً به این توتولوژی مشروعیت اعتراف می‌کنند.

وحدت امر سیاسی در اصل و ماهیت امر حدی و مرزی نهفته است و نباید وحدت امر سیاسی را جز در معنای ماهوی سرحدی یا سرزمینی تمام کرد. البته مفهوم سرحدی و سرزمینی را نمی‌توان صرفاً در محدوده یک امر فیزیکی و علامتهای تیرهای نشانه‌دار نصب شده در نقاط مرزی تعریف نمود. مفهوم سیاسی دولت از مفهوم حقوقی مرز و سرحد در ذات و سرشت آن متأخر است؛ اما این تأخر یک تأخر زمانی نیست، بلکه یک تأخیر مربوط به اختلاف شئون ذاتی قانون و سیاست است.

تقدم بنیادی قانون در ساختمان دولت نسبت به دیگر بخشهای سیاسی صادق است، در غیر این صورت چه وجه تمایزی بین دولت به مثابه یک سازمان سیاسی محض با دیگر موجودیتها و سازمانهای ضد دولتی و تروریستی است که از برای مقاصد سیاسی خاص به وجود آمده‌اند و ضرورتاً محدود به حد و مرز و سرحدی نمی‌باشند؟ این مفهوم سیاسی دولت (در عقیده‌ای مفهوم سیاسی قانون اساسی) ذاتاً مقدم بر مفهوم حقوقی دولت نیست، بلکه آنجا که سرزمینی نام دولت یابد و به مشروعیت مزین می‌شود، در یک فرآیند سیاسی قانون اساسی مطلوب خویش را باز خواهد ساخت. همچنان که در مصداق انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ رخ داد، قانون اساسی در فرآیند و اقدام سیاسی زمانی بعدی یعنی سال ۱۳۵۸ ساخته و پرداخته می‌شود.

*** در قلمروهای ملل کهن، مردم به نحو عمیق‌تری با سرزمین خود گره خورده‌اند. آنها به سرزمین و طبیعتی که در آن نشو و نمو داشته‌اند، بیش از آنچه ساختارهای طبیعی در دولت رسمی روا می‌دارد، ارج می‌گذارند و این پیوند بیش از آنکه مادی باشد، عمیق و معنوی است**

گستره جغرافیایی و منطقه‌ای

پس از مقدمات فوق می‌توان گفت که گستره جغرافیایی و منطقه‌ای یک دولت از این حیث اهمیت دارد که محدوده‌های مشروعیت آن دولت را که مبتنی بر محدوده اقتدار و حکم طبیعی دولت است، منعکس می‌کند. یک دولت واجد خصوصیت فضایی است و این خصوصیت هندسی فضایی با مرزهای آن متعین می‌شود.[۵]

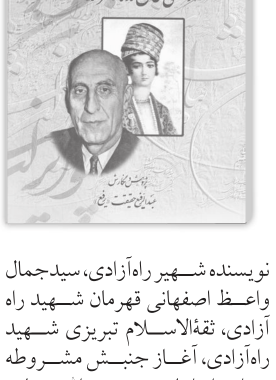
ادامه دارد

پی‌نوشتها:
۱ـ بدین گونه از نظر ما دیدگاه و عقاید فیلسوف سیاسی ارنست یونگر که در مقاله Um Linie وی آمده اغلب ناظر به وضعیت‌های هنجاری و دستوری است که اگرچه در محل خود لازم و مهم است، اما ضرورتهای حتمی و سخت فلسفه سیاسی را توضیح نمی‌دهد.
2. Smith, 1960, p.95.
3. Raatzel Friedrich, Die Erde und das leben: Leipzig: 1902, Eine verglelchende Erdkunde, vol, 1. P. 153.
۴. فالک، ۱۹۹۲، ص ۲۰۲.
۵ـ کامیلری و فالک، ۱۹۹۲، ص ۲۳۸.

معرفی کتاب

قهرمانان ملی ایران

(جلد سوم)
از لطفعلی خان زند تا دکتر محمد مصدق
پژوهش و نگارش: عبدالرفیع حقیقت (رفیع)
ناشر: کومش
چاپ چهارم: ۱۳۹۲
۵۹۷ ص ـ ۳۰۰۰۰ تومان

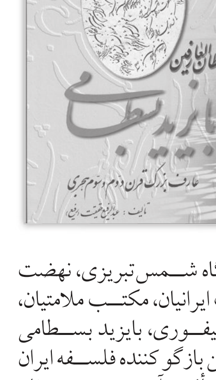


کتاب حاضر سومین مجلد از مجموعه «قهرمانان ملی ایران»، زیر عنوان «از لطفعلی خان زند تا دکتر مصدق» است که شامل شرح احوال و کوشش‌های میهن پرستانه قهرمانان ملی و از جان گذشته ایران در مقابله با تسلط بیگانگان، از اواخر قرن دوازدهم هجری تا عصر حاضر است که مؤلف آن را به عنوان هدیه ملی به ملت ایران، به ویژه جوانان پرشور و مشتاق به آگاهی تاریخ پرفراز و نشیب ایران سرافراز تقدیم کرده است.

عناوین برخی مطالب این کتاب بدین قرار است: لطفعلی خان زند در اواخر قرن دوازدهم هجری، زمان حکومت جعفرخان زند، لشکرکشی لطفعلی خان زند به کرمان، لشکرکشی باباخان، لشکرکشی آغامحمدخان قاجار به شیراز، اقدامات سیاسی قائم‌مقام فراهانی، میرزا تقی خان امیرکبیر، میرزا حسن خان خبیرالملک نویسنده شهیر راه‌آزادی، سیدجمال واعظ اصفهانی قهرمان شهید راه آزادی، ثقةالاسلام تبریزی شهید راه‌آزادی، آغاز جنبش مشروطه خواهی ایرانیان، سیدعبدالله بهبهانی قهرمان نهضت مشروطه ایران، اقدامات سیاسی شیخ فضل‌الله نوری، بمباران مجلس شورای ملی، باقرخان سالار ملی نهضت مشروطه، میرزا کوچک‌خان جنگلی قهرمان راه آزادی، آغاز جنبش جمهوری‌خواهی در ایران، قیام جنگل و جنبش مردم گیلان، دکتر مصدق قهرمان ملی ایران در عصر حاضر، آغاز مبارزات سیاسی دکتر مصدق، تشکیل جبهه ملی در سال ۱۳۲۸ خورشیدی، تیرگی روابط ایران و انگلیس، واقعه تاریخی سی ام تیر سال ۱۳۳۱ خورشیدی و...

سلطان العارفین بایزید بسطامی

تألیف: عبدالرفیع حقیقت (رفیع)
ناشر: بهجت
چاپ دوازدهم: ۱۳۹۲
۴۹۹ ص ـ ۲۲۰۰۰ تومان



در کتاب حاضر احوال و آثار و گفتار و کردار والای بایزید بسطامی مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. او یکی از چهره‌های بسیار استثنایی و نادر بشری است که در آزاداندیشی جهانی و وسعت نظر انسانی و تفکر والای عرفانی ممتاز بوده و کمتر مانندی برای وی در بین افراد بشر، به ویژه در بین ایرانیان بعد از اسلام می‌توان یافت.

بایزید بسطامی عارف بزرگ قرن دوم و سوم هجری است که عارفان و دانشمندان و شاعران و متفکران ایرانی و اسلامی او را: سلطان‌العارفین، برهان الموحدین، مرادالسالکین، برهان المحققین، حجةالخلایق و مرشدالسالکین نامیده‌اند. از شیوه‌های اختصاصی و ممتاز بایزید بسطامی انسان‌سالاری و مردم‌گرایی بارز و عمیق و چشمگیر و تحسین‌برانگیز اوست که با رفتار و کردار والای انسانی خود آن را به صورت رمز و راز عرفانی برای پیروان عرفانی ایرانی سرمشق قرار داده و به آن رسمیت بخشیده‌است.

فهرست مطالب این کتاب بدین ترتیب است: بایزید بسطامی از دیدگاه شمس تبریزی، نهضت تصوف ایرانیان، مکتب ملامتیان، مکتب طیفوری، بایزید بسطامی نخستین بازگوکننده فلسفه ایران باستان، تأثیر آیین مهر در عرفان ایران، امام جعفر صادق(ع) پایه‌گذار عرفان در اسلام، معاصران بایزید بسطامی، جغرافیای تاریخی بسطام، آرامگاه بایزید بسطامی، صومعه بایزید، مسجد جامع بسطام، از طبقات صوفیه، از رساله قشریه، ذکر بایزید از تذکرۀ الاولیاء شیخ عطار نیشابور، معراج شیخ بایزید، از روضۀ الفریقین، در حکایات و کرامات شیخ بایزید بسطامی، از مقامات شمس تبریز، از مناقب‌العارفین، از روضات‌الجنات، بایزید بسطامی در اشعار شاعران و...

سالنامه فرزندپروری مثبت ۱۳۹۳

مولف: زهرا شاگردی
زیرنظر: دکتر شاکری (شاگردی)
با همکاری: مهندس وحید دوستی
ناشر: تیزهوشان
چاپ اول: ۱۳۹۲
۳۲۰ ص ـ ۱۸۰۰۰ تومان



دوران کودکی همان دوره زیبایی است که همه ما بزرگترها آن را تجربه کرده‌ایم. اما آیا همه آن را به خاطر داریم؟ یقیناً این طور نیست. ما معمولاً کلیات دوره کودکی و بعضی خاطرات خاصی را که با هیجانات مثبت یا منفی همراه بوده‌اند، به خاطر می‌سپاریم و دنیای کودکی هرچند به ظاهر محدود و کوچک به نظر می‌رسد، اما دنیایی عظیم و پیچیده است. ضمن اینکه براساس نظریات علمی جدید، دوران کودکی زیرساز و بنیان مراحل دیگر زندگی از نوجوانی تا پیری خواهد بود و بدین خاطر در عصر حاضر توجه به کودک و پرورش آن یکی از مهمترین مسئولیت‌های انسانی محسوب می‌شود. با این وصف، افزایش سطح اطلاعات و کسب آگاهی‌های لازم جهت تربیت و پرورش کودک، ما را در امر مهم فرزندپروری یاری خواهد کرد.

کتاب حاضر یکی از نوشته‌هایی است که با دقت و درایت لازم به راهنمایی‌های ضروری اولیا از زمان تصمیم به فرزنددار شدن تا مرحله پایانی کودکی پرداخته است.

از مزایای بسیار مهم این کتاب سادگی و روان بودن آن در نوشتار به همراه مستند بودن مطالب علمی است که به راحتی برای اکثر مادران و پدران قابل استفاده است. ضمن اینکه تلفیق مطالب علمی و آموزه‌های دینی و اعتقادی نیز از جنبه‌های دیگر اعتباربخش این اثر است.

در هر بخش و پس از طرح موضوع، قسمتی برای یادداشت‌های والدین درنظر گرفته شده که شما می‌توانید نتیجه‌ای را که از انجام پیشنهاد روزانه در مورد فرزندتان گرفته‌اید، در آن یادداشت کنید یا به این سؤالات صادقانه پاسخ دهید: امروز برای برخورد با فرزندم چه آگاهی‌ها و مهارت‌های تازه‌ای کسب کرده‌ام؟ امروز برای رشد و شکوفایی فرزندم چه کرده‌ام؟ امروز چه اندازه وقت مفید و با کیفیت برای فرزندم صرف کرده‌ام؟

واپسین روزهای فاطمه(س)



دکتر سیدجعفر شهیدی ۱

مرگ پدر، مظلوم شدن شوهر، از دست رفتن حق، و بالاتر از همه دگرگونیهایی که پس از رسول خدا(ص) به فاصله‌ای اندک در سنت مسلمانی پدید گردید، روح و سپس جسم دختر پیغمبر را سخت آزرده ساخت. چنان‌که تاریخ نشان می‌دهد، او پیش از وفات پدرش بیماری جسمی نداشت. تا آنجا که اسناد نشان می‌دهد، نه ضعیف‌بنیه و نه رنگ‌پریده و نه مبتلا به بیماری بود. بیماری او پس از این حادثه‌ها آغاز شد. وی روزهایی را که پس از پدر زیست، رنجور، پژمرده و گریان بود. او هرگز رنج جدایی پدر را تحمل نمی‌کرد و برای همین بود که چون خبر مرگ خود را از پدر شنید، لبخند زد. او مردن را بر زیستن بدون پدر شادی خود می‌دانست.

داستان آنان را که به در خانه او آمدند و می‌خواستند خانه را با هر کس که درون آن است آتش زنند، نوشته‌ایم. سندهای قدیمی چنان واقعه‌ای را ضبط کرده است. خود این پیشامد به تنهایی برای آزردن او بس است تا چه رسد که رویدادهای دیگر هم بدان افزوده شود. آیا راست است که بازوی دختر پیغمبر را با تازیانه آزرده‌اند؟ آیا می‌خواسته‌اند با زور به درون خانه راه یابند و او که پشت در بوده است، صدمه دیده؟ در آن گیر و دارها ممکن است چنین حادثه‌ها رخ داده باشد. اگر درست است، راستی چرا و برای چه این خشونتها را روا داشته‌اند؟ چگونه می‌توان چنین داستان را پذیرفت و چه سان آن را تحلیل کرد؟

مسلمانانی که در راه خدا و برای رضای او و حفظ عقیدت خود سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کردند، مسلمانانی که از مال خود گذشتند، پیوند خویش را با عزیزترین کسان بریدند، خانمان را رها کردند، به خاطر خدا به کشور بیگانه و یا شهر دوردست هجرت نمودند، سپس در میدان کارزار بارها خود را عرضه هلاک ساختند، چگونه چنین حادثه‌ها را دیدند و آرام نشستند؟ از نخستین روز دعوت پیغمبر تا این تاریخ، بیست و سه سال و از تاریخ هجرت تا این روزها ده سال می‌گذشت. در این سالها گروهی دنیاپرست که چاره‌ای جز پذیرفتن مسلمانی نداشتند، خود را در پناه اسلام جای دادند. دسته‌ای از اینان مردمانی تن‌آسان و ریاست‌جو و اشراف‌منش بودند. طبیعت آنان قید و بند دین را نمی‌پذیرفت. اگر مسلمان شدند، برای این بود که جز مسلمانی راهی پیش روی خود نمی‌دیدند.

قریش، این تیره سرکش که ریاست مکه و عربستان را از آن خویش می‌دانست، پس از فتح مکه، در مقابل قدرتی بزرگ که به نام اسلام قرار گرفت. و چون از بیم جان و یا به امید جاه مسلمان شد، می‌کوشید تا این قدرت را در انحصار خود گیرد. بسیار حقیقت‌پوشی و یا خوش‌باوری می‌خواهد که بگوییم اینان چون یک دو جلسه با پیغمبر(ص) نشسته و به اصطلاح محدثان لقب صحابی گرفته‌اند، در تقوا و یا بر سر هوی نهادن نیز مسلمانی درست بودند.

از همچشمی و بلکه دشمنی عربهای جنوبی و شمالی در سده‌های پیش از اسلام آگاهیم. مردم حجاز به مقتضای خوی بیابان‌نشینی، مردم یثرب را که از تیرۀ قحطانی بودند و به کار کشاورزی اشتغال داشتند، خوار می‌شمردند. قحطانیان (یا عربهای جنوبی ساکن یثرب)، پیغمبر اسلام را از مکه به شهر خود خواندند، بدو ایمان آوردند، با وی پیمان بستند. در نبردهای بدر، اُحُد، احزاب و غزوه‌های دیگر با قریش درافتادند، و سرانجام شهر آنان را گشودند. قریش هرگز این خواری را نمی‌پذیرفت. از این گذشته مردم مدینه در سقیفه چشم به خلافت دوختند. تنها با تذکرات ابوبکر که: پیغمبر گفته است «امامان باید از قریش باشند»، عقب نشستند. اگر انصار چنان که گرد پیغمبر را گرفتند، گرد خانواده او فراهم می‌شدند و اگر حریم حرمت این خانواده همچنان محفوظ می‌ماند، چه کسی تضمین می‌کرد که قحطانیان بار دیگر دماغ عدنانیان را به خاک نمالند؟

اینها حقیقت‌هایی بود که دست در کاران سیاست آن روز آن را به خوبی می‌دانستند. ما این واقعیت را بپذیریم یا خود را به خوش باوری بزنیم و بگوییم همه یاران پیغمبر در یک درجه از پرهیزگاری و فداکاری بوده‌اند و چنین احتمالی درباره آنان نمی‌توان داد، حقیقت را دگرگون نمی‌سازد. دشمنی میان شمال و جنوب پس از عقد پیمان برادری بین مهاجر و انصار در مدینه، موقتاً فراموش شد و پس از پیغمبر، نخستین نشانه آن دیده شد و در سالهای بعد آشکار گردید و چنان که آشنایان به تاریخ اسلام می‌دانند، این درگیری بین دو تیره در سراسر قلمرو اسلامی تا عصر معتصم عباسی بر جای ماند.

من نمی‌گویم خدای نخواسته همه یاران پیغمبر این چنین می‌اندیشیدند. در بین مضریان و یا قریشیان نیز کسانی بودند که در گفتار و کردار خود خدا را در نظر داشتند نه دنیا را و گاه برای رعایت حکم الهی از برادر و فرزند خود هم می‌گذشتند؛ اما شمار اینان اندک بود. آیا می‌توان به آسانی پذیرفت که سهیل بن عمرو، عمرو بن عاص، ابوسفیان و سعد بن عبدالله بن ابی سرح هم غم دین داشتند؟...

خواهند گفت خلیفه و یاران او از نخستین دسته مسلمانان و از طبقه اول مهاجرانند. درست است؛ اما از خلیفه و یک دو تن دیگر که بگذریم، پایه حکومت را چه گروهی جز قریش استوار می‌کرد؟ و مجریان حکومت کدام طایفه بودند؟ برای استقرار حکومت باید قدرت یکپارچه شود. و برای تأمین این قدرت، باید هر گونه مخالفتی سرکوب گردد و بسیار طبیعی است که با دگرگونی شرایط، منطق هم دگرگون شود.

زنان انصار و دختر پیغمبر(ص)

دختر پیغمبر نالان در بستر افتاد. در مدت بیماری او، از آن مردان جان بر کف، از آن مسلمانان آماده در صف، از آنان که هر چه داشتند، از برکت پدر او بود، چند تن او را دلداری دادند و یا به دیدنش رفتند؟ هیچ کس! جز یک دو تن از محرومان و ستمدیدگان چون بلال و سلمان. اما هر چه باشد، زنان عاطفه و احساسی رقیق‌تر از مردان دارند، به خصوص که در آن روزها، زنان بیرون صحنه سیاست بودند و در آنچه می‌گذشت، دخالت مستقیم نداشتند.

صدوق به اسناد خود که به فاطمه دختر حسین بن علی(ع) می‌رسد، می‌نویسد: «زنان مهاجر و انصار نزد او گرد آمدند»؛ اما در عبارت احمد بن ابی طاهر تنها «زنان» آمده است، از مهاجر و انصار نامی نمی‌برد. اگر هم از زنان مهاجران کسی در این دیدار شرکت داشته، مسلماً وابسته به گروه ممتاز و دست در کار سیاست نبوده است. اما انصار موقعیت دیگری داشته‌اند. آنان از آغاز یعنی از همان روزها که پیغمبر را به شهر خود خواندند، پیوند خویش را با خویشاوندان او نیز برقرار و سپس استوار ساختند و بیشتر آنان این دوستی را با علی و فرزندان او و خاندان او به سر بردند. به هر حال پاسخی را که دختر پیغمبر به پرسش آنان داده است، نشان‌دهندۀ روحیه رنگ‌پذیر مردم آن زمان است که با دیگر زمانها یکسان است. دختر پیغمبر از رفتار مردان آنان گله‌مند است.

گفتار زهرا پاسخ احوالپرسی نیست. خطبه‌ای بلیغ است که اوضاع آن روز مدینه را روشن می‌سازد، و از آنچه پس از یک ربع قرن، پیش آمد، خبر می‌دهد. دیرینه‌ترین متن این گفتار را که نویسنده در دست دارد، کتاب «بلاغات النساء» است؛ اما این گفتار در کتابهایی چون امالی شیخ طوسی، کشف‌الغمّه، احتجاج طبرسی و بحارالانوار مجلسی و دیگر کتابها آمده است. من عبارت احمد بن ابی طاهر را به فارسی برگردانده‌ام و چون این گفتار صنعت‌های لفظی و معنوی را در بر دارد، کوشیده‌ام تا ترجمه نیز از آن زیورها عاری نباشد:

ـ دختر پیغمبر، چگونه‌ای؟ با بیماری چه می‌کنی؟

ـ: به خدا دنیای شما را دوست نمی‌دارم و از مردان شما بیزارم! درون و برونشان را آزمودم و از آنچه کردند، ناخشنودم! چون تیغ زنگارخورده نابرّا، و گاه پیشروی واپسگرا، و خداوندان اندیشه‌های تیره و نارسایند. و **بئسما قدّمت لهم انفسهم ان سخط الله علیهم و فی العذاب هم خالدون:** خشم خدا را به خود خریدند و در آتش دوزخ جاویدند. ناچار کار را بدانها واگذار، و ننگ عدالت‌کُشی را بر ایشان بار کردم. نفرین بر این مکاران و دور بوَند از رحمت حق این ستمکاران.

وای بر آنان! چرا نگذاشتند حق در مرکز خود قرار یابد؟ و خلافت بر پایه‌های نبوت استوار ماند؟ آنجا که فرود آمدنگاه جبرئیل امین است. و بر عهدۀ علی که عالم به امور دنیا و دین است. به یقین کاری که کردند، خسرانی مبین است. به خدا علی را نپسندیدند، چون سوزش تیغ او را چشیدند و پایداری او را دیدند. دیدند که چگونه بر آنان می‌تازد و با دشمنان خدا نمی‌سازد.

به خدا سوگند اگر پای در میان می‌نهادند، و علی را بر کاری که پیغمبر به عهده او نهاد می‌گذاردند، آسان‌آسان ایشان را به راه راست می‌برد و حق هر یک را بدو می‌سپرد، چنان که کسی زیانی نبیند و هر کس میوه آنچه کشته است، بچیند. تشنگان عدالت از چشمه معدلت او سیر، و زبونان در پناه صولت او دلیر می‌گشتند. اگر چنین می‌کردند، درهای رحمت از زمین و آسمان به روی آنان می‌گشود؛ اما نکردند و به زودی خدا به کیفر آنچه کردند، آنان را عذاب خواهد فرمود.

بیایید و بشنوید: شگفتا! روزگار چه بُلعجب‌ها در پس پرده دارد و چه بازیچه‌ها یکی از پس دیگری برون می‌آرد! راستی مردان شما چرا چنین کردند؟ و چه عذری آوردند؟ دوست‌نمایانی غدار. در حق دوستان ستمکار و سرانجام به کیفر ستمکاری خویش گرفتار. سر را گذاشته، به دم چسبیدند. پی عامی رفتند و از عالم نپرسیدند. نفرین بر مردمی نادان که تبهکارند و تبهکاری خود را نیکوکاری می‌پندارند!

ادامه دارد

بیکاری؛گره اقتصاد ایران

با وجودی که جمعیت جوان ایران می‌تواند یک فرصت طلایی برای شکوفایی اقتصادی کشور محسوب شود، اما وجود برخی بی تدبیری ها و سوءمدیریت ها در گذشته سبب شده که این قشر تنها وارث بیکاری گسترده از آن دوران باشد

به گزارش ایرنا، نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله در ایران بیش از ۲۶ درصد و نرخ بیکاری جوانان تحصیلکرده دانشگاهی بیش از ۴۰ درصد است.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی چندی پیش اعلام کرد: نرخ بیکاری جوانان بیش از ۲۶ درصد و رشد بهره وری ۱/۳ درصد است و این دو پدیده نشان می دهد که جامعه در شرایط خوبی نیست و هر جامعه دارای چنین شرایطی با معضلات متعددی در بخش اقتصادی مواجه خواهد شد.

علی ربیعی با بیان اینکه تنها ۵۰ درصد متقاضیان کار دارای مهارت هستند، افزود: از آنجا که نیروی کار در آغاز فعالیت خود مهارت لازم را ندارد، این امر سبب شده که این سازمان‌ها رشد نیابند.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان آنکه هیچ کشوری جز با توانمندسازی نیروی انسانی خود رشد نمی کند، تاکید کرد که اصلی‌ترین موضوع در این بخش تکیه بر منابع انسانی ماهر است زیرا این نیرو است که می‌تواند کشور را از شرایط نامناسب اقتصادی نجات دهد.

بیکاری در ایران معضلی است که به گفته علی طیب نیا وزیر امور اقتصادی و دارایی



در سالهای آینده با ورود بیش از ۴،۵ میلیون نفر دانش آموخته جدید که هم اکنون در دانشگاههای کشور به تحصیل اشتغال دارند، تشدید خواهد شد.

بی تردید، بیکاری معضلی است که با خود تبعات ناگواری را بر جامعه تحمیل خواهد کرد. افزایش فقر و نابرابری، اعتیاد، طلاق، بزهکاری، خشونت های اجتماعی و تندخویی، افسردگی و ناامیدی و غیره بخشی از عوارض معضل پدیده بیکاری است.

بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی خود حکایتی به مراتب ناگوارتر از بیکاری سایر اقشار جامعه است زیرا این قشر چهار سال یا بیشتر از بهترین سالهای زندگی خود را در دانشگاههای کشور به امید دستیابی به شغل و شرایط بهتر معیشت صرف می کنند.

جوانان یادشده وقتی به سوی بازار کار هدایت می شوند، به طور عام با درهای بسته این بازار مواجه می شوند که مهمترین پیامد آن برای جوانان تحصیلکرده سرخوردگی، ناامیدی و بدبینی نسبت به جامعه است. این در حالی است که در بسیاری از موارد جوانان تحصیلکرده ناامید از بازار کار داخلی، راهی کشورهای دیگر می شوند.

برخی از کارشناسان اقتصادی اعلام کرده‌اند: ۸۰ درصد ایرانی هایی که مهاجرت کرده اند، دانش آموخته دانشگاهی، اما در مقابل، بیش از ۸۰ درصد مهاجران وارده به ایران حتی فاقد سواد هستند.

با وجود کسب درآمدهای ۷۰۰ میلیارد دلاری نفت در هشت سال گذشته که طی ۱۰۰ سال گذشته بی سابقه بوده در این مدت نه تنها فرصت های شغلی مناسبی در کشور ایجاد نشده، بلکه بر خیل بیکاران کشور اضافه شده است. زیرا بسیاری از واحدهای اقتصادی در دوره یادشده تعطیل یا نیمه تعطیل شده اند.

بیکاری جوانان تحصیلکرده در حالی است که کیفیت آموزش عالی طی سال های اخیر با افت همراه بوده است. با وجود گسترش بی رویه موسسات آموزش عالی در کشور و علاقه زیاد جوانان به دریافت مدارک تحصیلی این جوانان ناامید از یافتن شغل، همچنان برای ارتقاء سطح تحصیلی خود تلاش می کنند.

افزایش موسسات آموزش عالی در کشور در حالی صورت گرفته که نظارتی بر کیفیت آموزش های آنها صورت نگرفته است، ضمن آنکه بخش مهمی از تحصیلکردگان علاقمند به ورود به بازار کار مهارتی را به طور جامع نیاموخته اند.

در این میان به نظر می رسدفارغ التحصیلان بیکاری که بخشی از آنها موفق به جذب بازار کار می شوند، باید در محیط کار آموزش لازم را کسب کنند.بیکاری جوانان در حالی است که معضلی به نام بیکاری زنان به ویژه دختران جوان بیش از همه نمود یافته است.

بیش از ۴۵ درصد دختران جوان کشور در حال حاضر بیکار هستند، در حالیکه در برخی از استانهای کشور این میزان بیش از ۷۰درصد است. بالا بودن نرخ بیکاری زنان به معنای نادیده گرفتن بازوی توانمندی از توسعه کشور است.

بی تردید، هیچ کشوری مسیر توسعه را جز با حضور زنان توانمند که خوشبختانه در سالهای اخیر این توانمندی در کشور ما هم فزونی گرفته ،طی نکرده است.

در این زمینه گزارش صندوق بین المللی پول، ایران را در جایگاه هجدهم جدول نرخ بیکاری در جهان معرفی کرده است. براین اساس نرخ بیکاری در ایران ۱۳،۱ درصد است.

براساس این گزارش، کشورهایی که نرخ بیکاری آنها بیش از ایران اعلام شده به ترتیب عبارتند از مقدونیه ۳۰، بوسنی ۲۷، یونان ۲۶،۹، اسپانیا ۲۶،۸، آفریقای جنوبی۲۶، صربستان ۲۵، سودان ۱۹، ارمنستان ۱۸،۵، پرتغال۱۷،۴ و قبرس، گرجستان، تونس، کرواسی، ولز، جاماییکا و اسلواکی از ۱۷ تا ۱۳،۶ درصد بیکاری دارند.

بالا بودن نرخ بیکاری در ایران در حالی است که ایران دارای معادن عظیمی از نفت و گاز است که در صورت تدبیر و برنامه ریزی نباید با معضل بیکاری مواجه می شد.یکی از تدابیر مهم در دولت هشتم ایجاد صندوق حساب ذخیره ارزی بود.صندوق یادشده می‌توانست با برنامه ریزی در دولت های نهم و دهم موجب رونق سرمایه گذاری و توسعه کشور شود.

هدف از ایجاد آن صندوق، برقراری ثبات در میزان درآمدهای حاصل از فروش نفت خام، تبدیل دارایی های حاصل از فروش نفت خام به دیگر ذخایر و توسعه فعالیت های تولیدی و سرمایه گذاری و تامین بخشی از اعتبار مورد نیاز طرح های تولیدی و کارآفرینی بخش خصوصی و فراهم کردن امکان تحقق فعالیت های پیش بینی شده در برنامه های توسعه کشور بود.

پیامد تخصیص منابع صندوق در هشت سال گذشته به هزینه های جاری سبب تشدید بیکاری، تعطیلی بسیاری از واحدهای صنعتی، فعال بودن بخش صنعت با حداقل ظرفیت خود، مهاجرت روستائیان به شهرها به دنبال بیکاری جمعیت وسیعی از کشاورزان،رشد منفی جمعیت روستایی و بسیاری از پیامدهای ناخوشایند دیگر شد.

به هر صورت ،بیکاری در کشور معضلی جدی است که هر سال به ابعاد آن اگر بدون برنامه حرکت کنیم، افزوده می شود.نوزادانی که دهه ۶۰ بدنیا آمدند، در دهه های ۶۰ و ۷۰ در کلاس های پرجمعیت آن دوران درس خواندند، برای ورود به دانشگاه با حجم متقاضیان انبوه مواجه شدند و دهه ۸۰ بدنبال بی برنامگی برنامه ریزان اجتماعی و اقتصادی، با درهای بسته بازار کار مواجه شدند.

بیکاری امروز و فردایی که بزودی از راه می رسد را باید جدی گرفت. چرخ های کارخانه‌ها باید به حرکت درآیند، کشاورزی باید مورد توجه قرار گیرد، صنایعی نظیر گردشگری باید به دنبال تعامل با دیگر کشورها رونق گیرد و بسیاری تدابیر دیگر باید اتخاذ شود تا به گفته وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی جامعه به زمین نخورد.

نقش کشاورزی در سیاست های اقتصاد مقاومتی

امروزه تمامی کشورهای جهان در پی بدست آوردن پیشرفت هایی در زمینه بهره وری هستند، بدین معنی که بتوانند با مصرف منابع کمتر به مقدار تولید بیشتری دست یابند. برای افزایش بهره وری در اقتصاد ایران باید به بخش کشاورزی به عنوان یکی از بخش های مهم و عمده فعالیت اقتصادی در کشور توجه خاص کرد، زیرا افزایش رشد بهره وری در این بخش، با توجه به اهمیت آن می تواند ما را در جهت دستیابی به توسعه اقتصادی یاری کند.

از طرفی بر اساس ماده ۵ قانون برنامه چهارم توسعه، ارزش افزوده بخش کشاورزی در طول سال های این برنامه باید سالانه ۵/۶ درصد رشد می کرد که ۲/۲ درصد از آن باید از محل رشد بهره وری کل عوامل تولید حاصل می شد. سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، علاوه بر رشد تولید واشتغال در این بخش،به رشد تولید واشتغال در سایر بخش های دیگر اقتصادی هم کمک کرده ولذا شناسایی عوامل موثر برسرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و اتخاذ سیاست‌های مناسب برای گسترش سرمایه‌گذاری از اهمیت فراوانی برخوردار است.

سازمان خواربار ملل متحد (FAO)اعلام کرده است که برای جلوگیری از وقوع بحران امنیت غذایی و کمبود گندم در آسیا، این قاره باید میزان تولید گندم خود را تا سال ۲۰۵۰ میلادی بیش از ۷۵ درصد افزایش دهد. مفهوم دسترسی به غذا هم دسترسی فیزیکی و اقتصادی به منابع تامین اقلام غذایی مورد نیاز جامعه است و به معنای پایداری در دریافت غذا، ثبات و پایداری دریافت ارزش های غذایی مورد نیاز جامعه است.

امروزه کشاورزی یک فعالیت اقتصادی است که سهم بسیارمهمی درتولید ناخالص داخلی هرکشور از طریق تامین امنیت غذایی مردم آن ایفا می کند.از سوی دیگر فعالیت کشاورزی می تواند تاثیرات جانبی زیست محیطی به همراه داشته باشد.

سرمایه گذاری در بخش کشاورزی وتاثیر آن بر بازدهی این بخش بحث مهمی است که مطالعات انجام شده وشواهدتجربی به خوبی آن را تایید می کنند. براساس آخرین ارزیابی به عمل آمده ازسوی فائو امروزه بالغ بر۹۶۹ میلیون نفر درجهان با هزینه ای کمتر ازیک دلار درروز زندگی می کنند وحدود سه چهارم ازآنها برای بقاء خود به کشاورزی وابسته هستند. درواقع، فقر وتنگدستی شدید این افراد خروج ازاین وضع را برای آنها غیر ممکن ساخته است. لذا ایجاد موسسات بازاریابی برای



کشاورزان وتشکیل صندوق های حمایتی وتعاونی‌های مصرف برای مزرعه داران که ستون فقرات امنیت غذایی جامعه را تشکیل می‌دهند، می تواند در حل مشکل کمبود غذا در آینده بسیار مفید باشد.

به طور متوسط ۷۰ درصد فعالیت های اقتصادی در رشته‌های خاصی خصوصا کشاورزی و امور دامی در کشورهایی مثل ژاپن ، کانادا، دانمارک، سوئیس، فرانسه و فنلاند را این موسسات برعهده دارند.

در واقع قبل ازشوک نفتی سال ۱۳۵۳ و رشد تدریجی بخش صنایع و معادن، سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی درتولید ناخالص داخلی همواره بیشتر از سهم و نقش سایر بخش‌های اقتصادی بوده است، اما در سال‌های بعد ازانقلاب و به خصوص در سال های اخیر سهم بخش صنایع و معادن در تولید ناخالص داخلی برسهم بخش کشاورزی فزونی گرفته است.

از طرف دیگر بررسی تطبیقی رشد سالانه بخش های اقتصادی در سال های ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۱ حاکی از آن است که با اینکه اندازه رشد اقتصادی بخش کشاورزی کمتراز میزان رشد سالانه تعدادی دیگر از بخش های اقتصادی،مانند صنایع ومعادن و نفت در تعدادی از سال ها بوده، ولی رشد اقتصادی بخش کشاورزی از ثبات بیشتری برخوردار بوده است و به غیر از سال ۱۳۴۳ و ۱۳۷۸ که از رشد اقتصادی منفی برخوردار بود، در بقیه سال های مزبور از روند رشد اقتصادی همواره مثبتی برخوردار بوده است. این نکته خود موید آنست که بخش کشاورزی از خود کفایی بیشتری درمقایسه با بخش‌های دیگر اقتصاد برخوردار است وبه غیر از عامل باران به

*** به ازای یک درصد افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی، به طور متوسط رشد اقتصادی به میزان ۱۳ درصد افزایش می‌یابد که از این نظر کمتر از ضریب کشش رشد نسبت به ارزش افزوده بخش خدمات است**

عنوان یک عامل طبیعی ،بقیه عوامل تاثیرگذار بر آن جنبه داخلی ودرون زا داشته و عوامل برون زای دیگر مانند نوسانات قیمت نفت،تورم جهانی،تغییرات سریع تکنولوژیک و ...،در مقایسه با بخش های دیگر اقتصاد مانند صنایع ومعادن ونفت، بر رشد این بخش کمتر تاثیر گذاشته است.

بنابراین در این مطالعه ضمن بررسی وضع بهره وری بخش‌های اقتصادی ومقایسه آنها،تاکید ویژه‌ای بر بخش کشاورزی صورت پذیرفته است

شناخت موقعیت اقتصاد می تواند نقش مهمی دراعمال سیاست های مناسب داشته باشد . ازجمله عواملی که به شناخت آن کمک می کند، تعیین نرخ بیکاری "نایرو" است."نایرو" اولین بار توسط توبین درسال ۱۹۷۰ برای نشان دادن نرخ بیکاری که تورم در آن ثابت و پایدار است،وارد ادبیات اقتصاد کلان شد.

با تعیین موقعیت "نایرو"سیاست گذار می تواند با اعمال سیاست مناسب، اقتصاد را به موقعیت مطلوب هدایت کند. به این صورت که هرگاه بیکاری بیش از بیکاری "نایرو" باشد، سیاست گذار با اعمال سیاست انبساطی مناسب می تواند بیکاری را به نرخ "نایرو" کاهش دهد و هرگا ه نرخ بیکاری پایین تر از آن قرار گیرد، با اعمال سیاست های انقباضی مانع از شتاب تورم در بلندمدت شود.

رشد روز افزون جمعیت درجهان امروز، نیاز به فرآورده‌های کشاورزی را افزایش داده و در نتیجه،فشار برمنابع پایه مورد استفاده برای تولیدات را زیاد کرده است. افزایش نیاز به محصولات زراعی که بر اثر عواملی همچون زیاد شدن جمعیت،توسعه شهر نشینی،رشد درآمد وتغییر الگوی مصرف غذایی ،لزوم افزایش بهره وری از زمین های زراعی وکشاورزی و همچنین منابع در دسترس کشاورزان را ضروری می کند؛بنابراین مدیران واحدهای کشاورزی باید سعی درتولیدبهینه محصولات کشاورزی به روش‌های گوناگون داشته باشند. دراین بین،وجود برنامه ریزی اقتصادی پیشرو سهم مهمی درتنظیم عرضه،تقاضا واستفاده بهینه ازمنابع وعوامل تولید موجود دارد.

نتایج حاصل از تخمین مدل‌های مختلف آماری نشان می دهند که به ازای یک درصد افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی، به طور متوسط رشد اقتصادی به میزان ۱۳ درصد افزایش می یابد که از این نظر کمتر از ضریب کشش رشد نسبت به ارزش افزوده بخش خدمات است.همچنین برآوردهای انجام شده نشان می دهد که به ازای یک درصد افزایش سهم سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی در کل سرمایه‌گذاری داخلی، تولید ملی به طور متوسط ۱۵ درصد افزایش می یابد. علاوه بر این برآورد اثر سرریز سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نشان می‌دهد که رابطه نسبتاً یک به یک بین سرمایه‌گذاری در این بخش و تولید سایر بخش‌های اقتصادی وجود دارد.دراین میان با توجه به مد نظر داشتن اقتصاد مقاومتی، باید هرچیزی که تولید را افزایش،ضایعات راکاهش وهزینه وقیمت تمام شده را پایین می‌آورد،موردتوجه قرارگیرد.

نظام اقتصادمقاومتی شیوه‌ای است که به‌رغم همه کمبودهایی که درزمینه سرمایه‌گذاری زیربنایی در بخش کشاورزی وجود دارد، بایدتلاش کنیم تا در وهله نخست نهاده‌های تولید را در اختیار کشاورزان قرار دهیم.

باید گفت کشاورزی مردمی‌ترین بخش اقتصادی است که بر اثر افزایش درآمدهای ارزی ناشی از نفت موردغفلت قرارگرفته وبه حاشیه رفته است. مشکل اصلی این بخش،کمبود تاریخی سرمایه‌گذاری درآن است.حدود ۱۲ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران ناشی از بخش کشاورزی است.اما انباشت سرمایه در این بخش کمتر از ۵درصد است.لذا استهلاک درآن رو به افزایش و بهره وری رو به کاهش است. از طرفی گرانی بیش از حد مواد غذایی بر اثر کاهش تولید در واحد آب یا زمین، جامعه را با سوء تغذیه مواجه کرده است. سرمایه‌گذاری در کشاورزی یکی از موثرترین استراتژی‌های کاهش فقر و گرسنگی و بهبود توسعه پایدار است. کشاورزان باید در هر استراتژی برای افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش نقش اصلی را داشته باشد. اما تا آن زمان که بخش دولتی محیط مناسبی برای سرمایه‌گذاری کشاورزی ایجاد نکنند، آنها به قدرکفایت سرمایه‌گذاری نخواهند کرد. کشاورزی در بسیاری ازکشورهای درحال توسعه بخش غالب اقتصاد ملی است و۴۵ تا۹۰ درصد تولید و۶۰ تا ۹۶ درصد اشتغال جامعه را تشکیل می‌دهد،درکشور ما هم کشاورزی ظرفیت‌های فراوانی دارد که باید به آن‌ها پرداخت.

شرایط اقتصادی فعلی گویای آن است که اکنون زمانی است که باید به صورت پایدار و همه جانبه از بخش کشاورزی حمایت شود و در حوزه های مرتبط با این بخش بازنگری های جدی انجام گیرد وبا تامین به موقع و مناسب نهاده‌های کشاورزی،تنظیم بازار خرید تضمینی و عرضه محصولات، تقویت صنایع تکمیلی و مکانیزه شدن مراحل کاشت، داشت و برداشت از گام‌هایی است که می تواند در مسیر بالندگی صنعت کشاورزی اثرگذار باشد.

پریسا آقاجری، کارشناس ارشد زراعت

دومین پذیره‌نویسی اوراق مشارکت شهرداری شیراز

رئیس اداره ابزارهای نوین مالی فرابورس از پذیره نویسی ۲۳۰۰ میلیارد ریال اوراق مشارکت شهرداری شیراز از امروز به مدت سه روز در بازار سوم خبر داد.

به گزارش ایسنا، علیرضا توکلی رییس اداره ابزارهای نوین مالی فرابورس با اعلام این خبر گفت: شرکت تامین سرمایه نوین به منظور تامین مالی هفت پروژه تجاری، عمرانی و فرهنگی شهرداری شیراز در نظر دارد، ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار ورقه به مبلغ ۲۳۰۰ میلیارد ریال از طریق بازار سوم پذیره نویسی کند.

وی با اشاره به این که پذیره نویسی به مبلغ اسمی هر ورقه یک میلیون ریال به مدت سه روز از ۲۶ اسفند انجام می‌شود تاکید کرد: استفاده از کد خرید گروهی «ددد» ممنوع بوده و سقف سفارش خرید برای سرمایه گذاران ۵۰ هزار ورقه تعیین شده است.

به گفته توکلی، خرید اوراق از طریق شبکه کارگزاری فرابورس مستلزم وجود کد سهامداری فعال در سیستم شرکت سپرده‌گذاری مرکزی است و سرمایه‌گذارانی که کد سهامداری ندارند می‌توانند با مراجعه به یکی از کارگزاری‌های فرابورس نسبت به درخواست کد سهامداری اقدام کنند. همچنین کارمزدها و هزینه‌های پذیره نویسی توسط ناشر پرداخت می شود.

وی خاطر نشان کرد: معاملات دست دوم اوراق، پس از پایان پذیره نویسی در بازار ابزارهای نوین مالی فرابورس آغاز می‌شود و سرمایه‌گذاران می توانند با مراجعه به کارگزاران عضو فرابورس اقدام به خرید و فروش کنند.

رئیس اداره ابزار های نوین مالی با اشاره به این که اوراق با نام و قابل معامله در فرابورس است تصریح کرد: شرکت‌های تامین سرمایه نوین تعهد پذیره‌نویسی و بازارگردانی اوراق را برعهده دارند که با نرخ سود ۲۰ درصد سالانه به مدت چهار سال هر سه ماه یک بار توسط شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه پرداخت می‌شود.

به گفته وی شهرداری شیراز ضمانت اوراق را بر عهده دارد، همچنین عامل فروش و امین اوراق کارگزاری بانک شهر و سازمان حسابرسی هستند.

طبق این گزارش، ۲۲ اسفند پارسال شهرداری شیراز ۱۸۰۰میلیارد ریال اوراق مشارکت به مدت پنج روز در بازار سوم پذیره نویسی کرده بود.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۷۷۸۱۶/۲	۷۷۸۴۴/۱	۷۷۱۵۹/۵	۶۲۴/۹	۰/۸۱
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۳۷۱۶/۸	۳۷۲۰/۱	۳۶۹۱/۹	۲۵/۴	۰/۶۹
شاخص آزادشناور	۸۹۰۷۴/۶	۸۹۰۹۲/۸	۸۸۲۰۸/۸	۸۵۲/۶	۰/۹۷
شاخص بازاراول	۵۷۸۳۴/۷	۵۷۸۶۹/۸	۵۷۲۵۰/۹	۵۹۰	۱/۰۳
شاخص بازاردوم	۱۴۹۵۱۲/۲	۱۴۹۵۱۲/۳	۱۴۸۷۵۳/۱	۵۴۲/۲	۰/۳۶
شاخص صنعت	۶۴۸۲۰	۶۴۸۴۷/۶	۶۴۲۹۳/۸	۴۹۴/۹	۰/۷۷

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (یکشنبه ۹۲/۱۲/۲۵)

مجموع حجم معاملات	۶۹۷/۵۳۲/۵۴۳ سهم
مجموع ارزش معاملات	۵/۷۹۲/۴۶۹ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۷۵۰۲۷ معامله
ارزش بازار	۳/۸۰۴/۱۲۱ میلیارد ریال

درج یک شرکت جدید در فرابورس

شرکت آهن و فولاد ارفع با سرمایه ۱,۹هزار میلیارد ریال به عنوان سی و نهمین شرکت در بازار دوم فرابورس درج شد.

به گزارش ایسنا، شرکت آهن و فولاد ارفع پس از احراز شرایط پذیرش از ۲۱ اسفند سال جاری با سرمایه ۱,۹هزار میلیارد ریال به عنوان نود و سومین نماد معاملاتی و سی و نهمین شرکت در بازار دوم درج شد.

شرکت آهن و فولاد ارفع در زمینه تولید آهن و فولاد پایه فعالیت می کند و شرکت‌های معدنی و صنعتی چادرملو ، سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات، کارخانجات نورد لوله یاران، ذوب آهن غرب کشور، مدیریت توسعه گوهران امید، گروه اقتصادی مهرگان، سرمایه گذاری غدیر و سرمایه‌گذاری ملی ایران از سهامداران آن محسوب می شوند.

اجرای پروژه های جدید حمل و نقل ریلی در سال۹۳



با توجه به بودجه یک هزار و ۵۰۰ میلیارد تومانی راه آهن جمهوری اسلامی ایران برای سال ۹۳ شرایط بسیار خوبی در انجام پروژه های مختلف در حوزه حمل و نقل ریلی ایجاد می شود.

مدیر عامل شرکت مهندسی ساختمان و تاسیسات راه آهن (بالاست) از افزایش ۱۱۰ درصدی سرمایه این شرکت از محل سود انباشت خبر داد و گفت: با برگزاری مجمع عمومی و تصویب سهامداران، سرمایه این شرکت از ۳۸ میلیارد ریال به ۸۰ میلیارد ریال افزایش یافت.

ابراهیم یاسری در گفتگو با خبرنگاران با بیان اینکه، سال ۹۳ سال خوبی جهت انجام پروژه‌های عمرانی در حوزه حمل و نقل ریلی برای شرکت بالاست خواهد بود، افزود: این شرکت پس از واگذاری به بخش خصوصی در زمینه زیرسازی، ساختمان و تاسیسات تولید بالاست و حمل و نقل واگنی به موفقیت های زیادی دست پیدا کرده است.

وی یادآور شد: این شرکت با خرید ماشین آلات و تجهیزات مورد نیاز و فعالیت ۱۱ معدن تولید سنگ بالاست از ۳۰ معدن موجود برای توسعه حمل و نقل ریلی از توانمندیهای زیادی برخوردار است و هم اکنون انجام چند پروژه در جنوب کشور و استانهای کرمان، یزد و هرمزگان بر عهده دارد.

یاسری گفت: هر چند که با کاهش اعتبارات عمرانی طی دو سال گذشته این شرکت از انجام پروژه های عمرانی در حوزه حمل و نقل ریلی فاصله گرفت، اما توجه به بودجه یک هزار و ۵۰۰ میلیارد تومانی راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران برای سال ۹۳ انتظار داریم این شرکت سال آینده شرایط بسیار خوبی را در زمینه انجام پروژه های مختلف در حوزه حمل و نقل ریلی داشته باشد.

وی در باره فعالیت این شرکت در حوزه ساختمان و تاسیسات نیز افزود: گر چه این شرکت در این بخش زیانده بود، اما با تلاش همکاران متخصص، این شرکت روند رو به رشد خود را در این زمینه آغاز کرده است.

مدیر عامل شرکت بالاست یادآور شد: هم اکنون ۸۷ درصد سهام این شرکت به گروه سرمایه گذاری بانک مسکن تعلق دارد و این سهامدار موافقت کرد که با عدم دریافت سود حاصل از فعالیت های بالاست در سال جاری، این شرکت فعالیت های خود را در زمینه خرید تجهیزات و ماشین آلات مورد نیاز همچنان ادامه دهد.

وی در باره سود سهامداران شرکت بالاست گفت: سود سهام این شرکت در سال ۹۱ به ۱۹۲ ریال و در سال ۹۲ با ۵۰۰ درصد افزایش به یک هزار و چهار ریال رسید که امیدواریم در سال جاری به اهداف کامل خود در این زمینه دست یابد.

نامبرده افزود: با توجه به افزایش سهام این شرکت از ۳۸ میلیون سهم به ۸۰ میلیون سهم، انتظار ما این است که سود سهام نیز در سال ۹۳ به ازای هر سهم ۵۸۲ ریال برسد.

وی با بیان اینکه، ۹۰ درصد فعالیت‌های این شرکت در حوزه راه آهن انجام می شود اظهار امیدواری کرد که شرکت بالاست همچنان در چهار حوزه زیرسازی و روسازی ریلی، حمل و نقل واگنی، تولید سنگ بالاست و نگهداری ساختمان و تاسیسات راه آهن بتواند به وظایف خود عمل کند.

یاسری گفت: هم اکنون این شرکت حدود ۲۵۰ هزار متر مکعب سنگ بالاست در اختیار دارد که با فروش آن می تواند سود و فعالیت خود را در این چهار حوزه راه آهن توسعه دهد.

وی با بیان این که، تعداد پرسنل این شرکت در حدود یک هزار نفر است افزود: پرسنل این شرکت با توجه به انجام پروژه‌های مختلف همواره در مناطق مختلف کشور افزایش و یا کاهش پیدا می کنند، اما تعدادی پرسنل این شرکت که حدود ۸۹ نفر هستند، درخواست دارند به راه آهن جمهوری اسلامی ایران بازگردند، در حالی که این خواسته آنان نه برای راه آهن جمهوری اسلامی ایران و نه برای شرکت بالاست عملی نیست.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
داروسازی روزدارو	۴,۴۴۸	۱,۶۱۳
صنایع آذرآب	۲,۹۷۰	۵۰۴
داروسازی جابرابن‌حیان	۱۰,۱۴۰	۱,۱۱۲
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۲,۷۸۴	۲۳۴
ح . داده‌پردازی‌ایران	۱,۳۷۷	۱۰۲
ح . گلتاش	۸,۰۰۰	۴۷۳
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۷,۷۵۶	۳۲۷
سخت آژند	۴,۱۳۴	۱۵۹
دوده صنعتی پارس	۳,۷۴۴	۱۴۴
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۸,۹۹۶	۳۴۶
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۵۹,۲۳۰	۲,۲۷۸
پتروشیمی خارک	۳۶,۰۱۴	۱,۳۸۵
ایران‌یاساتایرورابر	۱۹,۱۶۵	۷۳۷
گلوکوزان	۳۵,۲۶۴	۱,۳۵۶
صنایع سیمان دشتستان	۴,۴۴۷	۱۷۱
فراورده های نسوزایران	۱۸,۹۳۲	۷۲۸
داروسازی اکسیر	۲۳,۶۹۱	۹۱۱
پتروشیمی شازند	۲۶,۳۴۵	۱,۰۱۳
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۴۲,۶۵۴	۱,۶۴۰
معدنی املاح ایران	۱۱,۷۰۴	۴۵۰
سیمان‌هرمزگان	۱۳,۱۶۱	۵۰۶
قند شیرین خراسان	۵,۰۲۰	۱۹۳
سیمان‌سپاهان	۲,۳۶۷	۹۱
پتروشیمی پردیس	۱۷,۳۵۰	۶۶۷
سیمان دورود	۱۷,۱۶۸	۶۶۰
صنعتی بهشهر	۱۱,۰۰۴	۴۲۳
لعابیران	۸,۷۴۱	۳۳۶
قند لرستان	۳۸,۹۱۸	۱,۴۹۶
سایپا	۱,۶۶۵	۶۴
خدمات‌انفورماتیک	۲۶,۹۵۵	۱,۰۳۶
قند ثابت خراسان	۶,۷۹۱	۲۶۱
آبسال	۳,۹۰۳	۱۵۰
زامیاد	۱,۲۷۵	۴۹
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱,۲۲۳	۴۷
بیمه ملت	۲,۴۷۲	۹۵
نیروکلر	۸,۰۶۷	۳۱۰
مارگارین	۷,۰۰۰	۲۶۹
گسترش نفت و گاز پارسیان	۸,۸۷۴	۳۴۱
شیشه همدان	۱۱,۰۸۷	۴۲۶
دشت مرغاب	۴,۹۴۵	۱۹۰
سرمایه‌گذاری‌ملت	۸۵۹	۳۳
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۱۰,۴۱۳	۴۰۰
کاشی پارس	۹,۳۷۲	۳۶۰
فولاد خوزستان	۹,۲۴۲	۳۵۵
فولاد مبارکه اصفهان	۴,۲۴۴	۱۶۳
بانک‌پارسیان	۴,۰۸۸	۱۵۷
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۳,۸۰۲	۱۴۶
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۳,۴۶۴	۱۳۳
موتوژن	۶,۶۱۶	۲۵۴
لیزینگ‌خودروغدیر	۱,۰۹۴	۴۲
باما	۱۰,۹۶۶	۴۲۱
قنداصفهان	۷,۰۸۵	۲۷۲
سپنتا	۱۱,۷۲۲	۴۵۰
سیمان کارون	۶,۳۰۴	۲۴۲
ایران تایر	۳,۴۱۳	۱۳۱
تولیدی کاشی تکسرام	۱,۸۵۰	۷۱
سالمین	۲,۷۸۸	۱۰۷
سیمان کرمان	۹,۵۶۴	۳۶۷
لامپ پارس شهاب	۱۰,۳۴۶	۳۹۷
فرآورده‌های‌نسوز آذر	۴,۵۰۹	۱۷۳
ایرکا پارت صنعت	۳,۱۲۸	۱۲۰
صنایع لاستیکی سهند	۹,۰۱۹	۳۴۶
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۵۱۲	۵۸
کارتن ایران	۴,۸۷۵	۱۸۷
ایران ترانسفو	۵,۰۰۶	۱۹۲
ملی سرب‌وروی ایران	۲,۱۱۲	۸۱
پارس مینو	۶,۸۵۹	۲۶۳
سیمان شرق	۲,۹۴۷	۱۱۳
آلومینیوم‌ایران	۴,۲۲۵	۱۶۲
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۹۳۰	۷۴
تولیدی‌مهرام	۷,۰۴۳	۲۷۰
تامین ماسه ریخته‌گری	۶,۶۲۷	۲۵۴
سایپاآذین	۲,۸۹۶	۱۱۱
سرمایه گذاری خوارزمی	۱,۷۲۲	۶۶
عمران‌وتوسعه‌فارس	۳,۸۱۰	۱۴۶
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۸۰۱	۶۹
بانک انصار	۳,۰۸۰	۱۱۸
س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۴,۸۳۰	۱۸۵
قند نیشابور	۴,۴۱۳	۱۶۹
داده‌پردازی‌ایران	۲,۹۵۱	۱۱۳
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۴,۹۶۲	۱۹۰
داروسازی کوثر	۴,۹۶۳	۱۹۰
کارخانجات قند قزوین	۳,۹۹۷	۱۵۳
فروسیلیس ایران	۴,۴۱۶	۱۶۹
قندهکمتان	۴,۵۹۹	۱۷۶
لیزینگ‌ایران	۲,۱۹۵	۸۴
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۲,۳۲۶	۸۹
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۳,۴۵۰	۱۳۲
توسعه معادن روی ایران	۲,۴۵۷	۹۴

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
نوردوقطعات فولادی	۳,۸۱۷	۱۴۶
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۳,۹۲۲	۱۵۰
پلی‌اکریل	۱,۳۶۰	۵۲
فرآورده‌های نسوز پارس	۳,۹۷۶	۱۵۲
مخابرات ایران	۳,۲۴۴	۱۲۴
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۳,۸۷۲	۱۴۸
صنایع آذرآب	۲,۵۶۴	۹۸
سرمایه گذاری پارس توشه	۳,۰۸۸	۱۱۸
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۹۸۹	۷۶
کربن ایران	۳,۴۸۱	۱۳۳
شکرشاهرود	۲,۶۹۶	۱۰۳
تکنوتار	۲,۲۸۰	۸۷
سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۳۳۷	۵۱
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱,۵۴۸	۵۹
گروه‌بهمن	۲,۳۱۰	۸۸
قطعات اتومبیل ایران	۲,۱۷۹	۸۳
لیزینگ رایان سایپا	۱,۵۷۶	۶۰
گروه‌صنعتی‌سپاهان	۹,۶۱۵	۳۶۶
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۲,۳۱۲	۸۸
سرمایه گذاری شاهد	۲,۲۰۷	۸۴
پارس خودرو	۱,۸۱۳	۶۹
کمک‌فنرایندامین	۱,۵۵۱	۵۹
لیزینگ ایرانیان	۱,۶۵۷	۶۳
بیمه البرز	۱,۴۲۱	۵۴
سیمان فارس و خوزستان	۳,۵۸۳	۱۳۶
الکتریک خودرو شرق	۲,۱۴۳	۸۱
سایپا دیزل	۸۸۰	۳۳
کابل البرز	۲,۶۳۰	۹۸
قندنقش‌جهان	۱۲,۹۴۱	۴۶۸
سیمان‌شاهرود	۶,۶۶۶	۲۲۹
سیمان‌مازندران	۲۱,۹۴۸	۷۴۶
شیشه و گاز	۶,۵۵۰	۲۲۰
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۴,۴۹۰	۱۴۸
ایران خودرودیزل	۱,۹۵۰	۶۳
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۲,۴۰۰	۷۷
پمپ سازی ایران	۵,۰۷۰	۱۵۹
لبنیات پاک	۶,۰۰۰	۱۸۳
پارس سرام	۴,۰۲۰	۱۲۰
داروسازی امین	۱۳,۷۶۰	۴۰۹
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۲,۶۸۹	۷۸
پتروشیمی فناوران	۲۹,۴۰۰	۸۵۲
جام‌دارو	۱۶,۰۰۰	۴۴۸
سرمایه‌گذاریتوسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۶۹۵	۴۷
سیمان بهبهان	۴۴,۷۵۰	۱,۱۸۹
گروه دارویی سبحان	۹,۱۵۱	۲۳۷
ذغال‌سنگ نگین طبس	۴,۳۵۰	۱۱۱
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۲۲,۱۰۰	۵۶۱
کیمیدارو	۸,۲۹۰	۲۰۳
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۴,۳۲۰	۱۰۱
سیمان تهران	۵,۲۸۰	۱۲۳
کالسیمین	۴,۲۸۶	۹۸
ح . توکافولاد(هلدینگ	۲,۲۴۰	۵۰
ح . بانک‌پارسیان	۲,۵۷۰	۵۷
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۶,۲۴۱	۱۳۰
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۲,۸۵۰	۵۸
بانک سینا	۳,۱۳۹	۶۰
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۷,۱۶۹	۱۲۳
معدنی و صنعتی گل گهر	۱۰,۴۴۰	۱۷۲
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۷,۷۵۰	۱۲۱
ایران‌دارو	۷,۷۰۰	۱۲۰
صنایع شیمیایی فارس	۶,۵۰۲	۹۸
کشاورزی ودامپروی مگسال	۳۰,۸۶۱	۴۳۵
کشت و صنعت چین چین	۱۴,۱۹۰	۱۹۷
پتروشیمی آبادان	۱۳,۹۸۰	۱۹۱
بانک‌اقتصادنوین	۲,۹۸۰	۳۷
البرزدارو	۱۴,۳۰۰	۱۷۵
سرمایه گذاری دارویی تامین	۷,۱۳۰	۸۵
ح . توسعه‌معادن‌وفلزات	۲,۳۹۹	۲۸
معادن‌منگنزایران	۶,۵۰۰	۶۳
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۴۷۰	۲۳
بانک صادرات ایران	۱,۰۹۰	۱۰
شرکت ارتباطات سیار ایران	۶۰,۰۰۰	۵۳۸
سیمان داراب	۳,۲۰۰	۲۶
کمباین سازی ایران	۱,۶۵۲	۱۳
بانک کارآفرین	۲,۹۰۰	۱۸
لامیران	۲,۶۴۱	۱۶
پشم‌شیشه‌ایران	۷,۰۲۰	۴۲
نوش‌مازندران	۴,۱۰۰	۲۰
سرمایه‌گذاری سپه	۲,۳۲۲	۱۱
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱,۷۵۱	۸
بانک ملت	۲,۵۰۰	۱۱
بیمه پارسیان	۲,۷۵۶	۱۲
توسعه‌معادن‌وفلزات	۳,۶۱۳	۱۵
ح . سیمان تهران	۴,۱۸۰	۱۳
بانک پاسارگاد	۲,۹۰۳	۹
تولیدمواداولیه‌والیاف‌مصنوعی	۳,۳۹۵	۱۰
دارویی لقمان	۶,۸۰۰	۱۶
سیمان فارس نو	۶,۲۸۰	۱۴
سرمایه‌گذاری مسکن	۲,۱۱۰	۳

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سیمان‌غرب	۷,۸۱۰	(۱)
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۱۶,۱۶۰	(۱۴)
بیمه دانا	۱,۵۸۰	(۳)
داروسازی سینا	۱۸,۰۰۰	(۴۱)
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۱,۷۱۲	(۱۰)
ایران مرینوس	۱۷,۰۷۰	(۱۲۰)
گروه صنعتی بارز	۸,۶۲۵	(۶۱)
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۷۵۰	(۱۷)
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۸,۲۰۰	(۸۵)
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۴,۵۷۰	(۵۲)
پست بانک ایران	۸,۳۱۰	(۹۶)
تجارت الکترونیک پارسیان	۹,۸۶۳	(۱۱۸)
پالایش نفت بندرعباس	۱۳,۹۵۰	(۱۹۵)
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۲,۷۸۹	(۴۲)
پالایش نفت تبریز	۲۲,۰۰۳	(۳۴۹)
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۰۵۰	(۷۴)
ح.سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی	۲,۵۸۵	(۴۹)
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۵,۹۰۰	(۱۱۳)
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۲,۹۷۰	(۶۰)
گلتاش	۸,۷۰۰	(۲۰۶)
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۴,۵۵۰	(۱۱۳)
سامان گستراصفهان	۲,۲۷۰	(۵۹)
کارت اعتباری ایران کیش	۶,۲۰۰	(۱۶۵)
نفت پارس	۳۸,۰۴۱	(۱,۰۸۳)
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱,۵۳۱	(۴۴)
داملران	۱۲,۴۰۰	(۳۶۲)
داروسازی فارابی	۱۲,۷۸۱	(۳۷۹)
بیمه آسیا	۱,۴۴۶	(۴۳)
ایران‌ارقام	۲,۷۱۱	(۸۱)
دارویی رازک	۲۲,۱۰۷	(۶۶۳)
سیمان‌ارومیه	۸,۴۴۰	(۲۵۷)
ماشین سازی اراک	۵,۹۶۵	(۱۸۵)
تراکتورسازی‌ایران	۳,۱۹۰	(۱۰۱)
داروپخش (هلدینگ	۱۸,۶۶۸	(۶۴۳)
رادیاتور ایران	۲,۳۰۴	(۸۱)
ملی صنایع مس ایران	۳,۲۳۱	(۱۲۲)
پارس الکتریک	۳,۷۴۱	(۱۴۵)
مهرکام‌پارس	۱,۶۴۱	(۶۴)
درخشان تهران	۴,۲۲۷	(۱۶۷)
فولاد امیرکبیرکاشان	۵,۱۳۵	(۲۰۵)
چرخشگر	۱,۶۱۱	(۶۵)
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۲,۲۰۸	(۹۱)
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱,۵۷۵	(۶۵)
نیرو محرکه	۲,۷۵۳	(۱۱۴)
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۳,۱۳۷	(۱۳۰)
گروه‌صنعتی‌بوتان	۳,۳۵۴	(۱۳۹)
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۲,۰۷۵	(۸۶)
فنرسازی‌زر	۲,۷۰۲	(۱۱۲)
پارس‌سویچ	۴,۵۵۶	(۱۸۹)
تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۳,۹۲۹	(۱۶۳)
لنت ترمزایران	۳,۵۹۱	(۱۴۹)
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۶,۴۲۷	(۲۶۷)
سیمان خزر	۶,۴۰۳	(۲۶۶)
پاکسان	۵,۸۹۵	(۲۴۵)
فولاد خراسان	۹,۲۸۵	(۳۸۶)
محورسازان‌ایران‌خودرو	۱,۹۷۲	(۸۲)
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۳,۷۰۳	(۱۵۴)
سیمان ایلام	۱۰,۷۲۳	(۴۴۶)
آلومراد	۸,۴۳۹	(۳۵۱)
سیمان آرتا اردبیل	۱۴,۴۴۷	(۶۰۱)
فولاد آلیاژی ایران	۳,۹۹۰	(۱۶۶)
سیمان صوفیان	۴,۷۸۳	(۱۹۹)
صنعتی آما	۸,۵۳۲	(۳۵۵)
کاشی الوند	۳,۰۷۶	(۱۲۸)
پارس خزر	۱۰,۷۱۸	(۴۴۶)
تولیدمحورخودرو	۳,۲۶۸	(۱۳۶)
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۱۵,۴۰۱	(۶۴۱)
سیمان‌اصفهان	۱۵,۵۴۳	(۶۴۷)
کارخانجات‌داروپخش	۱۰,۴۲۶	(۴۳۴)
سیمان‌خاش	۱۱,۱۴۵	(۴۶۴)
افست	۱۰,۶۱۵	(۴۴۲)
بهنوش ایران	۱۲,۳۲۰	(۵۱۳)
فیبر ایران	۵,۱۱۵	(۲۱۳)
داروسازی ابوریحان	۲۳,۵۸۲	(۹۸۲)
پارس دارو	۳۷,۷۴۹	(۱,۵۷۲)
پتروشیمی‌شیراز	۹,۷۰۱	(۴۰۴)
بین المللی محصولات پارس	۹,۸۶۹	(۴۱۱)
معادن بافق	۲۷,۶۳۷	(۱,۱۵۱)
خوراک دام پارس	۱۳,۰۳۸	(۵۴۳)
شهد	۲۲,۱۸۱	(۹۲۴)
شیمی داروئی داروپخش	۸,۲۸۲	(۳۴۵)
پارس پامچال	۳۳,۵۱۱	(۱,۳۹۶)
سیمان کردستان	۷,۳۲۱	(۳۰۵)
سرما آفرین	۴,۱۵۲	(۱۷۳)
سیمان شمال	۳,۲۲۳	(۱۴۹)
ح . سرمایه گذاری‌البرز(هلدینگ	۴,۲۸۰	(۲۴۷)
حفاری شمال	۷,۷۵۱	(۱,۰۲۴)

جلوگیری از تصرف ۸۷۰ هکتار اراضی ملی استان زنجان

زنجان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان زنجان از جلوگیری از تصرف ۸۷۰ هکتار از اراضی ملی استان خبر داد و گفت: این میزان اراضی در قالب ۲۰۶ فقره پرونده به مراجع قضایی ارجاع داده شده است.

بهمن اسکندری همچنین از ۴۲ مورد آتش سوزی به مساحت ۶۲۸ هکتار خبر داد و افزود: ۴۰۰ هکتار از مراتع استان زنجان و ۲۱۵ هکتار از اراضی کم بازده احیا شد و ۵۰۰ هکتار دیگر نیز در فروردین سال آینده انجام می گیرد.

به گفته وی، امسال ۲۷۲ هکتار در بخش توسعه زراعت چوب در استان اجرا شده است. وی اعلام کرد شهرستان زنجان دارای ۱۰۰ هکتار و سایر شهرستان‌ها نیز دارای ۴۸ هکتار جنگل هستند و ۴۰ هکتار اردیبهشت سال آینده جنگلکاری خواهد شد. اسکندری افزود: سال جاری ۶۵ فقره پرونده از دامداران درباره ورود دام غیرمجاز خارج از ظرفیت مراتع به مراجع قضایی ارجاع داده شده است. به گفته او، ۱۱۱ مورد تصرف اراضی ملی به مساحت ۴۰۰ هکتار از متصرفان رفع تصرف شده است.

اسکندری، درباره بروز بیماری‌های جنگلی در شهرستان طارم اظهار کرد: برای جلوگیری از طغیان آفت بلوط برگ خوار و پروانه دم طلایی مبارزه با این آفت‌ها در ۸۷۰ هکتار از جنگل‌های این شهرستان انجام می‌شود که فروردین سال آینده به پایان خواهد رسید.

وی، از کاشت ۳۳۸ هزار اصله نهال در استان خبر داد و درباره برنامه‌های فرهنگ سازی به عنوان یکی از برنامه‌های سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور اظهار کرد: باید باور حفاظت از منابع طبیعی بین مردم پررنگ شود تا مردم شناخت کافی از منابع طبیعی داشته باشند.

پرداخت تسهیلات اشتغالزایی به مددجویان باشت

باشت ـ خبرنگار اطلاعات: ۵ میلیارد و ۷۰ میلیون ریال از ابتدای امسال تاکنون برای اشتغالزایی در اختیار مددجویان زیر پوشش شهرستان باشت قرار گرفته است.

حبیب‌الله باقرپور مدیر کمیته امداد امام خمینی (ره) باشت با اعلام این خبر افزود: از این میزان ۲میلیارد و ۲۷۰ میلیون ریال تسهیلات امدادی و ۲میلیارد و ۸۰۰میلیون ریال تسهیلات بانکی است.

وی گفت: این میزان اعتبار در قالب تسهیلات مشاغل خانگی و خودکفایی به مددجویان پرداخت شده است.

وی افزود: ۳۳۱ مددجوی کمیته امداد باشت نیز برای دریافت تسهیلات اشتغالزایی به بانک‌های عامل این شهرستان معرفی شده‌اند.

باقرپور با اشاره به اهمیت ایجاد فرصت‌های شغلی در توانمندسازی مددجویان، ابراز داشت: برگزاری دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای و مشاوره شغلی از مهمترین برنامه‌های این نهاد حمایتی در راستای ایجاد اشتغال پایدار برای قشرهای آسیب‌پذیر در باشت است.

او همچنین اضافه کرد: ۴میلیارد و ۲۲۰ میلیون ریال ماهانه به مددجویان زیر پوشش کمیته امداد باشت پرداخت می‌شود.

وی افزود: این مبلغ از ابتدای امسال تاکنون توسط کمیته امداد برای بهبود وضع زندگی خانواده‌ها و جبران بخشی از نیازهای مددجویان زیر پوشش به عنوان کمک معیشت پرداخت شده است.

باقرپور با بیان این که این مبلغ به ۹۸۷ خانوار مددجو پرداخت شده است افزود: کمک معیشت پرداختی به مددجویان غیر از کمک‌هایی است که در قالب خدمات فرهنگی درمانی حقوقی و جهیزیه اشتغال و کمک‌های موردی به خانواده‌ها ارائه می‌شود.

آماده‌باش ۲۰ بیمارستان استان مرکزی در تعطیلات نوروز

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۸ بیمارستان دولتی و ۲ بیمارستان خصوصی از ۲۴ اسفند به مسافران نوروزی در استان مرکزی خدمات پزشکی می‌دهند.

دکتر حسن طاهراحمدی سرپرست دانشگاه علوم پزشکی اراک با بیان این مطلب افزود: همچنین ۲۵ پایگاه امداد جاده‌ای و ۱۹ پایگاه امداد شهری نیز در این ایام آماده‌باش هستند.

وی همچنین از بازدید ۲۰۰ بازرس در تعطیلات نوروز از مراکز تفریحی و گردشگری و مراکز عرضه محصولات غذایی و بهداشتی استان خبر داد و گفت: تمام تلاش مجموعه دانشگاه این است که در تعطیلات نوروز بهترین خدمات بهداشتی درمانی به مردم استان و همچنین مسافرین ارائه شود.

آذربایجان غربی و فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری





ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: بهره‌گیری از سرمایه‌های داخلی و خارجی و جذب سرمایه گذاران توانمند راهی برای تسریع حرکت اقتصاد به سوی توسعه و ایجاد اشتغال پایدار است. اهمیت سرمایه‌گذاری به‌عنوان یک مقوله اقتصادی سبب شده است که این موضوع همواره به‌عنوان یکی از عوامل اساسی در توسعه اقتصادی و صنعتی جوامع مطرح باشد و دولت‌ها را بر آن دارد تا توجه ویژه‌ای به امر سرمایه‌گذاری برای دستیابی به یک اقتصاد توسعه یافته معطوف دارند.

به گزارش خبرنگار، در ارومیه به نقل از سایت استانداری آذربایجان غربی، در جهان امروز به خصوص در دهه‌های اخیر، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم برای دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالاتر، تولید ثروت و زندگی بهتر مطرح است. با توجه به موقعیت جغرافیایی، امکانات مرزی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آذربایجان غربی، توجه به استفاده از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در این استان را باید کوششی آگاهانه برای رسیدن به رشد اقتصادی در دراز مدت تلقی کرد که نتیجه آن سرعت بخشیدن به توسعه کشور اسلامی است.

آب کافی، زمین حاصلخیز، وجود مناطق جنگلی، کوهپایه‌های سرسبز، پارک ملی دریاچه ارومیه، وجود ذخائر با ارزش معدنی، آثار باستانی و ابنیه تاریخی، آذربایجان غربی را به عنوان استانی سرسبز و مستعد در زمینه سرمایه‌گذاری کشاورزی، تجاری و صنعتی و جاذبه‌های گردشگری مطرح ساخته است.

آذربایجان غربی با بهره گیری از ۹ گمرک و هشت بازارچه مرزی مشترک و با ۹۶۷ کیلومتر مرز مشترک در همسایگی سه کشور ترکیه، عراق و جمهوری آذربایجان قرار گرفته که توانمندی و موقعیت خاصی از نظر دسترسی آسان به بازارهای جهانی به ویژه بازار مهم اروپا به این استان بخشیده است.

آذربایجان غربی با برخورداری از جاذبه‌های متعدد و متنوع طبیعی و فرهنگی و تاریخی و با بیش از ۱۴۰۰ اثر تاریخی ثبت شده از غنی‌ترین اقلیم‌های گردشگری کشور محسوب می‌شود.

پارک ملی دریاچه ارومیه با مجموع ۱۰۲ جزیره کوچک و بزرگ و تالاب‌های اقماری و تنوع حیات وحش موجود در آن با زیبایی‌های منحصر به فردش، آثار کهن ثبت شده جهانی چون مجموعه تاریخی تخت سلیمان تکاب و کلیسای تاریخی طاطائوس مقدس معروف به قره کلیسا، تپه‌های مهم تاریخی مانند تپه حسنلو در نقده، تپه اهرنجان و هفتوان در سلماس، پاکترمنی و دیگاله در ارومیه، مساجد قدیمی، محوطه‌های تاریخی و ابنیه گوناگون فرهنگی همه موید وجود پتانسیل‌های لازم برای سرمایه‌گذاری در آذربایجان غربی است.

وجود ۵۸ منطقه نمونه گردشگری مصوب، استان آذربایجان غربی را در جایگاه پنجم کشوری به واسطه وجود جاذبه‌های تاریخی و طبیعی قرار داده است. بخش کشاورزی در آذربایجان غربی خود از زمینه‌های مهم برای سرمایه‌گذاری است به‌طوری که این استان را در ردیف یکی از قطب‌های مهم کشاورزی با دارا بودن دومین منابع آب کشور قرار داده است.

یک میلیون هکتار زمین قابل کشت، نزولات مناسب جوی، تولید سالانه بیش از ۵/۵ میلیون تن محصولات زراعی، باغی، دامی، طیور، تولیدات شیلاتی، عسل و توسعه صنایع غذایی بخش کشاورزی آذربایجان غربی را به موقعیتی مساعد و فراهم برای سرمایه‌گذاری تبدیل کرده است.

به اعتقاد صاحبنظران اقتصادی، آذربایجان غربی در منظومه تجارت منطقه‌ای یک نقطه جغرافیایی کم‌نظیر شاخته شده و یکی از مناطق برگزیده جهت سرمایه گذاری و ایجاد قطب‌های بزرگ صنعتی، معدنی، کشاورزی و گردشگری در شمال‌غرب کشور است.

حسین دبیری نایب رئیس مرکز خدمات سرمایه‌گذاری آذربایجان‌غربی گفت: کمبود درآمد و پس انداز از عوامل مهم توسعه نیافتگی اقتصاد است و با افزایش سرمایه، ضمن رونق تولید، رشد تجارت، بهبود سطح زندگی مردم، کاهش بیکاری، افزایش درآمد عمومی و رفع فقر حاصل می‌شود.

وی افزود: توجه به منابع سرمایه جدید و ارتقای بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌ها به‌عنوان یکی از عوامل موثر در رشد و توسعه اقتصادی راهگشای مشکلات ناشی از عقب ماندگی‌های اقتصادی است. او اضافه کرد: موقعیت ممتاز و منحصر به فرد آذربایجان‌غربی، دسترسی آسان کشور را به بازارهای جهانی به ویژه بازار اروپا امکان‌پذیر کرده است و با سرمایه‌گذاری مناسب برای توسعه زیر ساخت‌های لازم، این استان می‌تواند به یکی از قطب‌های مهم اقتصادی جمهوری اسلامی تبدیل شود.

استقبال از بهار در مناطق هشتگانه شهرداری قم

قم ـ خبرنگار اطلاعات: طرح استقبال از بهار در مناطق هشتگانه قم اجرا می‌شود.

معاون هماهنگی مناطق و خدمات شهری شهرداری قم در تشریح اهم برنامه‌ها و اقدامات شهرداری قم در راستای اجرای طرح استقبال از نوروز ۹۳ اظهار داشت: با توجه به نزدیک شدن به ایام پایانی سال و آغاز سفرهای نوروزی که هر سال شاهد حضور میلیونی زائرین و مسافرین در شهر مقدس قم هستیم، مجموعه مدیریت شهری در راستای استقبال از نوروز با طراحی و تدوین برنامه‌ها و طرح‌های متنوع اجرایی به ریاست شهردار قم و با محوریت معاونت هماهنگی مناطق و خدمات شهری در مناطق هشتگانه و با همکاری سازمان‌های تابعه و با رویکرد یکپارچه‌سازی سیستم‌های نظارتی و خدماتی مربوطه در تمام بخش‌ها اقدامات ویژه‌ای را به اجرا می‌ گذارد.

اصفهانیان مقدم با اعلام این خبر افزود: این طرح با هدف ارائه خدمات مطلوب به زائران و شهروندان گرامی، بهبود سیما و منظر شهری، ارتقای سطح بهداشت عمومی شهر، ارتقای سطح فرهنگ عمومی، با هدف تولید زباله کمتر، ساخت شهری سالم، زیبا، ایمن، فراهم کردن شرایط اسکان زائران و میهمانان نوروزی، اطلاع‌رسانی کامل و به موقع با اجرای برنامه‌های متنوع زیباسازی، ایمنی، فرهنگی و خدماتی از اول ماه گذشته آغاز شده است و تا ۱۵ فروردین سال ۹۳ ادامه خواهد داشت.

وی ادامه داد: اجرای طرح‌های جهادی به منظور بهبود سیما و منظر شهری و فراهم کردن فضایی شاد و بانشاط در مناطق هشتگانه از جمله اهم اقدامات مدیریت یکپارچه شهری در این ایام خواهد بود.

او افزود: کاشت یک میلیون از انواع گل‌ها و نهال‌های فصلی با مشارکت مردمی در معابر، بولوارها، میادین و منازل، رنگ‌آمیزی جداول، مبلمان‌ها و المان‌های شهری، پاکسازی ضایعات و پسماندهای عمرانی از حاشیه‌ها و ورودی‌های شهر، جمع‌آوری تابلوها و پلاکاردهای غیرمجاز و تاریخ گذشته، پاکسازی، شستشوی مستمر معابر به ویژه در هسته مرکزی و پیرامون مسجد مقدس جمکران، آماده‌باش ناوگان سازمان آتش‌نشانی در راستای ارتقای ضریب ایمنی شهر، اجرای برنامه‌های متنوع آموزشی و فرهنگی به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی مشارکت‌ها و آگاهی عمومی از مباحث شهری از جمله برنامه‌های مهم شهرداری در این ایام خواهد بود.

وی بیان کرد: تجهیز و آماده‌سازی بوستان‌های شهر از لحاظ تسهیلات رفاهی مورد نیاز زائرین و شهروندان اعم از فضاهای مذهبی و نمازخانه‌ها، فضاهای اقامتی با سکوهای مسقف و آلاچیق، امکانات رفاهی از قبیل سرویس‌های بهداشتی، مبلمان‌های پارکی و جایگاه‌های تامین اقلام مایحتاج زائرین و غرفه‌های فرهنگی به ویژه در دو بوستان بزرگ شهری، بوستان فدک و بوستان امام رضا علیه‌السلام واقع در ضلع شرقی و غربی حرم مطهر با فراهم کردن تمهیدات کامل رفاهی اعم از رستوران، آب آشامیدنی، حمام جهت آسایش حال زائرین با استفاده از توان بخش خصوصی و اجرای مانورهای آمادگی خدماتی، ایمنی و پیشگیری در قالب طرح استقبال از بهار از جمله اهم برنامه‌ها و اقدامات اجرایی در این ایام خواهد بود.

برگزاری ۹۰ برنامه به مناسبت هفته منابع طبیعی در یزد

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: بیش از ۹۰ برنامه به مناسبت هفته منابع طبیعی در استان یزد برگزار شد.

ابوالفضل وکیلی، مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان یزد با بیان این مطلب افزود: مهمترین برنامه‌های این هفته، نهالکاری با حضور مسئولان گردهمایی همیاران طبیعت، بازدید مدیران عامل سمن‌های استان از پروژه منارید، برپایی نمایشگاه سمن‌های علاقه‌مند منابع طبیعی، گردهمایی نمایندگان قضات و نیروی انتظامی و برنامه‌های فرهنگی و اطلاع‌رسانی بود. وی همچنین از نهالکاری در کمربند سبز یزد، زارچ و اشکذر با حضور مسئولان اجرایی خبر داد و افزود: در روز اول این هفته فاز ۲ کمربند سبز یزد در جاده کمربندی به مساحت ۱۰۰ هکتار تا پایان سال به‌بهره‌برداری می‌رسید. وکیلی در ادامه با اشاره به فعالیت‌های یکساله این اداره کل، اهم آنها را جلوگیری از تصرف و تخریب ۱۴۹۰ هکتار، خلع ید از ۲۷ هکتار اراضی ملی تصرف شده در قالب ۱۸ پرونده و همچنین جلوگیری از تخریب ۹۲۶ هکتار در قالب ۲۱۵ مورد پرونده ذکر کرد. وی با اشاره به اهمیت حفظ و حراست از عرصه‌های موجود به کمبود نیروی یگان حفاظت در استان گفت: برای جبران ۴۰۰ نیروی مورد نیاز از نیروهای محلی و همیاران افتخاری طبیعت استفاده می‌شود.

او همچنین به نقش تشکل‌های مردم نهاد در همراهی این اداره کل در انجام طرح‌ها اشاره کرد و افزود: سه تشکل رسمی و فعال زیست محیطی در یزد فعالیت می‌کنند و گسترش و تقویت سمن‌ها جزء برنامه‌های مهم است.

به گفته وی، درخواست صدور مجوز برای معادن در استان یزد همچنان صعودی و رو به رشد است و با توجه به این که توسعه معادن و البته فرآوری مواد معدنی یکی از راه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی است، درخواست صدور مجوز همچنان بالاست.

او با بیان اینکه با بهره‌برداری از معادن مشکلی نداریم و مشکل در واقع در زمینه قوانین موجود است، افزود: به عنوان نمونه هنگامی که برای اکتشاف، درخواست صدور مجوز برای ۴۰۰۰ هکتار می‌شود، جواب مثبت منابع طبیعی حتی برای یک متر، به معنای کل چهار ۴۰۰۰ درخواستی برداشت می‌شود. وی افزود: اگر در مرحله مطالعه، دولت طرف حساب منابع طبیعی شود، بسیاری از مشکلات تخریب مراتع و مسائلی که اکنون در زمینه بهره برداری از معادن با آنها مواجه هستیم، برطرف می‌شود. او همه شهرهای استان یزد را شهرهای معدنی خواند و افزود: در هر منطقه، پوشش گیاهی بهتری داشته باشیم، آنجا خط قرمز منابع طبیعی به شمار می‌رود.

وکیلی با بیان اینکه برخی مراتع استان یزد به لحاظ بهره‌مندی از گونه‌های گیاهی ارزشمند هستند، افزود: علاوه بر ارتزاق ۵۰۰۰ خانوار از این مراتع، برخی گیاهان ارزش اقتصادی بسیاری بالایی برای استان دارند.

وی از جمله این گیاهان به آنغوزه اشاره کرد و افزود: یزد زیستگاه اصلی آنغوزه به شمار می‌رود و امسال ۴۲ تن آنغوزه از مراتع استان برداشت و به کشورهای خارجی صادر شد که ارزش آنغوزه صادراتی از استان یزد ۳ میلیون دلار است.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان یزد همچنین از ساخت دو پارک توسط منابع طبیعی خبر داد و افزود: یکی از این پارک‌ها بوستانی است که فضای آن ۳۵ هکتار است ونیمه‌های سال ۹۳ آماده بهره برداری می‌شود. یکی دیگر از این بوستان‌ها نیز با همکاری شرکت سنگ آهن مرکزی بافق در منطقه بیشه‌در بافق ایجاد خواهد شد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

مستمری ناچیز بازنشستگی

با ۱۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه از سازمان تأمین اجتماعی فقط ۱۹۰ هزار تومان در ماه مستمری بازنشستگی می گیرم و عیدی امسالم هم ۱۶۸ هزار تومان بوده و این در حالی است که ٤ سر عائله دارم و باید مخارج آنان را تأمین کنم. ضمن آن که از مستمری این ماه من ٤٠ هزار تومان هم بابت حق بیمه کسر شده است که باید پرسید با ۱۵۰ هزار تومان باقیمانده، چگونه می توان زندگی کرد؟

اردبیل ـ بیمه شده تأمین اجتماعی

اعداد «رُند» از نعمت‌های الهی است

به نظر می رسد اعداد به اصطلاح «رند» از نعمت‌های خدادادی است که می تواند کاربردهای بسیاری داشته باشد و انجام امور مردم را ساده‌تر و راحت‌تر کند که به عنوان مثال می توان به اعداد ۲۰۲۰، ۱۲۱۲، ۲۰۰۰ و ٤٠٠٠ و کاربرد آن‌ها در شماره خطوط اتوبوس‌های شهری، شماره حساب‌های بانکی، شماره تلفن‌های همراه، آژانس‌های تاکسی و شماره کارت‌های ملی اشاره کرد و با حفظ کردن این اعداد به سادگی و کاهش چشمگیر اشتباهات، کارهای شخصی و عمومی را در کمترین زمان و بهترین شکل انجام داد.

ناخدا یکم بازنشسته نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

فقط مسافر دربست سوار می کنند

اغلب رانندگان تاکسی‌ها در جیرفت (استان کرمان) از حوالی ساعت یک و ۳۰دقیقه تا ۲ و ۳۰دقیقه بعد از ظهر و همچنین غروب‌ها، فقط مسافران دربستی را سوار می کنند و متأسفانه به تخلفات آنان هم رسیدگی نمی‌شود.

جیرفت ـ از اهالی

پیشنهادی در مورد یارانه‌ها

پیشنهاد می‌کنم دولت محترم در عین حال که انصراف هموطنان گرامی از دریافت یارانه‌های نقدی را به دلیل اعلام عدم نیاز آنان در حال حاضر می‌پذیرد، به صورت قطعی و شفاف از طریق رسانه‌های گروهی تعهد کند اگر کسانی در آینده خود را مستحق دریافت یارانه دانستند، بتوانند برای آن ثبت‌نام کنند و یارانه‌هایشان را در آینده دوباره دریافت دارند.

جعفر ریشه

شاکیان حرفه‌ای مجازات شوند

متأسفانه گاهی معدودی از خانم‌ها به عنوان شاکیان حرفه‌ای به محاکم قضایی مراجعه می‌کنند و با افترا و دروغ بستن به این و آن با هدف اخاذی و سوءاستفاده از آنان، هم وقت دادگاه‌ها را می‌ گیرند و هم موجب ایجاد مزاحمت برای دیگران می‌شوند، که جا دارد مسئولان ذی‌ربط با شناسایی افراد یادشده، آنان را تحت تعقیب قانونی قرار دهند.

شهرک رضویه (کاروان) از توابع تهران

ممنوعیت فروش لوازم آرایشی و بهداشتی در داروخانه‌ها

چنانچه فروش لوازم آرایشی و بهداشتی در داروخانه‌ها را ممنوع کنند و این کار را به دیگران بسپارند، هزاران شغل در کشور ایجاد خواهد شد. ضمن آن که برای داروخانه‌ها هم منابع دیگر درآمد، باید پیدا شود تا بتوانند مخارج‌شان را جبران کنند.

قائم‌شهر ـ محمودیان

آپارتمان‌های کوچک و سالمندان

دولت محترم که برای افزایش درآمدهایش معافیت‌های مالیاتی منازل اجاره‌ای کمتر از ۱۰۰ مترمربع را می‌خواهد لغو کند، توجه داشته باشد که محل درآمد بسیاری از بازنشستگان و سالمندان، آپارتمان‌های کوچکی است که اجاره داده‌اند و به کمک آن هزینه زندگی و مداوای بیماری‌هایشان را تأمین می‌کنند.

تلفن به خط ارتباطی

آزاد شدن انتقال وام مسکن

جا دارد بانک مسکن انتقال وام‌هایشان از مشتریان بانک به دیگران را آزاد کند تا ضمن کوتاه شدن دست دلالان، سودی که نصیب آن‌ها می‌شود، به بانک و مشتریانش انتقال یابد.

فریبرز گیلانی

آگهی تغییرات شرکت آرمین پلاستیک سبز سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۸۶۷۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۷۵۱۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:ـ اعضا هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند:ـ آقای آرمین نوربخش به شماره ملی ۴۷۲۳۶۹۴۴۳۹ ـ آقای آرین نوربخش به شماره ملی ۰۰۱۱۵۳۳۵۸۷ ـ خانم سودابه انسان به شماره ملی ۰۰۵۲۲۱۹۷۴۷ ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب شد.ـ خانم محبوبه کفایتی به شماره ملی ۰۰۷۴۶۰۶۵۱۴ به عنوان بازرس اصلی و خانم ندا موسی‌وند به شماره ملی ۰۰۶۹۰۱۹۹۲۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردید.ـ ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۱ به تصویب رسید.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۳۷۸۳ـ۳۳۰۲۸۳۴/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت پیام نوین اتصالات نور شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۱۶۴۹ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۳۲۶۶۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:حمیدرضا فرزانگان بیدگلی به کد ملی ۶۱۹۹۵۴۶۸۵۷ به سمت رئیس هیئت مدیره و سیدرضا حسینی به کد ملی ۵۷۴۹۱۳۱۲۸۹ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و علی صفائی به کد ملی ۰۰۳۹۳۶۹۳۱۵ به سمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره و حق امضای کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک و سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی و غیره با امضای مدیر عامل و رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره و مهر شرکت و امضاء کلیه اوراق اداری و عادی با امضاء مدیر عامل و مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۳۵۷۵ـ۳۰۸۳۰۲۸/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای مسکن آریا شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۸۸۱۶ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۸۹۲۶۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:سال مالی شرکت از اول مهرماه تا پایان شهریورماه هر سال تغییر یافت و ماده ۳۳ اساسنامه اصلاح گردید. موضوع شرکت به اخذ نمایندگی از شرکت بیمه آسیا و عرضه خدمات بیمه‌ای با رعایت قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری، مصوبات شورای عالی بیمه، دستورالعمل‌ها و مفاد قرارداد نمایندگی بیمه و همچنین سایر خدمات صدور و کلیه امور اجرایی مرتبط تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۳۵۸۷ـ۳۰۹۳۹۷۳/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت صادرات تجهیزات و خدمات صنایع آب و برق ایران (صانیر) شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۰۳۱۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۴۰۴۲۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:ـ اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند:ـ شرکت پارس سوئیچ به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۳۳۷۷۰ ـ شرکت ایران سوئیچ به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۸۲۵۸۲ـ شرکت آلومتک به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۵۳۰۶۴ ـ شرکت قدس نیرو به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۳۴۰۱۵ ـ شرکت نصب نیرو به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۸۰۰۵۳ ـ شرکت روشنایی آرم به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۰۵۸۶۰۰ ـ شرکت تهران پادنا به شناسه ملی ۱۰۸۴۰۰۶۷۴۵۷

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۳۵۸۸ـ۳۰۸۷۳۵۳/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت لبن دشت سهامی خاص به شماره ثبت ۹۰۷۴۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۵۰۸۵۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:ترازنامه و حساب سود و زیان سال ۱۳۹۰ مورد تصویب قرار گرفت. مؤسسه حسابرسی دیلمی‌پور و همکاران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۴۶۰۶ به عنوان بازرس اصلی و آقای مصطفی دیلمی‌پور به شماره ملی ۱۳۷۹۶۹۸۲۹۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب گردید.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۳۷۷۱ـ ۳۲۸۷۴۶۴/م الف

****

آگهی تغییرات شرکت توسعه مدیریت سبا شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۵۷۷۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۶۴۲۷۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:مؤسسه حسابرسی شاخص اندیشان به شماره ملی ۱۰۱۰۰۵۷۳۳۲۳ به عنوان بازرس اصلی و علیرضا شایان به شماره ملی ۰۰۵۴۶۵۳۲۰۷ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردید. محمد علی مهدوی زفرقندی به شماره ملی ۰۰۳۶۱۸۳۷۳ به سمت رئیس هیئت مدیره و زیبا رجایی به شماره ملی ۰۰۴۱۰۰۹۰۴۵ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و علیرضا خوشنویس به شماره ملی ۰۰۶۳۹۸۸۲۶۷ به سمت عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۳۷۷۰ـ ۳۳۰۶۴۲۸/م الف

آگهی تغییرات شرکت ساختمانی راه شولدر سهامی خاص به شماره ثبت ۵۴۰۷۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۹۲۰۳۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۱ تصویب شد روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. آقای ارسلان کلاگر به شماره ملی ۲۰۶۱۲۲۶۲۱۲ به عنوان بازرس اصلی و خانم بیتا پریان به شماره ملی ۰۴۵۲۷۳۸۲۳۷ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردید. اعضا هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: آقای علی کریم‌خانی به شماره ملی ۴۳۹۰۶۹۶۵۴۸ خانم ثریا کریم خانی به شماره ملی ۴۳۹۰۶۹۷۴۱۲ آقای محمد ذوالقدری به شماره ملی ۰۰۴۱۰۱۳۸۹۱ تعیین شدند که خانم ثریا کریم‌خانی به سمت عضو و رئیس هیئت مدیره و آقای محمد ذوالقدری به عنوان عضو و نائب رئیس هیئت مدیره و علی کریم‌خانی به سمت مدیرعامل انتخاب و کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت به امضا مشترک مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره و در غیاب ایشان نایب رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۳۷۶۹ـ ۳۳۰۶۸۴۶/م الف

****

آگهی تغییرات شرکت مهندسی ری نیرو سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۱۱۸۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۱۹۴۲۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضا هیئت مدیره برای مدت دو سال بشرح ذیل انتخاب گردیدند: شرکت‌های گروه توسعه انرژی تدبیر به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۶۹۶۱۴ توسعه صنعت نفت و گاز پرشیا به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۳۳۶۱۹ و بازرگانی نفت پارس به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۶۵۰۰۱

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۳۷۶۸ ـ ۳۳۰۴۹۴۴/م الف

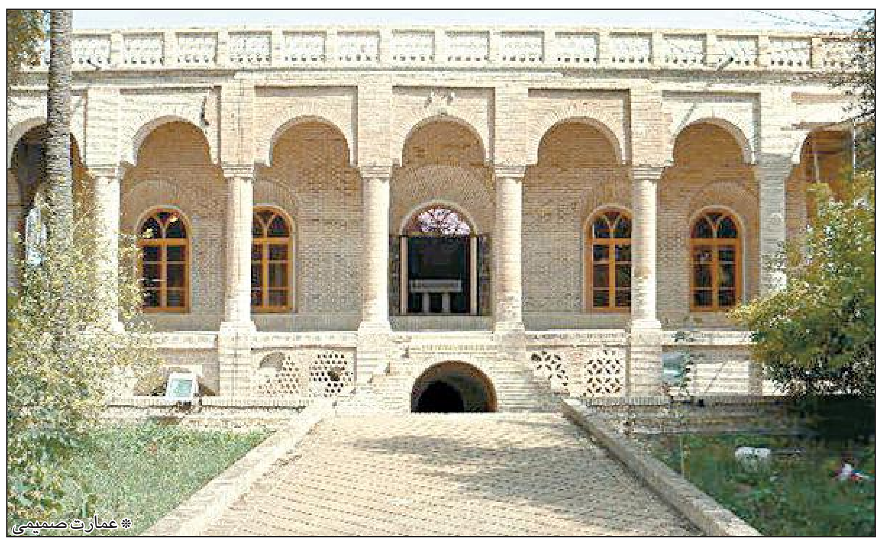
****

آگهی تغییرات شرکت سان الکترونیک شهیر سهامی خاص به شماره ثبت ۲۰۲۵۴۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۴۲۶۰۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۲۲/۰۰۰/۰۰۰ سهم با نام ۱۰/۰۰۰ ریالی از محل مطالبات حال شده افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ ۹۲/۹/۹ تکمیل امضاء گردیده است.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۳۷۶۷ ـ ۳۳۰۴۴۲۲/م الف





رامهرمز؛ خاستگاه سلمان فارسی

شهرستان رامهرمز در ۹۵ کیلومتری اهواز مرکز خوزستان قرار دارد که این شهرستان با دارا بودن ذخایر نفت و گاز فراوان در کشور معروف است.

رامهرمز علاوه بر داشتن نفت و گاز دارای معادن فراوان شن و ماسه است. کارخانه‌ها و صنایع جانبی هم در این شهرستان فعال هستند. در زمانی نه چندان دور رامهرمز دارای باغ‌های میوه از جمله پرتقال ـ زردآلو ـ سیب ـ نارنج و انگور بود. در این شهرستان آثار باستانی دیدنی و تفرجگاه‌های زیادی وجود دارد که مسافران نوروزی هر سال از این شهرستان دیدن می‌کنند. رامهرمز ۵۰۰۰ سال قدمت تاریخی دارد و اولین کتابخانه اسلامی در این شهرستان ساخته شده است.

در اینجا به معرفی آثار تاریخی و تفرجگاه‌های رامهرمز می‌پردازیم. رامهرمز شهری است از بناهای هرمز یکی از خسروان ساسانی که می‌گویند آرامگاه وی نیز در این شهر است.

سابقه تاریخی رامهرمز

یاقوت حموی درباره این شهر می‌گوید: معنی کلمه رام به پارسی یعنی مقصود؛ هرمز نیز نام یکی از شاهان ساسانی بوده و این کلمه مرکب است از دو کلمه مقصود هرمز.

بعضی نیز گفته‌اند: رامهرمز نامی است کوتاه شده از رامهرمز اردشیر و این شهری است نامدار در استان خوزستان و عامه مردم خوزستان این شهر را رامهزی می‌گویند. اما همان‌طور که قبلا اشاره شد قدمت این شهر به بیش از ۵۰۰۰ سال می‌رسد.

آثار تاریخی و فرهنگی

ـ طاق نصرت ساسانی

ـ گور هرمز ساسانی: در یکی از خیابان‌های اصلی شهر و در باغی واقع است که متأسفانه از بین رفته و جای خود را به خانه‌های تازه ساخته داده است.

ـ تل برمی یا تل برمک: در جنوب شهر رامهرمز و نزدیک آبادی کیمه قرار دارد. در این تپه هر از گاهی اشیایی از قبیل مجسمه‌های جانوران، سفال‌های منقوش و اجسام مسین به دست می‌آید و بنا به اظهار و تأیید کارشناسان و باستان شناسان این آثار و منطقه متعلق به دوره عیلام نو است و به عبارتی کامل‌تر مرکز حکومت عیلام نو نیز بوده است.

ـ دیگر آثار این شهر به‌طور خلاصه که هر کدامشان گویای قدمت و سابقه طولانی نیز هستند:

ـ بقعه خواجه خضر، خرابه‌های قدیم شهر رامهرمز، تل گسر، تل سوده، قلعه شیخ، آثار آبرسانی و قنات قریم، اشکفت کموتر گرد، شهرک مختارک، آثار و ویرانه‌های قلعه یزدگرد یاتاشار، آثار دورق و اسک که به نام قباد پسر انوشیروان این منطقه شناخته می‌شود.

ـ امامزاده سیدحسن زاهدون(ع): در آبادی و اراضی دهیور و در کنار رودخانه اعلا قرار دارد.

تشکوه: شهرت جهانی دارد و در ۳۷ کیلومتری شمال شرق رامهرمز قرار دارد. از این کوه گازهایی متصاعد می‌شود که مدام در حال سوختن است و هنگام شب زیبایی خاصی به آن می‌بخشد.

چشمه‌های قیر (دره قیر) و چشمه‌های آب گوگرد در منطقه ماماتین در ۳۵ کیلومتری شمال شرق رامهرمز قرار دارد از این چشمه‌ها به طور مداوم قیر می‌جوشد و از زمین بیرون می‌آید که دیدنی است. خانه‌های اولین کاشفان نفت که شامل برج دیدبانی، اتاق کنفرانس، نشیمن، زندان و اصطبل نگهداری اسبان است.

این خانه‌ها در روستای ماماتین در بخش رود زرد در ۳۵ کیلومتری شمال شرق رامهرمز قرار دارد.

اولین چاه‌های نفت، احداث شده که به نفت نرسیده نیز در این منطقه دیدنی است.

آبشار زیبا و پرآب دو گچه ابوالفارس در ۴۰ کیلومتری شمال شرق رامهرمز، امامزاده سید جمال(ع) در منطقه ابوالفارس که سیاحتی و زیارتی است. در منطقه دوگجه رامهرمز در جاده رامهرمز ـ بهبهان در روستای دو کوهک سنگ‌های آسیاب بزرگی به نام سنگ‌های رستم وجود دارد.

در روستای شاه‌ابوالقاسم، امامزاده شاه ابوالقاسم(ع) با بنایی زیبا که معماری آن از دوره سلجوقی و تیموری است قرار دارد و زیارتگاه مردم است. کهن‌ترین درختان کنار در کنار امامزاده شاه ابوالقاسم(ع) نیز بسیار دیدنی است.

آبشار سرگچ رامهرمز در جاده رامهرمز به رود زرد در ۵ کیلومتری این شهر نیز محل مناسب برای تفریح است.

قلعه و آباده توکل رامهرمز نیز در جاده رامهرمز به ایذه در فاصله ۱۵ کیلومتری از شهر با چشم‌اندازی زیبا محلی مناسب برای گردشگری است.

در شهر عمارت و مجموعه باغ صمیمی که متعلق به دوره قاجار است وجود دارد.

قلعه امیر مجاهد و امامزاده علمدار(ع) نیز در مرکز شهر قرار دارند. امامزاده سید حسن زاهدون(ع) در ۵ کیلومتری جاده رامهرمز بهبهان و امامزاده بی‌بی تاج (گوهرتاج)(س) و چشمه‌زارهای اطراف آن نیز در ۵ کیلومتری رامهرمز به روستای سرچشمه قرار دارند.

در دهستان مربچه رامهرمز در مسیر جاده رامهرمز به اهواز قدمگاه شاه خراسان (چهارپیران) و در حوالی روستای مریچه نیز منطقه‌ای زیبا و خرم به نام بهشت گمشده که دارای درختان بسیار است وجود دارد.

در بخش ابوالفارس رامهرمز غارهای معروف به احمدشاه وجود دارد که بسیار مرتفع است و در قدیم دارای پلکان بوده و هم اکنون پله‌ها از بین رفته و دسترسی به آن غیرممکن است.

غار دیگری در این منطقه که به نام محلی (کرتلی) معروف است وجود دارد که دارای عمقی بسیار زیاد است. افرادی که به درون این غار رفته‌اند می‌گویند این غار دارای در ورودی بسیار تنگ است ولی بعد از ورود به آن به یک منطقه وسیع برخورد می‌کنیم که داخل آن دخمه، چاه آب، قندیل‌ها، بوته و درختان زیادی وجود دارد.

قلعه دا و دختر (مادر و دختر) که مربوط به دوره ساسانیان است، در ۳ کیلومتری شمال رامهرمز قرار دارد.

قلعه تاشار رامهرمز بسیار صعب‌العبور و مربوط به دوره ساسانیان است و در نزدیکی روستای چم سادات حدود ۱۵ کیلومتری رامهرمز قرار دارد.

* رامهرمز از بناهای هرمز، از شاهان ساسانی است
* از کوه تشکوه گازهایی متصاعد می‌شود که مدام در حال سوختن است
* قلعه داودختر مربوط به دوره ساسانیان در ۳ کیلومتری شمال رامهرمز قرار دارد

میدان تاریخی مختارک شامل چند بنای تاریخی است و هنوز کاوش نشده است. امامزاده شاه جنین(ع) و سد انحرافی زیرزرد در ۵ کیلومتری رامهرمز نیز محل زیارت و تفرج است و چشم‌انداز بسیار زیبایی دارد، در منطقه دیمه رامهرمز قدمگاه امام رضا(ع) معروف به (علی‌بن مخلط) قرار دارد و تپه ماهورهای آن منطقه نیز چشم‌انداز زیبایی دارد، سایت پرورش آهو، که در جاده رامهرمز به رامشیر و حدود ۱۰ کیلومتری رامهرمز قرار دارد محلی برای استفاده گردشگری است.

تاریخچه بنای عمارت صمیمی

احداث این بنا از تولد مرحوم محمد صمیمی به حدود ۱۱۰ سال قبل باز می‌گردد و ساختمان شمالی باغ با توجه به سبک و اسلوب معماری صفوی به بیش از ۴۰۰ سال می‌رسد. ساختمان مذکور که در آن در یک خیابان اختصاصی و در شمال آن واقع است دارای دو برج دیدبانی بود و در همان امتداد حد شمالی بعد از دروازه ورودی ساختمانی بسیار جالب داشت که اتاق‌های دو طرف آن در یک کریدور عبور به عرض تقریباً ۳ یا ۴ متر باز می‌باشد و در میانه‌ها دارای یک محیط مدور باطاق ضربی بسیار جالب بود که در میانه آن حوض آبی وجود داشت و تقریباً یک طرف ضلع شمال را تا در ورودی می‌گرفت و برای سواران و نگهبان و به اصلاح لابی مراجعان ساخته شده بود.

ضلع شرقی سراسر به یک بازار سرپوش که دارای دو در بود و در آن چند محل کسب دو طرف نظیر بازارهای قدیمی ایران ساخته شده بود.

این بازار متاسفانه مثل سایر بازارهای رامهرمز که در مرکز شهر بود، به علت بی‌توجهی مسئولان آن زمان از میان رفت و در طرح تعریض خیابان قرار گرفت.

دیگر آثاری که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده‌اند عبارتند از: بقعه علمدار در وسط شهر قلعه امیر مجاهد (منزل بهبهانی)، امامزاده هفت تن(ع) در خیابان طالقانی شرقی، عمارت امیر حسین سپهدار (عمارت صمیمی).

محل اقامت مسافران نوروزی

در رامهرمز یک مهمانسرای اقامتی وجود دارد که آنهم مهمانسرای شهرداری است و دارای مکان اقامت برای اسکان مسافران نوروزی است.

مسافران همچنین می‌توانند از مدارس و خوابگاه‌های ادارات برای اسکان استفاده کنند.

گردشگاه‌های طبیعی

ـ چشمه‌ساران و چمنزار طبیعی و زیبای امامزاده بی‌بی‌تاج(س)

ـ منطقه حفاظت شده «دیمچه»

ـ درختان کهن سدر امامزاده «سید فرج»(ع)

ـ چشمه‌های گوگرد و شعله‌های فروزان آن در روستای «خدیجه ماماتین»

ـ سد باستانی «جره رامهرمز» در رودزرد رامهرمز

ـ سد نوبنیاد و در حال ساخت و آبگیری «جره رامهرمز»

ـ شالیزارهای زیبای «چم‌قاسمعلی»

ـ تپه عیلامی «تل قصر»

ـ بنای هخامنشی «قلعه مادر و دختر»

ـ چشم‌انداز زیبای رود «علا» و بیشه‌زار «چشمه سادات»

ـ بیشه‌زار و چشمه قدمگاه «امام علی(ع) موسوم به صفات علمله»

ـ آبشار زیبای «دشت دنای رامهرمز»

ـ امامزاده سید حسین زاهدون(ع) در کنار و پل «رودخانه علا»

ـ بنای تاریخی و زیارتی «حضرت هوریا» در مشرق «رود علا»

ـ آبشارهای نوران ابولفارس

اقتصاد و صنایع دستی

اقتصاد رامهرمز در ابتدای تاریخ اسلام تا آنجا رونق داشت که محل ضرب سکه بود و سکه‌های مربوط به آن دوران در سوابق تاریخ این شهر ثبت شده است.

از محصولات مهم صادراتی رامهرمز در اوایل قرون اسلامی می‌توان به ابریشم، روغن و زیتون، خرما و محصولات کشاورزی و مرکبات اشاره داشت.

صنایع دستی که در رامهرمز وجود داشته است نیز شامل عبابافی، جاجیم‌بافی، دباغی، گیوه کشی و مشک‌دوزی بوده و صادرات فعلی این شهرستان سبزی، مرکبات و محصولات کشاورزی فصلی است.

گزارش: محمدعلی یوسفی و منصور معتمدی



*آبشار رامهرمز

دَیِّر
آرامش ساحل خلیج فارس

بندر دیر ـ خبرنگار اطلاعات: بندر ساحلی دَیِّر در جنوب شرق استان بوشهر واقع در حاشیه دریای نیلگون خلیج فارس یکی از زیباترین مکان‌های ساحل و دریا است. سه اسکله اصلی معروف آن صادرکننده و تأمین‌کننده ماهی و میگو به داخل و خارج کشور است.

وجود ناحیه بردستان و بندر بتانه در اطراف دیر و آثار تاریخی باقی مانده حکایت از سوابق تاریخی این شهر دارد.

شهرستان دیر در سال‌های گذشته برای اسکان مسافران و ارائه خدمات به آنها عملکرد مطلوبی داشته و نشان داده است که دیر می‌تواند امکانات رفاهی و شرایطی فراهم کند تا گردشگران، این شهر را به عنوان یک مرکز دیدنی و زیبا انتخاب کنند.

شهر بندری دیر افزون بر جاذبه‌های متعدد بزرگترین بندر صیادی کشور را نیز در خود جای داده است که می‌تواند میزبان شایسته‌ای برای گردشگران باشد.

قایق و لنج برای گشت دریایی بازدیدکنندگان از مقابل در ورودی بزرگترین بندر صیادی ایران آماده پذیرش مسافران برای خروج از اسکله و گشت در کناره ساحل زیبا است.

بندر دیر به نسبت وسعت خود دارای یکی از زیباترین سواحل استان بوشهر است و در جنوب کشور کمتر ساحلی را می‌توان یافت که به وسعت سواحل دیر قابل استفاده، بکر و دیدنی باشد و مسافران بتوانند با آرامش و دور از غوغاهای دیگر در آن به استراحت بپردازند.

ماهی‌ها و دیگر آبزیان موجود به ویژه میگوی صادراتی آن از استثنایی‌ترین ویژگی این بندر به شمار می‌رود که جزو مرغوب‌ترین ماهی‌های خوراکی کشور است و توسط ماهیگیران در حاشیه این بندر صید می‌شود.

بندر دیر در ۲۰۰ کیلومتری جنوب بوشهر و در کنار آب‌های نیلگون خلیج فارس واقع است که این بندر از سه مسیر به خارج از شهر راه دارد، مسیر ساحلی، مسیر بزرگراه سیراف به استان بوشهر و از جاده فیروزآباد به استان فارس راه پیدا می‌کند.

در مسیر ساحلی به این بندر در منطقه بردخون در غرب این بندر جزایر ام الگرم، تهمادو، نخیلو و خورخان در کنار سواحل خلیج فارس فضای بسیار مناسب و زیبایی برای گردش و تفریح مسافران نوروزی است که هر سال مسافران زیادی را به سوی خود می‌کشانند.

بندر دیر بزرگترین اسکله صیادی کشور را در خود جای داده است. ماهی و میگوی این بندر بی‌نظیر است.



نمونه‌های مختلف و لذیذی از ماهی در این بندر صید می‌شود که به عنوان نمونه می‌توان به ماهی حلوا سفید، شوریده و راشگو اشاره کرد که در ایام زمستان و نوروز به میزان بسیار زیادی در بازار پیدا می‌شود.

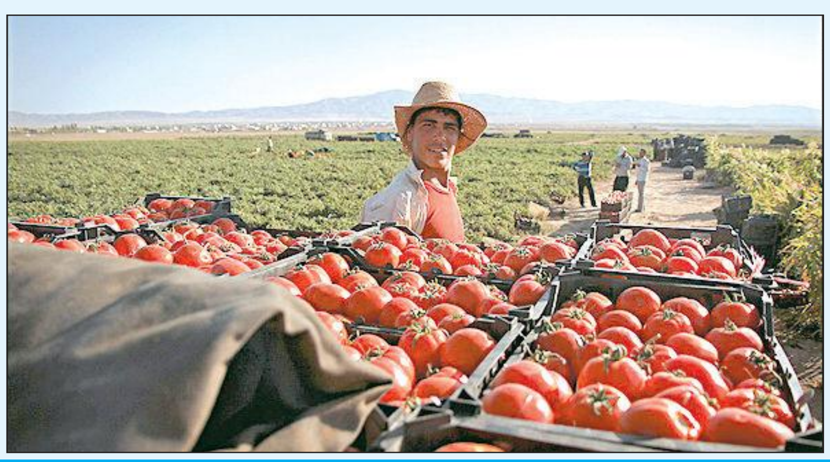
در این بندر علاوه بر داشتن صیدگاه‌های آبزیان دریایی، عده زیادی از مردم نیز به امر تجارت، واردات و صادرات با کشورهای حوزه خلیج‌فارس مشغول هستند و در بازار این بندر انواع کالاهای خارجی نظیر پتو، برنج، چای با قیمت مناسب به وفور دیده می‌شود.

در این شهرستان مکان‌های دیدنی زیبا و جذاب وجود دارد که از همه زیباتر ساحل بکر و زیبای این بندر است و در کنار ساحل این بندر امکانات زیادی برای رفاه مسافران نوروزی تدارک دیده شده است.

این بندر بقاع متبرک و اماکن مقدسه زیادی دارد که از این جمله امامزاده امیردیوان(ع)، امامزاده سید جمال‌الدین(ع)، امامزاده شاه پیر غریب(ع)، امامزاده شاه ابوالقاسم(ع)، پیر دختر، امامزاده بی‌بی حکیمه(س)، امامزاده سید صفا(ع)، شاهزاده محمد(ع)، امامزاده سید محمد(ع) و امامزاده بی‌بی دولت(س) را می‌توان نام برد.

یکی دیگر از مکان‌های دیدنی و آثار تاریخی این شهرستان قلعه و مسجد جامع بردستان در ۵ کیلومتری ورودی شهر دیر است که سالانه بسیاری از مسافران نوروزی و گردشگران را جذب خود می‌کند.

مزارع زیبای گوجه فرنگی بوته‌ای و درختی که در مسیر بزرگ راه سیراف در شهر آبدان، دو راهک و روستای لمبدان و در مسیر جاده ساحلی در منطقه بردخون قرار دارد از دیگر جاذبه‌های دیدنی این شهرستان است.



نوشتارهای حقوق کیفری که به زبان پارسی نگارش یافته یا برگردان شده اند، به مبحث ویژه‌ای درباره شخصی بودن مسئولیت کیفری اختصاص نیافته و نتیجتاً شناخت جامعی هم از آن به عمل نیامده و تنها در نوشتارهایی که به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران نگارش یافته‌اند اشاراتی بدان شده است.

برخی اصل مورد پژوهش را (اصل فردی بودن مسئولیت کیفری) نام نهاده اند و در تعریف آن چنین گفته اند: «به موجب اصل فردی بودن مسئولیت کیفری هر کس برای تقصیری که مرتکب شده است مؤاخذه می گردد ... قلمرو این اصل در مرحله دادرسی است، اما قلمرو اصل شخصی بودن مجازات در مرحله اجرای مجازات است».

«به موجب یکی از قواعد مسلم حقوقی، هر انسانی، مسئول عمل خویش است و هیچ کس را نمی توان برای فعلی که دیگری مرتکب شده است مسئول دانست. به عبارت دیگر هر انسانی باید شخصاً پاسخگوی پیامدهای ناگوار اعمالی که از او صادر شده است باشد و ممکن نیست این بار را به دوش دیگری نهاد.»

تعریف نخست دارای این اشکال است که قلمرو اصل را در مرحله دادرسی و یکی از اصول حاکم بر آن می داند، در حالی که اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری از اصول حاکم بر دادرسی نیست و قلمرو آن نیز در این مرحله نیست.

تعریف دوم نیز مصون از این ایراد نیست. زیرا انسان فقط در قبال اعمال و پیامدهای ناگوار اعمال خود پاسخگو نیست، بلکه افزون بر آن به خاطر داشتن وضعیت یا حالتی خاص نیز ممکن است از نظر کیفری پاسخگو باشد. به عنوان مثال، اعتیاد به تریاک در کشورهایی که جرم شناخته می شود، پاسخگویی به همراه دارد.

***نقش این اصل در تعیین مسئولیت کیفری افراد و اعمال مجازات بر آنها**

با توجه به این اصل برای اعمال مجازات احراز موارد ذیل لازم است و در صورت وجود آنها مجازات بر متهم قابل اعمال است:

۱. عملی که متهم انجام داده یا از انجام آن امتناع کرده باید از دید قانون جرم به شمار آید.

۲. وجود رابطه علیت میان عمل مجرمانه و متهم یا میان نتیجه مجرمانه و عمل متهم احراز شود.

۳. وجود قصد مجرمانه پیش از ارتکاب عمل یا مقارن آن و تقارن آن دو احراز شود. در صورت وجود سه شرط مزبور، فرد، مجرم شناخته می شود اما برای اعمال مجازات افزون بر سه شرط مزبور، شرط دیگری لازم است.

۴. متهم هنگام ارتکاب جرم باید بالغ، عاقل، آگاه و مختار باشد.

حال در صورت احراز شرایط مزبور می توان مجازات در نظر گرفته شده در قانون را بر چنین شخصی اعمال کرد؛ زیرا چنین فردی توانایی پاسخگویی و توانایی پذیرفتن بار تقصیر خود را دارد و این مفهوم مثبت اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است.

مفهوم منفی آن نیز بدین معناست که هیچ کس در قبال عمل مجرمانه چنین فردی پاسخگو نیست. این فکر و جمله که هر کس مسئول عمل خویش است از قدمتی طولانی برخوردار است و از روزگاران دیرین این قاعده حکمفرما بوده است که هر کس ضرر و خسارتی به دیگری وارد ساخت باید آن را جبران کند و هر کس باید به کیفر اعمال خود برسد.



اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری

■ دکتر مسعود مظاهری تهرانی حقوقدان و وکیل دادگستری

***مسئولیت کیفری هنگامی از مسئولیت مدنی متمایز می شود که به عنصری به نام اراده توجه شود و در این نقطه مسئولیت کیفری راه خود را از مسئولیت مدنی جدا می کند و بر خلاف آن جنبه شخصی و ذهنی نیز به خود می گیرد**

*** وجه تمایز مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی**

مسئولیت کیفری هنگامی از مسئولیت مدنی متمایز می شود که به عنصری به نام اراده توجه شود و در این نقطه مسئولیت کیفری راه خود را از مسئولیت مدنی جدا می کند و بر خلاف آن جنبه شخصی و ذهنی نیز به خود می گیرد.

مطابق اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، دادرسی پس از احراز شرایط موضوعی و مادی باید در پی احراز شرایط و عناصر شخصی و روانی باشد. بنابر این در مورد هر یک از متهمان اعم از معاون و مباشر و شرکای جرم احراز چنین شرایط و عناصری لازم است و از این روست که می گویند مسئولیت کیفری، مسئولیتی کاملاً شخصی است نه موضوعی.

*** مجرمیت امر موضوعی است یا مادی؟**

هر کس (اعم از مجنون یا عاقل) به صرف ارتکاب عمل مجرمانه مجرم تلقی شده و وجود یا فقدان قصد مجرمانه اهمیتی برای احراز مجرمیت ندارد!

ظاهر ماده ۲ قانون مجازات اسلامی چنین امری را تأیید می کند. زیرا می گوید: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود.» و در تعریف جرم به قصد مجرمانه توجهی نمی کند. سئوال اینجاست که با توجه به موارد مزبور آیا می توان گفت احراز قصد مجرمانه شرط اعمال مجازات است نه تحقق مجرمیت؟!

به نظر اینجانب احراز قصد مجرمانه شرط لازم برای تحقق مجرمیت است نه اعمال مجازات؛

زیرا در برخی مواد قانون گذار به «جرایم عمدی» اشاره کرده (مانند ماده ۳۶ و بند ۳ ماده ۲۵ ق.م.ا.) و در برخی مواد نیز از «جرایم غیر عمدی» سخن گفته است. (مانند ماده ۴۲ ق.م.ا.).

بنابراین قانونگذار تقسیم جرم را بر مبنای عنصر روانی پذیرفته و مقصود از جرم عمدی، جرمی است که به صورت ارادی و خود خواسته با هدف نقض متن قانون کیفری ارتکاب یابد.

اعمالی نیز که جرم شناخته شده اصل بر عمدی بودن آنهاست مگر در مواردی که قانونگذار غیر عمدی بودن آن را نیز جرم بداند و در قانون پیش بینی کند.

بنابر این به دلایل فوق احراز قصد مجرمانه، شرط تحقق مجرمیت است نه اعمال مجازات. رویه قضایی نیز بر این امر صحه می گذارد و چنانچه دادرس نتواند قصد مجرمانه متهم را احراز کند، به صرف احراز رابطه علیت میان عمل مجرمانه و متهم یا میان نتیجه مجرمانه و عمل متهم وی را مجرم تلقی نمی کند و حکم برائت وی را نسبت به اتهام وارده صادر می کند.

به عنوان مثال، اگر فردی مال متعلق به دیگری را با تصور این که متعلق به اوست بردارد،

***اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با اصل فردی بودن مسئولیت کیفری، شخصی بودن مجازات و فردی کردن مجازاتها تفاوت دارد**

به صرف احراز این که متهم مال شاکی را من غیر حق برداشته سارق نیست، در صورتی که احراز قصد مجرمانه شرط اعمال مجازات باشد نه تحقق مجرمیت، دادگاه باید وی را سارق شناخته، اما به دلیل فقدان قصد مجرمانه او را از مجازات معاف کند. در حالی که چنین نیست و رویه قضایی احراز قصد مجرمانه را برای تحقق مجرمیت لازم می داند و در صورت عدم احراز آن حکم برائت می دهد.

***تطابق اصل شخصی بودن و فردی بودن مسئولیت کیفری با اصل شخصی بودن مجازات**

اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با اصل فردی بودن مسئولیت کیفری، شخصی بودن مجازات و فردی کردن مجازاتها تفاوت دارد.

زیرا اصل فردی بودن مسئولیت کیفری از یک سو در برابر جمعی بودن مسئولیت کیفری قرار دارد و از سوی دیگر مقصود از آن این است که تنها افراد انسانی به عنوان شخص حقیقی می توانند از مسئولیت کیفری برخوردار شوند و اشخاص حقوقی مسئولیت کیفری ندارند.

مقصود از اصل شخصی بودن مجازات این است که مجازات باید فقط بر مجرم بار شود. این اصل زمانی پدیدار شد که حقوق کیفری مبتنی بر جرم و مجازات بود. در چنین زمانی مقصود از اصل شخصی بودن مجازات این بود که مجازات باید بر مرتکب جرم بار شود، اعم از این که صغیر باشد یا بالغ، مجنون باشد یا عاقل، مختار باشد یا مکره، واجد قصد مجرمانه یا فاقد آن باشد. از زمانی که مسئولیت کیفری حلقه و پل ارتباطی میان جرم و مجازات شد، مجازات باید بر مجرم مسئول بار شود.

گرچه اصل بر شخصی بودن مجازات است ولی آثار آن ممکن است به اعضای خانواده مجرم نیز سرایت کند. سعی حقوق کیفری بر این است که از تسری آثار مجازات به دیگران جلوگیری کند و تاکنون در این امر کاملاً موفق نبوده است.

مقصود از اصل فردی کردن مجازاتها تعیین و اجرای مجازاتی متناسب با شخصیت و ویژگیهای جسمی، روانی و اجتماعی مجرم است که به اعتبار ماهیت جرم ارتکابی و یا خصوصیات بزه دیده از طرف مقنن پیش بینی شده و از سوی دادرس به منصه ظهور می رسد.

اصل «شخصی بودن مسئولیت کیفری» حاکم بر مسئولیت کیفری است. اصل «شخصی بودن مجازات و فردی کردن مجازاتها» ناظر بر مجازات است. بنابراین مسئولیت کیفری، «اساس» مجازات است. و فردی کردن، معیار «اعمال» آن است.

میانجی گری کیفری، ساز و کار دیرین حل منازعات

■ علی طالع‌زاری، دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی – ■ بخش دوم و پایانی

اشاره: «میانجی گری کیفری، ساز و کار دیرین حل منازعات» عنوان مقاله‌ای است که بخش نخست آن در شماره قبلی صفحه حقوقی اطلاعات چاپ شد. بخش دوم و پایانی این مقاله را می خوانیم.

***

۵. چالش‌های پیش روی فرایند میانجی گری

فرایند میانجی گری در مسیر اجرا با مشکلات و محدودیت‌هایی همراه است و عناصری وجود دارند که موفقیت این مدل را به چالش می کشانند. برخی از این مقاومت و مخالفت بازیگران رسمی در عرصه اجرای عدالت، آسیب‌ناشی از اختیاری بودن پذیرش این فرایند، بی تجربگی و آموزش ندیدگی مجریان میانجی گری، عدم رویّه واحد و اختلاف نظر در روش‌ها و استفاده ابزاری از بزه‌دیده به نفع بزه‌کار است، که به تبیین و تشریح این عوامل می‌پردازیم.

۱ـ۵. مقاومت و مخالفت بازیگران رسمی در عرصه اجرای عدالت

اجرای فرایند میانجی گری می تواند تهدیدی علیه بعضی از فعالان عرصه اجرای عدالت، از قبیل قضات، وکلا و کلیت نظام عدالت کیفری تلقی شود.

در اجرای این فرایند، پرونده از ابتدا به این روش احاله شده و بزه‌کار و بزه‌دیده مشکل خود را در فضایی غیررسمی غیر از دادگستری حل و فصل می کنند. این امر اقتدار و حاکمیت دستگاه عدالت کیفری را زیر سؤال برده و قدرت مجریان این دستگاه از جمله قضات و دادستان را محدود می‌نماید. از طرفی حضور بی‌واسطه اطراف دعوای کیفری در فرایند میانجی گری و هم کلام شدن آن‌ها با یکدیگر و بیان واقعیت و احساسات خود پیرامون جرم می تواند خلاف و ناقض دفاعیات حرفه‌ای وکلای آنان شود و به نوعی منافع آنان را تهدید کند.

۲ـ۵. آسیب ناشی از اختیاری بودن پذیرش فرایند میانجی گری

اختیاری و داوطلبانه بودن ورود بزه دیده و بزه‌کار به فرایند میانجی گری و ادامه داوطلبانه آن تا پایان، اگرچه از یک منظر حُسن است، لیکن از منظر دیگر، آسیب محسوب می‌شود. طرح چند سؤال می تواند آسیب مطروحه را آشکار کند.

با فرض وجود اختیار مذکور از ابتدا تا انتهای این فرایند، چند درصد از شُکات حاضر می‌شوند در حالی که دستگاه عدالت کیفری با ضمانت اجراهای خود انتظار مرتکب را می‌کشد، وقت خود را هدر داده و وارد فرایند میانجی گری شوند که توفیق آن از پیش محرز نیست؟ آیا این امکان وجود ندارد که هر یک از طرفین در هر نقطه زمانی از این فرایند و در صورت بروز کوچک‌ترین اختلاف در گفت‌وگوها و اخذ تصمیمی خلاف منافع خود، گفت‌وگو را ترک کند و همه تلاش‌ها را ناکام گذارد؟ چه تضمینی وجود دارد که پس از طی همه مراحل، بزه‌کار و بزه‌دیده نتایج را بپذیرند و آن‌ها را عملی کنند؟ انجام مذاکرات تا پایان و عدم پای‌بندی و پذیرش مفاد آن توسط بزه‌کار، آسیب جبران‌ناپذیر روحی و روانی به بزه‌دیده وارد می‌کند.

اختیاری بودن این فرایند، اطلاق نداشته و مقید به حدود و ثغوری است. تعیین حد و مرزهای مذکور و ارائه تعریفی جامع و مانع از این خصیصه تا حدودی انتقاد مذکور را توجیه می‌کند. اگرچه اصل ایراد مذکور وارد به نظر می‌رسد.

۳ـ۵. فقدان عنصر تجربه و تخصص در مجریان میانجی گری

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند مذاکرات را دچار مشکل کرده و از پیش آسیب تلقی می‌شود، این است که میانجی گرها معمولاً افرادی از جامعه محلی هستند که اگرچه شناخته شده و مورد قبول و وثوق طرفین نزاع‌اند، لیکن آموزش‌های لازم در جهت اداره گفت‌وگوها را ندیده و از تخصص و تجربه لازم در اداره و به نتیجه رساندن گفت‌وگوها برخوردار نیستند. این امر صرف نظر از عدم حصول نتیجه، اوضاع را وخیم‌تر کرده و بزه‌دیده را با مشکلات دیگری رو به رو می‌کند. این نقصان نیز لاینحل نبوده و با ارائه آموزش‌های لازم و گماردن افراد با تجربه قابل حل است.

*** میانجی گر که عضوی از جامعه مدنی است، در فرایند میانجی‌گری سعی می‌کند بزه‌کار و بزه‌دید را در ارتباط با هم قرار دهد و زمینه دیدار، گفت‌وگو و مذاکره و طرح مطالبات و خواسته‌های متقابل آن‌ها را فراهم کند**

۴ـ۵. عدم رویّه واحد و اختلاف نظر در روش‌های اجرای میانجی گری

با وجود این‌که بیش از سی سال از تجربه اعمال میانجی گری کیفری به شکل جدید در کشورهای مختلف نگذشته است، مدل‌های میانجی گری حجم وسیعی از برنامه‌های مختلف و ناهمگون و گاهی متضاد و متناقض رادربر می‌گیرند. مدل‌های میانجی گری کیفری گاهی به صورت مستقیم، گاهی غیرمستقیم، گاهی به صورت رسمی و گاهی غیررسمی، گاهی با حضور گروه‌ها و افراد بیشتر و گاهی با عدم حضور آن‌ها اعمال می‌شود. این برنامه‌ها گاهی وابسته به دستگاه عدالت کیفری‌اند، گاهی نهادهای غیردولتی و مدنی آن‌ها را اداره می‌کنند و گاهی آن‌ها وابسته به نهادهای مذهبی مانند کلیساها، سازمان‌ها و تشکل‌های مذهبی‌اند.

برخی از این برنامه‌ها «بزه‌کار محور» بوده و در مورد جرایم خاصی رسیدگی می‌کنند و یا به عده خاصی مانند کودکان، زنان، مهاجرین سرویس می‌دهند و برخی نیز عمومی‌تر عمل می‌کنند. با عنایت به این ناهمگونی‌ها، وضع استانداردهای حداقل، برای عملکرد مطلوب چنین برنامه‌هایی بسیار حیاتی به نظر می‌رسد. و چنین استانداردهایی، کمک مؤثری برای نهادینه کردن و وحدت و یکپارچگی و عمل‌کرد مطلوب چنین طرح‌ها و برنامه‌هایی است. در سال‌های اخیر، تلاش‌های جامعه بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و ملی در مورد ایجاد استانداردهای واحد در مورد برنامه‌های عدالت ترمیمی و میانجی گری بسیار قابل توجه بوده است. از آن جمله، توصیه‌نامه شورای اروپا در رابطه با میانجی گری کیفری و قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲ و تلاش‌های اخیر سازمان ملل در آخرین کنگره کمیسیون پیش گیری از جرم و عدالت کیفری در آوریل ۲۰۰۲ را می توان نام برد (بنگرید به: عباسی، ۱۳۸۲: ۱۶۲ـ۱۶۱).

۵ـ۵. استفاده ابزاری از بزه‌دیده به نفع بزه‌کار

منتقدین، فرایند میانجی گری را به نام بزه‌دیده و به کام بزه‌کار می‌دانند و اعتقاد دارند این فرایند که به بهانه التیام آلام بزه‌دیده و حل مشکلات و جبران خسارات وی ایجاد شده است، فضای مناسبی است که بزه‌کار از برخورد سخت و خشن دستگاه عدالت کیفری رهایی یافته و در آن رضایت بزه‌دیده را جست‌وجو کند.

در واقع حضور در این فرایند؛ بیش از آن‌که به نفع بزه‌دیده باشد، وی را به ابزاری در جهت رسیدن بزه‌کار به اهداف خود یعنی اخذ رضایت وی و فرار از سیکل سنتی دستگاه عدالت کیفری تبدیل کرده است. در پاسخ به این ایراد باید گفت فرایند میانجی گری با اهدافی فراتر از مصلحت صِرف بزه‌دیده پیش‌بینی شده و سودمندی اِین مَدل، ناظر به افراد زیادی از جمله بزه‌دیده بزه‌کار، جامعه محلی و دستگاه عدالت کیفری است که تأمین منافع یکی، نافی و ناقض منافع دیگری خواهد بود.

برآمد

میانجی گری کیفری، یک روش انسانی در مواجهه با اختلافات انسانی است که در کنار دستگاه عدالت کیفری رسمی، با حفظ وابستگی و همچنین با حفظ حدودی از استقلال، به عنوان یک ساز و کار مکمل و در بسیاری از موارد، به عنوان بدیلی برای فرایند رسمی عدالت کیفری، به مقابله با تعارضات ناشی از مسائل مجرمانه برمی خیزد.

هدف اساسی میانجی گری کیفری این است که تا حد ممکن منافع و دیدگاه‌های ارکان اصلی عدالت کیفری، یعنی بزه‌دیده و بزه‌کار و جامعه محلی، با همدیگر به تعادل و توازن نزدیک شود.

در خلال برنامه‌های میانجی گری، بزه‌دیدگان به جایگاهی تعیین کننده در دستگاه عدالت کیفری دست پیدا می‌کنند؛ بزه‌کار از معایب گرفتاری در خشونت‌ها و تنگناهای دستگاه عدالت کیفری رهایی یافته و با اختیار و آگاهی، درصدد تصحیح خطاهای خویش می‌برآید. افزون بر آن، بزه‌دیده، بزه‌کار و نهادهای جامعه مدنی از کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و روانی میانجی گری کیفری بهره‌مند شده و با منتفی شدن تعارض ایجاد شده در مناسبات بزه‌دیده و بزه‌کار، رشته‌های مناسبات انسانی گسسته شده، دوباره ترمیم می‌شود.

نَشر و شایعه مفهوم میانجی گری و نهادهای مشابه و ایجاد ساختارهایی بر این اساس در عرض حقوق کیفری، یکی از مناسب‌ترین روش‌ها در زمینه قضازدایی است که با اتخاذ یک سیاست جنایی مشارکتی، تنازعات بین بزه‌دیده و بزه‌کار را حل و فصل می‌کند.

فهرست منابع:

۱. ابن ابی‌یعقوب، احمد، تاریخ یعقوبی، جلد نخست، برگردان: محمدابراهیم آیتی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۲.

۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، تهران، سمت، ۱۳۷۹.

۳. بختیاری، علی قلی‌خان سردار اسعد، تاریخ بختیاری، یساولی، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

۴. پرادل، ژان، درآمدی به سیاست جنایی، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

۵. دلماس مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

۶. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده در فرایند کیفری، تهران: خط سوم، ۱۳۸۱.

۷. زهر، هوارد، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، برگردان: حسین غلامی، تهران: مجد، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

۸. سماواتی پیروز، امیر، عدالت ترمیمی، تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، تهران: نگاه بینه، ۱۳۸۵.

۹. صادقی، محمدهادی، تزاحم مصلحت‌گرایی و حقوق بزه‌دیده در حقوق جزای اسلام، مجله مدرس، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۳، ۱۳۸۴.

۱۰. طالع زاری، علی، عدالت ترمیمی رهیافت نوین، رنسانس در حقوق کیفری، مجله کانون وکلای اصفهان، شماره‌های ۴۸ و ۴۹، ۱۳۸۹.

۱۱. عباسی، مصطفی، افق‌های نوین عدالت ترمیمی، میانجی گری کیفری، تهران: دانشور، چاپ نخست، ۱۳۸۲.

۱۲. غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، تهران: سمت، ۱۳۸۵.

۱۳. گسن، ریموند، جرم‌شناسی کاربردی، برگردان: مهدی کی‌نیا، تهران: علامه طباطبایی، ۱۳۷۰.

۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست، ۱۳۷۷.

15. Jan R Gehm victim – offender mediation program, an exploration of practice and theoretical frameworks western criminology review, u.s, 1998.

16. Gordan bazemor & m.s. umberit, 'comparison of four testorative conferencing models' juvenile justice, bulletiin of office of juvenill justice and delinquency perevention, February 2001.

* برگرفته از ماهنامه دادرسی شماره ۱۰۱ سال هفدهم آذر و دی ۱۳۹۲

نخستین ترجمه از کتاب جنجالی افسر سابق «سیا»

پیدایش تروریسم تکفیری



■ نوشته: رابرت بائر ■ منبع: العالم

۱۹

در سال ۱۹۹۵ ماجرای مشابهی برای محمد بن عبدالعزیز آل الشیخ، وزیر امور شهرها و روستاها روی داد. وی هم قصد داشت از تصرف مقداری زمین توسط یکی از فرزندان سلطان جلوگیری کند. زمین خواری، بخش کوچکی از فساد در عربستان سعودی است. قراردادهای ملکی موجب ورشکستگی کشور می‌شد و شاهزاده طلال نسبت به دیگران، بیشتر در این کار غرق شده بود.

هزینه‌های خارج از بودجه و درآمدهای فروش نفت، مستقیما به حسابهایی ویژه انتقال می‌یافت و از خزانه داری عربستان عبور می‌کرد. این پول ها برای خریدهای تسلیحاتی و ساخت و سازها استفاده می‌شد.

به دلیل نبود نظارت دولتی یا هرگونه بازخواست، رشوه و فساد بسیار گسترده بود. مشهورترین قراردادی که خارج از بودجه بسته شد، با نام «یمامه» مشهور است.

یمامه در واقع قراردادی برای خرید سلاح از انگلیس بود که به دلیل گستردگی رشوه‌ها و پول های رد و بدل شده در جریان آن، شهرت یافت. در سپتامبر ۱۹۸۵ «مایک هسلتاین» وزیر دفاع انگلیس، نخستین مرحله قرارداد یمامه را برای فروش جنگنده‌های «تورنادو» و «بی. ای. هاوک» و ارائه پشتیبانی های فنی و نگهداری، امضا کرد.

ایجاد پایگاه نظامی بزرگی برای این هواپیماها درعربستان نیز از بندهای این قرارداد بود. ارزش این قرارداد به حدود ۴۳ میلیارد پوند انگلیس (۸۶ میلیارد دلار آمریکا) رسید.

انگلیس برای عربستان بازاری تضمین شده بود که می‌توانست در آنجا نفت خود را نقد کند. بیشتر هیأت ها و واسطه‌ها به سوی سلطان و خانواده او رفتند.

فهدهم به سهم خود از این قرارداد دست یافت، البته از طریق همسرش «جوهره» و برادراو «ابراهیم عبدالعزیز الابراهیم»، برای اینکه دست های او در این قرارداد آلوده وخدشه‌ای به تاریخ عربستان وارد نشود. در سال ۱۹۸۰ و اوایل سال ۱۹۹۰ قراردادها از طریق ابراهیم بسته می‌شد.

معمولا اطلاع از قراردادهای ابراهیم بسیار دشوار بود، ولی در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۷ ،ابراهیم شکایتی قضایی را علیه شرکت «رولزرویس» مطرح کرد.

این شرکت که موتورهای جنگنده «تورنادو» را ساخته بود از توافق کمیته‌ها با شرکت خصوصی ابراهیم شانه خالی کرد. در سپتامبر ۱۹۹۶ قرارداد یمامه به بحرانی غیرقابل تحمل برای عربستان سعودی تبدیل شد.

در اوایل همین سال عربستان سعودی به دلیل ناتوانی در تحمل فشارهای ناشی ازاین قرارداد، ۴۰۰ میلیون دلار قرض گرفت تا به تعهدات مالی خود در این قرارداد عمل کند.

با وجود آنکه قرارداد یمامه برای عربستانی‌ها بد بود، آنان جرأت خروج از آن را نداشتند. در ابتدا عبدالله به شرکت سعودی «آرامکو» دستور داد حمایت مالی از قرارداد یمامه را کاهش دهد، ولی این کار با شکست مواجه شد.

در نشست وزیران در ۵ سپتامبر ۱۹۹۶ عبدالله سعی کرد نظر مثبت وزرا را برای توقف قرارداد یمامه کسب کند، ولی سلطان مقابل تصمیم عبدالله ایستاد، زیرا توقف این قرارداد به معنای آن بود که سلطان خسارت بسیاری را متحمل شود، یعنی همان چیزی که عبدالله به دنبال آن بود.

سلطان مدعی شد که نیروهای سعودی برای تغییر نیازمند تجهیزات انگلیسی هستند و اگر قرارداد یمامه لغو شود، عربستان سعودی مجبور می‌شود برای تسلیح بیشتر به آمریکامتکی شود، مسأله‌ای که از نظر سیاسی پذیرفتنی نیست. در پایان همان روز، سلطان به خواسته خودش رسید و قرارداد پابرجا ماند.

***پشت پرده طرح توسعه حرمین شریفین**

طرح دیگری که خارج از بودجه بود و عبدالله تصمیم داشت آن را تحت کنترل در آورد، طرح توسعه حرمین شریفین بود. این قرارداد شامل تخریب و بازسازی مدینه منوره و مساجد قدیمی درمکه مکرمه بود. مانند یمامه، برای این کار نیز ۲۵ میلیارد دلار آمریکا از فروش مستقیم نفت هزینه می‌شد.

خاندان بن لادن مسئول این ساخت و سازها و رشوه‌هایی بود که به اعضای خاندان حاکم داده می‌شد، تا حمایت مالی از این طرح ادامه یابد.

از نیمه های دهه ۹۰ تا اواخر آن، بخش قابل توجهی از درآمد نفت به برنامه‌های خارج از بودجه اختصاص می‌یافت، یعنی روزانه حدود یک میلیون بشکه و یک ششم صادرات نفت عربستان سعودی. طبق قیمت‌های رایج، عربستان سعودی روزانه ۳۰ میلیون دلار از دست می‌داد.

هر کسی با توجه به نفوذی که داشت، سعی می‌کرد به اندازه‌ای که می‌تواند غارتگری کند. این کار توسط وزرای اصلی دولت و همپیمانان وهابی آنان صورت گرفت که تصمیم گرفته بودند آثار تاریخی را تخریب کنند و دوباره بسازند.

بنابراین به شرکت آرامکو دستور داده شد ۱۰۰ میلیون دلار آمریکا کنار بگذارد و مجموعه «بکر بن لادن» مأموراین پروژه شد، ولی به جای آنکه این پول کاملا صرف پروژه‌ها شود، به جیب شاهزادگان ارشد و جمعیت های خیریه و علمای وهابی سرازیر شد. در اکتبر ۱۹۹۵ فهد متوجه شد که عبدالله تمایل دارد با همدستی سعود الفیصل، وزیر خارجه، کشور را تحت کنترل خود در بیاورد.

ملک فهد متوجه شد هر بار که بحرانی به وجود می‌آید، برای کمک به سوی عبدالله می‌شتابندو پس ازمدتی قرار شد سلطان و فهد کشور را ترک کنند و فردی برای زیر نظر گرفتن عبدالله تعیین شود. پس از سکته مغزی فهد، می‌بینیم که عبدالله از دایره افرادی که او را فرا گرفته بودند خارج شد و هیچکس نتوانست او را از راه فرمانروایی باز دارد.

در داخل خاندان حاکم، عبدالله به دلیل سکته مغزی فهد سرزنش می‌شد، زیرا اطلاعاتی وجود داشت که فهد و عبدالله تلفنی درباره اینکه چه کسی باید در نشست شورای همکاری در عمان حاضر شود، بحث و جدل کردند. گفته شده که فهد و عبدالله درباره بحران مالی بحث و جدل کرده‌اند. همچنین برخی گفته‌ها حاکی از این بود که عبدالله به عمد می‌خواست فهد را عصبی کند، چرا که وضعیت سلامتی او پس از گذشت یک سال و نیم از سکته مغزی ،چندان مناسب نبود؛ سلطان تلاش کرد تا از حضور عبدالله در نشست های شورای وزیران به ریاست او جلوگیری کند.

در ژوئیه ۱۹۹۷ عبدالله نیز سعی کرد تا قوانین و فرمان هایی لازم الاجرا را امضا کند. سلطان، سلمان و نایف، در نمایشی برای اعلام همبستگی خود را به بیمارستان رساندند، ولی در آنجا دوباره شوکه شدند. جوهره و عزوزی اردوگاهی را خارج از اتاق فهد در بیمارستان ایجاد کرده بودند. به عبارت دیگر، در آنجا به نظر می‌آمد که کودتایی صورت گرفته است.

برادران فهد خشمگین بودند، ولی نمی‌توانستند کاری انجام دهند. آنان تمایل داشتند جوهره و فرزندش را دستگیر کنند. گزینه غیرقابل تصور این بود که عبدالله جانشین باشد.

عزوزی فقط حدود ۹۰۰ میلیون دلار وجه نقد را نابود نکرد، بلکه برادرش محمد بن فهد (بلدوزر) را هم شکست داد.

محمد بن فهد به دلیل اقدامات و فعالیت های تاکتیکی به این لقب (بلدوزر) معروف شد. ولی با سرقت ۲۲ میلیون دلار پول و قایق تفریحی بلدوزر، اوضاع بدتر شد. بلدوزر گفت که نمی‌تواند کاری انجام دهد، زیرا جوهره و عزوزی اهمیتی به بازگرداندن اموال سرقت شده نمی‌دهند.

کاخ اسطوره‌ای عزوزی در خارج از ریاض، فراتر از همه ساختمان‌هایی است که تا کنون توسط آل‌سعود ساخته شده است. می‌توان از طریق سه دروازه قوسی و جداگانه وارد آن شد. در اوایل مارس ۱۹۹۷ اوضاع برای خانواده فهد غیرقابل تحمل شد.

چرا که سلطان با سلمان برای لغو یکی از قراردادهای ملکی به نفع عزوزی همکاری کرد. من مطمئن نیستم که نتیجه چه بود، ولی اگر موفق می‌شدند، به موفقیت پرهزینه ای دست می‌یافتند.

شاهزادگان ارشد با مراجعه به تجارب و دوراندیشی، درباره خلافت به اتفاق نظر رسیدند.

ژنرال «بینیفورد» فرمانده ارتش آمریکا در خاورمیانه در ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۷ برای دیدار با فهد به ریاض رفت، ولی در آنجا با حضور عزوزی در کنار فهد غافلگیر شد.

ادامه دارد

جهان سیاست در سالی که گذشت

■ بخش دوم



در چنین شرایطی، برخی استان‌های سنی نشین عراق به اعتراض علیه آنچه دیکتاتوری مالکی در اداره کشور خواندند، پرداختند. اگرچه در وهله اول می‌توان این اعتراضات را جزو تحولات سیاسی عراق طبقه‌بندی کرد، اما به واقع تظاهرات‌ها در این استان‌ها و علی‌الخصوص استان الانبار شرایط را برای رخنه شبه نظامیان داعش و همچنین عناصر مسلح قبیله‌ای در بین مردم آماده کرد و دست آخر شاهد بودیم که این افراد چگونه ارتش و دولت عراق را به چالش کشیدند. ارتش عراق پس از این که «داعش» شماری از شهرهای اصلی الانبار از جمله رمادی، سلیمان بک و مخصوصاً فلوجه را به تصرف خود درآورد، وارد عمل شده که به دنبال آن جنگی تمام‌عیار در این استان درگرفت. حملات هوایی و زمینی ارتش عراق علیه مواضع داعش در عراق همچنان ادامه دارد و تاکنون تلاش ریش سفیدان قبیله‌ای برای پایان دادن به درگیری‌های مسلحانه ناکام مانده است. در همین حال، شبه نظامیان داعش ستونی از نیروهای دولتی عراق را هدف حمله قرار دادند که در این یورش ۲۰ افسر عالیرتبه عراقی و از جمله فرمانده لشکر هفتم عراق در الانبار کشته شدند. داعش هم در بیانیه‌ای اعلام کرد که به زودی به دیگر مناطق عراق یورش خواهد برد، البته وزارت کشور عراق هم ضمن هشدار به نیروهای دولتی اعلام کرد که داعش سلاح و توانایی کافی برای تصرف شهرهای عراق حتی پایتخت را در اختیار دارد. در این شرایط، دولت بغداد اسناد مربوط به حمایت مستقیم آل سعود از تروریسم در عراق را منتشر کرد و بان کی‌مون پس از سفر به بغداد اظهار داشت که پرونده حمایت عربستان از تروریست‌ها در عراق را به شورای امنیت می‌برد. به دنبال آن ارتش عراق هم با خطاب قرار دادن عربستان اعلام کرد که عراق را گورستان مداخله گران خواهد کرد. از دیگر سو، موج حملات تروریستی علیه مردم عراق همچنان ادامه دارد و تروریست‌ها روزانه دهها عراقی را به خاک و خون می‌کشند. براساس گزارش‌های منتشر شده طی ۱۲ ماه گذشته در عراق ۱۰۰۰ کودک نیز قربانی حملات تروریستی شده‌اند. این در حالی است که تروریست‌ها حتی به زندان نیز رحم نکردند و در حمله به عزاداران حسینی در روز اربعین بیش از ۴۰ تن به شهادت رسیدند. شایان گفتن است که در مراسم تاسوعا و عاشورای حسینی بیش از ۴ میلیون زائر به کربلا رفته بودند.

***لبنان**

لبنان‌به‌ویژه جنوب بیروت در سال ۹۲ صحنه چندین انفجار تروریستی بود. گفته می‌شود بحران سوریه، لبنان را نیز تحت تأثیر قرار داده است. از آنجا که حزب‌الله به عنوان متحد دولت بشار اسد، حضوری گسترده در برخی مناطق سوریه دارد تا از سقوط دمشق به دست گروه‌های تکفیری و تروریستی جلوگیری کند، گروه‌های تکفیری هر از چند گاهی اقدام به انفجارهای تروریستی در بیروت در برخی مناطق تحت نفوذ حزب‌الله کرده و هر بار بیانیه صادر می‌کنند که به تلافی حضور حزب‌الله در سوریه چنین اقداماتی انجام می‌دهند. این در حالی است که به گفته ناظران، موضوع حضور حزب‌الله در سوریه بهانه است چرا که لبنان طی سالیان گذشته و قبل از بحران سوریه نیز عرصه حضور و تاخت و تاز گروه‌های تروریستی بوده و ده‌ها تن از مقامات این کشور اعم از شیعه، سنی، مسیحی، دروزی و غیره ترور شده‌اند. یکی از انفجارهای تروریستی امسال، انفجار خودرو و بمب‌گذاری شده نزدیک سفارت ایران در بیروت بود که بر اثر آن چند تن از جمله حجت‌الاسلام ابراهیم انصاری، رایزن فرهنگی ایران، در بیروت به شهادت رسیدند. اما آشوب و ناآرامی فقط مختص به بیروت و جنوب لبنان نبود. شهر طرابلس در شمال این کشور نیز صحنه درگیری دو گروه طرفدار مخالف حکومت سوریه بود که ده‌ها کشته و مجروح بر جا گذاشته است. منطقه باب‌التبانه که عمدتاً سنی مذهب و مخالف نظام سوریه است با منطقه جبل محسن که اغلب شیعه و طرفدار حکومت سوریه است، درگیر هستند و طرابلس لبنان را به آشوب و هرج و مرج کشانده‌اند که حتی استقرار نیروهای ارتش لبنان نیز نتوانسته از ادامه این درگیری‌ها جلوگیری کند. یک شیخ سلفی به نام احمدالاسیر که از نفوذ زیادی میان سنی‌های شمال لبنان برخوردار است، اقدام به تحریک ساکنان باب‌التبانه علیه ساکنان جبل محسن می‌کرد. اما پس از مدتی ارتش لبنان تعقیب و پیگرد وی را در دستور کار قرار داد و به همین دلیل الاسیر از چند ماه قبل فراری و مخفی شده است. چندی پیش نیز دادستانی کل لبنان حکم غیابی اعدام وی را صادر کرد که هنوز از مخفیگاه و مکان اختفایش اطلاعی در دست نیست. در چنین اوضاع و احوالی اتحادیه اروپا به جای آنکه علیه این گروه‌های تکفیری و تروریستی موضع گیری کند، شاخه نظامی حزب‌الله را در فهرست تروریسم قرار داد. البته گفته می‌شود اتحادیه اروپا پیشتر با چنین اقدامی مخالفت کرده و حزب‌الله را یک گروه سیاسی و مردمی دارای نفوذ در لبنان خوانده بود اما تحت فشار برخی رژیم‌های عربی منطقه، حزب‌الله را در فهرست تروریسم قرار داد. این اقدام اتحادیه اروپا اما با واکنش دولت وقت لبنان به نخست‌وزیری نجیب میقاتی روبرو شد و دولت میقاتی این اقدام اروپایی‌ها را نکوهش کرد. دولت لبنان، مقاومت این کشور را مردمی خواند و تأکید کرد که لبنان بدون مقاومت و حزب‌الله نابود خواهد شد. سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله نیز در یکی از سخنرانی‌هایش این اقدام اروپایی‌ها را کم‌اهمیت خواند و گفت درج نام حزب‌الله در فهرست تروریسم اتحادیه اروپا، از ارزش‌های مقاومت نمی‌کاهد و خون شهدای حزب الله و مقاومت را کمرنگ نخواهد کرد. نصرالله تأکید کرد تا زمانی که اسرائیل به عنوان دشمن اسلام و مسلمانان در منطقه حضور دارد، حزب‌الله و مقاومت نیز با تمامی قدرت حضور خواهد داشت.

اما موضوع مهم دیگری که در سال ۹۲ لبنان را درگیر کرد، عدم تشکیل دولت جدید بود. دولت جدید در حالی شکل نمی‌گرفت که از حدود یک سال قبل انتخاب و نخست وزیر آن «تمام سلام» نیز تعیین شده بود. کارشکنی‌های احزاب وابسته به جریان ۱۴ مارس و سعد حریری سبب تأخیر در تشکیل دولت جدید شد و نخست‌وزیر قبلی یعنی نجیب میقاتی همچنان روند امور را در دست داشت. ۱۴ مارسی‌ها تلاش کردند برخی وزارتخانه‌های مهم از جمله وزارت ارتباطات را که در دولت میقاتی در اختیار جریان ۸ مارس به رهبری حزب‌الله بود، از چنگ آن‌ها درآورند. به همین دلیل در یک سال گذشته از هر ترفندی استفاده کردند تا از این قضیه جلوگیری کنند. در نهایت با سعه صدر حزب‌الله و جریان ۸ مارس که برای تصاحب وزارتخانه‌های کلیدی در دولت جدید تقلای زیادی نکردند، دولت جدید در آخرین ماه‌های امسال تشکیل شد، اگرچه گفته می‌شود دولت باثباتی نیست و به دلیل اختلافات سیاسی داخل لبنان، دولت جدید هنوز نتوانسته کنترل امور را در دست گیرد.

***بحرین**

حملات وحشیانه نیروهای امنیتی رژیم آل‌خلیفه و مواضع خصمانه رژیم علیه معترضان موجب شد تا نهادهای حقوق‌بشری رسماً خواستار پایان سرکوب‌ها و جو خفقان در بحرین شوند. موج سرکوب‌ها تا آنجا پیش رفت که اوباما هم علیرغم اتحاد استراتژیک واشنگتن ـ منامه در مقر سازمان ملل به شدت از رفتار وحشیانه رژیم بحرین در قبال معترضان انتقاد کرد. البته این انتقاد موجبات تنش در روابط آمریکا ـ بحرین را فراهم آورد و منامه سفیر واشنگتن را فراخواند. در چنین شرایطی بان کی‌مون، دبیرکل سازمان ملل نیز رسماً خواهان پایان جو ارعاب و تهدید علیه معترضان مسالمت‌جو در بحرین شد. بان کی‌مون همچنین اعلام کرد که رژیم آل‌خلیفه حقوق‌بشر را نقض کرده است.

در همین حال حدود ۱۳۰ نهاد حقوق‌بشری از جمله دیدبان حقوق‌بشر و عفو بین‌الملل نیز از شیوه سرکوب معترضان در بحرین به شدت انتقاد کردند. این در حالی است که پارلمان اروپا نیز در بیانیه‌ای نقض حقوق‌بشر در بحرین را به شدت محکوم کرد. در چنین شرایطی هیأت حقوق‌بشر سازمان ملل برای بررسی موارد تخلف رژیم بحرین در امر مبارزه با معترضان برای سفری ۲۱ روزه به منامه رفت. ناوی پیلای که رهبری هیأت را برعهده داشت با نمایندگان مخالفان و دولت به گفتگو نشست. شایان گفتن است که دستگاه‌های امنیتی بحرین با حمله روزانه و مستمر به معترضان ده‌ها تن را شهید و صدها تن دیگر را بازداشت و در زندان‌های مخفی شکنجه کرده‌اند. پلیس بحرین همچنین به مراسم عزاداری حسینی بحرینی‌ها حمله کرد و به ضرب و شتم عزاداران پرداخت. از دیگر سو دستگاه قضایی بحرین در راستای تنگ‌تر کردن عرصه برای اعتراض مخالفان در اقدامی بی‌سابقه، شورای علمای شیعه این کشور را منحل کرد که این اقدام با اعتراض گسترده علمای بحرینی و مردم مواجه شد. این در حالی است که چند روز پس از انحلال شورای علمای شیعه، نیروهای امنیتی بحرین شیخ علی سلمان، دبیرکل جمعیت الوفاق بحرین را نیز بازداشت و بازجویی کردند.

***فلسطین**

فلسطین در سال ۱۳۹۲ نیز همچون شش دهه گذشته با رویدادهای ریز و درشت بسیاری همراه بود اما از سرگیری مذاکرات صلح میان فلسطینی‌ها و اسرائیل مهم‌ترین آن بود؛ اهمیت از آن جهت که مذاکرات صلح از حدود سه سال قبل و در پی تجاوز هشت روزه صهیونیست‌ها به غزه متوقف شده بود. رفت و آمدهای زیاد جان کری وزیر خارجه آمریکا به منطقه سرانجام رهبران تشکیلات خودگردان فلسطین را قانع کرد که پس از وقفه‌ای سه‌ساله به میز مذاکرات با اسرائیل بازگردند. چارچوب زمانی برای این مذاکرات، ۹ ماه تعیین شده که تاکنون حدود شش ماه از آن گذشته اما هنوز هیچ نتیجه ملموسی حاصل نشده است و حتی مقامات تشکیلات خودگردان و رژیم صهیونیستی از احتمال تمدید مذاکرات پس از ۹ ماه خبر می‌دهند. اما نکته مهم این بود که فلسطینی‌ها از سرگیری مذاکرات صلح را به توقف شهرک‌سازی‌های اسرائیل در کرانه باختری و قدس مشروط کرده بودند و آمریکا نیز اعلام کرد که توقف شهرک‌سازی را تضمین می‌کند اما تنها چند هفته پس از آغاز مجدد مذاکرات، صهیونیست‌ها شهرک‌سازی را از سر گرفتند. مقامات تشکیلات خودگردان چندین بار تهدید به خروج از مذاکرات در اعتراض به ادامه شهرک‌سازی‌ها گرفته‌اند اما گفته می‌شود آمریکا و اسرائیل محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان را تهدید کرده‌اند که در صورت متوقف کردن روند مذاکرات، سرنوشت یاسر عرفات یعنی مرگ غیرطبیعی در انتظار او خواهد بود. شهرک‌سازی‌های اسرائیل، داد متحدان اروپایی این رژیم را نیز درآورده و بسیاری از کشورهای اروپایی، داد و ستد با شهرک‌های اسرائیل را متوقف و بانک‌های این رژیم را نیز تحریم کرده‌اند. در داخل نیز بسیاری از مردم فلسطین به ویژه ساکنان غزه با برپایی تظاهرات، به مذاکرات صلح اعتراض کرده و خواستار توقف آن شده‌اند. همزمان با این اعتراضات جهانی به شهرک‌سازی اسرائیل، فنلاند و دانمارک سطح نمایندگی فلسطین در پایتخت‌هایشان را به سفارت ارتقا دادند. این اقدام که پس از عضویت ناظر فلسطین در سازمان ملل، دومین گام مهم بین‌المللی برای به رسمیت شناختن حقوق فلسطینی‌ها به شمار می‌رود حکایت از صهیونیست‌ستیزی بسیاری از کشورهای غربی در عصر حاضر دارد. در چنین اوضاع و احوالی دولت انتصابی تشکیلات خودگردان فلسطین به نخست‌وزیری «سلام فیاض» استعفا کرد و دولت جدید به نخست‌وزیری «رامی حمدالله» جانشین او شد.

اما رویداد مهم دیگری که امسال در سرزمین‌های اشغالی اتفاق افتاد، آزادی اسرای فلسطینی در بند رژیم صهیونیستی بود. بر اساس توافقی که میان مقاومت فلسطین و اسرائیل شده بود، قرار بود در قبال آزادی یک نظامی صهیونیست به نام «گلعاد شالیت» توسط مبارزان فلسطینی، ۱۰۴ اسیر فلسطینی نیز در سه مرحله آزاد شوند که تاکنون حدود ۷۰ نفر از آن‌ها در دو مرحله آزاد شده‌اند. این در حالی است که در سال ۹۲ حملات گاه و بیگاه اسرائیل به غزه ادامه داشت و ده‌ها غیرنظامی شهید و زخمی شدند. البته ۲ نظامی صهیونیست نیز به فاصله ۴۸ ساعت و در دو حادثه جداگانه به دست مبارزان فلسطینی در قدس و کرانه باختری کشته شدند که سبب آماده‌باش نیروهای صهیونیست شد. امسال همچنین مناطق مختلف فلسطین شاهد برپایی تظاهرات در شصت و پنجمین سالروز نکبت یا همان سالروز اشغال فلسطین بود. این تظاهرات البته فقط به فلسطین ختم نشد و بسیاری از کشورهای جهان نیز در سالروز نکبت تظاهرات ضدصهیونیستی برگزار کردند. دیگر تحول امسال فلسطین، انتخاب دوباره خالد مشعل به عنوان رئیس دفتر سیاسی حماس بود. قرار بود مشعل از این سمت استعفا دهد و حرف و حدیث‌ها درباره جانشینی «موسی ابومرزوق» معاون مشعل بود اما در نهایت رهبران حماس اعلام کردند در شرایط کنونی بهترین گزینه، انتخاب دوباره مشعل است. جنبش حماس شاهد تحول دیگری نیز بود و آن انتقال دفترش از سوریه به قطر بود. با آغاز بحران سوریه، حماس از برخورد دولت اسد با مخالفان انتقاد کرد و همین مسئله سبب ایجاد تنش میان دمشق و حماس شد و این جنبش، دفتر خود را به دوحه منتقل کرد. مرگ آریل شارون نخست‌وزیر پیشین اسرائیل نیز یکی دیگر از رویدادهای امسال سرزمین‌های اشغالی بود. شارون که از هفت سال قبل و در پی سکته مغزی به کما رفته بود امسال جان داد. وی جنایات بیشماری در حق ملت فلسطین انجام داده بود و در بی‌رحمی و شقاوت، گوی سبقت را از دیگر مسئولان رژیم صهیونیستی ربوده بود. شارون به دلیل کشتار گسترده مردم فلسطین در اردوگاه‌های صبرا و شتیلا، به قصاب صبرا و شتیلا معروف بود.

تحول دیگری که در سال ۹۲ بسیار سر و صدا کرد، بحث درباره مرگ یاسر عرفات رهبر فقید فلسطینی‌ها بود. جسد عرفات بعد از ۶ سال از قبر بیرون آورده شد تا علت مرگ وی مشخص شود. این اقدام به درخواست همسر عرفات انجام شد که در نهایت پزشکان فرانسوی، رأی به طبیعی بودن مرگ وی دادند. اما همسر عرفات که پیش از این ادعا کرده بود همسرش توسط اسرائیلی‌ها مسموم شده و به مرگ غیرطبیعی از دنیا رفته است، گفته پزشکان فرانسوی را تأیید نکرد و از دیگر نهادهای بین‌المللی خواست درباره مرگ عرفات تحقیق کنند. سال ۹۲ همچنین تل‌آویو و بسیاری از شهرهای اسرائیل شاهد اعتراض به سیاست‌های اقتصادی دولت نتانیاهو و شرایط بد اقتصادی بود. ساکنان اسرائیل، دولت نتانیاهو را فاسد خوانده و خواستار کناره‌گیری آن بودند.

*** عربستان**

عربستان هم مثل بحرین در سالی که گذشت شاهد سرکوب‌های گسترده، نقض حقوق بشر و حملات سازماندهی شده علیه معترضان بود. پس از اعتراضات سال گذشته در مناطق شیعه‌نشین رژیم آل سعود دست به تشدید تدابیر امنیتی در مناطق شرقی عربستان از جمله قطیف و العوامیه زد و در همین راستا این مناطق به پادگان‌های نظامی تبدیل شدند. در همین راستا نیروهای امنیتی سعودی با یورش به معترضان اقدام به سرکوب و در بعضی موارد به شهادت رساندن معارضان کردند. براساس گزارش‌هایی که منتشر شده، حجم بزرگی از زندانیان در عربستان، زندانیان سیاسی هستند که به صورت هدفمند تحت شکنجه نیز قرار می‌گیرند. در همین حال، نهادهای حقوق بشری از جمله دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل به شدت از جو تهدید و ارعاب صورت گرفته از سوی رژیم آل سعود در عربستان انتقاد کرده‌اند و از ریاض خواسته‌اند تا دست به اصلاحات گسترده بزنند. البته مقامات سعودی حتی پس از این هشدارها نه تنها اقدام به باز کردن فضا نکردند بلکه، قوانین سخت‌گیرانه‌تری را علیه معارضان به تصویب رساندند. قانون مبارزه با تروریسم یکی از این قوانین است اگرچه، در ظاهر این قانون برای مبارزه با عربستانی‌هایی که اقدام به عملیات مجرمانه می‌کنند، طراحی و تصویب شده، اما در واقع هدف از آن سرکوب مخالفان رژیم است. در همین رابطه فعالان حقوق بشری عربستان اعلام کرده‌اند که قانون جدید حتی این اجازه را به نیروهای امنیتی سعودی می‌دهد که بدون مجوز اقدام به شلیک به هرکس که مشکوک می‌شوند، کنند. از طرفی، انصراف عربستان از عضویت موقت در شورای امنیت یکی دیگر از تحولات مهم این کشور بود. عربستان با به چالش کشیدن جایگاه و عملکرد شورای امنیت سازمان ملل، مدعی شد که این نهاد جهانی نتوانسته در سوریه نقش‌آفرینی کند و در همین راستا اعلام کرد که نمی‌تواند عضویت موقت در شورای امنیت را بپذیرد.

ادامه دارد

به نام خدا

در راستای اجرای مواد ۵۲ و ۵۳ تبصره سه اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت اسناد و املاک و ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی، بدین‌وسیله عناوین جراید سراسری و محلی که آگهی‌های ثبتی سال ۱۳۹۳ در آنها درج می‌شود به شرح ذیل اعلام می‌گردد.

۱- تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان شرقی و ادارات تابعه در نشریات:
ابتکار- اعتدال- رسالت- روزان- حمایت- اطلاعات- جمهوری اسلامی- عصر آزادی- آذربایجان- ارک- امین- سرخاب- صائب تبریز- فجر آذربایجان- مهد آزادی- آذراندیش- آذر پیام- آسان- آوای میشو- امید آذربایجان- بهاریه- گویا- سهند تبریز- نسیم قره‌داغ- امید تبریز- تجارت و توسعه- گونش- قافلان- نگین آذربایجان- طرح نو- عصر آدینه- گلش‌راز- انتظار نور- مکیال- آذران- باغچه‌بان- مهر بناب- رصد- پیام آذربایجان- مهد تمدن- پیام روز سراب- تبریز- خوش خبر- حیدربابا- دریچه نو- رزق- رهگشا- ساقی- سهیل- سیمای مراغه- مهرند- میثاق- نظارت- نقیب- شهریار ما- تفاهم.

۲- تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی و ادارات تابعه در نشریات:
کاروکارگر- عصر اقتصاد- جمهوری اسلامی- جام جم- رسالت- جوان- حمایت- دنیای اقتصاد- کیهان- اطلاعات- آفرینش- ابرار- ابرار اقتصادی- حسبان- تابناک- عصرآزادی- راه مردم- عصر ایرانیان- ارک- همشهری- ابتکار- اعتماد- صبح اقتصاد- تفاهم- مردم سالاری- روزان- هدف و اقتصاد- صاحب قلم- کائنات- قدس- جهان اقتصاد- افکار- خورشید- آفتاب یزد- همبستگی - آبشار- آراز آذربایجان- امانت- کوشا- فردای ما- اولدوز- چی چست- قله‌های افتخار- سطر اول- صبح آذربایجان- منطق- صدای آشنا- رحمت- نوید آذربایجان- یاشایش- فریاد قلم.

۳- تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اردبیل و ادارات تابعه در نشریات:
جمهوری اسلامی- عصر اقتصاد- کیهان- اطلاعات- صبح اقتصاد- عصر رسانه- امتیاز- رسالت-آفرینش- کائنات- کارون- امین- کاروکارگر- اسرار- اعتدال- ابتکار- هدف و اقتصاد- تفاهم- حمایت- راه مردم- صاحب قلم- روزان- اقتصاد پویا- سیاست روز- ابرار- پیام زمان- ساوالان- پیام اردبیل - آخشام- آراز- آوای اردبیل- آوای مردم- اردبیل امروز- اردبیل فردا- اندیشه اردبیل- چشمه اردبیل- حقیقت- خیبر- شور - صبح سبلان- صدای اردبیل- طلوع فردا- فردای اردبیل- فروغ آذربایجان- مهر اردبیل- ندای اردبیل- وحدت اردبیل- یاشیل مغان.

۴- تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان و ادارات تابعه در نشریات:
ایران- سیاست روز- اطلاعات- کیهان- جمهوری اسلامی- حمایت- آفرینش- نسل فردا- اصفهان امروز- نصف جهان- زاینده رود- اصفهان زیبا- تفاهم.

۵- تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز و ادارات تابعه در نشریات:
آفتاب یزد- البرز- امتیاز- امین- آفرینش- حمایت - ابتکار- اقتصاد پویا- اعتدال- آرمان- تفاهم- جهان صنعت- رسالت- راه مردم- سپیدار- سیاست روز- حسبان- عصر اقتصاد- روزان- صاحب قلم- کائنات- عصر ایرانیان- افکار- عصر رسانه- فناوران اطلاعات- فرهیختگان- کاروکارگر- اسرار- کارون- گسترش صنعت- ۱۹ دی- نسل فردا- وطن امروز- همبستگی- هدف- هدف و اقتصاد- کیهان- بهار- عصرآزادی- زمان- پیام آشنا- سایه- وداد- سلوک- شاپرک- ابرار- اراک- شهریار- عصر تمدن- شهروند- جهان اقتصاد- تابناک.

۶- تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان ایلام و ادارات تابعه در نشریات:
جام جم- کیهان- جمهوری اسلامی- رسالت- ایران- آفرینش- اطلاعات- تفاهم- نسیم غرب- جوان- قدس- حمایت- راه مردم- صبح اقتصاد- ابرار- عصر اقتصاد- صاحب قلم- حسبان- دنیای اقتصاد- پیام زمان- همشهری- سیاست روز- ابتکار- امین - خراسان- ابوذر- فرهنگ جنوب- سیمره- کاروکارگر- جهان اقتصاد- اعتدال- اسرار- جهان صنعت- صدای ملت- فرهنگ آشتی- فرهیختگان- توسعه- روزان- هدف و اقتصاد- وطن امروز- اقتصاد پویا- فجر امید- کلهر- فال و تماشا- مردم سالاری- تبلور اندیشه- بیستون- نقد حال- همبستگی- سخن روز- آفتاب یزد- نوای وقت- هفت صبح- آرمان روابط عمومی- فن آوران اطلاعات- افکار- گسترش صنعت- پیک ایلام- افق ایلام- نجوا- عیلام خبر- مهران- ایلام فردا- شکوه آزادی- آلامتو- طنین غرب- میمک- قلاقیران- پیغام ایلام.

۷- تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر و ادارات تابعه در نشریات:
تفاهم- همشهری- جام جم- اطلاعات- جمهوری اسلامی- کیهان- نیم‌نگاه- آفتاب یزد- افسانه- ایران- حمایت- جوان- گسترش صنعت- سیاست روز- فناوران اطلاعات- ابتکار- فرهنگ جنوب- امتیاز- کائنات- اقتصاد پویا- جهان اقتصاد- راه مردم- مناقصه و مزایده- کارون- امین- آرمان روابط عمومی- حسبان- حزب‌الله- جهان صنعت- ابرار- دنیای اقتصاد- مردم سالاری- ملت ما- شرق- نسل فردا- رسالت- فرهنگ آشتی- پیام زمان- فرهیختگان- روزان- توسعه- کاروکارگر- همبستگی- افکار- دانش نفت- اسرار- هفت صبح- هدف و اقتصاد- آفرینش- قدس- صاحب قلم- عصر اقتصاد- نسیم جنوب- صدای بوشهر- اتحاد جنوب- دریای جنوب- لیان- پیغام- بیرمی- پیام عسلویه- خلیج فارس- دریادلان- خبر بوشهر- میثاق منتظران- شناشیر- صدای بندر- پیام جنوب- آوای بهارستان- سی‌نیز- سراج ساحل- آوای توج- دلیران تنگستان- دل وار- فایز- نسیر بوشهر- ماهرویان- جنوب.

۸- تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران و ادارات تابعه در نشریات:
آرمان- آسیا- آفتاب یزد- آفرینش- ابتکار- ابرار- ابرار اقتصادی- اسرار- اطلاعات- اعتدال- اعتماد- افکار- اقتصاد پویا- امتیاز- امین- بازار کار- بانی فیلم- بهار- پیام آشنا- پیام زمان- تفاهم- تهران امروز - جمهوری اسلامی- جوان- جهان اقتصاد- جهان صنعت- حزب‌الله- حسبان- حمایت- خورشید- دنیای اقتصاد- راه مردم- رسالت- روزان- سیاست روز- شاپرک- شرق- صاحب قلم- عصر آزادی- عصر ایرانیان- عصر اقتصاد- فرهیختگان- فناوران اطلاعات- قانون- قدس- کائنات- کار وکارگر- کارون- کیهان- گسترش صنعت- مردم سالاری- ملت ما- مناقصه و مزایده- وطن امروز- هدف- هدف و اقتصاد- هفت صبح ـ همبستگی ـ همشهری ـ امید جوان ـ آسمان دوستی ـ تولید ـ سایه تهران ـ سخن روز ـ سرزمین پویا ـ شما ـ شهریور ـ رویش ملت ـ حماسه ـ منشور برادری ـ هلال ـ ندای میهن.

۹ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان چهارمحال و بختیاری و ادارات تابعه در نشریات:
اقتصاد پویا ـ رسالت ـ عصر اقتصاد ـ هدف و اقتصاد ـ جمهوری اسلامی ـ اطلاعات ـ کاروکارگر ـ مردم سالاری ـ جوان ـ صبح اقتصاد ـ امین ـ فناوران اطلاعات ـ ایران ـ دنیای اقتصاد ـ مزایده و مناقصه ـ حزب‌الله ـ همبستگی ـ تابناک ـ عصر اقتصاد ـ کیهان ـ فرهیختگان ـ قدس ـ ابرار ـ افکار ـ قانون ـ سیاست روز ـ آرمان روابط عمومی ـ زاینده رود ـ سالداران ـ زرد کوه چهارمحال و بختیاری ـ هم اندیشان ـ ایل بختیاری ـ نسیم چهارمحال و بختیاری ـ آوای بختیاری ـ جهانبین ـ امین بختیاری ـ امروز چهارمحال و بختیاری ـ ارمغان چهارمحال و بختیاری ـ کوهرنگ ـ رخ ـ زاگرس ایران ـ فارسیان ـ کیمیای ایران ـ پیک چهارمحال و بختیاری ـ نگین.

۱۰ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان جنوبی و ادارات تابعه در نشریات:
کیهان ـ جمهوری اسلامی ـ رسالت ـ حمایت ـ آوای خراسان جنوبی ـ بیرجند امروز ـ طلوع ـ پیام رسا ـ مهر قائنات ـ خراسان ـ قدس ـ خراسان جنوبی ـ نهبندان.

۱۱ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی و ادارات تابعه در نشریات:
خراسان ـ شهرآرا ـ قدس ـ رسالت ـ حمایت ـ جوان ـ جمهوری اسلامی ـ کیهان ـ سیاست روز ـ کاروکارگر ـ فناوران اطلاعات ـ فراخبر ـ پیک خورشید ـ نخست ـ نامه گناباد ـ پیام قوچان ـ گفتمان تربت ـ نوید تربت ـ پیام ولایت.

۱۲ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی و ادارات تابعه در نشریات:
قدس ـ رسالت ـ ابتکار ـ سیاست روز ـ اتفاقیه خراسان شمالی ـ خراسان شمالی ـ نسیم خراسان شمالی ـ ارمغان خراسان‌شمالی ـ اترک.

۱۳ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خوزستان و ادارات تابعه در نشریات:
اطلاعات ـ جام جم ـ جمهوری اسلامی ـ ایران ـ کیهان ـ حمایت ـ کارون ـ روزان ـ فرهنگ جنوب ـ نور خوزستان ـ عصر کارون ـ صبح کارون ـ توسعه جنوب ـ نسیم خوزستان ـ شرتو ـ آنزان ـ وحدت ـ چشم‌انداز ـ یادگاری ـ ندای رسا ـ سرآغاز ـ صدای کرخه ـ تفاهم.

۱۴ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان زنجان و ادارات تابعه در نشریات:
کیهان ـ اطلاعات ـ جمهوری اسلامی ـ رسالت ـ هدف و اقتصاد ـ امین ـ سیاست روز ـ قدس ـ همشهری ـ ایران ـ دنیای اقتصاد ـ فرهیختگان ـ آفرینش ـ شاپرک ـ گسترش صنعت ـ کائنات ـ اقتصاد پویا ـ کاروکارگر ـ جام جم ـ جوان ـ جهان اقتصاد ـ ملت ما ـ فن‌آوران اطلاعات ـ حزب‌الله ـ صبح اقتصاد ـ پیام زنجان ـ ندای ابهر ـ صدای زنجان ـ سیمای زنجان ـ موج بیداری ـ نگین سبز ـ مردم نو ـ البرز خرم ـ بیان خدابنده ـ بایرام ـ پگاه میهن ـ قلم زنجان ـ صیانت ـ امید روشندلان ـ حدیث قیدار ـ مردم سلطانیه ـ میعاد ابهر ـ ابهررود ـ آوای مهر زنجان ـ نگار زنجان ـ زیتون نسیم ـ آیین میثاق ـ فردای زنجان ـ ابرچای.

۱۵ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان سمنان و ادارات تابعه در نشریات:
جمهوری اسلامی ـ رسالت ـ کیهان ـ سیاست روز ـ اطلاعات ـ آفرینش ـ جوان ـ حمایت ـ پیام ـ کویر.

۱۶ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان سیستان و بلوچستان و ادارات تابعه در نشریات:
زاهدان ـ جام جم ـ ایران ـ همشهری ـ اطلاعات ـ کیهان ـ رسالت ـ جمهوری اسلامی ـ قدس ـ کاروکارگر ـ خراسان ـ ابتکار ـ ثاراله ـ صبح زاهدان ـ پرسیمرغ ـ مرز پرگهر ـ طلوع زاهدان ـ عیاران ـ شهرآفتاب ـ تلکی ـ ندای هیرمند ـ مندیل ـ حماسه ـ کاروانسرا ـ چاه نیمه ـ زاهدان امروز ـ توسن.

۱۷ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس و ادارات تابعه در نشریات:
خبر جنوب ـ عصر مردم ـ نیم‌گاه ـ افسانه ـ طلوع ـ سبحان ـ سلمان ـ تخت جمشید ـ مرودشت ـ عصر مرودشت ـ بیشابور ـ همگام ـ میلاد لارستان ـ عصر نی ریز ـ عصر اوز ـ صدای شرق ـ صحبت نو ـ با شما ـ شهرسبز ـ نورباران (ممسنی) ـ پارسه (کوار) ـ آپاتیه ـ دلگشا ـ شهرراز.

۱۸ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قزوین و ادارات تابعه در نشریات:
جام جم ـ ابرار ـ هدف و اقتصاد ـ کیهان ـ جمهوری اسلامی ـ ایران ـ اطلاعات ـ کاروکارگر ـ رسالت ـ آفرینش ـ قدس ـ حمایت ـ افکار ـ ابتکار ـ دنیای اقتصاد ـ اعتماد ـ آفتاب یزد ـ وطن امروز ـ آرمان ـ جوان ـ همشهری ـ شرق ـ سیاست روز ـ ولایت ـ حدیث ـ تابان ـ مینودر ـ مادران و دختران ـ آوای تات ـ سلوک ـ تاک ـ رایحه مهر ـ فروردین امروز ـ اندیشه زلال ـ صبح وطن ـ مینوی خرد ـ نگاه قزوین ـ صدای صنعت ـ افق قزوین ـ آرمان مردم ـ آوای قزوین ـ پگاه میهن ـ صبح قزوین ـ صبح وطن قزوین ـ امید البرز ـ افق آینده ـ مشکوت بصیرت.

۱۹ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قم و ادارات تابعه در نشریات:
ابتکار ـ رسالت ـ قدس ـ کیهان ـ اطلاعات ـ جمهوری اسلامی ـ حسبان ـ حمایت ـ ایمان ـ شاخه سبز ـ ۱۹ دی ـ گویه ـ پیام قم ـ پرتو سخن.

۲۰ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کردستان و ادارات تابعه در نشریات:
اطلاعات ـ آفرینش ـ ابرار ـ کاروکارگر ـ فناوران اطلاعات ـ ابتکار ـ تفاهم ـ راه مردم ـ اسرار ـ پیام زمان ـ جام جم ـ جمهوری اسلامی ـ مردم سالاری ـ دنیای اقتصاد ـ حمایت ـ عصر اقتصاد ـ هدف و اقتصاد ـ رسالت ـ کائنات ـ امین ـ کیهان ـ سیاست روز ـ صاحب قلم ـ روزان ـ افکار ـ سیروان ـ سوران ـ دیار کهن ـ نیشتمان ـ ندای گروس ـ دیدگاه ـ آوای ماد ـ روژان ـ چرو ـ به هیز ـ آگرین روژ ـ ثامانج.

۲۱ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان و ادارات تابعه در نشریات:
اطلاعات- کیهان- جمهوری اسلامی- رسالت- ایران- حسبان- مردم‌سالاری- پیام زمان- ابتکار- قدس- کار وکارگر- راه مردم- دنیای اقتصاد- حمایت- مناقصه و مزایده- گسترش صنعت- سیاست روز- هدف اقتصاد- آفرینش- همبستگی- اعتدال- وطن امروز- ابرار اقتصادی- روزان- عصر اقتصاد- جام جم- همشهری- خراسان- جهان صنعت- حدیث -واقعه -ندای وحدت کرمان- پیام ما- نسل آفتاب- نگین کرمان- حکمت بافت- کرمان امروز- سفیر کرمان- امتداد سبز- نگارستان- سبزه‌واران- رفسنجان- بیداری- کوثر کویر- ذوالفقار- رودبار زمین کهنوج- ندای بم- ثارالله- گلبانگ آزادی- گلدشت- امیدکرمان- آینده ما- استقامت- پاسارگاد- بابک زمین- صبح کرمان- نسیم بهار- همراه کرمان- طلوع بافت- آسمان کرمان- تناوران- نذیر- عصرباور- آوای ماهان- کرمانشهر- فراز کویر- سمنگان- پایان هفته- قلم بم- آیینه رفسنجان- حکمت بافت- کرمان جوان- مهرماه- نگین جنوب- نیایش- وصال- صفیر- آذرمهر- آوای بارز- آلاله‌گان کرمان- طلوع بم- آرمان دانش- پرسیاوشان کویر- کمنزیل- آوای هلیل- مهرآور- سپهر بردسیر- صبح سیرجان- بهارستان سیرجان- تراب کرمان- فردوس کویر- سخن تازه- فردای سبز- مهر کرمان- عصر کریمان- مستضعفین- سرمه‌بیداری- هدایت- هفتواد- نگین اقلاع- رویدادهای رفسنجان.

۲۲- تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه و ادارات تابعه در نشریات:
آفرینش- افکار- سایه تهران- جهان صنعت- کاروکارگر- روزان- وطن امروز- قانون- ابتکار- اعتماد- فن آوران اطلاعات- ایرانیان- هدف و اقتصاد- اعتدال- آرمان- کارون- راه مردم- مردم سالاری- امین- کائنات- امتیاز- حزب‌الله- تماشا- عصر رسانه- حسبان- پیام زمان- رسالت- ابرار- قدس- حمایت- ابراراقتصادی- سیاست روز- عصر اقتصاد- تابناک- نسل فردا- فرهیختگان- سبحان- صاحب قلم- جمهوری اسلامی- دنیای اقتصاد- اسرار- گسترش صنعت- کیهان- اطلاعات- هفت صبح- ایران- خورشید- کسب و کار- تفاهم - جهان اقتصاد- اقتصاد پویا- ملت ما- آفتاب یزد- افق ایلام- باختر- نسیم غرب- بیستون- ابوذر- صدای آزادی- مبشر- راز آور- کلهر- نقدحال- آوای کرمانشاه- غرب- ندای جامعه- فال و تماشا- کرمانشاه فردا- نجوا- اشاره- بازی دراز- نوای وقت- شمیم صبا- طنین غرب- امید کرمانشاه- آوای الوند- کرمانشاه- ندای زاگرس- سیمره

۲۳- تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کهگیلویه و بویر احمد و ادارات تابعه در نشریات:
ابتکار- امید مردم- قدس- حمایت- اطلاعات- جمهوری اسلامی- کیهان- عصر روشنفکری- آوای عشایر- سپیده زاگرس- نسیم دنا- فرهنگ جنوب- ندای ایل- آوای گرمسیر- چهره‌نما.

۲۴- تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان و ادارات تابعه در نشریات:
اطلاعات - ایران- خراسان- کیهان- همشهری- ابتکار- جام جم- جمهوری اسلامی- کارو کارگر- امین- اقتصاد و زندگی- راه مردم- حمایت- رسالت- حسبان- هدف و اقتصاد- جهان اقتصاد- سیاست روز- عصر اقتصاد- روزان- جهان صنعت- عصر رسانه- همبستگی- وطن امروز- آفرینش- ابرار- اسرار- اعتدال- افکار- گسترش صنعت- فرهیختگان- استرآباد- اقتصادپویا- اقتصاد گلستان- التیام- الگا- الهام- انقلاب- آبادگران استان- آهنگ- بهار گلستان- پژواک سخن- ترنم سبز- جام گلستان- جرجان- جهان نما- حریف- رادکان- ستاره گلستان- سلیم- صحرا- عصر بیداری- کیمیای گلستان- کاغذ شیشه‌ای- گرگان زمین- گلدونه- گلستان سلام- گلستان مهر- گلستان نو- گلشن مهر- مختومقلی فراطی- ندای جمعه- همزیستی - بایراق

۲۵- تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان و ادارات تابعه در نشریات:
جام جم- اطلاعات- کیهان- اسرار- رسالت- آفرینش- حمایت- صدای عدالت- اعتماد- ابتکار- آرمان- تفاهم- پیام زمان- عصر رسانه- صاحب قلم- مردم‌سالاری- خراسان- قدس- سیاست روز- اقتصاد پویا- عصر ایرانیان- ابرار- سبحان- حسبان- امتیاز- نسیم - خزر- نقش قلم- گیلان امروز- آوای شمال- معین - گلچین امروز- پنجره نو- فضیلت- آوای سبز- شکوفه‌های زیتون- صدای لاهیج- سردار جنگل- طاهر- کادح- میشم- تیلار- مارلیک- هاتف- گام- پگاه- شریف- واکنش- ندای کشاورز- چهاردی- اصلاح - موج شمال- عمیق- اقتصاد گیلان- سداد- تارک خزر- پیام آستارا- سپهر گیلان- همای گیلان- گیل خبر- آفتاب خزر- سپید رود- آوای صومعه- فرزندان گیلان- نسیم جنگل- رخداد گیلان- جام گیلان- آوای آستارا- صابرین- اطهر- مسایل روز- فومنات- اعتبار کهن- گیلان خبر(آستانه گیلان)- ندای فومن- قیاس- شهرباران- گیلان بهتر

۲۶- تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان لرستان و ادارات تابعه در نشریات:
کیهان- رسالت- جمهوری اسلامی- اطلاعات- قدس- حمایت- عصر رسانه- هدف و اقتصاد- تفاهم- امین- ابرار- کاروکارگر- ابتکار- آفرینش- صدای ملت- آفتاب لرستان- سیمره- نسیم دلفان- نگین اشترانکوه

۲۷- تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران و ادارات تابعه در نشریات:
ابرار- اقتصاد پویا- پیام زمان- تفاهم- جوان- جهان صنعت- حمایت - راه مردم- رسالت- سیاست روز- صاحب قلم- عصر اقتصاد- عصر ایرانیان- قدس- کاروکارگر- روزان- گسترش صنعت- مردم سالاری- هدف و اقتصاد- ملت ما- نسیم- کائنات- فرهنگ آشتی- معین - ابتکار- اعتدال- وطن امروز- امتیاز- کارون- بشیر مازندران- حرف مازندران- وارش- دیار سبز- فجر خزر- آوای مازندران- بابل نامه- حلاج- بهشت پارس- شمال سبز- بهنگر- پژواک شمال- پیام آمل- پیام کشاورز- پیک خزر- پیک سبز- پیک شمال- جویبار- دریای سر- زرخیز- سوردار- سپهر شمال- صدرا- طلای سبز- قارن- کایر- نگاه مردم- نهضت شمال- همولایتی- برهان- چشمه- صبح آمل- نسیم دریا- ندای شمال- اخبار مازندران- ساحل دریا

۲۸- تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی و ادارات تابعه در نشریات:
جمهوری اسلامی- کیهان- حمایت- اطلاعات- جام جم- عصر یاس- نوید ارک- شهاب- آرمان جوان- آرمان خواه- آفتاب میهن- آوای خمین- چشم به راه- آیین اشتغال- پیام مرکز- خبر خمین- راوی- سرچشمه ـ سماع قلم ـ شمس ـ صبح خمین ـ صبوح ـ صور ـ فرساد ـ ماهک ـ مجنون ـ مهتاب ـ میلاد مرکز ـ نامه امیر ـ وقایع استان ـ وفاق ملی.

۲۹ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان هرمزگان و ادارات تابعه در نشریات:
اطلاعات ـ کیهان ـ ابرار ـ جمهوری اسلامی ـ جام جم ـ حمایت ـ ابتکار ـ حسبان ـ صبح ساحل ـ ندای هرمزگان ـ صبا ـ دریا ـ دریای اندیشه ـ سفیر جنوب ـ ارمغان بندر ـ صدف ـ ندای جوان ـ مرجان ـ گامرون ـ بندر ـ لاتیدان.

۳۰ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان و ادارات تابعه در نشریات:
جمهوری اسلامی ـ کار و کارگر ـ ابرار ـ کیهان ـ اطلاعات ـ روزان ـ امین ـ پیام زمان ـ تفاهم ـ قدس ـ حمایت ـ ابتکار ـ جوان ـ دنیای اقتصاد ـ هدف و اقتصاد ـ عصر ایرانیان ـ ملت ما ـ نسل فردا ـ کائنات ـ رسالت ـ همدان پیام ـ هگمتانه ـ سپهر غرب ـ محراب ـ آوای الوند ـ طلیعه امید ـ ندای ابوذر ـ فردای نهاوند ـ آوای ملایر ـ فرهنگ ملایر ـ تهذیب ـ سیمای آینده ـ راهنگ سبز ـ با مردم همدان ـ حدیث مهر ـ خورشید غرب ـ رسانه پارسی ـ سخن شهروند همدان ـ صبح امید ـ فریاد نهاوند ـ ندای توی ـ نشر اندیشه ـ همدان ۱۴۰۰ ـ بیدارگر ـ امید تاک ـ چشم‌انداز همدان.

۳۱ـ تمامی آگهی‌های ثبتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان یزد و ادارات تابعه در نشریات:
قدس ـ رسالت ـ سیاست روز ـ جمهوری اسلامی ـ کیهان ـ اطلاعات ـ جام جم ـ ایران ـ ابرار اقتصادی ـ پیمان یزد ـ مروت اردکان ـ آئینه کویر اردکان ـ سیمای اردکان ـ صحیفه کوثر اردکان ـ گلناز تفت ـ میبد نوین ـ امین ـ افق کویر ـ ندای یزد.

هاشم کارگر ـ مدیر کل دفتر ریاست، روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۵۴۰۶/م الف

نگاه

چهارشنبه سوری را فرصت «شادی» کنیم

تمامی آیین‌ها و یادمان‌هایی که مردم ایران در زمان‌های گوناگون برپا می‌داشتند و بخشی از آنها همچنان در فرهنگ این سرزمین پایدار شده است، با منش، اخلاق و خردنیاکان ما در آمیخته بود و در همه آنها، اعتقاد به پروردگار، امید به زندگی، نبرد با اهریمنان و بدسگالان و مرگ پرستان، در قالب نمادها، نمایش‌ها و آیین‌های گوناگون نمایشی گنجانده شده بود.

اما متاسفانه امروز این مراسم با پیرایه‌های خرافی، دستخوش تغییر شده است و هر سال در روزهای پایانی باعث بروز اتفاقات همراه با خسارات جانی و مالی، موجبات نگرانی خانواده‌ها را فراهم می‌سازد.

هر سال در آستانه ایام نوروز، شاهد گزارش‌های زیادی از نقص عضو افراد از (نابینایی دائم، قطع دست و پا و انگشتان سوختگی اعضای بدن مرگ‌های فجیع و... هستیم که فقط بر اثر یک لحظه غفلت رخ می‌دهد؛ به گونه‌ای که چهارشنبه سوری که از آئین‌های دیرینه ایرانیان است را امروزه در شهرهای بزرگ به ویژه تهران بیشتر به شبی سرشار از استرس و نگرانی برای خانواده‌ها و خطر و حادثه و گاه جنگ و نزاع برای جوانان تبدیل کرده است.

استفاده از مواد محترقه و نارنجک و ایجاد انفجارهای مهیب در شب چهارشنبه سوری همه افراد در همه گروه‌های سنی را در معرض خطر قرار می‌دهد، اما بر اساس آمار و گزارش‌های سال‌های قبل، نوجوانان زیر ۱۶ سال بیش از دیگران در معرض آسیب‌ها بوده‌اند.

پیشگیری از حوادث تلخی مانند حوادث چهارشنبه سوری، مستلزم ارتقای فرهنگ ایمنی است. بنا به نظر متخصصان، فرهنگ ایمنی بر سه اصل استوار است: آگاهی، آموزش و الزام. بسیاری از والدین. بدون آگاه سازی و آموزش مناسب فرزندانشان، سراغ سومین اصل یعنی الزام می‌روند و سعی می‌کنند با توسل به زور و اجبار، را از کاری منع یا به کاری ترغیب کنند؛ ولی این شیوه معمولا با شکست همراه است. آگاه‌سازی و آموزش نوجوانان و جوانان ضرورت دارد و در روند این آگاه سازی باید به شخصیت آنها احترام گذاشت و از جریحه‌دار کردن غرورشان پرهیز کرد. راه ایمنی از آموزش می‌گذرد و پیش شرط آموزش، آگاهی است. آگاهی از خطرهای چهارشنبه سوری و شیوه مقابله با این خطرها، احتمال بروز حوادث تلخ را در آخرین چهارشنبه سال کاهش خواهد داد.

آسیب‌های ناشی از سوختگی

شایعترین حادثه‌ای که در چهارشنبه سوری رخ می‌دهد، سوختگی درجه یک (سطحی) است، ولی سوختگی‌های درجه دو (شدید) و درجه سه (شدیدترین نوع سوختگی) هم در حوادث چهارشنبه سوری، زیاد دیده می‌شود. درد، تورم، تاول و قرمزی پوست، از مهمترین نشانه‌های سوختگی هستند.

توصیه می‌شود در صورت مواجهه با فردی که دچار سوختگی شده است، ابتدا مصدوم را آرام و شرایط عمومی او را ارزیابی کنید. از بازبودن راه‌های هوایی و تنفس طبیعی او مطمئن شوید. صدایش بزنید یا تکانش بدهید تا از هوشیار بودنش اطمینان حاصل کنید. اگر بیهوش است، سر او را عقب بکشید تا زبانش باعث انسداد راه تنفس نشود.

سپس محل سوختگی را با آب سرد و تمیز، حداقل به مدت ۱۰ دقیقه بشویید و انگشتر، النگو، کمربند، ساعت، زیورآلات و وسایل تنگ و فشارنده را خارج کنید. اگر لباس مصدوم روی عضو سوخته را پوشانده است، آن را از بدنش خارج کنید و اگر لباسش به پوست ناحیه سوخته چسبیده است، دور تا دور آن را تا محل چسبیده به بدن قیچی کنید.

به هیچ وقت تاول‌ها را نترکانید، چون مانند پانسمانی مناسب در محل سوختگی عمل می‌کنند و آن ناحیه را از آلودگی‌های محیطی در امان نگه می‌دارند.

با گاز استریل یا پارچه تمیز بدون کرک، محل سوختگی را آرام بپوشانید و هرگز از خمیردندان، سیب زمینی رنده شده و روغن برای تسکین درد و بهبود سوختگی استفاده نکنید. برای درمان و پانسمان سوختگی باید به یک مرکز بهداشتی یا درمانگاه مراجعه کنید.

در سوختگی‌های سطحی می‌توانید با استفاده از پمادهای سوختگی و پوشاندن محل سوختگی با پارچه تمیز یا گاز استریل، اقدام کمکی اولیه را انجام دهید تا در زمان مناسب، مصدوم را به مرکز درمانی برسانید.

ترس ناشی از صدای انفجار، از مشکلات رایج چهارشنبه سوری است که گاهی می‌تواند با تظاهراتی مانند از حال رفتن یا احساس درد در بخشی از بدن به ویژه قفسه سینه، همراه باشد.

این ترس معمولا در کودکان، سالمندان و زنان باردار با عواقب جدی‌تری همراه است. همچنین افرادی که به بیماری‌های قلبی مبتلا هستند، ممکن است بر اثر شوک ناشی از شنیدن این قبیل صداهای غیرمنتظره، دچار حمله قلبی شوند.

اگر فرد مبتلا به بیماری قلبی با شنیدن صدای نارنجک یا ترقه از هوش رفت و به زمین افتاد، او را زیاد حرکت ندهید و از اورژانس یا افراد خبره برای بهبود وضع او کمک بگیرید، سپس مصدوم را در اولین فرصت به نزدیک‌ترین بیمارستان یا مرکز درمانی برسانید.

اصابت ترکش‌های ناشی از انفجار مواد محترقه به چشم هم باعث بروز آسیب‌هایی در ناحیه پلک و چشم می‌شود و گاهی حتی به نابینایی می‌انجامد. مراجعه سریع به چشم پزشک در صورت برخورد هر شیئی به چشم، شدت ضایعه را کاهش می‌دهد. در موارد خفیف، با انجام مراقبت‌های طبی یا اعمال جراحی، معمولا می‌توان بینایی فرد را بازگرداند ولی متاسفانه در موارد شدید، گاه چاره‌ای جز تخلیه چشم باقی نمی‌ماند.

اگر در این ایام با مصدومی روبرو شدید که دچار آسیب‌های چشمی ناشی از حوادث چهارشنبه سوری شده است، به توصیه‌های زیر عمل کنید:

ـ چشم‌ها و پلک‌های مصدوم را نمالید و در اولین فرصت به اورژانس چشم پزشکی مراجعه کنید، زیرا گاهی آسیب‌های چشمی در مراحل اولیه علائم زیادی ندارند و ظاهر بدی ایجاد نمی‌کنند، ولی می‌توانند عواقب ناگواری داشته باشند.

ـ چشم آسیب‌دیده را با یک وسیله در دسترس مانند لیوان یک بار مصرف یا مقوایی که به شکل مخروط درآمده است بپوشانید اما دستمال، پنبه یا گاز را روی چشم قرار ندهید.

ـ از هیچ پماد و قطره چشمی استفاده نکنید و چشم‌ها را نشویید، زیرا گاهی همین کارها ممکن است آسیب‌های چشمی را تشدید کند.

ـ تا رساندن مصدوم به اورژانس چشم پزشکی، از مصرف هرگونه مسکن خودداری کنید و به مصدوم موادغذایی ندهید تا در صورت نیاز به جراحی، بتوان در اولین فرصت این کار را انجام داد.

با توجه به این که نقش رسانه‌ها در کاستن از حوادث تلخ چهارشنبه سوری، انکارناپذیر است، آموزش از طریق رسانه‌های جمعی قطعا می‌تواند احتمال بروز حوادث مرگبار در این ایام را کاهش دهد.

زهرا مهدی
کارشناس ارشد وزارت بهداشت

اخبار کوتاه

بارش برف در میمه

میمه ـ خبرنگار اطلاعات: حادثه قرقچی میمه اصفهان که به علت بارش برف و واژگونی یک دستگاه تریلر به علت یخ‌زدگی جاده از بامداد شنبه بسته شده بود، بعد از ظهر دیروز با تلاش عوامل راهداری و فرمانداری محل باز شد.

علیرضا بصیری فرماندار شاهین‌شهر و میمه عصر دیروز با حضور در محل حادثه به خبرنگار اطلاعات گفت: بارش سنگین برف از شامگاه روز شنبه آغاز و موجب بروز بسیاری از حوادث رانندگی زنجیره‌ای در این مسیر شد.

استمداد مالزی از کشورهای دیگر برای یافتن هواپیمای گمشده

مالزی: وزارت حمل و نقل مالزی اعلام کرد: مالزی کمک کشورهای بیشتری را برای یافتن سرنخ‌هایی از هواپیمای گمشده این کشور خواستار است.

این وزارتخانه اعلام کرد: دولت مالزی قبلا از ۱۴ کشور درخواست کمک کرده بود و همچنان خواستار یاری بیشتر از کشورهای دیگر است.

۵۰۰ هزار نفر در کنترل ترافیک نوروزی مشارکت می کنند

بقیه از صفحه اول

حتماً پس از ۲ ساعت رانندگی، ۱۵ دقیقه استراحت کنند تا سفری ایمن داشته باشند و پیش از سفر هم سیستم فنی خودرو خود را چک کنند.

*** آمادگی پلیس**

سردار اسماعیل احمدی‌مقدم فرمانده ناجا هم در آغاز مراسم رزمایش با بیان این‌که ایران به مانند جزیره امنی است که به استقبال نوروز می‌رود و این امنیت، جز با همت و تلاش ماموران و سازمان‌ها محقق نشده است، افزود: امسال، سال بسیار موفقی برای کشور بود چرا که علاوه بر خلق حماسه بزرگ سیاسی و عقب‌نشینی قدرت‌های بزرگ، امروز شاهد ارتقای جایگاه ایران هستیم.

فرمانده ناجا گفت: از حمایت دولت به دلیل پشتیبانی‌اش از ناجا که سبب شد امسال گام مهمتری در راستای تحقق برنامه کاهش تصادفات و تلفات برداریم، تشکر می‌کنم.

او گفت: از این که توانستیم میزان کشته‌های تصادف را از ۲۸ هزار نفر به ۱۸ هزار کشته برسانیم گام بلندی برداشته‌ایم، اما باید میزان کشته‌ها در پایان برنامه به نصف کاهش می‌یافت که متاسفانه محقق نشد.

وی اظهار امیدواری کرد: باید سالی ۱۵ درصد تصادفات و تلفات را کاهش دهیم، این امری است شدنی و با اراده مردم محقق می‌شود.

*** حضور بسیج درکنار پلیس**

سردار احمدی‌مقدم در حاشیه آغاز رزمایش بزرگ ترافیک نوروز ۹۳ در جمع خبرنگاران با بیان این‌که ناجا تمهیدات لازم را برای تامین نظم و امنیت نوروز در نظر گرفته است، افزود: مشارکت کلانتری‌ها و نیروهای آموزشی مشخص شده و تقسیم‌بندی‌ها صورت گرفته است.

وی با بیان این‌که همه کارکنان و پرسنل نیروی انتظامی به نوبت در طول نوروز بر سر کار حاضر می‌شوند، اضافه کرد: پلیس از ظرفیت پلیس افتخاری نیز در نوروز ۹۳ بهره خواهد گرفت و بسیج هم به کمک ناجا آمده است.

فرمانده ناجا در مورد حضور پلیس در مراسم چهارشنبه آخر سال هم گفت: هر سال در چهارشنبه آخر سال در صدد کمرنگ کردن حضور پلیس در این مناسبت هستیم و خوشبختانه با حضور مردم و کنترل فرهنگی و حضور پررنگ‌تر خانواده‌ها، اقدامات موثری در راستای کاهش حوادث و مخاطرات این روز انجام گرفته است.

وی با اعلام راه‌اندازی سامانه کالاهای مکشوفه، گفت: پلیس دو سوم کالاهای مسروقه را کشف می‌کند اما یک سوم کالاهای مکشوفه توسط پلیس، به صاحبان خود نمی‌رسد چرا که این افراد به دنبال اموال خود نمی‌آیند.

*** بررسی ایمنی جاده‌ها**

دکتر عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی هم در مراسم آغاز رزمایش بزرگ ترافیکی نوروز ۹۳ با اشاره به همکاری سازمان راهداری و امداد و نجات برای ایمنی سفرها اظهار داشت: قبل از این که دستگاه‌های اجرایی بخواهند کاری انجام دهند، صحبت من با کسانی است که می‌خواهند فرمان اتومبیل را در دست بگیرند و به سفر بروند.

وزیر راه و شهرسازی خطاب به رانندگان گفت: مفهوم شتاب را در سفرها کنار بگذارید و سعی کنید کوچکترین اضطراب را به خود و سرنشینان و دیگران وارد نکنید.

آخوندی اضافه کرد: از ابتدای بهمن امسال ۱۱ گروه ایمنی راه‌های اصلی کشور را مورد ارزیابی قرار دادند و بر این اساس تصمیماتی گرفته شده است.

*** افزایش امکانات هلال احمر**

محمد فرهادی، رئیس جمعیت هلال احمر، در مراسم آغاز رزمایش بزرگ ترافیکی ۹۳ اظهار داشت: سازمان امداد و نجات جوانان و داوطلبان هلال احمر در ورودی و خروجی شهرها ودر جاده‌های بین شهری در پایگاه‌های امداد و نجات و مراکز موقت دایر شده در خدمت مردم هستند.

وی ادامه داد: امسال ۳۰ درصد امکانات بیشتر و گسترده‌تری را خواهیم داشت ۲۱۰۰ پایگاه ثابت و سیار در همکاری و همیاری با سایر دستگاه‌ها خدمت‌رسانی می‌کنند.

رئیس جمعیت هلال احمر اضافه کرد: جدا از سازمان امداد و نجات، سازمان جوانان ما با شعار «بی‌گدار به جاده نزنید» در خدمت مردم هستند و همه خدمات پزشکی اولیه را ارائه می‌دهند.

فرهادی به رانندگان توصیه کرد: نه تند بروید و نه آهسته که برای دیگران مشکل آفرین باشید. وی از پلیس راهور برای شماره‌گذاری آمبولانس‌های جدید تشکر کرد.

*** ۱۸ هزار پرسنل اورژانس**

تقی طالبیان، رئیس اورژانس کشور هم در رزمایش بزرگ ترافیکی نوروز ۹۳ با اشاره به کاهش درصد قابل قبولی از مرگ و میرها گفت: نسبت به برنامه پنجم توسعه یک مقدار عقب هستیم و برای کوتاهی این فاصله به همکاری بین‌سازمان‌های متولی نیاز داریم.

وی افزود: خدمات‌رسانی اورژانس در استان‌های خوزستان، کردستان، آذربایجان غربی و ایلام بیست و چهار ساعته رایگان است.

آیت‌الله آملی لاریجانی: قضات در اجرای حکمی که موجب وهن نظام می‌شود، ملاحظه کنند

سرویس خبر: رئیس قوه قضائیه گفت: لایحه قانون آیین دادرسی کیفری مراحل نهایی تایید در شورای نگهبان را طی می‌کند.

آیت‌الله صادق آملی لاریجانی در مراسم تحلیف شماری از کارآموزان قضاوت با اشاره به ضرورت به‌روز شدن دانش قضات، گفت: در قانون آیین دادرسی کیفری جدید نظام رسیدگی تا حدی تغییر یافته و دادگاه‌های کیفری مجدداً به دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ تقسیم شده‌اند.

وی با اشاره به موضوع جذب ۴۰۰۰ قاضی در برنامه پنجم توسعه خطاب به کارآموزان قضاوت، گفت: منصبی که شما به آن تکیه می‌زنید منصب بسیار بالایی است که هم در متون دینی و هم در قانون اساسی به جایگاه این منصب اشاره شده است و کسی در اهمیت این جایگاه تردیدی ندارد و البته خطراتی هم که در مسیر قاضی قرار می‌گیرد خطرات بسیار بزرگی است.وی بیان کرد: قاضی نمی‌تواند به بهانه این‌که مطلبی در قانون نیامده از صدور رای خودداری کند؛ بنابراین قاضی هم باید به قانون و هم به فتاوی فقهی مسلط باشد.

آیت‌الله آملی‌لاریجانی با اشاره به ضرورت انجام تحقیق توسط قضات، گفت: دانش قضایی باید نو شود؛ زیرا هر علمی که راکد بماند و در آن به حرف‌های جدید توجه نشود این رکود فسادآور است.

وی با اشاره به هوای نفسانی به عنوان یکی از خطرات تهدیدکننده قضات، گفت: افراد صاحب قدرت و متمکن سراغ شما می‌آیند لذا همین الان کمرهای خود را محکم ببندید.

او گفت: فقرا و محرومان در جامعه گرفتارند. ما فقیر و محروم زیاد داریم و متاسفانه با آرامش هم زندگی می‌کنیم، در حالی‌که طبیعت انسانی و فرامین‌الهی این مساله را اقتضا نمی‌کند.

وی ادامه داد: متاسفانه جامعه ما با فاصله گذاشتن بین فقرا و اغنیا این طبیعت را شکسته است، ولی یکی از مجاری شکستن این فاصله، دادگاه است و شما باید توجه داشته باشید که اگر حق از ظالم گرفته نشود مظلوم دردمندتر می‌شود.رئیس قوه قضائیه با تاکید بر این‌که درخواست دوست و آشنا نباید تاثیری در صدور رای توسط قاضی داشته باشد، گفت: گاهی وقت‌ها قاضی از دست کسی عصبانی می‌شود و برای کسی که شایسته نیست در زندان باشد، قرار بازداشت موقت صادر می‌کند. این‌ها واقعاً جز بیرون زدن هوای نفسانی چیزی نیست.آیت‌الله آملی لاریجانی با توصیه به قضات برای حفظ استقلال خود گفت: استقلال قاضی منافاتی با مشورت کردن ندارد به ویژه در پرونده‌های کلان مالی.وی با بیان این‌که برخی از عناوین، ثانویه هستند، افزود: اگر اجرای حکمی در این زمان موجب وهن نظام می‌شود باید نسبت به آن ملاحظه کرد.

اقتصاد مقاومتی، تنها راه مقابله با تحریم‌هاست

سرویس خبر: جمهوری اسلامی ایران در برابر تحریم‌های یک جانبه و ظالمانه غیر انسانی غرب و متوقف کردن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان و توطئه‌ها و کارشکنی‌های دشمن قرار دارد و ارائه نقشه راه موفقیت‌آمیز درطرح حکیمانه اقتصاد مقاومتی رهبر معظم انقلاب بهترین راه مستحکم و نانفوذپذیری است که می‌توان با اعمال این تدبیر عقلانی بر توطئه دشمن پیروز شد.

آیت‌الله محسنی گرکانی رئیس دیوان عالی کشور با اعلام این مطلب، افزود: در شناخت بستر اقتصاد مقاومتی به آگاهی از فضای اقتصاد داخلی وشاخص‌های بومی نیاز داریم تا آسیب پذیری اقتصادمان را بر اساس آنها شناسایی کنیم.

وی افزود: ما باید نظام تعلیم و تربیت اقتصادی را برای مقاوم سازی اقتصاد اسلامی و جهاد اقتصادی طراحی، سپس اجرا کنیم.

نظام آموزشی ما می‌تواند نقش کلیدی در بستر سازی اقتصاد مقاومتی ایفا کند. متأسفانه در کشور ما این اتفاق نیفتاده است که نوجوانان و جوانان به ویژه دانشگاهیان متناسب با شرایط کشور و نیاز مبرم به توسعه، تولید و فن آوری همه جانبه در مقابل دشمنان و استکبار جهانی اعلام برتری کنند.

به گفته رئیس دیوان عالی کشور، ضرورت دارد که مردم وارد عرصه اقتصاد شوند و در این راستا سرمایه داران می‌توانند نقش بسیار پررنگ و تعیین‌کننده در فراگیری اقتصاد مقاومتی داشته باشند، اگر ما فضا را برای حضور جوانان مؤمن و خلّاق اعم از بازاری و دانشگاهی در این راه فراهم کنیم قطعاً تحولات خوبی را شاهد خواهیم بود. برای رسیدن به این آرمان باید از استادان دانشگاه و حوزه، دانشجویان، طلاب، معلمان، دبیران و بازاریان استفاده شود.

آیت‌الله محسنی گرکانی گفت: زیر ساخت دانش بنیان مهم‌ترین امر، در پیشرفت اقتصاد هر کشور است. براساس دانش چرخه امور کشور به علم اقتصاد است که می‌توان به ثروت کلان رسید و مشکلات زندگی اجتماعی را در طبقات مختلف جامعه هموار کرد.

سیل در نهبندان یک کشته داشت

سرویس شهرستانها ـ مدیرکل مدیریت بحران استانداری خراسان جنوبی گفت: ۱۱۰۰ نفر از سیلزدگان روستاهای طبسین سفلی و علیا و کهنو نهبندان در ۳۰۰ چادر اسکان اضطراری استقرار یافتند.

سیدابوالحسن میرجلیلی افزود: بر اثر بارندگی این روستاها دچار سیلزدگی شدید شدند که یک نفر نیز در روستای طبسین سفلی بر اثر جریان سیل جان خود را از دست داد.

نجات ۳ نفر گرفتار در سیلاب

عنبرآباد: فرماندار عنبرآباد گفت: سه نفر که بر اثر بارندگی شدید و جاری شدن سیلاب گرفتار شده بودند، با تلاش اکیپ امدادی هلال‌احمر شهرستان نجات یافتند.

۸۰ روستای نیکشهر در محاصره سیل

فرماندار نیکشهر در جنوب سیستان و بلوچستان گفت: بارندگی‌ها و طغیان رودخانه‌های «ملوران»؛ «تنگ سرحه» و «شگیم» ارتباط بیش از ۸۰ روستای بخشهای «بلت» و «مرکزی» به مرکز این شهرستان را قطع کرد.

تشدید اقدامات امنیتی پلیس در تهران

سرویس حوادث: فرمانده انتظامی تهران بزرگ با تشریح اقدامات پلیس در طول امسال و پیش بینی‌ها برای چهارشنبه‌سوری و نوروز در پایتخت از ممنوعیت اسباب‌کشی بدون مجوز در تعطیلات نوروزی خبر داد.

سردار حسین ساجدی‌نیا در ادامه به تشریح بخشی از عملکرد امسال پلیس تهران پرداخت و درباره تمهیدات پلیس در چهارشنبه‌سوری گفت: به عنوان پلیس از بزرگترها و والدین به خاطر حضور در کنار فرزندانشان و توجه به توصیه‌های پلیس، تشکر می‌کنم.

او از والدین خواست در روزهای منتهی به چهارشنبه‌سوری، حتماً در کنار فرزندانشان حضور داشته باشند.

رئیس پلیس پایتخت بااشاره به مصدومان و کشته‌شدگان چهارشنبه‌سوری در هفت سال اخیر، اظهار داشت: در آن زمان فقط در تهران بین ۸۰۰ تا هزار نفر مصدوم می‌شدند و چند نفر نیز جان خود را از دست می‌دادند و این در حالی است که از چهار سال گذشته تابه حال این آمار به شدت کاهش پیدا کرده است، به طوری که ۲ سال اخیر شمار مصدومان حدود ۵۰ نفر بوده و کشته نیز نداشتیم.

وی، اظهار داشت: مراسم چهارشنبه سوری امسال به شکل محله و کوچه‌محور برگزار می‌شود و باید برنامه‌ریزی‌ها برای شب چهارشنبه آخر سال به گونه‌ای باشد که سال نو و عید را با تلخی آغاز نکنیم.رئیس پلیس پایتخت گفت: امسال یکی از سال‌هایی بود که رکورد زدیم و خوشبختانه تاکنون هیچ سانحه‌ای درباره شب چهارشنبه آخر سال نداشتیم.سردار ساجدی‌نیا درباره کشفیات مواد محترقه چهارشنبه سوری با بیان این که بر رنگ‌فروشی‌ها نظارت داشتیم، افزود: درخصوص فروش مواد محترقه دست‌ساز نیز موردی را مشاهده نکردیم. اما چندین میلیون مواد محترقه غیر استاندارد را کشف کردیم که در حال حاضر در انبارهای پلیس آگاهی نگهداری می‌شود.

*** ممنوعیت اسباب‌کشی در نوروز**

سردار ساجدی‌نیا از ممنوعیت اسباب‌کشی از اول عید تا پایان سیزده فروردین خبر داد و گفت: فقط در صورت اخذ مجوز و نامه کتبی از کلانتری، امکان اسباب‌کشی وجود دارد و حتی گرفتن تاییدیه زبانی و شفاهی برای پلیس قابل قبول نیست.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰
ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
* موضوع پیام‌ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
* پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
* خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
* چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است.
با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

ته‌نشین شدن لجن در منبع آب!

به دلیل افت فشار آب از حدود ۲ ماه قبل در بام منزلم منبع ذخیره آب نصب کرده‌ام و اخیراً که به آن مراجعه کردم، متوجه شدم که به اندازه ۱۰ سانتیمتر در منبع لجن جمع شده است! نشانی منزلم را هم نمی‌گویم، زیرا همه اهالی رشت من را می‌شناسند!

رشت ـ قورخانی

هدفمندسازی یارانه‌ها به صورت مشروط خوب است!

هدفمند سازی یارانه‌ها بسیار خوب است، به شرطی که موجب مشکلات اقتصادی و تولیدات صنعتی و کشاورزی نشود و به عنوان مثال، کشورمان را که از نظر تولید گندم می‌تواند خودکفا شود، به واردات این محصول محتاج نکند!

تلفن به خط ارتباطی

هزینه‌های سنگین درمان بیماران

گرانی بیش از حد هزینه‌های درمان و دستمزد بالای جراحان، برای بیماران و خانواده‌هایشان مشکلات عدیده‌ای به وجود آورده است. در شرایط حاضر حقوق‌ها کفاف هزینه‌های زندگی به خصوص در بخش درمان را نمی‌دهد و باید به صورت عادلانه افزایش یابد.

یک حقوق‌بگیر

ترافیک سنگین بزرگراه شهید حقانی

بزرگراه شهید حقانی، حد فاصل خیابان نفت جنوبی تا چهارراه جهان‌کودک بیشتر روزها ترافیک سنگینی دارد. متأسفانه خروجی بزرگراه شهید مدرس هم هر روز توسط مأموران راهنمایی و رانندگی مسدود می‌شود که مزید بر علت شده است.

پوریا علوی

لزوم ممنوعیت ساخت‌وساز در ضلع شمالی بزرگراه کرج

با این که به نظر می‌رسد اراضی شمال بزرگراه تهران ـ کرج ملی باشد، در این زمین‌ها تا دامنه کوه به وسیله تعاونی‌های مسکن و دلالان، به سرعت ساخت و ساز می‌شود و این ذخیره‌گاه‌های محیط‌زیست تهران، از میان می‌رود، حال آن که لااقل از ساخت‌وساز در زمین‌های باقیمانده باید جلوگیری به عمل آید و در آن‌ها درختکاری شود و در خصوص سایر زمین‌ها هم در صورتی که برایشان مجوز صادر شده، اما هنوز ساخت‌وسازی انجام نگرفته است. دولت با پرداخت هزینه‌های پرداختی خریداران، جوازهایشان را باطل کند که در غیر این صورت، تهران و کرج در آینده‌ای نه چندان دور کاملاً به یکدیگر متصل خواهند شد و مشکلات عدیده دیگری به وجود خواهند آورد.

شهروند تهرانی

دولت بدهی‌هایش به تأمین اجتماعی را بپردازد

در سال‌های گذشته دولت‌ها متأسفانه بدهی‌هایشان را به سازمان تأمین اجتماعی نپرداخته‌اند و به همین دلیل این سازمان به سختی توانسته است هزینه‌هایش را تأمین کند و بپردازد. انتظار می‌رود دولت تدبیر و امید با واگذاری و فروش کارخانه‌ها، بانک‌ها و سایر دارایی‌هایش، بدهی‌اش به تأمین اجتماعی را بپردازد تا صرف ارتقای رفاه و حقوق بازنشستگان و مستمری‌بگیران این سازمان شود.

بازنشسته سازمان تأمین اجتماعی

سرنوشت اختلاس کنندگان کلان به آگاهی مردم برسد

در کشورهای غیراسلامی که بیت‌المال به مفهومی که ما می‌شناسیم معنا ندارد، اگر اختلاس بزرگی در بانک‌ها و اداره‌های دولتی صورت بگیرد، یا شخص اختلاس‌کننده از ترس قانون و آبرو، خودش را می‌کشد و یا به زندان‌های طویل‌المدت و یا مانند چین، به اعدام محکوم می‌شود. اما متأسفانه در کشورمان چنین وضعی کمتر دیده شده است و حتی اسامی و سمت‌های اختلاس‌کنندگان کلان مالی، به صورت روشن و شفاف در رسانه‌های گروهی اعلام نمی‌شود و این که پس از سال‌ها، به اصطلاح دانه درشت‌ها آنچه را که از بیت‌المال اختلاس کرده‌اند به آن بازگردانده‌اند یا نه، به آگاهی مردم نمی‌رسد که جا دارد در این خصوص اطلاع‌رسانی شود.

تلفن به خط ارتباطی

جلوگیری از تخریب اراضی یکپارچه کشاورزی

یکی از اقوام مرحومم ۳ هکتار باغ چای و به همین مقدار شالیزار داشت که پس از مرگ، زمین‌هایشان به قطعات کوچک تقسیم و به ۱۲ ورثه واگذار شد که چون چایکاری در آن‌ها دیگر سودآوری نداشت، زمین‌ها یا فروخته و در آن‌ها ویلاسازی شد و یا به شکل مخروبه درآمد. ضرورت دارد در قوانین مربوط به تقسیم میراث مکانیزی اتخاذ شود تا از قطعه قطعه شدن و نابودی باغ‌های چای و شالیزارها جلوگیری به عمل آید.

لاهیجان ـ از اهالی

کارشناسان ابعاد اقتصاد مقاومتی را تشریح کنند

مسئولان کشور پیوسته در مورد اقتصاد مقاومتی و این که با اقتصاد ریاضتی فرق دارد، سخن می‌گویند. حال آن که مفهوم اقتصاد مقاومتی، ابعاد و راه‌های تحقق آن برای اکثریت مردم روشن نیست و جا دارد کارشناسان به زبان ساده در این مورد به هموطنان‌مان توضیح دهند.

کرج ـ حسینی

قدردانی از بیمه‌ای شدن داروی دیابت

همسرم مبتلا به دیابت است که تا چندی پیش داروهایش را بالاجبار به صورت آزاد می‌خریدیم که بسیار گران بود. اما اخیراً به همت و تلاش دولت محترم و وزارت بهداشت و درمان، داروهای دیابت را با دفترچه‌های بیمه هم می‌توان خرید که از تلاش مسئولان امر در این رابطه تشکر و قدردانی می‌شود.

محمدباقر زارع

۲ مشکل شهروندان اندیمشک

بمباران هوایی اندیمشک توسط ارتش صدام حسین در آذرماه ۱۳۶۵ را می‌توان یکی از بزرگترین جنایات جنگی در جهان دانست.

ضمن آن که اندیمشک در دوران دفاع مقدس خانه دوم بسیاری از رزمندگان بوده است، با این حال اندیمشک مشکلاتی دارد که به ۲ نمونه آن‌ها اشاره می‌شود.

بیمارستان اندیمشک بیشتر به یک کلینیک قدیمی با تجهیزات ابتدایی شبیه است، چرا که وسایل آن به سال‌ها قبل بازمی‌گردد و از تجهیزات نوین پزشکی، نشانه‌ای ندارد. دوم این که ایستگاه راه‌آهن اندیمشک فاقد سکو است و درنتیجه سوار شدن به قطار بخصوص برای بیماران و سالمندان، بسیار مشکل است.

اندیمشک ـ از اهالی

نیاز به تصفیه‌خانه آب در اسلامشهر

برای تأمین آب آشامیدنی بهداشتی اسلامشهر، تأسیس تصفیه‌خانه آب در این شهر ضرورت دارد، زیرا کُلرزنی آب مصرفی اهالی، به تنهایی نمی‌تواند کافی باشد.

اسلامشهر ـ تلفن به خط ارتباطی

کمک ویژه دولت به محرومان

با نزدیک شدن سال نو جا دارد دولت محترم کمک‌های ویژه‌ای را برای هموطنانمان در مناطق محروم کشور درنظر بگیرد و این کار را از طریق کمیته امداد امام و بهزیستی انجام دهد.

یک هموطن

میزان اختلاس‌ها و وصول آن‌ها اعلام شود

مسئولان ذی‌ربط لطفاً پاسخ دهند که در دولت قبلی چه میزان اختلاس کلان در کشور انجام گرفته و تاکنون چه میزان از آن، وصول شده است؟

تلفن به خط ارتباطی

به راستی مُخ آدم سوت می کشد!

مخ انسان از شنیدن اخبار دریافت ۱۲ میلیارد تومان حق مأموریت نرفته، قاچاق یک و نیم تن طلا و اختلاس ۹هزار میلیارد تومانی، به راستی سوت می‌کشد! چرا مرتکبین چنین جرایمی را اعدام نمی‌کنند تا عبرت دیگران شود؟

ابراهیمی

از این ۲ وزارتخانه متعجبیم!

با توجه به این که وزارتخانه‌های بازرگانی و کار در سال‌های پس از انقلاب در خصوص توزیع اجناس کالابرگی و بُن‌های کارگری تجربه‌های زیادی دارند، عجیب است که چه‌طور نتوانسته‌اند سبدهای کالا را به خوبی توزیع کنند و درنتیجه رئیس جمهوری محترم را به عذرخواهی از مردم وادارند؟ تکرار چنین وضعی نه فقط در شأن ملت ایران نیست، بلکه خوراک‌های تبلیغاتی برای ماهواره‌ها و رسانه‌های گروهی بیگانه فراهم می‌کند.

اراک ـ احمدرضا ایرانشاهی

بقیه در صفحه ۹

ایران – آرژانتین؛ یکی از ۸ بازی پر تماشاگر جام جهانی فوتبال

بلیت‌های ۸ دیدار جام جهانی فوتبال، از جمله دیدار آرژانتین –ایران به طور کامل به فروش رفت.

سه ماه تا آغاز جام جهانی – ۲۰۱۴ برزیل، زمان باقی مانده و پیش فروش بلیت این رقابت‌ها در جریان است.فیفا، اعلام کرد: ۳۴۵ هزار بلیت جام جهانی برزیل به فروش رفته است.

البته علاقه مندان غیر از دیدارهای آغازین و فینال جام جهانی و دو دیدار مرحله نیمه نهایی می‌توانند برای ۶۰ دیدار باقی مانده این رقابت‌ها، بلیت تهیه کنند.

فیفا، اعلام کرد: از این ۶۰ دیدار، بلیت‌های هشت دیدار جام جهانی، بطور کامل فروخته شده است که دیدار ایران –آرژانتین، یکی از این دیدارها محسوب می‌شود.

هشت دیداری که بلیت‌های آن به فروش رفته به این شرح است:

۱–برزیل – کرواسی
۲–اسپانیا – هلند
۳–استرالیا – هلند
۴–اروگوئه – انگلیس
۵–آرژانتین – ایران
۶–اسپانیا – شیلی
۷–نیجریه – آرژانتین
۸–کره‌جنوبی – بلژیک

برنامه آیین آغازین جام جهانی

فیفا،جزئیات آیین آغازین جام جهانی – ۲۰۱۴ برزیل را مشخص کرد.

جام جهانی –۲۰۱۴ برزیل ۹۰ روز دیگر آغاز می‌شود و تیم‌های حاضر در بیستمین دوره این رقابت‌ها در هشت گروه چهار تیمی مقابل هم به میدان می‌روند. فیفا سه ماه تا آغاز جام جهانی، برنامه آیین آغازین را مشخص کرد. بر اساس برنامه اعلام شده گروهی متشکل از ۱۲۰۰ نفر مراسم افتتاحیه جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل را زیر نظر «فرانکو درایونها»، کارگردان ایتالیایی در ورزشگاه سائوپائولوی برزیل برگزار خواهند کرد.

همچنین سرود جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل با عنوان «ما یکی هستیم» نیز در این آیین نواخته خواهد شد. بر اساس اعلام مسئولان برگزاری جام جهانی، ۶۰ درصد افرادی که آیین آغازین را برگزار می‌کنند، از نهادهای غیر دولتی، مدارس و سیرک‌ها هستند که بین ۲۰ تا ۳۰ سال سن دارند.

در کنداکتور این آیین قرار است، رییس فدراسیون بین‌المللی فوتبال و رییس جمهور برزیل، سخنرانی کنند.

۱۳ شناگر در اردوی تیم های ملی جوانان و بزرگسالان



کمیته فنی فدراسیون شنا ،اسامی دعوت شدگان به اردوی تیم ملی را برای حضور در بازی‌های آسیایی و مسابقات بین‌المللی دوبی، اعلام کرد.

اردوی شناگران بزرگسال برای حضور در بازی‌های آسیایی – ۲۰۱۴ کره جنوبی، از پنجم فروردین ۹۳ با حضور هفت شناگر آغاز می‌شود .اسامی شناگران دعوت شده به اردوی بزرگسال به این شرح است:جمال چاوشی، احمدرضا جلالی، میرمحمد شجاعی فر، آرشام میرزایی، مهدی انصاری، افشین عسگری و آرین علیایی.همچنین اردوی شناگران جوان کشور، برای شرکت در رقابت های بین‌المللی دوبی با حضور شش شناگر آغاز می‌شود. این مسابقات برای کسب سهمیه المپیک جوانان در نانجینگ برگزار می‌شود .اسامی شناگران دعوت شده به اردوی جوانان به این شرح است: آریا نسیمی شاد، محسن مهمان نواز، نیما عبداللهی، شایان عظیمی، رهام پیروانی و آرین علیایی.

رقابت ایران و روسیه برای قهرمانی در مسابقات جام جهانی کشتی



پرچم قهرمانی تیم های ملی کشتی آزاد ایران و روسیه در جام جهانی – ۲۰۱۴ لس آنجلس آمریکا، نیمه افراشته شد.

رقابت‌های مقدماتی جام جهانی کشتی آزاد، دیروز در شرایطی برگزار شد که در گروه نخست، تیم ایران با کسب سه پیروزی مقابل تیم های ارمنستان و ترکیه و آمریکا، حضور خود را در فینال این دوره از پیکارهای جام جهانی، قطعی کرد و فقط به برد در مسابقه آخر مقابل هند احتیاج داشت .مبارزه پایانی ملی پوشان کشتی آزاد ایران در دور مقدماتی جام جهانی، شامگاه دیشب برگزار شد.

رقابت اصلی در گروه دوم مرحله مقدماتی جام جهانی کشتی آزاد، بین تیم های روسیه، اوکراین و مغولستان بود که تیم مدعی روسیه، دو تیم دیگر را شکست داد تا به احتمال قریب به یقین، حریف امروز ایران در کشتی فینال جام جهانی – ۲۰۱۴ آمریکا در شهر لس آنجلس باشد.

آمریکا به زانو درآمد

تیم ملی کشتی آزاد ایران، تیم مدعی آمریکا را در خاک خودش به زانو درآورد .

بامداد دیروز به وقت تهران، دلاورمردان کشتی آزاد ایران در حساسترین مسابقه از جام جهانی، شکست سنگینی را به تیم آمریکا تحمیل کردند و این تیم را در خاک خودش به زانو درآورند. شاگردان رسول خادم در پنج وزن، حریفان خود را شکست دادند و در سه وزن، مغلوب شدند.رحیمی،اسماعیل پور، حسین خانی، یزدانی و قاسمی، کشتی گیران برنده تیم ایران در این رقابت حساس بودند.

این سومین برد متوالی ایران در جام جهانی کشتی آزاد – ۲۰۱۴ لس آنجلس بود تا ملی پوشان کشورمان، حضور خود را در فینال این رقابت ها تا حدود بسیار زیادی قطعی کنند.

۵۷ کیلوگرم: حسن رحیمی ۸ – آنجل اسکوبدو صفر

رحیمی با زیرگیری های پیاپی به پاهای حریف می رسید، ولی قد بلند «اسکوبدو» باعث می شد تا رحیمی نتواند او را خاک کند؛ حریف آمریکایی«لی لی کنان» به بیرون تشک می رفت. رحیمی که تلاش داشت تا نتیجه را ۱۰– صفر کند تا امتیاز مثبت بیشتری بگیرد با نتیجه ۸ – صفر پیروز شد.

۶۱ کیلوگرم: مسعود اسماعیل پور ۱۰ – ریس هامفری ۸

«هامفری» با یک سالتو باراندار ۴ امتیاز پیش افتاد؛ سپس نتیجه را ۸– یک کرد، ولی اسماعیل پور با تعصبی مثال زدنی به کشتی برگشت و با خاک کردن های پیاپی ۱۰–۸ پیش افتاد و پیروز این مبارزه نفس گیر شد.

۶۵ کیلوگرم: میثم نصیری ۸ – برنت مت کالف ۱۱

نصیری با یک پیچ کمر برق آسا ۴ امتیاز گرفت. بین دو کشتی گیر فنونی رد و بدل شد تا وقت نخست ۵–۳ شود. در وقت دوم، نتیجه ۸–۵ شد، ولی از دقیقه چهارم به بعد، نصیری از نظر بدنی کم آورد و کشتی را با نتیجه ۱۱–۸ باخت تا آمریکا به نخستین برد خود برسد.

۷۰ کیلوگرم: مصطفی حسین خانی یک – نیک مارابل صفر

حسین خانی در ۳دقیقه نخست این کشتی، بسیار حساب شده کشتی گرفت و از «نیک مارابل» که یکماه قبل «جردن باروفس» را برده بود، یک امتیاز گرفت. حسین خانی، مردانه جنگید تا از یک امتیاز خود محافظت کند و یک پیروزی با ارزش را نصیب تیم ملی کشتی آزاد ایران کند؛ ایران با این پیروزی، در مجموع با حساب ۳ – یک از آمریکا پیش افتاد.

۷۴ کیلوگرم: عزت الله اکبری یک – جردن باروفس ۷

«باروفس» آمریکایی در ۱۵ ثانیه نخست با دو خم، اکبری را خاک کرد و در ثانیه ۴۵ امتیاز دیگری گرفت تا از حریف ایرانی پیش افتد. اکبری در حالیکه در وقت دوم ۵–صفر عقب بود، باروفس را به بیرون تشک برد و یک امتیاز گرفت. این یک امتیاز از آن جهت اهمیت دارد که اگر مسابقه انفرادی ۴–۴ شود، پوئن مثبت تعیین کننده برنده خواهد بود؛ این یک امتیاز، یک پوئن مثبت به همراه داشت. اکبری در نهایت کشتی را با نتیجه ۷ – یک باخت .

۸۶ کیلوگرم: احسان لشگری ۵ – کلایتون فاستر ۷

لشگری در حالی که ۲ امتیاز از دست داده بود با دو خم و درخت کن، نتیجه را در وقت نخست مساوی کرد. در وقت دوم در یک کشتی پر افت و خیز، نتیجه ۵–۵ شد. لشگری در حالیکه به امتیاز آخر احتیاج داشت در خاک نشست و ۷–۵ باخت تا نتیجه تیمی ۳–۳ شود .

۹۷ کیلوگرم: رضا یزدانی ۸ – دی جی برگمن صفر

یزدانی در وقت نخست، دوبار با اجرای فن یک خم از زانو ۴ – صفر برنده شد. او در وقت دوم، برتری خود را به حریف دیکته کرد و ۸ – صفر برنده شد. یزدانی، از این بابت که نتوانسته بود، حریفش را ۱۰ –صفر شکست دهد و صاحب امتیاز عالی شود، ناراحت بود .

۱۲۵ کیلوگرم: کمیل قاسمی یک – ترول دلاگنف صفر

در وقت نخست این مبارزه، دو کشتی گیر بیشتر در سرپا، پنجه در پنجه هم انداخته بودند که حاصل آن، یک امتیاز برای قاسمی و یک اخطار برای «ترول دلاگنف» بود که کمتر فعالیت کرده بود. قاسمی با اتکا به یک امتیازی که کسب کرده بود، کشتی را در وقت دوم اداره کرد. البته سرمربی تیم آمریکا، معتقد بود که قاسمی کم کار است، ولی او به حریفش امتیاز نداد و پیروز پیکار فوق سنگین وزن شد. او با پیروزی در این کشتی، انتقام باخت در مجارستان را از این کشتی گیر گرفت.

ایران جلوتر از آمریکا

سرمربی تیم ملی کشتی آمریکا، اعتراف کرد که تیم ایران نسبت به تیم آمریکا برتر است.

زکی جونز، پس از شکست ۵–۳ آمریکا مقابل ایران، گفت: واقعا ناامید شدیم. کارهای کوچکی را که برای برد باید انجام می‌دادیم، انجام ندادیم. مبارزه دو تیم، سانتی متری بود. ایران، جلوتر از ماست. کاری را که لازم بود، انجام ندادیم؛ ولی در حال پیشرفت هستیم و باید چیزهای کوچکی را درست کنیم تا به پیروزی برسیم .

ترکیه، حریف ایران نشد

تیم ملی کشتی آزادایران، دومین برد خود را در جام جهانی مقابل تیم ترکیه بدست آورد.

تیم ملی کشتی آزاد ایران، پس از پیروزی ۸ –صفر مقابل ارمنستان به مصاف ترکیه رفت. رسول خادم، برای این مسابقه ترکیب تیم ایران را جوان کرد. کشتی گیران جوان تیم ایران، مانند ملی پوشان عنواندار کشورمان در مسابقه نخست، خوش درخشیدند و ترکیه را با نتیجه ۷ – یک در هم کوبیدند .

۵۷ کیلوگرم: مهران رضازاده (برنده با ضربه فنی) – نبی اوزون

۶۱ کیلوگرم: مسعود اسماعیل پور (برنده با ضربه فنی) – رجب توپال

۶۵ کیلوگرم: سید احمد محمدی ۱۱ – مصطفی کایا صفر

۷۰ کیلوگرم: پیمان یاراحمدی ۹ – صلاح الدین کلیسالایان ۱۱

۷۴کیلوگرم: رضا افضلی ۱۱ – مراد ارترک صفر

۸۶ کیلوگرم: علیرضا کریمی ۱۱ – فاتح اردین یک

۹۷کیلوگرم: حامد طالبی زرین کمر ۱۰ – علی بونچی اوغلو صفر

۱۲۵ کیلوگرم: پرویز هادی ۱۱ – حمزه اوزکارادنیز صفر

شیوه تعیین تیم پیروز

بااعلام سایت فدراسیون جهانی کشتی، بردهای انفرادی تعیین کننده تیم پیروز در جام جهانی است.

بحث بر سر اینکه بردهای انفرادی در جام جهانی تعیین‌کننده هستند یا مجموع امتیازات مثبت تیمی، در روز مسابقات جام جهانی هم وجود داشت؛ فیلا، رسما اعلام کرد که بردهای انفرادی، تکلیف تیم پیروز را مشخص می‌کند و اگر دو تیم ۴ – ۴ شوند، امتیاز مثبت کارساز است.ترتیب تعیین تیم برنده در صورت ۴–۴ شدن نتیجه انفرادی به این صورت است:

۱–مجموع امتیاز مثبت یک تیم بیشتر باشد .

۲–اگر امتیازات مثبت دو تیم برابر باشد، تیمی که بیشترین پیروزی با ضربه فنی، انصراف یا ادامه ندادن به کشتی یا دیسکالیفه داشته باشد، برنده می‌شود.

۳–اگر دو تیم در همه موارد مساوی باشند، بندهای زیر تیم پیروز را تعیین می‌کنند:

– بیشترین پیروزی با امتیاز عالی (اختلاف امتیاز ۱۰ در کشتی آزاد و ۸ امتیاز در کشتی فرنگی)

–بیشترین امتیازات فنی در همه مسابقه‌ها

– کمترین امتیاز فنی از دست داده در همه مسابقه‌ها

درخشش کشتی ایران

فدراسیون جهانی کشتی (فیلا) در گزارشی به پیروزی ایران مقابل آمریکا و حضور پر شور تماشاگران ایرانی در جام جهانی اشاره کرد.

سایت فیلا، پس از پیروزی تیم ملی کشتی آزاد ایران مقابل آمریکا در لس آنجلس، نوشت: تالار لس آنجلس عادت دارد که میزبان ستارگان موسیقی جهان باشد، ولی اینبار به جای ستارگان موسیقی، کشتی گیران ایرانی بودند که در این تالار درخشیدند و با آنان، عکس یادگاری گرفتند.

تیم ملی کشتی آزاد ایران به پشتوانه موجی از تماشاگران ایرانی که تیمشان را به زبان فارسی، تشویق می‌کردند مقابل آمریکا به برتری رسید. مبارزه ایران و آمریکا، آنقدر سطح بالا و پرهیجان بود که انگار تماشاگران در حال انفجار بودند .

آغاز چهاردهمین دوره لیگ برتر فوتبال؛ ۹ مرداد

چهاردهمین دوره لیگ برتر فوتبال باشگاه های کشور، از ۹ مرداد ۹۳ آغاز خواهد شد. قرعه کشی این دوره از مسابقات، ۴ تیر ۹۳ انجام می شود.

مهدی تاج، رییس سازمان لیگ با بیان مطلب بالا، افزود: طبق گزارشات ما، استفاده از بازیکنان جوان در لیگ برتر و لیگ دسته یک، بسیار کم است. در لیگ دسته یک فوتبال، فقط از ۱۸ درصد نیروهای جوان، استفاده می کنند که از این تعداد، کمتر از یک درصد بازیکنان در بازی‌ها به میدان می‌روند. در لیگ برتر هم از جوانان، بسیار کم استفاده می‌شود. لذا با چند هدف، از جمله جوان‌سازی لیگ و پایین آوردن مبالغ قراردادها، اعلام کردیم که هیچ باشگاهی تا تصویب نهایی آیین‌نامه جدید نقل و انتقالات، حق عقد قرارداد با بازیکنان را ندارد.

تاج با بیان اینکه آیین‌نامه نقل و انتقالات جدید، بر اساس جوانگرایی تدوین می‌شود، گفت: در این آیین‌نامه ، چهار اتفاق می‌افتد. نخست اینکه قوانین محدود کننده به حداقل می‌رسد. همچنین قوانین تشویقی، افزایش یافته است. سوم، ارزیابی از باشگاه‌ها بیشتر می‌شود و چهارم، مشکلات چرخه تولید بازیکن – که اکنون معیوب است و خوب کار نمی کند – حل می‌شود .

او افزود: طبق آیین‌نامه جدید، تعداد بازیکنان بالای ۲۳ سال تیم‌های لیگ برتر – که اکنون ۲۵ نفر است – به ۱۷ بازیکن کاهش می‌یابد. این اتفاق، باعث می‌شود که تعداد بازیکنان جوان تیم‌ها نسبت به گذشته ۶۰ تا ۷۰ درصد افزایش یابد و تیم‌ها و مربیان، مجبور به استفاده از جوانان شوند.

تاج، گفت: مرز پختگی در لیگ ما ۲۵ سال است، ولی طبق آمار، این میانگین در دنیا ۲۰ سال است. همچنین مساله سربازی، یکی از مسائل مهم فوتبال ماست که باید شیوه درستی، برای آن تعیین شود. در حال حاضر، فقط تیم‌های فجر سپاسی، ملوان و تراکتورسازی از لیگ برتر و نیروی زمینی از لیگ دسته یک، بازیکن سرباز می گیرند، ولی بسیاری از بازیکنان این تیم‌ها، سرباز نیستند؛ این مشکل را باید به نحوی حل کنیم که باشگاه‌ها، بازیکنی را که می‌سازند و به مرحله سربازی می رسد، به تیم دیگری ندهند.

رییس سازمان لیگ با بیان اینکه فیفا و AFC در استعلام‌هایی که ما گرفته‌اند، مخالف سقف مبلغ برای قراردادها و تعیین مدت مشخص برای آن هستند، گفت: برای باشگاه‌ها، سقف بودجه می گذاریم. البته طبق آیین‌نامه جدید و قوانین مصوب آن، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. برخی از این قوانین، عبارتند از: ۱– مساله مالیات بازیکنان مشخص شود و همه بازیکنان، موظف به پرداخت مالیات شوند. ۲– قراردادهای مربیان و بازیکنان شفاف و عیان شود. ۳–وجه پرداختی به مربیان و بازیکنان، بر اساس ریال خواهد بود و کسی حق ندارد به مربیان و بازیکنان فوتبال کشور، دلار، ماشین، خانه، آهن، میلگرد، گاوداری و... بدهد. ۴– شیوه پرداخت که چند درصد اول، وسط، آخر یا حتی ماهانه و هفتگی باشد را سازمان لیگ تعیین می کند. ۵–بازیکنان و مربیان خارجی، هنگام خروج از کشور باید تسویه کرده باشند و هر بازیکن یا مربی که با دارایی تسویه نشده دارد و مالیات آن را نپرداخته است، ممنوع‌الخروج می‌شود. ۶–هیچ باشگاهی حق ندارد، مالیات مربی یا بازیکنی را بر عهده بگیرد. البته سهم مالیات باشگاه از ۵ درصد به ۳ درصد کاهش یافته است.

کاهش سهمیه لیگ قهرمانان آسیا

رییس سازمان لیگ درباره سهمیه کشورها در فصل آینده لیگ قهرمانان آسیا، گفت: با تصمیم AFC ، ایران در فصل بعدی لیگ قهرمانان آسیا، سه و نیم سهمیه دارد .سه تیم ایرانی به صورت مستقیم به لیگ قهرمانان آسیا می‌روند و یک تیم دیگر در پلی‌آف، شانس حضور در این رقابت‌ها را دارد .

او درباره این تصمیم کنفدراسیون فوتبال آسیا، افزود: طبق قوانین جدید AFC دو کشور برتر آسیا بر اساس امتیازبندی، سه سهمیه مستقیم و یک سهمیه غیر مستقیم (پلی‌آف) در لیگ قهرمانان آسیا خواهند داشت. اکنون، ایران ۹۰۵ امتیاز دارد و بعد از ژاپن ۹۲۳ امتیازی، قرار گرفته است. این قانون، برای دو سال است و در فصول ۲۰۱۶ – ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ – ۲۰۱۶ اجرا می شود .

وی افزود: کشورهای سوم و چهارم آسیا، دو سهمیه مستقیم و دو سهمیه غیر مستقیم (پلی‌آف) دارند و کشور پنجم، یک سهمیه مستقیم و یک سهمیه در پلی‌آف دارد. بنابراین، هیچ کشوری در آسیا، چهار سهمیه مستقیم نخواهد داشت. ملاک امتیازدهی ۲۰ درصد عملکرد تیم ملی و ۸۰ درصد عملکرد تیم‌های باشگاهی کشورهاست. برای هر برد ۳ امتیاز و تساوی، یک امتیاز در نظر گرفته می شود؛ ازاین پس، باید به امتیاز تیم‌های باشگاهی نیز توجه داشته باشیم. فدراسیون رتبه نخست ۱۰۰ امتیاز می گیرد. البته تلاش می کنیم تا این شرایط را تغییر دهیم .

وی تصریح کرد: ۶ اردیبهشت ۹۳ زمان بازدید بازرسان AFC مشخص خواهد شد. طبق قانون جدید ۱۲ تیم برتر آسیا، براساس رنکینگ فیفا، بطور مستقیم راهی جام ملت‌ها می‌شوند؛ به عبارت دیگر با قرار گرفتن در بین ۱۲ تیم برتر آسیا، از حضور در بازی‌های مقدماتی جام ملت‌های آسیا، معاف می شویم و بسیاری از «فیفا دی»ها را استفاده خواهیم کرد.

افتتاح نمایشگاه ویژه دفاع مقدس در پایگاه دریایی خرمشهر

سرویس سیاسی –اجتماعی: رئیس سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش برنامه‌های این نیرو در ایام حضور زائران در مناطق عملیاتی دفاع‌مقدس را تشریح کرد.

امیر سرتیپ دکتر ابراهیم گلفام در جمع خبرنگاران با تاکید بر آمادگی ارتش برای میزبانی از زائران مناطق عملیاتی دفاع مقدس جنوب، گفت: قرارگاه فرماندهی راهیان نور ارتش از سال گذشته اقدامات جدی‌تری را برای میزبانی از زائران آغاز کرد و در این راستا سه یادمان شهدای رمضان، دهلاویه و یادمان چزابه را برای خدمات‌رسانی به زائران متقبل شده است.

جانشین قرارگاه راهیان نور ارتش افزود: برپایی نمایشگاه بزرگ هوایی در دزفول، پادگان خرمشهر وامیدیه ازجمله اقدامات ارتش در این راستا محسوب می‌شود. امروز هم نمایشگاه نیروی دریایی در پایگاه‌دریایی خرمشهر افتتاح می‌شود که این نمایشگاه در حوزه‌های انقلاب و دفاع‌مقدس با بهره‌گیری از همه ابزارهای رسانه‌ای و همچنین شبیه‌سازی برخی مناطق عملیاتی از جمله باتلاق‌ها، رشادت‌های رزمندگان را به تصویر می‌کشد. گلفام یادآور شد: همچنین نمایشگاه پدافند هوایی اهواز، ایستگاه آب تیمور در خروجی اهواز به سمت خرمشهر، برگزاری رزمایش شبانه در منطقه میشداق با حضور گردان‌های تکاور و ایستگاه خرم‌آباد برای پذیرایی از زائران راهیان نور در نظر گرفته شده است. پادگان دژ خرمشهر و پادگان حمید هم برای خدمات‌رسانی به زائران آماده است.

وی گفت: برای بهره‌مندی بهتر زائران مناطق عملیاتی، راویان ثابت و سیار در مناطق مورد نظر حضور خواهند داشت که راویان ثابت از ارتش خواهند بود اما از راویان سیار سپاه هم در مناطق یادمانی در اختیار ارتش ، استفاده خواهد شد.همچنین راویان سیار ارتش در مناطق یادمانی سپاه حضور خواهند داشت. کتاب‌هایی هم در این زمینه در نظر گرفته شده است که در قالب بسته‌های فرهنگی در اختیار زائران قرار داده می‌شود. همچنین نمایشگاهی حاوی کتاب و محصولات فرهنگی در مناطقی از جمله دهلاویه برپا شده است تا زائران بتوانند کتاب‌های مورد علاقه خود را از آن تهیه کنند.رئیس سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به پیشرفت‌های دفاعی کشورمان اظهار داشت: دشمنان به واسطه همین پیشرفت‌ها جرأت تعرض به کشورمان را ندارند و اگر غیر از این بود لحظه‌ای درنگ‌نمی کردندو این همان‌بازدارندگی دفاعی کشورمان محسوب می‌شود اما وقتی دشمن نتوانست در حوزه فیزیکی با کشورمان مقابله کند وارد جنگ نرم شد و می‌خواهد از این طریق آموزه‌های دینی کشورمان را زیرسئوال ببرد اما مردم با حضور در مناطق عملیاتی دفاع مقدس که یکی از راهکارهای مقابله با جنگ نرم است، پایبندی خود را به آموزه‌های دینی ثابت می‌کنند.جانشین قرارگاه راهیان نور ارتش همچنین از افتتاح قرارگاه مقدم راهیان نور ثابت ارتش در روز ملی راهیان نور در اهواز و ارسال ۵۸۰۰ جلد کتاب برای تقویت یادمان‌های دفاع مقدس خبر داد.وی در ادامه سخنانش با اشاره به تأثیر قیام عاشورا در پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس گفت:مناطق عملیاتی دفاع مقدس هم الگویی از عاشورا محسوب می‌شود زیرا در دوران دفاع مقدس مشابهت‌های زیادی با واقعه کربلا مشاهده کردیم و همین امر نشان می‌دهد مردم ما واقعا به تأسی از قیام عاشورا و با کمترین امکانات ممکن در مقابل نه تنها رژیم بعث عراق، که در مقابل بیش از ۳۶ کشور جهان ایستادند و اجازه ندادند ارزش‌های انقلاب اسلامی و خاک مقدس جمهوری اسلامی به خطر بیفتد که در این میان نباید از نقش حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری غافل باشیم.

وزارت علوم: باتخلفات پژوهشی برخورد قاطع خواهد شد

بقیه از صفحه ۳

وی در ادامه تصریح کرد: یکی از چالش‌های پیش روی ما مالیات شرکت‌های دانش‌بنیان بود که با آیین‌نامه معافیت مالیاتی شرکت‌های دانش‌بنیان که به امضای وزیر علوم و وزیر اقتصاد رسیده است این چالش نیز مرتفع شد.معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم در ادامه خاطرنشان کرد: برای ارزیابی و مدیریت طرح‌های کلان کارگروه‌هایی را ایجاد کرده‌ایم و به آنان ماموریت داده‌ایم تا طرح‌های کلان را از نظر مجری، ساختار، کارفرما، موضوع و میزان نیازمندی ارزیابی کنند تا نظر آنان در کارگروه شورای عالی بررسی و در نهایت تصویب شود. بر همین اساس، امکان لغو یا واگذاری طرح‌ها وجود دارد. البته در حال حاضر شرایط بدین گونه است که دستگاه متقاضی باید ۵۰ درصد اعتبار مورد نیاز طرح را تامین کند.وی در ادامه پیرامون پارک‌های علم و فناوری گفت: از اولویت‌های معاونت پژوهشی وزارت علوم ترغیب و حمایت به صادرات است و با تفاهم‌نامه‌ای که با معاونت علمی برای حمایت از شرکت‌های صادرات محصول صورت گرفته است کیفیت شرکت‌های دانش‌بنیان و پارک‌های علم و فناوری ارتقا می‌یابد و حضور فعالی در منطقه در خصوص صادرات خواهیم داشت.

احمدی با اشاره به این که تفاهم‌نامه‌ای با معاونت علمی ریاست جمهوری درخصوص خریدتجهیزات ساخت شرکت‌های داخلی به امضا رسیده است، ادامه داد: بر همین اساس ۴۰ میلیارد تومان اعتبار به دانشگاه‌ها تخصیص داده شده است تا تجهیزات آزمایشگاهی خود را در جشنواره‌ای که قرار است در اردیبهشت‌ماه سال آینده برگزار شود خریداری کنند.

معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم در پاسخ به پرسش خبرنگار ما پیرامون تخلفات حوزه پژوهشی نیز گفت: تخلفاتی که خارج از دانشگاه صورت می‌گیرد به معاونت حقوقی وزارتخانه مربوط می‌شود که این معاونت نیز پیگیر مسائل است.وی ادامه داد: معاونت پژوهشی جنبه‌های مختلف تخلفات را بررسی می‌کند و به دنبال ابلاغ قانونی است تا بشود جلوی این تخلفات را گرفت البته اگر قرار است قانونی ابلاغ شود باید نظرات حوزه‌های مختلف‌نیز بررسی شود.وی پیرامون سهم اعتبارات پژوهشی از بودجه کل کشور گفت: سهم اعتبارات پژوهشی از بودجه کل کشور در سال ۹۰، ۰،۴۸ درصد، در سال ۹۱، ۰،۵۳ در سال ۹۲، ۰،۴۱ درصد بوده و در سال ۹۳، ۰،۴۶ درصد است.

افزایش ۲۵ درصدی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی با اشاره به این که در سال ۹۳درمان مستمری‌بگیران در بخش بستری کاملا رایگان است، گفت: حقوق مستمری‌بگیران با احتساب افزایش حقوق به میزان ۲۵ درصد، از ابتدای سال آینده پرداخت می‌شود.

به گزارش مهر، دکتر سیدتقی نوربخش در برنامه گفتگوی ویژه خبری سیما، گسترش و تکمیل پوشش بیمه‌ای و کاهش عوامل فلج کننده ناگهانی اقتصاد خانواده را دو دستور کار مهم مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها برشمرد و گفت: البته در سال ۹۲ هم اقدام هایی مانند کاهش فرانشیز داروهای سرطانی از ۳۰ درصد به ۱۰ درصد و پوشش بیمه‌ای ۱۸۰ قلم داروی بیماری‌های صعب العلاج به دلیل افزایش قیمت ارز صورت گرفت.

نوربخش افزود: سال گذشته تمام داروهای نازایی با ۵۰ درصد کاهش قیمت در اختیار بیماران قرار گرفت. مدیرعامل سازمان تأمین‌اجتماعی با اشاره به این که در سال آینده درمان مستمری‌بگیران در بخش بستری به صورت رایگان انجام خواهد شد، گفت: با توجه به سیاست‌های دولت در مرحله دوم هدفمندی‌یارانه‌هاسهم‌بیمه‌شدگان در پرداخت‌های درمانشان کاهش خواهد یافت.

نوربخش افزود: با توجه به اوضاع و احوال اقتصادی، دولت سیاست‌هایی چون معکوس شدن رشدمنفی اقتصادی ورفتن به سمت رشد مثبت از ۵ و ۶ دهم درصد به نیم درصد در انتهای امسال، فعال شدن پروژه‌های عمرانی، اتخاذ تدابیری برای برقراری بیمه بیکاری را در دستور کار قرار داده است.

وی گفت: در قانون بودجه سال ۹۳ و در تبصره ۲۱ آن حدود دو هزار میلیارد تومان برای بیمه بیکاری در نظر گرفته شده است .

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی بابیان این که حمایت های دولت در بخش دارو افزایش پیدا خواهد کرد گفت: ضمن آن که مبلغ ۶۰۰ میلیارد تومان مشخص شده در بودجه به این بخش تخصیص داده خواهد شد و نظام مدیریتی نوین در ۲۰ درصد از بیمارستان‌ها به اجرا در خواهد آمد.

ناوگان آتش‌نشانی تهران تجهیز شد

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: ناوگان نجات و امداد حریق در سازمان آتش‌نشانی تهران دیروز با بهره‌برداری از ۹۰ خودرو داخلی تجهیز شد.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، دکتر محمدباقر قالیباف شهردار تهران در حاشیه بهره‌برداری از این خودروها توضیح داد: مهمترین موضوع برای مدیریت شهری، ایمنی و سلامت شهروندان‌است‌ویکی از‌مأموریت‌های ذاتی شهرداری‌هم‌موضوع‌تأمین امنیت شهروندان است که امروز با بهترین و به روزترین تجهیزات آتش‌نشانی به مردم خدمات رسانی می‌شود.او افزود: در سال‌های گذشته ۷۵ ایستگاه آتش‌نشانی در تهران فعال بود که تعداد آنها را به ۱۰۳ ایستگاه رسانده‌ایم اما در تلاشیم که در آینده ۱۳۰ ایستگاه فعال داشته باشیم تا مدت زمان حضور آتش‌نشانان به صحنه‌های حوادث به چهار دقیقه برسد.شهردار تهران ادامه داد: تجهیزات خوبی خریداری شده و وضع آمادگی آتش‌نشانان هم بهتر شده است، البته روحیه ایثارگری بالاتری هم در میان این نیروها دیده می‌شود.قالیباف در پاسخ به پرسش «اطلاعات» درباره موضع شخصی‌اش در زمینه حادثه جمهوری هم تأکید کرد: از اصول مدیریتی این است که اگر قصوری رخ دهد، مسئولان از مردم عذرخواهی کنند که من به علت این حادثه تلخ از مردم و خانواده‌های قربانیان عذرخواهی می‌کنم.او افزود: سازمان بازرسی شهرداری، با تائید من، گزارشی دقیق از حادثه آتش سوزی منتشر کرد که همزمان باگزارش وزارت کشور بود؛ هر دو این گزارش‌ها به قوه قضائیه ارسال شد و اکنون این قوه باید درباره اینکه جرمی رخ داده است یا خیر، تصمیم گیری و اعلام نظر کند؛ زیرا صلاحیت تعیین جرم با این قوه است. بر اساس این گزارش، ۵۰۰۰ نیروی آتش نشان در قالب موتورسوار، پیاده و داوطلب، برای نجات و امداد در شب چهارشنبه سوری در حالت آماده باش هستند.

نشست «آزادی مسئولانه و تعطیلی رسانه‌ها» برگزار شد

بقیه از صفحه ۳

به گزارش ایسنا، امیر محبیان نیز با اشاره به این‌که مسوولیت، چند تعریف مختلف دارد، توضیح داد: می‌گوییم پاسخگویی، اما پاسخگو به چه کسی؟ پاسخگو به خود، یعنی پایبند بودن به اصول اخلاق حرفه‌ای. پاسخگو بودن به مسوولان نیز به معنی پاسخگویی به قوانین به‌شمار می‌رود. قسمت دیگر پاسخگویی، به خدا و شرع است.

وی ادامه داد: وقتی یک رسانه را تعطیل می‌کنیم، چه در ذهن می گذرد که اقدام به تعطیلی آن کرده‌ایم؟ آیا رسانه را یک بنگاه اقتصادی می‌دانیم، یک بنگاه سیاسی یابه‌مثابه یک جریان فکری؛ در حالت اول کافی است که مکانیزم‌های مالی آن رسانه کنترل شود که این اتفاق، موجب می‌شود رسانه به‌صورت خودبه‌خود تعطیل شود، در حالت دوم، اگر یک رسانه را نهادی سیاسی بدانیم طبیعتا همه‌ی رفتارهای آن را سیاسی تلقی می‌کنیم و در مجازات نیز با آن سیاسی برخورد می‌کنیم.

او افزود: در زمانی، آوانتوریسم یا همان «ماجراجویی رسانه‌ای» صورت گرفت که به‌دلیل خامی در برخورد مسوولان، آن افراد مشهورتر شدند. چنین روندی باید اصلاح شود.

الیاس حضرتی ادامه داد: ما تکلیف خود را در خیلی از موضوعات نمی‌دانیم؛ مثلا به احزاب به‌عنوان یک پدیده و موضوع زائد نگاه می‌کنیم که کلا باید حذفش کرد. چنین نگاهی درباره‌ی رسانه‌ها نیز وجود دارد و از آنجا که نمی‌توانیم با آن‌ها کنار بیاییم یا به‌طور کامل حذف‌شان کنیم، به‌صورت کج‌دار و مریز با آن‌ها رفتار می‌کنیم.

حسن نمکدوست تهرانی استاد رشته‌ی ارتباطات نیز با اظهار خوشحالی نسبت به این‌که برای نخستین‌بار است که موضوع توقیف رسانه‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد، چون هیچ‌گاه چنین جرأتی وجود نداشته است، بیان کرد: ما باور داریم که ساختار رسانه‌ای ایران توسعه نیافته و اگر بخواهیم یک کلیدواژه برای این توسعه‌نیافتگی پیدا کنیم، آن واژه «توقیف» است.

سیدفرید قاسمی در ادامه‌ی این نشست با اشاره به نقل قولی از وزیر علوم دوران مشروطه، بیان کرد: نماینده‌های دوره‌ی اول مشروطه به‌سراغ مهدی‌قلی هدایت – وزیر علوم – رفتند و او را به مجلس خواندند تا با هم درباره‌ی قانون مطبوعات سخن بگویند.

وزیر علوم در همان زمان درباره‌ی توقیف مطبوعات گفت که توقیف، کمال بی‌اعتدالی است.

برای هر چیز کوچکی روزنامه توقیف شود این ظلم است.در ادامه‌ی این نشست، مجید رضاییان گفت:ابتدا باید روشن کنیم که ژورنالیسم زیرمجموعه‌ی فرهنگ است یا سیاست. به‌دلیل وجود نداشتن احزاب، روزنامه‌نگاری ما به یک روزنامه‌نگاری سیاسی، رسمی و دولتی تبدیل شده است، البته من به هیچ عنوان نمی گویم که روزنامه‌نگاری دولتی نباید وجود داشته باشد؛ اما می گویم اگر آزادی بیان را بپذیریم، فقط روزنامه‌نگاری دولتی را نمی‌شناسیم.

باید موضوع احزاب حل شود تا بتوانیم به نقطه‌ای برسیم که روزنامه‌ها نقش احزاب را بازی نکنند.

حسین انتظامی – معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی – نیز که از جمله مهمانان این نشست بود، در پایان اظهار کرد: امیدوارم این مباحث به مطالبه‌ی عمومی تبدیل شود و از دل آن، یک نظام حقوقی بیرون آید.

وقتی ما به کرسی‌های آزاداندیشی معتقد هستیم، یکی از پایه‌های آن، برگزاری همین نشست‌هاست.

سازمان نظام پزشکی:۲پزشک متخلف از طبابت محروم شدند

معاون انتظامی سازمان نظام پزشکی گفت: طی بررسی پرونده پزشکانی که دریافت‌های خارج از تعرفه داشتند، دو پزشک از طبابت محروم و ۶ پزشک دیگر تذکر گرفتند یا توبیخ شدند.

علی فتاحی در گفت‌وگو با فارس از برخورد نظام‌پزشکی با پزشکانی که دریافت‌های خارج از تعرفه داشتند، خبر داد و گفت: برخورد با پزشکانی که بیش از تعرفه مصوب از بیماران دستمزد می گیرند، در سازمان نظام‌پزشکی موضوع جدیدی نیست و همواره در صورت شکایت بیمار با این پدیده برخورد شده است.وی در پاسخ به اینکه اگر مردم شکایت نکنند، شما نظارت و برخوردی نخواهید کرد، گفت: نظارت با این موضوع برعهده وزارت بهداشت است، نه نظام‌پزشکی و ما فقط با تخلف‌هایی که به ما منعکس می‌شود، برخورد می کنیم.معاون انتظامی سازمان نظام پزشکی در مورد تشکیل کمیسیون ویژه‌ای برای برخورد با پزشکان زیر میزی‌بگیر، نیز گفت:از دو سه ماه گذشته کمیسیونی متشکل از نماینده وزارت بهداشت، دانشگاه‌های علوم پزشکی و سازمان نظام پزشکی برای برخورد با این موضوع تشکیل شد و ۲۳ پرونده در این کمیسیون پیگیری و برای ۱۴ مورد آن در دادگاه بدوی حکم صادر شده است که قابل تجدیدنظر است .

ترحیم

بنام پادشاه زیبائیها
ماه کنعانی من، مسند مصر، آن تو شد
وقت آن است که بدرود کنی، زندان را
هزاران افسوس که خاموشی نور پرفروغ زندگی سرشار از خیر و زیبایی فرشته الهی‌مان،
سرکار خانم فاطمه کیهان
را به اطلاع عزیزانمان می‌رسانیم. مراسم ختم آن بزرگوار روز سه شنبه ۹۲/۱۲/۲۷ از ساعت ۱۴ لغایت ۱۵/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب برقرار است.
خانواده: کیهان و خانواده‌های وابسته.

بازگشت همه بسوی اوست
بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحومه مغفوره شادروان **بانو اقدس سرپاش** کارمند بازنشسته بانک ملی ایران و همسر آقای حسن صفابخش را به اطلاع اقوام، دوستان و آشنایان محترم می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ختمی روز ۳شنبه مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۲۷ از ساعت ۳/۳۰ الی ۵ در مسجدالغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
حضور شما سروران عزیز و گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: سرپاش - صفابخش و سایر بستگان و آشنایان

هوالباقی
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **جناب آقای محمود کریشچی خیابانی** بزرگ خاندان را به اطلاع دوستان و آشنایان میرساند. در سوگ این عزیز از دست رفته مراسم ترحیمی در روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۳/۱/۳ از ساعت ۱۷ الی ۲۰ در منزل آن مرحوم واقع در بلوار میرداماد ـ خیابان هفتم نفت شمالی، پلاک ۵۴ برگزار می گردد.
حضور سروران و عزیزان التیام‌بخش آلام بازماندگان می‌باشد.
خانواده‌های: کریشچی خیابانی، هاتف بنان و سایر فامیل‌های وابسته

در نهایت تأسف و تألم درگذشت پدری مهربان، فداکار و دلسوز مرحوم مغفور شادروان **حسین آقا اسمعیلی** را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان می‌رسانیم. به همین مناسبت مجلس ختمی روز دوشنبه ۹۲/۱۲/۲۶ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر، از ساعت ۱۴/۴۵ الی ۱۶/۱۵ منعقد می گردد.
خانواده مرحوم

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **محی‌الدین خالقیان** وکیل پایه یک دادگستری را به اطلاع می‌رساند. مجلس ختم از ساعت ۱۹ تا ۲۰/۳۰ روز دوشنبه ۹۲/۱۲/۲۶ در مسجد الرضا(ع) واقع در میدان نیلوفر برگزار می گردد.
کانون وکلای دادگستری مرکز

فقط او ماناست



با نهایت تاسف درگذشت **حاج غلامرضا قیصری خوانساری** نویسنده، مترجم، استاد دانشگاه و بزرگ خاندان قیصری را به استحضار همگان می‌رساند.
مجلس یادبود روز دوشنبه ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ از ساعت ۱۶ تا ۱۷/۳۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی منعقد است. حضور دوستان موجب آرامش روح آن مرحوم و تسلای خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده قیصری

انالله و انااليه راجعون
باکمال تاثر و تاسف درگذشت مرحوم مغفور **حاج علی غیاثی** رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل موسسه خیریه غیاثی را به اطلاع اقوام و دوستان و سروران عزیز می‌رساند. مراسم تذکر و ختم آن مرحوم مبرور روز پنجشنبه ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در مسجداعظم قلهک واقع در خیابان شریعتی ابتدای خیابان دولت منعقد می‌باشد.
خانواده‌های محترم: غیاثی، کاشانی‌پور، ورشوچیان و سایر خانواده‌های وابسته

«انالله و انااليه راجعون»
باکمال تأثر و تأسف به اطلاع می‌رساند، بزرگ خاندان غیاثی از تبار نیکان، بنیانگذار، ریاست هیأت مدیره و مدیرعامل بیمارستان خیریه غیاثی، دار فانی را وداع و به لقاءالله پیوست. مراسم ترحیم آن عزیز از دست رفته در روز پنجشنبه ۹۲/۱۲/۲۹ از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در مسجداعظم قلهک، واقع در خیابان شریعتی، ابتدای خیابان دولت، منعقد می گردد.
از طرف پزشکان، پرستاران، کارکنان بیمارستان خیریه غیاثی

«کل نفسٍ ذائقة الموت»
باکمال تأثر و تاسف به اطلاع می‌رساند. **جناب حاج علی غیاثی** بنیانگذار بیمارستان خیریه غیاثی و خیر بزرگوار دارفانی را وداع گفته است.
مراسم بزرگداشت آن عزیز از دست رفته در روز پنجشنبه ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ در ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در مسجداعظم قلهک، واقع در خیابان شریعتی، ابتدای خیابان دولت برگزار می گردد.
پزشکان، پرستاران- کارکنان بیمارستان پاستورنو

مادرم ارزش بودنت را همیشه از اندیشه یک لحظه نبودنت می توان فهمید
با اندوه فراوان درگذشت مادر گرانقدرمان مرحومه **بانو عالیه علمی** همسر زنده‌یاد حاج مصطفی منصوری را به اطلاع می‌رساند. ضمناً مجلس ختم آنمرحومه از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ روز دوشنبه ۹۲/۱۲/۲۶ در مسجد الجواد(ع) واقع در میدان ۷تیر برگزار می گردد.
محمد و احمد منصوری

یادبود

هوالباقی
دهم اسفندماه سال ۱۳۹۲ مصادف با درگذشت جانسوز عزیز از دست رفته‌مان فقید سعید روانشاد **استاد دکتر کامل شادپور** پزشک حاذق اندیشمند، که در لحظهٔ تا این ایام با نام و یاد او زیسته‌ایم، و خاطره‌اش را هرگز نمی‌توانیم فراموش کنیم.
فارغ‌التحصیلان دوره‌های دانش‌آموختگان سالهای تحصیلی ۳۳-۱۳۲۶ دبستان دولتی صدر گیلانی (رشت)

«به یاد دوست»
اگر مرگ داد است بی‌داد چیست
ز داد این همه بانگ و فریاد
از این راز جان تو آگاه نیست
بدین پرده اندر ترا راه نیست
چنان دان که دادست و بی‌داد نیست
چو داد آمدش جای فریاد نیست
برین کار یزدان ترا راز نیست
اگر جانت با دیو انباز نیست



با پذیرش تقدیر، یاد و خاطره فرزند و برادر عزیزمان **علی نورانی‌پور** را در هفتمین سالروز پرواز ابدی‌اش گرامی می‌داریم.
هزینه مراسم صرف امور خیریه شد.
مادر، پدر و برادر

تسلیت

جناب آقای مهندس احمد منصوری
ضایعه بزرگ درگذشت مادر عزیزتان را به خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحومه طلب مغفرت کرده و برای شما و خانواده محترمتان صبر جمیل آرزومندیم.
شرکت آرمه نو

جناب آقای مهندس احمد منصوری
درگذشت مادر عزیزتان را به خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم، خداوند قرین رحمتش فرماید.
شرکت طلایه‌داران

جناب آقای مهندس منوچهر زاهدی
بانهایت تأسف و تأثر درگذشت اخوی بزرگوارتان **«شادروان آقای نصرت زاهدی»** را خدمت شما و خانواده محترم ایشان و اخوان گرامی تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال صبر و شکیبایی برای خانواده‌های محترم زاهدی و آمرزش الهی و علودرجات برای آن مرحوم را آرزومندیم.
«مهین و یوسف سلیمانی»

جناب آقای سید حبیب‌الله قادریان
معاونت محترم هنرستان جواد موفقیان
با نهایت تأسف درگذشت دایی گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت و غفران و برای شما و خانواده محترمتان طول عمر مسئلت داریم.
از طرف: مدیریت هنرستان ـ همکاران ـ دینی و کلیه اعضای انجمن

خبر درگذشت آقای **دکتر عطاالله مرتضوی** همشهری عزیز باعث تأسف فراوان گردید. مصیبت وارده را به خانواده آن مرحوم و جامعه پزشکان یزدی تسلیت عرض می‌نماییم.
جامعه پزشکان یزدی

همکار گرامی جناب آقای محبوب مرادی
تسلیت واژه کوچکی است بر این مصیبت، ما را نیز در غم خود شریک بدانید.
امیر صفری ـ علیرضا دهناد ـ ابوالحسن نظری‌زاده

همکار گرامی جناب آقای محبوب مرادی
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت گفته ما را نیز در غم خود شریک بدانید. برای آنمرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.
صندوق قرض الحسنه ثامن‌الحجج
کارکنان راه‌آهن بنیاد

جناب آقای مهندس سید محمد حسین دانا
باکمال تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه غفران الهی و برای بازماندگان صبر جمیل آرزومندیم.
مدیریت و کارکنان شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا)

خانواده‌ی ارجمند جناب آقای دکتر عطاءاله مرتضوی
بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما تسلیت عرض نموده و بقای عمر بازماندگان را از خداوند متعال خواستاریم.
دکتر داریوش آقاخانی ـ دکتر افسانه آزموده

کل نفسٍ ذائقة الموت
جناب آقای قائمی معاونت محترم مرکز آمار ایران
درگذشت والده گرامی موجب تأسف خاطر همه‌ی فامیل گردید. مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن فقیده سعیده علودرجات و برای بازماندگان به ویژه جنابعالی صبر و اجر مسئلت می‌نماییم.
از طرف خانواده رشیدی و دامادها

جناب آقای مهندس غیاثی
بانهایت تأسف درگذشت ناگهانی برادر گرامیتان **آقای حاج علی آقا غیاثی** را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نمایم.
لنگرود ـ سید ذبیح‌الله شیربچه

اردبیل - خانواده محترم طاحونه
مصیبت وارده را به حضور کلیه بازماندگان محترم تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال شادی روح آن مرحوم را مسئلت دارم.
ودود ذکری

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت **دکتر کاظم رادان** عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اهواز را به جامعه محترم پزشکی و خانواده محترم ایشان تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم غفران الهی و برای کلیه بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.
انجمن اورولوژی ایران

جناب آقای مهندس محمد بهشتی
بانهایت تأسف و تأثر عروج ملکوتی پدر مهربان و بزرگوارتان استاد فرهیخته و دانشمند گرانقدر را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نمائیم. برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبائی آرزومندیم.
شیراز - مقدسی - امامی - جمشدیان تهرانی - رضوی

سپاسگزاری

ضمن تقدیر و تشکر از کلیه عزیزانی که از طریق تلفن، درج در روزنامه و تشریف فرمایی حضورتان در مراسم تشییع و ترحیم عزیزمان شادروان **حاج محمود قاسم‌زاده خلخالی** در کرج و طالش موجبات تسلی خاطر بازماندگان را فراهم نموده‌اید، نهایت تشکر و سپاس قلبی خود را حضورتان تقدیم می‌داریم.
خانواده‌های: قاسم‌زاده و محبوبی

آگهی تغییرات شرکت مهتاب سیر جم سهامی خاص به شماره ثبت ۳۲۹۸۶۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۹۳۸۶۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضاء هیأت مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: آقای علی جهاندیده کد ملی ۵۰۷۹۷۹۰۱۷۲ به نمایندگی از طرف شرکت توسعه ترابر ریلی ایرانیان به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۵۶۰۴۸، آقای غلامرضا رزازی کد ملی ۰۰۴۱۶۸۴۱۰۹ به نمایندگی از طرف شرکت توسعه صنایع ریلی ایرانیان به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۷۲۹۷۳، آقای محمد سعید نژاد کد ملی ۰۰۴۳۷۴۷۵۴۱ به نمایندگی از طرف شرکت فارسیسان آسیا به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۳۸۴۷۷، آقای فرشاد ابراهیم پور کد ملی ۱۸۴۱۵۵۱۰۶۶ به نمایندگی از طرف شرکت توسعه ترابر ایرانیان به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۲۸۹۸۳ و آقای احمد استاد حسین کد ملی ۰۰۴۵۶۱۷۰۰۷ به نمایندگی از طرف شرکت حمل و نقل ریلی نورالرضا اصفهان به شناسه ملی ۱۰۲۶۰۴۲۰۷۴۴
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۴۱۲۸۴۱ـ۹۷۵۰۹/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

* *

آگهی تغییرات شرکت توسعه تجارت غرب ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۲۳۸۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۳۶۳۵۷
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۱ تصویب شد. مؤسسه حسابرسی ایران مشهود با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۲۲۹۷۳ به عنوان بازرس اصلی و جناب آقای محمدرضا گلچین پور با کد ملی ۰۰۴۲۳۳۳۸۱۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب شدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات برای درج آگهی و اطلاعیه‌های رسمی شرکت انتخاب شد.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۴۴۳۹۶۲ـ۹۷۵۲۷/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

* *

آگهی تغییرات شرکت نسیم تجارت فردا سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۳۲۶۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۳۹۰۳۹
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۱/۱۲/۳۰ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی ایران مشهود با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۲۲۹۷۳ به عنوان بازرس اصلی و جناب آقای محمدرضا گلچین پور با کد ملی ۰۰۴۲۳۳۳۸۱۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات برای درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۴۳۹۷۶۷ـ۹۷۵۲۶/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

* *

آگهی تغییرات شرکت آینده نگر توسعه خاورمیانه شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۲۱۶۹ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۳۵۹۶۴
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۱ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی ایران مشهود به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۲۲۹۷۳ به عنوان بازرس اصلی و آقای محمدرضا گلچین پور به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات برای درج آگهی شرکت انتخاب شد.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۴۴۳۵۴۴ـ۹۷۵۲۴/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت گروه مهندسین پاورز سهامی خاص به شماره ثبت ۱۵۶۱۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۷۴۶۸۳
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: خانم طاهره خزائلی با کدملی ۸ـ۱۹۷۷۰۴ـ۰۵۳ به سمت بازرس اصلی و خانم ماندانا مدرسه با کدملی ۹ـ۹۸۵۷۴۰ـ۰۰۳ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات برای آگهی‌ها انتخاب گردید. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰ به تصویب رسید. آقایان منوچهر معتمدی کردستانی با کدملی ۰۰۳۷۶۳۵۱۸۲ و میرصمد حبیبی پاسدار با کدملی ۱۳۷۷۷۳۲۳۷۱ و محمد آقامحسنی با کدملی ۰۵۶۹۸۴۹۶۸۳ به عنوان اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۲۴۱۵۳۲ـ۹۵۰۲۰/م الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

* *

آگهی تغییرات شرکت گروه مهندسین پاورز سهامی خاص به شماره ثبت ۱۵۶۱۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۷۴۶۸۳
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای منوچهر معتمدی کردستانی به شماره ملی ۰۰۳۷۶۳۵۱۸۲ به عنوان مدیرعامل و آقای محمد آقامحسنی به شماره ملی ۰۵۶۹۸۴۹۶۸۳ به عنوان نایب رئیس هیئت مدیره و میرصمد حبیبی پاسدار به کدملی ۱۳۷۷۷۳۲۳۷۱ به سمت رئیس هیأت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. امضا کلیه چکها ـ سفته‌ها ـ بروات و سایر اوراق بهادار قراردادها و اسنادی که به نحوی برای شرکت تعهد ایجاد نماید با امضای دو نفر از سه نفر اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۲۴۱۲۱۹ـ۹۵۰۱۹/م الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

* *

آگهی تغییرات شرکت سامانه‌گستر کمال سهامی خاص به شماره ثبت ۳۲۵۴۱۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۵۰۶۵۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۱/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای حسنعلی فردپور به شماره ملی ۶۲۲۹۹۴۲۱۹۴ به عنوان بازرس اصلی، آقای جعفر محتاج به شماره ملی ۱۵۸۱۶۰۶۶۶۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای محمدرضا سیدمحسنی به شماره ملی ۰۴۵۱۶۳۱۶۸۴ به سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و خانم سمیه سادات سیدمحسنی به شماره ملی ۰۰۶۰۳۸۷۰۴۱ به سمت عضو هیئت مدیره خانم الهام سیدمحسنی به شماره ملی ۰۰۷۲۵۳۸۳۱۷ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره حق امضا کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور از قبیل چک، سفته و قراردادها و عقود اسلامی و اوراق عادی و اداری با امضا مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۲۴۰۹۴۷ـ۹۵۰۱۸/م الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

* *

آگهی تغییرات
شرکت مهندسی نوآوران تک‌ساز صنعت شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۸۸۷۵۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۳۱۴۲۳
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ماده چهارده اساسنامه به شرح صورتجلسه اصلاح گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۲۳۵۳۳۱ـ۹۵۰۱۷/م الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت تولیدی و صنعتی خورشید زریوار سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۳۸۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۱۰۴۸۴
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۶/۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موضوع شرکت به شرح ذیل تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید: اداره و بهره‌برداری از کارخانه به منظور تولید مواد غذایی فانتزی رژیمی و عادی و انواع شکلات و آبنبات و مارس و کیک‌های لایه‌ای بیسکوئیت نرم و خشک به منظور تأمین نیاز داخلی و صادرات و تأمین و واردات ماشین‌آلات مورد نیاز اجرای طرح مواد اولیه و قطعات و هرگونه عملیات دیگری که به طور مستقیم و غیرمستقیم با موضوع فعالیت مرتبط باشد واردات ماشین‌آلات تولید پریفرم و ولید و فروش ظروف پت و تولید و فروش ماءالشعیر و نوشابه گازدار و آبمیوه گازدار در ظروف پت. محل شرکت در واحد ثبتی تهران به نشانی میدان ونک خیابان ملاصدرا مابین خیابان شیخ بهائی و بزرگراه چمران پلاک ۲۲۷ طبقه دوم کدپستی ۱۹۹۳۶۳۵۵۵۳ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۲۳۴۱۱۹ـ۹۵۰۱۶/م الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

* *

آگهی تغییرات شرکت سوربن ترابر خزر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۷۶۰۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۷۶۲۹۸
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۱/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ جواد نجفی رازلیقی کدملی ۱۶۵۱۸۳۳۹۳۱ و آقای رضا نجفی رازلیقی کدملی ۱۶۵۰۲۰۵۳۰۹ و آقای ایرج نجفی زادرازلیقی کدملی ۱۶۵۲۰۵۴۱۶۲ به سمت اعضا هیأت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب شدند. ۲ـ فاطمه محمودنژاد کدملی ۲۸۳۰۸۵۸۳۳۶ و خانم مرضیه حسن‌لو کدملی ۰۰۸۱۰۹۴۳۷۱ به ترتیب به سمت بازرسان اصلی و علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب شدند.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۲۳۸۶۵۳ـ۹۵۰۲۶/م الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

* *

آگهی تغییرات شرکت سوربن ترابر خزر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۷۶۰۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۷۶۲۹۸
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۱/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ ایرج نجفی‌زادرازلیقی کدملی ۱۶۵۲۰۵۴۱۶۲ به سمت رئیس هیئت مدیره آقای رضا نجفی‌رازلیقی ۱۶۵۰۲۰۵۳۰۹ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره آقای جواد نجفی‌رازلیقی کدملی ۱۶۵۱۸۳۳۹۳۱ به سمت عضو هیئت مدیره آقای محمدرضا برخورداری (کدملی ۰۰۷۳۳۴۵۹۸۹) به سمت مدیرعامل خارج از اعضاء و سهامداران برای مدت ۲ سال انتخاب شدند. ۲ـ کلیه اوراق بهادار از قبیل چک سفته و برات با امضاء رئیس هیئت مدیره با مدیرعامل متفقاً با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۲۳۸۵۴۹ـ۹۵۰۲۵/م الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

* *

آگهی تغییرات شرکت بازرگانی عصر بهمن سهامی خاص به شماره ثبت ۱۵۷۰۰۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۹۷۲۷۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مؤسسه حسابرسی و خدمات مالی آزمودگان ش م ۱۰۱۰۰۲۵۲۳۳۹ به عنوان بازرس اصلی و آقای مهرداد آل‌علی ک‌م ۰۰۴۵۷۱۳۸۶۳ به عنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای یکسال انتخاب گردیدند. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰ به تصویب رسید. روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۲۳۷۵۴۶ـ۹۵۰۲۴/م الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی اصلاحی شرکت پتروشیمی شازند سهامی عام به شماره ثبت ۶۴۴۷۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۹۴۵۵۵
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: پیرو آگهی صادره به شماره ۱۳۹۲۳۰۴۰۰۹۰۶۰۸۶۸۸ مورخ ۹۲/۶/۳۱ حق امضا به صورت ذیل اصلاح می‌گردد: حق امضای کلیه اوراق و اسناد تعهدآور شرکت به استثناء چک سفته بروات با امضای مدیرعامل به همراه یکی از اعضای هیئت مدیره یا معاون مالی و مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل دو عضو از اعضای هیئت مدیره و یا یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با امضای معاون مالی می‌باشد.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۲۳۵۹۵۸ـ۹۵۰۲۳/م الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

* *

آگهی تغییرات شرکت مجتمع معادن مس تکنار سهامی عام به شماره ثبت ۴۳۴۸۷۳ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۴۱۲۰۱۲
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آدرس شرکت به نشانی: تهران، بلوار میرداماد، خ شاه‌نظری، شماره ۴۱، طبقه دوم واحد ۳ کدپستی ۱۵۴۵۹۴۳۴۳۵ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۲۴۲۴۳۱ـ۹۵۰۲۲/م الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

* *

آگهی تغییرات شرکت صنعتی پلانتا سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۶۵۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۹۰۱۵۸
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای مسعود پذیرا به شماره ملی ۱۷۵۳۳۸۰۱۶۲ به عنوان بازرس اصلی و آقای ناصر تن‌آرا به شماره ملی ۰۰۴۷۱۰۲۰۳۹ به عنوان بازرس علی‌البدل، برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۲۴۲۰۱۳ـ۹۵۰۲۱/م الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

* *

آگهی تغییرات شرکت کیان وین سا سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۷۳۴۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۷۹۷۵۱
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: حسین صرامی به شماره ملی ۱۱۴۱۴۴۹۸۹۷ به سمت رئیس هیئت مدیره زهره بخشی‌زاده به شماره ملی ۱۸۱۶۸۹۷۳۴۵ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و احمد صرامی به شماره ملی ۱۱۴۰۴۷۵۹۳۲ و بهاره صرامی به شماره ملی ۴۷۲۲۹۶۳۰۷۱ و انسیه صرامی به شماره ملی ۰۴۵۱۴۱۴۸۸۸ و فریدون علیزاده هلیلی به شماره ملی ۱۸۱۷۶۹۸۵۲۴، خارج از اعضاء هیئت مدیره به عنوان مدیر عامل شرکت انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور اعم از چک‌ها، بروات، سفته‌ها و سایر اسناد تجاری و بانکی و قراردادها و غیره با امضای متفق مدیر عامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره و در غیاب مدیر عامل با امضاء رئیس هیئت مدیره و یکی از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد و امضاء کلیه نامه‌ها و مکاتبات عادی و جاری با امضاء مدیر عامل همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیر عامل با امضاء یکی از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. هیئت مدیره اختیارات مندرج در بندهای ۱ـ۴ـ۶ـ۷ـ۸ـ۱۰ـ۱۲ـ۱۳ـ۱۴ـ۱۵ ماده ۴۰ اساسنامه را به مدیر عامل تفویض نمود.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۰۸۳۵۵۰ـ۹۳۵۷۷/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات
شرکت مهندسی و توسعه انرژی پایدار سهامی خاص به شماره ثبت ۱۲۳۵۲۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۶۹۹۶۸
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای رضا رحیمی کد ملی ۰۰۵۲۷۶۳۰۵۶ به عنوان بازرس اصلی و آقای علیرضا رحیمی کد ملی ۵۲۶۸۴۷۵۳۸۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای سال ۱۳۹۲ انتخاب گردیدند.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۰۸۳۷۵۹ـ۹۳۵۷۶/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

* *

آگهی تغییرات
شرکت تکلم شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۳۳۵۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۸۷۸۹۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مؤسسه حسابرسی مفید راهبر به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۳۶۵۳۱ به سمت بازرس قانونی برای یک سال مالی انتخاب گردید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضای هیئت مدیره به شرح ذیل انتخاب شدند. شرکت سرمایه‌گذاری کشاورزی کوثر به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۳۱۹۰۳ ـ سازمان اقتصادی کوثر به شناسه ملی ۱۴۰۰۰۱۸۰۹۶۹ ـ شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنایع و معادن کوثر به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۰۸۴۸۰ ـ شرکت سرمایه‌گذاری صنایع غذائی نماد کوثر به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۳۲۶۹۳ ـ شرکت سرمایه‌گذاری صنایع برق و الکترونیک کوثر ـ صبابه شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۱۲۵۰۴
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۰۸۸۲۵۲ـ۹۳۵۸۴/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

* *

آگهی تغییرات
شرکت خدمات بیمه‌ای مسکن آریا شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۸۸۱۶ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۸۹۲۶۱
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۰۹/۳۰ به تصویب رسید. سازمان حسابرسی به شماره ثبت ۶۸۶۹۲ و به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ به عنوان بازرس اصلی شرکت برای یک سال مالی انتخاب گردید. شرکت گروه سرمایه‌گذاری بانک مسکن شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۸۷۸۴۳ با نمایندگی آقای مزدک حبیبی به شماره ملی ۰۰۶۹۰۱۰۰۱۳ و شرکت عمرانی مسکن گستر شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۰۹۰۶۰ با نمایندگی آقای حمید خالقی مقدم به شماره ملی ۰۸۵۹۲۱۷۶۴۷ و شرکت لیزینگ گستر آریا شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۹۳۷۴۰ با نمایندگی آقای مسعود محمودزاده به شماره ملی ۲۵۹۳۱۶۵۸۱۲ و شرکت سرمایه‌گذاری اندیشه گستر فردا شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۲۷۳۴۳ با نمایندگی آقای محمدرضا کیارستمی به شماره ملی ۰۴۵۳۱۶۹۸۰۵ و شرکت کارگزاری بانک مسکن شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۰۲۷۹۰ با نمایندگی آقای مرتضی فرجی به شماره ملی ۰۰۴۹۶۳۲۶۳۹ به سمت اعضاء هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالنتشار اطلاعات و دنیای اقتصاد جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شدند.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
۳۰۹۸۳۶۱ـ۹۳۵۸۶/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کدپستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و هشتم

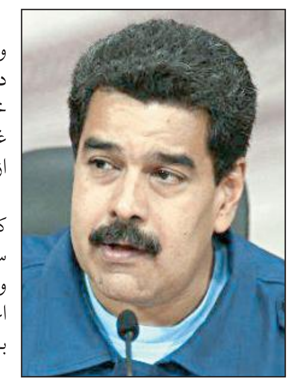
تقویم اطلاعات

دوشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۲

۱۵ جمادی الاول ۱۴۳۵ - ۱۷ مارس ۲۰۱۴

ظهر شرعی	۱۲ و ۱۳ دقیقه
غروب آفتاب	۱۸ و ۱۳ دقیقه
اذان مغرب	۱۸ و ۳۱ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۳۱ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۴۸ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۱۱ دقیقه

«مادورو» به معترضان ونزوئلایی هشدار داد



سرویس خارجی: رئیس جمهوری ونزوئلا به معترضان در کاراکاس هشدار داد که باید میدانی را که به عنوان پایگاه خود اشغال کرده‌اند، تخلیه کنند و در غیر این صورت توسط نیروهای امنیتی از این مکان اخراج خواهند شد.

میدان «پلازا آلتامیرا» واقع در شرق کاراکاس در جریان شش هفته ناآرامی سراسری در ونزوئلا که تاکنون ۲۸ کشته و ۴۰۰ زخمیبر جای گذاشته است، مرکز اعتراضات و ناآرامی‌های ضد دولتی بوده است.

در منطقه «چاکو» نیز دانشجویان معترض که بسیاری از آنها صورت خود را پوشانده اند، به سوی نیروهای پلیس ضدشورش سنگ و کوکتل مولوتوف پرتاب می کنند.

آنها همچنین با استفاده از بقایای خودروهای تخریب شده، اطراف محل تحصن را غیرقابل دسترس کرده اند. نیکلاس مادورو، رئیس جمهوری ونزوئلا به معترضان ضد دولتی که این میدان را به پایگاه عملیات خود تبدیل کرده‌اند، گفت:«من به این قاتل ها تنها چند ساعت فرصت می‌دهم. اگر عقب‌نشینی نکنند،من این مکان‌ها را با نیروهای امنیتی تخلیه خواهم کرد. آنها چند ساعت فرصت دارند به خانه‌های خود بروند.

«قاتلان، آماده باشید، ما داریم به سراغ شما می آییم.»از زمان آغاز موج اعتراضات، دانشجویان و دیگر معترضان از این میدان به عنوان محل اصلی تجمع ضد دولتی استفاده کرده‌اند.

مادورو درجمع نظامیان ونزوئلاگفت: وزارت خارجه آمریکا و پنتاگون، اقدامات خصمانه ای علیه دولت ونزوئلا، از جمله تحریم‌های اقتصادی و حتی ترور مرا طراحی کرده‌اند.

وی در این سخنرانی گفت:«آقای رئیس جمهوری آمریکا، اگر این پیام را می شنوید، باید بدانید که امضای حکم ترور مادورو، بزرگترین اشتباه زندگی تان خواهد بود.»

دولت آمریکا می گوید، مادورو همانند «هوگو چاوز» رئیس جمهوری فقید ونزوئلا، تهدیدهای امپریالیستی ابداع می کند تا توجه مردم ونزوئلا را از مشکلات اقتصادی و سیاسی داخل کشور به مسائل دیگری معطوف کند. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا دراین ارتباط در واشنگتن گفت: راه‌حل مشکلات ونزوئلادرسرکوب یا فحاشی به آمریکا نیست و آن را باید در گفتگویی دموکراتیک میان ونزوئلایی ها یافت.

درچنین شرایطی، رئیس جمهوری ونزوئلا از واشنگتن خواست به کمیسیون عالی بپیوندد که هدف آن دست یافتن به توافق بعد از اعتراضات این کشور است.

مادورو درجمع شماری از طرفداران خود گفت که کمیسیونی به نام«صلح و احترام دوجانبه به حق حاکمیت دو کشور» بین ونزوئلا و امریکا تشکیل می دهد که شامل نمایندگانی از هر دو کشور و اتحادیه کشورهای جنوب آمریکا (اوناسور) خواهد بود.

مادورو یادآور شدکه «دیوسدادو کابلو» رئیس انجمن ملی را برای هدایت مذاکرات با آمریکا منصوب می کند تا بر اساس حقوق و احترام متقابل با آمریکا گفتگو کند.وی همچنین بر لزوم دیدار با سران دانشجویان معترض تاکید کرد و یادآور شدکه خواستار گفتگو با آنها است.

نظامیان صهیونیست به نمازگزاران مسجدالاقصی حمله کردند



سرویس خارجی: نظامیان رژیم صهیونیستی باحمله به مسجدالاقصی و درگیری با نمازگزاران، درهای مسجد را به روی شهروندان بستند.

در حمله نیروهای ویژه پلیس اسرائیل به نمازگزاران معتکف در صحن های مسجدالاقصی شماری زخمی شدند.

پلیس اسرائیل در یورش به مسجد الاقصی شماری از جوانان طلبه را محاصره کرده و اجازه ورود دیگر طلاب را به داخل مسجد نمی دهد. نظامیان اسرائیلی قصد تخلیه مسجد از نمازگزاران و طلاب را دارند تا برنامه یورش گسترده شهرک نشینان به مسجد الاقصیه به مناسبت جشن های عید مساخر یهودیان که از دیروز آغاز شدراتدارک ببینند. درهمین حین شمار زیادی از طلاب و نمازگزاران در مقابل درب های مسجد الاقصی تجمع کرده‌اند. در چنین شرایطی وزیر جنگ رژیم صهیونیستی گفت: در صورتی که شلیک موشک‌ها از نوار غزه به سمت اسرائیل ادامه داشته باشد، تل آویو احتمالا برای اشغال مجدد نوار غزه دست به کار خواهد شد. "موشه یالون" اظهار داشت: در صورتی که راه‌حل نهایی در خصوص شلیک موشک‌ها از نوار غزه به اسرائیل محقق نشود، تل آویو احتمالا برای اشغال مجدد نوار غزه تلاش خواهد کرد. وی تصریح کرد: برخی بر این باور هستند که سال جاری سال آرامی بود، اما هر کس از اوضاع پشت پرده خبر دارد، می‌داند که این سال از لحاظ امنیتی برای اسرائیل آرام نبود. این مقام اسرائیلی تاکید کرد که تل آویو باید تمامی گزینه‌ها از جمله پیشنهاد وزیر خارجه این رژیم را در خصوص اشغال مجدد نوار غزه مورد بررسی قرار دهد. یالون در خصوص مذاکرات رژیم صهیونیستی با تشکیلات خودگردان فلسطین گفت: من از جمله کسانی بودم که از معاهده اسلو حمایت می‌کردم، اما برایم آشکار شد که فلسطینی‌ها حقوق ما را به رسمیت نمی‌شناسند و در صورتی که فلسطینی‌هااسرائیل رابه‌عنوان "کشور یهود" به رسمیت نشناسند، نمی توان به توافق صلحی سرنوشت‌ساز دست یافت. وی افزود: محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین تلاش کرد از طریق حیله‌های قدیمی، نیرنگ اسلو را تکرار کند و به همین دلیل ما در می یابیم که محمود عباس شریکی برای صلح نیست. این درحالی است که چند جناح چپگرای فلسطینی از رئیس تشکیلات خودگردان خواستند به جای پذیرش چارچوب آمریکا در مذاکرات صلح که به منزله خودکشی است، برای به رسمیت شناخته شدن فلسطین به سازمان ملل مراجعه کند. جبهه آزادی فلسطین، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، حزب خلق و حزب ابتکار ملی فلسطین در بیانیه‌ای مشترک از عباس خواستند مذاکرات صلح با میانجی‌گری آمریکا را رها کرده و برای به رسمیت شناخته شدن فلسطین به سازمان ملل رجوع کند. در این بیانیه ذکر شده است: پذیرش طرح جان کری، وزیر خارجه آمریکا برای امضای قرارداد صلح، مانند خودکشی بوده و پیامدهای وخیمی را در زمینه حقوق مشروع مردم فلسطین در پی خواهد داشت. این در حالی است که مقام‌های رژیم صهیونیستی اظهارنظرهای وزیر خارجه آمریکا را درباره به رسمیت شناخته شدن اسرائیل مورد انتقاد قرار دادند. معاون بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل گفت: برای جامعه بین‌الملل اعمال فشار بر اسرائیل آسان‌تر از فلسطین است. جان کری اخیرا به اعضای کنگره گفته بود جامعه بین‌الملل اسرائیل را به عنوان "کشور یهود" به رسمیت نمی شناسد. وی تلاش مداوم نتانیاهو را برای اعلام علنی این مساله اشتباه خواند. خبر دیگر اینکه پایگاه خبری اماراتی موسوم به "۲٤" به نقل از آنچه منابع آگاه در جنبش حماس خواند، نوشت: خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی این جنبش در آینده‌ای نزدیک به تهران سفر می کند. این منابع همچنین از رایزنی برخی رهبران برجسته حماس و مسئولان ایرانی درباره سفر خالد مشعل به ایران خبر دادند. این رسانه به نقل از منابع خود از گمانه زنی هایی درباره اقامت مشعل در ایران خبر داده است.

وی که تا پیش از آغاز بحران سوریه مقیم دمشق بود، پس از آغاز بحران به دوحه رفت و هم اکنون در پایتخت قطر به سر می برد. منابع مذکور اعلام کردند دیدار قریب الوقوع رئیس دفتر سیاسی حماس از تهران در راستای بازسازی روابط ایران و حماس صورت خواهد گرفت، به ویژه آنکه "علی لاریجانی" رئیس مجلس شورای اسلامی ایران اخیرا طی سخنانی اظهار داشت که تهران حمایت خود را از جنبش حماس که کنترل نوار غزه را به دست دارد، از سر خواهد گرفت. محمود الزهار از رهبران برجسته حماس نیز پیشتر اعلام کرده بود ایران حمایت خود را از جنبش حماس از سر گرفته است.

برگزاری همه پرسی الحاق منطقه کریمه به روسیه



سرویس خارجی: همه پرسی برای استقلال شبه جزیره کریمه از اوکراین و الحاق آن به روسیه، امروز درحالی در این شبه جزیره برگزار می شود که قدرت های غربی و ناتو با آن مخالفت کرده و در این باره هشدار داده اند. تبلیغات همه‌پرسی دیروز متوقف شد تا برگزاری آن با تنش‌های بیشتر همراه نباشد. یکی از مقام‌های شبه‌جزیره کریمه گفت: همه پرسی امروز برگزار می شود اما تبلیغات برای آن از دیروز متوقف شد. وی افزود: این بدان معناست که رسانه‌های کریمه از جمله تلویزیون محلی بایستی تبلیغات را برای این همه‌پرسی متوقف کنند اما تاکید کردن به سکنه برای رای دادن مانعی ندارد. همچنین هیچ محدودیتی برای بیلبوردهای خیابانی که برخی از آن‌ها تصاویری از گل و روبان با پرچم سه‌رنگ روسیه بر رویشان نقش بسته و عبارت "یک آینده ارزشمند را انتخاب کنید" وجود ندارد. از سویی رئیس کمیسیون برگزاری همه پرسی مجلس کریمه اعلام کرد: بیش از ۷۰ ناظر از ۲۳ کشور برای نظارت بر این همه پرسی ثبت نام کرده‌اند. این در حالی است که در پی ادامه درگیری‌ها در اوکراین و نزدیک شدن به زمان برگزاری همه‌پرسی در کریمه، ۲ نفر در شهر خارکف واقع در شمال شرقی اوکراین کشته شدند. هواداران سیاست‌های مسکو و گروهی ناشناس به تبادل آتش پرداختند و تصاویر ویدیویی نیز حاکی از وقوع چندین انفجار است. همچنین حمله به چندین ساختمان از جمله انجمن فرهنگ اوکراین نیز گزارش شده است. در این حال حدود ۵۰۰ تن از تاتارهای منطقه خودمختار کریمه برای اعتراض به همه پرسی که آن‌ها قصد شرکت در آن را ندارند، به خیابان‌ها آمدند. این معترضان با در دست داشتن پرچم اوکراین و سردادن شعار "پوتین برو" و "سربازهای روسی به کشور خود بروید" به یکی از مهم‌ترین خیابان‌ها و بزرگترین منطقه مسکونی تاتارها در منطقه خودمختار کریمه آمدند. این راهپیمایی با شعار "نه به این همه پرسی غیرقانونی" برگزار شد. خبر دیگر اینکه الکساندر تورچینوف رئیس جمهوری موقت اوکراین با صدور دستوری، بیانیه استقلال کریمه را باطل اعلام کرد. نمایندگان پارلمان اوکراین نیز با انحلال پیش از موعد پارلمان کریمه موافقت کردند. در چنین شرایطی بیش از ۵۰ هزار نفر از مردم مسکو در خیابانهای این شهر علیه اشغال شبه جزیره کریمه توسط ارتش روسیه دست به تظاهرات زدند. این درحالی است که معاون نخست وزیر جمهوری کریمه گفت انتظار می رود ظرف دو هفته آینده روبل روسیه به پول رایج شبه جزیره کریمه تبدیل شود.

قطعنامه شورای امنیت

«ویتالی چورکین»نماینده دائم روسیه در سازمان ملل ،پیش نویس قطعنامه شورای امنیت درباره بحران اوکراین به ویژه مخالفت جامعه جهانی با رفراندوم در منطقه کریمه را وتو کرد.اعضای شورای امنیت پیش نویس قطعنامه جدید این شورا راکه توسط اعضای غربی آن یعنی آمریکا، انگلیس و فرانسه تهیه شده بود ،دیشب به رای گذاشتند. به رغم اینکه ۱۳ عضو شورای امنیت با پیش نویس این قطعنامه که خواهان خروج فوری نیروهای نظامی روسیه ازمنطقه کریمه، مخالفت جامعه جهانی با برگزاری رفراندوم در منطقه کریمه و الحاق آن به خاک روسیه و همچنین خواستارحل اختلافات میان روسیه و اوکراین از مسیر مذاکرات سیاسی شده بود،موافقت کردند، رای ممتنع چین و مخالفت روسیه مانع تصویب آن شد.

واکنش غرب و ناتو

دبیرکل ناتو اعلام کرد همه‌پرسی برنامه‌ریزی شده در منطقه خودمختار کریمه غیرقانونی بوده و قوانین بین‌المللی را نقض می کند. آندرس فوگ راسموسن گفت:این همه پرسی نقض مستقیم قوانین اساسی بین‌المللی خواهد بود و هیچ مشروعیت سیاسی یا جنبه قانونی نخواهد داشت. جان کری وزیر خارجه آمریکا نیز در کنفرانس خبری پس از گفت‌وگو با سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه برگزاری رفراندوم در کریمه را نقض قوانین بین‌المللی دانست. کری تأکید کرد در صورت برگزاری این همه‌پرسی، روسیه تحریم خواهد شد. وزیر امور خارجه آمریکا پس از مذاکرات شش ساعته با همتای روسی خود گفت: ما در این مذاکرات به موضع مشترکی دست نیافتیم و در حال حاضر همه چیز به واکنش ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه نسبت به همه پرسی امروز منطقه خودمختار کریمه بستگی دارد. وی گفت: لاوروف صریحا اعلام کرد که پوتین آماده هیچ گونه تصمیم گیری در رابطه با بحران اوکراین تا پیش از برگزاری همه پرسی کریمه نیست. لاوروف نیز پس از این دیدار گفت: روسیه به نتایج همه پرسی در شبه‌جزیره کریمه احترام می گذارد. از طرفی وزیر خارجه انگلیس با ابراز تاسف از بی نتیجه ماندن مذاکرات وزیران خارجه آمریکا و انگلیس درباره بحران اوکراین، خواستار واکنش محکم و یکپارچه اتحادیه اروپا به اقدامات روسیه شد. این درحالی است که ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه اعلام کرد: تصمیم برای برگزاری همه پرسی در جمهوری خودمختار کریمه با قوانین بین المللی مطابقت دارد.

رهگیری پهپاد آمریکا

یکی از گروه‌های فناوری و تسلیحاتی روسیه اعلام کرد، یک فروند پهپاد نظارتی آمریکا بر فراز منطقه خودمختار کریمه رهگیری شده است. این پهپاد سالم به دست نیروهای دفاع شخصی منطقه کریمه افتاده که از تجهیزاتی برای فرود این هواپیمای بدون سرنشین استفاده کرده‌اند.

خبر دیگر اینکه حجم زیادی سلاح شامل موشک‌انداز، مسلسل و مهمات از یکی از پایگاه‌های نظامی غرب اوکراین به سرقت رفته و این مساله نگرانی ها درباره وقوع حملات مسلحانه و اقدامات تحریک‌آمیز در اوکراین و کشورهای همسایه آن را شدت بخشیده است. در تحولی دیگر وزیران دفاع کشورهای چک، مجارستان، لهستان و اسلواکی با توجه به امکان بروز مناقشه نظامی پیرامون اوکراین، با امضای توافقنامه‌ای جهت گیری‌های نظامی -دفاعی خود را هماهنگ و همکاری‌های نظامی خود را توسعه دادند.

حمله نافرجام به گردهمایی انتخاباتی در «فاریاب» افغانستان

سرویس خارجی: حمله تروریستی به ستاد انتخاباتی یک نامزد ریاست جمهوری افغانستان در استان فاریاب این کشور خنثی شد. تروریست ها با کارگذاشتن مواد منفجره در بین تصاویر یکی از نامزدان انتخابات ریاست جمهوری قصد اقدام تروریستی در این منطقه را داشتند که ناکام ماندند. مقامهای امنیت ملی افغانستان اعلام کردند که چهار نفر را با تصاویری که در بین آنان بمب گذاری شده بود، دستگیر کردند که بازجویی از آنها آغاز شده است.

امنیت ملی افغانستان از نامزدان انتخابات ریاست جمهوری افغانستان که قرار است ١٦ فروردین در سراسر این کشور برگزار شود خواست که در برابر شیوه های جدید حملات تروریستی هوشیار باشند.

پیش از این نیز بر ضد ستادهای انتخاباتی نامزدان انتخابات ریاست جمهوری افغانستان حملاتی صورت گرفته است. گروه طالبان به مردم افغانستان هشدار داده اند که در انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای استانی این کشور شرکت نکنند. درتحولی دیگر «عبدالرحیم وردک»، وزیر دفاع پیشین افغانستان اعلام کرد به نفع دیگر کاندیداها از نامزدی انتخابات ریاست جمهوری کنار می‌رود.

پیش از وی «قیوم کرزی»، برادر بزرگتر حامد کرزی، رئیس جمهوری افغانستان نیزبه نفع «زلمی رسول»، وزیر خارجه سابق افغانستان کنار رفته بود. درهمین حال«عطاالله خوگیانی»، سخنگوی والی «میدان وردک» در جنوب افغانستان در گفتگو با رسانه‌ها اظهار داشت که بر اثر انفجار مین کنارجاده‌ای در منطقه «سیدآباد» این ولایت، دو پلیس کشته و سه نفر دیگر زخمی شدند.به گفته خوگیانی، خودروی پلیس از میدان وردک به مقصد غزنی در حرکت بود که با مین کنار جاده‌ای برخورد کرد.همچنین «سنت‌الله تیمور»، سخنگوی والی «تخار» در شمال افغانستان در گفتگو با رسانه‌ها اظهار داشت که پلیس تاجیکستان، دو ماهیگیر افغان را نزدیکی مرز این دو کشور در منطقه «دشت قلعه» از توابع «دریای آمو» این ولایت به قتل رساندند.این درحالی است که رئیس جمهوری افغانستان با اشاره به آمادگی نظامیان افغان برای تامین امنیت کشور تاکید کرد؛ کابل نیازی به ادامه حضور نظامیان آمریکایی ندارد.

افزایش شمار تلفات درگیری های شمال لبنان به ۱۲ تن



استقرار واحدهای ارتش لبنان در طرابلس

سرویس خارجی:درگیری‌های مسلحانه سه روز گذشته در طرابلس واقع در شمال لبنان تاکنون ۱۲ کشته و ٥٦ زخمی برجای گذاشته است. خبرگزاری ملی لبنان اعلام کرد از شدت درگیری ها کاسته شده و از نیمه های شب گذشته صدای شلیک سلاح هایی مانند آرپی جی شنیده نشده است. براساس این گزارش تنها در برخی محورها گاهی صدای رگبارهای مسلسل شنیده می شود. این درگیری ها بین دو منطقه معروف باب التبانه که مخالفان نظام سوریه هستند و جبل محسن علوی نشینان هوادار نظام سوریه صورت گرفته که با کشته شدن یک تن توسط عناصر ناشناس مرحله جدید و خونین این درگیری‌ها کلید خورد. نیروهای ارتش لبنان بطور گسترده در شهر حضور یافته اند اما بارها خودروهای آنها هدف حملات عناصر مسلح قرار گرفته است. براساس بیانیه ارتش لبنان، در جریان درگیری‌های دیروز و دیشب ۳ خودرو نظامی با شلیک گلوله آرپی جی، آتش مسلسل و پرتاب بمب‌های دست‌ساز هدف قرار گرفتند که به کشته شدن یک نظامی و زخمی شدن ٦ تن دیگر منجر شد. براساس این بیانیه، ارتش لبنان شب گذشته برای کنترل مناطق درگیری مبادرت به پرتاب منور کرد و بلافاصله به منابع شلیک پاسخ داد. ارتش لبنان درصدد توقیف عاملان این درگیری ها و تحویل آنها به مراجع قضایی است.

یورش جمعیت خشمگین به مرکز جامعه هندوهای پاکستان

سرویس خارجی : شهروندان خشمگین کراچی در پی انتشار خبرهایی دال بر بی حرمتی یک هندو به قرآن کریم یک مرکز جامعه هندوها را در جنوب پاکستان به آتش کشیدند.

«انورالقاری»، افسر پلیس پاکستان گفت که این واقعه در شهر «لارکانا» و پس از آن صورت گرفت که برخی گفتند صفحات سوخته قرآن کریم را در سطل زباله ای در نزدیکی منزل یک مرد هندو مشاهده کرده اند.پس از آن یک جمعیت ۲۰۰ نفری به مرکز جامعه هندوها که در نزدیکی یک معبد هندو در این شهر قرار داشت، یورش برده و آن را به آتش کشیدند. به گفته پلیس، بخشی از این مرکز بر اثر آتش سوزی ویران و فردی که اقدام به این بی حرمتی کرده، بازداشت شده است. همچنین پلیس پاکستان اعلام کرد: نیروهای امنیتی در عملیات ضد تروریستی در شهر بندری کراچی مرکز ایالت سند در جنوب پاکستان ۱۲۰ نفر از مظنونان و عناصر اصلی حملات تروریستی، قتل های هدفمند و سایر جرایم سازمان یافته را بازداشت کردند. ازسوی دیگریکی ازاعضای کمیته مذاکره‌کننده طالبان گفت، شورای طالبان تمایلی برای دیدار با هیات دولت پاکستان در وزیرستان شمالی ندارد. «ابراهیم خان»، رهبر جماعت اسلامی پاکستان گفت، توافقنامه‌ای میان گروه «گل بهادر»، یکی از فرقه‌های طالبان پاکستان و دولت در وزیرستان شمالی وجود دارد که به خاطر آن شورا تمایلی به برگزاری نشست در آنجا ندارد.وی دیدار کمیته‌اش با شورای تحریک طالبان را دلگرم‌کننده خوانده و گفت،نتایج مثبت به دست آمده است. ابراهیم خان افزود، تدابیر برگزاری نشستی میان شورای تحریک طالبان پاکستان و هیات دولت صورت گرفته است. در همین حال مولانا«سمیع الحق»،رئیس کمیته‌مذاکره کننده طالبان با «نثار علی خان»، وزیر کشور پاکستان تماس تلفنی برقرار و از دیدارخود با شورای تحریک طالبان مطلع ساخت. وزیر کشور پاکستان نیز به‌این کمیته‌نسبت به‌همکاری‌های لازم برای پیشبرد روند صلح اطمینان داد.وی همچنین ازاعضای کمیته مذاکره‌کننده قدردانی کرده و افزود: دولت پاکستان به طور جدی برای موفقیت روند مذاکرات تلاش می کند.

تظاهرات جهانی در حمایت از دولت و مردم سوریه



سرویس خارجی: هزاران نفر در پایتخت‌های کشورهای غربی در حمایت از مردم سوریه که وارد چهارمین سال درگیری‌ها شده، راهپیمایی کردند. حدود ۱۰۰۰ نفر با در دست داشتن پرچم‌های سوریه و در انتقاد از سکوت جامعه بین‌الملل، در لندن تظاهرات کردند. در بنرهای تظاهرکنندگان خطاب به سازمان‌های حقوق بشر جهان نوشته شده بود "سکوت شما، ما را می کشد، سوری‌ها شایسته زندگی کردن هستند". صدها نفر نیز مقابل کاخ سفید در واشنگتن تظاهرات کردند. بسیاری از سوری‌ها نیز از سراسر آمریکا و کانادا مقابل کاخ سفید تجمع کردند و پرچم‌هایی را به دست داشتند که روی آنها خواستار توقف کشتارها در سوریه و حفاظت از کودکان و غیرنظامیان سوری شده بودند. تظاهرات‌هایی نیز در فرانسه و لهستان در حمایت از دولت سوریه برگزار شد. از سویی مسئول امور بشردوستانه سازمان ملل از جامعه جهانی خواست برای حل سیاسی بحران سوریه اقدامات و تصمیمات جدی اتخاذ کند. والری آموس در بیانیه‌ای مطبوعاتی در خصوص بحران سوریه و ورود آن به چهارمین سال این بحران تاکید کرد: جامعه جهانی باید به خاطر حل سیاسی بحران سوریه تمامی توان خود را به کار بگیرد و اقدامات لازم را اتخاذ کند چرا که در غیر این صورت باید شاهد کشتار و ویرانی بیشتر در سال‌های آتی باشیم. وی خاطرنشان کرد: پس از سه سال از جنگ سوریه بیش از ۱۰۰ هزار تن کشته شده‌اند، کودکان سوری از بیماری‌های زیادی رنج می‌برند و بیمارستان‌ها، مدرسه‌ها و منازل مسکونی ویران شده‌اند. آموس گفت: پس از سه سال از آغاز درگیری‌ها در سوریه، بیش از ۹ میلیون تن به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند، ۲/۵ میلیون تن دیگر آواره شده و حدود ۳/۵ میلیون تن نیز از مشکلات زیادی رنج می‌برند. از طرفی رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا ضمن تاکید بر مسئولیت جامعه جهانی در پایان دادن به بحران سوریه، تشکیل دولت انتقالی و آغاز روند سیاسی در این کشور را خواستار شد. کاترین اشتون در بیانیه‌ای اعلام کرد: درگیری و جنگ در سوریه در حالی وارد چهارمین سال خود می‌شود که بیش از ۱۰۰ هزار تن در این درگیری‌ها جان خود را از دست داده‌اند و بیش از دو میلیون تن دیگر آواره شده و میلیون‌ها سوری نیز که بیشتر آن‌ها کودک هستند به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند. وی با بیان اینکه تاریخ تاکنون تراژدی بدتر از بحران سوریه را به خود ندیده است، از مخالفان و کشورهای دیگر خواست ضمن تلاش برای تشکیل دولت انتقالی، روند سیاسی واقعی برای تشکیل کشور جدید سوریه را آغاز کنند. در این حال رئیس جمهوری فرانسه گفت کشورش بحران سوریه را از یاد نخواهد برد و تلاش‌های خود را برای دستیابی به راه‌حل سیاسی بیشتر خواهد کرد. فرانسوا اولاند تصریح کرد: فاجعه سوریه از سه سال قبل تا به حال ادامه دارد و هر روز بر تعداد قربانیان این جنگ افزوده می‌شود. وی خاطرنشان کرد: زمانی که این کشتارها، آوارگان و تعرض به زنان در سوریه ادامه داشته باشد نمی‌توانیم نسبت به مساله سوریه بی تفاوت باشیم و فرانسه تصمیم ندارد چشمان خود را در مقابل آنچه رخ می‌دهد ببندد. فابیوس مدعی شد: نظام سوریه مسئول اصلی فاجعه انسانی در این کشور است؛ فاجعه‌ای که تاکنون حدود ۱۵۰ هزار کشته و میلیون‌ها آواره را به دنبال داشته و بدترین رخداد قرن ۲۱ است. از سویی بیش از ۲۴ تن از هنرمندان و چهره‌های سرشناس شناخته شده جهان با نوشتن طوماری از سازمان ملل خواستند در جهت حمایت از غیرنظامیان گرفتار در جنگ داخلی سوریه به ویژه آوارگان فلسطینی اقدام کند. این هنرمندان و چهره‌های سرشناس که شامل افرادی نظیر "هیو گرانت"، "اما تامپسون"، "استینگ"، "راجر واترز" و "تریسی امین" هستند، در طومار خود از شورای امنیت سازمان ملل مجمع عمومی این سازمان خواستند مکان‌های امنی را در سوریه برای غیرنظامیان ایجاد کرده و در این کشور آتش‌بس برقرار کنند تا محموله‌های کمکی به دست افراد محاصره شده برسد. آنجلینا جولی، بازیگر سرشناس آمریکایی نیز از جامعه بین‌المللی خواست برای پایان بخشیدن به بحران سوریه قوی‌تر عمل کند. او به‌ویژه به وضعیت اسف‌بار کودکان سوری اشاره کرد و خواستار پایان رنج‌هایی شد که بر آنها تحمیل شده است.

فرار یک‌هزار تروریست از یبرود

منابع امنیتی در سوریه از فروپاشی کامل تشکیلات جبهه‌النصره در منطقه راهبردی یبرود پس از تسلط ارتش سوریه بر آن و دست و پازدن تروریستها برای فرار از این منطقه به سوی لبنان خبر می دهند. تاکنون بیش از یکهزار تروریست از یبرود فراری شده و به سوی منطقه مرزی عرسال در خاک لبنان در حال حرکت هستند. این درحالی است که منطقه مرزی «عرسال» لبنان به‌روی تروریست‌های فراری از یبرود بسته شد. ارتش سوریه نیز در تعقیب تروریست های فراری محل تجمع افراد مسلح را در منطقه مرزی «الرهوه» با عرسال لبنان هدف قرار داد. از سویی وزیر دفاع سوریه با حضور در شهر استراتژیک یبرود از این شهر بازدید کرد. «جاسم فهد الفریج» دیروز پیش وارد یبرود در منطقه القلمون شد. خبر دیگر اینکه سرانجام پس از یک سال فرودگاه بین‌المللی حلب روز گذشته شاهد فرود آمدن اولین پرواز مسافربری خود بود، بدون اینکه مشکل یا مانعی در فرود آمدن هواپیما یا شرایط حاکم بر فرودگاه پیش آید. هواپیمای مسافربری که روز گذشته در فرودگاه بین‌المللی حلب بر زمین نشست حامل تعدادی مسافر غیر نظامی، خبرنگار و وزرای آموزش عالی و تربیت سوریه بود. مسئولان فرودگاه تاکید کردند از هفته آینده فرودگاه بین‌المللی حلب پروازهای خارجی خود را نیز از سر خواهد گرفت. با از سرگیری پروازهای مسافربری فرودگاه بین‌المللی حلب شرکت هواپیمایی سوریه نیز دفاتر خود را در داخل فرودگاه و همچنین مناطق مختلف شهر حلب گشوده و شرکت اتوبوسرانی حلب نیز خطوطی را برای انتقال مسافران از فرودگاه به نقاط مختلف شهر و بالعکس دایر کرده است.

هلاکت فرد شماره دو القاعده مغرب عربی در عملیات ارتش الجزایر

سرویس خارجی:یک منبع امنیتی مسئول در الجزایر اعلام کرد که فرد شماره دو گروه القاعده مغرب عربی توسط ارتش الجزایر به هلاکت رسید.این منبع امنیتی در مصاحبه با پایگاه خبری الشروق آنلاین، تصریح کرد: ابولقمان، مرد شماره دو گروه القاعده مغرب عربی در حالی که قصد داشت از طریق مرزهای تونس و الجزایر وارد الجزایر شود، از سوی ارتش این کشور به هلاکت رسید.این منبع خاطرنشان کرد: با هماهنگی میان ارتش الجزایر و نهادهای امنیتی، خطرناک‌ترین تروریست به نام ابولقمان کشته شد.ارتش الجزایر پیشتر در بیانیه‌ای اعلام کرده بود که هفت تروریست را در منطقه "الخنیق" در فاصله ٤٠ کیلومتری جنوب ولایت "تبسه" به هلاکت رسانده است.از سویی،جمعی از طرفداران و مخالفان رئیس‌جمهوری الجزایر با برگزاری تظاهراتی در پایتخت این کشور موضع خود رادرباره نامزدی مجدد بوتفلیقه در انتخابات ریاست جمهوری آوریل اعلام کردند .با وجود آنکه عبدالعزیز بوتفلیقه ۷۷ ساله، رئیس جمهوری الجزایر سال گذشته میلادی به دلیل سکته ناقص سه ماه در بیمارستانی در پاریس بستری بود نامزدی وی برای چهارمین بار در انتخابات ریاست‌جمهوری سال جاری میلادی امری قابل انتظار بود.در همین راستا نزدیک به ۳۰۰۰ تن از هواداران بوتفلیقه با برگزاری تظاهراتی حمایت خود را از نامزدی عبدالعزیز بوتفلیقه اعلام کرده و برای آنچه که آن را یک دیدار ملی به منظور ایجاد حساسیت در میان جوانان برای شرکت در انتخابات می دانند، در الجزیره گرد هم آمدند.تظاهرکنندگان با سردادن شعارهایی از حکومت ۱۵ ساله بوتفلیقه بر کشورشان حمایت کردند.در مقابل صدها تن از مخالفان نامزدی مجدد بوتفلیقه در انتخابات ریاست جمهوری سال جاری میلادی نیز راهپیمایی صلح آمیزی را به راه انداختند.

***مصر**

جمعی از هواداران اخوان المسلمین مصر با برپایی راهپیمایی شبانه در استان‌های مختلف ضمن محکوم کردن کودتای نظامی، خواهان آزادی بازداشت شدگان و بازگشت مشروعیت شدند.شرکت‌کنندگان در این تظاهرات که به دعوت "ائتلاف حمایت از مشروعیت" و تحت عنوان «مردم با ما هستند تا از دست کودتاچیان رهایی یابیم» برگزار شد، اقدامات نیروهای امنیتی و کودتای نظامی مصر را محکوم کردند .تظاهرکنندگان همچنین با سر دادن شعارهایی علیه عبدالفتاح السیسی، وزیر دفاع مصر و محمد ابراهیم، وزیر کشور خواهان محاکمه رهبران کودتا شدند.از سوی دیگر جمعی از دانشجویان دانشگاه الازهر با برگزاری تظاهرات آزادی بازداشت‌شدگان را خواستار شدند.خبر دیگر اینکه،دولت عربستان پس از تروریست خواندن اخوان‌المسلمین، این بار نام خیابان‌هایی را که با اسامی شخصیت‌های وابسته به اخوان المسلمین نامگذاری شده، تغییر می دهد.

کوتاه از سراسر جهان

تأکید رئیس جمهوری کلمبیا بر مذاکرات صلح با «فارک»



ایسنا: «خوان مانوئل سانتوس»، رئیس جمهوری کلمبیا تأکید کرد در صورت پیروزی در انتخابات، به مذاکرات صلح که از سال ۲۰۱۲ میلادی آغاز شده با گروه «فارک» ادامه خواهد داد. نمایندگان دولت و فرماندهان شبه‌نظامیان فارک سه ماه پیش از انتخابات ریاست جمهوری کلمبیا مشغول بررسی توافق صلح پنج بخشی هستند. مذاکرات برای پایان این درگیری که باعث کشته شدن بیش از ۲۰۰ هزار تن از دهه ۱۹۶۰ میلادی شده، یکی از مسائل مهم پیش از دور اول انتخابات در ۲۵ مه سال جاری میلادی محسوب می‌شود.

درگیری پلیس سودان با معترضان

ایرنا : پلیس سودان از گاز اشک آور علیه یک گروه ۲۰۰ نفره از معترضان ضد دولتی استفاده کرد که در شمال خارطوم شعار سرداده بودند. توسل پلیس سودان به گاز اشک آور و باتوم علیه دانشجویان معترض به تشدید خشونت ها درمنطقه غربی دارفور،به کشته شدن یک نفر انجامید. این خشونت ها باعث شد دانشگاه خارطوم کلاس های درس خود را برای مدتی نامعلوم تعطیل کند.

برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی در صربستان

ایسنا: انتخابات پارلمانی صربستان در حالی برگزار می‌شود که حزب حاکم «پیشرو» پس از آغاز موفقیت‌آمیز مذاکرات برای عضویت در اتحادیه اروپا با حمایت قابل توجه عمومی در این کشور روبه‌روست. دولت کنونی صربستان که توسط «ایویکا داچیچ»، نخست‌وزیر سوسیالیست این کشور اداره می‌شود موفق شد تا پس از عقد یک قرارداد تاریخی با دشمن قدیمی خود کوزوو، حمایت بروکسل برای آغاز مذاکرات با اتحادیه اروپا را به دست آورد.

ابراز تأثر آمریکا از مرگ فعال چینی حقوق بشر



ایسنا: وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد واشنگتن از شنیدن خبر مرگ «کائو شون لی»، فعال حقوق بشر چینی که ماه سپتامبر به دلیل تحصن در محل وزارت امور خارجه چین دستگیر شد شدیدا متاثر است.«کائو»به دلیل ابتلا به سل در زندان ،ازناراحتی شدیدی رنج می بردواندکی پس از انتقال به بیمارستان درگذشت.

بازداشت ۲۰۰ مسلمان اویغور در تایلند

ایسنا: منابع خبری تایلند اعلام کردند که ماموران در عملیاتی، ۲۰۰ اویغور را در یک اردوگاه متعلق به قاچاقچیان انسان در جنوب تایلند بازداشت کردند.بازداشت اویغورها توسط پلیس تایلند در اردوگاهی که در آن اسیر بودند، موج تنش‌های جدیدی را به وجود آورده است. برخی معتقدند که این افراد ساکن «سین کیانگ» چین ، نباید اخراج شوند.

سایت های ناتو هدف حملات سایبری قرار گرفت

ایرنا: چند وب سایت متعلق به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) هدف حملات سایبری قرار گرفتند. « اوآنا لانجسکو» ، سخنگوی ناتو در پیامی در صفحه توییتر خود نوشت که چند وب سایت ناتو هدف حملات سایبری نوع DDoS قرار گرفتند اما تاثیری بر عملیات متحدان این سازمان و یا سیستم های آن نگذاشته است.وی بدون اشاره به مبدا حملات یاد شده افزود که کارشناسان در تلاش هستند تا این سایت ها را به حالت عادی باز گردانند.

درخواست «رایس» از جمهوری‌خواهان



ایسنا: «کاندولیزا رایس»، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا از حزب جمهوری‌خواه خواست تا نسبت به مسائلی همچون مهاجرت، کلی‌نگرتر باشند.رایس در گردهمایی سالانه جمهوری‌خواهان کالیفرنیا گفت: ما نسبت به افرادی که آزادی و حقوقی که ما از آن برخورداریم را ندارند، مسئولیم. ما نمی توانیم از این مساله چشم‌پوشی کرده و آن‌ها را نادیده بگیریم. ما نیز زمانی مثل آن‌ها بودیم.وی سیاست خاصی را در این باره پیشنهاد نکرد.

تنش تازه دیپلماتیک میان هند و آمریکا

ایرنا: وزارت امور خارجه هند دومین اعلام جرم علیه یک دیپلمات کشورش از سوی آمریکا را اقدامی ناامید کننده و تاثیر گذار بر روابط دوجانبه خواند.«سید اکبرالدین»، سخنگوی وزارت امور خارجه هند درباره آخرین وضعیت«دویانی خبراگاد» دیپلمات هندی که در ماه دسامبر گذشته در نیویورک دستگیر و سپس آزاد شد، گفت: تصمیم تازه بخش قضایی وزارت امور خارجه آمریکا مبنی براعلام جرم برای دومین بار علیه دیپلمات هندی ما را ناامید کرد.

کره شمالی ۱۸ موشک کوتاه برد آزمایش کرد

ایرنا : کره شمالی درپی بالا گرفتن تنش ها در شبه جزیره کره و برگزاری رزمایش درازمدت آمریکا و کره جنوبی ۱۸ فروند موشک پرتاب کرد.در مرحله نخست کره شمالی ۱۰ فروند موشک کوتاه برد به سمت آب های شرقی پرتاب کرد که پس از ۷۰ کیلومتر در این مناطق فرود آمد. ستاد کل ارتش کره جنوبی در بیانیه ای اعلام کرد که پیونگ یانگ هشت موشک دیگر نیز پرتاب کرده است.

بانوی اول آمریکا بدون اوباما به چین می رود



مهر : «میشل اوباما »، بانوی اول آمریکا به همراه دو دختر خود و بدون باراک اوباما، رئیس جمهوری این کشور به چین سفر می کند.این سفر سیاسی نیست و برنامه بانوی اول آمریکا در این سفر شامل دیدار از مراکز علمی و اماکن تاریخی چین می شود .البته میشل با همسر رئیس جمهوری چین نیز دیدار خواهد کرد.سفر میشل نوعی دیپلماسی عمومی است که می تواند موجب کاهش اختلافات میان دو کشور شود.

انفجارهای تروریستی بغداد ۲۲ کشته داشت

سرویس خارجی:منابع امنیتی عراق اعلام کردند، انفجار خودروهای بمب گذاری شده در مناطق مختلف بغداد دست‌کم ۲۲ کشته و ۷۰ زخمی برجای گذاشت.بر اساس این گزارش، خودروهای بمب گذاری شده در محله‌های قاهره، العامل، صدر و بغداد جدید منفجر شدند.منابع امنیتی همچنین از افزایش احتمال شمار قربانیان این حملات در ساعات آینده خبر دادند.از سویی،در دیدار وزیر خارجه ترکیه با نخست‌وزیر منطقه کردستان عراق توافق شد تا پنج گذرگاه مرزی جدید در آینده نزدیک میان دو طرف افتتاح شود.احمد داوود اوغلو، وزیر خارجه ترکیه در کنفرانس خبری مشترک با نچیروان بارزانی، نخست‌وزیر منطقه کردستان عراق در شهر کردنشین وان اظهار داشت: سفر بارزانی به این شهر سفر مهمی است و من به دلیل حضور او و برای نخستین بار در وان خرسند هستم. داوود اوغلو، با اشاره به روابط اقتصادی میان ترکیه و عراق اظهار داشت: حجم مبادلات تجاری میان دو طرف به ۱۲ میلیارد دلار می‌رسد که سهم منطقه کردستان عراق بالغ بر ۷۰ درصد این مبادلات است.از سوی دیگر نخست وزیر ترکیه در آنکارا با بارزانی دیدار کرد. این دیدار که پشت درهای بسته صورت گرفت، دو ساعت به طول انجامید.

اجتماعی ۱۶۵
دوشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۲
شماره ۲۵۸۳۶
ضمیمه اجتماعی روزنامه اطلاعات

هزینه سفر بر پیکر نحیف طبیعت!



همزمان با فرارسیدن سفرهای نوروزی، خاطرات تلخ از تشدید تخریب و آلودگی در محیط‌های جنگلی، دریایی، آتش سوزی و انبوه زباله و ترافیک جاده‌ای، نگرانی‌ها را افزایش می‌دهد.

به گزارش خبرگزاری میراث فرهنگی، تجربه گردشگری انبوه در تعطیلات نوروزی و نتایج تلخ هرساله از برخی رفتارهای وندالیستی مسافران، نبود آگاهی عمومی نسبت به طبیعت و نبود تسهیلات برای کاهش فشار و تخریب ها به ویژه در روز ۱۳ فروردین ایجاب می کند، از هم اکنون به فکر کاهش هزینه سفر بر پیکر نحیف طبیعت باشیم.

در صفحات ٤و٥ بخوانید



خواص و عوارض آجیل

صفحه ۲



یکی یکدانه های مضطرب

صفحه ۳



گردشگری بدون کنترل در مناطق آزاد

صفحات ۵و٤



نابودی کاشیکاری خانه پدر چای ایران

صفحه ۶

یادداشت

شادی مهارت است

● فاطمه وفسی دخت

«شـادی ناخالص ملی» که شـاید برای ما ناآشنا به نظر برسـد، نام شـاخصی مبتنی بر زندگی بهتر اسـت که در دهه ۱۹۷۰ میلادی در کشـور بوتان ارائه شـد. ثروت، سـلامتی، عوامـل وراثتـی و وجود جامعـه باز و نهادهـای اجتماعی دموکراتیک هرکدام می توانند به عنوان تأمین کننده یا تقویت کننده شادی نقش آفرینی کنند. به گفته کارشناسان، گسترش شـادی روابط اجتماعی را گرمتر و مسـتحکم تر می کند و مشارکت سیاسی را افزایش می دهد.

طبیعتاً آن که از سـلامتی، خانواده خوب، شغل مناسب، درآمد کافی و آسـودگی ذهنی برخوردار باشد، در مقایسه با کسـی که سراسیمه در جسـتجوی فراهم کردن اجاره عقب افتاده خانه، هزینه دارو و رفع و رجوع مشکلات خانوادگی اسـت، شادتر است. شاید حل بسـیاری از این مشکلات در سطح کلان نیازمند وقت و زمینه چینی های فراوان باشد، ولی می بینیم و می شنویم که در کشورهای گوناگون به بهانه های مختلف روزهای خاصی برای شادی در نظر گرفته می شود. جشن های خیابانی مانند پرتاب گوجه فرنگی و مبارزه با بالش که به مناسبت های مختلف برگزار می شود. با بیرون کشیدن افراد از قالب روزمره و رهاسازی بخشی از هیجان انباشته شده جامعه و با تلطیف فضای موجود، شادیِ به فراموشی سپرده شده را رنگ و رویی می بخشد.

حال در نظر بگیرید قواعد فرهنگی و اجتماعی را که از کودکی به آن خو گرفته ایم؛ قواعدی که افراد را از زیاد خندیدن نهی و سنگین و رنگین بودن را رفتار پسندیده اجتماعی معرفی مـی کننـد؛ قوانین عرفی که تمایل عمومی به حزن را تقویت می کننـد، بـه بزرگ نمایی غم ها کمک مـی کنند و موجب سرایت آنی اندوه و حتی نوعی مقاومت در برابر تأثیرپذیری از شـادی اطرافیان می شوند و تشخیص مرزبندی دقیق میان شـاد بودن، الکی خوش بودن، جلف بودن یا مسخره بودن را در فرهنگ پیچیده مان با مشکل روبرو می کنند.

یافتن دلیلی برای ناراحتی کار سختی نیست، کافی است روزی نیم ساعت پیچ تلویزیون را باز کنید. دنبال کردن اخبار، خود بهترین راه برای ایجاد و تداوم اندوه است. ولی ایجاد و تقویت شـادی سالم و بدون بویی از تمسخر، لودگی یا هزل نوعی هنر اسـت. شاد شـدن، شاد بودن و شاد ماندن مهارتی اسـت که باید آن را کسـب و تقویت کرد و به نظر می رسـد وارد کردن قدری خودآگاهی به این موضوع بتواند ثمربخش باشد. کسی در پی انکار مشکلات بزرگ و کوچکی که همه با آن دست به گریبانیم، نیست؛ ولی می توانیم در آن بخشی که قابل تغییر اسـت، اراده خود را به کار بندیم. با در نظر گرفتن این که کارشناسـان هدفمندی را از زمینه های زندگی شـاد می داننـد، انتخاب هدفی زمـان دار می تواند امید و انگیزه را تقویـت کند. ورود به ایـن جریان، فرد را وارد چرخه ای می کند که تا خودش نخواهد، از آن خارج نخواهد شد: هدفمندی امید می آورد، امید موجب تلاش می شود، تلاش به موفقیت می انجامد، موفقیت شادی می آورد، شادی هدف می سازد، هدفمندی امید می آورد، ....

طفلی به نام شادی



شادی احساسی درونی است که تحت تأثیر عوامل گوناگون، از جمله دگرگونی آب و هوا یا تغییرات حساب بانکی کاهش یا افزایش می یابد.

سـید محسن موسـوی، نویسنده کتاب «شـادمانی» در بخشـی از مقدمه کتابش آورده است: هرچند آسیب های اجتماعی نظیر طلاق، فسـاد، خشونت، اعتیاد و غیره، در صدر مسایل اجتماعی جامعه ما شناخته می شوند و هنوز نبود شـادی به یک مسـاله اجتماعی تبدیل نشـده است، ولی باید گفت این مسایل همگـی وجه منفی همان چیزی اسـت کـه توجه و تمرکز بر وجه مثبت آن (که بخشی از آن شادمانی است)، می تواند تا حد قابل توجهی از میزان و آثار مخرب این آسیب ها بکاهد.

وی در بخشـی از این کتاب درباره تاریخچه پژوهش شادمانی آورده است: از دهـه ۱۹۶۰ میـلادی بـه بعد، علاقه روزافزونـی دربـاره این که احسـاس افراد نسـبت به زندگی شـان در قالب مطالعات خوشـبختی ذهنی ایجاد شد؛ پژوهش هایی که بر اساس ارزیابی کلی از زندگـی و با بررسـی گزارش افراد از میزان شـادمانی و رضایت از زندگیشان انجام می شد.

ادامه درصفحه ۷



مقاله

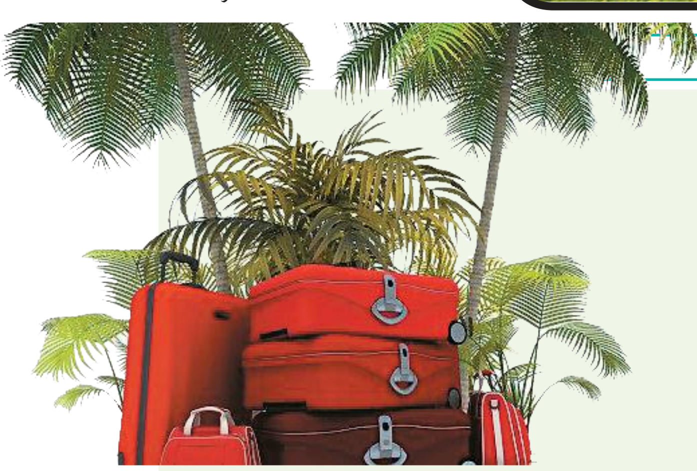
ملزومات سفر

مترجم: آرش میری خانی

عید آرام، آرام از راه می‌رسد. در این میان بسیاری تصمیم دارند تا با اسـتفاده از تعطیلات نوروزی به سـفر بروند و در خلوت دور از غوغای شهرها، اندکی بیاسایند.

سـفر از دیرباز برای انسان خوشـایند بوده و تفریح هم که همواره جزو لاینفک زندگی ماست. این در حالی است که متاسفانه فرهنگ سفر در بسـیاری از کشـورها از جمله ایران، آنطور که باید، جای خود را باز نکرده است.

بسـیار دیده می‌شـود که ما فقط سـفر را رفتن به جاده و رسیدن به مقصد می‌دانیم. در این حال عجله مضاعف برای استفاده از تعطیلات هم باعث می‌شود تا بسیاری از ملزومات سفر از قلم بیفتد. و این مهم موجب خواهد شـد تا در برخی موارد نتوانیم بصورت شایسته از اوقات فراغت خود بهره ببریم. در این مقاله بر آنیم تا به برخی نکات ضروری به منظور داشتن سفری آرام، خوش و ایمن اشاره کنیم.



اگر قصد سـفر با خودروی شـخصی داریم، حتماً باید نسـبت به سلامت وسیله نقلیه خود مطمئن شویم. همچنین در هنگام سفر (اگرچه سفرهای کوتاه) مقدار مناسبی آب، غذا و پتو همراه داشته باشید.

سعی کنید که همیشه یک کیف کمک‌های اولیه در خودروی شما وجود داشته باشد.

ادامه درصفحه ۵-٤

گفته‌های پزشکان -۱۶

ضربان قلب - آهنگ سلامت

تألیف :دکتر منوچهر قارونی
متخصص قلب و عروق

تهیه و تنظیم: رشید بهنام

«انفارکتوس» نیز مانند «آنژین» ناشی از وجود اشکال در سرخرگهای تغذیه کنندهٔ قلب است

انفارکتوس (سکته قلبی)

در تعریـف انفارکتوس قلبـی باید گفت: این عارضه یک خرابی دائمی در قسـمتی از سلول‌های عضلهٔ قلب است که در اثر نرسیدن خون طی دوره‌ای طولانی به‌وجود می‌آید و در نتیجه، سلول‌ها از دریافت غذا و اکسـیژن کافی محروم می‌شوند و متأسفانه از فعالیت‌های مفید و مثمر ثمر خود باز می‌مانند.

همانگونه که در ابتـدای این مبحث از دیدگاه «مؤلف» آمد: قلب عضو نجیبی اسـت که خداوند به انسان هدیه کرده است و چنانچه به موارد لازم از قبیل رعایت بهداشـت جسـمی و روحی و غیره (که در بخش‌های بعدی به آن خواهیم پرداخت) توجه شود، احسـاس نگرانی در مورد دچار شدن به این عارضه بی‌مـورد خواهد بود پیـش از آن، دقت نظر پیرامون مطالب این قسـمت که در خصوص تعریف «حملهٔ قلبی»، علل بروز آن و پی گیری سایر موضوع‌هایی که به نارسایی‌های قلبی (در کودکان و بزرگسالان) و... مربوط می‌شـود، (تا رسیدن به بخش «پیشگیری از بیماری‌های قلبی») ضروری است

حملهٔ قلبی چیست؟

«حملـهٔ قلبی» گاه به مفهـوم انفارکتوس قلبی و گاه در مفهوم وسـیع کلمه بـه انفارکتوس و مرگ ناگهانی قلب اطلاق می‌شود. همچنین ممکن است به حوادث و اتفاقاتی که به طور ناگهانی برای قلب پیش می‌آید، حملهٔ قلبی گفته شود. تعریف قدیمی حملهٔ قلبی (میوکاردیال اینفارکشـن) لخته شدن خون در سرخرگهای تغذیه‌کنندهٔ قلب (عروق کرونر) است. این تعریف براسـاس نظریهٔ متداول در مورد حملهٔ قلبی. همان‌طور که گفته شد یعنی گرفتگی رگ یا لخته شدن خون در سرخرگ‌های تغذیه‌کنندهٔ قلب است.

علل حمله قلبی (میوکاردیال اینفارکشن)

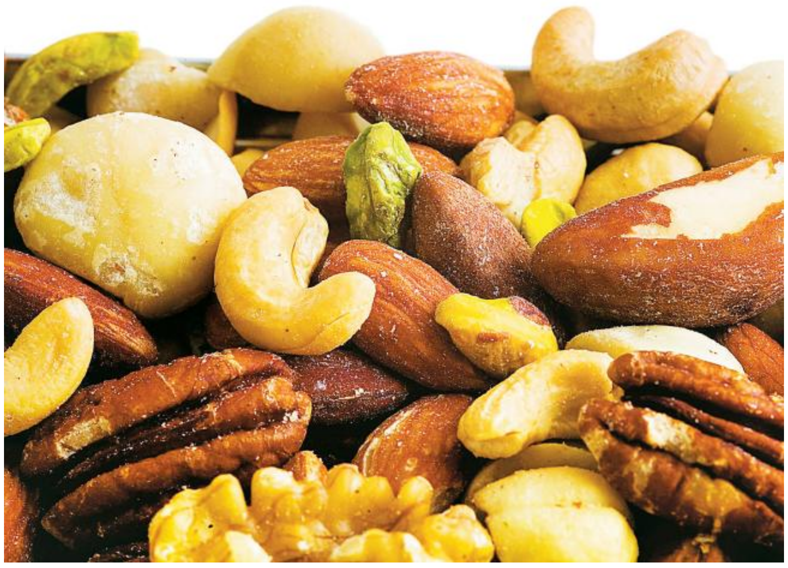
انفارکتـوس نیز مانند آنژین، ناشـی از وجود اشـکال در سـرخرگ‌های تغذیه‌کنندهٔ قلب است. معمولاً سرخرگ‌های قلب، تنگ شده‌اند، گرچه در بروز علائم فوری با یکدیگر تفاوت دارند. سال‌های متوالـی این تردید وجود داشـت که آیا انفارکتوس، در اثر مداومت تنگی سرخرگ‌های تغذیه‌کنندهٔ قلب (عروق کرونر) اتفاق می‌افتد و یا در اثر ایجاد لخته در داخل رگ‌های بیمار شده رخ می‌دهد.

عوامـل ایجـاد لختـه در سـرخرگ‌های تغذیه کنندهٔ قلب

ما هنوز پاسخ کاملی برای این پرسش نداریم و فقط می‌دانیم که لخته در سرخرگ‌هایی که قبلاً بیمار شـده‌اند، اتفاق می‌افتد. بـروز انفارکتوس در عروق کرونر طبیعی و سـالم بسـیار نادر است و تحت این شـرایط، سـایر بیماری‌های قلبی باعث انفارکتوس می‌شـوند. به طور کلی، خطر لخته شدن، بستگی به شدت بیماری عروق کرونر دارد، گرچه این موضوع همیشه صادق نیست. چگونگی تشکیل لخته به طور کامل شـناخته نشده است ولی می‌دانیم که اگر رگی بریده شود، واکنش طبیعی بدن برای بند آوردن خون؛ تشکیل لخته است. لخته در سرخرگ‌های سالم ظاهر نمی‌شود؛ ولی در سرخرگ‌های بیمار و ناسالم تشکیل لخته عیناً مانند بریدگی رگ‌ها است که در پی آن لخته ظاهر می‌شود. هنوز معلوم نیست که چرا این لخته‌ها در داخل سرخرگ‌های بیمار و ناسالم تشکیل می‌شود. احتمال می‌رود که غلظت خون و بالا بودن چربی‌های خون در ایجاد لخته (ترومپوز) دخیل باشد.

ادامه دارد

خواص و عوارض آجیل



آجیل خام بهترین انتخاب برای خرید مهمانی‌های شـب عید اسـت، چراکه چربی‌ها و برخی مواد مغذی موجـود در آجیل مانند ویتامین‌هـای A و E محلول در چربی به‌وسیله بودادن یا افزایش نمک از دست می‌رود.

برای شناسـایی آجیل خـوب و با کیفیت راه‌هایی وجود دارد که سـاده‌ترین و کاربردی‌ترین آن بررسـی رنگ، بو و ظاهر آجیل اسـت. مغز آجیل باید سفید یا به رنگ طبیعی خود باشد و بوی کهنگی ندهد.

از مخلوط کردن آجیل با ماءالشـعیر و نوشابه‌های مختلف پرهیز کنید. نوشیدن این خوراکی‌ها موجب ابتلا به نفخ و دل‌درد می‌شود.

از دیدگاه درمانگران طب سنتی افرادی که مصرف آجیل خام و شـیرین را انتخاب می‌کنند، ممکن است با ضعف هاضمه و اختلال در هضم و جذب مواجه شوند، درحالی که مصرف آجیل‌های شور برای کسانی که معده ضعیف دارند و هاضمه آنها دچار مشکل است، مناسب‌تر است.

بادام‌زمینی اگرچـه پروتئین زیادی دارد و موجب درمان و تسـکین درد معده، سرفه‌های خشک و تقویت مغز می‌شود اما مصرف آن باید با ملاحظات زیادی همراه باشد.

بـه گفته درمانگران طب سـنتی، مغز فندق به این دلیل که نشاسـته کمی دارد بهترین نوع آجیل برای افراد مبتلا به دیابت است. این دانه روغنی به‌دلیل داشتن فسفر موجب تقویت مغز شـده و عملکرد آن را به ویژه برای دانش‌آموزان و دانشـجویان بـالا می‌برد، در صورتی که فردی به افت فشار خون مبتلا باشد، می‌تواند با خوردن ۱۰ عدد مغز فندق برای بهبود وضعیت خود اقدام کند. در برخی متون طب سنتی به این نکته اشاره شده که ترکیب فندق بوداده با انیسون می‌تواند به‌عنوان بهترین دارو برای درمان سـوزش ادرار و افزایش میزان باروری در مردان مورد استفاده قرار گیرد.

درمانگران طب سـنتی و دیگر شـیوه‌های طبیعی درمـان بر ایـن باورند که مصرف روزانـه ۲ عدد گردو می‌تواند تاثیر زیادی در تسکین و درمان ریفلاکس معده داشته باشد.

به گفته این درمانگران مصرف بیش از اندازه گردو عـوارض جانبی زیـادی به همراه دارد کـه از میان آنها می‌توان به ترک لب، زخم شدن دهان و خارش و قرمزی پوسـت اشـاره کرد، بنابراین درمانگران به مردم توصیه می‌کننـد با برنامه‌ریزی و مدیریت در طول ایام نوروز و دیگر روزهای سـال به خوردن حداکثر ۲ عدد گردو در طول روز اکتفا کنند و به این ترتیب از خواص درمانی آن برای درمان سنگ کلیه، درمان بیماری‌های ریوی و تنفسی و پیشگیری از ابتلا به سنگ کیسه صفرا بهره ببرند.

منبع: برترین ها

چه کنیم تا ماهیان قرمز بیشتر عمر کنند؟

*ماهی‌ها را جلوی نور آفتاب نگذاریم. سایه و خنکی بهتر است.

*آب آنها را هر ۲ روز تا نصف ظرف آب عوض کنیم. یعنی نصف آب قدیم باشـد و نصف تنگ آب تازه باشد.

*به ماهی‌ها غـذا بدهید، یک قطعه کوچک از تخم‌مـرغ آب‌پز (به انـدازه یک نخود) غذای خوبی برای ماهی‌ها اسـت و یا کمی نان به اندازه یک نخود بدهید.

*نمک ضد میکروب آب است، مانند آب شور اقیانوس‌ها، در ظرف آب ماهی‌ها به اندازه یک عدس نمک بریزید تا ماهی‌ها بیمار نشـوند. اگر زیاد نمک بریزید ماهی‌ها می‌میرند.

*ظرف یا تنگ شیشه‌ای ماهی باید بزرگ باشد، ظرف‌های کوچک شیشـه‌ای فقـط برای یک ماهی کوچک است.

*در ظرف ماهی، صدف (گوش ماهی) بگذارید تا عمر ماهی زیاد شـود و تنگ آب هم زیباتر شـود اگر پیدا نشـد، از چند قطعه سـنگ کوچک استفاده کنیـد. (گچ، آهک، سـیمان و... باعث مرگ ماهی‌ها می‌شوند)

*چند برگ کوچک سـبزی تازه یا گیاه در آب بیندازید تا ماهی‌ها از موجودات ریز آنها تغذیه کنند و سالم بمانند.

*ماهی‌ها را در ظرف پلاسـتیکی نگذاریم و در ظرف ماهی گل و گیاه پلاستیکی مصنوعی نگذاریم. چون که از مواد نفتی ساخته شده‌اند، تجزیه شیمیایی روی می‌دهد و ماهی زود می‌میرد.

*ماهی‌ها را در جلوی تلویزیون نگذارید، بیمار می‌شـوند و همین‌طور در جلـوی نور قوی چراغ‌ها و لامپ‌ها، نگذارید، زیرا ضعیف و بیمار می‌شـوند. ماهی‌های قرمز در داخل طبقه پایین یخچال بیشـتر زنده می‌مانند. چون‌که آنجا خنک و تاریک است.

*ماهی‌ها را با دست نگیرید، به‌خصوص بچه‌ها که آنها را سفت با دست‌های خود می‌گیرند و بدن ماهی را له می‌کنند و ستون فقرات و باله ماهی‌ها را می‌شکنند، ماهی‌ها را با آبکش یا کاسه کوچک بگیرید.

*آب ماهی‌ها نباید زیاد گرم و راکد باشـد، آب سرد بهتر است.

* ماهی‌ها مانند تمامی موجودات زنده روی کره زمین احتیاج به اکسـیژن دارند، اگر آب ظرف ماهی راکد و ثابت و بدون حرکت باشـد، ماهی‌ها می‌آیند روی آب و اکسـیژن طلب می‌کننـد و حباب تولید می‌کنند، لذا باید آب را به حرکت درآورید و متلاطم کنید تا حباب تولید گردد. به‌وسیله قاشق یا یک تکه چوب آب را تکان دهید تا ماهی‌ها شاداب شوند، مانند موج دریا که اکسیژن تولید می‌کند.

* بعد از تعطیلات عید نوروز، ماهی‌ها را در آب رودخانه‌ها یا دریاچه پارک‌ها آزاد کنید، آنها هم مانند ما بنده و مخلوق خداوند مهربان هستند.

محمدعلی خوشنویس ـ دوستدار محیط زیست





اضطراب‌زدایی در جامعه-۲۳

یکی یکدانه های مضطرب

مسائل مختلفی چون اقتصاد خانواده، تربیت فرزندان به شیوه درست، افکار و باورهایی چون فرزند بهتر، زندگی بهتر دست به دست هم داد تا فرزند کمتر یا حتی تک فرزندی رواج بیشتری پیدا کند تا به امروز که به نظر می رسد تک فرزندی یک پدیده عادی شده است و بسیاری از زوج‌ها این دیدگاه را با قطعیت پذیرفته‌اند که تک فرزندی شیوه درستی است.اما آنچه والدین تک فرزندان را با مشکلات، گرفتاری‌ها و نیازهای متفاوتی روبرو می‌سازد نگرانی‌ها و سوالات ذهنی آنان است. آیا فرزند خود را از داشتن خواهر و برادر محروم کرده‌ام؟ آیا تک فرزندی به فرزندم آسیب می‌رساند؟ در بیشتر اوقات این نگرانی‌ها به مهارت‌های اجتماعی برمی گردد.

بعضی از تحقیقات نشان داده است که تک فرزندان مهارت های ارتباطی و اجتماعی ضعیف‌تری دارند و این در حالی است که تحقیقات دیگری نشان داده است که تفاوتی بین مهارت‌های اجتماعی تک فرزندان بزرگ شده و کسانی که دارای خواهر و برادر دارند وجود ندارد.آنچه لازم است بدانیم این است که برای داشتن مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی خوب، حتما لازم نیست که کودکان خواهر و برادر داشته باشند، بلکه کافی است با همسالان خود در ارتباط باشند و زمان کافی برای یادگیری این مهارت ها به آن ها داده شود.

در مجموع اگر والدین روش صحیح تربیت فرزند را بدانند تک فرزندی با داشتن چند فرزند تفاوتی نمی کند زیرا تک فرزندها جایگزین می‌یابند، با همسالان خود ارتباط برقرار و خلاء ارتباطی را پر می‌کنند.



اگر والدین به این دلیل که فقط یک فرزند دارند، در محبت ورزیدن افراط نکنند، فرزند آن ها متعادل بار می آید وگرنه فرزند پرتوقعی می‌شود که همه چیز را برای خودش می خواهد. بچه‌های اول یا تک فرزندان همیشه در خانواده دچار مشکلاتی خواهند شد که کم تجربگی پدر و مادر می‌تواند در این مساله تاثیر داشته باشد. در مجموع می‌توان گفت اگر والدین روش صحیح تربیت فرزند را بدانند تک فرزندی با داشتن چند فرزند تفاوتی نمی‌کند.

البته محدودیت‌های تک‌فرزندداری، انکار نشدنی است، اما اگر شرایط زندگی یک زوج مانع داشتن فرزندان بیشتر می‌شود، باید به آنها آموخت تک‌فرزندانی را تربیت کنند که علیرغم محدودیت ها رشد هیجانی و اجتماعی صحیحی داشته باشند. قبل از تربیت به شیوه درست لازم است که درباره ویژگی‌های منحصر به فرد در تک‌فرزندان آگاهی‌هایی کسب کنیم. بر طبق نظر آدلر تک فرزندان دارای خصوصیات فرزندان اول و آخر به طور همزمان هستند. آنها دوست دارند همه توجه پدر و مادر و اطرافیان را به خود اختصاص دهند و در یادگیری مهارت‌های اجتماعی به جهت تنها بودن در خانه معمولاً به آموزش‌هایی از جانب والدین نیازمند هستند.

پدر و مادر تنها فرزند از لحاظ عاطفی فشار زیادی را متحمل می‌شود. زیرا از طرفی صرف همه انرژی‌های روانی و امکانات برای یک فرزند ویژگی‌های منحصر به فردی را در او رشد خواهد داد و از طرفی نیز والدین این فرزندان دائماً دل مشغولی ارائه بهترین‌ها را برای فرزند خود دارند و در این وضعیت انتظار بهترین

برای داشتن مهارت های ارتباطی و اجتماعی خوب، حتما لازم نیست که کودکان خواهر و برادر داشته باشند، بلکه کافی است با همسالان خود در ارتباط باشند و زمان کافی برای یادگیری این مهارت‌ها به آن ها داده شود

رفتار را از فرزند خود دارند. یکی از سخت ترین بخش‌های پدر و مادرها آزاد گذاشتن فرزندشان در تصمیم گیری و دور شدن آنها از خانه به دلایل مختلف از جمله رفتن به مدرسه، ادامه تحصیل و غیره است. دائماً نگران آسیب دیدن جسمانی و روانی فرزند خود بودن نیز از دغدغه‌های این والدین است.در عین حال تک فرزندان نیز با اضطراب های گوناگونی در همه مراحل رشد خود دست و پنجه نرم می کنند.

یکی از بزرگترین اضطراب هایشان، اضطراب امنیت و ایمنی در فاصله مکانی و زمانی از پدر و مادر است که به اضطراب جدایی نیز معروف است. اضطراب عدم توافق با نظرات والدین خود در زمینه های مختلف به دلیل اینکه هیچ مخالف دیگری در خانه وجود ندارد، اضطراب وفاداری و حمایت از پدر و مادر، اضطراب مسئولیت نگهداری و رسیدگی به والدین خود از دیگر نگرانی های تک فرزندان است. تک فرزندان گاهی از خود می پرسند آیا درست است پدر و مادرم را تنها بگذارم؟

آیا آنها بدون من قادر به زندگی کردن هستند؟ از طرفی تک فرزندان در سنین بزرگسالی همیشه با این اضطراب که اگر والدین شان را از دست بدهند تنها می شوند دست و پنجه نرم می کنند. برای جلوگیری از شدت پیدا کردن این اضطراب‌ها در تنها فرزندان خود لازم است از رفتارهای افراطی برای حفاظت و اطمینان بخشیدن به کودک خود جلوگیری کنید و در تربیت خود نگرانی های خود را به دوش نکشید. سعی کنید تا شخصیت اجتماعی تک فرزندان را در قالب ارتباطات فامیلی یا روابط اجتماعی رشد دهید تا با اتکای به این ارتباطات تا حد امکان از اضطراب تنهایی دور بمانند.

در صورتی که قادر به کنترل ترس و اضطراب‌های خود و فرزندتان نیستید مشاوره با یک روانشناس آگاه به عملکرد و احساس رضایت شما کمک خواهدکرد. با تشکر از همراهی شما در دانش افزایی خود در زمینه اضطراب و اضطراب‌زدایی، در هفته آینده با موضوع تاثیر بیماری‌های مزمن بر اضطراب کودکان و نوجوانان با شما خواهیم بود.

پروفسور علی گرجی
زهرا بیان
مرکز تحقیقات علوم اعصاب شفا

چگونه سهمیه بنزین را دود نکنیم؟

با افزایش قطعی قیمت بنزین از سال آینده، هزینه خانوارها هم برای مصرف بنزین افزایش می یابد با این وجود استفاده از روش های جدید و بدون هزینه می تواند منجر به ۲۰ تا ۲۵ درصد کاهش مصرف بنزین خودروها شود.

تعویض فیلتر هوا، کاهش حمل بار اضافی و نبستن باربند، بالا بردن شیشه و استفاده از سیستم تهویه در سرعت بالای خودرو، تنظیم باد لاستیک خودروها، خرید بنزین سوپر و اکتان بالا به جای بنزین معمولی، تعویض مبدل کاتالیستی در اگزوز، استفاده از دنده مناسب متناسب با سرعت خودرو، تعویض به موقع روغن و شمع ها از راهکارهای بهینه سازی مصرف بنزین در خودروها است.

علاوه بر این، توقف طولانی خودرو یا پارک کردن آن در معرض نور آفتاب باعث تبخیر بنزین می‌شود بنابراین پارک خودرو در سایه و در پارکینگ سرپوشیده منجر به حفظ بنزین موجود در باک خودرو می‌شود.

از سوی دیگر ۱۲۰ ثانیه روشن نگاه داشتن خودرو بدون حرکت، بنزین بیشتری نسبت به خاموش و روشن کردن مجدد آن مصرف می کند، ضمن آنکه برای بیشتر خودروها حرکت با سرعت ۸۰ تا ۸۵ کیلومتر مصرف بنزین کمتری به همراه خواهد داشت.



از بی خوابی تا پرخوابی

درحالیکه میلیون‌ها نفر در کره زمین از اختلالات خواب رنج می برند و زیان های مادی و معنوی فراوانی به دلیل مشکلات خواب افراد به جوامع تحمیل می شود، نبود اطلاعات کافی و اشتباهات رایج به عوارض منفی این موضوع دامن می زند.

مدیر گروه نورولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران در گفت و گو با ایرنا، یکی از شایع ترین شکایات بیماران را احساس خستگی و اختلال در تمرکز و حافظه به ویژه در نسل جوان بیان می کند و می گوید: این مشکلات، دلایل متعددی دارد اما یکی از اصلی ترین عوامل آن پدیده اختلالات خواب است که در این عارضه، بیمار نیاز به خواب بیشتری دارد و این نیاز به صورت چرت زدن در طول روز و احساس خستگی و عدم تمرکز و حتی پرخاشگری و بی حوصلگی، خودش را نشان می دهد.

محمدحسین حریرچیان می افزاید: گاهی اوقات مدت زمان خواب، کافی به نظر می رسد اما کیفیت آن خوب نیست و به اصطلاح، خواب فرد سبک است و عمیق نمی شود که در این حالت هم برای فرد مشکلاتی ایجاد می شود. بنابراین نمی توان گفت اگر فردی هفت ساعت در طول شب خوابید حتما خواب خوب و موثری داشته است. وی از خواب به عنوان مظلوم بخش زندگی انسان های امروزی یاد کرده و یادآور می شود که در زندگی پرمشغله امروزی اشخاص به محض اینکه با کمبود وقت برای انجام کارها روبه رو می شوند اول از همه از ساعت های خوابشان کم می کنند و وقت خواب خود را به دیگر کارها اختصاص می دهند.

کمبود خواب، اثر تجمعی دارد، به عنوان مثال اگر فردی، هر شب یک ساعت کمتر از معمول (هفت ساعت) بخوابد در پایان هفته مانند این است که یک شب اصلا نخوابیده است و تصور کنید که یک شب بیخوابی چقدر می تواند برای فرد مضر باشد.خواب شب، منجر به استراحت کامل مراکز مغزی می شود و اگر ساعت خواب از ٤ صبح تا ١١ شب باشد با فیزیولوژی طبیعی بدن سازگار نیست و نمی تواند استراحت لازم را برای مراکز مغزی تامین کند. هورمون های مختلفی که در بدن ترشح می شود تابع سیکل شبانه روزی خاصی است و زمان مشخصی لازم دارد که در شب، ترشح هورمون ها راحت تر و با کیفیت بالاتر صورت می گیرد.هورمون رشد برای بچه ها در طول خواب شب بهتر ترشح می شود از همین رو والدین باید خواب شب کودکان و نوجوانان خود را جدی بگیرند. وی با تاکید بر این که بدترین کار این است که افراد در طول شب خودشان را مشغول کرده و بخواهند با خواب روز آن را جبران کنند، درباره خواب نیمروزی نیز گفت: این خواب ها باید کوتاه باشد و حتی در حد ١٥ دقیقه هم کفایت می کند. خواب های نیمروزی به ادامه فعالیت افراد و علاوه بر آماده کردن سیستم عصبی به تمدید انرژی آنها در نیمه دوم روز کمک می کند. اگر خواب های نیمروزی مزاحم خواب شب باشد اصلا توصیه نمی شود.

عضو انجمن پزشکی خواب ایران در مورد کسانی که برای مشکل بی خوابی به مصرف داروهای خواب آور روی می آورند، نیز می گوید: مشاهده می شود افرادی بدون مراجعه و مشاوره پزشک به صورت خودسرانه داروهای خواب آور مصرف می کنند که بعضا عوارض منفی و مشکلات زیادی را برای بیمار به همراه می آورد. داروهای خواب آور اغلب طول اثر طولانی دارند و ممکن است به خواب فرد در شب کمک کنند اما موجب خواب آلودگی او در طول روز می شوند و زندگی روزمره فرد را مختل می کند.

از طرف دیگر، داروهای خواب آور معمولا ایجاد وابستگی می کنند و بعد از مدتی، میزان مصرف (دوز) قبلی دیگر جوابگوی بیمار نیست و او مقدار بیشتری دارو مصرف می کند تا بتواند بخوابد و اگر دارو را کنار بگذارد یا کم کند دچار مشکل می شود.

حریرچیان درباره تاثیر داروهای گیاهی در رفع اختلالات خواب افراد توضیح می دهد: برخی افراد تصور می کنند داروهایی که اسم گیاهی دارند کاملا بی خطر هستند درصورتی که ممکن است استفاده از این داروها و گیاهان نه فقط مفید نباشد بلکه بیماری فرد را تشدید کند.

بخش دوم

آداب و رسوم ملل
بلژیک؛ باران، ثروت، فناوری

گردآوری و ترجمه: آرش میری‌خانی



مردم

بلژیک علیرغم کوچک‌بودنش جمعیت قابل توجهی را در خود جای داده است و واقع‌شدن مراکز نهادهای اروپایی در این کشور اهمیت این کشور اروپای غربی را دوچندان کرده است. براساس آمارهای موجود، «فلمینگ‌ها» حدود ۵۸ درصد و «والون»ها ۳۱درصد جمعیت اصلی بلژیک را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که ۱۱ درصد از جمعیت این کشور را دیگر قومیت‌ها تشکیل می‌دهند.

زبان اصلی و رسمی در بلژیک هلندی است و بیش از ٦٠ درصد مردمان این کشور به این زبان تکلم می‌کنند. پس از زبان هلندی، زبان فرانسوی بیشترین کاربرد را در این کشور دارد و ٤٠ درصد بلژیکی‌ها فرانسوی‌زبان هستند. جالب آنکه زبان آلمانی هم با وجود اینکه تنها توسط یک درصد بلژیکی‌ها مورداستفاده قرار می‌گیرد در کنار زبان هلندی، زبان رسمی بلژیک به حساب می‌آید. اشاره به این نکته نیز خالی از لطف نخواهد بود که بیشتر بلژیکی‌ها به دو زبان هلندی و فرانسوی به صورت توأمان مسلط هستند. مسیحیت کاتولیک مذهب رسمی مردمان



بلژیک است و ۷۵درصد از جمعیت این کشور پیرو این دین هستند. این در حالی است که ۲۵ درصد از جمعیت بلژیک نیز مسیحی پروتستان هستند. بلژیک تمامی شاخص‌های کشور مدرن اروپایی را دارد. این در حالی است که ۹۷ درصد از مردمان این کشور شهرنشین هستند و بروکسل به عنوان پایتخت یک میلیون و ۸۹۲هزار نفر را درون خود جای داده است. سن امید به زندگی در بلژیک حدود ۸۰ سال است که رقم بسیار قابل قبولی به نظر می‌رسد. در همین راستا باید به این نکته نیز اشاره شود که دولت بلژیک سالانه حدود ۱۱ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف امور بهداشت و سلامت جامعه می‌کند. برهمین اساس ۱۰۰ درصد جمعیت شهرنشین و روستانشین بلژیک به آب پاک و لوله‌کشی دسترسی دارند. از سویی بروکسل هر سال ٦/٦ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف امور آموزشی می‌کند.و بیش از ۹۹ درصد از جمعیت بلژیک باسواد هستند.

ادامه دارد





هزینه سفر بر پیکر نحیف طبیعت!

همزمان با فرارسیدن سفرهای نوروزی، خاطرات تلخ از تشدید تخریب و آلودگی در محیط‌های جنگلی، دریایی، آتش سوزی و انبوه زباله و ترافیک جاده‌ای، نگرانی‌ها را افزایش می‌دهد.

به گزارش خبرگزاری میراث فرهنگی، تجربه گردشگری انبوه در تعطیلات نوروزی و نتایج تلخ هرساله از برخی رفتارهای وندالیستی مسافران، نبود آگاهی عمومی نسبت به طبیعت و نبود تسهیلات برای کاهش فشار و تخریب ها به ویژه در روز ۱۳ فروردین ایجاب می کند، از هم اکنون به فکر کاهش هزینه سفر بر پیکر نحیف طبیعت باشیم.

در سال‌های اخیر افزایش جمعیت مسافران و ترافیک طویل جاده‌ها، فصل شکوفایی طبیعت را به خزان زودرس و مرگ بسیاری از گونه‌های طبیعی و جانوری مبدل کرده است.

بعد از ۱۳ فروردین که اغلب روز پایانی سفرهای نوروزی است، به هر جاده و منطقه ییلاقی و سرسبز کشور اگر نگاهی بیندازید، گویی دشمنانی آمده و رفته اند. سیل عظیم جمعیت ساعت‌ها کنار جریان جاری رود می نشینند، غذا می خورند، بازی و تفریح و استراحت می کنند و سرانجام انبوهی زباله از انواع پسماند میوه و غذا گرفته تا کیسه های بسته بندی مواد غذایی، بطری نوشابه و قوطی کنسرو از خود بر جای می گذارند. آیا واقعا خیلی سخت است که زباله‌ها را داخل کیسه پلاستیکی بریزیم و باخود ببریم و به زباله دان برسانیم؟ هر شهروندی، از ٤ ساله تا ۸۰ ساله، عقیده دارد که ریختن زباله در طبیعت زشت و ناپسند است اما روشن نیست مسئول این همه زباله رها شده در سفرها کیست؟

همزمان با رشد گردشگری در بیشتر مقصدهای توریستی کشورهای توسعه نیافته جهان، توریسم انبوه یا توریسم توده ای یا Mass Tourism رخ می نماید که نشان از فقدان مدیریت و نگرش جامع و برنامه ریزی برای کسب درآمد صرف از این صنعت دارد.

توریسم انبوه که عمدتا به دلیل تخریب‌های گسترده زیست محیطی اش تعریف می شود، دردهه های اخیر در سیستم های جامع مدیریت گردشگری درکشورهای توسعه یافته با انواع مختلفی از گردشگری همانند گردشگری فرهنگی، گردشگری کشاورزی، گردشگری ادبی و مانند آن تعدیل شده است.

این نوع گردشگری به دلیل تجربه ها و عوارض منفی اش به تدریج با اعمال استراتژی‌های مختلف از حوزه فعالیت‌های گردشگری کشورهای توسعه یافته حذف شده است اما در کشورهای فقیر یا توسعه نیافته، هنوز گردشگری در همان چارچوب رشد نیافته و بدوی، در اشکال گوناگون، آن هم به فعالیت های عمدتا انحصاری خود ادامه می دهد.

توریسم توده ای یا توریسم انبوه امروزه به عنوان وجهی منفی از گردشگری شناخته شده که دربرابر «گردشگری پایدار» با مصرف بی‌رویه و حداکثری منابع آب، غذا و انرژی، بدون هرگونه محاسبه و در حجم بسیار بالا نتایجی گسترده و ابعاد وسیع تری دارد. ازجمله می توان به تاثیر حجم بالای مصرف بر سیستم فاضلاب اشاره کرد که بسیار بالاتر از سهم سرانه مصرف هر شهروند معمولی در جامعه‌های میزبان است.

انبوه زباله‌ها مشکل بسیار جدی در بیشتر شهرها و جزیره های کوچکی است که اکنون بسیاری از آن‌ها قادر به دفع زباله های تولید شده و به جا مانده از گردشگران نیستند. نتیجه برجای ماندن این حجم بالای زباله و فاضلاب ایجاد آلودگی و نفوذ در رودخانه‌ها و آب‌های زیرزمینی و به ویژه در نواحی ساحلی است که درعین حال بر نواحی مرجانی و اکوسیستم جزیره‌ای در سراسر جهان اثر مستقیم گذاشته است.

امروزه معضل زباله‌ها و تولید بوی نامطبوع از مواد آلی آن در شهرهای شمال کشور نمونه بارزی از این قبیل فعالیت هاست. این زباله ها که موجب زشتی محیط شده، چشم‌اندازهای طبیعی را هم برای گردشگران کم‌جاذبه می کند.

در یک زیست بوم بکر و دست نخورده، مواد قابل تجزیه زباله‌ها به وسیله باکتری‌ها تجزیه می شوند و توسط موجودات و گیاهان مورد استفاده قرار می گیرند اما یک اجتماع پر جمعیت انسانی به اندازه‌ای زباله‌های گوناگون تولید می کند که تجزیه طبیعی آنها در محیط غیرممکن است. بعضی از زباله‌ها نیز در طبیعت غیرقابل تجزیه هستند بنابراین افزایش زباله‌ها باعث آلودگی زمین، هوا و آب می‌شود.

اما بیشترین فشار از این قبیل سفرهای پرهزینه دسته جمعی، بر گونه های گیاهی و جانوران است که آثار منفی اغلب ماندگار و تقریبا ابدی است. به عنوان نمونه فعالیت کشتی‌های گشت دریایی و حمل و نقل گردشگران در مراکز ساحلی هم اکنون بااقتصاد برخی کشورها همانند منطقه کارائیب درآمیخته و یکپارچه شده است. طبق مطالعات انجام شده بر روی کشتی های گشت توریستی که در دومینیکا توقف می کنند، روشن شده است که تقریبا نیمی از مسافران هرگز کشتی خود را ترک نمی کنند و یک چهارم از مسافران نیز که کشتی را ترک می کنند، به سرعت برای صرف ناهار و استراحت به کشتی باز می گردند.

این به این معناست که بی آن که حتی اندکی پول در شهر یا کشور مقصد خود خرج کرده وکمکی به اقتصاد محلی کرده باشند، تنها هزینه آلودگی ناشی از سفر با کشتی را بر مردم منطقه تحمیل کرده‌اند. این نوع عملکرد ناشی از آن است که طبق قرارداد موسسه تورگردانی و گشت توریستی، تمام درآمد حاصل از این خدمات عاید موسسات کشتی رانی شده و در نتیجه سود بسیار اندکی ممکن است عاید مردم محلی شود. در این میان نه تنها مردم و سکنه بومی بلکه حتی توراپراتورهای کوچکتر محلی نیز از هرگونه درآمدی محروم مانده‌اند.

توریسم توده ای یا توریسم انبوه، اغلب آثار منفی زیست محیطی خود را به عنوان عوارضی خارجی و درجه دوم نشان می دهد. به عبارت دیگر چنین به نظر می رسد که گردشگران بهای گذراندن تعطیلات را در کشور میزبان پرداخت می کنند ولی هزینه پرداخت شده به هیچ روی شامل هزینه‌های منفی ایجاد شده نمی‌شود و این هزینه ها بر قیمت کالا و خدمات گردشگری افزوده نشده است.

درنتیجه باوجود نابودی و استهلاک محیط زیست و در شرایطی که شواهد حاکی از مرگ توده‌های مرجانی، آلودگی روزافزون منابع آب و دریاها و آلودگی اکوسیستم‌های ساحلی است، هیچ یک از این خسارت‌ها که دراصل نوعی خرج از اصل سرمایه است، در محاسبه قیمت کالا و خدمات گردشگری لحاظ نمی شود. درنتیجه به نظر می‌رسد که گردشگری صنعتی کم خرج و پرسود برای بومیان منطقه است.

دلیل دوم که سبب افزایش و ادامه روند گردشگری انبوه در بسیاری از نقاط کشور شده، تمرکز بر رشد جهانی صنعت گردشگری و نگاه سطحی به ارقام و آمار رشد این صنعت در عرصه جهانی است. تماشای رشد سریع و روش های متداول در دیگر کشورها سبب شده که بخش های تجارت و کسب و کار حتی برای به دست آوردن سهمی اندک از این صنعت بزرگ و پرسود جهانی دست به تکاپو بزنند تا شاید بتوانند از این رهگذر آنان نیز شاهد رشد چشمگیر درآمد و ایجاد اشتغال در شهرهای مختلف باشند.دردهه اخیر برای کاهش آثار مخرب گردشگری انبوه و مدیریت نشده، جایگزین های متنوعی ارائه شده که از جمله می‌توان به اکوتوریسم یا گردشگری مبتنی بر شناخت و احترام به طبیعت، گردشگری فرهنگی و گردشگری کشاورزی، گردشگری تاریخی اشاره کرد.

اما حتی اکوتوریسم هم که گاه به غلط با طبیعت گردی و گردش صرف و آشنایی با طبیعت تعریف شده، نوعی از گردشگری انبوه و واجد همان عوارض منفی و مخرب همانند تولید انبوه زباله و آلودگی منابع آب و نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری درسطحی وسیع‌تر و مخرب‌تر است.

درحالی که «انجمن بین المللی اکوتوریسم» به سادگی این نوع گردشگری را «سفر اخلاقا مسئولیت پذیر در قبال طبیعت» تعریف کرده است، این تعریف دربردارنده تعریف سفر به گونه ای است که سبب رشد منابع زیستی و طبیعی و نیز مردم محلی وابسته به آن شود.

روشن است که توسعه این نوع گردشگری مستلزم ایجاد آگاهی عمومی برای احترام به طبیعت و فرهنگ‌های محلی، آموزش مستقیم گردشگران و نیز میزبانان، ایجاد فرصت‌های تجاری با سود مالی دوجانبه برای گردشگر و میزبان و از همه مهم‌تر ایجاد حساسیت شدید در میان مردمان محلی و بومی مقاصد گردشگری نسبت به میراث فرهنگی و بومی و اقلیمی و طبیعی خودشان است.

گردشگری بدون کنترل در مناطق آزاد

نظارت بر تورهای گردشگری و نرخ هتل های مناطق آزاد را نه رئیس این مناطق بر عهده می گیرد و نه معاونت گردشگری کشور. چند روز پیش رئیس سازمان مناطق آزاد اعلام کرد: سیاست این سازمان کنترل قیمت تورهای گردشگری نیست. از سوی دیگر معاونت گردشگری نیز مدتهاست از نظارت بر این مناطق شانه خالی کرده است.

به گزارش مهر، از میان هفت منطقه آزاد کشور یعنی منطقه آزاد چابهار، قشم، کیش، انزلی، اروند، ارس و ماکو، تنها تورهای گردشگری به مقصد چابهار، قشم و کیش در دفاتر خدمات مسافرتی ایران تعریف شده است. این تورهای گردشگری به سمت مناطق آزاد و گردشگری ایران در ایام نوروز ۹۳ بیشترین نرخ را در میان مقاصد سفرهای داخلی از آن خود کرده اند به نحوی که اکنون تورهای گردشگری کیش از یک میلیون و ۳۰۰هزار تومان به بالا فروخته می شود و تورهای گردشگری قشم نیز کمتر از یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان نیست.

یکی از هتل هایی که در جزیره کیش بیشترین تعداد تورهای گردشگری را دارد، در سال های اخیر نشان داده است که از پس پذیرایی از انبوه مسافرانش بر نمی آید؛ چنان که در مدت اخیر توسط سازمان منطقه آزاد کیش اخطار گرفته و برای مدت کوتاهی نیز اجازه برپایی تورهای گردشگری را نداشته است تا اینکه پس از ارزیابی یکی از ستاره های هتلش خاموش شد و اکنون از عنوان هتل بزرگ در تبلیغاتش استفاده می کند. با این حال دفاتر خدمات مسافرتی تورهای گردشگری اقامت در این هتل در جزیره کیش آن هم به مدت چهار شب را از مبدا تهران یک میلیون و ٤٠٠ هزار تومان می فروشند درحالی که اپراتورهای دفاتر خدمات مسافرتی عنوان می کنند پس از ایام عید و یا قبل از آن، همین تور ۷۰۰ هزار تومان نرخ دارد.اما تورهای گردشگری با اقامت در هتل های ساحلی و سه ستاره نیز ۸۰۰ هزار تومان نرخ دارد. درحالی که این تورها قبل از ایام عید ۵۰۰ هزار تومان قیمت دارند.

غیر از کیش، برای جزیره قشم هم تورهای گردشگری تعریف شده است با این تفاوت که اکنون به علت کمبود مراکز اقامتی مناسب در قشم، کمتر می توان جای خالی در تورهای گردشگری جزیره آن هم برای ایام نوروز پیدا کرد با این حال تورهای قشم در دفاتر خدمات مسافرتی تهران یک میلیون و صد هزار تومان به بالا فروخته می شوند.

تورهای گردشگری چابهار نیز مانند جزیره کیش و قشم اگرچه اکنون با قیمت یک میلیون تومانی به فروش می رسد اما این تورها نیز قبل و بعد از عید با نرخ کمتری برگزار می شوند.

بنابراین درست در زمان عید که کشورهایی مانند امارات و ترکیه تورهای گردشگری دوبی و استانبول را با حداقل قیمت و برای یک هفته یک میلیون تومان می فروشند، نرخ تورهای گردشگری مناطق آزاد نه تنها در زمان نوروز کاهش نمی یابد بلکه با حداکثر قیمت نیز از فرصت تعطیلات نوروزی برای دریافت سود بیشتر استفاده می شود.

ایجاد فضای رقابتی سالم بدون نظارت بر قیمت ها!

با وجود آنکه سازمان میراث فرهنگی از تمامی مراکز اقامتی کشور خواسته بود در ایام نوروز افزایش نرخ نداشته باشند تا مردم بیشتری برای اقامت در هتل رغبت پیدا کنند اما درباره مناطق آزاد هیچ حرفی به میان نیاوردند تا اینکه در روز پنجم اسفند ماه، رئیس شورای هماهنگی مناطق آزاد کشور اعلام کرد: "ما در قیمت گذاری تورها هیچ دخالتی نمی کنیم، آنها در بازار رقابتی کار می کنند به هیچ وجه در مناطق آزاد سیاستمان کنترل قیمت نیست بلکه ایجاد رقابت فضای سالم و از بین بردن انحصار است."

نبود نظارت بر کنترل قیمت ها باعث شده تا تورهای گردشگری به سمت مناطق آزاد دو برابر گران تر از روزهای قبل و بعد از عید فروخته شود و برخلاف تصور رئیس شورای هماهنگی مناطق آزاد، رقابت به وجود آمده برای فروش تورهای گردشگری نه تنها سالم نیست بلکه باعث شده تا انحصار این تورها تنها در اختیار عده ای از آژانس ها و افراد خاص باشد.

در این مناطق نرخ اتاق هتل برای هر شب تا یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان نیز می رسد و کمترین نرخ نیز متعلق به هتل هایی است که استاندارد نیستند اما به صورت مستقل برای اتاق خود نرخ تعیین می کنند بی واهمه از بازرسی ها.

از سوی دیگر معاونت گردشگری سازمان میراث فرهنگی نیز نظارت بر نرخ هتل و تورهای گردشگری مناطق آزاد را بر عهده خود نمی داند. این نظارت نه تنها اکنون بلکه از سال های گذشته نیز بر عهده سازمان میراث فرهنگی نبوده است. به همین علت زمانی که برنامه ریزی های سفر نوروزی انجام شد، معاونت گردشگری، کشور را به ۷ منطقه برای نظارت بر واحدهای گردشگری و اقامتی تقسیم کرد ولی جایگاهی برای نظارت بر تاسیسات موجود در مناطق آزاد تعریف نکرد.

با این حال اگر قرار باشد نظارتی بر این واحدهای گردشگری نیز انجام شود باید با موافقت مدیریت سازمان مناطق آزاد باشد. اما هنوز این موافقت یا عدم مخالفت با آن توسط مدیریت مناطق آزاد اعلام نشده است.

اکنون مشخص نیست که مسئولیت نابه سامانی بر تورهای گردشگری مناطق آزاد و حتی هتل های این مناطق بر عهده کیست تا حداقل از فرصت گردشگری موجود در مناطق آزاد استفاده بیشتری شود و جذابیت‌های تورهای گردشگری کشورهای همسایه فرزندان ما را جذب نکند.

گزارش از فاطیما کریمی





ملزومات سفر

بقیه از صفحه اول

چسب زخم، باند، محلول‌های ضدعفونی کننده، و چند عدد قرص مُسکن از جمله ملزومات این کیف هستند. شاید باور نکنید، اما این کیف می تواند بسیار برای شما در سفر مفید باشد. در هنگام سفر حتماً با خود آب بسته‌بندی شده همراه داشته باشید. شاید شما در راه به آب احتیاج پیدا کنید و شاید مقصد شما فاقد آب پاک و آشامیدنی باشد. بسیار دیده شده که در هنگام سفر ما چندین چمدان پر از البسه را با خود حمل می کنیم. توصیه ما به شما این است که حتماً در رابطه با پوشاک مناسب فصل فکر کنید و سپس به جمع‌آوری آنها بپردازید.

به شما قول می‌دهیم که داشتن یک کاپشن گرم برای سفر کافی است و شما نیازی به حمل چند کاپشن ندارید. سعی کنید از چمدان‌ها یا ساک‌های دستی چرخ‌دار استفاده کنید. باورتان بشود یا نشود این چرخ‌ها معجزه می کنند! پیش از آغاز سفر، دوباره اسباب و اثاثیه خود را کنترل کنید تا چیزی جا نمانده باشد، چون بازگشت از میانه راه یکی از عواملی خواهد بود که سفر را برای‌تان تلخ خواهد کرد. اگرچه داشتن کارت بانکی و استفاده از آن بسیار مفید است، اما، ما توصیه می کنیم که حتماً مقداری هم پول نقد همراه داشته باشید. در همین رابطه باید متذکر شویم که هیچگاه پول خود را در کیف پول جیب پشتی شلوارتان نگذارید. کیف‌هایی که در پشت شلوار قرار می گیرند، ممکن است در یک نشستن و برخاستن بیفتند یا هدفی آسان برای کیف‌قاپان باشند. اگر در سفر برای گردش به بیرون می روید حتماً با خود یک میان‌وعده سبک همراه داشته باشید. اگر قصد رفتن به سفر خارج از کشور را دارید، حتماً گذرنامه، روادید و مدارک مربوط به رزرو هتل و همچنین آدرس دقیق محل اقامت خود را همراه داشته باشید. یک توصیه مهم، حتماً از پاسپورت خود چند عدد فتوکپی بگیرید و آدرس سفارت یا کنسولگری کشورتان در کشور مقصد را هم در یاد داشته باشید. هیچگاه در سفر از کفش های نو استفاده نکنید. چون هنوز این کفش‌ها شکل پای شما را به خود نگرفته‌اند، و پنجه‌های شما را اذیت خواهند کرد. یکی از وسایلی که همیشه باید همراه داشته باشید کلاه است. کلاه در سرما شما را گرم نگه می‌دارد و در گرما صورت و سر شما را از اشعه گرم آفتاب در امان می‌دارد. اگر قصد شنا در دریا را دارید عینک شنا و کرم ضدآفتاب یادتان نرود. هیچگاه در سفر اشیای قیمتی خود را در خودرو باقی نگذارید چون سارقان در کمین مسافران هستند. لباس هایی را که نیاز به اتو دارند، در ساک‌های دستی کوچک قرار ندهید و سعی کنید این البسه را در کاورهای مخصوص حمل کنید.

در جدول زیر شما می توانید ملزومات سفر را پیش از خروج از خانه کنترل کنید و با تیک‌زدن در مقابل اسامی این وسایل، میزان جا ماندن آنها را به حداقل برسانید.

سفر خوش!

منابع: Journeystravelgear.com

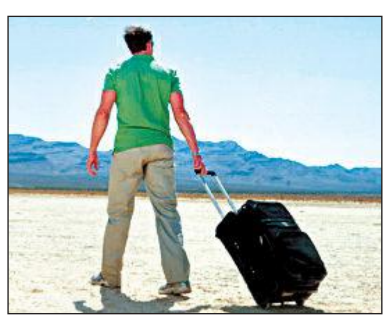
Every whereist.com

جدول شماره ۱:

لوازم متفرقه، اما ضروری	
۱ـ سشوار	☐
۲ ـ شارژ گوشی تلفن همراه و دوربین	☐
۳ـ اتو	☐

جدول شماره ۲:

ملزومات دوربین عکاسی یا فیلمبرداری	
۱ـ حافظه (مموری کارت) یا فیلم	☐
۲ ـ لنزهای دوربین	☐
۳ـ شارژر	☐
٤ـ باتری اضافی	☐



جدول شماره ۳:

این وسایل را فراموش نکنید	
۱ـ بلیط	☐
۲ ـ روادید (ویزا)	☐
۳ـ دستمال کاغذی	☐
٤ـ بالش شخصی	☐
٥ـ دفترچه بیمه	☐
٦ـ غذای‌آماده و کنسرو شده درکنار چند میان وعده	☐
۷ـ خودکار	☐
۸ـ گوش پاک‌کن	☐
۹ـ اسباب بازی برای کودکان	☐
۱۰ـ داروهای مصرف روزانه	☐
۱۱ـ گواهینامه رانندگی	☐

جدول شماره ۴:

لباس	
۱ـ لباس مناسب فصل (بهتر است از لباس‌های با رنگ خنثی استفاده شود)	☐
۲ ـ شلوار و شلوار راحتی	☐
۳ـ بارانی همراه با کلاه	☐
٤ـ حوله حمام، شامپو و صابون	☐
٥ـ کفش راحت مخصوص پیاده‌روی	☐
٦ـ دستکش و بهتر است دستکش تعمیرات در خودروهم وجود داشته باشد	☐
۷ـ یک جفت کفش یدکی	☐

جدول شماره ۵:

اسباب حمام و نظافت	
۱ـ مسواک و خمیردندان	☐
۲ ـ شامپو	☐
۳ـ فرچه کفش و لباس	☐
٤ـ آیینه (ترجیحاً از نوع نشکن باشد)	☐
٥ـ شانه	☐
٦ـ حوله سایز متوسط	☐

جدول شماره ۶:

دیگر ملزومات	
۱ـ اگر عینکی هستید، حتماً عینک اضافه (یدکی) همراه داشته باشید	☐
۲ ـ ساعت زنگدار	☐
۳ـ قاشق، چنگال، دربازکن و چاقو	☐
٤ـ چتر	☐
٥ـ چراغ قوه	☐
٦ـ ماشین حساب جیبی	☐
۷ـ کیسه‌های پلاستیکی	☐
۸ـ کارت‌های بانکی	☐
۹ـ جا لباس	☐
۱۰ـ عینک آفتابی	☐
۱۱ـ چند عدد آچار	☐

آداب و رسوم ملل

بلژیک؛ باران، ثروت، فناوری

بخش دوم

گردآوری و ترجمه: آرش میری‌خانی



مردم

بلژیک علیرغم کوچک‌بودنش جمعیت قابل توجهی را در خود جای داده است و واقع شدن مراکز نهادهای اروپایی در این کشور اهمیت این کشور اروپای غربی را دوچندان کرده است. براساس آمارهای موجود، «فلمینگ‌ها» حدود ۵۸ درصد و «والون»ها ۳۱ درصد جمعیت اصلی بلژیک را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که ۱۱ درصد از جمعیت این کشور را دیگر قومیت‌ها تشکیل می‌دهند.

زبان اصلی و رسمی در بلژیک هلندی است و بیش از ۶۰ درصد مردمان این کشور به این زبان تکلم می‌کنند. پس از زبان هلندی، زبان فرانسوی بیشترین کاربرد را در این کشور دارد و ۴۰ درصد بلژیکی‌ها فرانسوی‌زبان هستند. جالب آنکه زبان آلمانی هم با وجود اینکه تنها توسط یک درصد بلژیکی‌ها مورداستفاده قرار می‌گیرد در کنار زبان هلندی، زبان رسمی بلژیک به حساب می‌آید. اشاره به این نکته نیز خالی از لطف نخواهد بود که بیشتر بلژیکی‌ها به دو زبان هلندی و فرانسوی به صورت توأمان مسلط هستند. مسیحیت کاتولیک مذهب رسمی مردمان



بلژیک است و ۷۵ درصد از جمعیت این کشور پیرو این دین هستند. این در حالی است که ۲۵ درصد از جمعیت بلژیک نیز مسیحی پروتستان هستند. بلژیک تمامی شاخص‌های کشور مدرن اروپایی را دارد. این در حالی است که ۹۷ درصد از مردمان این کشور شهرنشین هستند و بروکسل به عنوان پایتخت یک میلیون و ۸۹۲ هزار نفر را درون خود جای داده است. سن امید به زندگی در بلژیک حدود ۸۰ سال است که رقم بسیار قابل قبولی به نظر می‌رسد. در همین راستا باید به این نکته نیز اشاره شود که دولت بلژیک سالانه حدود ۱۱ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف امور بهداشت و سلامت جامعه می‌کند. برهمین اساس ۱۰۰ درصد جمعیت شهرنشین و روستانشین بلژیک به آب پاک و لوله‌کشی دسترسی دارند. از سویی بروکسل هر سال ۶/۶ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف امور آموزشی می‌کند.و بیش از ۹۹ درصد از جمعیت بلژیک باسواد هستند.

ادامه دارد





هزینه سفر بر پیکر نحیف طبیعت!

همزمان با فرارسیدن سفرهای نوروزی، خاطرات تلخ از تشدید تخریب و آلودگی در محیط‌های جنگلی، دریایی، آتش سوزی و انبوه زباله و ترافیک جاده‌ای، نگرانی‌ها را افزایش می‌دهد.

به گزارش خبرگزاری میراث فرهنگی، تجربه گردشگری انبوه در تعطیلات نوروزی و نتایج تلخ هرساله از برخی رفتارهای وندالیستی مسافران، نبود آگاهی عمومی نسبت به طبیعت و نبود تسهیلات برای کاهش فشار و تخریب‌ها به ویژه در روز ۱۳ فروردین ایجاب می‌کند، از هم اکنون به فکر کاهش هزینه سفر بر پیکر نحیف طبیعت باشیم.

در سال‌های اخیر افزایش جمعیت مسافران و ترافیک طویل جاده‌ها، فصل شکوفایی طبیعت را به خزان زودرس و مرگ بسیاری از گونه‌های طبیعی و جانوری مبدل کرده است.

بعد از ۱۳ فروردین که اغلب روز پایانی سفرهای نوروزی است، به هر جاده و منطقه ییلاقی و سرسبز کشور اگر نگاهی بیندازید، گویی دشمنانی آمده و رفته‌اند. سیل عظیم جمعیت ساعت‌ها کنار جریان جاری رود می‌نشینند، غذا می‌خورند، بازی و تفریح و استراحت می‌کنند و سرانجام انبوهی زباله از انواع پسماند میوه و غذا گرفته تا کیسه‌های بسته بندی مواد غذایی، بطری نوشابه و قوطی کنسرو از خود بر جای می‌گذارند. آیا واقعا خیلی سخت است که زباله‌ها را داخل کیسه پلاستیکی بریزیم و باخود ببریم و به زباله دان برسانیم؟ هر شهروندی، از ۴ ساله تا ۸۰ ساله، عقیده دارد که ریختن زباله در طبیعت زشت و ناپسند است اما روشن نیست مسئول این همه زباله رها شده در سفرها کیست؟

همزمان با رشد گردشگری در بیشتر مقصدهای توریستی کشورهای توسعه نیافته جهان، توریسم انبوه یا توریسم توده‌ای یا Mass Tourism رخ می‌نماید که نشان از فقدان مدیریت و نگرش جامع و برنامه ریزی برای کسب درآمد صرف از این صنعت دارد.

توریسم انبوه که عمدتا به دلیل تخریب‌های گسترده زیست محیطی اش تعریف می‌شود، دردهه‌های اخیر در سیستم‌های جامع مدیریت گردشگری درکشورهای توسعه یافته با انواع مختلفی از گردشگری همانند گردشگری فرهنگی، گردشگری کشاورزی، گردشگری ادبی و مانند آن تعدیل شده است.

این نوع گردشگری به دلیل تجربه‌ها و عوارض منفی‌اش به تدریج با اعمال استراتژی‌های مختلف از حوزه فعالیت‌های گردشگری کشورهای توسعه یافته حذف شده است اما در کشورهای فقیر یا توسعه نیافته، هنوز گردشگری در همان چارچوب رشد نیافته و بدوی، در اشکال گوناگون، آن هم به فعالیت‌های عمدتا انحصاری خود ادامه می‌دهد.

توریسم توده‌ای یا توریسم انبوه امروزه به عنوان وجهی منفی از گردشگری شناخته شده که دربرابر «گردشگری پایدار» با مصرف بی‌رویه و حداکثری منابع آب، غذا و انرژی، بدون هرگونه محاسبه و در حجم بسیار بالا نتایجی گسترده و ابعاد وسیع‌تری دارد. ازجمله می‌توان به تاثیر حجم بالای مصرف بر سیستم فاضلاب اشاره کرد که بسیار بالاتر از سهم سرانه مصرف هر شهروند معمولی در جامعه‌های میزبان است.

انبوه زباله‌ها مشکل بسیار جدی در بیشتر شهرها و جزیره‌های کوچکی است که اکنون بسیاری از آن‌ها قادر به دفع زباله‌های تولید شده و به جا مانده از گردشگران نیستند. نتیجه برجای ماندن این حجم بالای زباله و فاضلاب ایجاد آلودگی و نفوذ در رودخانه‌ها و آب‌های زیرزمینی و به ویژه در نواحی ساحلی است که درعین حال بر نواحی مرجانی و اکوسیستم جزیره‌ای در سراسر جهان اثر مستقیم گذاشته است.

امروزه معضل زباله‌ها و تولید بوی نامطبوع از مواد آلی آن در شهرهای شمال کشور نمونه بارزی از این قبیل فعالیت‌هاست. این زباله‌ها که موجب زشتی محیط شده، چشم‌اندازهای طبیعی را هم برای گردشگران کم‌جاذبه می‌کند.

در یک زیست بوم بکر و دست نخورده، مواد قابل تجزیه زباله‌ها به وسیله باکتری‌ها تجزیه می‌شوند و توسط موجودات و گیاهان مورد استفاده قرار می‌گیرند اما یک اجتماع پرجمعیت انسانی به اندازه‌ای زباله‌های گوناگون تولید می‌کند که تجزیه طبیعی آنها در محیط غیرممکن است. بعضی از زباله‌ها نیز در طبیعت غیرقابل تجزیه هستند بنابراین افزایش زباله‌ها باعث آلودگی زمین، هوا و آب می‌شود.

اما بیشترین فشار از این قبیل سفرهای پرهزینه دسته جمعی، بر گونه‌های گیاهی و جانوران است که آثار منفی اغلب ماندگار و تقریبا ابدی است. به عنوان نمونه فعالیت کشتی‌های گشت دریایی و حمل و نقل گردشگران در مراکز ساحلی هم اکنون با اقتصاد برخی کشورها همانند منطقه کاراییب درآمیخته و یکپارچه شده است. طبق مطالعات انجام شده بر روی کشتی‌های گشت توریستی که در دومینیکا توقف می‌کنند، روشن شده است که تقریبا نیمی از مسافران هرگز کشتی خود را ترک نمی‌کنند و یک چهارم از مسافران نیز که کشتی را ترک می‌کنند، به سرعت برای صرف ناهار و استراحت به کشتی باز می‌گردند.

این به این معناست که بی آن که حتی اندکی پول در شهر یا کشور مقصد خود خرج کرده و کمکی به اقتصاد محلی کرده باشند، تنها هزینه آلودگی ناشی از سفر با کشتی را بر مردم منطقه تحمیل کرده‌اند. این نوع عملکرد ناشی از آن است که طبق قرارداد موسسه تورگردانی و گشت توریستی، تمام درآمد حاصل از این خدمات عاید موسسات کشتی رانی شده و در نتیجه سود بسیار اندکی ممکن است عاید مردم محلی شود. در این میان نه تنها مردم و سکنه بومی بلکه حتی توراپراتورهای کوچکتر محلی نیز از هرگونه درآمدی محروم مانده‌اند.

توریسم توده‌ای یا توریسم انبوه، اغلب آثار منفی زیست محیطی خود را به عنوان عوارضی خارجی و درجه دوم نشان می‌دهد. به عبارت دیگر چنین به نظر می‌رسد که گردشگران بهای گذراندن تعطیلات را در کشور میزبان پرداخت می‌کنند ولی هزینه پرداخت شده به هیچ روی شامل هزینه‌های منفی ایجاد شده نمی‌شود و این هزینه‌ها بر قیمت کالا و خدمات گردشگری افزوده نشده است.

درنتیجه باوجود نابودی و استهلاک محیط زیست و در شرایطی که شواهد حاکی از مرگ توده‌های مرجانی، آلودگی روزافزون منابع آب و دریاها و آلودگی اکوسیستم‌های ساحلی است، هیچ یک از این خسارت‌ها که دراصل نوعی خرج از اصل سرمایه است، در محاسبه قیمت کالا و خدمات گردشگری لحاظ نمی‌شود. درنتیجه به نظر می‌رسد که گردشگری صنعتی کم خرج و پرسود برای بومیان منطقه است.

دلیل دوم که سبب افزایش و ادامه روند گردشگری انبوه در بسیاری از نقاط کشور شده، تمرکز بر رشد جهانی صنعت گردشگری و نگاه سطحی به ارقام و آمار رشد این صنعت در عرصه جهانی است. تماشای رشد سریع و روش‌های متداول در دیگر کشورها سبب شده که بخش‌های تجارت و کسب و کار حتی برای به دست آوردن سهمی اندک از این صنعت بزرگ و پرسود جهانی دست به تکاپو بزنند تا شاید بتوانند از این رهگذر آنان نیز شاهد رشد چشمگیر درآمد و ایجاد اشتغال در شهرهای مختلف باشند.دردهه اخیر برای کاهش آثار مخرب گردشگری انبوه و مدیریت نشده، جایگزین‌های متنوعی ارائه شده که از جمله می‌توان به اکوتوریسم یا گردشگری مبتنی بر شناخت و احترام به طبیعت، گردشگری فرهنگی و گردشگری کشاورزی، گردشگری تاریخی اشاره کرد.

اما حتی اکوتوریسم هم که گاه به غلط با طبیعت گردی و گردش صرف و آشنایی با طبیعت تعریف شده، نوعی از گردشگری انبوه و واجد همان عوارض منفی و مخرب همانند تولید انبوه زباله و آلودگی منابع آب و نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری درسطحی وسیع‌تر و مخرب‌تر است.

درحالی که «انجمن بین المللی اکوتوریسم» به سادگی این نوع گردشگری را «سفر اخلاقا مسئولیت پذیر در قبال طبیعت» تعریف کرده است، این تعریف دربردارنده تعریف سفر به گونه‌ای است که سبب رشد منابع زیستی و طبیعی و نیز مردم محلی وابسته به آن شود.

روشن است که توسعه این نوع گردشگری مستلزم ایجاد آگاهی عمومی برای احترام به طبیعت و فرهنگ‌های محلی، آموزش مستقیم گردشگران و نیز میزبانان، ایجاد فرصت‌های تجاری با سود مالی دوجانبه برای گردشگر و میزبان و از همه مهم‌تر ایجاد حساسیت شدید در میان مردمان محلی و بومی مقاصد گردشگری نسبت به میراث فرهنگی و بومی و اقلیمی و طبیعی خودشان است.

گردشگری بدون کنترل در مناطق آزاد

نظارت بر تورهای گردشگری و نرخ هتل‌های مناطق آزاد را نه رئیس این مناطق بر عهده می‌گیرد و نه معاونت گردشگری کشور. چند روز پیش رئیس سازمان مناطق آزاد اعلام کرد: سیاست این سازمان کنترل قیمت تورهای گردشگری نیست. از سوی دیگر معاونت گردشگری نیز مدتهاست از نظارت بر این مناطق شانه خالی کرده است.

به گزارش مهر، از میان هفت منطقه آزاد کشور یعنی منطقه آزاد چابهار، قشم، کیش، انزلی، اروند، ارس و ماکو، تنها تورهای گردشگری به مقصد چابهار، قشم و کیش در دفاتر خدمات مسافرتی ایران تعریف شده است. این تورهای گردشگری به سمت مناطق آزاد و گردشگری ایران در ایام نوروز ۹۳ بیشترین نرخ را در میان مقاصد سفرهای داخلی از آن خود کرده‌اند به نحوی که اکنون تورهای گردشگری کیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان به بالا فروخته می‌شود و تورهای گردشگری قشم نیز کمتر از یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان نیست.

یکی از هتل‌هایی که در جزیره کیش بیشترین تعداد تورهای گردشگری را دارد، در سال‌های اخیر نشان داده است که از پس پذیرایی از انبوه مسافرانش بر نمی‌آید؛ چنان که در مدت اخیر توسط سازمان منطقه آزاد کیش اخطار گرفته و برای مدت کوتاهی نیز اجازه برپایی تورهای گردشگری را نداشته است تا اینکه پس از ارزیابی یکی از ستاره‌های هتلش خاموش شد و اکنون از عنوان هتل بزرگ در تبلیغاتش استفاده می‌کند. با این حال دفاتر خدمات مسافرتی تورهای گردشگری اقامت در این هتل در جزیره کیش آن هم به مدت چهار شب را از مبدا تهران یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان می‌فروشند درحالی که اپراتورهای دفاتر خدمات مسافرتی عنوان می‌کنند پس از ایام عید و یا قبل از آن، همین تور ۷۰۰ هزار تومان نرخ دارد.اما تورهای گردشگری با اقامت در هتل‌های ساحلی و سه ستاره نیز ۸۰۰ هزار تومان نرخ دارد. درحالی که این تورها قبل از ایام عید ۵۰۰ هزار تومان قیمت دارند.

غیر از کیش، برای جزیره قشم هم تورهای گردشگری تعریف شده است با این تفاوت که اکنون به علت کمبود مراکز اقامتی مناسب در قشم، کمتر می‌توان جای خالی در تورهای گردشگری جزیره آن هم برای ایام نوروز پیدا کرد با این حال تورهای قشم در دفاتر خدمات مسافرتی تهران یک میلیون و صد هزار تومان به بالا فروخته می‌شوند.

تورهای گردشگری چابهار نیز مانند جزیره کیش و قشم اگرچه اکنون با قیمت یک میلیون تومانی به فروش می‌رسد اما این تورها نیز قبل و بعد از عید با نرخ کمتری برگزار می‌شوند.

بنابراین درست در زمان عید که کشورهایی مانند امارات و ترکیه تورهای گردشگری دوبی و استانبول را با حداقل قیمت و برای یک هفته یک میلیون تومان می‌فروشند، نرخ تورهای گردشگری مناطق آزاد نه تنها در زمان نوروز کاهش نمی‌یابد بلکه با حداکثر قیمت نیز از فرصت تعطیلات نوروزی برای دریافت سود بیشتر استفاده می‌شود.

ایجاد فضای رقابتی سالم بدون نظارت بر قیمت‌ها!

باوجود آنکه سازمان میراث فرهنگی از تمامی مراکز اقامتی کشور خواسته بود در ایام نوروز افزایش نرخ نداشته باشند تا مردم بیشتری برای اقامت در هتل رغبت پیدا کنند اما درباره مناطق آزاد هیچ حرفی به میان نیاوردند تا اینکه در روز پنجم اسفند ماه، رئیس شورای هماهنگی مناطق آزاد کشور اعلام کرد: "ما در قیمت گذاری تورها هیچ دخالتی نمی‌کنیم، آنها در بازار رقابتی کار می‌کنند به هیچ وجه در مناطق آزاد سیاست‌مان کنترل قیمت نیست بلکه ایجاد رقابت فضای سالم و از بین بردن انحصار است."

نبود نظارت بر کنترل قیمت‌ها باعث شده تا تورهای گردشگری به سمت مناطق آزاد دو برابر گران‌تر از روزهای قبل و بعد از عید فروخته شود و برخلاف تصور رئیس شورای هماهنگی مناطق آزاد، رقابت به وجود آمده برای فروش تورهای گردشگری نه تنها سالم نیست بلکه باعث شده تا انحصار این تورها تنها در اختیار عده‌ای از آژانس‌ها و افراد خاص باشد.

در این مناطق نرخ اتاق هتل برای هر شب تا یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان نیز می‌رسد و کمترین نرخ نیز متعلق به هتل‌هایی است که استاندارد نیستند اما به صورت مستقل برای اتاق خود نرخ تعیین می‌کنند بی واهمه از بازرسی‌ها.

از سوی دیگر معاونت گردشگری سازمان میراث فرهنگی نیز نظارت بر نرخ هتل و تورهای گردشگری مناطق آزاد را بر عهده خود نمی‌داند. این نظارت نه تنها اکنون بلکه از سال‌های گذشته نیز بر عهده سازمان میراث فرهنگی نبوده است. به همین علت زمانی که برنامه ریزی‌های سفر نوروزی انجام شد، معاونت گردشگری، کشور را به ۷ منطقه برای نظارت بر واحدهای گردشگری و اقامتی تقسیم کرد ولی جایگاهی برای نظارت بر تاسیسات موجود در مناطق آزاد تعریف نکرد.

با این حال اگر قرار باشد نظارتی بر این واحدهای گردشگری نیز انجام شود باید با موافقت مدیریت سازمان مناطق آزاد باشد. اما هنوز این موافقت یا عدم مخالفت با آن توسط مدیریت مناطق آزاد اعلام نشده است.

اکنون مشخص نیست که مسئولیت نابه سامانی بر تورهای گردشگری مناطق آزاد و حتی هتل‌های این مناطق بر عهده کیست تا حداقل از فرصت گردشگری موجود در مناطق آزاد استفاده بیشتری شود و جذابیت‌های تورهای گردشگری کشورهای همسایه فرزندان ما را جذب نکند.

گزارش از فاطیما کریمی





ملزومات سفر

بقیه از صفحه اول

چسب زخم، باند، محلول‌های ضدعفونی کننده، و چند عدد قرص مُسکن از جمله ملزومات این کیف هستند. شاید باور نکنید، اما این کیف می‌تواند بسیار برای شما در سفر مفید باشد. در هنگام سفر حتماً با خود آب بسته‌بندی شده همراه داشته باشید. شاید شما در راه به آب احتیاج پیدا کنید و شاید مقصد شما فاقد آب پاک و آشامیدنی باشد. بسیار دیده شده که در هنگام سفر ما چندین چمدان پر از البسه را با خود حمل می‌کنیم. توصیه ما به شما این است که حتماً در رابطه با پوشاک مناسب فصل فکر کنید و سپس به جمع‌آوری آنها بپردازید.

به شما قول می‌دهیم که داشتن یک کاپشن گرم برای سفر کافی است و شما نیازی به حمل چند کاپشن ندارید. سعی کنید از چمدان‌ها یا ساک‌های دستی چرخ‌دار استفاده کنید. باورتان بشود یا نشود این چرخ‌ها معجزه می‌کنند! پیش از آغاز سفر، دوباره اسباب و اثاثیه خود را کنترل کنید تا چیزی جا نمانده باشد، چون بازگشت از میانه راه یکی از عواملی خواهد بود که سفر را برای‌تان تلخ خواهد کرد. اگرچه داشتن کارت بانکی و استفاده از آن بسیار مفید است، اما، ما توصیه می‌کنیم که حتماً مقداری هم پول نقد همراه داشته باشید. در همین رابطه باید متذکر شویم که هیچگاه پول خود را در کیف پول جیب پشتی شلوارتان نگذارید. کیف‌هایی که در پشت شلوار قرار می‌گیرند، ممکن است در یک نشستن و برخاستن بیفتند یا هدفی آسان برای کیف‌قاپان باشند. اگر در سفر برای گردش به بیرون می‌روید حتماً با خود یک میان‌وعده سبک همراه داشته باشید. اگر قصد رفتن به سفر خارج از کشور را دارید، حتماً گذرنامه، روادید و مدارک مربوط به رزرو هتل و همچنین آدرس دقیق محل اقامت خود را همراه داشته باشید. یک توصیه مهم، حتماً از پاسپورت خود چند عدد فتوکپی بگیرید و آدرس سفارت یا کنسولگری کشورتان در کشور مقصد را هم در یاد داشته باشید. هیچگاه در سفر از کفش‌های نو استفاده نکنید. چون هنوز این کفش‌ها شکل پای شما را به خود نگرفته‌اند، و پنجه‌های شما را اذیت خواهند کرد. یکی از وسایلی که همیشه باید همراه داشته باشید کلاه است. کلاه در سرما شما را گرم نگه می‌دارد و در گرما صورت و سر شما را از اشعه گرم آفتاب در امان می‌دارد. اگر قصد شنا در دریا را دارید عینک شنا و کرم ضدآفتاب یادتان نرود. هیچگاه در سفر اشیای قیمتی خود را در خودرو باقی نگذارید چون سارقان در کمین مسافران هستند. لباس‌هایی را که نیاز به اتو دارند، در ساک‌های دستی کوچک قرار ندهید و سعی کنید این البسه را در کاورهای مخصوص حمل کنید.

در جدول زیر شما می‌توانید ملزومات سفر را پیش از خروج از خانه کنترل کنید و با تیک‌زدن در مقابل اسامی این وسایل، میزان جا ماندن آنها را به حداقل برسانید.

سفر خوش!

منابع: Journeystravelgear.com

Everywhereist.com

جدول شماره ۱:

لوازم متفرقه، اما ضروری	
۱ـ سشوار	☐
۲ ـ شارژ گوشی تلفن همراه و دوربین	☐
۳ـ اتو	☐

جدول شماره ۲:

ملزومات دوربین عکاسی یا فیلمبرداری	
۱ـ حافظه (مموری کارت) یا فیلم	☐
۲ ـ لنزهای دوربین	☐
۳ـ شارژر	☐
۴ـ باتری اضافی	☐



جدول شماره ۳:

این وسایل را فراموش نکنید	
۱ـ بلیط	☐
۲ ـ روادید (ویزا)	☐
۳ـ دستمال کاغذی	☐
۴ـ بالش شخصی	☐
۵ـ دفترچه بیمه	☐
۶ـ غذای‌آماده و کنسرو شده درکنار چند میان وعده	☐
۷ـ خودکار	☐
۸ـ گوش پاک‌کن	☐
۹ـ اسباب بازی برای کودکان	☐
۱۰ـ داروهای مصرف روزانه	☐
۱۱ـ گواهینامه رانندگی	☐

جدول شماره ۴:

لباس	
۱ـ لباس مناسب فصل (بهتر است از لباس‌های با رنگ خنثی استفاده شود)	☐
۲ ـ شلوار و شلوار راحتی	☐
۳ـ بارانی همراه با کلاه	☐
۴ـ حوله حمام، شامپو و صابون	☐
۵ـ کفش راحت مخصوص پیاده‌روی	☐
۶ـ دستکش و بهتر است دستکش تعمیرات در خودروهم وجود داشته باشد	☐
۷ـ یک جفت کفش یدکی	☐

جدول شماره ۵:

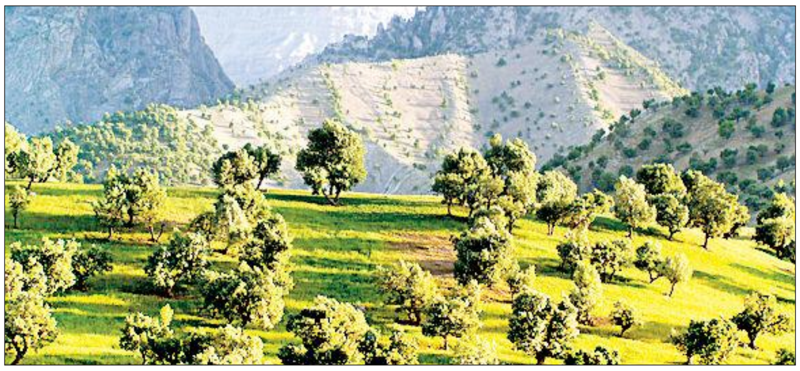
اسباب حمام و نظافت	
۱ـ مسواک و خمیردندان	☐
۲ ـ شامپو	☐
۳ـ فرچه کفش و لباس	☐
۴ـ آیینه (ترجیحاً از نوع نشکن باشد)	☐
۵ـ شانه	☐
۶ـ حوله سایز متوسط	☐

جدول شماره ۶:

دیگر ملزومات	
۱ـ اگر عینکی هستید، حتماً عینک اضافه (یدکی) همراه داشته باشید	☐
۲ ـ ساعت زنگدار	☐
۳ـ قاشق، چنگال، دربازکن و چاقو	☐
۴ـ چتر	☐
۵ـ چراغ قوه	☐
۶ـ ماشین حساب جیبی	☐
۷ـ کیسه‌های پلاستیکی	☐
۸ـ کارت‌های بانکی	☐
۹ـ جا لباس	☐
۱۰ـ عینک آفتابی	☐
۱۱ـ چند عدد آچار	☐

ایلام، دروازه عتبات عالیات





ایلام، ســرزمین رنگ‌هــا، دروازه عتبات عالیات و لحظه شــمار قدم‌های میهمانان نوروزی از سراسر کشور پهناور ایران اسلامی است.

به گزارش فارس، مهران دروازه عتبات عالیات اســت. این شهرســتان با وســعتی حدود ٤١٦٤ کیلومتر مربع که ۲۰/٦٧ درصد مســاحت استان را شامل می‌شــود.در جنوب غربی ایلام و در ســاحل چپ رودخانه معروف کنجان چم واقع شده است. امتداد شمال غربی، غرب و جنوب مهران به مرز عراق منتهی و از طرف شرق به دهلران محدود می‌شود. این شهر قبلاً منصور آباد نام داشت و در سال ۱۳۰۹ با تصویب فرهنگستان ایران به مهران تغییر نام یافت.

آثار باســتانی این شهرستان شامل تپه‌های باستانی صالح آباد ،قلعه کنجان چم، تپه‌های باستانی سرنی و کلک، محوطه باستانی کان گنبد، سنگ نوشته دوره والیان در ناحیه تخت خان و چند اثر دیگر اســت.امامزاده‌های سیدحســن (ع) و علی صالح (ع) نیز در این شهرستان واقع شده است. رودخانه دائمی کنجان چم که از کوه‌های ســیوان در جنوب ایلام سرچشمه گرفته و در جهت شمال شرقی به جنوب غربی پس از طی ۱۲ کیلومتر از خط مرزی ایران و عراق در نزدیکی مهران به رودگاوی می‌پیوندد نیز در کنار غار زیبای زینه گان از جاذبه‌های طبیعی بسیار زیبای مهران محسوب می‌شوند.مرزبین‌المللی مهران نیز در جنوب شهر واقع شده که روزانه بیش از ۵ هزار نفر زائر و مسافر در کنار حجم عظیم مبادلات تجاری در آن رفت و آمد می کنند.مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان ایلام در این باره می گوید: جاذبه‌های گردشگری باقیمانده از جنگ تحمیلی در این منطقه، شامل بانروشان، پارک لاله و سنگر صدام است.

عبدالمالک شنبه‌زاده می افزاید: ایلام خاستگاه مردمانی است که ورق ورق تاریــخ دیرپــای ایران را تجربه کرده‌اند. جنگل های انبوه «لوط و بنه» و حرکت و خروش رودهای سیمره و کنجانچم به ایلام زیبایی مسحور کننده‌ای بخشیده و پرتوهای روح افزای آفتاب از فراز کوه‌های قد کشیده کبیر کوه، مانشت و دینارکوه سرزمین طلوع خورشید را به زیباترین عروس دردانه زاگرس بزرگ تبدیل کرده است.وی ادامه می دهد: دره‌های شگفت، رودها و آبشارهای طرب انگیز، غارهای بی‌نظیر، کوه‌های ســر به فلک کشیده، اقلیم‌های متنوع آب و هوایی، همجواری دیدنی کوه و دشت، سادگی هزار رنگ طبیعت وحشی، صداقت فرهنگ و هنر و چشم اندازهای بدیع استان، ایلام را به شاهکار خلقت ایران تبدیل کرده است.

این مسئول اضافه می کند: استان ایلام همچون ستاره‌ای تابناک بر آسمان تاریخ و فرهنگ ایران زمین می‌درخشد و آثار تاریخی فراوان به جای مانده از تمدن‌های گذشــته حکایت از ریشــه‌دار بودن تاریخ و فرهنگ این دیار در قرن‌های گذشته دارد.شنبه‌زاده تصریح می کند: به راستی دیار ایلامیان که از هزاره‌های قبل از میلاد تاکنون به صلابت قلاقیران بوده است و آوازه مردان و زنان سخت کوش و حماسه ســاز آن در بزم و رزم دهل و ســرنا شــنیده می‌شود، به عنوان استانی میهمان نواز پذیرای گردشگران در سراسر کشور و دوستداران خود است.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان ایلام می گوید: آری ایلام قاب دیدگان هر بیننده‌ای را می نوازد و دهان هر گردشگری را به شگفتی و حیرت وا می‌دارد.وی ادامه می دهد: ایلامیان خونگرم با سفره‌های گشوده صفا و صمیمیت و یکرنگی میزبان حضور میهمانان هستند تا با آنان نان و نمکی تازه کنند و با دیدن شگفتی های سرزمین رنگ‌ها لحظاتی به یاد ماندنی را در این استان میهمان باشند.وی اضافه می کند: فرقی نمی کند چه فصلی باشد، آغوش ایلام برای وصل گشوده است، چه در بهار زیبا و فرح‌بخش، تابستان خنک و دلچسب، پائیز هزار رنگ و چه زمستان سپید و پربرف.

مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری استان درباره قلعه هزار دره می گوید: دهلران در دامنه جنوب و جنوب غربی دینارکوه قرار دارد. منطقه جنگی شرهانی در این شهرستان واقع شده که مورد توجه کاروان‌های راهیان‌نور قرار گرفته است. شنبه‌زاده اظهار می دارد: بخش موسیان در حد فاصل دهلران و استان خوزستان قرار دارد. از این بخش رودخانه‌های دویرج و چیغاب «مورموری» عبور می کند. در این بخش به‌دلیل حاصلخیزی زمین‌های کشاورزی محصولات متنوع جالیزی به‌دست می آید.این مسئول اضافه می کند: در بخش موسیان چاه‌های نفت فراوانی حفر شــده و دارای منابع عظیم نفتی اســت. بخش زرین‌آباد به مرکزیت شهرک پهله از زمان‌های قدیم تاکنون محل سکونت بوده است و آثار باستانی فراوانی در آن به چشم می خورد.شنبه‌زاده تصریح کند: شهرک میمه یکی از نواحی خوش آب و هوا و پرجمعیت زرین آباد اســت. اماکن و مراکز گردشــگری شهرســتان دهلران شامل قلعه شیاق، سنگ نوشته میمه، تپه های علی کش، تپه‌های سبز، تپه موسیان سه، تپه فرح آباد، چشمه‌های آبگرم، چشمه‌های قیر، غار بیشه دراز، غار خفاش، آتشکده میمه، سنگ نوشته میمه، آبشار آبتاف، امامزاده سید اکبر، امام زاده سید فخرالدین و امامزاده سید ابراهیم قتال است. خروج از بخش شرقی شهرستان ورود به استان خوزستان است.

تنگه بهرام چوبینه، اثری ساسانی در ایلام



تنگــه بهرام چوبینه به عنوان شــکارگاه ییلاقی بهــرام چوبین پذیرای گردشگران است.

به گزارش ایسنا، تنگه بلند و زیبای « بهــرام چوبینه » در فاصله هفــت کیلومتری شــهر تاریخی دره‌شــهر و در مســیر دره‌شهر به پلدختــر قــرار دارد و بــه اقامتگاه ییلاقــی بهــرام چوبین –ســردار ساسانی –معروف است.

این تنگه علاوه بر زیبایی های وصف‌ناپذیر طبیعــی که در خود جای داده است، دارای آثار قلعه‌ای بزرگ و آب‌انبارهای تراشــیده از سنگ اســت که این آثار مربوط به دوره ساسانی است .

این تنگه کم‌عرض و بســیار مرتفع که شــکارگاه بهرام چوبینه بوده است، دارای آثار ارزنده‌ای در قسمت‌ورودی، پیشانی‌وارتفاعات اســت ازجمله آثار به‌جای مانده از این قلعه که از ســنگ و گچ ساخته شده اســت، دیواره‌های سنگی و آب‌انبار آن اســت.این تنگه و قلعه آن، عــلاوه بر زیبایی های طبیعی و آثار پلکان‌های سنگی بر دیوارهای سنگی و نقاط صعب العبور داخل تنگه، وجود چهار آبشــار انبار که در صخره‌های ســخت تراشیده و وجود آب آشامیدنی در داخل آن‌ها حاکی از توجه و اهمیت این منطقه در طول دوران تاریخی دارد که در نوع خود بی‌نظیر است. این تنگه در ایام بهار، ایرانگردان و علاقمندان به آثار تاریخی و طبیعی را به ســوی خــود جــذب می کنــد و یکی از تنگه‌های افسانه‌ای به‌شمار می آید.

این تنگه در شهر تاریخی دره‌شهر قــرار دارد که اهمیــت آن تا حدی اســت که مورخان و تاریخ نگاران آن را به نام اولین شهر تاریخی دوره ساسانی نامیده‌اند.

نابودی کاشیکاری خانه پدر چای ایران

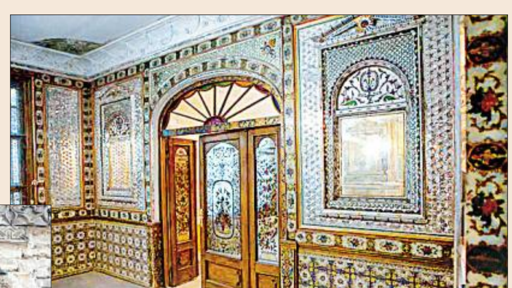
بســیاری از کاشــی کاری ها و ملحقات نفیس خانه محمد میرزا کاشــف السلطنه اولین وارد کننده چای به ایران و مَشهور به «پدر چای ایران» که در تهران قرار دارد، در یک سال اخیر، در غفلت سازمان های مسئول از بین رفته است.

به گزارش مهر، این خانه در برخی از منابع به نام کاشف السلطنه ثبت شده است. محمد میرزا کاشف السلطنه مشهور به چایکار، از نوادگان عباس میرزا و یکی از دیپلمات ها، نویسندگان و مشروطه خواهان دوره قاجار و پهلوی است.

او نخستین کسی است که در سال ۱۳۸۵ هجری قمری بذر چای را از هند به ایران آورد و کشت آن را در ایران رواج داد و به همین دلیل او را پدر چای ایران می نامند. کاشف السلطنه نخستین شخصی است که در سال ۱۳۲٦ هجری قمری بنا به مصوبه مجلس شورای ملی، مامور راه اندازی بلدیه تهران شد و کتابچه قانون بلدیه را تهیه کرد. او را می توان در زمره اولین شهرداران تهران نامید.

در برخی منابع دیگر نیز این بنا را متعلق به منوچهر صانعی، پسر استاد ابوالحسن کاشی صانعی عنوان می کنند. منوچهر صانعی یکی از معماران بنام دوره قاجار است و از او یادگارهایی در تهران همچون خانه قوام السلطنه، عمارت تیمورتاش و خانه سردار اسعد بختیاری باقی مانده است. او طراح و مجری باغشاه سابق تهران بود.

اســکندر مختاری طالقانی، تهران شــناس در این باره می گوید: در دهه ۵۰ گروهی از معماران و دست اندرکاران کاخ گلستان در این بنا آرایه هایی زیبائی از هنر کاشی کاری، گچ بری، آینه کاری و ... را به کار بردند و کاخ گلســتان کوچکی را در این بنا به وجــود می آوردند که ایــن کار اهمیت این اثر تاریخی را دو چندان می کند.



این خانه به مدت ۱۷ ســال به دفتر حفاظت منافع ســفارت مصر اجاره داده شــده بود تا آنکه ســال گذشــته، مدت اجاره آن تمام شد و کارکنان این دفتر به مکان دیگری انتقال داده شدند و مالک، خانه را به رقم ۲۵ میلیارد تومان به شخص دیگری واگذار کرد.

در این میان برخی از کارشناسان میراث فرهنگی در تهران که از این بنا بازدید کرده اند، معتقدند کاشی ها، درها و پنجره ها، آینه کاری ها و هر شی ارزشمند به کار رفته در این بنا پس از متروکه شدن، به وسیله تیشه و پتک از بین رفته و حتی برخی از ملحقات آن از عتیقه فروشــی های محدوده خیابان شریعتی و منطقه شمیران، سردرآورده است.

با این حال هنوز اداره کل میراث فرهنگی اســتان تهران این بنا را در فهرســت آثار ملی کشور ثبت نکرده است و نمی توان به صورت قطعی گفت که این بنا حتی در لیســت آثار ارزشمند واجد ثبت استان نیز قرار دارد یا نه.



امــروز بیم آن مــی رود که این بنا تخریــب شــود و پروژه ســاخت یک پروژه مســکونی یا تجاری به جای آن کلید بخورد.



طفلی به نام شادی

بقیه از صفحه اول

غلامحسین معتمدی، روانپزشک، می گوید: متأسفانه ما از شادی چیز زیادی نمی دانیم و بی آن که به بررسی چرایی و چیستی آن بپردازیم و بکوشیم تا راهی برای کسب شادی و رضایت پایدار پیدا کنیم، به دنبال آن می گردیم. او با تفاوت قائل شدن میان لذت و شادی، اولی را بیشتر مرتبط با حواس پنجگانه و وابسته به شرایط و عوامل بیرونی می داند و می گوید: لذت می تواند سالم و سازنده نباشد امّا شادی همیشه سالم و سازنده است. مثلاً وقتی فردی دچار پریشان فکری و اضطراب است، به پرخوری روی می آورد یا سیگار می کشد که هردو به او لذت می دهند ولی او را شاد نمی کنند؛ به خصوص وقتی که می داند مصرف سیگار برای سلامتی او ضرر دارد.

* *

چندی پیش یکی از سایت های خبری در مطلبی با عنوان «چرا ملت شادی نیستیم؟»، به رتبه بندی کشورها از نظر شادی اشاره و بر اساس آن، ایران را از بین ۱۵۶ کشور، در جایگاه ۱۱۵ معرفی کرده بود. در این نوشته، مردمان کشورهای دانمارک، نروژ، سوییس، هلند، سوئد، کانادا، فنلاند، اتریش، ایسلند و استرالیا به ترتیب به عنوان دارندگان بالاترین سطح شادی معرفی شده بودند.

افراد مختلف دلایل گوناگونی را برای ناشادی جامعه یا کمبود شادی معرفی می کنند. محدودیت های فرهنگی و نبود تعریف دقیق از شادی متناسب با فرهنگ ایرانی – اسلامی، بیکاری و مشکلات مالی و ضعف معنویت از آن جمله اند. سید حسن موسوی چلک، مددکار اجتماعی، در وبلاگش با طرح موضوع شادی در جامعه ایرانی، می گوید: وجود منابع مالی فراوان، نیروی انسانی کارآمد، طبیعت زیبا، فرهنگ غنی و دلایل متعدد دیگر عوامل کافی برای شادی هستند ولی با این حال ما انسان های شادی نیستیم.

عوامل شادی آفرین

برون گرایی، خوش بینی، احساس کنترل خویشتن و هدفمند بودن در زندگی رابطه مستقیم با شادی دارد. همچنین هر چه اعتماد به نفس بیشتر باشد، امکان دستیابی به شادی بیشتر خواهد بود. برخورداری از تعادل، تداوم و ثبات در شخصیت افراد تضمین کننده بقای شادی در زندگی آنهاست. همچنین عوامل پیش بینی کننده شادی با بالا رفتن سن تغییر می کند. مثلا رضایت از سلامتی در سنین بالا به عنوان عامل مؤثر شادی اهمیت بیشتری می یابد.

دکتر معتمدی برخورداری از انواع لذت های به ظاهر کوچک در زندگی را در افزایش شادی مؤثر می داند و می گوید: پیروی از یک سبک زندگی معتدل همراه با خواب خوب، تغذیه سالم، ورزش، تنفّس صحیح، رابطه زناشویی مناسب و مراقبت‌های پزشکی لازم زمینه مناسب برای استقرار شادی را فراهم می کنند. به گفته او، برخورداری از سلامتی شرط اوّل شادی است.

برخورداری از ارتباطات فردی و اجتماعی لازم، ازدواج، زندگی خانوادگی، بودن با دوستان و برخورداری از یک شبکه اجتماعی مناسب و کارا از دیگر عوامل شاد بودن است. یافته ها نشان می دهد که افراد متاهل از مجردها شادترند. البته اثربخشی ازدواج بر شادی با گذشت زمان کمتر می شود، لذا کیفیت ازدواج هم اهمیت دارد. به گفته کارشناسان، عشق ورزیدن یکی از ارکان اصلی شاد بودن است. کارشناسان رضایت شغلی را هم یکی از عوامل زمینه ساز شادی و در برابر آن بیکاری و نارضایتی شغلی یا فرسودگی شغلی را زداینده شادی ها دانسته اند. توجه به اوقات فراغت و برخورداری از تفریحات سالم و لازم نیز از دیگر ارکان زندگی شاد است. به گفته دکتر معتمدی، وقتی کار و اوقات فراغت از جمله مهارت های اجتماعی فرد باشد، کیفیت زندگی به طور کلی ارتقاء می یابد.

کارشناسان از جملهٍ منابع مهم ایجاد شادی که تأثیر منفی رویدادهای استرس آفرین را کم می کند، به شوخ طبعی اشاره می کنند. خنده نوعی بیان عاطفه مثبت است و شوخی مهارتی اجتماعی است که موجب تخلیه تنش و افزایش همبستگی می شود. کارشناسان شوخ طبعی را یکی از ویژگی های شخصیت سالم به شمار می آورند ولی می گویند که شوخ طبعی با مسخره کردن و طعنه زدن تفاوت دارد. استفاده از شوخی های خصمانه که با هدف آزار دیگران انجام می گیرد یا شوخی های برتری طلبانه که با تحقیر افراد همراه است جایز نیست. بذله گویی، خندیدن و شوخی کردن تأثیرات جسمانی مثبتی بر قلب، تنفس، سیستم ایمنی بدن، کاهش درد و غلبه بر ترس ها و تردیدها دارد و طبیعی است که برخورداری از مهارت های مربوط به مدیریت استرس و تنظیم هیجانات و احساسات از آنجا که به کاهش احساسات منفی، نگرانی ها و اضطراب ها می انجامد، زمینه بروز و ارتقای شادی را فراهم می کند.

وجود منابع مالی فراوان نیروی انسانی کارآمد، طبیعت زیبا فرهنگ غنی و دلایل متعدد دیگر عوامل کافی برای شادی هستند ولی با این حال ما انسان‌های شادی نیستیم

عوامل از بین برنده شادی

دکتر مجید ابهری، رفتارشناس اجتماعی می گوید: عواملی چون مشکلات خانوادگی، کاهش روابط اجتماعی، مسائل مالی، آلودگی‌های صوتی و تنش‌های عصبی، اخبار تلخ از عوامل محیطی موجب ایجاد اضطراب و افسردگی هستند. او همچنین مبلمان شهری، رنگ‌آمیزی دیوارها، درهم تنیدگی معماری که شهرسازی را به ترکیبی از المان‌های چشم آزار تبدیل می‌کند، از عوامل دیداری افسردگی در شهرهای بزرگ همچون تهران برمی شمرد.

نتیجه حدود ۱۰۰ مطالعه مختلف جهانی از ۸۰ هزار نفر در سراسر دنیا نشان داده است که میزان شادی ملی، ارتباط نزدیکی با سلامت، ثروت و تحصیل دارد. بر این اساس مردمی که کشورهایشان، سیستم بهداشتی و پزشکی خوب، اوضاع اقتصادی مناسب‌تر و امکان برابر در دستیابی به تحصیل دارند، شادتر و راضی ترند.



بر اساس گزارشی دیگر بزرگترین عامل از بین رفتن شادی در کشورها کاهش احساس آزادی برای تصمیم گیری درباره رویدادهای زندگی در میان انسان‌ها است. بر اساس این گزارش، انسان‌ها می توانند به دلایل مختلفی از جمله فقر، بیکاری، شکست‌های خانوادگی و بیماری‌های روانی غمگین شوند، اما در یک جامعه میانگین، بیماری‌های روانی مزمن یکی از اثرگذارترین عوامل ناشاد بودن افراد است. افزایش شادی در میان مردمان نیازمند صرف بودجه برای درمان بیماری‌های روانی است. همچنین آب و هوا و محیط زیست سالم را هم از عوامل تأثیر گذار بر شادی دانسته‌اند. به گزارش خبرآنلاین، محمد درویش، کارشناس محیط زیست می گوید: وقتی زمین و هوا و آب آلوده می‌شود، وقتی موجودیت حیات گیاهی و جانوری به خطر می‌افتد، مردمی هم که در این سرزمین زندگی می کنند، از ضریب شادمانی کمتری برخوردارند. به گفته وی، بر اساس شاخص محیط زیست، مردمی شادتر هستند، افسردگی آنها کمتر است و ضریب کاری آنها بالاتر است که در سرزمینی زندگی می کنند که پایداری اکولوژیکی بالا داشته و مواهب طبیعی گیاهی و جانوری آن از امنیت روانی بیشتری برخوردار باشند.

آبراهام مزلو، نظریه پرداز مدیریت، سلسله مراتب نیازهای انسانی را به صورت هرمی معروف به هرم مزلو ترسیم می کند که بر طبق آن، نیازهای ابتدایی انسان در طبقه پایین قرار می گیرند و هرچه بالاتر می‌رود، نیازهای پیچیده‌تر انسانی رخ می نمایند که به ترتیب عبارت‌اند از: نیازهای فیزیولوژیک، نیازهای امنیتی، نیازهای عاطفی، نیازهای اجتماعی – احترامی و نیاز به خودشکوفایی.

طبق نظریه مزلو، هر «نیاز» هرچقدر پایین‌تر قرار داشته باشد، قوی‌تر است و بدون ارضای نیازهای هر طبقه نمی توان به طبقه بالاتر دست یافت. با این توصیف، مقدمه رفع نیاز به شادی نیز نیازهای جسمی اولیه ای چون نفس کشیدن، خوردن، نوشیدن، رابطه جنسی، خواب و ... است و بر طبق این نظریه بدون ارضای نیازهای هر طبقه نمی توان به طبقه بالاتر دست یافت.

از یک آهنگساز انگلیسی نقل می شود که گفته است: زمانی که به مدرسه رفتم از من پرسیدند: «وقتی بزرگ شدی می خواهی چه کاره بشوی»؟ من پاسخ دادم: «خوشحال»! آنها به من گفتند که مفهوم پرسش را متوجه نشده ام و من به آنها گفتم: «این شما هستید که مفهوم زندگی را متوجه نشده اید».

به گفته کارشناسان، نیاز به شادی جزو نیازهای اولیه انسان است که برای رفع آن لازم است برنامه ریزی شود.

دکتر شفیعی کدکنی نیاز امروز جامعه به شادی را به خوبی توصیف کرده است: «**طفلی به نام شادی، دیریست گم شده ست / با چشم های روشن براق / با گیسویی بلند به بالای آرزو / هر کس ازو نشانی دارد / ما را کند خبر / این هم نشان ما: / یک سو خلیج فارس / سوی دگر خزر**».

تمرین شادی

هیچ کس نمی تواند راهی را به شما پیشنهاد کند که فقط با ایجاد یک تغییر جزیی در زندگی کنونی تان، به شادی دائمی برسید و در آن حالت باقی بمانید، ولی راه‌های زیادی وجود دارد که به کمک آنها می توانید از حالت نگرانی بیش از حد، ناامیدی و ناراحتی درآیید و شاد شوید. آنچه در ادامه می خوانید، از وب سایت تبیان برگرفته شده است:

– در زمان حال زندگی کنید: به جای افسوس خوردن به گذشته و نگران بودن برای آینده، روی زمان حال تمرکز کنید.

– زیاد بخندید: تنها اتفاقات خوشایند، شاد و مطلوب می توانند سطح اندورفین و دیگر هورمون‌های نشاط آور را بالا ببرند و نیز سطح هورمون‌های استرس‌زا را کاهش دهند.

– خوب بخوابید: یک چرت روزانه داشته باشید، یا ساعت ۹ شب به رختخواب بروید. اگر خوابتان نمی آید، مطالعه یک کتاب خوب قبل از خواب می تواند به شما کمک کند تا خواب آرامی داشته باشید.

– گاهی بگویید نه: کارهایی را که ضروری نیستند و از انجام آنها لذت نمی‌برید، کنار بگذارید.

– فهرستی برای کارهای روزانه تان تهیه کنید: نوشتن کارهایی که می خواهید در طول روز انجام دهید، باعث می شود افکارتان منظم و نگرانی از شما دور شود. با چک کردن این فهرست، احساس خوبی به شما دست خواهد داد.

– دنبال انجام دادن چند کار به‌طور همزمان نباشید: بررسی ها نشان داده است افرادی که چند کار را به‌طور همزمان انجام می‌دهند، دارای فشار خون بالاتری هستند؛ به جای اینکه هنگام نوشتن گزارش کار، ایمیل تان را هم چک کنید، صفحه ایمیل‌تان را ببندید و فقط گزارش کارتان را تکمیل کنید. این گونه تمرکز فکری شما نیز بیشتر می شود.

– به باغچه‌تان برسید: تمیز کردن باغچه از علف‌های هرز، دیدن رویش گل‌ها و هرس کردن درخت‌ها نیز با احساس رضایت و شادی همراه است.

– زیاد اخبار گوش ندهید: یک هفته را بدون خواندن و شنیدن خبرها سپری کنید (به ویژه اخبار حوادث و جنجالی) و به جای آن زمان بیشتری را به پیاده‌روی یا نوشتن خاطرات خود اختصاص دهید.

– هوا را معطر کنید: در یک بررسی معلوم شد بوی رزماری سطح نگرانی را کاهش می‌دهد و باعث افزایش هوشیاری و سرعت بخشیدن به حل مسایل ریاضی می‌شود. بوی اسطوخودوس باعث افزایش امواجی از مغز می‌شود که احساس آرامش را افزایش می‌دهند.

– در بورس سهام غرق نشوید.

– از اماکن آرامش دهنده دیدن کنید.

– برای کمک به دیگران داوطلب شوید:

همان‌طور که افراد شاد بیشتر به فکر کمک به دیگران هستند، کمک به دیگران نیز شادی شما را افزایش می‌دهد.

– هنگام پیاده‌روی، تمرکز کنید: حتما می‌دانید ورزش کردن خیلی بهتر از داروهای آرام‌بخش برای کاهش استرس و عصبانیت مفید است. اما تمرکز فکری هنگام پیاده‌روی می تواند آن را بسیار سودمندتر کند.

– روابط صمیمی داشته باشید: کسانی که دوستان صمیمی بسیاری دارند، دارای فشارخون بهتر، سطح کلسترول و قندخون سالم‌تر و سطح هورمون‌های استرس‌زای کمتری نسبت به افرادی که یک یا دو دوست صمیمی دارند، هستند.

– معنویت تان را تقویت کنید: برای بسیاری از انسان‌ها، تقویت اعتقادات مذهبی به زندگی‌شان مفهوم خاصی می‌دهد و درک‌شان از باورهای دینی، باعث توجه به آخرت و دوری از گرفتاری‌های زندگی می‌شود. حتی اگر مذهبی نباشید، معنویت می تواند برای‌تان سودمند باشد.

– به داشته‌های‌تان فکر کنید نه به نداشته هایتان: کسانی که هر روز آثار جنبه‌های مثبت زندگی‌شان (سلامتی، خانواده خوب، دوستان صمیمی، تحصیلات عالیه، کار مورد علاقه و...) را بررسی می‌کنند، شادترند.

ترجمه: سارا جمال‌آبادی

منبع: **Reader"s Digest**

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۵۲، (برابر با ۲۲ صفر ۱۳۹٤، ۱۷ مارس ۱۹۷٤) نقل شده است

کوپن کمک‌های غیرنقدی اوائل اردیبهشت در اختیار کارمندان قرار میگیرد

شرکت‌های تعاونی مصرف برای توجیه دقیق‌تر مواد آئین‌نامه کمک‌های غیرنقدی به کارمندان شاغل و بازنشسته دولت و چگونگی توزیع این کمکها که اخیراً به هیأت وزیران ارسال شده است به یک رشته بررسی پرداخته‌اند.

امروز مقامات مسئول تأکید کردند آئین‌نامه اجرایی کمک‌های غیرنقدی ظرف چند روز آینده در هیئت دولت به تصویب خواهد رسید و به احتمال قوی حداکثر تا اوایل اردیبهشت ماه به وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی ابلاغ می‌شود و کوپن یا کارت‌های مخصوص شرکت‌های تعاونی مصرف در اختیار کارمندان قرار خواهد گرفت.

تاریخ ابلاغ این آئین‌نامه به وزارتخانه‌ها یا سازمان‌های دولتی در آغاز استفاده کارمندان از کمک‌های غیرنقدی تاثیری ندارد و کلیه کارمندان از اول فروردین ماه سال ۱۳۵۳ از کمک‌های غیرنقدی برخوردار می‌گردند.

چهارشنبه‌سوری «بی‌بته» شد!

مراسم شب چهارشنبه‌سوری امسال در باشگاه‌ها و کاخهای جوانان و مراکز شب‌نشینی «بی‌بته» خواهد بود!

به جای بته، روابط عمومی سازمان جنگلها و مراتع کشور تراشه چوب را بسته‌بندی کرده، با روبان زرد و سرخ پیچیده و به باشگاه‌ها، کاخهای جوانان و مؤسسات خصوصی هدیه داده تا شب چهارشنبه‌سوری آن را آتش بزنند و از رویش بپرند. بسته‌های تراشه چوب و تخته، عجیب‌ترین هدیه نوروزی امسال است. روابط عمومی سازمان جنگلها، با این هدیه عجیب می خواهد مردم را از کندن و آتش زدن بوته‌های وحشی در شب چهارشنبه سوری باز دارد.

مخالفین استفاده از بوته برای شب چهارشنبه‌سوری، می گویند: «کندن بوته پیشروی کویر را تسریع میکند. در حالی که برای مهار کویر و شنهای روان دولت سرمایه گذاری کلانی کرده است.»

قرارداد تأسیس واحدهای صنعتی غذایی

بامداد امروز قراردادی بین وزیر تعاون و امور روستاها و سفیر دولت جمهوری یوگسلاوی به امضاء رسید.

به موجب این قرارداد که به دنبال مذاکرات قبلی در چارچوب موافقتنامه همکاری مشترک اقتصادی ایران و یوگسلاوی به امضاء میرسد طبق اوامر شاهنشاه آریا مهر واحدهای مختلف صنعتی غذایی در مناطق شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی‌های تولید مستقر میگردد.

طبق قرارداد مذکور یک واحد تولید مرغ گوشتی به ظرفیت یک میلیون و ۵۰۰ هزار مرغ در سال و واحد تهیه مرغ تخمی به ظرفیت ۱۰۰ هزار مرغ در سال و احداث کارخانه تهیه غذای دام و طیور به ظرفیت ۱۰ تن در ساعت و استقرار واحد پرورش بوقلمون با ظرفیت ۱۰۰ هزار بوقلمون و پرورش گاو شیری با ظرفیت ۵۰۰ رأس اقدام میشود.

دیپلمات‌های زن ۳۹ نفر شدند

نفوذ زنان در کادر دیپلماسی ایران چشمگیر است. از چند سال قبل که نخستین زن به کادر دیپلماسی در وزارت خارجه راه یافت تاکنون ۳۸ زن دیگر در کادر سیاسی پذیرفته شده‌اند.

تعاداد ۳۹ زن شاغل در مقابل ۵٤۰ مرد در کادر سیاسی وزارت خارجه رقم جالب توجهی است. از همه مهم‌تر با اعلام نتایج امتحانات کتبی و شفاهی داوطلبان ورود به کادر سیاسی وزارت خارجه، نام دو زن به عنوان نفرات اول و دوم این امتحانات اعلام گردید.

اینان سوسن رعدی آذرخشی ۲٤ ساله و مینا مظاهر ۲۵ ساله نام دارند که به ترتیب نفر اول و دوم کنکور سال جاری داوطلبان ورود به خدمت کادر سیاسی وزارت خارجه شدند.

در کنکور امسال متجاوز از پانصد نفر شرکت جستند که از این میان در حدود ۳۲ نفر از دو مرز امتحانات کتبی و شفاهی گذشتند.

قاب امروز



انعکاس ـ فلوریدا/ منبع: تلگراف

داستان کوتاه

کمی آهسته تر

وارد اتوبوس شدم، جایی برای نشستن نبود، همانجا روبروی در، دستم را به میله گرفتم. پیرمرد با کتی کهنه، پشت به من، دستش به ردیف آخر صندلی‌های آقایون. تقریباً در قسمت خانم‌ها گیر کرده بود. خانم دیگری وارد اتوبوس شد، کنار دست من ایستاد، چپ چپ نگاهی به پیرمرد انداخت، شروع کرد به غر زدن که برای چه آمده در قسمت زنانه! مگه مردانه جا ندارد؟ این همه صندلی خالی! گفتم: خانم جان اینطوری نگو، حتما نمی توانسته برود. زن گفت: دستش کج است یا پایش خم نمی‌شود؟ گفتم: خب پیرمرد است، شاید پایش درد می کند. بی خیال شدم، صورتم را طرف پنجره کردم تا بارش برف را تماشا کنم.

به ایستگاه نزدیک می‌شدیم و پیرمرد می‌خواست پیاده شود. دستش را داخل جیبش برد و پنجاه تومنی پاره‌ای را جلو صورتم گرفت و گفت: دخترم این چند تومنیه؟ یه لحظه به فکر حرف‌هایی که زن به او زده بود افتادم، پیرمرد نابینا بود.

سرایه

بهار آمد بهار آمد بهار مشکبار آمد
نگار آمد نگار آمد نگار بردبار آمد
صبوح آمد صبوح آمد صبوح راح و روح آمد
خرامان ساقی مه رو به ایثار عقار آمد
صفا آمد صفا آمد که سنگ و ریگ روشن شد
شفا آمد شفا آمد شفای هر نزار آمد
حبیب آمد حبیب آمد به دلداری مشتاقان
طبیب آمد طبیب آمد طبیب هوشیار آمد
سماع آمد سماع آمد سماع بی‌صداع آمد
وصال آمد وصال آمد وصال پایدار آمد
ربیع آمد ربیع آمد ربیع بس بدیع آمد
شقایق‌ها و ریحان‌ها و لاله خوش عذار آمد
کسی آمد کسی آمد که ناکس زو کسی گردد
مهی آمد مهی آمد که دفع هر غبار آمد
دلی آمد دلی آمد که دل‌ها را بخنداند
میی آمد میی آمد که دفع هر خمار آمد
کفی آمد کفی آمد که دریا در از او یابد
شهی آمد شهی آمد که جان هر دیار آمد
کجا آمد کجا آمد کز این جا خود نرفتست او
ولیکن چشم گه آگاه و گه بی‌اعتبار آمد
ببندم چشم و گویم شد گشایم گویم او آمد
و او در خواب و بیداری قرین و یار غار آمد
کنون ناطق خمش گردد کنون خامش به نطق آید
رها کن حرف بشمرده که حرف بی‌شمار آمد

مولانا

امروز در تاریخ

بوی ضدیت با ایران

۱۷ مارس سال ٥٦٨ میلادی، امپراتور ژوستین دوم برغم مفاد عهدنامه سال ٥٦۱ دو امپراتوری ایران و روم (شرقی)، با سرکرده طوایف شبه زرد آسیای میانه (شمال سیردریا) معاهده دوستی و کمک متقابل امضاء کرد که بوی ضدیت با ایران از آن به مشام می رسید.

عهدنامه سال ٥٦۱، دولت روم شرقی را خراجگزار ایران کرده بود و حق هم پیمان شدن با طرف ثالث بر ضد ایران را از آن دولت سلب کرده بود. ارتش ایران در سال ٥٦٦ طوایف شبه زرد را از قلمرو ایران در آسیای میانه بیرون رانده و خسروانوشیروان شاه وقت ایران پیشنهاد سرکرده این طوایف برای عقد قرارداد را رد و اعلام کرده بود که ایران تنها با دولت ها معاهده امضاء می کند نه طوایف.

زادروز پلیس تهران

برای پایان یافتن ناامنی در تهران که در سه ماه آخر سال ۱۲۹۱ هجری خورشیدی به چشم می خورد و از واحد کمکی ۳۸۰ نفری نیروی ژاندارم هم کاری بر نیامده بود، دولت وقت برای رفع نگرانی ساکنان پایتخت و برگزاری آیین های نوروزی بدون دلواپسی، ۲۷ اسفند ماه اعلام کرد که از ۲۹ اسفند (دو روز بعد) نظمیه تهران (پلیس تهران) به سبک اروپا با هشت کلانتری (کمیسیری) آغاز به کار خواهد کرد و ۲۹ اسفند مقامات دولت در مراسم گشایش کلانتری های بهارستان و بازار حضور یافتند.. پلیس تهران در نخستین روز گشایش دارای ٤۷۹ پاسبان بود که در آن زمان «آژان» خوانده می شدند و مقرر شده بود که مواجب ماهانه آنان به صورت پول نقد باشد.

روس ها اصفهان را اشغال نظامی کردند

نیروهای روسیه که به بهانه بیرون راندن آلمانی ها و عثمانی ها، با نقض بی طرفی ایران در قبال دولت های متحارب در جنگ جهانی اول وارد ایران شده بودند ۲۷ اسفند ۱۲۹٤ هجری خورشیدی شهر مرکزی اصفهان را متصرف و آن را به اشغال خود در آوردند.

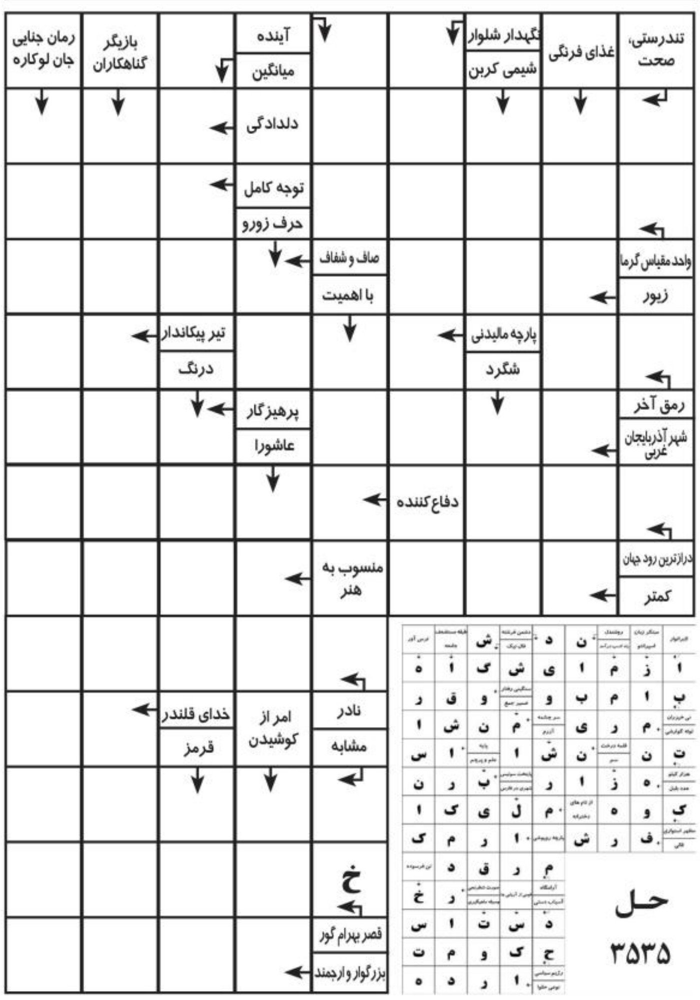
نخستین نویسنده آلمانی برنده جایزه ادبی نوبل

امروز زادروز «پل لودویگ فن هیس» داستان نویس شهیر آلمان است که در ۱۸۳۰ به دنیا آمد و در ۱۹۱٤ در گذشت. وی نخستین نویسنده آلمان است که برنده جایزه نوبل در ادبیات شد. این جایزه در سال ۱۹۱۰ به خاطر داستان های کوتاهش به او داده شد. ابتکار تاسیس انجمن نویسندگان آلمان را به نام او در تاریخ ادبیات ثبت کرده اند که به ریاست دوره اول آن انتخاب شد.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول شرح در متن ۳۵۳۶

غلامحسین باغبان



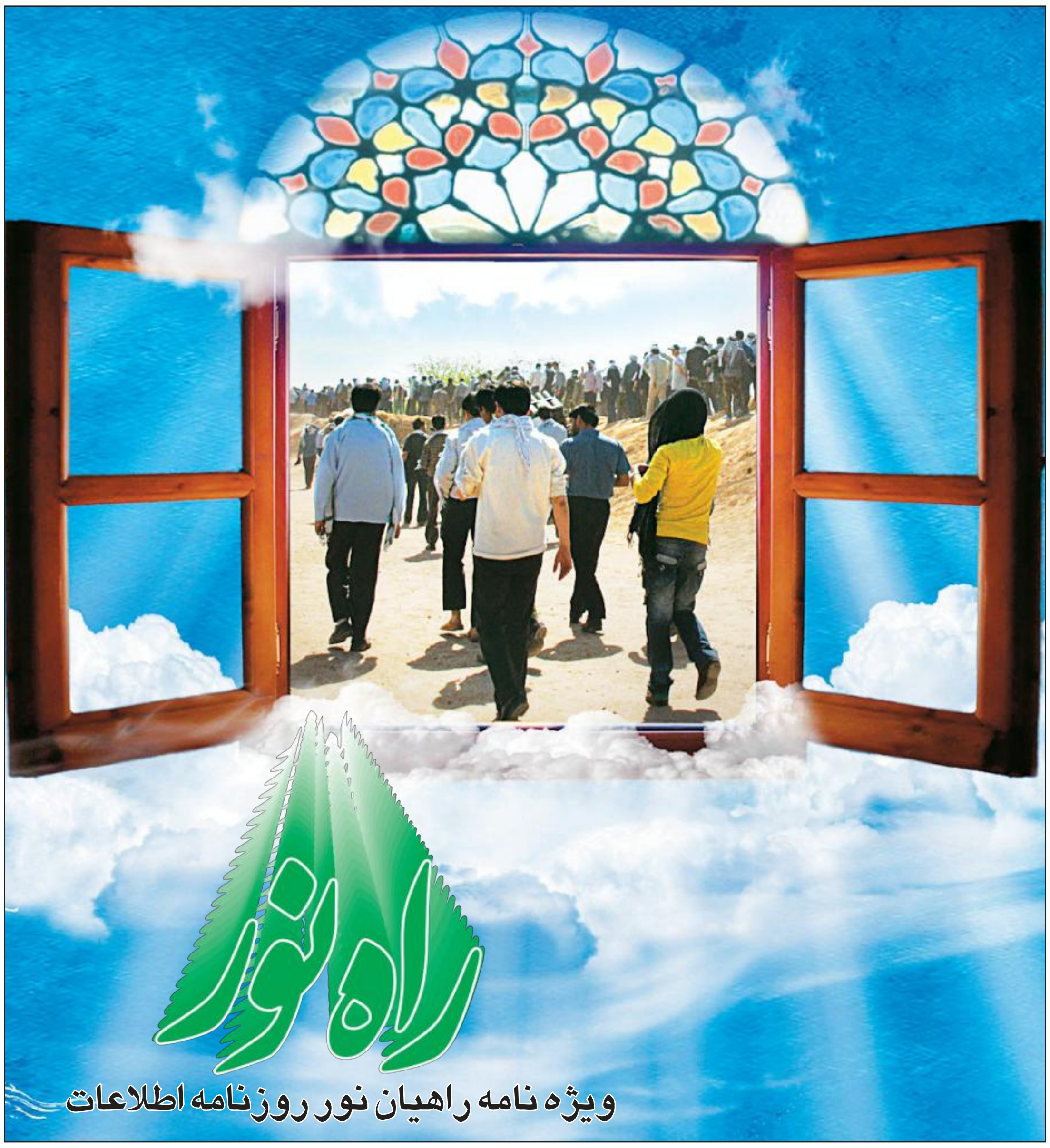
حل ۳۵۳۵

سودوکو ۱۰۲۳

۵		۱				۴		۶
۴	۷			۹		۳		
				۷	۶			
۱	۵				۳			
	۳						۶	
			۹				۵	۳
			۲	۸				
		۳		۱			۸	۲
۶		۲				۹		۵

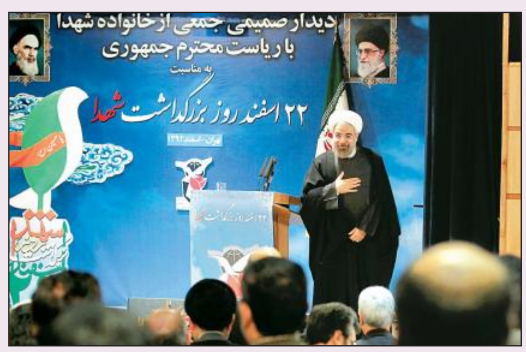
۸	۲	۳	۶	۴	۵	۹	۱	۷
۹	۱	۷	۸	۲	۳	۶	۴	۵
۶	۴	۵	۹	۱	۷	۸	۲	۳
۳	۸	۲	۵	۷	۶	۴	۹	۱
۴	۶	۹	۳	۸	۱	۵	۷	۲
۵	۷	۱	۲	۹	۴	۳	۸	۶
۱	۳	۸	۴	۵	۲	۷	۶	۹
۲	۹	۶	۷	۳	۸	۱	۵	۴
۷	۵	۴	۱	۶	۹	۲	۳	۸

حل ۱۰۲۲



رئیس جمهوری در همایش روز بزرگداشت شهدا:

اقتدار ایران در منطقه از برکت خون شهیدان است



رئیس جمهور گفت: بیگانگان هم می‌دانند که در این منطقه بدون حضور و اراده ایران، صلح و ثبات در این منطقه استقرار پیدا نخواهد کرد و این افتخار برای شهیدان است.

به گزارش خبرگزاری دفاع مقدس، حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی، رئیس جمهور در همایش ملی روز بزرگداشت شهدا گفت: برخی ملت‌ها نیازی به اسطوره‌های تخیلی ندارند. آن قدر اسطوره‌های واقعی دارند و نمونه‌های اعلا دارند که هر یک از آنها می‌تواند برای تاریخ امروز و فردای ما سرمشق و درس‌آموز باشد.

وی افزود: شهدا نقش بزرگی در دستیابی به پیروزی‌ها داشته‌اند. در مقاطع تاریخ‌ساز و مهم، نقش شهدا و ایثارگران بسیار پررنگ است.

روحانی خاطرنشان کرد: نهضت انقلاب اسلامی آن زمانی موج و اوج گرفت که با خون شهدا رنگین شد. حرکت اسلامی از مهر ۱۳۴۱ شروع شد. البته فراز و نشیبی داشت. شرایط جدیدی از دی‌ماه همان سال شروع شد، اما فروردین ۴۲ که کشتار مدرسه فیضیه اتفاق افتاد، اولین باری بود که انقلاب اوج می‌گرفت. رئیس جمهور تصریح کرد: در هر مقطعی که نهضت ما اوج گرفت، جایی بود که دلاوران به صحنه آمده و خون پاک خود را تقدیم کردند. وی اظهار داشت: بعد از انقلاب هم بزرگانی تقدیم راه انقلاب کردیم. از شهید مطهری‌ها، مفتح‌ها، رجایی‌ها و بهشتی‌ها گرفته تا آخر، اما دفاع مقدس در این ۸سال، حال و هوای دیگری دارد.

روحانی تاکید کرد: یک ملت تازه انقلاب کرده که صدها مشکل طبیعی پیش پا دارد و هرگز قصد تجاوز به هیچ کشوری ندارد، ناگهان مظلومانه مورد تجاوز گسترده قرار می‌گیرد. این فرق می‌کند با یک ترور و کشتار در یک خیابان.

رئیس جمهور خاطرنشان کرد: در ساعتی از بعدازظهر ۳۱ شهریور سال ۵۹ که آماده می‌شدند، لوازم‌التحریر می‌خریدند و معلمان برای تدریس و دانش‌آموزان آماده تحصیل می‌شدند، یک دفعه جنگ آغاز شد.

وی افزود: جنگ در ماه حرام آغاز شد و عده‌ای عازم حج و عده دیگری عازم مدرسه و عده دیگری دنبال زندگی خودشان بودند، اما یک مرتبه از هوا و زمین و دریا به ما حمله شد. ما علیه عراق و همسایگان مگر چه کار کرده بودیم؟

رئیس جمهور تصریح کرد: ما که آن زمان نیروی مسلح آماده‌ای نداشتیم و شرایط بعد انقلاب بود و تازه داشتیم ارتش را سامان می‌دادیم و همه سلاح‌های ما تقریبا غربی بود و قطعات و آموزش آن سلاح‌ها قطع شده بود و مستشاران همه رفته بودند و قراردادها در حالت شبه لغو بود. تقریبا بزرگ‌ترین فرماندهان ارتش درجه‌شان در موقع شروع جنگ سرگرد و سروانی بود. روحانی تاکید کرد: افسران جوان سروان و سرگرد، فرماندهان نظامی کشور شدند. سپاه هم وضع خاصی داشت. ما وقتی در آبان سال ۱۳۵۹ خمپاره ۶۰ در یک زاغه کشف کردیم، در حالی که تمام آمارها به ما می گفت، خمپاره ۶۰ نداریم.

وی تصریح کرد: هیئتی به ریاست بنده موظف شد از همه زاغه‌های مهمات بازدید کند و توانستیم خمپاره ۶۰ کشف کنیم. وقتی این خمپاره را کشف کردیم با تهران تماس گرفته و با مسئولان جنگ صحبت کردم و اعلام کردم ما خمپاره ۶۰ کشف کردیم. انگار دنیا را به ما داده‌اند.

رئیس جمهور خاطرنشان کرد: ملت ایران خیلی مظلوم بود. بسیاری از رزمندگان شما مظلومانه جنگیدند. شهید، شهادت، ایثار و ایستادگی، همیشه نقطه اوج روحیه یک ملت است. مخصوصا ملتی که این قدر مظلوم بود.

روحانی در ادامه گفت: بدانید هواپیماهایی که تهران را بمباران می کردند، دو سال بعد از جنگ شوروی سابق به عراق واگذار شد. یعنی وسط جنگ به عراق کمک می کردند. میراژ اف ۱ پالایشگاه‌های ما را از فاصله ۶-۷ کیلومتری با موشک می‌زد و اصلا به هدف نزدیک نمی‌شد.

وی افزود: ما بحث می کردیم که این هواپیماها از کجا عبور کرد و تهران را زد. ما می گفتیم که از کجا عبور کرد که تهران را زد. بعد فهمیدیم که از روی کرج بمب‌ها را رها کرده و تهران را هدف قرار می‌دهد.

بقیه در صفحه ۲

راهیان نور در کلام رهبر معظم انقلاب



دوکوهه؛سرزمین شاهد

این پادگان {دوکوهه} و سرزمین، شاهد فداکاری ها، اخلاص ها، ایمان ها و روحیه های مالامال از امواج صفا و طراوتی است که از جوانان مؤمن بسیجی و فداکار بروز کرده است. از طرفی آغاز سال جدید شمسی و فصل بهار نیز هست. امسال بهار طبیعت که آغاز سال ایرانی ماست با بهار معنویت همراه شده است؛ بجاست این روزهارا از لحاظ تقارن زمانی از جمله پدیده های کمیاب دوران خودمان به حساب بیاوریم. بنده هم مثل قطره ای در این دریای خروشان به قصد اظهار ارادت و اخلاص به آن دل ها و جان ها و روح های پاکی که بعضی شهید شدند و بعضی بحمدالله زنده اند و در این فضا و منطقه آزمایش های بزرگ صدر اسلام را دوباره تکرار کردند، به این جا آمده ام. بعضی انسان ها از حقایق غفلت می کنند و بعضی دل های ناپاک، از غفلت دل ها سوءاستفاده می کنند و مقاصد شیطانی و اهداف پلید را در فضای غفلت از حقایق، منتشر می کنند. هر دلی که برای حقیقت احترام قائل است، هر انسانی که برای معنویت، صفا، اخلاص و انسانیت ارزش قائل است، باید این طور مکان ها و خاطره ها را همیشه عزیز بدارد. این وظیفه همه ماست و امیدوارم که این تجمع شما برادران و خواهران در این مکان که نموداری از احساسات ملت ایران است پاسخ یاوه گویان را بدهد.

*در جمع راهیان نور در پادگان دوکوهه نهم‌اردیبهشت ۱۳۸۱

برکت این سرزمین های خونین...

امروز شرکت من در مجموعه زائران خاک خونین شلمچه، برای بزرگداشت یاد و نام شهیدان عزیز و مردان بزرگی است که با خون خود، با جهاد و همت خود، با عزم و اراده خود، نام شلمچه و خرمشهر و خوزستان و ایران را در تاریخ، بلند کردند. ملت ایران در دوره معاصر، هرچه عظمت و عزت در دنیا دارد، به برکت خون رزمندگانی است که در این سرزمین های خونین، حضور پیدا کردند و جان خود، سلامت و جوانی خود را برای اسلام، برای ملت و میهن شان در طبق اخلاص گذاشتند و تقدیم کردند. ایران، امروز هرچه دارد و در آینده هرچه بدست بیاورد، به برکت خون این شهیدان است. اگر این شهدایی که شلمچه، یادگار آنها و این بیابان های خونین، حامل نشانه های آنهاست، نبودند، امروز در این کشور، از استقلال ملی، از شرف ملت، از اسلام و از هیچ چیز ایرانی، نشان برجسته ای نبود؛ اینها در مقابل دشمن مهاجمی که بدون کمترین ملاحظه ای به مرزهای جغرافیایی و مرزهای اعتقادی حمله کرده‌بود، ایستادند.

*دیدار با مردم شلمچه هشتم فروردین ۱۳۷۸

ملائکه از این سرزمین تبرک می جویند

من این سرزمین را یک سرزمین مقدس می دانم. این جا نقطه ای است که ملائکه الهی که شاهد فداکاری مخلصانه این شهدای عزیز بودند، به این جا تبرک می جویند. این جا متعلق به هر کسی است که دلش برای اسلام و برای قرآن می تپد. این جا متعلق به همه ملت ایران است. دل های همه ملت ایران، متوجه این نقطه، این بیابان و همه این مناطقی که شاهدفداکاری‌های جوان ها بوده است. شما که این جارا گرامی می دارید، خوب می کنید؛ آمدن شما و احترام به این نقطه، بسیار بجا و بسیار کار صحیحی است. بنده هم خواستم به ارواح طیبه شهیدان و به نفس های معطر جوانان مؤمن، تبرک بجویم و به این عزیزان احترام کنم؛ من هم آمدم در جمع شما شرکت کردم.

*دیدار با مردم شلمچه- هشتم فروردین

دوکوهه در غزلی از رهبر انقلاب

ز آه سینه سوزان ترانه می سازم
چو نی ز مایه جان این فسانه می سازم
به‌غمگساری یاران چو شمع می سوزم
برای اشک دمادم بهانه می سازم
پر نسیم به خوناب اشک می شویم
پیامی از دل خونین روانه می سازم
نمی کنم دل از این عرصه شقایق فام
کنار لاله رخان آشیانه می سازم
در آستان به خون خفتگان وادی عشق
برون ز عالم اسباب، خانه می سازم
چو شمع بر سر هر کشته‌می گذارم جان
ز یک شراره هزاران زبانه می سازم
ز پاره‌های دل من شلمچه رنگین است
سخن چو بلبل از آن عاشقانه می‌سازم
سر و تن و دل و جان را به خاک می‌فکنم
برای قبر تو چندین نشانه می سازم
کشم به لجه شوریدگی بساط "امین"
کنون که رخت سفر چون کرانه می‌سازم

معاون وزیر ارشاد: اولویت ما حمایت از تولید آثار دفاع مقدس است

دکتر حسین انتظامی معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشـاره به جایگاه ارزشـمند راهیان نور تصریح کرد: حمایت های وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی از تولید آثار فرهنگی با موضوع فرهنگ ایثار و شـهادت و دفاع مقدس از اولویت های اول ماسـت که در این رابطه جهت حمایت از حرکت فرهنگی راهیان نور، حمایت از چاپ و نشر و تامین کاغذ نشریات ویژه راهیان نور در دستور کار ما قرار گرفته است.

به گزارش سایت ستاد مرکزی راهیان نور دکتر حسین انتظامی معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن بیان مطلب فوق در جلسه‌ای مشترک با مدیران مسئول رسانه ها و قرارگاه رسانه ای ستاد مرکزی راهیان نور، چگونگی حمایت و استفاده از ظرفیت رسانه ها در موضوع راهیان نور را مورد بحث و تبادل نظر قرار داد.

بنابر این گزارش در این جلسه که تعدادی از مدیران مسئول و نمایندگان رسانه های مکتوب و غیر مکتوب نیز حضور داشتند راه های حضور منسجم و هدفمند رسانه ها در راهیان نور مورد بررسی قرار گرفت.

روایت سردار علی فضلی از جزئیات بزرگترین عملیات فرهنگی و حج بصیرتی:

زمینه حضور ۵۰۰ هزار دانشجو در مناطق عملیاتی فراهم شده است

سردار علی فضلی فرمانده قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج، راهیان نور را بزرگترین عملیات فرهنگی و حج بصیرتی خواند و گفت: خوشـبختانه راهیان نور در طول سـال از اول اردیبهشـت هر سال تا آخر فروردین سال بعد آن، در پنج استان خوزسـتان، ایلام، کرمانشاه، آذربایجان غربی و کردستان برگزار می‌شود.

وی خاطر نشـان کرد: اسـاتید دانشگاه، حوزه‌هـای علمیه، دانش‌آمـوزان، فرهنگیان، طلبه‌ها، دانشـجویان، متخصصیـن علاوه بر اقشـار مردم، در راهیان نور حضور می‌یابند و برای امسال نیز آمادگی کامل برای پذیرایی بهتر در راهیان نور، قوی‌تر از سال‌های گذشته فراهم شده است.

فرمانده قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج در خصوص اعزام دانشجویان به راهیان نور نیز گفت: امسال با هماهنگی و موافقت وزیر علوم و معاون فرهنگی وی، ستاد راهیان نور و ستاد کل نیروهای مسلح، عزیمت دانشجویان به منطقه خوزستان را شاهد هستیم.

وی در خصـوص راهیـان نـور دریایی توضیح داد: در این نوع از اردوهای راهیان نور، ۲ بخش اقشـار مختلف مردم و متخصصین را داریم که در سـال گذشـته ۱۴۳ هزار نفر به ۳ استان سـاحلی هرمزگان، بوشهر و خوزستان عزیمت کردند که شـامل یک شـب اقامت در جزیره خارک و روایت‌گری در عرصه شـناور و سـواحل را با همکاری نیروی دریایی سپاه و با همکاری سپاه‌های استانی هرمزگان، بوشهر و خوزستان و ٤ مناطق دریایی اول، دوم، سوم و چهارم دریایی، پذیرای زائران شهدا هستیم و بخشی از راهیان نور را به جزایر دفاعی در خلیج فـارس اعزام می‌کنیم که در حال حاضر نیز در



حـال برنامه‌ریزی و مهیـا کـردن بخش‌های دیگری در اردوی دریایی هسـتیم، اما چون پرهزینـه اسـت، جمعیت محدودی را می‌توانیـم اعـزام کنیم و همه سـاله به ظرفیت اعزام خود اضافه کنیم.

وی در خصـوص تدابیـر ایمنـی برای سـفر به راهیان نور نیز گفـت: موضوع ایمنی همواره مورد تاکید بوده و دسـتورالعمل‌هایی نیـز در بخش‌های مختلـف از جمله اردوهای دانش‌آمـوزی و دانشـجویی تهیـه کردیـم و خوشبختانه از اول اردیبهشت‌ماه حادثه خاصی در اردوهـای راهیان نـور نداشـتیم. فرمانده قرارگاه مرکزی راهیان نور سـپاه و بسـیج در خصوص ایمنی زائرانی که به صورت شخصی بـه مناطـق راهیان نور سـفر می‌کنند، تصریح کرد: از خودروهای شـخصی، مینی‌بوس‌ها و اتوبوس‌ها اسـتدعا می‌کنیم کـه ایمنی قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت کرده و با پلیس راهور همکاری داشته باشند.

سـردار فضلی در ادامه در پاسخ به سوالی در خصـوص کاهش بودجه سـازمان بسـیج مسـتضعفین در سـال ۹۳ اظهار داشت: دولت همه تلاش و همت خود را برای تامین اعتبار به کار برد ولی ما کاهش بودجه داریم و امیدواریم با همتـی که در دولت مشـاهده می‌کنیم، این دغدغه مرتفع شود.

وی گفت: در سایه اقتصاد مقاومتی کاهش هزینه‌ها را دنبال می‌کنیم و خودمان نیز بیشـتر به دنبال بسترسـازی برای اردوهای راهیان نور هستیم؛ درصد حضور بخش‌های مردم‌نهاد را تقویت کردیم و در این زمینه نیز صدا و سـیما و همه رسـانه‌ها در بخش اسـتانی و ملی ما را یاری کردند.

فرمانده قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج افزود: امیدوارم با ابلاغی که وزیر کشور به اسـتانداران و فرمانداران داشت، به هر میزان ممکـن هزینه‌های بخش فرهنگـی به بخش راهیان نور که خواستگاه مردم است، سوق پیدا کنـد البته ما نیز در مسـیر هزینه‌ها و اعتبارات تلاش می‌کنیم که تـا حد ممکن صرفه‌جویی داشته باشیم و بیشتر به زیرساخت‌ها بپردازیم.

سردار فضلی خاطر نشان کرد: در سال‌های گذشته در اوج اردوهای راهیان نور که ٤ میلیون و ۸٦۰ هزار نفر در مناطق عملیاتی حضور پیدا می‌کردند، ۸۸ تـا ۹۰ درصد حاضرین افرادی بودند که برای بار اول میهمان شهدا می‌شدند.

وی اظهار داشـت: تا امروز قریب به ۳٤۰ هـزار دانش‌آموز را به اردوی راهیان نور اعزام کردیم و امیدواریم با تامین اعتبار تا سقف یک میلیـون نفر را اعزام کنیم و با همتی که عزیزان در دانشـگاه‌ها به خرج دادند برای سـفر ۵۰۰ هزار دانشجو برنامه‌ریزی کردیم و در این راستا زیرساخت های بسیج و سپاه به خدمت گرفته شد. سـردار فضلی در ادامه خاطر نشـان کرد: همکاری و همدلی خوبی بین وزارت آموزش و پرورش با سپاه و بسیج را در دولت‌های دهم و یازدهـم شـاهد بوده و هسـتیم و در نهایت انسجام، ماموریت اردوهای راهیان نور را اجرا کردیم و امیدواریم با همدلی و کمک بخش‌های مردم‌نهاد این اردوها تقویت شوند و از متمکنین نیز می‌خواهیم در این زمینه به‌ما یاری رسانند.

رئیس جمهوری در همایش روز بزرگداشت شهدا:

اقتدار ایران در منطقه از برکت خون شهیدان است

بقیه از صفحه اول

رئیس جمهور خاطرنشان کرد: هواپیماهای آواکس از روی عربستان بـه لحـاظ راداری، تحرکات ما را رصد می‌کردند. حتی این هواپیماها تا تبریز را هم می‌گرفت. از جنوب کشـور حمله می‌کردند. هواپیماها بعد می‌رفتند در امارات نشسته و تجلیل می‌شدند.

روحانی اظهار داشت: ما در برابر دنیا جنگیدیم و ایستادیم و خداوند این ملت مظلوم و مومن را پیروز کرد.

وی تصریح کرد: اشکال ندارد دو جناح با یکدیگر رقابت کنند و ما احزاب سیاسی داشته باشیم، اما وقتی بحث کشور، منافع ملی، ارزش‌های انقلابی است، حزب معنی ندارد و همه یک مشت واحد هستیم.

رئیس جمهور تاکید کرد: اگر اختلافی باشد که به تضارب آرا کمک کند، ممکن اسـت خوب باشـد، اما نه اختلافی که به نزاع تبدیل شـود. نیروی همدیگر را از بین نبریم. شهید تعلق به هیچ حزبی ندارد. خانواده شـهدا و ایثارگران برای کل ملت ایران هستند. روحانی خاطرنشان کرد: ملت ما با همه مظلومیت، سال اول دفاع کرد.

البته عملیات تهاجمی هم داشـتیم. بعد از یک سال، عملیات‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز شروع شد. ما در مهرماه حصر آبادان را شکستیم در حالی که دست‌مان خالی بود.

وی افزود: اگر می‌خواهیم بر مشـکلات فائق بیاییم و دل رهبر ما راضی شـود و از همه بالاتر، رضای خداوند را کسـب کنیم، امروز نیاز بـه ایثـار داریم و باید ایثار و فـداکاری کنیم و از خود و منافع خود برای آرمان‌های بزرگ‌مان بگذریم و این کار در خط مقدمش، شما خانواده‌های شهدا و ایثارگران هستید.

رئیس‌جمهور با اشـاره بـه اینکه باید در برابر بـد اخلاقی‌ها ایثار کنیم، بگذریم و گذشت داشته باشیم، گفت: ما هنوز هم در دنیا بدخواه و توطئه‌گر زیاد داریم.

روحانی خاطرنشـان کرد: امروز بدخواهان و بیگانگان باید ایثار و اراده ما را ببینند. ما در برابر انواع مسائلی که پیش‌رو داریم، با مقدم داشتن منافع انقلاب، نظام و کشور پیروز خواهیم شد.

وی در ادامه گفت: اگر روزی دشـمن فکر می‌کرد، ایران کشـوری است که ضعیف شده است، اگر این خیال خام را داشت و فکر می‌کرد به ما حمله کند، می‌تواند انقلاب را از بین ببرد، امروز برای همه روشن است که قوی‌ترین، بزرگ‌ترین و مقتدرترین کشـور در این منطقه، جمهوری اسلامی ایران است.

رئیس‌جمهور تاکید کرد: نه تنها ایران، کشوری مقتدر است، بیگانگان هـم می‌دانند که در این منطقه بـدون حضور و اراده ایران، صلح و ثبات در این منطقه استقرار پیدا نخواهد کرد و این افتخار برای شهیدان است. روحانی اظهار داشـت: شـرایط دولت، شرایط سهل نیست و مشکلات فراوانی در کنار ماسـت، اما ما در این ٦ ماه در حد توان‌مان قدم‌هایی برداشتیم و انشاءالله در آینده هم این قدم‌ها را برخواهیم داشت. انشاءالله در زندگی‌تان بیش از پیش موفق باشید، عزت و عظمت شما مستدام باد.

والسلام علیکم و رحمهٔ‌الله و برکاته

بیانیه بنیاد حفظ آثار وارزش‌های دفاع مقدس:

«راهیان نور» توانمندی امت اسلامی را در مقابله با جنگ نرم افزایش می‌دهد

بنیاد حفظ آثار و نشـر ارزش‌های دفاع مقدس در بیانیه‌ای با گرامیداشت بیستم اسفند ماه "روز ملی راهیان نور" این پدیده ارزشمند فرهنگـی را حلقـه اتصال دائمی نسـل‌های انقلاب اسلامی با دفاع مقدس دانست.

بـه گزارش خبرگزاری دفاع مقدس، در بخشـی از این بیانیه آمده است: دفاع مقدس ملت ایران در برابر جنگ تحمیلی هشت ساله جبهه متحد استکبار جهانی و تجاوز همه‌جانبه دشـمن بعثی، برگ زرین و افتخارآمیزی در تاریخ پر حماسه حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی ایرانیان به شمار می‌رود. این بیانیه افزوده است: دفاع مقدس ما در تمامی عرصه‌های سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی و... معادلات جهانـی را بـر هم زد و به حـول و قوه الهی و رهبری‌های پیامبر گونه امام راحل (ره) و مقاومت و سلحشوری تربیت‌یافتگان مکتب انقلاب اسلامی و ولایت فقیه، تحلیل‌های مادی دنیا پرستان را باطل ساخت.

در ادامه این بیانیه با اشـاره به عبور سـرافرازانه ملت ایران از دوران هشـت سـال دفاع مقدس و تاکید بر اینکه جنگ تحمیلی هشت ساله در جنگ‌های ۳۰۰ سـاله اخیر، تنها جنگی بود که در آن حتی یک وجب از خاک میهن اسـلامی از جغرافیای سرزمینی کشور کم نشد، تصریح شده است: عظمت و عزت منحصر به فرد امروز ملت ایران و فتح قله‌های رفیع پیشرفت و تعالی در عرصه‌های گوناگون، به ویژه در حوزه علم و فن‌آوری و شکوفایی استعدادهای درخشان و نخبگان تاریخ‌ساز ملی و ظهور امواج بیداری در جهان اسـلام و فراتر از آن در جوامع تحت سـلطه قدرت‌های سـلطه‌گر و مستکبر، مرهون حماسـه ایثار و شهادت رزمندگان اسلام و مقاومت بی امان آنان در سـنگرهای عاشورایی دفاع مقدس و جبهه‌های نور علیه ظلمت در غرب و جنوب کشور است.

این بیانیه پایان دفاع مقدس را طلیعه رسالتی خطیر و سترگ معرفی و با تاکید بر اینکه حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس و عینیت‌بخشـی مسـتمر فرهنگ مقاومت، ایثار و شهادت در جامعه اسلامی از مولفه‌های موثر در قدرت بازدارندگی دفاعی کشور است، می‌افزاید: تردیدی نیست که پدیده راهیان نور و برنامه‌های اعزام و حضور معرفتی و حماسی اقشار و آحاد مختلف مردم به ویژه نسـل‌های جوان ایران اسـلامی در مناطق عملیاتی غرب و جنوب کشور و نیز خلیج فارس از معجزات دفاع مقدس و خون‌های پاک شـهیدان عزیزی به شـمار رفته که آثار شگفت‌انگیز آن در عرصـه بصیرت و آمادگی‌های همه‌جانبه ملت در مصاف با تهدیدات فراروی انقلاب و نظام هویدا شده است.

این بیانیه با ستایش اهتمام شورای فرهنگ عمومی کشور و همکاری و همگامی دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف در نام‌گذاری بیستم اسفندماه به عنوان "روز ملی راهیان نور" آورده اسـت: اهمیت مقوله راهیان نور و ارج‌گذاری شایسـته این حرکت معنا دار فرهنگی و ارزشـی به گونه‌ای اسـت که ولـی امر مسـلمین، ولی فقیه زمـان حضرت امـام خامنه‌ای عزیز (مدظله‌العالی) بـا حضور چندباره در مناطق عملیاتی دفاع مقدس، ضرورت قدرشناسـی ملت ایران و زنده نگه‌داشتن مقطع تاریخی جنگ تحمیلـی و تبیین درس‌ها و عبرت‌های سرنوشت‌سـاز آن برای امروز و فردای این سرزمین را برجسته ساخته است.

در ادامـه این بیانیه، راهیان نور از مهمترین بسـترهای تولید قدرت نرم و بازدارندگی فرهنگی و معرفتی برای تقویت اقتدار ملی و برافراشته نگه داشتن پرچم بصیرت و هوشمندی در جبهه انقلاب اسلامی قلمداد و تصریح شـده اسـت: نام‌گذاری "روز ملی راهیان نور" در تقویم رسمی کشـور فرصتی برای اندیشیدن بیشـتر پیرامون چرایی جنگ تحمیلی و راهکارهای حفظ آثار و نشـر ارزش‌هـای دفاع مقدس و ترویج فرهنگ مقاومت و دشمن‌ستیزی و نیز یادآوری این حقیقت است که شکل‌گیری یک نگاه ملی راهبردی و حسـاب شـده پیرامون کاروان‌های راهیان نور خواهد توانست ظرفیت‌ها و توانمندی‌های امت اسلامی را برای مقابله با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی دشمنان تقویت و با به چالش کشیدن راهبرد استکبار در تغییر باور و رفتار مردم و ساختار نظام، خلق تحولات شگرفی در عرصه تقابل راهبردی انقلاب اسـلامی با لیبرال‌دموکراسـی سلطه‌گر غرب را به نفع ملت ایران نوید دهد.

در پایان این بیانیه با تعظیم به مقام شـامخ شـهیدان هشت سال دفاع مقدس و روح مطهر امام راحل (ره) و تجدید میثاق با آرمان‌های بلند آنان و تاکید بر لزوم اجرایی نمودن منویات و رهنمودهای سازنده و هدایت‌گر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در فراهم‌سازی تمهیدات لازم برای ارتقاء اثربخشـی و اثرگذاری حرکت راهیان نور آمده اسـت: حضور گسترده و حماسی اقشار مختلف مردم به ویژه جوانان و نوجوانان آینده‌ساز کشور در مناطـق عملیاتی و در جوار یادمان‌های دفاع مقدس همراه با یادگاران ارجمند و حماسه‌سازان عزتمند آن دوران، در برنامه‌های راهیان نور سال ۹۲-۹۳ بار دیگر عزم و اراده راسخ ایرانیان غیور و ولایتمدار در استمرار خط سرخ شهادت و مقاومت و آمادگی مقابله تمام‌عیار با تهدیدات دشمن را در معرض دید جهانیان قرار خواهد داد.

سردار جزایری تشریح کرد:

نقش راهیان نور در خنثی‌سازی جنگ نرم دشمن



معاون امور بسیج و فرهنگ دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح گفت: راهیان نور فرهنگ مقاومت برخواسته از دوران دفاع مقدس را به نسل امروز منتقل می کند از این رو پدیده راهیان نور نقش بارزی در خنثی سازی جنگ نرم دشمنان ضد نظام اسلامی ایفا می کند.

به گزارش خبرگزاری دفاع مقدس، سردار سرتیپ پاسدار سیدمسعود جزایری، معاون امور بسیج و فرهنگ دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح در گفت‌وگویی در خصوص اردوهای راهیان نور، گفت: راهیان نور فرهنگ مقاومت برخواسته از دوران دفاع مقدس را به نسل امروز منتقل می کند؛ از این رو پدیده راهیان نور نقش بارزی در خنثی‌سازی جنگ نرم دشمنان ضدنظام اسلامی ایفا می‌کند. راهیان نور در حین دوران دفاع مقدس با ورود خانواده‌های رزمندگان به سرزمین‌هایی که در آن‌ها دفاع صورت گرفت، آغاز شد.

وی با بیان اینکه پس از جنگ تحمیلی اعزام نیروها به شکل مردمی و متفرقه به خصوص از جانب دانشگاه‌ها رونق گرفت، تصریح کرد: رفته رفته این فرآیند شدت یافت تا اینکه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) طی ٤ دوره از سال ۷۸ تا ۸۹ از مناطق عملیاتی بازدید کردند و همین امر مزید برعلت شد که توجه بیشتری به این مناطق شود، مناطقی که ملت ایران هشت‌سال در آن‌ها درخشید و از سرزمین، حیثیت و انقلاب خود دفاع کرد.

سردار جزایری ادامه داد: دشمن تصمیم گرفته بود که انقلاب اسلامی را در نطفه خفه کند و در این سودا به‌سر می‌برد که با نیروهای نظامی خود وارد ایران شود و تهران را تصرف کند؛ اما مردم و رزمندگان ما که دل در گرو انقلاب داشتند، در همان نقاط مرزی دشمن را زمین گیر کردند و با تنبیه دشمنان، به جهانیان نشان دادند که متجاوز کیست و چه کسی تحت تعدی قرار گرفته است.

وی با اشاره به تاثیر اردوهای راهیان نور در خنثی‌سازی تاثیر جنگ نرم دشمنان انقلاب اسلامی، خاطرنشان کرد: جنگ نظامی دشمن ضد انقلاب در یک مقطعی تمام شد، اساسا جنگ‌های نظامی طولانی مدت نیستند و هر چند جنگ تحمیلی از جمله جنگ‌های طولانی در دنیا محسوب می‌شود، ولی پس از این‌که دشمن از جنگ نظامی نتیجه نگرفت، جنگ نرم را که به مراتب پیچیده‌تر، چندلایه‌تر و عمیق‌تر بود، در پیش گرفت.

معاون امور بسیج و فرهنگ دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح با بیان اینکه جنگ نرم برخلاف جنگ سخت زمان‌مند نیست، افزود: جنگ نرم ممکن است ۱۰سال، ۲۰ سال و یا حتی ۵۰ سال طول بکشد. با چنین توصیفی دشمن برای تحمیل جنگ نرم به ما سرمایه‌گذاری و سازماندهی خاصی را در دستور کار قرار دارد.

سردار جزایری ادامه داد: طبق این سازماندهی دشمنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی، فناوری و مدیریتی راهبردهایی دارند که به آن‌ها نشان می‌دهد با جمهوری اسلامی چه رفتاری داشته باشند.

وی افزود: از جمله راهبردهای به کار گرفته شده از سوی دشمنان این است که درصددند تا نقاط مثبت و درخشان و داشته‌ها و سرمایه‌های بزرگ جامعه ایران اسلامی را تضعیف کنند.

سردار جزایری با بیان اینکه این راهبرد ددمنشانه است، گفت: یکی از ارزش‌های ما دفاع مقدس است و آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل که گردانندگان ابرسرمایه‌داری جهانی هستند در تلاش‌اند تا این نقطه درخشان را کم‌رنگ جلوه دهند.

وی با بیان اینکه با افزایش شناخت مردم از دفاع مقدس تلاش‌های دشمنان مصداق آب در هاون کوبیدن است، تصریح کرد: راهیان نور یکی از پدیده‌هایی است که به مثابه سدی در برابر تلاش‌های دشمنان محسوب می‌شود.

سردار جزایری با بیان اینکه روان‌شناسان، مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان باید جهات مختلف پدیده بزرگ راهیان نور را بررسی کنند، اظهارداشت: راهیان نور یکی از اجتماعات بزرگ در میهن اسلامی و در عین حال یکی از تاثیرگذارترین رخدادها در عرصه گردشگری است.

وی افزود: راهیان نور باعث شد تا روند جامعه‌پذیری برخلاف آنچه خواسته دشمنان است پیش برود و نسل امروز از روزنه همین پدیده به گذشته خود مرتبط می‌شود و نسبت به این مسئله علم پیدا می کند که در دوران دفاع مقدس چه اتفاقی افتاد؟ چه کسانی به مملکت حمله و چه کسانی دفاع کردند؟

معاون امور بسیج و فرهنگ دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح تصریح کرد: راهیان نور الگوی مقاومت را ترویج می‌دهد و باید با ارتقا و انتقال این الگو، نسل‌های دیگر را با دفاع مقدس آشنا کرد.

سردار جزایری در مورد تاثیر جشنواره فرهنگی در مورد راهیان نور مثل جشنواره ملی سرزمین، گفت: در برابر جنگ نرم همه‌جانبه‌ای که دشمنان به ما تحمیل کرده‌اند، هنر از جمله ابزارهایی است که دو سویه عمل می کند؛ هم می تواند از طرف آن‌ها مورد استفاده قرار بگیرد و هم امکان را فراهم می‌سازد که ما از آن در جهت اهداف خود بهره برداری کنیم.

وی در پایان تاکید کرد: زبان هنر که زبان چنین جشنواره‌هایی است بهتر از سایر ابزارها در این عرصه ایفای نقش می کند.

دبیر ستاد مرکزی راهیان نور:

راهیان نور، سدی محکم برابر تهدیدهای فرهنگی دشمن است



دبیر ستاد مرکزی راهیان نور کشور با بیان اینکه راهیان نور به عنوان سدی محکم در برابر تهدیدات فرهنگی و جنگ نرم دشمن است، افزود: زائران با حضور در این اردوها، چگونگی زندگی اسلامی راآموخته و پس از بازگشت به دیار خود، پایه‌گذار ترویج این ارزش‌ها در جامعه می‌شوند.

سرهنگ پاسدار حاج نادر ادیبی،دبیر ستاد مرکزی راهیان نور کشور که با ایکنا سخن می گفت ضمن بیان مطلب فوق و با اشاره به آغاز اعزام خادمان نور از دوم اسفندماه افزود:امسال قریب به ۲۰ هزار خادم در قرارگاه و مراکز اسکان به فعالیت خواهند پرداخت. این خادمان کاملاً افتخاری بوده و طی فراخوانی که از سوی ستاد مرکزی راهیان نور اعلام شده بود ثبت نام کرده و بعد از طی مراحل اولیه، از دوم اسفندماه به محل خدمت خود اعزام شدند.

***ترویج مقاومت در راهیان‌نور**

وی ادامه داد: در ۸ سال دفاع مقدس، جوانان توانستند در مقابل استکبار ایستادگی و درس مقاومت را به جهانیان صادر کنند. امروز نیز راهیان نور با هدف ارج نهادن به آن ایستادگی و ترویج ارزش‌های ایثار و شهادت عمل می‌کنند. حضور گسترده اقشار مختلف مردم، در تمام سنین و جای جای ایران در این اردوها نشان می‌دهد که یاد و خاطره سال‌های ایستادگی ملت همچنان پا برجاست.

***حفظ ایمنی زائران در اولویت است**

سرهنگ ادیبی با تأکید بر اینکه حفظ ایمنی و امنیت زائران مناطق عملیاتی، اولویت کاری ستاد مرکزی است، تشریح کرد: با توجه به تمهیداتی که اندیشیده شد و به لطف خدای متعال در سال گذشته هیچ حادثه‌ای راهیان نور را مورد هجمه قرار نداد. این در حالی است که چندی پیش خانواده‌ها با خودروهای شخصی نیز در این مناطق حضور می‌یافتند که این کار را بسیار پیچیده کرده بود، اما به حول و قوه الهی هیچ حادثه دلخراشی در این اردوها رخ نداد.

وی افزود: پیش از این راهیان‌نور تنها در جنوب کشور برگزار می‌شد، اما امروزه با توجه به حجم گسترده استقبال از این اردوها همچنین با توجه به اینکه مناطق عملیاتی ایران از شمالغرب تا سواحل خلیج فارس امتداد داشته است، پنج استان مرزی کشور در شمال و شمال‌غرب و جنوب کشور به عنوان محور راهیان نور مطرح شده‌اند و در فواصل مختلف، زائران در این مناطق حضور می‌یابند.

***ترویج سبک زندگی اسلامی**

سرهنگ ادیبی، ترویج سبک زندگی اسلامی با تأکید بر زندگی شهیدان را هدف اصلی برگزاری این اردوها دانست و بیان کرد: در این اردوها برنامه‌های ویژه‌ای برای بانوان و کودکان در نظر گرفته شده است.

همچنین نمایشگاهی برای استفاده کودکان در شهر خرمشهر برپا شده و «سنگر حجاب» ویژه برنامه‌ای است که برای بانوان تعبیه شده که با حضور در مناطق عملیاتی از آن بهره‌مند می‌شوند.

***حمایت از مؤسسات فرهنگی مردم‌نهاد**

دبیر ستاد مرکزی راهیان‌نور همچنین با اشاره به فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه راهیان‌نور، تصریح کرد: مؤسسات فرهنگی و هنری مردم‌نهادی که در زمینه اردوهای راهیان‌نور فعال باشند، مورد حمایت قرار می گیرند.

اخبار کوتاه

آیت‌الله شفیعی: راهیان نور مقدس‌ترین برنامه در نظام اسلامی است

نماینده مردم خوزستان در مجلس خبرگان رهبری برگزاری اردوهای راهیان نور را مقدس ترین برنامه در نظام اسلامی توصیف کرد.

آیت‌الله سید علی شفیعی در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در اهواز اظهار کرد: اردوهای راهیان نور مقدس‌ترین برنامه‌ای است که در نظام مقدس جمهوری اسلامی اجرا شد.

وی افزود: بنده چندین بار در اردوگاه میثاق آبادان که متعلق به راهیان نور است حضور یافتم و مطالبی را در جمع مسئولان برگزاری این اردوها بیان کردم.

پدر شهید سید مرتضی شفیعی در ادامه از مسئولان و دست‌اندرکاران اردوهای راهیان نور خواست هر چه بهتر و بیشتر به این موضوع پرداخته شود تا به هدف‌های مطلوب مدنظر دست یابیم.

وی در پاسخ به این سوال که شما به عنوان یک پدر شهید چه پیامی برای نسل جوان دارید بیان کرد: خود جوان‌ها بهتر از هر کس دیگر پیام‌های انقلاب اسلامی را درک کرده‌اند.

بازدید امیر خرم طوسی از یادمان زید

به گزارش خبرنگار راهیان نور،امیر خرم طوسی ، جانشین ستاد مشترک آجا،امروز با حضور در جمع زائران راهیان نور در منطقه عملیاتی رمضان ،از یادمان زید بازدید کرد.

بنابر این گزارش ،امیرخرم طوسی پس از زیارت حرم مطهر شهدای گمنام عملیات رمضان،ضمن دیدار با خادمان شهدا،از نزدیک برنامه‌ها و امکانات تدارک دیده شده برای کاروان‌های راهیان نور و زائران سرزمین‌های نور در یادمان زید را مورد بررسی قرار داد.

راهیان نور شمال‌غرب پذیرای کاروان‌های زیارتی سراسر کشور

مدیر کل ناحیه بسیج دانشجویی آذربایجان غربی گفت: راهیان نور شمال‌غرب پذیرای کاروان‌های زیارتی از سراسر کشور است.

میر کاظم یکانی در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در ارومیه اظهار داشت: ستاد راهیان نور شمال‌غرب آذربایجان غربی پذیرای کاروان‌های زیارتی از سراسر کشور است.

وی افزود: مناطق عملیاتی و یادمان‌های دفاع مقدس شهرهای ارومیه، پیرانشهر، سردشت و مهاباد آماده پذیرایی از اقشار مختلف مردم استان‌های سراسر کشور است.وی اضافه کرد: امکانات مناسبی برای اسکان و پذیرایی راهیان نور و بازدید کنندگان از این مناطق برای اردوها در آذربایجان غربی در نظر گرفته شده است.

جوان پاکستانی :جنگ شما بین حق و باطل بوده است

جوان پاکستانی در راهیان نور گفت: من قبل از اینکه به این مناطق بیایم فکر می کردم که این جنگ فقط بین ایران و عراق است ولی بعد از آنکه به اینجا آمدم فهمیدم که این جنگ بین دو کشور نیست بلکه جنگ بین حق و باطل است.

به گزارش خبرنگار راهیان نور، مستقر درمعراج شهدای اهواز،مسئول کاروان راهیان نور شیعیان پاکستان خاطر نشان کرد در پاکستان دوره‌های عقیدتی وجود دارد که پس از پایان این دوره ها، اردوهایی برگزار می‌شود که یکی ازآنها همین اردوهای راهیان نور است که امسال اولین اعزام ما بود.

زائرسرای راهیان نور مریوان افتتاح شد

طی مراسمی و با حضور سردار رجبی فرمانده سپاه کردستان، زائرسرای راهیان نور مریوان مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

به گزارش خبرگزاری فارس از مریوان، فرمانده سپاه پاسداران مریوان در آئین افتتاحیه این زائرسرا اظهار داشت: برای این زائرسرا ۷۰۰ میلیون تومان هزینه شده است و با افتتاح آن می‌توان در اسکان کاروان‌های راهیان نور به خوبی عمل کرد.

آغاز زندگی مشترک در معراج شهدای اهواز

زوج جوان اهوازی زندگی مشترک خود را با حضور در معراج شهدای این کلانشهر آغاز کردند.

به گزارش خبرگزاری فارس از اهواز، عروس و داماد اهوازی با حضور در معراج شهدای اهواز زندگی مشترک خود را در کنار شهدای تازه تفحص شده دفاع مقدس آغاز کردند.

جوانان کشمیری هم آمدند

تعدادی از جوانان کشمیری در قالب کاروان راهیان نور شهید صیادشیرازی در مناطق عملیاتی دفاع مقدس جنوب حضور یافتند .

مسئول این کاروان جوانی کشمیری است و ضمن این که مایل به درج عکس خود و دوستانش نبود، گفت :این کاروان متشکل از دانشجویان و فرهنگیان کشمیری می باشد و این اولین بار است که به این مناطق آمده و از همه یادمان ها بازدید نموده اند.

این کاروان با سختی بسیار به ایران عزیز و این مناطق مقدس آمده است. ما از اینکه اینجا هستیم خوشحالیم و این حضور را برای خودمان نعمتی بزرگ می دانیم،چرا که این جوانان با فشارها و تهدیدهای فراوان به این مناطق اعزام شده اند.

گزارشی از شلمچه

سرزمینی برای تولد دوباره



مکانی برای عروج

سالها بود که علیرغم اشتیاق زیادم،امکان حضوردر این سرزمین مقدس را نداشتم اما امسال پس از هفت سال انتظار طلبیده شدم .

به گزارش خبرنگار راهیان نور از یادمان شلمچه، پنجشنبه، ۱۵ اسفند یادمان شهدای کربلای ۵ منطقه شلمچه میزبان بسیاری از شیفتگان فرهنگ حماسه از جمله دانشجویان دانشگاه پیام نور فردوسی بود.

زهره عابدی دانشجوی رشته علوم اجتماعی این دانشگاه، جاذبه شلمچه را دلیل آمدنش خواند و گفت : این دیار جاذبه ای دارد که هر دعوت شده ای از جاذبه شهدا با رضایت کامل و اشتیاق تمام به آن قدم می گذارد .

عابدی که برای دومین مرتبه زائر این دیار نور است تصریح کرد: به حق ، کسی که برای دومین بار قدم در این سرزمین می گذارد از شوق زیارت و اشتیاق آشنایی با مناطق نمی تواند آن گونه که شایسته است درکش کند و از آن بهره کافی را ببرد .

وی که روز دوم حضورش در این سفر را داشت سپری می کرد، خاطر نشان ساخت: در مرتبه اولی که آمدم توفیق زیارت شلمچه را نداشتم ؛ این خاک حس غیرقابل توصیف دارد ، خاکی برای عروج آدم از زمین به آسمان است.

دانشجوی دانشگاه پیام نور فردوسی از حس خود نسبت به شهدا و دعوتشان این چنین گفت : شهدا از خوبی خودشان من راطلبیدند و اگر به من بگویندتنهایک جمله می توانم به شهدا بگویم فقط می توانم بگویم که «من را ببخشند».

پس از هفت سال انتظار طلبیده شدم

میهن یاری، دیگر دانشجوی این دانشگاه که هفت سال انتظار آمدن به این سرزمین را داشته بیان کرد: سالها بود که علی‌رغم اشتیاق زیادم،امکان حضور در این سرزمین مقدس را نداشتم اما امسال پس از هفت سال انتظار طلبیده شدم .

دانشجوی علوم تربیتی دانشگاه پیام نورفردوسی ، شلمچه را سرزمینی برای تولد دوباره خواند و گفت : شلمچه خاکی دارد که به آدم فرصت تولدی دوباره می دهد تا طیب و طاهر بتواند به مدد شهدا زندگی پاک رااز سر بگیرد .یاری در پایان حس خود به شلمچه و شهدای کربلا۵ رااین چنین توصیف کرد : شلمچه حس پرواز به زائر می دهد و می تواند با توسل به خاک شهدای کربلا۵ به خدا نزدیک شد .

زوجی که به ماه عسل آمده اند

جشن ولادت پرستار کربلا حضرت زینب (س) شانزدهم اسفندماه در یادمان شلمچه برگزار شد.

بنا بر این گزارش از صبح روز ولادت بزرگ بانوی کربلا تمام خادمین شهدا در یادمان شلمچه خاک پاک آسمانی منطقه را مهیای این جشن با سعادت کردند.

سالارشفق یکی از خادمین این یادمان که به همراه همسر خود به این منطقه آمده است دلیل خود از انتخاب این یادمان برای خادمی را چنین ابراز کرد : شلمچه انتخاب من و همسرم بود،زیرا هر دوی ما از این سرزمین خاطرات بسیار و دلبستگی شدیدی داریم .

وی که دانشجوی مکانیک دانشگاه اردبیل است،افزود : انتخاب من دلایل دیگری هم دارد ؛ دلایلی چون شناخت کامل از این منطقه و عملیات های آن و همچنین الگو برداری از سیره و روش این شهدای والامقام برای زندگیمان قبل از آغاز،و رفتن زیر یک سقف. شفق که در پایان از شهدای شلمچه می خواهد او و همسرش را حلال کنند ، تاکید کرد: نیت من برای خادمی امسال در منطقه شلمچه این بود که به مدد شهدا بعد از عید زندگی مشترکمان را شروع کنیم و شهدا این ماه عسل را از من و همسر م بپذیرند و ما را از دعای خیرشان محروم نسازند .

در هشتمین ماه زندگی مان به سرزمین هشت شهید گمنام آمدیم

سارا محمدی دانشجوی رشته مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین دلیل خادمی در شلمچه را نزدیکی به حضرت زهرا(س) خواند و افزود : از آنجا که شهدای شلمچه ، شهدایی مظلوم هستند و رمز عملیات کربلای پنج هم « یا زهرا (س) » بوده ، حضور حضرت زهرا(س) را می شود در این منطقه بیشتر احساس کرد .

وی افزود : شلمچه نزدیکترین منطقه عملیاتی جنوب کربلا است. این نزدیکی به امام حسین(ع) به تک تک خدام و زائران قوت قلبی مضاعف می دهد . محمدی که اولین سال خادمی خود را، آن هم در شلمچه تجربه می کند این محور عملیاتی کربلا۵ را نزدیکترین نقطه اتصال زمین به آسمان می داند و می گوید : در غربت غروب شلمچه کمتر کسی است که نتواند با شهدا ارتباط بگیرد و طلب کند .

وی که معیار ازدواجش را بر اساس زندگی شهدا چیده است ، گفت : برای من و همسرم جالب بود که در هشتمین ماه ازدواجمان به سرزمینی قدم گذاشته ایم تا خادمش باشیم که هشت شهید گمنام را در آغوش دارند .

محمدی در پایان خاطر نشان کرد : از شهدای مظلوم شلمچه ظهور امام مهدی (عج)و سفر کربلای خود و همسرم را خواسته‌ام.



دیدار دست‌اندرکاران راهیان نور با رهبر معظم انقلاب

جانشین ستاد مرکزی راهیان نور کشور گفت: دست‌اندرکاران راهیان نور به منظور بهره‌گیری از فرمایشات مقام معظم رهبری تا پایان سال جاری به محضر ایشان شرفیاب می‌شوند.

به گزارش خبرنگار راهیان نور از آبادان، سردار علی فضلی جانشین ستاد مرکزی راهیان نور کشور بعد از اتمام همایش ملی راهیان نور ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای این عملیات و دستاوردهای مهم آن گفت: دفاع مقدس و شهدا متعلق به همه مردم ایران هستند و در حال حاضر راه برای همه مردم باز شده تا در قالب کاروان‌های راهیان نور مردمی از مناطق عملیاتی بازدید کنند.

وی با اشاره به تحقق رویکرد اقتصاد مقاومتی در کاروان‌های راهیان نور افزود: در این راستا به صورت عمومی از همه مردم عزیز کشورمان دعوت کردیم که در مناطق عملیاتی و در زائرسراهای شهر خود از مردم داوطلب ثبت نام کنند.

سردار فضلی با اشاره به دیدار مقام معظم رهبری از مناطق عملیاتی در سال‌های گذشته گفت: ایشان چندین بار در مناطق عملیاتی چون دو کوهه، دهلاویه، هویزه و منطقه شلمچه شرف حضور پیدا کردند تا برای ما چراغ راهی باشند به سمت مسیر الی الله؛ معظم له در یکی از این دیدارها در شلمچه بیان داشتند: «شب‌های عملیات کربلای ۵ شب‌های قدر این انقلاب است؛ انس با آن شما را وارسته می‌کند؛ هر کس آن را فراموش کند نامش از اردوگاه انقلاب قلم خواهد خورد».

جانشین ستاد مرکزی راهیان نور با بیان اینکه زمانی که از سپاه صحبت می کنیم منظورمان ارتش، بسیج، سپاه و خانواده نیروهای مسلح است، افزود: مقام معظم رهبری در جایی دیگر فرمودند «سپاه کربلا در شلمچه مشق کرد».

سردار کارگر: تاکنون ۵ میلیون نفر از مناطق عملیاتی دیدن کرده‌اند

سردار دکتر بهمن کارگر ضمن اعلام خبر راه اندازی راهیان نور دریایی و هوایی گفت: حامد زمانی ثمره راهیان نور است.

به گزارش خبرگزاری دفاع مقدس، سردار سرتیپ دکتر «بهمن کارگر» رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس با اشاره به دستاوردهای راهیان نور افزود: راهیان نور، نوری از خود شهداست و از جهاد و مقاومت رزمندگان اسلام نشأت می گیرد.

وی ادامه داد: راهیان نور اثرات خود را گذاشته و تعداد اعزام‌های راهیان نور با وجود امکانات کم روز به روز بیشتر می‌شود. سردار کارگر تصریح کرد: تاکنون تقریبا نزدیک به پنج میلیون نفر به مناطق عملیاتی اعزام شدند و این نشان می دهد که راهیان نور اثر خود را گذاشته است.

وی با بیان اینکه بیش از ۸۰ درصد راهیان نور بار اولی هستند، افزود: ”حامد زمانی“ که در کنگره «سرزمین نور» یکی از سروده‌هایش را اجرا کرد خودش ثمره راهیان نور است.

وی خاطرنشان کرد: ما تاکنون موفق به نمایش تنها ۱۰ درصد از رشادت‌های رزمندگان شده‌ایم و ۹۰ درصد آن هنوز باقی مانده است؛ بنابراین ما در ابتدای راه هستیم.

رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس با اشاره به برگزاری جشنواره «سرزمین نور» گفت: برگزاری چنین جشنواره‌هایی نشان دهنده این است که فرزندان ایران دارای استعداد هستند و حدود ۲۰ هزار اثر به دبیرخانه این جشنواره ارسال شده است. سردار کارگر در پایان اذعان داشت: این آثار نشان‌دهنده این است که ۲۰ هزار هنرمند در راهیان نور تربیت شدند و این طرح اثر خود را بر روی جوانان و مخاطبان گذاشته است.

فرمانده نیروی دریایی سپاه خبر داد:

اعزام کاروان های راهیان نور به مناطق آزاد و خلیج فارس از سال آینده



فرمانده نیروی دریایی سپاه تاکید کرد: این مژده را می دهم که در سالهای آینده اردوهای راهیان نور مناطق آزاد و خلیج‌فارس را نیز راه اندازی کنیم.

به گزارش خبرگزاری دفاع مقدس سردار دریادار علی فدوی فرمانده نیروی دریایی سپاه در مراسم اختتامیه یازدهمین جشنواره ملی سرزمین نور در سالن ۸ هزار نفری شهید باکری (خرمشهر) گفت: خون شهیدان ۸ سال دفاع مقدس در این سرزمین نهالی را بنیان نهاد که نسل امروز و آیندگان از ثمره آن بهره خواهند برد.

وی با بیان اینکه در جای جای این سرزمین خون شهدا ریخته شده است، گفت: خون شهدا ضامن بقای انقلاب اسلامی است که معمار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، آن را پایه گذاری کرد و به خلف برحق و صالحش مقام معظم رهبری سپرد تا آن را هدایت و به سمت تعالی حرکت دهد.

دریادار فدوی با تاکید بر اینکه امام و رزمندگان اسلام موجودیتی برای کفر استکبار قائل نبودند گفت: زمانی که آمریکایی ها سال ٦۵ در خلیج فارس حضور یافتند حضرت امام (ره) آنها را به رسمیت نشناخت و فرمود: آمریکا را در خلیج فارس به خاک مذلت می نشانیم که این موضوع در سال ٦٦ و ٦٧ اتفاق افتاد.

وی در ادامه گفت: این مژده را می دهم که در سالهای آینده اردوهای راهیان نور مناطق آزاد و خلیج فارس را نیز راه‌اندازی کنیم هر چند که وسعت این سفرها نمی تواند وسیع باشد اما آغاز آن جلوه های کاملی از رویارویی اصل کفر و حق در سال‌های آخر جنگ خواهد بود. وی با اشاره به تثبیت مبانی انقلاب اسلامی و سال‌های دفاع مقدس گفت: بعضی از سرزمین‌ها اثری را در خود جای داده‌اند که حتی انسان‌های غافل نیز می توانند از آن بهره ببرند که مصداق آن کربلاست و می توان با دل‌ها، قلم‌ها و کتاب‌ها اثرات این سرزمین‌ها را ثبت و منتقل کرد. دریادار فدوی ادامه داد: مهم این است که وقتی از این سرزمین برمی گردیم بتوانیم مبانی‌ای که رزمندگان دفاع مقدس براساس آن انقلاب را استحکام بخشیدند را مرور کرده تا تحرکات کوچک دشمن را مهار کنیم. وی تصریح کرد: امام موجودیتی برای کفر و استکبار قائل نبودند و با همین تفکر توانستند در برابر هجومی که در راس آن عراق قرار داشت و با پشتیبانی استکبار صورت می گرفت بایستند.

اخبار کوتاه

این میزان بودجه کفاف استقبال از طرح راهیان نور را نمی‌دهد

سخنگوی کمیسیون فرهنگی اجتماعی و نماینده مردم گرگان و آق‌قلا در مجلس شورای اسلامی گفت: برای کار عظیم و ارزشمند فرهنگی طرح راهیان نور مجلس بودجه ای را در نظر گرفته، اما با توجه به استقبال مردم و جوانان این میزان بودجه کفاف این همه استقبال را نمی دهد.

سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: ما در حد بضاعت خود بودجه ای اختصاص دادیم ضمن آن که انتظار داریم دستگاه های متولی و خیرین نیز در این خصوص ورود کنند و آموزش و پرورش هم که بودجه ای در این زمینه به آن اختصاص داده شده را باید صرف این کار نماید و سپاه هم بودجه اش براساس بودجه مصوبه مجلس می باشد.

المپیکی ها، ورزشی ها و نمایندگان مجلس در سرزمین نور

رئیس کمیته ملی المپیک کشورمان به همراه تنی چند از مسئولین سیاسی و ورزشی عازم سفر راهیان نور شدند و از مناطق عملیاتی دفاع مقدس بازدید کردند. این چهره‌های سیاسی و ورزشی به دعوت سازمان بسیج ورزشکاران به خوزستان سفر کردند تا بار دیگر با آرمان‌های شهدا تجدید میثاق کنند.

سردار اسماعیل کوثری نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، لاله افتخاری دیگر نماینده مردم تهران، دکتر عبدالحمید احمدی رئیس انجمن نویسندگان ورزشی، رباب شهریان معاون امور بانوان وزارت ورزش و جوانان و افشین داوری رئیس فدراسیون دوومیدانی در این سفر کیومرث هاشمی را همراهی کردند.

استقبال از خانواده‌های حاضر در مناطق عملیاتی دفاع مقدس

رئیس ستاد راهیان نور استان مرکزی گفت: اعزام کاروان‌های عمومی راهیان نور از ۱۵ اسفند جاری آغاز شده و تا ۳۰ فروردین سال آینده ادامه خواهد داشت.

وی همچنین اظهار کرد: آمادگی داریم از خانواده‌هایی که بوسیله خودروهای شخصی به همراه خانواده و دوستان به زیارت شهدا می‌روند استقبال کنیم. در این راستا شهرک شهید زین‌الدین در ۱۵ کیلومتری جاده اندیمشک به اهواز و پادگان شهید مسعودیان بعد از پلیس راه اهواز وفلکه چهارشیر برای اسکان خانواده‌هایی که به طور خودجوش در مناطق جنوب حضور یافته‌اند در نظر گرفته شده، ضمن این که غذا با حداقل هزینه در اختیار این افراد قرار می گیرد.

استاد دانشگاه فرانسه در کربلای ایران: به جستجوی حقیقت آمده ام

کریستین زهرا گیوم فرانسوی تازه مسلمان شده که در فرانسه استاد دانشگاه است به مناطق عملیاتی جنوب ایران آمده تا به گفته خودش حقیقت بیشتری را بیابد.

وی افزود: ایمان و تقوا، در آدم، جاذبه‌ای ایجاد می کند که همه را جذب می کند.

دانشجوی ساحل عاجی: اتفاقات زیبا و عجیبی دیدم

دانشجوی ساحل عاجی گفت: انشاءالله در برگشت به ساحل عاج از دیدن این مناظر پر از معنویت برای مردمم خواهم گفت.

به گزارش خبرنگار راهیان نور از یادمان طلائیه، تیجان توری یکی از دانشجویان دانشگاه مذاهب اسلامی تهران که از کشور ساحل عاج برای تحصیل به ایران آمده در مناطق عملیاتی دفاع مقدس طی گفتگویی با خبرنگار راهیان نور گفت : با ورودم به مناطق عملیاتی جنوب ایران شاهد اتفاقات زیبا وعجیبی بودم.

تئاتر خیابانی در مناطق عملیاتی جنوب

از ۱۷ اسفند امسال گروهی از هنرمندان تئاتر خیابانی کشور در مناطق راهیان نور به اجرای بیش از ٤٠ نمایش خیابانی پرداخته اند.

این نمایش‌ها از ۱۷ الی ٢٦ اسفند توسط گروه های نمایشی میقات و نمایه و با پشتیبانی ستاد مرکزی راهیان نور و روابط عمومی شرکت نفت پارس برگزار می‌شود.

نمایشگاه عکس راهیان نور

همزمان با آغاز دور جدید سفرهای راهیان نور، نمایشگاه «راهیان» شامل تصاویر ثبت‌شده توسط «عبدالحسین بدرلو» در موزه هنرهای معاصر فلسطین به نمایش درآمد.

این نمایشگاه شامل ٤٠ تصویر از این عکاس با موضوع راهیان نور و سفرهای نوروزی به مناطق عملیاتی است. این نمایشگاه از دوشنبه ۱۹ اسفند، به مدت یک ماه در موزه هنرهای معاصر فلسطین پذیرای علاقمندان است.

چگونگی سفر به مناطق عملیاتی با خودرو شخصی

علاقمندان به سفر به مناطق عملیاتی که مایلند با خودروی شخصی خود عازم شوند می توانند جهت کسب اطلاعات لازم به سایت ستاد مرکزی راهیان نور مراجعه کنند .

یادمان هفت تپه آماده حضور مردم سرافراز دیار علویان

با حضور سردار رستمیان «فرمانده لشکر عملیاتی ۲۵ کربلا» یادمان هفت تپه افتتاح شد.

محل نیایش و بندگی رزمندگان لشکر خط شکن ۲۵ کربلا، پس از ۲۵ سال غربت و مظلومیت، آماده حضور مردم سرافراز دیار علویان شد.

یادمان هفت تپه در ۲۰ کیلومتری جاده اهواز-اندیمشک است.

معرفی نقاط یادمانی مناطق عملیاتی

مهم ترین نقاط یادمانی مناطق عملیاتی جنوب

***دو کوهه**

دو کوهه نام منطقه و پادگانی است که در ٤ کیلومتری شمال غربی شهر اندیمشک و در مجاورت جاده اندیمشک – خرم آباد قرار دارد.پادگان دو کوهه قبل از انقلاب یک پادگان پشتیبانی برای لشگر ۹۲ زرهی اهواز و مقرهای نظامی جنوب غربی کشور در نظر گرفته شده بود،که در بهمن ماه ۱۳٦۰ در اختیار تیپ تازه تأسیس محمد رسول ا... (ص) به فرماندهی جاوید الاثر حاج احمد متوسلیان قرار گرفت.این پادگان عقبه یگان های عمل کننده در عملیات فتح المبین بود. لشگر ۱۰ سید الشهدا (علیه السلام) نیز در همین پادگان تشکیل و راه اندازی گردید.

***اندیمشک**

اندیمشک شمالی ترین شهر استان خوزستان است و به دلیل آن که گلوگاه خوزستان محسوب می شود، از نظر نظامی اهمیت خاصی دارد. طولانی ترین بمباران تاریخ ایران نیز در ٤ آذر ماه ۱۳٦۵ در این منطقه صورت گرفت و شهر اندیمشک، ایستگاه راه آهن و حومه آن توسط ٥٤ فروند از هواپیماهای دشمن بمباران شد و بیش از ۳۰۰ نفر شهید و حدود ۷۰۰ نفر مجروح شدند. اندیمشک در دوران دفاع مقدس میزبان رزمندگان از نقاط مختلف ایران اسلامی بوده است و همچون مادری آن ها را در آغوش می گرفت.

***دزفول**

دزفول در شمالی ترین بخش استان خوزستان واقع شده است. این شهر در دوران دفاع مقدس ۱٦۹ مرتبه مورد حمله موشکی قرار گرفت؛ به طوری که در میان کشورهای حوزه خلیج فارس به «بلد الصواریخ» یعنی «شهر موشک ها» مشهور شد، اما مردم دلیر و خون گرم دزفول شهر را ترک نکرده و در راه دفاع از میهن اسلامی و اهداف والای خود ۲٦۰۰ شهید تقدیم اسلام نمودند. این شهر پس از جنگ به پاس مقاومت مردمانش، به عنوان شهر نمونه انتخاب شد.

***فتح المبین**

در شمال غربی شوش و در غرب رودخانه کرخه؛ دشت فتح المبین قرار دارد که یادآور حماسه و عملیات پیروزمندانه فتح المبین و شهدای والا مقام این منطقه می باشد.

***شوش**

شهر شوش یکی از شهرهای شمالی استان خوزستان است که بین دزفول و اهواز واقع است. با حمله رژیم بعث به میهن اسلامی مان در ۱۳٥۹/٦/۳۱ و پیشروی آن ها تا غرب کرخه شهر شوش خالی از سکنه شد و پیوسته مورد حملات هوایی و توپخانه ای قرار داشت. رزمندگان اسلام از این شهر به عنوان عقبه ی جبهه استفاده می کردند.

***فکه**

منطقه ای است با تپه ماهورهای فراوان، که یکی از محورهای اصلی تجاوز و حمله ارتش بعث عراق به شمال خوزستان بوده است. در سال ۷۲ هنگامی که شهید سید مرتضی آوینی به قصد روایت مظلومیت شهدای قتلگاه فکه عازم این محل بود، بر اثر برخورد با مین به شهادت رسید.

***کانال کمیل و حنظله**

این کانال منحصر به فرد و دارای چند سه راهی و چهار راهی می باشد که برای موانع و پیشروی رزمندگان اسلام حفر شده بود که سیصد نفر از گردان حنظله در یکی از کانال ها محاصره شدند و اکثرا با آتش مستقیم دشمن یا تشنگی مفرط به شهادت رسیدند.

***چزابه**

تنگه چزابه منطقه ای است در شمال غربی شهر بستان که به علت قرار گیری در بین هور و تپه های رملی یک گلوگاه محسوب شده و به دلیل قرار داشتن در مسیر دستیابی به شهرهای بستان و سوسنگرد از موقعیت ویژه ای برخوردار است. چزابه یکی از ٥ محور اصلی هجوم ارتش بعثی به خوزستان بود.

***بستان**

شهر بستان در ۳۰ کیلومتری شمال غربی سوسنگرد و در جنوب رودخانه کرخه قرار دارد. با شروع جنگ نیروهای بعثی پس از تصرف پاسگاه سویله و عبور از تنگه چزابه، در ۱۳٥۹/۷/٤ این شهر را اشغال کردند تا اینکه در عملیات طریق القدس در دهم آذر ماه ۱۳٦۰ بستان به دست رزمندگان اسلام آزاد شد.

***دهلاویه**

دهلاویه روستایی است در شمال غربی سوسنگرد که در روزهای اول جنگ مورد تهاجم رژیم بعث قرار گرفت. هنگامی که دکتر مصطفی چمران برای معرفی فرمانده جدید عازم دهلاویه شده بود، در این منطقه به شهادت رسید و در فروردین ۱۳۸۵ رهبر معظم انقلاب اسلامی در این یادمان با مردم منطقه و زائران راهیان نور دیدار و برای ایشان سخنرانی کردند.

***سوسنگرد**

سوسنگرد در شمال غرب اهواز قرار دارد. با حمله عراق در ۳۱ شهریور، آنها با پیشروی در محور بستان – سوسنگرد این شهر را از سمت غرب مورد تهدید قرار دادند و در ٦ مهر ماه بعد از شکستن مقاومت مردمی آن را اشغال کرده و اداره شهر را به گروه ضد انقلاب «جبهه التحریر» می سپارد. چند روز بعد رزمندگانی از سپاه اهواز به فرماندهی «علی غیور اصل» شهر را آزاد کردند.

***گمبوعه**

به دنبال لشکر کشی قوای روسیه و انگلستان به خاک ایران در جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۳ شمسی، ایران صحنه ی یکی از مهمترین مناقشات بین المللی شد. به دلیل اینکه در جنوب ایران مقابله با نیروهای متجاوز انگلیسی در مناطق بوشهر، تنگستان و دشتستان با هدایت علما سازماندهی شده بود، اقتضا می کرد که در منطقه خوزستان هم دفاع مردمی شکل بگیرد. لذا با فتوای مرحوم سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، نهضت مقابله با نیروهای انگلیسی در خوزستان شکل دیگری یافت. به دلیل اهمیت حماسه دفاع مقدس مردمی که پیوند عمیقی با مرجعیت دینی در سال ۱۲۹۳ ه.ش و نیز در طول هشت سال دفاع مقدس داشته است، به دستور رهبر معظم انقلاب «یادمان شهدای گمبوعه» در جوار قبور شهدای این منطقه احداث گردید.

***هویزه**

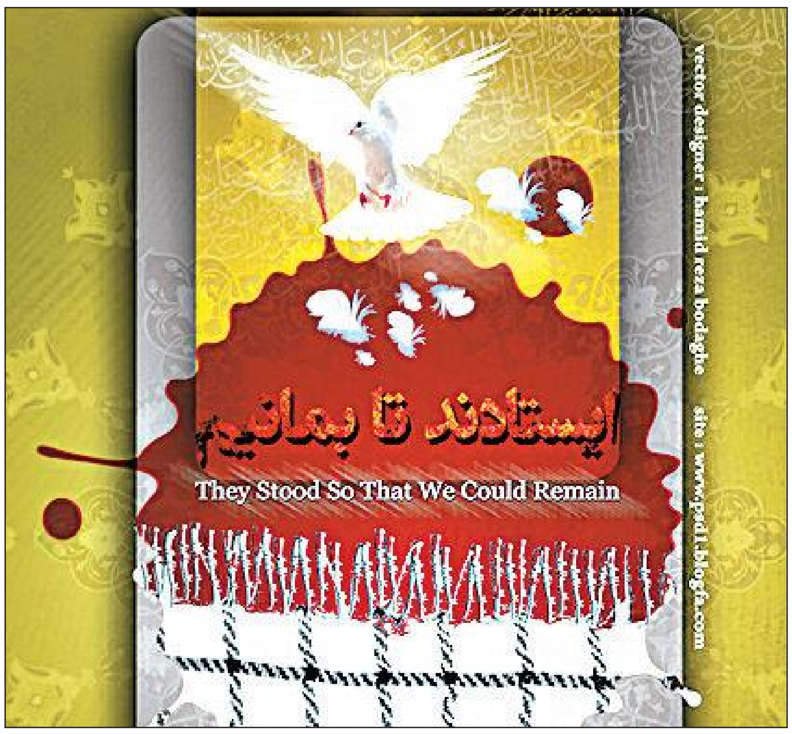
هویزه در جنوب غربی سوسنگرد قرار دارد. هویزه شهر دشت آزادگان بود، که به اشغال ارتش عراق در آمد. شهر هویزه در تاریخ ۱۳٦۱/۲/۱۸ در مرحله دوم عملیات بیت المقدس، آزاد گردید.

***مزار شهدای هویزه**

این مزار در ۲٥ کیلومتری شهر هویزه واقع شده است. سید حسین علم الهدی و تعدادی از دانشجویان پیرو خط امام در تاریخ ۱۳٥۹/۱۰/۱٦ دریک عملیات عاشورایی پس از درگیری با یک ستون تانک عراقی مظلومانه به شهادت رسیدند و پیکرهای مطهرشان، ۱٦ ماه بعد و پس از آزادسازی منطقه در عملیات بیت المقدس کشف و در همان محل دفن شد و بقعه ای توسط جهاد سازندگی برای ایشان بنا گردید.

***شلمچه**

شلمچه منطقه ای مرزی در غرب خرمشهر و نزدیکترین نقطه مرزی به شهر بصره است. شلمچه یکی از مهمترین محورهای هجوم اولیه ارتش بعث عراق به ایران بود. ارتش عراق با گذر از این منطقه به سوی خرمشهر تاخت. پس از عملیات بیت المقدس که به بازپس گیری خرمشهر به دست ارتش ایران انجامید، این منطقه همچنان در دست ارتش عراق بود. دشمن در سال ۱۳٦٤ به دنبال مشاهده پیشروی های رزمندگان اسلام، به فکر ایجاد مانعی غیر قابل عبور برای نیروهای اسلام افتاد، و پیرو تدابیر پدافندی خود، بر شمال جزیره بوارین، آب زیادی را در زمینی به وسعت ۷٥ کیلومتر مربع، رها ساخت. در طول جنگ تحمیلی منطقه شلمچه صحنه عملیات های بیت المقدس، رمضان، کربلای ٤، کربلای ٥، کربلای ۸ و بیت المقدس ۷ بوده که در این میان، نبرد کربلای ٥ از جایگاه ویژه ای برخوردار است. این عملیات را می توان سخت ترین عملیات دوران دفاع مقدس نام برد. حضور مقام معظم رهبری در تاریخ هشتم فروردین ماه ۱۳۷۸ در مشهد شهیدان شلمچه، نورانیت خاصی به این منطقه داد و بنا به دستور معظم له یادمان شهدای شلمچه توسط آستان قدس رضوی بنا گردید. در این یادمان ۸ شهید مدفون هستند که زیارتگاه زائران راهیان نور و مسافران کربلاست.



***خرمشهر**

خرمشهر شهری در جنوب غربی استان خوزستان است. خرمشهر در آغاز جنگ تحمیلی از اولین نقاطی بود که مورد حمله ارتش بعثی عراق قرار گرفت. بعثی ها خیال اشغال یک روزه خرمشهر را داشتند اما مدافعان شهر به فرماندهی شهید جهان آرا توانستند با حداقل امکانات، ۳٥ روز در مقابل ارتش عراق مقاومت کنند و همین مسئله شهر خرمشهر را نماد مقاومت مردمی نمود. دشمن پس از عدم موفقیت در اشغال خوزستان، تجهیزات دفاعی فراوانی را در خرمشهر مستقر و اطراف آن را مین گذاری کرد و خرمشهر را به عنوان نماد پیروزی خود در جنگ مطرح نمود. اما با همت جوانان ایرانی، خرمشهر پس از ۵۷۸ روز اشغال، در تاریخ ۱۳٦۱/۳/۳ در عملیات بیت المقدس با رمز یا «علی بن ابیطالب(ع)» آزاد شد.

***نهر خین**

خین نهری است در نزدیکی روستای خین در غرب خرمشهر و جنوب نهر عرایض که جزیره بوارین عراق را از شلمچه ایران جدا می کند.

***آبادان**

شهر آبادان داخل جزیره آبادان و بین خلیج فارس و سه رودخانه کارون، بهمن شیر و اروند رود محصور است و به اروند رود تسلط کامل دارد. رژیم بعث عراق با آغاز جنگ، نیروهای خود را به سوی جزیره آبادان روانه کرد. عراقی ها توانستند با عبور از بهمن شیر به این جزیره نفوذ کنند، لیکن با مقابله مدافعان آبادان در کوی ذوالفقاری به خارج از جزیره عقب رانده شدند و رزمندگان جبهه ای را با کمک گروه فدائیان اسلام به فرماندهی شهید سید مجتبی هاشمی مقابل دشمن شکل دادند.نیروهای عراقی در شمال جزیره زمین گیر شده و به محاصره آن اکتفا کردند. بعد از محاصره آبادان ، امام خمینی (ره) بارها بر ضرورت شکسته شدن این محاصره تأکید کردند تا اینکه در عملیات ثامن الائمه (ع) در تاریخ ۱۳٦۰/۷/٥ دشمن به غرب کارون رانده شد و آبادان از محاصره دشمن خارج شد.

***اروند**

اروند رود از بزرگترین رودهای جهان است که از به هم پیوستن دجله و فرات در القرنه عراق و اتصال کارون در خرمشهر به آن تشکیل می شود. اروند در دوران دفاع مقدس، شاهد عملیات والفجر ۸، یکی از بزرگترین نبردهای دوران جنگ بود. عملیات والفجر ۸ در روز ۱۳٦٤/۱۱/۲۰ با رمز «یا فاطمه الزهرا(س)» با عبور از اروند رود حد فاصل خسرو آباد تا رأس البیشه آغاز شد و پس از ۷۸ روز جنگ تمام عیار شهر فاو به تصرف رزمندگان در آمد. عملیات دلیرانه ای که تمامی کارشناسان نظامی را متعجب کرد. در شمال شرق اروند کنار روبروی شهر فاو عراق، بنای یادبود شهدای والفجر ۸ قرار دارد که ۸ شهید گمنام در نوروز سال ۱۳۸۰ همزمان با ایام محرم حسینی در این محل و در ساحل رودخانه اروند رود به خاک سپرده شده اند.

از نقاط مهم دیگری که در منطقه جنوب کشور واقع شده و مورد بازدید زائران راهیان نور قرار می گیرد می توان به مناطق زیر اشاره کرد:شهدای هور، طلاییه، زید،شرق کارون، جاده اهواز – خرمشهر، شهدای شیمیایی، دهلران، شرهانی، بیمارستان صحرایی امام حسین(ع)، امام زاده عباس، علقمه و...

مهم ترین نقاط یادمانی مناطق عملیاتی غرب کرمانشاه

موزه و مرکز فرهنگی دفاع مقدس کرمانشاه
تنگه چهارزبر – یادمان عملیات مرصاد
ارتفاعات قراویز
یادمان شهید شیرودی(روستای کوره موش)
ارتفاعات بازی دراز
پادگان ابوذر
تنگه حاجیان(مشهد اصغر وصالی)

گیلان غرب

آوزین – تپه کرجی ها – یادمان عملیات مطلع الفجر
قصر شیرین
بیمارستان تخریب شده قصرشیرین
خسروی
نفت شهر

سومار

ارتفاعات گیسکه(کله شوان)
تنگه ی بی نام (مشهد خلبان احمد کشوری)
میمک (تپه ی شهدا)

ایلام

یادمان شهدای پانزده خرداد
قرارگاه امیرالمؤمنین(ع)(بانروشان)
سه راهی جندالله (یادمان مقاومت مردمی)

مهم ترین نقاط یادمانی مناطق عملیاتی شمالغرب

سنندج
جاده سنندج – مریوان
دزلی
دالانی
مریوان
باشماق(خانم شیخان)
بانه
شهدای غریب سیران بند
بوالحسن
دارساوین
سردشت
بلفت و دوپازا
روستای دوله تو
یادمان شهید کاظمی
حاج عمران (تمرچین)

اعزام ۳ هزار استاد بسیجی به مناطق عملیاتی دفاع مقدس

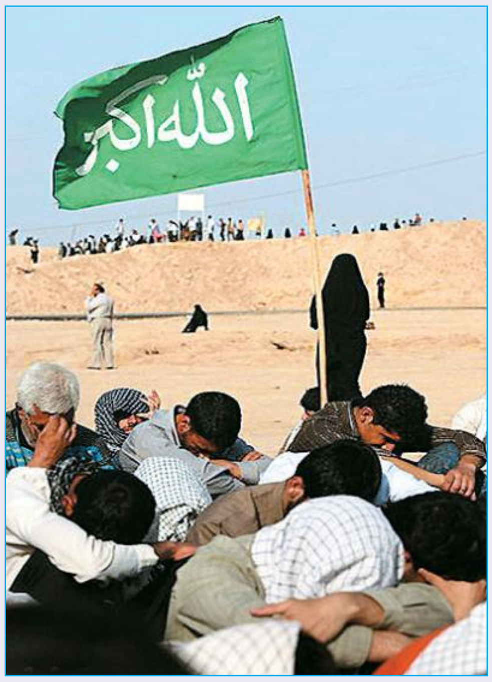
سازمان بسیج اساتید کشور همزمان با تعطیلات نوروزی سه‌هزار استاد بسیجی را به مناطق عملیاتی هشت سال دفاع مقدس اعزام می کند.

به گزارش خبرگزاری دفاع مقدس، محمدرضا بستجانی دبیر ستاد اردوی راهیان نور سازمان بسیج اساتید اظهار داشت: همزمان با تعطیلات نوروزی سه هزار استاد بسیجی به مناطق عملیاتی دفاع مقدس اعزام می شوند.

بستجانی ادامه داد: این سازمان به منظور گرامیداشت حماسه و ایثارگری های رزمندگان اسلام و ترویج و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت در نظر دارد در قالب اردوی راهیان نور حدود سه‌هزار استاد بسیجی و خانواده ها را به مناطق عملیاتی دفاع مقدس اعزام کند.

وی تصریح کرد: سال های دفاع مقدس نمودی از حماسه ایثارگری، اخلاص و فداکاری والای انسانی را برای نسل ها و آیندگان به ارمغان می آورد و این اقدام از سوی بسیج اساتید در راستای حفظ و نشر شعائر اسلامی و انقلابی و همچنین، افتخارات گذشته و تقویت ارزش ها و روحیه حماسی و شهادت طلبی در وجود اساتید و جامعه دانشگاهی انجام می گیرد.

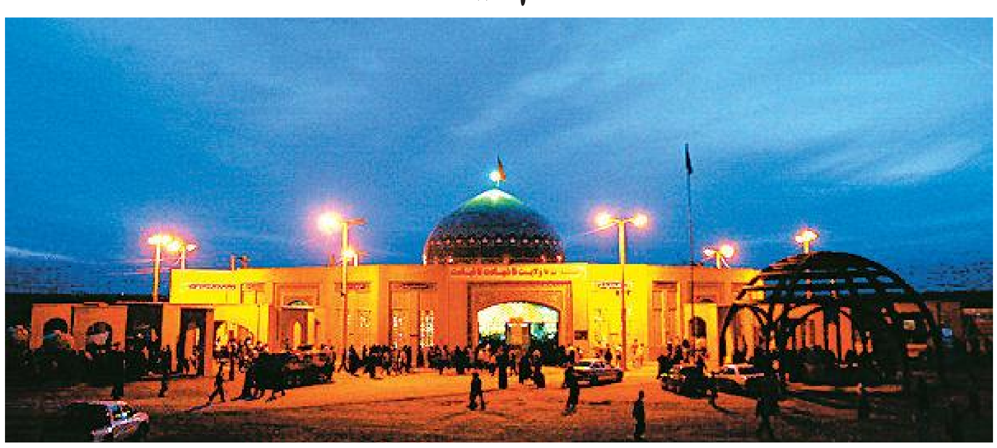
دبیر ستاد اردوی راهیان نور سازمان بسیج اساتید کشور خاطرنشان کرد: این حرکت همه ساله از سوی سازمان صورت گرفته و همچنین امسال برنامه ریزی کرده ایم که حدود سه هزار استاد بسیجی در قالب سه کاروان در مقاطع زمانی جداگانه همراه با خانواده هایشان از ۲۸ اسفندماه تا ۱۲ فرودین ۹۳ به این مناطق سفر کنند.وی با اشاره به اهداف برگزاری اردوی راهیان نور ویژه اساتید گفت: آشنایی اساتید و خانواده ها با جوانمردی‌های جوانان در دفاع از میهن اسلامی، تقویت روحیه مقاومت و ایثار در بین اساتید بسیجی و قشر دانشگاهی، مقابله با جنگ نرم از طریق الگودهی و معرفی جلوه های عینی و ملموس ایثار و مقاومت، تجدید میثاق اساتید بسیجی با آرمان های امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری و همچنین پیش بینی



برنامه های فرهنگی متنوع و تاثیرگذار در طول این برنامه قطعا آثار و برکات بسیاری را به همراه دارد.بستجانی با بیان اینکه این برنامه درقالب چندین کمیته اجرایی سازمان دهی شده است بیان کرد: تجربه اجرای این برنامه در سال های گذشته نشان داده است آثار و دستاوردهای فکری، فرهنگی و معنوی خوبی شکل می گیرد و استقبال اساتید و فرهیختگان بسیجی نشان می دهد که اردوهای راهیان نور تاکنون بسیار اثرگذار و موفق بوده است.

بازدید هموطنان مسیحی از سرزمین نور

ارامنه هم ایستاده اند



آمدیم که ببینیم جوانان ما در کجا با دشمن جنگیدند. در واقع حضور ما به این منطقه، تقدیر کوچکی از زحمات شهیدان است.اگر روزی روزگاری مملکت ما خدای ناکرده دچار مشکل شود، ما همه در کنار برادران مسلمانمان ایستاده ایم.

یکی از زائران کاروان ارامنه کشورمان ضمن بیان مطلب فوق یاد شهدا و ایثارگران ارامنه را گرامی داشت و از ارادت همکیشان خود به ساحت مقدس شهیدان سخن گفت.

بنا بر این گزارش در همه دوران انقلاب اسلامی و همچنین دفاع مقدس کلیه اقشار ارامنه ایران به دفاع از تمامیت ارضی میهن خود پرداختند.

صنعتکار ارمنی، پزشک ارمنی، پرستار ارمنی و حتی افراد سالخورده و زنان خانه‌دار در کنار رزمندگان اسلام ایستاده و به قیمت خون خود به دفاع از تمامیت ارضی پرداختند.

شاهدان زیبای این واقعیت ده ها شهید، آزاده و جانباز ارمنی هستند که مایه افتخار و عزت جامعه ارامنه عزیز ایران اسلامی می‌باشند. این چنین است که بازدید هموطنان عزیز ارمنی از مناطق جنگی بی‌تردید احیاکننده خاطرات تلخ و شیرین و البته سراسر افتخار آنان خواهد بود.

یکی از زائران این کاروان در این ارتباط گفت : ما هر روز راهیان نور را دنبال می کنیم و این برای ما تازگی ندارد . از اینکه مکان جنگیدن و مقاومت فرزندان خود را دیدیم خوشحالیم.

این خانم میانسال ارمنی با اشاره به زیبایی های جریان راهیان نور افزود: درست است که مسیحی هستم ولی خیلی خوشحالم که می بینم هموطنانم این قدر برای راهیان نور فعالیت دارند و زحمت می کشند . یکی دیگر از هموطنان ارمنی در جواب این سؤال که شما در این بیابان ها و رمل ها اذیت نشدید ؟ گفت: چرا اذیت بشویم؟ خیلی هم خوب بود. سفر بسیار خوبی بود. ما هر قدر اذیت بشویم به اندازه شهدا کاری نکرده ایم .

وی هدف خود را از آمدن به راهیان نور،آشنا شدن با دفاع مقدس ملت بیان کرد.

گفتنی است در میان زائران این کاروان که اواسط اسفند۱۳۹۲ به همت باغ موزه دفاع مقدس و ترویج فرهنگ مقاومت و امور ایثارگران شهرداری راهی مناطق عملیاتی جنوب شده اند تعدادی از خانواده‌های شهدا و ایثارگران ارامنه حضور داشتند. طبق گزارش های رسیده در اولین روز از این سفر زیارتی زائران هموطن ارمنی پس از حضور در دوکوهه، یادمانهای دهلاویه و شهدای هویزه را زیارت و سپس از یادمان شهدای شلمچه بازدید کردند و پس از آن در خرمشهر حضور یافتند. شایان ذکر است اروند کنار موقف بعدی این کاروان بوده که در این روز پس از زیارت شهدای عملیات والفجر ۸، به زیارت معراج شهدای شهید محمودوند و بعد از آن فتح‌المبین و دانیال‌نبی را زیارت کردند.

زمزمه راهیان

سرزمین نور

***مهرناز آزاد**

با راهیان نور شبی تا تمام عشق
تا آخرین مسیر رهایی قدم زدم
تا سمت پاک آینه و آفتاب و صبح
تا کوچ،تا عروج خدایی قدم زدم

در این زمین پاک که دشت ستاره هاست
هر سنگری هزار هزار آفتاب داشت
لب های تشنه ای که در این خاک خفته اند
صدها هزار خاطره ی آب آب داشت

هر خاکریز،پر ز قیام و هجوم و عشق
هر سنگریزه،شاهد صدها رشادت است
این جا تمام،جلوه ی عرفان،تمام،حق
زیباترین دلیل برای شهادت است

عطری در این فضاست که سرچشمه‌اش خداست
روحی که از شعور زمینی ما جداست
الهام های غیبی این سرزمین نور
تنها برای آن که سفر کرده آشناست

این جا در این دیار که سرشار روشنی ست
جای شما که عاشق نورید،خالی است
در این دیار پر ز شهامت،پر افتخار
جای شما که اهل غرورید خالی است

ای ناجیان پاک که در خاک خفته اید
جاوید باد مقبره‌ی آسمان تان
ای با نشان،غیور دلیران نامدار
این جا پر است از نفس جاودان تان

به دشت آسمانی شلمچه

هشت آسمان

***سیدمحمدجواد شرافت**

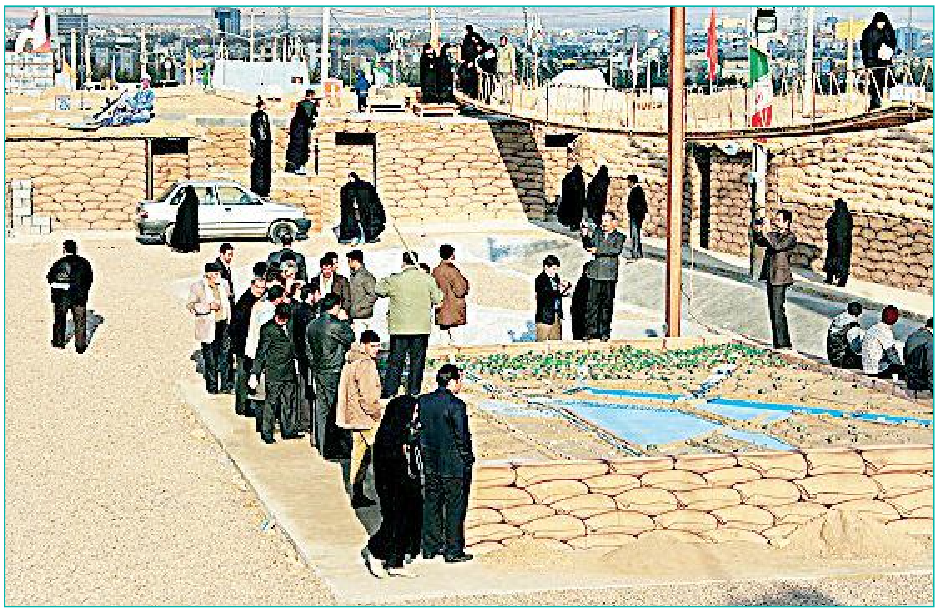
جاری ست در زلالی این دشت،آسمان
با این حساب،سهم زمین،هشت آسمان
این جا پرنده های زیادی رها شدند
باید خطاب کرد به این دشت:آسمان
دشتی که در قدم قدم خاک روشنش
دنبال رد پای خدا گشت،آسمان
حیران شد از بلوغ زمین هر فرشته که
آمد به این حوالی و برگشت آسمان
گر چه پرنده هاش غریبند بین خاک
از خون شان هر آینه نگذشت،آسمان

شلمچه

***روح الله طباطبایی**

ای کاش می شد بیاری از او نشانی،شلمچه!
یا لااقل خاطراتی از او بخوانی،شلمچه!
چشم انتظاری چه سخت است،ای کاش او زنده باشد
ما را از این شک و تردید،کی می رهانی،شلمچه؟!
چیزی بگو از نبردش،از ذکر امن یجیبش
از او که چیزی نمانده جز استخوانی،شلمچه!
پاهایش افتاده بر خاک،از او فقط چفیه مانده
پاهای او یادگاری ست،از جان فشانی،شلمچه!
این پیکر یک بسیجی ست،افتاده بی سر در این جا
حیف است نام بزرگ او را ندانی،شلمچه!
نام بزرگش شهید است،فرقی ندارد که او کیست
جان داده در راه قرآن،مرد جوانی،شلمچه!
ای وادی استقامت،ای کربلای شهیدان
بر صفحه ی قلبهامان،تو جاودانی،شلمچه!
باید به سوی خدا رفت،این آخرین حرف شان بود
هر شب وصایای او را باید بخوانی،شلمچه!

هراس دشمنان از یک سفر



هراس دشـــمنان از انتقال فرهنگ دفـاع مقدس به نسـل هایـی که وقایع جنـگ را درک نکـرده اند امری طبیعی است و زنده نگاه داشتن یاد و خاطره‌ی شهدادر کنار روشن کردن ابعاد گوناگون جنگ چیزی نیست که بیگانگان خواهان آن باشند.

بـا فرا رسـیدن ماه اسـفند و قرار گرفتن در آستانه ی سال نو، کوله‌بارهای بسـیاری به عزم سفر به مناطق مختلف بسته می شود و چهار گوشه ی کشورمان پذیرای خیل عظیم مسـافرانی می گردد کـه هریک بـا نیتی مقصـدی را برمی گزینند.

اما شـاید کمتر مقصـدی را بتوان یافت که هر ساله میزبان میلیون ها مسافر مشتاقی است که از دورترین نقاط کشور، نه به قصد دیدار با خویشاوندان، و نه با هدف بهره گیـری از امکانات رفاهی و سیاحتی خود را به آنجا می رسانند.

کاروان هایـی کـه لذت تجربه ی سفری معنوی در بازدید از مناطق جنگی بازمانده از جنگ تحمیلی را به اقامت در لوکس ترین هتل ها و تماشای زیبا ترین مناظر طبیعی ترجیح می دهند و ما آنان را با عنوان راهیان نور می شناسیم.

کاروان هایـی متشـکل از اقشـار مختلـف مردم بـه ویژه دانشـجویان، طلاب، دانش آموزان و اسـاتید دانشگاه که به رسـم هر سـاله با آغاز اسفند ماه رهسـپار مناطق جنوبی وغربی کشـور می‌شوند تا ضمن دیدار از مناطق مرزی وعملیاتی همچون شلمچه، هویزه، فکه و... بـا آرمـان های شـهدا و ایثار گران تجدید میثاق کنند.

چـرا رسـانه هـای بیگانـه از کاروان‌های راهیان نور درهراسند؟

اما این که چرا اسـتقبال پرشـور و فزاینده ی مردم از سـفر به مناطق جنگی تا این حد برای رسـانه های معاند گران تمام شده و آنان را برای تخریب اهداف این سـفرها به تب و تاب انداخته است موضوعی است که با باز نگری حوادث دوران جنگ تحمیلی می توان به روشنی دریافت.آنچه مسلم است دشمنان ایران اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب و طی ۸ سـال جنگ تحمیلی از هیچ تلاشـی بـرای مهار کردن انقلاب و ضربه زدن به اهداف آن فرو گذار نکردند؛ جنگی که با حمایت غرب و آتش افروزی رژیم بعث آغاز شـد علی رغم میل و پیش‌بینی‌های دشمنان به نفع جمهوری اسلامی ایران به پایان رسید؛ مهمتر این که ۸ سال حماسه و ایثار موجب گسترش و تقویت فرهنگ مقاومت در میان مردم شد.

اما با به پایان رسیدن جنگ خیلی ها گمان می کردند که با بازسازی ویرانی ها و آثـار باقی مانـده از آن خاطرات دفاع مقدس در غبار گذر زمان به فراموشـی سـپرده خواهد شـد، کـه البتـه برای بیگانـگان و گروهـی از معاندیـن که خـارج از مرزهـای میهنمـان روزگار می گذراندند رنگ باختن یاد فداکاری‌ها و رشـادت های دوران جنگ تحمیلی بهتریـن اتفاقی بود کـه آرزوی آن را در سر داشتند. موضوعی که بدون شک در سایه‌ی استقبال پرشور جوانان و زائران مناطق جنگی به آرزویی دسـت نیافتنی تبدیل شد؛ با این اوصاف تحلیل رفتار ها و واکنش های رسانه های بیگانه چندان پیچیده به نظر نمی رسد.

هراس دشـمنان از انتقال فرهنگ دفاع مقدس به نسـل هایـی که وقایع جنگ را درک نکـرده اند امری طبیعی اسـت و زنده نگاه داشـتن یاد و خاطره ی شـهدا در کنار روشـن کـردن ابعاد گوناگون جنگ در شـرایط سـخت و بحرانی، بدون شـک آن چیزی نیست که بیگانگان و رسـانه‌های وابسـته به آنان خواهان آن باشـند. بنابراین سـیاه نمایی با اسـتناد به حـوادث پیش آمده در جاده‌ها و ایجاد موج رسـانه‌ای منفی تنها راه دشمنان برای تسکین درد ناکامی در مقابل ملت ایران اسـت.بدون تردید حوادث ناگوار جاده‌ای که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از هموطنانمان گردیده برای همگان تلخ و تاسـف بار اسـت؛ اما مقایسه ی تعداد حوادث رخ داده در مسـیر کاروان‌هـای راهیان نور بـا آمار بالای تلفـات جاده ای در دیگر نقاط کشور از آن چنان ابعاد گسترده‌ای برخوردار نیسـت تا موجب شـود این حوادث را به جریاناتی خاص همچون ضعف برنامه ریـزی، عدم نظارت و یا عامل اجبار در این سفر ها نسبت دهیم؛ هرچند که در سـال هـای اخیر در این سـفر ها حداکثر کوشش برای استفاده از وسـایل حمل و نقل مناسـب مانند اتوبـوس های مجهزتر و بـا رانندگان مجرب و استفاده از قطار صورت گرفته اسـت به طـوری که طبق آمـار، میزان نسـبت حوادث راهیان نور با جمعیت آن زیر صفر است.

طلاب خارجی بازدیدکننده از مناطق عملیاتی جنوب:

فهمیدیم چرا آمریکا از ایران می ترسد



حجت الاسـلام صالح هدف طلاب خارجی حاضـر در اردوی راهیـان نور را الگـو گیری از شخصیت امام وشهدا عنوان کرد.

به گزارش خبرنگار راهیان نور حجت الاسلام والمسـلمین محمد رضا صالح معـاون فرهنگی تربیتـی جامعـه المصطفـی العالمیـه ضمن بیان مطلب فوق افزود: به دلیل رسـالت جهانی جامعه المصطفـی مبنی بر آشـنانمودن طلاب خارجی با آرمان های انقلاب اسـلامی ایران و اندیشـه های امام راحل و مقام معظـم رهبری اردوهای راهیان نـور را راه اندازی کردند والحمدلله تا الان۸ سـال ازفعالیت‌های کاروان راهیان نور جامعه المصطفی می گذرد.

وی خاطرنشـان کـرد کـه سـالانه ۶۰۰الی ۷۰۰هزارنفراز طلاب جامعه المصطفی در راهیان نورشـرکت می نمایند که این سفرها بستری برای تربیت و پرورش در ابعاد مختلف طلاب است.

معاون فرهنگـی تربیتی جامعـه المصطفی گفت:ایـن سـفرها باعث ایجاد تحولات ورشـد معنوی در طلاب می شود واین امر برای ما مشهود می باشد.

حجت الاسلام والمسلمین صالح بیان داشت: اردوهای راهیان نور بهترین بسترفرهنگی است و خود یک آموزشگاه کامل انسان سازی ست.

وی اظهار کرد:امسال طلاب جامعه المصطفی از۲۷ملیـت مختلـف ازمناطـق جنگـی بازدید می کنند.

معاون فرهنگـی تربیتی جامعـه المصطفی عنـوان کرد:زمانی که طـلاب از این مناطق دیدار می کردند به بنده می گفتند الان ما فهمیدیم که چرا آمریکا از ایران می ترسد زیرا آمریکا در این جبهه‌ها از ایران شکست خورد.

وی هـدف از برگـزاری ایـن اردوهـا را الگو گیری طلاب از شـخصیت امام وشهدا عنوان کرد و گفت:امام و شـهدا الگوی اصلی این طلاب هستند.

حجت الاسـلام صالح در پایان به بیان خاطره ای از منطقـه دهلاویـه پرداخـت وخاطرنشـان کرد:امـروز در کنـار یادمان سـردار شـهید دکتر مصطفی چمران شاهد بودم که این طلاب چگونه به این شهید والامقام احترام می گذارند وچنگ به ضریح زده‌اند وبه او متوسل می شوند این نشان اوج جایگاه این شـهید وسایر شهدای اسلام وانقلاب وجنگ تحمیلی است.

بی تابی زائر ماداگاسکاری

در راهیان نور سال گذشته،همراه طلبه های خارجی جامعه‌المصطفی پس از زیارت یادمان‌های دفاع مقدس به مقر معراج شهدای شهید محمودوند اهواز آمدیم،در آن جا طلبه های ما با پیکر شـهدای عزیز تازه تفحص شده مواجه شدند. در این بازدید سـردار باقرزاده به صورت خـاص به این کاروان اجازه ورود به داخل معراج شـهدا را داد. به قدری طلبه هـای ما از حضور در آن فضای معنوی متاثر شدند که طلبه ای از ماداگاسکار درحالی که اشک مـی ریخت به من نگاه کرد و گفت:"من در مقابل این شـهدا احسـاس ضعف وکوچکی می کنم و مسـئولیتی بر عهده‌ام می ماند تا ضمن آشـنایی با اهداف شـهدا بتوانم این همـه عظمت را به ملت خودم منتقل بکنم."

او این حرف ها را باشدت گریه و تاثیر پذیری عاطفی می گفت و از ما می خواسـت که آشـنایی آنان را با شهدا در طول سال داشته باشیم و متقاضی ایـن بود کـه علاوه بـر اردو راهیان نور،مسـتمر باایـن فضـا و ایـن فرهنـگ در ارتباط باشـند.

حسن صادقی پناه مدیرکل فرهنگی جامعه المصطفی

ساخت ۳۰ نماهنگ ویژه اردو های راهیان نور و جهادی

مسـتند سـاز برگزیده جشـنواره عمار از تولیـد ۲۰ نماهنگ ویژه اردو های راهیان نور با نـام "روایت نـور" و ۱۰ نماهنگ ویژه اردوهای جهادی با عنوان روایت "هجرت" خبر داد.

محمد علی مردانی، مسـتند سـاز برگزیده جشـنواره عمـار در گفتگو با خبرنـگار جهاد ومقاومت بسـیج تصریح کرد: این نماهنگ ها به سفارش روابط عمومی سازمان بسیج مستضعفین ساخته شده که در طول ایام نوروز از صدا و سیما پخش خواهد شد.

مردانی در ادامه با اشـاره به محوریت قرار گرفتـن بیانـات مقام معظم رهبـری در رابطه با اردوهای راهیان نور وجهادی خاطرنشـان کرد: یکی از مسـایلی که در این سـال ها مغفول واقع شده بیانات مقام معظم رهبری در حوزه اردوهای راهیـان نور و به خصوص مطالبات ایشـان در حوزه اردو های جهادی بوده که سعی شده در این نماهنگ ها به این بیانات توجه ویژه ای شود.

کارگردان مسـتند "سمیه کردستان" افزود: اردو های راهیان نور به یک حرکت بزرگ تبدیل شـده که در نماهنگ های "روایت نور"، بیانات مقـام معظم رهبری و یاد آوری به همراه معرفی یک زیارتگاه شهدا در هر نماهنگ، یاد و راه شهدا و رزمندگان دفاع مقدس بیان خواهد شد.

وی تصریح کرد: نماهنگ های روایت نور در حـدود دو تا سـه دقیقه بـوده که بیانات مقام معظـم رهبری در منطقـه عملیاتی فتح المبین و دوکوهه اسـت که با یـادآوری اردوهای راهیان نور تولید شده است.



نوروزنامه

ویژه نامه نوروزی روزنامه اطلاعات، یکشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۲

با آثاری از :
علی موسوی گرمارودی
شیرین بیانی
علی شریعتی
محمدعلی اسلامی ندوشن
کیانوش عیاری
محمدجعفر یاحقی
محمد مهدی محیط طباطبایی
حکمت الله ملاصالحی
ادیب برومند
مهرداد بهار
و
گفتگوی اختصاصی با محمد جواد ظریف

اشاره: دستگاه سیاست خارجی از حساس ترین و مهمترین نهاد اجرایی کشور است که اکنون در رأس آن شخصیتی قرار گرفته که تخصص و توانمندی وی در شناخت محیط بین‌الملل و بازی‌خوانی طرف‌های بین‌المللی و نیز قدرت وی در چانه‌زنی بر سر منافع ملی تحسین رهبری را نیز برانگیخته است و هم اوست که وقتی نطقی در دفاع از اصول و مبانی جمهوری اسلامی، در سازمان ملل انجام داد، نماینده وقت انگلیس در سازمان ملل لب به اعتراف گشود که: «دیپلمات‌های ما باید چگونگی دفاع از منافع ملی را از ظریف یاد بگیرند».

این شخصیت شناخته شده بین‌المللی با آنکه بسیار مورد احترام و تحسین جهانیان است اما در داخل منتقدانی دارد که گاهی انتقادهای آنها فاصله ناچیزی با دیدگاه مخالفان بین‌المللی می یابد. اما به یاد داشته باشیم که قویترین وزیر کابینه دولت یازدهم، در مجلس هنگام کسب رأی اعتماد قول داد که هرگز به ملت دروغ نخواهد گفت و تاکنون هم بر این عهد باقی مانده است.

او به دنبال تجربه گرانسنگی که از مذاکرات مربوط به قطعنامه ۵۹۸ میان ایران و عراق کسب کرد این اقبال را یافت که هدایت سکان مذاکره سخت و پیچیده هسته‌ای را هم برعهده بگیرد و تاکنون توفیقات چشمگیری نصیب جمهوری اسلامی کرده تا جایی که رهبری، از تلاش‌های ایشان و تیم مذاکره‌کننده تقدیر و تشکر کردند. به هر حال هنوز کاری که آغاز شده به انجام نرسیده است و تا حصول توافق نهایی راه درازی در پیش است و دکتر ظریف و تیم مذاکره‌کننده ایرانی انتظار دارند، منتقدان داخلی صبوری و به فرزندان ملت اعتماد کنند.

در این روزها که دستگاه سیاست خارجی میزبان هیأت‌های سیاسی فراوانی از کشورهای مختلف از جمله اروپاست، فرصتی دست داد تا ساعتی با رئیس دستگاه دیپلماسی کشور به گفتگو بنشینیم و برخی ناگفته‌ها را از زبان ایشان بشنویم. متن این گفتگو را بخوانید.

گفتگوی صمیمانه دکتر ظریف با اطلاعات

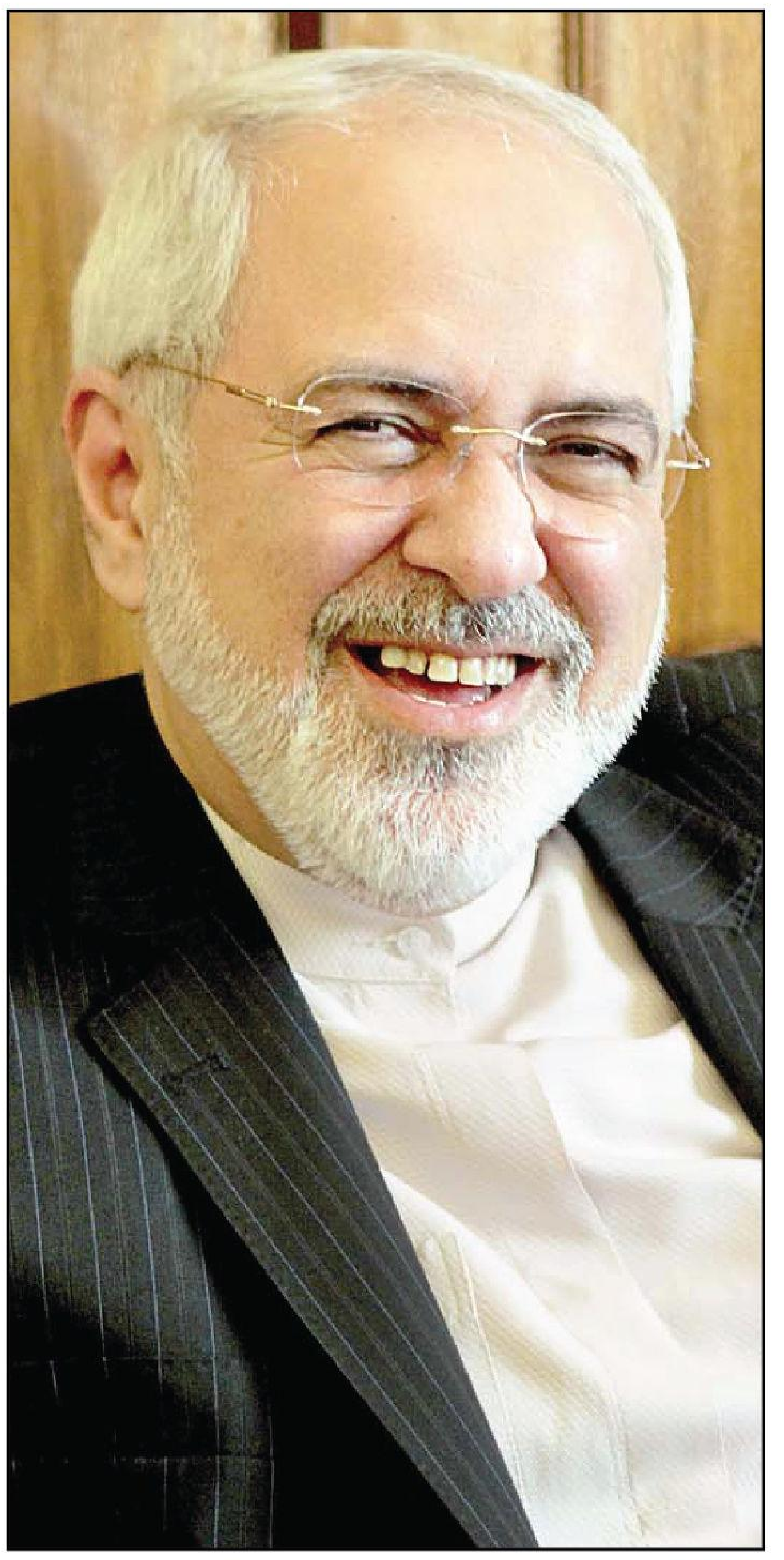
هرگز به مردم دروغ نخواهم گفت

● به عنوان مطلع‌ترین فرد از مذاکرات ژنو و با توجه به آخرین تحولات، دستاوردهای مذاکرات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

●● با تشکر از شما و خط دائمی اعتدال که مؤسسه اطلاعات دنبال کرده است و با امید به مستدام بودن آن باید گفت هر مذاکره‌ای اگر بخواهد پایدار باشد، هر دو طرف مذاکره باید احساس کنند دستاوردی داشتند و هنر مذاکره کنندگان این است که دستاوردها به نحوی تعریف شوند که برای طرف مقابل قابل تعریف باشد و بتوانند هر دو طرف به تفاهم برسند؛ به عبارت دیگر، هنر مذاکره رسیدن به «آری» است.

اعلام موضع هنر مذاکره نیست؛ هنر این است که موضوعات به شکلی طراحی و بیان شود که طرف مذاکره، منافع خود را در آن ببیند که این یک اصل کلی است. در بحث هسته‌ای، دوطرف در هشت سال گذشته، بنای تفاهم نداشتند؛ شاید به این دلیل که طرف غربی حس می‌کرد اگر یک مقدار فشار را زیادتر کند، ایران مقاومت را رها می‌کند و بر این اساس کار پیش‌رفت و طرف ایرانی هم هر اقدامی که انجام داد برای مقابله با فشارها بود؛ مثل ادامه غنی‌سازی ۲۰ درصدی. ما غنی‌سازی ۲۰ درصدی را شروع کردیم برای این‌که سوخت موردنیاز رآکتور تهران را تامین کنیم. این سوخت موردنیاز مدت‌هاست که تامین شده و به همت دانشمندان ایرانی موفق به آن شدیم. مدت‌هاست که به تامین سوخت نیازی نداریم، اما طرفین در مسیری تقابلی، سیاست‌هایشان را تعریف می‌کردند.

من فکر می‌کنم آنچه اتفاق افتاد این بود که طرف مقابل به این نتیجه رسید با فشار نمی‌تواند اراده‌اش را بر مردم ایران تحمیل کند و آخرین سنگرش که شکسته شد، انتخابات ریاست جمهوری امسال ایران بود و به همین دلیل هم مقام معظم رهبری خواستار خلق حماسه سیاسی بودند؛ به این علت که طرف مقابل به این امید بود که فشارهایش رابطه بین مردم و دولت را قطع کند و در این زمینه تلاش‌هایی هم کرده بودند. آنها تبلیغات کرده بودند که تصور یا توهم دست بردن در انتخابات را بین مردم رواج دهند و این‌که رأیشان ارزش و تاثیر ندارد. همه این‌ها در مجموع می‌خواست وضعی را شکل دهد که مردم در انتخابات شرکت نکنند در چارچوب این تحلیل، تحریم‌ها باعث زیاد شدن فاصله مردم و دولت شود و دولت، سرمایه اصلی‌اش را یعنی سرمایه اجتماعی‌اش را از دست بدهد، بسیاری از دولت‌ها منبع مشروعیت‌شان، داخلی نیست. بسیاری از دولت‌ها تداوم قدرتشان را یا از منابع خارجی می‌گیرند یا از نوعی بازی ژئواستراتژیک بین‌المللی؛ اما ما مبنای مشروعیت حکومت و نظام‌مان، حضور مردم است و آنها اگر می‌توانستند مردم را از دولت جدا کنند، به هدفشان رسیده بودند؛ در حالی که حضور ۷۳ درصدی مردم در انتخابات و این‌که فردی را انتخاب کردند که معتقد به گفتمان اصیل انقلاب اسلامی است؛ فردی که حضرت امام را اولین‌بار او به نام «امام» صدا کرد و هم فردی که معتقد به تعامل است؛



این واقعیت توهم امکان رسیدن به اهداف با فشار، را از غرب گرفت و آنها را به جایی آورد که ما مذاکره کردیم؛ اما این‌که چه طرفی «بیشتر» به دست آورده است و کدام طرف «کمتر»، خیلی دشوار است، من صراحتاً می‌گویم، با استفاده از یک جمله آقای اوباما وضع روشن می‌شود. او می‌گوید: «اگر ما می‌توانستیم، اجازه نمی‌دادیم حتی یک پیچ و مهره در برنامه هسته‌ای ایران باقی بماند.» به عبارت دیگر او می‌گوید: «خط قرمزمان این است که ایران برنامه هسته‌ای نداشته باشد.» هشت سال هم هست که طرف آمریکایی و مخصوصاً محافل صهیونیستی می‌گویند ایران نباید برنامه غنی‌سازی داشته باشد و از این واضح‌تر نمی‌توان خط قرمز داشت؛ بنابراین در یک نگاه ساده و کلی باید گفت که حداکثر نقد به گروه مذاکره کننده ما این است که زیاد امتیاز داده است، اما هیچ کس نمی‌گوید که ما خط قرمزها را شکسته‌ایم.

این در حالی است که طرف مقابل رسماً اعلام می‌کند که خط قرمزها را شکسته و غنی‌سازی را در ایران پذیرفته است. این‌که بعضی‌ها دعوای حق غنی‌سازی کرده‌اند، باید گفت که این کار مغلطه است. حق غنی‌سازی ما در ان.پی.تی شناخته شده است و در دو اجلاس بازنگری ان.پی.تی، گفته شده است که کشورها، تصمیم‌شان درباره چرخه سوخت باید مورد احترام باشد. آنچه اتفاق افتاد، این بود که حق ما در متن ان.پی.تی مبنی‌بر داشتن انرژی هسته‌ای آمده و این حق غیرقابل انتزاع است یعنی نه کسی می‌تواند بدهد و نه بگیرد.

به عبارت دیگر این حق باید به گونه‌ای اعمال شود که کسی مزاحم نشود. اگر برنامه اقدام ژنو را که نگاه کنیم، می‌گوید مرحله نهایی شامل یک برنامه غنی‌سازی است و این‌که از اکنون تا مرحله نهایی هم برنامه غنی‌سازی ادامه دارد و ۵درصد غنی‌سازی توسط ایران را همه دنیا پذیرفته‌اند.

روزنامه واشنگتن پست اعلام کرد که دنیا حق غنی‌سازی ایران به میزان ۵ درصد را پذیرفته و آقای اوباما فقط این را اعلام نکرده است؛ لذا برنامه اقدام ژنو می‌گوید غنی‌سازی ایران ادامه می‌یابد و تحریم‌ها برداشته می‌شود. این تصویر، یعنی حق ما اجرا خواهد شد.

نکته دیگر، احساس ما درباره برنامه مشترک اقدام این بود که گرچه این سند، سند تسلیم در برابر طرف مقابل نیست، این ادعا درست نیست که اگر یک طرف با طرف دیگر سند تسلیم امضا کند، بگوید طرفش تسلیم شده است، زیرا باید بر اساس احترام متقابل مذاکره کرد، اما باید به این واقعیت هم توجه داشت که ما برنامه مشترک اقدام را به محض آماده شدن به فارسی و انگلیسی، پخش کردیم؛ یعنی ساعت ۴/۳۰ صبح که سند صادر شد، شروع به ترجمه کردیم و از ۹ صبح به وقت ژنو یعنی ۱۱/۳۰ تهران، ترجمه آماده شد و در اختیار مطبوعات و رسانه‌ها قرار گرفت. متن انگلیسی‌اش هم همان لحظه اول در اختیار همه قرار گرفت و حتی رسانه‌های آمریکایی، متن انگلیسی را از من تحویل گرفتند و از دولت خودشان نگرفتند. دولت آمریکا هم چیزی را صادر کرد و به نام «فکت شیت». چرا؟ به علت آنکه افکار عمومی خود را کنترل کند و متاسفانه چون آن را هم به انگلیسی و هم به فارسی صادر کرد [البته اگر نخواهید متعهد به متن نباشید، متن دیگری را می‌توانید تولید کنید]؛ اما ما می‌خواستیم به مردممان دروغ نگوییم و متعهد به متن بودیم. تا ساعت ۳/۳۰ درباره آن چانه‌زنی کردیم و گفتیم اول باید متن آماده شود تا بتوانیم یک متن آماده نهایی شده را ترجمه کنیم و در اختیار مردم قرار دهیم؛ برعکس، آنان می‌خواستند متن تبلیغاتی درست کنند به همین علت در متن آنان به غنی‌سازی اشاره‌ای نشد که واشنگتن پست می‌گوید: «یک مشخصه بارز متن آقای اوباما، تعداد مطالب جا افتاده است.»

متاسفانه یکی از خبرگزاری‌های معروف ما هم ترجمه فارسی همان متن را به عنوان تفاهم ژنو منتشر کرد که بسیاری از دعواهایی که ما در کشور شاهد بودیم از همان نشأت گرفت. بسیاری از دوستان هم بر اساس آن متن ادعاهایی مطرح کردند، حالا در همان متن دنبال بهانه می‌گردند می‌گویند مثلاً آن کلمه‌اش واضح و مشخص نیست؛ معلوم است. هیچ‌کس نمی‌گوید این متن سند تسلیم آمریکا نیست این متن سندی

زمان بر مبنای آسمان



وجیهه تیموری

لحظهٔ تحویل سال ۱۳۹۳ هجری شمسی در ساعت ۲۰ و ۲۷ دقیقه و ۷ ثانیه روز پنج شنبه ۲۹ اسفندماه ۱۳۹۲ مطابق با ۱۸ جمادی الاول ۱۴۳۵ هجری قمری و ۲۰ مارس ۲۰۱۴ میلادی است. سال ۱۳۹۲ هجری شمسی برابر با سال‌های ۲۰۱۴/۱۵ میلادی، ۱۴۳۵/۳۶ هجری قمری و ۳۷۵۲ زرتشتی می‌باشد.

لحظهٔ تحویل سال، یعنی همان لحظهٔ شلیک توپ و بلند شدن صدای مبارک باد و شروع روبوسی‌ها و دست بوسی‌های کنار سفره هفت سین از سر و صورت بزرگان و کودکان و اهل خانواده. یعنی همان لحظه‌ای که بعضی‌ها هنوز دعای تحویل سال را زیر لب زمزمه دارند و بعضی‌ها چشمشان به ماهی قرمز سفره است تا ببینند آیا در آب تندتر می‌چرخد یا می‌ایستد و بعضی‌ها هم شروع هزار امید و آرزو و قول و قرار در فکر و ذهنشان را با شروع سال نو در دل پیوند می‌دهند و به راستی احساس تازگی و نوشدن می‌کنند. لحظهٔ تحویل سال نو را از ماه‌های پایان سال، در تقویم‌ها و رسانه‌ها اعلام می‌کنند و ما نیز آن قدر عادی و بدیهی این دقیقه و ثانیهٔ خاص را می‌پذیریم و انتظار می‌کشیم که حتی در ذهنمان هم این سؤال پیش نمی‌آید که ابتدا و انتهای یک سال را چگونه اندازه می‌گیرند و شاید هیچ وقت از خودمان نمی‌پرسیم که از چه زمانی دقیقه‌ها و ثانیه‌ها و حتی کسری از زمان تعریف و تعیین شدند و گذر روزها و شب‌ها برای ما، عقربه‌ای و شمردنی گشتند؟ به راستی بشری که روز و شب را با حضور خورشید و ماه در آسمان و بلندی و کوتاهی سایه در روی زمین اندازه می‌گرفت، چگونه از درک تکراری لحظه‌ها و تغییرات، به تقسیم بندی روزها و هفته‌ها و ماه‌ها و سال‌ها و فصل‌ها روی آورد و تقویم‌های مختلف را بنیان نهاد؟

قصهٔ تقسیم بندی زمان و ریشه یابی انواع نامگذاری‌ها و تقویم نویسی‌ها، از دیدگاه باورها و دانش‌هایی که در پس هرکدام وجود دارد و اشاره به قدمت برخی از آن‌ها که هنوز هم در تقویم‌های عصر علم و فناوری زنده اند، خواندنی است و شاید به نوعی قصهٔ زمان و اندازه گیری آن باشد!

زمان بر مبنای آسمان

آدمی را با آسمان و ستارگان الفتی دیرینه است. گویی هبوط بر زمین، تنبیهی بوده است دردناک و رشک آسمان را چنان بر دل انسان داغ کرده است که گذر سال‌های دوری از بهشت و زندگی روی زمین را با نگاه به آسمان و درک دیدن هرباره ماه و خورشید و ستاره اندازه می‌گیرد و فرقی هم نمی‌کند که اول شمردن آموخت و بعد تکرار لحظه‌ها را اندازه گرفت یا اول تکرار هر روزه طلوع و غروب را درک کرد که با مقیاس فصل و سال و بیش تر از آن، برای عمر خود، طول و عرض گذاشت و پای انواع شمردن‌ها و اندازه گیری‌ها و تقویم‌ها را پیش کشید!

اجداد ما ایرانیان نیز همچون سایر ملل، از انواع تقویم‌های رایج در جهان و انواع دانش‌های نجومی و تنجیمی بهره گرفتند و به چندین روش لحظه‌های عمر خود را شمردند که برخی از آن‌ها هنوز هم در افواه عموم رایج مانده‌اند و برخی مطابق با محاسبات دقیق جهانی هستند و در مناسبات رسمی و اداری به کار می‌آیند.

تقویم‌های خورشیدی و قمری و هجری و میلادی و تعیین موقعیت روزها بر اساس برج و ماه و نامگذاری سال‌ها و ماه‌ها به نام حیوانات، از انواع این تقسیم بندی‌ها برای زمان می‌باشد که هرکدام نشان دهندهٔ یک کشف علمی، محاسبهٔ نجومی یا باور تنجیمی است و باید درمورد آن توضیح داد.

نجوم و تنجیم

از آنجا که محاسبهٔ زمان با گردش خورشید و ماه و موقعیت ستارگان و سیارات در آسمان پیوند دارد، و تشخیص این که زمین مرکز عالم است و همه چیز دور آن می‌چرخد یا خود زمین به همراه سایر اجرام آسمانی در مدارات مختلف، سرگردان و حیران است، در دو مبحث نجوم و تنجیم بررسی می‌شود، پس لازم است که همین ابتدای ورود به مبحث اندازه گیری زمان و با اشاره به تمایز این علوم، توضیحاتی را بخوانیم.

«نجوم» علم مطالعهٔ مواد و فرایند به وجود آمدن زمین و آنچه در آن سوی جو زمین، آسمان و اجرام آسمانی قرار دارد- از اتم‌های کوچک گرفته تا گیتی وسیع- است. منجمان، اجرام آسمانی مانند سیارات، ستاره‌ها، ستاره‌های دنباله دار، کهکشان‌ها، سحابی‌ها و مواد بین کهکشان‌ها را مطالعه و چگونگی تشکیل شدن، به وجود آمدن و منسب هر کدام و این که چگونه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و چه اتفاقی ممکن است برای آن‌ها بیفتد، را مشخص می‌کنند.

«تنجیم» پیشگویی و خبر دادن از حوادث آینده همچون ارزانی یا گرانی کالا، جنگ یا صلح، بیماری و نحوست یا سعادت ایّام با استناد به حرکات فلکی و اموری که بر سیارات عارض می‌گردد، است. با علم تنجیم، سعد و نحس ساعات خاص در هر روز را تعیین می‌کنند و طالع بینی‌های مختلف را بر اساس ماه و سال تولد فرد، می‌نویسند و فال هر سال را با محاسبات رمل و اسطرلاب و ابجد، بیرون می‌کشند و البته که در باورهای مردم، در ضرب المثل‌ها و داستان‌های عامیانه و هم در ادبیات فولکور ما به فراوانی وجود دارد و خیر و شر «سال و فال و مال و حال و اصل و نسل و تخت و بخت» را با آن پیش بینی می‌کنند!

تقویم در ایران قدیم

یک مبنای مهم در تعیین طول زمان و تقسیم بندی ایام، محاسبهٔ نحوه و میزان حضور ماه و خورشید در آسمان برای اندازه‌گیری طول روز و شب و تأثیر آن دو در به وجود آمدن امور متناوب و دوره‌های گردش طبیعی از جمله فصل‌ها بود. در واقع زراعت، موسم بذرافشانی در فواصل منظم و شمردن ایام میان دو موسم متوالی بذرافشانی از نخستین پیشرفت‌های بشر در حساب زمان بود و پس از آن معیار دورهٔ گردش ماه و خورشید، بر معیار فصل‌ها در حساب سال غلبه پیدا کرد.

در مورد محاسبهٔ زمان در ایران نیز یافته‌ها نشان می‌دهد که ایرانیان در ابتدا نظام خورشیدی برآمده از گاه‌شماری بابلی، که گاه‌شماری خورشیدی- مهی بوده است، داشتند.

از آثار نوشتاری باستانی برمی‌آید که ایرانیان آغازین از تقویم ۳۶۰ روزه بر پایهٔ تقویم بابلی استفاده می‌کردند و ۱۲ ماه سال، مطابق با جشن‌های گوناگون یا فصول زراعی- شبانی و اعتقادات و نام‌های پارسی نامگذاری شده بود. هر ۶ سال یک‌بار، ماه سیزدهمی هم برای نگاهداشت سال خورشیدی با گردش ماه‌های قمری به این تقویم اضافه می‌شد. همچنین به استناد نوشته‌های ابوریحان بیرونی، در نواحی شرقی ایران تقویمی خورشیدی شبیه به تقویم زرتشتی، با هر ماه سی روزه، با کبیسهٔ یک ماه در هر شش سال (جبران ۵ روز افزوده سال) و مضافا کبیسهٔ یک ماه در هر ۱۲۰ سال (جبران شش ساعت کسر سال) مرسوم بوده است.

گاه‌شماری زرتشتی، بعد از پادشاهی داریوش بزرگ، در ایران گسترش یافت. این گاه‌شماری تقویم دینی مزدیسنا و یا گاه‌شماری اوستایی نیز نامیده می‌شود. واحدهای تقسیم زمان این گاه‌شماری مانند روز، برج، فصل و سال در این گاه‌شماری، بر اساس باورها، آیین‌ها و اسطوره‌های مذهبی زرتشتی است و بنابر نیازهای دینی زرتشتی و انجام مراسم و فرایض دینی زرتشتیان بنا شده‌است.

گاه‌شماری دوره هخامنشی

تقویم رایج در اوایل حکومت شاهنشاهی هخامنشیان به نام گاه‌شماری پارسی قدیم یا فرس هخامنشی معروف بوده‌است. کتیبه‌های باقی مانده از داریوش بزرگ در کوه بیستون در کرمانشاه و سایر فرمان‌های شاهان هخامنشی، متن این کتیبه‌ها و محتوای فرمان‌ها نشان می‌دهد که ایرانیان قدیم، سال را به دوازده ماه تقسیم می‌کردند و فصول را می‌شناختند.

پس از حملهٔ اسکندر که منجر به سقوط شاهنشاهی هخامنشی و تسلط یونانیان بر ایران شد، سلوکیان بر سر کار آمدند و با رواج گاه‌شماری یونانی در ایران، گاه‌شماری زرتشتی از رسمیت افتاد تا این که در دورهٔ شاهنشاهی دینی ساسانیان مجددا زنده شد و سر و سامان گرفت و سرآغاز آن، تأسیس شاهنشاهی ساسانی در سال ۲۲۴ پس از میلاد همزمان با پادشاهی اردشیر پاپکان قرار گرفت و شاهان پس از او نیز همین روش را در پیش گرفتند. به عنوان مثال برای شمردن سالیان، گفته می‌شد «سال سوم اردشیر». این سنت تا آخرین شاه این دودمان- یزدگرد سوم برقرار بود.

تقویم یزدگردی

با سرنگوهی ساسانیان و ورود اعراب مسلمان، گاه‌شماری تغییر یافت. تقویمی که بعد از انقراض سلسلهٔ ساسانی در نزد ایرانیان که دین خود را حفظ کرده بودند رایج شد، تقویم یزدگردی نام گرفت. در دورهٔ ساسانی، سال آغاز پادشاهی هر شاه به عنوان سرآغاز گاه شماری در می‌آمد. اما با کشته‌شدن یزدگرد سوم و سرنگونی شاهنشاهی ساسانی، چون شاه دیگری بر سر کار نیامد، شمارش سالیان گاه‌شماری زرتشتی از آغاز شاهی یزدگرد ادامه یافت و گاه‌شماری یزدگردی نام گرفت. این تقویم برای ایرانیان هند، پاکستان و ایران برای استفاده در مراسلات و مکاتبات استفاده می‌شد. از آنجا که این تقویم ادامهٔ تقویم فرس قدیم و مزدیسنا بوده است، تاریخچهٔ پیدایش آن از اسطوره‌های ملی ایران سرچشمه گرفته و برخی آن را به هوشنگ شاه پیشدادی و برخی دیگر به جمشید شاه نسبت داده‌اند.

اسلام و تقویم هجری

با فتح ایران توسط اعراب، تقویم هجری قمری اعمال شد. برای سال‌ها تقویم رسمی کشور، تقویم عربی-اسلامی بود که ماه‌های عربی داشت و مبدأ آن هجرت پیغمبر اسلام از مکه به مدینه بود.

حدود ۴۰۰ سال بعد از فتح ایران به وسیلهٔ اعراب، جلال الدین ملکشاه سلجوقی به قدرت رسید و از افراد کارآمد و لایقی مثل خواجه نظام الملک طوسی و عمر خیام در پیشبرد مسائل استفاده کرد. در تاریخ ۳ رمضان ۴۷۱ هجری قمری، تقویم جلالی زیر نظر منجمین و ریاضیدان‌های مجرب اصفهان، تنظیم شد که تقویم خورشیدی ولی مبدأ آن ۹ محرم ۴۷۱ هجری قمری بود.

بعد از گذشت حدودا ۹۰۰ سال از اولین تدوین تقویم جلالی، با تصویب مجلس شورای ملی در ۱۱ فروردین ۱۳۰۴، گاه‌شماری هجری خورشیدی تغییراتی کرد. به عنوان مثال تعداد روزهای هر ماه از حالت نامنظم داشتن ۲۹ الی ۳۲ روز در آمد و تقویم رسمی کشور اعلام شد که تا به امروز در ایران استفاده می‌شود.

بدین ترتیب، تقویم رسمی ایران هجری خورشیدی و با اسامی ماه‌های ایرانی است که پایه و اساس سالشمار آن تقویم جلالی محسوب می‌شود. ضمنا تقویم هجری قمری هم برای امور مذهبی و تقویم میلادی بنا بر ضرورت مورد توجه قرار دارد.

گاه شماری حیوانی

سال ۱۳۹۳ سال اسب است و این هم یکی دیگر از انواع تقسیم بندی‌های زمان است که سال‌ها را بر اساس ۱۲ حیوان خاص نام گذاری می‌کنند و حتی فرمول دقیقی هم برای محاسبهٔ نام هر سال دارند.

گاه‌شماری حیوانی بعد از دوران مغول در ایران متداول شده و بسیار، شبیه به گاه‌شماری چینی- اویغوری است.

این گاه‌شماری از ترکیب برخی اصول گاه‌شماری جلالی، گاه‌شماری هجری قمری و گاه‌شماری دوازده حیوانی چینی- اویغوری شکل گرفته‌است و بعد از یورش مغول به ایران و به ویژه تا سال ۱۳۰۴ هجری خورشیدی در ایران رایج بوده‌است. البته در طی این چند سده همواره به یک شکل نبوده و در دوره‌های مختلف، تغییراتی نیز در آن پدید آمده‌است.

ریشه و خاستگاه این گاه‌شماری و دلیل تأثیر گذاری این دوازده حیوان خاص بر سرنوشت

ردیف	نام	معنی
1	حَمَل	بره
2	ثور	گاو
3	جوزا	دوپیکر
4	سَرَطان	خرچنگ
5	اسد	شیر
6	سنبله	خوشه
7	میزان	ترازو
8	عَقرب	کژدم
9	قوس	کمان، کماندار
10	جَدي	بزغاله
11	دَلو	آب‌دهنده، آبکش
12	حوت	دوماهي

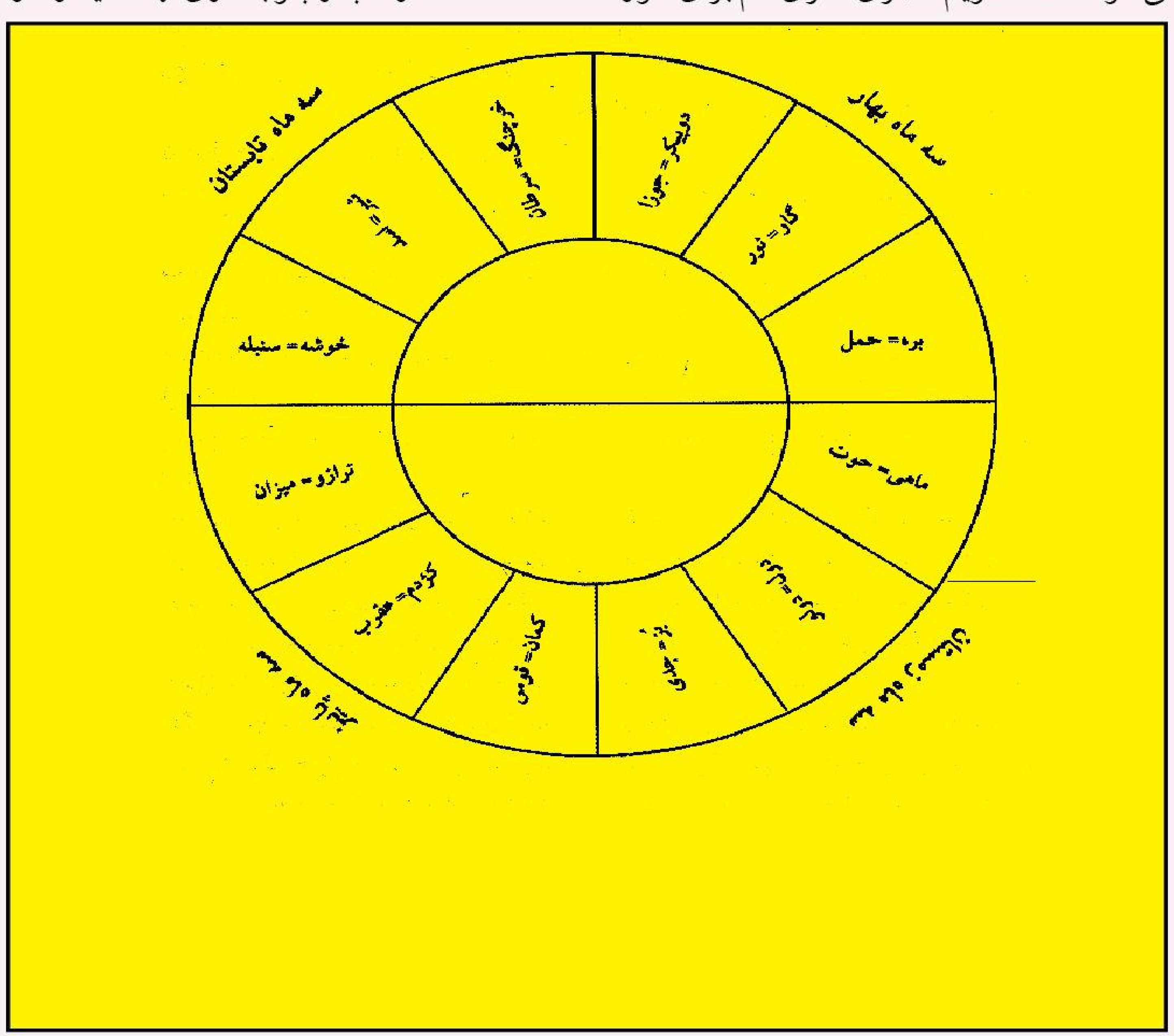
زمین و انسان، به یک افسانهٔ کهن بودایی بازمی‌گردد:

روزی بودا در آغاز سال نو، تمامی حیوانات را به نزد خویش دعوت کرد، امّا از میان تمامی حیوانات، تنها دوازده حیوان دعوت بودا را جدّی گرفتند و به محضر او رفتند. این دوازده حیوان عبارت بودند از: موش، گاو، پلنگ(یا ببر)، گربه، نهنگ(یا اژدها)، مار، اسب، بز، میمون، خروس، سگ و خوک. از آن پس بودا مقدّر نمود که سرنوشت انسان و جهان، تنها به دست این دوازده حیوان باشد و هریک از این حیوانات در هر سال یکی پس از دیگری پدیدار شوند و مقدرات کائنات و سرنوشت جهان را در دست بگیرند.

هرچند که در روایت ایرانی فهرست این حیوانات دستخوش تغییراتی شده‌است و عبارتند از: موش، گاو، پلنگ، خرگوش، نهنگ، مار، اسب، گوسفند، میمون، مرغ یا خروس، سگ و خوک.

ابونصر فراهی در نصاب الصبیان، ترتیب نام‌های حیوانی سال‌ها را چنین به نظم درآورده است:

موش و بقر و پلنگ و خرگوش شمار
زان چار چو بگذری نهنگ‌آید و مار









آنگاه به اسب و گوسفند است حساب
حمدونه و مرغ و سگ و خوک آخر کار

سال اسب و اعتقادات عامه

زرد پوستان و ایرانی‌هایی که به پیروی از مغول‌ها به گاه شماری عنایت داشتند و از آن استفاده می‌کردند، ویژگی‌های هریک از سال‌هایی را که با نام یکی از حیوانات دوازده گانه مذکور قرین می‌شد و نام آن حیوان را می‌گرفت، همانند خوی و سرشت آن حیوان می‌دانستند و انتظار حوادثی مطابق با چنان خلق و خویی از آن سال داشتند. هنوز هم نزد عامّه چنین برداشتی وجود دارد که در تفأل‌ها و پیش بینی‌ها، به ویژه در تقویم‌های نجومی که هنوز هم تهیه و منتشر می‌شوند، منظور می‌کنند. کافی است از اواخر اسفندماه به دکه‌های مطبوعاتی مراکز اصلی شهر بروید و این تقویم‌ها را از روی پیشخوان بردارید و ورق بزنید. حتما از خصوصیات سال اسب برایتان نوشته اند!

برای تعیین این که هر سال خورشیدی، به نام کدامیک از حیوانات دوازده گانهٔ فوق است، کافیست عدد آن سال را با عدد ۶ جمع بزنیم و بعد حاصل جمع را بر عدد ۱۲ تقسیم و سپس به باقیماندهٔ نهایی نگاه کنیم. عدد باقیمانده، نمایندهٔ نام آن سال بر مبنای ترتیب یاد شده است. برای نمونه، برای دانستن نام سال ۱۳۹۳ خورشیدی، ابتدا ۱۳۹۳ را با ۶ جمع می‌کنیم و حاصل جمع آن، یعنی عدد ۱۳۹۹ را بر ۱۲ تقسیم می‌کنیم که باقیماندهٔ نهایی تقسیم، عدد ۷ می‌شود که با توجه به ترتیب نام‌برده، همان سال اسب است!

آسمان و تأثیر آن بر سرنوشت آدمیان

از جمله دانش‌های رایج و باورهای استوار ایرانیان قدیم، دانش تنجیم بوده است که نشان دهندهٔ اعتقاد ایرانیان به تأثیر آسمان و گردش فلک بر سعد و نحس طالع آدمیان می‌باشد.

بدین ترتیب که زمین را مرکز عالم و آسمان را چندین طبقه و چرخان می‌دانستند که می‌تواند با گردش خود، خیر و شر و سعد و نحس روزگار را رقم بزند و زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و البته که این مسائل را قابل پیش بینی می‌دانستند و اهل فن نیز از پس پیش گویی آن بر می‌آمدند!

در نظر ایشان، آسمان، ۹ طبقه بود. در هفت طبقهٔ آن، هفت سیاره قرار داشت و طبقهٔ هشتم، به ۱۲ خانه یا ۱۲ برج تقسیم می‌شد و طبقهٔ نهم، خالی و فلک اطلسی بود. دکتر سیروس شمیسا در فرهنگ ۲ جلدی «اشارات»، ذیل مدخل‌های «آبای علوی»، «افلاک» و «برج» می‌نویسد: «آبای علوی: کنایه از هفت سیاره است که به عقیدهٔ قدما در سرنوشت انسان دخیل بودند و به ترتیب عبارتند از: ماه(قمر)، تیر(عطارد)، ناهید(زهره)، خورشید(شمس)، برجیس(مشتری)، کیوان(زحل). این هفت سیاره نقش پدر را داشتند و از ازدواج آن‌ها با چهار عنصر آب و باد و خاک و آتش که به آن‌ها امهات سفلی می گفتند، موالید ثلاثه یعنی حیات و نبات و معدنیات(جماد) به وجود آمد. از این رو انسان، بچهٔ (نتیجهٔ) این پدر و مادر است.

ای آن که نتیجهٔ چهار و هفتی
زین هفت و چهار دائم اندر تفتی
می خور، می‌خور هزار بارت گفتم
بازآمدنت‌نیست‌چورفتی‌رفتی(خیام)

افلاک: دور زمین ۹ فلک است به ترتیب: قمر و عطارد و زهره و شمس و مریخ و مشتری و زحل و فلک ثوابت و فلک اطلس.

برج: در هیأت قدیم، فلک هشتم [فلک ثوابت] را به دوازده خانهٔ مساوی تقسیم می‌کردند و هر خانه را به یک برج می‌خواندند. هر برج را به اعتبار نظم و ترکیب عده‌یی از ستارگان آن، به صورت حیوانی تصور و تجسم می‌کردند و نام می‌نهادند. هر برج ۳۰ درجه و دایرهٔ منطقه‌البروج ۳۶۰ درجه است. اولین برج حمل است که آن را نقطهٔ مشرق حساب کرده اند.

شیخ محمود شبستری در وصف بروج و ثوابت و سیارات و این که هر برج خانهٔ برخی از سیارات است گوید:

...حمل با ثور و با جوزا و خرچنگ
بر و بر همچو شیر و خوشه آونگ
دگر میزان و عقرب پس کمان است
ز جدی و دلو و حوت آنجانشان است
ثوابت یک هزار و بیست و چهارند
که بر کرسی مقام خویش دارند
به هفتم چرخ کیوان پاسبان است
ششم برجیس را جا و مکان است
بود پنجم فلک، مریخ را جای
به چارم آفتاب عالم آرای
سیم زهره دویم جای عطارد
قمر بر چرخ دنیا گشت وارد
زحل را جدی و دلو و مشتری باز
به قوس و حوت کرد انجام و آغاز
حمل با عقرب آمد جای بهرام
اسد خورشید را شد جای آرام
چو زهره ثور و میزان ساخت گوشه
عطارد رفت در جوزا و خوشه
قمر خرچنگ را هم جنس خود دید
ذنب چون رأس شد یک عقده بگزید
قمر قمر را بیست و هشت آمد منازل
شود با آفتاب آنگه مقابل
گلشن راز»

ساعت خوش

حتما شنیده‌اید که «فلانی در هفت آسمان یک ستاره هم ندارد» و بد شانس است یا فلانی «ستاره گرمی دارد» و هرجا می‌رود، شانسش پیش پیش می‌رود. برخی نیز وقتی می خواهند اسباب کشی کنند، یا خطبهٔ عقد بخوانند یا به سفر بروند و حتی معامله یا تجارت کنند، بر اساس این که چه روزی و چه زمانی اصطلاحا «ساعت است» یا همان «ساعت خوش است» دست به این کار می‌زنند. این اصطلاحات یا ضرب‌المثل‌هایی از این دست، بر آمده از اعتقاد تأثیر موقعیت ستارگان در آسمان بر خوشی یا ناخوشی طالع آدمیان است.

بدین ترتیب که معتقد بودند، هر یک از هفت سیارهٔ هفت طبقهٔ آسمان، یک خانهٔ سعد و یک خانهٔ نحس در ۱۲ خانه یا ۱۲ برج فلک هشتم دارند و اگر زمان دقیق تولد هرکس را با توجه به موقعیت ستاره‌اش در آسمان و نزدیکی آن به خانه سعد و نحس آن ستاره در برج‌ها بسنجند، می‌توانند طالع او را مشخص کنند! و یا ساعات و ایام خوش و ناخوش را اندازه گیری و پیش‌بینی نمایند.

بر این اساس، «هر یک از بروج، خانهٔ شرف یا اوج یکی از سیارات و خانهٔ حضیض یا زوال سیاره‌یی است. مثلا برج «قوس» خانهٔ شرف «برجیس» است و برج «حمل» خانهٔ شرف «خورشید» است.

همچنین وقتی میان دو برج، یک دوم دورهٔ فلک یعنی شش برج فاصله باشد و در اصطلاح نجوم، برجی به برج هفتمش نظر کند، در وضع «مقابله» و حال سعد است.

ز اخترم نظر سعد در ره است که دوش
میان‌ماه‌و‌رخ‌یار‌من‌مقابله‌بود «حافظ»

سعد و نحس در ادبیات فارسی

میراث ماندگار ادبیات فارسی و ترانه‌ها و اشعار بسیاری که از بزرگان ما، برای ما مانده است، آیینهٔ باورها و بینش‌های مردمان ایران زمین، از دیرباز تا امروز است.

با خواندن توضیحات فوق، می‌توانیم ابیات بسیاری را به عنوان شاهد برای این اصطلاحات و باورها، بیاوریم که به ذکر همان نمونه‌هایی که در فرهنگ اشارات، ذیل این مدخل‌ها آمده است، بسنده می‌کنیم:

«نظامی در منظومهٔ خسرو شیرین، در شرح بر تخت نشستن خسرو، بعضی از علائم سعد را بدین گونه ذکر کرده است:

چو سر بر کرد ماه از برج ماهی
مه پرویز شد در برج شاهی
ز ثورش زهره و خرچنگ برجیس
سعادت داده از تثلیث و تسدیس
ز پرگار حمل، خورشید منظور
به دلو اندر فکنده بر زحل نور
عطارد کرده ز اوّل خط جوزا
سوی مریخ شیرافکن تماشا
ذنب مریخ را می‌کرده در کاس
شده چشم زحل هم کاسهٔ راس
بدین طالع کز او پیروز شد بخت
فلک بنشست بر پیروزه‌گون تخت

نظامی در این ابیات حالات سعادت کواکب را به عقیدهٔ منجمان بیان کرده و می گوید: زهره با ثور نظر تثلیث و برجیس بر سرطان نظر تسلیس داشت و خورشید از پرگار حمل بر زحل در دلو نور افکنده و ناظر بود و عطارد در رأس جوزا به مریخ نظر داشت و مریخ در ذنب و زحل در رأس جایگیر بودند و هرگاه چنین حالت و نظری بر این کواکب اتفاق افتد و جمع آید، بهترین ساعات سعادت خواهد بود.

سعد و نحس اندر دلت حاکم شود
چون ستاره خانه خانه می‌رود
مثنوی مولوی، دفتر پنجم

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است
یا رب این تأثیر دولت در کدامین کوکب است
حافظ

گدای میکده‌ام لیک وقت مستی بین
که ناز بر فلک و حکم بر ستاره کنم
حافظ

برخی به تأثیر ستاره‌ها بر سرنوشت بشر عقیده نداشتند. انوری در قطعه‌یی به همهٔ آن‌ها دشنام‌های رکیک داده‌است. ناصر خسرو نیز می‌گوید:

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را
برون کن ز سر باد خیره‌سری را
بری دان از افعال چرخ برین را
نشاید ز دانا نکوهش بری را»

تا قمر در عقربه، حال ماچنینه!

برای حسن ختام این مبحث، یکی از مشهورترین تصنیف‌های مرحوم علی اکبر شیدا را که به زیبایی هرچه تمام‌تر، از تأثیر موقعیت ستارگان بر سعد و نحس طالع آدمی، بهره برده است، می‌خوانیم و می کاویم:

عقرب زلف کجت با قمر قرینه
تا قمر در عقربه، کار ما همینه
کیه کیه در می‌زنه من دلم می‌لرزه
در و با لنگر می‌زنه من دلم می‌لرزه
ای پری بیا در کنار ما
جان خسته را مرنجان
از برم مرو، خصم جان مشو
تا فدای تو کنم جان
از برم مرو، خصم جان مشو
تا فدای تو کنم جان
نرگسِ مست تو و بخت من خرابه
بخت من از تو و چشم تو از شرابه
کیه کیه در می‌زنه من دلم می‌لرزه
در و با لنگر می‌زنه من دلم می‌لرزه
ای پری بیا در کنار ما
جان خسته را مرنجان
از برم مرو، خصم جان مشو
تا فدای تو کنم جان
از برم مرو، خصم جان مشو
تا فدای تو کنم جان

برای درک زیبایی ذهن و زبان سرایندهٔ این تصنیف، کافی است همان دو عبارت «قمر در عقرب» و «عقرب زلف» را کمی شرح دهیم. مابقی مطالب آن خود به خود، دریافته می‌شوند.

اول از دیدگاه اصطلاحات نجومی، باید گفت که سیارهٔ قمر یا ماه که در طبقهٔ اول از طبقات نه گانهٔ آسمان قرار دارد، در میان برج‌های دوازده گانه، یک خانهٔ سعد و یک خانهٔ نحس دارد. خانهٔ نحس سیارهٔ قمر، برج عقرب یا آبان است که اوقاتی که این سیاره در این خانه قرار می گیرد، اصطلاحا «قمر در عقرب» است و اوضاع نحس است!

دوم از دیدگاه زیبایی شناسی ادبیات فارسی، باید گفت در ادبیات کهن، یکی از ملاک‌های زیبایی، سفیدی پوست و گردی صورت بوده است و از این رو چهرهٔ زیبا را به قرص ماه کامل که گرد و سفید است تشبیه می‌کردند و توصیفاتی چون مه جبین، مه سیما، مه پیکر یا مهرو را برای بیان زیبایی معشوق به کار می‌بردند. همچنین در نظر داشته باشید که در ادبیات کهن فارسی، مستحسن است که معشوق، زیبا و بی وفا و سنگدل باشد و حال عاشق را همواره آشفته و خراب کند! در خصوص آرایش مو نیز، موی زیبا، سیاه و براق و معطر بوده است و برای آرایش، دو دستهٔ باریک مو را از بناگوش روی صورت می‌آورده‌اند و نوک مو را چون دم عقربی سیاه، کج می‌کرده اند. با این توصیفات، وقتی عقرب زلف کج روی صورت چون قمر و زیبای معشوق، نمایان می‌شود، حال عاشق زار را آشفته و خراب می‌کند و تا مادامی که قمر در عقرب باشد، اوضاع عاشق خراب می‌ماند!



زنان دهقان در دشت های بی کران



■ آزاده تاج علی

گزارش

کــوه هــا از هم فاصله زیادی ندارند. هوا نم خوشــبویی دارد. دشت یک پارچه سبز است و جا به جا، نقش های زرد و صورتــی را بــر پیراهن بهاری اش می تــوان دید. گل های زرد، مزرعه های کلزاســت و شــکوفه هــای صورتی، هدیه جشــن نوروز که نهال های هلو آنها را با امید روی تن شــان نگه داشته اند. اینجا "ینقاق" است. حومه مینودشت در استان گلســتان. تا چشم کار می کند چهارسوی افق دیده می شود و خبری از حصارهای سیمانی شهرهای شلوغ نیست. "گلنسا" زن جوانی ست که سه سال پیش از سیستان و بلوچستان برای کار کشاورزی و دهقانی همراه شوهرش عظیم، به این حوالی آمده است.

او مــی گویــد: برادرهایــم خیلــی زودتر از مــا و موقع خشکســالی سیســتان آمده بودند و دیگر برای خودشان یک قطعه زمین کوچک دســت و پا کرده اند. برای ما چند ســال از کارشان تعریف کردند و من هم با شوهرم بلند شدیم، جهیزیه مــن را بار یــک وانت کردیم و با همان ماشــین آمدیم ینقاق. راه خیلی ســختی بود امــا چاره ای نداشتیم و بعد از دو روز رسیدیم. ما را بردند سراغ یک زمین دار تا برایش هم سرایداری کنیم هم دهقانی. او به ما در مزرعه اش دو اتاق، یک ســگ نگهبان، پنج تــا مرغ و یک خروس لاری داد تا سرمان گرم باشد. من آن روزها با اینکه اینجا خیلی سرسبز تر و قشنگ تر از زابل است همه اش دلم می گرفت برای شــهر و دیار خودم امــا کم کم با کار کــردن روی زمین ها وکمک به شوهرم عادت کردم. او درباره زندگی اش توضیح می دهد: نوزده ســالم است و یک پسر دارم به اسم یاسین. الان که نزدیک عید است یاسین را روزها با یک چادر به کولم مــی بنــدم و می روم به بــاغ تا برای سمپاشی به عظیم کمک کنم. صبح یکی دو ساعتی هر سه نفر ما در باغ هســتیم. بچه یک گوشــه برای خودش بازی می کند و ما هم با ســمپاش دور باغ می چرخیم. بعدش من می روم تا برای بقیه کارگرها و ارباب ، ناهار درست کنم. روزهای خیلی سختی است. با داشتن یک بچه کوچک باید حواسم باشد که هم به مردها ی گرسنه که سر ظهر جمع می شوند دور سفره، غذا برسانم هم به زمین دهقانی خودمان سربزنم و هم مراقب باغچه کوچک سبزی هایم باشم. گلنسا پیراهن سیستانی به تن، به یاسین شیر می دهد. از پنجره، نگاهش به دنبال شوهر جوانش می دود و ادامه می دهد:

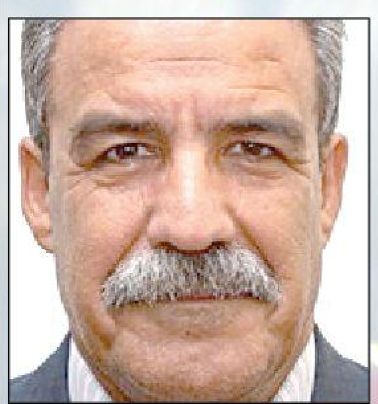
اول عیــد باید بذرهای شــالی را آمــاده کنیم. برای نــیم قســمت(هکتار)، ارباب به ما ۵۰کیلو شــالی می دهد که باید برویــم در یک بشــکه ۲۰۰ کیلویی با آب بخیســانیم تا پیک کند(جوانــه بزنــد). می گذاریم بذرهــا دو روز در آب بمانند و روی بشــکه را چند تا پتو هم می اندازیم تا بهتر گرم شــوند. بعدش من باید روز سوم بروم سربشکه، بسم الله بگویم و درش را باز کنم. در این ســال ها که دســتم سبز بوده و همیشه بذرها کلــی خــوب از آب درآمده اند. باید آنها را به هم بزنم و دوباره رویشان آب بریزم. این کار را تا روز پانزدهم عید هر صبح انجام می دهم و تازه راحت ترین کار عیدم اســت. آخر، عیدها این مزرعه خیلی شــلوغ می شــود و کار آشپزی و ظرف شستن و سبزی جمع کردن من بیشتر است. مهمان ها و خانواده ارباب می آیند و باید پذیرایی هم بکنم اما خب آنها یاســین را خیلی دوست دارند و نگهش می دارند. پارسال که تازه به دنیا آمده بود برایــش چند تا لباس نو آورده بودند. هر کدام هم عیدی دادند و آخر ســر که پول ها جمع شــد توانستیم برویم به مینودشت و یک گهواره بخریم. آنجاســت. یک طناب به آن وصل کرده ام که خیلی بلند است و یک وقت هایی از اتاق آشپزی هم که شده، آن را تکان می دهم تا بچه ام خوابش ببرد.

گلنسا درباره آداب و رسوم عید می گوید: خرید پارچه گلدار و نوارهای ســوزن دوزی برای شلوارهای زنانه را می گــذارم برای عید. امســال بــا پولی کــه از موقع درو جمع کــرده ام می خواهم برای شــوهرم یک جفت چکمه نو بخرم که وقتی در خزانه شالی می خواهد بذرها را بکارد راحت تر باشــد. پانزدهم عید روز آماده کردن خزانه شالی ها است. همه می روند خانه هایشــان و ما باید برویم در خزانه و گل و لای درست کنیم. از بچگی خیلی گل بازی را دوست داشتم. درست است که کار دهقانی درآمد خوبی ندارد اما همیشه بــه ایــن فکر می کنم که می شــود دلت خوش باشد و خدا را شکر کنی که بچه و شــوهر خودت را داری و تنت ســالم اســت. من روز پانزدهم از صبح تا ظهر باید در گل ها باشم اما همیشه یک عالمه بازی هم می کنیم و نمی گذاریم سخت بگذرد. خدا روزی سال جدید را خودش از دل همین خاک و گل به ما می دهد.





تجلیل از نوروز عالم افروز



■ دکتر امیراحمدیان

همین که برفها به آب شدن شروع می کند، مردم از فرارسیدن بهار درک می یابند و برای استقبال آن آمادگی می گیرند.

بهار فصل نخستین و زیباترین سال، ایامی است که در آن آسمان نیلگون با بارانهای متواتر و پی در پی فضا و طبیعت را بیش از پیش معطر و خوشگوار نگاه می دارد. آب دریاها و رودها به خروش می آید. پرندگان که از سردی هوای زمستان به جاهای گرم پرواز کرده بودند، دوباره به محل پیشین خود باز می گردند. آهنگ دل انگیز توله چوپان و صدای سرود و ترانه‌های کار و محنت و بهار در دامنه کوه و دره‌ها، دشت و وادی‌ها و صحراهای پهناور طنین می اندازد. مرغان خوش الحان به نوا درمی آیند. جوانان اولین گلهای بهاری را به دلدادگان خود هم چون رمز عشق پاک و صداقت تقدیم می دارند. مادران به فرزندان‌شان دعای خیر می دهند.

بهار این چنین فرصتی است، که از صفا و صمیمیت‌ها، از راستی‌ها و درستی‌ها، از محبت بین دوستان و از پیوند دلها، از پیوندی که صافی قلب‌ها را افزایش می‌بخشد، سخنی بر زبان می‌آورد.

مبارک دانسته شدن و مورد ارج گذاری قرار گرفتن نوروز چند سبب دارد:

یکم – محض در همین روز خورشید از برج دوازده گانه به برج حمل انتقال می یابد و حلول می کند و شب و روز برابر می‌شود و هوا به گرمی رو می‌آورد و باعث نشاط مردم می گردد..

دوم – در همین روز یزدان پاک آدم و عالم را آفریده است.

سوم – چندین هزار سال پیش از امروز نخستین فرمانروای آریائیان کیومرث تاریخ آریائیان را از همین روز، یعنی از نوروز شروع نموده و آن را سر آغاز سال خورشیدی به شمار گرفته است. مثلاً در «نوروزنامه» عمر خیام در این باره آمده است:

«چون کیومرث اول ملوک عجم به پادشاهی بنشست، خواست که ایام سال و ماه را نام نهد و تاریخ سازد، تا مردمان آن را بدانند. بنگریست که آن روز بامداد آفتاب به اولین دقیقه حمل آمد. موبدان عجم را گرد کرد و بفرمود که تاریخ از این جا آغاز کنند. موبدان جمع آمدند و تاریخ نمودند».

چهارم – عقیده‌ای نیز موجود است که گویا پیدا شدن نوروز به سعی و تلاش حضرت سلیمان پیغمبر ارتباط می گرفته باشد. روایتی نقل می کند که روزی حضرت سلیمان انگشتری خود را گم می کند و سلطنت از دست او می رود، ولی بعد از چهل روز انگشترش را می یابد. فره، پادشاهی و فرمانروایی پیشینه به او دوباره بر می گردد. پادشاهان با او دوست می شوند، مرغان به دورش گرد می آیند. مردم «نوروز آمد» می گویند و آن روز خوش را «نوروز» می خوانند و جشن می گیرند.

پنجم – در همین روز یامای شهریار جمشید به تخت پادشاهی نشسته است. بنابر معلومات روایت، جمشید تخت زرینی می سازد و دیوان آن را برداشته با او به آسمان می برآرند. چون در این روز سر سال نو و روز هرمزدی فروردین بود و مردم از رنج و غم آسوده، عمر به سر می بردند، این روز را گرامی داشتند و جشن گرفته‌اند.

روایت دیگری موجود است، که آن نیز عقیده به جمشید منسوب بودن پیدایش نوروز را پیش می راند. ابلیس لعین گویا برکت را از بین می برد، قحطی، خشکسالی همه‌جا را فرا می گیرد. مردم برای خود یگان چیزی خوردنی و پوشیدنی نمی یابند. حتی باد از وزیدن می ماند، درختان خشک می شوند و یقین بود که جهان نیست و نابود گردد. خوشبختانه، به فرمان و راهنمایی یزدان پاک جمشید پدید می آید و به طرف ابلیس راه پیش می گیرد. وی با ابلیس جنگ کرده با پیروزی بر می گردد. مردم از بدبختی ها رهایی می یابند و می بینند، که از جمشید غاب و ظفریاب نور می براد و جواهرات تاج او به اثر نور آفتاب می درخشد، رستنی ها از نو سبز می شوند، طبیعت درباره جهانی تازه پیدا می کند. این پدیده‌ها را دیده آدمان می گویند: «روز نو – نوروز آمد».

عموماً درباره جمشید ارتباط داشتن جشن نوروز روایت‌های زیادی موجوداند. اکثریت دانشمندان چون ابوریحان بیرونی، عمر خیام و دیگران که عاید به نوروز ابراز نظر نموده‌اند، این عقیده را پشتیبانی می کنند.

مولف کتاب «نوروزنامه» در این باره می گوید:

«اما سبب نام نهادن نوروز آن بوده است که چون بدانستند که آفتاب را دو دور بود، یکی آن که هر سیصد و شصت و پنج روز، از شبانه روز به اولین دقیقه حمل بازآید، به همان وقت و روز که رفته بود، بدین دقیقه نتوانند آمدن، چه هر سال از مدت همه کم می‌شود و چون جمشید آن دریافت، نوروز نام نهاد و جشن آئین آورد و پس از آن پادشاهان دیگر، مردمان بدو اقتدا کردند ... »

ریاضی‌دان و ستاره‌شناس بزرگ ابوریحان بیرونی نیز در کتاب «آثار الباقیه» در این خصوص می‌نویسد: «این جشن (یعنی جشن نوروز) به یادبود روزی بر پا گشت که جمشید به تحکیم دین مزدایی پرداخت، چون دین صائبیان در دوران فرمانروایی تهمورس معلوم شده بود، جمشید دین را تجدید کرد، مردم را به بی‌مرگی، تندرستی و به آموزندگی بشارت داد، برای همه پاک سرشتی و حلال کاری‌ها تلقین نمود و این کار در نوروز انجام یافت و آن روز نو خوانده شد و این عید گرفته شد.».

ششم – در همین روز خسروان بر تخت می‌نشستند و نیازهای مردم را برآورده می‌ساختند. گذشته از این چند واقعه دیگر مذهبی، که باعث سرور و شادمانی مسلمانان گردیده‌اند، در همین روز اتفاق افتاده‌اند، از قبیل: با اجازت خداوند در کوی عرفان بهم پیوستن حضرت آدم و حوّا بعد از رانده شدنشان از جنت: نجات یافتن کشتی حضرت نوح و همراهانش از طوفان و بقای نسل انسان بعد از آن، بیرون آمدن فرعون و غرق گردیدن فرعون و همراهان او به دریا؛ رهایی یافتن حضرت یونس از دهان نهنگ، ظهور حضرت امام مهدی و پاک نمودن زمین از شرک و ظلم و بی عدالتی، انتخاب حضرت علی کرم الله وجه به جانشینی حضرت پیغمبر سلام‌الله علیه و السلم و نشستن او برمسند خلافت، طوری که در رباعی زیر در این باره اشاره رفته:

نوروز شد و جمله جهان گشت معطر
از بوی خوش و لاله و نسرین و صنوبر
بر تخت خلافت بنشست آن شاه ابرار
داماد نبی، شیر خدا، ساقی کوثر

به پنداشت مردم نوروز این چنین فرصتی است برای یاد کردن از گذشته‌ها، فراموش شده‌ها، اندیشیدن از نیکی‌ها و بدیها، از اشتباهات و غلط‌ها.

علاوه بر این نوروز نماد است، نماد پاکی و راستکاریها و رهایی از بند هر چه که زشت به نظر می‌رسد. نوروز روز پیروزی است، پیروزی نو بر کهنه، نور بر تاریکی، راستی بر دروغ. نوروز رمز هستی و پیوستگی است. وی به حیث یک رسم نیک، فرهنگ نسلهای امروزی را از یک سو به تاریخ و از سوی دیگر به آینده درخشان می پیوندد، با اینها و مراسم‌های خاص خود از پیوند یگانگی معنوی مردم افغانستان و از فراز مشخصه‌های تمدن بشری آنها درک می دهند.

به زعم همه این نوروز روز مراد، روز به وصال رسیدن عاشقان و دلدادگان و روز دعا به ارواح گذشتگان است. هدف از تجلیل نوروز از بر کردن نیروی تازه، قدرتمندی در اراده و شروع نمودن به کارنمایی‌ها، تلاشها و برنامه‌های آینده است. می توان گفت، که بهترین روز و روزگاری، که مردم آرزو می کردند و می کنند، همین روز و روزگار نوروز بوده است و می‌باشد. چنانی که در بیت‌های زیرین فردوسی همین معنی عمیقاً افاده یافته است:

ابا فر و با برز و پیروز باد
همه روزگاران‌ش نوروز باد
به هر کار بخت تو پیروز باد
همه روزگار تو نوروز باد
که خسرو به هر کار پیروز بود
همه روزگارش چو نوروز بود
همه ساله بخت تو پیروز باد
شبان سیاه بر تو نوروز باد

مردم به این باورند که اگر هر کس نوروز را با شادی و نشاط و با پاکی و صفا و آزادگی و فراوانی و ناز و نعمت استقبال نماید، سال نو برایش تا آخر سال خوشی و سال پر

فیض و با برکت خواهد شد. بنابراین آنها به دنبال این عقیده چند روز قبل از جشن در خانه‌های خود آمادگی می گیرند: در و دیوار اتاقهایشان را از گرد و چنگ پاک می کنند، قالین و گلیم و پلاسهای فرشی خانه‌هایشان را می افشانند، ظرفهای مسی (از قبیل دیگ، پانتوس[سینی]و دیگر لوازمات آشپزخانه) را سفید می کنند، کاسه و پیاله‌های داغی را دور می اندازند، کالا[رخت]می شویند و لباسهای نو می دوزند، تا سال نو را با خوشی بیشتر استقبال نمایند. در عرفه جشن نوروز زنان و دختران به دستانشان حنا می بندند، پسران نیز کلک‌هایشان را حنی می کنند.

قبل از فرارسیدن سال نو بازار رخت و کفش و کالا فروشی، اسبابهای بازی امثال، بازار حنا و بازار سودای میوه خشک خیلی رونق پیدا می کند و این جوش و خروش در سراسر کشور با شکوه خاص گسترده می شود.

هنگام ورود سال نو اهل هر خانواده دسترخوانها را می کشانید، ظرفهای مملو از میوه را نزدیک می آورند. کولچه‌های روغنی، فطیرهای شیری و خوراکهایی از همین قبیل را به روی خوانها می گذراند.

مردم خوان هفت سین را، که یک دو روز قبل از حلول سال نو از هفت نوع مواد خوراک – سبزی، سیر، سرکه، سیمه راک، سومنک، سیب و سنجد تهیه گردیده است، با نیت نیک، به امید آن که تا آخر سال تنشان سالم و رزقشان فراوان باشد و با مقصد این خوشی، که تمام سال جمعیت‌های دوستان جمع باشند، استعمال می کنند و محض به همین نیت و آرزوها به همسایگان، به خویش و اقربا، و دوستانشان می فرستند.(۱۶)

هم چنین چار – پنج روز قبل از نوروز در بسیار خانواده‌ها به افتخار سال نو از هفت نوع میوه خشک چون کشمش سبز و سرخ، مغز پسته، مغز چارمغز و مغز بادام، نخود، کشته[آجیل] و سنجد با نام «هفت میوه» آب آشامیدنی تهیه کرده می شود، که از آن هنگام حلول سال نو کدام از اعضای خانواده در سر سفره نوروزی یک پیاله گی از نیت ثواب می نوشند و از این عمل فال نیک می گیرند، از آب مذکور به دوستان و اقاربان خانواده که برای تبریک سال نو می آیند، نیز به امید خوشی های زندگی در سال نو داده می شود. (۱۷)

اکثریت خانواده‌ها کوشش می کنند که هنگام حلول سال نو بیدار باشند، شمع یا چراغ نیز فروزان باشد، شیر یا شیر برنج، آرام آرام روی دیگ بجوشد، تا زندگی خوش و روشن و سفیدرویی را در سال نو نصیب شوند.

صبح روز نوروز آدمان بر وقت می خیزند و پس از صحبت کوتاه شیرینی به دهان می کنند و بعداً به همدیگر آب می پاشند و بعد این با پیروی از آیین نیاگان گرد کدورتها از آینه دلها می زدایند، رنج و غم و اندوه را به کنار می نهند و با مقصد پذیرایی از نوروز و سال نو لباسهای تازه خود را به تن کرده، با چهره‌های گشاد و با دلهای پر از شادی و نشاط و سرور گروه – گروه به میله جایها و جشن کده‌ها و سیرگاهها می روند و به خاطر احترام و بزرگداشت نوروز و سال نو میله و مراسم‌های عیدانه بر پا می نمایند، به افتخار جشن نوروز و سال نو کف می زنند، رقص می کنند و سرود و ترانه‌ها می خوانند.

مردم معتقد بر آنند که شخصی که در جشن نوروز به طبیعت زیبا نظر می افکند، از بوی خوش گلهای بهاری نفس کشد و در آغوش دشت‌های سبز و خرم می رقصد و سرود می خواند، دیگر نمی تواند دل خود را به خانه کینه و دشمنی تبدیل دهد.

در روزهای جشن نوروز از همه بیشتر کودکان و نورسان سرخوش و مسرور می‌باشند و آنها این عید را با اسپ سواری و چرخ فلک سواری‌ها، گودی پرانیها (بادبادک پرانی ها)، خواندن سرود ترانه‌های نوروزی، گل گردانی ها و تماشای هر گونه بازی و مسابقه‌های شوق‌آور پذیرایی می نمایند. در بعضی از میله‌ها بچه‌ها در میدانها آتش می افروزند و از بالای آن خیز زده، این عبارتها را به زبان می آورند:

زردی روی من از تو

سرخی روی تو از من

این عمل، یعنی پریدن از بالای آتش فروزان و به زبان آوردن عبارتهای فوق‌الذکر روی همین عقیده صورت می گیرد، که با ختم سال و افروختن آتش در این هنگام تمام فلاکت‌ها و نحوست‌هایی که در طول سال رونما شده بودند، از بین برداشته می شوند. در میله‌های نوروزی به جز نغمه دسته‌های ساز و سرود و رقص و افروختن آتش‌ها انواع مختلف بازیهای ملی ورزش، از قبیل کشتی گیری، بزکشی، اسپ دوانی (پایگه)، نیزه‌بازی، چوب‌بازی، بیل‌بازی، داربازی، توب‌بازی، چوگان بازی، شمشیر بازی، سنگ‌اندازی و غیره نیز نمایش داده می شوند. به غیر از همه این گاودوانی، شتر جنگی، بیدانه جنگی، سق جنگی، مرغ جنگی، کبک جنگی، تخم جنگی و اینها برین مسابقه‌ها مشغولیت‌های عنعنوی ملی نیز از واسطه‌های دلخوشی و سرگرمی های مردم در این جشن به شمار می روند.

به مناسبت بزرگداشت نوروز و سال نو اهل تمام کسب‌ها شایسته‌ترین هنردستان خود را در میله جای و سیرگاهها و بازار و کوچه‌ها مورد فروش قرار می دهند. مثلاً، نجاران، آهنگران، کولالها[سفالگران]، دایره‌سازان، گودی‌سازان، (لوختک سازان=عروسکسازان) و بازیچه‌سازان اسبابهای بازی را، که برای اطراف در طول زمستان در خانه‌هایشان ساخته‌اند، در این جشن به فروش می رسانند. هم چنین کولچه‌پزها، شیرینی پزها، حلواگرها، کبابی ها، آشپزها و چایخانه‌چی‌ها و پزندگان و کیوانهای[کدبانوها] انواع دیگر خوراک – همه با محصول کسب و هنر دستان خود در خدمت مردم قرار می گیرند. یکی از سنت‌های اموده مردم در نوروز فرستادن «نوروزی» و یا تحفه‌های سال نوی است. والدین پسران و دخترانی که به هم نامزد شده‌اند، به مناسبت عید نوروز و به خاطر احترام و دلگرمی طرفین از قبیل طعامهای لذیذ، نان و کلوچه‌های شیری و روغنی، لباس یا لباسواری، مقداری پول به حیث عید پولی و دو – سه خیل شیرینی طبق عنعنه‌های ملی به خانه همدیگر با نام «نوروزی» تحفه ارسال می نمایند که در این کار خانواده طرف پسر – داماد سهم بیشتر دارد.

به مناسب فرارسیدن جشن نوروز و سال نو مردم این چنین به عیادت بیماران می روند، به آدمان نیازمند صدقه می دهند، در خانه‌هایشان آدمان را دعوت نموده، به آنها خیر و خدایی می کنند. در روزهای جشن نوروز آدمان گناهان همدیگر را می بخشند، جویبارها را پاک می کنند و به کارهای صحرایی آغاز می نمایند.

نوروز در اکثریت شهر و ناحیه‌ها و دهات افغانستان به نامهای «جشن نهان‌شنانی»، «جشن دهقان» و «میله گربه‌کشی» تجلیل می کنند، که مراد از آن تامین سرسبزی و آبادانی کشور و دعوت دهقانان به کار و فعالیت‌های کشاورزی می باشد.

عموماً، مردم افغانستان نوروز را، که مهم‌ترین جزء از فرهنگ گذشتگانمان است، ارج می گذارند و عزیز و گرامی می‌دارند و فرارسیدن آن را در سراسر مملکتشان صمیمانه و با طنطنه پذیرایی می کنند.

نوروز جشن طرب و سرور، فراوانی ناز و نعمت و نیت آرزوهای نیک است. در نوروز خصوصاً «جشن گل سرخ» که در شهر مزار شریف دایر می گردد و آن با اشتراک نمایندگان اهالی ولایت‌ها و شهر و ناحیه‌های اساسی افغانستان چهل روز ادامه می یابد، خیلی باشکوه و شور و هلهله می گذارد.

یک جهت خاص نوروز این است که در روزهای جشن گیری آن هر کس می خواهد و امید می کند که سال نو، برایش سال پر فیض و با برکت باشد و آن با خوشی آغاز یافته، با خوشی به پایان برسد. از این رو وی سعی می نماید و کوشش به خرج می دهد، که به افتخار جشن نوروز هر هنری دارد، بکار برد: رقصد، سرود خواند، به آدمان نیکی کند و غیره. به این وسیله وی این چنین می خواهد در پذیرایی شایسته و افزودن شکوه و جلال این جشن سهم گیری و حساس گذار باشد.

نوروز را در گذشته‌های دور، از جمله در دوره ساسانیان نیز مردم بیش از دیگر جشن‌ها گرامی می‌داشتند. در آن ایام آن روز دست از کار می کشیدند و به آبادی و ترفه و سرگرمی های گوناگون می پرداختند، می رقصیدند، سرود می خواندند و غیره.

این عید خصوصاً در دربار باشکوه و ارج گذاری فراوان برگزار می شد. این چنین رسم بود که در این روز مردم برای ابراز تبریکات نوروزی به دربار پادشاه می آمدند و طرز ابراز این تبریکات در چنین شکل صورت می گرفت: شخصی، که چهره‌ای زیبا و نام دل‌پسندی داشت و به نکورویی معروف بود، به نزد پادشاه می آمد. پادشاه می‌پرسید که: «– تو کیستی و ز کجا آمده‌ای و به کجا می‌روی و چه کسی ترا به اینجا آورده است و با چه آمده‌ای و با خود چه داری؟» آن زیباروی نکو نام خوش سخن پاسخ می دهد که: «از سوی سعادت و برکت می‌آیم و به جایی که صداقت و برکت دار آن است می‌روم. پیروز نامی مرا به این جا فرستاده است و نامم خجسته است. با سال نو آمده‌ام»؟

از این گفته‌ها پیداست که مردم ایرانی اصل (چه خاص و چه عام) مقدم مبارک نوروز را همیشه با دل گشاد، خاطر بالیده و ابراز تبریکات و تمنیات نیک نسبت به همدیگر پذیرا می شده‌اند و این پدیده خجسته پی را سرآغاز روزگار با سعادت خویش می دانسته‌اند.





کفش عید

■ آزاده تاج علی

نمره پایش را گفت و سفارش کرد: باز هم با وجب اندازه بگیر. من از کفش های حالایی هیچ وقت راضی نیستم. همان قدیـــم هـــا بهتر بود. پدربزرگت با یک نخ دور پایم را اندازه می گرفت و می رفت تبریز، با همان نخ، قشـــنگ ترین شبرو های بازار را برایم می خرید، می آورد. نه پایم را می زد نه موقع راه رفتـــن لق می خـــورد و درمی آمد. بگرد ببین اندازه یک وجب خـــودت در مغازه های تهران، کفش خوب دارند یا نه. پاشـــنه اش زیاد نباشـــد. من که تا دم در هم به زور می روم؛ فقط برای موقعی که ســـال می گیرد می خواهم بپوشـــم و بروم سر خاک. زن های در و همسایه همه آنجا هستند. خوبیت ندارد با کفش کهنه بروم. قهوه ای باشد بهتر است. سیاه کار هم شگون ندارد. گلشاه می گوید هر زنی که اول سال با کفش سیاه، پایش را از در خانه بیرون بگذارد تا آخر سال برایش سیاهی می آید. پنجه اش . پنجه اش هم پهن باشـــد. بعد از این عمل لعنتی انگشـــت های پاهایم همیشه خواب می رود. تا به خودم ب یایم لمس شـــده پایم و اگر جلو کفشم باریک باشد دردش زیاد می شود موقع بیدار شدن. این کفی هایش را هم از یک جایی برو چند تـــا اضافه بخر. یک وقت هایی که می روم ســـر خاک، آن قدر می نشـــینم به شســـتن مزار که کفش هایم خیس می شود. این جنـــس های حالایی اصلا اعتبـــار ندارد. کفی هایش که خیس شـــود، وقتی پایم را از کفش بیرون می آورم در می آید و می افتـــد ایـــن طرف و آن طرف، گم می شـــود. خودت هم که می دانی تا از ســـر خاک برســـم به خانه، قیامت شده از مهمان عید دیدنی. نمی رسم بگردم دنبالشان. بدون کفی هم که پاشنه پایم می خواهد سوراخ شود وقتی یک کم راه می روم. گفتم پاشنه، از این هایی که شکل میخ است نروی بخری. زشت است زن بی شوهر ازین کفش ها بپوشد. موقعی هم که پدرت زنده بود نکردم یک بار ازین پاشنه ها پایم کنم برایش راه بروم. ماند در دلم. خدابیامرز به کفش خیلی اهمیت می داد. می گفت زن ها اگر کفش خوب نپوشـــند نمی توانند بچه زیاد بیاورند. کفش خوب هم منظورش گشـــاد و فراخ بود که پا را نزند. چون می گفت اگر کفش زن ها تنگ باشـــد خلق شان هم تنگ می شود و مریض می شوند می رود پی کارش. یک کتاب داشت که در آن می گرفتند پای دخترها را از نوزادی با نِی محکم می بستند تـــا بعدا کفش های خیلی کوچک بپوشـــند. از همان روزهای نامزدی موقع کفش خریدن همین داستان را هر بار در گوشم تعریـــف می کرد و می گفت: آخرش همه آن دخترها بدبخت شـــدند شـــوهر گیرشان نیامد. چون چپ و راست، جلو چشم خواستگارها می خوردند زمین. هیچ کس هم که عروس دست و پا چلفتی گیج نمی خواســـت. خدا رحمت اش کند. باز هم به نمره کفش های من می خندید. می گفت قبر بچه اســـت از بزرگی. خیلی حرف زدم صدایم را می شـــنوی؟ می گویم بله و به کاغذی نگاه می کنم که روی میز گذاشته ام و نشانی های کفش را دارم رویش نقاشی می کنم. شکل یک میخ را کشیده ام و رویش ضربدر زده ام یعنی این شکلی نباشد. شکل دو تا کفی کنار کفش کشیده ام که یعنی حواسم باشد که جداگانه بخرم. پنجه کفش را اول معمولی کشیده بودم، بعدش با خودکار آبی ، خـــط هـــا را آوردم بیرون و پهن ترش کردم که پای مادر وقتی خواب می رود، آرام بیدار شود و دردش نیاید. می گوید: پاهایم از زانو انگار فلج بشود، می دانی ؟ همان طور می شود اگر کفش هایم سفت باشد. جنس نرم بخر که جلوی آفتاب که روی ایوان می گذارم یک کم باز هم بشود و پایم راحت باشد. همه این ها را گفتم اما خواســـتی بخری، فقط حواست باشد ارزان باشد . اگر گران بشود نمی پوشم؛ می اندازم بیابان. آن دفعه هم رفتی کفش گران برایم خریدی مجبور شدم هر جا مراسم می روم، کفش هایم را زیر بال چادرم بزنم ببرم کله مجلس. ســـر پیری مرا به چه کارهایی می اندازی!

حواســـم نیست. دارم روی کاغذ عکس چادر مادر را می کشـــم که از وســـط انگار با بادهای اول های عید باز شده. می خواهم کودک باشم و بروم آنجا پنهان شوم از همه. بوی یاس می آید. بوی بال های چادر مادر که کشـــیده می شـــود به یک جفت کفش براق . یک جفت کفش قشـــنگ شـــب عید ؛ از آن هایی که مادرها باید بپوشـــند و همه سال خیلی آرام راه بروند.





نوروز در شهرهای ایرانی

زینب فروزان

نوروز در ایل قشقایی، همرنگی با طبیعت

نوروز در ایل قشقایی، همرنگی با طبیعتقشقایی‌ها همچون دیگر مسلمانان شیعی مذهب دارای اعیاد مذهبی و مراسم ملی هستند. یکی از این مراسم که قبل از عید نوروز برگزار می شود، مراسم جشن اسفند ماه است که اسفند نمایانگر بهار در ایل است.

در این ماه در منطقه قشلاق به علت تغییر درجه هوا و سرسبزی طبیعت و زادوولد دام‌ها و وفور لبنیات، چادر نشینان با روحیه بهتر از پیش جلوه می کنند. به همین منظور است که شب اول اسفند ماه مقداری جوهر قرمز در آب حل کرده و قسمتی از پشت و پهلوی گوسفندان را رنگ آمیزی می کنند چون طبیعت زیبا و رنگین شده است، گوسفندان هم باید تغییر چهره بدهند در زمانی که خشکسالی است از این مراسم و جشن خبری نیست. علاوه بر رنگ کردن گوسفندان در جشن اسفند ماه در میان مردم قشقایی رسم بر این است که هنگام عصر دختر بچه ها مقداری علوفه خشک و خار و خاشاک از بیابان جمع آوری کرده و با غروب آفتاب آنها را در محلی آتش زده و در اطرافش شادمانی می کنند هنگامیکه آخرین شعله‌های آتش در حال خاموشی است، اطرافش را سنگ چین می کنند تا باد خاکسترش را به هم نریزد.

هر خانواده‌ای پیش خود نیت می کند که سال آینده چه خواهد شد. صبح روز بعد به خاکسترها نگاه می کنند در وسط آن معمولا گودال هایی کوچک که شبیه جای پای گوسفند یا شتر است و بر این اعتقاد که در سال آینده شتر یا گوسفند به شانس آنها می آید.

روز قبل از تحویل سال با آرد و روغن و خرما حلوای مخصوصی تهیه کرده و به عنوان آخرین روز سال برای مردگان خیرات می کنند و این روز را «عرفه» گویند. شب عید سعی می کنند شام مرتب و مفصلی نظیر بره پلو یا مرغ پلو داشته باشند. قبل از تحویل سال مقداری حنا خیسانده و آخر شب که بچه ها در خواب هستند به دست آنها می مالند، صبح که بیدار شدند متوجه رنگین شدن کف دست خود می‌شوند. صبح روز عید زودتر از همیشه بیدار شده، بعضی که توانسته‌اند لباس نو تهیه کنند می‌پوشند، این کار مخصوص بچه هاست. مراسم سلام عید قبل از ظهر شروع می‌شود اولین بار به منزل خان طایفه می‌روند معمولا بره یا بزغاله یا جاجیم به عنوان عیدی تهیه کرده دست جمعی به حضور بزرگان ایل می‌روند. خوانین می‌دانند که حدود ۲۰۰ _ ۳۰۰ نفر باید به دیدنشان بیایند و از قبل خود را آماده می کنند. پس از دست بوسی و تبریک گویی و پذیرایی بوسیله شیرینی‌های محلی که معمولا نان شیرین (یوخه)، گندم برشته، آجیل شیرین، شیرینی، گردو، قصب، انجیر، کشمش که معمولا جیب بچه‌ها را هم پر می کنند بچه‌ها از بزرگان طوایف و خوانین عیدی می گیرند. بعداز خانه خان، از بزرگان فامیل شروع کرده و چادر به چادر به همه بستگان سر می‌زنند. شب عید باید حتما هر کس در خانه‌اش باشد و معتقدند اولین شب سال نو ضمن داشتن اجاقی روشن با غذایی کامل باید جمع خانواده با صفا و صمیمیت به گرد هم حلقه زنند.

روز اول سال همه شاد و خندان هستند حتی اگر مریض باشند دارو نمی خورند، کوشش می کنند با خانواده‌های خود درگیری پیدا نکنند اگر عزادار بوده‌اند لباس مشکی را از تن خارج می کنند. اگر از بستگان کسی فوت کرده باشد به منزل آنها حتما سر می‌زنند. عشایر این خطه چادرهای خود را با فرش‌های رنگین تزیین می کنند.





نوروز و نوسال در گیلان

«نـــوروزی» یا «نوروزی خوانی» در گیلان نخســتین بار در یکصدوســی و پنج سال پیش توسـط الکساندر خوتسکو ایرانشناس روسی گردآوری شده که بسال ۱۸۴۲ میلادی در لندن بطبع رسید. این کتاب شامل اطلاعات کلی دربارهٔ صفحات شـمالی ایران و مردم آن مرز و بوم و حوزه‌ی رواج گیلکی و مباحث عمومی پیرامون لهجه‌های سواحل جنوبی دریای خزر و متن اشعار محلی و داستانهایی به این گویشهاست. یکی از تصنیف‌هـای «نوروزی» کتاب خوتسـکو را آقای یحیی ذکاء در سـال ۱۳۳۷ شمسـی در مجله موسیقی آورده است. کتاب خوتسـکو بعداً مورد استفاده ایرانشناسان، بخصوص یکی از هموطنان زبانشناس وی بنام I.N.Beresine، استاد دانشگاه غـازان، قرار گرفت. برزین در فاصله سـالهای ۴۵-۱۸۴۲، به مدت سـه سـال، در ایران اقامت داشـت و درباره لهجه‌های سواحل جنوبی خزر شخصاً مطالعه و تحقیق نمود.

بـا وجود تحولات اجتماعی این عصر و تأثیر تکنولوژی در زندگی مردم شهر وروستا خوشبختانه هنوز هم در گوشه و کنـار گیلان زمین «نوروزی» خوان‌ها با نغمه‌ها و تصنیف‌های دلنشین خود چند هفته قبل از موسم بهار مژده طلیعه‌ی نوروز، این جشن کهن و ملی، را به «گیله مردان» میدهند. این ترانه‌ها معمولاً توسـط دو یا چند تن از جوانان در کوچه‌ها و محلات شـهر و یا در کنار خانه‌های روستائی اجرا میشود. الکساندر خوتسکو، در کتاب خود، به این موضوع اشاره می کند که: «در ایران کنونـی بچه‌ها آواز «نوروزیه» را در جلوی خانه‌ها برای تبریک سال نو میخوانند».

برای مطالعه وبررسی این نوروزی‌ها توجه به نکات زیر شاید ضرورت داشته باشد.

۱-اشـعار «نوروز و نوسـال» در گیلان اکثراً بطور ملمع فارسی-گیلکی گفته شده‌اند.

۲-بیشتر کلمات و واژه‌ها و حتی ترجیع‌بندهای نوروزی به فارسی است.

۳-این نغمه‌ها که با آهنگ خاص نوروزی، گاهی به شکل ترانه و گاه بصورت گوشه‌هایی از آواز یا دستگاه موسـیقیاجرا میشوند، در سراسـر خطه‌ی گیلان تقریباً یکنواخت و هم‌آهنگ بنظر میرسـند. نوعی از عناصر مقدس ملی و باسـتانی ایران مانند نور، مهر، خاک، زمین، باد، مظاهر طبیعت و غیره با پاره‌یی از مسـائل اعتقادی شـیعه مانند توجه امامان، آمیختگی خاص پیدا کرده است.

۵-آداب و سنتی که در گذشته رواج داشت و اکنون کمتر بچشم میخورد یا به کلی از بین رفته است مانند عیدی دادن نارنج یا شکوفه‌ی (بهار) نارنج در مراسم نوروز.

۶-بـا توجـه به تأخیر نفوذ مذهبی سیاسـی تازیان در سـرزمین گیلان و قبول اسلام مردم این ناحیه بدعوت داعیان علوی، اندیشه و فکر خالی از تعصب مذهبی گیلانی را می توان در این اشعار ملاحظه نمود.

۷-بر طبق پاره‌یی از اخبار و روایات شیعه، «نوروز» عجم مقارن با حدوث بعضی وقایع مبارک اسـلامی و ایام مسـعود مذهبی اسـت که بعدها جزء اعیاد دینی شیعیان بشمار آمدند. مانند تقارن نوروز (النیروز) با مبعث پیامبر اسلام(ص) و واقعه غدیر خم در سـال دهم هجریاز اینرو، ک مجال بحث بیشـتر در اینجا جایز نیست، شیعه به نوروز جنبه‌های تقدس میدهد و حتی از قول ائمه(ع) اخباری در بزرگداشـت نوروز و انجام اعمال مخصوص این روز روایت شـده اسـت. بنظر نگارنده جمع‌آوری و بررسی این «نوروزی»ها از جهات مختلف ملی، مذهبـی، اجتماعی و غیـره نه تنها فرهنگ فولکلوریک گیلان را غنی‌تر خواهد سـاخت بلکه در روشـن نمـودن بعضی از ویژگیهای جامعه گیلک در دوره‌های پیشین نیز، مؤثر خواهد بود. برای انجام این مقصود نمی‌توان از همکاری مستمر افراد مطلـع و علاقمند گیلان و همچنین مؤسسـات علمی مربوط به مطالعات فرهنگی و اجتماعی کشـور بی‌نیاز بود. در خاتمه چنـد بیت از یـک «نوروزی» را که تا همین چهار سـال پیش در روستاهای بین رشت و کوچصفهان (جعفرآباد، علی‌سرا، شکارسـرا، گوراب‌سـرا، میشـاوندان، خوناچاه، فشکه‌چاه، پرکاده، دافچاه و ....) خوانده میشد در اینجا نقل می کنیم:

بیا خانه خدا با عز و شوکت
ترا اقبال باشد مال و دولت
کنی قبر رضا را تو زیارت
سوی مکه شوی با استطاعت سلام از من، سلامت از خداوند
بیاد ام لیلی شاد ما کن
ز عباس و ز اکبر یاد ما کن
بزن شانه به زلف اکبر من
بیا ای ام لیلی در بر من
سلام از من، سلامت از خداوند

نوروز در استان مرکزی

نوروز در شـهرها و روستاهای استان مرکزی نیز همانند سایر نقاط ایران از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار است. بوی بهار و عید که در کوچه پسـکوچه‌های اسفند می‌پیچد، شهرو روسـتا حـال و هوای عجیبی پیدا می‌کنـد. گویی همه چیز به جنبش و حرکت درمی‌آید.

به فاصله چند روز مانده به سـال جدید، عطر بنفشه‌هایی که با برگ و ریشه و خاک در جعبه‌های کوچک چوبین جلوی در مغازه‌هـای گل فروشـی خودنمایـی می‌کنند و فرش‌های هزارنقش شسـته‌ای که از در و دیوار خانه‌ها آویزان می‌شوند، آمـدن بهار و سـال نو را مژده می‌دهنـد. بازارها رنگ دیگری به خود می‌گیرد، کفاشـی‌ها، بزازی‌ها و خیاطی‌ها شـلوغ‌تر از همه جا می‌شـوند. پدرها و مادرها به فکر رخت و لباس عید بچه‌ها می‌افتند و بچه‌ها از شوق لباس نو و عیدی گرفتن بیقرار می‌شوند.

هرکس به اندازه استطاعت خود سعی می‌کند تا سوروسات پذیرایی عید را از تنقلات و شیرینی و میوه و آجیل فراهم کند. خانه‌ها با وسواس خاص زنانه چنان تکانده می‌شوند که ذره‌ای از گـرد و غبار سـالی که رفته باقی نماند. مـردان نترس بر لبه پنجره‌ها آویزان می‌شوند و با چنان دقتی شیشه‌ها را پاک می‌کنند کـه تصویر بهار را می‌توان در آن دید! انگار خانه تکانی، اولین قدمی است که در استقبال از بهار برداشته می‌شود.

کاشتن گندم و سبزه نیز از دیگر کارهایی است که مردم در استقبال از بهار انجام می‌دهند. چند روز مانده به عید، دانه‌هایی نظیر عدس، ماش، گندم و تره تیزک را در بشقاب یا کوزه‌های کوچک می‌ریزند و سبز می‌کنند. مردم این سبزه‌ها را که نمادی از سـرزندگی و برکت است در سفره‌های هفت سین روز اول عید قرار می‌دهند و در پایان مراسم نوروز در روز سیزده بدر آنها را که دیگر بسیار بلند و بزرگ شده‌اند به آب روان می‌سپارند.

تهیه وسایل موردنیاز سفره هفت سین که با نوروز پیوندی ناگسسـتنی دارد و جـزء مهم و جدایی ناپذیر آن به حسـاب می‌آید. در سـفره هفت سـین مردم استان مرکزی، آینه و قرآن اولین چیزهایی است که در سفره قرار می‌گیرند.

قرآن، برکت و تقدس سـفره و آینه، نماد روشنای و پاکی است که تصویر زیبای سفره هفت سین را در خود قاب می‌کند. یک تنگ کوچک ماهی قرمز از دیگر میهمانان سفره هفت سین اسـت که در گوشـه‌ای از سفره جای می‌گیرد و مظهر زایش و زندگی است.

یک ظرف پر از نان و پنیر و سبزی به نشانه روزی و برکت سفره صاحبخانه و شمع‌های روشن به تعداد افراد خانواده که به منظور روشـنی و نورافشانی چراغ عمر آنهاست، بر زیبایی سفره نوروزی می‌افزاید. تخم‌مرغ‌های رنگی که نماد آفرینش و باروری هسـتند، در کنار تنگ ماهی و ظرف پر از شیرینی از بهترین دلمشـغولی‌های شـیرین بچه‌های خانواده در این ایام است. سیر، سرکه، سنجد، سمنو، سیب، سماق، سکه و سبزه هم بی‌تردید از مهم‌ترین اجزای سفره هفت سین به حساب می‌آیند و مظهر برکت و پاکیزگی و فراوانی در سال نو هستند.

در شهر محلات به سفره هفت سین، سرفه سال می‌گویند که شامل سماق، سنجد، سیر، سکه، سه پستان، سیب و سبزی به همراه کاسـه آب اسـت. در گذشـته انداختن سبزه و پخت سمنو توسط زنان در خانه و طی مراسم و آداب خاصی صورت می‌گرفت، اما امروزه کمتر کسی زحمت پخت سمنو را به خود می‌دهد و تهیه سبزه و سمنو و بسیاری دیگر از ملزومات سفره





هفت سین از دست فروشان کوچه و بازار مرسوم شده است.

مراسم تحویل سال نیز یکی از زیبایی‌های منحصربه فرد آیین‌های نوروزی در استان مرکزی به شمار می‌رود. آغاز سال جدید در پای سفره‌ای که اجزای آن همگی زیبا و رازآلود هستند، سنت زیبایی است که همه اعضای خانواده را ملزم می‌سازد تا هر کجا که باشند در لحظه تحویل سال به خانه و کاشانه خود بازگشته و سال جدید و نوروز را در جمع خانواده آغاز کنند. خواندن دعای تحویل سال، انتظار کشیدن برای شنیدن صدای توپ تحویل سال، عیدی گرفتن و دادن و ... از جمله زیبایی‌هایی است که ارزش این لحظات را دو چندان می‌کند.

در استان مرکزی، کلیه افراد خانواده بنا بر یک عقیده قدیمی که پوشیدن لباس نو در هنگام سال تحویل را خوش یمن و مبارک می‌دانند، پس از تطهیر جسم و جان، لباس‌های نویی را که به مناسبت عید آماده کرده‌اند، به تن می‌کنند و به دنبال این پاکیزگی و تطهیر که به مفهوم لزوم یک تصفیه باطنی برای رویارویی با یک زندگی تازه است بر سرسفره هفت سین می‌نشینند. پس از تحویل سال و خواندن دعا و خوردن شیرینی، بزرگترها به کوچکترها عیدی می‌دهند که این عیدی اغلب تخم مرغ‌های رنگی، سکه و یا اسکناس‌های تا نخورده و نویی است که لابلای صفحات قرآن گذاشته شده است. عیدی گرفتن از دست بزرگترها که شگون و برکت به حساب می‌آید، از دوست داشتنی ترین و به یاد ماندنی ترین خاطرات مراسم نوروز است.

از دیگر سنت‌های شایسته‌ای که در نوروز رونقی خاص دارد و در اسلام نیز مورد توجه است، صله ارحام و دید و بازدید اقوام و آشنایان است. در استان مرکزی رسم است که روز نوروز، نخست به دیدن بزرگان فامیل و طایفه و شخصیت‌های علمی و اجتماعی می‌روند. در بسیاری از این عید دیدنی‌ها همه کسان خانواده شرکت دارند. نوروز، پلی به سوی دوستی‌ها، صداقت‌ها و مهربانی‌هاست و فرصتی است برای گستردن سفره هفت سینی به وسعت همه دل‌ها. برای نزدیک شدن به کسانی که دوستشان داشته‌ایم، اما به دلایلی از آنها غافل بوده‌ایم. برای فکر کردن به سالی که گذشت و لحظه‌هایی که از دست رفت. نوروز، زمانی است برای اراده کردن و برای اعتماد کردن به آینده و فرصت‌هایی که پیش روی ماست. نوروز، لحظه خواستن تحولی است که شایسته هر آغاز است.

نوروز در هرمزگان

بیشتر آیین‌ها و سنت‌های هرمزگان در نوروز متعلق به دوران گذشته بوده و برخی از آن‌ها نیز همانند سایر نقاط کشور اجرا می‌شود. مردم هرمزگان به ویژه شهر بندر عباس از اول اسفند با خانه تکانی و پاکسازی منازل گرد و غبار را از چهره زندگی خود زوده و خود را برای سال جدید آماده می‌کنند.

مردم این شهر در چهارشنبه آخر سال برای شنا به دریا و چشمه‌های آب گرم اطراف شهر می‌روند و براساس سنتی دیرینه بدی و نحسی را از خود دور می‌کنند.

پس از تحویل سال بیشتر مردم به زیارت اهل قبور به ویژه شهدا، اموات و نزدیکان می‌روند و با روشن کردن عود، شمع، عنبر و پخش شیرینی و قرائت فاتحه و قرآن، یاد و خاطره عزیزان از دست رفته را گرامی می‌دارند.

در بعضی از مناطق صبحانه روز عید معمولاً رشته فرنگی (بلالوت) است که با شکر و روغن پخته شده و با تخم مرغ پخته و بدون نمک خورده می‌شود. طبق رسوم، اعضای خانواده‌ها در صبح عید برای عید دیدنی به نزد بزرگان و ریش سفیدان می‌روند و ناهار را که در این روز ماهی سنگسر است با هم می‌خورند. گاهی دیده می‌شود در این روز تمامی اعضای یک فامیل که شاید به ۱۰۰ نفر هم برسند در یک جا جمع می‌شوند و افرادی که بعضاً در طول سال با هم قهر بوده‌اند، در این روز کدورت‌ها را کنار گذشته و بر سر یک سفره غذا می‌خورند.

در گذشته اعلام فرا رسیدن سال نو از طریق شیپور و طبل به مردم اطلاع داده می‌شد و سر سفره هفت سین کاهو، کنار (نوعی میوه درخت سدر) و قرآن می‌گذاشتند و معتقد بودند که این‌ها نشانه سبزی و سلامتی است.

همچنین در گذشته روستائیان هرمزگان در روز تحویل سال به پیشانی گاو، گوسفند، شتر و اسب خود رنگ قرمز می‌زدند و پشم و موی حیوانات خود را می‌چیدند.



نوروز در ایلام

عید باستانی نوروز در ایلام همزمان با سراسر کشور با آیین و سنت‌های خاص خود برگزار می‌شود.

مردم ایلام از اواخر اسفند به استقبال عید نوروز رفته و با انجام خانه تکانی خود را برای سالی پر خیر و برکت آماده می‌کنند.

ایلامی‌ها در آیین خانه تکانی، قالی و فرش‌های منزل را شسته و وسایل اضافه و مستهلک خود دور می‌ریزند و به جای آن‌ها وسایل نو خریداری می‌کنند.

این سنت قدیمی یکی از آیین‌های مرسوم مردم استان در آستانه سال جدید بوده و تا قبل از سال تحویل انجام می‌شود.

مهم‌ترین و زیباترین سنتی که در بین مردم استان رواج دارد، رفع کینه و کدورت‌ها در استقبال از سال جدید است که این کار را با سر زدن و رفتن به خانه‌های یکدیگر انجام می‌دهند. در آخرین چهارشنبه سال نیز آیین معروف چهارشنبه‌سوری را اجرا کرده و با روشن کردن آتشی بزرگ فامیل و اقوام دور آن جمع شده و با پریدن از روی آتش و خواندن شعر معروف «گرمای تو از من، زردی من از تو»، این آیین قدیمی را برگزار می‌کنند. در آخرین جمعه سال نیز دیدار و قرائت فاتحه از اهل قبور یکی از سنت‌های دیرینه مردم این سامان بوده که خالی از لطف نیست. زمان تحویل سال نیز مردم ایلام با جمع شدن در منزل بزرگ فامیل منتظر تحویل شدن سال شده و این سنت از گذشته‌های دور در استان رواج دارد.

در این روز اهل فامیل با پوشیدن لباس‌های نو و تمیز سر سفره هفت سین نشسته و با خواندن دعا و قرآن منتظر تحویل سال می‌شوند.

همچنین بزرگ‌ترهای فامیل با گذاشتن مقداری اسکناس لای قرآن و دادن عیدی به کوچک‌ترها صفای بیشتری به این سنت دیرینه می‌دهد. پس از تحویل سال نیز ایلامی‌ها از اقوام و فامیل دید و بازدید می‌کنند که اقوام عزیز از دست داده در اولویت قرار دارند.



نوروز در بوشهر



نوروز در بوشهر مردم استان بوشهر همچون دیگر مردمان ایرانی نوروز را با شادمانی دید و بازدید و پوشیدن لباس‌های نو آغاز کرده و خود را مهیای سفر یا پذیرایی از مهمانان نوروز می‌کنند.

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، آنچه در خصوص آئین‌های نوروزی مردم استان بوشهر حائز اهمیت است این نکته است که در قدیم عید نوروز از اهمیت چندانی برخوردار نبوده و مردم عید فطر را با شکوه بیشتری برگزار می‌کردند. اما در مورد مراسم نوروز همچون دیگر مناطق عید را با تبریکات و دید و بازدیدهای مرسوم آغاز کرده و با پوشیدن لباس‌های نو به استقبال بهار می‌رفتند.

در شهر بوشهر مراسم نوروز به طور کامل برگزار می‌شد اما پهن کردن سفره هفت سین در نقاط مختلف شهر با هم متفاوت بوده اما همه مردم فرا رسیدن سال جدید را به فال نیک گرفته و در ایام نوروز نوعی شیرینی بنام "بیت گلی" تهیه می‌کردند.

تشریفات سفره هفت سین در بین ثروتمندان بیشتر بود و علاوه بر شیرینی "بیب گلی" و "قراپیچ" بقیه شیرینی‌های مورد نیاز را نیز از بازار تهیه می‌کردند.

در حالی که فرا رسیدن عید نوروز برای همه با خوشحالی و مسرت همراه بوده برای عده‌ای غصه‌آور بود، زیرا از لحاظ وضعیت مالی در شرایطی نبودند که بتوانند مایحتاج ضروری ایام عید را تهیه کنند و این ناراحتی را با خواندن این اشعار نشان می‌دادند، عید ما نوروز ما جومه کهنه هر روز ما عید آمد و ما قبا نداریم با کهنه قبا صفا نداریم.

بازیهای کودکانه نواحی مرکزی و بیرونی بوشهر نیز با هم متفاوت بود. در ایام نوروز بچه‌های نواحی بیرونی بازیهای چون "تیله بازی"، "هفت سنگ" و "گوگ بازی" برگزار می‌کردند. این در حالی بود که امکانات بچه‌های نواحی مرکزی شهر خیلی بیشتر بود. آنها در ایام عید به میدان وسیعی بنام "لوله خرابی" در محله "جبری" رفته و به بازیهای چون "تیله بازی"، "تخم مرغ بازی"، "قاب بازی" می‌پرداختند و عده‌ای نیز سوار بر نوعی چرخ و فلک دستی بزرگ خود را سرگرم می‌کردند این در حالی بوده که در همان ایام عید دست‌فروشان اجناس موردنیاز را در میدان مذکور عرضه می‌کردند.

عده‌ای دیگر نوعی وسیله برد و باخت بنام "ده شی" به "سی شی" راه می‌انداختند. این وسیله برد و باخت چنان بود که یک شیشه دهن گشاد چهارگوش را پر از آب کرده و یک استکان در ته آن جای می‌دادند و هرکس موفق می‌شد که از بالای شیشه یک عدد "ده شاهی" به درون استکان بیندازد "سی شاهی" برنده می‌شد و گرنه "ده شاهی" را از دست می‌داد.

مراسم چهارشنبه سوری نیز علاوه بر بوشهر در تمام نقاط ایران هم مرسوم بوده این رسم تا نیمه سده پیش نزد مردم بوشهر ناشناخته بود، اما این بدان معنا نبود که آنان از این رسم بی‌اطلاع باشند یا آن را فراموش کنند.

آنها آخرین شب چهارشنبه ماه صفر هر سال هجری قمری را در واقع به منزله چهارشنبه سوری می‌دانستند، زیرا ماه صفر و به ویژه روز ۱۳ صفر را بسیار سنگین قلمداد می‌کردند و به خاطر اینکه از نحس بودن این ماه جان سالم به در برند و به ماه‌های دیگر منتقل نشود، در عصر آخرین سه شنبه ماه صفر به کنار دریا می‌رفتند و پاهای خود را تا ساق در آب می‌زدند و ضمن آنکه چند عدد سنگ به درون آب پرتاب می‌کردند می‌گفتند؛ "درد و غم در، تو اوو دریه بیشو"، و اعتقاد داشتند این کار را باید تا پیش از غروب آفتاب انجام دهند و اگر به ساعات بعد انجامد فایده‌ایی نخواهد داشت. اما بعد از بازگشت از دریا، این مراسم را در محل دیگری هم انجام می‌دادند. ۲۱ عدد سنگ ریزه از هفت راه را جمع آوری کرده از هر راه سه سنگ و جمعا ۲۱ عدد و آن را در زیر تابه گرمک که به روی آتش جای داده بودند می‌نهادند و چند بار به روی تابه می‌پریدند، آنگاه سنگ ریزه‌ها را درون ظرف پر از آب ریخته و آب روی آن را به همه افرادی که در آنجا جمع آمده بودند برای طول عمر می دادند.

هرگاه چهارشنبه سوری به فصل تابستان تقارن پیدا می‌کرد، معمولا نوجوانان در صبح روز چهارشنبه راهی دریا می‌شدند و مراسم چهارشنبه سوری خود را با شنا کردن در آب دریا به جای می‌آوردند.

نوروز در خراسان

در خراسان همه از بزرگ و کوچک و فقیر و غنی به آداب و رسوم نوروز پای‌بند و علاقه‌مند هستند و در اجرای سنن باستانی این عید ملی سخت می‌کوشند. از چند هفته به نوروز مانده جنبشی خاص در مردم پدید می‌آید ،همه در فکر تهیه لباس نو به این سوی و آن سوی می‌روند. همه خانه تکانی می‌کنند، جامه‌ها را می‌شویند، فرشها را می‌تکانند و از تمام اثاث خانه گرد می‌زدایند تا در شب عید و موقع تحویل سال ،همه اطاقها و زوایای خانه پاک و پاکیزه باشد.

آداب و رسوم مربوط به نوروز در خراسان تقریباً همانند بقیه نقاط ایران زمین می‌باشد؛ از قبیل، هفت سین و دعا و دید و بازدید و نظافت و غیره. ولی آنچه که یک ویژگی خاص به این مراسم در خراسان بخشیده وجود مقدس و پر برکت حرم مطهر حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع) در این خطه است که مورد عنایت تمامی شیعیان ایران و اسلام بوده و همه ساله میلیونها زائر مشتاق به هنگام تجدید سال روی به این بارگاه منور آورده و به هنگام تحویل سال در حرم آن بزرگوار و در کنار مضجع شریف آن حضرت به دعا و نیایش می‌پردازند و برای سلامتی و موفقیت خود و بستگانشان از آن واسطه فیض درخواست یاری می‌کنند. شکوه و عظمتی که در این ایام و مخصوصاً به هنگام تحویل سال در آنجا وجود دارد مثال زدنی و در دیگر نقاط بی نظیر و بی همتاست. در این ایام مشهد پذیرای میلیونها میهمان زائر از سراسر میهن ایران و نیز از سایر نقاط جهان است که خود رونق خاصی به مراسم نوروزی در این شهر مقدس می‌بخشد. اما در بقیه شهرهای خراسان وقتی لحظه تحویل سال نزدیک می‌شود عده‌ای به مسجد می‌روند تا دعا کرده و از برکت آن دعا در تمام مدت سال از خطرات مصون و غرق در نعمت گردند. آنان دعا می‌خوانند و می‌گویند: یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال ،حول حالنا الی احسن الحال .

عده‌ای دیگر عسل به دهان می گذارند تا در طی سال هم اعتدال مزاج پیدا کنند و هم اخلاق خوش و شیرین داشته باشند. در خانواده‌های خراسانی خصوصاً در روستاها رسم است که دو سه روز قبل از تحویل سال مقدار زیادی نان خانگی می‌پزند تا نان مورد احتیاج اهل خانه در سیزده روز اول سال از بازار خریده نشود. در روز سیزده بدر .مردم عموماً ناهار را در صحرا صرف می‌کنند و آنچه آجیل و شیرینی از ایام عید باقی مانده است در آن روز به مصرف می‌رسانند. گردشگاههای مهم خراسان نیز در روز سیزده بدر بسیار زیاد و باصفاست .



است که طرفین بر سر آن به تفاهم رسیده‌اند؛ اما واقعیت این است که در عمل می‌بینید امروز ما غنی‌سازی‌مان ادامه دارد و تحریم‌ها هم دارد کم می‌شود به حدی که آمریکایی‌ها نگران شده‌اند.

وزیر خزانه‌داری آمریکا می‌رود داووس اعلام می‌کند که ای مردم! تحریم ما سر جایش است و این نشانه حرف همان روز اول آقای روحانی است که دیوار تحریم‌ها ترک برداشته است و این ترک به فروریختن دیوار می‌انجامد؛ اگر ما بفهمیم چگونه داریم کار می‌کنیم.

● فرضیه‌ای مطرح است در برخی محافل که بعد از قضیه اتمی، باید راجع به موضوعات دیگری از جمله حقوق بشر و موشک‌های بالستیک و حمایت ایران از جنبش های آزادی بخش منطقه با ایران مذاکره کرد. پیش بینی شما درباره بازشدن باب این گونه مذاکرات چیست؟

●● ما با آمریکا اختلاف نظر زیادی درباره موارد مختلف از جمله سیاست‌های آن کشور در منطقه و این که آنها به رغم استفاده از نیروی نظامی در منطقه و شکست خوردن، باز هم تهدید می‌کنند، داریم. ما که نگران تهدید نیستیم این که یک قدرتی به خودش اجازه بدهد خلاف بیّن حقوق بین‌الملل را انجام بدهد، ما با این مشکل داریم. ما با حمایت آنان از رژیم صهیونیستی، با حضور نظامی‌شان در منطقه و نقض حقوق مردم فلسطین، با بسیاری سیاست‌هایشان علیه جهان اسلام مشکل داریم و آنان هم با بسیاری از برنامه‌های ما مشکل دارند. آنچه فعلا تصمیم گرفتیم این است که موضوع هسته‌ای را در قالب ۱+۵ حل کنیم. البته در همین قالب از دولت گذشته همان طور که مقام معظم رهبری فرمودند گفتگوهای مستقیمی با همه اعضای ۱+۵ بوده است، اما چون ما با آمریکا در هیچ موضوع دیگری گفتگو نداشتیم، این مسأله برجسته می‌شد، نه این که ما با بقیه صحبت نمی‌کنیم؛ صحبت کردن ما با روسیه، چین، فرانسه و آلمان و انگلیس موضوع غیرطبیعی نیست، چون با آنان دارای رابطه سیاسی هستیم و فقط با انگلیس، مدتی رابطه‌مان قطع شد. درباره افغانستان، فلسطین و وضع سوریه بحث می‌کردیم.

ما اکنون می‌خواهیم در قالب ۱+۵ با تک تک اعضا درباره موضوع هسته‌ای صحبت کنیم. با همه از جمله آمریکا صحبت می‌کنیم البته آمریکا بیشترین مزاحمت‌ها را در حوزه هسته‌ای برای ما دارد، چون بیشترین تحریم‌ها در این حوزه مربوط به این کشور است؛ بنابراین بیشترین اقدام در این حوزه باید توسط آمریکا صورت گیرد. طبیعتاً بیشترین فشار مذاکراتی‌مان روی آمریکاست. این خودش نقش آمریکا را در مذاکره بیشتر می‌کند و میزان بحث ما با این کشور بیشتر است. مثلاً برای آزادسازی دارایی‌هایمان، آمریکا باید اقدام‌های مهم را انجام دهد چون مثلاً وقتی دولت ژاپن می‌خواهد پول‌های ما را آزاد کند، آمریکا باید اجازه دهد. ما اساساً معتقدیم که این کار غیرقانونی است و تحریم‌های دوجانبه آمریکا هیچ منبع و مستند قانونی ندارد و خلاف است و صرفاً دلیل آن فشار اقتصادی و سیاسی، یعنی زورگویی است، اما به هر حال بانک‌های چینی و ژاپنی به عنوان مهم‌ترین مشتری‌های نفتی ما به خاطر این فشارها پول‌های ما را نگه می‌دارند.

ما به این‌ها می‌گوییم که به حرف زور گوش ندهند، اما نتیجه‌اش این است که پول ما در آن کشورها کماکان بلوکه است و ما می‌خواهیم پول مردم را آزاد کنیم و نیاز است که گفتگوهایمان با آمریکا بیشتر باشد، اما همه این گفتگوها متمرکز بر بحث هسته‌ای است. ما قصد نداریم در این مقطع درباره موضوع دیگری با آمریکا صحبت کنیم.

از افتخارات نظام جمهوری اسلامی ایران این است که ما تصمیم می‌گیریم راجع به چه موردی با چه کسی صحبت کنیم. اگر روزی نظام، یعنی در رأسش رهبری تصمیم بگیرد و بعد در چارچوب بدنه اجرایی کشور عملیاتی شود و حتماً با مجوز رهبری گفتگو می‌شود، اما فعلاً مجوز کلی رهبری، گفتگو درباره موضوع هسته‌ای است ولاغیر و ما هم به این متعهد هستیم؛ وگرنه ما با آمریکا مشکلات دیگری داریم و آنان هم مشکلات دیگری با ما دارند. آنان ممکن است راجع به مشکلاتشان بخواهند با ما صحبت کنند؛ ما اما هنوز چنین تصمیمی نگرفته‌ایم. اگر روزی تصمیم بگیریم که با آمریکا مذاکره کنیم درباره موضوعات مورد تمایل خودمان است نه موضوعاتی که آنان صرفاً روی میز بگذارند. این تصمیمی امروزی نیست؛ تصمیمی مربوط به آینده است. فعلاً ما به طور قطع تصمیم داریم راجع به هیچ چیز به جز موضوعات هسته‌ای با آمریکا صحبت نکنیم.

● بعد از توافقنامه ژنو، آمریکایی‌ها دو حرکت متضاد انجام دادند. ابتدا با صدور متن مورد نظر خود موجب تحریک منتقدان داخلی دولت شدند و دامنه مخالفت‌ها و انتقادها در داخل با توافقنامه ژنو بالا گرفت. اما در حرکت بعدی، وندی شرمن معاون وزیر خارجه آمریکا در سرزمین‌های اشغالی رسماً اعلام کرد که حتی غنی سازی ایران محفوظ است. تفسیر شما از این دو موضعگیری متضاد آمریکایی‌ها چیست؟

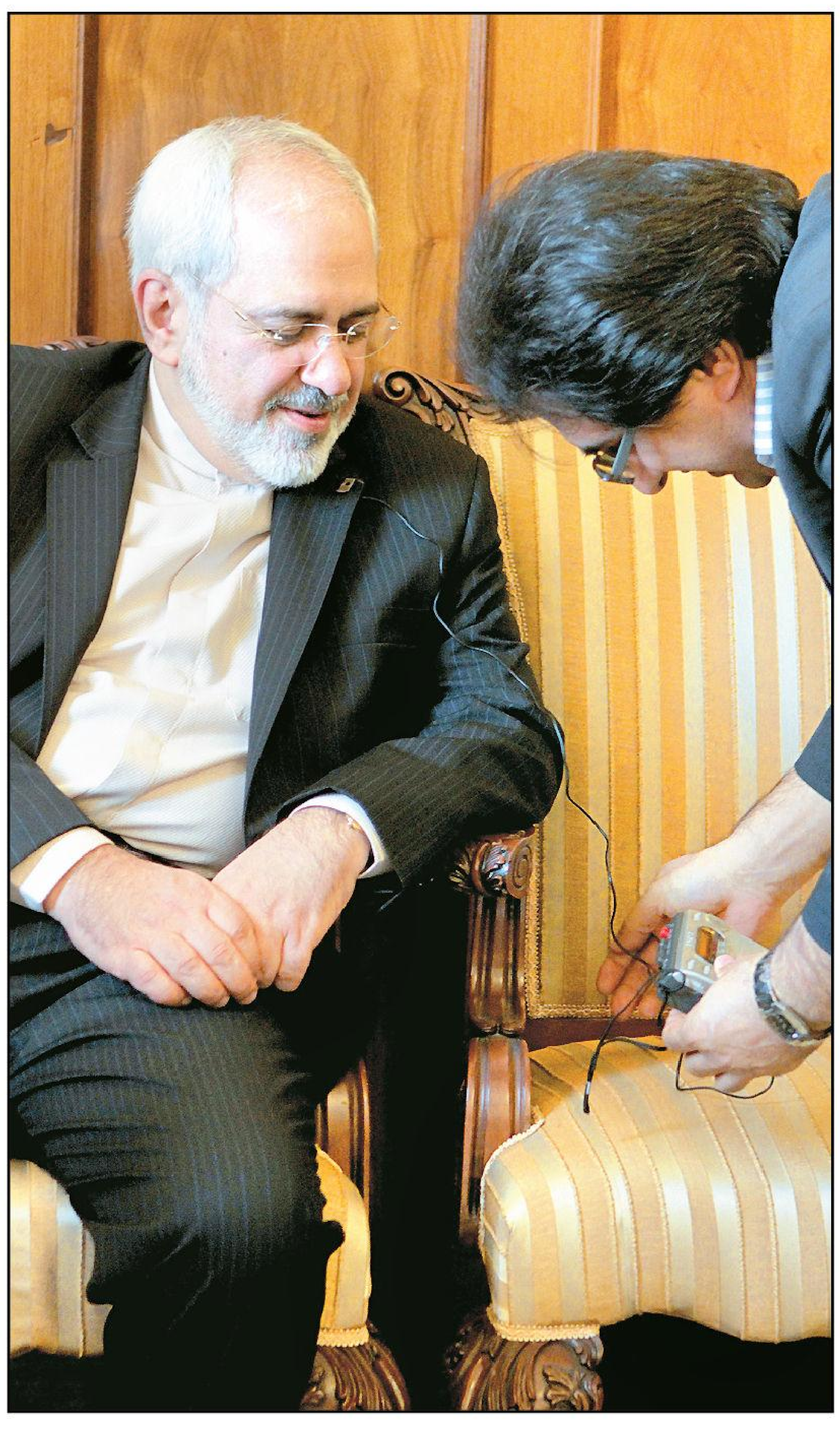
●● تفسیر این است که ما راست گفتیم و آنها راست نگفتند. این نیاز به تفسیر ندارد آنها آمدند متنی را منتشر کردند که درست نبود. بعضی به من ایراد می‌گیرند که چرا شما این کار را نکردید. پاسخم این است که اگر ایراد من این است که من با مردم خودمان صادق هستم آن را با جان و دل می‌خرم. من روز اول که برای رأی اعتماد به مجلس رفتم قول دادم که دروغ نگویم و روی این قولم هستم. دروغ نخواهم گفت. ما

■ آنچه که اکنون برای دیپلماسی نیازمندیم، فهم صحیح شرایط بین‌المللی است

■ مقدمه حضور فعال، مبتکرانه، تأثیرگذار، داشتن ابتکار عمل در بازی است

■ در دیپلماسی ارزشی می‌توانیم بسیار موفق باشیم

متن واقعی را بیرون دادیم آنها متن غیرواقعی را منتشر کردند. دوستان ما در داخل بر اساس متن غیرواقعی آمریکا به ما اتهام زدند. حتی دوستان ما در داخل در مصاحبه با مطبوعات آمریکایی که گفته بودند آقای اوباما دروغ می‌گوید، گفته بودند ظریف دروغ می‌گوید که خیلی برایم تعجب‌آور بود که شکایت دوست را نزد دشمن می‌برند. روزنامه واشنگتن پست می‌نویسد: آقای اوباما چرا به مردم راستش را نگفتید؟ دو هفته بعد یکی از برادران در ایران با همان روزنامه مصاحبه می‌کند که ظریف دروغ گفته و اوباما راست گفته است!



دو ماه بعد از اظهارات اوباما مبنی بر این که اگر می‌توانستند حتی یک پیچ و مهره هسته‌ای در ایران را باقی نمی‌گذاشتند خانم شرمن همین حرف را زد یعنی در واقع نتیجه یک کلمه‌ای این حرف و همه کارها این است که ما راست گفته بودیم.

بنده خوشحالم. گفت: «بهتر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران»

● مردم بدون آنکه وارد جزئیات مذاکرات هسته‌ای شوند، بسیار به نتایج آن دل بسته‌اند و در این تصورند که مذاکرات در کمترین مدت سبب گشایش در وضعیت عمومی کشور، به ویژه اوضاع معیشتی آنها خواهد شد، چگونه می توان ضمن برشمردن دستاوردهای مذاکرات ۱+۵، برای مردم تشریح کرد که باید خود را برای پروسه‌ای زمانبر در این زمینه آماده کنند؟

●● اگر آنچه که از ابتدا تا امروز گفته‌ام را بررسی کنید می‌بینید همیشه تلاشم این بوده است که تصویر واقع بینانه ارائه کنم و این که مذاکرات طولانی است و الزاماً هم حتی توفیق مذاکرات نهایی هم به طور خودکار تبدیل به یک شرایط دیگر نمی‌شود. در توضیح بیشتر، ما باید نگاه کلان به این موضوع داشته باشیم. نگاه کلان چیست؟ نگاه کلان این است که بازی رقبای ما در منطقه و در جهان به هم خورده است. آنها یک بازی طراحی کرده بودند. من موضوع برنامه هسته‌ای ایران را بهانه‌ای برای پیگیری اهداف دیگری می‌دیدم به هر حال بازی‌یی را تعریف کرده بودند و در این بازی راحت بودند؛ چون برایشان تعریف شده بود و معلوم بود که ایران هم مخالفت می کند در آن صورت آنها می‌توانند ایران را به عنوان تهدید امنیتی جلوه دهند؛ پروژه‌ای که در روابط بین‌الملل امنیتی سازی می گویند. این پروژه در طول چند سال اجرا شده بود، البته گفتمان دولت گذشته هم به این پروژه کمک کرده بود نمی‌خواهم دولت گذشته را نقد کنم. ممکن است گفتمان دولت گذشته منافع زیادی داشته اما به این پروژه امنیتی‌سازی به صورت ویژه کمک کرده بود.

گفتمان دولت جدید و این که هیچ کس باور نمی‌کرد که ما درطول سه ماه بتوانیم به نتیجه برسیم و یک توافق داشته باشیم به آن در خارج به یک زلزله سیاسی تعبیر شد یعنی اگر از دیدگاه کلان نگاه کنیم طبیعی است که باید رقبا، مخالفان و بدخواهان ما دستپاچه شوند کما این که شدند.

آقای نتانیاهو حرف‌هایی که زد، شنیدید او گفت: توافق قرن برای ایران و خطای قرن برای غرب اتفاق افتاده است.

بعضی از کشورهای خلیج فارس که بی دلیل و به خاطر تصوراتی که داشتند مبنا را بر دشمن انگاری ایران در دنیا گذاشتند.

اینها هم بسیار نگران شدند و گفتند که آمریکا برنامه هسته‌ای ایران را با اقتدار منطقه‌ای تهران معاوضه کرده است. آمریکا برنامه هسته‌ای را محدود کرد و اقتدار منطقه‌ای ایران را پذیرفت. این یعنی زلزله‌ای در بیرون اتفاق افتاده است. نگرانی، عصبانیت، دستپاچگی و حتی برخی اقدامات تروریستی علیه ما در لبنان، پیشاور و یمن همه برخورد کورکورانه و بچه‌گانه با آن التهاب استراتژیکی است که در آن‌ها ایجاد شد. اگر آنها ناراحت می‌شوند طبیعت‌اش این است که مردم ما خوشحال بشوند. در مردم ما امید ایجاد شد. اما یک طرف دیگر قضیه که مهم است این که ما در جمهوری اسلامی به دلیل سابقه تاریخی، بیشتر مشکلات را از بیرون دیده‌ایم و راه حل را هم در بیرون جستجو کرده‌ایم و این خطر استراتژیک برای ماست. از این رو است که مقام معظم رهبری بارها تکرار کرده‌اند که نگاهتان باید به درون باشد. راه حل را باید در درون نگاه کنید؛ یعنی ما با همه مشکلات بیرونی باید باز هم فقط نگاهمان به این نباشد که اگر مشکل بیرونی حل شد، مشکلات ما حل می‌شود.

بسیاری از مشکلات ما به خاطر سوء مدیریت، فساد، ندانم کاری و برنامه‌ریزی نکردن است، به خاطر نداشتن دیدگاه تخصصی به موضوعات مشکلات ما زیاد شده است. متاسفانه در سال‌های گذشته به صورت بسیار برجسته‌ای این مساله را شاهد بوده‌ایم. این مشکلات ربطی به خارج ندارد و از خارج هم قابل حل نیست. اگر نگاه درونگرا باشد، اگر راه حل را از درون ببینیم ضمن این که بنده وظیفه‌ام درونی نیست من وظیفه‌ام بیرونی است اما اگر مردم می‌خواهند به من، تیم مذاکره کننده و به سیاست خارجی کمک کنند،



نوروز در کردستان

تیره های ایرانی نژاد کرد که در کشورهای ترکیه، عراق، ایران و سوریه زندگی می کنند، جشن نوروز را با شکوه تمام برگزار می کنند. کردها از نظر زبان و مذهب به گروههای مختلفی تقسیم می شوند ولی همه آنها نوروز را جشن می گیرند و به آن نوروز می گویند. نوروز و بهار برای ایرانیان و به خصوص تیره های کرد مفهوم آزادی و رهایی از بند اسارت و بندگی ظلم و جور ستمکاران، زایشی نو و ازسرگیری کار و تلاش دوباره برای زندگی دارد.

در باور ایرانیان کرد بهار یادآور قیام "کاوه"، آهنگر جوانی است که از ظلم و ستم ضحاک، به عنوان نماد تباهی و پلیدی، به تنگ آمده و ملتی را با به بندکشیدن اسوه ظلم، به روشنایی رهنمون شد.

به همین انگیزه، کردها ترجیح می دهند نخستین روز از بهار را به نشانه رهایی از ظلم و بندگی، به آغوش طبیعت، زیباترین جلوه قدرت الهی پناه ببرند. مردم کردستان تحویل سال و آغاز بهار را با روشن کردن آتش که نمادی از سوزاندن بندهای اسارت و کهنگی است، جشن می گیرند.

آتش نوروزی بر اساس باورهای کهن باید در بلندترین نقطه محل زندگی یعنی بام خانه روشن شود که هنوز هم در برخی از مناطق کردنشین این چنین است.

کردهای ایرانی در پیوند با باورهای دیرین و باور سایر اقوام ایرانی دو بار، در چهارشنبه آخر سال و آخرین شب سال آتش روشن می کنند، تاضمن پایبندی به آیینهای باستانی، پیوندی بافرهنگ سایر اقوام ایرانی هم داشته باشند.

افروختن آتش در چهارشنبه آخر سال در فرهنگ و ادبیات ایران بدعتی است که پس از اسلام ایجاد شده است برای حفظ آتش زرتشت و گرامی داشت آن. ولی به این شیوه که چهارشنبه سوری نامیده می شود در متون پیش از اسلام موجود نمی باشد. کردها نیز در این مراسمها با روشن کردن آتش مقدس به رقص و پایکوبی محلی می پردازند و شب خود را به یاد ماندنی میکنند. در روستاهای کردنشین مردم در شب نوروز روی کوهها آتش روشن می کنند و به جشن و پایکوبی می پردازند.

کردهای مروین مثل همه کردهای دیگر، نوروز را با شکوه تمام جشن می گیرند. مراسم آنها در خانه، روی کوهها، در ورزشگاهها یا روی بام خانه ها انجام می گیرد. آنها گاهی نیز از روی آتش می پرند. برای کردها روز نوروز نه تنها روز ثروت و برکت، بلکه نماد صلح و آشتی است.

وین ترکیه در باره این مراسم در شهر زادگاهش می گوید:

مردم مروین صبح نوروز لباس نو می پوشند و به دیدار همدیگر می روند. بعد همه در میدان بزرگی جمع می شوند و رقص و شادمانی می کنند. در این رقص ها -مانند آنچه در کارناوال های اروپایی معمول است - بعضی هم از نقاب استفاده می کنند.

مردم کرد زبان دیگری در ترکیه زندگی می کنند که کردهای زازا خوانده می شوند. این مردم بیشتر در آناتولی شرقی ساکنند و زبانشان کردی زازاکی است. آنها شاخه ای از شیعه های علوی هستند. تقویم کردهای زازا تقویم قدیمی خاصی است که به تقویم امروز میلادی شبیه است. کردهای زازا می گویند که احتمال دارد نام آنها از کامه ساسان یا ساسانیان ریشه گرفته باشد.

زینل ارسلان که یکی از پیشوایان زازاها و ساکن آلمان است، درباره نوروز در میان علوی ها می گوید: "۲۱ مارس را علوی ها جشن می گیرند و اهمیت آن بیش از همه در این است که این روز را به عنوان تولد حضرت علی جشن می گیرند و آئینی برگزار می کنند که جمی نام دارد."

زینل ارسلان این مراسم را در شهر کلن، اما به زبان ترکی رهبری و اجرا می کند، او توضیح می دهد که جمی از کجا می آید و به چه معنی است: "در بین علوی ها جمی به معنی آئینی است که شرکت کنندگان در آن برای عبادت و ستایش گرد می آیند. در این مراسم همه خانواده از زن و مرد یکجا جمع می شوند و آن همیشه با موسیقی همراه است. موسیقی بخش مهمی از مراسم آئینی علوی هاست."

در مراسم جمی ۱۲ نفر از برگزیدگان که در بین آنها زنان نیز دیده می شوند هر یک چیز خاصی مانند آب، حوله یا شمع در دست دارند و به پیشوا که در حال اجرای مراسم است نزدیک می شوند و سجده می کنند، گویی آن چیز به این وسیله تقدیس می شود.

اهمیت نوروز برای کردها صرف نظر از این که به چه زبانی صحبت می کنند و به چه مذهبی اعتقاد دارند، مانند باقی ایرانیان بسیار زیاد است زیرا نه تنها هیچ تفاوت نژادی -زبانی و فرهنگی میان کردها و باقی ایرانیان وجود ندارد بلکه کردها از ریشه های درخت تنومند تمدن و فرهنگ ایران زمین هستند و به عبارتی یکی از پایه های اساسی در شکل گیری این کشور سترگ محسوب می شود (ماد - پارس و پارت) به همین جهت خود را موظف در پاسداری از این کهن ترین جشن گیتی میدانند. به طوریکه کردهای ایرانی ساکن ترکیه برای اجرای این جشن ملی ایران با دولت ترکیه که آنها را تا چند سال پیش از برگزاری نوروز منع میکرد دست به مبارزه نیز زدند.

نوروز در بروجرد

نوروز در منطقه بروجرد همانند سایر مناطق کشور از مقام و اهمیت بالایی برخوردار است و بروجردی ها این آئین باستانی را با شکوه تمام برپا می دارند. با شروع اسفند ماه، خریدهای شب عید آغاز می شود و جمعیت شهری و روستایی زیادی هر روزه در خیابانهای اصلی شهر تردد می کنند که باعث راهبندان و آشفتگی خیابانها و پیاده روها می شود. دستفروشان فرصت را غنیمت شمرده و بساط خود را در خیابانها می گسترانند. بازار بروجرد در این ماه به شدت فعال است و شیرینی، آجیل، مواد غذایی و رخت عید مهمترین کالاهایی هستند که به فروش می روند. با نزدیک شدن به شب عید بر شلوغی بازار افزوده می شود به نحوی که معمولا در چند روز آخر سال خیابانهای منتهی به بازار بروجرد نظیر جعفری، خیام و صفا کاملا توسط دستفروشان مسدود می شوند و تردد ماشین در این مسیرها ممنوع می شود. این بازار تا چند دقیقه مانده به آغاز سال نو همچنان پابرجاست و بعد از تحویل سال نو به یکباره برچیده می شود. طبیعت بروجرد به گونه ای است که در نیمه دوم اسفند و نیز سراسر فروردین بارندگی فراوانی دارد. به همین روی ممکن است گاه بارش شدید باران موجب بر هم خوردن موقتی بازار شب عید، کند شدن دید و بازدیدها و یا ناتمام ماندن تفریح سیزده بدر شود. بروجردی ها علاقه زیادی به گذراندن تعطیلات نوروزی در شهر خود دارند و معمولا سفر به دیگر مناطق را به زمان دیگری موکول می کنند.



گردگیری یا خانه تکانی معروف به گرتوئه معمولا از اوایل اسفند شروع می شود و یک هفته مانده به عید به پایان می رسد. معمولا هر خانواده یک یا دو هفته با گردگیری خانه مشغول است. در این زمان فرشها، پرده ها و لباسها را برای نظافت به فرش شویی ها و خشک شویی ها می دهند و یا آنها را در خانه می شویند. وجود فرشهای رنگارنگ آویخته از بامها، جلوه زیبایی به خیابانهای شهر می دهد. گردگیری به نوعی همراه با بازیابی مواد بی مصرف است و خانواده ها به این ترتیب خانه تکانی واقعی انجام می دهند.

سمنوپزان:

تهیه سمنو و فروش آن، یکی از مشاغل رایج در بروجرد در هفته های آخر سال است و تعدادی از خانواده ها بطور سنتی این حرفه موقت را هر ساله ادامه می دهند. در سالهای اخیر و با سهولت یافتن حمل و نقل، سمنو فروشان بروجرد دامنه فعالیت خود را گسترش داده اند و شهرهای بزرگ کشور بویژه تهران، اهواز و اصفهان شاهد حضور سمنوفروشهای بروجردی هستند. با توجه به قیمت ارزان و کیفیت سمنوی بروجرد، مردم دیگر شهرها نیز استقبال خوبی از آن به عمل می آورند و بدین ترتیب باید گفت که سمنوی بروجرد دارای شهرت ملی شده است.



سامسونگ
SAMSUNG
قرعه‌کشی بزرگ کولرگازی
SAMSUNG
Virusdoctor
۳ دستگاه خودروی بنز
تاریخ قرعه‌کشی اولین دستگاه: ۳ خرداد همزمان با روز آزاد سازی خرمشهر
جهت دریافت اطلاعات بیشتر به سایت www.samservice.com مراجعه نمایید.
زمان جشنواره ۹۲/۱۲/۱ لغایت ۹۳/۶/۳۱
مهلت ارسال مدارک برای قرعه‌کشی اولین دستگاه ۲۰ اردیبهشت
فقط با ضمانت سام سرویس
مرکز تماس: ۸۲۵۵-۰۲۱
SAMSUNG

مدیر کل راه و شهرسازی استان زنجان خبر داد:

تامین سفری سرشار از ایمنی و امنیت برای مسافران نوروزی در استان زنجان



مدیر کل راه و شهرسازی استان زنجان با تبریک سال نو به هم استانی ها و هموطنان عزیز گفت: محورهای مواصلاتی این استان به خاطر قرار گیری در پهنه سرزمینی که با ۷ استان کشور ارتباط مستقیم دارد از اهمیت خاصی برخوردار است و تلاش همکاران من نیز براین است تا سفری سرشار از ایمنی و امنیت برای مسافران فراهم سازیم.

مهندس «حافظ باباپور» مجموع راههای شریانی استان زنجان را حدود ۶۰۰ کیلومتر اعلام کرد و افزود: این میزان محور مواصلاتی شریانی حدود ۲/۴ درصد کل راههای شریانی کشور را شامل می‌شود، در صورتی که ۱/۳ درصد جمعیت و مساحت کشور را داریم، که این امر نشان دهنده آن است، راههای شریانی در استان زنجان از اهمیت خاصی برخوردار است.

این مقام مسئول مجموع راههای اصلی، فرعی، آزاد راه، بزرگراه و راههای روستایی این استان را ۵۷۳۹ کیلومتر عنوان کرد.

مدیر کل راه و شهرسازی با اشاره به اینکه به منظور افزایش ایمنی محورهای مواصلاتی استان اقدامات زیادی صورت گرفته است و رانندگان و مسافران عزیز نیز با رعایت قوانین و مقررات ان‌شاءا... تعطیلات نوروزی بدون حادثه خواهیم داشت، بیان کرد: قبل از آغاز طرح نوروزی، تمامی محورهای مواصلاتی اصلی و شریانی که نیاز به لکه‌گیری و خط‌کشی داشتند و گاردیل‌هایی که با برخورد خودروهای عبوری در طول زمستان از بین رفته بودند، تعمیرات و کارهای آنها به اتمام رسید.

مهندس باباپور، اصلاح علایم و تابلوهای ایمنی و رفع نواقص چراغهای محورها و چراغهای چشمک‌زن، شست و شوی تابلوهای ایمنی و سایر علایم، پاکسازی حاشیه راهها و اصلاح شانه‌ها، برقراری کشیک اکیپ‌های زمستانی و گشت‌های نوروزی بصورت ثابت و سیار را از دیگر اقدامات انجام شده برای ایمنی محورهای مواصلاتی برشمرد و افزود: طرح نوروزی این اداره کل از ۲۵ اسفندماه ۹۲ آغاز شده و همکاران بنده در قالب ۵۰ اکیپ راهداری تا ۲۰ فروردین ۹۳ در ۲۸ نقطه از محروهای مواصلاتی جهت خدمت‌رسانی به هموطنان و مسافران نوروزی و تردد سهل در جاده‌های استان مستقر هستند.

وی با تاکید بر اینکه پرسنل راهداری شبانه‌روز تلاش می کنند تا ایمنی محورهای استان را افزایش دهند تا سفری مطمئن برای مسافران نوروزی فراهم سازند، افزود: در طول این ایام ۴۲۷ نفر از پرسنل با بکارگیری ۲۲۶ دستگاه ماشین‌آلات سبک، نیمه سنگین و سنگین در طول راههای حوزه استحفاظی استان برای کمک رسانی به مسافران عزیز مستقر هستند و در صورتی که مشکلی برای هموطنان و مسافران پیش بیاید و یا خودرو آنها نقص فنی پیدا کند و نیاز به کمک داشته باشند راهداران کمک‌رسان آنان خواهند بود.



به گفته این مقام مسئول، برنامه پاکسازی گروه زنجان پاک نیز با مشارکت تشکلهای غیردولتی، NGOها و با کمک دستگاههای اجرایی از جمله میراث فرهنگی و اداره کل راه و شهرسازی روز جمعه ۱۶ اسفندماه برگزار شد.



اختصاص ۶۰ میلیارد تومان برای روکش آسفالت محورها

مدیر کل راه و شهرسازی استان زنجان از اختصاص ۶۰ میلیارد تومان اعتبار برای روکش آسفالت محورهای مواصلاتی استان خبر داد و گفت: برنامه عمده برای سال ۹۳ که از سوی وزارت راه و شهرسازی ابلاغ شده است، روکش آسفالت محورهای استان است که مقرر شده از مبلغ ۶۰ میلیارد تومان اعتبار تخصیص یافته معادل ۳۰ میلیارد تومان در محور زنجان- تبریز و ۳۰ میلیارد تومان نیز برای سایر محورها هزینه شود و در این راستا مجوزهای لازم از وزارت متبوع اخذ شده و آماده برگزاری مناقصه هستیم.

مهندس باباپور، در ادامه به اقدامات انجام شده در بحث ساخت مسکن مهر در استان اشاره کرد و گفت: تاکنون در استان زنجان ۸۰ هزار واحد مسکن شهری و روستایی در قالب مسکن مهر احداث شده و یا در دست ساخت است که از این تعداد ۶۳ هزار واحد در شهرها و روستاهای استان به متقاضیان تحویل شده و ۱۷ هزار واحد نیز در دست ساخت است.

وی افزود: تا پایان سال ۹۳ بیش از ۸۰ تا ۹۰ درصد پروژه‌هایی که در دست اجرا داریم به اتمام خواهد رسید و ان‌شاءا... جشن بهره‌مندی افرادی که در مسکن مهر ثبت‌نام کرده بودند برگزار خواهد شد.

مدیر کل راه و شهرسازی استان زنجان در پایان بیان کرد: ضمن آرزوی تعطیلاتی خوب و خوش و سفری ایمن، بدون خطر و حادثه برای همه هموطنان گرامی بویژه مسافران نوروزی، سالی سرشار از معنویت، برکت و سلامتی برای همه مردم عزیز ایران اسلامی را از خداوند متعال مسئلت می نمایم.





مدیر راهداری اداره کل راه و شهرسازی استان زنجان تشریح کرد:

اقدامات گسترده اداره کل راه و شهرسازی استان زنجان در نوروز ۹۳

مدیر راهداری اداره کل راه و شهرسازی استان زنجان گفت: امسال بر اساس برنامه ریزی صورت گرفته، ۵۰ اکیپ راهداری باحضور ۴۲۷ نفر از پرسنل و ۲۲۶ دستگاه ماشین آلات سبک، نیمه سنگین و سنگین آماده خدمت رسانی به مسافران برای تردد سهل و روان در جاده های استان است.

مهندس وثوقی با بیان اینکه با توجه به شرایط جوی احتمال افزایش تعداد پرسنل، تجهیزات و امکانات راهداری وجود دارد، افزود: ذخیره سازی نمک و ماسه ، تأمین سوخت ماشین آلات، تأمین نیروی انسانی، آموزش رانندگان نمک پاش و ماشین آلات خاص راهداری، تجهیز راهدارخانه ها و سیستم های ارتباطی آنها، گشت های راهداری و استفاده از لباس فرم برای همه اکیپ ها و نصب GPS بر روی همه ماشین آلات از تمهیداتی است که ایام نوروز جهت راهداری راههای استان در نظر گرفته شده است.

مدیر راهداری اداره کل راه و شهرسازی تأکید کرد: اکیپ های راهداری این اداره کل با استقرار در محل های تعیین شده و انجام گشت های منظم راهداری و در صورت بارش برف انجام عملیات برفروبی و نمک پاشی ضمن حفظ ایمنی تردد در جاده ها در صورت نیاز مسافران و هموطنان به کمک، آنها را یاری و خدمات رسانی خواهند کرد.

وی با اشاره به اینکه تمامی راهدارخانه های استان در صورت بروز هر گونه حادثه ای در محور های استان آمادگی پذیرش مسافرین در راه مانده را دارند، افزود: مسافران و هموطنان عزیز در صورت بروز مشکلی می توانند باشماره تلفن های **۷۲۷۲۰۲۷-۰۲۴۱** و **۷۲۷۲۰۱۷-۰۲۴۱** و جهت آگاهی از اطلاعات یک مسیر مشخص با شماره تلفن **۱۴۱** تماس بگیرند.

اقدامات انجام شده

مهندس وثوقی به اقدامات این اداره کل جهت تامین امنیت و رفاه مسافران نوروزی اشاره کرد و گفت : لکه گیری محورهای مواصلاتی استان و خط کشی راهها، پاکسازی و شستشوی علائم و چراغ های چشمک زن و گارد ریل ها، برقراری کشیک های نوروزی در اداره کل و شهرستان ها و کشیک مدیران اداره کل و ادارات شهر ستان ها و گشت های نوروزی، پاکسازی سطح راهها، شانه ها و پارکینگ ها از نخاله، مصالح و قطعات، تهیه بنرهای هشدار دهنده با شعارهای راهداری و نصب آنها در کلیه محورها از جمله این اقدامات است.

وی مجموع محورهای اصلی، فرعی و راههای روستایی تحت پوشش اکیپ های راهداری را ۵۷۳۹ کیلومتر اعلام کرد و گفت: تعداد ۵۹ گشت راهداری مجهز به جی پی اس و ۳۲ اکیپ راهداری نوروزی در این ایام خدمت رسانی خواهند کرد.

این مقام مسئول از آمادگی مرکز مدیریت راه های استان برای خدمت رسانی در سفرهای نوروزی خبرداد و افزود: کنترل محورهای مواصلاتی از طریق مانیتورینگ و ارتباط مستمر با پلیس جهت اطلاع از وضعیت راهها و رسیدگی به حوادث به وقوع پیوسته در جاده ها بصورت شبانه روز، اطلاع رسانی مستمر به مدیران و مسئولین ، مسافران و هموطنان در خصوص وضعیت و اطلاعات راهها از طریق سامانه تلفن گویای ۱۴۱، سامانه پیامکی ۱۰۰۰۲۴۱۱۴۱ و سایت اینترنتی www.zanjanrah.ir کنترل و مدیریت ناوگان ماشین آلات از طریق سامانه FMS راهداری، ارائه اطلاعات به مسافران از طریق تابلوهای VMS و راه اندازی مراکز مدیریت راهها در ادارات تابعه از دیگر اقدامات و برنامه های این اداره کل جهت خدمت رسانی به مسافران نوروزی است.

راه اندازی شعب مرکز مدیریت راهها در ۶ شهرستان استان

مهندس وثوقی از راه اندازی و بهره برداری شعب مرکز مدیریت راهها در شهرستانهای زنجان، ابهر، خرمدره، سلطانیه، ایجرود و خدابنده خبر داد و بیان کرد : به منظور کسب اطلاع و مدیریت حوادث و رسیدگی به حوادث رخ داده در سطح محورهای مواصلاتی استان این مراکز در شهرستان ها راه اندازی گردیده است.

وی افزود: این مراکز با پنج سامانه پایش و مانیتورینگ توسط دوربین های « سی سی تی وی » و تردد شمار، مدیریت ناوگان توسط «جی پی اس» و «اف ام اس» وایستگاه هواشناسی و سامانه ثبت وقایع راه اندازی شده است.

وی با اشاره به اینکه کنترل محورهای مواصلاتی شهر ستان های زنجان، ابهر، خرمدره، سلطانیه، ایجرود و خدابنده از طریق سایت های نظارت تصویری این شهرستان ها صورت می گیرد، افزود: اطلاع رسانی از وضعیت ترافیکی، تسریع در خدمات رسانی، رسیدگی به حوادث رخ داده در سطح جاده ها و حوزه های استحفاظی و محورهای مواصلاتی استان از اهداف راه اندازی این مراکز است.

مدیر راهداری اداره کل راه و شهرسازی استان زنجان نظارت مستمر بر وضعیت لحظه ای جاده ها را از وظایف اصلی این مراکز اعلام کرد و افزود: راه اندازی مراکز مدیریت شعب شهرستان های زنجانرود، ماهنشان و طارم نیز در دستور کار قرار دارد و بزودی راه اندازی خواهد شد.



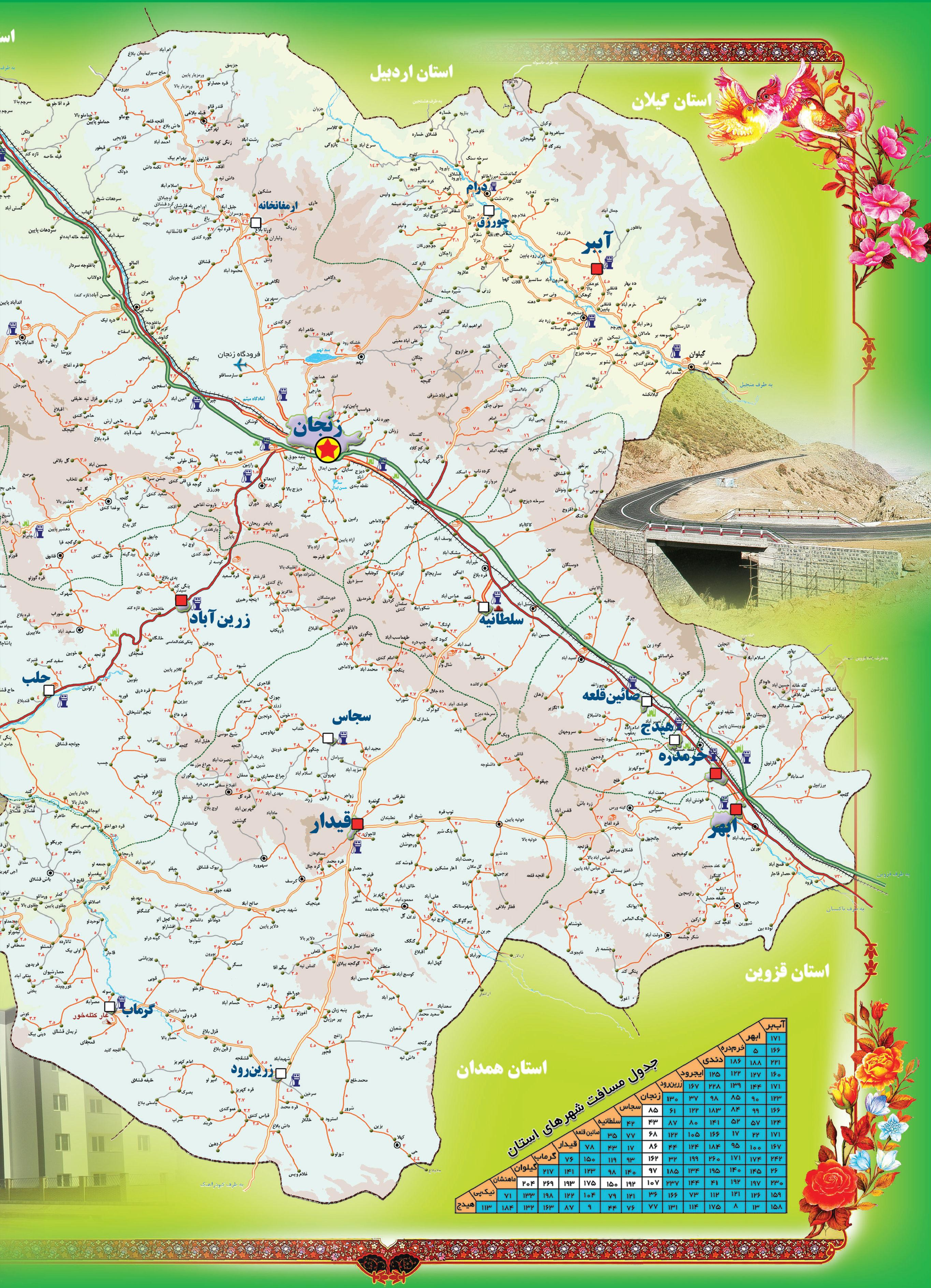
فهرست راهدارخانه‌های استان زنجان

- راهدارخانه آرادان، واقع در کیلومتر ۲۵ اتوبان زنجان ـ قزوین
- راهدارخانه آفتاب، واقع در کیلومتر ۱۵۰ اتوبان زنجان ـ قزوین
- راهدارخانه غزال، واقع در کیلومتر ۱۷۵ اتوبان زنجان ـ قزوین
- راهدارخانه عمیدآباد، واقع در کیلومتر ۴۰ جاده ترانزیت
- راهدارخانه عدل، واقع در کیلومتر ۱۷۰ اتوبان زنجان ـ تبریز
- راهدارخانه تهم، واقع در کیلومتر ۴۰ جاده تهم
- راهدارخانه خانچایی، واقع در کیلومتر ۳۵ جاده زنجان ـ طارم
- راهدارخانه دهجلال، واقع در کیلومتر ۴۰ جاده زنجان ـ خدابنده
- راهدارخانه گوجه بیلاق، واقع در کیلومتر ۷۰ جاده زنجان ـ همدان
- راهدارخانه پاپایی، واقع در کیلومتر ۳۰ جاده زنجان ـ بیجار
- راهدارخانه مادآباد، واقع در کیلومتر ۴۰ جاده زنجان ـ ماهنشان
- راهدارخانه لولک آباد، واقع در کیلومتر ۶۰ جاده زنجان ـ ماهنشان
- راهدارخانه قره آغاج، واقع در جاده ابهر ـ قیدار
- راهدارخانه چایرلو، واقع در جاده زنجان ـ دندی
- راهدارخانه قلی کندی، واقع در جاده زنجان ـ دندی
- راهدارخانه آق کند، واقع در جاده ماهنشان ـ بیجار

همچنین راهدارخانه مرکزی واقع در اداره راه و شهرسازی شهرستان زنجان و تعداد ۹ راهدارخانه مرکزی نیز در شهرستانها آماده ارائه خدمات به هموطنان و مسافران عزیز هستند.





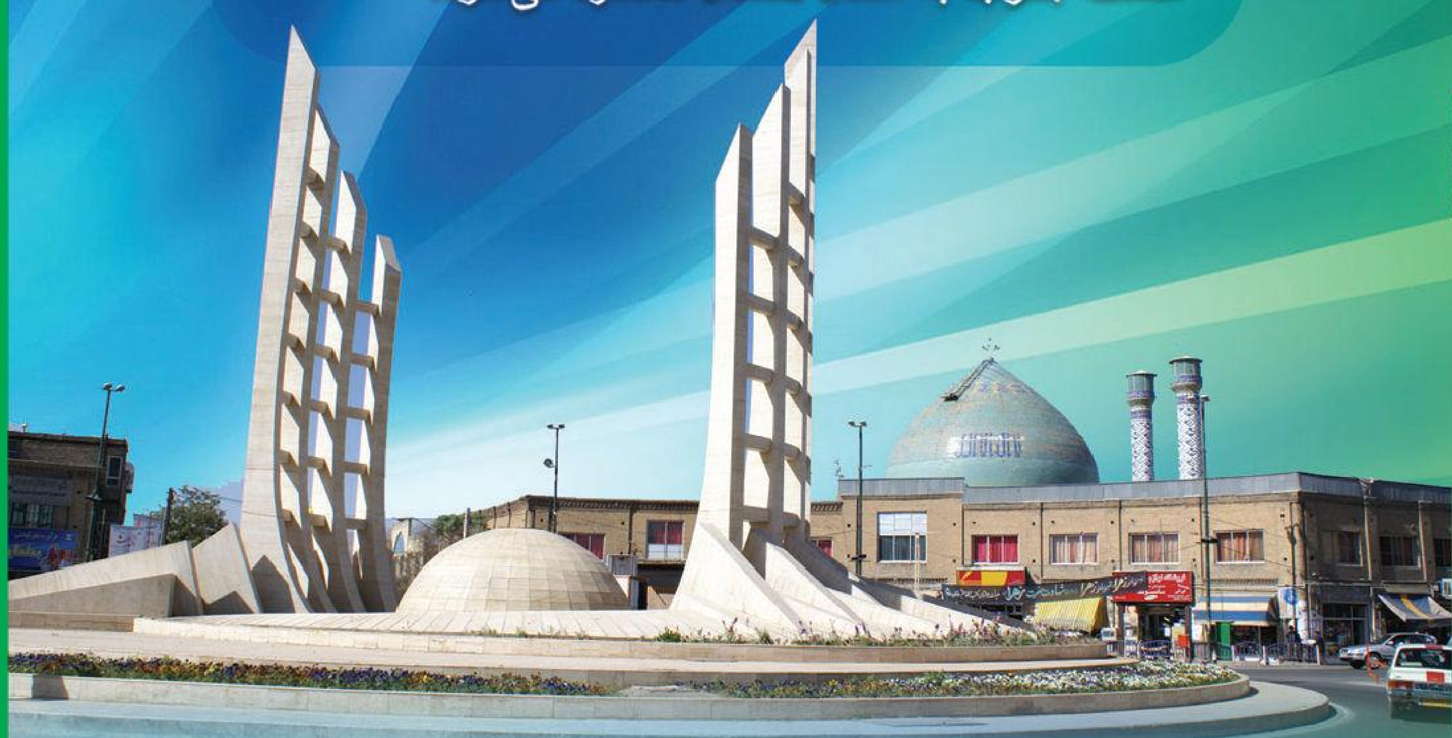


جدول مسافت شهرهای استان

	آب‌بر	ابهر	خرم‌دره	دندی	ایجرود	زرین‌رود	زنجان	سجاس	سلطانیه	صائین قلعه	قیدار	گرماب	گیلوان	ماهنشان	نیک‌پی
ابهر	۱۷۱														
خرم‌دره	۱۶۶	۵													
دندی	۲۲۱	۱۸۸	۱۸۶												
ایجرود	۱۶۰	۱۲۷	۱۲۲	۱۲۵											
زرین‌رود	۱۷۱	۱۴۴	۱۳۹	۲۲۸	۱۶۷										
زنجان	۱۲۳	۹۰	۸۵	۹۸	۳۷	۱۳۰									
سجاس	۱۶۶	۹۹	۸۴	۱۸۳	۱۲۲	۶۱	۸۵								
سلطانیه	۱۲۴	۵۷	۵۲	۱۴۱	۸۰	۸۷	۴۳	۴۲							
صائین قلعه	۱۷۱	۲۲	۱۷	۱۶۶	۱۰۵	۱۲۲	۶۸	۷۷	۳۵						
قیدار	۱۶۷	۱۰۰	۹۵	۱۸۴	۱۲۴	۴۴	۸۶	۱۷	۴۳	۷۸					
گرماب	۲۴۲	۱۷۴	۱۷۱	۲۶۰	۱۹۹	۳۲	۱۶۲	۹۳	۱۱۹	۱۵۰	۷۶				
گیلوان	۲۶	۱۴۵	۱۴۰	۱۹۵	۱۳۴	۱۸۵	۹۷	۱۴۰	۹۸	۱۲۳	۱۴۱	۲۱۷			
ماهنشان	۲۳۰	۱۹۷	۱۹۲	۴۱	۱۴۴	۲۳۷	۱۰۷	۱۹۲	۱۵۰	۱۷۵	۱۹۳	۲۶۹	۲۰۴		
نیک‌پی	۱۵۹	۱۲۶	۱۲۱	۱۱۲	۷۳	۱۶۶	۳۶	۱۲۱	۷۹	۱۰۴	۱۲۲	۱۹۸	۱۳۳	۷۱	
هیدج	۱۵۸	۱۳	۸	۱۷۵	۱۱۴	۱۳۱	۷۷	۷۶	۴۴	۹	۸۷	۱۶۳	۱۳۲	۱۸۴	۱۱۳

موقعیت
استان زنجان

استان زنجان با مساحت ۲۲۱۶٤ کیلومتر مربع با اقلیم کوهستانی در شمال غربی فلات ایران قرار دارد.
این استان از غرب به استان‌های آذربایجان غربی و کردستان، از شمال به استان‌های اردبیل و آذربایجان شرقی، از شمال شرق به استان گیلان، از سمت شرق به استان قزوین و از سمت جنوب به استان همدان محدود می‌شود.



نشانی و شماره تلفن های ضروری

تلفنخانه اداره کل :	۷۲۷۵۰۲۴ (۱۰ خط) - دورنگار : ۷۲۷۳۵۳۲
روابط عمومی :	۷۲۷۸۷۸۰
اداره راه و شهرسازی شهرستان زنجان	۷۲۸۰۴۰۶ - ۸
اداره راه و شهرسازی شهرستان ابهر	۰۲۴۲۵۲۴۱۱۵۱
اداره راه و شهرسازی شهرستان خرمدره	۰۲۴۲۵۵۲۴۰۱۵
اداره راه و شهرسازی شهرستان قیدار	۰۲۴۲۴۲۲۶۲۰۸
اداره راه و شهرسازی شهرستان طارم	۰۲۴۲۲۸۴۳۳۸۲
اداره راه و شهرسازی شهرستان ماهنشان	۰۲۴۲۳۲۲۲۲۵۵
اداره راه و شهرسازی شهرستان ایجرود	۰۲۴۲۳۷۲۲۵۶۷
اداره راه و شهرسازی شهرستان سلطانیه	۰۲۴۲۵۸۲۴۴۲۵
اداره راه و شهرسازی شهرستان زنجانرود	۰۲۴۱۲۶۲۳۳۸۴

آدرس : زنجان - بلوار شیخ اشراق ، خیابان راهدار ، اداره کل راه و شهرسازی استان زنجان
کد پستی : ۸۶۵۴۸ - ۴۵۱۵۷ **سامانه پیامکی اطلاع از وضعیت راه های استان: ۱۰۰۰۲۴۱۱۴۱**
سایت الکترونیکی: www.zanjanrah.ir پست الکترونیکی : info@zanjanrah.ir

فهرست و موقعیت گردنه های استان زنجان

ردیف	نام محور	موقعیت گردنه	نام گردنه	طول (km)	در صد شیب
۱	زنجان -بیجار	۸-۲۴	پاپایی - سرمه لی	۱۶+۰۰۰	۸
۲	زنجان -بیجار	۴۵-۵۵	سعید آباد	۱۰+۰۰۰	۸
۳	زنجان -بیجار	۵۵-۶۰	سعید آباد-قلتوق	۵+۰۰۰	۱۲
۴	زنجان -دندی	۱۶-۳۰	قلی کندی	۱۴+۰۰۰	۸
۵	زنجان دندی	۵۲-۶۵	چایر لو	۱۳+۰۰۰	۸
۶	سه راهی بناب -طارم	۱۱-۵۲	خانچای -چفتان	۴۱+۰۰۰	۱۰
۷	سلطانیه -خدابنده	۱۷-۲۲	دهجلال	۵+۰۰۰	۱۰
۸	ابهر -قیدار	۳۸-۵۴	کینه ورس -قره آقاج	۱۶+۰۰۰	۱۰
۹	خدابنده -آق بلاق	۱۱-۲۹	سازین - گویجه ییلاق	۱۸+۰۰۰	۱۱
۱۰	سه راهی نیک پی -ماهنشان	۱۷-۵۳	اند آباد-ماد آباد -لولک آباد	۳۶+۰۰۰	۱۰
۱۱	ماهنشان -کپز	۱۵-۲۴	آق کند	۹+۰۰۰	۱۰
۱۲	زنجان - تهم چورزق	۲۰-۲۵	آق گدیک	۵+۰۰۰	۸

با رعایت سرعت مجاز و نکات ایمنی، سالم به مقصد برسید.

همواره از کمربند ایمنی استفاده کنید.

ایمنی عبور و مرور در جاده ها
حاصل تلاش شبانه روزی راهداران است



راهنمای نقشه

مرز استان	جاده‌ها
مرز شهر	آزادراه
مرکز استان	بزرگراه
مرکز شهرستان	راه آسفالته اصلی
شهرها	راه آسفالته فرعی
مرکز دهستان	راه آسفالته روستایی
راهدارخانه‌ها	راه شوسه
نمازخانه‌ها	راه‌آهن
پمپ بنزین	

توپوگرافی
- ۳۰۰۱-۳۵۰۰
- ۲۰۰۱-۳۰۰۰
- ۱۵۰۱-۲۰۰۰
- ۱۰۰۱-۱۵۰۰

N
W E
S

روابط عمومی
اداره کل راه و شهرسازی
استان زنجان

مهندس اشکوری، مدیر مجتمع سرب و روی انگوران، وابسته به شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران تشریح کرد:

جزئیات موفقیت‌های به‌دست آمده و برنامه‌های آتی معدن انگوران زنجان

شناسایی عناصر نادر خاکی در معدن، اخذ مجوزهای لازم استخراج ماده معدنی تراورتن، ایجاد کارگاههای آزمایشی در بخش سولفوره و استخراج ۷۰۰ هزار تن ماده معدنی از بخش روباز معدن از برنامه‌های سال ۹۳ واحد معدن انگوران است



مجتمع سرب و روی انگوران یکی از معادن مهم سرب و روی جهان است که ماده معدنی تولیدی آن از عیار بسیار بالایی برخوردار است. این معدن در ۱۳۵ کیلومتری شهرستان زنجان قرار گرفته و برای بیش از ۵۰۰ نفر در معدن اشتغال ایجاد کرده است و شبانه روز بصورت سه شیفت کاری فعالیت می کند.

به گزارش روابط عمومی مجتمع سرب و روی انگوران امسال براساس برنامه‌ریزیهای صورت گرفته، استخراج ۷۳۳ هزارتن انواع ماده معدنی از معدن انگوران پیش‌بینی شده بود که تا ۱۶ اسفندماه ۷۸۲ هزارتن ماده معدنی استخراج شده است.

مهندس ابوطالب اشکوری، مدیر مجتمع سرب و روی انگوران (وابسته به شرکت تهیه و تولید موادمعدنی ایران) با بیان این مطالب افزود: در این مدت بیش از ۷۶۰ هزارتن ماده معدنی پرعیار، مخلوط سولفوره، متوسط عیار و مخلوط کم عیار به شرکتهای خریدار ارسال شده است که حجم زیادی از این ماده معدنی برای شرکتهای مستقر در استان زنجان تحویل گردیده است.

وی میزان باطله‌برداری برنامه‌ریزی شده برای معدن را در سال جاری حدود ۷میلیون تن اعلام کرد و گفت: تاکنون حدود ۶میلیون و ۱۰۰هزار مترمکعب باطله‌برداری انجام شده است.

مهندس اشکوری با بیان اینکه امسال طرحی در بخش زیرزمینی معدن جهت آماده‌سازی استخراج طراحی شده است افزود: در این طرح رمپ بطول ۷۰۰ متر پیش‌بینی شده بود که تاکنون محقق شده است و آماده‌سازی برای رسیدن به ماده معدنی و استخراج در حال انجام است.

مدیر مجتمع سرب و روی انگوران با تاکید بر اینکه تلاش بر این است تا ان‌شاءا... استخراج آزمایشی از بخش سولفوره را از سال ۹۳ آغاز کنیم، افزود: با آماده‌سازی بخش زیرزمینی و شروع تولید از این بخش میزان کاهش بخش روباز جبران و برنامه‌های پیش‌بینی شده برای معدن اجرایی خواهد شد.

این مقام مسئول از شناسایی ماده‌معدنی دیگری در معدن انگوران خبر داد و گفت: با هماهنگی سازمان صنعت، معدن و تجارت به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده‌ایم تا در بخش «تراورتن» بتوانیم با دریافت مجوز اکتشاف در این بخش که در محدوده پروانه بهره‌برداری معدن قرار دارد، به استحصال این ماده معدنی در کشور کمک کنیم.

مهندس اشکوری با اشاره به اینکه براساس پیش‌بینی‌ها، این میزان توده ماده معدنی که در این بخش از معدن قرار گرفته می‌تواند برندی معتبر برای معدن انگوران باشد، بیان کرد: یک توده فلورین نیز در طرح منطقه بهره‌برداری شناسایی شده که در این فاز اکتشاف مقدماتی برای شناسایی این قسمت در برنامه کاری معدن قرار دارد و اقدامات اولیه آن در حال انجام است.

شناسایی عناصر نادر خاکی در معدن انگوران

مدیر مجتمع سرب و روی انگوران، وابسته به شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران، از انجام کارهای پژوهشی، مطالعه و شناسایی عناصر نادر خاکی در معدن انگوران خبر داد و گفت: فاز اول شناسایی این عناصر به اتمام رسیده و در مرحله دوم مطالعه تکمیلی، انتخاب مشاور و پیمانکار نیز انجام شد و با یک شرکت دانش بنیان قرارداد منعقد گردید.

وی اجرای طرح مطالعات زیست‌محیطی در منطقه انگوران و حوضه آبریز منطقه که معدن در آن قرار دارد را از دیگر اقدامات پژوهشی معدن انگوران اعلام کرد و ادامه داد: در این راستا با دانشگاه ارومیه و دانشگاه علم و صنعت تهران قراردادی منعقد شده و کارهای نهایی آن در حال انجام است.

مهندس اشکوری، شناسایی اثرات معدنکاری معدن انگوران در حوضه آبریزی که از منطقه و کوههای مقابل نشات می گیرد و مطالعه اثرات آن بر خاک، گیاه و حیوانات و جانوران منطقه و رفع آلودگی‌های احتمالی را از اهداف مهم این طرح پژوهشی عنوان کرد.

وی یادآور شد: با توجه به هماهنگی‌هایی که صورت گرفته فاز اول این طرح انجام شده و فاز نهایی آن نیز ان شاءا... تا پایان خردادماه سال ۹۳ به اتمام می‌رسد تا در ادامه به رفع آلودگی‌های احتمالی اقدام کنیم.

مدیر مجتمع سرب و روی انگوران ادامه کارهای پژوهشی در بحث محیط‌زیست، شناسایی عناصر نادر خاکی در معدن، اخذ مجوزهای لازم استخراج ماده معدنی تراورتن، ایجاد کارگاههای آزمایشی در بخش سولفوره واستخراج ۷۰۰ هزارتن ماده معدنی از بخش روباز معدن را از برنامه‌های سال ۹۳ واحد معدن انگوران برشمرد.

او موفقیت‌های معدن انگوران را حاصل تلاش شبانه‌روزی بیش از ۵۰۰نفر از کارکنان و کارگران معدن دانست که بصورت شبانه‌روزی در سه شیفت کاری فعالیت می کنند و افزود: کلیه کارهای اجرایی معدن توسط بخش خصوصی و کارهای نظارتی نیز از طریق مشاور بخش خصوصی و تنها کارهای اجرایی بخش مالی از طریق شرکت دولتی تهیه و تولید مواد معدنی ایران انجام می‌شود.

زنجان قطب تولید سرب و روی کشور

مهندس اشکوری معدن انگوران را یکی از مهمترین معادن سرب و روی جهان دانست و بیان کرد: میزان بالای عیار ماده معدنی در انگوران موجب شده است شرکتهای تولیدکننده شمش روی بتوانند به طور مستقیم از این ماده معدنی برای تولید شمش استفاده کنند و وجود این معدن در زنجان باعث شده این استان به عنوان قطب تولید سرب و روی کشور شناخته شود.

وی معدن انگوران را تنها تولیدکننده ماده معدنی در کشور دانست که فروش آن براساس سهمیه‌بندی و پروانه بهره‌برداری شرکتها توزیع می‌شود و یادآور شد: شرکتهایی که از معدن انگوران سهمیه دریافت می کنند به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول شرکتهایی هستند که به طور مستقیم سهمیه ماده معدنی که سرب پایینی دارد را دریافت و شمش تولید می کنند و دسته دوم نیز شرکتهای فرآوری هستند که از ماده معدنی دارای سرب بالا استفاده می کنند.

مهندس اشکوری مجموع شرکتهایی که از معدن انگوران سهمیه دریافت می کنند را ۷۸ شرکت اعلام کرد و افزود: از این تعداد ۱۳ شرکت از ماده معدنی پرعیار سولفوره استفاده می کنند و بقیه نیز شرکتهای تولید شمش هستند که بالغ بر ۷۸ درصد آنها در استان زنجان قرار دارند.

تشکیل کمیته‌ای برای شناسایی مشکلات منطقه

مدیر مجتمع سرب و روی انگوران با اشاره به این که در حال تشکیل کمیته‌هایی جهت شناسایی مشکلات منطقه هستیم، بیان کرد: با تشکیل این کمیته‌ها کمک‌های معدن انگوران را هدفمند خواهیم کرد تا بتوانیم باری از روی دوش مردم برداریم و در محرومیت‌زدایی منطقه کمک کنیم.

وی تعویض لامپهای پرمصرف و استفاده از لامپهای LED و پروژکتورهای LED با مصرف خیلی پایین و عمر طولانی، تبدیل سیم کشی شهرک معدن به کابلهای خودنگهدار، بازسازی تمامی موتورخانه‌های شوفاژ و کاهش مصرف سوخت را از اقدامات انجام شده در مجموعه شهرک معدن برشمرد و افزود: در مجموعه شهرک معدن انگوران در بخش ساختمانها، انرژی و لوله کشی بسیاری از مسائل رعایت نشده و استاندارد نیستند که در برنامه سال آینده این نواقص رفع خواهد شد.

مهندس اشکوری از تعریض جاده معدن طی سال گذشته و امسال خبر داد و گفت: براساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته آسفالت این جاده در سال ۹۳ انجام خواهد شد.

وی ایجاد فضای سبز به میزان ۴ هزار متر مربع در مجموعه شهرک معدن انگوران، درختکاری و اجرای آبیاری قطره‌ای، برگزاری کارگاه‌های آموزشی که مورد استقبال بسیار زیاد پرسنل قرار گرفت، برگزاری مراسم‌های مذهبی در اعیاد مختلف، اعزام کاروانهای زیارتی، برگزاری کلاسهای آموزشی و معرفی پرسنل به کلاسهای آموزشی مرکز استان و برگزاری مسابقات ورزشی را از دیگر اقدامات انجام شده در معدن انگوران اعلام کرد و گفت: سعی و تلاش ما بر این است محیطی در معدن ایجاد کنیم که پرسنل از هر لحاظ در آرامش باشند.

مهندس اشکوری در پایان گفت: فرا رسیدن سال نو را پیشاپیش به همکاران سختکوش و پرتلاش خود در خانواده بزرگ مجتمع سرب و روی انگوران تبریک و تهنیت می گویم و برای تمامی همشهریان و هموطنان عزیز سالی سرشار از سلامتی و موفقیت آرزومندم.



تاریخچه معدن انگوران

● معدنکاری در معدن انگوران به صدها سال پیش باز می گردد . اما از فعالیتهای استخراجی این معدن در گذشته دور نظیر سایر معادن ایران اطلاعات چندانی در دست نیست .

● اولین پروانه بهره برداری معدن انگوران در سال ۱۳۰۱ به نام آقای ابوالقاسم صفاری صادر گردید ، اما در همان سال با مخالفت وزارت جنگ، پروانه بهره برداری معدن موقتا لغو شد. بدین ترتیب فعالیت معدن تا سال ۱۳۲۴ متوقف گردید. در سال ۱۳۲۴ این معدن از طریق مزایده برای مدت ۱۰ سال مجدداً به آقای صفاری واگذار شد و او نیز معدن را به شرکت اتحاد سرب و روی انگوران واگذار کرد. با واگذاری معدن به شرکت اتحاد سرب و روی انگوران، فعالیتهای معدنکاری بصورت ابتدائی و غیر مکانیزه آغاز گردید.

● در تاریخ ۲۸/۱۰/۱۳۳۲ شرکت مزبور باستناد ماده ۳۵ آئین نامه معادن موفق به اخذ پروانه بهره برداری به مدت ۱۵ سال شد .

● در تاریخ ۲۳/۸/۱۳۴۵ شرکت اتحاد سرب و روی انگوران، معدن را به شرکت سهامی انگوران واگذار کرد.

● در سال ۱۳۴۸ معدن انگوران در اختیار شرکت کالسیمین قرار گرفت.

● استخراج معدن به صورت قابل توجه، عملاً پس از سال ۱۳۲۴ با واگذاری آن به بخش خصوصی آغاز شده است. در طی این سالها ماده معدنی به روش زیرزمینی استخراج می شد. قسمت پر عیار آن برای تبدیل به شمش مستقیماً به کوره های تکلیس حمل و قسمت کم عیار ماده معدنی در نزدیکی دهانه تونلهای استخراجی درون دره ای دپو می گردید.

● از سال ۱۳۵۲ بازگشایی معدن بصورت روباز آغاز شد.

● این شرکت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۹، مصادره و ملی اعلام شد. بهرحال شرکت کالسیمین تا اوایل سال ۱۳۷۷ از معدن بهره برداری می کرد.

● در ابتدای سال ۱۳۷۷ بهره برداری از معدن انگوران به شرکت سهامی کل معادن ایران واگذار شد. در اواسط همین سال شرکت سهامی کل معادن ایران بهره برداری از معدن را به شرکت توسعه معادن روی ایران (سهامی عام) واگذار نمود.

● در سال ۱۳۸۱ شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران ، که جایگزین شرکت کل معادن ایران شده و دارنده پروانه بهره برداری از معدن است، با برگزاری مزایده، پیمان استخراج از معدن روباز را به شرکت توسعه معادن روی ایران واگذار کرد.

● از سال ۱۳۸۵ تا به حال عملیات استخراج و بهره برداری از معدن انگوران مستقیماً توسط شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران انجام می گیرد.

● در این معدن با توجه به خصوصیات پیچیده ماده معدنی و ارزش بالای آن لازم است استخراج کاملا انتخابی و مینیاتوری انجام شود. در صورتیکه این روش اعمال نگردد با کاهش عیار ماده معدنی تولید شده مواجه خواهیم بود که باعث کاهش و افت شدید ارزش ماده معدنی خواهد شد.

ژنز کانسار

● بخش سولفیدی دارای منشا هیدروترمال بوده و سپس بخش کربناته توسط پدیده متاسوماتیسم تشکیل شده است.

● کل کانسار در مراحل مختلف ژئوشیمیایی از لحاظ محیط های اکسیدی و احیا همزمان بارسوب گذاری سنگ اولیه تشکیل شده است.

● تشکیل کانسار بصورت رسوبی با منشاء آتشفشانی یعنی منشاء ولکانیکی فلزات محتوی ودر عین حال انتقال رسوبات این محلولها از منشا به محل فعلی و سپس رسوبگذاری آن.

● بخش سولفیدی اولیه که عمدتا از اسفالریت، گالن و پیریت تشکیل شده و بخش کربناته ثانویه که از آلتراسیون بخش سولفیدی وتوسعه پدیده جانشینی آن حاصل شده و اساساً از کانیهای اسمیت زونیت، سروزیت و همی مورفیت به همراه گانگ کربناته و کوارتز تشکیل شده است.

حفاری های اکتشافی و شکل ماده معدنی

از مجموع فعالیت های اکتشافی که تاکنون در منطقه انگوران و بر روی کانسار موجود در این منطقه انجام شده است، تنها اکتشافات فیزیکی کانسار که با حفر گمانه های اکتشافی و مطالعه مغزه های آنها بدست آمده تا اندازه ای قابل اعتماد می باشد. نتایج بدست آمده از سایر موارد که اکثرا در مرحله اکتشاف مقدماتی انجام شده اند، چندان در خور توجه نیستند.

کانسار انگوران با یک شبکه حفاری ۵۰×۵۰ متر مربع توسط ۹۵ حلقه گمانه قائم و دو حلقه گمانه مایل با شیب ۷۰ درجه و در مجموع به طول ۱۴,۵۰۰ متر، اکتشاف شده است. بنابراین چگالی شبکه اکتشافی معدن در حدود ۰/۰۰۴ گمانه بر واحد سطح با طول متوسط حدود ۱۵۰ متر برای هر گمانه بر آورد میشود.

مشخصات هندسی

کانسار انگوران در بخش مرکزی یک تاقدیس ، بین دو بخش دگرگونی شیستی و آهکی واقع شده است . در کمربالای کانسار ، طبقات آهکی قرار دارند و شیب کلی آنها حدود ۲۰-۲۵ درجه به سمت جنوب شرق است . در کمر پایین ، شیست های دگرگونی قرار دارند که شیب کلی آنها ۱۰-۲۵ درجه و درهمان جهت جنوب شرق است.

شکل هندسی کانسار که با استفاده از نرم افزار دیتاماین و براساس اطلاعات حاصل از گمانه های اکتشافی مشخص شده، تقریباً مشابه یک عدسی یا گلابی وارونه و دارای شیبی درحدود ۲۰ تا ۳۰ درجه بطرف جنوب شرق است . در مقاطع افقی، بزرگترین طول کانسار در جهت شمال شرق-جنوب غرب و بزرگترین عرض آن در جهت شمال غرب-جنوب شرق است . کانسار از سطح زمین در تراز حدود ۲۹۸۰ متر رخنمون داشته و عمق آن درحدود تراز ۲۷۰۰ متر است . در تراز ۲۹۸۰ + بزرگترین طول و عرض کانسار به ترتیب ۳۴۰ و ۱۶۰ متر بوده است.

طرح معدن روباز

● تا قبل از اجرای طرح معدنکاری روباز، استخراج از معدن به صورت زیرزمینی و به روش کارگاه و پایه نامنظم انجام می شد. با پیشرفت نسبی عملیات اکتشافی و تعیین ذخیره معدن مقدمات طراحی معدن روباز فراهم آمد و بدین ترتیب اولین طرح روباز معدن که تا مدتها نیز به عنوان طرح نهایی معدن شناخته میشد، در سال ۱۳۴۷ توسط آقای کندی از شرکت گلدر اسوشیت Golder Associate تهیه شد. این طرح برمبنای اطلاعات حاصل از ۵۲ گمانه اکتشافی و رسم مقاطع قائم توسط این اطلاعات تهیه شده است.

● پس از آن طرح های مختلفی تهیه شده و آنچه تا اجراء قبل از ریزش معدن انگوران انجام میگردید، طرح معدن روباز تا افق ۲۷۸۰ بود.

● بررسی ها و مطالعات صورت گرفته نشان می دهد که اقتصادی تر است با توجه به افزایش ظرفیت معدن روباز و تاخیر پیش آمده در طرح زیرزمینی، حد روباز و زیرزمینی به افق ۲۷۴۰ تغییر یابد.

بخش سولفوره معدن انگوران

● با توجه به عیار بالای ماده معدنی سولفوره و ارزش این بخش از ذخیره و مشکلات استخراجی آن به روش زیر زمینی و اجتناب از هرگونه ریسک باید استخراج به روشی کاملا مهندسی و دقیق انجام شود.

عملیات انجام شده در بخش زیرزمین

● احداث تونل های دسترسی در افق های ۲۷۰۰ و ۲۷۷۵

● احداث تونل و دویل ارتباطی بین تونل های فوق و ایجاد تهویه طبیعی برای انجام ادامه عملیات

● احداث پذیرگاه در تونل ها و دو خطه نمودن مسیر حمل و نقل

● احداث کانال بتنی در افق ۲۷۰۰ به منظور هدایت آب معدن زیرزمینی

● نصب سیستم روشنایی تونل ها

● احداث بخشی از رمپ ارتباطی بین افق های ۲۷۰۰ و ۲۷۷۵

● احداث بخشی از افق ۲۷۲۰ جهت دسترسی به ماده معدنی

برنامه عملیات معدنکاری در سال ۹۲ بخش زیرزمینی

● اتمام رمپ ارتباطی بین افق های ۲۷۰۰ و ۲۷۸۰

● احداث طبقات فرعی افق های ۲۷۲۰ تا ۲۷۴۰ جهت دسترسی به ماده معدنی

● ادامه تونل افق ۲۷۸۰ تا رسیدن به ماده معدنی و ایجاد کارگاه آزمایشی استخراج ماده معدنی

● بدست آوردن اطلاعات لازم و کامل جهت انتخاب بهترین و بهینه ترین روش استخراج در بخش سولفوره







زنجان شهر شور و شعور حسینی آماده پذیرایی از میهمانان نوروزی





موقعیت جغرافیایی شهرستان

زنجان باعرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۲۵ دقیقه عرض شمالی خط استوا و طول جغرافیایی: ۴۸ درجه و ۳۱ دقیقه الی ۴۷ درجه و ۵۵ دقیقه طول شرقی نصف النهار گرینویچ در شمال غرب ایران واقع شده است که از شمال با استان‌های اردبیل و آذربایجان شرقی و از شرق با شهرستان‌های طارم و ابهر و از شمال غرب باشهرستان ماهنشان و از جنوب با شهرستان‌های ایجرود و خدابنده هم مرز و همسایه است.

این شهرستان دارای سه شهر شامل : زنجان ، ارمغانخانه ، نیک پی و ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۱۶۶۳ متر و جمعیت آن در حال حاضر ۵۰۰۴۱۰ نفر و دارای سه بخش شامل :بخش مرکزی و بخش زنجانرود و بخش قره پشتلو می باشد که فاصله مرکز شهرستان تا پایتخت نیز ۳۱۹ کیلومتر است.

زنجان پایتخت شور و شعور حسینی و شهر غواصان دریادل، بیش از ۳۰۰۰ شهید، جانباز و آزاده تقدیم انقلاب ونظام جمهوری اسلامی نموده است.

صنایع دستی

براساس شواهد باستان‌شناسی اولین آثار صنایع دستی زنجان را می‌توان ظروف سفالی قرمز رنگ با نقوش هندسی سیاه متعلق به هزاره پنجم قبل از میلاد که در منطقه سلطانیه یافت شده است دانست. در منابع مختلف زنجان همواره به عنوان مهد صنایع فلزی مطرح بوده و در این بین می‌توان به صنایع دستی نظیر چاقوسازی، مسگری، ملیله کاری، قفل سازی، اسلحه‌سازی، چلنگری (آهنگری)، قلمزنی و ...، اشاره نمود.

آثار تاریخی و گردشگری شهرستان زنجان

چشمه آب معدنی ونق؛ چشمه آبگرم روستای ابدال، غار گُلجیک؛ رودخانه زنجان رود؛ رودخانه قزل اوزن؛ حسینیه اعظم زنجان ؛مسجد جامع زنجان ؛ مسجد خانم زنجان ؛بازار زنجان، پل میربهاالدین ؛حمام (گرمابه) تاریخی حسینیه اعظم؛ حمام حاج داداش ؛عمارت ذوالفقاری زنجان ، کاروانسرای سنگی ؛مجموعه تفریحی و کوهستانی ائل داغی (گاوا زنگ، عمارت ذوالفقاری زنجان، پل میربهاالدین؛ بنای رختشویخانه ؛مجموعه بازار سنتی سرپوشیده، موزه مردان نمکی از آثار تاریخی و گردشگری زنجان است که مسافران نوروزی میتوانند از آنها دیدن کنند.

حوزه پروژه های عمرانی و سرمایه گذاری

در سال جاری بیش از ۳۸۰ پروژه بزرگ و کوچک در حوزه شهری و روستایی، عمرانی و تولیدی خدماتی، آموزشی و فرهنگی به بهره برداری رسیده است که با اعتبار نزدیک به ۲۱۰ میلیارد تومان با اشتغالزایی بیش از ۶۰۰ نفر که اهم این اقدامات از محل اعتبارات دولتی و سرمایه گذاری بخش خصوصی (داخلی و خارجی) میباشد.

زنجان بعد از انقلاب

۱. برگزاری ۱۱ دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی با میانگین مشارکت ٪۷۵/۵

۲. برگزاری ۹ دوره انتخابات مجلس شوراهای اسلامی با میانگین مشارکت ٪۷۰

۳. برگزاری ۴ دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری با میانگین مشارکت ٪۷۶/۵

۴. برگزاری ۴ دوره انتخابات شوراهای اسلامی با میانگین مشارکت ٪۷۰/۱۳

- شهری: ۳ شهر با ۳۳ نفر شورا
- روستایی: ۵۵۰ نفر شورای شهر و روستا در ۱۹۸ شورای روستایی

* پیشرفت زنجان در شاخص آموزش عالی:

۲۵ مرکزآموزش عالی از ۴۰ مرکز استان، مرکز آموزش عالی با حدود ۶۰ هزار



پیام نوروزی فرمانداری زنجان

یا مقلب القلوب والابصار / یا مدبر الیل والنهار

یا محول الحول والاحوال / حول حالنا الی احسن الحال

حلول سال نو و بهار پرطراوت را که نشانه قدرت لایزال الهی و تجدید حیات طبیعت می باشد را به تمامی شهروندان و میهمانان عزیز تبریک و تهنیت عرض نموده و سالی سرشار از برکت و معنویت را از درگاه خداوند متعال برای شما عزیزان مسئلت می نمائیم.

خداوند را شاکر وسپاسگزاریم که سال نو و بهاری دیگر را پیش روی ما قرار داد تا گذشته خود را مورد ارزیابی قرار داده و در راه خدمت بیشتر و خالصانه به خلق خدا و نیز جلب رضای پروردگار گام برداریم.

فرمانداری زنجان به نمایندگی از ادارات شهرستان زنجان نوروز سال ۹۳ را به حضور یکایک همشهریان نجیب زنجان و کلیه گردشگران، توریست ها و میهمانان نوروزی که از اقصی نقاط میهن عزیزمان ایران و کشورهای خارجی به این شهرستان سفر کرده‌اند تبریک و شادباش عرض نموده و انشاالله به مسافران و میهمانان نوروزی در شهر شور وشعور حسینی خوش بگذرد و بتوانند از مناظر وطبیعت زیبا و نیز اماکن تاریخی ، تفریحی و مذهبی این شهرستان دیدن نمایند و از نزدیک با آداب و سنن مردمان زنجان آشنا شوند و با خاطراتی شاد وبیاد ماندنی دیار مردان نمکی را ترک نمایند. گام هایتان را به استان غواصان دریا دل گرامی می داریم و امیدواریم که سالی پربار ، توام با صحت وسلامتی و سربلندی در پیش رو داشته باشید.

روابط عمومی فرمانداری زنجان

دانشجو از ۸۰ هزار دانشجو استان در زنجان وجود دارد. میزان باسوادی ٪۹۷، مراکز آموزشی ۴۵۱ مرکز با ۷۳ هزار نفر دانش آموز و ۶ هزار نفر مربی.

* پیشرفت زنجان در شاخص توسعه تقسیمات کشوری:

زنجان بعنوان مرکز استان ۳ شهر، ۳ بخش با ۱۳۴ دهیار، ۱۲ دهستان، ۳۳۴ روستا (۶۸ روستاخالی از سکنه) با تراکم جمعیتی ٪۲۶ روستایی، ٪۷۴ شهری، ٪۴۸ جمعیت استان را در خود جای داده است.

* در حوزهٔ هواشناسی:

استقرار ایستگاه های هواشناسی و توسعه آنها در ابعاد سخت افزاری (به صورت تمام اتوماتیک) از تعداد ۱۲ مورد به ۶۷ مورد و نیز ایجاد ایستگاه های اتوماتیک به تعداد ۳۳ مورد.

* در حوزهٔ گازرسانی:

در حال حاضر گاز ۳ شهر، ۵۶ روستا بهره برداری شده و تعداد ۲۸ روستا در دست اجرا و ۵۵ روستا در برنامه های آتی گازرسانی میباشند. نصب ۶۱۵۰۰ انشعاب با طول خط انتقال ۱۷۹ کیلومتر و از لحاظ درصد برخورداری از گاز، خانوارهای شهری ٪۱۰۰ و خانوارهای روستایی ٪۴۸ از این نعمت برخوردار می باشند.

* در حوزهٔ تامین اجتماعی:

بیش از ٪۴۵ جمعیت از جمعیت حدود یک میلیون نفری استان تحت پوشش درمان قرار گرفته اند . تعداد بیمه شدگان از ۹۰۰۰ نفر به ۱۶۹۵۰۰ نفر و تعداد مستمری بگیر به ۲۳۵۰۰ نفر بعد از پیروزی انقلاب افزایش یافته است. همینطور آمار ها نشان می دهند که درصد جمعیت تحت پوشش به بیش از ٪۵۲ افزایش یافته است.

* در حوزهٔ بنیاد مسکن:

در حال حاضر در ۷۰ روستا طرح هادی اجرا و طرح ۱۸۴ روستا تهیه شده‌اند، ۱۰۰۰ فقره وام تعمیرات مسکن، ۲۰۰۰ فقره وام ودیعه مسکن شهری و تعداد ۸۸۰۰ وام مقاوم سازی اعطا گردیده است. تعداد ۵۲ واحد مسکن مهر در شهرهای زیر ۲۵۰۰ نفر احداث و واگذار و تعداد ۸۰۰۰ فقره سند روستایی و شهری (زیر ۲۵۰۰۰ نفر) صادر و تعداد ۴۰۰ فقره وام در غالب حوادث روستایی اعطا گردیده است.

* در حوزهٔ راه و شهرسازی:

درحال حاضر طول راه های احداث شده شهرستان دارای آزادراه ۵۲ کیلومتر بصورت معمولی و ۳۲۱ کیلومتر بشکل همسنگ میباشد، که در حال حاضر جمع طول راه های احداث شده بصورت معمولی ۱۰۳۰ کیلومتر و بصورت همسنک ۲۰۵۹ کیلومتر میباشد.

تبدیل ارمغانخانه و نیک پی به شهر نیز در حوزه شهرستان اجرایی شده است.

* در حوزهٔ آبفای شهری:

در سال ۹۲ :۴۰۰۷۷۶ نفر ، در سال ۹۲ : ۱۰۰۳۲۰ فقره ، در سال ۹۲: ۸۲۴۵۰ مترمکعب ، در سال ۹۲: ۸۴۵ کیلومتر و تاکنون ٪۹۹/۹ جمعیت شهری تحت پوشش آب شرب می باشند. جمع آوری فاضلاب خانگی درحال حاضر ۱۲۵۰۰۰ نفر در فاز اول شبکه جمع آوری فاضلاب به تصفیه خانه انتقال داده میشود و تاکنون ۳۴۴ میلیارد تومان در این بخش هزینه شده است که به میزان ۲۷۲ کیلومتر طول شبکه جمع آوری فاضلاب می باشد و در حدود ٪۲۳ جمعیت تحت پوشش شبکه فاضلاب قرار گرفته اند.

* در حوزهٔ جهاد کشاورزی:

تولید محصولات زراعی ۴۵۰۰۰۰ تن _ تولید محصولات باغی ۶۹۰۰۰ تن _ تولید محصولات دامی از ۶۷۰۰۰ تن _ اجرای آبیاری بارانی ۲۰۴۰ هکتار، قطره ای ۱۲۰۰ هکتار ، ضریب مکانیزاسیون نیز با ٪۳۱۰ افزایش روبرو بوده است.

* در حوزهٔ گمرک:

با توجه به اینکه گمرک زنجان از سال ۷۶ شروع بکار نموده است از بدو تأسیس تاکنون : میزات صادرات ۱۱۵۰۰۰ تن با ارزش ۲۱۹ میلیون دلار _ میزان واردات ۷۱۰۰۰ تن با ارزش ۲۰۶ میلیون دلار میباشد و درآمد گمرک نیز مجموعاً ۴۷۷ میلیارد ریال بوده است.

* در حوزهٔ آموزش و پرورش:

میزان باسوادی • در حال حاضر: ٪۹۷ • تعداددانشجو: ۶۰ هزارنفر • تعداد دانشگاه: ۲۰ واحد • تعداد آموزشگاه ۵۵۱ مرکز فعال داریم • قبل از انقلاب یک دانشگاه و آموزشکده بوده • درصد باسوادان روستایی ٪۸۷ و در بخش شهری ٪۱۰۰ • تعداد کلاس ها در مقاطع تحصیلی راهنمایی و متوسطه ۷۰۲ و به ۱۱۴ • تعداد مراکز فنی و حرفه‌ای ۹ مورد

* در حوزهٔ دامپزشکی:

ارزیابی شاخص های نظارت و کنترل بهداشتی و مبارزه با بیماری های دام و طیور و آبزیان و... نشان دهندهٔ رشد بیش از ٪۱۰۰ در این حوزه پس از پیروزی انقلاب اسلامی می باشد.

* در حوزهٔ کمیته امداد امام خمینی:

در حوزهٔ حمایتی و فقرزدایی به تحت پوشش درآمدن ۱۳۶۱۳ نفر در قالب ۷۱۷۶ خانوار و اکرام ایتام توسط ۳۶۵۸ نفر خیر و حامی برای ۶۲۱ فرزند یتیم می توان اشاره نمود.

در بخش توانمند سازی محرومین می توان به تحت حمایت درآوردن ۱۱۰۷ دانش آموز، ۴۳۵ دانشجو، ایجاد ۳۴۹۴ فرصت شغلی، اعطای تسهیلات و کمک هزینه ازدواج، خرید، احداث و تعمیر مسکن به ۳۳۲۴ خانوار نیازمند.

* در حوزهٔ بهداشت و درمان:

۱۴ مرکز بهداشت روستایی، ۸ مرکز شهری و نیز تعداد ۱۰۴ خانه بهداشت و ۱ مرکز شبانه روزی شهری، ۱ مرکز مشاوره بیماریهای رفتاری، ۱ مرکز آموزش بهورزی با تربیت ۱۸۰ بهورز، ۲ مرکز تجمیع خدمات دندانپزشکی جهت ارائه خدمات بهداشتی درمانی و همینطور در راستای شناسایی و غربالگری بیماریهای ویروسی و واگیر دار ایجاد گردیده است.

تحت پوشش قرار دادن ۲۷۳۵ بیمار دیابتی، ۲۷۳۵ بیمار مبتلا به فشار خون، ۷۲۰ زوجین جهت پیشگیری از تالاسمی ماژور، ٪۷۵,۶ تحت پوشش تنظیم خانواده.و ٪۹۰ خانوارهای روستایی نیز از آب آشامیدنی سالم برخوردار می باشند.

* در حوزهٔ غله و آرد و نان:

فضای ذخیره سازی سالیانه گندم از ۵۰۰ هزار تن.

تعداد نانواییها ۹۰۰ واحد و در حوزهٔ روستایی ۶۰۰ واحد.

ظرفیت تولید ماهیانه آرد ۲۵۰۰۰ تن.

* در حوزهٔ آب منطقه‌ای:

۵ سد بهره برداری شده و ۲ سد در دست اجرا و ۹ سد در دست مطالعه می باشند.

میزان اراضی قابل کشت تحت پوشش تاسیسات آبرسانی سدها نیز ۱۰۴۲ هکتار می باشد.

* در حوزهٔ فرودگاهی:

فرودگاه زنجان از سال ۷۹ بهره برداری شده و تا اکنون با دارا بودن کلیه مجموعه های مورد نیاز یک فرودگاه مرز هوایی با تمامی تجهیزات مربوطه مطابق با استانداردهای بین المللی، برای پروازهای مسیر مشهد، حج عمره و عتبات عالیات دایر و در حال خدمت رسانی می باشد.

* در حوزهٔ بهزیستی:

هم اکنون خدماتی نظیر گردآوری، نگهداری و ساماندهی کودکان خیابانی، ایجاد مراکز نگهداری اطفال و شیرخوارگاه، ایجاد اشتغال و احداث اماکن ورزشی برای معلولین و مددجویان و نیز تست هر ساله بینائی کودکان جهت جلوگیری از تنبلی چشم را عهده دار می باشد.

شماره های تماس فرمانداری زنجان

روابط عمومی: ۴۲۷۱۰۹۱

دفتر فرماندار: ۴۲۷۳۰۶۰-۴۲۷۳۰۷۰

شورای هماهنگی مدیریت بحران شهرستان: ۴۲۷۲۲۱۱

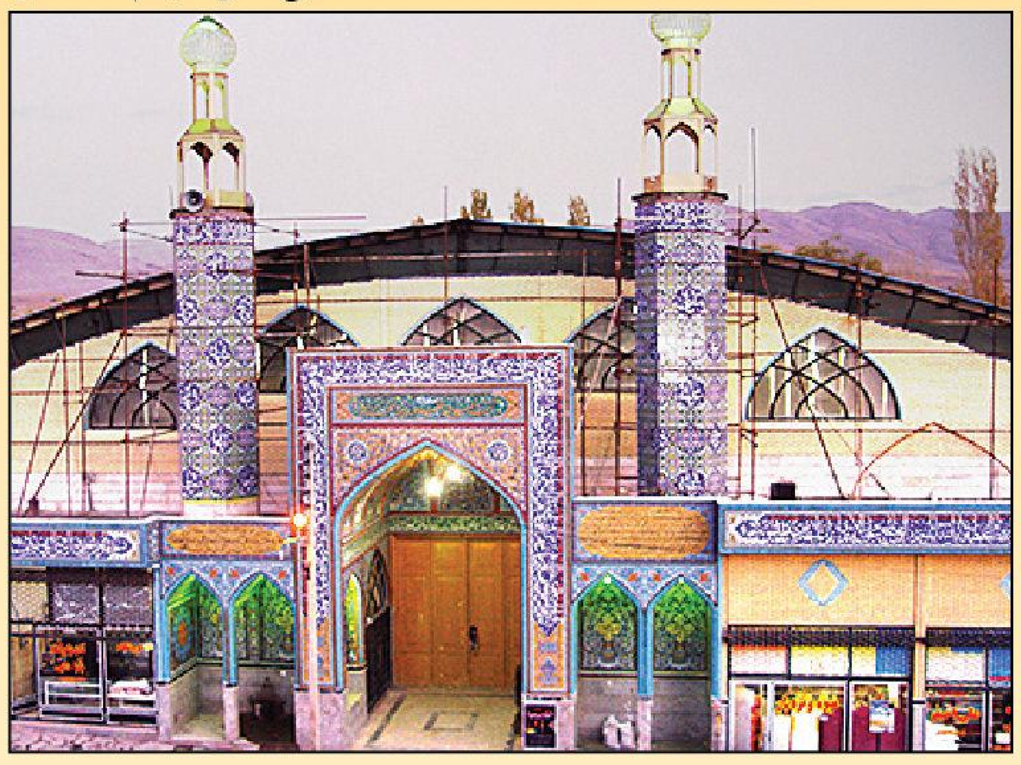
فاکس فرمانداری: ۴۲۷۳۰۸۰-۴۲۷۳۰۸۱

آدرس وب سایت فرمانداری زنجان: www.zanjan.gov.ir

تکیه حسینی اعظم ارمغانخانه

ارمغانخانه
شگفتی های یک شهر باستانی

عکس ها از: میثم محمدی



تاریخچه ارمغانخانه

شهر ارمغانخانه مرکز بخش قره پشتلو از توابع شهرستان زنجان در ۳۵ کیلومتری زنجان واقع شده و از نظر مختصات جغرافیایی در ۴۸ درجه و ۳۲ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۵۸ دقیقه عرض جغرافیایی در غرب شهر زنجان استقرار یافته است میانگین ارتفاع محدوده شهر از سطح دریا ۱۹۴۰ متر می باشد.

این شهر در بهمن ماه ۱۳۸۷ با تصویب هیأت وزیران بعنوان شهر شناخته شده و از تیر ماه ۱۳۸۸ شهرداری در این شهر تاسیس و فعالیت خود را آغاز نموده است

ارمغانخانه در اصطلاح محلی «ارما خانا» تلفظ می شود و از کلمه «ایرماکانا» گرفته شده است و قدمت این شهر به دوره اشکانیان برمی گردد. در نزدیکی ارمغانخانه تپه‌های باستانی متعددی وجود دارد که مردم شهر آن را با نام توریاخ قالا می شناسند. این تپه در فهرست آثار ملی ایران با شماره ثبت ۷۴۰۶ به نام تپه دوسران ثبت شده است بررسی‌های تاریخی که از این ویرانه ها به عمل آمده حاکی از قدمت چندین هزار ساله شهر است. بسیاری از مورخان بر این عقیده‌اند که شهر تاریخی ارمغان خانه توسط یک زلزله مهیب ویران شده و بازماندگان آن، شهری در نزدیکی ویرانه‌های شهر باستانی بنا کرده‌اند.



تعزیه و شبیه خوانی در ارمغانخانه زنجان

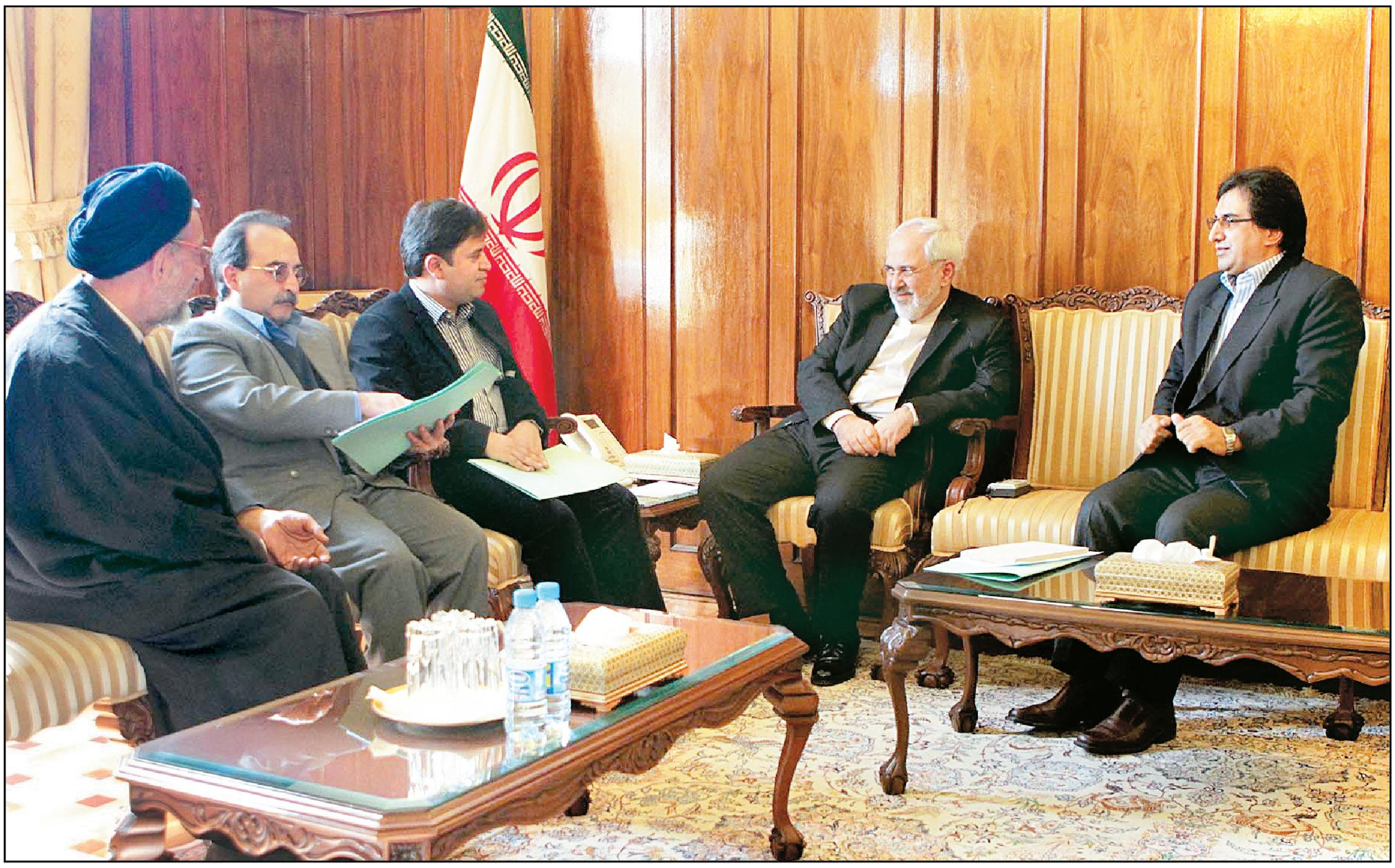
مراسم عزاداری و تعزیه خوانی در تکیه حسینی ارمغانخانه یکی از معروف ترین تعزیه خوانی‌های ایران است که از حدود ۴۰۰ سال پیش به زبان ترکی برگزار می‌شود. و در سال ۱۳۸۹ در شمار میراث معنوی ایران به ثبت ملی رسیده است. این مراسم از اول محرم تا چهاردهم محرم و از اربعین تا بیست و هشتم صفر برگزار می‌شود. تکیه حسینی اعظم ارمغانخانه از قدیمی ترین تکیه‌های شمال غرب کشور به شمار می‌آید.

به نقل از بسیاری از بزرگان و ریش سفیدان خصوصا استاد حاج فیروز رستمی که از تعزیه خوانها و تعزیه گردانان معروف می باشد و همچنین زنده یاد استاد میرزا باقر اسکندری که خود از تعزیه خوانها و تعزیه گردانهای مشهور بود. در حدود ۴۰۰ سال پیش شخصی به نام عیوض نسخه‌های تعزیه را از «درگزین» همدان آورده که بعدا توسط توکل خان مرحوم مورد ویرایش قرار گرفته است.

تکیه ارمغانخانه در ادوار گذشته توسط مردم و افراد خیر چندین بار مورد ترمیم و بازسازی قرار گرفته است که از آن جمله می توان از مرحوم فاطمه خانم، مرحوم حاج مسیب اسدی و مرحوم حاج صفر افشاری نامبرد و به دلیل نامناسب و نامتناسب بودن و عدم جوابگویی به خیل مشتاقان نیاز به ترمیم و بازسازی اساسی داشت که اخیرا افراد خیر به همت اهالی و کمکهای دولتی دست به چنین اقدامی زدند و تکیه را از هر باب بازسازی نمودند و به شکوه و جلوه آن افزوده شد.

هنر تعزیه در شهر ارمغانخانه با قدمتی که دارد سال هاست که توانسته در طول سال نظر مخاطبین فراوانی از اقصی نقاط ایران اسلامی را به خود جلب نماید.

نشانی سایت
تکیه حسینی اعظم ارمغانخانه
www.tazieharmaghan.ir



باید حتماً تمرکزشـــان به حل موضوع از درون باشد و آنچه که مقام معظم رهبری و مجموعه مســئولان نظام به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح کردند به معنی اقتصاد ریاضتی نیست؛ به معنای اقتصاد درونزاســت. این دیدگاه به ما کمک می کند که با دست قویتر در مذاکره حاضر شویم، لذا همیشه باید یک نگاه متوازن داشـــته باشیم. باید مردم خوشحال باشند، به همان دلیل که رقبا و بدخواهـــان مـــا ناراحتند: اما این به معنای آن نیســـت که فردا می توانیم نتیجه آن را در مشکلات اقتصادی داخلی ببینیم. نه ما باید مشکلات اقتصادی داخلی را در داخل حل کنیم. از خارج هم کمک بگیریم و حتماً مجموعه دســـتگاه سیاســـت خارجی یکی از بزرگترین اهدافش کمک به توســـعه کشـــور و معیشت مردم اســـت. من حتـــی یک لحظه هم این وظیفـــه را فراموش نمی کنم. این وظیفه را ما داریم و در کنارش باید آن خود آگاهی و خودباوری را هم داشته باشیم تا بتوانیم به نتیجه برسیم. اعتقاد دارم تنها عاملی که باعث شـــد ما بتوانیم مذاکره موفق داشـــته باشـــیم، حضور مردم در انتخابـــات خرداد بود. یعنی این عامل باعث شد که طرف مقابل از این که بتواند با فشار این مردم را از دولت جدا کند ناامید شد، لذا به این نتیجه رسید که باید با این دولت مذاکره کند. به طور قطع دیپلماسی بدون اقتدار داخلی و سرمایه اجتماعی و پشتوانه مردمی هیچ محتوا و توفیقی ندارد.

● **اشکالات دیپلماسی ما از آغاز مذاکرات چه بوده است؟ آیا می‌شـــد مذاکـــرات را به شـــکل بهتری پیش برد تـــا اکنون در نقطه بهتری قرار داشته باشیم؟**

●● این که نگاه به گذشته داشته باشیم؛ بنده هم جزئی از دیپلماسی جمهوری اسلامی بودم. لذا این که بخواهیم گذشته را نقـــد کنیـــم گرچه من اگر نقد کنم بیشـــتر رفتـــار خودم را در گذشـــته نقد می کنم تا رفتار دیگران را و این خیلی راه به جایی نمی‌برد. دیپلماســـی ما تخصصی نبوده و در بسیاری از زمان‌ها براســـاس آزمون و خطا بوده و چاره‌ای جز این نداشـــتیم. فکر می کنـــم در دوره‌هایی چاره داشـــتیم ولی در دوره‌ای در ابتدای انقلاب چاره‌ای نداشتیم. وضع ما به گونه‌ای بود که نیاز داشتیم گروهی با دیدگاه جدیدی بیایند و شرایط بین‌المللی را محک بزنند، اندازه‌گیری بکنند و ببینند چه اقداماتی مفید است و چه اقداماتی مفید نیست.

کســـی هم نیامده بود که راهکاری ارائه دهد، راهنمایی یا کتابی برای دیپلماســـی انقلابی برای کشوری که تصمیم گرفته اســـت در مقابل دو قطب دنیا بایستد تدوین کند. مخصوصاً که با فشـــارهای جنگ و توطئه‌هایی که از بیرون علیه انقلاب بود، مواجه بودیم.

بـــه نظـــر من آنچه که در آینده ضرورت دارد بیش از آن که بخواهیم نقد گذشته کنیم، این است که دیپلماسی‌ای موفق است که مبتنی بر شـــناخت صحیح باشـــد. ما باید بفهمیم دنیا به کدام سمت می‌رود، باید بفهمیم که چگونه دنیا در حال تحول است نه برای این که خودمان را با آن تطبیق بدهیم، بلکه برای این که بتوانیم از نقاط خالی این دنیای در حال تحول اســـتفاده بکنیم. در حوزه‌هایی که مزیت نســـبی داریم، خودمان را مستقر کنیم؛ نهادینه کنیم. یک زمانی دنیا، دنیای متصلب دو قطبی بود و خیلی جای خالی نداشـــت و زمین بازی‌اش خیلی محدود بود. البته همان زمان هم حضرت امام به درستی بعضی جاهای خالی را شناسایی کردند و ایران را در موقعیتی گذاشتند که وقتی جنگ ســـرد تمام شـــد، ایران موقعیت خوبی برای بازیگری داشـــت، اما اکنون واقعاً شـــرایطی ایجاد شـــده است که دولتی مثل قطر هم احساس می کند می تواند بازیگر باشد. یعنی دولت‌ها بسیار فراتر از قد و قواره‌شـــان می توانند بازیگری داشته باشند؛ حتی فراتر از دولت‌ها، گروه‌ها، موسسات و شبکه‌ها می توانند بازیگر باشـــند. حتی شبکه‌های فراملی، گروه‌های مختلف یک اقلیت قومی در کشورهای مختلف وقتی جمع می شوند به عنوان یک بازیگر جهانی عمل می کنند و می توانند تاثیرگذار باشند، افراد می توانند تاثیرگذار باشند، به شکل نامطلوب آن مثل اسامه بن لادن به هر حال شـــرایط بین‌المللی ســـیال شده است و به شما اجـــازه بازیگری می دهـــد، اما در عین حال خطای در بازیگری هم، افراد یا دولت‌ها را به نتیجه صدام و قذافی و میلوسوویچ و امثال این‌ها می کشـــاند. همواره در تاریخ روابط بین‌الملل و در شرایط انتقالی دولت‌ها مضمحل شدند. امپراتوری‌ها در شرایط انتقالی بود که شکست خوردند.

شرایط انتقالی چنین خاصیتی دارد. من مثال‌هایی که زدم با دقت انتخاب شـــده است. مثلاً صدام تلاش کرد گردن‌کشی کند، قذافی تلاش کرد امتیاز بدهد و هر دو آنها براساس اشتباه و محاســـبه غلط از شـــرایط انتقالی کارشان به شکست کشید و محکوم به اضمحلال و نابودی شدند؛ لذا آنچه که اکنون برای دیپلماسی نیازمندیم، فهم صحیح شرایط بین‌المللی است. فهم صحیح به معنای پذیرش یک چارچوب نیست، بلکه به معنای آگاهـــی برای تاثیرگذاری و تعیین چارچوب خودتان اســـت. بعضی‌هـــا وقتی مـــن می گویم فهم صحیـــح، می گویند طرف می‌خواهد و این یک مقدمه وادادگی است؛ در حالی که اصلاً این گونه نیست. مقدمه حضور فعال، مبتکرانه، تاثیرگذار و داشتن ابتکار عمل در بازی و این که شما بدانید بازی چیست؟ بدانید اینجا چه کار قرار اســـت بکنید. بدانید در این بازی چه قدرتی به شـــما توان بازیگری می‌دهد. در شـــرایط کنونی بین‌المللی خـــود قدرت‌های بزرگ اقتصادی و نظامی هم به دنبال قدرت تأثیرگذاری معنایی هســـتند. البته توان تأثیرگذاری معنایی‌مان خیلی بالاســـت و باید از همین مزیت که داریم بیشترین میزان بهـــره را ببریم. نمی گویم دنبـــال بقیه موارد نرویم، اما بدانیم که اکنون ما مزیت نســـبی‌مان در این حوزه است. ما در دیپلماسی ارزشی می توانیم بسیار موفق باشیم.

در دیپلماسی فناوری می توانیم موفقیت بالایی کسب کنیم. در دیپلماسی عمومی حتی می توانیم موفق باشیم به شرطی که بفهمیم لازمه بازی در دیپلماسی عمومی چیست.

بازی و ابزار آن را بشناســـیم تـــا بتوانیم حضور پیدا کنیم. امیدوارم بالاخره بعد از ســـی و چند ســـال دوباره وارد مرحله آزمـــون و خطا نشـــویم، بلکه از خطاهای گذشـــته‌مان تجربه بیندوزیم. شـــرایط را به خوبی درک کنیم و برای شرایط جدید بهترین ابزارها را بســـازیم تا این که از طریق بازی درســـت توان ملی جمهوری اسلامی ایران را که بالا هم هست به کار گیریم.

مـــا توانی منبعث از اســـتقلال و خودباوریمان داریم. این داشته‌های کمی نیست. اکنون بسیاری از کشورها با نامه معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا هم تصمیماتشان را عوض می کنند. این که شـــما این وضع را ندارید به شـــما قدرت فراوان می‌دهد. ما باید یاد بگیریم از این قدرتمان استفاده کنیم. بدانیم که این مبنای قدرتی ماست. خیال نکنیم که این مبنای ضعف ماست. بدانیم که دیپلماســـی ارزشی و پیگیری آرمان‌ها برای ما ایجاد قدرت کرده است لذا باید از آن استفاده کنیم. نباید اهداف آرمانی و ملی را در نقطه تضاد قرار دهیم که دولتمردان ما مجبور شوند برای تقویت اهداف ملی از اهداف آرمانی خرج کنند.

شایســـته اســـت کاری کنیم کـــه همزمان اهـــداف ملی و آرمانی هم افزایی کنیم، چون این‌ها در یک مسیرند کما این‌که بســـیاری از دولت‌هایی که در گذشـــته توانسته‌اند موفق شوند هیچ وقت نگفته‌اند اهداف آرمانی ما از اهداف ملی جداســـت. در سیاست عملی آمریکا همیشه اهداف آرمانی فدا می‌شود، اما

■ **اگر ایرادم این است که با مردم خودم صادق هستم، آن را با جان و دل می‌خرم**

■ **من روز اول که برای رأی اعتماد به مجلس رفتم قول دادم که دروغ نگویم و روی این قولم هستم**

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان تشریح کرد:

موفقیتهای شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان

امسال ۳۳۵ پروژه شرکت توزیع نیروی برق در سطح استان زنجان به ارزش ۴۸ میلیارد و ۸۸۰ میلیون ریال افتتاح شد و به بهره‌برداری رسید.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان با اعلام این خبر افزود: از این تعداد پروژه ۶۱ پروژه با بیش از ۲۰۰ میلیون ریال و ۲۷۴ پروژه نیز با کمتر از ۲۰۰ میلیون ریال، شامل پروژه‌های تامین برق صنایع، مراکز بهداشتی و درمانی، کشاورزی و دامپروری، مجتمع‌های مسکونی، رفع ضعف ولتاژ و کاهش تلفات، اصلاح و بهینه سازی شبکه و روشنایی معابر به بهره برداری رسید.

مهندس «عادل کاظمی» تعداد مشترکین شرکت توزیع نیروی برق استان را ۳۷۰ هزار مشترک اعلام کرد و گفت: از این تعداد ۳۰ درصد مشترکین مناطق روستایی و ۷۰ درصد نیز مشترکین بخش مولد استان شامل ۶ هزار مشترک بخش کشاورزی و ۱۰ هزار مشترک بخش صنعتی است.

وی مجموع روستاهای بهره منداز انرژی الکتریکی (برقدار) استان را ۹۰۰ روستا عنوان کرد و افزود: از این تعداد، برق ۴ روستا از طریق انرژی خورشیدی تامین می‌شود و در این زمینه توانسته‌ایم برای گسترش انرژی‌های نو و تجدید پذیر قدم‌هایی برداریم.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان با اشاره به اینکه از جهت حجم تاسیسات بالغ بر ۱۳ هزار کیلومتر شبکه توزیع و حدود ۸ هزار و ۸۰۰ دستگاه پست زمینی و هوایی با ظرفیتی بالغ بر ۱۲۰۰ مگاولت آمپر در سطح استان نصب شده است، بیان کرد: در حال حاضر ظرفیت ایجادشده در استان ۲/۵ برابر ظرفیت مصرف بوده که این نشان دهنده سرمایه گذاری خوب در صنعت برق استان است.

مهندس کاظمی با بیان اینکه برخی از پروژه‌های افتتاحی در سال جاری راهبردی هستند و شرکت با اجرای این پروژه‌ها به سمت هوشمند سازی شبکه‌های توزیع حرکت کرده است، افزود: درحال حاضر حدود ۲۲۰ فیدر تغذیه فشار متوسط کل استان را تغذیه می کند و حدود ۶۰ فیدر نیز فیدرهای اختصاصی کارخانه‌ها است.

وی ادامه داد: توانستیم با تلاش همکاران و با تکنولوژی بومی استانی هم اکنون ۴۴ فیدر اتوماسیون شبکه را پیاده سازی کنیم که بدون نیاز به مراجعه مامور به محل، فرامین و فرماندهی از طریق این فیدرهای عمومی از محل دیسپاچینگ شرکت اعمال می‌شود.

این مقام مسئول با تاکید بر اینکه طی ۵ سال آینده اتوماسیون را در کل شبکه‌های فشار متوسط توزیع استان پیاده سازی خواهیم کرد، افزود: برای شرکت افتخار است که توانستیم پروژه تحقیقاتی را به دست جوانان استان در شرکت پارس سوئیچ صنعتی کنیم در حالی که در اکثر استان‌ها اتوماسیون با نرم افزارهای کشور خارجی انجام شده است.

وی توسعه فناوری‌های تجهیزاتی را یکی از استراتژی‌های مهم شرکت توزیع اعلام کرد و گفت: چند سالی است که در مجتمع‌ها از تابلوهای تولیدی استان استفاده می‌شود که این کار موجب شده زیبایی مبلمان شهری تامین و از تعدد تابلو پست‌ها جلوگیری شود و طی چند سال گذشته نیز در جهت کاهش اتصالی ۲ هزار و ۴۰۰ نقطه تجهیزات برق دار بدون حفاظ و روکش پست‌ها عایق شده‌اند.

هوشمندسازی کنتور چاه‌های کشاورزی

مهندس کاظمی، هوشمندسازی کنتور آب و برق چاههای کشاورزی را یکی از اقدامات مهم شرکت اعلام کرد و افزود: این طرح در دو سال گذشته آغاز شده و حدود یک هزار دستگاه از کنتورهای مشترکین هوشمندسازی شده و در حال تامین ۵۰۰ دستگاه تجهیزات هوشمند سازی دیگر هستیم و ان‌شاءا... در سه ماهه اول سال آینده نصب خواهد شد.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان اعتبارات تملک دارایی این شرکت را امسال بالغ بر ۳۲ میلیارد ریال در قالب ۱۹ طرح اعلام کرد و افزود: از این میزان تاکنون ۸ میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال برای اجرای پروژه‌های تامین برق چاه‌های کشاورزی، برق رسانی روستایی، مسکن مهر و شهرک‌های صنعتی تخصیص یافته است.

وی اصلاح شبکه‌های روستایی و جایگزینی کابل‌های خودنگهدار با سیم‌های مسی را از دیگر پروژهای مهم این شرکت عنوان کرد و گفت: طی چند سال گذشته در ۵۴ روستا بالغ بر ۲۱۸ کیلومتر اصلاح شبکه اجرا شده که ۲۰ روستای آن امسال اجرا و صد درصد شبکه این روستاها نوسازی شده است.

پروژه‌های تحقیقاتی

مهندس کاظمی بیان کرد: با توجه به اینکه طی چند سال گذشته در زمینه تحقیقات بستری مناسب‌تر در شرکت توزیع فراهم شده، امسال ۶ پروژه تحقیقاتی جدید کاملا کاربردی و تاثیرگذار شروع شد و پروژه‌های تحقیقاتی که در سال‌های گذشته آغاز شده بود نیز امسال به بهره برداری رسید.

وی حضور در ۲۴ کنفرانس بین المللی داخلی و خارجی و ارائه مقالات نو به خصوص کنفرانس «سیرد» سوئد را از توفیقات علمی و افتخارات شرکت توزیع عنوان کرد و افزود: در این کنفرانس ایران با ۱۰۰ مقاله پذیرفته شده در جایگاه نخست قرار گرفت که ۵۰ درصد این مقالات توسط شرکت‌های توزیع ارائه شده بود و شرکت توزیع زنجان هم با ۲ مقاله پذیرفته شده در رتبه چهارم بین شرکت‌های توزیع نیروی برق کشور قرار گرفت.

مهندس کاظمی با اشاره به اینکه براساس ضوابط شرکت توانیر کنتورهای کارخانه‌ها و مشترکین سنگین حداقل دوبار در سال و مشترکین عادی هر ۵ سال باید تست و لوازم اندازه گیری کنتورها آزمایش شود، افزود: در این راستا امسال تا پایان آذرماه ۵ هزار و ۵۰۳ فقره کنتور سنگین مورد آزمایش و تست قرار گرفت که بالغ بر ۲۸۰۰ کنتور تعویض شد و این طرح تا پایان سال استمرار داشت.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان مجموع فروش انرژی در سال جاری را حدود ۱۰۴ میلیارد تومان و معوقات وصول نشده از سال گذشته را ۱۶ میلیارد تومان اعلام کرد، و گفت: از این میزان در حال حاضر ۹۱ میلیارد تومان وصول شده است و بقیه که ۴ میلیارد تومان بدهی آن بخش‌های دولتی و بخشی از دیون نیز مربوط به واحدهای صنعتی است که انتظار داریم در زمان مقرر پرداخت کنند، چون منابعی که برای سرمایه گذاری به استان اختصاص می‌یابد متناسب با میزان وصول انرژی است.

پیام نوروزی

مهندس کاظمی

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان



یا مقلب القلوب و الابصار / یا مدبر الیل والنهار
یا محول الحول ولاحوال / حول حالنا الی احسن الحال

خداوند را شاکر و سپاسگزارم که سال نو و بهاری دیگر به ما عطا فرمود تا در راه خدمت به مردم فهیم و نجیب استان گام برداریم.

اینجانب سال نو و بهار پر طراوت را به همه همکاران گرامی و به نمایندگی از خانواده شرکت توزیع نیروی برق استان به کلیه همشهریان و میهمانان عزیز که از اقصی نقاط ایران به این استان سفر کرده‌اند تبریک و شادباش عرض نموده و سالی سرشار از برکت و معنویت و سلامتی از درگاه خداوند متعال برای شما مسئلت می‌نمایم وامیدوارم خداوند سبحان ما را در انجام وظایف‌مان موفق بدارد.

وی آمار فروش انشعاب را تاکنون ۱۳ هزار و ۴۹۹ فقره اعلام کرد و افزود: از این میزان ۱۰ هزار و ۷۴۲ فقره خانگی، ۵۸۶ فقره عمومی و ۲۰۱ مشترک جدید در بخش کشاورزی، ۱۴۴ فقره در بخش صنعتی و ۱۳۳۲ فقره نیز تجاری است که تا پایان سال جاری این میزان رشد چشمگیری داشت.

مهندس کاظمی از راه اندازی سامانه ۱۵۲۱ در این شرکت خبر داد و گفت: شرکت توزیع استان جزو ۴ شرکت توزیع در کشور است که توانست این سامانه را عملیاتی و راه‌اندازی کند. وی ادامه داد: این سامانه کمک می کند مشترکین وضعیت بدهی برق مصرفی خود را از طریق تلفن همراه دریافت و با همان روش نیز قبض را پرداخت کنند که در این راستا به مناسبت دهه مبارک فجر با قرعه کشی به ۳۶ نفر از مشترکین جوایز نفیسی اهداء شد.

افزایش پرداخت غیرحضوری قبوض برق

وی از افزایش ۲۰ درصدی پرداختی‌های غیر حضوری قبوض برق در استان خبرداد و گفت: توسعه خدمات الکترونیکی از دیگر راهبردهای شرکت توزیع است تا مراجعه حضوری شهروندان را کاهش دهیم و در این راستا سیستم جامع خدمات مشترکین در استان پیاده سازی و راه‌اندازی شده است.



کاظمی در ادامه با اشاره به اینکه سال گذشته ۲/۴ دقیقه در روز هر مشترک خاموشی داشت که این میزان در ۹ ماهه امسال به ۲/۳۴ دقیقه در روز برای هر مشترک بهبود پیدا کرده است، افزود: مدت زمان رفع خاموشی فشار متوسط از ۹۱ دقیقه در سال گذشته به ۷۷ دقیقه در سال جاری و در فشار ضعیف نیز از ۷۶ دقیقه به ۶۱ دقیقه کاهش یافته است.

پیاده سازی سیستم ناوبری خودروها

این مقام مسئول پیاده سازی سیستم ناوبری خودروها با تکنولوژی بومی داخلی را از دیگر اقدامات این شرکت برشمرد و افزود: اجرای پروژه GIS با تحت پوشش ۶۰ هزار مشترک فشار ضعیف در شهر زنجان و فاز دوم آن نیز برای ۴۰ هزار مشترک فشار ضعیف امسال کلید خورد و در حال اجرا است.

کاظمی از خرید تجهیزات سیستم نشت یاب توسط این شرکت خبر داد و گفت: این سیستم به منظور افزایش پایداری شبکه‌های توزیع برق و کاهش میزان خاموشی‌های بی‌برنامه و انرژی توزیع نشده خریداری و در ایام دهه مبارک فجر به تجهیزات شبکه‌های توزیع نیروی برق استان افزوده شد.

وی افزود: با نصب این سیستم روی خودروهای حوادث این امکان برای ماموران فراهم می‌شود تا از فاصله ۲۰ تا ۵۰ متری از داخل خودرو عیب شبکه را قبل از اینکه منجر به خاموشی شود تشخیص دهند.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان، مجازی سازی سرورها و کاهش آن از ۲۵ سرور به ۳ دستگاه را از اقدامات این شرکت برشمرد و یاد آور شد: صرفه جویی در مصرف انرژی و فضای فیزیکی ساختمانها، نگهداری آسان و امنیت بالا از مزایای این طرح است.

وی راه‌اندازی سیستم ویدئو کنفرانس، بهره‌برداری از فیبر نوری امور برق شمال زنجان، یکپارچه سازی سیستم جامع مالی - اداری امورهای اقماری و جداسازی اینترانت از اینترنت داخلی را از دیگرا قدامات این شرکت برشمرد.

مهندس کاظمی با بیان اینکه امسال در صورت حسابهای برق مصرفی به استناد ماده ۶۹ بودجه سال ۹۲ به ازای هر کیلووات برق مصرفی ۳۰ ریال عوارض دریافت می‌شود، افزود: از محل این منابع در ۱۰ مسجد و ۱۰ مدرسه با صرف ۹۴۵ میلیون تومان سلولهای خورشیدی نصب شده است. وی با اشاره به اینکه از محل این منابع ۶۴۰ میلیون تومان برای نصب سلولهای خورشیدی در ۱۰ اداره و یک میلیارد و ۵۴۰ میلیون تومان برای ایجاد و توسعه زیر ساختهای روستاها شامل ۹۷۲ متر خط فشار متوسط، ۲۱۸ کیلومتر شبکه فشار ضعیف و ۴ دستگاه پست با ظرفیت ۶۱۵ کیلو ولت آمپر صرف شده است، افزود: برای اصلاح شبکه‌های ۸۱ روستا نیز با یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان صرف هزینه ۱۰ کیلومتر شبکه فشار متوسط، ۸۵ کیلومتر خطوط فشار ضعیف احداث و ۱۳ دستگاه پست به قدرت ۱۱۲۵ کیلو ولت آمپر نصب شده است.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان از تخصیص ۴۲۰ میلیون تومان اعتبار از محل عوارض برای اصلاح شبکه روشنایی روستاها خبرداد و گفت: هزار دستگاه چراغ خیابانی جدید خریداری شده و جایگزین چراغهای قدیمی روستاها خواهد شد و برای مناطق شهری نیز ۲۵۰ شعله چراغ LED تأمین و در مناطقی از سطح شهر نصب شده است.

مهندس کاظمی، در پایان از خرید تجهیزات خط گرم جهت سرویس پست و شبکه‌های توزیع برق استان خبر داد و گفت: کاهش تلفات انرژی، کاهش خاموشی‌های فشار ضعیف، افزایش طول عمر تجهیزات و اجزاء شبکه و داشتن مستمر برق از جمله مزایای این تکنولوژی است.

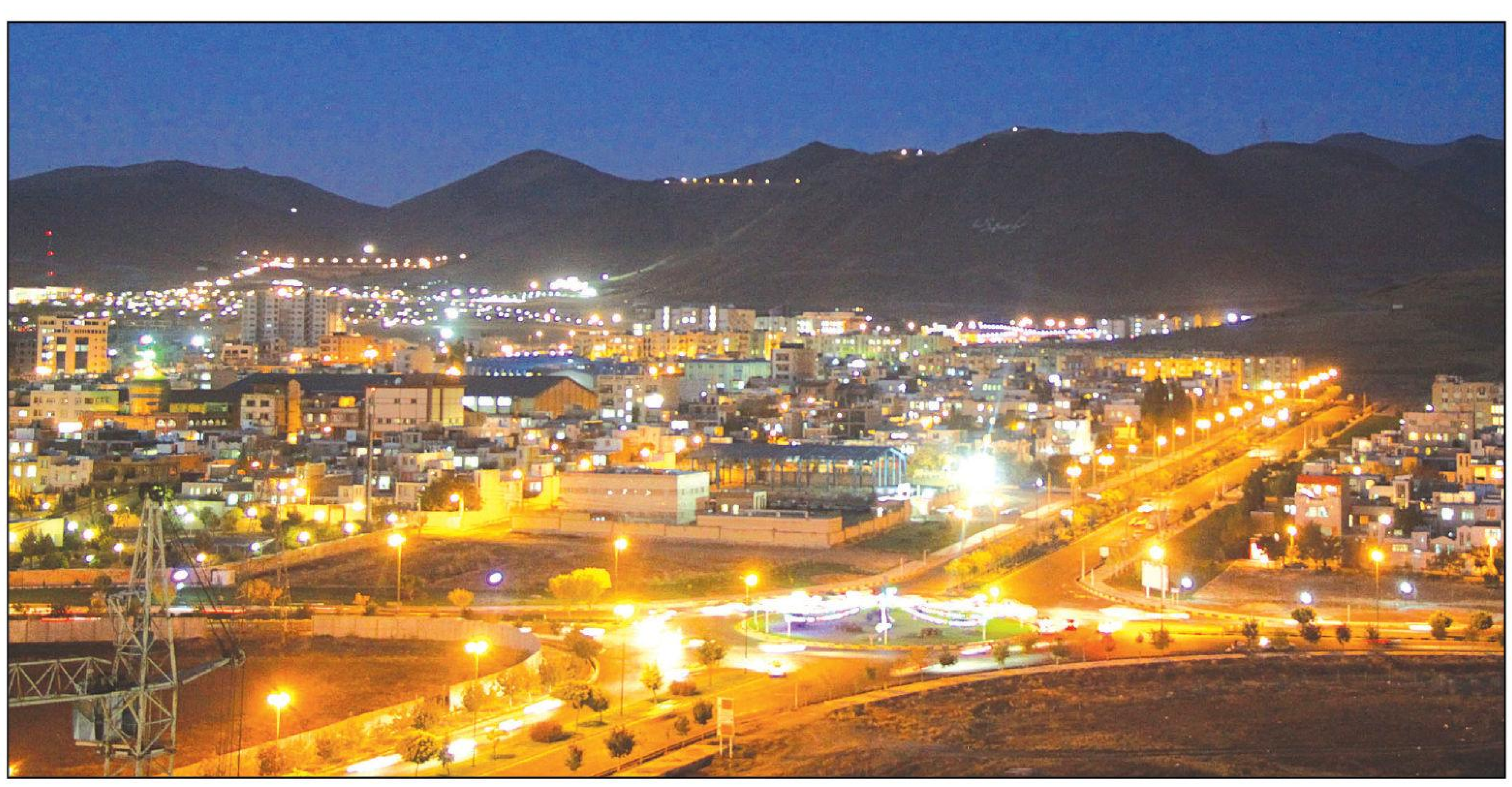
کسب رتبه دوم مدیریت بهینه مصرف برق توسط توزیع برق زنجان

شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان در حوزهٔ مدیریت مصرف بهینه برق و کاهش پیک بار در سال ۱۳۹۲ در بین سایر شرکت‌های توزیع برق کشور مقام دوم را کسب نمود.

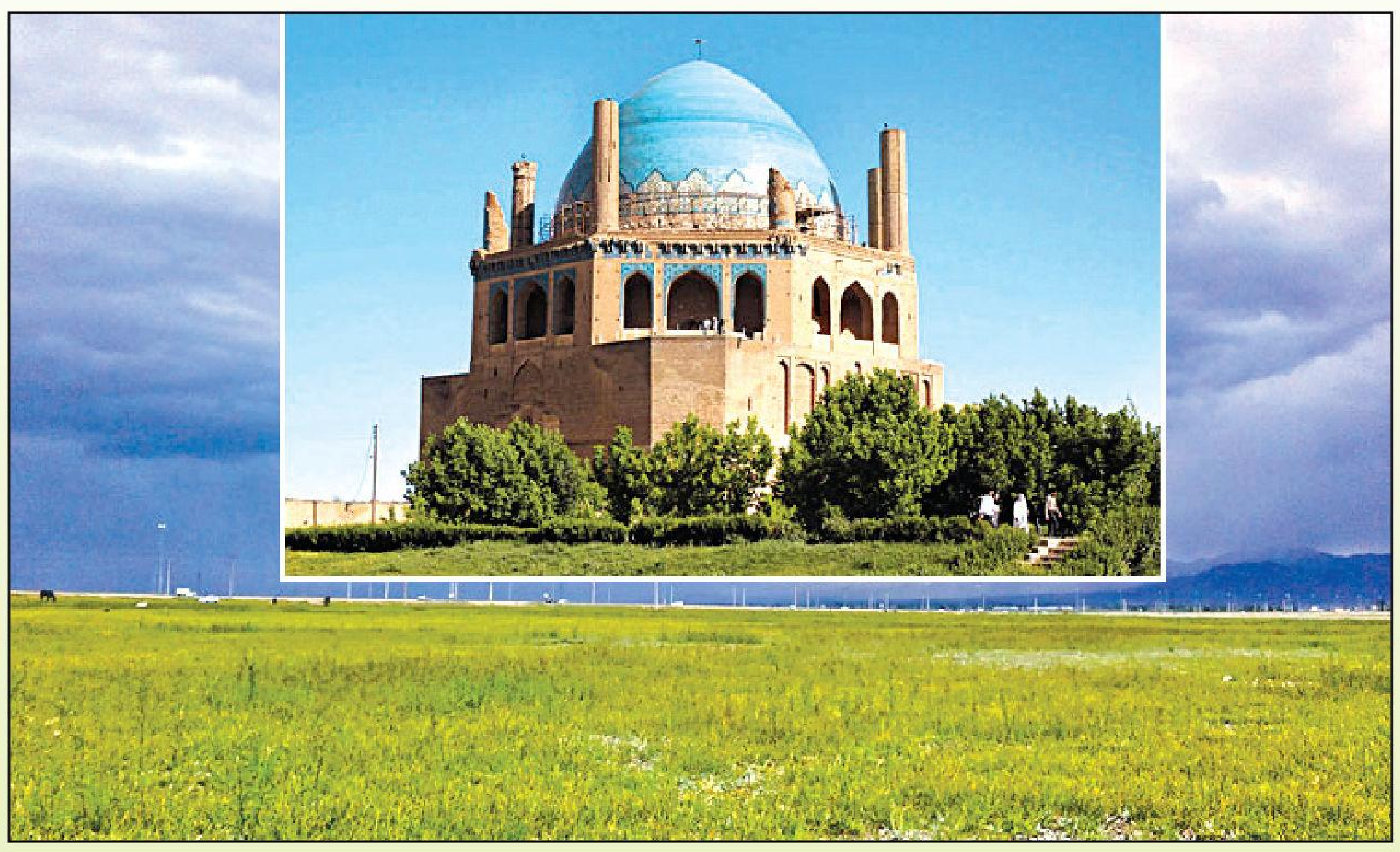
به گزارش دفتر روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان، احمدیزدی معاون دفتر مدیریت مصرف برق شرکت توانیر با حضور در این شرکت، لوح سپاس کسب رتبه دوم کاهش پیک بار و مدیریت DSM از سوی مهندس همایون حائری مدیرعامل شرکت مادر تخصصی توانیر را به آقای مهندس عادل کاظمی مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان اهداء کرد.

معاون دفترمدیریت مصرف بهینه برق شرکت توانیر در همین رابطه گفت: نحوهٔ ارزیابی شرکت‌های توزیع برق در قالب ۱۵ پروژه در حوزه‌های کاهش پیک بار تعریف شده است که عبارتنداز: ۶ پروژه مدیریت مصرف بهینه برق، ۶ پروژه مربوط به حوزهٔ بهره‌برداری و ۳ پروژه مربوط به فروش و خدمات مشترکین.

احمد یزدی افزود: امتیاز دهی نیز بر همین اساس ۵۵ درصد امتیاز مربوط به سقف پیک بار شرکت‌ها بوده که چگونگی رعایت سهمیه اعلام شده از سوی شرکت توانیر میزان کسب امتیاز را از سوی شرکت‌های توزیع برق تعیین می کند، ۲۰ درصد از این امتیازها به اقدامات صورت گرفته دربخش مدیریت مصرف بهینه برق، ۱۵ درصد امتیازها به حوزهٔ بهره‌برداری و ۱۰ درصد به حوزه خدمات مشترکین اختصاص دارد. وی ادامه داد: بر همین اساس، از مجموع این امتیازها شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان با کسب امتیاز ۸۶/۳۱ موفق به کسب رتبه دوم در بین شرکت‌های توزیع برق شده است.



چمن طبیعی سلطانیه و توسعه پایدار



سلطانیه از مناطق تاریخی ایران است که افزون بر تاثیری که در فراز و نشیب تاریخ ایران داشته و تاثیر تاریخی که از پستی ها و بلندی های روزگار پذیرفته از نظر اقتصادی در چرخه تولید و مصرف ایران دارای اهمیت است. بیش از ۶۰ درصد اقتصاد منطقه سلطانیه و پیرامون آن کشاورزی است. هر چند زمین های قابل کشت عمدتا درجه ۲ و ۳ هستند و همواره با مشکل بی آبی و کم آبی و سرمای زودرس مواجه هستند. از ۱۰۷ قنات منطقه تنها ۳۸ قنات تا سال ۷۵ دایر بود که این تعداد امروز باز هم کمتر شده است. وضعیت دامداری سنتی با وجود چمن وسیع سلطانیه از رونق نسبی برخوردار است.

چمن طبیعی سلطانیه با پلاک های فرعی به مساحت حدود ۱۲۰۰ هکتار قسمتی از فلات زنجان -ابهر را در بر گرفته است. این چمن در مرتفع ترین نقطه فلات زنجان-ابهر به ارتفاع ۱۸۰۰ متر واقع شده که با توجه به دیاگرام های جوی در ردیف مناطق آب و هوایی استیپی سرد قرار می گیرد. ترکیب چمن با سومین گنبد عظیم خشتی جهان معروف به گنبد سلطانیه در گذشته های نه چندان دور منظره بی بدیلی را به وجود می آورد.

در زمان های نه چندان دور منابع منطقه به لحاظ ساختارهای زمین شناسی و میزان بارندگی سطح آب های زیر زمینی را در حد بالا نگه می داشت به طوریکه ارتفاع آب در اراضی جنوبی سلطانیه در عمق ۵ متری و در اراضی شمالی و بستر چمن در یک متری قرار داشت که باعث ایجاد مراتع و چمنزاری سبز در منطقه می شد، ولی اکنون به دلیل فعالیت های سد سازی و حفر چاه های غیر مجاز و سایر عوامل زیستی تعادل بهم ریخته و باعث پائین رفتن آب های زیر زمینی گردیده که به تبع آن چمن وضعیت مطلوب خود را از دست داده و مساحت قابل توجهی از چمن کاملا به مرتع درجه ۳ و خیلی فقیر از نظر پوشش گیاهی تبدیل شده است.

توسعه پایدار برای سلطانیه

امروزه توسعه پایدار در سلطانیه با آسیب های جدی رو بروست که روند پیشرفت در این شهرستان را تهدید می کند. مهمترین آسیبی که توسعه در این شهرستان را با مشکل مواجه می سازد دشواری آموزش شهر نشینی و ناهمخوانی با فرهنگ اجتماعی، اقتصادی و باوری روستایی در این شهرستان است این مشکل در روند مشارکت برای فعالیت های حفاظت از عرصه های طبیعی به ویژه چمن وسیع سلطانیه تاثیر خود را به وضوح عیان می سازد.

پوشش گیاهی چمن و نوع گونه های موجود

عمده پوشش گیاهی چمن در قسمت هایی که دارای رطوبت زیادی هستند عبارتند Carex sp: Dactyl is glomerata، Alopecorus sp Phleum pretense و در بخش هایی که دارای رطوبت کمی است گونه هایی مانند Eremopoa sp، Poa bulbosa را تشکیل می دهد. در سال های اخیر به دلیل برداشت های بی رویه از آب های زیر زمینی و کاهش سطح آن و دخالت های بیش از حد انسانی در چمن مانند احداث کانال های آبیاری و شخم و تخریب های صورت گرفته گونه های غیر چمنی مثل Artemisia scopana و Tragopogon و Aliysum spp وارد چمن شده است.

نظام مالکیت و شرایط اقتصادی واجتماعی در منطقه

چمن سلطانیه مورد بهره برداری دامداران ساکن در شهر سلطانیه قرار می گیرد با توجه به شرایط موجود و جمعیت ساکن در شهر، ممیزی مرتع صورت نگرفته و هیچگونه پروانه چرایی صادر نگردیده است و دامداران پس از پایان فصل سرما و به صورت عرفی و تا پایان فصل تابستان از چمن برای چرای دام استفاده می کنند. شیوه بهره برداری از چمن به صورت مشاعی می باشد. براساس آمارهای موجود بیش از ۷۰۰۰ واحد دامی در منطقه موجود می باشد که عمدتا شامل گوسفند، گاو بومی و دو رگه، بز و تک سمیان می باشد

برنامه های اصلاحی و احیایی

با توجه به شرایط موجود و وضعیت چمن، در حال حاضر نیاز به عملیات اصلاحی و احیائی به شدت احساس می شود و در صورتی که روند فعلی ادامه یابد و یا با بی تفاوتی با آن برخورد گردد، سیر قهقرایی چمن تشدید خواهد شد و در نهایت آنچه بر جای می ماند اراضی رها شده ولم یزرعی است که در آینده جای خود را به توسعه ناموزونی که هیچ سنخیتی با اهداف زیست محیطی ندارد، مانند استقرار کارخانجات یا مناطق مسکونی خواهد داد.

حال اگر به گذشته تاریخی شهر سلطانیه و چمن زیبایش نظری بیاندازیم و غبطه بخوریم، می توانیم با اجرای عملیات اصلاحی و احیایی و برنامه های مدیریتی در سال های آینده چمن سلطانیه را احیاء و به گذشته آن پیوند بزنیم.

رابطه قرق و کود پاشی

قرق با مفهوم جلوگیری از ورود دام به تمام یا قسمتی از چمنزار برای یک مدت یا چند سال خواهد بود که برای اصلاح و احیای پوشش گیاهی ضروری است. زمانی که قرق اتفاق می افتد تحت شرایط آب و هوایی مختلف موجب افزایش تاج پوشش گیاهی می گردد. تردد دام که عامل مهمی در کوبیدگی خاک سطحی و کاهش نفوذ پذیری در مقابل آب به شمار میرود حذف گردیده و پایه های گیاهی موجود با دریافت رطوبت بیشتر رشد بهتری یافته و به تولید بذر بیشتر که در نهایت کمیت و کیفیت پوشش را به دنبال خواهد داشت، منجر می شود. در این میان کود پاشی می تواند با توجه به اثر بسیار سریع و مثبت کیفیت و کمیت تولید علوفه را عیان سازد.

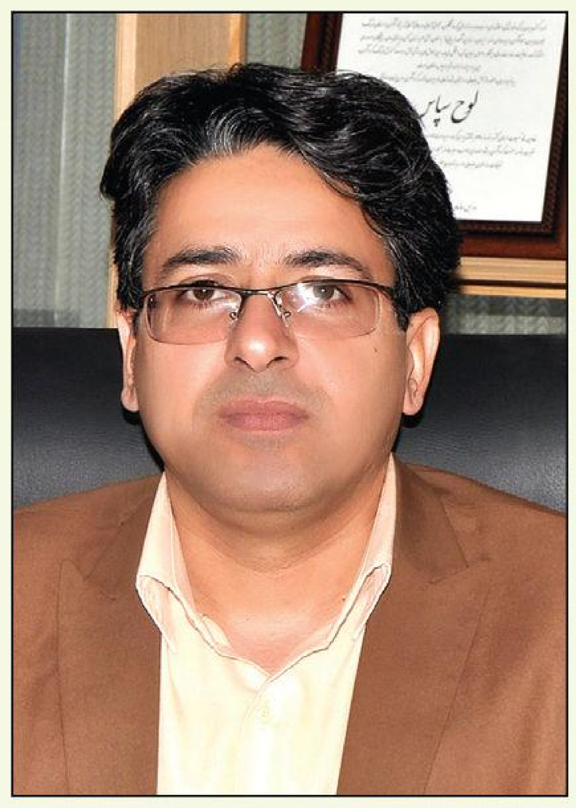
تقی سالک

رئیس اداره مرتع استان زنجان

مدیر کل حمل‌ونقل و پایانه‌های استان یزد تشریح کرد:

جایگاه حمل‌ونقل جاده‌ای استان یزد و اتخاذ تدابیر لازم در طرح نوروزی سال ۹۳

سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای
اداره کل حمل و نقل و پایانه های استان یزد



اشاره...

استان یزد با جمعیتی بیش از ۱/۰۰۰/۰۰۰ نفر و مساحت ۱۳۰/۰۰۰ کیلومتر و بیش از ۳۴۹۴ کیلومتر راه اصلی و فرعی و بزرگراه با ۱۰ شهرستان به عنوان یکی از استان‌های پیشرو در امر توسعه اقتصادی و اجتماعی در مرکز ایران واقع گردیده است. استان یزد در بخش حمل‌ونقل جاده‌ای علی‌رغم گستردگی مناسب شبکه ریلی به لحاظ قرارگیری در کنار محورهای ترانزیتی و کریدور شمال جنوب و شرق و غرب از موقعیت خاصی برخوردار می‌باشد. وجود بیش از ۱۸۰۰۰ نفر راننده شاغل در بخش حمل و نقل جاده‌ای استان و سرمایه‌گذاری تعداد ۱۴۰۰۰ دستگاه کامیون توسط بخش خصوص در این زمینه و تردد روزانه ۱۷۵۴۲۶ دستگاه خودرو در محورهای مواصلاتی استان از جمله شاخص‌های مثبت حمل‌ونقلی استان به شمار می‌رود.



عملکرد حمل‌ونقل جاده‌ای استان در بخش مسافر

مهندس محمدرضا بشیری، مدیر کل حمل‌ونقل و پایانه‌های استان یزد در گفتگو با خبرنگار ما، ضمن تبریک و شادباش گویی فرا رسیدن سال نو به تمامی شهروندان گرامی، هموطنان عزیز و مسافران نوروزی به تشریح عملکرد اداره کل حمل‌ونقل و پایانه‌های استان یزد در سال ۱۳۹۲ پرداخت و گفت:

در ده ماهه اول سال‌جاری بیش از ۱/۲۴۰/۰۰۰ نفرمسافر از مبدا استان به سایر نقاط کشور جابجا گردیده است. در حال حاضر تعداد ۳۷ شرکت و موسسه و دفتر نمایندگی و شعبه با تعداد ۷۵۵ دستگاه خودرو اعم از اتوبوس، مینی‌بوس و سواری کرایه در بخش حمل و نقل مسافری استان مشغول به فعالیت می‌باشند.



جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و شهرسازی

سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای

فرم نظر سنجی مسافرین

کد رهگیری: ۴۹۹۵۰۰۱

مسافر گرامی:

این نظرسنجی در راستای تکریم مسافرو به منظور آگاهی سازمان راهداری و حمل ونقل جاده ای کشور ازنظرات شما انجام می شود . لطفاً با انتخاب گزینه مناسب ما را درخدمت دهی بهتریاری فرمائید.

ردیف		کاملاً راضی	راضی	نه راضی و نه ناراضی	ناراضی	کاملاً ناراضی	برخورد نکردم
۱	اطلاع رسانی درابتدای سفر(ازجمله مشخص بودن سکوی سوارشدن به اتوبوس ، اعلام مشخصات سفر توسط راننده یا خدمه سفر، نصب تابلو مشخصات سفر روی اتوبوس						
۲	وسایل همراه (ازجمله نحوه تحویل گرفتن ، نصب برچسب بارهمراه ، اخذ وجه مازاد برای وسایل همراه و ...)						
۳	وضعیت وسیله نقلیه (ازجمله نظافت بیرونی و داخلی وسیله نقلیه ، پاکیزگی روکش صندلی ها ، سالم بودن وسیله نقلیه)						
۴	حرکت به موقع ازپایانه مبداء (درزمان مقرر) درصورت تأخیر، مدت زمان .						
۵	مطلوبیت خدمات حین سفر						
۶	نداشتن توقف های طولانی و متعدد برای مسافرگیری درحین سفر.						
۷	توقف برای ادای فریضه نماز(ازجمله توقف به موقع ، مدت زمان توقف ، پاکیزگی محل ، امکانات مطلوب و ...)						
۸	عملکرد راننده (ازجمله نحوه رانندگی ، رعایت مقررات راهنمایی ورانندگی)						
۹	ظاهرورفتار راننده و خدمه (ازجمله لباس فرم ، آراستگی ، طرزبرخورد ، پاسخگویی به مشکلات مسافرین)						
۱۰	توقف برای صرف غذا (ازجمله وضعیت مکان ، کیفیت خدمات ، مدت زمان توقف و ....)						
۱۱	میزان رضایتمندی به طورکلی						

درخصوص ارتقاء کیفیت و سطح خدمات سفرهای جاده ای چه پیشنهادهایی دارید؟

جنسیت : مرد ☐ زن ☐ سن : کمتراز ۲۰سال ☐ ۲۱تا۳۰سال ☐ ۳۱تا۴۰سال ☐ ۴۱تا۵۰سال ☐ بالای ۵۰ سال ☐

سطح تحصیلات : زیردیپلم ☐ دیپلم ☐ فوق دیپلم ☐ کارشناسی ☐ کارشناسی ارشد و بالاتر ☐

هدف سفر: کاری ☐ تحصیلی ☐ تفریحی ☐ زیارتی ☐ سایر ☐ ذکرشود :

متوسط تعداد سفردرسال : کمتراز۵ بار ☐ ۵ تا ۱۰بار ☐ ۱۱ تا ۱۵بار ☐ بیش از۱۶ بار ☐

متوسط تعداد سفر با اتوبوس : کمتراز۲بار ☐ ۳-۴ بار ☐ بیش از۵ بار ☐

شهرمبداء : شهرمقصد : نام شرکت حمل و نقل : زمان شروع سفر : زمان پایان سفر : شماره تماس مسافر : تاریخ تکمیل پرسشنامه:

* خواهشمنداست این فرم را در پایانه مقصد به نمایندگان یا دفاتر نمایندگی سازمان راهداری و حمل ونقل جاده ای مستقر در پایانه مقصد تحویل دهید

* به قید قرعه به تعدادی از نظر دهندگان محترم جوائزی از طرف سازمان راهداری و حمل ونقل جاده ای اهداء خواهد شد و از طریق شماره تلفن درج شده با آنها تماس گرفته خواهد شد.

سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای

کد رهگیری: ۴۹۹۵۰۰۱

مسافر محترم:

۱. جهت شرکت درقرعه کشی و رهگیری پیشنهادات و انتقادات مطرح شده این قسمت را جدا و نزد خودنگهدارید.

۲. شما درطول سفرمی توانید ازطریق سامانه پیام کوتاه sms به شماره ۳۰۰۰۱۴۳ و با واردنمودن کد شهر مبداء حرکت (قبل از پیام رسانی) ، هرگونه شکایت ، انتقاد وپیشنهاد خود را به اطلاع مسئولین اداره کل حمل و نقل و پایانه های استانی که سفراز آنجا آغاز گردیده است ، برسانید.

۳. سرنشینان خودروهای مسافربری عمومی دربرابر حوادث احتمالی بیمه شده اند ودرصورت بروز حادثه شرکت بیمه گردر حد تعهدات مقرر ، خسارات وارده را جبران خواهد کرد.

وی افزود: شایان ذکر است فروش ۴۲درصد از بلیت‌های مسافری در خارج از پایانه مسافربری از طریق فروش بلیت اینترنتی، دفاتر سطح شهرو وب کیوسک صورت می گیرد. ضمنا در سال جاری اجرای طرح صورت وضعیت برخط و کد رهگیری و طرح همنامی ۳ شرکت مسافربری، ایجاد و توسعه دفاتر فروش بلیت در سطح شهر، ایجاد وب سایت اختصاصی و مشترک شرکت‌های مسافربری، نوسازی ناوگان برونشهری، فروش بلیت از طریق وب کیوسک و اجرای طرح همنامی شرکت‌های مسافربری به مقصد تهران، در دستور کار این اداره کل قرار داشته که این روند در سال آینده نیز با اجرای ادامه طرح‌های صورت وضعیت برخط و همنامی، نصب تلفن‌های GSM در اتوبوس‌های بین شهری، رتبه‌بندی شرکت‌ها، انتقال دفاتر شرکت‌های مسافربری از محل ترمینال به سطح شهر و ساماندهی نمایش فیلم‌های سینمایی در داخل اتوبوس‌ها پیگیری خواهد شد.

مهندس بشیری، در ادامه، اهم برنامه‌ها و اقدامات اداره کل حمل ونقل و پایانه‌های استان یزد در طرح نوروزی سال ۱۳۹۳ را به شرح زیر اعلام کرد:

۱ـ اجرای طرح جابجایی مسافران نوروزی سال ۹۳ از تاریخ ۹۲/۱۲/۲۵ لغایت ۹۳/۱/۱۵

۲ـ هماهنگی با تشکل‌های صنفی بخش مسافر استان برای پیش فروش بلیت اینترنتی از تاریخ ۹۲/۱۲/۱۱ به صورت اینترنتی و از تاریخ ۹۲/۱۲/۱۸ به بعد به صورت حضوری و اینترنتی

۳ـ هماهنگی با کلیه تشکل‌های صنفی و شرکت‌های مسافربری سطح استان به منظور عدم ارائه سرویس دربستی در روزهای ۹۲/۱۲/۲۲ لغایت ۹۲/۱۲/۲۹ و همچنین ۹۳/۱/۱۲ لغایت ۹۳/۱/۱۵

۴ـ هماهنگی با مراکز آموزشی و پادگان‌ها برای ارائه برنامه زمانبندی شده جهت اعزام دانشجویان و سربازان به مقاصد خود

۵ـ هماهنگی با کلیه دستگاههای مرتبط استانی در ارتباط با توزیع به‌موقع صورت وضعیت ـ تأمین سوخت ناوگان مسافربری ـ کنترل و نظارت بر نرخ و همچنین کنترل و نظارت بر ترمینال از نظر بهداشتی

۶ـ تأمین پوشش مناسب به منظور برقراری ارتباط با مسافران و پاسخگویی و راهنمایی مسافران از طریق نمایندگی‌های سازمان. تلفن. اینترنت و... به ویژه سامانه پیام کوتاه (sms) به شماره ۳۰۰۰۱۴۳

۷ـ تأکید به کلیه شرکت‌ها و موسسات مسافربری به منظور نظارت کامل بر عملکرد رانندگان تحت پوشش خود در خصوص خدمت رسانی هر چه مطلوب‌تر به مسافران به ویژه الزام آنها به سوار و پیاده نمودن مسافران در پایانه‌های عمومی و یا سایر محلهای تعیین شده، مگر در مواردی که با درخواست و رضایت مسافران صورت می گیرد و همچنین تأکید بر توقف ناوگان در زمان و مکان مناسب برای ادای فریضه نماز و صرف غذای مسافران

۸ـ هماهنگی با شرکت‌ها و مؤسسات مسافربری و تشکل‌های صنفی در خصوص انجام نظارت‌های لازم به منظور بکارگیری ناوگان دارای استاندارد فنی و ایمنی خصوصاً بکارگیری ناوگان دارای عمر ۵ سال و کمتر در ارتباط با بازدید از مناطق جنگی در قالب کاروان‌های راهیان نور و اعزام دانشجویان جهت اردوهای زیارتی و سیاحتی

۹ـ نصب نمایشگر LCD در محل سالن انتظار پایانه مسافربری یزد به منظور اطلاع رسانی به مسافران محترم در زمینه آشنایی مسافران به حقوق اولیه خود و همچنین ساعات حرکت ناوگان تحت پوشش شرکت‌های مسافربری

۱۰ـ هماهنگی با کلیه ادارات سراسر کشور به منظور تأمین ناوگان جایگزین و دارای استاندارد با هماهنگی شرکت‌های طرف قرارداد خود در این استان

۱۱ـ تشکیل جلسه با کلیه شرکت‌های مسافربری سطح استان به منظور برنامه‌ریزی و هماهنگی‌های لازم و ایجاد تمهیدات در خصوص سرویس‌دهی مناسب و ارائه خدمات و تسهیلات هر چه مطلوبتر به مسافران محترم

۱۲ـ توزیع فرم نظرسنجی پست جواب قبول (باهماهنگی تشکل‌های صنفی و کلیه شرکت‌های مسافربری) در داخل ناوگان اتوبوسی تحت پوشش شرکت‌های مسافربری

۱۳ـ با توجه به اعلام انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های مسافربری مبنی بر معرفی سایت فروش و رزرو بلیت، اطلاع رسانی لازم در ارتباط با معرفی سایت: www.yazdmosafer.ir برای انجام خدمات لازم در جهت رزرو بلیت اینترنتی به تعداد ۱۷ شرکت مسافربری

۱۴ـ ابلاغ دستورالعمل ۳۰ ماده‌ای جهت کلیه شرکت‌ها و مؤسسات مسافربری و تشکل‌های صنفی

۱۵ـ تعیین بیش از ۳۵ دفتر فروش بلیت در سطح شهر جهت ارائه خدمات رزرو بلیت به صورت حضوری

۱۶ـ تعداد کل ناوگان (۷۵۵ دستگاه) به تفکیک: اتوبوس ۴۰۰ دستگاه ـ مینی‌بوس ۸۰ دستگاه و سواری کرایه ۲۷۵ دستگاه

۱۷ـ بازدید از مساجد، نمازخانه‌ها و اماکن بین راهی به همراه گروه بازدید مشترک با دستگاههای ذیربط



۱۸ـ تکثیر و توزیع cdهای مربوط به پخش فیلم‌های دارای مجوز وزارت ارشاد در داخل اتوبوس در راستای ساماندهی نمایش فیلم در داخل اتوبوس‌ها

۱۹ـ تهیه لوح فشرده جهت نمایش در اتوبوس های بین شهری با موضوع آشنایی با موارد ایمنی و حقوق مسافر

۲۰ـ تهیه لوح فشرده جهت نمایش در LCD های پایانه مسافربری یزد با موضوع حقوق مسافر و ساعت حرکت اتوبوس های برون شهری

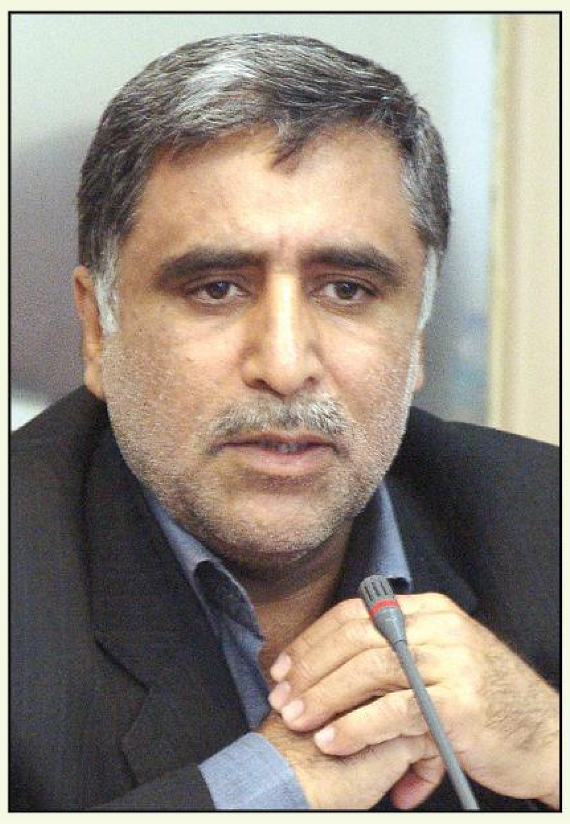
عملکرد حمل‌ونقل جاده‌ای استان در بخش مرکز مدیریت راهها

مدیر کل حمل‌ونقل و پایانه‌های استان یزد، در ادامه اضافه کرد: به منظور کنترل ترافیک جاده‌ها تاکنون تعداد ۱۳ دستگاه دوربین نظارت تصویری در محورهای مواصلاتی استان نصب شده و تعداد ۱۰ دستگاه دیگر در حال نصب می‌باشد. همچنین به منظور کنترل رفتار ترافیکی و برآورد میزان تردد، تعداد ۵۰ دستگاه ترافیک شمار الکترونیکی و ۱۰ دستگاه دوربین‌های پیشرفته ثبت سرعت در سطح محورهای استان نصب گردیده است. مهندس بشیری در پایان افزود: ضمنا روابط عمومی این اداره کل نیز آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات هموطنان محترم با سامانه پیام کوتاه **۳۰۰۰۱۴۳** و پایگاه اطلاع‌رسانی **WWW.YAZDRMTO.IR** به صورت شبانه روزی می‌باشد.



غلامرضا رضایی مدیر کل راه و شهرسازی استان یزد خبر داد:

تأمین سفری امن و مطمئن برای مسافران نوروزی استان یزد



اشاره

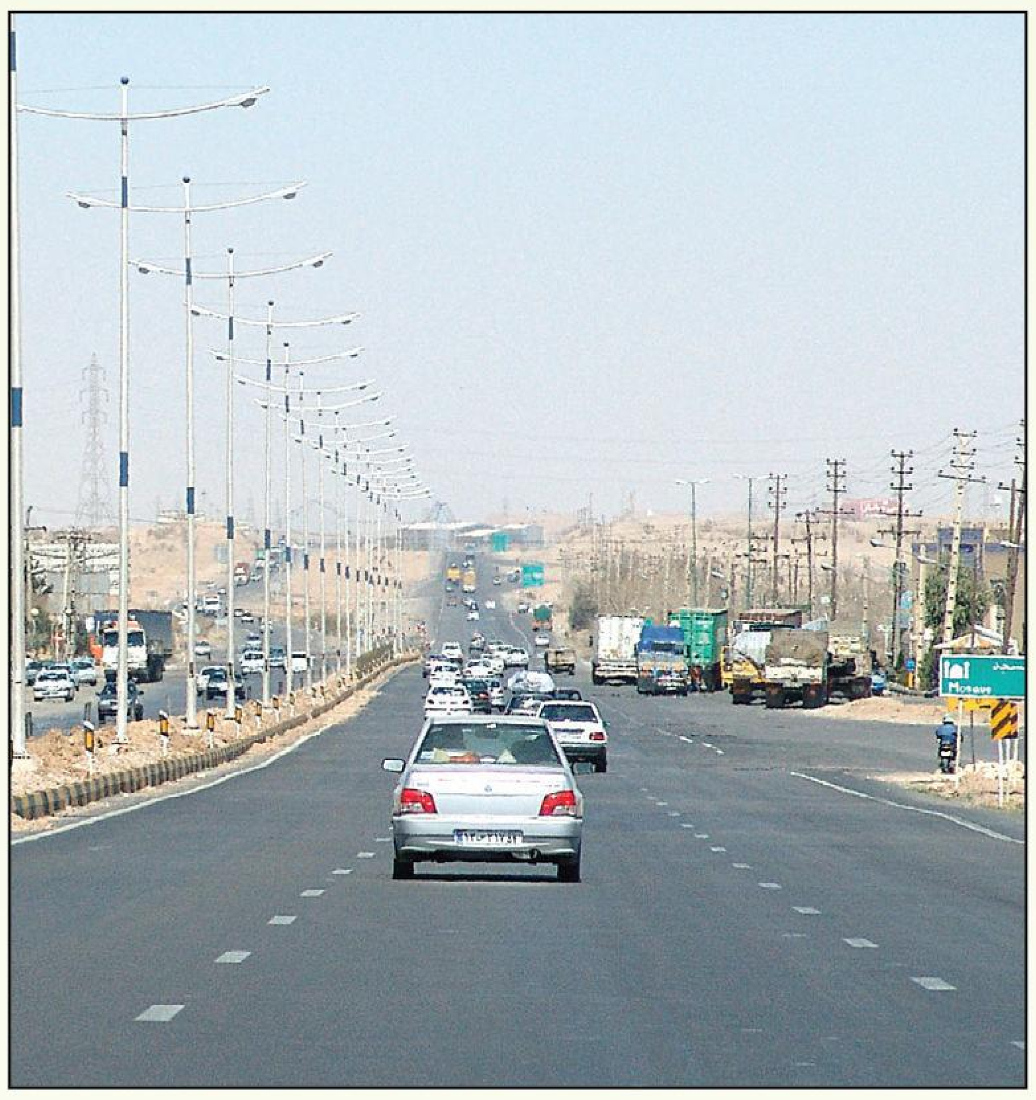
سفر از طریق جاده و در مقایسه با سایر بخشهای حمل و نقل و بنا به دلایل متعددی نظیر انعطاف پذیری، سهولت دسترسی به وسیله نقلیه، امکان بهره مندی مستقیم و غیر مستقیم از جاذبه‌های موجود در طول سفر همواره جذاب و مورد استقبال عموم بوده است.

سفر به استان یزد جزو سفرهای جذابی است که علاقه‌مندان به معماری و تاریخ را به این سو می کشاند در خصوص معرفی این شهر باید بگوییم استان یزد با وسعتی بالغ بر ۷۵ هزار کیلو متر مربع در مرکز ایران واقع و دارای جاذبه‌های مختلف گردشگری است؛ مردمان آن به سخت کوشی و تلاش شهره هستند و باایمان و اعتقادات عمیق و گسترده‌ای که دارند یزد را دارالعباده نامیده‌اند.

اما، فقط عبادت مرام مردمان این دیار نبوده بلکه در تاریخ علمی این استان بزرگان و علمای بنامی بوده‌اند و هستند که موجبات افتخار علمی این استان را فراهم آورده و در چند دهه اخیر نیز فرزندان این دیار دارالعلم در همه عرصه‌های علمی و دانشگاهی خوش درخشیده‌اند، وقطعا سفر به شهر بادگیرها که متنوع ترین بناهای تاریخی را در خودش جای داده این جذابیت گردشگری را دارد تا هرسال بیش از سالهای قبل افتخار میزبانی مهمانان نوروزی را داشته باشیم.







به همین منظور، در راستای فراهم نمودن امکانات و تجهیزات امدادی برای ایجاد سفری امن و ایمن برای تمامی مسافران نوروزی، تمامی دستگاه‌های ذی‌ربط در استان نظیر اداره کل راه و شهرسازی، نیروی انتظامی، پلیس راه، جمعیت هلال احمر، اورژانس، آتش نشانی و سایر دستگاه‌های امداد رسان هر ساله در ایام تعطیلات نوروزی بسیج می‌شوند تا به مبارزه‌ای قاطع با حوادث رانندگی بپردازند. اما به نظر می‌رسد کاستن از آمار حوادث رانندگی و در نتیجه کاهش تلفات و مصدومان این حوادث جز در سایهٔ همت ملی و عزم عمومی میسر نباشد.

به همین مناسبت با آقای مهندس «غلامرضا رضایی» مدیر کل راه و شهرسازی استان یزد در خصوص توصیه‌های مهم و قابل توجه ایشان که رعایت آنها موجب افزایش ایمنی تردددر شبکه راه‌های کشور واستان یزد خواهد شد، گفت و گویی انجام داده‌ایم که پاسخ ایشان را در خصوص سؤالات مطرح شده، می‌خوانیم....

***

**** جناب آقای مهندس رضایی همانطور که مستحضرید یزد به دلیل واقع شدن در ناحیهٔ مرکزی ایران و قرارگرفتن در محورهای بین‌المللی همواره از نظر حمل و نقل جاده‌ای از اهمّیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. بفرمائید با توجه به افزایش سطح ترافیکی که در ایام تعطیلات نوروزی پیش بینی می‌شود، اداره راه و شهرسازی استان چه تدابیری اندیشیده است؟***

ـ مهندس رضایی: بنده پیشاپیش ایام نوروز را به مهمانان و مسافران نوروزی که در جاده‌های کشور تردد دارند و به همهٔ خوانندگان این مصاحبه تبریک عرض می‌نمایم. در حال حاضر استان یزد دارای ۷۷۷۹ کیلومتر راه می‌باشد که از این مقدار ۶۴۵ کیلومتر بزرگراه، ۶۴۶ کیلومتر راه اصلی، ۸۹۹ کیلومتر راه فرعی و ۲۰۶۰ کیلومتر راه روستایی آسفالته است.

به جهت افزایش ایمنی محورهای مواصلاتی استان، اقدامات بسیاری صورت گرفته است که بدون شک با رعایت قوانین و مقررات توسط رانندگان و مسافران محترم ان‌شاءا... تعطیلات نوروزی امسال عاری از هرگونه حادثه و یا اتفاق ناگواری برای هموطنان عزیز در محورهای مواصلاتی خواهد بود. مهمترین اقداماتی که در خصوص افزایش ضریب ایمنی محورها صورت گرفته، ترمیم آسفالت جاده‌ها به صورت لکه‌گیری و انجام روکش حفاظتی، شانه سازی و اصلاح شیب شیروانی محورها بوده است.

از دیگر موارد ایمنی محورها که می‌تواند مهم و قابل توجه باشد، نصب علائم و تجهیزات ایمنی، خط کشی و ایجاد شیارهای لرزاننده در حاشیه راه‌ها و نصب دوربینهای نظارتی است که خوشبختانه همکاران بنده در مدیریت راهداری این اداره کل به طور شبانه‌روزی تمامی محورها را تحت پوشش نظارتی خود قرار داده اند.

**** آقای مهندس رضایی، بفرمائید نوع تعامل و هماهنگی شما با سایر دستگاه‌های امدادرسان چگونه بوده است و نقش راهداران در این مجموعه چیست؟***

ـ هر ساله طی جلسات متعددی طرح نوروزی با مدیریت محترم ارشد استان و هدایت و رهبری معاون محترم امور هماهنگی عمرانی استانداری برگزار می‌شود و در قالب ستاد نوروزی دستورالعملهایی ابلاغ می گردد که نقش و وظایف هر دستگاه را بطور جداگانه مشخص می‌نماید.

مطمئناً این جلسات نه تنها موجب هماهنگی بهتر بین دستگاه‌های امدادرسان می‌شود بلکه باعث افزایش همکاری و تعامل بیشتر در جهت خدمت‌رسانی به مردم و بویژه مسافران و مهمانان نوروزی می‌شود. ما نیز به طور جداگانه و تخصصی جلسات طرح ویژه نوروزی را با حضور فرمانده محترم پلیس راه و سایر دستگاه‌های امدادرسان برگزار می کنیم تا بتوانیم با همکاری دوستان زمینه مساعدی را برای یک سفر امن و ایمن برای رانندگان و مسافران نوروزی فراهم نماییم.

**** اداره کل راه و شهرسازی استان چه برنامه‌ها و اقداماتی را در استقبال از مسافران نوروزی به اجرا می‌گذارد؟***

ـ طبق سنوات هر سال ما برنامه‌هایی از قبیل استقرار اکیپهای راهداری و گشت‌های نوروزی در محورهای مواصلاتی و پرتردد استان را خواهیم داشت و با همکاری پلیس راه برنامه‌ریزی خواهیم نمود تا ان‌شاءا... امسال شاهد هیچگونه حادثهٔ دلخراشی نباشیم.

برنامه‌های فرهنگی و اطلاع‌رسانی دیگری هم هست که توسط همکارانم در روابط عمومی اداره کل و مدیریت راهداری در قالب بروشور، مجله و ویژه‌نامه طراحی خواهد شد که قطعاً اطلاعات مناسبی از حوزه‌های راههای استان و راهدار خانه‌های بین راهها به مسافرین ارائه خواهد کرد.

**** در پایان اگر توصیه‌ای برای خوانندگان عزیز دارید بفرمائید.***

ـ من بر این باورم که راهداران فرشته‌های نجات جاده‌اند و قطعاً مطمئن هستم که همکارانم در حوزه راهداری همیشه در جاده‌ها حاضر خواهند بود و برای کمک به نیازمندان و در راه ماندگان خواهند شتافت و دوش به دوش سایر امدادرسانها، همیشه، در صحنه خدمت به مردم حاضر خواهند بود، لذا از همهٔ مسافران و رانندگان محترم می‌خواهم به توصیه و هدایتهای راهداران توجه و عنایت نمایند.و با این عزیزان همکاری داشته باشند تا ان‌شاءا... حادثه‌ای برایشان رخ ندهد. همچنین، به علائم و تجهیزات ایمنی که در طول مسیر برای تأمین سلامت رانندگان نصب شده است توجه نمایند و در حفظ آنها کوشا باشند.

مردم باید آگاه باشند که حریم راهها، فضایی است برای کمک به حفظ ایمنی ترافیک عبوری، و بی‌توجهی به این امر، انجام عملیات راهداری و ارتقاء سطح خدمت بیشتر در آینده را دچار مشکل می‌کند، لذا از مردم عزیز می‌خواهم از ریختن زباله و یا تجاوز به حریم راهها جداً خودداری نمایند.

به مسافران گرامی توصیه می کنم قبل از سفر، برای اطمینان بیشتر، ابتدا از وضعیت خودرو و وسایل مورد نیاز سفر، مطمئن شوند و همچنین می‌توانند از وضعیت ترافیکی مسیر و محور مورد نظر خود از طریق تلفن ۱۴۱ مرکز مدیریت راههای کشور اطلاع حاصل نمایند و از وضعیت هواشناسی راهها هم غافل نشوند.

تلفن **۰۳۵۱-۸۲۸۶۹۶۰** مرکز اطلاع راههای استان یزد نیز در اختیار مسافرانی است که قصد سفر به این استان را دارند و می‌خواهند از وضعیت ترافیکی محورهای مواصلاتی آن مطلع شوند.

همچنین، روابط عمومی اداره کل راه و شهرسازی استان یزد نیز در طول این ایام آمادگی دارد از طریق سامانه پیامکی **۱۰۰۰۳۵۱۱۴۱** نظرات، پیشنهادات و حتی شکایات شما عزیزان را دریافت نماید.

در پایان برای تمامی هموطنان عزیز، بویژه مسافران آرزوی سلامتی و شادمانی به ویژه در این ایام را دارم و از خداوند متعال می‌خواهم همه مسافران را در سایه الطاف خودش محافظت بفرماید، ان‌شاء ا....

در ضمن، شماره تلفن های سه رقمی بخش جاده‌ای ۱۴۱، ریلی ۱۵۳۹، هوایی ۱۹۹ و هوا شناسی ۱۳۴ نیز در اختیار مسافران می باشد.

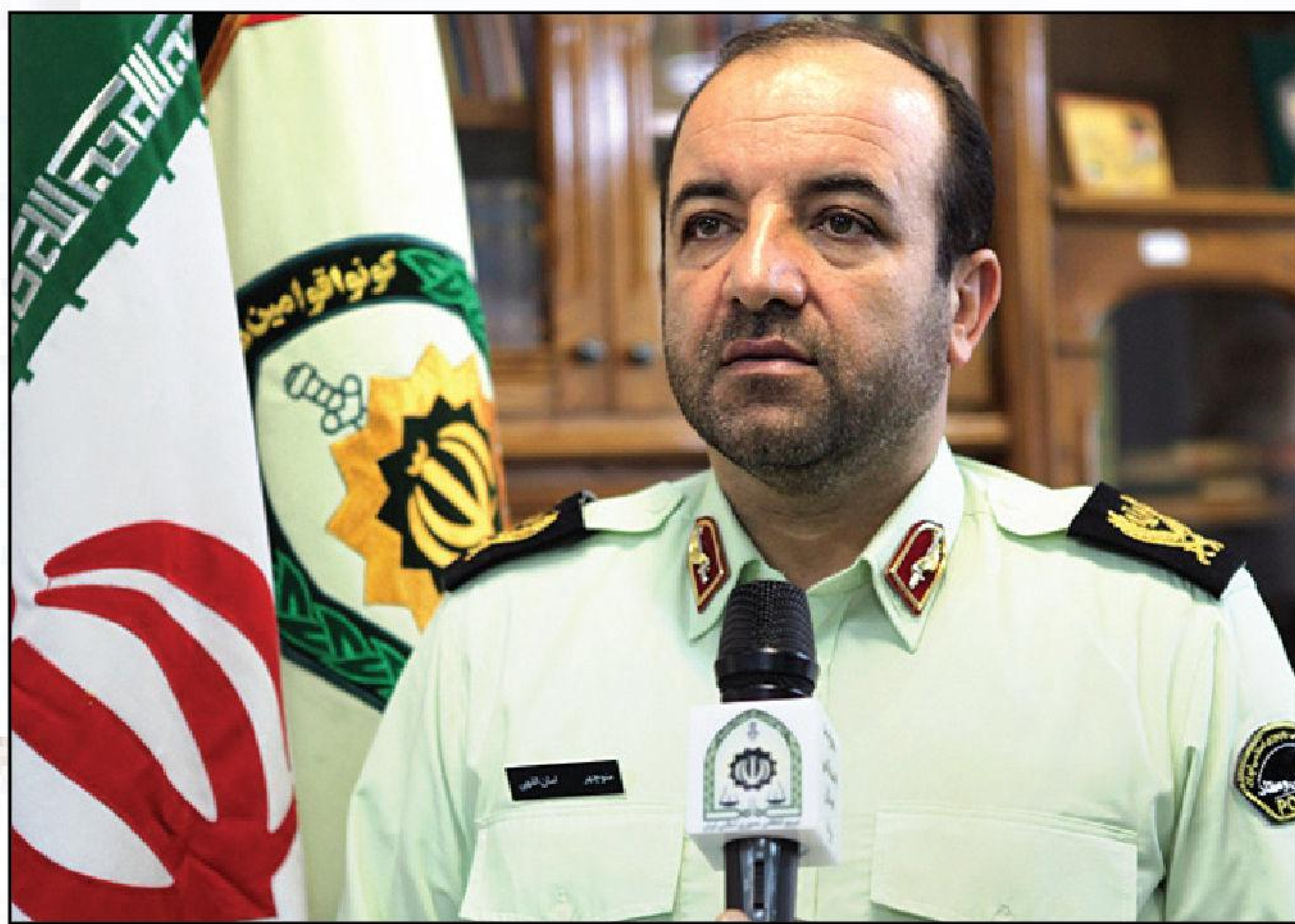






توصیه‌های ایمنی و نوروزی فرمانده انتظامی استان یزد

یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار و یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال



سرتیپ ۲ پاسدار منوچهر امان اللهی فرمانده انتظامی استان یزد

آمدن بهار، حیات دوباره طبیعت را نوید می‌دهد که بی‌شباهت به روز موعود نیست. آن هنگام که دوباره متولد می‌شوند و در محضر حضرت دوست نظاره‌گر نتیجه اعمال خویشند، چه زیباست که قبل از رسیدن به آن روز اکنون همراه شویم با آواز دل‌انگیز بهار و پرندگان غزلخوان و از خدای خویش بخواهیم که ای مقلب‌القلوب دلهامان را از نور ایمان و عشق به خودت و همه آفریدگانت لبریز گردان، ای مدبر اللیل و النهار روزگار و زندگیمان را چنان تدبیر کن که خود می‌پسندی، و ای محول الحول و الاحوال، حالمان را چنان دگرگون کن که به جز تو به هیچ نیاندیشیم و حالتی بیابیم که قادر باشیم صفات رذیله را از خود دور کرده و صفات نیک را کسب نماییم.

ما خادمان شما در نیروی انتظامی با تمام توان و تلاش سعی داریم در ایام نوروز فضای مناسبی را جهت امنیت و آرامش شما عزیزان در دارالعباده یزد فراهم آوریم. ضمن اینکه بر این باوریم امنیت، یک تولید جمعی است و همکاری تمامی افراد جامعه را می‌طلبد که ان شاءالله همچون گذشته با مساعدت و همکاری شما میهمانان و شهروندان عزیز، این مهم را با رعایت نظم و انضباط اجتماعی، حجاب، شئونات اسلامی، رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی، ارتباط و تعامل دوسویه و سازنده با پلیس، رعایت حقوق دیگران و... محقق خواهیم ساخت تا امنیت و آسایش شما در نوروز ۹۳ ماندگارترین تجربه مسافرت شما و خانواده محترمتان در این دیار باشد.

اهم توصیه‌های ایمنی نیروی انتظامی در ادامه می‌آید. ان شاءالله سفری خوش را در پیش داشته باشید.

منوچهر امان اللهی

فرمانده انتظامی استان یزد



هشدارهای انتظامی جهت کنترل وسیله نقلیه قبل از سفر

۱ـ قبل از سفر تمامی امکانات خودرو را بازبینی و رفع عیب نمایید.
۲ـ لاستیک‌ها را از نظر فرسودگی و باد بررسی نمایید و در صورت فرسوده بودن و نداشتن آج کافی آنها را تعویض کنید.
۳ـ بررسی تمام سیستم‌های روشنایی از قبیل چراغ‌های قرمز، دنده عقب، دینام، چراغ‌های عقب و جلو، نور پائین و بالا، راهنما، چراغ‌های پشت صفحه کیلومتر، بوق، برف پاک کن، کیلومتر شمار، دور سنج موتور، درجه بنزین و آب بسیار اهمیت دارد. خرابی هر کدام از این قسمت‌ها می‌تواند در طول مسیر شما را دچار مشکل کند.
۴ـ به همراه داشتن پتو، چراغ قوه، طناب، شیشه آب و لوازم یدکی خودرو می‌تواند هنگام بروز مشکل یاری‌گر شما باشد.
۵ـ قبل از سفر وضعیت راه‌ها را از طریق رسانه‌های جمعی جویا شوید.

هشدارهای انتظامی رعایت انضباط اجتماعی و ترافیکی و پیشگیری از حوادث در سفر

۱ـ استفاده از کمربند ایمنی ضامن سلامت شماست.
۲ـ از اسکان در محل‌های متفرقه و اماکن ناشناس خودداری نمایید.
۳ـ به هنگام سوار شدن در وسایل نقلیه عمومی، شماره و کد خودرو را حتما به خاطر بسپارید.
۴ـ اشیای گران قیمت و با ارزش خود را حتماً نزد مسئولین اقامتی سپرده و رسید دریافت نمایید.
۵ـ از ارائه اطلاعات شخصی و مهم به افراد ناشناس خودداری نمایید.
۶ـ اجازه سبقت به سایر رانندگان را نشانه ضعف خود ندانید.

هشدارهای پیشگیری از سرقت خودرو

۱ـ خودروی خود را به وسایل و تجهیزات ایمنی نظیر قفل فرمان، قفل پدال و دزدگیر تجهیز نمایید.
۲ـ هنگامی که از خودرو پیاده می‌شوید خودرو را حتی برای لحظه‌ای روشن نگذارید.
۳ـ با اطمینان از اینکه فرزند خردسال شما در خودرو نشسته اتومبیل را رها نکنید، زیرا احتمال وقوع هرگونه حادثه ناگواری وجود دارد.
۴ـ از قرار دادن اسناد، مدارک، اشیاء قیمتی و دیگر اوراق شناسایی خودرو در داخل آن جدا خودداری نمایید.
۵- به هنگام سوار نمودن مسافر مشکوک به مقصد خارج از شهر و مناطق خلوت شهر در شبها دقت بیشتری نمایید.
۶- بعد از خرید خودرو از افراد ناشناس نسبت به تعویض قفلهای درب و تجهیزات ایمنی آن اقدام کنید.
۷- از پارک کردن اتومبیل در نقاط خلوت و کم نور خودداری نموده و حتی‌الامکان در پارکینگ پارک نمایید.

هشدارهای پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا) ف.ا.ا یزد به منظور جلوگیری از وقوع جرائم در فضای مجازی

۱- برای پیشگیری از برداشت غیرمجاز حساب‌های بانکی، از مراجعه به کافی‌نت‌ها برای رصد حساب‌هایتان پرهیز کنید.
۲- برای مصون ماندن از آسیب‌های اینترنتی از ارائه اطلاعات شخصی در فضای مجازی خودداری کنید.
۳- کاربران اینترنت مراقب هکرها با فعالیت غیر اخلاقی در محیط گفتگو (چت) باشند.
۴- نرم‌افزارهای فیلترشکن و فیلترشکن‌های رایگان، نشر اطلاعات شخصی شما را برای عموم آزاد می‌سازد. پس به هیچ عنوان از آنها استفاده نکنید.
۵- از ذخیره اطلاعات شخصی خودروی رایانه‌هایی که با آن‌ها مستقیماً به اینترنت متصل می‌شوید، خودداری نمایید.

نگین باستانی ایران «یــزد» را بشناسیم



دارالعباده،دارالعلم،شهر دوچرخه ها،شهر بادگیرها و شهر قنات و قنوت و قناعت،اولین شهر خشتی و دومین شهر تاریخی جهان و حسینیه ایران همه معرف شهری کویری است که از ژرفای دوران کهن بنیان نهاده شده و با گذر از دالانهای تاریخ و چشیدن سرد و گرمهای روزگار اکنون نماد استقامت،صداقت،دینداری، پاکدامنی، ولایت مداری حجاب و راستی و درستی می باشد.

بناهای به جا مانده از دوران گذشته، هویت و شناسنامه شهر هستند و همانند نگینی می درخشند تا استقامت و پایمردی کویر نشینان را در گرمای سوزان و خشک به رخ کشانند.

مسجد جامع کبیر این شهر با معماری بی نظیر ایرانی در گچ کاری و صحن و مناره های برافراشته، مجموعه امیر چقماق با مناره های سر به آسمان ساییده، بقعه سید رکن الدین با گنبد فیروزه ای منقش، بقعه دوازده امام با سبک منحصر به فرد،بنا و نقش کتیبه کوفی رنگی،مصلی عتیق با کاشی های شش ضلعی فیروزه ای،باغ دولت آباد با بادگیر های بلند و مجموعه خان،آب انبار رستم گیو،آب انبار شش بادگیری ،برج و بارو، آتشکده زرتشتیان، خانه محمودی،خانه لاریها و زندان اسکندر و... همه و همه نشان از سختکوشی گذشتگان و هنرمندی ساکنان این خطه از ایران دارد.

علما و فضلای این شهر نیز شهره عام و خاصند از جمله حاج شیخ عبدالکریم حائری(ره)، حاج سید محمد کاظم طباطبائی یزدی(ره) و حاج شیخ غلامرضا فقیه خراسانی(ره) و آیت الله شهید شیخ محمد صدوقی (ره) و آیت الله سید روح الله خاتمی(ره) و شیخ حسن کرباسی (ره).

مولانا کمال الدین محمد وحشی بافقی،میرزا محمد فرخی یزدی،سید محمدعلی ریاضی یزدی، دکتر محمد علی اسلامی ندوشن،دکتر محمود افشار،مهدی آذر یزدی،آیت الله حاج شیخ محمود فرساد و عبدالحسین جلالیان یزدی نیز از شعرا و ادیبان این دیار هستند.

زری بافی ، شعربافی، چادرشب بافی، فرش بافی، ترمه بافی، زیلو بافی، سفره بافی، پتو بافی، حصیر بافی، کاشی سازی هفت رنگ ، کاشی سازی معرق، سفال و سرامیک هم از صنایع دستی این خطه از میهن عزیزمان ایران است.

شیرینی های آن هم آوازه ای جهانی دارد و در انواع باقلوا، قطاب، پشمک، لوز بید مشک و بادام و پسته و مغز گردو و حاجی بادام و سوهان تولید می شود.

موقعیت این شهر در حاشیه کویر مرکزی است و در حقیقت نگینی در مرکز ایران به حساب می آید، با مردمی که صمیمی و سخت کوش هستند و بصیرت در عمق نجابت و دیانت آنها ریشه دارد، سختی های قرون متمادی را تحمل کرده و با کویر برای سکونت و زندگی کنار آمده اند و با خلق فناوریهای خاص خود اعجاب همگان را برانگیخته اند و مصون از هر حمله و فتنه ای، استوار و ستوده مانده و در گنجینه گرانبهای خویش، قسمتی از میراث عظیم بشری را نگه داری می کنند.

آری با این مشخصات نام تنها شهری که به ذهن انسان خطور می کند یزد است، شهری با مردمان مهمان نواز و متدین که اصول اعتقادی از شاکله های آن محسوب می شود. در ایام نوروز سال ۱۳۹۳ که با ایام فاطمیه قرین شده است شهرداری یزد از همه ایرانیان عزیز دعوت می کند تا با مسافرت به این شهر باستانی از آثار و زیبائیهای آن بهره ببرند و همچنین در جریان پیشرفتهای سریع آن در چند سال اخیر قرار بگیرند.

روابط عمومی و امور بین الملل شهرداری یزد



پیام نوروزی شهردار یزد

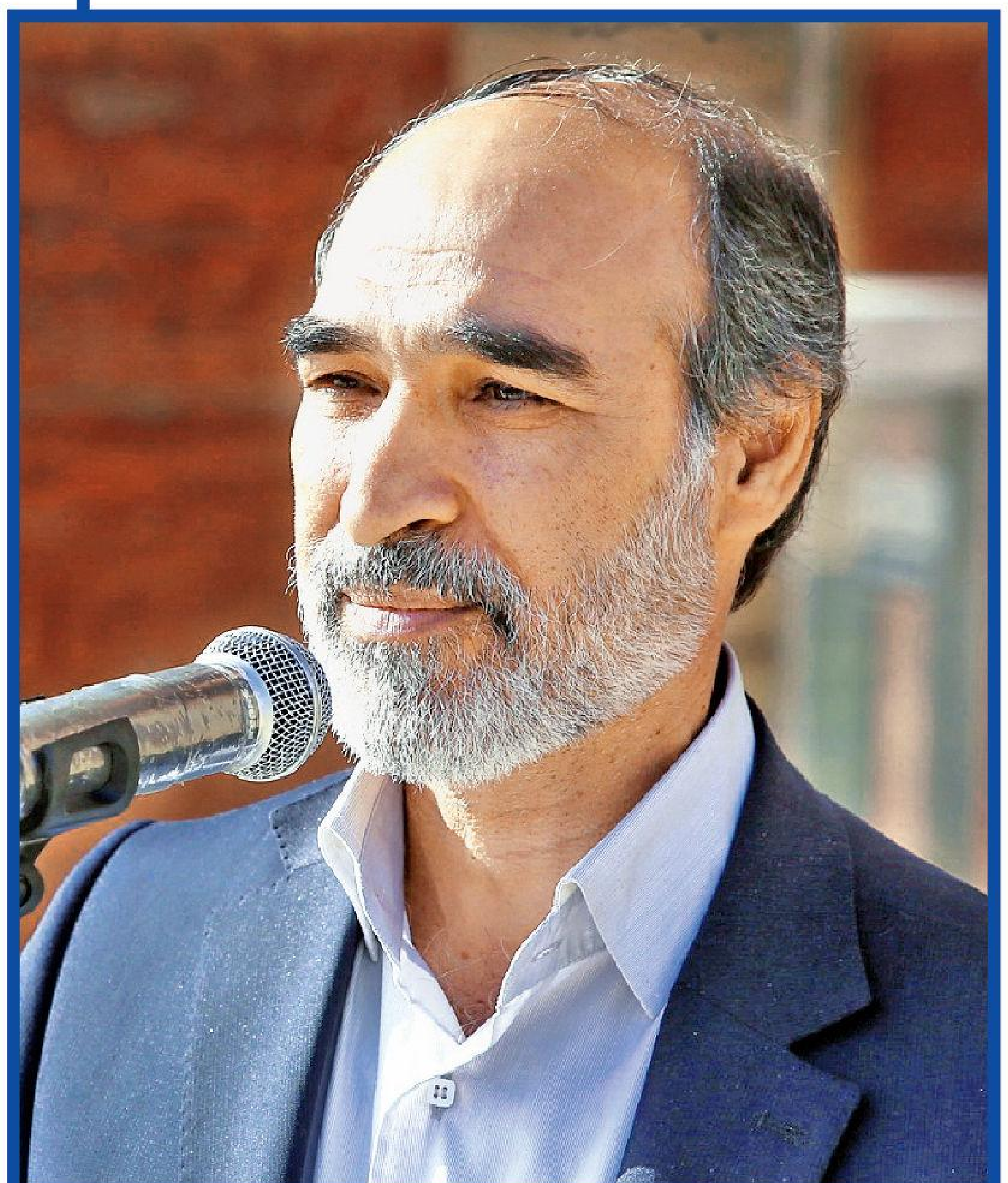
با فرا رسیدن رستاخیز طبیعت،زیباییها رخ می نمایاند و در هر گوشه از این جهان هستی جلوه‌ای از قدرت لایزال الهی نمود پیدا می کند و این نشانه ای است برای شناخت و درک عظمت خالق هستی، باشد که لایق این معرفت شویم و با سپاس به درگاه قادر متعال در زمره شاکرانش قرار بگیریم.

سال نو و بهار زیبای ۱۳۹۳هجری شمسی را در حالی با آرزوی فرج حضرت صاحب الامر (عج) آغاز می کنیم که در ایام سوگواری یگانه دخت پیامبر اعظم (ص) حضرت فاطمه زهرا(س) قرار داریم. به همین منظور با تمسک به فرهنگ فاطمی (س)برای همشهریان و میهمانان شهر دارالعباده و درالعلم یزد سالی خوب و همراه با موفقیت آرزومندم.

محمدرضا عظیمی زاده
شهردار یزد

پیام نوروزی شهردار خرم آباد:

میهمانان گرامی! به خرم آباد خوش آمدید



میهمانان گرامی! به خرم‌آباد خوش آمدید؛ سرزمینی که بیشتر از هر جای دیگری، زندگی در آن قدمت دارد و یافته‌های دانشمندان در غارهای باستانی‌اش گواه این مدعاست. آری! اینجا خرم‌آباد است؛ بهشتی که ریسه‌ی مروارید رودخانه‌ها و چشمه‌سارهایش گردن‌آویز رشته کوه‌های سترگ و زیبایی است که نخستین آفتاب زندگی از ستیغ‌شان برآمده است.

سرزمینی با پُل‌های زیبای باستانی و مناظری چشم‌نواز با آبشارها و جویبارهایی که گویی خداوند به رنگ‌هایی از بهشت، جاودانه‌شان کرده است.

آری اینجا سرزمین هنر است و گواهش دست‌ساخته‌های مفرغی پیشینیان‌مان می‌باشد که در اوج ظرافت، زیبایی و شکوه زینت‌بخش معتبرترین موزه‌های دنیاست.

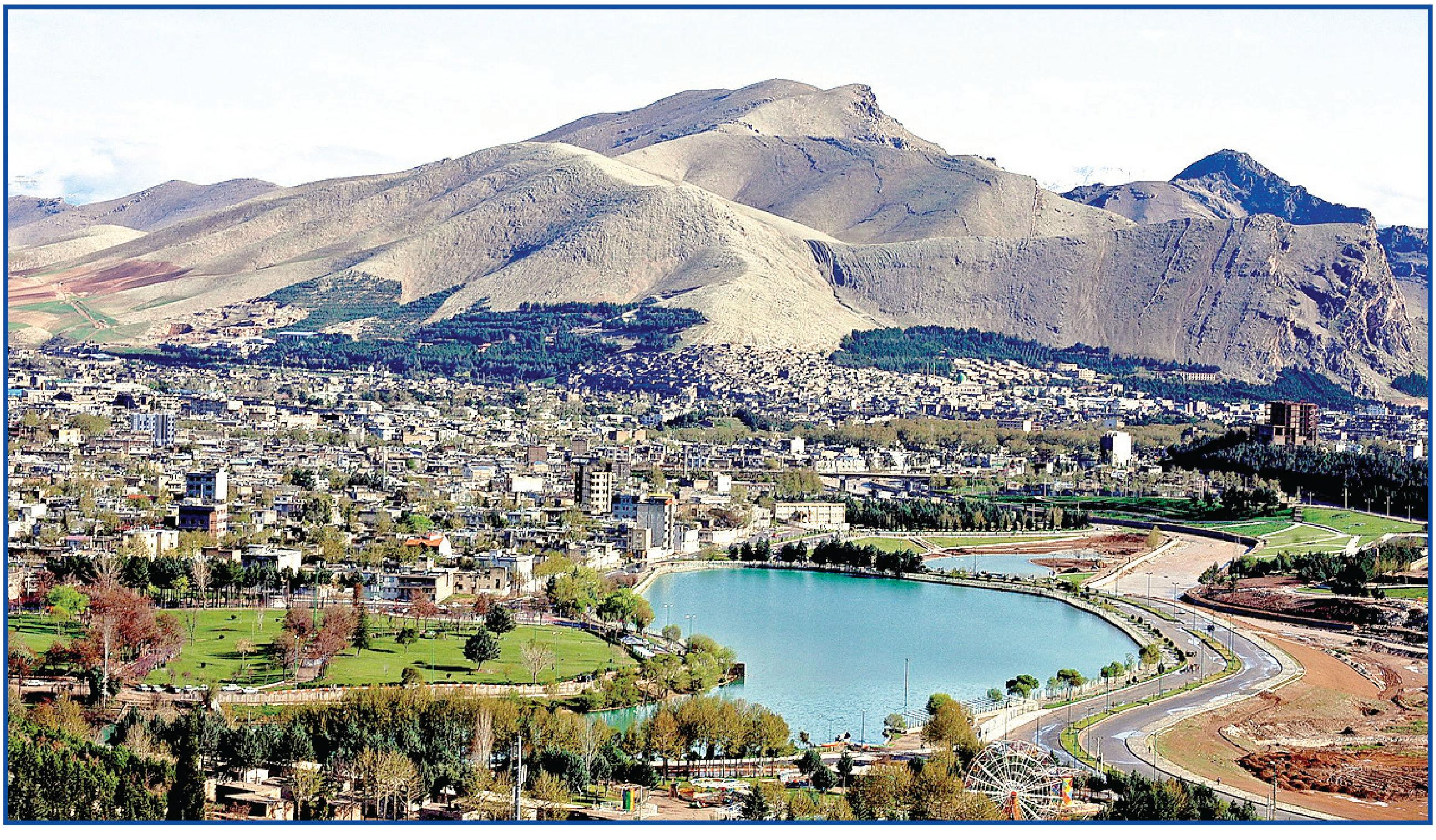
خرم‌آباد بیشتر از این که گفتنی باشد، دیدنی است؛ کافی است نگاه مهربان‌تان را به سویی افکنید؛ شمال یا جنوب، چپ یا راست فرقی نمی‌کند؛ گوشه گوشه‌ی این شهر، سرشار از لطف و مهربانی خداست.

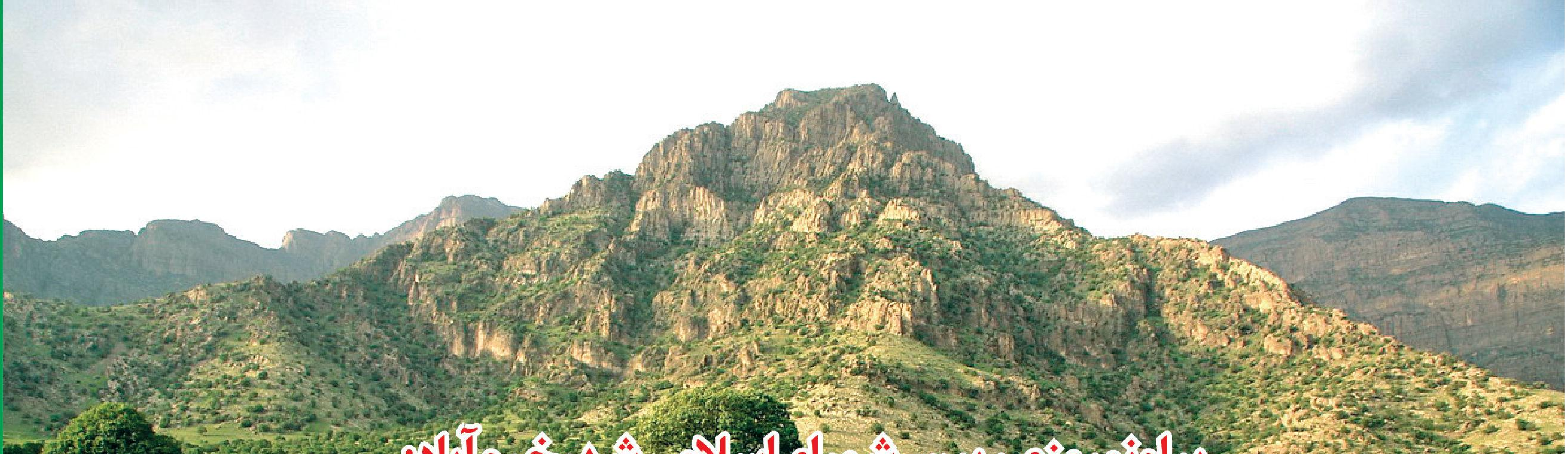
دلیرمردان و شیرزنان این سرزمین شُهره‌اند به میهمان‌نوازی و دست‌و دل‌بازی و میهمان‌شان را در آنچه که دارند، شریک می‌دانند؛ پس جای غریبی نیامده‌اید؛ اینجا خانه‌ی خودتان است.

به دیار بلوط، سرای سُرنا و درگاهِ دُهل، دیار فلک‌الافلاک، به سرزمین اصالت خوش آمدید.

شهرداری خرم‌آباد با افتخار اعلام می‌دارد که در جهت رفاه میهمانان عزیز اقامتگاه‌های رایگانی تدارک دیده و در پی آن است که حاصل اقامت شما در سرزمین فلک‌الافلاک، خایدالو و شاپورخاست، خاطره‌ای به یادماندنی باشد که یادآوری‌اش لبخند زیبایی بر لبان شما بنشاند.

محمد مهرابی
شهردار خرم آباد





پیام نوروزی رییس شورای اسلامی شهر خرم آباد:

به خرم آباد دیار فلک الافلاک خوش آمدید



بار دیگر نوای دلنشین نوروز و رایحه عطر گل های بهاری به مدد ذات اقدس الهی پهنه میهن اسلامی ، سرزمین مهر و دوستی را فراگرفته و ما را به همراهی خود ندا می زند.بر ماست که از او مدد جوئیم و خویش را از غبار و رنگهای تعلق هرچه غیر از اوست بشوئیم و از یکتای بی همتای حکیم، تحول احوال را به احسن حال طلب کنیم.

نوروز باستان ، سرآغاز زندگی دوباره طبیعت و دگرگونی زمین ، بار دیگر در آستانه زمان ایستاده و همگان را برای نو شدن فرا می خواند و زمین ، سرود بیداری و رویش سر داده و طبیعت ، هم نوا با این سرود دل انگیز ، به پیشواز زندگی و نوسازی می رود.

حلول سال نووبهار طراوت را به تمامی عزیزان تبریک و تهنیت عرض نموده وسالی سرشار از برکت ومعنویت را از درگاه ایزدمنان وسبحان برای مردم شریف کشور پهناور ایران اسلامی وشهروندان خوب وبافرهنگ شهر تاریخی وفرهنگی خرم آباد مسئلت می نمایم.

سنت مبارک نوروز در کشور ما آغاز نوشدن هاست.آغاز تغییر وتحول و تلاش برای بهتر شدن در تمامی ابعاد وارکان زندگی.

امیدوارم با کمک و تلاش مضاعف کلیه خادمان مردم در شهرداری خرم آباد، سال ۹۳ همراه با خلاقیت ، سخت کوشی ، همدلی ، یکپاچگی ، هم افزایی و صمیمی بیش از پیش آغاز گردیده و تداوم یابد.

امید است در سال جدید با روحیه ای نو ، توانی مضاعف و اندیشه ای چاره ساز و با بهره گیری از فیوضات معنوی در سایه توجهات حضرت ولی عصر(عج) و رهبری مدبرانه مقام معظم رهبری حضرت آیت اله خامنه ای (حفظه اله) خدمات ماندگاری را به مردم شریف و نجیب ارائه کنیم و با همکاری و مشارکت شهروندان فرهیخته زمینه رشد و توسعه عمران شهر خرم آباد را فراهم آورده و گام های بلند و استواری توسط خادمان شما در شهرداری خرم آباد برداریم تا شهری در خور شان مردم خرم آباد داشته باشیم.

اینجانب به عنوان رییس شورای اسلامی شهر خرم آباد و به نمایندگی از طرف اعضای محترم شورای اسلامی شهر، ایام نوروز سال ۹۳ را به حضور یکایک همشهریان فهیم و نجیب خرم آباد و نیز کلیه گردشگران و میهمانان نوروزی که از اقصی نقاط میهن عزیز ایران به استان لرستان و شهر تاریخی خرم آباد سفر می کنند تبریک و شادباش عرض می نمایم.

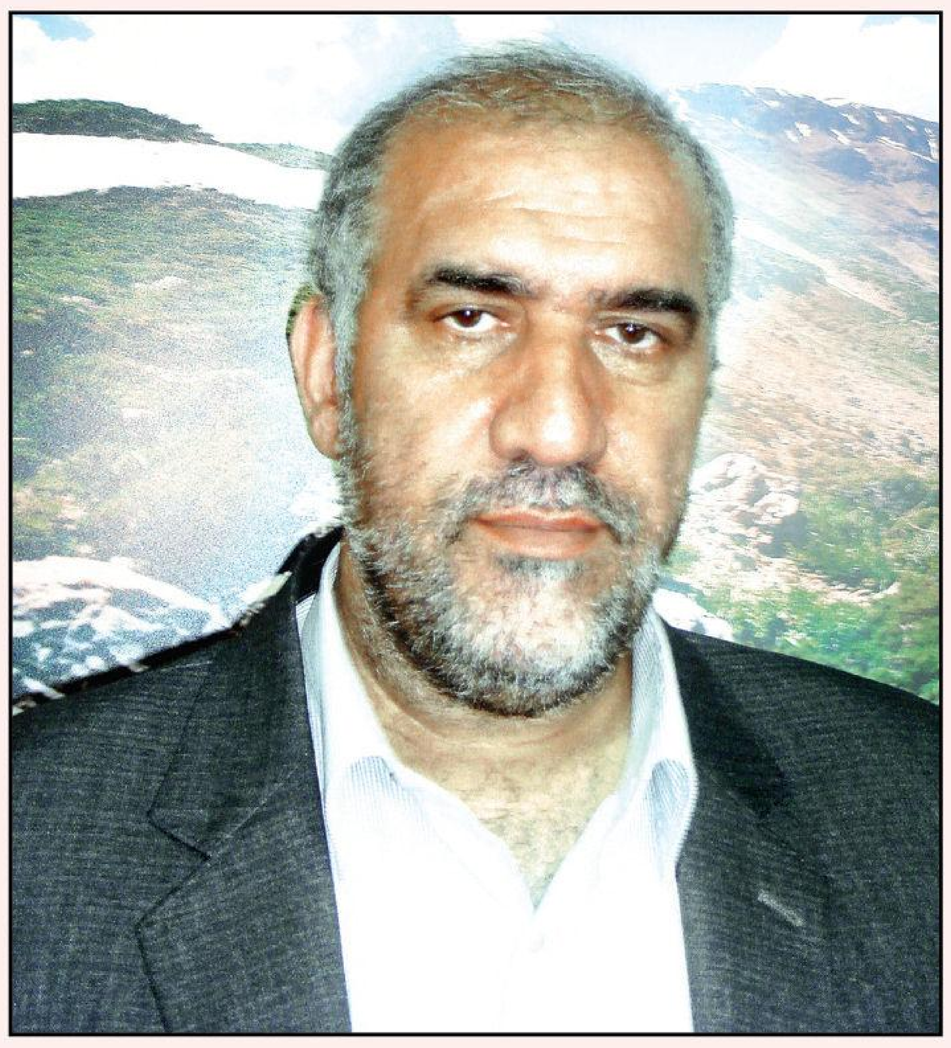
گام هایتان را به دیار فلک الافلاک و شهر شقایق ها گرامی می داریم و امیدواریم که سالی پربار ، پربرکت و توام با صحت و سلامت ، سربلندی و پیروزی پیش رو داشته باشید.

محسن اقبالی
رییس شورای اسلامی شهر خرم آباد



محمدرضا امانی سرپرست میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان خبر داد:

لرستان آمادگی پذیرایی از ۵ میلیون مسافر نوروزی را دارد



محمدرضا امانی سرپرست میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان با بیان اینکه لرستان دارای فرهنگ بسیار غنی و تاریخی است که با اطلاع رسانی مناسب و مطلوب حرف های بسیار زیادی در چنته دارد، گفت: لرستان نخستین سکونتگاه بشری و براساس اسناد، پایتخت پل های تاریخی دنیاست به طوری که پل گاومیشان به عنوان بزرگ ترین دهنه پل تاریخی دنیا با ۳۴ متر در لرستان و در شهرستان پلدختر قرار دارد.

وی با اشاره به اینکه همه تمهیدات لازم برای استقبال و پذیرایی از مسافران و گردشگران نوروزی در استان اندیشیده شده است، افزود: همه هتل ها، مهمانسراها و مهمان پذیرها و مدارس موردنظر در استان و تعدادی کمپ مجهز به چادر در پارک های شهرهای استان برای اسکان مسافران نوروزی در نظر گرفته شده است.

سرپرست میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری لرستان با اشاره به اینکه در نوروز ۹۲ بیش از ۴ میلیون مسافر نوروزی از استان دیدن کردند، گفت: استان لرستان در نوروز ۹۳ با تمهیداتی که اندیشیده شده و با فراهم کردن زیرساخت ها و نیز وجود انسجام بسیار خوب بین اعضای ستاد تسهیلات سفرهای نوروزی، آمادگی استقبال و پذیرایی از ۵ میلیون مسافر و گردشگر نوروزی را دارد که نسبت به سال قبل از آن از رشدی ۲۵ درصدی برخوردار خواهد بود.

امانی با بیان اینکه استان لرستان با همه امکانات آماده پذیرایی از مسافران نوروزی است، افزود: بیش از ۱۱۰۰ تخت در هتل ها، اماکن اقامتی و ۱۵۰۰ کلاس درس در سطح استان برای اسکان و پذیرایی از مسافران و گردشگران نوروزی در نظر گرفته شده است.

وی به افزایش ۱۲۱ درصدی میزان مدت اقامت مسافران در استان اشاره کرد و گفت: در نوروز ۹۱ تعداد ۱۷۰ هزار نفر در استان اقامت داشتند که این آمار در نوروز ۹۲ به ۳۷۰ هزار نفر افزایش یافت.

سرپرست میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری لرستان با بیان اینکه تعداد ۵ کمپ در سطح شهرستان خرم آباد به صورت رایگان به مسافران و گردشگران خدمات ارائه می دهند افزود: تعداد ۱۲ بازارچه صنایع دستی و سوغات به منظور عرضه محصولات صنایع دستی و سوغات استان به مسافران در ورودی های شهرهای استان ایجاد می شود.

امانی تصریح کرد: در ایام نوروز ۹۳ همچنین نمایشگاهها و جشنواره هایی تحت عنوان «بهار مالگه» که معرف و مؤید سنت، تمدن و فرهنگ های خاص استان لرستان است در سطح پارک ها برپا می شود.

سرپرست میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری لرستان با اشاره به اینکه مردم لرستان مردمی قانع، صمیمی، هوشمند، سخت کوش، صبور و پر تلاش هستند که ضمن خلوص و تواضع نسبت به میهمانان، حراست از حریم خانواده و ملک و سرزمین با جانشان در آمیخته است اظهار امیدواری کرد که به مسافران و میهمانان نوروزی در دیار کهن و تاریخی لرستان خوش بگذرد و بتوانند از مناظر و طبیعت زیبای استان و نیز اماکن مذهبی، تفریحی و تاریخی این دیار تاریخی به خوبی دیدن نمایند و لذت ببرند و با خاطراتی شاد و شیرین و به یادماندنی سرزمین زیبای لرستان را ترک نمایند.

لرستان

آئینه طبیعت و تاریخ و تابلوی زیبایی از آفرینش آماده پذیرایی از مسافران نوروزی است

لرستان آئینه طبیعت و تاریخ و تابلوی زیبایی از آفرینش و مجموعه ای از جلوه های حیرت انگیز و زیبایی های ناب و نایاب ایران زمین از فرهنگ، مذهب، طبیعت و تاریخ و پایتخت پل های تاریخی دنیاست.

لرستان جلوه گاه زیبایی های ناب و نایاب، گوشه ای پر فر و شکوه از فرهنگ و تاریخ ایران و دیار گنبدهای آبی و طلایی مساجدی است که یادگار هنرمندان رو به خداست.

لرستان از استان های باستانی کشور است که آثار به جای مانده زیادی از ادوار گذشته را در خود جای داده است تا این منطقه را به عنوان یک قطب در صنعت گردشگری کشور مطرح کند.

استان لرستان با گستره ای نزدیک به ۳۰ هزار کیلومتر مربع در غرب ایران و در بخش میانی زاگرس قرار گرفته و بین استان های همدان، مرکزی، اصفهان، خوزستان، ایلام و کرمانشاه محصور است.

استان سرسبز لرستان دارای جاذبه های طبیعی، فرهنگی و تاریخی دیدنی بی شماری است که به تایید کارشناسان بهترین زمینه برای تقویت و توسعه صنعت گردشگری در غرب کشور به شمار می آید که وجود درختان جنگلی نظیر بلوط، بنه، گلابی وحشی، ارژن، زالزالک و دیگر درختان مثمر و غیر مثمر و همچنین وجود آبشارها، غارها، پل ها، تالاب ها و کوهستانهای مرتفع از جمله مناظری است که همواره می تواند پذیرای هزاران گردشگر داخلی و خارجی باشد.

علاوه بر جنگل های زیبا، کوهها و رودهای خروشان متعدد، اماکن فرهنگی، تاریخی و مذهبی و زیبایی های تفریحی دیگری مانند قلعه فلک الافلاک، مناره آجری، گرداب سنگی، پل شکسته، پل دختر، پل کشکان، پل گاومیشان، پل کاکارضا، سنگ نوشته، دریاچه زیبای گهر، دریاچه کیو، غارهای کلماکره، میرملاس، یافته، کونان و دوشه، مسجد جامع، مسجد امام، امام زاده قاسم (ع)، امام زاده جعفر (ع) امام زاده زیدبن علی (ع)، امام زاده شاه احمد (ع)، امام زاده شاه محمد (ع)، آسیاب گبری، آبشار افرینه، آبشار بیشه، آبشار آب سفید، آبشار نوژیان، آبشار گریت، آبشار وارک، سراب کهمان، سراب ونایی، سراب هنام، سراب زز و... در استان لرستان وجود دارند که سبب جذابیت بالای استان شده اند و مشاهده آنها هر بیننده و مسافر و گردشگری را مجذوب خود می کنند.

خرم آباد دیار فلک الافلاک

شهر خرم آباد مرکز استان لرستان در فاصله ۴۸۰ کیلومتری جنوب غربی تهران و در میان دره ای خوش آب و هوا با درختان و جویبارهای پر آب واقع شده است.

این شهر به سبب برخورداری از پیشینه کهن و جاذبه های طبیعی فراوان یکی از شهرهای توریستی ایران است.

عمده ترین جاذبه های طبیعی و تاریخی شهر خرم آباد: قلعه تاریخی فلک الافلاک، موزه مردم شناسی و باستان شناسی، مناره آجری، سنگ نوشته، گرداب سنگی، آبشار بیشه، آبشار گریت، آبشار وارک، آبشار نوژیان، پل شکسته، امام زاده زیدبن علی (ع)، آسیاب گبری.

بروجرد، زادگاه فرزانگان

این شهر در ۱۱۰ کیلومتری شمال شرقی خرم آباد در ناحیه ای تقریبا کوهستانی واقع شده است. بافت قدیمی این شهر، جذابیت توریستی دارد.

امام زاده جعفر (ع)، مسجد جامع، مسجد امام، سراب ونایی و تپه چغاز از عمده ترین جاذبه های طبیعی و تاریخی بروجرد هستند.

الیگودرز، سرزمین لاله های واژگون

الیگودرز در فاصله ۱۵۴ کیلومتری شرق خرم آباد در ناحیه ای کوهستانی و مرتفع قرار دارد. عمده ترین جاذبه های طبیعی و تاریخی الیگودرز عبارتند از امام زاده پیر امام، آبشار آب سفید، آبشار چکان، غار سمندر، سراب ماهی چال و موزه مردم شناسی.

ازنا، دیار اشترانکوه

این شهر در فاصله ۱۳۲ کیلومتری شمال شرق خرم آباد واقع شده و آب و هوای آن سردسیری است. تونل برفی، دره تخت، امام زاده قاسم (ع)، دامنه اشترانکوه، چشمه قلقلی از جمله جاذبه های طبیعی و تاریخی ازنا هستند.

دورود، پایتخت طبیعت ایران

شهر دورود در ۱۰۰ کیلومتری شمال شرق خرم آباد و در مسیر راه آهن سراسری تهران – خرمشهر واقع شده است.

شهرت دورود به واسطه کارخانه سیمان و فارسیت و صنایع نظامی آن است اما جاذبه های مذهبی و مناظر طبیعی آن از ارزش و اهمییت والایی برخوردار است. دریاچه زیبای گهر، غار و سراب منو، دره نی گاه و امام زاده پیر والی از عمده ترین جاذبه های طبیعی و تاریخی این شهر هستند.

الشتر، قطعه ای از بهشت

الشتر مرکز شهرستان سلسله در فاصله ۵۰ کیلومتری شمال خرم آباد واقع شده و از شهرهای حاصل خیز، سرسبز و خوش آب و هوای استان به شمار می رود که منطقه سرسبز، زیبا و دیدنی کهمان در ۱۰ کیلومتری شمال شهر الشتر به عنوان قطب مهم گردشگری هرساله و به ویژه در فصول بهار و تابستان به دلیل وجود آب زیاد و هوای دلپذیر و خنک، پذیرای انبوهی از مردم و مسافران از استان و کشور است. سراب کهمان، سراب هنام، سراب زز، دره تخت شاه، تخت گریران و پل تاریخی کاکارضا از مهم ترین جاذبه های طبیعی و تاریخی الشتر است.

نور آباد، دیار مهرورزی

نورآباد مرکز شهرستان دلفان در ۹۵ کیلومتری شمال غرب خرم آباد واقع شده است. آثار برنزی به دست آمده حکایت از قدمت و سابقه تمدن عظیم بشری در این منطقه دارد. تعداد قابل توجهی تپه باستانی که دارای ارزش تاریخی هستند در این منطقه قرار دارند.

مقبره شاهزاده ابراهیم (باباپزرگ)، تپه حمام، تپه باستانی سیکوند و سراب غضنفر از جمله جاذبه های طبیعی و تاریخی این شهرستان هستند.

کوهدشت، سرزمین نیایش

این شهرستان در ۹۴ کیلومتری جنوب غربی خرم آباد واقع شده است و دارای جاذبه های متنوع باستانی و طبیعی است. کانون برنزهای مکشوفه لرستان در این شهرستان قرار دارد. کوهدشت با امکانات بالقوه آثار باستانی و جاذبه های بکر طبیعی می تواند به یکی از قطب های جهانگردی کشور تبدیل شود. چشمه سیاب، غار همیان، دره و غار ویزنهار، دره طرهان، غار میرملاس، پل سیاه پله، گنبد و امام زاده شاه محمد، امام زاده ابوالوفا، معبد سرخ دم لری، تنگه شیرز و پارک جنگلی بلوران از عمده جاذبه های طبیعی و تاریخی کوهدشت است.

پلدختر، گذرگاه تاریخ

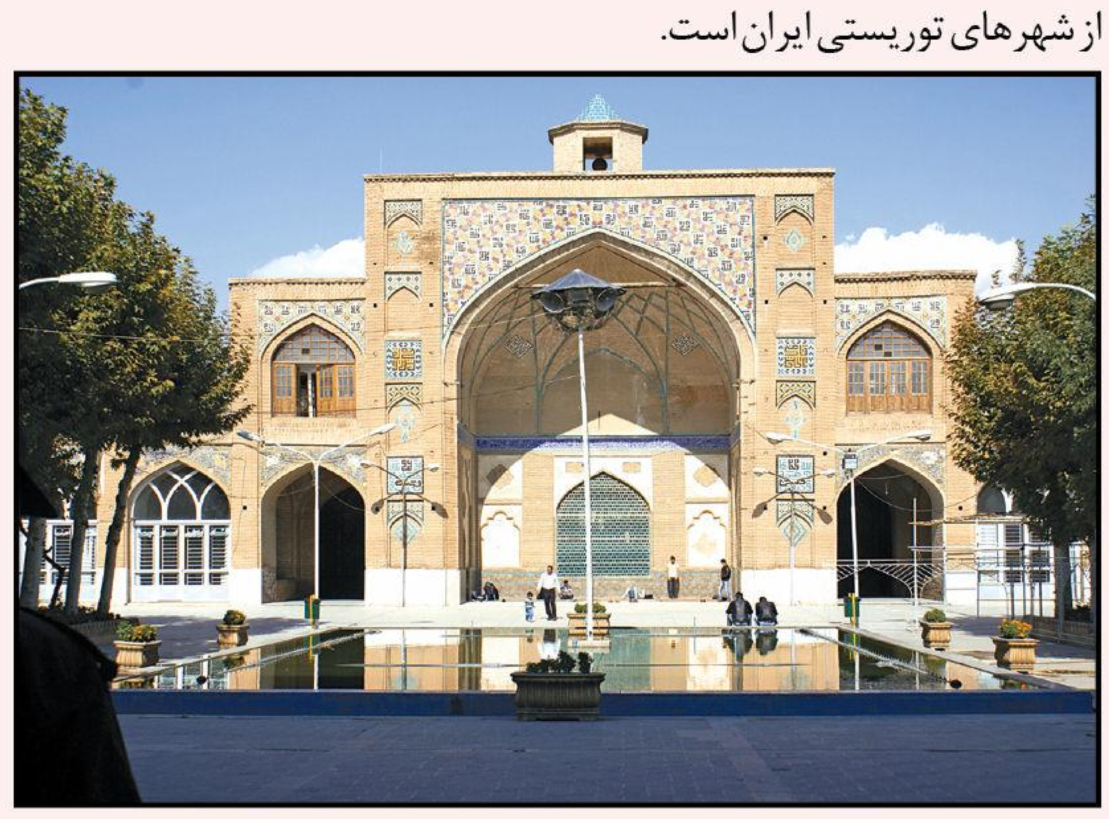
پلدختر در فاصله ۱۱۰ کیلومتری جنوب خرم آباد و در مسیر راه سراسری تهران-جنوب قرار گرفته است. آب و هوای آن گرمتر از سایر نقاط استان است از این رو محصولات کشاورزی آن زودتر به بازار عرضه می شود.

استراحت گاههایی مانند تنگ ملاوی و معمولان، چشمه ها و رودخانه ها و مناظر زیبا در این شهرستان قرار دارند. رودخانه کشکان، تنگ ملاوی، پل تاریخی دختر، تالاب های ولی عصر، تنگ فنی، کاروانسرای چشمک، غار کوگان از عمده ترین جاذبه های طبیعی و تاریخی پلدختر می باشد.

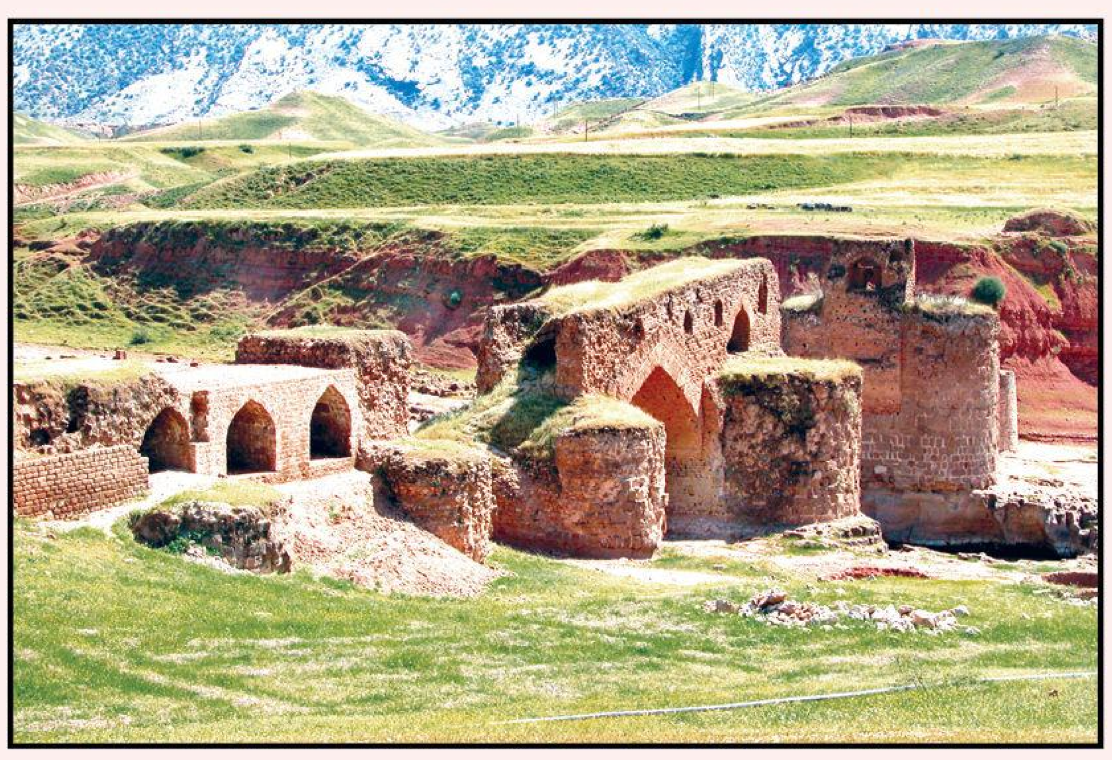
دوره چگنی سرزمین چشمه های جوشان

شهرستان چگنی به مرکزیت سراب دوره در ۳۵ کیلومتری غرب خرم آباد واقع شده که به دلیل برخورداری از جاذبه های گوناگون فرهنگی، طبیعی و تاریخی یکی از مناطق مهم گردشگری در استان به شمار می آید.

سراب ناوه کش، سراب رفتخان، پارک جنگلی شوراب، پل تاریخی کشکان، غار دوشه، امام زاده پیر شمس الدین و گنبد حیات الغیب از جمله جاذبه های طبیعی و تاریخی این شهرستان محسوب می شوند.







سنندج؛ دیار مهرورزی مهیای پذیرایی از میهمانان نوروزی



با رسیدن بهار، طبیعت ردای سبز بر تن می کند، چکاوک ها، هزار دستان و قمریان نغمه ها و سرودهای فرحبخش و تازه سر می دهند و انسان ها را به مهرورزی گره گشایی و همگرایی فرا می خوانند.

بهار پیام آور عشق و رویش است و موسم سرور و آشتی و به همین خاطر است که خواستنی است و با آمدنش دلها سرشار از سرور می گردد و جانها معرفت می یابند.

با دیدن بهار، رحمت و محبت خداوند را به یاد می آوریم و اینکه چشمه مهر ایزد همواره به سوی آدم ها و همه موجودات سرازیر است و ما اگر او و نشانه هایش را فراموش کنیم او هرگز ما را فراموش نمی کند.

اینجانب، به عنوان شهردار سنندج و خدمتگزار مردم فهیم و قدرشناس این شهر فرا رسیدن نوروز، جشن جاودانه ایرانیان، گرامی ترین یادگار نیاکانمان که همگان را با تاریخ پرشکوه سرزمین کهنمان پیوند می دهد، خدمت هم میهنان، به ویژه همشهریان سنندجی تبریک و تهنیت عرض می نمایم.

در روزهای پایانی سال و در آستانه فرا رسیدن سال نو و حیات دوباره طبیعت، شهرداری سنندج در اجرای سیاست گذاری ها و برنامه های استراتژیک شورای محترم اسلامی شهر و به پشتوانه حمایت های بیدریغ معاون امور عمرانی استانداری کردستان، فرمانداری شهرستان، نمایندگان محترم سنندج در مجلس شورای اسلامی و در مجموع همراهی و همگامی مردم اقدامات و برنامه های خود را برای زیباسازی شهر انجام داده است و با همت و تلاش پرسنل زحمتکش واحدهای مختلف شهرداری تغییراتی اساسی و چشمگیر را در مناطق مختلف شهر سنندج به مرحله اجرا گذاشته ایم و به همین خاطر در سال جدید گردشگران و میهمانان نوروزی سیمای جدیدی را از این شهر مشاهده خواهند کرد و با افتخار اعلام می داریم تمامی شهر را آذین بسته ایم تا به کام میهمانان خوش نشیند بهار و نوروز.

کارکنان زحمتکش و با ایمان شهرداری سنندج در راستای وظایف محوله در خلال روزهای اخیر مبادی ورودی شهر را آسفالت و لکه گیری، جداول بلوارها، میادین، معابر عمومی و پیاده روها را شستشو داده اند، فضای سبز و گلکاری میادین و بلوارها را ترمیم نموده و مضافاً اینکه اقامتگاه های اسکان موقت مسافران نوروزی را با همکاری دستگاه های اجرایی ذی ربط برپا و مهیا کرده اند.

در پایان، ضمن تبریک مجدد فرا رسیدن نوروز ۱۳۹۳ به مردم فهیم کشور، به ویژه همشهریان نجیب و میهمان نواز و تمامی گردشگران و مسافران نوروزی و عزیزانی که به شهر سنندج سفر می کنند، از تمامی هموطنان عزیز دعوت می کنم در سال جدید با سفر به این شهر سرسبز و تاریخی، بهاری به یاد ماندنی را در دفتر خاطرات خود ثبت نمایند.

تا باد روزگارانتان فرخنده باد

کامیاب شادمان
شهردار سنندج

پیام نوروزی رییس شورای اسلامی شهر سنندج



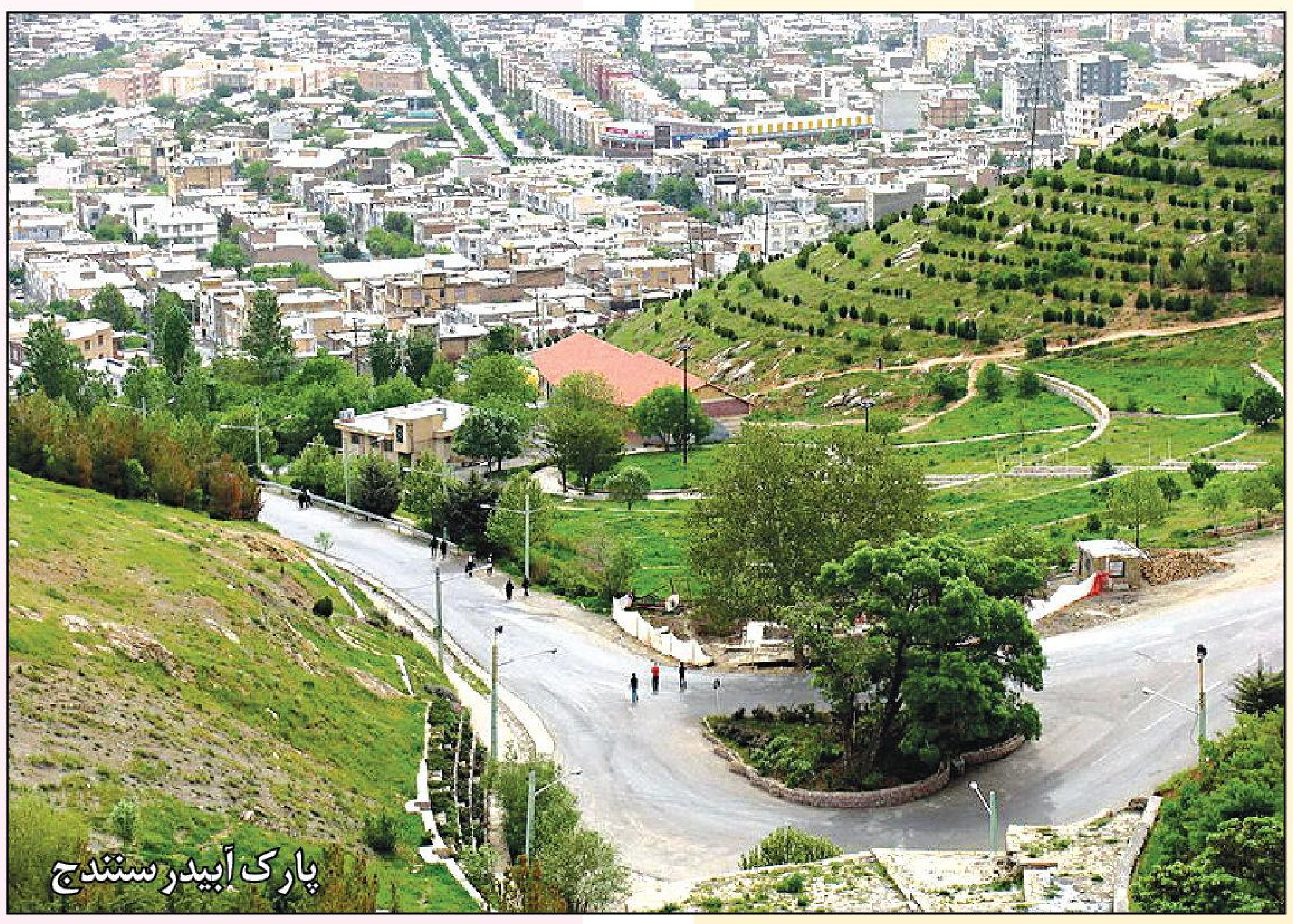
از دستاوردهای سفر تاریخی و پر خیر و برکت مقام معظم رهبری به استان کردستان در ۲۲ گولان (اردیبهشت) سال ۸۸ علاوه بر تصویب مصوبات قابل توجه در بخش های مختلف از جمله عمران شهری، بدون شک تغییر نگاه هموطنان به کردستان و احساس وجود امنیت در منطقه بود که خوشبختانه افزایش آمار گردشگران و مسافران نوروزی و تابستانی در کردستان را هم در پی داشته است.

در خلال سال های اخیر، سنندج، مرکز استان فرهنگی کردستان با اجرای طرح های عمران شهری، تقویت زیرساخت ها، بهبود مدیریت شهری و تدوین برنامه های استراتژیک چهره دیگری یافته و به جرأت می توان گفت این شهر به شهری نمونه در غرب کشور تبدیل شده است و قطعاً عزیزانی که در سنوات قبل سنندج را برای مسافرت انتخاب و یا از این شهر گذر کرده اند در صورت مسافرت مجدد، امسال تفاوت ها و تغییرات شگرفی را شاهد خواهند بود.



خانه کرد

بدون شک شوراهای اسلامی با بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسائی های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه مکلف و مصمم به تهیه طرح ها و پیشنهادات اصلاحی و راه حل های کاربردی در این زمینه جهت برنامه ریزی اساسی و دقیق و در نهایت ارائه آن به مقامات مسئول ذی ربط می باشد و این امور میسر نخواهد بود مگر با مشارکت، همفکری و همراهی مردم و امیدواریم همشهریان محترم همواره و در همه حال یاور و پشتیبان شورا باشند. معتقدیم و بر این باوریم که شوراها به عنوان نهادی برآمده از افکار و اندیشه های مردم در نظام مشارکتی همواره می توانند منبع و منشاء تحولات بسیار مثبتی برای همشهریان خود باشند.



پارک آبیدر سنندج

اینجانب به عنوان رییس شورای اسلامی شهر سنندج و به نمایندگی از طرف اعضای محترم شورای شهر فرا رسیدن نوروز ۱۳۹۳ و ایام دگرگونی طبیعت را به همه همشهریان محترم و مسافران و گردشگران و میهمانان نوروزی که از اقصی نقاط میهن اسلامی به کردستان و به ویژه شهر کهن و تاریخی سنندج سفر می کنند، تبریک و شادباش عرض می نمایم.



میدان آزادی سنندج

امیدوارم که به مسافران و میهمانان نوروزی در طول اقامت در دیار کهن و تاریخی سنندج خوش بگذرد و این عزیزان بتوانند از مناظر و طبیعت زیبا و نیز اماکن مذهبی، تاریخی و تفریحی این شهر دیدن نمایند و از نزدیک با آداب و سنن کردها آشنا شوند و با خاطره ای خوش و به یادماندنی کردستان و سنندج را ترک نمایند.

سید انور رشیدی
رییس شورای اسلامی شهر سنندج

آمریکایی‌ها همیشه ادعایشان این است که اهداف آرمانی‌شان را پیش می‌برند. به دنبال اهداف آرمانی هستیم چرا؟ به این خاطر که صرف پیگیری اهداف آرمانی قدرت آفرین است و ایجاد نفوذ می‌کند و ما باید این‌ها را کاملاً متوجه باشیم. گرفتار بعضی چارچوب‌های فکری یا چارچوب‌های نظری که ساخته و پرداخته خارج و کسانی است که از آن طریق می‌توانند منافعشان را پیش ببرند، نشویم. اگر در چارچوب فکری آن‌ها فکر کنید در چارچوب نظری آن‌ها برنامه‌ریزی کنید به نهادینه کردن قدرت آنها بیشتر کمک کرده‌اید. تا نهادینه کردن قدرت خودتان. ممکن است بسیار ادعای انقلابیگری بکنید، اما دارید در زمین آنها بازی می‌کنید. بسیاری اوقات ما با حرف‌های خیلی تند و تیز خود در زمین طرف مقابل بازی می‌کنیم. زمینی که او چیده و طراحی کرده است.

زمینی که او بهترین ابزار را برای پیگیری اهدافش در آن دارد، لذا نیاز است بیاییم زمین بازی را هم تعریف کنیم. همان طور که ذکر کردم زمانی امکان تعریف زمین‌های متعدد بازی وجود نداشت، ولی اکنون این امکان وجود دارد و ما نباید آن را به دست خودمان نابود کنیم.

● **از اواخر این ماه تا تیرماه چندین دور مذاکره میان ایران و ۵+۱ انجام خواهد شد. این که هر دو طرف می‌گویند کار سختی در پیش است، ناشی از چه مسأله‌ای است؟**

●● طبق توافق ژنو تا ۲۰ ژوئیه (اول مرداد) ۶ ماه وقت داریم که به مرحله نهایی برسیم یا این زمان را تمدید کنیم. در مجموع یک سال یعنی تا اول بهمن سال ۹۳ وقت داریم که به توافق نهایی برسیم.

از اکنون تا آن تیرماه هر چهار هفته یک بار مذاکره می‌کنیم که اولین آن ماه گذشته انجام شد. دومین جلسه اواخر این ماه انجام می‌شود. جلسه‌های بعدی فروردین، اردیبهشت و خرداد خواهد بود. در خرداد ماه دو دور مذاکره خواهیم داشت.

به نظرم چندان دشوار نیست که به راه حل نهایی برسیم، لیکن چون بی‌اعتمادی به ویژه نسبت به طرف غربی ما وجود دارد، این مسأله باعث می‌شود با احتیاط و طمأنینه حرکت کنیم که البته ضرری ندارد. ما حتماً از حقوق مردم نخواهیم گذشت و طرف مقابل هم این را فهمیده است. یعنی فکر می‌کنم طرف مقابل دیگر برایش روشن است که چارچوب مذاکره چیست؟ چارچوب مذاکره رسیدن به روش‌های اطمینان‌بخش از این که برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز باشد. نه این که برنامه هسته‌ای ایران نباشد. زمانی این گونه مطرح می‌شد که برنامه هسته‌ای ایران باید تعطیل شود، اما اکنون دیگر این گونه نیست، بلکه بحث بر سر آن است برنامه‌ای که وجود دارد چگونه می‌تواند صلح‌آمیز انجام شود. البته ممکن است حرف‌های دیگری زده شود و برخی آرزوها و آمال دیگری را دنبال کنند، اما نتیجه نهایی بازی این است که باید ببینند چگونه می‌شود روی همین برنامه را با همین چارچوب‌هایی که وجود دارد توافق‌هایی انجام داد و اطمینان حاصل شود که برنامه، صلح‌آمیز است.

● **چشم‌انداز نهایی مذاکرات را چگونه می‌بینید؟**

●● درباره تمامی جزئیات باید توافق شود. ما برای ۶ ماه در دور اول توافق کردیم البته این نکته را هم لازم است مردم بدانند که این هم یک دوره بی‌نهایت نیست. ما هم داریم برای یک دوره دیگر برنامه‌ریزی می‌کنیم که کمی طولانی‌تر از شش ماه است و هنوز راجع به زمان آن هم به تفاهم نرسیده‌ایم که آیا برای یک زمان است یا چند زمان، ولی در زمینه دوره‌ای طراحی می‌کنیم که طولانی‌تر است و طبیعتاً اگر بخواهیم برای یک زمان طولانی‌تر طراحی داشته باشیم اقدامات این دوره هم جدی‌تر و قطعی‌تر است. با اجرای توافقنامه ژنو، بخشی از تحریم‌ها تعلیق شد، اما در دور نهایی، همه تحریم‌ها باید لغو شود. پرونده ایران از شورای امنیت خارج و این پرونده در آژانس هم عادی‌سازی شود. این اقدامات دراز مدتی است که تأثیرات دراز مدت دارد و می‌تواند همه این اقدامات در فاصله کوتاهی انجام شود. اما تأثیراتش دراز مدت است، لذا انجام توافق روی آن کمی سخت‌تر است، چون هر کلمه وزن خودش را خواهد داشت و باید با دقت بسیار بحث شود تا ببینیم به کجا می‌رسد.

● **درباره ایرانیان خارج از کشور حرف‌های زیادی گفته شده است. هرچند حتی آمار متقنی از ایرانیان خارج‌نشین نیست اما گفته می‌شود تا ۶ میلیون ایرانی در خارج زندگی می‌کنند. متأسفانه روند مهاجرت سالیان درازی است که کماکان ادامه دارد و هیچگاه معکوس نشده است. در عین حال همیشه مسئولان درباره ایرانیان خارج از کشور حرف‌های تکراری و کلیشه‌ای می‌زنند. جملات تکراری نظیر «ایرانیان مقیم خارج باعث افتخار ما هستند»، «درهای کشور به روی همه ایرانیان باز است» تاکنون نتوانسته‌اند ایرانیان صاحب دانش و صاحب سرمایه را به کشور بازگرداند. در عین حال مسئولان هر وقت از ایرانیان مقیم خارج صحبت می‌کنند می‌گویند که آنها بین ۴۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد دلار سرمایه دارند و اگر برگردند و این پول‌ها را بیاورند چنین و چنان می‌شود. این نوع سخن گفتن دردی را دوا نکرده، بلکه حتی برخورنده بوده است. اکنون می‌خواهیم بدانیم آیا شما به عنوان عالی‌ترین مقام در دستگاه دیپلماسی، بعد از مفارقت از بحث‌های هسته‌ای، برنامه‌ای دارید برای تدوین یک استراتژی جامع و بنیادی درباره این هموطنان غربت‌نشین؟**

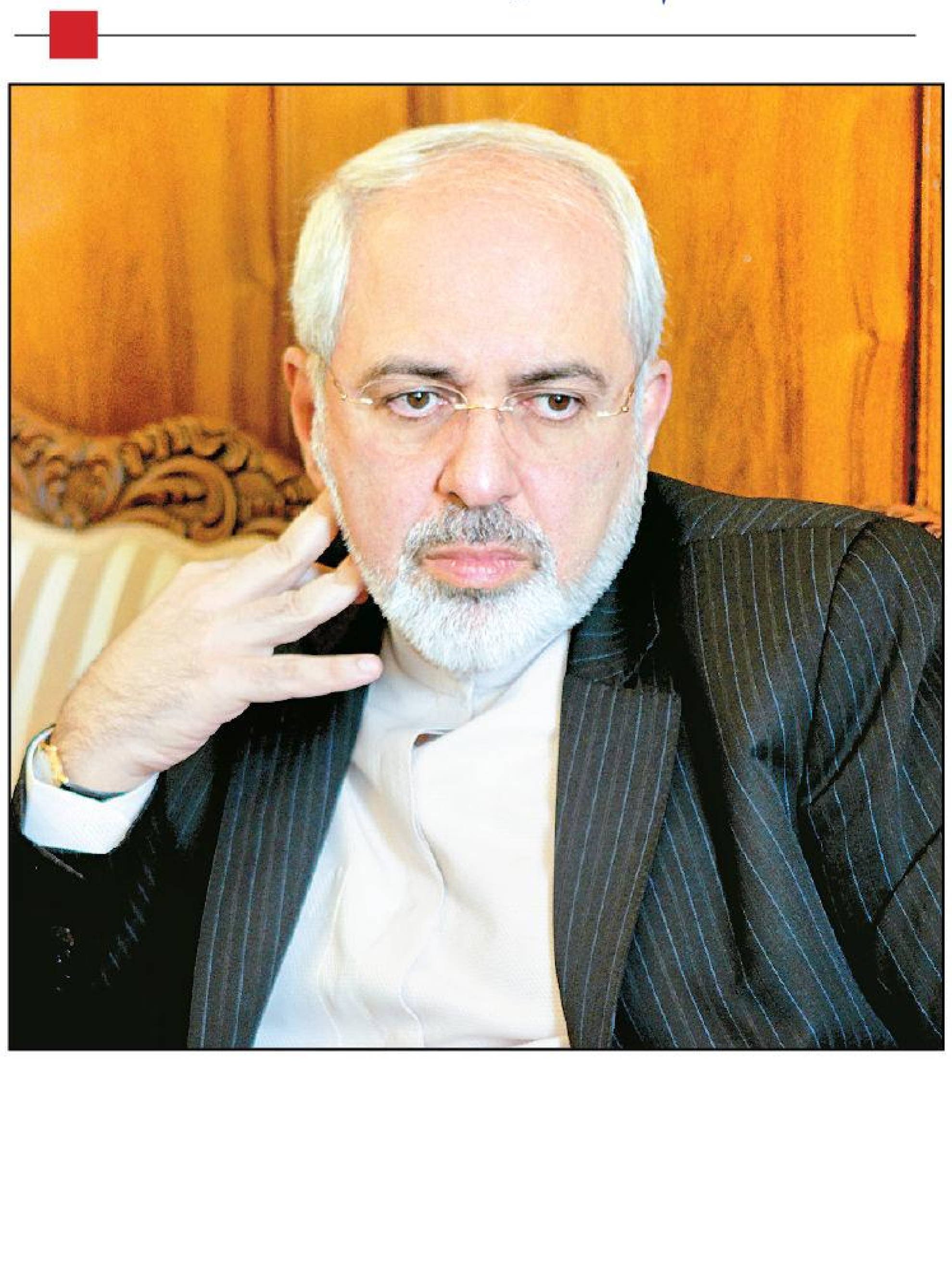
●● مهمترین نقیصه ما در حوزه سیاستگذاری بخش خارجی مشکل فهم و ادراک است. در مورد ایرانیان خارج از کشور هم همین مشکل را داریم. اولاً این که ایرانیان مقیم خارج خودشان سرمایه هستند. یعنی هر ایرانی که در خارج از کشور است، به ویژه آنهایی که در ایران آموزش دیده‌اند و میلیون‌ها دلار سرمایه در وجود خود دارند، چه میلیاردها دلار در اختیار داشته باشند چه اکنون مشغول انجام کاری عادی هستند یا بازنشسته‌اند و آنجا زندگی عادی دارند. اینها سرمایه عظیمی هستند و ما باید این را درک کنیم، چندان روی این که چقدر پول دارند فکر نکنیم، این که سرمایه‌ها از کشور می‌روند واقعیت دلپذیری نیست و باید شرایطی فراهم شود که این سرمایه‌ها در کشور بمانند اما باید به ایرانیان خارج از کشور همزمان هم به عنوان سرمایه‌ای که در همانجا هستند نگاه کنیم. اقلیت‌های قومی و ملی که در دنیا به ویژه کشورهای غربی وجود دارند از مهمترین منابع قدرت کشورشان در خارجند؛ مثل اقلیت‌های ارمنی و ترکیه‌ای در آمریکا و غرب، اقلیت یونانی، ایرلندی، ایتالیایی و... وقتی سرزمین مادری یا آباء و اجدادیشان نیازی پیدا می‌کند، فعال‌ترین گروه‌ها برای تأمین آن نیاز همین گروه‌ها می‌شوند.

اکنون مشکل اساسی ما در غرب این است که ایرانیان وطن‌پرست و دوستدار منافع ملی که حاضرند برای این ارزش‌ها فداکاری کنند، هیچ تشکل جدی ندارند تا در زمانی که منافع سرزمین آباء و اجدادیشان به خطر می‌افتد یکپارچه حرکت کنند. اکنون تشتت شدید است و متأسفانه گرایش‌های زودگذر سیاسی بر این گرایش‌های اصیل ملی سایه انداخته است. گرچه برخی گروه‌ها دارند شکل می‌گیرند، ولی هنوز در این زمینه حضور جدی ندارند، لذا برای ما در دولت هم لازم است که از هر دو بعد به قضیه نگاه کنیم. یکی این که برای این سرمایه‌ها حداکثر امکانات فراهم باشد تا در کشور باقی بمانند و وقتی به خارج رفتند هم باید به عنوان یک سرمایه به آنان نگاه شود.

■ **اعلام موضع هنر مذاکره نیست. هنر این است که موضوعات به شکلی طراحی و بیان شود که طرف مذاکره منافع خود را در آن ببیند**

■ **بسیاری از اوقات با حرف‌های تند و تیز خود در زمین طرف مقابل بازی می‌کنیم**

■ **مهمترین نقیصه ما در حوزه سیاستگذاری بخش خارجی مشکل فهم و ادراک است**



باید از دید سود به آنان نگاه شود؛ سود برای منافع ملی و تمامیت ارضی؛ سود برای جلوگیری از آنچه که به پدران و مادران و خواهران و برادران این افراد که هنوز در ایران هستند ضرر می‌زند.

اکنون اقلیت ایرانی در آمریکا تحصیل کرده‌ترین، پیشرفته‌ترین و متمول‌ترین به شمار می‌روند، یک اقلیت کوچک می‌تواند دیدگاه‌هایش را تحمیل کند، حتی به قیمت جنگ. این دسته از ایرانیان این توان را دارند و حتماً باید این امکان برایشان فراهم باشد البته باید خودجوش باشد و از خودشان نشأت بگیرد. دولت نمی‌تواند این کار را بکند، اما این احساس که هیچ جدایی نیست و هر جا که هستند جزیی از ایران به شمار می‌روند باید تقویت شود.

البته این کار نیاز به درک مشترک و فهم جمعی در داخل دارد چون، ممکن است فهم‌های متفاوتی از این وضع باشد. وزارت خارجه نمی‌تواند زمینه ماندن این نخبگان را در کشور فراهم آورد. اما باید کاری کند که ارزش پاسپورت ایرانی بالا برود و گذرنامه ایرانی باعث افتخار ایرانی باشد.

به همین ترتیب ایرانی احساس نکند برای این که بتواند راحت به دنیا رفت و آمد کند نیازمند گذرنامه دوم است. به نظرم این مساله بسیار مهم است. این وظیفه وزارت خارجه و شاید دیگر بخشهاست، اما مسائل چیزهای دیگری هم هست که این نخبگان را در داخل کشور نگهدارد، ولی در قسمت بعدی آن که ایجاد تصور وابستگی جدی ملی در ایرانیان خارج کشور است، وزارت خارجه باید نقش پررنگ‌تری ایفا کند.

● **با توجه به فرصت بسیار کوتاهی که داریم، می‌توانید شمایی کلی از آنچه اکنون در اطراف بحران اوکراین می‌گذرد، برای خوانندگان روزنامه اطلاعات ترسیم کنید؟**

●● من فکر می‌کنم بحث اوکراین خیلی پیچیده است. گروه‌های افراطی هم در آمریکا، هم در اروپا و هم در داخل اوکراین به شدت فعالند. روسیه از روشهای دوران یلتسینی هیچ طرفی نبسته است. سیاست‌های آقای پوتین که در دوران آقای مدودف تا حدودی تعدیل شده بود دوباره برگشت. شاید این وقایع واکنش به نحوه برخورد جامعه بین‌المللی با گشوده شدن روسیه به سمت غرب است. در واقع بهره بسیار کمی که روس‌ها از این سیاست بردند؛ (من ادعا نمی‌کنم که غرب به عنوان یک مجموعه یکپارچه یک سیاستی دارد) اما گروه‌های افراطی در غرب و آمریکا هستند که دیدگاه تا حدی مالیخولیایی از آینده روابط بین‌الملل هم دارند شما پای صحبت این‌ها بنشینید طراحی‌هایی دارند که برای بنده خنده‌دار است، چون به هیچ وجه به آن نمی‌رسند ولی همین طراحی‌ها مزاحمت‌هایی ایجاد می‌کند. کما این که خیلی‌ها اعتقاد دارند آن توهمی که آقای بوش پدر درباره نظم نوین جهانی داشت شکل‌گیری نظام جدید بین‌المللی را ۱۰ سال عقب انداخت چون آمریکایی‌ها مرتب تلاش می‌کردند نظم نوین تک قطبی ایجاد کنند. اکنون هم یک گروه‌هایی در آمریکا هنوز تلاش می‌کنند روسیه، ایران و چین را محاصره کنند در مورد این کشورها سیاست تغییر رژیم را دنبال می‌کنند، سیاستی که برای آن‌ها منفعتی دارد اما شرایط بین‌المللی را سخت می‌کند به نتیجه نمی‌رسد، ولی فضای پرآشوب و پرالتهابی را ایجاد می‌کند که نتیجه‌اش واکنش‌هایی است در مقابل آن می‌بینیم، لذا من فکر می‌کنم که اگر بخواهیم راجع به اوکراین صحبت کنیم، راجع به سیاست روسیه صحبت کنیم نمی‌توانیم منتزع از این گرایش‌های افراطی که معتقد نیستیم گرایش حاکم است ولی اقلیت افراطی و به شدت قدرتمند به حساب می‌آید و به دلیل وحشت شدید از دست دادن جایگاه آمریکا حاضر به هر گونه سرمایه‌گذاری است. نومحافظه‌کاران نمونه بارز حزبی آن بودند یعنی تفکر متشکل منسجمی بودند.

● **با سپاس از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.**

در گفتگو با «حسین امیری» شهردار فولادشهر عنوان شد:

بهار ۹۳، طلیعه توسعه، تحول و ترقی فولادشهر است



فولادشهر با وجود ساختار مدرن شهری و فرهنگ های مختلف، شهری است که فرصت های زیادی هم برای خدمت رسانی و هم سرمایه گذاری در آن دیده می شود.

مردم فولادشهر در واقع سفیران فرهنگی هستند که از سراسر میهن اسلامیمان به این شهر آمده اند و بسیار بافرهنگ، اصیل و دوست داشتنی و شایسته خدمتگزاری بیشتر در زمینه مسائل رفاهی تفریحی، فرهنگی، اجتماعی و عمرانی می باشند.

با شروع بیش از ۶۰ پروژه عمرانی، فرهنگی، ورزشی و رفاهی از سوی شهرداری در این شهر علناً فولادشهر در سال ۹۳ دوران شکوفایی و آبادانی خود را تجربه خواهد کرد.

اجرای بیش از ۴۸ میلیارد تومان پروژه در سال آینده در فولادشهر نشان دهنده عزم جدی شهرداری در پاسخ به حسن توجه اهالی خوب این شهر است که ان شاءا... با جدیت، پیگیری خواهد شد.

شهرداری دربرنامه خود در بخش سرمایه گذاری، آمادگی مشارکت از طریق جذب سرمایه گذار را داشته و این بهترین فرصت برای سرمایه گذاران است که در طرح های مذکور حضور پیدا کنند.

پروژه سرمایه گذاری خدماتی و تجاری جنب بانک ملت با حجم سرمایه گذاری ۲۳ میلیارد تومان سرمایه گذاری که آگهی جذب شریک سرمایه گذار آن در حال انتشار می باشد. همچنین پروژه سرمایه گذاری تفریحی، تجاری و فرهنگی جنب شهرداری که طرح معماری آن تهیه شده و در مرحله محاسبه می باشد. این پروژه با بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان حجم سرمایه گذاری در مرکز شهر قرار داشته و از موقعیت بسیار مناسبی جهت سرمایه گذاری و مشارکت بخش خصوصی و سرمایه گذاران منطقه، استان و کشور برخوردار می باشد. همچنین مجتمع تجاری و خدماتی میدان امیرالمؤمنین و مجتمع تجاری و خدماتی جنب ایستگاه شماره یک آتش نشانی نیز در حال طراحی و اقدامات اداری می باشد که در آینده اعلام عمومی خواهد شد.

برنامه ۵ ساله فولادشهر نیز بر اساس یک برنامه علمی و تحقیق شده با شناسایی نیازهای شهر در حال تدوین می باشد که امید است با برنامه ریزی مناسب زمینه اجرای برنامه را فراهم نماییم.

هدف ما این است که فولادشهر، شهر مدرن، سرسبز با فرهنگ های متفاوت را به نقطه ای برسانیم که بدون آلودگی های زیست محیطی و مشکلات عبورومرور بوده و عاری از مشکلات فرهنگی و اجتماعی باشد.

اجرای برنامه های فرهنگی و اجتماعی ازجمله اولویت ها و برنامه های اساسی شهرداری است و براساس رسالتی که برعهده داریم تلاش می کنیم تا برنامه های فرهنگی، اجتماعی و ورزشی را همانند ۵ ماه گذشته برگزار نماییم.

شهرداری با توجه به رسالتی که دارد شهر را برای ایام نوروز آماده می کند تا هم مسافران و میهمانان نوروزی و هم مردم از دیدن فضای زیبای شهری لذت ببرند و همراه با خادمان خود در شهرداری با اجرای طرح به استقبال بهاران، با زدودن ناپاکی های محیط اطرافمان به استقبال بهار رفته و شهر را طراوتی تازه ببخشیم.

بهار فصل شکوفایی طبیعت و فضای سبز است پس بیاییم دست در دست یکدیگر با زیبا نمودن محیط خود و اطرافیان، زیبایی های شهرمان را به همدیگر، میهمانان نوروزی و هموطنانمان در سراسر کشور نشان دهیم.

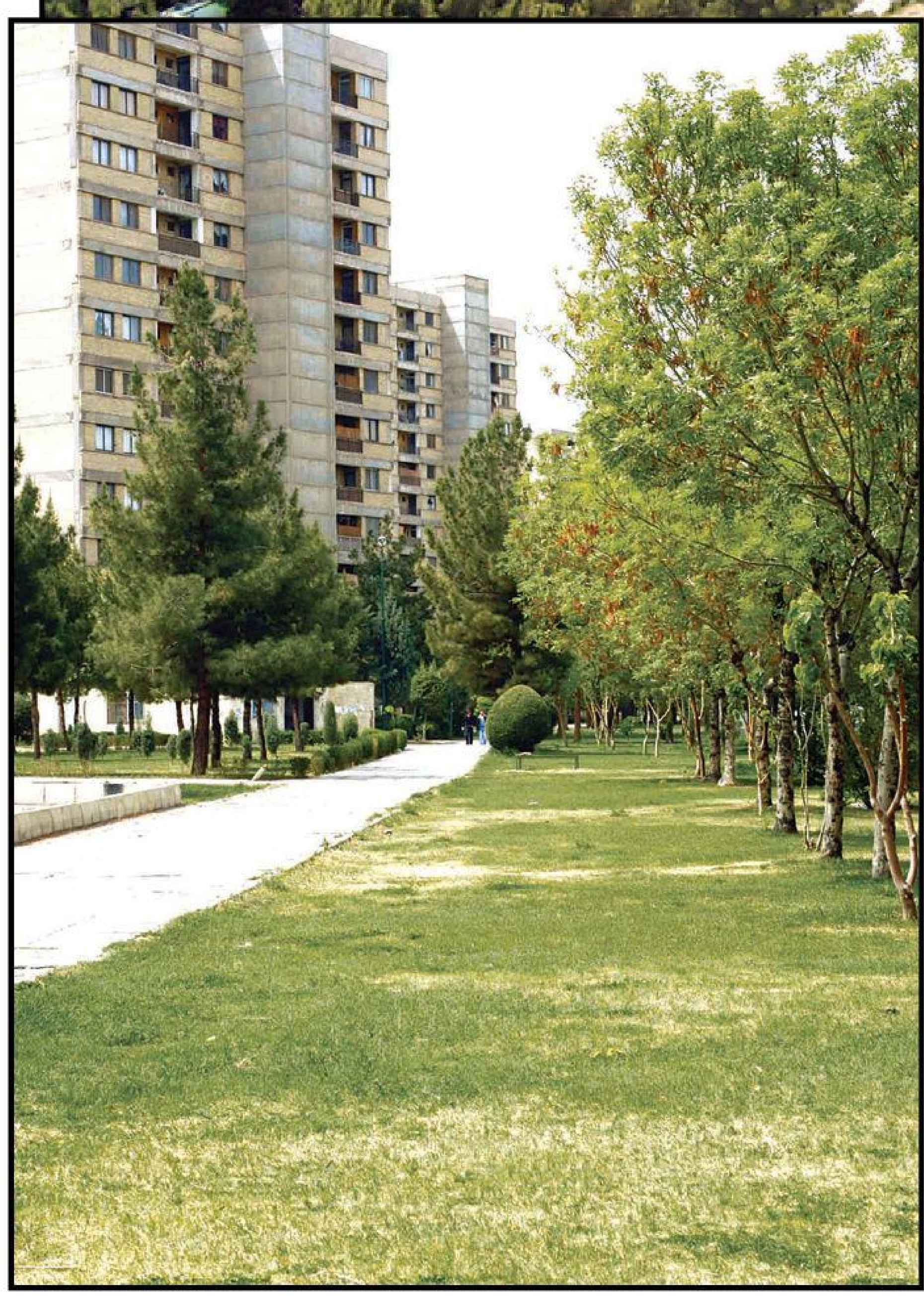
مجموعه مدیریت شهر، معاونین، مدیران ، کارکنان و کلیه نیروهای شهرداری به دنبال افزایش سطح خدمات رسانی به مردم و رفع نیازهای شهر می باشند که این مهم بدون یاری و همکاری مردم و مسئولین شهر میسر نخواهد بود. لذا از همه دستگاه ها، ادارات، ارگان ها و مردم عزیز شهر تقاضا داریم از پروژه های شهری حمایت کرده تا بتوانیم به موقع برنامه های خود را به مرحله اجرا بگذاریم.





فولادشهر ایــران کوچــک آماده استقبال از میهمانان نوروزی







معرفی:

● به دنبال تأسیس کارخانه ذوب آهن اصفهان در سال ۱۳۴۷ به وسیله کمیسیونی مرکب از کارشناسان ایرانی و روس، جهت استقرار کارکنان کارخانه ذوب آهن اصفهان محل شهر فولادشهر انتخاب گردید.

● طرح جامع پیشنهاد شده برای فولادشهر بر اساس تجارب شهرسازی با ملاحظه و بررسی نیازهای اجتماعی، مدنی، ساختمانی و بهداشتی یک شهر مدرن، پیشرفته و پرتحرک تهیه شده است.

● تعیین منطقه مسکونی با توجه به ضروریات و شرایط بهداشت صنعتی و فاصله لازم صورت گرفت و این عامل برای شهری که بر اساس نیاز صنایع سنگین طراحی شده حائز اهمیت بسیاری می باشد.

● آب و هوای شهر با توجه به اینکه در منطقه معتدل و نزدیک به منطقه گرمسیری قرار دارد دارای اختلاف زیاد درجه حرارت در شب و روز است و میزان بارندگی سالیانه آن کم و میزان رطوبت هوا ناچیز است.

● شهر فولادشهر به دو منطقه شمالی و جنوبی تقسیم شده که منطقه جنوبی آن به عنوان قسمت اصلی شهر با ساختار شعاعی و منطقه شمالی به عنوان توسعه شهر با ساختار شطرنجی به عنوان اساس و استخوان بندی شهر تشکیل شده است.

● فولادشهر از نظر موقعیت جغرافیایی در زمینی مستطیل شکل در ۱۹ کیلومتری جنوب غربی اصفهان در دشت لنجان و با فاصله ارتفاعی بین ۱۶۲۰ تا ۱۷۰۰ متری از سطح دریا واقع شده است به نحوی که از شرق به رشته کوه های اشترجان و از غرب به کوه های زردمطبخ، از شمال به اراضی محدوده نجف آباد و از جنوب به دشت لنجان محدود می باشد.

جاذبه های گردشگری:

جاذبه های گردشگری فولادشهر شامل جنگل سرو و کاج پارک و دریاچه مصنوعی پرنیان، اولین موزه کتب و نسخ خطی در کشور و شهرسازی مدرن و توسعه شهری مناسب نیز از جاذبه های گردشگری می باشد.

میزان جمعیت: ۷۰/۰۰۰ نفر

مساحت محدودات خدمات شهری: ۷۷۰۰ هکتار

مساحت پارک بزرگ پرنیان: ۳۰ هکتار

مساحت جنگل: ۷۲ هکتار

همچنین دارای پارک های سرسبز و زیبای خلیج فارس، پردیس، معلم، شهید رجایی و شهید باهنر می باشد.

مراکز تفریحی و ورزشی:

شهربازی که در حال بهسازی می باشد، باشگاه فرهنگی ورزشی شهرداری، ورزشگاه بزرگ فولادشهر، استخر الماس، استخر کوثر ذوب آهن، باشگاه فرهنگی ورزشی حقیقت، پارک جنگلی، متل فولادشهر

جاذبه های آموزشی و علمی:

وجود دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی همچون دانشگاه امین، دانشگاه فولاد، دانشگاه فرزانگان و دانشگاه پیام نور نشان از ظرفیت های علمی و آموزشی شهر دارد.

شهر با توجه به موقعیتی که داشته طوایف و قومیت های گوناگونی را در خود جای داده است. و می توان این ادعا را داشت که اکثر مناطق کشور نماینده ای را در این شهر دارند به همین لحاظ فرهنگ های متنوعی در فولادشهر وجود دارد و در واقع می توان این شهر را «ایران کوچک» نامید.




حس سبکی
تنها ماءالشعیر پروبیوتیک در دنیا
آب یونیزه
شهد خرما
ISO 22000:2005
HACCP
ISO 9001:2008
WWW.BIRGOLDCO.COM
تلفن: ۰۲۱ ۴۴۰ ۹۸۰ ۴۴ - ۴۴۰ ۵۶۸ ۹۴
فکس: ۰۲۱ ۴۴۰ ۹۷۲ ۵۵
BIRGOLD



سال نو مبارک
بازرگانی کاشی و سرامیک
سیّد محمّد طباطبایی
قصر کاشی



■ فریدون جنیدی

نوروز در شاهنامه

سر سال نو، هُرمزِ فَرَوَدین...



از آنجا که دانشی‌ترین گفتار درباره‌ء پیدایی نوروز در شاهنامهٔ فردوسی آمده است، نخست می‌بایستی که شاهنامه را با نگاهی جز آنکه تا کنون به آیین بوده است، بررسی کنیم.

بخش آغازین شاهنامه را تا کنون اسطوره به شمار می‌آوردند، و با نگاهی همچون میت‌های یونانی بدان می‌نگریستند. بازآنکه در این بخش شگفت‌ترین گفتارهای دانشی را دربارهٔ رویدادهای ایران باستان، پیش از جدا شدن تیره‌های گوناگون را دربردارد.

***

با این پیشگفتار کوتاه که دربرگیرندهٔ یکی از مهم‌ترین رویدادهای زندَگی انسان است به موضوع نوروز وارد می‌شویم.

در شاهنامه این دو بیت دربارهٔ نوروز آمده است:

سر سال نو، هُرمزِ فَروَدین
بر آسوده از رنج تن، دل زکین
بزرگان بشادی بیاراستند
می و جام و رامشگران خواستند

باستانشناسان، پیدایی سفال را بزرگترین دستاورد فرهنگی انسان در شمار می‌آورند و پیداست که پیش از پیدایی سفال، امکان پختن خوراک و جابجا کردن مایعات نبوده است. زیرا که اگر با سنگ، هاونی نیز برای کوبیدن دانه‌ها می‌ساختند، امکان جابجایی آن نبود اما سفال که سبک و قابل حمل بود، همهٔ کارها را آسان کرد و پیداست که نگهداری میوه‌ها، برای فصل زمستان، کم کم، انسان را بسوی ساختن «جام» رهنمون شد؛ و شگفتی آنگاه بیشتر می‌شود که بدانیم پیدایی سفال، و جام به هشت هزار سال پیش بازمی گردد. و در همین زمان است که نخستین سازهای موسیقی نیز پیدا شد، و در همین زمان نیز نوروز پدید آمد، و سالشماری، و شناسایی گردش سال، به‌آیین شد.

چون سخن بدینجا رسید، با دو شگفتی دیگر روبرو می‌شویم:

نخست آنکه: لازمهٔ شناختن روزِ نو، یا خورشیدِ نو که در فروردین ماه، همزمان با برج بره در آسمان طلوع می‌کند، در گرو شناختنِ دوازده برج آسمان و پدید آمدن دانشی است که امروز آن را اخترشماری (نجوم) می‌خوانیم، و پیدایی این دانش شگفت نیز به هشت هزار سال پیش بازمی گردد.

سخن دیگر: پی بردن به اینکه در هرمز فروردین یا روز نخست فروردین ماه، اندازهٔ روز با اندازهٔ شب برابر می‌شود، نیازمند گونه‌ای دستگاه زمان سنج است که امروز آنرا «ساعت» می‌خوانیم و دستگاهی که از زمان پیدایی نوروز تا شصت هفتاد سال پیش برای تعیین زمان آبیاری در کشتزارهای ایران به کار گرفته می‌شد دستگاهی بود که آنرا پَنگان (pangán) می‌خواندند که عبارت بود از یک کاسته سفالین (و بعدها فلزی) که در تهِ آن یک سوراخ پدید می‌آوردند و آنرا روی تشتی پر آب می‌نهادند، و اندک اندک آبِ تشت از آن سوراخ به درون کاسه می‌رفت و چون کاسَه پر می‌شد، به درون آب غرقه می‌شد، و زمان نهادن کاسه تا فرورفتن در آب را «یک پنگ» بشمار می‌آوردند... و چون بیدرنگ پنگی دیگر را روی آب تشت می‌نهادند، پنگ دوم آغاز بکار می‌کرد و همچنین تَا پایان شبانروز!

پیدایی پنگِ سفالین یا نخستین ساعت‌ها نیز به هنگام پیدایی سفال بازمی گردد. یعنی هشت هزار سال پیش!

ساختن نخستین ساعت‌های جهان بر دست ایرانیان خیلی جای شگفتی ندارد. زیرا که در نوشته‌های باستانی آمده است که خلیفهء عرب حاکم بر ایران ضمن هدایایی که برای شارلمانی فرستاد یکی جام شراب خسروپرویز است که هنوز در موزهء فرانسه نگهداری می‌شود. و دیگر؛ ساعتی بزرگ بود که دو برادر ایرانی ساخته بودند، و در میدان بزرگ پاریس برپای کردند، و هر روز در ساعت ۱۲ ظهر خروسی از آن بیرون می‌آمد و آواز می‌خواند...

از رویدادهای زمان هم یکی اینکه آن سال فرانسه دچار خشکسالی شد، و مردم پاریس گفتند که خروسی که از آن ساعت بیرون می‌آید شیطان است و بر اثر وجود اوست که خشکسالی رخ نموده است. پس چارهء کار در شکستن، و نابود کردن ساعت است، و چنان کردند!

***

این داستان را نمونه‌ای دیگر نیز هست چنانکه ایرانیان نخستین راهِ آب را از دریای سرخ به رود نیل و از آنجا به دریای مدیترانه گشودند تا سه قارهء شناخته شدهء باستانی را با راه آبی بیکدیگر پیوند دهند، و هنگامی که رومیان بر مصر مسلط شدند، آن راه آبی را پر کردند.

خوشبختانه دستِ زمان، سنگنوشته‌های ایرانی را نگاهبانی کرد و نشان داد که راهِ گذر کانال آبی ایرانیان از دیدگاه دانش مهندسی از کاری که مهندسان فرانسوی ۲۴۰۰ سال پس از آن کرده بودند، برتر بوده است، و یکی از کانال‌هایی که ایرانیان در کشور یونان کشیده‌اند، «کانال آتوس» هنوز کاربرد دارد، و کشتی‌ها از درون آن م ی گذرند.

بر بنیاد آنچه که گفته شد، جشن نوروز برترین جشن جهان است و آن پاسداشت و بزرگداشت دانش ریاضی و اخترشماری و گاهشماری و موسیقی است، که همراه با جام (یعنی سفال) به جهانیان پیشکش شد و به همین دلیل است که با گذر هشت هزار سال و با آنهمه یورش‌ها و کشتارها و تباه کردن آثار فرهنگ ایرانی، هنوز از سوی ایرنیان پاسداری می‌شود، اما از آنجا که سده‌ها است که بجز دو دورهء کوتاه یعقوب لیث و کریم‌خان زند، ایران دارای حکومتی جامع نبوده است، چهرهء واقعی این جشن، زیر سبزه و گل و هفت سین و آرایش سفره و شادی و پایکوبی گم شده است، اما در جهان به جایی رسیده‌ایم که اراده کنیم، و چهرهء واقعی نوروز را که یادآور کوشش‌های دانشی نیاکان است پاس بداریم... کاری که کم کم جهان خفتهء غیر ایرانی نیز بدان پی می‌برد، که اگر آغازی درست برای سال بخواهیم، همانا، آن آغاز سال ایرانی است که با جنبش جان جهان نیز همراه است.

این یک سخن پایانی را نیز بشنویم:

اروپائیان که اخیراً منکر پیوندشان با ایران شده‌اند، بهنگام مهاجرت از دشت‌های ایران باستان کیش مهر ایرانی را نیز با خود به سرزمین‌های تازه بردند، و گاهشماری باستانی آنان نیز همان گاهشماری ایرانی بود، اما با پذیرفتن کیش مسیح آغاز سال خویش از دو ماه به عقب کشیدند تا همزمان با زایش مسیح بشود! و به همین دلیل است که ماه‌هایی که با شماره، نام گرفته‌اند، هر یک دو ماه به عقب کشیده شده‌اند، چنانکه ماه سپتامبر که ماه هفتم است (sept) نام ماه نهم را بخود گرفته است. همچنین است اکتبر (هشتم) و نوامبر (نهم) و دسامبر (دهم) که امروز نام ماه‌های دهم و یازدهم و دوازدهم است.

و این دلیل از خورشید روشن‌تر است که اروپائیان از ایران بدانسوی مهاجرت کرده‌اند. (سخنی که در شاهنامه زیر عنوان مسافرت سلم یا سرمت‌ها به سوی غرب آمده است).

و اگر ندایی را که در این سال‌ها از سازمان یونسکو، یا سازمان ملل متحد دربارهء گاهشماری ایران عنوان شده است بگوش گیرند، بایستی که سال‌شماری خویش را دوباره بسوی سال‌شماری ایرانی بکشانند، و از یک گونه سال‌شماری نادرخور دور شوند. ■

جشن نوروزبرترین جشن جهان است و آن پاسداشت و بزرگداشت دانش ریاضی و اخترشماری و گاهشماری و موسیقی است





عید نوروز چگونه شکل گرفت؟

سالی چند روز

انسان، از نخستین ادوار زندگی اجتماعی، متوجه بازگشت و تکرار برخی از رویدادهای طبیعی، یعنی تکرار فصول شد. نیاز به محاسبه در دوران کشاورزی، یعنی نیاز به دانستن زمان کاشت و برداشت، فصل بندی‌ها و تقویم دهقانی و زراعی را به وجود آورد. نخستین محاسبه فصل‌ها، بی‌گمان در همه جوامع با گردش ماه که تغییر آن آسانتر دیده می‌شد صورت گرفت. و بالاخره در نتیجه نارسایی‌ها و ناهماهنگی‌هایی که تقویم قمری، با تقویم دهقانی داشت، محاسبه و تنظیم تقویم بر اساس گردش خورشید صورت پذیرفت. سال در نزد ایرانیان از زمانی نسبتا کهن به چهار فصل سه ماهه تقسیم شده و همان طور که ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه آورده است آغاز سال ایرانی از زمان خلقت انسان (یعنی ابتدای هزاره هفتم از تاریخ عالم) روز هرمز از ماه فروردین بود، وقتی که آفتاب در نصف النهار، در نقطه اعتدال ربیعی، و طالع سرطان بود.

پیدایش جشن نوروز

جشن نوروز را به نخستین پادشاهان نسبت می‌دهند. شاعران و نویسندگان قرن چهارم و پنجم هجری چون فردوسی، عنصری، بیرونی، طبری و بسیاری دیگر که منبع تاریخی و اسطوره‌ای آنان بی‌گمان ادبیات پیش از اسلام بوده، نوروز را از زمان پادشاهی جمشید می‌دانند.

در خور یادآوری است که جشن نوروز پیش از جمشید نیز برگزار می‌شده و ابوریحان نیز با آن که جشن را به جمشید منسوب می‌کند یادآور می‌شود که: «آن روز که روز تازه‌ای بود جمشید عید گرفت؛ اگر چه پیش از آن هم نوروز بزرگ و معظم بود».

روایت‌های اسلامی درباره نوروز

آورده‌اند که در زمان حضرت رسول(ص) در نوروز جامی سیمین که پر از حلوا بود برای پیغمبر هدیه آوردند و آن حضرت پرسید که این چیست؟ گفتند که امروز نوروز است. پرسید که نوروز چیست؟ گفتند عید بزرگ ایرانیان. فرمود: آری، در این روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد. پرسیدند عسکره چیست؟ فرمود عسکره هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کرده و سر به بیابان نهادند و خداوند به آنان گفت بمیرید و مردند. سپس آنان را زنده کرد وابرها را فرمود که به آنان ببارند از این روست که پاشیدن آب در این روز رسم شده. سپس از آن حلوا تناول کرد و جام را میان اصحاب خود قسمت کرده و گفت کاش هر روزی بر ما نوروز بود.

و نیز حدیثی است از معلی بن خنیس که گفت: روز نوروز بر حضرت جعفر بن محمد صادق در آمدم گفت آیا این روز را می‌شناسی؟ گفتم این روزی است که ایرانیان آن را بزرگ می‌دارند و به یکدیگر هدیه می‌دهند. پس حضرت صادق گفت سوگند به خداوند که این بزرگداشت نوروز به علت امری کهن است که برایت بازگو می کنم تا آن را دریابی. پس گفت:ای معلی، روز نوروز روزی است که خداوند از بندگان خود پیمان گرفت که او را بپرستند و او را شریک و انبازی نگیرند و به پیامبران و راهنمایان او بگروند. همان روزی است که آفتاب در آن طلوع کرد و بادها وزیدن گرفت و زمین در آن شکوفا و درخشان شد. همان روزی است که کشتی نوح در کوه آرام گرفت. همان روزی است که پیامبر خدا، امیرالمومنین علی(ع) را بر دوش خود گرفت تا بت‌های قریش را از کعبه به زیر افکند. چنان که ابراهیم نیز این کار را کرد. همان روزی است که خداوند به یاران خود فرمود تا با علی(ع) به عنوان امیر المومنین بیعت کنند. همان روزی است که قائم آل محمد(ص) و اولیای امر در آن ظهور می کنند و همان روزی است که قائم بر دجال پیروز می‌شود و او را در کنار کوفه بر دار می‌کشد و هیچ نوروزی نیست که ما در آن متوقع گشایش و فرجی نباشیم، زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست.

جشن نوروز

جشن نوروز دست کم یک یا دو هفته ادامه دارد. ابوریحان بیرونی مدت برگزاری جشن نوروز را پس از جمشید یک ماه می‌نویسد: «چون جم درگذشت پادشاهان همه روزهای این ماه را عید گرفتند. عیدها را شش بخش نمودند: ۵ روز نخست را به پادشاهان اختصاص دادند، ۵ روز دوم را به اشراف، ۵ روز سوم را به خادمان و کارکنان پادشاهی، ۵ روز چهارم را به ندیمان و درباریان، ۵روز پنجم را به توده مردم و پنجه ششم را به برزگران. ولی برگزاری مراسم نوروزی امروز، دست کم از پنجه و «چهارشنبه آخر سال» آغاز می‌شود و در «سیزده بدر» پایان می‌پذیرد. ازآداب و رسوم کهن پیش از نوروز باید از پنجه، چهارشنبه سوری و خانه تکانی یاد کرد.

پنجه (خمسه مسترقه)

بنابر سالنمای کهن ایران هر یک از ۱۲ ماه سال ۳۰ روز است و پنج روز باقیمانده سال را پنجه، پنجک، یا خمسه مسترقه، گویند. این پنج روز را خمسه مسترقه نامند از آن جهت که در هیچ یک از ماه‌ها حساب نمی‌شود. مراسم پنجه تا سال ۱۳۰۴، که تقویم رسمی شش ماه اول سال را سی و یک روز قرارداد، برگزار می‌شد.

میر نوروزی

از جمله آیین‌های این جشن ۵روزه، که در شمار روزهای سال و ماه و کار نبود، برای شوخی و سرگرمی حاکم و امیری انتخاب می کردند که رفتار و دستورهایش خنده آور بود و در پایان جشن از ترس آزار مردمان فرار می کرد. ابوریحان از مردی بی‌ریش یاد می کند که با جامه و آرایشی شگفت انگیز و خنده آور در نخستین روز بهار مردم را سرگرم می کرد و چیزی می گرفت. و هم اوست که حافظ به عنوان « میرنوروزی» دوران حکومتش را « بیش از ۵ روز» نمی‌داند.

از برگزاری رسم میر نوروزی، تا لااقل ۷۰ سال پیش آگاهی داریم. بی‌گمان کسانی را که در روزهای نخست فروردین، با لباس‌های قرمز رنگ و صورت سیاه شده در کوچه و گذر وخیابان می‌بینیم که با دایره زدن و خواندن و رقصیدن مردم را سرگرم می کنند و پولی می گیرند بازمانده شوخی‌ها و سرگرمی‌های انتخاب «میر نوروزی» و «حاکم پنج روزه « است که تنها در روزهای جشن نوروزی دیده می‌شوند و آنان در شعرهای خود می گویند: «حاجی فیروزه، عید نوروزه، سالی چند روزه».

بهار و تجربه تولد دوباره...



■ دکتر غنچه راهب

مثل رویش یکباره و ناگهانی یک چشمه بر سینه خشک و تفتیده یک دشت، مثل جوشش آغازین رگه‌های یک رود بر دامن مادرانه کوهسار، مثل شکفتن دل یک دانه در نوازش نسیم سحرآمیز و بارورانه فروردین، مثل بارش تند و موج‌انداز باران اردیبهشتی بر آرامش یک تالاب، مثل انفجار شگفت یک آواز پرطنین جادویی در سکوت هراسناک شب، مثل سایش پرتوهای درخشان آفتاب صبحگاهی بر اندام درختان جنگلی تاریک، مثل نغمه‌های پیاپی برخاسته از تارهای لطیف یک حنجره معصوم در آغازین لحظه ورود به هستی...

به راستی تولد، نخستین معجزه هستی است. تولد هر موجود زنده، نخستین گام برای رهایی از دهلیز تاریک جنینی و بندهای دست و پاگیر وابستگی است. آدمی، با معجزه ولادت، لحظه به لحظه خود را از وابستگی مطلق به آزادی و رهایی نزدیک‌تر می کند و این معجزه ولادت، چنانکه در مراحل بالندگی و رشد، استمرار و امتداد یابد، طعم آزادی و زیستن انسانی را در کام او می نشاند. انسان، چنانکه بخواهد روان و روح خویش را مانند اندامش از دهلیزهای تنگ اسارت و غربت برهاند، باید تجربه تولد را تکرار و تکرار کند و در این تکرارپذیری تولد، هر دوره یک پوسته از وابستگی را بگسلاند و یک لایه از زیستن ناب و آزاد را تجربه کند و به تعبیری، مدام نو شدن را به چشم ببیند.

هر زمان نو می‌شود دنیا و ما
بی‌خبر از نو شدن اندر بقا

نو شدن و از نو زیستن را می‌شود با همه شکوه و شگفتی‌اش در فصل‌ها دید و از طبیعت آموخت.

همانگونه که پس از به برگ و بار نشستن درختان در بهار، باد خزان برگ و بار را از شاخه‌ها و ساقه‌ها برمی دارد و می‌برد، ما نیز لاجرم باید نسیمی پاییزگونه بر افکار متعصبانه و خشک خود بوزانیم و پس از زمستان سخت ناشی از مرگ عادات و افکار متصلب و کهنه، خود را برای اندیشه‌هایی نو و نگاهی تازه به زندگی آماده کنیم.

تولد دوباره انسانها با تولد نگاه‌ها و اندیشه‌های جدید آغاز می‌شود. هر نگاه تازه‌ای به زندگی حاصل شناخت جدید ما از زندگی است که بی‌شک نقشش بر عواطف و رفتار ما ماندگار است. پس ناگزیر برای نو شدن بایستی به خانه‌تکانی ذهن پرداخت و شناخت‌های نو را در ذهن ایجاد کرد تا عواطف و رفتارمان رنگی نو و عطری دلنشین بگیرد.

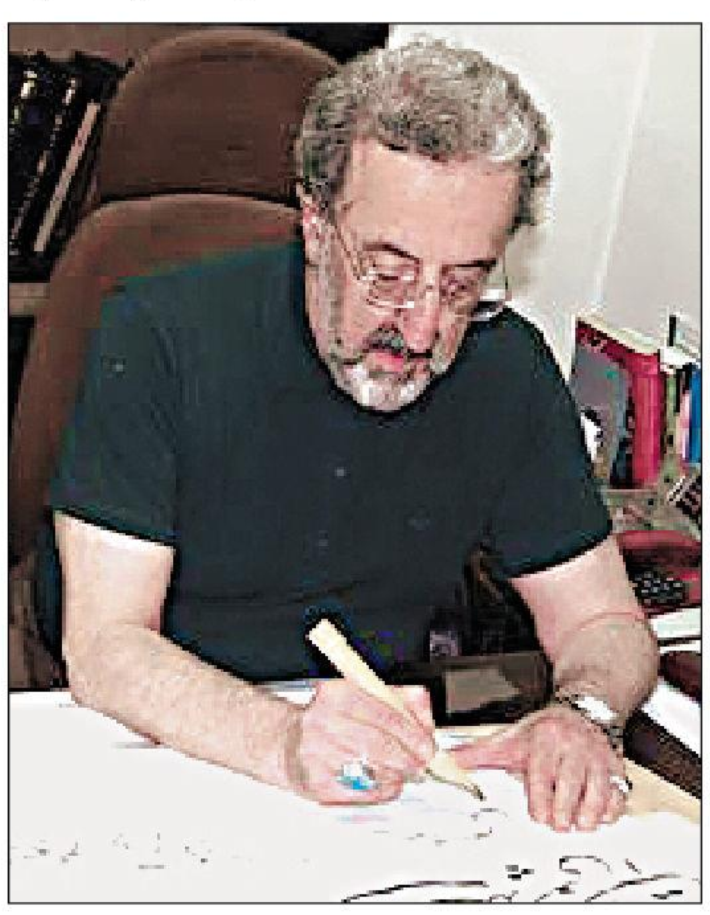
آدمی برای تجربه تولدهای دوباره نیازمند شهامت تجربه کردن زندگی است. باید زندگی را با تمام وجود درک کند، لمس کند و به ادراک واقعیت وجودی خود و هستی پیرامونش دست یابد و شجاعت شکستن و دوباره از نو ساختن را داشته باشد، بی‌شک در این مسیر انسان موجودی منفعل نیست، بلکه فعالانه به زندگی خود نقش بودن را می‌زند و خود را در مرکزیت زندگی‌اش درک می‌کند، به نوعی او خالق و مخلوق خویشتن خویش است و قادر به تغییر خود و محیط خود است.

در این عرصه آنچه به هستی انسان رنگ تغییر و تحول می‌زند تجربه بالندگی زیستی و روانی است. انسان بالنده با پیوندزدن تجارب ارزنده محیطی با نیروهای درونی زیستی، فرآیند «رسش» را تجربه می کند و گام به گام از نردبان تکامل بالا می رود. اگرچه فرآیند بالندگی زیستی مانند قدکشیدن، رشد عضلات، بلوغ جوانی و... تابع اختیار و اراده نیست اما بی‌شک فرآیند بالندگی روانی، رشد شناخت، عواطف، شخصیت و بلوغ رفتاری مبتنی است بر اراده و اختیار انسانی و تلاشی که برای دستیابی به اهداف انجام می‌شود.

بالندگی روانی در تجانس با اهداف و نحوه نگرش شکل می گیرد و به برگ و بار می‌نشیند، وقتی که این اهداف به سوی کمال باشد، میان افکار، احساسات و رفتارها وحدت و هماهنگی حاصل می‌شود و انسان به تجربه «یکپارچگی» خویشتن دست می یابد، زیرا که اجزای از هم گسسته خویشتن به یکدیگر می‌پیوندند و نوعی «کفایت شخصی» و «حمایت شخصی» حاصل می‌شود که اولی آدمی را از وابستگی به دیگران رهایی می‌بخشد و دومی اعتماد و اطمینان را در وجودش می‌شکوفاند و او را از حامیان بیرونی از قبیل جایگاه طبقاتی، مدارج تحصیلی و عناوین شغلی رهایی می‌بخشد و نیاز به پیوستگی به معبود را که کمال مطلق است نمودار می‌سازد و اینگونه است که انسان با مرگ و پیوستن به خالق هستی به تولدی دوباره که ناشی از یکپارچگی با کمال است می‌رسد و به مثابه جزئی کوچک از پیکره کامل هستی، با کمال در می‌آمیزد و به معبود می‌پیوندد و باز تولدی دوباره می یابد...

بهـــار

ابوالقاسم قاسم‌زاده



گل و بلبل
نسیم و پروانه
و
دشت‌های سبز در سبز
بهانه است
تا
یاد تو
افسردگی
زمستان
نگیرد
بهار
نامی
از
یاد
توست...



دیدگاه شاعران و مورخان و بزرگان دین در باب نوروز

باز هم نوروز

محمد حسین بهرامیان

برآمـد بـاد صبح و بـوی نوروز
بـه کام دوسـتان و بخـت پیروز
مبارک بادت این سـال و همه سال
مبارک بـادت این روز و همه روز

جشـن‌های آیینی عموماً مناسبتها وخصلتهای ویژه‌ای دارند که در میان اکثراقوام مشـترک اسـت، مهمترین ویژه گیهای جشـن یا عید، ریشه‌های مذهبی، اساطیری آن است که به آن‌هاله‌ای از تقدیس می‌بخشـد. واژه جشـن از ریشه YAZ، به معنی نیایش وپرستش است است وجشن نوروز نیایش در روز نو است وسپاس این که سالی دیگر از زندگی آغاز شد که سر سال است وپیشانی سال نو... واعتقاد پارسیان در مورد نوروز آن است که اولین روزی است که زمانه وبدو فلک به گشتن آغاز شده.

در عیـن حال، جشـن به واقعه ملـی خاصی که رنگ اسـطوره به خود گرفته اسـت نیز تعلق دارد و سـرانجام، مناسبت دیگر جشن یا عید، رابطه آن با طبیعت است.

در ایران علاوه بر جشـنهای دینـی ومذهبی مثل عید قربان، عید فطر، عید مبعث، عید غدیر و... جشنهای باستانی واسـطوره‌ای مثـل نوروز وجود دارد کـه از دوران کهن به یادگار مانده است.

آیین نوزور به ایران باسـتان بازمـی گردد. یعنی حتی قبل از زرتشـت وبابلیان، بهار وسال نو را جشن می‌گرفتند وصـورت قدیمـی آن تقریباً به حدود سـال ۲۳۴۰ قبل از میلاد مسـیح باز می‌گردد. در کتیبه‌های بابلی از مراسمی به نام عید اَکتیو سـخن رفته که برگزاری آن دوازده روز طول می‌کشـیده اسـت که اکنون نیز دوازده روز آغاز سال جشن نوروز است.

عیـد نوروز را چنین گفته‌اند که مچون جمشـیدبرای خـود تخت سـاخت، در این روز بر آن سـوار شـد وجن وشـیاطین آن را حمـل کردند و به یـک روز از کوه دماوند به بابل آمد ومردم برای دیدن امر در شـگفت شـدندواین روز عید گرفتند.در ادبیات فارسـی، شاعران ونویسندگانی چون فردوسی، منوچهری، عنصری، ابوریحان،جریر طبری، مسعودی، مسکویه، گردیزی و... جشن نوروز را به جمشید نسبت می‌دهند.

بنابه روایات شـاهنامه حکیم توس، جشن فرخنده نو روز در آغاز فروردین از یادگارهای جمشـید اسـت. چون جمشید به پادشاهی رسید واین کار خیلی بزرگ به نظر آمد، آن روز را که روز تازه‌ای بود، جمشید عید گرفت.

جشـن نوروز در دین اسلام محترم شمرده شده است وشاید تنها جشن وآیین ملی است که اسلام ومذهب تشیع آن را منسـوخ نکرد، بلکه جلاوشـکوه هدفداری نیز بدان بخشیدوبارنگ وبوی مذهبی ودینی آراست.

در دوره اسـلامی نوروز را به سـلیمان پیامبر نسـبت داده‌انـد وگفته‌اند که چون وی انگشـتری خود را گم کرد، پادشـاهی از دسـتش بیرون رفت وپس از چهل روز آن را باز یافت و شکوه پیش به او بازگشت وپادشان نزد او رفتند ومرغان بازگشتند وایرانیان گفتند «نوروز آمد».

مرحوم علامه مجلسی در کتاب «سماء والعالم» از قول امام جعفر صادق(ع) روایت کرده است که روز اول فروردین حضـرت آدم آفریده شـده وآن روز، روز فرخنده‌ای برای طلب حاجت وبرآورده شـدن آرزوهاست... کسب دانش، مسـافرت وخرید وفروش در آن روز خجسته وبیماران رو به بهبودی می گذارند.

علامه مجلسی در کتاب «زادالمعاد» پس از ذکر فضایل نوروز واین که نوروز روز موافق با روز مبعث و۲۷ ماه رجب بـود ودر همان روز پیامبر به پیامبری مبعوث گردید، چنین آورده اسـت؛ پس حضرت صادق بـه معلی فرمود: «چون نوروز شـود غسل بکن وپاکیزه‌ترین لباسهایت را بپوش و به بهترین بویها خود را خوشبو کن ودر آن روز، روزه بدار، پس چون از نماز پیشـین وپسین ونافله‌های آن فارغ شوی چهار رکعت نماز بگزار، هر دو رکعت یک سلام، در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره مبارکه قدر ودر رکعت دوم بعد از حمد ده بار سوره مبارکه کافرون ودر رکعت سوم بعد از حمد ده بار سـوره مبارکه توحید ودر رکعت چهارم بعد از نماز، سجده شکر بجای آور وبگو... (دعایی که حدود ۸ سطر) چون چنین کنی، گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود.

در حدیث معلی بن خنیس یا حدیث نوروز می‌خوانیم که حضرت جعفر بن صادق(ع) می‌فرمایند: «ای معلی، روز نوروز همان روزی اسـت که خداوند از بندگان خود پیمان گرفت که او را بپرسـتند واو را انبازی نگیرند. و به پیامبران وحجج وامامان ایمان بیاورند، همان روزی است که آفتاب در آن طلوع کرد وبادها وزیدن گرفت وزمین در آن شکوفا و درخشـان شـد. همان روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی آرام گرفت. همان روزی اسـت که خداوند زندگی بخشید به آنان که از ترس مرگ از خانه وکاشانه خود بیرون شدند وهزاران تن بودند، پس خداوند به آنان فرمان داد که بمیرند، سپس ایشان را در این روز (دوباره) زنده کرد. همان روزی اسـت که جبرئیل بر پیامبـر فرود آمد وهمان روزی است که پیامبر خدا، امیرالمؤمنین علی(ع) را بر دوش خود برداشـت تا بتهای بیت‌الله الحرام (کعبه) به زیر افکند وبتان را خرد کند.

چنانچـه ابراهیم نیز چنیـن کاری را کرد. همان روزی کـه پیامبر به یاران خود دسـتور داد تا بـا علی(ع) به عنوان امیرالمؤمنیـن بیعـت کننـد. همان روزی اسـت که پیامبر (ص)، علـی(ع) را بـه وادی الجن (دره جنیان) فرسـتاد تا ازآنـان برای خود بیعت بگیرد. همان روزی که علی(ع) بر مردم نهروان (خوارج) پیروز شـد. وهمان روزی که قائم ما (قائم آل محمد) واولیای امر در آن ظهور کنند.

امام صادق می‌فرمایند: هیچ نوروزی نیست مگر آن که ما در آن روز منتظر فرج (ظهور قائم آل محمد عج) هستیم؛ چرا که نوروز از روزهای ما وشیعیان ما است.

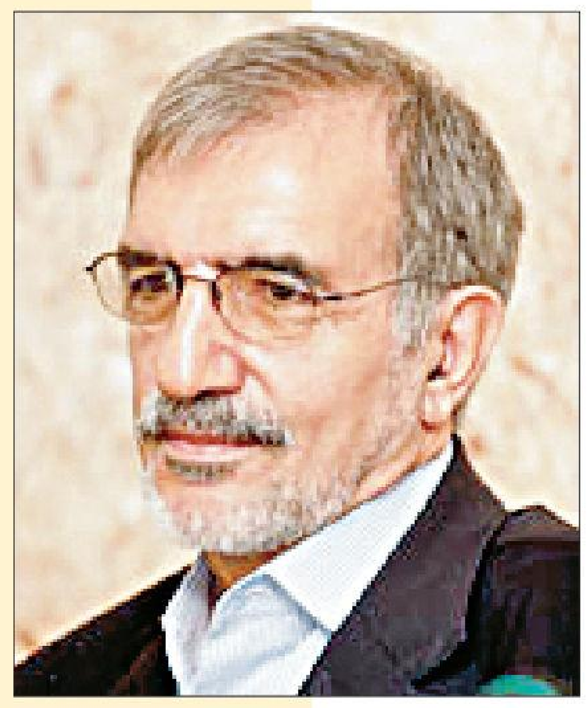
آری نوروز، روزی که خلقت آغاز شد، روزی که امام عصر(عج) در آن ظهور می‌کند، روزی که خلافت علی(ع) شروع شد.

روزی که مبارک وخجسـته خوانده شـده وروزی که عید اسـت، بازگشت است، آغاز تجلی آیات ونعمات الهی اسـت. شـروع رحمت است وروزی است که انسانها را در «یـا محول الحول والاحوال» به نیاز به معبودی برای تحول خویشتن دعوت می‌کند.

جشن نوروز روز گنجینه‌ای است از تمامی این معناها، ارزشـها، مناسـک وآیینها، فروردین ماه برای ایرانیان نماد شـکوه وزیبایی وپیام آور مهربانی وامید وشادی وپیروزی است.

سـالی دوباره آغاز می‌شود، سـاعاتی که پاکند. برای ملاقات با این سـاعات ملکوتی، سـاعاتی کـه برایمان یاد آور قیامت اسـت، یاد آور زنـده شـدنی دوباره، باید پاک باشـیم و آراسـته همچون طبیعت، پس بایـد همه چیز را پاکیـزه کنیم، خانه‌هایمان را تمیز وغبار غم واندوه وکینه‌ها را از دلهایمـان دور بریزیـم وبا دلی مالامال از مهر ومحبت به اسـتقبال سـال نو برویم. بانام خدا سـالی پربار را شروع کنیم سـالی که همراه با پیشـرفت علمی ومعنوی باشد؛ در آن لحظات معنوی برای ظهور آقا امام زمان(عج) وسلامتی ایشان ومقام معظم رهبری و استقلال کشورمان دعا کنیم.

نوروز



دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی

می دانیم که تغییر طول شب و روز، به سبب مایل بودن محور زمین نسبت به خورشید است.

اگر خورشید دقیقا بر فراز خط استوا قرار گیرد، شب و روز در تمام عرض های جغرافیایی زمین برابر خواهد شد. این پدیده در سال دوبار رخ می دهد: یکی در اعتدال ربیعی در روز اول بهار و دیگر در اعتدال خریفی در روز اول پاییز. یعنی زمین در حرکت انتقالی خود در مدار گرد خورشید، (ونه در حرکت وضعی یعنی گردش به دور محور خویش) در جایگاهی قرار می گیرد که دایرهٔ روشنایی اش از هردو قطب زمین می گذرد.

پدران ما، آغاز اعتدال بهاری را با عنوان نوروز و آغاز اعتدال پاییزی را نیز با عنوان مهرگان جشن می گرفته اند. بعدها این روز و این جشن به روز مهر از ماه مهر یعنی روز ۱۶ مهر ماهمنتقل شد.

پنجاه روز پیش از بهار را هم با عنوان جشن سده، گرامی می داشته اند. که به روایت نوروزنامه، روزی است که فریدون، ضحّاک را بگرفت. این سه جشن از لحاظ اهمّیّت، به ترتیب نوروز ازهمه مهم تر و پس از آن مهرگان و آنگاه سده بوده است. شاهنامه، آغاز نوروز را به زمان پادشاهی جمشید نسبت می دهد و می گوید که جمشید :

به فرّ کیانی یکی تخت ساخت/ چه مایه بدو گوهر اندر نشاخت
که چون خواستی، دیو برداشتی/ زهامون به گردون بر افراشتی
چو خورشیدِ تابان میان هوا/ نشسته بر او شاه فرمانروا
جهان انجمن شد بَر آن تخت اوی/ شگفتی فرومانده از بخت اوی
به جمشید بر، گوهر افشاندند/ مر آن روز را روز نو خواندند
سر سالِ نو، هرمزِ فروَدین/ بر آسوده از رنجْ، تن، دل زکین
بزرگانَ به شادی بیَاراستند/ می و جام و رامشگران خواستند
چُنین تا برآمد بر این، سالیان/ همی تافت از فرّ شاه کیان

ذکر نوروز در اسطوره های ملّی ما، نشانهٔ آن است که این، آیینی بازمانده از پیش از تاریخ می تواند بود.

امّا در دورهٔ تاریخی نیز برخی از محققان در پاره ای از سنگ نوشته های هخامنشی اشاره به نوروز را یافته اند.

در دیوان شاعر همدورهٔ فردوسی فرّخی سیستانی، درچندین قصیده وحتّی در ترجیع، نوروز ذکر شده است:

یک جا می گوید :

هرچه زیور بود نوروز نو آیین آن همه
برد بر گل های باغ و راغ نوروزی بکار

و بیت ترجیع، در مسمّطِ ترجیعی او، این بیت زیباست :

بدین شایستگی جشنی، بدینَ بایستگی روزی
مَلِک را در جهان هر روز جشنی باد نوروزی

پس از فرخی، در دورهٔ مسعود غزنوی، منوچهری دامغانی در چندین قصیدهٔ خود، از نوروز یاد کرده است ولی در مدح سلطان مسعود، قصیده ای مشهور و زیبا دارد که ۲۴ بیت از آن، یعنی تمام تشبیب قصیده، در وصف نوروز است :

بر لشکر زمستان نوروز نامدار
کرده ست رای تاختن و قصدِ کارزار
وینک بیامده ست به پنجاه روز پیش
جشنِ سَده، طلایهٔ نوروز و نو بهار
آری هر آنگهی که سپاهی شَود به رزم
زاوّل به چند روز بیاید طلایه دار
این باغ و راغ مُلکتِ نوروز ماه بود
این کوه و کوهپایه و این جوی و جویبار...
...نوروز پیش از آنکه سراپرده زد به در
با لُعبتان باغ و عروسانِ مَرغزار،
این جشن فرّخ سَده را چون طلایگان
از پیش خویشتن بفرستاد کامگار....

درآخر همین قرن پنجم، (احتمالا در ۴۹۵) کتابی مستقل به نام «نوروز نامه» تالیف شده است با نثری ساده به فارسی فصیح و شیوا در تاریخ و آداب جشن نوروز. (منسوب به حکیم عمر خیّام) که در آن به تفصیل از چگونگی برگزاری جشن نوروز در دربار شاهان و میان مردم گزارش های دلپذیری به دست می دهد.

در اشعار برخی ازشعرای قرون بعدهم، دستکم اشاره به نام نوروز را می توان دید.

در قرن هشتم حتّی در غزل، آن هم در غزلِ حافظ، تلمیح به میر نوروزی شده است. میر نوروزی از مراسم شادمانهٔ قرون گذشته در نوروز بوده است:

زکوی یار می آید نسیم باد نوروزی
از این باد ارمدد خواهی چراغ دل بر افروزی
چوگل گرخُرده‌ای‌داری‌خدارا‌صرف‌عشرت‌کن
که قارون را غلط ها داد سودای زر اندوزی
سخن در پرده می گویم، چو گل از پرده بیرون آی
که بیش از پنج روزی نیست حکم میرِ نوروزی...
...ندانم نوحهٔ قمری به طرف جویباران چیست
مگر او نیز همچون من غمی دارد شبانروزی
به بستان رو که از بلبل طریق عشق گیری یاد
به مجلس آی کز حافظ سخن گفتن بیاموزی

میر نوروزی، شخصی بی نام و نشان است که اورا تنها چند روز، در آغاز فروردین، امیر یا پادشاه می نامیدند و در آن چند روز فرمان های اورا از عزل ونصب و غیر آن ها، واقعا اجرا می کرده اند و پس از آن چند روز، امارت او پایان می پذیرفته است.

غیر از میر نوروزی، مراسم بسیار دیگر هم پیش از نوروز یا در روزهای نوروز ویا پس از آن متداول بوده است (که برخی از آن ها هنوز هم کم و بیش پایر جاست) مثل:

-نوروزخوانی -چهارشنبه سوری -آتش افروز (یا حاجی فیروز).- کوسه بر نشین (که مردی زشت رو را برخری سوار می کردند و کلاغی در یکدست و بادبزنی دردست دیگرش می دادند و می گرداندند).- غول بیابانی (که با دو چوبِ پای بلند با کشیدن پوست گوسفند به سر، به خیابان می آمد).-عمو نوروز، مراسم سمنو پزان (در تاجیکستان :سَمُنَک پزان).- هفت سین - مراسم تحویل سال - سیزده به در

قدما فلک ثوابت (فلک هشتم) یا منطقه البروج را به برش های فرضی ۱۲ گانه تقسیم کرده بودند و با در نظر گرفتن چینش ستارگان در هر قسمت، آن را به شکل حیوان یا اشیاء تصوّر و نام همان را بر روی آن برج، می نهادند که هریک برابر یکی از ماه های سال نیز بود به این ترتیب:

۱- حَمَل، برّه (فروردین) ۲-ثور، گاونر (اردیبهشت)۳- جوزا، دوپیکر (خرداد)۴- سرطان، خرچنگ(تیر)۵- اسد، شیر(مرداد)۶-سنبله، خوشه(شهریور)۷-میزان، ترازو(مهر)۸- عقرب، کژدم(آبان)۹- قوس، کمان (آذر) ۱۰- جَدْی، بُز (دی)۱۱- دلو، دلو۱۲- حوت، ماهی(اسفند)

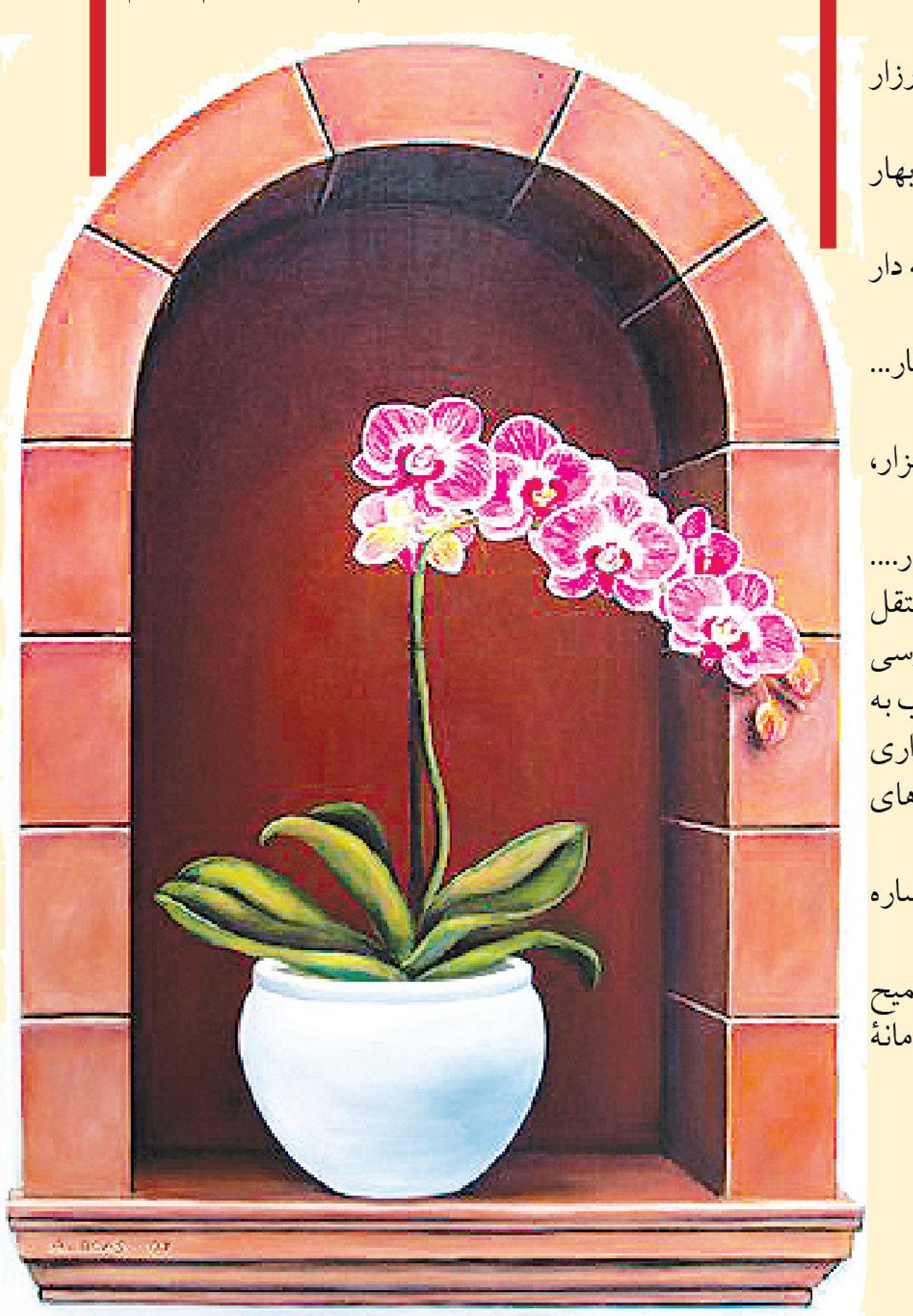
بنابراین، لحظه ای که برج حوت، تمام می شود، سال هم تمام می گردد و به برجِ حَمَل یا برّه تحویل می یابد. تحویل در لغت: جابجاکردن و واَسپردن و نیز جابجا شدن و در آمدن است. پس تحول سال یعنی جابجا شدن سال ودر آمدن سال (نو).

***

شاعران امروز هم، نام نوروز و گاهی نام برخی از مراسم آن را در شعر خود، بکار می برند.

از استاد شهریار دریک «سیزده به در»پرسیده بوده اند که امروز همگان به صحرا می روند، چرا شما نرفته اید؟ پاسخ داده است :

سیزده را همه عالم به در امروز از شهر
من خود آن سیزده ام، کز همه عالم به درم



در شعر عربی هم از همان آغاز استقرار اسلام، در بلاد اسلامی خاصّه در شعرای عراق و در شعر شاعر بزرگ عرب متنبّی (ونه فقطدرشعر شعرای عربی زبان ایرانی چون بشّاربن بُرد تُخارستانی، ابو نواس و مهیار دیلمی و...)وصف نوروزآمده است.

متنبّی در قصیده ای نوروز را به ابن العمید(ابوالفضل محمّدبن الحسین) وزیر آل بویه (وفات : ۳۶۰ هجری قمری در همدان) تبریک می گوید :

جاء نَیْروزُنا و انتَ مُرادُه/ و وَرَتْ بالّذی ارادَ زنادُه
هذه النّظرهُ الّتی نالَها مِن.../ ....کَ اِلی مثلِها مِنَ الحَوْلِ زادُه

نوروز ما در حالی که مرادش تویی در رسید و آتش زنه های مرادش شعله ور گردید. این دیدارِ تو که نصیب نوروز شد تا (پایان) سال رهتوشهٔ اوست. پسَرِ ابن العمید یعنی ابوالفتح ذوالکفایتین ملقّب به استاذ الرئیَس، نیز در قصیده ای که پدر خود را مدح می کند، نوروز را به او تبریک می گوید :

اَبشِر بنَیْروزَ اَتاکَ مُبشّراً/ بسَعاده و زیاده و دَوام
واشْرِبَ فقد حَلَّ الرّبیعُ نقابَهُ/ عن مَنظرٍ مُتهِلّلٍ بَسّام
وهدیّتی شعرٌ عجیبٌ نظمُهُ/ و مدیحَهٌ تبَقی علَی الایّام

به نوروزی مژده بادت که مژده آورِ نیک بختی و افزونیَ و پایندگی است و بنوش که بهار، نقاب ازَ چهرهٔ شادان و خندان خویش برداشت. ارمغان من شعری است که نظم آن شگرف است و مدحی است که در روزگاران باقی خواهد ماند.

باری، نوروز اگرچه بی گمان جشن ملّی آریائیان ایرانی است، امّا انطباق آن با دگرگونی طبیعت و حلول بهار و دمیدن گل وسبزه و میل ذاتی آدمیان به نو شدن، از یکسو و وسعت قلمرو حکومت ایران از سواحل مدیترانه و دریای سیاه تا کاشغرِ چین از سوی دیگر سبب شده است که امروز هم نوروز، عَلاوه بر ایران، در مناطقی از بالکان و دریای سیاه ودر ترکیه، قفقاز، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، قراقستان و آسیای مرکزی ونقاطی از خاورمیانه و در بخشی از شبه قارّه خاصّه پاکستان و نقاط دیگری از جهان در جمعیّتی بیش از ۳۰۰ میلیون، جشن گرفته شود.

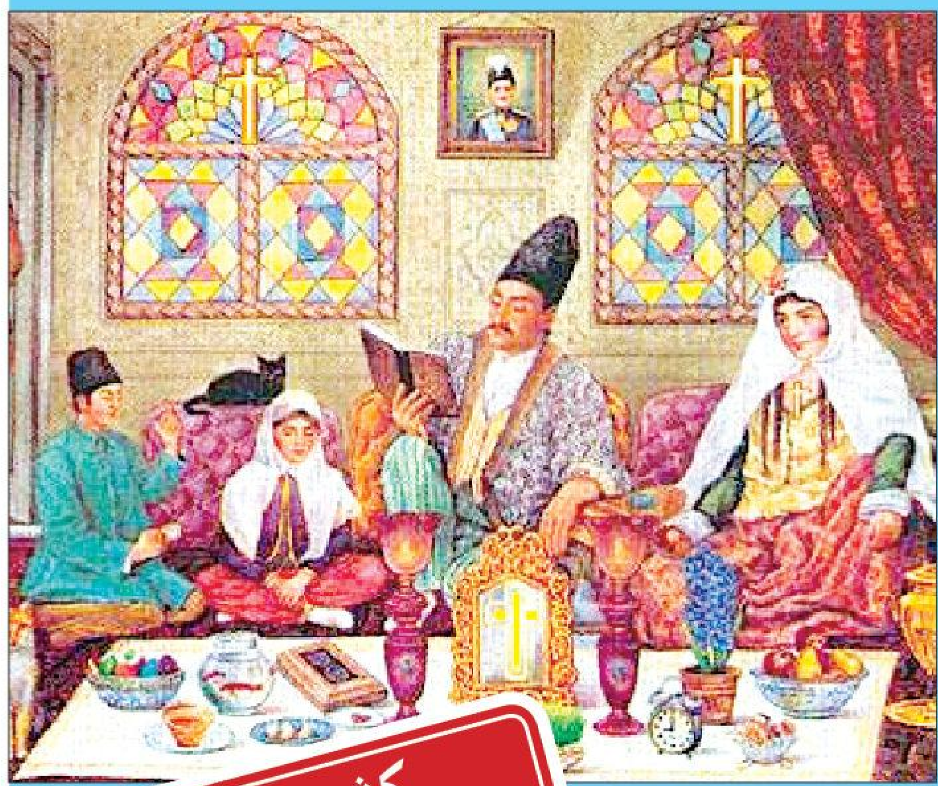
درروایات ما نیز در گفتار برخی از معصومین علیهم السلام نوروز، هم به عنوان آغاز بهارکه تصوّری از قیامت را در ذهن زنده می کند و هم به عنوان، سرور و جشنی مباح، طرفداری شده است. بحار الانوار مجلسی، بابی ویژهٔ نوروز دارد. مهلّب بن حُنیف از امام صاق صلوات الله علیه روایت می کند که :وما من یوم نوروزِ الاّ نحنُ نتوقّعُ فیه الفرجَ لانّه من ایّامنا، حَفظَتْهُ الفُرس و ضیّعتمُوه. هیچ نوروزی نمی آید مگر آنکه ما درَ آن انتظار فرج می کشیم زیرا، نوروز از روزهای ماست که ایرانیان آن را حفظ کردند و شما (= اعراب)آن را ازدست دادید!

برخی از علمای گذشتهٔ اهل سنّت چون غزالی، آن را کوشش گبران برای تبلیغ دین خویش می دانستند و با آن مخالفت می کردند. امّا برخی دیگرازعلمای گذشتهٔ اهل سنّت، روایاتی در تایید آن نقل کرده اند، از جمله ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغهٔ خود، در شرح خطبهٔ ۲۱۹ امام علی علیه السلام و ذیل مطلبی در مورد قبول هدیه ،می نویسد :

وقد قَبلَ علیٌ علیه السلام هدایا جماعه مِن اصحابه و دعاه بعَضُ من کانَ یانَسُ الیه الیِ حَلواءً عملها یوم نوروزفکلَ وقالَ :لِمَ عَملْتَ هذا؟ فقالَ : لانّها یومُ نوروز فَضَحِکَ و قالَ: نورَوزوَا لنا فی کلّ یوم اِن استَطَعتُم!: امام علی علیه السلام هدایای برخی از یّاران خود را قبول می فرمود چنانکه یکی از کسانی که با آن حضرت انسی داشت، اورا به خوردن حلوا دعوت کرد، ایشان میل فرمود و پرسید: مناسبت این حلوا چه بود؟ عرض کرد امروز، نوروز است. امام (ع) خندیدند و فرمودند :اگر می توانید، هر روز مارا نوروز کنید!

*

در روزگار ما، خوشبختانه مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۳ فوریهٔ سال ۲۰۱۰ میلادی (برابر با چهارم اسفند ۱۳۸۸ هجری خورشیدی) نوروز را به عنوان یک مناسبت جهانی و به نام «روز بین المللی نوروز و فرهنگ صلح در جهان »اعلام کرد و همهٔ کشورهای عضو سازمان ملل موظّفند در تقویم های رسمی خود، ۲۱ مارس برابر با اول فروردین را به عنوان نوروز ثبت کنند و به گسترش فرهنگ و مراسم آن بکوشند. چونین باد چونین تر باد.





کشورها

آشنایی با مراسم نوروز در هشت کشور جهان

کشورهایی که «نوروز» دارند

■ فاطمه نفیسی

نوروز شگفت‌انگیز است... آهسته آهسته از راه می‌رسد و بی‌آن که خبر کند، جادو می‌کند شاید به همین دلیل است که نوروز مورد استقبال مردم بسیاری از سرزمین‌های دیگر قرار گرفته و هر چه که می‌گذرد بر نفوذ و گستردگی آن افزوده می‌شود، چنانکه امروز از آسیای میانه گرفته تا آسیای مرکزی، از پاکستان گرفته تا تانزانیا با جلال و شکوه تمام گرامی داشته می‌شود. اگر آشنایی با آداب و رسوم مردم این کشورها، برای شما جالب است خط‌های بعدی گزارش را به دقت بخوانید:

نوروز در پاکستان

در پاکستان غالبا صفت «عالم افروز» را در مورد نوروز به کار می‌برند و این حکایت از علاقه‌مندی مردم این کشور به نوروز دارد. بسیاری از خانواده‌های پاکستانی مراسم نوروز را گرامی می‌دارند، به طوری که برای یکدیگر کارت تبریک طلایی و الوان مزین به گل و بلبل که نشان از نو شدن طبیعت دارد، می‌فرستند که معمولا بر آن عبارت عید مبارک نقش بسته است. آنها هم مانند ایرانی‌ها خانه تکانی می‌کنند، لباس نو می‌پوشند، به دید و بازدید می‌روند و سعی می‌کنند کدورت و غم را از دل‌ها بزدایند و زندگی را به شادی بگذرانند.

خانواده‌های پاکستانی به هنگام نوروز سفره نوروزی رنگین می‌گسترانند و انواع شیرینی و میوه‌ها را بر آن می‌چینند و بزرگترها به کوچکترها هدیه می‌دهند.

از آداب و رسوم عید نوروز در میان مردم پاکستان تهیه نمودن انواع شیرینی مثل «لدو»، «گلاب حامن»، «رس ملائی»، «کیک برفی»، «شکرپاره»، «کریم رول»، «سوهن حلوا» و همچنین پختن غذاهای معروف این ایام و عیدی دادن و گرفتن و دید و بازدید اقوام است.

نوروز در تاجیکستان

نوروز در تاجیکستان، به خصوص در «بدخشان» با شکوه بسیار برگزار می‌شود. نوروز برای مردم تاجیک که روزگاری سرزمینشان بخشی از ایران بزرگ محسوب می‌شده عید ملی اجدادی است و آن را غدیر ایام یعنی عید بزرگ می‌خوانند.

کلمه ایام در بدخشان مرادف عید یا به جای آن به کار می‌رود. هر خانواده چند روز مانده به عید خود را برای برگزاری آن آماده می‌سازد. خانه تکانی صورت می‌گیرد. همه از کوچک و بزرگ با بی‌قراری منتظر رسیدن نوروز می‌شوند.

تاجیک‌ها در نخستین روز نوروز، صبحانه را با انواع غذاهای شیرین صرف می‌کنند که عبارت است از حلوا، شیربرنج، غوز حماج، به این امید که تا پایان سال زندگی شان شیرین باشد. پس از صرف صبحانه پارچه سرخی را بالای در ورودی خانه می‌آویزند که آن را نشانه بهروزی و خوش‌بختی می‌دانند. آنگاه اثاث خانه را که از قبل تمیز کرده‌اند به طرزی نیکو می‌چینند، سپس پنجره‌ها را می‌گشایند تا نسیم نوروزی در زوایای خانه به گردش درآید.



همه لباس تازه به تن می‌کنند و کوچکترها در حالی که غنچه‌ای از گل سرخ در دست دارند نزد بزرگترها می‌روند و با گفتن «شاگون بهار مبارک» سالی خوش برایشان آرزو می‌کنند.

در بدخشان در شب دوم سال نو از کله و پاچه گوسفند و گندم غذای مخصوصی تهیه می‌کنند که به آن «باج» می‌گویند. نوروز در بدخشان سه روز ادامه دارد.

نوروز در جمهوری آذربایجان

نوروز یکی از جشن‌های بزرگ در جمهوری آذربایجان است. این جشن همه ساله از بیستم تا بیست و دوم مارس که تقریبا برابر با اول تا سوم فروردین است در این کشور برگزار می‌شود. در آذربایجان از چند هفته مانده به نوروز مردم برای برگزاری این عید خود را آماده می‌کنند؛ در شب چهارشنبه دختران نیتی در قلب خود می‌کنند و در گذرگاه‌ها می‌ایستند و اگر سخنی موافق خواست خود از رهگذری بشنوند بسیار خوشحال می‌شوند و مطمئن می‌شوند که حاجتشان برآورده خواهد شد. براین اساس مردم سعی می‌کنند در ایام نوروز سخنی نامناسب که از آن بوی یاس به مشام آید بر زبان نیاورند و از به کار بردن سخنان ناپسند و حزن‌آور بپرهیزند.

در میان مراسم نوروزی جمهوری آذربایجان، رسم‌هایی نظیر فرستادن سفره سمنو، انداختن کلاه پوستین به درها، آویزان کردن کیسه و توبره از سوراخ بام در شب عید و درخواست هدیه نوروزی از صاحبخانه بسیار قابل توجه‌اند که در مجموع عاملی برای ایجاد ازدیاد محبت و مودت در میان مردمند. در عید نوروز نمایش‌ها و بازی‌های مختلف که فزاینده شادی می‌باشند در جمهوری آذربایجان رواج می‌گیرد. در این میان می‌توان از اسب‌سواری، شمشیربازی، کمنداندازی، ورزش‌های زورخانه‌ای، طناب بازی و مانند اینها نام برد که در همه آنها اصل بر شادی و نشاط است.

نوروز در قرقیزستان

کلمه نوروز در میان مردم قرقیزستان که به زبان قرقیزی صحبت می‌کنند و به خط کریل می‌نویسند، واژه‌ای آشنا است، آنها هم عید نوروز برای آنان از مقدس‌ترین اعیاد است و آیین‌های نوروزی را با شکوه تمام برگزار می‌کنند، طوری که هیچ یک از مراسم ملی و مذهبی آنان جلوه و جلال نوروز را ندارد. نوروز در این سرزمین تنها یک روز است که در بیست و یکم ماه مارس (اول تا دوم فروردین) برگزار می‌شود.

خانواده‌های قرقیزی از نخستین ساعات صبح روز عید از خانه‌هایشان بیرون می‌آیند و در میدان‌های بزرگ شهر جمع می‌شوند. در این میدان‌ها بازارهای موقت ایجاد می‌شوند که در آن انواع اجناس، خوردنی، پوشیدنی‌ها و اسباب‌بازی‌ها عرضه می‌شوند.. این مراسم در شهرهای بزرگ ساعت‌ها به طول می‌انجامند و مراسمی از قبیل نمایش‌های سوارکاران با





سال نو مبارک
بانک قوامین
Ghavamin Bank
جی بی کارت قوامین
بانکی، در جیب شما
روابط عمومی
سامانه پاسخگویی:۵۱۵۱-۰۲۱
www.ghbi.ir

لباس‌های عشـایری و جنگی در حالی که سـلاح‌هایی نظیر شمشـیر، خنجر، نیزه، سـپر، تیرو کمان با خود حمل می‌کنند موجب می‌شود تا مردم زمان را فراموش کنند.

نوروز در ازبکستان

عید نوروز در ازبکستان تعطیل رسمی است. در ایام نوروز سراسر کشور چراغانی می‌شود مردم لباس نو به تن می‌کنند؛ از آنجا که دولت کمونیستی اتحاد شوروی سابق، نوروز را جشنی دینی می‌دانسـت از برگزاری آن جلوگیری می‌کرد، در نتیجه مردم به نقاط دور از شهر می‌رفتند تا بتوانند مراسم نوروزی را برپا دارند. از همین رو بسیاری از این جای‌ها با نام نوروز همراه شده است، نظیر نوروز بلاق (چشمه نور)، نوروزسای (جویبار نوروز) و نوروز تپه (فرازگاه نوروز).

در ازبکسـتان و نیز در تاجیکسـتان نوروز بدون سمنو، رنگ و بویی ندارد. سـمنو برای آنـان همانند ایرانیان، یادآور نوروز است. همچنین آیین چهارشنبه سوری همانند ایران در بسیاری از شهرها و نواحی گوناگون ازبکستان با شور و حال تمام برگزار می‌شود و بخصوص در بخارا و سمرقند از شکوه و استقبال بسیار برخوردار است.

نوروز در افغانستان

نوروز در افغانسـتان یا به عبارتی در بلخ و مزار شـریف هنوز به همان فر و شـکوه پیشین برگزار می‌شود. در روزهای اول سـال همه دشت‌های بلخ و دیوار و پشت بام‌های گلی آن پر از گل سرخ می‌شود. بلخ سبدی از گل سرخ یا اجاق بزرگی می‌شـود که این لاله‌ها در آن می‌سـوزد. این گل فقط در بلخ به وفور می‌روید و از این رو جشن نوروز و جشن گل سرخ هر دو به یک معنی به کار می‌رود.

از آییـن و رسـم نوروزی در سـرزمین بلـخ می‌توان به شستشـوی فرش‌های خانه و زدودن گرد و غبار پیش از آمدن نوروز و انجام مسابقات مختلف از قبیل بزکشی، شتر جنگی، شترسـواری، قوچ جنگی و کشـتی خاص این منطقه اشـاره نمود.

نوروز در قزاقستان

مردم قزاقسـتان نوروز را اعتدال بهاری می‌دانند و بر این باورند که در این روز ستاره‌های آسمانی به نقطه ابتدایی می‌رسند و همه جا تازه می‌شـود و روی زمین شادمانی برقرار می‌شود. به اعتقاد آنها نوروز روزی اسـت که «سنگ نیلگون» سمرقند آب می‌شود.

در شـب سـال تحویل هر صاحبخانه دو شمع در بالای خانه‌اش روشن می‌کند و خانه‌اش را خانه تکانی می‌کند؛ چون مردم قزاق باور بر این دارند که تمیز بودن خانه در آغاز سال نو باعث می‌شود افراد آن خانه دچار بیماری و بدبختی نشوند.

در عید نوروز جوانان یک اسـب سـرکش را زین کرده و عروسکی که ساخته دست خودشان است با آویز زنگوله‌ای به گردنش درسـاعت سه صبح که ساعتی معین از شب قزیر است رها نموده تا به این شکل مردم را بیدار کنند. عروسـک در حقیقت نمادی از سال نو است که آمدن خود را سوار بر اسب به همه اعلام می‌کند.

نـوروز بـرای قزاق‌ها بسـیار مقدس بوده و اگر در این روز باران یا برف ببارد آن را به فال نیک می‌گیرند و معتقدند سـال خوبی پیش رو خواهند داشـت. در عید نوروز مردم لباس نو و سفید به تن می‌کنند که نشانه شادمانی است. دید و بازدید اقوام در این ایام با زدن شانه‌ها به یکدیگر از آیین و رسوم مردم قزاق در ایام عید نوروز است، همچنین پختن غذایی به نام نوروز گوژه (آش نوروز) که تهیه آن به معنی خداحافظی با زمستان و غذاهای زمستانی است و از هفت نوع ماده غذایی تهیه می‌شـود در این ایام جزو آیین و رسوم این سرزمین است.

مسـابقات معروفی نیز در ایام نوروز در قزاقستان برگزار می‌شود که از مهم‌ترین آنان می‌توان به «قول توزاق» اشاره نمود کـه بین گروه‌های مرد و زن برگزار می‌شـود. اگر برنده زن‌ها باشـند قزاق‌ها معتقدند آن سـال خوب و پربرکتی اسـت اگر مردها پیروز شوند آن سال نامساعد خواهد بود.

نوروز در زنگبار (تانزانیا)

شـاید تعجب کنید اما حتی در زنگبار هم مردم نوروز را جشـن می‌گیرند؛ چراکه در قرن‌های گذشته گروه بزرگی از مردم شیراز به زنگبار در کرانه‌های شرقی قاره افریقا کوچ کردند و آیین‌های ایرانی خود مانند نوروز را نیز با خود بردند. جشن نوروز در زنگبار «نوروزی» نامیده می‌شود و هنوز یکی از جشـن‌هایی اسـت که با تغییر فصل در این کشور گرامی داشته می‌شود و بین مردم رواج دارد.

هر چه که می‌گذرد بر نفوذ و گستردگی نوروز افزوده می‌شود، چنانکه امروز از آسیای میانه گرفته تا آسیای مرکزی، از پاکستان گرفته تا تانزانیا با جلال و شکوه تمام گرامی داشته می‌شود







سفرنامه

جیمز موریه، گزارشگر تخت‌جمشید

از شیراز به تخت‌جمشید

ساعت یازده بامداد روز سیزدهم ایلچی دوباره سفر خود را به سوی تهران آغاز کرد. نخست‌وزیر و منشی‌باشی محمدحسن خان (رئیس ایل قراگوزلو) خزانه‌دار شاهزاده و محمدزکی خان مهماندار پیشین ما با عبدالله خان که به گونه‌ای موقت آن پایگاه را یافته بود تا یک میل آنسوی تنگ الله‌اکبر ما را همراهی کردند سپس همگی جز مهماندار پیشین و مهماندار کنونی ما اجازه خواستند و بازگشتند.

در فاصله ربع میلی آن سوی دروازه شیراز دورنمایی بسیار فشرده پدیدار گشت. همچنان که این دورنما را از بالای تپه‌ای می‌نگریستیم در برابرمان دو سربالایی تند (که نزدیک راه پیوسته به دروازه است) پدیدار شد که فاصله میان آن‌ها را بخشی از شیراز، دشت هموار و کوه‌ها در افق پر کرده بود. چون چادرها و بارونبه در مسافتی بسیار از ما بازپس مانده بود درنگ کردیم و در کلبه‌ای قهوه نوشیدیم. در اینجا شاهزاده بنا به طرحی که ساده و خوب می‌نمود یخچالی برای ساختن یخ ساخته است. این یخچال گودالی ژرف است کمابیش با پنجاه پا درازا و پانزده پا پهنا با جویهایی که در عرض آن کنده‌اند که از آب پر شده در یخچال تهی می‌شود. پس از یخ بستن این نخستین لایه آب در یخچال، لایه‌ای دیگر از آب درون جویها به یخچال سرازیر می‌گرد و بدینسان یخ اندوخته می‌شود. در سراسر درازای یخچال، دیواری ساخته‌اند تا یخها را از وزش باد جنوب یا گرمترین باد اینجا نگاهدارد. نزدیک دو ساعت در آنجا ماندیم. کاپیتان سوترلند به بلندترین کوه‌های باختر اینجا برشده و با گزارشی بسیار بسیار جالب بازگشته است، می‌گوید که «شیراز و دشت آن در زیر پایم بود. باغستان‌ها و طرح کلی کوه‌ها و زمین‌های حومه شهر چنان پدیدار بودند که گویی بر روی نقشه‌ای دیده می‌شوند.

مهمانداران پیشین و همراهان آنها را ترک گفته به مهمانداری تازه به نام محمدخان پیوستیم و گردش در پیرامون کوه‌ها را آغاز کرده سواره از کنار آب باریک رکناباد روانه شده به پاسگاه «راهدار»ها رسیدیم که «خلعت‌پوشان» نام دارد شاهزاده خلعت‌هایی را که شاه پیوسته برای او می‌فرستد در اینجا می‌پوشد، از میان ناحیه‌ای کوهستانی و دلباز می‌گذریم، کمتر بوته‌ای گیاه به کوه‌های قهوه‌ای رنگ، رونقی می‌دهد. این کوه‌ها جابه‌جا در اثر لایه‌های رنگارنگ خود به شکل‌های بزرگ و نادلپسند در می‌آیند. سرچشمه آب رکناباد کمابیش در دروازه میلی شیراز است که پس از پیچ و تاب خوردن در سوی‌های گونه‌گون به سوی شیراز می‌آید. در سفر امروز هیچ چیز مهم رخ نداد. گاهگاه دسته‌های انبوه کبوتران بر فراز سر ما پرواز می‌کردند و در راه جابه‌جا ویرانه‌های کاخ‌ها و «کاروانسرا»ها دیده می‌شد. اینها با این که هر کدام نامی داشتند اما تهی از مردم بودند که در تاریخ جغرافیایی ایران هم در خور یاد کرد نیستند. پس از آن که چند تفنگچی فکسنی به ما سلام نظامی دادند یکی دو ملای بیچاره آیه‌هایی از حفظ خواندند، به ناچار از روی دو سه بطری شربت قند گذشته به اردوگاه خود در زرقان رسیدیم. زرقان در نگاه نخست جایی آبرومند می‌نماید. دیواری گلین در گرداگرد آن است اما چون بسیاری از جاهای دیوار ویران شده به آسانی می‌توان دید که بیشترین خانه‌های درون بارو تنها پوسته‌ای از خانه هستند و باشندگان آن‌ها هم دمساز با وضع خانه‌ها، آدم‌هایی نگونبخت هستند. زرقان در پای رشته کوه‌هایی در کرانه جنوبی دشتی کوچک است، خاک این دشت بسیار حاصلخیز و زمین‌های پیرامون شهر به نسبت خوب کشت شده است. بنابه محاسبه ما از چادرهایمان در باغ وکیل شیراز به طور متوسط در سوی شمال خاوری تا اینجا سیزده میل راه بود. شب هنگام کشمکش قاطرچیان و همهمه «فراشان» گهگاه ما را از خواب می‌پراند. ساعت نه زرقان را ترک گفتیم و پس از نزدیک دو میل راهپیمایی به دشتی به همین نام (کا با مرودشت اشتباه شده بود) رسیدیم. خاکش بسیار خوب و به نسبت خوب کشته شده بود و نزدیک پانزده میل از خاور تا باختر بود. سه میل دیگر پیش رفته با گذشتن از رودخانه بند امیر به دشت واقعی مرودشت رسیدیم. پس از برآمدگی پایین کوه پلی بر روی این رودخانه به نام پل خان ساخته‌اند (که افزون بر دو دهانه کوچکتر که در این فصل تهی از آب است) دو دهانه اصلی بزرگ و یک دهانه متوسط دارد، آب رود از این سه دهانه می‌گذرد. بند امیر یا اراکس باستان روی هم رفته در سوی شمال به جنوب روان است. آنجا که ما از فراز آن گذشتیم همانا از شمال، شمال خاور به جنوب باختری می‌رفت. این رود در دماغه جاسک به دریا نمی‌ریزد (دست‌کم در زمان حاضر، چنان که گفته‌اند) و هنوز به کرمان می‌رود. چنین شنیدم که به کربال ده فرسنگی تخت جمشید که جایی بزرگ از ایالت کرمان است می‌رود و در آنجا در سد بزرگ بند امیر یعنی بند امیر تیمور آب آن انبار و نگهداری می‌شود. در کربال و پیرامون آن چندین بند هست که هر کدام را پادشاهی ساخته است.





در بلوک کربال دهکده‌ای است به نام سد نقاره‌خانه در هشت یا نه فرسنگی تخت‌جمشید که بنا به داستان‌های عامیانه فارسی، جمشید در آن طبل‌ها و شیپورهای پادشاهی را نگهداری می‌کرده و صدای این افزارهای موسیقی از آنجا تا تخت جمشید می‌رسیده است. مردم محل می‌گفتند که چندین میل پیرامون مرودشت را ساختمان‌های کهن جالبی فرا گرفته که بیشتر آن‌ها رو به سوی جنوب دارند. از پل تا ته دشت شاید ده میل است. در دو میلی اردوگاه نزدیک آثار تخت‌جمشید به سوی چپ پیچیدیم تا ویرانه‌ها و حجاری‌های پیکره‌های رستم را ببینیم. با این که این ویرانه‌ها به ظاهر به ما نزدیک بود به سبب بودن جوی‌های گوناگون دیگر (جدا شده از بند امیر و رودخانه‌ای دیگر) که برای آبیاری ناحیه کنده شده بود ناچار از بیراهه‌ای دست کم به مسافت چهار میل گذشتیم.

آرامگاه‌ها و حجاری‌های نقش رستم همگی در فضایی نزدیک دویست یارد و درسرازیری و پرتگاههای کوههایی است که در خطی از شمال باختری به جنوب خاوری می‌رود. در سوی شمال باختری کوه پایان گرفته یکباره به سوی خاور می‌پیچد و در پیچش‌گاه تنهٔ ستونی از جنس سنگ همان کوه که در زیر ستون است به درازای شش پا بر فراز بلندی است. شاید این ستون بر اثر کاوش‌های بخش‌های همسایه در اینجا قرار نگرفته بوده زیرا که من خنجری را چند اینچ در زیر آن فرو کردم و آشکارا سوراخی را دیدم که ته ستون در آن جای داده شده بود. ستیغ کوه (جایگاه حجاری‌های نقش رستم) به گونهٔ سکویی چهارگوش به تقریب به اندازهٔ بیست فوت مربع هموار شده و بر فراز سکو تختی بلند با پنج پلکان است، یعنی دو پله و یک پاگرد سپس سه پلهٔ دیگر. لکن فکر می‌کنم در پاگرد بازمانده‌های پلهٔ دیگر را هم دیده‌ام. تختی مستطیل، نه پا در شش پا و سراسر کوه از سنگ مرمر ظریف است.

در زیر این ستون (نگ: پیکرهٔ ۱۵) نخستین و شمالی‌ترین تکهٔ حجاری شده است شامل دو نقش سواره و یک نقش پیاده. تعریفی که شاردن از قطعهٔ حجاری و دیگر آثار تاریخی کرده به اندازهٔ کافی خرسندکننده است بنابراین من تنها می‌خواهم نکته‌هایی را که با او اختلاف دارم بگویم. وی می‌نویسد که اندازهٔ اسبان متناسب با سواران است به نظر من اسبان بسیار کوچکتر از سوارانشان هستند و بهترین دلیل این مدعا این است که پای سواران به زمین می‌رسد. این که می‌نویسد افسارشان از زنجیر آهنین است به نظر من درست نیست، تمام زین‌افزار اسبان به شیوه‌ای درخور ستایش نگهداری شده و من کوشیدم

با وسواس و دقتی زیاد طرحی از آنها فراهم کنم. افسار اسب دست راستی درست مانند افسار اسبان شاپور است با قپه‌ها و سگکهای زیاد در بخش سر افسار. آرایه‌های اسبی که در دست چپ است از گونه‌ای دیگر است اما آن یکی هم تسمه‌ها و سگکهای بسیار دارد. هر دو تسمهٔ اصلی یا تکه آهن از پیشانی تا پائین جلو چهرهٔ خود دارند که لبها را پوشانده و در پشت نزدیک گونه بسته شده است. سینه‌بند اسب دست راستی از بشقابهای بزرگ گرد بهم پیوسته ساخته شده و سینه‌بند اسب دست چپ با سر شیران زیور یافته است. مردی که در پشت پیکره دست چپ است یک مگس‌پران (نه چتر، چنان که شاردن پنداشته) مانند همهٔ پیکره‌های تخت‌جمشید، در دست دارد. هر یک از سواران از روی پیکری می گذرند. پیکری که در زیر نقش دست راستی است از پیکر دست چپی خوب‌تر و درست‌تر مانده است. کتیبه‌ای به زبان یونانی در هفت سطر بر سینهٔ نخستین اسب کنده شده که سه سطر نخست آن ناخواناست. سپس درست در زیر این سطرها خط‌هایی است که به یکباره زدوده شده اما من کوشیدم درست از آنها نسخه‌برداری کنم اینها به ظاهر همانند همانهائی است که در شاپور دیده‌ام. بر روی سینهٔ اسب روبه‌رو نیز کتیبه‌ای کوچک اما به تمامی سترده شده بهمان هنجار و همان خط‌ها هست.

حجاری بعد از این نه پیکره است. پنج پیکره در سوی راست و سه پیکره در سوی چپ از مردی تمام‌بالا که در میانه ایستاده شمشیری را با دو دست در برابر خود نگهداشته و کرهٔ خاک بر روی سر اوست. پیکره‌های دست چپ در حال اشاره کردن به کسانی هستند که در سوی راست‌اند. افزون بر این پیکره شگفت تمام‌بالای دیگر در پشت تخته سنگ نزدیک حجاری هست که باز بخشی از همین تکهٔ حجاری است.

در بخش میانی‌تر تخته سنگ و به تقریب زیر پایهٔ آرامگاه تکهٔ حجاری‌یی بسیار با روح هست که نبرد دو سوارکار را در هنگامهٔ درگیری سخت نشان می‌دهد پیکره دست چپ (هرگاه بیننده روبه‌روی آنها باشد) تاجی بزرگ دارد که سه گلوله روی سه لبهٔ هرمی شکل آن است. گلولهٔ کروی شکل دیگر از همان گونه روی شانهٔ راست او و گلولهٔ دیگر روی فرق سر اسب اوست. نیزه‌اش در تمام طول پیکر اسبش قرار گرفته و چنین می‌نماید که آن را در گلوی دشمن خود فرو کرده است. یک ترکش به کمر دارد و گونه‌ای زره میان او، و پشت اسبش را می‌پوشاند. پیکره پشت سر او که به ظاهر پرچمدار اوست چیزی مانند پرچم در دست دارد که همانا چوبی است با سر متقاطع و پنج گلوله آن را زیور داده است بازپسین پیکره به خوبی ساخته شده و اسبی دیگر را نشان می‌دهد که در اثر حملهٔ سوار نخستین به کون نشسته و نیزهٔ سوار آن شکسته شده است. کلاه‌خُود سوار دوم مانند کلاه‌خودهائی که در ویرانه‌ها دیده‌ام نیست و چونان کلاه‌خُودهای یونانیان است.

و هرچند همهٔ اینها سخت زدوده و سائیده شده ولی با تناسبی دقیق‌تر ساخته شده و از حجاری‌های دیگر تأثیر بیشتری دارد.

بعد با شادمانی و شگفتی یک نسخهٔ دقیق اما بسیار بزرگتر از پیکره‌ای که در شاپور بود، یافتم. مردی در جامهٔ رومیان نزدیک سر اسب زانو زده و دستهایش را مرد سوار گرفته است. در زیر شکم اسب کتیبه‌ای بلند به زبان یونانی هست که تنها چند خط آن را توانستم دریابم. افزون بر اینها خط‌هایی در اینجا هست همانند خط‌های شاپور که بخش الحاقی نمونه‌ای از آنهاست.

و بعد یک حجاری از سه پیکره هست. پیکره میانین یک تاج و کره بر سر دارد. دست راستش را به سوی زنی در سوی چپ خود دراز کرده و هر دو یک انگشتری را گرفته‌اند. سومین پیکره که در پشت سر مرد میانی است ساییده شده و به ظاهر پیشخدمت است.

به تقریب در کنار این، یک حجاری بسیار از میان رفته، نبرد دو پهلوان را بر پشت اسب نشان می‌دهد (پیکرهٔ ۲۷). پهلوان نخست که زره بر تن و کره‌ای بر سر دارد نومیدانه با نیزه (اسبش پیکر خود را تا آنجا که می‌توانسته کش داده است) به پیکره دیگر حمله می‌کند، این پیکره نیزه در دست گوئی خود را برای نبرد با دشمن آماده می‌کند و اسبش در حال پس رفتن است. پهلوانی که کره بر سر دارد پیکر مردی را در زیر پای اسب خود گرفته است. در اینجا چهار دخمه هست. کاپیتان سوترلند با دشواری نه‌چندان زیاد، به درون دخمه‌ای که در کرانهٔ شمال است رفت. یک ایرانی بر فراز دخمه رفته شالی را طناب‌وار به زیر آویخت تا کاپیتان سوترلند به یاری آن خود را بالا کشید. در جلو دخمه در کوه سکویی تراشیده شده بود، کاپیتان از میان دریچه‌ای به درون آن رفت و آنجا را به گونه اتاقی یافت با سی و هفت پا درازا و نه و نیم پا بلندی، روبروی او سه فرورفتگی هلالی بود که شاید مردگان را در آنجا به خاک می‌سپرده‌اند. به دنبال پیچ تندی که کوه حجاری‌ها به سوی خاور دارد به دو آتشگاه چهارگوش که بر پایه‌ای بر فراز یک پیش‌آمدگی است رسیدیم. بلندی اینها شش پا و یک سوی مربع سه فوت است. بر نوک هر یک از آنها سوراخ چهارگوش یا مربعی هست. جلوتر در فرورفتگی کوه بیست سوراخ یا پنجرهٔ همسان با اندازه‌های گونه‌گون هست و بر فراز هر پنجره کتیبه‌ای است. خط‌های اینجا به نظر ما با همه خط‌هایی که در آثار گونه‌گون دیده‌ایم متفاوت است. در برابر میان تخته‌سنگ‌های حجاری شده آتشگاهی کهن هست. این بنای چهارگوش که یک ضلع آن بیست و چهار پا است از مرمر سفید و مصالح خوب ساخته شده و در جلو آن دری است که همانا تنها از بالا باز شده و به نظر می‌رسد این اندازه هم با زور باز شده است زیرا که همه سنگهای زیر آن خرد و ویران شده است. در درون آن نشانه‌هایی از آتش دیده می‌شود، در هر سوی آن جز سویی که در هست چهار روزنه هست. به نظر می‌رسد که سازنده می‌خواسته از این روزنه‌ها نور کمتر به درون بتابد زیرا (دست‌کم امروز) هر روزنه با سنگ بسته شده است. تاقچه‌ای کوچک بر بالای در هست. کتیبه‌ای که با کنگره‌های چهارگوش زیور یافته گرداگرد بخش زیرین آن را فرا گرفته و در ردیف‌هایی که سنگ کارگذاشته شده در فاصله‌های معین سوراخهای مستطیل عمودی ساخته شده است. مردم آن را کبوترخانه می‌نامند. این دشت پر از گیاه شیرین‌بیان بود و ما در کنار جویی آب (کمابیش در یک میلی حجاری‌ها و دخمه‌ها) و یک میلی سوی چپ اردوگاه، مقداری از این گیاه خوشمزه را چیدیم. در رودخانهٔ سیوند که از شمال به این دشت می‌آید دسته‌هائی از مرغان نوک دراز و اردک را رماندیم.

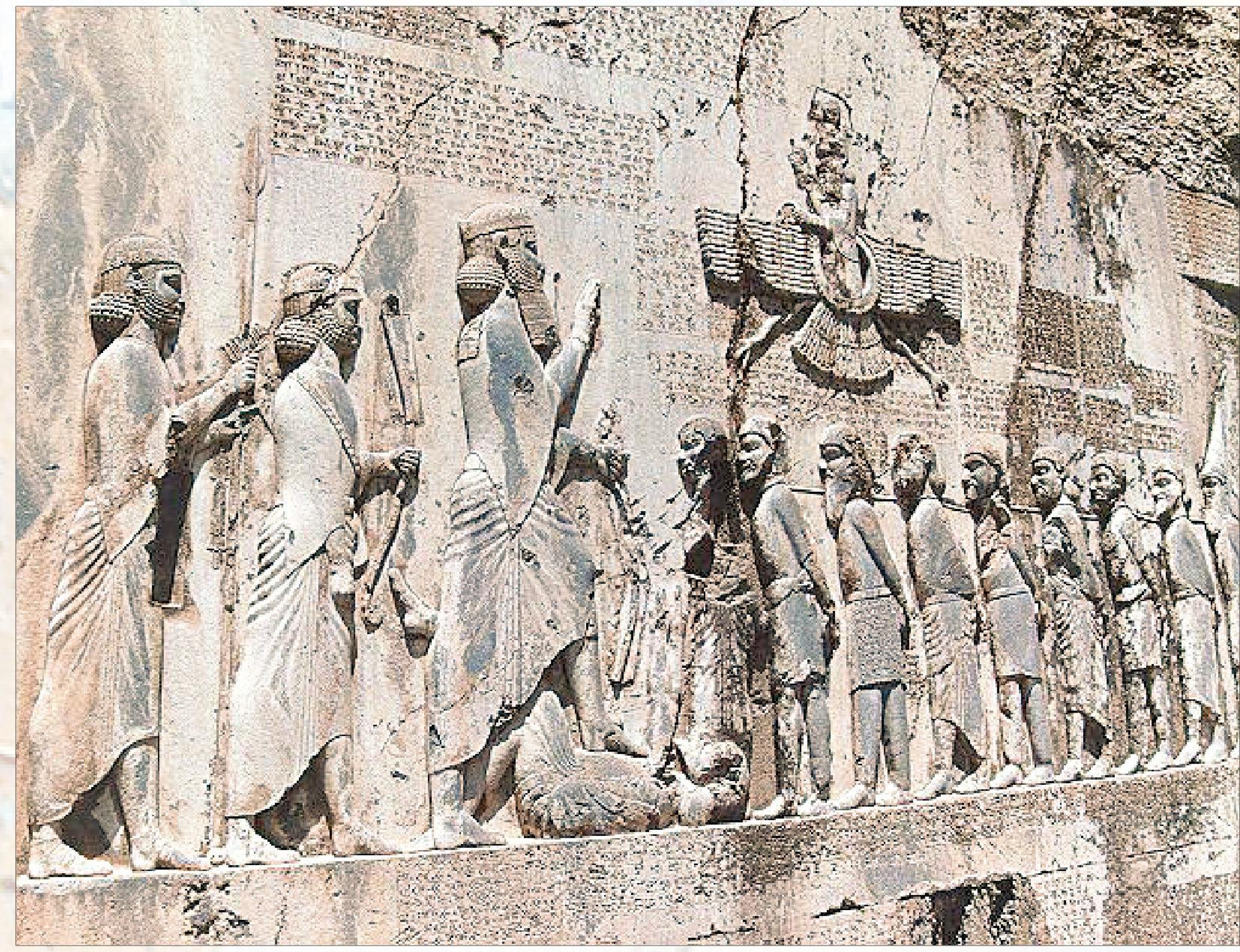
چون هنوز دو ساعت به روز مانده بود به سوی تخت‌جمشید رفته شتاب‌آلود ویرانه‌هایش را نگریستیم. نخستین تاثیر و همانا تاثیر پایداری که از این دیدار در ما پدید گشت شگفتی از شکوه و ستایش زیبایی‌های این بنا بود. هرچند در معماری ساختمانها یا حجاری‌ها و پیکره‌های برجستهٔ سنگها چیزی که با تناسب‌های ظریف و تندیس‌های کامل یونانی در خور سنجشی انتقادی باشد نبود. ما بی‌آنکه تخت‌جمشید را با معیاری که هرگز در خور آن نیست بررسی کنیم به یکباره تسلیم احساساتی شدیم که در بیشترین حد سرزندگی و جذبه بود.

کمابیش در فاصلهٔ پنج میلی تپه‌ای بزرگ هست و برفراز آن آثار دژی است چنان که از تخت‌جمشید هم دیده می‌شود، این تپه یا کوه را امروز استخر می‌نامند و از تخت‌جمشید به روشنی آشکار است. مردم محل پرسپولیس را تخت‌جمشید یا «چهل منار» می‌نامند. لوبرن از کوه استخر طرحی کشیده است این کوه هر رهگذری را که در مرودشت گام نهد به خود جلب می‌کند زیرا چنان زیبا است که گوئی آدمیزادی آن را نقاشی کرده است.

پانزدهم ژانویه پس از نماز خواندن برای همراهان با شتاب به سوی ویرانه‌های تخت‌جمشید شتافتم. تا نکته‌های از قلم افتادهٔ جهانگردان پیشین را پیدا کرده به خامه آورم. از این رو سفرنامه‌های شاردن و لوبرن را به دست گرفتم تا بتوانم هرچه از نظر و توجه آنها پنهان مانده است تکمیل کنم. لکن دریافتم که این دو در بسیاری از نکته‌های مهم با یکدیگر (و البته یکی از آنها با حقیقت) اختلاف دارند. این است که پنداشتم توصیفی کامل از وضع کنونی ویرانه‌های تخت‌جمشید بهتر می‌تواند منظور مرا برآورده سازد تا گزارشی نیمه کاره و نامربوط که زادهٔ سهوهای دیگران است.

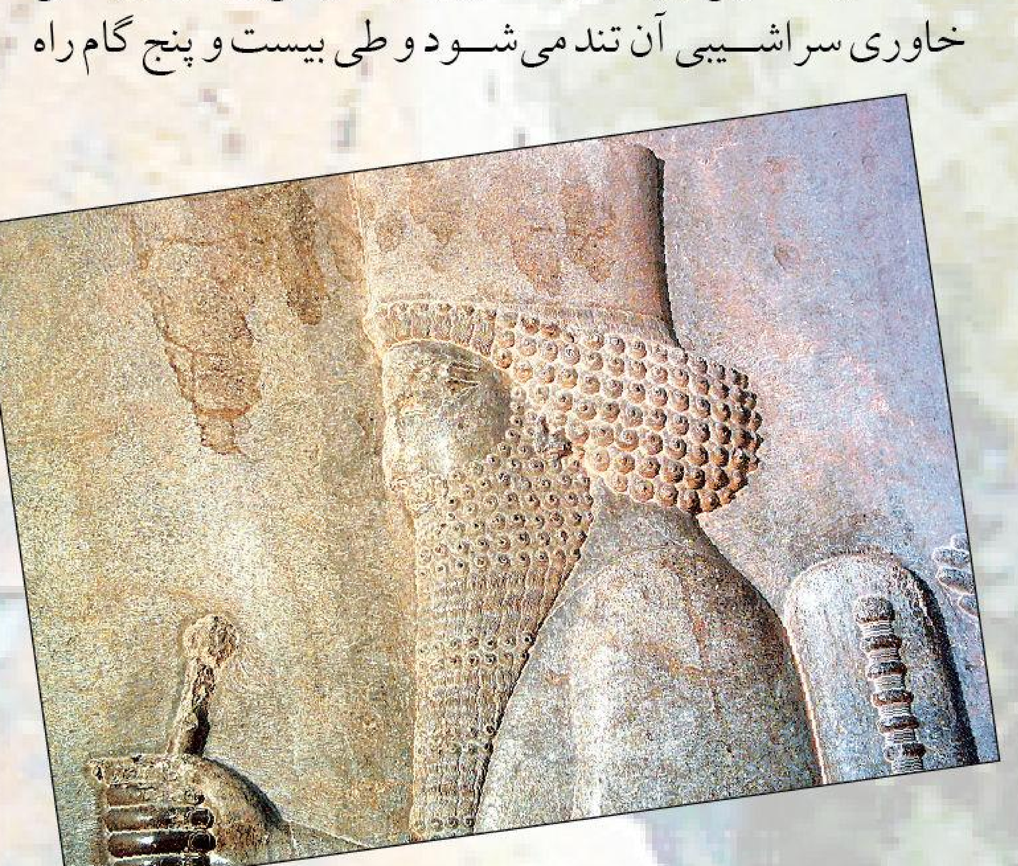
در آغاز آمدن به تخت‌جمشید برجسته‌ترین چشم‌انداز نمای پلکانها و دیوارهای پیرامون آنهاست. دو رشته پلکان بزرگ رو به رو به صحن اصلی راه دارد. در سوی راست دیواری سترگ از ظریف‌ترین مصالح ساختمانی و کلان‌ترین سنگها ساخته شده است. در سوی چپ دیوارهای دیگری هست که آنها هم به خوبی ساخته شده اما هیبت دیوار سوی راست را ندارد. چون به بالای پلکان می‌رسی نخستین چیزهایی که درست در برابر صحن پدیدار می‌شود چار دروازهٔ فراخ و دو ستون است.





اول دو دروازه و بعد دو ستون سپس دوباره دو دروازهٔ دیگر. در جلو هریک از آنها پیکره‌های برجستهٔ جانورانی است که تا نام بهتری برای آنها پیدا شود ما آنها را ابوالهول نامیدیم. دو ابوالهول بر دو دروازهٔ نخستین روی به سوی بیرون یا دشت و جلو عمارت دارند و دو ابوالهلول دیگر که بر دو دروازهٔ آخری هستند روی به سوی درون یا کوهستانها. از نخستین دروازه (به سوی دست راست به خط راست) به فاصلهٔ پنجاه و چهار گام پلکانی است با سی پله که پهلوهای آن با پیکره‌های برجسته زیور یافته که در سه رده‌اند اما اینک خاک از زیر و ویرانی‌ها از بالا روی آنها را پوشانده است. این پلکان به بخش اصلی همه ویرانه‌های تخت‌جمشید راه دارد که می‌توان آن را دشتی کوچک نامید، انباشته از ستونها و شانزده ستون آن اینک بر سر پاست. پس از گذشتن از این دشت کوچک به تپه‌ای می‌رسی که برفراز آن به گونه‌ای شگفت‌انگیز بازمانده‌های قابلهای پنجره‌ها و درها از بلوکهای مرمر در اندازه‌های بسیار خوب ریخته است. این قابلها در زمینی چهارگوش ریخته شده و نشانگر آن است که در اینجا عمارتی شاهانه سخت باشکوه آنچنان که در وهم نمی‌گنجد بوده است. در هر سوی قابها پیکره‌های حجاری شده‌ای هست و مرمرها هنوز چنان برق می‌زنند و جلا دارند که گوئی از همان آغاز با ظریف‌ترین آئینه‌ها رقابت می‌کرده‌اند. در هر گوشهٔ این اتاق پایه‌های ستون‌هایی است که از قابهای پیرامون آنها بسیار بلندتر است. یکی از آنها تنها از یک بلوک مرمر ساخته شده است. گویی که نمای اصلی این ساختمان به سوی جنوب باختری بوده است. زیرا مقداری مصالح ساختمانی در آن سو دیدیم. و بر پایه آن سو زیورها و حجاری‌ها فراوان دیده می‌شد. این سو به سوی یک صحن چهارگوش باز می‌شود که به نظر می‌رسد بر روی آن ساختمانی نبوده است. اما در روبروی اتاقی که هم اکنون از آن یاد شد گویا بنایی همانند بوده هرچند جز پایه‌های چند ستون کوچک و چهارگوش بودن کف آن چیزی که بر بودن چنان بنائی گواهی دهد نیست. فاصله میان این دو اتاق (در آن زاویه‌هایی که با زمین جلو عمارت دورترین فاصله را دارند) پر است از پایهٔ یک حجاری که همانند پایه‌های آن دو اتاق است تنها میان آن را یک رشته پلکان گرفته است. چسبان در پشت این ویرانه‌ها آثار یک اتاق چهارگوش دیگر هست که گرداگردش را قابهای در و پنجره پوشانده است. در کف آن پایه‌های ستونها چنان ریخته شده‌اند که به نظر من همان هنجار زمان برپائی ستونها را دارند. این پایه‌ها در شش رده است که در هر رده شش ستون بوده. یک رشته پلکان در تخته سنگی بزرگ تراشیده‌اند (و از اندازه‌های کوچک آن روشن می‌شود که پلکان نهانی کاخ بوده است) که به دشت کوچکتر و محصورتر زیرین راه دارد. در سوی دشت نیز سه اتاق کوچکتر یا به تقریب یک اتاق و پایه‌های دو صندوقخانه هست. همه چیز در این بخش ساختمان نشان می‌دهد که اینجا اتاقهایی برای برآسودن یا گوشه گرفتن بوده است.

در پشت همهٔ این آثار برجای مانده بستر کاریزهایی که در دل سنگ خارا کنده‌اند دیده می‌شود. این بسترها را در هر بخش ساختمان دیدیم و شاید به همان اندازه که خوب ساخته شده‌اند پهناور هم هستند. کاریز بزرگ را باید در میان توده‌های درهم برهم سنگهائی که در فاصله‌ای نه چندان دور در پشت ساختمانهای این بخش کاخ (که من به باز گفت آنها پرداختم) و نزدیک پلکان ویرانه است پیدا کرد. ما به آبراهه این کاریز شدیم. در برخی جایها تا ده پا آن را در دل سنگ کنده بودند، این آبراهه از خاور به باختر می‌رود و در بخش خاوری سراشیبی آن تند می‌شود و طی بیست و پنج گام راه



تنگ می‌شود، چنان که ما تنها سینه‌خیز توانستیم از آن بگذریم ولی دوباره فراخ می‌شود، چنان که مرد میانه بالا می‌تواند در آن راست بایستد. این آبراهه به تخته سنگی شیب‌دار پایان می‌گیرد. چون از اینجا به سوی کوهها (که در پشت تالار بزرگ ستونهاست) بروی بازمانده‌های یک اتاق باشکوه هست. هنوز در اینجا دیوارها، قابها و رواقهائی هست که بر تنهٔ آنها آرایه‌های گوناگون برجسته به فراوانی دیده می‌شود. این تالار سراسر چهارگوش است. در سوی راست و بیشتر به سوی جنوب بخشهای بسیار از دیوارها و اجزائی است که به ظاهر اتاقی دیگر بوده است. در سوی چپ این و بنابر این در بخش شمالی ساختمان آثار دو دروازه که بر روی آنها نشانه‌هایی از تندیس های ابوالهول باقی است دیده می‌شود. هنوز در سوی شمال در مجموعه‌ای جداگانه، ویرانه‌های یک ستون هست که از بخش‌های پیرامون آن آشکار می‌شود که پایهٔ ابوالهول بوده است. در فرورفتگی کوه به سوی شمال رواقی هست. در سطح کوه دخمه‌ای است که با کانون تالار ستونها، در یک خط است. در جنوب آن دخمه‌ای دیگر بهمان هنجار هست. میان این دو دخمه (و درست در جایی که فرا رفتن از دشت از آنجا آغاز می‌شود) یک آب انبار هست.

اینها آثار اصلی در میان ویرانه‌های تخت جمشید است، در اینجا می‌کوشم که برخی از آنها را با درازی بیشتر وصف کنم. پلکان بزرگ با دو شاخه به سوی‌های شمال و جنوب بالا می‌رود. این دو شاخه پلکان از دشت با فاصله چهل و شش پا از یکدیگر آغاز می‌شود. هر یک از آنها باز به دو رشته پلکان بخش می‌شود. پلکان نخست که به یک صحن باشکوه می‌انجامد با پنجاه و چهار پله بر روی پایه‌ای که اندازه اش از نخستین پله تا بالاترین پله در جایگاه پاگرد شصت و شش پا و شش اینچ است. دومین پلکان تا بالاترین جا چهل و هشت پله بر روی پایه‌ای به اندازه چهل و شش پا و هشت اینچ است. پهنای هر پله بیست و شش پا و شش اینچ و بلندی آن سه اینچ و نیم است. بنابراین بالا رفتن از آن چندان آسان نیست که مردم محل همچنان سوار بر اسب آن پله‌ها را بالا می‌روند. جایی که پیوستنگاه آن دو بخش پلکان بزرگ است، سی و چهار پا از زمین بلندی و هفتاد پا درازا دارد، از جلو این جا تا دروازه‌های پسین نیز هفتاد پا فاصله است. دروازه‌ها از بلوک‌های بزرگ مرمر مستطیلی شکل ساخته شده که درازای آنها بیست و چهار پا و شش اینچ است، پنج پا پهنا دارند و فاصله آنها از یکدیگر سیزده پا است. بر روی دو دروازه نخستین تندیس ابوالهول‌ها دیده می‌شود. دیگر اندام‌های پیکر آنها به گونه نقش برجسته بر رویه درونی دروازه‌ها نهاده شده است. با گذشتن از میان اینها، چیزهای بعدی در جلو دروازه‌های دورتر، دوستون است، ولی (چون در آنجا فضای کافی برای دو ستون دیگر نیز هست و چون تناسب آن بی چنان ترتیبی عیبناک خواهد بود) فکر می‌کنم ساختمان اصلی چهار ستون داشته است. دروازه‌های دومین در اندازه با دروازه‌های نخستین همسانی دارند. اما با آنها نه همین از این جهت که روی این دروازه‌ها به سوی کوه است متفاوتند بلکه حجاری‌های آرایشی اینها هم متفاوت است. جانورانی که بر دو دروازه نخستین هستند بر روی پایه‌ای بلندند. از وضع ویران آنها آشکار می‌شود که سرهایشان چونان سر اسب بوده و پاهایشان سم دارد. بر روی رانها و کفل هایشان رگها و ماهیچه‌های برجسته نمودار است، گردن، سینه، شانه و پشت‌هایشان با گل و مهره آرایش شده است.

از ابوالهول نگارین بر روی دروازه‌های دومین چنین بر می‌آید که سر آدمیزاد داشته اند. با زیور تاج و در زیر تاج انبوهی از موهای تابدار و آرایش‌های دیگر، از وجود یک روسری دانسته می‌شود که ایرانیان باستان به این شیوه آرایش دلبسته بوده‌اند. بالهای این ابوالهول‌ها را با تردستی و هنرمندی بسیار ساخته‌اند که از شانه‌های شان تا بالای دیوار گسترش می‌یابد.

گویی قصد سنگتراش از ساختن این پیکره‌ها آن بوده که این ها (که شاید نشانهٔ توانمندی بوده) ایوان را بر پشت خود نگهدارند. از این جمله نه همین بلوکی را که بلافاصله بالای هر یک از آنهاست بلکه تاق را نیز که اینک از میان رفته و در هنگامی که کاخ بر سرپا بوده دو سو را به هم می‌پیوسته و گذرگاه را تاق‌دار می‌ساخته است برپشت نگه می‌داشته‌اند. پنداشته می‌شود که در این دروازه‌ها مانند دروازه‌های نخستین چهره‌های جانوران نمای جلو دیوار و حجم پیکرهایشان (که تا اندازه‌ای برجسته در جوانب دیوارها بکار رفته‌اند) تنهٔ دیوارها را تشکیل می‌داده‌اند.

در زیر استخوان‌بندی نخستین ابوالهول، بسیاری از رهگذران و جهانگردان نام خود را نقاشی یا کنده‌اند. در میان این نامها ما نام لوبرن، ماندلسلو، و نیبوهر را دیدیم. نیبوهر نام خود را با گچ قرمز نوشته و چنان است که انگار همین دیروز نوشته شده است.

آب انباری چهارگوش که بسیار از بخش هایش شکسته شده و به نظر می‌رسد که تنها از بلوک ساده بوده و در میان دروازه‌ها و پلکانی است که به تالار بزرگ ستونها می‌رود، پهنای این پلکان پانزده پا و چهار اینچ است و دو رشته پلکان بهم پیوسته دارد که هرچند جلو آن اکنون بسیار ویران شده ولی بسیار کنده‌کاری شده بوده و با پیکره‌های برجسته بسیار آراسته بوده است. سنگهایی که رده ستونها را نگهداشته همه به یک شیوه تراشیده شده‌اند و به کمال زمانی که لوبرن از روی آنها طرح برداشته است باقی مانده‌اند. همانا با سنجش طرحهای او با اصل آنها دریافتم که او در طرح هایش در هر پیکره ویرانی هایی پدید کرده که در اصل پیکره نیست. زیرا من با بررسی و باریک‌بینی بسیاری از ریزه کاری‌های جالب جامه، وضع و سیمای نقش‌ها را یافتم که او در طرح هایش آنها را ندیده گرفته. این نقص بزرگ این بخش از مجموعه طرح‌های اوست؛ او برای این که ابعاد نسبی ساختمانها را با شکل انسان توضیح دهد، آدم‌ها را چندان کوچک ساخته که اگر در طرح هایش آدم‌ها معیار اندازه‌گیری قرار گیرند اندازهٔ واقعی چیزهای به دست داده شده سه برابر میزان واقعی خود بزرگ خواهند شد. همانا اگر مردی نزدیک دیوار حجاری

شـــده بایستد چانه‌اش با نوک دیوار مماس خواهد شد و حال آن‌کـــه بـــالای آدم‌هایی که لوبرن طرح کرده تا نیمه‌ی دیوار هم نمی‌رسد.

چون به بالای این پلکان می‌رســـی بی‌درنگ یک ســـتون سنگی تنها را می‌بینی اما با نگاه کنجکاوتر پایه‌ها (یا دست‌کم جاهایی را که زمانی پایه‌ها در آنجاها بوده) یازده ســـتون دیگر را در دو رده شـــمردم که با اولی در هر ردیف شـــش ستون بود. اینها از خوشه‌ای بزرگ که در میان تالار است سخت متمایزند. و بنابراین شاید دروازه‌ای بزرگ را برای آمدن به تالار تشکیل می‌داده اند.

با گذشـــتن از میان این دو ردیف ســـتون بلوکهای بزرگ سنگی را دیدم که در فاصله‌هایی قرینه یکدیگرند (برای اینکه با هنجار ستون‌های گذرگاه و مرکز هماهنگی و همسازی داشته باشند) شاید پایه‌های ابوالهول‌ها یا پیکره‌های غول آسای دیگر را تشکیل می‌دهند. با برتافتن رنجهایی برای تعیین نقشه واقعی و شماره اصلی ستونهای تالار بزرگ به نتیجه‌های زیر رسیدم: در نخســـتین جا دو دسته ســـتون دیدم که از لحاظ سرستون و بلندی متمایز بودند. و دو رده از بلندترین ستون‌ها جداگانه در کرانه خاوری و باختری تالار جای داشتند.

در میان این ستون‌ها و توده ستون‌هایی که بلندی کمتری دارند و سر ستون‌هایشان گونه‌ای دیگر است در هر سوی هر رده فضایی هست ولی در آن هیچ گونه نشانی از پایه‌ها نیست و از میان آنها پشته‌های کاریزها می‌گذرد.

ستون‌هایی که در میانه بجا مانده شش ستون در جلوست و با چهار رده بیرونی خطی از ده ســـتون را می‌ســـازند. هر رده در ژرفا شش پایه دارد که با دوازده پایه در مدخل بر روی هم هفتاد و دو پایه می‌شـــود. در هنگام طرح نقشـــه‌ای از این مقوله دریافتم که همه نوک‌های آن قرینه یکدیگرند و به هر شیوه که به آن می‌نگریستم مایه خرسندی خاطر من می‌گشت اما هنگام ســـنجش آن با طرح نیبوهر پنداشت‌های من با اندیشه‌های آن جهانگـــرد بزرگ درباره این اثر (و نیز درباره طراحی همه آثار بازمانده) چنان دقیق تطبیق می‌کرد که دیگر ارائه طرح خود را ناضرور دانستم.

برفراز یکی از بلندترین ســـتون‌ها بازمانده‌های ابوالهول هســـت که در همه آرایه‌های تخت جمشـــید بسیار عمومیت دارد، و من برفراز هر کدام چیزی سخت نامربوط با سرستون‌ها تشخیص دادم. ستون‌های بلند بی هیچ سرستونی، هر کدام یک تنه دراز هستند و در نوک آنها ابوالهول قرار دارد. سرستون‌های ستون‌های کوچکتر از ترتیب پیچیده و از تکه‌های بسیار ساخته شده‌اند. من سه گونه مشخص پایه ستون را دیدم. بدنه ستون‌ها به شیوه معماری دوریک یونانی راه راهند اما این خط‌های راه‌راه سخت به یکدیگر چسبیده‌اند. محیط دایره آنها شانزده پا و هفت اینچ است. قاعده برخی از آنها یک پایه ستون چهارگوش است. ضلع یکی از آنها را که اندازه گرفتم هفت پا بود. قطر دایره پایه پنج پا و چهار اینچ، قطر دایره ستون‌ها

چهار پا و دو اینچ. فاصله از مرکز یک قاعده تا مرکز دیگر بیست و هشت پا. در سوی خاور یکی از اینها و نزدیک به پای یکی از بلندترین ســـتونها بخش‌هائی از یک پیکره غول‌آســـا هســـت. سروبخشـــی از پاهای پیشین آن را من به آسانی دیدم. به پندار من این ســـر بیشـــتر به سر شیر همانند بود تا هر جانور دیگـــر و پاهـــا این فرضیه را تأیید می‌کرد زیرا طرز قرار گرفتن پنجه‌هایش نشان می‌داد که جانور به حالت درازکش بوده است. مجموعـــهٔ بزرگ ایوانها، دیوارها و بخش‌های دیگر تالار عالی در زمینی چهارگوش در پشـــت ســـتونها شاید به فاصلهٔ پنجاه گام اســـت. در بخش درونی ایوانها یا قابهای درها پیکره‌های سنگتراشـــی شدهٔ بسیاری را می‌توان دید که لوبرن با دقت آنها را طراحی کرده اســـت. اینها حالت و شـــکوه پادشاهی را نشان می‌دهند که بر کرســـی بلند نشســـته و پاهای خود را بر روی عسلی دراز کرده است.

در شمال این آثار قابی بجامانده که روزگاری ایوانی بوده و طـــرح ابوالهولـــی در میان توده‌های زمخت و شـــگفت‌انگیز ســـنگ دیده می‌شـــود. جلوتر، در همان خط و ســـوی سر یک اســـب که بخشی از آن را خاک پوشـــانده، هست. زیورهایش مانند زیورهای چیزی است که ما آن را ابوالهول می‌نامیم و بر دروازه‌های بزرگ نمایان اســـت. و بی‌گمان سر اسبی است که لوبرن آن را طراحی کرده و نوشته است که من نتوانستم بخشی را که این سر را داشته بیابم. اما نزدیک به آن بازمانده‌های یک ستون بزرگ با قطر دایرهٔ هشت پا هست. بخش‌های گونه‌گون تنهٔ ســـتون فرو ریخته که با این ســـر در یک خط راســـت است و به ظاهر بر روی هم تکه‌ای بهم پیوســـته را در اصل تشـــکیل می‌داده‌اند که در آن شاید بخشی که بر زمین است سر ستون را پوشـــانده بوده زیرا که ابوالهول هنوز بر سر برخی از ستونهای بجامانده دیده می‌شود.

در زمـــان ماندلســـلو (کـــه در ۲۷ ژانویـــه ۱۶۳۸ از تخت جمشـــید دیدن کرده است) نوزده ســـتون بر سر پا بوده، او در نامه‌ای به الیریوس در (دوازدهم ژوئیه ۱۶۳۹ از ماداگاســـکار نوشته و دریافت کنندهٔ نامه آن را پخش کرده است) می‌نویسد که سی ستون باقی است اما چون جای آنها را مشخص نمی‌کند شـــاید ســـتونهای فرو افتاده را نیز حساب کرده و به هر حال او



در کشـــوری دور دســـت یک ســـال و نیم پس از دیدارش از تخت جمشـــید نامه‌ای خصوصی با یاری گرفتن از حافظه‌اش نوشـــته، بنابراین ســـندی که در کتابش آمده مدرک دقیق‌تر از این حقیقت است و چون بسیاری از نکته‌های شگفت‌تر را که در نامه یاد کرده از کتابش زدوده اســـت در ارزش نامه می‌توان شک کرد. وی هنگام سخن از کتیبه‌های معروف تخت جمشید می‌نویسد که: «با این ترتیب حروف به تمامی قدیمی ولی بسیار برجسته‌ای را می‌توان بازیافت که بخش طلائی آن حفظ شده است ولی از آنجا به بعد پر شده‌اند.»

ولـــی ســـرتوماس هربرت، نیز می‌نویســـد کـــه حروف تخت جمشید از طلاست. روز هفدهم پس از ترک تخت جمشید برای دیدن ساختمانی ویرانه در دل دشت از همراهان خود جدا شـــدم. این ســـاختمان از دور به یکباره «کاروانسرا»ئی ویرانه می‌نمود. از روی «رودخانهٔ» سیوند گذشته به سوی شمال، در آنجا که راه به شمال خاوری می‌پیچد، رفته و به توده سنگی زیبا رسیدم که سی و هفت پا و چهار اینچ مربع بود و چنین می‌نمود که پایهٔ ســـاختمانی بوده اســـت. این توده از دو لایه بلوک مرمر است، لایهٔ زیرین نزدیک دو پا از خط بالایی پیشتر رفته است. بنا به اندازه گیری من بزرگترین بلوکها ده پا و چهار اینچ درازا، چهار پا و چهار اینچ ژرفا و سه پا و چهار اینچ پهنا دارد. همهٔ آنها هنوز قالب خود را حفظ کرده‌اند و جابه‌جا مصالحی که آنها را با بخش‌های دیگر پیوند می‌داده، دیده می‌شود. در میان سراسر این ساختمان یک مرمر سیاه هست و در زاویهٔ شمال خاوری،

ســـنگی بلندتر از سنگهای دیگر سر برافراشته است. در همان زاویه مجرایی کنده شده، چنانکه گویی، چیزی را در درون آن جای داده‌اند. من جهت‌های آن را به شرح زیر تعیین کردم: پای کوه نقش رستم شمال ده درجه باختری دو میل، پای کوه تخت جمشید جنوب دو میل، اردوگاه ما به جنوب ۲۰ درجهٔ باختری دو میل، راه اصفهان شمال ۸۰ درجه خاوری.

در اینجا به شاطری برخوردم که ایلچی فرستاده بودش، تـــا مرا برای دیدن حجاری‌هائی که او خود دیده بود (نزدیک در چهار میلی آنجا در همان کوه تخت‌جمشـــید) در کنار راه اصفهان ببرد. به راستی آن حجاری‌ها را شایستهٔ باریک‌ترین بررسی‌ها دیدم زیرا هیچ یک از جهانگردان پیشین با کنجکاوی کافی آنها را توصیف نکرده‌اند. اینها در فرورفتگی کوه که از تخته سنگ‌های برجسته و تماشایی است قرار دارند. حجاری روبروی راه از هفت پیکره بزرگ و دو پیکره کوچک تشکیل شـــده اســـت، دو پیکره اصلی در میان حجاری اســـت، پیکره سوی چپ با پیکره‌ای که بارها در شاپور و نقش رستم دیده‌ام یکســـان است (البته نه در سیما و هنجار بلکه در کیفیت‌های کلی) او آن کرهٔ مشخص را بر سرش دارد و یک انگشتری به پیکره روبه‌رو ارمغان می‌دهد و پیکره روبه‌رو آن را با دســـت راســـت می‌گیرد. و در دست چپش یک عصا یا چماق است. در پشت سر کسی که کره بر سر دارد دو پیکره هست، یکی از آنها با چهره‌ای جوان و شاداب بادبزنی را که نشانهٔ آیینی بزرگ است به دست گرفته است و دیگری با چهره دژم و برجسته دستی بر قبضهٔ شمشیر دارد و با دست دیگرش اشاره می‌کند. پشـــت پیکره بزرگ در ســـوی راست باز دو پیکره هست که ســـیمای زنانه دارند. یکی از آن دو کلاه شگفت بر سر دارد و دیگری با موهای مجعد فرو ریخته بر روی شـــانه‌ها با دست راست اشاره‌ای گویا دارد چنان‌که پنداری می‌گوید: «خاموش باش!» میان آن دو پیکره اصلی دو موجود بســـیار کوچک در آمده‌اند که تا زانوان آن پیکره سترگ نمی‌رسند. جامهٔ این دو از یکدیگر متفاوت است و یکی از آنها یک چوبدستی بزرگ دارد. در بخش چپ در بخشـــی از صخره نیم تنهٔ کسی است که او نیز با دست اشاره به وضعی مهم دارد. بر پایهٔ محاسبهٔ من بزرگترین پیکره ده پا و کوتاهترین دو پا و هشت اینچ بلندی دارند. همهٔ این پیکره‌ها چنان از شـــکل افتاده‌اند که به سختی می‌تـــوان جزئیات ویژه و گوناگون آنها را باز گفت. در همین تورفتگی کوه و در سوی چپ این تخته سنگ حجاری شده بنایی دیگر که بســـیار بهتر مانده با این تخته سنگ زاویه‌ای را می‌ســـازد. اندام‌های آن البته کمی آســـیب دیده است و گویی که همین امروز به تازگی از زیر قلم درز درآمده است. همان چهرهٔ شاهانه که بیشتر کره بر سر و سوار بر اسب نمایش داده شده است، در اینجا چهره اصلی گروه است. مسلمانان چهره او را ســـخت ویران کرده‌اند اما زیورهای او و اسبش (بیش از هـــر پیکـــره همانند دیگری که دیده‌ام هم خود و هم اســـبش زیور دارند) مثل آن اســـت که نیک مخفوظ مانده باشـــند. و اینها درخور بازگفت و ویژه‌اند زیرا طراحی این ترکیب، شاید برای آن بوده تا پادشاه را سخت در شکوه و جلال خود نشان بدهد، همهٔ قسمتهای لباسش به طرزی مشخص طراحی شده اســـت من او را پادشاه خواندم زیرا هیچ چهره‌ای دیگر که در بزرگی و پایگاه، همتای او باشـــد در این تکه دیده نمی‌شـــود. رفتارش نمایشـــگر ســـان دیدن و فرمانروایی اســـت، چرا که چهرهٔ خود را نیک به بیننده می‌نماید و دست راستش را با این که اکنون ویران شـــده هنوز بر کمر دارد تا حالت ناوابســـتگی او را نشان دهد.



IRAN
Persepolis
Stone Relief on the Stairway of Apadana Palace
Achaemenian Period

شعر نوروزی

نظامی گنجوی



بهاری داری از وی بر خور امروز
که هر فصلی نخواهد بود نوروز
گلی کو، را نبوید، آدمی زاد
چو هنگام خزان آید برد، باد

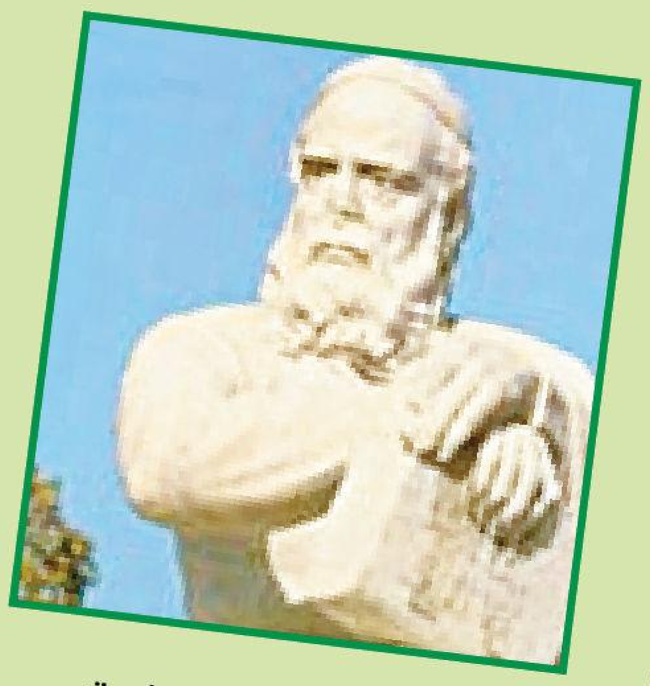
***

سعدی شیرازی

برآمد باد صبح و بوی نوروز
به کام دوستان و بخت پیروز
مبارک بادت این سال و همه سال
همایون بادت این روز و همه روز

***

خیام نیشابوری



بر چهره ی گل نسیم نوروز خوش است
بر طرف چمن روی دل افروز خوش است
از دی که گذشت هرچه بگویی خوش نیست
خوش باش و مگو ز دی که امروز خوش است

***

حافظ شیرازی

ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی
از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی
به صحرا رو که از دامن غبار غم بیفشانی
به گلزار آی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی

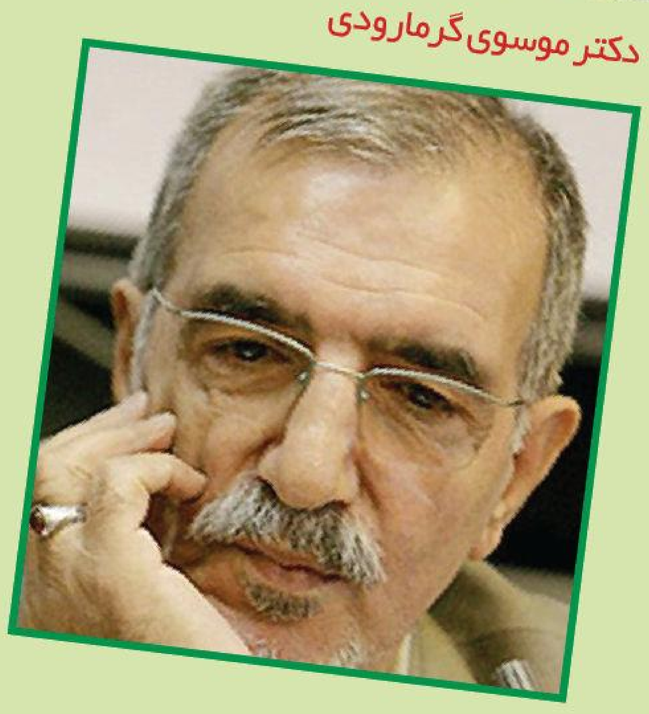
***

شعری زیبا درباره بهار از مولوی:

ای نوبهار خندان از لامکان رسیدی
چیزی بیار مانی از یار ما چه دیدی
خندان و تازه رویی سرسبز و مشک بویی
همرنگ یار مایی یا رنگ از او خریدی

***

دکتر موسوی گرمارودی



نوروز من تویی

نوروز من تویی و شب و روز من تویی
خورشید صبح و ماه شب‌افروز من تویی
ما می‌رویم و عشق چو خورشید ماندنی‌ست
آن مهرِ جاودانهٔ پیروزِ من تویی
چون اسم ذوالجلال جلیل است نام عشق
وان نام آتشینِ جگرسوز من تویی
همچون دل نشانه نگاهم به تیر توست
وان ناوکِ بلندکِ دلدوزِ من تویی
دیروز من تو بودی و امروز نیز هم
فردای من تویی و همه روز من تویی

۱۳۶۲/۱/۶

از شهریار شعر ایران، استاد شهریار

از همه سوی جهان جلوه او می‌بینم
جلوه اوست جهان کز همه سو می‌بینم



چون به نوروز کند پیرهن از سبزه و گل
آن نگارین همه رنگ و همه بو می‌بینم

***

استاد شهریار

ای وطن آمده بودم به سلام نوروز
مگرم کوکب اقبال تو تابد پیروز
آمدم در پی آن کوکب آفاق افروز
لیک از این غمکده رفتم همه درد و همه سوز
دگر ای مادر غمدیده بخون زیور کن
جشن نوروز بهل، شیون شهریور کن

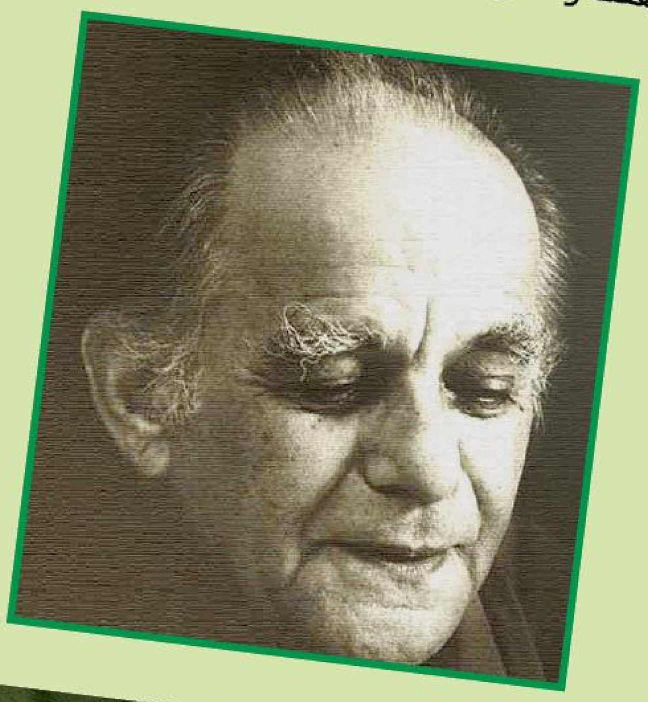
البته ایشان در قطعه دیگری نیز که با عنوان «مهمان شهریور» سروده، به بیرون رفتن قوای اشغالگر شوروی از خاک ایران در سال ۱۳۲۵ اشاره می‌کند و از خروج «مهمان ناخوانده» شادمان چنین می‌فرماید:

خوان به یغما برده آن ناخوانده مهمان می‌رود
آن نمک نشناس بشکسته نمکدان می‌رود
از حریم بوستان باد خزانی بسته بار
یا سپاه اجنبی از خاک ایران می‌رود
قحط و ناامنی و بیماری و فقر آورده است
گو بماند زخم، باز از سینه پیکان می‌رود

***

شعر از فریدون مشیری

بوی باران بوی سبزه بوی خاک
شاخه‌های شسته باران خورده پاک
آسمان آبی و ابر سپید
برگهای سبز بید
عطر نرگس رقص باد
نغمه شوق پرستوهای شاد
خلوت گرم کبوترهای مست
نرم نرمک می‌رسد اینک بهار
خوش به حال روزگار
خوش به حال چشمه‌ها و دشت‌ها
خوش به حال دانه‌ها و سبزه‌ها
خوش به حال غنچه‌های نیمه باز
خوش به حال دختر میخک که می‌خندد به ناز
خوش به حال جام لبریز از شراب
خوش به حال آفتاب
ای دل من گرچه در این روزگار
جامه رنگین نمی پوشی به کام
باده رنگین نمی نوشی ز جام
نقل و سبزه در میان سفره نیست
جامت از آن می‌که می‌باید تهی است
ای دریغ از تو اگر چون گل نرقصی با نسیم
ای دریغ از من اگر مستم نسازد آفتاب
ای دریغ از ما اگر کامی نگیریم از بهار
گر نکوبی شیشه غم را به سنگ
هفت رنگش می‌شود هفتاد رنگ



نوروز، وحدت ملی و همبستگی منطقه ای

بر گرد نام نوروز

نوروزانه

■ محمد میر شکرایی

نوروز، وحدت ملی و همبستگی منطقه ای نوروز، کهن ترین و گسترده ترین آیین مشترک همه سرزمین های حوزه فرهنگ ایرانی است. و به لحاظ از بزرگ ترین و بارزترین جلوه های میراث مشترک فرهنگی مردکان این سرزمین به شمار می آید و آنچه که این خصلت نوروز را سبب شده دو چیز است:

۱) استمرار بدون انقطاع آن، طی چند هزار سال، در گستره سرزمین های یاد شده: که تعلق همگانی مردمان این منطقه را به نوروز سبب گردیده و آن را در این پهنه وسیع، به نقطه اشتراک گروه های قومی و اعتقادی گوناگون تبدیل کرده است.

امروزه این نقطه اشتراک در محدوده کشور ایران، یک عامل مهم تحکیم وحدت ملی، و در گستره سرزمین های حوزه فرهنگ ایرانی، عامل همبستگی منطقه‌ای است.

۲) خصلت و کارکرد وحدت آفرینی در یک یک رسم های نوروز در مجموعه و کلیت مراسم آن.

مقاله حاضر، با این نگاه و به اختصار به ریشه ها و سرچشمه های پیدایش، و چگونگی استمرار تاریخی آن و به ماهیت وحدت آفرینی اجزای مراسم نوروز می پردازد.

* ریشه‌ها و سرچشمه‌های پیدایش نوروز

ببینیم نوروز کی وکجا پدید آمد، تا کجا رفت و چگونه استمرار یافت. به سبب شرایط طبیعی و اقلیمی، در سرزمین ایران و سرزمین های همسایه که در آنها فصل های سال جلوه‌ها و مشخصه‌های آشکار و متمایزی دارند، تغییر فصل و به ویژه بیداری طبیعت و آغاز بهار، همه جا با آداب و رسم هایی همراه است.

همچنین است در سایر مناطق جهان که دارای اقلیم و شرایط آب و هوایی از این گونه اند، و این از جهانی های فرهنگ است. ویژگی نوروز در انطباق این خصلت جهانی، با سنت ها، اجتماعی و با شیوه های مسلط معیشت در این منطقه است، که در نهایت استمرار تاریخی آن را نیز موجب شده است.

* راز تداوم نوروز در این انطباق هم سویی و هماهنگی نهفته است

در جستجوی پیشینه نوروز، به یاری اسناد و مدارک بازمانده از روزگاران پیشین در امتدادمان باز می گردیم، تا ببینیم نوروز کی و کجا پدید آمد.

تا حدود شش هزار سال زمان را باز پیمایی می کنیم. در این زمان در همه پهنه گستره فلات ایران، و دامنه‌های دو سوی کوه‌های البرز در شمال و زاگرس در جنوب، در همه اطراف منطقه‌ای که امروز کویر است و در آن روزگار از آب و سبزی و آبادانی به فراوانی بهره داشته است. فرهنگ هایی را می بینیم که دیر زمانی است پاگرفته‌اند و ریشه در تاریخ نانوشته خود، در اسطوره‌ها و آیین ها و رسم‌های محلی دارند.

در جنوب باختری، در کناره‌های اروند، با سومری‌ها رویاروی می شویم. مردمانی که گویا مدتها پیش از کوه‌های زاگرس سرازیر شده اند. و در دشت‌های کناره‌های کارون تا اروند و در همه جنوب سرزمین میانرودان استقرار یافته اند. در اینجا با رسم‌ها و آیین هایی خاص آغاز می شود. به کهن ترین ریشه‌های آیین های نوروزی رسیده‌ایم.

* از زبان شادروان دکتر بهار نقل می کنم:

«در سرزمین سومر، جشن های آغاز سال با ازدواج مقدس در رابط است. گستره نفوذ سومر تا داخل فلات ایران هم هست. ممکن است نوروز و جشن‌های اول سال را سومری‌ها از داخل فلات ایران با خود برده باشند.»

* و در جای دیگر:

«در پدیده شناسی اسطوره آمده است که آیین های آغاز سال نو، بن مشترک جهانی دارند، ولی اسطوره نوروزی ما بین‌النهرین، اسطوره‌های محلی و بومی منطقه ما است.»

از اسطوره‌های سومری که پس از خوانده شدن لوح‌های یافته شده در محوطه‌های باستانی سومر رازشان گشوده شده است نیز چنین بر می آید که کوهستان‌های غربی و شمال غربی سومر، یعنی کوه‌های زاگرس در حوزه لرستان، برای آنان جایگاهی مقدس بوده است. همچنین است در مورد ایلامیان.

تحلیل نقش و نگارهای روی اشیاء و آثار یافته شده و اطلاعات به دست آمده در محوطه‌های باستانی داخل فلات ایران نیز از حوزه گسترده فرهنگ دوره ایلامی تا مناطق مرکزی و تا حدود سرزمین های شرقی ایرانی و روابط گسترده این مناطق با ایلام حکایت دارد.

* ساموئل هنری هوک در کتاب اساطیر خاورمیانه آورده است:

«به نظر می رسد سومری‌ها از مناطق کوهستانی شمال بین‌النهرین به منطقه دلتا کوچ کرده باشند. اساطیر سومری نشان می دهد که شرایط اقلیمی محل سکونت اولیه ایشان با شرایط موطن جدیدشان تفاوت داشته است.»

* و نیز می آورد:

«تموز و ایشتر (صورت‌های بابلی دوموزی



و اینانای سومری) بارها زیر پیکره صنوبر نر و ماده تصویر می‌شوند. می‌دانیم در دلتای دجله- فرات، درخت صنوبر وجود ندارد، و این درخت بومی ناحیه‌های کوهستانی است. این نواحی خاستگاه اصلی سومری‌ها بوده است. به علاوه به این واقعیت باید توجه داشت که زیگورات‌های عظیم مشخصه معماری معبدهای سومری است و عقیده بر این است که رو به همان جهت خاستگاه اصلی ساخته شده‌اند»

* ساموئل کریمر نیز در کتاب «الواح سومری» می نویسد:

«به نظر سومریان، خدایان بر فراز کوهستان زمین و آسمان، آنجا که خورشید می‌دمد، اقامت داشتند.»

منابع یاد شده و مآخذ دیگر نیز مطالبی از این گونه را بر اساس اسناد و مدارک مطرح کرده‌اند که به رعایت اختصار از آنها در می گذریم.

علاوه بر نتایج مطالعات تطبیقی اسطوره‌ها، مطالعات مردم‌شناسی معاصر درباره آیین‌ها و مراسم نیز نشان می‌دهد که صورت نمایشی اسطوره کهن مرگ و باز زنده شدن خدای گیاهی در مناطق گوناگون ایران استمرار یافته است. از جمله رسم‌های میر نوروزی، کوسه گردی، پیر بابو (گیلان) و مانند اینها. در صورتی که از این گونه رسم‌ها، در سرزمین‌های آن سوی میان رودان نشانه‌ای در دست نیست.

از حدود چهار هزار سال پیش، مهاجرت آریاییان، از سمت شمال فلات ایران، از سرزمین‌های سردسیری که «نه ماه زمستان و سه ماه تابستان بود» آغاز می شود: و با ساکنان داخل فلات ایران به بده و بستان فرهنگی می پردازند. کهن ترین سندی که از این مهاجرت تاریخی در دست داریم، کتاب اوستا است. اهورامزدا خطاب به جم (جمشید) می گوید:

«ای جم هورچهر، پسر یونگهان!

این زمین پر شد و بر هم آمد از رمه‌ها و ستوران و مردمان و سگان و پرندگان و آتشان سرخ، و رمه‌ها و ستوران و مردمان بر این زمین جای نیابند.»

آنگاه جم به روشنی به سوی نیمروز به راه خورشید فراز رفت و چنین گفت: ای سپنارمذ(=زمین) به مهربانی فراز رو، و بیش فراخ شو، که رمه‌ها و ستوران و مردمان مرا بر تابی.

پس جم این زمین را یک سوم از آنچه پیشتر بود فراخی بخشید...

این نقل اسطوره‌ای که برای حکم یک سند تاریخی را دارد، حکایت مهاجرت اقوام آریایی به داخل فلات ایران است. و از متن چنین بر می آید که جنگ و درگیری هم در کار نیست، کار کاری خدایی است که به خواست اهورامزدا و با نیایش خورشید، به فرمان جم انجام می گیرد.

جم بعدها در تاریخ افسانه‌ای و حماسه ایران، به جمشید پادشاه پیشدادی و بنیانگذار نوروز تبدیل می شود. اما در اوستا هیچ نام و نشانی از نورز نیست. بنابر این آریاییان مهاجر، در سرزمین



جدید، که از زبان آنها «ایران نام گرفت» با نوروز آشنا شدند.

پس از اســتقرار آرياييان، در ســوی شمال شرقی ایران و حوزه خراسان بزرگ، اسطوره مرگ و رستاخیز خدای گیاهی، با سیمایی اسطوره‌ای ـ حماسه در داستان سیاوش رخ می‌نماید، و آن هم با نوروز پیوند پیدا می‌کند.

«آتش پرستان بخارا هر سال به محلی می‌روند که احتمالاً سیاوش در آنجا کشته شده است. در آنجا زاری می‌کنند و قربانی می‌کنند».

و هر ســالی هر مردی آنجا یکی خروس برد و بکشــد و پیــش از برآمــدن آفتاب نوروز ششــمین روز نوروز بنابر نقل کتــاب پهلــوی «ماه فروردین روز خرداد» برابر اســت با روز کین‌خواهی ســیاوش و مردم خوارزم روز ششــم نخستین ماه ســال را ابتدای ســال قرار می‌دادند و تاریخ خود را با «تورد» سیاوش آغاز می‌کردند.

دکتر بهار بخش نخســت داستان سیاوش را به دلیل این که در آن نشانی از اساطیر و دایی وجود ندارد، متعلق به دوره تمدن ایرانی ماوراء النهار می‌داند و آن را با اعتقادات، اساطیر و آیین‌های ســومری ـ ســامی ـ مدیترانه‌ای مربوط می‌داند. امــا با توجه به تحقیقات دیگر اســتاد، که نمونه‌هایی از آنها نقل شــد، و با توجه به اســناد و مدارک یاد شــده از دیگران کــه بن آیین‌های ســومری را در فلات ایران دانســته اند، به نظر می‌رســد که بخش نخست داستان سیاوش و رسم‌های آغاز سال سومری‌ها، نه اقتباس از یکدیگر بلکه برخاسته از یک اصل مشترک باشند.

> **نوروز هم در جریان و استمرار بدون انقطاعش در پیچ و خم‌ها و فراز و نشیب‌های تاریخ، و در گستره وسیع رواج آن واقعیت و هویت ثابت و مستمر فرهنگی است.**

نــوروز در زمان کمبوجیه و داریــوش به مصــر راه یافت. بعدهــا خلفای فاطمی مصر نیز بــه آداب و آیین نوروز به عنوان یک عید همگانی بســیار توجه نشــان دادند. نوروز هنوز هم با آداب و آیین‌های خاص ایرانی، در مصر رواج دارد.

در دوره میانــه تاریــخ فرهنــگ ایران نیــز جای جای خبرهایــی از اســتمرار رواج نــوروز داریم. بیرونــی در آثار الباقیه درباره آیین‌ها و مراســم و از جمله نوروز درماوراءالنهر و بــه ویــژه در مورد ســغدیان آگاهی‌هــای دقیقی به دســت می‌دهــد. از اشــکانیان درباره نــوروز هــم مثل مــوارد دیگر فرهنگی خبر مســتندی نداریم اطلاعات مربــوط به این دوره را بیشتر در آثار به جامانده از زمان ساسانی باید جستجو کرد.

از جملــه در متــون مانوی و در داســتان‌های ویس و رامین و سمک عیار که منشاء اشکانی دارند. فخرالدین اسعد گرگانی که ویس و رامین را بر اســاس روایات کهن به فارســی سرود چند جا به نوروز اشاره دارد.

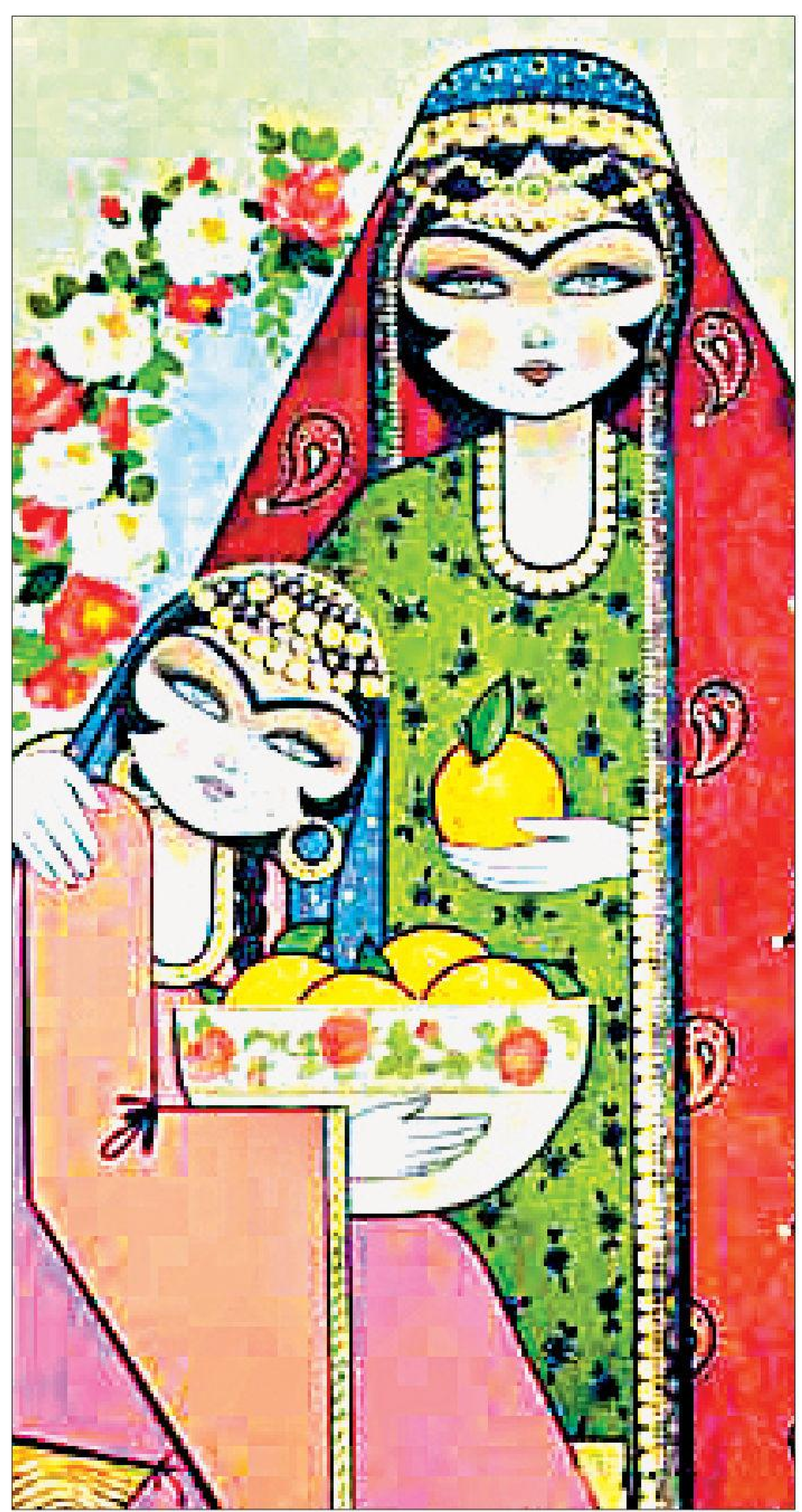
منم آذار و تو نوروز خرم
هر آیینه بود این هر دوبا هم
سر سال و خجسته روز نوروز
جهان پیروز گشت از بخت پیروز

در دوره میانه بیشترین آگاهی از نوروز در متون مربوط به زمان ساسانیان آمده است.

آثار متعدد بر جا مانده به زبان‌های پهلوی، فارسی و عربی و آداب و رســم‌های نوروز را در میان عامه مردم و برگزاری با شکوه آن را در دربار ساسانی، نقل کرده‌اند. در این دوره نوروز به دو بخش عام (پنج روز اول) و نوروز خاص (روز ششــم) تقســیم می‌شده اســت. چنانکه مردم خوارزم و سغد نیز روز ششم نوروز را جشن آغاز سال می‌گرفتند.

ســبزکردن ســبزه در هفت ظرف و یا روی هفت ستون، آمدن خوشقدم و مراسم سلام و هدایایی که برای شاه می‌بردند. از جمله رســم‌هایی است که از نوروز دربار ساسانی نقل شده است.

همه اینها صورتی رسمی آداب و رسم‌های مردمی جشن



نوروز است که هنوز در میان مردم روایی دارد.

در دوره اســلامی نیز خلفای اموی و عباســی به ســبب مجموعه شــرایط اقتصادی - فرهنگی نوروز را پذیرفتند و در دربار برخی از خلفا نوروز با شکوهی همسنگ دوره ساسانی برگزار می‌شد.

حکومت‌های مستقل ایرانی همزمان خلفای بغداد نیز به نوروز توجه خاصی داشتند و سروده‌های شاعران و نوشته‌های مورخان همه حکایت از این توجه در دوره ملک شاه سلجوقی تقویم سال خورشیدی به همت خیام منظم می‌شود و در نتیجه نوروز در آغاز اعتدال بهاری زمان دقیق و ثابتی پیدا می‌کند.

بعدها دربار شاهان صفوی ایران و دربار سلاطین عثمانی و نیز شاهان هند در برگزاری هر چه باشکوه‌تر و آیینی‌تر نوروز با یکدیگر رقابتی پنهان و آشکار داشتند.

از جملــه ویژگی‌های توجه به نوروز در دوره صفوی که آیین شیعه مذهب رسمی ایران می‌شود، تاکید بر پیوند نوروز با عناصر آیینی شــیعه اســت. از جمله تاکید بر انطباق نوروز با نخستین عید غدیر و نیز با روز آغاز خلافت حضرت علی(ع) هاتف شاعر دوره زندیه در قصیده‌ای به مطلع:

نسیم صبح عنبربیز شد، بر توده غبرا
زمین سبز نسرین خیزشد چون گلبن خضرا

نوروز توسط گروه‌های مهاجران ایرانی نیز به سرزمین‌های دیگر رفت. ایرانیان مانوی که به دلیل شــرایط خاص تاریخی در دوره ساســانی به غرب چین رفتند و در منطقه سین کیانک یا ختن مســتقر شدند، ایرانیان زردشتی که به هندوستان رفتند و به پارســیان شــهرت دارند، ایرانیانی که به زنگبار و سواحل شرقی آفریقا و حتی به الجزایر و نقاط دیگر رفتند، همه و همه نوروز را با خود بردند. هنوز هم ایرانیانی که به ســرزمین‌های شــرقی و غرب از ژاپن تا آمریکا مهاجرت می‌کنند،نوروز را با خود می‌برند.

بنابر آنچه که به اختصار آورده شد، نوروز دارای خاستگاه سرزمینی است. جشن و آیینی بر برخاسته از مجموعه شرایط سرزمین ایران که در پهنه جغرافیای فرهنگی ایران، بی‌وابستگی بــه هیچ قــوم و مذهب و گروه خاص در جــان فرهنگ مردم نشســته است. وجه مشــترک همه گروه‌های قومی و اعتقادی است. همه اقوامی که به این سرزمین آمدند و همه جریان‌های اعتقادی که در اینجا رواج پیدا کردند، آن را پذیرفته اند، از آن مایه گرفته‌اند و بر آن اثر گذشــته اند. چنان چون جویبارهایی که در مســیر رودخانه به آن وارد می‌شوند و رودخانه همچنان در هویت خود جاری است.

نوروز هم در جریان و استمرار بدون انقطاعش در پیچ و خم‌ها و فراز و نشــیب‌های تاریخ، و در گستره وسیع رواج آن در میان مناطق گوناگون ایران تا آن ســوی مرزهای امروزی و در تمام پهنه وسیع جهان ایرانی واقعیت و هویت ثابت و مستمر فرهنگی است. و از این رو دارای توانمندی تحکیم وحدت ملی و همبستگی منطقه‌ای است.

متون

اجمالی از نوروز در تقویم شمسی



■ حجت الاسلام رسول جعفریان

نوروز یا روز نو، در همه تقاویم، در همه دوره‌ها و در میان همه فرهنگ‌ها، با اسامی گوناگون مطرح بوده و هست. گردش زمین به دور خورشید و پدید آمدن روز و شب و فصول سال و نیز حرکت ماه بر گرد زمین، بشر را به محاسبه واداشته و به طور طبیعی تقویم را پدید آورده است.

آغاز هر سال، شروع جدیدی است که خود به نوعی انسان را با احساسی تازه و تولدی نو به حرکت در می‌آورد. این آغاز همراه با شادی و سرور بوده و در هر فرهنگی آیین‌های ویژه‌ای برای نشان دادن خوش حالی و شادی تعبیه شده است. در میان ایرانیان، این روزِ نو، روزی بود که شاه جدید ساسانی به تخت می‌نشست. خواهیم دیدَ که آخرین نوروز ایرانی، که طی آن آیینهای ویژه‌ای را اجرا می‌کردند، (فهرستی از آنها را ابوریحان در آثارالباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ از منابع زردتشتی آورده است. بنگرید: صص ۳۳۳ـ۳۲۵) روزی در اواخر خردادماه بود که یزدگرد سوم بر تخت نشست و از آن پس، این نوروز، هر سال، با توجه به عدم محاسبه کبیسه و اهمال آن، در هر چهار سال یک روز به عقب می‌افتاد. پس از آمدن اسلام، سنت نوروز، پابرجا ماند و این بدان دلیل بود که مردم ایران، به سرعت اسلام را نپذیرفته و تا یکی دو سه قرن، بسیاری از آنان بر آیین کهن خود بودند. حتی اگر اسلام را پذیرفتند، نتوانستند به آسانی آن آداب را ترک کنند. این نکته دانسته است که اسلام دو عید را با عنوان عید فطر و اضحی با آیینهای ویژه مطرح کرد، هر چند آنها آغاز سال نبود اما به هر روی عید طبیعی مسلمانان به شمار می‌آمد. در برابر، نه از سوی اهل سنّت و نه امامان شیعه، موضعگیری روشن و شناخته شده مفصلی نسبت به نوروز مطرح نشد. آنچه در این باره گفته شده پس از این اشاره خواهیم کرد.

بحث از نوروز، در فرهنگ شیعه، از قرن پنجم به بعد مطرح شد و تا آنجا که به منابع برجای مانده مربوط می‌شود، نخستین بار در مختصر مصباح شیخ طوسی از آن یاد شد. پس از آن در منابع دیگر هم وارد گردید. در این مقاله سیر ورود آن را در منابع شیعه و موضعگیری فقهای شیعه در باره آن را توضیح خواهیم داد. نکته جالب توجه آنکه در دوره صفوی، آثار فراوانی در زمینه عید نوروز نوشته شد. شیخ آقابزرگ تهرانی ذیل مدخل نوروزیه، از بیش از پانزده رساله که در دوره صفوی تألیف شده یاد کرده است. دراین مقال برآنیم تا بر چند رساله نوروزیه که در این دوره تألیف شده شرحی به دست دهیم.



مبنای محاسبه روز نوروز

نوروز نخستین روز فروردین ماه شمسی به حساب می‌آید. محاسبه سال شمسی تا پیش از پیدایش تاریخ جلالی در سال ۴۶۷ یا ۴۷۱ بدین ترتیب بود که سال را به دوازده ماه سی روزه تقسیم می‌کردند که جمعا ۳۶۰ روز می‌شد. پنج روز باقی مانده را در پایان آبان ماه یا اسفندماه بر آن می‌افزودند که جمعا ۳۶۵ روز می‌شد. با این حال پنج ساعت و ۴۸دقیقه و ۴۵/۵۱ ثانیه باقی می‌ماند. این زمان، در هر چهار سال یک روز می‌شد و از آنجا که در محاسبه نمی‌آمد، روز اول فروردین در فصول سال تغییر می‌کرد. بنابر این ماههای شمسی نیز در آن زمان، مانند ماههای قمری در فصول سال متغیر بود. معنای این سخن آن است که نوروز در ابتدای فروردین واقعی، یعنی نقطه آغاز اعتدال ربیعی قرار نداشت.

زمانی که یزدگرد سوم، آخرین شاه ساسانی، در سال ۶۳۲ میلادی به تخت نشست، روز نخست سال، یعنی اول فروردین در آن تاریخ، مطابق بود با شانزدهم حزیران (ژوئن) مطابق با ۲۷ خرداد. پس از آن با محاسبه بالا، روز نوروز یا اول فروردین، هر چهار سال، یک روز به عقب می‌آمد.

در سال ۴۶۷ ق روز نوروز مطابق دوازدهم حوت یا اسفند بود. در این سال، ملکشاه سلجوقی، دستور داد تا منجمان، محاسبه دقیقی از سال شمسی انجام داده و روز اول فروردین را معین کنند. بر اساس محاسبه خواجه عبدالرحمان خازنی، منجم مرو، عوض آن که بر اساس محاسبه قبلی، روز واقعی دوازدهم اسفند را اول فروردین دانسته شود، اول فروردین را هیجده روز جلوتر برده و در ابتدای اعتدال ربیعی، یعنی فروردین واقعی قرار گرفت. در محاسبه جدید، هر سال را در چهار نوبت، ۳۶۵روز محاسبه کرده (دوازده سی روز به ضمیمه پنج روز که در آخر ماه آبان یا اسفند افزوده می‌شد) و سال پنجم را ۳۶۶روز محاسبه کردند. البته پس از هر هشت دوره چهارساله، سال پنجم را ۳۶۶ قرار می‌دادند. در این محاسبه آن پنج ساعت و اندی نیز در محاسبه می‌آمد. بدین ترتیب، روز نوروز، به عنوان نخستین روز فروردین ماه، از آن سال ثابت ماند.

بنابر این، نخستین سالی که روز اول فروردین آن دقیقا مطابق آغاز زمان اعتدال ربیعی بود، سال ۴۶۷ یا ۴۷۱ بوده است. (مجموع آنچه گذشت، از مقالات تقی زاده: گاه شماری در ایران، ج ۱۰ صص ۶ـ۳ به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۵۷ مقاله همو تحت عنوان نوروز در مجله یادگار سال چهارم، ش ۷ و مدخل نوروز در لغتنامه دهخدا گرفته شده است. در باره اختلاف در اینکه نوروز سلطانی در سال ۴۶۷ بوده است یا ۴۷۱ بنگرید: مقالات، ج ۱۰ ص ۱۶۸ پاورقی. توضیحات محیط طباطبایی درباره سیر تقویم در ایران نیز قابل توجه است. وی مشکل سال ۴۶۷ یا ۴۷۱ و مسأله افزودن پنج روزه زائده را به آخر آبان و اسفند را نیز حل کرده است. بنگرید: تاریخ تحولات تقویمی در ایران از نظر نجومی، میراث جاویدان، شماره ۱۵ـ۱۴ صص ۱۰۸ـ۱۰۱)

دانسته است که سال قمری، به عنوان سالشمار پذیرفته شده در آیینهای دینی در دین مبین اسلام پذیرفته شده و در میان مردم و کتابهای تاریخی مرسوم بوده است. در کنار آن سال شمسی، به دلیل ثبات آن در تعیین فصول، همیشه به عنوان سال مورد استفاده در امر کشاورزی و خراج و جز آن، اهمیت خود را حفظ کرده و در تقاویم محاسبه و یاد می‌شده است. تطبیق این دو روز شمار با یکدیگر در فرهنگهای مختلف همیشه مورد بحث واقع شده و راه‌حل‌های مختلفی برای آن عرضه شده است. سیری از این تطبیق‌ها در میان تاریخ قمری و شمسی را تقی‌زاده مورد بحث قرار گرفته است. (مقالات تقی‌زاده ج ۱۰ گاه شماری در ایران قدیم، فصل پنجم، ص ۱۵۳ به بعد.)

در سال ۱۳۰۴ شمسی (۱۳۴۳ قمری مطابق ۱۹۲۵ میلادی) در ایران، تقویم شمسی، به عنوان تقویم رسمی پذیرفته شد. محاسبه پیشین که دقیق بود مراعات شد و تنها عوض افزودن پنج روز به سال، شش ماه نخست سال را سی و یک روز، و پنج ماه دوم را سی روز و اسفند را بیست و نه روز قرار دادند که هر چهار سال، سی روز محاسبه می‌شود. سالی که اسفند آن سی روز بود، آن را سال کبیسه نامیدند. (متن تصوبینامه مجلس شورای ملی را که در شب ۱۱ فروردین ماه ۱۳۰۴ شمسی انجام شده و اسناد دیگر در این باره را ببینید در: پیدایش و سیر تحول تقویم هجری شمسی، محمدرضا صیاد، مجله میراث جاویدان، ش ۱۵ـ۱۴ صص ۱۱۸ـ۱۱۹) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مبنای محاسبه سال شمسی بوده و سال قمری نیز در کنار آن به عنوان تقویم دینی مورد تأکید قرار گرفت.



کلام مسافر

از زبان دکتر شریعتی

از نوروز گفتن دشوار است

در اسفند سال ۴۶ دانشجویان تاریخ، به عنوان سفر علمی بـه عراق رفتنـد و من نیز ابتدا عـازم بودم اما در آخرین لحظات ناگهان قسمت نشد. چون نوروز را در سفر بودند و آنجا جشن می‌گرفتند این نوشته را به در خواست همکاران گرامی بر سر راه نوشتم تا در آن اجتماع بخوانند.

سـخن تازه از نوروز گفتن دشـوار اسـت. نوروز یک جشـن ملی است، جشن ملی را همه می‌شناسند که چیسـت نوروز هر سـاله برپا می‌شـود و هر ساله از آن سـخن می‌رود. بسـیار گفته‌اند و بسیار شنیده‌اید پس به تکرار نیازی نیست؟ چرا هست. مگر نوروز را خود مکرر نمی‌کنید؟ پس سخن از نوروز را نیز مکرر بشنوید. در علم و ادب تکرار ملال آور اسـت و بیهوده «عقل» تکرار را نمی‌پسندد: اما «احساس» تکرار را دوست دارد، طبیعت تکرار را دوسـت دارد، جامعه به تکرار نیازمند اسـت و طبیعت را از تکرار سـاخته اند: جامعه با تکرار نیرومند می‌شود، احساس با تکرار جان می‌گیرد و نوروز داستان زیبایی است که در آن طبیعت، احساس، و جامعه هر سه دست‌اندرکارند.

نوروز جشـن جهان اسـت و روز شـادمانی زمین و آسـمان و آفتاب و جشن شـکفتن‌ها و شور زادن‌ها و سرشـار از هیجان هر «آغاز». جشـن‌های دیگران غالباً انسـان را از کارگاه‌ها، مزرعه‌ها، دشـت و صحرا، کوچه و بازار، باغها و کشتزارها، در میان اتاق‌ها و زیر سقف‌ها و پشت درهای بسته جمع می‌کند: کافه‌ها، کاباره‌ها، زیر زمین‌ها، سالن‌ها، خانه‌ها... در فضایی گرم از نفت، روشن از چراغ، لرزان از دود، زیبا از رنگ و آراسـته از گل‌های کاغـذی، مقوایی، مومی، بوی کندر و عطر و... اما نوروز دسـت مردم را می‌گیرد و از زیر سقف‌ها و درهای بسته فضاهـای خفه لای دیوارهای بلند و نزدیک شـهرها و خانه‌ها، به دامن آزاد و بیکرانه طبیعت می‌کشاند: گرم از بهار، روشن از آفتاب لرزان از هیجان آفرینش و آفریدن، زیبا از هنرمندی باد و باران، آراسته با شکوفه، جوانه، سبزه و معطر از بوی باران، بوی پونه، بوی خاک، شـاخه‌های شسـته، بـاران خورده پـاک و... نـوروز تجدید خاطره بزرگی اسـت: خاطره خویشاوندی انسان با طبیعت. هر سال آن فرزند فراموشکار که، سرگرم کارهای مصنوعی و ساخته‌های پیچیده خود، مادر خویش را از یاد می‌برد، با یادآوری وسوسه‌آمیز نوروز به دامن وی باز می‌گردد و با او، این بازگشت و تجدید دیدار را جشن می‌گیرد.

نـوروز بر خلاف سـنت‌ها که پیر می‌شـوند فرسـوده و گاه بیهـوده رو به توانایـی می‌رود و در هر حـال آینده‌ای جوان‌تـر و درخشـان‌تر دارد، چه نوروز راه سـومی اسـت که جنگ دیرینه‌ای را که از روزگار لائوتسـه و کنفوسیوس تا زمان روسـو و ولتر درگیر است به آشتی می‌کشـاند. نـوروز تنها فرصتـی برای آسـایش، تفریح و خوشگذرانی نیست: نیاز ضروری جامعه، خوراک حیاتی یک ملت نیز هست.

تنهـا سـنت‌ها هسـتند کـه پنهان از چشـم جلاد زمـان، مـا را از این دره هولناک گذر می‌دهند و با گذشتگانمان و با گذشته‌هایمان آشنا می‌سازند. در چهره مقدس این سنت‌هاسـت که ما حضور آنـان را در زمـان خویـش، کنار خویش و در «خـود خویش» احسـاس می‌کنیم حضـور خـود را در میان آنـان می‌بینیم و جشـن نوروز یکی از اسـتوارترین و زیباترین سنت‌هاسـت. در آن هنگام که مراسم نوروز را به پا می‌داریم، گویی خود را در همه نورزهایی که هر سـاله در این سرزمین بر پا می‌کرده اند، حاضر می‌یابیم و در این حال صحنه‌های تاریک و روشن و صفحات سیاه و سفید تاریخ ملت کهن ما در برابر دیدگانمان ورق می‌خورد، رژه مـی‌رود. ایمان به اینکه نوروز را ملت ما هر سـاله در این سـرزمین بر پا می‌داشته اسـت، این اندیشه‌های پر هیجان را در مغز مان بیدار می‌کند که: آری هر ساله حتی همان سـالی که اسـکندر چهره این خـاک را بـه خون ملت مـا رنگین کرده بود، در کنار شعله‌های مهیبی که از تخت جمشید زبانه می‌کشید همانجـا همان وقت، مردم مصیبت زده مـا نـوروز را جدی‌تر و با ایمان سـرخ رنگ، خیمه بر افراشته بودند و مهلب خراسان را پیاپی قتل عام می‌کرد، در آرامش غمگین شـهرهای مجروح و در کنار آتشکده‌های سرد و خاموش نوروز را گرم و پر شور جشن می‌گرفتند.

نوروز همه وقت عزیز بوده اسـت؛ در چشم مغان در چشم موبدان، در چشم مسلمانان و در چشم شیعیان مسـلمان. همه نوروز را عزیز شـمرده‌اند و با زبان خویش از آن سـخن گفته اند. حتی فیلسـوفان و دانشمندان که گفته‌اند نوروز روز نخستین آفرینش اسـت که اورمزد دست به خلقت جهان زد و شش روز در این کار بود و ششمین روز، خلقت جهان پایان گرفت و از این روسـت که نخستین روز فروردین را اهورمزد نام داده‌اند و ششمین روز را مقدس شـمرده اند. چه افسـانه زیبایی زیباتر از واقعیت راسـتی مگر هر کسـی احساس نمی‌کند که نخستین روز بهار، گویی نخستین روز آفرینش است. اگر روزی خدا جهان را آغاز کرده اسـت مسلماً آن روز، این نوروز بوده اسـت. مسلماً بهار نخستین فصل و فروردین نخستین ماه و نوروز نخستین روز آفرینش است.

هرگـز خدا جهان را و طبیعت را با پاییز یا زمسـتان یا تابسـتان آغاز نکرده است. مسـلماً اولین روز بهار، سبزه‌ها روییدن آغاز کرده‌اند و رودها رفتن و شکوفه‌ها سـر زدن و جوانه‌ها شکفتن، یعنی نوروز بی‌شک، روح در این فصل زاده اسـت و عشـق در این روز سـر زده اسـت و نخسـتین بار، آفتاب در نخستین روز طلوع کرده اسـت و زمان با وی آغاز شده است. اسلام که همـه رنگ‌های قومیت را زدود و سـنت‌ها را دگرگون کرد، نوروز را جلال بیشـتر داد، شـیرازه بسـت و آن را با پشـتوانه‌ای اسـتوار از خطر زوال در دوران مسلمانی ایرانیـان، مصون داشت. انتخاب علی بـه خلاف و نیز انتخـاب علی بـه وصایت، در غدیر خم هـر دو در این هنگام بوده است و چه تصادف شگفتی آن همه خلوص و ایمان و عشقی که ایرانیان در اسلام به علی و حکومت علی داشـتند پشتوانه نوروز شد. نوروز که با جان ملیت زنده بود، روح مذهب نیز گرفت: سنت ملی و نژادی، با ایمان مذهبی و عشق نیرومند تازه‌ای که در دل‌های مردم این سرزمین بر پا شده بود پیوند خورد و محکم گشت، مقدس شـد و در دوران صفویه، رسـماً یک شعار شیعی گردید، مملو از اخلاص و ایمان و همراه با دعاها و اوراد ویژه خویش، آنچنان که یک سـال نوروز و عاشـورا در یک روز افتاد و پادشـاه صفوی آن روز را عاشورا گرفت و روز بعد را نوروز. نوروز رسالت بزرگ خویش را همه وقت با قدرت و عشـق و وفاداری و صمیمیت انجام داده است و آن، زدودن رنـگ پژمردگی و اندوه از سیمای این ملت نومید و مجروح است و در آمیختـن روح مردم این سـرزمین بلاخیز با روح شـاد و جانبخش طبیعت و عظیم‌تر از همه پیوند دادن نسـل‌های متوالـی ایـن قوم که بر سـر چهـار راه حـوادث تاریخ نشسـته و همواره تیغ جـلادان و غارتگران و سـازندگان کله منارهـا بند بندش را از هم می‌گسسته اسـت و نیز پیمان یگانگی بسـتن میان همه دل‌های خویشـاوندی کـه دیوار عبوس و بیگانه دوران‌ها در میانه شـان حایل می‌گشـته و دره عمیق فراموشی میانشان جدایی می‌افکنده است.

و ما در این لحظه در این نخسـتین لحظات آغـاز آفرینش نخسـتین روز خلقـت، روز اورمـزد، آتـش اهورایی نـوروز را باز بـر می‌افروزیم و درعمق وجـدان خویـش، به پایمـردی خیال، از صحراهای سـیاه و مـرگ زده قرون تهـی می‌گذریـم و در همه نوروزهایی که در زیر آسـمان پاک و آفتاب روشن سرزمین ما بر پا می‌شده است با همه زنان و مردانی که خـون آنان در رگ‌هایمان می‌دود و روح آنان در دل‌هایمان می‌زند شرکت می‌کنیم




صندوق قرض الحسنه بانک پارسیان
بانک پارسیان
صندوق
قرض الحسنه
بانک پارسیان
در خدمت مردم ایران
حساب قرض الحسنه بانک پارسیان
بهره مندی از اجر معنوی و جوایز قرعه کشی
امکان استفاده از تمامی خدمات بانکداری الکترونیک
افتتاح حساب وجوه اداره شده، برای شرکت ها و اشخاص حقیقی به منظور اعطای وام قرض الحسنه به کسانی که آنها معرفی می کنند.
با مراجعه به تمامی شعب بانک پارسیان این امکان در اختیار شماست
پارسیان بانک ایرانیان
مرکز ارتباط با مشتریان : ۸۱۱۵۱۰۰۰
www.parsian-bank.ir



ریشه جشنهای سال نو در جهان

سعید محمدپور

ریشـــه جشنهای ســـال نو در جهان حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح(ع) جشن آغاز سال بابلی‌ها با رویت ماه بعد از اولین روز بهار برگزار می‌شد و این موضوع به خوبی نشـــان می‌دهد کـــه از دیر باز آغاز بهار زمان مناســـبی برای آغاز ســـال به شـــمار می‌آمده است، چرا که فصل بهار فصل تولد دوباره طبیعت، کاشـــت محصولات جدید و شکفتن شکوفه‌ها بود.

مراسم جشن سال نوی بابلی‌ها یازده روز طول می‌کشید کـــه هریک از ایـــن روزها ویژگی خاص خود را داشـــت، در صورتیکه امروزه مراسم جشن سال نو در بسیاری از کشورها -بخصوص کشورهایی که سال میلادی را جشن می‌گیرند، - در مقایسه با آن روزگار شکوه خود را از دست داده است.

رومی‌ها سال نو را در اواخر ماه مارس جشن می‌گرفتند، اما این تقویم مرتبا به وسیله امپراطوری‌های مختلف تغییر یافت تا پس از مدتی مطابقت خود را با تقویم خورشیدی از دست داد.

برای تنظیم یک تقویم ثابت، مجلس ســـنای روم در سال ۱۵۳ قبـــل از میلاد روز اول ژانویه را آغاز ســـال نو اعلام کرد، با اینحال تغییر تقویم همچنان ادامه یافت تا زمانیکه سردار بزرگ روم، جولیس سزار در سال ۴۶ قبل از میلاد تقویمی که جولیان نامیده می‌شد را تدوین کرد و در آن مجددا روز اول ژانویه را به عنوان آغاز سال نو تعیین نمود.

اما مشکلی وجود داشت، و آن نیاز به تطابق این تقویم با تقویم خورشـــیدی بود که در نهایت مجبور شـــدند تا روزهای همان یکسال اول را تا ۴۴۵ روز امتداد دهند!

اگرچـــه در قرون اولیه پس از میلاد، رومی‌ها ســـال نو را جشـــن می‌گرفتند اما کلیســـای کاتولیک این جشنها را به شرک و بت‌پرســـتی محکوم می‌کرد. به تدریج با گسترش مســـیحیت و غیر قابل انکار و فراموشی تشخیص دادن این جشنها، کلیسا مجبور شد مراسم جشن‌های مذهبی خود را هم زمان با جشنهای سال نو برگزار کند.

به دلیل آنکه کلیســـا نتوانســـت روز اول اول ســـال نو را تغییر دهد هم اکنون مشاهده می‌کنیم که در کشورهای اروپایی و آمریکایی جشـــنهای ســـال نو با سالروز تولد مسیح(ع) آغاز می‌شود و تا چند روز پس از سال نو ادامه دارد.

ناگفته نماند که در قرون وســـطا کلیســـا همچنان مخالف جشـــنهای سال نو بود و جشنهای سال نو تقریباً از حدود ۴۰۰ سال پیش بطور رسمی در اول ژانویه برگزار می‌شود.

معمولاً یکی از رســـوم ســـال نو گرفتن تصمیمات جدی برای آغاز زندگی در سال جدید (مانند ترک سیگار، کم کردن وزن، درس خواند و....) است، نباید تعجب کرد اگر بشنویم که این رسم نیز از مراسم بابلی‌ها گرفته شده است.



مردم بابل رسم داشتند که وسایل کشاورزی و مواد غذایی را که در طول سال از یکدیگر قرض گرفته بودند در آغاز سال نو به یکدیگر باز پس می‌دادند.

استفاده از نماد کودک برای باشکوه کردن آغاز سال نو در یونان از سال ۶۰۰ قبل از میلاد آغاز شد. در آن زمان رسم بر این بود که جشن خدای شراب با نام دیانیسوس (Dionysus) را با نمایش یک کودک در سبد، به نمایندگی تولد دوباره و هرساله آن خدا در آغازفصل بهار، برگزار کنند.

در مصر باستان نیز از کودک به عنوان سمبل و نشانه تولد دوباره در فصل بهار استفاده می‌شد.

رسم نمایش کودک به نشانه تولد دوباره در اروپا، گرچه در ابتدا با مخالفت کلیسا روبرو شد، اما سرانجام کلیسا در این تصمیـــم خود تجدید نظر کرد و به اعضـــای خود اجازه داد تا سال نو را به نشانه تولد مسیح(ع) با نمایش یک کودک جشن بگیرند.

این تفکر نیز از دیرباز مرســـوم بوده اســـت که مردم آنچه که در آغاز ســـال نو انجام می‌دهند یا می‌خورند در شانس آنها در طول ســـال جدید موثر اســـت. به همین دلیل افراد فامیل و دوستان ساعات اولیه سال نو را با یکدیگر جشن می‌گرفتند. معمول بر این بوده و هســـت که در این میهمانی‌ها غذاهای سنتی طبخ و مصرف می‌شوند.

مهمانی‌ها اغلب تا نیمه شب بعد از نواختن زنگهای سال نو ادامه می‌یافت و اینطور تصور می‌شد که اولین مهمان می‌تواند با خود بد اقبالی یا خوش اقبالی را به ارمغان بیاورد. آنها بر این باور بودند که اگر مهمان مرد قد بلند و مو سیاهی باشد با خود خوش شانسی می‌آورد.

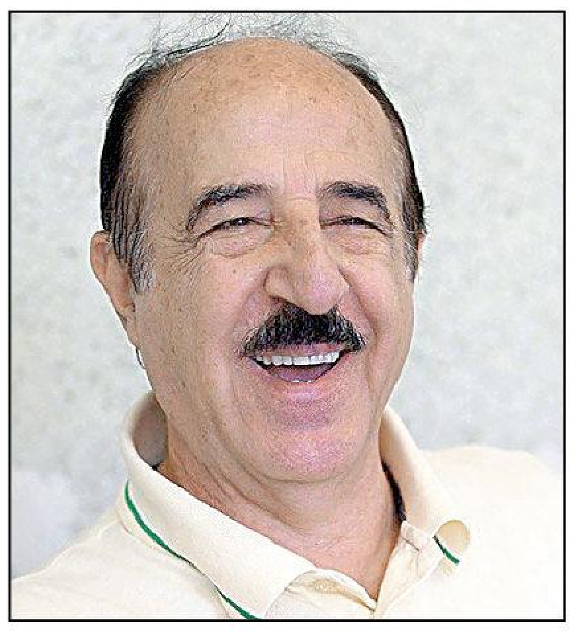
در بیشتر فرهنگها این اعتقاد وجود دارد که اغلب اشـــیایی که شـــبیه به حلقه هســـتند، نشانه‌ای از خوش شانسی به شمار می‌آیند زیرا این حلقه است که روزهای سال را به هم پیوند می‌دهد. به همین منظور هلندی‌ها معتقد هستند که خوردن دونات در روز اول ســـال نو می‌تواند برای آنها در طول سال شانس به همراه آورد.

خاطرات

خاطراتی که همچنان «خاطره»اند

منوچهر آذری (بازیگر)

خاطره آن عید که برف آمد

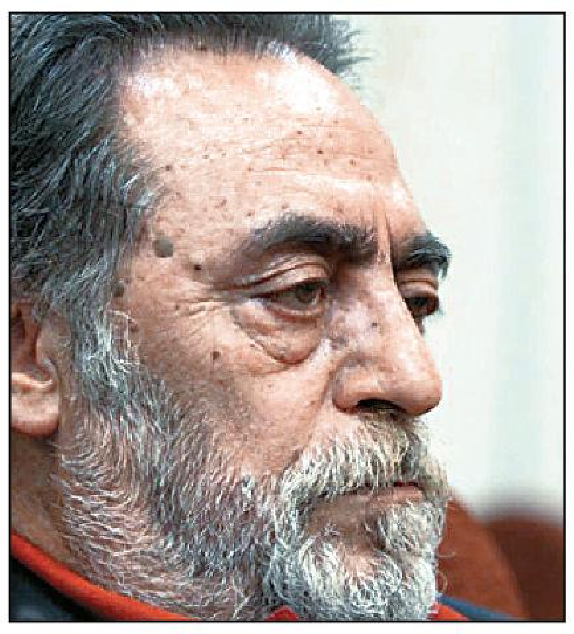


در دوران کودکی خرید یک دست کت و شلوار نو از واجبات بود، بدین منظور پدر خدابیامرزم ما را به باب‌همایون می‌برد چرا که خوش دوخت بود و ارزان. یک‌سال که با خرید کت و شلوار نو سر از پا نمی‌شناختم و بی‌صبرانه منتظر لحظه عیددیدنی بودم. بارش سنگین برف ما را خانه‌نشین کرد تا روز هشتم فروردین که دیگر پوشیدن لباس نو لطف روزهای اولیه را نداشت. به خاطر دارم آن زمان مادر خدابیامرز سفره هفت‌سین را به شکل کامل آماده می‌کرد.

سفره هفت‌سین آن سال‌ها پرملات بود اما امروز هفت‌سین نمادین و سمبلیک شده و به شکل کوچک، محدود و بسته‌بندی‌شده ارائه می‌شود. ذوق عیدی گرفتن و عیددیدنی جای خود را به مسافرت‌هایی برای از زیر بار دید و بازدید فرار کردن داده است. دیگ بزرگ پلو کشمش و پلومرغ سیزده تبدیل به غذاهای آماده و کم‌حجم شده است و... تورم بالا رفته اما کارمند کوچولو همیشه کارمند کوچولو باقی مانده است. ثابت‌قدم و استوار عید نوروز را به همه ایرانی‌ها و خوانندگان «تهران‌امروز» تبریک می‌گوید و در ایام نوروز با «جمعه ایرانی» در خدمت همه مردم است.

هوشنگ توکلی (بازیگر)

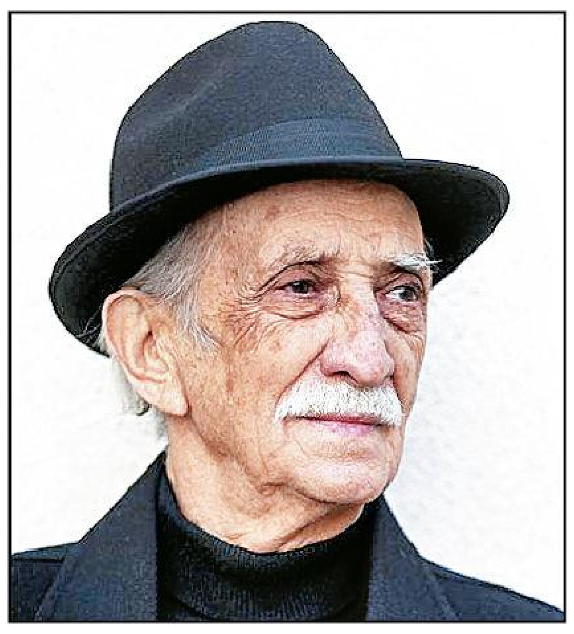
ذوق پوشیدن لباس نو



۴۰، ۵۰ سال پیش تهران کوچک بود و محله‌ها شکل اجتماعات بسته بشری داشت. ساکن محله حمیدیه از محلات قدیم تهران بودیم معمولاً اغلب اقوام ساکن یک محل بودند و یک ماه مانده به عید به استقبال بهار می‌رفتند؛ آجیل و خشکبار تهیه می‌شد و تمام وسایل خانه برق می‌افتاد، فضای منطقه آکنده از انرژی مثبت و روحیه شاد بود. معمولاً پدر خانواده خریدها را انجام می‌داد و یک هفته قبل از عید پرو قبل از سال تحویل انجام می‌شد و ذوق پوشیدن لباس نو تا اولین عید دیدنی همراهمان بود اما پدر، بزرگ فامیل بود و ما ناراحت از این موضوع که چرا باید در خانه نشسته و انتظار ورود مهمان را بکشیم. در اولین سال‌هایی که تلویزیون به کشورمان آمد، حضور این جعبه جادویی مختص قهوه‌خانه‌های محل بود، ظرف یک‌سال خانواده ما نیز صاحب تلویزیون شد و از آن پس عید دیدنی اقوام از خانواده ما شدت گرفت. به‌خاطر دارم هر سال که به دیدن پدربزرگ می‌رفتیم، آقاجون سکه‌ای به دست گرفته و می‌گفت: «هر کس بتواند این مشت را باز کند برنده سکه می‌شود. بچه‌ها همگی حمله‌ور می‌شدند اما کسی توان باز کردن مشت محکم آقاجون را نداشت. آن زمان تصمیم می‌گرفتیم تا سال آینده آنقدر بزرگ شویم که قفل دستان پدربزرگ را بگشاییم.»

داریوش اسدزاده (بازیگر)

خرید کفش عید از بازار ارسی‌دوزها

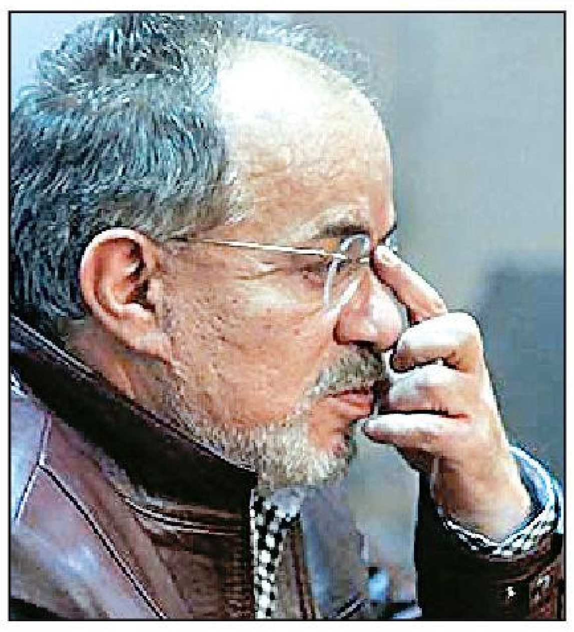


آن سال‌ها پدرم برای خرید عید، ما را همراه خود می‌کرد و طبق برنامه هر ساله، به بازار کفاش‌ها و ارسی‌دوزها می‌رفت. خرید به‌نام ما بود و به انتخاب آنها.

به‌خاطر دارم که همیشه پدر به سراغ کفش‌های چرم کفه‌ضخیم می‌رفت و همین که قصد خرید کفش می‌کرد، نق زدن‌های من شروع می‌شد. البته ۷۰ سال پیش ما حق چنین کارهایی را نداشتیم ... یادش بخیر

بیژن بیرنگ (کارگردان)

بوی خوش سبزی‌پلو



در خانواده ما مراسم عید نوروز به شکل کامل اجرا می‌شد. مادرم علاقه بسیاری به مراسم نوروز داشت. شب عید، شب چهارشنبه‌سوری و... بوی غذای خوش عطر مختص مادر در خانه می‌پیچید، همه هرطور شده خود را به خانه می‌رساندند تا دور سفره‌ای که مادر پهن کرده بود غذای شب عید را نوش جان کنند. کوکوی گوشت، قیمه چرخ شده با لپه و زرشک، ماهی دودی، باقالی‌پلو، سبزی‌پلو و... یادش بخیر مادر هنوز در بین ما حضور دارد اما آلزایمر و ناتوانی جسمانی توان فراهم کردن امکان تجربه خاطرات خوش کودکی را گرفته است. خاصیت عید به دور هم جمع شدن و دید و بازدید و... است؛ خاطرات خوشی که تکرار نمی‌شود، چند سالی است که عید ما سوت و کور است.

احترام برومند (مجری)

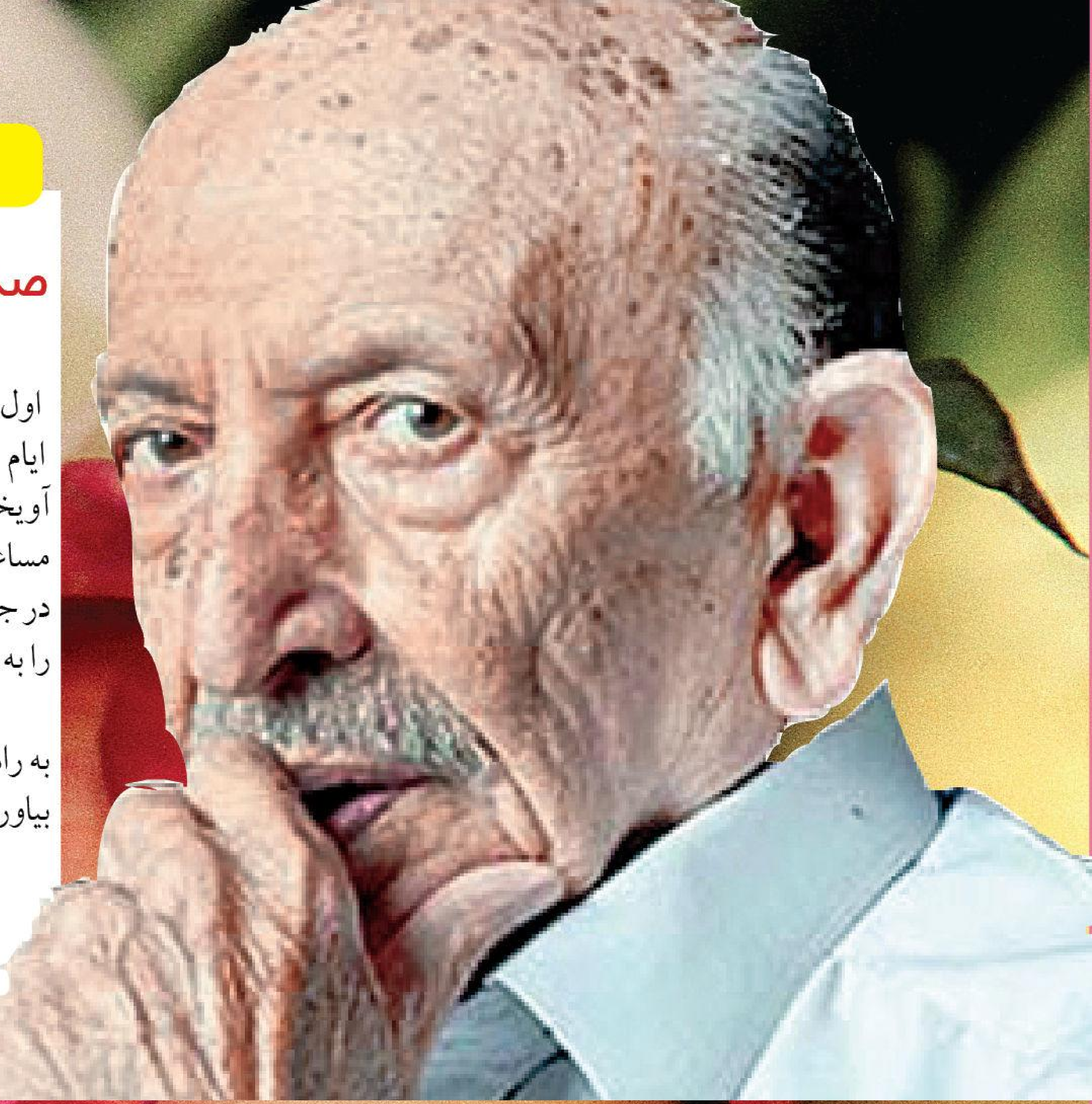


اسکناس‌های نو لای قرآن

مادرم، در یک مجمر کوچک مسی قرآنی می‌گذاشت و آینه‌ای که روی آن تخم‌مرغی رنگی قرار گرفته بود. ظرف سبزه‌ای به نشانه برکت، پیاله‌ای بلور پر از نقل‌های سفید آغشته به بوی بیدمشک به نشانه حلاوت یک سال زندگی، ما خواهر و برادرها با لباس‌های نو و قلب‌های لرزان پنداری اتفاق عجیبی در شرف وقوع باشد، به دور آن سینی می‌نشستیم و گوش به رادیو... چشم به پدر و مادر و اسکناس‌های نوی لای قرآن... صدای توپ تحویل سال و بعد دعای زیبای «یا مقلب القلوب والابصار، یا مدبر اللیل و النهار، یا محول الحول و الاحوال، حول حالنا الی احسن الحال».

پدر و مادر ما را می‌بوسیدند و اسکناس‌های نو ۵ ریالی را به دست‌مان می‌دادند و بعد از آن دیگر می‌رفتیم تو حال و هوای عیددیدنی، عمو، عمه، خاله، دیدن دخترعموها، دخترخاله‌ها و پسرعمه‌ها و خوشحالی... برای دیدن فیلم‌های نورمن ویزدم و جری لوئیس که هر سال عید روی پرده سینماها بود. بهار در ذهن من این بود، به همین سادگی، با همین آرامش. اما حالا در آستانه ۶۰ سالگی به بهار، به نوروز، به اسکناس‌های نو، به سینما و فیلم‌های نوروز جور دیگری می‌اندیشم... گرچه بهار همیشه بهار است و نوروز، هزاران سال دیگر نوروز. عیدتان مبارک، نوروزتان پیروز.

مرتضی احمدی (بازیگر)



صدای پای عمونوروز و شلیک توپ

عید همیشه با مقدماتی همراه بود که از ابتدای اسفندماه آغاز می‌شد. اول خانه‌تکانی بود و غبارروبی. اغلب مردم فرش، قالی و قالیچه که در ایام تابستان در چشمه شسته شده بود را روی پشت بام و حیاط و دیوارها آویخته و با چوب خاک‌تکانی می‌کردند. بقیه اسباب خانه نیز در صورت مساعد بودن شرایط جوی به حیاط منزل منتقل می‌شد و پس از گردگیری در جای خود قرار می‌گرفت. به باور مردم اگر کسی این سنت و رسم قدیمی را به جا نمی‌آورد باید آماده سالی کریه و نامبارک می‌شد.

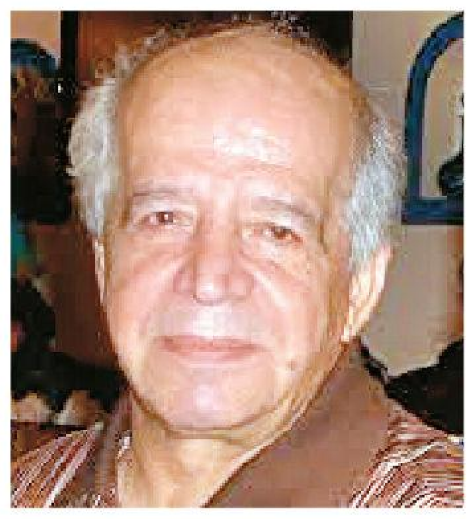
با فرارسیدن آخرین چهارشنبه سال، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها چشم به راه فرزندان‌شان می‌شدند تا با حضور نوه‌هایشان این سنت ملی را به جا بیاورند. بچه‌ها علاقه داشتند که در کنار آنها از روی آتش بپرند و دعا کنند:

زردی من از تو، سرخی تو از من. پنجشنبه آخر سال هم به زیارت اهل قبور اختصاص داشت. با حضور در قبرستان‌های اطراف تهران و امامزاده عبدالله ضمن شست‌وشوی قبور و قرائت فاتحه، همه خود را موظف می‌دانستند که صادقانه برای اموات غریب و بی‌وارث فاتحه عمومی بخوانند. دیگر کم‌کم سر و کله حاجی فیروز پیدا می‌شد و صدای ضرب و تنبک و دایره زنگی: «ای سال برنگردی، بری دیگه برنگردی» و با خواندن «ارباب خودم سلام علیکم، ارباب خودم سرتو بالا کن، ارباب خودم بزبز قندی، ارباب خودم چرا نمی‌خندی». برای تمام مردم آرزوی خنده می‌کردند. «بشکن بشکن بشکن، من نمی‌شکنم، بشکن، اینجا بشکنم یار گله داره و...» (یعنی باید برای همه بشکنم اینجا و آنجا ندارد).

۲۴ ساعت مانده به سال تحویل، صدای سمنوفروش‌ها در محله می‌پیچید و با خرید سمنو سفره هفت‌سین چیده می‌شد. بالای سفره قرآن، آینه و چراغ قرار می‌گرفت تا چراغ‌شان تا آخر سال روشن بماند و بعد ظرف آب و به تعداد افراد خانواده سکه، تا سکه‌های از آب خارج شده، تضمین برکت سال باشد. صدای پای عمونوروز از نزدیک شنیده می‌شد. نجوای دلنشین دعای مخصوص پدر و مادرها با صدای شلیک توپ در میادین قلعه‌مرغی، گمرک همزمان می‌شد و سوت تمام لکوموتیوهای راه‌آهن در عرض دو دقیقه به صدا درمی‌آمد تا شروع سال نو را خبر دهد.

با تحویل سال نو پدر و مادرها نقل در دهان بچه‌ها می‌گذاشتند و اولین عیدی‌ها از لای قرآن بیرون می‌آمد تا سال پربرکتی رقم بخورد. همه کارها سرشار از امید و آرزو بود.

محسن قاضی مرادی (بازیگر)

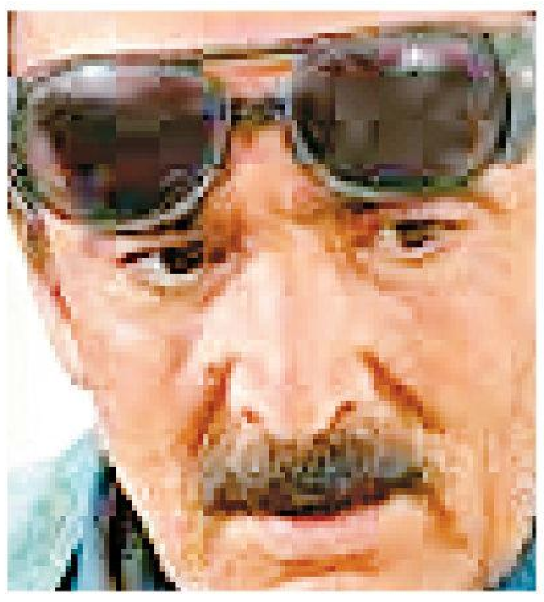


مشق شب عید

عید دوران کودکی سرشار بود از شیطنت و شادی و اما در آخر دغدغه مشق‌های ناتمام. در مدرسه کیهان امیریه تحصیل می‌کردم و مشق‌های عید نوروز تا آخرین روز تعطیلات دست‌نخورده باقی می‌ماند.

شیرینی خرید لباس عید هم با چاشنی کج‌خلقی گشادی لباس‌ها همراه بود. کت‌ها همیشه تا دم زانو بود، کفش‌ها از پا درمی‌آمد و دست‌ها به کمر تا وانمود کنیم شلوار راسته تنمان خریده شده. هر وقت که ضرورت گشاد بودن لباس را جویا می‌شدم، پاسخ می‌شنیدم که: «مادر جان بزرگ می‌شوی، اندازه‌ات می‌شود». اما هیچ‌وقت بزرگ نشدیم و سال‌های بعد نیز لباس‌هایی گشادتر به تن کردیم. یادش بخیر چقدر انتظار عیددیدنی خانواده دایی مادرم را می‌کشیدیم؛ انتظار شکلات‌های راه‌راه سبز چمنی که مخصوص منطقه آنها بود. یک سال سوت مثلثی شکل آکاردئونی عیدی گرفتم که همرنگ همان شکلات‌ها بود و این همرنگی آنقدر برایم خوشایند بود که آن را مبدل به دلچسب‌ترین عیدی دوران کودکی‌ام کرد.

بیوک میرزایی (بازیگر)



عید همان عید است اما...

یاد آن ایام چه خوش بود. بهار عید زیبا بود. دل و چهره چه شادان و چه بشاش. آخر زمستان، ماه اسفند هم برای ما بهاری بود آن زمان‌ها. شور و حال سال نو، سبزی، تولد، شاد بودن. باب همایون، خرید عید، لباس گشاد برای سال بعد. عمدتا عید ما در بازار و باب همایون خلاصه می‌شد. نامزدی‌ها، عقد کردن‌ها، دیدن اقوام، بزرگان. حفظ حرمت‌ها، واجب بودن دیدن‌ها. غم نان، در آن زمان‌ها در هیچ منزلی در عیدپیدا نبود. بساط میوه‌فروش‌ها و شیرینی‌فروش‌ها و تنقلات از صبح چراغانی بود.

آن موقع‌ها به استقبال عید، آدم‌ها «دلی» می‌رفتند. شاد و سرخوش بهار را احساس می‌کردند. رادیو هر سال وصف‌الحال بهار را با پخش آواز گل اومد، بهار اومد، می‌رم به صحرا چه خوش بیان می‌کرد.

عید همان عید است، اما دیگر آن شادابی وجود ندارد. آن زمان هم شرایط دشوار بود اما غم و نگرانی در چهره مادرها دیده نمی‌شد. ما بچه‌ها فارغ از مسائل مادی نبودیم بلکه هر سال انتظار می‌کشیدیم بهار برسد و ۵ تومانی‌ها، ۲ تومانی‌ها و ۱۰ تومانی‌ها را عیدی بگیریم. منتظر بودیم هر بزرگی که به خانه‌مان می‌آید با عیدی دادن محبتش را باور کنیم. الان خانواده‌ها با نگرانی به استقبال عید و به اجبار سراغ آیین‌ها می‌روند. دیگر دیدارها مشکل قد می‌دهد.

گویا هیچ چیز دلی نیست و اجباری پشت آن است. آرزو می‌کنم عید بهانه‌ای باشد برای دیدارها و شاد شدن، چرا که شاد بودن هنر است و شاد کردن هنری والاتر

حسن فتحی (کارگردان)



قصه عمونوروز و آن پیرزن تنها

یازده سالی بیش نداشتم و نوروز نزدیک بود. در همسایگی ما پیرزنی متین و مهربان به نام بی‌بی گل می‌زیست که کسی را نداشت جز دختر میانسالی که سالی به دوازده ماه، یکی دوباری به دیدن مادر می‌آمد و پی یکی دو ساعتی می‌رفت سراغ گرفتاری‌های زندگی خویش.

پیرزن که با بچه پرشیطنت و شلوغ و علی‌ورجه‌ای چون من نیز مهربانی‌ها داشت، یکی از شب‌های سرد اسفندی که مادرم به‌واسطه جرم و خلافی کودکانه، حکم کرده بود دو، سه ساعتی بیرون خانه و در کوچه بمانم، تاب نیاورد و مرا به اتاق محقر و کوچک خود برد و در خلال پند و نصیحت، افسانه‌ای را برایم نقل کرد؛ افسانه زنی را که هزاران سال است در انتظار آمدن مرد محبوب خویش در روزهای پایانی هر زمستان شروع به گرد و غبارروبی خانه خود می‌کند اما درست در شب «سال تحویل» خسته از تر و تمیز کردن خانه، برای لحظاتی به خواب می‌رود و درست در همین دقایق سر و کله مرد محبوب زندگی‌اش پیدا می‌شود.

مرد چندین و چند بار دق‌الباب می‌کند اما زن خسته و خواب رفته، متوجه نمی‌شود و مرد نومید از ملاقات با بانوی باستانی خویش، راه خود می‌گیرد و می‌رود، به امید اینکه شاید و در آخرین شب زمستان بعدی به ملاقات زن نایل شود.

نام این مرد، عمو نوروز است. زن که بیدار می‌شود، دیگر خبری از عمو نوروز نیست، نه صدایی، نه ندایی، نه قیقاش دری، نه دق‌البابی، زن بر سر سفره هفت‌سین می‌نشیند به نیت اینکه زمستان بعدی عمو نوروز بیاید...

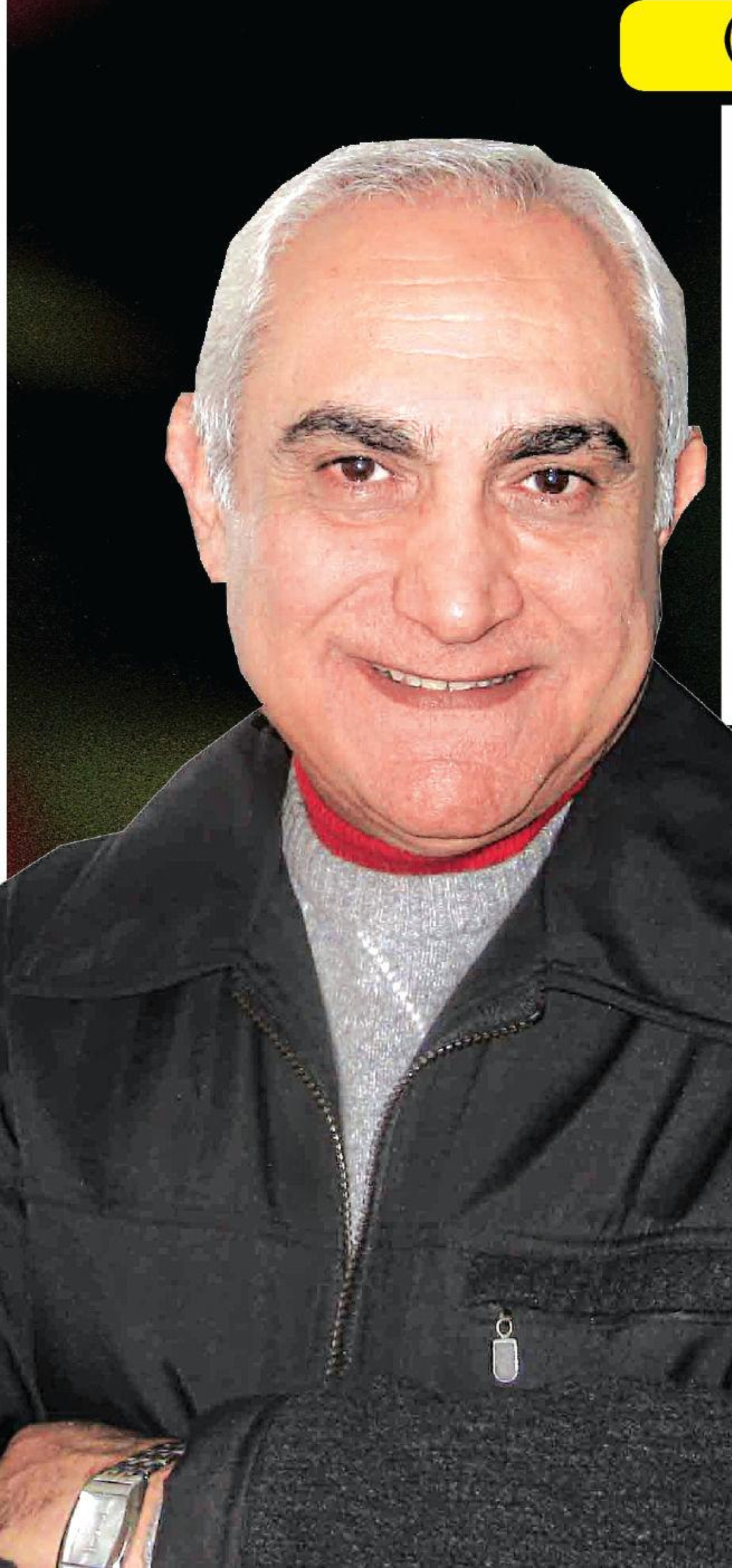
بی‌بی گل مهربان پی گفتن این افسانه، دست مرا گرفت و به خانه‌مان برد و واسطه آشتی و بخشش من از جانب مادرم شد. دو هفته بعد در روزهایی که شکوفه‌های سفید و صورتی کوچه‌باغ‌های اطراف خانه ما را لبریز از وجود خود کرده بودند، پیرزن مرد.

هنگام مرگ، همسایه‌ها هیچ رد و اثری از یگانه فرزندش نداشتند تا خبرش کنند. چند نفری از اهالی محله جمع شدند و ترتیب مراسم غسل و کفن و دفن او را دادند.

چند ماه بعد سر و کله دختر پیدا شد اما دیر رسیده بود.

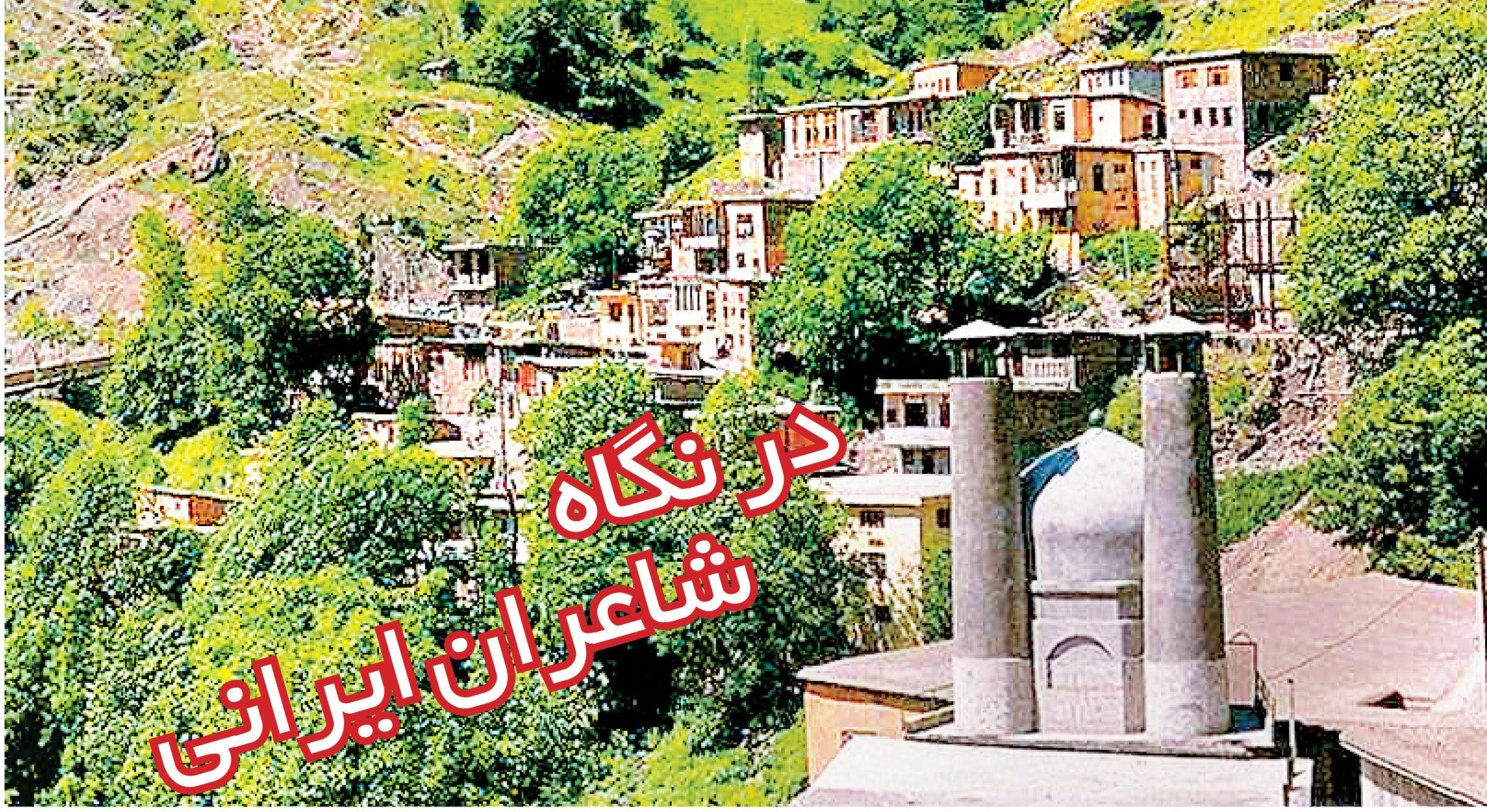
مادرش، بی‌بی گل پی عمو نوروز رفته بود.

ناصر ممدوح (دوبلور و بازیگر)



بهترین عیدی‌ها و لباس‌ها

شخصا عید نوروز را به خاطر رفت و آمدهای فامیلی خیلی دوست دارم. البته این دید و بازدیدها در دوران کودکی من بسیار پررنگ بود؛ اما امروزه خیلی از سنت‌ها کمرنگ شده است. در واقع شیرینی خاطرات آن سال‌ها به پوشیدن لباس نو و رفتن به دیدن بزرگ‌ترها و دریافت عیدی بود؛ اما اگر بخواهید تکالیف شب عید تداعی شود، خیلی دلنشین نمی‌شود چرا که خاطرات خوبی نبود. بهترینش همان شیطنت‌ها بود و عید دیدنی‌ها.



در نگاه شاعران ایرانی

در فرهنگ و سنن هر قوم و ملتی آیینی وجود دارد که ریشه تاریخی و فرهنگی دارد و جلوه‌ای از باورهای آن قوم و ملت را به تصویر می‌کشد؛ یکی از آیین‌ها که در ادب فارسی و در شعر شاعران به آن پرداخته شده، نوروز است.در این گزارش سعی شده است، مفهوم نوروز، دلیل پرداخت شاعران و کم‌رنگ شدن این آیین در شعر معاصر از نگاه استادان زبان و ادب فارسی مورد بررسی قرار گیرد.یک مدرس مرکز تربیت معلم امام محمدباقر(ع) با بیان این که پیدایش نوروز در متون تاریخی و ادبی ذکر شده است می‌گوید: به عنوان مثال فردوسی در شاهنامه برپایی عید نوروز را به زمان پادشاهی جمشید نسبت می‌دهد هم چنان که در اشعارش پیداست:

جهان انجمن شد بر تخت اوی
از آن بر شده فرح بخت اوی
سر سال نو هرمز فرودین
به آسوده از رنج تن، دل زکین
به جمشید بر گوهر افشاندند
مر آن روز را روز نو خواندند

خلیل حاتمی می‌افزاید: این وجه تسمیه نوروز در شاهنامه است. ابوریحان نیز نوروز را به جمشید نسبت داده و بیان کرده است که جمشید جشن نوروز را به شکرانه این که خداوند گرما و سرما، بیماری و مرگ را از مردان گرفت، برگزار کرد. برخی نیز معتقدند که خداوند آفرینش را با نوروز آغاز کرده است. وی می‌افزاید: با این تعریف در تاریخ اسطوره‌ای و باورهای ملی، لحظه آفرینش نخستین روز خلقت، روز اورمزد، روز اهورایی و روز نوروز است.وی می‌گوید: به همین دلیل است که نخستین روز فروردین را هورمزد نام داده‌اند و از نظر شاعران این روز افسانه‌ای زیباست.وی تصریح می‌کند: شعرا معتقدند روزی که خدا آفرینش جهان را آغاز کرده آن روز، روز عید نوروز است.این کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی می‌گوید: شعرایی چون حافظ، سعدی، فرخی، مولانا، منوچهری دامغانی و... به آغاز بهار و روز نوروز در اشعار خود اشاره کرده اند. حاتمی اظهار می‌دارد: فرخی سیستانی در قسمتی از ترجیع بند خود درباره بهار به نوروز می‌اندیشد و به درک زیبایی‌های طبیعت می‌پردازد و مردم را به زیبایی شناسی طبیعت دعوت می‌کند نمونه‌ای از شعر او را می‌خوانیم:

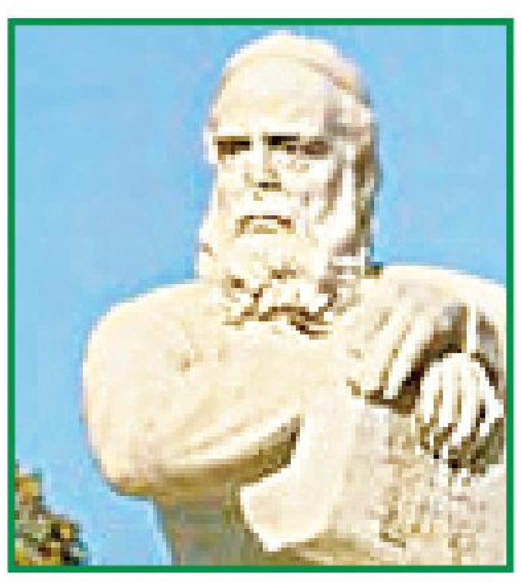
بهار امسال پنداری همی خوشتر ز باد آید
از این خوشتر شود فردا که خسرو از شکار آید
بدین شایستگی جشنی، بدین بایستگی روزی
ملک را در جهان هر روز جشنی باد و نوروزی

وی می‌افزاید: شاعران با تمام فصل‌ها درآمیختند اما به دلیل زیبایی، نو شدن و یادآوری روز رستاخیز و معاد، به بهار و نوروز بیشتر پرداخته اند.وی بیان می‌کند: پرداختن به نوروز و بهار علاوه بر درک زیبایی که جلوه‌ای از جمال الهی است، برای عارفان بسیار حیرت انگیز و فصل شادی و انبساط خاطر است. وی با اشاره به این که شاعران بسیاری هم چون حکیم عمر خیام، قاآنی، ملک الشعرای بهار و میرزاده عشقی به نوروز پرداخته‌اند، اظهار می‌دارد: عمر خیام و میرزاده عشقی در نوروزنامه‌های خود به وصف نوروز پرداخته‌اند و قاآنی نیز علاوه بر نوروز به هفت سین نیز در اشعار خود اشاره کرده است.

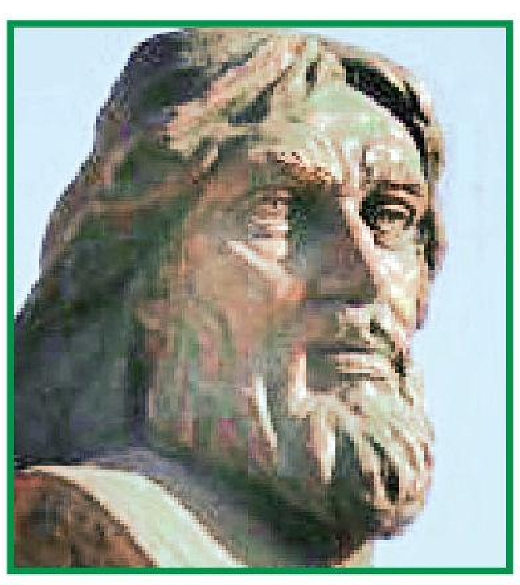
سین ساغر بس بود ما را در این نوروز روز
گو نباشد هفت سین رندان درد آشام را

وی می‌گوید: بنابراین عید نوروز در نظر ایرانیان لحظه زایش و رویش است. حاتمی تصریح می‌کند: افراد حتی اگر ماتم زده باشند این آیین را بر سر آرامگاه عزیزانشان با سبزه، شیرینی و روشنی شمع برپا می‌کنند.وی اضافه می‌کند: این امر خود نشان از عمیق بودن باورهای ملی ایرانیان است که می‌خواهند دوام راستین فرهنگ خود را با پاس داشت جشن نوروز بر صحیفه عالم ثبت کنند.وی درباره پرداخت کم شاعران معاصر به آیین عید و نوروز اظهار می‌دارد: در شعر معاصر نمادهایی که در ذهن شاعر بیشتر جولان می‌دهد، نمادهایی از قبیل جهان‌شناسی، فلسفه وجود، روان کاوی، شناخت شناسی، مسائل سیاسی و اجتماعی است و گاهی هم به آیین‌های ملی و مذهبی اشاره دارد. وی اضافه می‌کند: در شعر معاصر از نوروز به عنوان روز دگردیسی، روز پوست انداختن، عوض شدن انسان‌ها یاد شده است.وی تصریح می‌کند: بنابراین باید گفت نوع نگاه شاعران امروز با گذشتگان فرق کرده است. در اشعار معاصر نیز به بهار اشاره شده است چنان که شاملو، فروغ، نیما و اخوان ثالث به آن پرداخته‌اند و ما آن‌ها را بیگانه با بهار نمی‌بینیم. یک کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی نیز با بیان این که نوروز با مفاهیمی چون زندگی جدید، روز نو، آرمان، جشن ملی و رویکرد نوین در زندگی فردی و اجتماعی انسان تعبیر می‌شود، می‌گوید: نوروز که با طبیعت و دیگر پدیده‌های آفرینش در چرخه زندگی و حیات همراه است نقطه تعادل وجود و آفرینش است. حسن اسعدی دلیل پرداخت شاعران به نوروز را در اشعارشان ایجاد تغییر، نگرش‌های نو، زیبایی و بزرگداشت فرهنگ ملی و ایرانی بیان می‌کند و می‌افزاید: شاعران نوروز را در مفاهیم آرمانی خود برای تشویق و ترغیب انسان‌ها به نگرش و تفکرات نو، دوری از کهنگی و رکود و ایجاد حرکت و پویایی و تلاش به کار گرفته اند.وی با بیان این که بیشترین طبیعت گرایی و پرداختن به بهار و نوروز را می‌توان در اشعار شاعران عهد سامانی و اوایل دوره سبک خراسانی هم چون رودکی، فرخی سیستانی، عنصری، منوچهری دامغانی و... دید، اظهار می‌دارد: اخوان ثالث، سهراب سپهری و... از جمله شاعران معاصر هستند که به نوروز در قالب مفاهیم نو شدن، آفرینش جدید، تعادل در خلقت، زیبایی و حرکت جدید پرداختند.استاد دانشگاه آزاد اسلامی شیروان نیز با بیان این که نوروز در واقع به جشن آغاز سال اطلاق می‌شود، می‌گوید: در زبان عربی به شکل پهلوی نوگ روز و در فارسی نوروز که معرب آن فیروز است، به کار رفته است. حسین اصغری می‌افزاید: درباره وجه تسمیه نوروز نیز در کتاب التفهیم ابوریحان بیرونی چنین آمده است که نوروز، نخستین روز از ماه فروردین است از آن روز تا ۵ روز پس از آن جشن برپا می‌کردند و پادشاهان به حقوق اطرافیان، مردم و بزرگان رسیدگی می‌کردند.وی تصریح می‌کند: در ایران قدیم نیز اول فروردین را وقت نزول فروهرها (فرشتگان) از آسمان می‌دانستند و جشن فروردگان برپا می‌کردند. وی اظهار می‌دارد: نوروز را می‌توان در اشعار شاعرانی چون منوچهری، مسعود سعد، نظامی انوری و... یافت.استاد زبان و ادبیات فارسی و دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد نیز با بیان این که جشن و شادی در سده‌های پیشین در میان ایرانیان نمودهای برجسته‌ای داشته است، به گونه‌ای که پیدایش جشن نوروز را به جمشید پادشاه اساطیری ایران نسبت داده اند، می‌گوید: از آن جایی که جشن نوروز، جشن رستاخیز طبیعت، تجدید زندگی و مایه نشاط و پویایی و شادابی است شاعران برجسته ایران به عید، بهار و طبیعت توجه ویژه‌ای داشته اند.جلیل مسعودی فرد می‌افزاید: از آغاز شعر فارسی شاعرانی هم چون رودکی، منوچهری و... به طبیعت نگاهی هنری افکنده‌اند و تصاویر زیبایی از فصل بهار در شعر آن‌ها انعکاس یافته است.وی تصریح می‌کند: حتی شاعر عارفی هم چون مولانا که بیشتر در عوالم روحانی خود مستغرق بود در غزلی خود را به عید نو شبیه می‌کند که آمده است تا قفل زندان را بشکند و همه جهان و جهانیان را از غم آزاد سازد:

باز آمدم چو عید نو تا قفل زندان بشکنم
وین چرخ مردم خوار را چنگال و دندان بشکنم















کوتاه و فشرده

روز بین‌المللی صلح

مجمع عمومی سازمان ملل در نشست ۴ اسفند
۱۳۸۸ (۲۳ فوریه ۲۰۱۰) ۲۱ ماه مارس را به‌عنوان
روز جهانی عید نوروز، با ریشهٔ ایرانی به‌رسمیت
شناخت و آن را در تقویم خود جای داد. در متن
به تصویب رسیده در مجمع عمومی سازمان ملل،
نوروز، جشنی با ریشه ایرانی که قدمتی بیش از ۳
هزار سال دارد و امروزه بیش از ۳۰۰ میلیون نفر آن
را جشن می گیرند توصیف شده‌است.

نوروز یکی از کهن ترین جشن‌های به جا مانده
از دوران باستان است. خاستگاه نوروز در ایران
باستان است و هنوز مردم مناطق مختلف فلات
ایران نوروز را جشن می گیرند. زمان برگزاری
نوروز، در آغاز فصل بهار است. نوروز در ایران و
افغانستان آغاز سال نو محسوب می‌شود و در برخی
دیگر از کشورها تعطیل رسمی است.

در اسلام و به ویژهٔ آیین تشیع به نوروز به عنوان
روزی خجسته نگاه شده است و بر گرامی داشتن
آن تأکید شده است. از دیدگاه شیعه، نوروز روز
ظهور امام زمان است. در حدیثی از امام صادق(ع)
آمده است:

«روز نوروز همان روزی است که خداوند در
آن از بندگانش پیمان گرفت که او را پرستش کنند
و هیچ چیزی را شریک او ندانند و این که به پیامبران
و اولیایش ایمان بیاورند و آن نخستین روزی است
که خورشید در آن طلوع کرده، و بادهای باردار
کننده در آن وزیده است و گلها و شکوفه‌های زمین
آفریده شده‌است. و آن روزیست که کشتی نوح(ع)
به کوه جودی قرار گرفت. و آن روزی است که در
آن قومی که از ترس مرگ از خانه‌های خود بیرون
آمدند و آنها هزارها نفر بودند پس خداوند آنها را
بمیراند و سپس آنها را در این روز زنده کرد. و آن
روزیست که جبرئیل بر پیامبر(ص) فرود آمد. و
آن همان روزی است که ابراهیم(ع) بت‌های قوم
خود را شکست. و آن همان روزی است که پیغمبر
خدا، امیرالمومنین علی(ع) را
بر دوش خود سوار
کرد تا بت‌های
قریش را از بالای
خانه خدا به پائین
انداخت و آنها را خرد
کرد...»

منطقه‌ای که در
آن جشن نوروز برگزار
می‌شد، امروزه شامل
چند کشور می‌شود و
همچنان در این کشورها
جشن گرفته می‌شود.
برخی آیین‌های نوروز
در این کشورها با هم متفاوت‌اند. در افغانستان در
نوروز سفره هفت‌میوه می چینند؛ اما ایران سفره
هفت سین می اندازند.

جغرافیای نوروز با نام نوروز یا مشابه آن، سراسر
خاورمیانه، بالکان، قزاقستان، تاتارستان، در آسیای
میانه چین شرقی (ترکستان چین)، سودان، زنگبار،
در آسیای کوچک سراسر قفقاز تا آستراخان و نیز
آمریکای شمالی، هندوستان، پاکستان، بنگلادش،
بوتان، نپال و تبت را شامل می‌شود.

همچنین کشورهایی مانند مصر و چین جزو
سرزمین‌هایی نیستند که در آنها نوروز جشن گرفته
می‌شد، اما امروزه جشن‌هایی مشابه جشن نوروز
در این کشورها برگزار می‌شود.

در تاریخ ۳۰ مارس ۲۰۰۹[۲۲] (۱۰ فروردین
۱۳۸۸)، پارلمان فدرال کانادا، اولین روز بهار هر
سال را به عنوان نوروز (Nowruz Day)، عید
ملی ایرانیان و بسیاری اقوام دیگر نامگذاری کرد.
در تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۱۰ نیز سازمان ملل متحد با
تصویب یک قطعنامه در مقر سازمان در نیویورک،
عید نوروز را به عنوان روز بین‌المللی نوروز و
فرهنگ صلح در جهان به رسمیت شناخت. مجمع
عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ سه شنبه ۴ اسفند
۱۳۸۸ برابر با ۲۳ فوریه ۲۰۱۰ با تصویب قطعنامه‌ای
روز ۲۱ مارس برابر با ۱ فروردین را در چارچوب
ماده ۴۹ و تحت عنوان فرهنگ صلح به عنوان روز
جهانی نوروز به تصویب رساند و در تقویم خود
جای داد. طی این اقدام که برای نخستین بار در
تاریخ این سازمان صورت گرفت، نوروز ایرانی
به‌عنوان یک مناسبت بین‌المللی به رسمیت شناخته
شد. بدین ترتیب، نخستین بار نوروز ۱۳۹۱ را در
صحن عمومی سازمان ملل و یونسکو به میزبانی
ایران جشن گرفتند. بان کی مون دبیر کل سازمان ملل
پیامی بدین مناسبت صادر کرد.





در متن به تصویب رسیده در مجمع عمومی سازمان ملل، نوروز، جشنی با ریشه ایرانی که قدمتی بیش از ۳ هزار سال دارد و امروزه بیش از ۳۰۰ میلیون نفر آن را جشن می‌گیرند توصیف شده‌است





از خاطرات دکتر شیرین بیانی

آن موقع‌ها رسم بر این بود...

اشاره: دکتر شیرین بیانی استاد دانشگاه تهران در گفتگویی به خاطرات نوجوانی خودش از ایام نوروز اشاره می کند که شنیدنی است...

*** دلچسب‌ترین خاطرات شما در خردسالی و نوجوانی چه بود؟**

از خاطره‌های از یادنرفتنی من، عید نوروز بود که طلیعهٔ آن از ابتدای اسفند در خانه نمودار می‌گشت. کار از خانه‌تکانی آغاز می‌شد، ولی ما بچه‌ها از نیمهٔ بهمن‌ماه شمارش معکوس را آغاز می‌کردیم. پرده‌ها و قالیچه‌ها و گاه قالیها شسته می‌شدند و نقره‌ها و بلورها جلا داده می‌شدند. تهیهٔ لباس نو برای ما بچه‌ها و حتی بزرگها و بخصوص کارکنان خانه، وقت و همّ بسیاری را می‌طلبید.

یکی از مهمترین کارها، پختن شیرینی عید بود که در خانهٔ ما با این انواع تهیه می‌شد: سوهان عسلی، نان برنجی، نان نخودچی، گوش‌فیل و نان‌پنجره‌ای.

مادربزرگم خورشیدکلاه خانم به جلو و بقیه به عقب کار را پیش می‌بردند. مادرم و خاله‌ام در کنار دست ایشان بودند.

*** بچه‌ها چه کار می‌کردند؟**

ما بچه‌ها کارمان این بود که در کنار دست آنان بایستیم و گاه نُکی به شیرینی‌های از قالب درآمده بزنیم که با چشم‌غرّه بخصوص مادرم روبرو می‌شدیم. بعد نوبت چیدن هفت‌سین بود که همه در آن شرکت می‌کردیم. سبزه دیر سبز می‌شد. دلیلش این بود که تا روز سیزده شاداب بماند.

*** در خلال این گفتگوها که قبل و بعد از عید نوروز جریان داشت، شاهد بودم که به این کارها تقید داشتید.**

درست است. همهٔ این مراسم را امروزه من هم به جا می‌آورم، به استثنای پختن شیرینی که هم سخت است، هم وقت‌گیر. در هر صورت، هر آنچه آموختم، ابتدا از مادربزرگم و سپس مادرم بود.

آن موقع‌ها رسم بر این بود که اول فروردین، برای صرف شام، همهٔ افراد خانواده از بزرگ و کوچک و بعضی دوستان نزدیک، در حدود چهل نفر و شاید هم بیشتر به خانهٔ ما می‌آمدند و غوغایی برپا می‌شد. پس از صرف شام که همه جمع بودند، پدربزرگم دسته‌ای اسکناس نو که ابتدا دو تومانی و چند سال بعد پنج تومانی بود، از جیب درمی‌آوردند و عیدی می‌دادند.

جوانان خانواده گاه تقلب می‌کردند و هریک چند بار طلب عیدی می‌نمودند و بدین گونه در آخر کار، گاه دسته اسکناس نو تمام می‌شد، و هنوز عده‌ای مانده بودند که عیدی خود را نگرفته بودند. آن وقت مادربزرگم می‌رفتند و دسته‌ای دیگر را می‌آوردند و به دست ایشان می‌دادند. در این مجلس خودمانی و پرشور و شادی، هرکس هنری داشت که بیشتر نواختن پیانو، یا دکلمه کردن شعری بود، به میان می‌آمد و بقیه را شادمان‌تر می‌کرد. شام سنّتی، سبزی پلو، ماهی و کوکو بود و میهمانان پس از صرف شام و گذراندن اولین روز سال نو با خوشی و خرّمی ما را ترک می‌کردند و البته مادربزرگم و مادرم خسته ولی خوشحال از اینکه میهمانی‌شان به خوبی برگزار شده، به استراحتگاه خود می‌رفتند.

*** عید دیگر چه خاطره‌ای با خود همراه داشت؟**

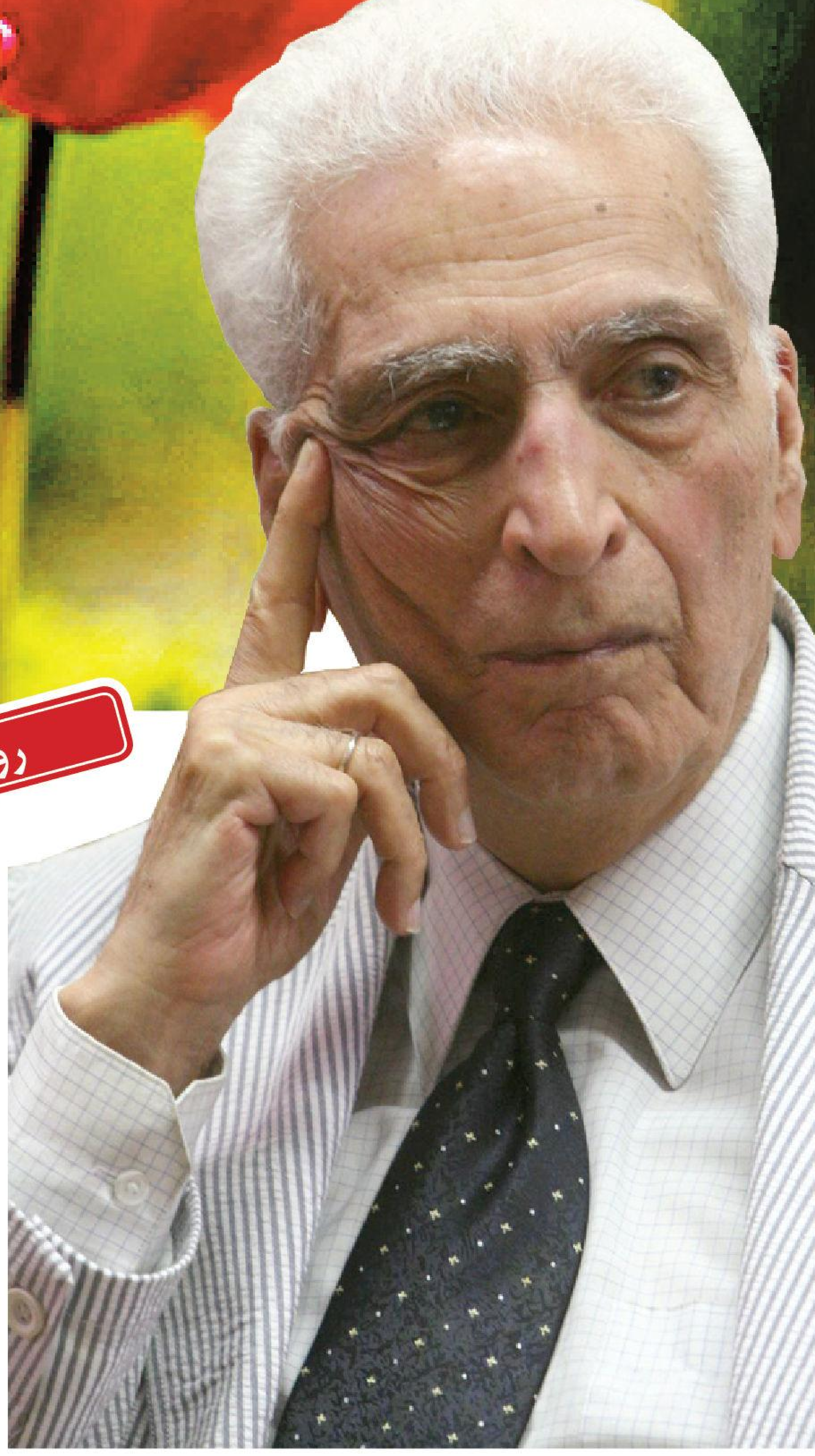
از خاطره‌های خوش دیگر قبل از عید، مراسم «چهارشنبه‌سوری» بود. در خانهٔ ما درختان کاج متعددی وجود داشت و از مدتها قبل از این تاریخ، ما بچه‌ها از انبار، گونی‌های مخصوص این کار را بیرون می‌آوردیم و به گردآوری گل کاج و برگ‌های سوزنی کاج می‌پرداختیم که به علت داشتن مادهٔ تره‌بانتین خیلی خوب می‌سوزد و حتی بوی خوشی نیز دارد.

از بعدازظهر آن روز پس از بازگشت از مدرسه، با کمک باغبان که راهروی باغ را آماده کرده بود، هفت بوتهٔ بزرگ ترتیب می‌دادیم. آن شب هم تعدادی میهمان به ما اضافه می‌شدند، و ترتیب رشته پلوی آخر سال داده می‌شد که همراه با کشمش و قیسی بود. مادربزرگم قبلاً دسته‌های فلزی کوچک آتش‌بازی را که پس از آتش زدن اطراف را ستاره‌باران می‌کرد، تهیه می‌کردند و به دست ما بچه‌ها می‌دادند. از ترقه خبری نبود! به قول معروف «تنگ غروب»، همه به باغ دعوت می‌شدند، بوته‌ها آتش زده می‌شد و صف برای پریدن از روی آتش کشیده می‌شد. صدای «سرخی تو از من، زردی من از تو» همراه با دود آتش که به آسمان می‌رفت و آتش‌بازی یا ستاره‌باران واقعاً عالمی داشت؛ و به ما بچه‌ها و همچنین بزرگترها خیلی خیلی خوش می‌گذشت. یادش به خیر باد!



یکی از مهمترین کارها، پختن شیرینی عید بود که در خانهٔ ما با این انواع تهیه می‌شد: سوهان عسلی، نان برنجی، نان نخودچی، گوش‌فیل و نان‌پنجره‌ای





روایت

روایت دکتر محمد علی اسلامی ندوشن

نوروز در قلب ایران

بهار، فصل خوش با اعتدال بود. درخت‌ها شکوفه می‌کرد، تک و توک مرغ‌ها می‌خواندند، و ده از سکوت سنگین زمستانی خود بیرون می‌آمد. یک درختِ به توی باغچهٔ ما بود و چیدن و خوردن شکوفهٔ به یکی از سَرگرمی‌های من بود، هم بوی خوش داشت و هم طعم خوش، ولی شکوفه‌های دیگر تلخ بودند. آنگاه مرغ کوکو (فاخته) می‌آمد و روی تیرهای بادگیر می‌نشست و لاینقطع کوکو می‌کرد. می‌گفتند با صدای او توت می‌رسد، و من روزشماری می‌کردم برای رسیدن توت. مرغی غمناک‌تر، یکنواخت‌تر از کوکو نبود. پشت هم، با تکرار خستگی ناپذیری صدا می‌داد، همان یک‌صدا، بهار، شوریده حالش کرده بود و در جستجوی جفت بود.

طلیعهٔ بهار از همان اسفند شروع می‌شد که خود ماه با نشاطی بود، زیرا نوید گشایش و هوای خوش می‌داد. محیط، از پوست زمستانی عبوس خود خارج می‌گشت. زمین نفس می‌کشید و آهسته آهسته خود را بیدار می‌کرد.

در آن دوران که مردم هنوز بی‌واسطه با طبیعت سروکار داشتند، و صنعت در میان آنها و آنان حایل نشده بود، هر گردش فصل و تغییر سیمای طبیعت، مفهوم خاص خود داشت؛ و این تغییر، حال مردم را نیز تغییر می‌داد. هوای خوش و ناخوش خیلی نافذتر و چیره‌تر از امروز بود، همین گونه شب و روز. نه برق بود و نه دستگاه گرم‌کننده و نه «کولر». انسان، مستقیم و بیدرنگ به آغوش طبیعت می‌رفت. علامت اسفند آن بود که هر سال، روز اول اسفند، یک دسته نرگس از یکی از مزارع مجاور برای ما می‌آوردند. آنجا چون هوایش از کبوده گرم‌تر بود، گل‌ها زودتر می‌آمدند. مادرم آن را توی یک لیوان آب می‌گذاشت و صبح می‌آورد سرصبحانه، با این منظرهٔ گل به ما یادآوری می‌شد که فصل، در کار تغییر است.

ماه اسفند، این تحول را در برنامهٔ روزانه پیش می‌آورد که لااقل نیمهٔ دوم آن به آماده شدن برای سال نو می‌گذشت. خانه تکانی آغاز می‌گشت. رفت و آمدهای تازه‌ای سکون زمستانی را در هم می‌شکست. هم بوی و هم رنگ هوا تغییر کرده بود. ماهی بود که رو به آینده داشت، نه چون پائیز که با همهٔ زیبائی حزن آلوده‌ای که دارد، چون طلیعه‌گر مشقّت و مسکنت زمستان و یادآور پایان عمر است، در ادبیّات ما نامطبوع شناخته شده است.

از بیست و پنجم اسفند دیگر زمستان رفته و بهار سر زده بود. پنج روز آخر اسفند را «پنجه» می‌گفتیم، که از قدیم‌ترین زمان از روزهای پر معنای سال بوده بود، زیرا می‌بایست مقّدمات آمدن نوروز را فراهم کند. این نوروز، به هر حال و در هر خانه، ولو با مقداری گرفتاری، عادت شده بود و جزو حکم بود که امید تازه برانگیزد.

در کنار خانه تکانی، سایر نظافت‌های گاه‌بگاهی نیز که در طّی سال نشده بود، می‌شد: چراغ‌ها و لامپاها، سماور، و شیشه‌های پنجره و ظرف‌های مس را می‌دادند سفید کنند. همهٔ گوشه‌های دور دست منزل رُفته می‌شد. رخت‌های بهاری را می‌شستند و روی بند می‌انداختند، و آنگاه تهیهٔ خوراکی‌های خاصّ نوروز بود.

شیرینی که به آن «حلوا» می‌گفتند البته از شهر آورده می‌شد. ولی این شیرینی پادزهری داشت که می‌بایست آن را در همان خانه تهیه کرد و آن عبارت بود از آنچه که در مجموع «آب کرده» می‌گفتند، یعنی میوه‌های خشک ترش و شیرین چون آلو، قیسی، آلبالو، برگهٔ شفتالو و زردآلو که در آب خیس می‌شد. از این «آب کرده» رسم بود که یک‌لیوان به هر مهمانی که وارد خانه می‌شد خورانده شود، زیرا فرض بر این بود که اشخاص با خوردن شیرینی و تنقّلات گرمیشان می‌کند، و نوشابهٔ میوهٔ خشک، آن گرمی را دفع خواهد نمود. بنابراین تغارهائی توی خانه بود، مخصوص این کار، و کمچه‌ای روی آن که در آن می‌زدند و توی نیم کاسه یا لیوان برای تازه وارد می‌آوردند.

در کنار شیرینی‌هایی که از «شارسان» آورده می‌شد، مادر و خواهرم یک نوع شیرینی می‌پختند که ظریف و خوشمزه بود، با بهترین مواد: روغن خوب و مغزهای مختلف و آرد، و آن عبارت از گوش فیل‌های خیلی نازک پهن بود، تُرد، که به اندک اشاره شکسته می‌شد، و علاوه برطعم خوش، ریزه‌های مغز پسته که روی آن پاشیده می‌شد، همراه با خاکهٔ سفید قند، رنگ سبز و سفید زیبائی نیز به آن می‌بخشید. چند تای آن را که توی قاب می‌گذاشتند به علت حجم پف کرده‌ای که داشت، یک طبق جلوه می‌کرد.

روز اول اسفند هر سال، طبق یک سنّت، در بسیاری از خانه‌ها آش جو می‌پختند. ما این کار را نمی‌کردیم، زیرا تفصیل داشت و خورندهٔ چندانی هم در خانه نبود، ولی یکی از همسایگان‌ما که زن بیوه‌ای بود این سنّت را با آب و تاب به جا می‌آورد و هر ساله، یک قدح بزرگ از این آش را برای ما می‌فرستاد. صبح زود، آن را سر دست وارد می‌کردند، و می‌توان گفت کمتر به عمرم چیزی نظیر آن دیده‌ام (لااقل در



ذائقه کودکانهٔ من اینطور مانده). از شب پیش طبخ آن آغاز می گشته بود، توی تنوری که آتش خلوارهٔ مفصّل داشت، و برافروختگیش از میان رفته بود. در دیگ علاوه بر جو، انواع بقولات و گوشت و کلّه، و چاشنی هائی چون رُب انار (با چغندر) و آلو و به و مغز بادام و مغز پسته و زردآلو و مغز شیرین کردهٔ شفتالو همراه با دارچین و ادویّه‌های گوناگون می ریختند که همگی با آتش خواب، پخته شده لعاب می کرد. این دیگ می‌بایست درش کاملاً بسته باشد، و روی در آن هم خلوارهٔ آتش می ریختند، بدانگونه که در واقع می شود گفت لااقل ده ساعت لای آتش دفن می شد. طعم شیرین و ترش و چرب باهم داشت که هر یک دیگری را در آن واحد، خنثی و برجسته می کرد.

آن روز صبح تنها صبحی از سال بود که همگی صبحانهٔ مفصل می خوردند، با این آش، که می توان گفت نشانهٔ وداع با زمستان بود و آخرین غذای گرم کننده.

یک یا دو روز پیش از رسیدن عید، چار وادارهای زغال کش که از شهر می رسیدند، بارشان شیرین و سورسات عید بود. عطّارها می دادند خرما و کشمش و نخودچی و انجیر و حلواهای ارزان قیمتی که از شیرهٔ انگور و مغز گردو درست می شد، بیاورند، که به مصرف عید فقیرترها می رسید، زیرا آنها دسترسی به خرید حلوای اصلی نداشتند. بنابراین این کاروانِ پیش از شب عید، کاروان مخصوصی بود. علاوه بر آن، مقدار اَضافه‌تری قند و چای و ادویّه و پارچه با خود می‌آورد. شیرین کنندهٔ کام و نو نوار کنندهٔ کسانی بود که در ده دستشان به دهنشان می رسید. شیرینی در زندگی مردم آن زمان اهمیت بسیار داشت، زیرا خیلی کمتر از آنچه بدن احتیاج داشت به آن می رسید. به چربی، به علّت وجود گوسفند کم و بیش دسترسی بود، ولی شیرینی جز و نوادر به شمار می رفت. از این رو وجود آن با عید و عیش و عروسی و سور وابسته شده بود.

در نزد «رعیت‌ها» شیرینی های ساخته شده از شکر که گرانقیمت بود، جای خود را به شیرینی های طبیعی، که در آن زمان برخلاف امروز خیلی ارزان‌تر از قند بود، می داد، چون خرما و کشمش و انجیر و شیرهٔ انگور.

اکثریّت مردم ده شاید در تمام عمر خود، هرگز از این شیرینی شهری نمی چشیدند، و نمی دانستند چه مزه می دهد، به استثنای نُقل که رایج‌تر بود، و در عروسی‌ها به کار می رفت.

پنج روز «پنجه» در خانهٔ ما کارهای عید تهیّه دیده می شد. نخستین نشانهٔ عید با رسیدن نخستین شیر آغوز (ماک) که از صحرا می آوردند، آغاز می گشت. این شیر را کمی می جوشاندند که سفت می شد، مانند ماست، و آن را در اصطلاح محلّی «فلّه» می خواندند. طعمی نه ترش، بلکه روغنی داشت، و بسیار خوشمزه و مقوّی بود. همان هفتهٔ اوّل زایمان، شیر بز را می دوشید به این صورت درآورد، بعد از آن دیگر به مصرف ماست می رسید.

از شیر نخستین گوسفندانی که زائیده بودند «فلّه» برای ارباب‌ها فرستاده می شد، زیرا یُمن داشت که روز نوروز «سفیدی» بر سر سفره باشد. ما خودمان گوسفند صحرائی نداشتیم، اما از گلهٔ خویشاوندان، برای ما نیز آورده می شد.

رسم بر این بود که تشریفات عید به بهترین نحو ممکن انجام گیرد. نوعی ماهیّت مذهبی پیدا کرده بود، یعنی رعایتش به همان اندازهٔ مناسک مذهبی واجب شمرده می شد. آدابی که در کبوده به کار می رفت، نسبت به آنچه من بعد در تهران دیدم، گمان می کنم که ریشهٔ قدیمی‌تر و دست نخورده‌تر داشت. مثلاً ما هفت‌سین نمی شناختیم.

روز عید، چنانکه در سراسر ایران رسم است، شرط اوّل نظافت بود. همه می‌بایست به حمّام رفته و نوترین لباس خود را در بر کرده باشند. زن‌ها با زینت‌هائی بر خود.

پدرم که همیشه نظیف و منظّم بود، لباس پاکیزهٔ خود را به تن می کرد. در زمان من دیگر کت و شلوار بود. مادرم سراپا



در لباس نو می رفت. نو نه بدان معنا که همان سال دوخته شده باشد، منظور آن است که از لای بقچه بیرون آمده و خیلی کم به تن شده بود. بوی گل سرخ و بیدمشک که لای آنها خوابانده شده بود، می داد.

سماور جوش می زد و می بایست چای دم باشد. حلواهائی را هم که از شهر آورده بودند، چیده شده بود که عبارت بود از: پشمک و نان برنجی، به اضافهٔ گوش فیل خانگی.

ساعتی قبل از گردش سال، مادرم وضو گرفته کتاب دعای خود را به دست می گرفت و آهسته و زیر لب شروع به خواندن می کرد. در واقع «مقدّس» خانه او بود، و هیچ رسمی از رسوم را بدون دعا و قرآن برگزار نمی کرد، چه شادی و چه سوگ. پوشیده در جامهٔ سفید با صورت گل انداخته از ایمان، جلوهٔ روحانی‌ای به خود می گرفت که ما را نیز تحت تأثیر قرار می داد. دعای گردش سال خوانده می شد:... یا محوّل الحول و الاحوال، حوّل حالنا الی احسن الحال. همگی امیدوار بودند که سالی بهتر از سال پیش داشته باشند. اگر قرینهٔ دیگری بود، لااقل هوای خوش بهاری این خوشبینی را تأیید می کرد.

به محض آنکه سال نو می شد، صدای تیر به گوش می رسید، و ما فرزندان، دست پدر و مادر خود را می بوسیدیم و آنها صورت ما را. چند کلمهٔ آرزومندی ردّ و بدل می گشت. بعد هر کسی کمی شیرینی می خورد که جزو واجبات بود. آنگاه آب جوش و چای. آب جوش شاید برای آنکه بی رنگ و پاکیزه و طبیعی بود.

در آن ساعت سعی می شد که حتّی درد و نگرانی‌ها فراموش شود، هر کسی خود را تندرست و امیدوار بینگارد. هزاران سال، همین بهار و همین مردم با همین امید بود بودند. لحظه‌های آشتی میان انسان و طبیعت بود؛ طبیعت که قهّار بود و بر جای می ماند و الحان که گزند پذیر بود و می رفت.

پدرم نیز، با همهٔ ناخوش احوالی خود را شاد و خندان نگاه می داشت. از عیدی، به مفهوم رایج امروز آن خبری نبود، زیرا به هیچ وجه در نزد ما رسم نبود که از جانب پدر و مادر به فرزند پول داده شود و چیزی هم در ده یافت نمی شد که بتوان خرید و عیدی داد. بنابراین از آن در می گذشتند.

ساعتی بعد دید و بازدید شروع می شد. عمّه‌ها و عمه‌زاده‌های من می آمدند و «عید شما مبارک» و «صد سال به این سال‌ها» ردّ و بدل می گشت. «تبریک عرض می کنم» اصطلاح تهران و اصطلاح متصنعّ شهری بود که من هرگز در آنجا نشنیدم.

ناهار روز عید در خانهٔ ما هر سال همان بود: آبگوشت خروس با چلو سفید. کشتن خروس در صبح عید گویا یک رسم کهنسال بود که در خانوادهٔ من حفظ شده بود. گمان نمی کنم که در خانه‌های دیگران به این رسم پای‌بند بودند. زیرا به طور کلّی گوشت خروس تنها برای بیمار توصیه می شد.

در طی چند روز اوّل عید، دیدارهای دیگر هم بود. از جمله کسانی که می آمدند عبارت بودند از حمّامی و دلاک و مامای سابق و دشتبان ... نوع کسانی که در خدمت عمومی ده بودند. اینها آمده هریک چند دقیقه‌ای می نشستند و شیرینی و «آب کرده» می خوردند و عیدی می گرفتند و می رفتند.

خان‌ها در حالی که لباس نو یا نوتر خود را در برداشتند، جیب‌های خود را از آجیل شیرین (نخود و کشمش و انجیر و خرما) و یا تخمه و پسته می انباشتند و توی کوچه‌ها ولو می شدند. چند روز اوّل فروردین، روزهای عطالت و خوشگذرانی بود، هر طبقه به قدر وسع خود، رعیّت‌ها هم آن «لک‌لک» مشقت‌باری را که طّی سال داشتند چند روزی کنار می گَذاشتند. روی میدان‌ها و چارراه‌ها جمع می شدند، مصافحه می کردند و «مبارک باد» می گفتند و سینه‌کش آفتاب می نشستند به حرف زدن، زیرا هنوز هوا دم به سردی می زد و آفتاب مطبوع بود.

تنها همین چند روز بود که ده حالت سبک، بی غم، و آسوده به خود می گرفت بسیاری از کسانی که توی کوچه به آنها برمی خوردید، دهن‌هایشان می جنبید، که نوعی آجیل می جویدند، البتّه مردها. زن‌ها رسم نبود که در ملاءعام چیز بخورند. قدم‌ها بی‌هدف و آهسته‌تر برداشته می شد، گشاد گشاد راه می رفتند، خنده بر چهره‌ها دیده می شد و گاهی شوخی ضمن حرف‌ها می آمد.

برای خان‌ها، مقداری بازی نیز به دنبال خوردن می آمد. به طور طبیعی و ناآگاه می‌بایست شیرینی و آجیل و غذای اضافه بر معمول خورده شده را در تقّلائی مصرف کرد و آن «گوی بازی» بود که روزانه لااقل تا ۱۳ فروردین ادامه می یافت. در جائی که فضای نسبتاً وسیعی داشته باشد، میدان ده یا زمین‌های افتادهٔ بیرون آبادی، جمع می شدند، به دو دسته تقسیم می گشتند و به گوی زدن می پرداختند.

این شاید ساده شده و تغییر شکل یافتهٔ همان چوگان بازی کهن بود. گوی که به اندازهٔ یک پرتقال بود از کهنهٔ به هم پیچیده شده درست می شد، و روی آن را با نخ می بافتند که مقاوم بماند. چوگان که آن را «چفته» می گفتند یک تکه چوب راست و سبک بود، به بلندی عصا و کلفتی یک مچ دست. دستهٔ برنده، گوی را با چوگان پرتاب می کرد که می بایست دستهٔ بازنده بدود و آن را جمع کند، و این وضع ادامه می یافت تا دستهٔ بازنده با شرایطی برنده شود و آنگاه قضیّه وارونه گردد. کوشش در برنده بودن برای حفظ «پرستیژ» بود، وگرنه تفاوت چندانی در ماهیّت پدید نمی آمد. در این ضمن البتّه مقدار زیادی هیاهو و رجزخوانی و چانه زدن هم وجود داشت. از نظر روانی دسته‌ای که در محّل «بُرد» قرار داشت، آقا و مسلّط شناخته می شد و دستهٔ مقابل زیردست. تا اندازه‌ای چالاکی و هنر جسمانی جوانان و مردان ده در این گوی بازی شناخته می شد، و نیز قدرت زبان‌آوری و چانه زدن آنها، که بتوانند یک مورد مشکوک را با زرنگی به نفع دستهٔ خود بر کرسی بنشانند.





پیوند با تاریخ

■ **نرگس احساندار**

نوروز جشنی به درازای تاریخ تمدن بشری است. جشنی ۳ هزار ساله که در میان همه اقوام ایرانی در هر کجای این کره‌خاکی به‌عنوان بزرگترین عید سال جایگاه ویژه‌ای دارد. ایرانیان باستان برای زدودن غم و غصه از روح و جان جشن‌هایی برپا کرده‌اند و بدین‌وسیله افکار بد و زهرآگین را از روح و جسم خود پاک کرده و خود را برای کارهای سخت روزهای پس از عید و جشن آماده می‌کردند. نوروز تنها حاصل رنگارنگ پوشیدن، شربت و شیرینی و غذاهای متنوع خوردن، به سیاحت و تفرج پرداختن، سبزه روباندن و سفره هفت‌سین چیدن نیست. بلکه عید واقعی تطهیر نفس از ناپاکی‌ها، تمرین صبر و استقامت و شکستن غرور و خودخواهی است.

درباره پیوند نوروز با دین اسلام و مذهب تشیع نیز همین بس که پس از گذشت ۱۵ قرن از حضور سرافراز اسلام در ایران، این نماد ملی همچنان باقی است.

نوروزعلاوه‌بر کشورمان ایران‌دربسیاری‌ازکشورهای آسیای‌مرکزی از جمله تاجیکستان، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، افغانستان و بخشی از چین، پاکستان، ترکیه، سوریه، لبنان، عراق و... برگزار می‌شود.

در اینجا به برگزاری مراسم عید نوروز در برخی از کشورها به‌طور خلاصه اشاره می‌شود:

جمهوری آذربایجان

عید نوروز سال‌ها است در جمهوری آذربایجان برگزار شده است و مردم برخی از احساسات بشردوستانه و جهان‌بینی خود را با این جشنواره مربوط می‌دانند.

مردم جمهوری آذربایجان به واسطه اعتقادات شدید به آئین و مراسم نوروز، برای باشکوه‌تر شدن جشن نوروز تدارک ویژه‌ای می‌بینند. از قبیل سرودن ترانه‌های مخصوص این ایام، تدارک شادی ایام نوروز، تهیه لوازم و وسایل مورد نیاز سفره نوروز، ستایش و نفرین‌های نوروزی، پند و امثال نوروزی، اعتقادات نوروزی و آئین و مراسم نوروزی.

در میان عادات نوروزی مراسم خاطره‌انگیزی همچون ارسال خوان سمنو، انداختن کلاه پوستین به درها، آویزان کردن کیسه و توبره از سوراخ در شب عید و درخواست تحفه عید در این سرزمین مرسوم است.

قزاقستان

مردم قزاقستان نوروز را اعتدال بهاری می‌دانند و بر این باور هستند که در این روز ستاره‌های آسمانی به نقطه ابتدایی می‌رسند و همه جا تازه می‌شوند و روی زمین شادمانی برقرار می‌شود. همچنین قزاق‌ها معتقد هستند که نوروز آغاز سال است و در میان آنان عبارات زیبایی درباره نوروز وجود دارد. نوروز روزی است که یک سال منتظرش بوده‌اند، نوروز روزی است که خیر بر زمین فرود آمده و بالاخره نوروز روزی است که سنگ‌نیلگون سمرقند آب می‌شود. مردم قزاق معتقدند که تمیزی و نظافت خانه در آغاز سال نو باعث می‌شود که افراد آن خانه دچار بیماری و بدبختی نشوند، آنان بر این مسئله ایمان دارند و آن را هر ساله رعایت می‌کنند. نوروز برای قزاق‌ها بسیار مقدس است و اگر در این روز باران یا برف ببارد آن را به فال نیک گرفته و معتقد هستند سال خوبی پیش‌رو خواهند داشت. در عید نوروز مردم لباس نو و به رنگ سفید به تن می‌کنند که نشانه شادمانی است. دید و بازدید اقوام با زدن شانه‌ها به یکدیگر از آئین و رسوم مردم قزاق در ایام نوروز می‌باشد. همچنین پختن غذایی به نام نوروز گوژه (کوژه =آش که تهیه آن به معنی خداحافظی با زمستان و غذاهای زمستانی است و از هفت نوع ماده غذایی تهیه می‌شود، جزء آئین و رسوم این سرزمین می‌باشد.

تاجیکستان

عید نوروز برای مردم تاجیکستان عید ملی اجداد است. از آن به‌عنوان رمز دوستی و زنده شدن کل موجودات یاد می‌کنند و به اسم «خیدیر ایام» یعنی عید بزرگ معروف است. قبل از شروع عید نوروز وقتی خورشید به اندازه یک سر نیزه بالا آمد، دو جاروی سرخ‌رنگ را که در فصل پائیز از کوه جمع‌آوری کرده‌اند به شکل ایستاده در جلوی در خانه می‌گذارند، زیرا رنگ سرخ برای این مردم رمز نیکی و پیروزی و برکت است. پس از طلوع کامل خورشید هر خانواده‌ای سعی دارد. هر چه زودتر وسایل خانه را بیرون آورده و یک پارچه قرمز را بالای سردر ورودی خانه بیاویزد که این معنی همان رمز نیکی و خوشی ایام سال را دارد. آنها وسایل داخل خانه را به‌طور مرتب چیده و با باز کردن در و پنجره به نوعی هوای نوروزی و بهاری را که معتقد هستند حاصل برکت و شادی است وارد خانه می‌کنند.

ترکمنستان

در کشور ترکمنستان طبق رسم قدیم و جدید دو بار در سال جشن نو گرفته می‌شود. یکی از این جشن‌ها با استناد به تقویم میلادی که به تأیید سازمان ملل رسیده به‌عنوان جشن بین‌المللی (سال نو) شناخته می‌شود. جشن دیگر (برگزاری عید نوروز) نشانه احیاء دوباره آداب و رسوم دیرینه مردم ترکمنستان است. در این ایام مسابقه‌های مختلفی در ترکمنستان چون اسب‌دوانی، کشتی، پرش برای گرفتن دستمالی باشد، شطرنج، تاب‌بازی و... برگزار می‌شود.

قرقیزستان

عید نوروز در قرقیزستان تنها یک روز آن هم در روز اول یا دوم فروردین ماه است که به ۲۹ روز با ۳۰ روز بودن اسفند بستگی دارد. پیش از فروپاشی شوروی سابق این مراسم به‌دست فراموشی سپرده شده بود ولی بعد از آن دوباره حیات یافت و هر ساله باشکوه‌تر از قبل برگزار می‌شود.

نوروز در پاکستان

در پاکستان نوروز را عالم افروز یعنی روز تازه رسیده که با ورود خود جهان را روشن و درخشان می‌کند می‌نامند.

در ایام نوروز مردم پاکستان از گفتار نامناسب پرهیز نموده و یکدیگر را با احترام و اخلاص نام می‌برند. پاکستانی‌ها بر این باورند که مقصد نوروز، امیدواری و در امن و صلح و آشتی نگه داشتن جهان اسلام و عالم انسانیت است. تا آنجا که آزادی و آزادگی، خوشبختی و کامیابی، محبت و دوستی و برادری و برابری همچون بوی خوش گل‌های بهاری در دل و جان مردمان جایگزین می‌گردد.

افغانستان

عید نوروز در افغانستان با آداب دینی مردم پیوند خورده است. باشکوه‌ترین بخش جشن نوروزی در این کشور همه‌ساله در شمال آن و در شهر مزار شریف رخ می‌دهد. به باور مردم افغان، مدفن مولا علی در این شهر است و هر ساله مراسمی در نخستین روز سال نو، به‌عنوان «میله گل سرخ» در مزار شریف و در حرم حضرت علی(ع) در این شهر برگزار می‌شود. در بخش‌های کردنشین کشورهای عراق و ترکیه در روز اول فروردین (۲۱ مارس) نوروز برگزار می‌شود. برگزاری جشن نوروزی همچنین در زنگبار واقع در آفریقای‌شرقی که در قدیم سکونتگاه ایرانیان مهاجر بوده رواج دارد.

فصل تدبیر و تحول

■ علی اکبرجعفری ندوشن



بهار طلیعه دوباره زندگی و زایش و رویش مجدد است و «نوروز» و فرارسیدن سال نو، به معنای پایان یافتن سرما، سردی، خشکی و بیحاصلی زمین است، نوروز فصل نوازش سرود زندگی و دمیدن روح بیداری در جسم خفته و پژمرده طبیعت است. به هنگامه بهار که در سیمای درختان کهنسال می‌نگریم گویا شاخه، ساقه، ریشه و خاک همگی مشحون از ذخیره حیاتند. این درختان چند صدساله که در طلیعه بهار با تُرد و تَر شدن شاخه‌هایشان شکوفه باران می‌شوند و همچون نوعروسان مهتاب روی، رنگ و رخ باروری به خود می‌گیرند و از ریشه وکنده کهنه اشان حیات دوباره می‌تراود از چنان اکسیر حیات بخشی بهره‌مندند که دراین فصل چنین جان‌های خسته و فرسوده اشان را زندگی می‌بخشد و در اوج ناتوانی وکهولت به حیات و نشاط دوباره شان امیدوار می‌سازد. از این رو در ضمیر ناخودآگاه مردم ما، همزمانی و پیوند ناگسستنی آغاز سال نو و «نوروز» با شکوفایی مجدد طبیعت و جوانه زدن سبزه و شکوفه، تولد و تحول مجدد تجسم می‌یابد. در دعای لحظه تحویل سال از خدا می‌خواهیم ما را چون طبیعت متحول کند و گویا به خود نهیب می‌زنیم که سرنوشت ما نیز باید از طبیعت اطرافمان تاثیر پذیرد و فارغ از کهنگی‌ها و ناکامی‌های گذشته، همراه با طبیعت، زندگی را از سر بگیرد، طبیعتی که زاینده و رونده و گشاینده بسیاری از فرصت‌های جدید است چرا نتواند نشاط و انبساط و ابتهاج در زندگی آدمی بیافریند.

روزهای بهاری این ویژگی را دارند که چشم و گوش انسان را باز و تیز می‌کنند تا گذر زمان را روشن و واضح‌تر ببیند و بشنود. طبیعت در بهار زنده می‌شود و به آدمی یادآوری می‌کند که نو به نو شدن در ذات و نهاد او نیز پنهان شده و همتی باید کند تا آن را از قوه به فعل درآورد.

«نوروز» که ما را به تماشا و تأسی از طبیعت فرا می‌خواند از غلبه سبزه و شکوفه و شادی پرستوها بر سرما و یخ و برف، شاهد می‌آورد و تذکار می‌دهد که بدون سخت جانی و تأمل و بردباری و آگاهی بذرها و جوانه‌های مانده در رگ گیاه، طراوت و سرسبزی بر پا نمی‌گردد و زینهار می‌دهدکه تغییر و تحول و تکامل آدمی نیز بی‌صبر و تدبیر و تحمل حاصل نمی‌شود.

خوشبختی نوع انسان، یکی هم این است که زمان، پیر و جوان، فقیر وغنی، دانشمند و عامی و... را یکسان نگاه می‌کندو با گذشت یکسال، حصه‌ای همسان از عمر همه می‌ستاند. آدمی هیچ گاه و با هر میزان اقتدار و شکوه چنان نیرومند نشده که این قوه قاهره زمان را مقهور خویش کند و این برابری را در طبیعت بهم ریزد که اگر این گونه بود، حتما روزگار بر آدمیان سخت‌تر می‌گذشت و ناتوانان رنج بیشتری می‌بردند و تواناترها عرصه زندگی را برآنها تنگ‌تر می‌کردند. از این رو گذشت یکسال از عمر مقدّر بیش از حسرت و افسوس، شاید فرصتی باشد که هر کس از دولتمرد گرفته تا کارگر و کارمند، استاد و دانشجو، شاغل و بیکار،... دقایقی را به کارنامه سال سپری شده اختصاص دهند و چشم‌انداز و افق آینده را نیز نگاه کنند. حتما در این ارزیابی، روزهای اندوهبار و ناراحت کننده در کنار روزهای شاد و بالنده را با دقت بیشتر در برابر دیدگان خواهند آورد و نارسایی و کاستی‌ها را در کنار کامیابی‌ها قرار خواهند داد.

زندگی بدون فراز و فرود نبوده و نخواهد بود و مسئولیت و تعهد در ذات آن قرار دارد و هر کسی به میزانی که اختیار و وظیفه دارد، باید برای آسایش همنوعان تلاش کند. می‌توان این موعد تحویل سال را آغاز برنامه‌ای روشنتر از روزهای در پیش زندگی قرار داد و به اتکا همه داشته‌ها و ناداشته‌های، سال پیش رو را آگاهانه‌تر پیمود.

ایرانیان در روزهای آغازین بهار در خلوت خود و دیگران، بهترین آرزوها می‌کنند. نگارنده نیز آرزوی بزرگش این است که این کشور مسیر رشد و توسعه را با دانش و آگاهی در پی گیرد و روحیه کار و تلاش مثمر درآن تقویت گردد و از اختلافات فرساینده مصون بماند.



روزگار گذشته

عیدی یک «شاهی» بود

از خاطرات زنده یاد دکتر حسن احمدی گیوی

عید در روزگار ما با عید در این روزگار به کلی متفاوت بود. چهارشنبه سوری از نظر ما یک رویداد بزرگ بود. جالب است بدانید که در محال ما خلخال و گیوی، تمام چهارشنبه‌های ماه اسفند بزرگ و مهم شمرده می‌شد و مراسم داشت، اما چهارشنبه آخر مفصل‌تر بود. علاوه بر آتش افروزی، ما بحث پریدن از آب رودخانه را هم داشتیم. عقیده ما بر این بود که اگر از روی آب بپریم، درد و بلای یک سال را آب از ما خواهد گرفت و با خود خواهد برد. دختران جوان هم با نیت گشایش بخت، آب را قیچی می‌کردند. پیر مردان هم، با سیخ‌های تنوری گرد خانه‌هایشان را خط می‌کشیدند که مفهومش این بود که: این خانه از بلاهای انس و جن و زمین و آسمان مصون باشد.

اما عید داستان دیگری بود. لباس نوبر تن همه دیده می‌شد و مهم‌تر از آن، دید و بازیدها بود. بدون استثنا، همه به دیدن هم می‌رفتند بزرگترها ما کودکان را به خانه همه آشنایان می‌بردند ولی به خانه غریبه‌ها بچه نمی‌بردند و خودشان می‌رفتند. در هر خانه‌ای، به بچه‌ها عیدی داده می‌شد. عیدی دوران کودکی ما یک شاهی بود. یک شاهی کمترین واحد پول بود که می‌شد با آن یک تخم‌مرغ خرید و ۲۰ گردو. با یک ریال یا یک قران هم می‌شد ۲۰ تخم مرغ خرید. به یک تومان هم ۲۰۰ تا تخم مرغ می‌دادند. پس یک شاهی یا دو شاهی عیدی، پول کمی نبود و ما می‌توانستیم با چند شاهی ایام عید، تا مدتها سلطنت کنیم و در درون خودمان احساس عیش و عشرت داشته باشیم. از مراسم‌ها یا بازی‌های متعارف عید، تخم مرغ بازی بود که مخصوص جوانها و نوجوانها بود ولی گاهی بزرگترها هم از باب تیمّن و تبرّک در آن شرکت می‌کردند!! من در یکی از عیدها، یک بستو تخم مرغ بردم که حدود ۷۰ عدد بود. البته چون این همه تخم مرغ را نمی‌شد خورد، متأسفانه همه آنها فاسد شد و از بین رفت!

یکی از مهم‌ترین ویژگی آمدن عید، رفتن کدورت‌ها و کینه‌ها بود. واقعاً مردم عید را بهانه می‌کردند و هر کینه و کدورتی از هم داشتند، کنار می‌گذاشتند. این کار با رفتن به منزل‌ها بود و هر کس که به خانه کسی می‌رفت، آشتی صورت می‌گرفت. نکته این است که اصلاً مردم به خانه همدیگر نرفتن را «بدیُمن» می‌دانستند. و همین موضوع سبب می‌شد که ناراحتی‌ها و کدورتها خود به خود از بین برود.

عید، جشن رونمایی از خوراکی‌ها و میوه‌ها بود. سیب‌هایی را که از تابستان در زیر خاک‌ها مدفون بود، در عید از زیر خاک در می‌آوردند و در مهمانی‌ها می‌گذاشتند. آن سیب‌ها جوری بود که انگار همین امروز از درخت کنده شده است. میوه‌های دیگر بسیار کم بود، در عوض تا دلتان بخواهد توت خشک و تا حدودی گیلاس خشک و زردآلوی خشک در بین بود. توت خشک اساساً نقل و نبات بود، چون همه جا بود و قیمتی نداشت، بر خلاف امروز که توت خشک خوب، حکم دارو را دارد. آن زمان خبری از شکلات و شیرینی نبود و به جای آن نان برنجی در همه خانه‌ها پخته می‌شد. نوعی انگور داشتیم که مخصوص بهار بود. در پاییز کنده می‌شد ولی قابل خوردن نبود و در نوروز می‌شد خورد، چون نرم و خوشمزه می‌شد. یکی از چیزهای رایج در نوروز، رفتن به دیدار بزرگترها بود. بزرگترها در داستان عید احترام ویژه‌ای داشتند. به محض تحویل شدن سال، اولین کار رفتن به ملاقات بزرگترها بود. پدر من بزرگ خانواده بود. به همین جهت، لحظه‌ای بعد از تحویل سال، منزل ما پر می‌شد از آدم‌های دور و نزدیک.

اما ماجرای عیدی دادنهای خودم. من حدود ۵۲ سال قبل که تازه به تهران منتقل شده بودم، متوجه شدم که برادر بزرگم به نزدیکان و فامیل اسکناس ۱ تومانی عیدی می‌دهد. من چون تازه دبیر شده بودم و وضع مالی‌ام خوب نبود، نمی‌توانستم ۱ تومانی بدهم. بنابراین به اشخاص ۵ ریال عیدی می‌دادم، یک سال بعد که برادرم اسکناس دو تومانی می‌داد، من ۵ ریال را تبدیل کردم به ۱ تومانی و بعد دو تومان و بعد ۵ تومان تا در اوایل انقلاب رسید به ۱۰ تومان. مدتها اسکناس ۲۰ تومان را عیدی می‌دادم. زمانی هم ۵۰ تومانی می‌دادم تا رسیدم به ۱۰۰ تومان. سالها عیدی من ۱۰۰ تومان بود. در یکی از این سالها همسر برادرم همه عیدیهایی را که در طول ۳۵ سال از من گرفته بود، آورد و گفت که آنها را برایش امضا کنم. من هم قبول کردم و از آن زمان به بعد، عیدیهایی را که هر سال به همه آشنایان دور و نزدیک می‌دهم، امضاء شده می‌دهم، از ۴۸ راننده آژانس محل بگیرید تا میوه فروش محل تا کارگران چاپخانه و هرکسی که به این سرای بیاید یا ما به سرای او برویم.



نکته ها

دست نوشته‌های یک دل

▪ آرش فرزین

■ دستتان را در دست کسی بگذارید که آن را از شما بگیرد و به خودتان برگرداند.

■ شانس زیباترین بود اگر شانس من موجب بد شناسی و بی شناسی تو نمی شد.

■ احساس خوشبختی مهمتر از هر چیزی است حتی مهمتر از خود خوشبختی است.

■ عدالت هرگز مسئولیت جهالت و حماقت را قبول نمی کند.

■ اگر ثروت قادر به خرید فقر بود، دو برابر می شد!

■ به عقل بگویید بداند به عشق اما چیزی نگویید چون خودش می‌داند.

■ شاید سرنوشت شما این باشد که نظاره گر سرنوشت های دیگر باشید.

■ اگر گام هایتان را با اطمینام بردارید با اطمینان راه خواهید رفت.

■ اگر همه پوشش ها را براندازیم به قلبی خواهیم رسید که یا در حال عشق ورزیدن است یا در حال عشق ورزیده شدن.

■ تقدیر پیچیده نیست. اسم کوچه ای است که از آن می گذریم.

■ کودکی هر کسی کلید شخصیتش است. هرگاه کلید شخصیتتان را گم کردید، به کودکی تان برگردید. کلید را در دستتان خواهید دید.

■ دل تنها عضوی است که با نگاه لمس می‌شود.

■ دل تاری است که وقتی بشکند بهتر می نوازد.

■ خدا را بخوان تا خدا تو را از خواندنی‌ها قرار دهد.

■ غرور از فرشته شیطان، و تواضع از خاک، انسان می‌سازد.

■ مطالعه یک کتاب، تجربه یک زندگی است.

■ لبخند طاق نصرتی بر دروازه دل است.

■ کودکان خوبند. اگر خلاف کردند بزرگترها را ادب کنید.

■ چاله شکست پر است از انسان‌های تندرو.

■ دوست جدید، دنیای جدید است.

■ همه از عشق دم می‌زنند، اما عاشقان در سکوت می‌میرند.

■ هر کس در هنگام شکست‌ها، نشکند پیروز است.

■ همه انسان‌ها در شهر خیال خودشان اسطوره‌هایی منحصر به فردند.

■ زندگی ساختنی است، نه گذراندنی.

■ جهان بزرگتر از آن است که با کار تو خراب شود. خودت را خراب نکن.

■ ای انسان! بمان برای ساختن و نساز برای ماندن.

■ امروز فرصتی است برای جبران دیروز و ساختن فردا.

■ ارزانترین و زیباترین آرایش صورت لبخند است.

■ بقا از آن خداست باور ندارید از گذشتگان بپرسید.

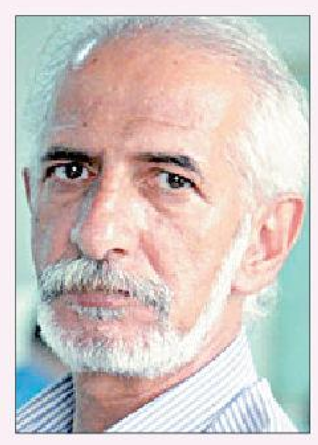
■ کسی که هدف‌های بزرگ دارد، بزرگ می‌میرد.

■ در میدان عشق، قاتل و مقتول محبوب یکدیگرند.



جستار

جستاری در کتاب «نوروزنامه» عمر خیام، به کوشش مجتبی مینوی



بر چهرهٔ گل، شبنم
نوروز خوش است

■ محمدرضا حیدرزاده



نوروزنامه نمونه کاملی از سبک نثر در قرن پنجم است و کلیه مختصات نثر قرن پنجم در آن دیده می‌شود. روش نگارش این کتاب بسیار ساده و شیوا و خالی از تکلف است. عبارات آن کوتاه و مفردات تازی آن کم است و بعضی لغات و عبارات پهلوی در آن دیده می‌شود. از این کتاب دو نسخه خطی باقی مانده‌است. یکی نسخه لندن و دیگری نسخه برلن.

در پیشگفتار نسخه تصحیح شده این کتاب آمده است:«نوروزنامه را، رساله‌ای که درآن حرف بسیار است ـ منسوب به خیام شمرده‌اند. اما می‌توان اطمینان کرد که خیام یادداشت‌هایی فراهم آورده بود تا از آن کتابی درباره نوروز بپردازد و شاید عمرش وفا نکرده و یا اصلاً به آن نپرداخته و یادداشت‌هایش پس از او به وسیله دیگران به شکل کتاب موجود درآمده است».

نوروزنامه منسوب به شاعر گرانمایه و عالی‌قدر ایرانی خیام است. حکیم ابوالفتح غیاث‌الدین عمربن ابراهیم خیام در ریاضیات و نجوم و فلسفه استاد و سرآمد فضلای مبرز و حکمای مسلم عصر بوده است و در شمار بزرگ‌ترین شعرا و نویسندگان ایران قرار دارد. وی در حدود ۴۰۷ به دنیا آمده و در سال ۵۱۷ در نیشابور درگذشته است. خیام در سال ۴۶۷ به اصلاح و تعدیل تقویم فارسی مبادرت ورزیده و درست‌ترین روش گاه‌شماری را بنیاد نهاده است.

در نوروزنامه اسباب پیدایش جشن نوروز و کشف حقیقت آن و این‌که کدام‌یک از شاهان واضع جشن نوروز بوده و آیین آن، آداب پادشاهان ساسانی در این باب و مطالب گوناگون دیگری آمده است.

این کتاب به‌سعی و تصحیح مجتبی مینوی، و همکاری صادق هدایت، در سال ۱۳۱۲ توسط کتابخانه کاوه به چاپ رسیده است.

بر چهره گل شبنم نوروز خوش است
در صحن چمن روی دل افروز خوش است
از دی که گذشت هر چه گویی خوش نیست
خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است

***

چون ابر به نوروز رخ لاله بشست
برخیز و بجام باده کن عزم درست
کاین سبزه که امروز تماشاگه تست
فردا همه از خاک تو برخواهد رست

***

بنگر ز صبا دامن گل چاک شده
بلبل ز جمال گل طربناک شده
در سایه گل نشین که بسیار این گل
از خاک برآمده است و در خاک شده

این اثر کلاسیک، بخشی از نوشته‌هایی است که از آن با نام «رسائل» یاد می‌شود و به گونه‌ای که مصحِّح آن، علی حصوری نوشته‌است، بیش‌تر شکلی یادداشت‌گونه دارد تا رساله‌ای جامع و کامل. خیّام که نام و آوازه‌اش را مدیون رباعی‌های خود و اندیشه‌های دیگرگون جاری در این ترانه‌هاست، در «نوروزنامه» طرحی دیگر درانداخته است و با دیدگاهی سراسر متفاوت، نه تنها به شرح چگونگی و پیدایش نوروز باستانی پرداخته‌است؛ بلکه از دریچه فرهنگ و با توسّل به اسطوره‌ها، به شرح آیین پادشاهان ایران و مواردِ دیگری هم‌چون دفین (گنج)، انگشتری، خوید، اسپ، باز، شراب، زر، روی نیکو و از این دست پرداخته است.

نخستین اثر خیام در این زمینه که به نوعی پیش‌نویس «نوروزنامه» شناخته می‌شود، شامل یادداشت‌هایی ساده، کوتاه و ابتدایی است با نامِ «رساله در کشف حقیقت نوروز» که تاریخ احتمالی آن به حدودِ ۴۹۵ هجری قمری بازمی‌گردد و هم‌چون برخی دیگر از رسائل او، فاقد مقدّمه است. دلیلی که انتساب مستقیم «نوروزنامه» به خیّام را مورد تردید و پرسش قرار داده‌است، مربوط به همین بحث مقدّمه است؛ چراکه در این بخش، از خیّام به عنوانِ «فیلسوف‌الوقت سیّدالمحققین ملک‌الحکماء حکیم عمربن ابراهیم الخیّام رحمه‌الله علیه» نام برده شده‌است که دو فرضیه را شامل می‌شود: نخست این‌که یادداشت‌ها پس از درگذشت وی، گردآوری و تنظیم شده‌اند و یا در فرض دوّم، شخصی دیگر با بهره‌گیری از آن رساله ابتدایی و نوشتارهای پراکنده، به بازنویسی و انتشار آن به شکل کتاب پرداخته است.

دو نسخه تاریخی از «نوروزنامه» به جای مانده است. یکی به نام نسخه لندن و دیگری نسخه برلین که برای نخستین بار با تصحیح و تحشیه مجتبی مینوی در سال ۱۳۱۴ منتشر شد. این نسخه، در سال‌های اخیر از سوی نشر اساطیر با زیرعنوان «در منشأ و تاریخ و آداب جشن نوروز» تجدید چاپ شده است. تصحیح دیگری از این اثر که منبع بررسی ماست، متعلّق به علی حصوری است. نتیجه‌ی تلاش وی برای نخستین بار در سال ۱۳۴۳ از سوی کتابخانه طهوری منتشر شد. چاپ دوّم این تصحیح با بازنگری او، در سال ۵۷ و چاپ سوّم آن پس از سال‌ها، بار دیگر در سال ۷۹ در ایران و از سوی نشر چشمه به طبع رسید که از آن زمان، به چاپ‌های پیاپی رسیده است.

نامه‌خوانی

نوروزنامه نه‌تنها به ریشه‌یابی نوروز، آن هم از دیدگاه اسطوره و افسانه می‌پردازد، بلکه به گونه‌ای متفاوت و با بهره‌گیری از حکایات گوناگون، به شرح تازه‌ای از آیین‌های پادشاهان ایران و توصیف مواردی دست یازیده که در کمتر اثری بدین شکل از آن‌ها یادشده است. همان طور که پیش‌تر گفته شد، نباید به این اثر کلاسیک به دیدِ اثری علمی یا تحقیقی نگریست. که در این‌جا، کفّه ترازوی فرهنگ و ادب و افسانه، بسیار سنگین‌تر از پژوهشی علمی ـ تاریخی‌ست.

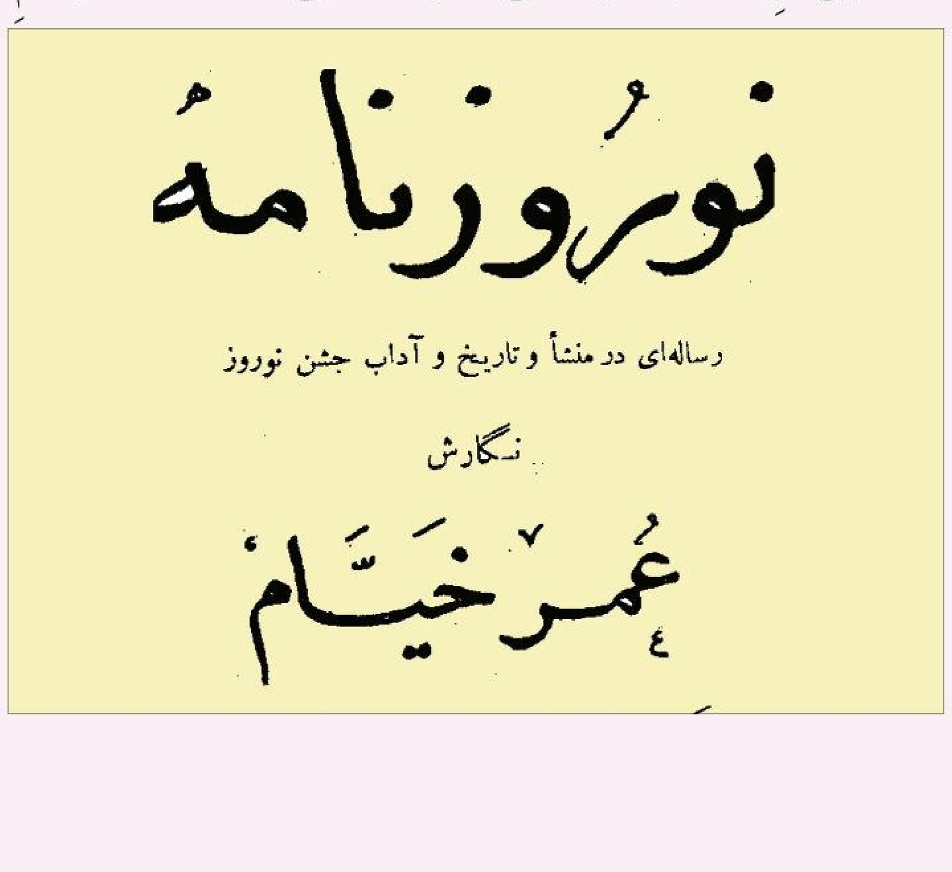
در مقدّمه کوتاهِ نوروزنامه، خیّام، سببِ دست‌بُردن به قلم و شرح نوروز و یا به قولِ متن «سببِ نهادنِ نوروز» را به درخواستِ دوستی که بر او «حقِّ صحبت» داشت و در «نیک‌عهدی یگانه» بود، نسبت می‌دهد.

نقل شده است که جمشید، پادشاهِ ایران در نخستین روز نوروز بر تخت نشست و او برای اولین بار، دستور نام‌گذاری، تقسیم سال و تاریخ‌سازی را داده است. در همین بخش و پس از او، از کیومرث نام می‌بَرد که باز در همان ایّام آغاز سلطنت کرده. گیومرث سال را به دوازده ماه بخش کرد و هر ماه را نام خاصی بخشید.

پس از شرحی کوتاه، خیام به ریشه‌یابی و چرایی نام هر ماه می‌پردازد. برای نمونه در باب اردیبهشت می‌نویسد: «این ماه را اردبهشت نام کردند یعنی این ماه آن ماه است که جهان اندر وی به بهشت ماند از خرّمی، وارد به زبانِ پهلوی مانند بود و آفتاب اندر این ماه بر دورِ راست در برجِ ثور باشد و میانه بهار بود.»

یا درباره مهر: «این ماه را از آن مهرماه گویند که مهربانی بود مردمان را بر یکدیگر، از هرچه رسیده باشد از غلّه و میوه نصیب باشد بدهند و بخورند به هم و آفتاب در این ماه در میزان باشد و آغاز خریف بود.»

پس از این، خیّام گزارشی بسیار موجز از به تخت نشستنِ پادشاهان اسطوره‌ای ایران تا دورانِ پس از اسلام و رویکردشان نسبت به نوروز، تقویم و سال، به دست می‌دهد؛ از این گزارش‌های خاص می‌توان به جهان‌آرایی طهمورث و مطیع ساختنِ دیوان از سوی او، ریشه‌یابی مهرگان و سده،



نوروزنامه

رساله‌ای در منشأ و تاریخ و آداب جشن نوروز

نگارش

عُمر خیّام

ظهور زرتشت در عصر گُشتاسب و دستور کبیسه کردن هر ۱۲۰ سال از سوی او «تا مردم اوقات خویش به سرما و گرما بدانند» اشاره کرد.

اندر آیین پادشاهان عجم

در این بخش از آیین‌های پادشاهان ایران، وضع مردم، گزارش‌های متفاوت و زیبایی از عادات خاص مُلوک، توجّه خاص ایشان به سراساختن و نقش فرزندان در تکمیل بناها سخن گفته شده است. درباب طاق کسری چنین آمده: «شاپور ذوالاکتاف بنا افگند و بعد از او چند پادشاه عمارت همی کردند تا بر دست نوشین‌روان عادل تمام شد و پل اندیشمک همچنین و مانند آن بسیار است.»

«خوش‌سُخنی» در کنار «بخشش» از آیین‌های پادشاهان بوده است. «دیگر عادات ملوک عجم آن بوده است که هرکس پیش ایشان چیزی بُردی یا مطربی یا سرودی گفتی یا سخنی نیکو گفتی در معانی که ایشان را خوش آمدی گفتندی زه، یعنی احسنت چنان که زه بر زبان ایشان برفتی از خزینه هزار درم بدان کس دادندی و سخن خوش، بزرگ داشتندی و دیگر عادات ملوک عجم چنان بودی که از سر گناهان در گذشتی الا از سر سه گناه.» که به نوشته خیّام، سه بخش داشته است؛ نخست، افشای راز، دوّم، ناسزا به یزدان و سوّم، خوارداشت فرمان.

آمدن موبد موبدان و نوروزی آوردن

نکته برجسته در این بخش، خطابه جالبی از زبان موبد موبدان در برابر شاه است: «شها به جشن فروردین، به ماه فروردین آزادی گزین یزدان و دین کیان، سروش آورد ترا دانایی و بینایی به کاردانی، و دیر زیو با خوی هژیر و شادباش بر تخت زرّین، و انوشه خور به جام جمشید، و رسم نیاکان در همّت بلند و نیکوکاری و ورزش داد و راستی نگاهدار، سرت سبز باد و جوانی چون خوید، اسپت کامگار و تیغت روشن و کاری به دشمن و بازت گیرا و خجسته به شکار، و کارت راست چون تیر، و هم کشوری بگیر نو، بر تخت با درم و دینار، پیشت هنری و دانا گرامی، و درم خوار، و سرایت آباد و زندگی بسیار.»

اندر علامت دفین‌ها

در این قسمت با نگاهی متفاوت، توضیح محل‌هایی که جای دفین (گنج) است آورده شده است. در پی سخن گفتن از محل دفین‌ها، برای نخستین بار در نوروزنامه، خیّام با بهره‌گیری از حکایات به گزارش‌های خود رنگ تازه‌ای می‌بخشد. این رویکرد در بخش‌های دیگر هم ادامه می‌یابد.

یاد کردن انگشتری

خیّام از جمشید به عنوان نخستین فردی که انگشتری به دست کرد، نام می‌بَرَد. از اَرزش‌ها و نیکویی‌های بسیار انگشتر در این بخش یاد شده است. هم‌پای استوره و افسانه، اهمیّت انگشتر به گونه‌ای است که حتی از دست رفتن مُلک سلیمان به زمان بی‌انگشتری سلیمان بازمی‌گردد. نکته جالب در این جا، اهمیّت مُهر انگشتر است که نمونه‌های جالبی از آن در نوروزنامه آمده است.

از یاقوت و فیروزه به عنوان تنها دو نگینی یاد شده‌است که برای انگشتری رواست. در پایان، حکایتی نقل شده‌است از اسکندر و خواب او در باب تبدیل شدن جهان به انگشتری بی‌نگین بر انگشت او و به تعبیر ارسطو، نابرخورداری اسکندر از سروری در آینده.

یاد کردن تیر و کمان

ساخت نخستین تیر و کمان به گیومرث نسبت داده شده است. به گفته خیّام: «کمان وی بدان روزگار، چوبین بود، بی‌استخوان». در ادامه از سیر ساخت و تکامل تیر و کمان از آرش و هامان تا منوچهر و بهرام گور سخن به میان آمده‌است. منافع دانستن تیر و کمان از نظر طب نیز از گزارش‌های این بخش است. چهار حکایت، پایان‌بخش یاد تیر و کمان است. در حکایت سام نریمان چنین آمده‌است: «سام نریمان را پرسیدند که ای پیروزگر سالار، آرایش رزم چیست؟ جواب داد که بورجمند شاه و دانش سپهبد با رای، و مبارز هنری که زره دارد و با کمان جنگ جوید.»

یاد کردن قلم

«نخستین کسی که دبیره کردن بنهاد، طهمورث بود.» از چیستی قلم، قوّت آن و فضیلت نوشتن، به غایت در این فصل سخن رفته است. خیّام در جملاتی نادر در باب فضیلت نوشتن می‌نویسد: «...زیرا که فضیلت نوشتن است، فضیلتی سخت بزرگ که هیچ فضیلتی بدان نرسد زیرا که وی است که مردم


زنده یاد مجتبی مینوی

را از مردمی به درجه‌ی فرشتگی می‌رساند و دیو را از دیوی به مردمی رساند و دبیری آن است که مردم را از پایه دون به پایه بلند رساند...» در ادامه از خطّ نیکو و بد سخن به میان آمده‌است و پس از چهار حکایت، به انتهای فصل می‌رسیم. یکی از بهترین حکایات فصل، حکایتی است در باب فضیلت والای قلم: «هم اندر فضیلت قلم چنان خوانده‌ام از اخبار گذشتگان که وقتی امیری رسولی فرستاد به مُلک فارس با تیغی برهنه گفت: این تیغ (ببر) و پیش او بنه و چیزی مگو، رسول بیامد و همچنان کرد.

چون تیغ نهاد و سخن نگفت، ملک وزیر را فرمود: جوابش بازده، وزیر سر دوات بگشاد و یکی قلم سوی وی انداخت، گفت: اینک جواب، رسول مرد عاقل بود بدانست که جواب برسید، و تأثیر قلم صلاح و فساد مملکت را کاری بزرگ است و خداوندان قلم را که معتمد باشند عزیز باید داشت.»

یاد کردن اسپ

خیّام، یاد و هنر اسپ را با این جمله آغاز می‌کند: «چنین گویند که از صورت چهارپایان هیچ صورتی نیکوتر از اسپ نیست.»

در این فصل، گفته‌هایی از پیامبران تا پادشاهان درباب این حیوان و هنر او نقل شده است. پس از این، حکایتی از خسرو پرویز و اسپ نامدارش، شبدیز و جمله‌هایی از افراسیاب نقل می‌کند. اما جُستار متفاوت این بخش، نام بردن از اسپ‌های گوناگون در زبان پارسی و توصیفات آن‌هاست. از میان ۴۱ نام یادشده در نوروزنامه می‌توان به این موارد اشاره کرد: کمیت، شبدیز، خورشید، زرد رخش، سیا رخش، ابرگون، بادروی، گلگون، ارغون، بهارگون، آبگون، نیلگون، ابرکاس، باوبار، بورسار، ادس، سیمگون، ابلق، سپید، سمند و غیره.

اندر ذکر شاهین

این که چرا باز یا شاهین، پرنده‌ای که شاید در چالاکی و سرعت همتا نداشته باشد، در فرهنگ باستانی ایران دارای جایگاهی چنین برجسته بوده‌است، از مسائل قابل توجّه و ژرف‌اندیشی است. خیّام، فصلی از نوروزنامه را به این پرنده که او را «مونس شکارگاه مُلوک» نامیده اختصاص داده است. در جایگاه‌های پیشینگان نزد پادشاهان، با این که شاه چهارپایان گیاهخوار، اسپ، شاه گوهرهای ناگدازنده، یاقوت و شاه گوهرهای گدازنده، زر دانسته شده‌است، امّا منزلت باز، مخصوص‌تر و فراتر بوده است.

به روایت خیّام، حشمت باز، حتی از شهباز (عقاب) فراتر است. از نکات خاص این فصل، می‌توان به توصیفاتی درباره معنادار بودن کنش‌های باز در موقعیّت‌های گوناگون اشاره کرد. به عنوان نمونه: «چون به وقت برخاستن، سر فرود آرد و باز بردارد دلیل دارد که ضعفی در کار مُلک درآید و چون برخیزد و کسد کند یا شکار بگیرد و برگرفته بانگ کند تشویق سپاه باشد...» در ادامه، از انواع باز سخن رفته است.

خاصیت روی نیکو

واپسین فصل نوروزنامه، به توصیف روی نیکو و زیبایی می‌پردازد. تأثیرات روی نیکو، ستایش نیکویی در زبان‌های گوناگون، حاصل رو و خوی نیکو در شادی‌آفرینی و نیک‌بختی، چهار خاصیت روی نیکو و در نهایت، دیدار نیکو از مواردی است که در باب آنها قلم زده شده است. خیّام با دو حکایت، این فصل و کتاب «نوروزنامه» را به انتها می‌رساند و خود از این که اثرش را با گفتاری اندر روی نیکو به پایان بُرده، شادمان است: «این کتاب را از برای فال خوب بر روی نیکو ختم کرده آمد. مبارک باد بر نویسنده و خواننده».

آیین‌های ایرانی

شخصیتهای اساطیری اشاره شده در نوروز نامه بسیار جالب هستند. مثلاً شاه شمیران (یعنی شاه سرزمین سرما) از خویشاوندان جمشید به شمار رفته است. و این در اساس خود جمشید است که در سرزمین سرما و برف (آذربایجان و ولایات جنوب قفقاز) حکومت کرده است. جم شید (جام شید) به معنی مؤبد درخشان است. معنی مغ و گبر نیز جام است.



تاریخ

نوروز در منابع تاریخی تا آغاز دوره صفوی



■ دکتر خسرو خوانساری

با ظهور اسلام برخی از آئین‌های پیشینیان ـ نظیر جشن نوروز ـ همچنان نزد مردم ایران استمرار یافت. در این گفتار کوتاه با نگاهی گذرا به برخی از منابع تاریخی، به بررسی وضعیت نوروز در دوره‌های اسلامی تا برآمدن صفویان می‌پردازیم.

نظر مورخین مسلمان

پیشتر تاریخ‌نویسان، جمشید پادشاه پیشدادی را پایه‌گذار نوروز دانسته‌اند. مسعود می‌گوید: «بیشتر مردمان بر این اعتقادند که نوروز در روزگار او پدید آمد و در پادشاهی‌اش آئین شد.» طبری نوروز را سرآغاز دادگری جمشید دانسته است: «جمشید علما را فرمود که آن روز که من بنشستم به مظالم، شما نزد من باشید تا هرچه در او داد و عدل باشد بنمایید، تا من آن کنم. و آن روز که به مظالم نشست روز هرمز بود از ماه فروردین. پس آن روز رسم کردند.»

و بیرونی در آثار الباقیه چنین آورده است: «و باز عید بودن نوروز را چنین گفته‌اند که چون جمشید برای خود تخت بساخت در این روز بر آن سوار شد و جن و شیاطین آن را حمل کردند و بیک روز از کوه دماوند به بابل آمد و مردم برای دیدن این امر در شگفت شدند و این روز را عید گرفتند.»

لیکن اینگونه اقوال، بالجمله براساس روایات افسانه‌ای و اساطیری بازگویی شده و هم به قول بیرونی «هیچ عقلی آنها را نمی‌پذیرد...، ولی مقصود ما آن است که تواریخ را بدست آوریم نه آن که آن گفته‌ها را انتقاد کنیم.» درخور یادآوری است که جشن نوروز پیش از جمشید نیز برگزار می‌شده و ابوریحان نیز، با آن که جشن را به جمشید منسوب می‌کند، یادآور می‌شود که، «آن روز را که روز تازه‌ای بود جمشید عید گرفت، اگرچه پیش از آن هم نوروز بزرگ و معظم بود.»

آئین‌های نوروز پس از اسلام

در پی استقرار تازیان در ایران در روزگار امویان که دارای تعصب نژادی شدیدی بودند، نوروز مورد بی‌مهری شدیدی قرار گرفت و برگزاری آن بسیار محدود شد. ولی بعدها خلفای اموی برای افزودن درآمد خود، هدایای نوروز را از نو معمول داشتند و بر مردم ایران تحمیل کردند. نخستین کسی که در اسلام هدایای نوروز و مهرگان را رواج داد حجاج‌بن یوسف بود ولی چندی بعد این رسم از طرف عمربن عبدالعزیز منسوخ گردید.

شایان ذکر است در تمام این مدت ایرانیان با اینکه اسلام را پذیرفتند و از آئین زرتشتی بپرداختند، جشن نوروز را برپا می‌داشتند. چرا که نوروز بیش از هر چیزی یک جشن ملی و اجتماعی بشمار می‌آمد.

باری در روزگار عباسیان که ایرانیان حضور نیرومندی در حکومت داشتند، خلیفگان عباسی خلق و خوی ایرانی گرفتند و به فرهنگ و سنن ملی ایران دل بستند و سرانجام سخت شیفته آن شدند. نوروز آشکارا جشن گرفته می‌شد و خلیفه و دربار خلافت به گونه شاهان ساسانی مراسم نوروزی داشتند.

رینولونیکلسن در توصیف خلافت عباسی و مقایسه آن با خلافت اموی می‌گوید: اگر اعراب پیش از این دوره نقش ملت غالب را در عالم بازی می‌کردند و دیگر ملت‌های اسلامی را به دیده دیگر می‌نگریستند، لیکن اکنون کار برعکس شده، اینک ما از یک عنصر ملی عربی به یک دوره نهضت ایرانی و فرهنگ ایرانی منتقل می‌شویم، زیرا برگزیدگان سپاه این دولت از خراسانیان تشکیل یافته و بالاترین منصب‌های دولتی به دست بزرگان ایرانی اداره می‌گردد.

فون کرور این موضوع را چنین شرح می‌دهد: در این دوره نفوذ ایرانیان در دربار خلافت چندبرابر گردید و در عصر هارون‌الرشید و مأمون به بلندترین پایه خود رسید به طوری که بیشتر وزیران ایشان ایرانی بودند. در بغداد آداب و رسوم ایرانی روزافزون گردید و در عیدهای باستانی ایران مانند نوروز و مهرگان جشن گرفتند و لباس رسمی دربار را لباس ایرانی قرار دادند. منصور خود کلاه ایرانی بر سر گذاشت و در دربار عباسیان از همان آئین و رسوم ساسانیان پیروی گردید.

با آغاز عصر استقلال ایران و برقراری حکومت‌های منطقه‌ای ایرانی، نوروز و مهرگان بی‌پروا جشن گرفته می‌شد. با این همه گاه در دوره‌هایی، نوروز مورد مخالفت متعصبان قرار می‌گرفت و ایرانیان به ناچار در نهان نوروز را جشن می‌گرفتند.

از دولت‌های ایرانی در عهد اسلامی، بیش و پیش از همه، صفاریان، به احیای زبان فارسی و آئین‌های ایرانی همت گماشتند. پس از آن دولت ایرانی مقتدری چون سامانیان در خراسان روی کار آمد که بسیاری از آئین‌های باستانی را احیا کردند و بجای آوردند. آثاری که در باب نوروز، از شاعران و ادیبان آن روزگار بر جای مانده، خود قسمت مهمی از ادبیات نوروزی را در سبک خراسانی تشکیل می‌دهند.

لیکن کوشش آل‌بویه در نگهداری آداب و رسوم و جشن‌های ایرانی، بخصوص نوروز و مهرگان و سده، چشمگیرتر و مؤثرتر بوده است. چنانکه «مافروخی» بیان کرده است: «و بازاری بود بر دروازه جور که آن را بازار جورین گفته‌اند، در فصل نوروز هر سال تمامت اهل اصفهان از صغیر و کبیر و وضیع و شریف و خاص و عام و اطفال و عوارات هرکس به حسب حال طبقات و درجات به الوان اسباب مأکول و مشروب و انواع ضروب عدت و آلت مطلوب و مرغوب مدت یکی دو ماه بدانجا نقل کرده‌اند و از استیفاء لذات و استمتاع عیش و عشرت از لهو و لعب و نشاط و طرب حظی وافی و ذوقی وافر از زندگانی برداشته چون نوروز رسیده چندین بازارها ساخته طوافان و بازاریان گوناگون نعمتها در آنجا پرداخته و عوام در میان آنجا چون دریا بر دریا در تموج و خواص از دور و نزدیک و بالا و نشیب در تفرج و پیوسته آن مدت را گذرانیده به فکاهت و خوش و عیش و افسانه و خلیع العذار دیوانه‌وار آشنا و بیگانه مشتغل بکاس و پیمانه...»

در زمان غزنویان نیز چنانکه از جای جای تاریخ بیهقی برمی‌آید باز هم به رسم هدایای نوروز و مهرگان که البته خوشایند ترکان بوده است برمی‌خوریم. از جمله اطلاع می‌یابیم که در سال ۴۲۹ سلطان مسعود در جشن نوروز جلوس کرد و هدایای مرسوم مبادله گشت و...

چنانکه از کتاب «کیمیای سعادت» امام غزالی برمی‌آید: «... و چنگ و چغانه و صورت حیوانات فروشند برای کودکان در عید، و شمشیر و سپر چوبین فروشند برای نوروز و بوق سفالین برای سده و آنچه برای نوروز و سده فروشند چون سپر و شمشیر چوبین و بوق سفالین در نفش خویش حرام نیست اما برای اظهار شعار گبران حرام است.»

آئین‌ها و آداب هدیه دادن در آن دوره رایج بوده است، و هم از ادبیات نوروزی این عصر برمی‌آید که مراسم درباری آن، چنان چون گذشته برگزار می‌شده است. این امر در اشعار شاعرانی نظیر امیر معزی که در مدح ملکشاه و تهنیت نوروز سروده شده به خوبی دیده می‌شود.

از کتاب «سیرت جلال‌الدین منکبرنی» نیز برمی‌آید که جشن نوروز به روزگار خوارزمشاهیان



در میان توده مردمان برگزار می‌شده، چنانکه از جامه‌های نوین و رنگارنگ مردم اصفهان در این روز، این امر هویدا بوده است. پس از حمله مغولان، علی‌رغم ویرانگری‌ها و کشتارهایی که آن قوم در ایران به راه انداختند، ایرانیان این عید را پناهگاه و دست‌آویز خود ساختند و شعاری برای نمایان ساختن روح مجد و عظمت و دفاع در راه طرد آن چیره‌گران غاصب و اظهار استقلال قرار دادند. اشعار شاعرانی چون سعدی و سلمان ساوجی و جزانیان، دال بر برگزاری و ادامهٔ این جشن و آئین ملی در میان تودهٔ مردم می‌باشد.

مغولان ـ همانند سلاطین ترک غزنوی و سلجوقی که در ایران حکومت می‌کردند ـ با اینکه بیگانه بودند جشن‌های ایرانی را کاملاً محترم شمردند. ایلخانان مغول روز نوروز و مهرگان را جشن می‌گرفتند. حتی شاهزادگان تیموری و مغول هنگامی که به هند رفتند و در آنجا سلسله بابری را تشکیل دادند، جشن نوروز و مهرگان را با خود بردند و در آن دیار رواج دادند و حکام هند تا آغاز قرن هیجده میلادی نوروز را جشن گرفتند.

چنانکه در این مختصر آمد ایرانیان در تمام دوران اسلامی پنهانی یا آشکارا جشن نوروز را برگزار می‌کردند و این امر کمابیش تا برآمدن صفویان ادامه داشت. با روی کار آمدن دولت صفوی و گزیدن تشیع به عنوان مذهب رسمی، این جشن رونق و درخششی عظیم یافت که امید است در مجالی دیگر به آن پرداخته شود.

منابع:

۱ـ آوی، حسین بن محمدبن ابی‌الرضا، ترجمه محاسن اصفهان، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران: ضمیمه مجله یادگار، ۱۳۲۸./۲ـ اذکایی، پرویز، نوروز تاریخچه و مرجع‌شناسی، تهران: مرکز مردم‌شناسی ایران، ۱۳۵۳./۳ـ بیرونی، ابوریحان، آثارالباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳./۴ـ بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین، تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر علی‌اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۵۶./۵ـ خیام نیشابوری، عمربن ابراهیم، نوروزنامه (منسوب به خیام)، به کوشش علی حصوری، تهران: طهوری، ۱۳۵۷./۶ـ روح‌الامین، محمود، آئین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، تهران: موسسه انتشارات آگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۳./۷ـ زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۹./۸ـ طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۵۲./۹ـ غزالی، امام محمد، کیمیای سعادت، ترجمه حسین خدیو جم، (۲جلد)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۰./۱۰ـ مسعودی، ابوالحسن علی‌بن حسین، مروج‌الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۲جلد، ۱۳۷۰./۱۱ـ محمدی ملایری، محمد، فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در تمدن اسلام و عرب، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷./۱۲ـ نسوی، محمدبن احمد، سیرهٔ جلال‌الدین منکبرنی، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.









انرژی گلها

■ نوشته آنا آریان
کارشناس ارشد گل و گیاه



من فکر می کنم یک خانه مرتب که روی برخی از وسایلش گرد و خاک نشسته است، به مراتب بهتر است از یک خانه تمیز که همه وسایلش بهم ریخته و نامرتب است. برای همین خانه تکانی من فقط شامل تمیز کردن دیوارها، کف زمین و گردگیری می شود. چون در آپارتمان من همه چیز سر جای خودش است و وسایل اضافه هم وجود ندارد.

پنجره‌ها را که دستمال می کشم، به آسمان دودگرفته نگاه می کنم. درخت اقاقیای پشت پنجره جوانه زده است. واقعا که طراوت و شادابی محیط به گیاه بستگی دارد. روی مبل می نشینم و به اطراف نگاه می کنم. گلهای مصنوعی تمیز و براق شده‌اند، اما فضای خانه شاداب نیست.

به نظر من آپارتمان نشینی دلیل خوبی برای از دست دادن زیبایی و طراوت طبیعت نیست. تصمیم می گیرم با کمی خلاقیت، باغچه‌ای زیبا در گوشه‌ای از آپارتمان خود درست کنم. روز بعد، گلدانی زیبا با طرحی ساده، متناسب با ابعاد گوشه‌ای از اتاق تهیه می کنم. به زودی، چند مدل گیاه متفاوت را که نیاز به شرایط یکسان دارند و مراقبت از آنها به صورت یکسان انجام می گیرد، در کنار یکدیگر در گلدان می کارم. حال باغچه‌ای زیبا در آپارتمان خود دارم. با حضور این گلهای زیبا، انرژی مثبتی در آپارتمان من جریان می یابد.

گل های سفید و کرم، خالق انرژی فلز هستند. انرژی منتشر شده از این گل ها، در محیط بسیار آرامش بخش خواهد بود. گل های قرمز و دیگر رنگ‌های گرم، دارای انرژی از نوع عنصر آتش هستند. این گلها باعث انتشار انرژی‌های بسیار موثر و خلق محیط دوستانه، حس شهرت و غرور، عشق و تحرک می شود.

گیاهانی که برگ‌های با طراوت دارند، حاوی انرژی چوب می باشند. رنگ مربوط به آنها سبز است. انرژی چوب، باعث تولید روابط دوستانه می شود.

گل هایی که دارای طیف‌های رنگ طوسی، آبی یا مشکی باشند، گل هایی هستند که انرژی‌های مربوط به عنصر آب را تولید می کنند. ویژگی این انرژی، القا کردن حس نشاط و سلامتی در محیط است. گلهایی با طیفی از رنگ‌های طلایی، نارنجی ملایم، زرد و شکلاتی دارای انرژی عنصر خاک هستند. رنگ نارنجی و زرد بسیار شادی زا هستند. وجود گل هایی به این رنگ در منزل نوعی خوش آمدگویی به میهمانان به شمار می رود. انرژی ساطع شده از این گلها، باعث بهبود روابط می شود.

روزهایی که میهمان دارم، گاهی یک دسته گل می خرم و در گلدان روی میز ناهار خوری می گذارم. شاید شما هم به کار علاقمند باشید. گاهی هم میهمانان برای شما گل می آورند.

اگر می خواهید گل های شما تر و تازه و شاداب بمانند، انتهای ساقه آن را دستمال مرطوبی بسته و در درون یخچال بگذارید، مدت بیشتری تازه خواهند ماند.

پس از چیدن گل ها، کمی عسل به ساقه بمالید. این کار موجب طول عمر گل ها می شود. ضمنا هر روز آب گل های خود را عوض کنید. هر بار که آب را عوض کردید، مقداری از ساقه را کوتاه کنید. اضافه کرن مقدار بسیار کمی نمک با شکر، به گل های شما جان تازه‌ای می بخشد. امیدوارم آپارتمان زندگی شما نیز سرشار از انرژی مثبت گلها باشد.



هفت‌سین، از گذشته تا امروز

در سفره و یا همان خوان نوروزی مواد و چیدنی‌هایی گذاشته می‌شود که هر کدام نشانه و نمادی از سلامتی، رزق و روزی، زایش، برکت و... است. با این نمادها چقدر آشنا هستیم؟

سبزه

زیباترین ویژگی سفره هفت سین را می‌توان به وجود سبزه آن دانست، به این دلیل که سبزه با رنگ و طراوت خود دلها را شادمان می‌سازد و با نگریستن به آن طلوع سال جدید را زیباتر می‌کند.

در ایران باستان رسم بر این بود که بیست و پنج روز قبل از نوروز در کاخ پادشاهان دوازده ستون از خشت خام برپا می‌ساختند و بر هر کدام یک نوع غله می‌کاشتند و معتقد بودند اگر سبزه‌ها خوب بروید سال پر برکتی است. در ایران باستان دانه‌های گندم، جو، برنج، لوبیا، عدس، ارزن، باقلا، نخود و کنجد را بر این ستون‌های خشتی می‌کاشتند و روز ششم فروردین آنها را برمی چیدند و به نشان برکت و باروری در تالارها پخش می‌کردند و معمولا سه قاب از سبزه به نماد اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک بر خوان می‌گذاشتند و اغلب کنار آنها گندم، جو و ارزن که نقش مهمی در خوراک مردم داشتند سبز می‌کردند تا سبب فراوانی این دانه‌ها در سال جدید گردد.

امروزه نیز آن چیزی که وجودش بر سر سفره هفت سین ضرورت دارد، سبزه است. مردم یزد از نیمه اسفند به سبز کردن سبزه در کاسه و بشقاب و حتی بر روی کوزه‌های سفالی می‌پردازند. ایرانیان رویش سبزه را در نوروز نشان تازه شدن زندگی و فصل رویش دانه‌ها که خود برکت زندگی محسوب می‌شود، می‌دانند.در گذشته در یزد بیشتر «تره تیزک» را که در گویش خود بدان «ششه» می‌گویند بر روی کوزه‌های سفالی سبز می‌کردند.

دانه‌هایی که امروزه کشت می‌شود بیشتر گندم و عدس است ولی ماش و تره تیزک را نیز سبز می‌کنند. معمولا تره تیزک را یک شبانه روز خیس می‌کنند سپس آن را در کیسه‌های پارچه‌ای نازک می‌ریزند و در جایی گرم قرار می‌دهند تا جوانه بزنند، جوانه زدن دانه‌ها را در گویش زرتشتیان یزد روز آمدن می‌گویند، بعد از آن که دانه‌های روز آمده را در بشقاب‌های پهن بی لبه که معمولا سه عدد و مخصوص کاشتن سبزه هستند، ریختند، روی جوانه‌ها را پرده‌ای از ماسه نرم می‌ریزند و آب می‌دهند تا سبز شود.

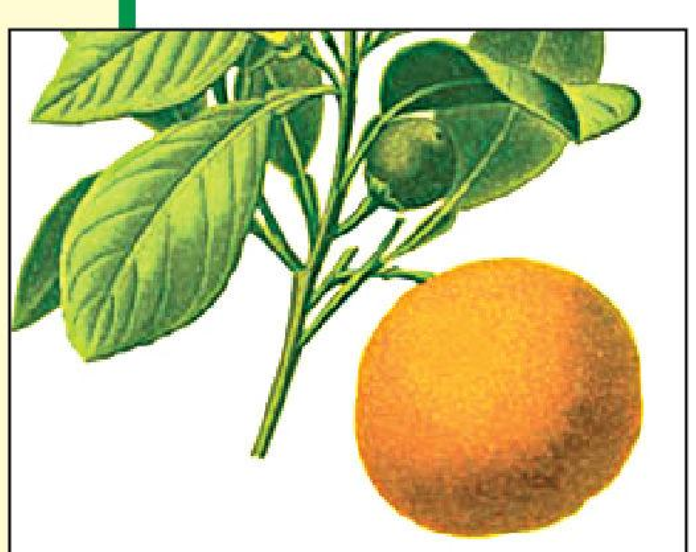


سنجد



سنجد که عطر برگ و شکوفه‌های آن محرک عشق و مهر است و از مقدمات اصلی زایندگی به شمار می‌آید، باید بر سر خوان نوروزی نمایان باشد. وجود سنجد در سفره نوروزی انگیزه زایش کیهانی است گاه ایرانیان دانه‌های سنجد را با آویشن در هم می‌آمیزند و همراه با نقل و سکه بر سر سفره نوروزی می‌گذارند.

نارنج



نمادی است از گوی زمین و هنگامی که در ظرف آبی نهاده شده باشد، نمادی است از گوی زمین در کیهان و گردش آن بر روی آب نمودار گذاشتن برج‌های دوازده گانه و تحویل سال است.

علاوه بر این‌ها بر سر سفره مقداری پسته، فندق، بادام زمینی و تخمه را که قبلا خندان کرده و بو داده‌اند، داخل کیسه‌ای به نام دولک می‌ریزند و به عنوان آجیل نوروزی بر سر سفره می‌نهند.

علاوه بر آن بر سر سفره هفت سین گلهای زیبا و خوشبویی چون گل نرگس، گل سنبل و گل شب بو که نوید بخش بهار هستند، دیده می‌شود.

زمانی که سفره چیده شد همه اهل خانه حمام رفته و لباس نو پوشیده، گرد سفره هفت سین می‌نشینند و چند دقیقه مانده به تحویل سال همگی با هم خواندن سرودهایی، خداوند را سپاس و نیایش می‌کنند.

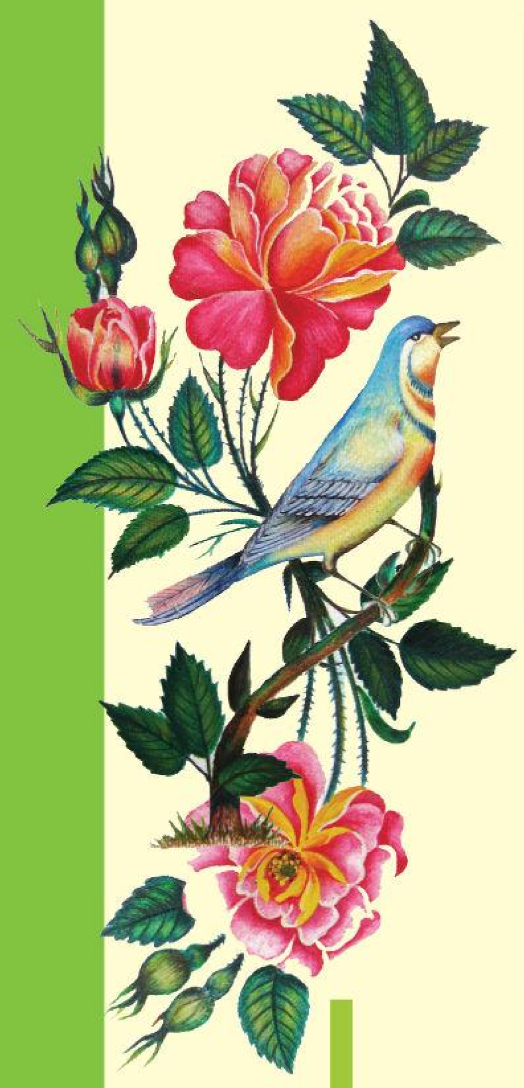
گل بیدمشک

گل بیدمشک نمادی است از اسپندارمذامشاسپند و گل نیز ویژه اسفند ماه است به خصوص گل بیدمشک که از عطر خاصی نیز برخوردار است و در معطر ساختن فضای خانه نقش بسزایی دارد.

سرکه



همانند سیر نمایانگر پاکی محیط، زدودن آلودگی و باطل کردن سحر و جادو است.



نان



نان که نمادی از برکت است، چه در گذشته و چه در حال بر سر سفره نوروزی می‌گذاشتند و اکنون نیز یا نان سنگک بزرگی می‌پزند و برای برکت سفره بر آن می‌گذارند یا اینکه نان را به صورت کماج شیرین درآورده بر خوان نوروزی می‌نهند. در زمان ساسانیان گرده نان‌هایی به اندازه یک کف دست یا اندکی کوچکتر می‌پختند که به آنها «درون» می‌گفتند و گاهی بر آن نوعی نیایش می‌خواندند و بدین ترتیب نان‌های نوروزی را برکت می‌بخشیدند. امروزه ایرانی‌ها علاوه بر نان معمولی نان‌های دیگری مانند کماج، نان شیر و چند نوع شیرینی خانگی که بیشتر جنبه تشریفاتی دارد، می‌گذارند.
بر سر سفره هفت سین یزدی‌ها شیرینی‌های معروف یزدی هم به چشم می‌خورد که معمولا در دیس‌های بزرگ به طرز زیبایی چیده می‌شود و در اعیاد و جشن‌ها و به ویژه عید نوروز مصرف فراوان دارد.

تخم مرغ



تخم مرغ بن مایه خوان نوروزی است و به صورت رنگ کرده می‌بایست بر سر سفره هفت سین جلوه نمایی کند، زیرا که تخم و تخمه نمادی است از نطفه و نژاد و در روز جشن تولد آدمیان که تخمه و نطفه پدیدار می‌گردد تخم مرغ تمثیلی است از نطفه باروری که به زودی باید جان بگیرد و زندگی یابد و زایش کیهانی انجام پذیرد. پوست آن هم نمادی است از آسمان و طاق کیهان.

سکه



پول زرد و سفید در خوان نوروزی نمادی است از شهریور امشاسپند که موکل است بر فلزات و بودن آن بر سر خوان که موجب برکت و سرشاری کیسه است.
بر سر خوان نوروزی چیدنی‌های دیگر هم نهاده می‌شود؛ شیرینی و نقل که نماد شیرین کامی است؛ گلابدان پر از گلاب و همچنین سبزی خوردن، پنیر و کاهو که طراوت و نیز زیبایی سفره را دو چندان می‌کند. در برخی از سفره‌ها آرد هم وجود دارد که آن هم نمادی است از برکت نوروزی اما دو چیز مهم دیگر بر سر سفره هفت سین نمادین است، یکی انار و دیگری تنگ ماهی.

سیر



نماد میکروب‌زدایی و پاکیزگی محیط‌زیست و سلامت بدن و نیز زدودن چشم زخم است که باید حتما بر سر سفره نهاده شود.
به‌اعتقاد زرتشتیان بوی سیر دیوان را می‌گریزاند. زرتشتیان سیر را با تکه‌های نان که در آن ترید کرده‌اند، در مراسم پرسه یا سداب به کار می‌برند و بر سر سفره نیایش می‌گذارند. پوست سیر را هرگز در جایی نمی‌گذارند زیرا معتقدند از سحر هم بدتر است، به همین جهت برای کندن پوست آن ابتدا سیر را در آب می‌خیسانند و بعد پوستش را می‌کنند، هم چنین معتقدند اگر پوست سیر را با پیاز گلپر و اسفند در خانه بسوزانند، به خصوص در صبح روز پنجشنبه، بویش، خانه را پاک می‌کند.

انار



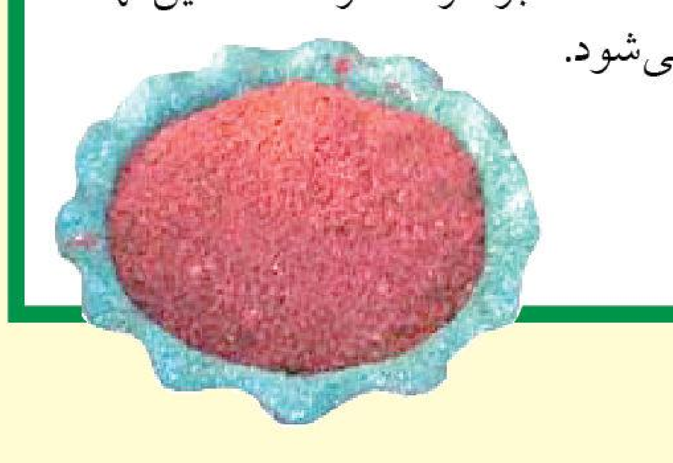
انار از مقدس‌ترین درختان است که تقدسش را همچنان تا به امروز حفظ کرده است. درخت انار به سبب رنگ سبز تند برگ‌هایش و نیز به جهت رنگ و شکل غنچه و گل مانندش، همانند آتشدان است و همیشه مقدس بوده است. پردانگی انار نماینده برکت و باروری و رزق فراوان است و نمادی است از باروری ناهید. ایرانی‌ها معمولاً در تاس مس پر از آب یک عدد انار هم می‌گذارند با این باور که این میوه پردانه در سال جدید برکت و رزق فراوان برای خانواده به همراه داشته باشد، به ویژه انارهای خوش آب و رنگ و آبدار شهر کویری یزد که اکثرا برای استفاده در سفره‌های هفت سین در پوششی از کاه در گودال‌های زمینی نگه داری می‌شود تا در سال نو به زیبایی سفره هفت سین بیفزاید.

سمنو

سمنو که از جوانه‌های تازه رسیده گندم تهیه می‌شود، نماد فراوانی خوراک و غذاهای خوب و پر نیرو است و نیز نمادی برای زایش گیاهی و بارور شدن گیاهان توسط فرورهاست.

سماق

سماق نماد عشق مهر و پیوند دلها است که بر سر سفره هفت سین نهاده می‌شود.



سپند (اسفند)

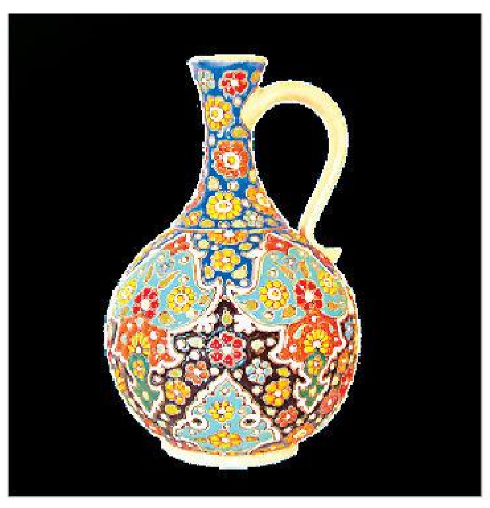
اسفند نیز نشانه‌ای است از دفع چشم زخم که در زمان‌های کهن مقدس بوده است و در مراسم نیایشی به کار می‌رفته است. امروزه نیز از آن برای دفع چشم زخم و به نیت درود فرستادن برای عزیزان از دست رفته و همچنین ضد عفونی کردن محیط استفاده می‌شود. عده‌ای اسفند را در خوانچه مخصوصی می‌نهند چراکه نشانه همه امشاسپندان و مقدسان است. اسفند همراه با کندر و دیگر خوشبوهای مخصوص آتش همیشه در خانه زرتشتیان وجود دارد و روزی ۲ تا ۳ بار آن‌ها را بر آتش می‌ریزند به خصوص در مراسم سوگواری و شادی اسفند دود کردن امری رایج است.

ماهی



یکی دیگر از زینت‌دهندگان سفره هفت سین، ماهی است، اسفند ماه در برج حوت است و حوت یعنی ماهی. در هنگام نوروز برج حوت به برج حمل تحویل می‌گردد و از این رو نمادی از آخرین ماه سال در خوان نوروزی گذاشته می‌شود. علاوه بر آن ماهی یکی از نمادهای آناهیتا فرشته آب و باروری است که وظیفه اصلی نوروز را که باروری است بر عهده دارد. خوردن سبزی پلو با ماهی نیز در شب عید از این روست و ظرف پر از آب با چند ماهی قرمز نمادیست از روزی حلال.

کوزه آب



در گذشته کوزه آب که توسط دختران نابالغ از چشمه‌ها پر می‌شد با زینتی از گردنبندها بر سر خوان نوروزی نهاده می‌شد. امروزه کوزه سفالی را پر از آب می‌کنند و به جای جواهرات با سبزه و روبان تزیین می‌کنند و همراه با تاس مسین پر از آب و برگ‌های آویشن در حالی که یک عدد انار سرخ هم در آن نهاده‌اند، بر سفره می‌گذارند.

آتشدان (مجمر)



بر سر سفره هفت سین وجود آتشدان، نماد اردی بهشت امشاسپند، اهمیت خاصی دارد. آتش این مجمر از آتش مقدس مایه می‌گیرد معمولاً در کنار آتشدان دانه‌های اسفند کندر اشتره و نیز چوب‌های خوشبو چون عود و صندل وجود دارد.
روشنایی تجلی اهورامزدا است و نماد درستی و نیک‌اندیشی و راستی بنابراین باید بر سر سفره هفت سین باشد. در ایران باستان در دو سوی آتشدان شمعدان‌های گرانبها یا چراغ می‌نهادند و آنها را می‌افروختند و این نشانی از دنیای پرفروغ بی پایان بود که اهریمن بدانجا راه ندارد.

آیینه



طبق اعتقاد برخی چون آخرین ماه سال زمان تولد آدم ابوالبشر است، بنابراین باید نمادی از آن در خوان نوروزی باشد تا شکل پذیری آسان شود. از این رو آیینه‌ای در بالای خوان نهاده می‌شود و در اطراف آن شمع یا چراغی می‌گذارند. اغلب تعداد شمع‌ها با تعداد فرزندان خانواده ارتباط دارد و نیز آیینه‌ای دیگر در زیر تخم مرغ گذاشته می‌شود تا انعکاس وجود آدمی در آیینه دیده شود و نیز آیینه زیر تخم مرغ هم نمایانگر تحویل سال است. وقتی که گاو آسمانی، کره زمین را از شاخی به شاخ دیگر می‌افکند در آن زمان تخم مرغ بر روی آیینه خواهد جنبید، در جلوی آیینه هم مشتی گندم به نشانه روزی فراخ می‌پاشند.

کتاب‌های مقدس



یکی دیگر از چیدنی‌های خوان نوروزی وجود کتاب مقدس به عنوان نماد الهی است. در دوران ساسانیان کتاب اوستا را برخوان می‌گذاشتند و قبل از فرا رسیدن سال قسمتی از آن را که معمولا «فروردین یشت» است، می‌خواندند و از فروهرهای شاهان، پاکان، پارسایان، دلاوران و شهسواران که در «فروردین یشت» نام آنها آمده، یاد می‌کردند. امروز بر سر سفره نوروزی ما مسلمانان قرآن و بر سر خوان نوروزی کلیمیان تورات گذاشته می‌شود و هر کس قسمتی از کتاب دینی خود را می‌خواند تا سال نو را با آیه‌های مبارک الهی شروع کرده باشد.



■ توراندخت طباطبایی

پژوهش

سیمرغ در ایران اساطیری

در ایران باستان: سابقه حضور مرغ اساطیری سیمرغ در فرهنگ ایرانی به پیش از اسلام می‌رسد. آن چه از اوستا و آثار پهلوی بر می‌آید، می‌توان دریافت که سیمرغ، مرغی است فراخ بال که بر درختی درمان بخش به نام «ویسپوبیش» یا «هرویسپ تخمک» که در بردارنده تخمه همه گیاهان است، آشیان دارد. در اوستا اشاره شده که این درخت در دریای «وروکاشا» یا «فراخکرت» قرار دارد. کلمه سیمرغ در اوستا به صورت «مرغوسئن» آمده که جزء نخستین آن به معنای «مرغ» است و جزء دوم آن با اندکی دگرگونی در پهلوی به صورت «سین» و در فارسی دری «سی» خوانده شده است و به هیچ وجه نماینده عدد ۳۰ نیست؛ بلکه معنای آن همان کلمه «شاهین» می‌شود. شاید مقصود از این کلمه (سی) بیان صفت روحانیت آن مرغ بوده است.

در شاهنامه فردوسی و منظومه‌های حماسی: سیمرغ بعد از اسلام هم در حماسه‌های پهلوانی هم در آثار عرفانی حضور می‌یابد. سیمرغ در شاهنامه فردوسی دو چهره متفاوت یزدانی در داستان زال و اهریمنی در هفت خوان اسفندیار دارد. زیرا همه موجودات ماوراء طبیعت نزد ثنویان (دوگانه پرستان) دو قلوی متضاد هستند. سیمرغ اهریمنی بیشتر یک مرغ اژدهاست، فاقد استعدادهای قدسی سیمرغ یزدانی است و به دست اسفندیار در خوان پنجمش کشته می‌شود. ورود سیمرغ یزدانی به شاهنامه با تولد «زال» آغاز می‌شود. «سام» پدر زال فرمان می‌دهد فرزندش را که با موهای سفید به دنیا آمده در صحرا رها کنند تا از بین برود. سیمرغ به سبب مهری که خدا در دلش می‌افکند، زال را به آشیانه می‌برد و می‌پرورد. سرانجام وقتی سام به دنبال خوابی که دیده است به پای البرز کوه (جایگاه سیمرغ) (۲) به سراغ زال می‌آید، سیمرغ بعد از وداع با زال پری از خود را به او می‌دهد تا به هنگام سختی از آن استفاده کند. سیمرغ دو جا در شاهنامه کمک‌های مهمی به زال می‌کند. یکی به هنگام به دنیا آمدن رستم که به علت درشت بودن تولدش با مشکل مواجه شده است و سیمرغ با چاره‌جویی به موقع این مشکل را برطرف می‌کند. دیگری به هنگام جنگ رستم و اسفندیار است که رستم ناتوان از شکست دادن اسفندیار با روشی که سیمرغ به وی می‌آموزد موفق می‌شود اسفندیار را در نبرد مغلوب کند. سیمرغ هم چنین زخم‌های بدن رستم را هم مداوا می‌کند.

اگرچه در شاهنامه سیمرغ به منزله موجودی مادی تصویر می‌شود، اما صفات و خصوصیات کاملاً فوق طبیعی دارد. ارتباط او با این جهان تنها از طریق زال است. به یکی از امشاسپندان یا ایزدان یا فرشتگان می‌ماند که ارتباط گهگاهشان با این جهان، دلیل تعلق آن‌ها با جهان مادی نیست. سیمرغ در دیگر متون اساطیری فارسی هم چون «گرشاسب‌نامه»ی «اسدی توسی» چهره‌ای روحانی و مابعدالطبیعی ندارد. اصولاً جز در قسمت اساطیری شاهنامه، بعد از اسلام ما متن اساطیری به معنای حقیقی کلمه نداریم، به همین سبب است که سیمرغ تنها با شخصیت و ظرفیت بالقوه تاویل پذیر‌ه‌ای اسطوره ایش که در شاهنامه ظاهر می‌شود، به آثار منظوم و منثور عرفانی فارسی راه می‌یابد و از طریق شخصیت رمزی خود در عناصر فرهنگ اسلامی جذب می‌گردد. البته معلوم نیست که دقیقاً از چه زمانی و به دست چه کسی سیمرغ صبغه عرفانی گرفته است.

پس از شاهنامه فردوسی کتب دیگری نیز در ادبیات فارسی هست که در آن‌ها ذکری از سیمرغ و خصوصیاتش آمده است. از جمله آن‌ها کتب و رسالات زیر را می‌توان بر شمرد: رسالة الطیر ابن سینا، ترجمه رسالة الطیر ابن سینا توسط شهاب الدین سهروردی، رسالة الطیر احمد غزالی، روضة الفریقین ابوالرجاء چاچی، نزهت نامه علایی (نخستین دایرةالمعارف به زبان فارسی)، بحر الفواید (متنی قدیمی از قرن ششم که در قرن چهار و پنج شکل گرفته و در نیمه دوم قرن ششم در سرزمین شام تالیف شده است) و از همه مهم‌تر منطق الطیر عطار.

در منطق الطیر: منطق الطیر عطار داستان سفر گروهی از مرغان به راهنمایی هدهد به کوه قاف برای رسیدن به آستان سیمرغ است. هر مرغ به عنوان نماد دسته خاصی از انسان‌ها تصویر می‌شود. سختی‌های راه باعث می‌شود مرغان یکی یکی از ادامه راه منصرف شوند. در پایان، سیمرغ به کوه قاف می‌رسند و در حالتی شهودی در می‌یابند که سیمرغ در حقیقت خودشان هستند. اکثر محققان ادبیات، از جمله «دکتر شفیعی کدکنی» معتقدند که در این داستان، سیمرغ رمزی از وجود حق تعالی است. سیمرغ رمز آن مفهومی است که نام دارد و نشان ندارد. ادراک انسان نسبت به او ادراکی است «بی چگونه». سیمرغ در ادبیات ما گاهی رمزی از وجود آفتاب که همان ذات حق است، نیز می‌شود.

ناپیداییص و بی همتا بودن سیمرغ، دستاویزی است که او را مثالی برای ذات خداوند قرار می‌دهد. محقق دیگر ادبیات، «دکتر پورنامداریان» معتقد است که در این داستان، سیمرغ در حقیقت رمز «جبرئیل» است. چرا که تقریباً تمام صفات سیمرغ در وجود جبرئیل جمع است. صورت ظاهری آن‌ها (بزرگ پیکری، شکوه و جمال، پر و بال) به هم شباهت دارد. بنا بر ظاهر آیه یک سوره «فاطر» فرشته‌ها بال دارند. در داستان زال و سیمرغ، سیمرغ واسطه نیروی غیبی است و زال هم سیمایی پیامبرگونه دارد. این ارتباط بی‌شباهت به ارتباط جبرئیل (فرشته وحی) و پیامبران نیست.

شبیه داستان پرورش کودک بی‌پناه توسط سیمرغ در مورد جبرئیل در فرهنگ اسلامی وجود دارد. جبرئیل نگهدارنده کودکان بنی اسرائیل است که مادرانشان آن‌ها را از ترس فرعون در غارها پنهان کرده‌اند. مشابه عمل التیام‌بخشی زخم‌های رستم توسط سیمرغ را، در فرهنگ اسلامی در واقعه شکافتن سینه رسول خدا در ارتباط با واقعه معراج می‌بینیم. هم چنان که سیمرغ بر درخت «هروسپ تخمک» آشیان دارد، جبرئیل نیز ساکن درخت «سدرة المنتهی» است. سیمرغ گاهی با مرغان اساطیری دیگر مثل «عنقا» خلط می‌شود. عنقا از ریشه «عنق» و به معنای «دارنده گردن دراز» است. وجه مشترک سیمرغ و عنقا «مرغ بودن» و «افسانه‌ای بودن» است. در واقع عنقا یک اسطوره جاهلی عرب است و سیمرغ یک اسطوره ایرانی. شباهت‌های ذکر شده باعث شده که در ذهن شاعران و نویسندگان این دو مرغ اسطوره‌ای گاهی به هم مشتبه شوند، حال آن که در حقیقت دو خاستگاه متفاوت دارند.



اگرچه در شاهنامه سیمرغ به منزله موجودی مادی تصویر می‌شود، اما صفات و خصوصیات کاملاً فوق طبیعی دارد. ارتباط او و با این جهان تنها از طریق زال است. به یکی از امشاسپندان یا ایزدان یا فرشتگان می‌ماند که ارتباط گهگاهشان با این جهان، دلیل تعلق آن‌ها با جهان مادی نیست



شب عید خیاط‌ها

به روایت استادکار رضا هداوند

متولد ۱۳۲۱ است در تهران. از ۱۲ سالگی وارد خیاطی شده است. به گفتهٔ خودش ۶۰ سال است کارش دوزندگی است. دوزندگی که می‌گوید، دردش تازه می‌شود و این شعر را می‌خواند: هر که کارش بود دوزندگی/ مردنش بهتر بود تا زندگی. به شوخی می‌گویم: معلوم می‌شود در بین دوزنده‌ها، شاعر هم بوده. می‌خندد. چندین سال پیش استادکاری به نام علی‌اکبر رضایی شاگردی کرده است. کار را آموخته و شده خیاط و باز شعر شاعری دیگر را می‌خواند:

آنکه تنش دوخت نان شب نداشت/ آنکه کنش دوخت، مرد از گشنگی!

استادکار رضا هداوند اصالتاً اهل شیراز است. می‌گوید: هداوندها بیشتر زندگی ایلی دارند و در قلمرو فارس و کهکیلویه و بویراحمد و آن طرف‌ها پراکنده‌اند. پیش از انقلاب در ساختمان پلاسکو خیاطی می‌کرد و کارش دوخت کت و شلوار بود و از شما چه پنهان که خیاط شخصیت‌های ملی بوده است و دوخته‌هایش آویزهٔ تن اشخاصی چون مهندس بازرگان و مهندس سحابی و پدرش مرحوم دکتر سحابی بوده است. در این گفتگو، پای سخنان این پیر پرتجربهٔ زحمت‌کش نشسته‌ایم تا از او بشنویم حال و هوای عید برای یک خیاط کهنه‌کار قدیمی را.

*** آقای هداوند! کمی از خودتان صحبت کنید.**

من رضا هداوند هستم. در سال ۱۳۲۱ در تهران به دنیا آمده‌ام. کارم همانطور که می‌دانید خیاطی است. این کار را از ۱۲ سالگی شروع کردم و رسیدم به اینجا که می‌بینید. یکی از رفقا مرا به مرحوم علی‌اکبر رضایی معرفی کرد که استاد خیاطی بود. مردی بود بسیار مؤمن و خوب. چند سال که پیشش کار کردم، خودم استاد شدم و بعد هم شریک شدیم و حدود ۳۰ سال با هم کار می‌کردیم. من کارم را از لاله‌زار شروع کردم. بعد رفتیم به پلاسکو. از سال ۴۰ تا ۵۰ آنجا بودیم و بعد آمدیم به خیابان ولیعصر که کارگاه فعلی خودم و پسرانم است.

*** آقای هداوند! آیا از کارتان راضی هستید؟**

چه عرض کنم. چه کسی از کارش راضی است که ما هم راضی باشیم. هر کس که کاری را ۶۰ سال انجام بدهد و به جایی نرسد که راضی نمی‌شود. شغل ما، شغل سختی است. آن شعر را برایتان خوانده‌ام که:

هر که وی بود دوزندگی/ مردنش بهتر بود تا زندگی
یک شعر دیگر هم هست که می‌گوید:
آنکه تنش دوخت نان شب نداشت
آنکه کنش دوخت مرد از گشنگی

*** خب، شما جزو کدام دسته هستید؟ مرده‌اید یا گرسنه؟**

فعلاً که زنده‌ایم ولی... این هم تقدیر ما بود. تو پیشانی ما نوشته بودند خیاط. ما هم خیاط شدیم و این تقدیر عوض هم نمی‌شود. این را هم به شما بگویم که خیاطی یک هنر است. عشق می‌خواهد. کار راحتی نیست و هر کسی نمی‌تواند خیاط هنرمند باشد. بخصوص کار ما که کت و شلواردوزی است، عشق می‌خواهد، چون کار دست است. همه بخش‌ها با دست انجام می‌شود و واقعاً باید با هنرمندی و عشق انجام شود.

*** آمار دارید که تا امروز چند دست کت و شلوار دوخته‌اید؟**

راستش را بخواهید نشمرده‌ام ولی زیاد دوخته‌ام. ما هر هفته ۴ دست کت و شلوار می‌دوختیم که در ماه می‌شود ۱۶ دست. حالا این را ضرب در ۱۲ کنید و ببینید در ۵۰ سال چقدر می‌شود.

*** می‌خواهم بپرسم که از نظر خودتان بهترین کت و شلوار را برای چه کسی دوخته‌اید؟ و مهمترین کسی که کت و شلوارتان را به تن کرده، چه کسی بوده است؟**

نمی‌توانم به این سئوال جواب قطعی بدهم، چون هم از نظر هر کسی فرق می‌کند. من بیشتر برای شخصیت‌های ملی ایران کت و شلوار می‌دوختم، کسانی مثل مرحوم مهندس بازرگان، مرحوم دکتر سحابی و مهندس سحابی و آقای دکتر شیبانی که سالهاست خیاطش هستم و اتفاقاً همین دیشب در خدمتشان بودم. من هیچ وقت برای کسانی مثل هویدا و رجال سیاسی کت و شلوار ندوخته‌ام ولی افتخار می‌کنم که برای انسانهای ملی کار انجام داده‌ام.

این را هم به شما بگویم که از نظر خودم، هر کت و شلواری که دوخته‌ام و در تن و بدن مشتری خوب و قشنگ بوده، خودم بیشتر از آن شخص از کار خوشم آمده و راضی بوده‌ام. یعنی وقتی می‌بینم کارم در تن کسی خوش می‌نشیند، من بیشتر از او از این کار لذت می‌برم. کار ما درست مثل کار نقاش است که تابلو کار می‌کند و منظره‌ای را نقاشی می‌کند و وقتی خوب می‌شود، خودش بیشتر از کسی که آن را می‌خرد و می‌برد، لذت می‌برد. خیاطی چنین چیزی است. کار دل است و عشق می‌خواهد. واقعاً یک هنر است.

من با صراحت باید بگویم که خیاطی اصیل دیگر وجود ندارد و رشته‌ای به نام خیاطی در ایران مرده است. شما دیگر نمی‌توانید مغازهٔ خیاطی پیدا کنید که کارگر داشته باشد. اصلاً کارگر پیدا نمی‌شود. ببینید! سری‌دوزی هست و فراوان هم هست ولی سری‌دوزی خیاطی نیست. کت و شلوار تک دوز وجود ندارد، چون کار دست است و هم سخت است، هم صرف نمی‌کند. در سری‌دوزی کارگر می‌برد و یک کارگر هم چسب می‌زند و اتو می‌کشد که بچسبد. کار چسب در آب خودش را ول می‌کند در حالی که در دوخت دست، همه بخش‌ها باید با دست انجام شود و کار هنری است. یک نفر هم نمی‌تواند و نباید همه کارها را انجام دهد. مثلاً دگمه‌دوزی کار یک استادکار نیست. این جور کارها را در گذشته وردست‌ها انجام می‌دادند ولی الان کسی نیست که انجام دهد. پس خود استاد باید انجام بدهد! این را هم به شما بگویم که من در کاری که انجام می‌دهم، پروف نمی‌کنم. شیوه‌ای دارم که طبق آن، وقتی اندازه می‌زنم، کار را درست انجام می‌دهم و درست درمی‌آورم و تحویل مشتری می‌دهم، در حالی که بقیه باید چند بار پروف کنند و آخرش هم می‌شکافند و از نو می‌دوزند. نمی‌خواهم از کار خودم تعریف کنم ولی عمرم را در این کار گذاشتم و زحمت کشیدم.

*** به همین جهت هم، ما شما را یک هنرمند ارزنده می‌شناسیم. بفرمایید که شب عید برای یک خیاط چگونه بود؟ آیا حال و هوای مخصوصی بر شما و کارتان در ایام تحویل سال حاکم نبود؟**

چرا اتفاقاً. ببینید! در گذشته عید برای ما حال و هوای دیگری داشت. علتش هم این بود که کار زیاد می‌شد. به همین جهت، بیشتر خیاط‌ها یکی دو ماه آخر سال را شبانه‌روزی کار می‌کردند و خیلی‌هاشان یک ماه آخر را اصلاً به خانه‌شان نمی‌رفتند و در خیاط‌خانه می‌خوابیدند، چون یک سال باید می‌گذشت تا اینقدر کار بگیرند. درآمد واقعی و اصلی خیاط‌های قدیم در شب عید بود. شب و روز کار می‌کردند تا کار تولید کنند. همه چیز یک خیاط در همین یک ماه آخر خلاصه می‌شد. مشتری زیاد بود و همه می‌خواستند لباسشان آماده شود. ما هم سعی می‌کردیم که کار را برسانیم و می‌رساندیم.

*** یعنی با آمدن ایام عید، کار شما زیاد می‌شد و باید به هر شکل ممکن جوابگو می‌بودید.**

صد درصد. به لحاظ کمّی، کار ما چندبرابر می‌شد. یادم هست که هر هفته ۳۰-۴۰ دست کت و شلوار باید حاضر می‌کردیم. هر کارگری ۷-۸ کت و شلوار را در هفته انجام می‌داد. این را مقایسه کنید با قبل از عید که هر هفته ۴ دست بود. الان هم که دیگر کت و شلوار دست‌دوز شدنی نیست و سالی ۱۰ دست هم نمی‌توانیم بدوزیم.

*** با این حساب، خیاطان، عاشقان عید بودند!**

شک نکنید. علتش این بود که اصلاً زندگی‌شان عوض می‌شد. بدهی‌های یک ساله در همین ماه پرداخت می‌شد و بعد از عید دوباره کار کم می‌شد و مدتها طول می‌کشید تا دوباره کار ما رونق معمولی خودش را پیدا کند.

البته ما خدا را شکر می‌کنیم که چیزی نداریم و جز کار و شغل و حرفه‌مان چیزی بلد نیستیم. خدا بیامرز شریعتی می‌گفت: شما که از نعمت محرومیت برخوردارید، امید ما به شماست. به همین جهت، نداشتن یک نعمت است و ما هم از این نعمت برخورداریم، چون دیده‌ایم و شنیده‌ایم که کسانی که دارند و بیش از اندازه دارند، یک جور دیگرند و افکارشان یک جور دیگر است.

*** پس شما جزو کسانی بودید که به درس‌های دکتر شریعتی می‌رفتید و حاضر می‌شدید.**

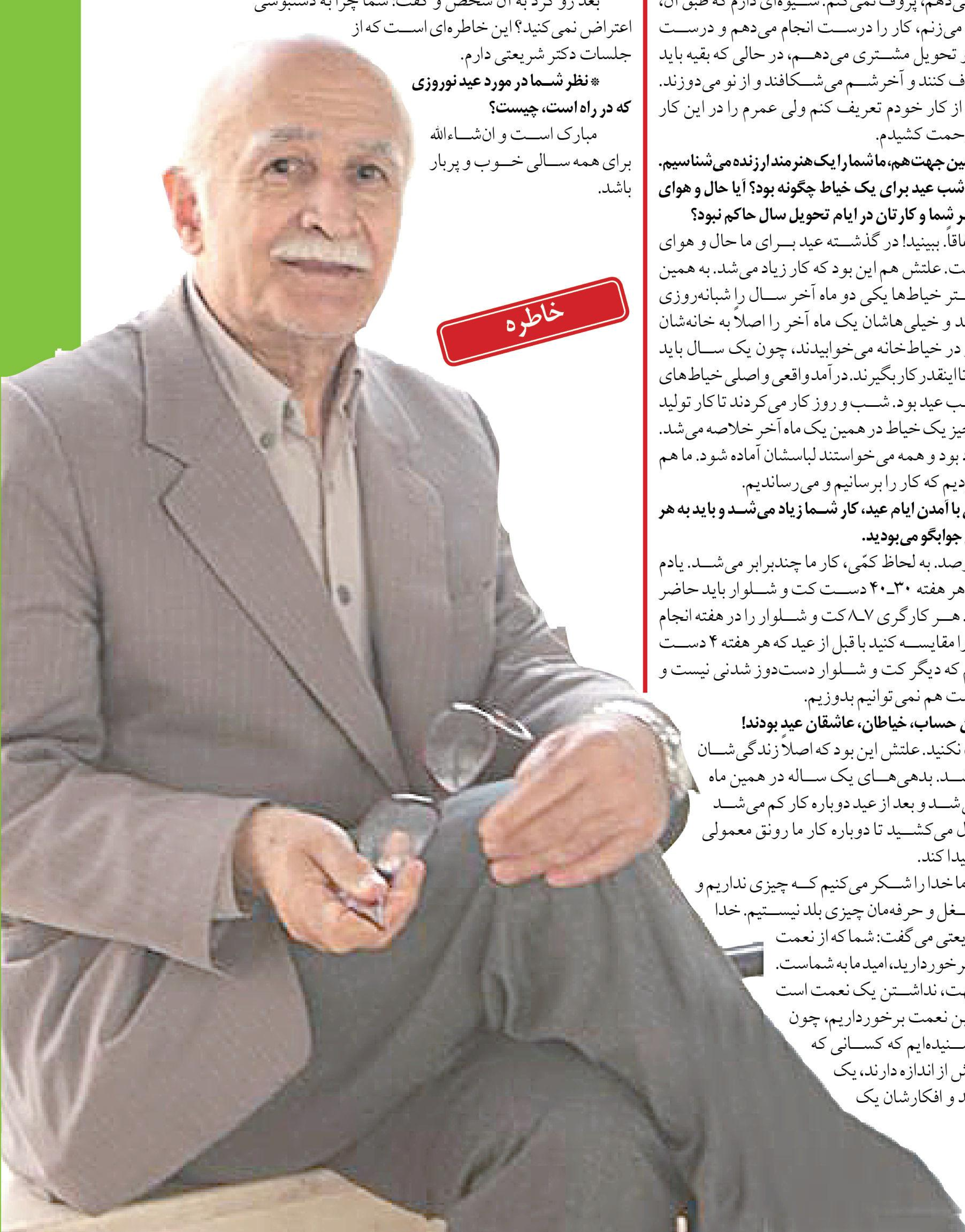
بله. من سالها جزو ارادتمندان دکتر شریعتی بودم و به حسینیهٔ ارشاد می‌رفتم. جالب است که یکی از خاطراتم برمی‌گردد به ماجرایی که خیلی شنیدنی است و آن این است که دکتر شریعتی وقتی وارد جلسهٔ سخنرانی می‌شد، مردم برای او دست می‌زدند. بعد هم که حرف می‌زد، وسط صحبتش هم که اوج می‌گرفت برایش کف می‌زدند و در آخر صحبت‌هایش هم برایش کف می‌زدند. همه این را می‌دانستند. در یکی از سخنرانی‌ها، دکتر شریعتی بعد از پایان حرف‌هایش، رو کرد به مردم و گفت: هرکس هر سؤالی دارد، طرح کند. بغل دستی من که آدم مخصوصی بود، بلند شد و گفت: آقای دکتر! اینجا حسینیهٔ ارشاد است و مربوط است به امام حسین(ع) چرا مردم وقتی شما صحبت می‌کنید، کف می‌زنند؟ دکتر شریعتی رو کرد به آن شخص و گفت: مگر من کف می‌زنم؟ این مردم هستند که دست می‌زنند! این مردم دست می‌زنند، شما از من انتقاد می‌کنید؟ وقتی دکتر شریعتی این حرف را زد، مردم شروع کردند به دست زدن و همین‌جور دست می‌زدند، تا اینکه دکتر شریعتی آنها را ساکت کرد و گفت: من در جواب این شخص باید بگویم که دست زدن دو جور است: یک وقت هست که شما از شنیدن سخنرانی یک نویسنده و شاعر و سخنران احساساتی می‌شوید و احساساتتان را می‌خواهید نشان بدهید که با دست است. یک وقت است که شما در یک مجلس رقص و لهو و... دست می‌زنید که آن فرق می‌کند. دربارهٔ سخنرانی یک معلم یا نویسنده، ابراز احساسات با دست است و اشکالی هم ندارد و حرام هم نیست. آنچه احتمالاً حرام است دستبوسی است(!) نه دست زدن به عنوان ابراز احساسات.

بعد رو کرد به آن شخص و گفت: شما چرا به دستبوسی اعتراض نمی‌کنید؟ این خاطره‌ای است که از جلسات دکتر شریعتی دارم.

*** نظر شما در مورد عید نوروزی که در راه است، چیست؟**

مبارک است و ان‌شاءالله برای همه سالی خوب و پربار باشد.





یادمان

حکیم عمر خیام نیشابوری

اصلاحگر تقویم نوروزی

■ دکتر علی جعفری

حکیم عمر خیام (خیامی) در سال ۴۳۹ هجری (۱۰۴۸ میلادی) در شهر نیشابور و در زمانی به دنیا آمد که ترکان سلجوقیان بر خراسان، ناحیه‌ای وسیع در شرق ایران، تسلط داشتند. وی در زادگاه خویش به آموختن علم پرداخت و نزد عالمان و استادان برجسته آن شهر از جمله امام موفق نیشابوری علوم زمانه خویش را فراگرفت و چنانکه گفته‌اند بسیار جوان بود که در فلسفه و ریاضیات تبحر یافت.

تلاشها

خیام در سال ۴۶۱ هجری به قصد سمرقند، نیشابور را ترک کرد و در آنجا تحت حمایت ابوطاهر عبدالرحمن بن احمد، قاضی القضات سمرقند اثربرجسته خودرادر جبر تألیف کرد. خیام سپس به اصفهان رفت و مدت ۱۸ سال در آنجا اقامت گزید و با حمایت ملک شاه سلجوقی و وزیرش نظام‌الملک، به همراه جمعی از دانشمندان و ریاضیدانان معروف زمانه خود، در رصدخانه‌ای که به دستور ملکشاه تأسیس شده بود، به انجام تحقیقات نجومی پرداخت. حاصل این تحقیقات اصلاح تقویم رایج در آن زمان و تنظیم تقویم جلالی (لقب سلطان ملکشاه سلجوقی) بود. در تقویم جلالی، سال شمسی تقریباً برابر با ۳۶۵روز و ۵ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵ ثانیه است. سال دوازده ماه دارد ۶ ماه نخست هر ماه ۳۱ روز و ۵ ماه بعد هر ماه ۳۰ روز و ماه آخر ۲۹ روز است هر چهارسال، یکسال را کبیسه می‌خوانند که ماه آخر آن ۳۰ روز است و آن سال ۳۶۶ روز است. در تقویم جلالی هر پنج هزار سال یک روز اختلاف زمان وجود دارد در صورتیکه در تقویم گریگوری هر ده هزار سال سه روز اشتباه دارد.

بازگشت به خراسان

بعداز کشته شدن نظام‌الملک و سپس ملکشاه، در میان فرزندان ملکشاه بر سر تصاحب سلطنت اختلاف افتاد. به دلیل آشوب‌ها و درگیری‌های ناشی از این امر، مسائل علمی و فرهنگی که قبلاً از اهمیت خاصی برخوردار بود به فراموشی سپرده شد. عدم توجه به امور علمی و دانشمندان و رصدخانه، خیام را بر آن داشت که اصفهان را به قصد خراسان ترک کند. وی باقی عمر خویش را در شهرهای مهم خراسان به ویژه نیشابور و مرو که پایتخت فرمانروایی سنجر (پسر سوم ملکشاه) بود، گذراند. در آن زمان مرو یکی از مراکز مهم علمی و فرهنگی دنیا به شمار می‌رفت و دانشمندان زیادی در آن حضور داشتند. بیشتر کارهای علمی خیام پس از مراجعت از اصفهان در این شهر جامه عمل به خود گرفت.

> **حاصل تحقیقات خیام اصلاح تقویم رایج در آن زمان و تنظیم تقویم جلالی (لقب سلطان ملکشاه سلجوقی) بود. در تقویم جلالی، سال شمسی تقریباً برابر با ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵ ثانیه است**

خیام و علم ریاضیات

دستاوردهای علمی خیام برای جامعه بشری متعدد و بسیار درخور توجه بوده است. وی برای نخستین بار در تاریخ ریاضی به نحو تحسین برانگیزی معادله‌های درجه اول تا سوم را دسته بندی کرد، و سپس با استفاده از ترسیمات هندسی مبتنی بر مقاطع مخروطی توانست برای تمامی آنها راه حلی کلی ارائه کند. وی برای معادله‌های درجه دوم هم از راه حلی هندسی و هم از راه حل عددی استفاده کرد، اما برای معادلات درجه سوم تنها ترسیمات هندسی را به کار برد؛ و بدین ترتیب توانست برای اغلب آنها راه حلی بیابد و در مواردی امکان وجود دو جواب را بررسی کند. اشکال کار در این بود که به دلیل تعریف نشدن اعداد منفی در آن زمان، خیام به جوابهای منفی معادله توجه نمی‌کرد و به سادگی از کنار امکان وجود سه جواب برای معادله درجه سوم رد می‌شد. با این همه تقریبا چهار قرن قبل از دکارت توانست به یکی از مهمترین دستاوردهای بشری در تاریخ جبر بلکه علوم دست یابد و راه حلی را که دکارت بعدها (به صورت کاملتر) بیان کرد، پیش نهد. خیام همچنین توانست با موفقیت تعریف عدد را به عنوان کمیتی پیوسته به دست دهد و در واقع برای نخستین بار عدد مثبت حقیقی را تعریف کند و سرانجام به این حکم برسد که هیچ کمیتی، مرکب از جزءهای تقسیم ناپذیر نیست و از نظر ریاضی، می‌توان هر مقداری را به بی نهایت بخش تقسیم کرد. همچنین خیام ضمن جستجوی راهی برای اثبات «اصل توازی» (اصل پنجم مقاله اول اصول اقلیدس) در کتاب شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس (شرح اصول مشکل آفرین کتاب اقلیدس)، مبتکر مفهوم عمیقی در هندسه شد. در تلاش برای اثبات این اصل، خیام گزاره‌هایی را بیان کرد که کاملا مطابق گزاره‌هایی بود که چند قرن بعد توسط والیس و ساکری ریاضیدانان اروپایی بیان شد و راه را برای ظهور هندسه‌های نااقلیدسی در قرن نوزدهم هموار کرد. بسیاری را عقیده بر این است که مثلث حسابی پاسکال را باید مثلث حسابی خیام نامید و برخی پا را از این هم فراتر گذاشتند و معتقدند، دو جمله‌ای نیوتن را باید دو جمله‌ای خیام نامید. البته گفته می‌شودبیشتر از این دستور نیوتن و قانون تشکیل ضریب بسط دو جمله‌ای را چه جمشید کاشانی و چه نصیرالدین توسی ضمن بررسی قانون‌های مربوط به ریشه گرفتن از عددها آورده‌اند.

خیام و علوم دیگر

استعداد شگرف خیام سبب شد که وی در زمینه‌های دیگری از دانش بشری نیز دستاوردهایی داشته باشد. از وی رساله‌های کوتاهی درزمینه‌هایی چون‌مکانیک، هیدرواستاتیک، هواشناسی، نظریه موسیقی و غیره نیز بر جای مانده است. اخیراً نیز تحقیقاتی در مورد فعالیت خیام در زمینه هندسه تزئینی انجام شده است که ارتباط او را با ساخت گنبد شمالی مسجد جامع اصفهان تأئید می کند. تاریخنگاران و دانشمندان هم عصر خیام و کسانی که پس از او آمدند جملگی بر استادی وی در فلسفه اذعان داشته اند، تا آنجا که گاه وی را حکیم دوران و ابن سینای زمان شمرده‌اند. آثار فلسفی موجود خیام به چند رساله کوتاه اما عمیق و پربار محدود می‌شود. آخرین رساله فلسفی خیام مبین گرایش های عرفانی اوست. اما گذشته از همه اینها، بیشترین شهرت خیام در طی دو قرن اخیر در جهان به دلیل رباعیات اوست که نخستین بار توسط فیتزجرالد به انگلیسی ترجمه و در دسترس جهانیان قرار گرفت و نام او را در ردیف چهار شاعر بزرگ جهان یعنی هومر، شکسپیر، دانته و گوته قرار داد. رباعیات خیام به دلیل ترجمه بسیار آزاد (و گاه اشتباه) از شعر او موجب سوء تعبیرهای بعضاً غیر قابل قبولی از شخصیت وی شده است. این رباعیات بحث و اختلاف نظر میان تحلیلگران اندیشه خیام را شدت بخشیده است. برخی برای بیان اندیشه او تنها به ظاهر رباعیات او بسنده می کنند، در حالی که برخی دیگر بر این اعتقادند که اندیشه‌های واقعی خیام عمیق‌تر از آن است که صرفا با تفسیر ظاهری شعر او قابل بیان باشد. خیام پس از عمری پربار سرانجام در سال ۵۱۷ هجری (طبق گفته اغلب منابع) در موطن خویش نیشابور درگذشت و با مرگ او یکی از درخشان‌ترین صفحات تاریخ اندیشه در ایران بسته شد.





راز گلبرگ‌ها

■ مرجان مهتدی

گلها از زیباترین مخلوقات خدا هستند که از قدیم الایام تا کنون مورد توجه انسانها نیز بوده و به عنوان نمادی از زیبایی و شادابی در زندگی آنها حضور داشته‌اند. کاربرد آن در مواقع مختلف نیز نیازی به توضیح ندارد و همگان با آن آشناییم. همانگونه که در هنگام شادی، بیماری و یا حتی غم، گلها به یاری ما آمده و ما را در ابراز احساسمان نسبت به دیگران یاری می‌دهند.

اما بد نیست بدانید که برخی از این گلها، از زمانهای گذشته تا کنون و در ادبیات قدیم و نیز اشعار برخی از شاعران به عنوان نمادی خاص بـه کار رفته و نمایانگر احساس و یا حالت خاصی می‌باشند.

در زیر به تعدادی از ایـن گلها و این که بیانگر چه نمادی هستند و پیامی که هدیه دادن برخی از آنها به همراه دارد اشاره شده است.

انواع رز (سمبل عشق)

* رز سرخ: عشق بی‌ریا – زیبایی – شجاعت – احترام – تبریک «دوستت دارم»
* رز سفید: پاکی – معصومیت – راز – سکوت – فروتنی – احترام «عشق من به تو عمیق و خالصانه است»
* رز صورتی: قدردانی – وقار – ستایش – همدلی – لطافت – شادکامی – «باورم کن» – «متشکرم» – «تو خیلی دوست داشتنی هستی»
* رز زرد: شادمانی – رفاقت – شوق – حسادت – آغاز دوباره – «فراموشم نکن» – «معذرت می‌خواهم»
* رز بنفش: عشق در نگاه اول
* رز نارنجی: اشتیاق – شیفتگی – آرزو
* غنچه رز: نماد پاکی و زیبایی – جوانی – عشق نوپا
* یک شاخه گل رز: سادگی – سپاسگزاری – عشق تازه
* یک شاخه گل رز سرخ: «عاشقانه دوستت دارم»
* رز سفید: عشق مبارک و فرخنده
* رز قرمز سیر: سوگواری
* رز سیاه: مرگ
* ترکیبی از رز سفید و سرخ: اتحاد – سازش
* رز کاملاً شکفته: «من به تو متعهد و وفادار هستم» – «هنوز دوستت دارم»
* دسته گل رز: قدردانی
* دسته گل رز کوچک: «من به یاد تو هستم»

سایر گلها

– داوودی: حقیقت – «تو دوست فوق العاده‌ای هستی»
– نیلوفر آبی: حقیقت
– نرگس: غرور – خود بینی
– نرگس زرد: احترام – جوانمردی – «تا زمانی که تو در کنار من هستی خورشید بر من خواهد تابید»
– بنفشه: اندیشه‌های ناگفته – پاکدامنی – فروتنی – سفر – «سفر بخیر»
– سوسن سفید: دوشیزگی – پاکی
– اقاقیا: عشق پاک – عشق پنهانی
– بگونیا: هشدار
– کاکتوس: پایداری – استقامت
– کاملیا صورتی: «در آرزوی تو هستم»
– کاملیا قرمز: «عشق تو همچون آتشی در قلب من است»
– کاملیا سفید: «تو درخور پرستشی»
– میخک: شیفتگی – عشق زن – ستایش – «بله (جواب مثبت)»
– قاصدک: وفاداری – خوشبختی – صداقت – پیام‌آور عشق – فراموشم نکن – خاطرات گذشته – عشق ناب
– پیچک: عشق – صداقت – وفاداری
– نسترن: آرزو – همدلی
– لادن: پیروزی – غلبه – فتح
– لاله: عاشق تمام عیار
– ارکیده: عشق – زیبایی
– اطلسی: شرم – ازدواج فرخنده
– پامچال: «بدون تو قادر به زندگی کردن نیستم»
– یاسمن: شادی – شیرینی – دلپذیری – وقار
– رزماری: یادآوری – خاطرات – یادگاری
– آلاله: زرق و برق
– آفتاب گردان: ستایش – غرور – پرستش
– مریم: لذت
– گلایل: ستایش – صداقت – «به من فرصت بده»
– زنبق: اندوه – تأسف
– مرغ بهشتی: شکوه – عظمت





نقاشی از: استاد کاتوزیان



خودمانی

خدا را دوست دارم به خاطر اینکه...

■ تهیه و تنظیم: هاشم رضوی

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه تا خودم نخواهم، مرا D.C نمی‌کند.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه با یک delete هر چیزی را بخواهم پاک می‌کند.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه این همه friend برای من add می‌کند.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر این همه wallpaper که update می‌کند.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه با اینکه خیلی بدم من را log off نمی‌کند.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه همه چیز من را می‌داند ولی SEND TO ALL نمی‌کند.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه می‌گذارد هر جایی که می‌خواهم Invisible بروم.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه همیشه جزء friendهام می‌ماند و مرا delete و ignore نمی‌کند.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه همیشه اجازه، undo کردن را به من می‌دهد.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه مرا install کرده است.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه هیچ وقت به من پیغام line busy نمی‌دهد.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه وقتی اراده کنم، ON می‌شود و من می‌توانم باهاش حرف بزنم.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه دلش را می‌شکنم، اما او باز من را می‌بخشد و shout down ام نمی‌کند.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه password اش را هیچ وقت یادم نمی‌رود، کافیه فقط به دلم سر بزنم.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه تلفنش همیشه آنتن می‌دهد.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه شماره اش همیشه در شبکه موجود است.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه هیچ وقت پیغام no response نمی‌دهد

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه هرگز گوشی اش را خاموش نمی‌کند.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه هیچ وقت نیازی نیست براش BUZZ بدهم.



■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه آهنگ حرف‌هاش همیشه مرا آرام می‌کند.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه نامه‌هاش چند کلمه‌ای بیشتر نیست، تازه spam هم تو کارش نیست.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه وسط حرف زدن نمی‌گوید: وقت ندارم، باید بروم یا دارم با فرد دیگری حرف می‌زنم.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه مرا برای خودم می‌خواهد، نه خودش.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه همیشه وقت دارد حرف‌هایم را بشنود.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه فقط وقت بی کاریش یاد من نمی‌افتد.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه می‌توانم از یکی دیگر پیشش گله کنم، بگویم که ؟؟؟؟؟.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه همیشه پیشم می‌ماند و مرا تنها نمی‌گذارد، دوست داشتنش ابدی است.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه می‌توانم احساسم را راحت به او بگویم، نه اصلاً نیازی نیست بگویم، خودش می‌تواند نگفته، حرف ام را بخواند.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه به من می‌گوید دوستم دارد و دوست داشتنش اش را مخفی نمی‌کند.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه تنها کسی است که می‌توانی جلوش بدون اینکه خجل بشوی گریه کنی، و بگویی دلت براش تنگ شده.

■ خدا را دوست دارم، به خاطر اینکه، می‌گذارد دوستش داشته باشم، وقتی می‌دانم لیاقت آن را ندارم.

■ خدا را دوست دارم به خاطر اینکه از من می‌پذیرد که بگویم: خدا را دوست دارم.





زندگی

در جوار گل و گیاه

گیاهان خانگی نقش بسیار مهمی در ایجاد آرامش در خانه ایفـا می‌کنند و از تکنیک‌های اصلی ایجاد آرامش به حسـاب می‌آینـد. وجود گیاهان در خانه علاوه بر اینکه نیروی زندگی بـه محیط القـا می‌کند، به پاک ماندن هـوای محیط نیز کمک خواهد کرد. گیاهان در اشـکال گوناگون انرژی‌های مختلفی در محیـط پدید می‌آورند و جایگاه خاص خود را دارند. برای مثال: گیاهان عمودی که دارای برگ‌های نوک تیز هستند بهتر اسـت در قسمت‌های جنوبی و گوشه‌ها (کنج‌ها) قرار گیرند. گیاهانی با برگ‌های گرد و آویزان، بیشتر آرامش‌بخش هستند و ترجیحا می‌بایسـت در قسمت‌های شمالی خانه قرار گیرند. گیاهان تنها در صورت سالم بودن قادرند انرژی‌های مثبت در محیط خلق کنند وگرنه گیاهان بیمار که دارای برگ‌های ناسالم هسـتند تنها انرژی‌های منفی تولید می‌کننـد و باعث رکود و بی‌روحی در محیط می‌شوند.

گل‌ها

گل‌هـای زیبا و خوش رنگ همواره یکی از عناصر اصلی جان بخشـی در محیط بوده اند. گل‌ها ویژگی خاصی دارند و آن اینکـه با نور و دمای موجود در محیط بازی می‌کنند و تغییر جهت می‌دهند. همچنین هر یک از گل‌ها دارای شـخصیت و ویژگی‌های رفتاری خاص خود هستند که انرژی خاصی نیز در محیط منتشر می‌کنند. برای مثال، لاله بهاری با آن قامت کشیده و گلبرگ‌هایی به سـمت بالا، دارای نوعی وقار و قدرت است، نیرویی قوی در محیط منتشـر می‌کنـد و حس اقتدار و اعتماد بـه نفس را در محیط بالا می‌برد. در مورد گل‌ها می‌بایسـت به نکته ظریف و مهم دیگری نیز توجه داشـته باشـید و آن اینکه، گل‌هـا در صورت زنده بودن قـادر به پراکنش انرژی مثبت در محیط هستند! گل‌های از شاخه جداشده‌ای که در گلدان‌ها قرار می‌گیرند گل‌های مرده به حساب می‌آیند و علیرغم باور بسیاری از افـراد، حس کسـالت و بی‌روحـی را در محیط القا می‌کنند. گل‌های خشک نیز به همین صورت هستند، مخصوصا زمانی که رنگ آنها با مرور زمان آسیب می‌بیند و گرد و خاک روی آنها می‌نشیند، انرژی منفی بیشتری از خود ساطع می‌کنند. بنابراین توصیـه می‌کنیم گیاهـان گل‌دار در خانه خود قـرار دهید و با رسیدگی به آنها کمک کنید تا نشاط و طراوت‌شان حفظ شود و بتوانند انرژی‌های زندگی بخش را برای شما به وجود آورند.

گل و انرژی‌های پنج گانه

انرژی‌ها به صورت کلی در قالب پنج نوع از عناصر طبیعی وجـود دارنـد: آب، آتش، فلز، چوب و خاک که هر یک از این عناصر، ویژگی خاص خود را دارند و هر فصل نیز سمبل یکی از این عناصر طبیعی انرژی است. بهار (زمان رویش و سرسبزی) نماد عنصر چوب اسـت. تابستان (فصل گرما و حرارت) نماد عنصر آتش است. پاییز (فصل برداشت محصول) نماد عنصر فلز اسـت. زمستان (فصل سـرما) نماد عنصر آب است. زمان تغییر فصول نیز جایگاه عنصر خاک اسـت. گیاهان نیز رابطه تنگاتنگی با اکثر عناصر مهم طبیعی دارند و از اینجاست که نقش مهم آنها در تولید انرژی تعیین می‌شود. برای مثال، گیاهان بدون چوب معنایی ندارند و بدون گرما که از ویژگی‌های آتش است قادر به رشد نیستند؛ همچنانکه خاک بستر رویش گیاهان است و بدون وجود آب، رشد گیاهان ممکن نیست!

گل‌هایی با انرژی چوب

گیاهانی که برگ‌ها، شاخه‌ها، ریشه‌ها و میوه‌های آبدار و باطراوت دارند، دارای انرژی عنصر چوب هستند. رنگ مربوط به این عنصر سـبز اسـت. گل‌های عنصر چوب بهتر است در قسـمت‌های جنوبی و شـرقی اتاق قرار داده شوند زیرا در این صورت، انرژی‌های مثبت بیشـتر و موثرتری منتشـر خواهند کرد که بر سلامتی جسم تاثیر گذارند. چنانچه این نوع گل‌ها در قسمت‌های شمالی و غربی اتاق قرار گیرند، انرژی تولید شده از آنها باعث بهتر شدن روابط دوستانه می‌شود.

گل‌هایی با انرژی آتش

گل‌هـای قرمز و دیگر رنگ‌های گرم دارای انرژی از نوع عنصر آتش هستند. قرار دادن این گل‌ها در قسمت‌های جنوب و جنوب غربی اتاق باعث انتشار انرژی‌های بسیار موثر و خلق محیط دوستانه، حس شهرت و غرور، عشق و تحرک می‌شود. نکته دیگر اینکه رنگ‌های قرمز، صورتی و ارغوانی به طور کلی نماد انرژی عنصر آتش هستند.



گل‌هایی با انرژی خاک

گل‌هایی با طیفی از رنگ‌های طلایی، نارنجی ملایم، زرد یا شـکلاتی، دارای انرژی عنصر خاک هستند. عنصر خاک به نوعی از عنصر آتش پیروی می‌کند به همین دلیل رنگ گل‌هایی که انرژی این عنصر را تولید می‌کنند نزدیک به گل‌هایی است که انرژی عنصر آتش را تولید می‌کنند. رنگ نارنجی و زرد بسیار شـادی‌زا هستند و وجود گل‌هایی به این رنگ در منزل، نوعی خوشامدگویی به میهمانان عزیز به شمار می‌رود.

این گل‌ها بهتر اسـت در مرکزیت اتـاق قرار گیرند زیرا در این صورت بیشـتر می‌توانند اثربخش باشـند و احسـاس راحتی و آرامش را القا کنند. وجود این نوع گل‌ها در اتاق‌های کنفرانس خصوصا در قسـمت‌های غربی و شـمالی آن بسیار توصیه می‌شـود، زیرا انرژی سـاطع شـده از آنها باعث بهبود روابط می‌شود.

گل‌هایی با انرژی فلز

گل‌هایی سفید و کرم خالق انرژی عنصر فلز هستند. انرژی منتشر شده از این گل‌ها در محیط، بسیار آرامش‌بخش خواهد بود. توصیه ما این است که برای اثربخشی بیشتر، این گل‌ها را به شکل ساده بیارایید. همچنین این نوع گل‌ها، برای قراردادن در مراسم‌های رسمی مثل جشن عروسی بسیار مناسب هستند.

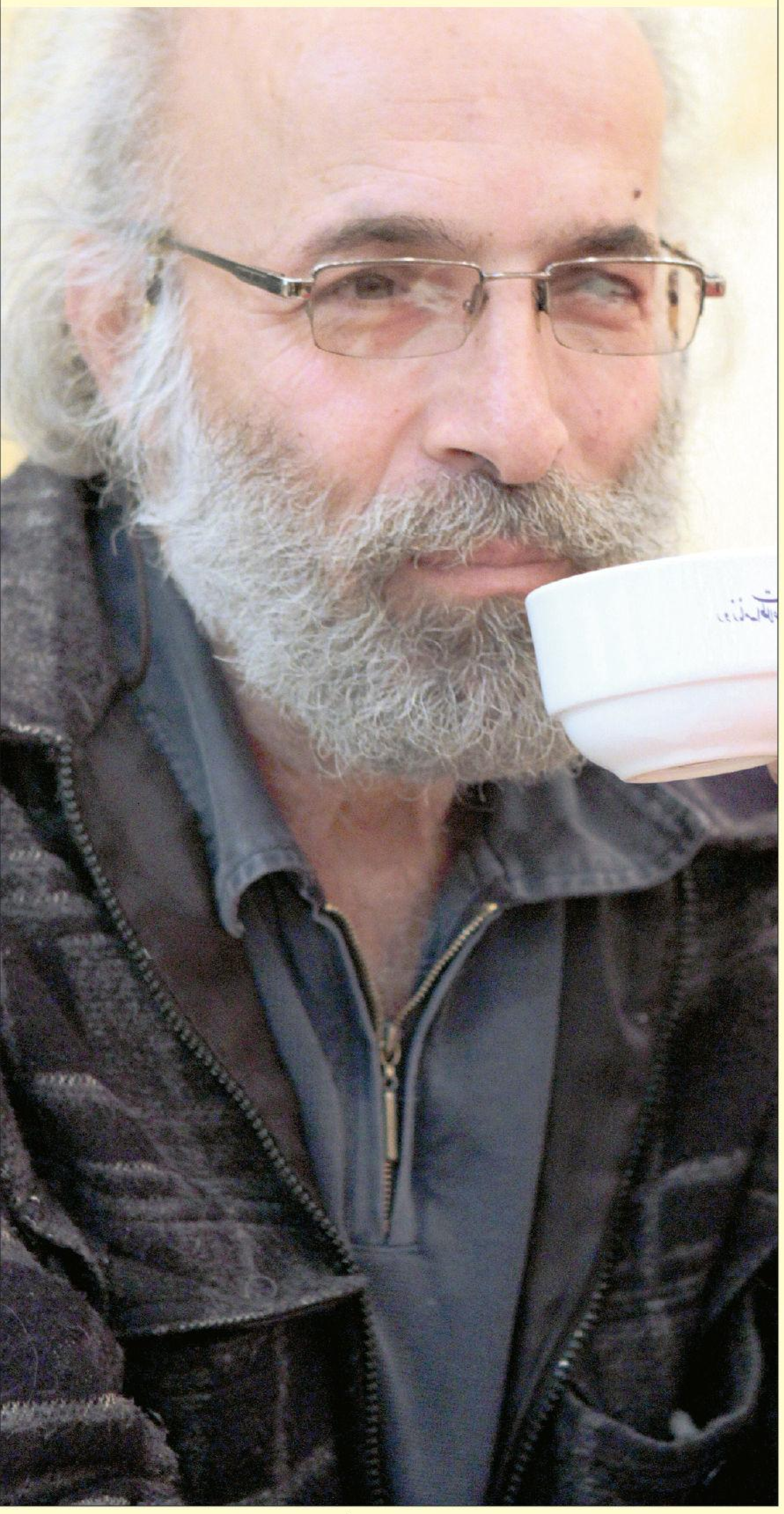
گل‌هایی با انرژی آب

گل‌هایی که دارای طیف‌های رنگ طوسی، آبی یا مشکی باشـند، گل‌هایی هستند که انرژی‌های مربوط به عنصر آب را تولیـد می‌کنند. قرار گرفتن این گل‌ها در قسـمت‌های غرب و شـمال‌غربی اتاق باعث کاهش تنش‌ها و آرامش می‌شـود. از دیگر ویژگی‌های انرژی منتشـر شـده از این نوع گل‌ها، القا کردن حس نشاط و سلامتی در محیط است؛ به خصوص اگر در قسمت شرق اتاق قرار گیرند.

فیلم

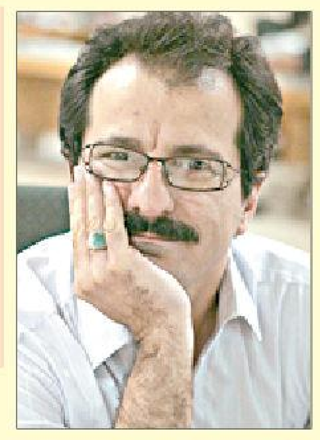
گفتگو با کیانوش عیاری ـ کارگردان

مستندی که گم شد



کیانوش عیّاری در سال ۱۳۵۸، مستندی به نام «تازه نفس‌ها» را ساخت که در گنجینه بصری تاریخ شفاهی ۴ دهه اخیر، منزلت و جایگاه قابل تأملی دارد. اما این مستند، تنها ۲ سال است که از آرشیو صدا و سیما خارج شده است و دست به دست می‌چرخد و گویا شبکه مستند سیما نیز یک بار آن را پخش کرده است.

با عیّاری، از روند ساخت آن مستند، دغدغه‌های جشنواره فیلم فجر اخیر، که او، یکی از داوران بخش مسابقه آن بود و سرانجام وضعیت روز اجتماع پرسش کرده‌ایم. پذیرای این گفتگو باشید...



■ هومن ظریف

● **بعد از اتفاقاتی که در سال ۵۷ رخ داد و انقلاب اسلامی از نهضت خارج شد و به ثمر نشست، چه شد که دوربین بردوش وارد متن اجتماع شدید و اتفاقات و دگرگونی‌های اجتماعی در حال گذار را ضبط کردید. کسانی مانند «حسین ترابی» و «محمود بهادری» نیز، پیش از شما، صحنه‌های انقلاب ۵۷ را فیلمبرداری کردند. آیا دکوپاژ مستند «تازه نفس‌ها» همزمان با فیلمبرداری در ذهن شما نقش بست یا بعد از فیلمبرداری در تدوین، انجام شد؟**

از اسم اولیه فیلم که «تهران امروز» بود، می‌توان تمام انگیزه‌ها را ردیابی کرد. تهران آن روزها، در اولین ماه‌های سال ۱۳۵۸ سرشار از دگرگونی بود. در هر گوشه‌ای از شهر، می‌شد این دگرگونی را دید و من هم به عنوان یک جوان ایرانی از اهواز به تهران آمده بودم، برای اینکه بعد از انقلاب قصد داشتم مقیم تهران بشوم و وارد عرصه فیلمسازی حرفه‌ای بشوم. پیش از انقلاب در سال‌های جوانی، سابقه مستندسازی به جز دو مورد نداشتم. فیلم‌هایی داستانی در قالب سوپر هشت، در سینمای آزاد در اهواز می‌ساختم. فیلم‌هایی که من در اهواز و عده‌ای در شهرهایی مثل اصفهان، بندرعباس، مشهد، خرم‌آباد، ساخته می‌شد و ما با همدیگر به واسطه جشنواره‌های سینمای آزاد آشنا می‌شدیم و به یکدیگر انرژی می‌دادیم و از دیدن هم، واقعاً مسحور می‌شدیم. وقتی انقلاب شد، من عازم تهران شدم و نیّت من ماندن در تهران بود. فقط به خاطر کار حرفه‌ای سینما، چون ممکن نبود که در شهرستان اهواز، بتوان وارد سینمای حرفه‌ای شد. دو فیلم مستندی که من پیش از انقلاب در اهواز ساخته بودم، در سال ۱۳۵۴، تعدادی سفارش بود از طرف تلویزیون به سینمای آزاد، در ارتباطات با جشن‌های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی. جریان از این قرار بود که فهرست را جلوی من گذاشتند و من هم به دلیل عشق وافری که به قطار دارم ساخت فیلمی درباره راه‌آهن را انتخاب کردم. مضامین مختلفی پیشنهاد شده بود، کشتیرانی، هواپیمایی، سدسازی و پل‌سازی و بسیاری از آیتم‌های دیگر. من ـ شاید بعد از حدود ۳ یا ۸ ماه از آن دوران ـ وقتی این فهرست جلوی من قرار داده شد، فقط نگران بودم که مبادا وقتی دستم را روی گزینه راه‌آهن می‌گذارم، به من گفته شود که فلانی قرار است این را بسازد. خوشبختانه کسی نه به موضوع قطار رغبت داشت و نه توجه. بنابراین من با اشتیاق آن را پذیرفته و در قالب مستندی سی دقیقه‌ای فیلمی به نام «نبض قطار» ساختم. البته مستند هم نبود، بلکه فیلمی تجربی بود از حرکت قطار از ایستگاهی به ایستگاه دیگر. و نه نریشنی داشت و نه درباره عظمت راه‌آهن کشور بود و نه اینکه می‌خواست مفهومی را به تماشاگر منتقل کند! انگار فرصتی بود برای من که به این عنصر مورد علاقه‌ام نزدیک بشوم و ماه‌ها عشق‌ورزی کنم با این قطار. مدت طولانی، تحقیقات می‌کردم. یک «برزین» ـ اتاقک‌های ون مانند روی خط راه‌آهن برای جابجایی کارگرهای راه‌آهن ـ ماه‌ها در اختیارم بود و هرجایی از کشور که ریل راه‌آهن بود من با این وسیله می‌رفتم. یعنی تمام کشور را که تحت پوشش راه‌آهن بود، با این اتاقک سیال رفتم و ماه‌ها طول کشید و در برخی موارد همسر من همراهم بود و بی‌تردید برای او نمی‌توانست مثل من لذت‌بخش باشد. ما با این اتاقک پر سر و صدا، به رغم گرما و سرما، در بیابان و کویر و مناطق کوهستانی، حرکت می‌کردیم و آن ایام را گذراندیم و فیلم را ساختیم.

نتیجه اینکه، این فیلم باعث برآشفته شدن مدیران تلویزیون شد که؛ این چه ربطی به دو هزار و پانصد سال شاهنشاهی دارد؟! ما قصدمان بزرگنمایی است. نه اینکه بیاییم و نشان بدهیم که یخ‌هایی که مردم قرار است استفاده کنند، کنار توالت‌های قطار روی زمین افتاده و مردم با کفش‌های کثیف می‌آیند از بغل یخ‌ها تردد می‌کنند و بعد یخ‌ها لیز می‌خورد و روی جای پای آنها می‌رود و غیره و موارد مشابه. و من تحت فشار قرار گرفتم که این فیلم را کنار بگذارم و فیلم دیگری را بسازم که در شأن جشن‌های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی باشد. خب، فیلم راه‌آهن را که ساختم، یک مقداری تصاویر گرفته شده بود این تصاویر را همراه با تصاویر آرشیوی مونتاژ کردم و تبدیل شد به فیلم راه‌آهن دولتی ایران. و در روز سوم اسفند سال ۱۳۵۴، از تلویزیون پخش شد و گویا مسئولین راضی هم بودند. در آن فیلم ـ به تاریخ راه‌آهن برمی‌گشتم به واسطه فیلم‌ها و عکس‌های تاریخی. بنابراین به جز این تجربه که محصول آن دو تا فیلم شد، فیلمی است که الان گم و گور است و معلوم نیست کجاست و در کجای تلویزیون می‌توان سراغش را گرفت و دیگری آنچه پخش شد که فیلمی به غایت سفارشی بود و پخش شد و فقط به خاطر انجام تعهد سینمای آزاد به تلویزیون داشت، زیانی متوجه آقای «نصیر نصیبی» نشود، انقلاب برای من این نوید را می‌داد که باید بلافاصله درگیر فیلمی سینمایی شوم. فکر و ذکر من، سمت و سوی چند سوژه‌ای بود که از چند سال پیش در نظر داشتم، که در شهر خودم اهواز اتفاق می‌افتاد و سعی داشتم به سراغ ساخت این فیلم‌ها بروم. به خاطر می‌آورم که یکی از آن سناریوها که اولین آنها بود، «ماهی آزاد» بود. اما مگر می‌شد تهران با این تغییراتی که شاهد بودم را بی‌تفاوت رها کرد. در آن زمان هیچ چیز پایدار نبود و همه چیز به سرعت در حال عوض شدن بود. آن چیزی که عوض می‌شد هم ثابت نبود و طی چند روز دگرگون می‌شد. سینما، تعطیل شده بود و فقط فیلم‌های خارجی نشان داده می‌شد، آن هم با حذف صحنه‌های مشکل‌دار. سینمای ایران شوکه بود از این که ما باید چه کنیم؟! و من بر این اساس یک مقداری از حالت‌های نومیدی را داشتم ولی دیدن این شهر کاملاً پویا و شورانگیز، ایده‌ای به ذهنم متبادر کرد که به تلویزیون منتقل کنم و خیلی زود آن روز آقای هاشمی‌طبا، مسئول تولید بود و به صورت خیلی سریع به صورت اسمی من را معرفی کرد و چند روز بعد من شروع کردم به فیلمبرداری فیلم «تازه نفس‌ها» که قراردادش به نام «تهران امروز» بود.

● **چه سالی؟**

در نخستین ماه‌های سال ۱۳۵۸. هر جایی که می‌رفتم می‌توانست معنا و مفهوم تهران امروز را بیان کند و بار این اسم را داشته باشد.

● **طرح آنچه انجام شد را مکتوب کردید؟**

خیر، شفاهاً به هاشمی‌طبا گفتم و ایشان استقبال کرد و این فیلم ساخته شد.

● **چقدر از آنچه که می‌خواستید، با آنچه در پایان ساخته شد، منطبق بود؟**

نمی‌توانم الان بیان کنم چون نزدیک به ۳۵ سال از آن زمان می‌گذرد ولی چندان براساس برنامه از پیش تعیین شده نمی‌رفتم و به این فکر می‌کردم که باید تمام عناصری که می‌توانند با نام فیلم تهران امروز همراهی کنند، دیده شود.

● **چه زمانی نام فیلم عوض شد؟**

در آغاز کار بود چون فکر کردم مفهوم بهتری را القاء می‌کند.

● **تازه نفس، آیا استفاده از کسانی که بلاتشبیه نفس پیامبری دارند و در بخشی از فیلم در حال تبلیغ نحله و گروه‌های سیاسی خود هستند، بود؟**

نه واقعاً این بار معنایی که بیشتر منفی است را برای من نداشت. خود من هم تازه نفس بودم، همه چیز برای من شورانگیز شده بود. رکودی که در ذهن من و دیگر جوانان

ـ نخستین مستندم را با همسرم در قطار ساختم

ـ سال ۵۸، تئاترهای لاله‌زار، پُر از ساواکی بود!

ـ تلویزیون قول داده بود مستندم را سانسور نکند

ـ ممیزی مستند «تازه نفس‌ها» را پیگیری می‌کنم

ـ ۳۵ سال در آرشیو سیما به دنبال مستندم گشتم!

ـ کمیته جشن‌های دو هزار و پانصد ساله، فیلمم را نپذیرفت

می‌توانســت باشــد، نفس تازه‌ای به آن دمیده شده بود. ضمن اینکه من هیچ وقت این قدر معناگرا نیستم که با این نیّت، بخواهم به سمت‌وسوی یک اسم بروم که چنین معنایی داشته باشد. حس می‌کردم درباره تهران امروز فیلم نمی‌سازم بلکه، درباره جمعیتی فیلم می‌سازم که همه تازه نفس هستند، می‌رفتم لاله‌زار و کســی که به عنوان دوره‌گرد، هدف و سیبیلی را کنار دیوار گذاشته بود و مردم می‌آمدند و با تفنگ ساچمه‌ای به سمت هدف، تیراندازی می‌کردند و در آن سیبیل، عکس شاه گذاشته‌شده بود و مردم به چشم شاه شلیک می‌کردند را می‌دیدم و می‌رفتم لاله‌زار و تئاترهای اصطلاحاً فیلم فارسی را داشتند می‌دیدم که مفاهیم سیاسی را وارد کارزار کرده‌اند، مفاهیمی که عموماً عمیق نبودند.

● نفس کار تازه نفَس‌ها چه بود که در حال گذار بود؟

مفهومی که در تازه‌نفس‌ها هست را اگر بخواهیم موشکافی کنیم این است که من به آنها فکر نمی‌کردم و علاقه‌ای نداشتم به آنها فکر کنم. ولی آن معنای اولیه، تازه نفس‌ها، گروهی که دارند خود و سرزمین خود را احیا می‌کنند، از این جهت تازه نفس و پرشور هستند. شاید اسم فیلم می‌توانست پُرشورها یا شورانگیزها باشد، ولی این اسم مناسب‌ترین بود.

سه هفته بعد از شروع فیلمبرداری اسم آن را عوض کردم و به هرجایی می‌رفتم.

● تنها فیلمبرداری کردید؟

تقریباً تنها بودم.

● چگونه آزادانه آن بخش معتادان را فیلمبرداری کردید؟!

ساده بود، حساسیت‌های آنها زیاد نبود، به راحتی می‌شد به سراغ اوراقچی‌های میدان شوش رفت و فیلمبرداری کرد ولی به تدریج وقتی می‌دیدند که فیلم‌هایی از آنها گرفته می‌شود، همیشه دوربین پشت سر یک دزد یا یک بزهکار و آلوده بود و به تدریج حساسیت آنها افزایش پیدا می‌کرد و شروع می‌کردند به مخالفت کردن. ما در سال ۱۳۷۰ وقتی می‌خواستیم فیلم «آبادانی‌ها» را بسازیم، ۷ روز تمام پشت درهای اوراقچی‌های میدان شوش باقی ماندیم و آخر کار نتوانستیم وارد آنجا شویم. در آخرین روز با فرمانده نیروی انتظامی تهران، شاید همراه با ۱۰۰ نفر مامور نتوانستیم وارد شویم و سپس با توصیه ایشان رفتیم جایی را ساختیم یعنی بازسازی کردیم و فیلمبرداری کردیم!

قطعاً معتادها هم در آن روز به نشئگی خود فکر می‌کردند و وقت خود را صرف مخالفت با من که دوربین دستم بود نمی‌کردند. آنها کاری به کار من نداشتند ولی این روزها گویا به این شکل نیست.

● در تازه نفس، زنِ جلوی دانشگاه تهران، صحبت‌هایش بی‌صدا پخش می‌شود، چرا نفس او در تازه نفس‌ها سانسور شد؟

زهرا خانم؟! تعجب می‌کنم، آخرین باری که در تلویزیون پخش شد صدای زهرا خانم پخش نمی‌شود؟! به من قول داده شد که این فیلم بدون دستکاری پخش شود! باید این قضیه را پیگیری کنم. این فیلم در تلویزیون در سال ۱۳۵۸ پخش نشد. هرگز، پس نمی‌تواند آن زمان سانسور شده باشد، من از این قضیه سانسور صدای زهرا خانم بی‌خبرم.

● زهرا خانم کیست؟

زهرا خانم کسی بود که میزی روبروی دانشگاه براش قرار داده بودند و او برروی آن می‌رفت، گویا حقوق ناچیزی می‌گرفت تا حرف‌های لیچار گونه‌ای را فریاد بزند. او علیه گروه‌های مختلف چپ فحاشی می‌کرد. جملات کلیدی به او گفته بودند مثل کشاورزی سه روزه مسخره است که حاصل مناظره دو فرد سیاسی آن زمان بود و او فریاد می‌زد. بعید به نظر می‌رسید که زهرا خانم مناظره دو نماینده چپ و راست را دیده باشد و از جملات ردوبدل شده، الفاظی را با فحاشی فریاد بزند.

● چه مقدار راش فیلمبرداری شد برای این مستند؟

تقریباً هرآنچه فیلمبرداری شد را تدوین کردم. چون آن قدر صحنه‌ها گیرا و دوست داشتنی بودند، در هنگام مونتاژ دلم نمی‌آمد که آن‌ها را حذف کنم.

● چرا بعد از ۳ دهه فیلم تازه نفس‌ها در دست مردم قرار داده شد؟

فیلم مفقود شده بود، سال‌ها سراغ آن را از تلویزیون می‌گرفتم و می‌گفتند ما چنین فیلمی را در اختیار نداریم و من هم خجالت می‌کشیدم که بیشتر پیگیری کنم ولی تا ۵ سال، صحنه‌هایی از فیلم تازه نفس را در برنامه‌های مختلف تلویزیونی می‌دیدم. اگر در جائی صحبت از شکل و شمایل جدید مردم و تفریحات آنها بود، مثل موتور سواری‌هایی که در تپه‌های اتوبان همّت دیده می‌شد، از این صحنه‌های فیلم استفاده می‌شد. گویا تلویزیون در آن سالها، فیلم را غیر قابل نمایش تشخیص داده بود.

● فیلم شما یکی از حلقه‌های مصّور تاریخ شفاهی دهه اول انقلاب است آیا بَنا ندارید آن را در اکران یا پخش ویژه کنید؟

هرگز! نمی‌دونم، من می‌خواستم فیلم سینمایی بسازم و اصولاً مستندساز نبودم. اگرچه تا رسیدن به فیلم سینمایی، چند کار مستند ساختم. من در سال ۱۳۵۷، فیلمی برای زلزله طبس به اسم؛ «بر مفرش خاک، خفتگان می‌بینم» را ساختم. بعد این فیلم را در سال ۵۸ به تلویزیون فروختم. خاطرم هست که ۵۰ هزار تومان فروختم. آن موقع آقای محمد بهشتی در تلویزیون بود و او فیلم را دید و پسندید و برای خرید تلویزیون منعی نداشت و من با آن پول زندگی خودم را بعد از انقلاب، در تهران پایه‌ریزی کردم.

بعد فیلم مستندی در سال ۱۳۵۹ درباره سیل خوزستان ساختم گمانم یک مستند دیگری هم ساختم. فیلم سیل خوزستان، مدعی بود که کشف کرده است که این سیل قابل پیشگیری بوده و کوتاهی مسئولان آب و برق خوزستان باعث این سیل سهمگین در خوزستان شده است. تحقیقاتی کردم ولی مکتوب نشد و ترجیح دادم که در حد همین فیلم باقی بماند. این فیلم هم نمایش داده نشد چراکه گروهی از مسئولان وزارت نیروی آن دوران را زیر سئوال برده بود.

● من در مرگ مولف «بارت» را قبول ندارم و از شما به عنوان مولف تازه نفس‌ها می‌خواهم که برای پخش آن کوشا باشید؟

البته تا آنجائی که من خبر دارم، فیلم به طرز باورنکردنی، دست همه هست!

● همه مدنظر حضرت تعالی خاص است نه همهٔ عام!

مسلماً. تماشاگران این فیلم هم عام نیستند به آن شکل، تصور می‌کردم که قرار است، از شبکه‌های فراگیر تلویزیون قرار است این مستند پخش شود. این که از شبکه مستند پخش شده، خوب است، اما به قول شما باید تماشاگران بیشتری دیده شود.

● در بخشی از فیلم، فردی در پارک ملّت، ادای فریدون فرخزاد و نمایندگان مجلس سنا و شاه را در می‌آورد، احساس شما به عنوان تماشاگر چگونه بود از واکنش‌های مردم در آن سکانس؟

من در ارتباط با این صحنه و دیگر صحنه‌ها باید بگویم برایم، احساس تازگی داشت مگر می‌شود الان پس از چند ماه، ملت جمع شوند راجع به شاهی که تا دیروز، می‌توانست رعب و وحشت ایجاد کند، لودگی کنند؟ در لاله‌زار تئاتر روی صحنه ببرند؟ من در حال شوک بودم به خاطر سرعت و حجم این تغییرات. اما این مسأله در زمان کوتاهی برطرف شد و بنابراین این حس من در برخورد این پدیده، مثل بقیه مسائلی بود که در فیلم حضور داشتم. یعنی واقعاً چیز خاصی در ذهنم نیست.

● در صحنه‌ای از فیلم تصویری از چه‌گوارا می‌چرخد به ذهن می‌رسد که شاید با تمهیداتی، از قبل، منتظر چنین صحنه‌ای بودید؟

خیر، من مطلقاً معناگرا نیستم و علاقه‌ای به معناگرایی ندارم.

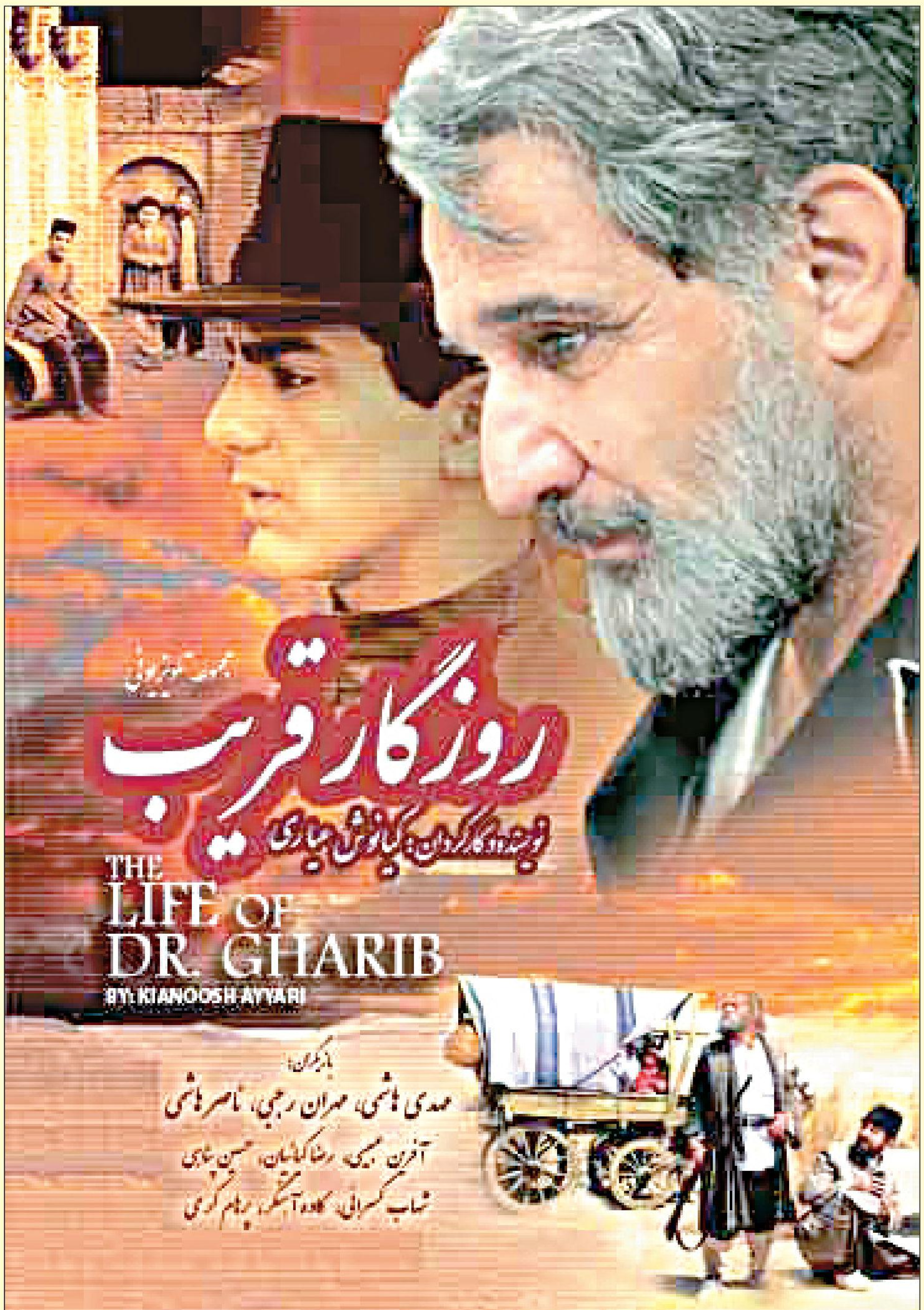
این کار را سوء استفاده از دانش و احساسات تماشاگر می‌دانم. من نمی‌خواهم تماشاگر فکر کند که نشانه‌های پنهان و زیرکانه و هوشمندانه فیلم را دریافت کرده و از این موضوع کیف کند. مطلقاً چنین نگاهی ندارم.

● یعنی در هیچ جای این مستند نیست؟

در کل زندگی فیلمسازی‌ام چنین نیست. من تصویری را نشان می‌دهم. اگر آن تصویر با تمام ظرفیت‌هایش این قابلیت را داشته باشد که در نهایت و در حس تماشاگر، تأثیری بگذارد، برای من موفقیت و پیروزی است.

● یعنی آنچه در لاله‌زار و تئاترها اتفاق می‌افتد، چیزی است که عموماً وجود داشته و شما صحنه‌ها را گلچین نکرده‌اید؟

ابداً. یک فیلم گزارشگر است که موضوع را دنبال می‌کند. تئاترهای لاله‌زار همگی به دنبال زن ساواکی و مردساواکی بود. ببینید من اگر کاری را انجام می‌دهم بابت تخلیه خودم هست و





در درجه دوم بخشی از حرفه من است. وقتی تماشاگری اثری از من را می‌بیند نباید تک تک مفاهیم را درک کند و به عنوان ادراکات خودش، به رخ خودش بکشد. ترجیح من این است که بدون شوخی با تماشاگر و تحریک او، وقایع نمایش داده شود و اگر فیلم درست تدوین شده باشد، تأثیر غایی خود را با شدت بسیار القاء خواهد کرد و ماندگار و گرنه در باد کاشتیم و باد با خود تخم‌ها را برده است.

● **پرسش آخر من درباره مسائل داوری جشنواره فیلم فجر اخیر است و البته نمی‌خواهم گره‌ای بر سینمای گره‌مند ایران با سئوالاتم بیاندازم و شما حق دارید، پرسش‌هایم را جواب ندهید. نخست درباره «من عصبانی نیستم» بگوئید. جریان چه بود که فیلم از جشنواره درآمد و در برلین اکران شد؟**

صبح روز ۲۱ بهمن به ما گفتند سازنده فیلم خواسته است فیلم مورد قضاوت قرار نگیرد. دو داور با درمیشیان تماس گرفتند و این قضیه تأکید شد. ما بر اساس آئین‌نامه، باید داوری خود را نسبت به فیلم پس می‌گرفتیم.

● **جایگزین چگونه انتخاب شد؟**

کار به آنجاها نکشید و در واقع به خاطر حرمت دیگران، مایلم جوابگوی این پرسش نباشم.

● **نظر شما درباره «آشغال‌های دوست داشتنی» چیست؟**

من این فیلم را ماه‌ها پیش از جشنواره به صورت خصوصی دیده بودم. از این فیلم خوشم می‌آید. موضوع جذاب و گیرایی دارد و بواسطه فرم آن، جذاب بود و مهمتر از این‌ها، فیلمی است درباره مدارا.

من تعجب می‌کنم چرا با وجود چنین ویژگی فیلم، آن را برای نمایش در نظر نگرفتند. این فیلم مدارا را تبلیغ می‌کند. اینکه آدم‌ها، اگر روزگاری دشمنی داشتند، با هم آشتی کنند.

● **آیا فیلم «چ» برگرفته از شخصیت تاریخی شهید چمران است؟**

من این مسأله را نمی‌دانم. تقارن فیلم با تاریخ نمی‌دانم. آنچه از فیلم عایدم می‌شود این است که شهید چمران بیش از این که درگیر جنگ باشند، به فکر حال و روز مردم پیرامون‌اش بود. یک نرم خویی در آن دیده می‌شود که با چمران اسلحه به دوش، فاصله دارد. نمی‌دانم که زائده تخیل است یا خیر ولی برای من دیدن چنین آدم‌هایی که تک بعدی نیستند، جالب است. من در کل با این دنیا سمپاتی دارم.

● **در رستاخیر، صرف نظر از مباحث طرح شده برای بازی کردن بزرگان تاریخ اسلام، که اتفاقاً هنرنمایی بازیگر نقش حضرت عباس برایم دلنشین است، آنچه برایم آزاردهنده بود، این بود که حرکتی در گستره انسان و جهان شمول، به خاطر تخیل و غیر استنادی، محدود یک مذهب می‌شود. آزادگی به تعبیر مولا، از دینداری فاصله محاطی می‌گیرد ولی در فیلم، بنابر فیلمنامه تخیلی و غیرمستند و کمی سر سپرده به بحث صلیب کشیدن حضرت مسیح که توسط قرآن رد شده است و نیز به دلیل عشقبازی مادیان «بُکیر» فرزند «حُربن یزید ریاحی»، شاهد هستیم یک داستان انسانی و جهان شمول به داستانی بومی و موهوم تبدیل شده است.**

حتی ضرورت نشان دادن نیمرخ حضرت امام حسین (ع) را درک نمی‌کنم.

● **مگر دیده شد؟**

بله در حد ۱۰ ثانیه در فصل آغاز جنگ و موعظه و حتی علی اکبر و علی اصغر (ع) هم بی‌دلیل تراژیک دیده شد. به غیر از این‌ها، اوج تقدس واقعه کربلا به غلط به تصلیب کذب حضرت مسیح (ع) گره زده شده است، که صد البته این تم در رستاخیز، ریشه در فیلم روز واقعه دارد که آنجا نیز، اوج عظمت عاشورا، به باور کذبی از مسیحیت گره زده شده است. و ما در نص قرآن داریم که «و ما قتلوه و ماصلبوه»، با همه این موضوعات، نگاه و نظر شما در این باره و ضرورت ساخت چنین فیلمنامه‌ای چیست؟

وقتی کارگردانی می‌آید واقعه‌ای در کنار یک واقعه‌ای بزرگتر را بزرگنمایی می‌کند و آن را به فیلمی ۳ ساعته تبدیل می‌کند، در واقع اراده‌ای است که می‌خواهد منظر جدیدی را در کنار هزاران منظر موجود بر این واقعه باز کند.

فیلم رستاخیز اگر تاکید دارد بر بُکیر، من به آن حق می‌دهم. ایرادی ندارد و من آن را تأیید می‌کنم این تنوع دید بشری است و از طریق عملکرد و محصول کار به یکدیگر نزدیک می‌شویم. روایت آقای درویش حتماً با دیگران فرق می‌کند. اینکه در آن روز، با وجود اینکه افراد مهمتری در صحنه حضور داشتند، چرا از صف مقابل، باید فردی انتخاب شود، روایتی است که درویش آن را انتخاب کرده است و این انتخاب را اصلاً مذمت نمی‌کنم. چرا که نگاه دیگری را دریافت کرده‌ام. تصور من این است که اگر با وجود چنین نظارتی، چنین فیلم عظیمی ساخته می‌شود، حتی اگر سناریست تخطی کرده باشد و شخصیتی را از دریچه ذهن‌اش زائیده باشد، نباید چشم بر جاذبه‌های فیلم بست.

تازه ممکن است در چیدمان تخیل خود، سلیقه شخصی به کار برده باشد که باز هم آن را رد نمی‌کنم. به هر حال، درویش را آدم محتاط و مراقب و مقیدی به تاریخ می‌دانم.

شاید گفته شود که تفاوت نگاه درویش، به تاریخ لطمه زده باشد، در این مورد می‌توان بحث کرد ولی چون برای من چنین چیزی آشکار نیست، اجازه بدهید در این‌باره بیش از این صحبت نکنم.

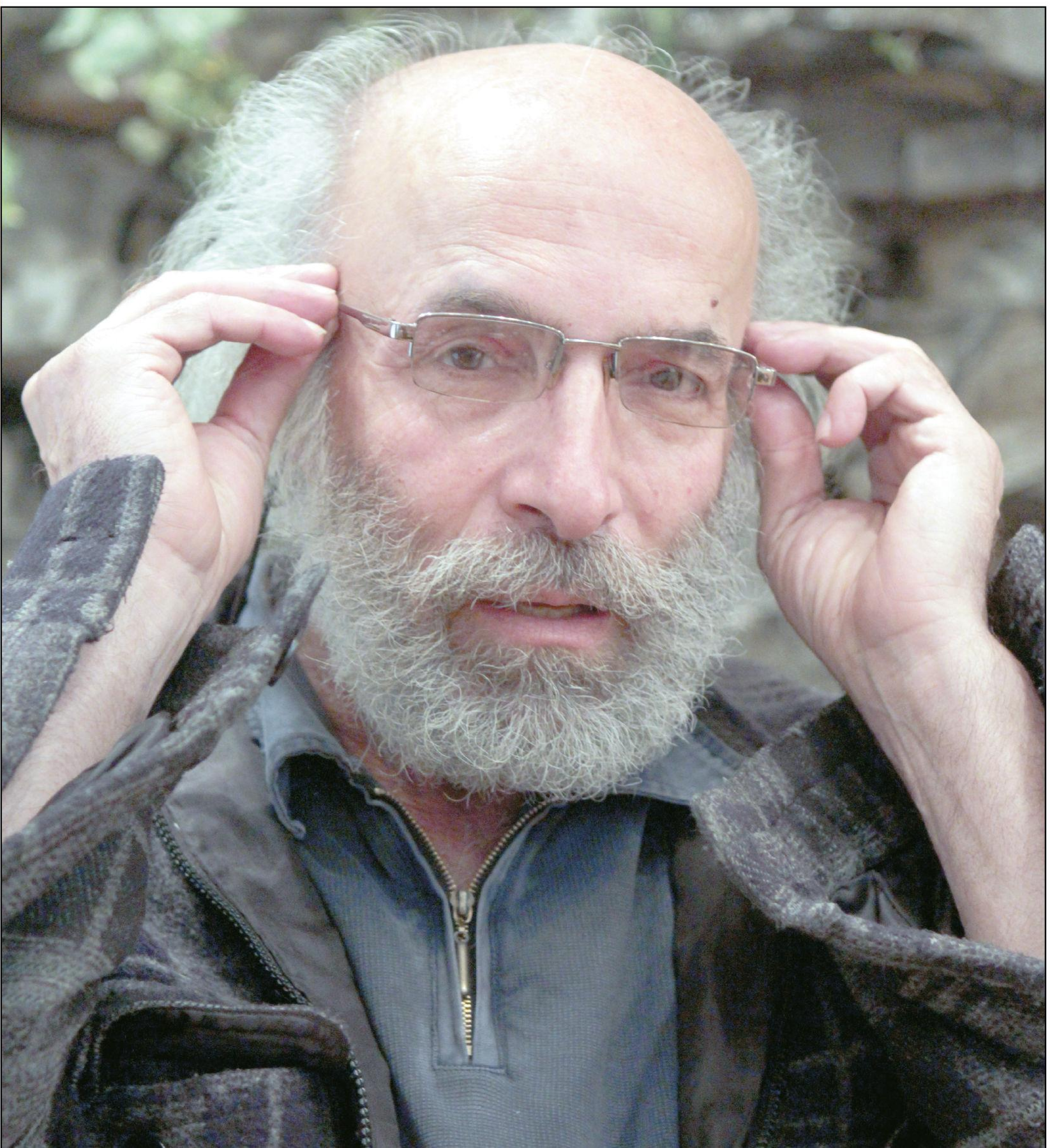
● **جناب عیاری، به عنوان کارگردانی که سالهاست مشغول کار هنری هستید، آیا فقدان سایت اینترنتی ثابت و پویایی برای جشنواره و فیلم فجر، برای شما آزاردهنده نیست. اینکه مثلاً داوران ۵ دوره پیش چه کسانی بودند یا اینکه گالری تصاویر ادوار گوناگون جشنواره فیلم فجر در دسترس نیستند؟**

من ترجیح می‌دهم درباره مساله‌ای دیگر، توصیه‌ای به مسئولان بکنم. توصیه‌ای که ربطی به سینما و فرهنگ ندارد. صحبتی با مسئولان درباره گرانی. اختلاف قیمت‌های یک کالا، در نقاط مختلف شهر!

در هر کشوری، در شمال کشور قیمت یک جنس با جنوب کشور تفاوتی نمی‌کند من هیچ عذر و بهانه‌ای نسبت به گوناگونی قیمت‌های یک کالا در سطح شهر را نمی‌پذیرم. کنترل قیمت‌ها کاری ندارد، چرا آن را پیچیده می‌کنید؟

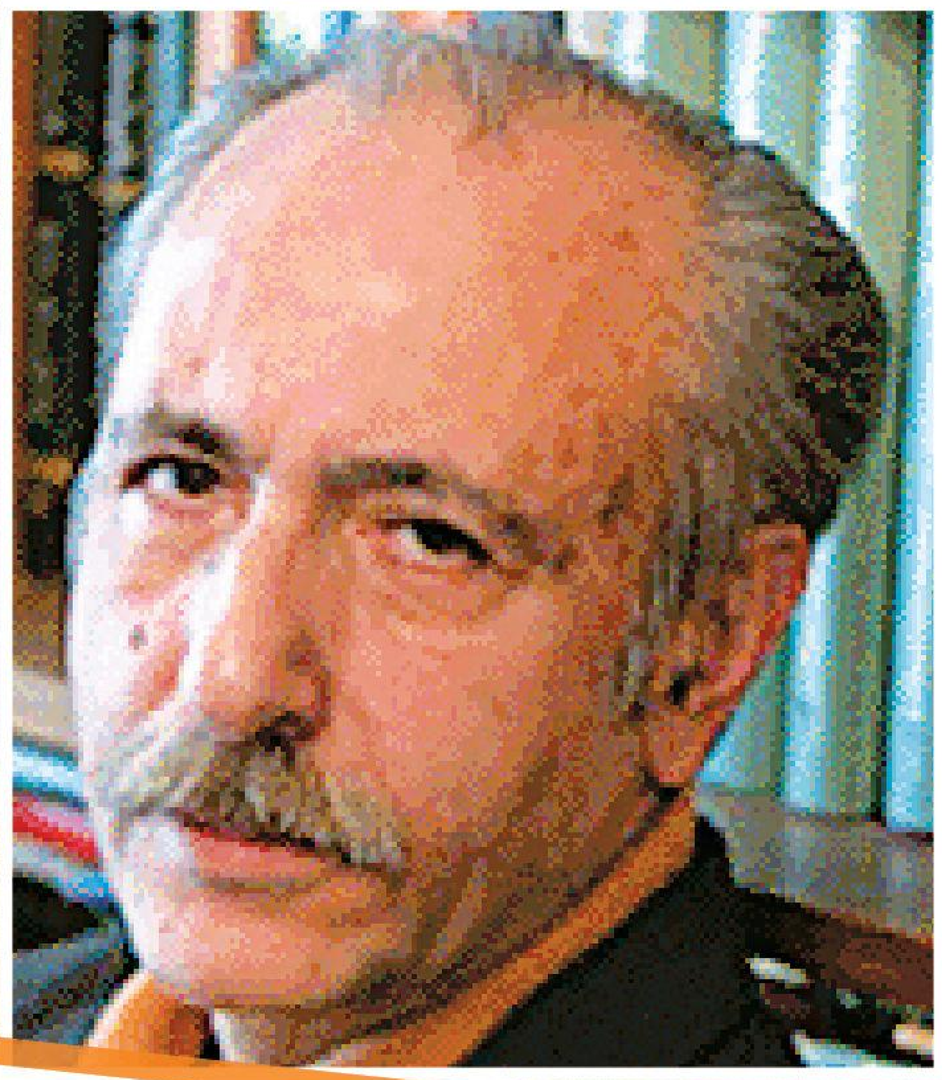
شاید ما نتوانیم درجه‌بندی کیفیت اجناس را انجام بدهیم اما متخصصانی هستند که می‌توانند مثلاً موز را با چشم بسته، از لحاظ کیفی درجه‌بندی کنند. مسئولیت این کار با مسئولانی است که در این کار تجربه دارند. یک آدم نابینای آنها می‌تواند با لمس یک میوه آن را تشخیص بدهد. مشکل نیست و بسیار آسان است و فقط یک اراده می‌خواهد که گویا نیست. ببخشید که از فضای سینما وارد گرانی شدم!

● **خیر قربان، اتفاقاً جناب‌هادی مرزبان نیز، در چند مصاحبه درباره تئاتر، حُسن ختام را پرسش قیمت گوشت چند شده، برگزار می‌کرد!**



کتابخانه

نوروز و فلسفهٔ هفت‌سین



استاد خرمشاهی: بحمدالله توفیقی دست داد که با همه گرفتاری‌های کاری، کتاب نوروز و فلسفه هفت‌سین، اثر ارزشمند حقوقدان برجسته و وکیل والامقام، جناب آقای سیدمحمدعلی دادخواه را با علاقه بخوانم. این کتاب به واقع خوش تدوین و خوش‌خوان است و اکنون، همراه این کوته نوشته، برای بار هشتم منتشر می‌شود. استقبالی که از آن به عمل آمده، سزاوار ارج و اعتبار علمی و لحن و بیان عاطفی و احساسات پاک و عمیق ایران دوستانه مؤلف دانشمند آن است. به قول حافظ «قبول خاطر و لطف سخن خداداد است»، باز به گفته حافظ: «هزار نقد به بازار کائنات آرند/یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد»، سعی مؤلف فرزانه در نگارش کتابی این گونه خواندنی و ماندنی و روشن و روشنگر، مأجور و مشکورباد.

تهران، آذرماه ۱۳۸۷

شاه ستون آداب ایرانی

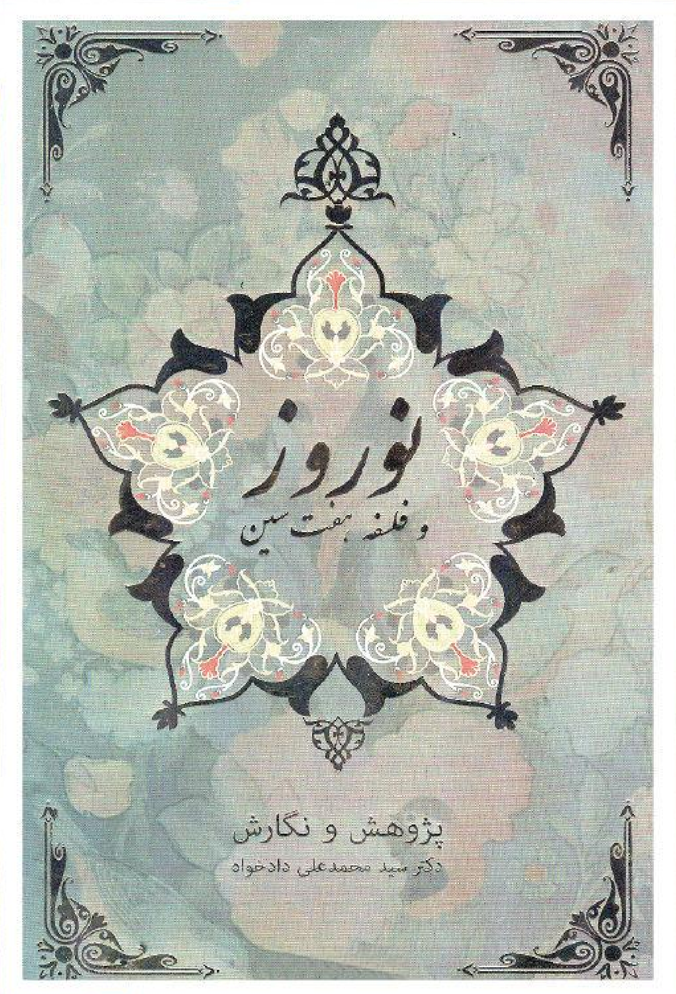
دکتر سیدمحمدعلی دادخواه

از همان زمان که خشت آدمی را ریختند و سرشت او را با آگاهی آمیختند، به گونه‌ای همیشه در پی یافتن علت‌ها و دانستن سبب‌ها بوده است و هنگامی که انگیزه و عامل هرچیز را یافته، نسبت به آن علاقه‌مند شده و بدین‌سان باورهای نوین در او ایجاد شده است. بررسی فلسفه و علل به وجود آمدن سنت‌ها، جشن‌ها و رسم‌ها که باری معنوی به همراه دارند، این باورها را بارور می‌سازد، به ویژه آن‌که دایره این دادوستد و درک دریافت شناسه و همبستگی ملی را به ارمغان می‌آورد.

در میان آداب و سنن و جشن‌های پرشمار ایرانی، نوروز، شاه‌ستون همه این مراسم است، و از این رو ایران و نوروز و ایرانی از یکدیگر جداشدنی نیستند. گستره سفره هفت‌سین یکی از اصلی‌ترین رسم‌های عید نوروز است که با وجود فراگیر بودن آن، کمتر به معنای ژرف آن پرداخته شده است به طوری که تاکنون رمز و راز مهرآمیز آن به شکلی روشن و دقیق بیان نشده است. اهتمام این نوشته برگشودن چیستی و چرایی ابزار و اسباب این دیرینه یادگار ماندگار فرهنگ ناملموس ایران است که از دل تاریخ ما تا به امروز، بر در باغ دلگشای نوروز گسترده می‌شود.

نوروز از یک سو پایکوبی و جشن و شادی است و بزم، خود سرآغاز تبسم و لبخند. خنده در زبان پارسی به معنای زادن و افزایش و آرمش آمده است.

بزم بهاری یک حقیقت انکار ناشدنی است که چون پدیدار می‌شود، انسان را به تلاش و تکاپو می‌خواند، با گام‌های نوروز بهار بیدار می‌شود و طبیعت خفته چشم باز می‌کند و سرود شورانگیز لولی عشوه‌گر زمین و زمان را از آن خود می‌کند، هفت‌سین هشداری برای بیداری دل آدمی است تا همراه بهار به لطف و مهر و عشق در پهنه هستی سعادت همگان را خواهان باشد نه خوشی اندک خودرا، زیرا خوشبختی در سعادت ماندگار همه مردم سرزمین به دست می‌آید، و هربار که نوروز می‌آید احساس می‌کنیم یک‌سال چشم به راه او بوده‌ایم تا ما را بیدار و هشیار سازد، اما نمای دیگری از این شادی فراگیر- که همراه با پایکوبی و نشاط در هر کوی و برزنی راه می‌یابد- تحکیم و استواری هویت ایرانی است، نوروز، دست‌افشانی در سرزمین حقیقت برای استحکام هویت است. نوروز کهن‌ترین، استوارترین و شادترین ریشه پیوند ایرانیان با سرزمینشان است.



بن‌مایه تمدن ایران پیوند نیرو فرزانگی است که در اورمزد تبلور یافته است. در سرزمینی این سان پر تاریخ، پرفرهنگ و پرهنر نوروز هر روز در بستر تاریخ پیام تازه‌ای می‌آورد، بهار روینده شادابی زندگی است و بالندگی انسان که دریچه شادی بر او می‌گشاید و دشواری‌های او را می‌رهاند.

واژه «نوروز» اسم مرکبی است متشکل از صفت «نو» و اسم «روز»، اما گفتنی است که نوروز در میان اعراب به صورت «نیروز» و درصورت جمع به شکل «نیاروز» و به معنای مطلق شادی، جشن و عید به کار رفته است. ابونواس، یکی از شاعران نامی عرب، واژه «نوروز» را در شعر خود چنین آورده است:

یبارکنا النوروز فی غس الدجی   بنورعلی الاغصان کالانجم الزهر

جشن و سرور نوروز تاریکی‌های شب را با گل‌هایی که چون ستارگان تابان بر شاخه‌ها می‌درخشند، برایمان بامداد کرد.

اصلِ شاد بودن و «بهداشت آرزو»



شادی

■ امیررضا پوررضایی



اگر انسانی شاد باشد همه چیز دارد و اگر شاد نباشد هرچه داشته باشد فایده ای برایش ندارد . این داشته ها فقط داشته های مادی نیست. داشته های علمی مثل دانش ، داشته های اجتماعی مثل آبرو ، داشته های ذاتی مثل هوش و . . .

عالی ترین هدف این دنیایی زندگی هر انسانی این استَ که شاد باشد و هر هدف دیگری برای این است که وسیله ای بشود برای رساندن انسان به شادمانی . و اصلی ترین آفت شادمانی در جامعۀ امروز ما " آرزوهای غیر بهداشتی " است . یعنی آرزوهای بزرگ ، بسیار دور از دسترس، متناقض و . . .

ما انتخاب می کنیم که اگر در چه وضعیتی قرار داشته باشیم شاد خواهیم بود . و چه تعجب برانگیز و خلاف مصلحت است که بسیاری از ما وضعیتی دور از دست و دیر یاب را برای خودمان به عنوان شرایط شاد شدن در نظر بگیریم .

انسان در زمان اوج ناکامی، ذلت و بدبختی با امید زنده می ماند .امید رسیدن به چه چیزی؟ امید به اینکه زمانی خواهد رسید که شاد شود . اگر شاد باشد هیچ چیز نمی خواهد و اگر شاد نباشد هیچ چیز برایش معنایی ندارد .

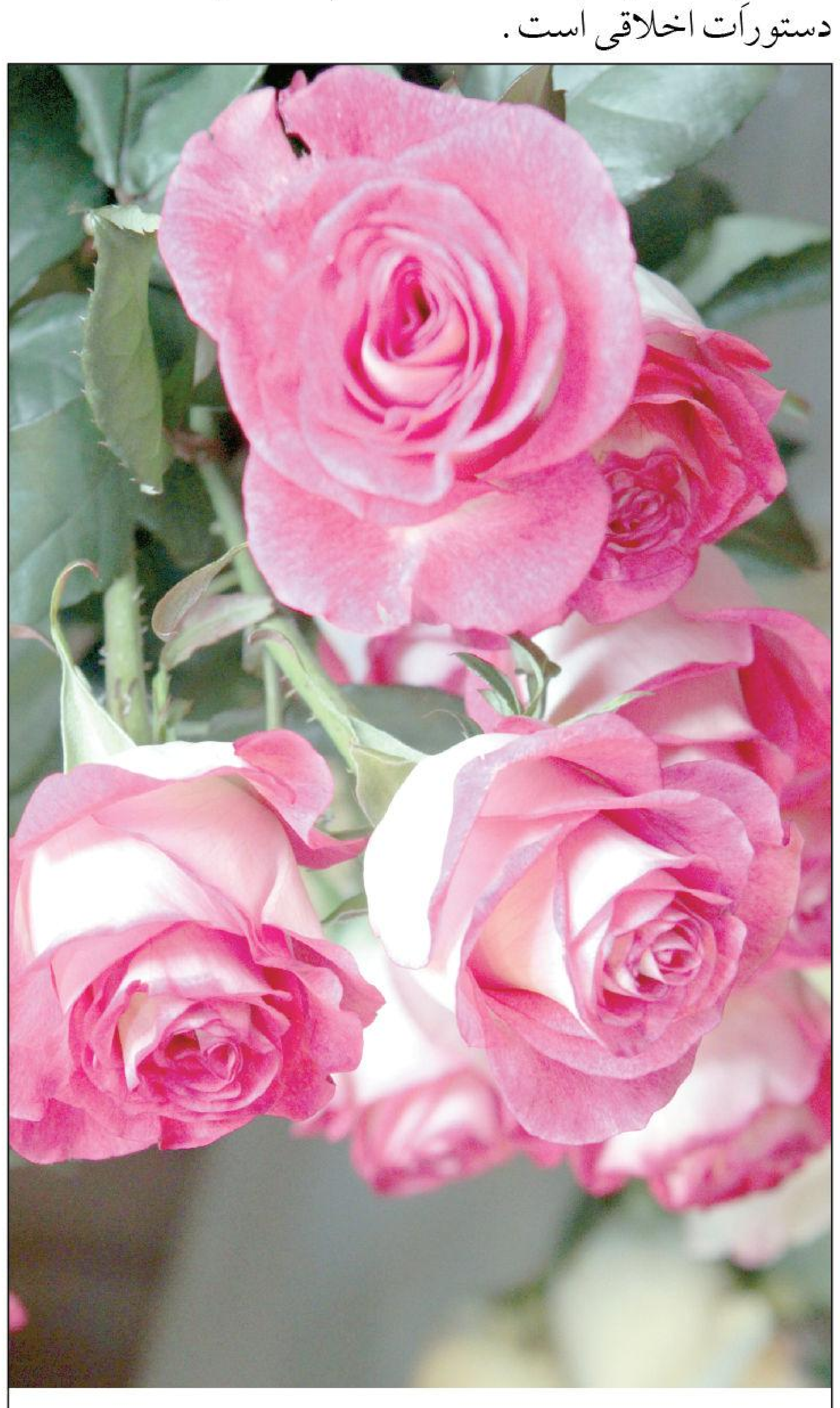
تمام کارها ،خلاقیتها ، تحصیلها ، تعلیمها ،خود نمایی ها ،لذتها ، جنایتها ، شقاوتها ،بحثها ،گذشتها ، انساندوستی ها، . . . اهداف و عملکردهایی هستند که برای انسانها به خودی خود بی ارزشند و دلیل انجامشان این است که مستقیم یا با واَسطه، به شاد کردنِ انجام دهنده منجر شوند .

ارزشِ و جایگاه شادمانی در جامعه ما مورد غفلت جدی قرار دارد . به نظر لازم می رسد که بزرگان ارزش و جایگاه شاد بودن را هر روزه و با هر زبان وبیانی که بلد هستند برای بدنه جامعه بازگو کنند . مفهومی که علت العلل تمام تلاشهای یک انسان است، شایسته دقت وسفارش بسیارنیز خواهد بود.

شکی نیست که شادمانی یک مفهوم کاملا فردی و درونی است ومفهومی به نام شادمانیِ اجتماعی وجود ندارد. اما به رفتار های اجتماعیِ یک جامعه میَ توان نگاه کرد تا از شاد بودن تک تک افراد جامَعه اطلاع نسبی به دست آورد و اگر به این نتیجه رسیدیم که جامعه شاد نیست، لازم است تمام تلاشمان را در این راستا به کار بگیریم .

شادمانی مفهومی است که هر لحظه از زندگی به آن محتاجیم . ما یا شاد هستیم و یا تلاش می کنیم که به هدفی برسیم که گمان می بریم رسیدن به آن ما را شاد می کند . درواقع در هر لحظه ای که شادمانی در زندگی ما نباشد تنها امید به شاد شدن می تواند از احساس پوچی و سقوط کامل ما جلوگیری کند .از دلائل مهمی که باعث شادمانی انسانهایی که اعتقاد عمیق و واقعی به خداوند دارند می شود ، یکی همین اعتقاد راسخ به پاداش اخروی است . به عبارت دیگر انسانِ خدا باورِ معتقد به آخرت ، ایمان دارد که حتی اگر در این دنَیا زندگیَ خوبی نداشته و نخواهد داشت ، به پاس عمل به دستورات خداوند، پس از مرگ در بهشت موعود زندگی ایده آل در انتظار اوست و همین ایمان محکم او را از همین امروز و حتی در شرایط نامطلوب زندگی به نوعی راضی ، و در نتیجه شاد نگه خواهد داشت و به نظرم این رضایت و شادمانیِ حاصل از آن پاداش این دنیاییِ مومنان است .

در دنَیای پر هیاهویی که ما زندگی می کنیم به نظر نمی رسد بدون داشتن ایمان محکم و اعتقادات عمیق معنوی و راستین بتوان شاد زندگی کرد. گام مهم برای رسیدن به شادیِ اصیل درونی و پایدار ، ایمان محکم و عمل به اعتقاداتِ و دستوراَت اخلاقی است .



خوب است شادمانی را تعریف کنیم تا دقیقا معلوم باشد که از چه مفهومی صحبت می کنیم . بهترین تعریفی که تا حال حاضر از شادی یا شادمانی دیده ام ، تعریفی است که وینهون در ۱۹۸۴از شادمانی (happiness) ارائه داد.

"شادمانی، قضاوت فرد دربارۀ میزان مطلوبیت زندگیش است. "

شناخت ارزش و جایگاه شادمانی

مثل ساده دلی شده ایم که به او گفتند جنگل را می بینی که چه زیباست . . . گفت سعی می کنم اما حیف که درختها نمی گذارند . . . !

بسیاری از اوقات در موقعیتی قرار داریم که اگر بررسی واقع بینانه ای انجام دهیم به ما نشان می دهد که حتما باید در این موقعیت شاد بود . این مطلب دربارۀ دیگران بهتر به چشممان می آید . اما افسوس که در بسیاری موارد شاهد هستیم که درک غیر صحیح از زندگی و حتی در نظر نگرفتن هزینه – فایده ، انسانها را از لذت بردن از امکاناتشان وبه تبع آن شاد بودن،باز می دارد . توقعات غیر طبیعی از طبیعت ، عادی شده و انسانها از همه چیز و همه کس و به ویژه از خودشان توقعات غیر طبیعی دارند . طبیعی است که این توقعات برآورده نمی شود اما روزها ، لحظه ها و عمری را که می شد به کمک درک صحیح از طبیعت شادمان گذراند ، به ناشادی می گذرد واین خسارت جبران ناپذیراست.

دو خطر به صورت همزمان و مثل یک چاقوی دو دم همواره شادمانی را تهدید می کند . یاس و تنبلی از یک سو ، حرص و تلاش مازاد از سوی دیگر .در ارزشمندی تلاش و کوشش هیچ شکی نیست اما این تلاشها به شرطی صحیح است که نقض غرض نکند . لازم است که به اندازه توانمان تلاش کنیم و از تنبلی و حرص زدن به یک اندازه فاصله بگیریم چرا که هر دو به یک اندازه شادمانی را از بین می برند . علاوه بر این لازم است در لحظه لحظۀ این تلاشها در نظر داشته باشیم که ما برای شاد بودن تلاش می کنیم و هیچ عاملی نباید بتواند ما را از شاد بودن که هدف عالی و اصلی ماست ، لحظه ای دور و منفک کند . بسیاری از مواقع با شیوه های مختلف کارهایی را انجام می دهیم که شادمانی ما را از بین می برند و یا کم می کنند. در این مواقع خوب است فکر کنیم که آیا می توانیم همان میزان شاد بودن را که به خاطر این امر از دست داده ایم با پول حاصل از در آمد آن به دست آوریم ؟ خوب است در نظر داشته باشیم که هر پدیده ای که در برابر شادمانی واقعی و درونی ما قرار گرفت ، لازم است آن را به نفع شادماَنی کنار بزنیم و در نظر داشته باشیم که شادمانی اولویت نخست و بی



بدیلِ زندگی ما است.

ناشادی و تخریب نامزدی

از جمله پیامدهای ناشاد بودن، تخریب روابط و از دست دادن ارتباط، به ویژه ارتباطات نزدیکی مثل همسری و نامزدی است. با اطمینان می توان گفت کمتر کسی حاضر به تحمل یک نامزد یا همسر ناشاد است. ناشاد بودن به این معنی است که که فردِ ناشاد از زندگیش راضی نیست و یکی از اصلی ترین دلائل اینِ عدم رضایت می تواند نزدیکانِ فرد باشد. به سخن دیگر حتی می توان گفت که ناشاد بودنِ یک فرد توهین به اطرافیان به حساب می آید. یعنی علی رغم اینکه من شما را به عنوان پدر، مادر، دوست، همسر، نامزد، ... دارم، راضی نیستم و از شما بهتر میخواهم...!

حتی رضایت ظاهری و ابراز زبانیِ شادی هم کافی نیست و ما برای اینکه رابطهٔ خوب با انسانها، به ویژه در روابط آسیب پذیری مثل همسری و نامزدی داشته باشیم، لازم است که واقعا و درونا شاد باشیم. تنها این شاد بودن واقعی و درونی است که علاوه بر کلام ما، از آهنگ کلام ما و زبان بدن ما در تک تکِ لحظات باید به گوش برسد تا ما بتوانیم رابطهٔ خوبی با دیگرانَ ایجاد و آن را برای خودمان حفظ کنیم. در غیر این صورت انسانها، انسان ناشاد را ترک می کنند و می روند در کنار کسی که از حضور و وجود آنها شاد باشد. چرا که شاد بودن کسی که ما در کنار خود داریم، برای ما پیام مطلوب بودن، دوست داشتنی بودن و مورد تائید بودن دارد و این از مهمترین نیازهای ما برای شاد بودن است.

از اصلی ترین دلائل این ناشادی در روابط بین نامزدان و همسران نیز "آرزوهای غیر بهداشتی" و تصور داشتن همسر و نامزدی است که یا اصلا وجود خارجی ندارد و یا اینکه بسیار کمیاب و دیر یاب است. و به نظر می رسد بررسی اسباب و علل رشد طلاق و پائین آمدن ازدواجها را نه در علل دم دستی و عوام پسندی که از طرف زوجین ابراز می شود که لازم است در چرایی ناشاد بودن و ناشاد بودن حاصل از "آرزوهای غیر بهداشتی" جستجو کرد.

ناشادی، پیامد عدم تطبیق وضعیت تمدنی با وضعیت فرهنگی

هرگاه فرهنگ از سایر ابعاد زندگی بشر عقب بیافتد شادمانی بشر کم می شود. تمام تلاشی که در جهت رشد فرهنگی داریم به این علت است که می بینیم رشد سخت افزاری که مجموعه آن را تمدن می نامیم از نرم افزاری که آن را فرهنگ می خوانیم، جلو زده است. به خوبی می دانیم رشد فرهنگ، مساوی است با رشد شادمانی. احتمال هر رفتارِ فرهنگ مدارانه از انسانی که درونا و واقعا شاد است بسیار بالاترَ است. مخاطبِ هر رفتارِ فرهنگ مدارانه از آن امر شاد می شود و آن کس نیز کَه فرهنگ مدارانه رفتار کرده از عملکرد خودش شاد می شود. به سخن دیگر شادمانی و فرهنگ، تاثیر مثبت و هم افزا بر یکدیگر دارند.

این موضوع در آنجا خود را بیشتر نشان می دهد که عدم تطبیق بین تمدن و فرهنگ به وجود بیاید. به عبارت دیگر در آنجایی که سخت افزارها ی زندگی انسان از نرم افزارهای چگونه زندگی کردن در ذهنش، پیش بیافتد و در فضایی برای زندگی قرار بگیرد که چگونگیِ زندگیِ فرهنگ مدارانه در آنجا برایش جاافتاده و روشن نیست، شَادمانی به شدت کاهش می یابد.

از جمله اصلی ترین مواردی که شادی جوامع در حال توسعه را کم می کند مشکل عدم تطبیقی است که بین فزهنگ و تمدن در این جوامع به وجود می آید. سرعت ورود تمدن بسیار بالاست و سرعت رشد فرهنگ ذاتا آهسته است. با فرض اینکه بر روی رشد فرهنگی کار جدی و صحیح صورت بگیرد، باز هم بی شک دوره ای وجود خواهد داشت که انسانِ جامعهٔ در حال توسعه می بیند فضای زندگیش و آنچه برایَ زندگی در اختیار دارد هیچکدام با فرهنگش سازگار نیست و خطر فروپاشی فرهنگی در افراد و به تبع آنها در جامعه پدید می آید. اینجاست که لازم است تمام تلاش اصحاب فرهنگ به کار گرفته شود تا فرهنگ جامعه از طرفی با توجه به زیرساختهایِ فرهنگیِ جامعه و از طرف دیگر بر اساس واقعیتهای موجودَ، به روز رسانی شود.

تلاشی که لازم است نه مقهور آورده های جدید دنیا شود و یکسره خودش را ببازد و گمان ببرد که هیچ داشتهٔ ارزشمندِ فرهنگی ندارد و نه بخواهد تغییرات و پیشرفتها را نا دیده بگیرد.

ایجاد تطبیق بین آورده های فرهنگی و تمدنیِ جدید دنیا و فرهنگ موجود در جوامع مختلف یک امر کاملا تخَصصی است که مثل هر کار تخصصی دیگر باید به اهل فن و متخصصین سپرده شود.

زمانی که یک وسیله جدید مثل تلفن همراه اختراع می شود ما نمی توانیم از ورود آن به جامعه جلوگیری کنیم. اما زمانی که وارد کنندگان، این وسیله را وارد کردند، انتخاب معادل فارسی مناسب و زبان پذیر برای واژه "مبایل "کار اهل ادبیات است. به همین ترتیب فرهنگ استفاده صحیح و همخوان با فرهنگ امروز جامعه ما نیز در تخصص فرهنگ پژوهان و متخصصین این امر است و اگر به موقع اقدام نشود استفاده از این وسیله یا هر وسیله و پدیدهٔ مشابه دیگر، به شکلی انجام می شود، اما می توان مطمئن بود که آن شکل، فرهنگ مدارانه نخواهد بود.

شهر، ابر شهر، برج، بوستان (پارک)، خودرو، آزاد راه، بزرگراه، هواپیما، دیوان سالاری (بروکراسی)، مردمسالاری (دموکراسی)، اصل تفکیک قوا، بیمارستان، مهد کودک، مدرسه، دانشگاه ....

مفاهیم و پدیده های زیادی وجود دارد که فرهنگ پژوهان ما لازم است نسخهٔ بهره برداریِ فرهنگ مدارانه از آنها را بیابند و ارائه دهند. نسخه هایی که در عین فرهنگ مدارانه و روز آمد بودن با زیر ساختهای فرهنگی جامعه ما سازگار باشد، و از همه مهمتر جامعه پذیر باشند.

همانطور که نمی توانیم توقع داشته باشیم تاجر وارد کنندهٔ گوشی تلفن همراه برای آن معادل فارسی مناسبی بیابد و به فارسی زبانان پیشنهاد کند، از مهندسان، سیاستمداران، معلمان، استادان دانشگاه، پزشکان و.. هم نمی توانیم توقع داشته باشیم که مدیریت فرهنگی تغییراتی را که در حوزه آنها اتفاق می افتد بر عهده بگیرند.

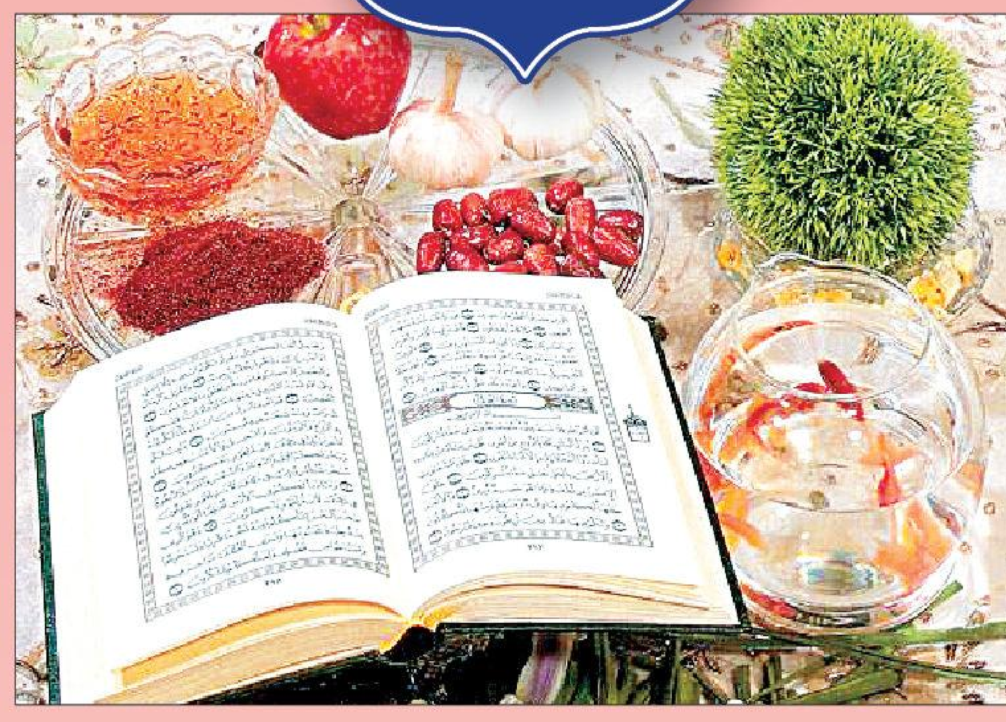
پس تنها این فرهنگشناسان جامعه هستند که لازم است بار سنگین این امر را به دوش بکشند. فرهنگشناس به دو معنا. یکی به معنای کسانی که از فرهنگ شناخت تخصصی دارند و دوم به معنای کسانی که بتوانند شناسانندهٔ فرهنگ باشند و نسخه ها و روایتهای جدید خود از جنبه هایی که فرهنگ جامعه نیاز به رشد دارد را به زبان وبیان مناسب به گوش جامعه برسانند. در کنار این فرهنگشناسان لازم است که تمام لایه های جامعه نیز از هوش فرهنگی و فرهنگِ رشدِ فرهنگی برخوردار باشد و نسخه ها و پیشنهادات اجراییِ و قابلِ قبول این فرهنگشناسان را به کار ببندد.

عدم درک ارزش و جایگاه رضایت در کسب شادمانی - بهداشت آرزو

زندگی مدرن ارمغانهای بسیاری برای بشریت به همراه





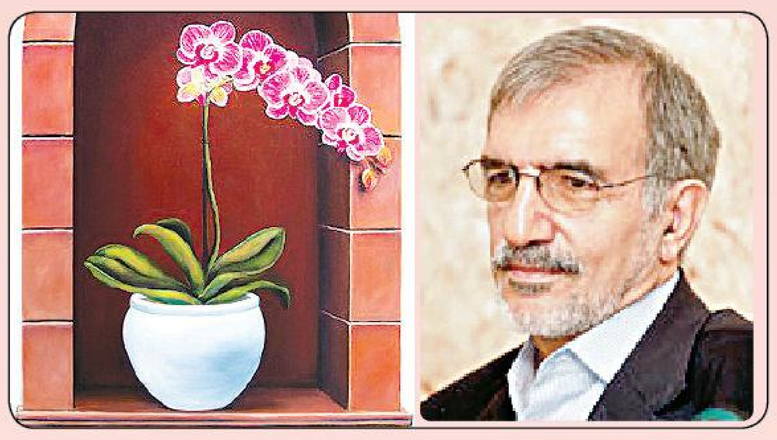


صاحب امتیاز : موسسه اطلاعات شرکت ایرانچاپ
مدیر مسئول: سید محمود دعایی
سردبیر: علیرضا خانی
دبیر ویژه‌نامه: کریم فیضی
با همکاری همکاران تحریریه:
آزاده تاجعلی، ارمغان زمان‌فشمی، زهرهٔ زاهدی کرمانی، محمدرضا حیدرزاده، مریم نظری، وجیهه تیموری، هومن ظریف، وسرورانی که از جای جای ایران با تحریر و ارسال مقالات ارزشمندشان ما را سرافراز کردند.
صفحه آرایی و گرافیک: علیرضا سرباز وطن رشید، علیرضا کیماسی
عکس: علی آذرنیاکماری - داود قهردار
طراح: حبیب‌الله صادقی
طرح جلد: شهرام شهدی
چاپ: شرکت ایرانچاپ (موسسه اطلاعات)
با تشکر از واحد حروفچینی، تصحیح، لیتوگرافی، چاپ، توزیع و دیگر عزیزانی که نهایت همکاری را مبذول داشته اند.

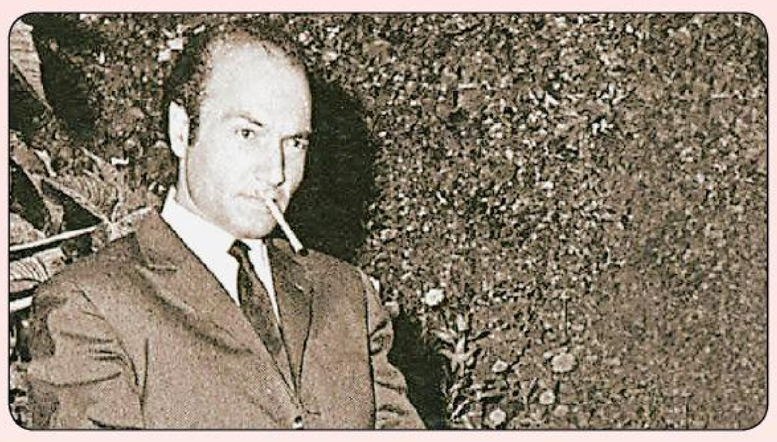


فهرست



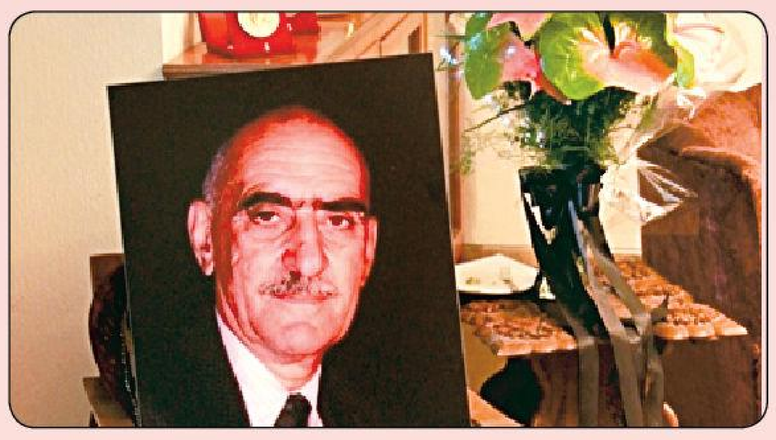




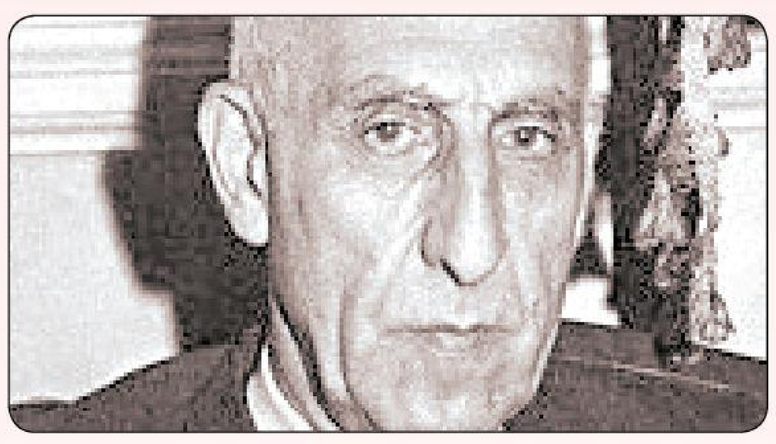
















آورد ولی یک مسئله جدی، به ویژه برای جوامع در حال توسعه ایجاد نمود و آن این است که پدیده های بسیاری جزء خواسته های افراد شده که گمان می کنند می توانند آنها راداشته باشند، ولی این گمان یا به طور کلی موهوم است و یا اینکه تا رسیدن به آن راه دراز و پر از تلاشی باقی مانده که اگر قرار باشد از امروز برای شاد بودن منتظر رسیدن به آن باشیم، با دست خودمان، شادمانیمان را تا یک آینده دور و دراز به تاخیر انداخته ایم.

و حتی اگر فرض کنیم که در آن آینده دور به آن شرایط برسیم، گذراندنِ از امروز تا آن روز، بدون شادمانی، خسارتی است بزرگ و جبران نا پذیر. اگر هم به کلی گمانی موهوم باشد، همین گمان موهوم قضاوت آنها را درباره میزان مطلوبیت زندگیشان تغییر می دهد و گمان می کنند که زندگی نامطلوبی دارند و همین امر باعث می شود در هر موقعیتی که باشند شادمانیشان از بین برود. به عبارت دیگر همه چیزشان از بین برود.

در تعریف شادمانی، کلید واژه "قضاوت" وجود دارد. این قضاوت بر اساس کدام معیار و سنجه انجام می پذیرد...؟ اگر بر اساس سنجه های رضایتمندانه و قناعت مندانه انجام پذیرد، نتیجه این قضاوت این خواهد شد که زندگی مطلوبیت دارد و فرد پس از این قضاوت دربارۀ زندگیش شادمان خواهد شد. برعکس اگر این قضاوت با معیارها و سنجه های حداکثری، خودخواهانه و زیاده خواهانه انجام پذیرد، نتیجه قضاوت فرد این خواهد بود که زندگی مطلوبیت ندارد، پس شادمانی در کار نخواهد بود.

لازم است تکرار کنم که به هیچ عنوان منظورم این نیست که از وضعیت موجود راضی باشیم و دیگر تلاشی برای بهتر کردن زندگیمان نداشته باشیم. بلکه منظور این است که با داشتن رضایت از وضع موجود، شاد باشیم و در حالی که هر روز زندگیمان شاد هستیم برای بهتر کردن زندگی در راستای اهداف و آرمانهایمان تلاش کنیم.

شادمانی درست مثل دریاچه ای است که پشت سد تشکیل می شود. از یک سو رودخانه مهم است که آورده هایی داشته باشد، هرچند اندک. و از آن مهم تر سد نفوذ ناپذیری لازم است تا این آورده ها و داشته ها پشت آن بماند و دریاچه تشکیل شود. این سد، رضایت وقناعت است، که اگر نباشد هرگز دریاچۀ شادمانی تشکیل نخواهد شد.

اصلی ترین دلیل پائین بودن سطح شادمانی در جامعه امروز ما، کمبودها و مشکلات بسیاری که داریم نیست، بلکه این است که تصورات غلط و رویا پردازیهای نسبتا بیمار گونه ازخواسته ها و امکانات زندگی باعث می شود که قضاوت ما در خصوص مطلوبیت زندگی این باشد که زندگیمان نا مطلوب است، چرا که زندگیمان را با یک ائده آل موهوم که برای امثال ما نزدیک به غیر ممکن است، مقایسه می کنیم.

وجود این "آرزوهای غیر بهداشتی" در ذهن انسانها جای "آرمان" را می گیرد و زندگی فرد را ازپیشرفت عادی نیز می اندازد و از آنچه بوده یا می توانسته باشد نامطلوبتر می گرداند. در نتیجه شخص دارای این آرزوها، در این چرخه منفی به زندگی دائما بدترَشونده ای نیز گرفتار می شود.

اگر بخواهیم در خصوص آینده و زندگی کسی و به ویژه در خصوص میزان شاد بودن او پیش بینی کنیم، می توانیم بگوئیم آن کس که مسیر خواسته هایش از درون به بیرون است و مسئولیت زندگی ومسائل آن را بر عهده خودش می داند، می خواهد بسازد، برسد، تولید کند و... شاد و موفق خواهد بود و آنکه مسیر خواسته هایش از بیرون به درون است و مسئولیت زندگی و مسائل آن را می خواهد به هر ترتیب که شده به گردن دیگران بیاندازد و منتظر است تا به او چیزی را بدهند، شانس بیاورد، پدر و مادرش بمیرند و میراث ببرد، بلیط بخت آزمایی ببرد و... شادی و موفقیتی در انتظارش نیست.

پیشنهاد می کنم این کلید را در خصوص تمام اظهار نظرها و رفتارهای خودمان استفاده کنیم تا از میزان شادمانی خود در اینده خبردار شویم.

اما اجازه بدهید پا را از این فراتر بگذارم و بگویم که اگر انسان هرشرطِ هر چند کوچک و هر خواستۀ هرچند اندک از زندگی بخواهد که آن را فعلا نداشته باشد، شادمانیش را فروخته است. البته منظوراز خواستن، خواستنِ بی تلاش و مایوسانه است که به طور کلی با کار و تلاش سازَنده متفاوت است. نفس کار و تلاش باعث می شود که خواسته های انسان معقول و داشته های انسان به چشمش ارزشمند شود و همین باعث شامانی خواهد بود.

فکر می کنم لازم است مفهوم جدیدی را وارد ادبیات فکری کنیم و آن "بهداشت آرزو" است. انسان به آب، هوا، غذا،... نیاز جدی دارد ولی غیر بهداشتی هرکدام از اینها آدم را می کشد...

آرزو هم درست مثل اینهاست. به هیچ عنوان نباید اجازه داد هرپدیده و تصوری برای انسان آرزو شود. داشتن آرزو از نشانه های سلامتی فکر است، اما مثل همه پدیده های زندگی لازم است که از نوع بهداشتی آن بوده و اندازه و مشخصات آن با ما و زندگی ما همَخوان باشد.

بهداشت آرزو و روانشناسیِ کاهلانه

عمیقا به اندیشه های مثبت و مثبت اندیشی اعتقاد دارم. کاملا موافقم که جامعه ما نیاز دارد از افکار منفی گوناگون و مایوس کننده که به آن خو کرده دوری کند. در این راستا کارهای فرهنگی بسیار خوبی در جریان است و کتابهای بسیار خوبی ترجمه و تالیف شده که عمیقا از این بزرگواران به سهم خودم سپاسگزارهستم. مطمئنم که هیچ انسان موفقی به موفقیتهای امروزش نرسیده مگر آنها را به صورت آرمان و هدف در زندگی انتخاب کرده و سالها پای آنها ایستادگی کرده است.

اما در کنار این گیاه ارزشمند و برومند یک علف هرز روییده و نوعی روانشناسی مجعول در جامعه ما رایج شده که عنوانی مناسبتراز "روانشناسی تنبل پسند" برای آن سراغ ندارم...! و خلاصه آن این است که "بنشین و آرزو کن... همه چیز درست می شود و تو به هر آنچه آرزو کردی بدون هیچ تلاشی می رسی....!"

این آدرس غلطی است که به جامعه داده می شود. آنچه شایسته پیشنهاد به جامعه است نه تبلیغ "آرزو" بلکه تقویت "آرمان و هدف" است. آرزو مفهومی نقطه ای است که در رسیدن به آن ما نقشی نداریم اما در رسیدن به آرمانها و اهداف این ما هستیم که پس از روشن کردن اهداف، با انگیزه و توانی چند برابر به سوی آن حرکت می کنیم و در هر گام از اینکه در مسیر پیشرفت و پیروزی هستیم شادمان خواهیم بود.

موفقیت مفهومی خطی و بلند مدت است و در طول مسیر حاصل می شود. گرچه ممکن است در جاهایی به صورت ویژه خود را نشان دهد. یک انسان سالها دانش می اندوزد اما یک روز در جامعه استاد می خوانندش. یک روز جایزه نوبل می گیرد.بسیاری از ما انسانها به این خاطر طعم پیروزی و موفقیت را نمی چشیم چون تصور می کنیم که موفقیت یک مفهوم نقطه ای است. موفقیت روزی است که در کنکور قبول شدیم یا روزی که دکترا گرفتیم. اینها لحظه های تجلی بیرونی موفقیت است. اینها تصویر ما است از موفقیت دیگران. اما موفقیت ما برای خودمان مفهومی خطی است که در لحظه لحظۀ زندگی آن را تجربه کرده ایم و از آن لذت برده ایم و با آن شاد بوده ایم.

خلاصه اینکه، شاد بودن عالی ترین هدف زندگیِ این دنیایی ما است که یاس و تنبلی از یک سو، حرص و تلاش مَازاد از سوی دیگر و درست به همان اندازه برای آن خطرناک است. اما به نظر می رسد آنچه امروز بیش از هر پدیدۀ دیگری شادمانیِ ما را تهدید می کند "آرزوهای غیر بهداشتی" است.

سحر با باد می گفتم حدیث آرزومندی
خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی
همایی چون تو عالیقدر حرص استخوان سهل است
دریغ آن سایۀ همت که بر نا اهل افکندی
درین بازار اگر سودی است با درویش خرسند است
خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی

تاریخ

هفت سلام مقدس

■ سیدمحمدعلی دادخواه



عدد هفت مبارک، و سین مقدس است؛ پس هفت سین مبارک و مقدس است و این تقدس و تبرک بر گرمی و گیرایی هفت سین افزوده است. شرق و غرب سین را گرامی می‌دارند. بابلیان نیز سین را رب‌النوع ماه می‌دانستند. (ایران باستان، ج ۱، ص ۲۰۲ و ۳۸۲)

مسلمانان یکی از نام‌های پیامبر خود را سین می‌دانند؛ نام پر جمعیت‌ترین کشور جهان سین است (چین) و در اسطوره‌های ایران نیز سین نام مادربزرگ رستم است. امروز هم نام شهری در مصر (آفریقا) و دهی در اردبیل (آسیا) سین ذکر شده است؛ در استان اصفهان نیز روستایی به همین نام هست. پس در هفت آسمان و هفت زمین هفت سین هر هفته تکرار می‌شود.

سلام بر سپیده‌دم فروردین، آن هنگام که گل سرخ پیشانی قشنگش را بر زمین می‌نهد و بر بهار تعظیم می‌کند و نوروز را سراغ می‌گیرد. عید، برگ سبز در دست دارد و سفره‌ای در پیش و ما را به خوانی که هفت خانه دارد فرا می‌خواند.

دو دیگر سلام بر نوروز که جهان را جوان می‌کند و آدمی را به قول سعدی عاشق، ویژگی طربناک جوانی خواب و خیال است و مهر و توانایی و عشق و افتخار. سادگی و غرور همه چیز را در پیشگاه انسانی پاک و ساده می‌نماید و گیتی را دوست‌داشتی و بی‌آلایش می‌بیند. همه این اوصاف با گام‌های شادی ریز و شادی بیز نوروز تجلی می‌یابد که جهان جوان می‌شود، پر از گرمی و امید. این بهار است که چون خونی تازه در رگ‌های گیتی می‌دود و از بودن شدن، از ماندن رفتن، از شنیدن گفتن و از کاوش جستن را نوید می‌دهد. سرود آغاز سال نو سبب بهار و مستی و سرور است تا انسان سرمستِ مسرور با نگاهی به برگ‌های تازه دفتر عمر بنگرد.

سه دیگر سلام بر بهار، آن هنگام که ما را در کنار می‌گیرد و زیبایی و لطف خود را بر ما ارزانی می‌دارد و زمان اندک اندک خوشایند و دلفریب می‌شود؛ اما هنگامی که سفره هفت سین، ما را فرا می‌خواند گویی نغمه‌های روح‌بخش در گوش ما زمزمه می‌کند که خرد و دوستی طبیعت را در دل ما پرورش و نوازش می‌دهد. یک جهان جان ز نزد جان جهان می‌آور تا جز راستی و حقیقت را نستاییم.

سلام بر آن زمان که آسمان دست‌افشان و مهرآمیز بر زمین می‌بارد و غنچه لبخند می‌زند و پرندگان عاشقانه بر گرد آن می‌پرند. ندایی از دل زمان کهن این سرزمین می‌رسد که کورش در نوروز سال ۵۳۹ پیش از میلاد، همه آدمیان را در پیشگاه قانون برابر دانست؛ و اکنون ما مفتون این نظر خردورز که در مقابل هزاران تصمیم خردسوز ایستاده به تعجب و تحسین می‌نگریم. منشوری که امید و عشق آن، کمال مطلوبی را که هر جانی مشتاق یافتن آن است، دربر دارد.

گفت‌وگوی نامرئی، بین سفره و انسان رازی پنهانی دارد که هر سال در وقتی نورانی، این راز روحانی نجوا می‌شود. بی‌گمان نوروز سوگلی بهار و هفت سین، هفت خورجین پر از پند و اندرز و اندیشه است.

سلام بر رازگویی هفت سین که به ما می‌آموزد می‌توان در هفت مرحله عمر از سختی زمین تا منزلگه سپهر را به شادمانی و سادگی و کام‌روایی و قناعت و کرامت سپری کرد. اعلامیه نانوشته انسانی که در کهن تاریخ ما در فصل معتدل بهار منتشر شده است تا گرایش به اعتدال را در دل ما برانگیزد. آداب با ادب در هم آمیزند و آرامش و ایمان پیوندی ناگسستنی یابند. شیوه آموزش و اشارت سفره نوروزی آن است که ما رهگذران ناگزیر حیات، زندگی را خوش دل و دل شاد طی کنیم.

سلام بر هفت سین که هفت پیمان است که در هفت بند، هفت نقش، هفت گام و هدف، زندگی را ترسیم و آینده را تدوین و گذشته را تکمیل می‌کند.

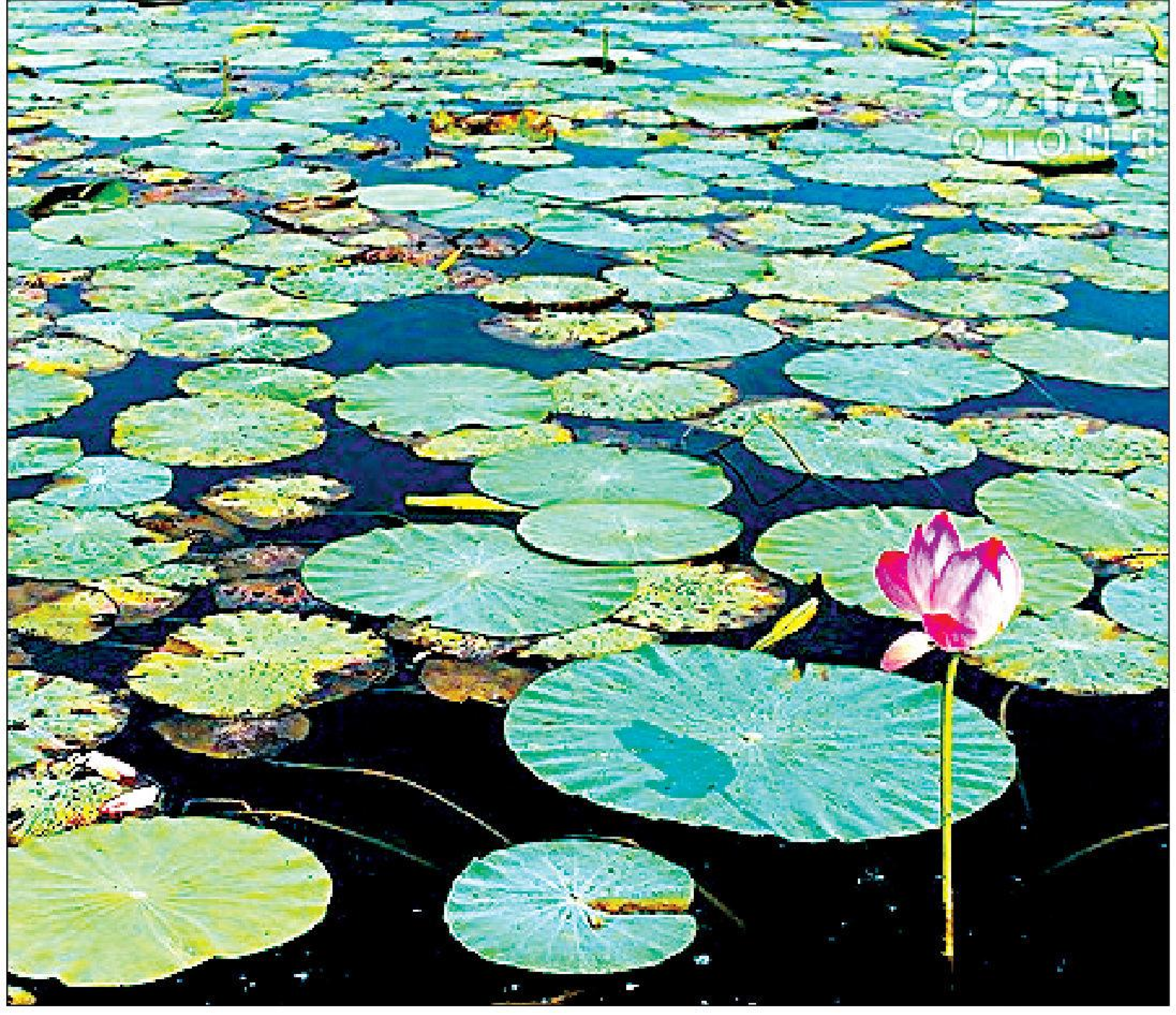
کشف ارزش‌های نهفته در آیین و سنت نوروزی می‌تواند به عنوان ابزاری فرهنگی برای فرهنگ‌سازی به کار آید. اندیشه فردی، فرهنگ‌پرور است و به گونه‌ای است که تأثیر خود را در گذر سال‌ها حفظ می‌کند. با وجود ستیزها و مخالفت‌ها، سرانجام روزی از روزنی سر برون خواهد کرد. موضوعی که در نمادهای هفت‌سین به روشنی به چشم می‌خورد.

سلام بر شما صاحب‌دلان خردورز که این کتاب را در دستان گرمتان می‌فشارید که این مایه دلگرمی‌مان است. هرگز در چاپ نخست این تصور نبود کتاب، به چاپ‌های فراوان برسد؛ شاید سخنی است که از دل برآمده و لاجرم بر دل نشسته و بازتاب نمادی است از آداب و سنن این سرزمین کهن که بی‌گمان باید از مشوقان صادقی که این نوشته در معرض قبول‌شان افتاده است، سپاس قلبی خود را ابراز دارم. به روشنی واقفم که این نوشته کاستی‌هایی دارد. چشم آن دارم که دانش‌پژوهان فرزانه، نقادانه در آن بنگرند و از یادآوری کاستی‌ها خودداری نورزند تا در سایه مهرشان و لطف حق، اگر کتاب بار دیگر پای به چاپخانه نهاد، آن کاستی‌ها را کاسته باشم و آن راستی‌ها بنشانده که به گفته حافظ:

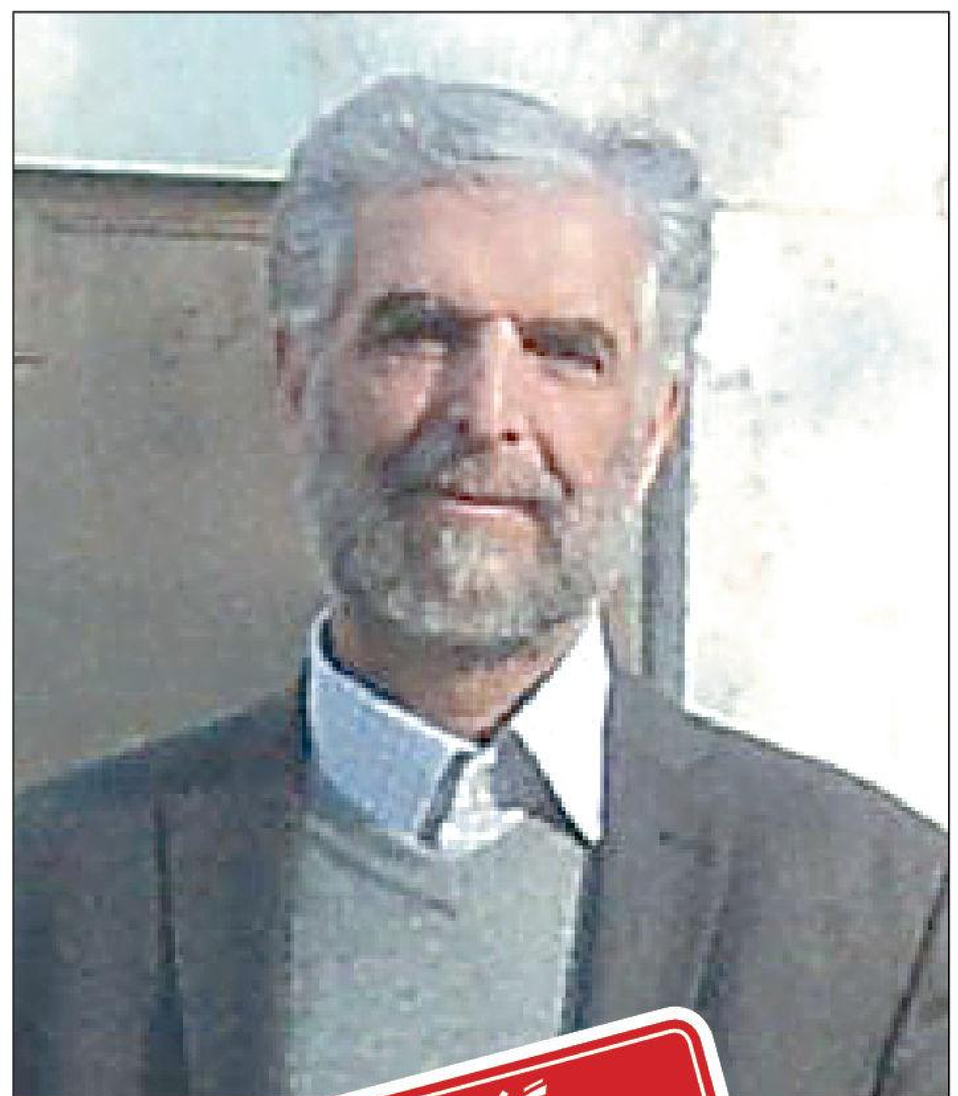
آن که در طرز غزل نکته به حافظ آموخت
یار شیرین سخن نادره گفتار من است

هر روزتان نوروز
نوروزتان پیروز









گفتگو

با دکتر حکمت الله ملاصالحی
پیرامون جشن نوروز

سخن آفرینش

اشاره: نوروز رسم و آیینی به درازای تاریخ است. اسطوره‌شناسان و باستان‌شناسان ردپای نوروز را -اگر چه به نام‌هایی دیگر و نزد ملت‌هایی کهن‌تر- تا سپیده‌دمان تاریخ بشر پی‌کاوی کرده‌اند. بر این اساس نوروز چونان یک جشن بهاری حکایتگر هماهنگی و همگاهی انسان با بیداری طبیعت و نوزایی هستی است. نوروز را ملت‌های پیش از ایرانیان نیز جشن می‌گرفته‌اند و بعدها ایرانیان میراث بر اقوام و ملت‌های گذشته گردیدند. از این رو نوروز با هر زمانه‌ای دمساز شد و شاید همین نو به نو شدن، راز ماندگاری نوروز باشد. نوروز با مسلمان شدن ایرانیان، در پرتو دولت قرآن و معارف اسلامی وجهه‌ای دگرگونه یافت و از غنای عرفانی بالایی برخوردار شد. مطلبی که از پی می‌آید گفت‌وگویی است با دکتر حکمت‌الله ملاصالحی باستان‌شناس و استاد دانشگاه تهران در باب بن‌مایه‌های معنوی این آیین دیرپا. با هم می‌خوانیم:

● در یک نگاه کلان جشن‌ها چه در جوامع باستانی و چه جدید مبین آهنگ تغییرات مختلف هستند. جشن‌ها در جوامع گوناگون چه اهدافی را دنبال می‌کرده‌اند به عبارت دیگر فلسفه وجودی آنها چه بوده است؟

-هستی شناسی، کیهان‌شناسی، نظام معرفتی و ذائقه زیباشناختی بشر عهد باستان عمیقاً آیینی، اسطوره‌ای یا متافیزیکی بنیاد پذیرفته و خمیره و سرشتی قدسی داشته و رگ و پیوندش با تجربه امر قدسی و الوهی در تنیده است.

کیهان‌شناسی آیینی، منظر و معرفت اسطوره‌ای، بنیادی نمادین و تمثیلی نیز دارد. به همین دلیل هر جا و در هر دوره و در قلمرو و جغرافیای هر فرهنگ و مدنیتی که تجربه، معرفت و منظر انسان را از هستی، کیهان و یا اصولاً آفرینش، آیینی، اسطوره‌ای و قدسی‌تر یافته‌ایم، رویش و رشد و شکوفایی و بالندگی و پرمایگی و غنای صور نمادین و همچنین درخشش و ظهور و تابندگی تمثیل‌های اسطوره‌ای را زنده‌تر زیسته و تجربه کرده و فهمیده‌ایم. مفهوم نماد یا رمز و تمثیل و موارد مشابه بسیار دیگر از این دست ساخته و پرداخته ذهنیت و اندیشه مفهومی و نظر به مراحل جدیدتر تاریخ و فرهنگ آدمی است. بشر عهد باستان با رمزها و تمثیل‌هایش می‌زیسته و تجربه‌ای از صورت‌های نمادین و تمثیلی، گرانبار از احساس، عاطفه، اندیشه و ذوق و ذائقه شهودی زنده است. سمبل‌ها و صورت‌های تمثیلی در خم و خیز فرهنگ و زندگی و حیات فردی و اجتماعی بشر عهد باستان، زنده احساس و تجربه می‌شود. شکاف و گسست یا دوپارگی بین صورت و معنا، دال و مدلول، صورتهای نمادین و معنا و محتوای تمثیل‌ها در مراحل بعد و به ویژه جدیدتر پس از رشد مرحله به مرحله اندیشه نظری و مفهومی اتفاق افتاده است. سهم فرزندان «پرومته» فرهنگ و اندیشه عهد باستان هلنی را در ظهور تفکر و تعقل مفهومی و نظری نمی‌بایست نادیده گرفت.

جشن‌ها نیز آداب و عادات و اعمال و مراسم و مناسک آیینی‌اند و مقدس؛ به فرهنگ و زندگی بشر عهد باستان جهت، هدف، آهنگ، انسجام، استحکام، اقتدار معنوی، مشروعیت، حقانیت، مرجعیت، حجیت، حیثیت حضور و معنا می‌دهند. آنها اغلب سرشتی کیهان‌شناختی داشته و بر مبنای الگوها و سرمشق‌های ازلی و رویدادهایی که در آغاز ازل یا (in illo tempor, ab orgine) به تعبیر الیاده اتفاق افتاده‌اند؛ و چون در آغاز و ازل اتفاق افتاده‌اند با امر الوهی، قدسی و متعالی در می‌پیچند، شأنی قدسی، الوهی، معنوی و متافیزیکی دارند، سرمشق‌اند و الگو. جشن‌ها و رفتارها و کنش‌های آیینی عهد باستان نیز نوعی فراخوانی و تحقق بخشیدن فراخواندن سرمشق‌ها و رویدادهای ازلی یا به تعبیر درست‌تر نشئه روحانی حضور انسان در ساحت ملکوتی‌اش است.

● این بازگشت به «بندهشن»، بن آفرینش یا نقطه صفر آفرینش حاوی چه معنایی بوده است؟

-مسئله مشروعیت، مرجعیت، حقانیت و حجیت معنادار و حقیقت حضور انسان در جهان و جایگاه او در قلمرو آفرینش و همچنین نسبت او با «آرخه» یعنی منشأ، بن، سرچشمه، سرآغاز و بدایت و نهایت رویدادها برای بشر همیشه نقش تعیین‌کننده و اهمیت بنیادین یا «آنتولوژیک» داشته است.

امری اتفاقی نیست که واژه «کولت» (Cult) با نیایش و پرستش در زبان لاتین هم معنای آیین از آن افاده می‌شده و هم کشتن و برزگری. مفهوم «کالچر» یعنی فرهنگ نیز از همین بن واژه لاتینی تبار سربر کشیده است. جشن‌ها ضرباهنگ فرهنگ‌ها را با آفرینش و حضور و خصوصاً درجه و دامنه مؤانست، مراقبت و مراودت معنوی و همچنین معاشرت و دیالوگ عمیقاً باطنی، روحانی و صمیمانه بشر عهد باستان را با طبیعت به منصه ظهور نهاده و آشکار می‌کرده‌اند. جشن‌ها، آیین‌ها، اساساً مراسم و مناسک آیینی در تطهیر، تلطیف، تخلیه، تجلیه، تصفیه و پالایش غرایز بنیادین آدمی و روش و منش فرهنگ‌پذیری و سهم موثر داشته‌اند. اساساً احساس اجتماعی بودن و جمعیت را مدیون جشن‌هاییم. مثنوی مطول فلسفه وجودی جشن‌ها در جوامع عهد باستان چیزی نیست که بتوان با این یا آن پرسش و پاسخ کوتاه و مقاله و بحث و مناظره دامن زد و به پایانش برد.

● به نظر می‌رسد از این چشم‌انداز می‌توان به جنبه‌های تطبیقی جشن‌های باستانی راه برد. چه بن‌مایه‌های مشترکی می‌توان برای آنها برشمرد؟

-هر اندازه به لایه‌های کهن‌تر فرهنگ‌ها، تجربه و تقدیر تاریخی دیرینه‌تر انسان‌ها، سنت‌ها، جامعه‌ها، مدنیت‌ها و معنویت‌ها نزدیک‌تر شویم، و هر آنچه از لایه‌های درونی‌تر و آشیانه‌های بکر و باطنی و ملکوتی‌تر روح آدمی سربر کشیده و افق گشوده است، عناصر و میراث مشترک بشری خود را در آن زنده و تابنده‌تر زیسته و تجربه کرده و یافته‌ایم. به سخن مولانا:

یک گهر بودیم همچون آفتاب
بی گره بودیم وصافی همچو آب
چون به کثرت آمد آن نور سره
شد عدد آن سایه‌های کنگره

مسئله شباهت‌ها، قرابت‌ها، خویشاوندی‌ها و عناصر







مشترک میان جوامع و فرهنگ‌های عهد باستان و همچنین کنش‌ها و رفتارها و تجربه‌های معنوی و حیات آیینی این جوامع هم مورد عنایت و التفات حوزه‌های اسطوره‌شناسی تطبیقی بوده و هم مورخان ادیان خاصه حوزه مطالعه تطبیقی مذاهب و هم آنکه توجه باستان‌شناسان را در دوره جدید به طور جدی به خود جلب کرده است. آیینی بودن این جوامع، تجربه امر مقدس، معرفت، منظر و کیهان‌شناختی اسطوره‌ای خود از عناصر مشترک و سنت‌های مشابه و رفتارها و کنش‌های آیینی خویشاوند چنین جوامعی است.

جشن‌ها، آیین‌های آفرینش و مراسم نوروزی را می‌توان کم و بیش سنت و میراث مشترک همه جوامع عهد باستان، خصوصاً حوزه فرهنگ‌ها و ملت‌ها و مدنیت‌های مدیترانه شرقی از منطقه اژه و هلنی و لاتینی ـ رومی گرفته تا آن سوی دره سند و شبه قاره هند و آسیای میانه و... دانست. نیاز به احیا، باززایی، مسئله رستاخیز، آیینی زیستن و آیینی کردن زمان و برانداختن و انحلال آیینی آن، بازگشت به عصمت و بی‌گناهی ازلی، الگویی و سرمشقی بودن کنش‌ها و رفتارهای جشن‌ها و مناسک و عزایم، فراخواندن ارواح طیبه و بیرون راندن ارواح خبیثه، عبور از مرگ و یا اساساً غلبه بر مرگ و نیروهای اهریمنی و جلب رضایت امر الوهی و ایزدان و فرشتگان باروری و حاصلخیزی، مسئله تطهیر، تبرک و اطمینان به نظم طبیعت و تضمین تداوم و استمرار نظم کیهانی و موارد بسیار دیگر از این دست، همه از عناصر مشترک جشنها و آیین‌های جوامع عهد باستان، اعم از جشن‌های آفرینش و طبیعت و همچنین قصه طوفان و فراق و دلتنگی عصر طلایی و بهشت گمشده را به صور مختلف در رفتارها و کنش‌ها و منش‌های آیینی همه جوامع عهد باستان می‌توان لایه نگاری و ردیابی و تبارشناسی و باستان کاوی کرد. البته این‌ها همه مظاهر، مصادیق و صور



بیرونی کنش‌های روحی و معنوی انسان عهد باستان است. چه کسی می‌داند در زیر لایه‌های نهان‌تر و زیستگاه‌های درونی‌تر روح او چه اتفاقات معنوی و عمیقاً باطنی و الوهی به وقوع می‌پیوسته است؟!

فروغ وحیانیت قرآن و کلام الهی هر جا که می‌تابید و هر آنچه با روح کلام، حقیقت، سنت و معنویت آن همسو و خویشاوند بود نه تنها منسوخ نمی‌شد، که در دولت حقیقت، سنت، شریعت و طریقت قرآن و اسلام حیاتی معنوی، باطنی و روحانی‌تر نیز می‌پذیرفت و غنی و پرمایه‌تر نیز می‌شد. امر اتفاقی نیست که نوروز در ظل دولت قرآن آن چنان عرفانی، شهودی، عمیق، باطنی و تابنده فهمیده و زیسته می‌شود که مشابهش را در هیچ یک از دوره‌های فرهنگ و مدنیت شاهانه پیش از اسلامی نمی‌شناسیم.

● بنابراین آیا می‌توان نوروز را جشنی معنوی همانند و همراستای عید فطر و قربان قلمداد کرد؟

ـ نوروز هرچند یک جشن و رسم و سنت برآمده از دیانت و شریعت و معنویت و مدنیت اسلام و قرآن نبوده و ظاهراً نمی‌توان آن را در زمره اعیاد رسمی اسلامی که به مصابه یک فریضه به آنها عمل می‌شود جای داد؛ لکن با روح اسلام، سنت، مدنیت، معنویت و وحیانیت قرآن همسویی و خویشاوندی عمیق دارد. نوروز آیینی است پاک، سنتی اصیل، میراثی غنی و پرمایه از روح نجابت و شرافتمندانگی و برآمده از معنویت و مدنیتی اصیل و گشن. نوروز آیین طبیعت است و سنت و میراث عشق و مؤانست و مراودت باطنی و عمیقاً روحانی انسان با طبیعت، خدا و رستاخیز و حشر بهاری گیاهان و جانوران که همه از منظر وحیانیت قرآن تسبیح خدا می‌گویند و در هر بهار به تعبیر مولانا دست ندبه و نیایش به سوی مبدأ خود و ذات باریتعالی می‌گشایند.

در کیهان‌شناختی منظر و معرفت آیینی بشر عهد باستان زایندگی و آفرینندگی یا زایش و آفرینش به هم در می‌تنند. هر دو اغلب به یک معنا آمده‌اند. در زبان هلنی واژه «تخنه» یا هنر و «آرشیتکت» یا معماری هر دو از ریشه‌هایی سر برمی‌کشند که با زایندگی و زایش ارتباط تنگ دارند. اساساً در جوامع عهد باستان زایش، رویش، رشد، بالیدن و شکوفا شدن و به بار نشستن عالم گیاهی و جانوری و انسانی صور و مظاهر متفاوت آفرینش الهی هستی را به تماشا می‌نهند. همه آیین‌های فصلی، خاصه جشن‌های نوروزی و بهاری به طریقی با آیین‌ها و اسطوره‌های آفرینش، مسئله مرگ، معاد یا رستاخیز و حشر مردگان ربط وثیق داشته‌اند. فروغ وحیانیت قرآن و کلام الهی هر جا که می‌تابید و هر آنچه با روح کلام، حقیقت، سنت و معنویت آن همسو و خویشاوند بود نه تنها منسوخ نمی‌شد، که در دولت حقیقت، سنت، شریعت و طریقت قرآن و اسلام حیاتی معنوی، باطنی و روحانی‌تر نیز می‌پذیرفت و غنی و پرمایه‌تر نیز می‌شد. امر اتفاقی نیست که نوروز در ظل دولت قرآن آن چنان عرفانی، شهودی، عمیق، باطنی و تابنده فهمیده و زیسته می‌شود که مشابهش را در هیچ یک از دوره‌های فرهنگ و مدنیت شاهانه پیش از اسلامی نمی‌شناسیم.

● حتی تعبیرهای عرفانی که در باب نوروز آمده، خود مؤید همین نکته است.

ـ همین طور است. سروده‌های عرفانی و درک باطنی متصوفه و عارفان مسلمان و همچنین دعاها و ندبه‌ها و نیایش‌هایی که اهل ذوق و ایمان در شأن نوروز در دولت قرآن به ویژه مسلمانان مومن آفریده‌اند همه موید شأن معنوی و منزلت روحانی جشن نوروز در عهد اسلامی در ظل دولت قرآن‌اند. احترامی که قرآن برای طبیعت و حیات طیبه طبیعی قائل بوده و آفرینش را آیت خداوند و هستی را مظهر و تجلی گاه و تماشاخانه اسماء الحسنای الهی می‌داند نمی‌توانست با آیینی این چنین پاک، جشنی این چنین شریف، نجیب و طبیعت دوست احساس خویشاوندی، مؤانست و همدلی نکند. نوروز سنت و میراث معنوی عهد و عصری است که در آن آفرینش با انسان سخن می‌گفته است. رشته‌های اتصال معنوی و حلقه‌های پیوند باطنی انسان با طبیعت خدا و امر مقدس، متعالی و الوهی آن‌گونه که در دوره جدید گسیخته نبوده است. میان حیات معنوی و روحانی انسان با مبدأ خویش فاصله و فراق نیفتاده بود. انسان در آن دوران زیبایی‌های الهی هستی را از درون می‌زیسته و در هر بهار برای استمرار، تداوم و شکوه نظم الهی هستی و شکر گزاردن و سپاس گفتن نعمات و برکات آن دست می‌افشانده و پای می‌کوفته و به ندبه و نیایش می‌نشسته و هدیه و فدیه به معبد خداوندگار نذر و نثار و پیشکش می‌کرده است. نه زیبایی کشف دوره جدید است و نه انسان آن‌گونه که متفکران دوره جدید بر آن تأکید ورزیده‌اند، بالعکس در دوره جدید هم زیبایی و هم انسان به طرز تأسف‌بار مورد غفلت و انکار قرار گرفته است. در منظر وحیانی اسلام، بین انسان و طبیعت رشته‌های اتصال معنوی و حلقه‌های پیوند روحانی ناگسستنی وجود دارد. تصادفی نیست که اسلام بیش از هر تمدنی با طبیعت‌سوزی، خداستیزی و بشرگریزی دوره جدید سر ستیز داشته و رنج برده است. چنان که متصوفه و متفکران مسلمان اغلب در آثار خود تأکید کرده‌اند آفرینش از منظر وحیانی اسلام تجلی الهی است. اساساً هر تجلی وجودی تجلی الهی است. هر تجلی الهی تجلی به حسن است، یعنی تجلی اسماء الحسنای الهی و هر تجلی به حسن تجلی مقدس است. لذا به تعبیر آن مرشد فرزانه حضرت امام رحمه الله علیه عالم محضر خداست. در محضر خدا نمی‌بایست گناه کرد و آفرینش پاک الهی را به گناه آشفت و آلود. متأسفانه در عصری زندگی می‌کنیم که بیش از هر دوره‌ای آتشناک، طبیعت‌سوز و نوروزگریز ره می‌سپارد. بین آن وحدت ارگانیک و ضرباهنگ معنوی روح انسان و فرهنگ و مدنیت او با طبیعت و آفرینش در دوره جدید گسست‌های تأسف بار به وقوع پیوسته است. نوروز میراث معنوی روزگاری است که ضرباهنگ میان طبیعت و تاریخ از وحدت ارگانیک باطنی و بنیادین برخوردار بوده است. در آیین اسلام انسان امانتدار هستی و خلیفه خداست، نه یکه تاز آن.

● این همسو شدن با طبیعت و ضربان هستی که در نوروز تجلی می‌یابد، به آدمی قدرت ژرف روحی و روانی می‌بخشد. آیا می‌توانید به برخی جنبه‌های روانشناختی نوروز هم اشاره کنید؟

ـ همه حرکات و سکنات بشری ما ابعاد و اضلاع روانشناختی داشته و از لایه‌های درونی‌تر حیات روحی ما سر برمی‌کشد. آیین‌ها آینه رفتارها، کردارها، کنش‌ها و حرکات و سکنات روحی ما هستند. به همین مفهوم آیین توجه کنید! همزادی و خویشاوندی آن را با مفهوم آینه درمی‌یابید. آینه‌داری



در گذشته خود نوعی آیین بوده است. آیین‌های فصلی و جشن‌ها و عزایم مربوط به طبیعت عمیقاً با روحیات، روانشناسی و رفتار انسان تا پیش از ظهور شرایط جدید تاریخی و سیطره عقلانیت و مدنیت ملتهب و آتشناک مدرنیته بر تاریخ جهانی ارتباط تنگ داشتند. انسانی که در آغوش طبیعت می‌زیسته و با آن مأنوس بوده همان احساسی را در پاییز نداشته که در بهار. همین طور احساس او از زمستان با احساسی که از فصل تابستان داشته عمیقاً متفاوت بوده است. انسان جوامع سنتی و فرهنگ‌های عهد باستان حشر و رستاخیز بهاری را همگام با ضرباهنگ طبیعت و به شکوفه نشستن درختان و گل کردن گیاهان و غلغل چشمه‌ها و باریدن ابرها و جاری شدن جوی‌ها و رودها با همه هستی و حیاتش می‌زیسته و احساس می‌کرده است. فراموش نکنیم که زیرلایه‌های درونی‌تر وجود آدمی همیشه مرطوب است و غنی از سفره‌های زلال و منابع آب‌های تحت الارضی، به تعبیر قرآن: «جنات تجری من تحتها الانهار». هر اندازه خود را مأنوس‌تر با طبیعت یافته و زندگی خود را با ضرباهنگ طبیعت هماهنگ‌تر کرده‌ایم، نوروز را زنده‌تر زیسته و حشر و رستاخیز بهاری را در روح خود عمیق‌تر تجربه کرده‌ایم.

● **در آغاز گفت‌وگو به نمادها و تمثیل‌های اسطوره‌ای مندرج در جشنها که در واقع واسط بیان امر قدسی هستند، اشاره شد. آیا می‌توان به براین اساس به نمادشناسی نوروز مبادرت جست و آن را تحلیل کرد؟**

ـ همه جشن‌ها، آیین‌ها، مناسک و شعائر باستانی پرمایه و غنی از صور نمادین و تمثیلی‌اند. چنانکه پیشتر نیز گفته‌ایم، نسبت و تجربه آیینی علی الاطلاق بنیاد و بیانی نمادین دارد. اصولاً هر آنچه از آشیانه‌ها، زیستگاه‌ها و لایه‌های درونی‌تر روح سر برمی‌کشد خمیره و سرشتی نمادین داشته و با رمزها و تمثیل‌ها و صورت‌ها و عناصر نمادین بیان شده است. رویاهای ما نیز چنین‌اند. تعبیر و تعریف ارنست کاسیرر از انسان به عنوان موجودی که سمبل‌پرداز است، بخشی از حقیقت انسان بودن ما را شکار می‌کند.

جشن‌های نوروزی اعم از هلنی و لاتینی، پارسی و سومری، عبرانی و بابلی، آشوری و مصری، فنیقی و فریژی و آسیای صغیری نیز چنین‌اند. فراموش نکنیم که به لحاظ باستان‌شناختی و انسان‌شناختی، فرهنگ‌ها همه بنیادی نمادین داشته و فرهنگ اساساً کنشی است نمادین و آنچه عالم انسانی و تاریخ و فرهنگ او را از طبیعت متمایز می‌کند، همین قوه، قابلیت، ظرفیت و توانایی و نمادپردازی ذهن و اندیشه، روان و رفتار و یا به طور کلی روح آدمی است. جشن‌های نوروزی ایرانیان نیز علیرغم آنکه در دوره جدید سخت سایش و فرسایش پذیرفته و با رانش‌ها و ریزشهای بسیار مواجه بوده و شماری از پیکره عناصر نمادین خود را از کف داده‌اند، مع الوصف برخی از صور نمادین کهن خود را که به لحاظ قدمت و اصالت تا هزاره‌های پیش از تاریخ فرهنگ و آیین جوامع ساکنان کهن‌تر ایران زمین به عقب برمی‌گردد همچنان حفظ کرده‌اند. البته تجربه‌های معنوی بشر و هر آنچه از زیرلایه‌های باطنی‌تر وجود یا آشیانه‌های بکر روح تراویده از چنبره زمان عبور کرده و به دلیل نسبت، تجربه و رابطه‌ای که با ابدیت و امر جاودانگی داشته جنبه‌های فراتاریخی خود را پاس داشته و حفظ کرده است.

● **پیرامون سه نماد آب، ماهی و سبزه که حضوری چشمگیر و مکرر در جشن نوروز دارند، چه نظری دارید؟**

ـ آب، ماهی، سبزه ظاهراً صورت‌های نمادین طبیعی و عناصر برگرفته از طبیعتند. طرح‌ها، نقش‌ها و صور آنها را به تکرار در آثار و شواهد به جای مانده و مکشوف از جوامع عصر نوسنگی، خصوصاً جام‌های سفالین این دوره می‌توان مشاهده کرد؛ لکن باید توجه داشت که صورت‌ها، شکل‌ها و ریخت‌های نمادین همیشه به آسان و به صراحت لایه‌های درونی‌تر معنایی خود را بر معرفت و منظر مفهومی و نظری ما آشکار نمی‌کند. عناصر، مواد و مصالح بیرونی آنها نیز دستخوش تطور می‌شوند. این تطورپذیری و تغییر را گاه در صورت و ریخت نمادها شاهد بوده‌ایم، گاه نیز در ساخت و معنا و محتوای تمثیل‌ها، اما معناهای گوهرین همچنان در آشیانه‌ها و زیستگاه‌ها و زیرلایه‌های درونی‌تر روح ثابت و پایدار مانده‌اند. این معانی گوهرین را فراوان در سروده‌ها و تجربه‌های عرفانی متصوفه و شاعران و عارفان مسلمان می‌توان یافت. معانی گوهرین نمادها هسته‌اند و نطفه بارور و زاینده و همیشه و پرمایه و غنی از قوه و قابلیت زایندگی و آفرینندگی. به همین نماد آب و ماهی توجه کنید. آب یک نماد چندمعنایی، جهان شمول، اصیل، هزارتو با ابعاد و اضلاع عمیقاً حیاتی و وجودی است. نقش بسیار تعیین کننده نیز در شکل گیری، استمرار، تداوم و بقای فرهنگ‌ها و جامعه‌ها و جمعیت‌ها در هر جا و هر جغرافیایی که استقرار یافته و شکل پذیرفته‌اند داشته است. تصادفی نیست که نام شمار بسیاری از روستاهای ایران با آب و آبادی در تنیده است. آب رمز زندگی، مایه حیات ازلی، منبع و سرچشمه باروری و حاصلخیزی است؛ که حیات از آن می‌تراود و استمرار می‌یابد. آب نمادی از اقیانوس هستی ازلی و وحدت آغازین است. ماهی در آب رمزی از وحدت ازلی انسان در اقیانوس هستی و آفرینش الهی است. نمادی از حیات ازلی روح را در اقیانوس هستی بیان می‌کند. آب و ماهی در قصه مجمع البحرین در قرآن بی ارتباط با چنین معنای عمیقی نیست. سبزه خاصه گندم، دانه و نطفه باروری و زایندگی است. نماد آسمانی آن سنبله آسمانی و کهکشان است. کهکشان تجمع سنبله‌ها و خوشه‌های گندم است. به لحاظ لفظی و لغوی کهکشان همان (کاه کشان) است. گندم نمادی از جنین و رحم زاینده است. پر و غنی از شیر پاک و رزق مطهر آسمانی و مائده بهشتی است. دانه نورس گندم در خوشه و سنبله کهکشان و کیهان و آسمان پر از شیر است. شیر پاک و حیات بخش‌ترین آب حیات و مایع زندگانی و رزق الهی است. همین صورت‌های آیینی و اسطوره‌ای را فراوان در شعر پارسی و تجربیات عرفانی متصوفه و شاعران مسلمان می‌توان یافت. خاصه مثنوی شریف گرانبار از چنین مفاهیمی است.

نوروز سنت و میراث انسان، فرهنگ و مدنیت روزگاری است عمیقاً معنوی و آیینی. نمادهای نوروزی از چشمه‌های زلال مدنیت و معنویتی تراویده‌اند غنی و سرشار از نشاط‌های روحانی و بهره‌ور و بارور از حظ و حلاوت معنوی. خاطره‌های ازلی، ادوار و اعصاری را در جان ما تداعی می‌کند که انسان با آفرینش سخن می‌گفته و با طبیعت احساس همدلی می‌کرده و روحش با آهنگ آفرینش همساز و هماهنگ بوده است. عالم جدید با آن نشاط‌های معنوی بیگانه است. نو شدن نوروز و نشاط آفرینش را در هر بهار احساس نمی‌کند. محشر و معاد را در آیینه رستاخیز طبیعت و محشر رویش گیاهان و زایش جانوران و بارش ابرها و غلغل چشمه‌ها و جاری رودها نمی‌بیند و نمی‌شنود و نمی‌زید و نمی‌فهمد و نمی‌پذیرد. سخن آخر آنکه برای انسان ماندن و انسانی زیستن و انسانی مردن نیاز به صدها میلیارد اختر و ماه و مهر و کهکشان و ابرکهکشان نیست. یک ستاره برای نیایش خدا، برای خوب بودن و خوب ماندن و خوب مردن بشر بسنده است؛ به شرط آنکه شایسته و برازنده‌اش باشیم. از مشتی خاک و غبار کیهانی نیز می‌توان برخاست و به معراج و ملکوت رفت. نوروز را آنگونه پاس بداریم و جشن بگیریم که اهل حکمت و بصیرت و معرفت جشن گرفته و پاس داشته‌اند. آنگونه آن را بسراییم که شاعران و عارفان ایرانی و پارسی گوی مسلمان سروده‌اند. حافظ را ببینید:

تنور لاله چنان برفروخت باد بهار
که غنچه غرق عرق گشت و گل به جوش آمد
ز مرغ صبح ندانم که سوسن آزاد
چه گوش کرد که با ده زبان خموش آمد



غزل

بهار در سخن مولانا



فصل بهاران شد...

فصل بهاران شد، ببین بستان پرحور و پری
گویی سلیمان بر سپه عرضه نمود انگشتری
گلزار بین، گلزار بین، در آب نقش یار بین
و آن نرگس خمّار بین، وان غنچه‌های احمری
گلبرگ‌ها بر همدگر افتاده بین چون سیم و زر
آویزها و حلقه‌ها بی‌دستگاه زرگری
در جان بلبل، گل نگر و از گل به عقل کل نگر
و ز رنگ در بی‌رنگ پر، تابوک آنجا ره بری
گل، عقل غارت می‌کند، نسرین اشارت می‌کند
کاینک پس پرده است آن کاو می‌کند صورتگری
ای صلح داده جنگ را، وی آب داده سنگ را
چون این گل بدرنگ را در رنگ‌ها می‌آوری!؟
گر شاخ‌ها دارد تری، ور سرو دارد سروری
ورگل کند صد دلبری، ای جان تو چیز دیگری
چه جای باغ و راغ و گل، چه جای نقل و جام مُل
چه جای روح و عقل کل؟ کز جان جان هم خوش‌تری

***

گفت مرا آن طبیب: رو، ترشی خورده‌ای
گفتم: نی. گفت: نک، رنگ ترش کرده‌ای

***

گفت: درختی به باد: چندوزی؟ باد گفت:
باد، بهاری کند، گرچه تو پژمرده‌ای

***

منم آن بندهٔ مخلص که از آن روز که زادم
دل و جان تو ندیدم، دل و جان را به تو دادم

***

چو تویی شادی و عیدم، چه نکوبخت و سعیدم
دل خود بر تو نهادم، به خدا نیک نهادم...

مولانا، غزلیات شمس

بداهه‌سرایی در ادبیات فارسی



■ ارمغان زمان قشمی

مطابق آنچه در دانشنامه زبان و ادب فارسی، اثر اسماعیل سعادت، آمده است، بدیهه یا «ارتجال»، در لغت به معنی ناگاه و ناگهان است و در بلاغت به دو معنی، یکی عامّ و دیگری خاصّ به کار می‌رود.معنی عام بدیهه آن است که بی‌اندیشه کلامی ایراد شود و ناگاه و بی‌مقدّمه سخنی بر زبان رود. بدین معنی که شخص، بی آن‌که پیشتر بیندیشد و تأمّل کند، سخن بگوید.

معنی خاص بدیهه در انشاء، شعر و خطابه است؛ بدین معنی که نویسنده، شاعر یا سخنوری، بی مقدّمه و بی‌اندیشهٔ بسیار، بنویسد، بسراید یا سخن براند. این امر، به ویژه در باب شعر، رایج است و چون شاعری بدین صورت شعر بسراید، اصطلاحاً می گویند «بر ارتجال» شعر گفت، «فی البداهه» و «بالبداهه» سرود.

ضدّ بدیهه، «رویّه» یا رویّت، به معنی تأمّل در کارهاست و مراد از آن، در اصطلاح بلاغت، نظم و نثری است که از روی اندیشهَ و با مقدّمهٔ قبلی سروده یا نوشته شود و شاعر یا نویسنده در کار سرودن یا نوشتن آن شتاب نورزد، بلکه تأمّل کند، بیندیشد و مقدّمات لازم را برای نوشتن یا سرودن فراهم آورد.

پیداست که رویّت قاعده است و بدیهه استثنا، به این معنی که علی‌القاعده، نوشتن و سرودن و سخنوری از فکر و تأمّل به بار می آید و غالباً چنین است، امّا بدیهه‌نویسی، بدیهه‌سرایی و بدیهه گویی امری استثنایی است که گاه و در شرایطی خاصّ صورت می گیرد و تنها برخی از شاعران ممکن است در بدیهه‌سرایی نیز مانند رویّه‌گویی استاد شوند، چنان‌که نظامی عروضی این امر را نشانهٔ استادی خود در شعر می‌داند و می نویسد: «بدیههٔ من رویّت گشته بود». بدیهه‌نویسی، بدیهه‌سرایی و بدیهه گویی، نشانه توانایی نویسنده، شاعر و سخنور است و با تمرین و به تعبیر نظامی عروضی، «به ریاضت» حاصل می‌شود:«بدیهه گفتن رکن اعلی است در شاعری و بر شاعر فریضه است که طبع خویش را به ریاضت بدان درجه رساند که در بدیهه معانی انگیزد».

بعضی از شاعران بزرگ از توانایی خود در بدیهه‌سرایی سخن گفته و بدان تفاخر کرده‌اند. خاقانی شروانی در قصیده‌ای در مدح سیف‌الدّین اتابک منصور، فرمانروای شماخی (از بخش‌های جمهوری آذربایجان فعلی)، این گونه به بدیهه سرایی خود می‌نازد:

بدیهه همی بارم از خاطر این دُر
کز او سمعها بحر عمّان نماید!

بسیاری از شاعران بزرگ تاریخ ادبیات فارسی، تنها پس از آن که قدرت خود در سرودن بداهه را نشان دادند، توسط پیشکسوتان خود به رسمیت شناخته شده و به شهرت رسیده‌اند که خواندن نمونه‌هایی از آن خالی از لطف نیست.

سنان گیو در جنگ پشن

شهرت شعردوستی سلطان محمود غزنوی، دربارش را مرکز اجتماع شعرا و حکما قرار داده بود. شبی از شب‌ها فرخی سیستانی، عنصری و عسجدی که هر سه از شعرای معروف دربار سلطان محمود بودند، در یکی از باغ‌های شهر غزنین، محفل انسی ساخته و با همدیگر مباحثه می کردند. بر حسب اتفاق، مسافر بیگانه‌ای وارد شد و به نزد آنان رفت و به بحث شاعرانه آنها گوش داد. شعرای سه گانه موضوع گفتگو را تغییر دادند و عنصری به مرد تازه وارد گفت: رفیق، ما شاعران درباریم و به غیر از شاعر، کسی حق ندارد به محفل ما وارد شود. مرد تازه وارد با لحن محترمانه و متواضعانه‌ای گفت: من نیز مفتخرم که شاعر کوچکی هستم!

فرخی با تعجب گفت: اگر شما هم شاعرید، پس خوب است هرکدام یک مصرع شعر بگوییم، شما هم چهارمین مصرع را بگو. مرد قبول کرد.

عنصری یکی از مشکل ترین اوزان شعری را در نظر گرفت و تصور کرد برای شاعر تازه وارد، سرودن مصرع چهارم غیر ممکن باشد.

او گفت: چون عارض تو ماه نباشد روشن

عسجدی گفت: مانند رخت گل نبود در گلشن

فرخی سیستانی گفت: مژگانت همی گذر کند از جوشن

شاعر تازه وارد فوراً رباعی را با این مصرع تکمیل کرد: مانند سنان گیو در جنگ پشن!

شاعران درباری از شنیدن چهارمین مصرع که بی نهایت موزون و مناسب و درست بود، حیرت زده شدند و شاعر تازه وارد را که کسی نبود جز ابوالقاسم فردوسی، با احترام به حضور سلطان محمود معرفی کردند.

داستان گریبان فرزدق!

در کتاب لطایف و ظرایف ادبی، حکایت شیرینی از به شهرت رسیدن شیخ اجل، سعدی شیرازی، نقل شده است.

موقعی که سعدی در سنین جوانی، تازه لب به شاعری گشوده بود، در شیراز دو نفر شاعر معروف بودند که تخلص یکی «خاقان» و دیگری «فرزدق» بود. روزی هر سه به اتفاق به اطراف شیراز رفته و لب خندقی نشسته بودند. فرزدق به رسم مشایخ صوفیه، گریبان خود را چاک زده و باز گذاشته بود. در همان احوال سعدی غزلی خواند و از آنها خواست تا نظر خود را درباره اش بگویند. آنها گفتند غزل بدی نیست ولی برای تفریح و مطایبه، بهتر است هرکدام مصرعی بگوییم. اگر تو نیز از عهده برآمدی، آن وقت می‌توانی در جرگه شاعران در آیی. سعدی قبول کرد.

از این رو ابتدا فرزدق با اشاره به خندق گفت:

من آب وضودگر ز خندق نکنم!

خاقان به کنایه و با اشاره به سعدی گفت:

من گوش دگر به حرف احمق نکنم!

سعدی رو به خاقان کرده و فوراً پاسخ داد:

نامردم اگر دفتر اشعار تو را
مانند گریبان فرزدق نکنم!

نبوغ ملک الشعرای بهار

اگرچه محمدتقی بهار را نمی‌توان همطراز با سعدی یا مولانا دانست اما تاثیر این شاعر کمتر از بزرگان ادبیات ما نبوده و نیست. او علاوه بر این که نخستین جرقه شعر نو بود، آغازگر ادبیات ضد استبداد دوره مشروطه و از مخالفین شاعران درباری بود. مطالعه زندگی بهار از آن جهت حائز اهمیت است که او هم در تاریخ ادبیات ایران نقش دارد و هم در تاریخ سیاسی آن. زندگی شاعرانه بهار در هجده سالگی و از جایی آغاز شد که مظفر الدین شاه قاجار به مشهد رفت. بهار که به دنبال کسب مقام ملک الشعرایی پس از پدر بود، هنگام ورود شاه، شعری با این مضمون می‌سراید:

رسید موکب فیروز خسرو ایران
اَیا خراسان دیگر چه خواهی از یزدان؟

شاه از شعر او خرسند می‌شود و دستور می‌دهد تا آزمون شاعری از او بگیرند. امتحان از این قرار بود که بهار می‌بایست با واژه‌هایی که به او گفته می‌شد، یک رباعی می‌ساخت که در برگیرنده همه آن واژه‌ها باشد. در این گونه آزمون، واژه‌ها معمولا طوری انتخاب می‌شوند که استفاده از تمامی آنها در یک جمله یا شعر، جمع اضداد است.

به این منظور، واژگان «خروس»، «انگور»، «درفش» و «سنگ» را به بهار اعلام کردند. او چنین سرود:

برخاست خروس صبح برخیز ای دوست!
خون دل انگور فکن در رگ و پوست
عشق من و تو قصهٔ مشت است و درفش
جور تو و دل، صحبت سنگ است و سبوست

سپس واژه‌های «تسبیح»، «چراغ»، «نمک» و «چنار» انتخاب شد. بهار سرود:

با خرقه و تسبیح مرا دید چو یار
گفتا ز چراغ زهد نآید انوار
کس شهد ندیده است در کام نمک
کس میوه نچیده است از شاخ چنار

و در آخر واژگان «گل رازقی»، «سیگار»، «لاله» و «کشک» را برگزیدند. بهار چنین سرود:

ای برده گل رازقی از روی تو رشک
در دیدهٔ مه ز دود سیگار تو اشک
گفتم که چو لاله داغدار است دلم
گفتی که دهم کام دلت یعنی کشک!

بهار خود می گوید: در آن مجلس جوانی بود طناز و خودساز که از رعنایی به رعونت[خودبینی] ساخته و از شوخی به شوخگنی[گستاخی] پرداخته، با این امتحانات دشوار و رباعیات بدیهه، باز هل من مزید گفته و چهار چیز دیگر به کاغذ نوشت و گفت تواند بود که در آن اسامی تبانی شده باشد و برای اذعان کردن و ایمان آوردن من، بایستی بهار این چهار چیز را بسراید: آینه، اره، کفش، غوره.

من برای تنبیه آن شوخ چشم دست اطاعت بر دیده نهاده، وی را هجایی کردم که منظور آن شوخ هم در آن هجو به حصول پیوست و آن این است:

چون آینه نورخیز گشتی احسنت!
چون اره به خلق تیز گشتی احسنت!
در کفش ادیبان جهان کردی پای
غوره نشده مویز گشتی احسنت!

و این گونه مظفرالدین شاه مقام ملک الشعرایی را به کسی داد که خیلی زود از مخالفین سر سخت او شد.

آتش و مینا

صائب تبریزی، بزرگ‌ترین غزل‌سرای قرن یازدهم هجری و معروف‌ترین شاعر عهد صفویه بود که از سوی شاه عباس دوم صفوی، ملک الشعرا نامیده شد. یک بار برای امتحان در حضور شاه به صائب می گویند مصرعی می گوییم و شما باید مصرع دوم آن را بگویید: از شیشه بی می، می‌بی شیشه طلب کن!

صائب بلافاصله می گوید: حق را ز دل خالی از اندیشه طلب کن!

دوباره می گویند: شمع گر خاموش باشد آتش از مینا گرفت...

صائب فی البداهه آن شعر را مصرع دوم انتخاب کرده و مصرع اول را این طور اضافه می‌کند:

امشب‌ازساقی‌زبس گرم‌است‌محفل‌می توان
شمع گر خاموش باشد آتش از مینا گرفت!

البته این داستان را به شکل دیگری هم روایت کرده‌اند وآن این که صائب در مجلسی بود، پریرخی می گذرد و پایش به شمعدان می خورد و آن را می‌اندازد و شمع خاموش می‌شود. صائب فی البداهه در وصف این صحنه، بیت فوق را می‌سراید.

بر فراز نردبان خیال

از این دست طبع آزمایی‌ها، داستان‌های فراوانی در کتاب‌ها نقل شده است، به عنوان مثال در کشکول منتظری یزدی آمده است: پنج نفر از روی مزاح به شاطر عباس صبوحی (۱۳۱۵-۱۲۷۵) که از شاعران خوش قریحه دوران خود بود، گفتند: ما پنج نفر هر کدام یک کلمه می گوییم، تو آنها را برای ما به نظم در آور. شاطر قبول کرد. یکی گفت ترنج، دیگری گفت نردبان، دیگری گفت چراغ، دیگری باد و دیگری غربال را انتخاب کرد. شاطر فوراً این شعر را سرود:

ترنج وصل تو چیدن به نردبان خیال
چراغ بر لب باد است و آب در غربال!

رباعی حبوباتیه!

روزی در مجلس «اتابک سعد بن زنگی» (پادشاه معاصر سعدی)، «بابا افضل کرمانی» (فیلسوف و شاعر قرن هفتم) را امتحان کردند و از او خواستند که با «عدس»، «ماش»، «نخود» و«برنج»، شعری فی البداهه بگوید. او بدون فکر کردن این رباعی را سرود:

تا خال عدس شکل، شبیخون‌آورد
غلتان چو نخود، ز چشم من خون آورد
سودای دو چشم ماش گون تو مرا
از پوست، برنج وار بیرون آورد!

شاهان بدیهه سرای قاجار

برخی شاهان‌قاجار،فارغ‌ازویژگی‌های‌دیگر شخصیتی شان، از طبع شعر برخوردار بودند و حتی ابیاتی بداهه می‌سرودند که در تاریخ ثبت شده است، از جمله‌در سفرنامه مظفرالدین شاه، پس از نقل این داستان که «هوا ابر بود. ما رفتیم شکار بز. منشی حضور، پسر نظام العلما، آمد. پرسیدم چرا عقب ماندی؟ عرض کرد: پی کبک رفته و دو تا هم زدم»، بلافاصله



شرکت ارتباطات ثابت ایران



لحظه‌ها جاریست...

آشنای اول

مهر

Sep - Oct 2014

ذی‌القعده - ذی‌الحجه ۱۴۳۵

شنبه		۵ (27/۲)	۱۲ (4/۹)	۱۹ (11/۱۶)	۲۶ (18/۲۳)
یکشنبه		۶ (28/۳)	۱۳ (5/۱۰)	۲۰ (12/۱۷)	۲۷ (19/۲۴)
دوشنبه		۷ (29/۴)	۱۴ (6/۱۱)	۲۱ (13/۱۸)	۲۸ (20/۲۵)
سه‌شنبه	۱ (23/۲۷)	۸ (30/۵)	۱۵ (7/۱۲)	۲۲ (14/۱۹)	۲۹ (21/۲۶)
چهارشنبه	۲ (24/۲۸)	۹ (1/۶)	۱۶ (8/۱۳)	۲۳ (15/۲۰)	۳۰ (22/۲۷)
پنجشنبه	۳ (25/۲۹)	۱۰ (2/۷)	۱۷ (9/۱۴)	۲۴ (16/۲۱)	
جمعه	۴ (26/۱)	۱۱ (3/۸)	۱۸ (10/۱۵)	۲۵ (17/۲۲)	

۳.شهادت امام محمدتقی(ع) ۴.سالروز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) روز ازدواج ۷.روز آتش‌نشانی ۸.روز جهانی ناشنوایان / روز بزرگداشت مولوی ۱۰.شهادت امام محمد باقر(ع) ۱۳.عید سعید قربان / روز نیروی انتظامی (تعطیل) ۱۶.روز جهانی کودک ۱۸.ولادت امام علی النقی‌الهادی(ع) ۲۰.روز بزرگداشت حافظ ۲۱.عید سعید غدیر(تعطیل) ۲۳.روز جهانی نابینایان ۲۶.روز تربیت بدنی ۲۷.روز مباهله پیامبر اکرم(ص) در سال ۱۰ هجری قمری

آبان

Oct - Nov 2014

ذی‌الحجه - محرم ۱۴۳۶ / ۱۴۳۵

شنبه		۳ (25/۳۰)	۱۰ (1/۷)	۱۷ (8/۱۴)	۲۴ (15/۲۱)
یکشنبه		۴ (26/۱)	۱۱ (2/۸)	۱۸ (9/۱۵)	۲۵ (16/۲۲)
دوشنبه		۵ (27/۲)	۱۲ (3/۹)	۱۹ (10/۱۶)	۲۶ (17/۲۳)
سه‌شنبه		۶ (28/۳)	۱۳ (4/۱۰)	۲۰ (11/۱۷)	۲۷ (18/۲۴)
چهارشنبه		۷ (29/۴)	۱۴ (5/۱۱)	۲۱ (12/۱۸)	۲۸ (19/۲۵)
پنجشنبه	۱ (23/۲۸)	۸ (30/۵)	۱۵ (6/۱۲)	۲۲ (13/۱۹)	۲۹ (20/۲۶)
جمعه	۲ (24/۲۹)	۹ (31/۶)	۱۶ (7/۱۳)	۲۳ (14/۲۰)	۳۰ (21/۲۷)

۸.شهادت حسین فهمیده روز نوجوان / روز بسیج دانش‌آموزی ۱۲.روز تاسوعای حسینی (تعطیل) ۱۳.عاشورای حسینی (تعطیل) / تسخیر لانه جاسوسی آمریکا / روز مبارزه با استکبار جهانی / روز دانش آموز ۱۵.شهادت امام زین‌العابدین (ع) ۲۴.روز کتاب و کتابخوانی

آذر

Nov - Dec 2014

محرم - صفر ۱۴۳۶

شنبه	۱ (22/۲۸)	۸ (29/۶)	۱۵ (6/۱۳)	۲۲ (13/۲۰)	۲۹ (20/۲۷)
یکشنبه	۲ (23/۲۹)	۹ (30/۷)	۱۶ (7/۱۴)	۲۳ (14/۲۱)	۳۰ (21/۲۸)
دوشنبه	۳ (24/۱)	۱۰ (1/۸)	۱۷ (8/۱۵)	۲۴ (15/۲۲)	
سه‌شنبه	۴ (25/۲)	۱۱ (2/۹)	۱۸ (9/۱۶)	۲۵ (16/۲۳)	
چهارشنبه	۵ (26/۳)	۱۲ (3/۱۰)	۱۹ (10/۱۷)	۲۶ (17/۲۴)	
پنجشنبه	۶ (27/۴)	۱۳ (4/۱۱)	۲۰ (11/۱۸)	۲۷ (18/۲۵)	
جمعه	۷ (28/۵)	۱۴ (5/۱۲)	۲۱ (12/۱۹)	۲۸ (19/۲۶)	

۵.روز بسیج مستضعفان ۷.روز نیروی دریایی ۹.شهادت امام حسن مجتبی (ع) / گرامیداشت شیخ مفید ۱۶.روز دانشجو ۲۰. شهادت آیت‌اله دستغیب ۲۲.اربعین حسینی (تعطیل) ۲۵.روز پژوهش ۲۷.شهادت آیت‌اله دکتر مفتح ۲۹.روز وقف ۳۰.رحلت پیامبر اکرم (ص) (تعطیل) / شب یلدا

دی

Dec 2014 - Jan 2015

صفر - ربیع‌الاول ۱۴۳۶

شنبه		۶ (27/۴)	۱۳ (3/۱۱)	۲۰ (10/۱۸)	۲۷ (17/۲۵)
یکشنبه		۷ (28/۵)	۱۴ (4/۱۲)	۲۱ (11/۱۹)	۲۸ (18/۲۶)
دوشنبه	۱ (22/۲۹)	۸ (29/۶)	۱۵ (5/۱۳)	۲۲ (12/۲۰)	۲۹ (19/۲۷)
سه‌شنبه	۲ (23/۳۰)	۹ (30/۷)	۱۶ (6/۱۴)	۲۳ (13/۲۱)	۳۰ (20/۲۸)
چهارشنبه	۳ (24/۱)	۱۰ (31/۸)	۱۷ (7/۱۵)	۲۴ (14/۲۲)	
پنجشنبه	۴ (25/۲)	۱۱ (1/۹)	۱۸ (8/۱۶)	۲۵ (15/۲۳)	
جمعه	۵ (26/۳)	۱۲ (2/۱۰)	۱۹ (9/۱۷)	۲۶ (16/۲۴)	

۲.شهادت امام رضا (ع) (تعطیل) ۴.ولادت حضرت عیسی مسیح(ع) ۱۰.شهادت امام حسن عسگری(ع) ۱۱.آغاز سال میلادی (۲۰۱۵) ۱۳. آغاز هفته وحدت ۱۹.ولادت پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق(ع) (تعطیل) ۲۰.شهادت امیرکبیر ۲۶.فرار شاه معدوم ۲۹.روز غزه

بهمن

Jan - Feb 2015

ربیع‌الاول - ربیع الثانی ۱۴۳۶

شنبه		۴ (24/۳)	۱۱ (31/۱۰)	۱۸ (7/۱۷)	۲۵ (14/۲۴)
یکشنبه		۵ (25/۴)	۱۲ (1/۱۱)	۱۹ (8/۱۸)	۲۶ (15/۲۵)
دوشنبه		۶ (26/۵)	۱۳ (2/۱۲)	۲۰ (9/۱۹)	۲۷ (16/۲۶)
سه‌شنبه		۷ (27/۶)	۱۴ (3/۱۳)	۲۱ (10/۲۰)	۲۸ (17/۲۷)
چهارشنبه	۱ (21/۲۹)	۸ (28/۷)	۱۵ (4/۱۴)	۲۲ (11/۲۱)	۲۹ (18/۲۸)
پنجشنبه	۲ (22/۱)	۹ (29/۸)	۱۶ (5/۱۵)	۲۳ (12/۲۲)	۳۰ (19/۲۹)
جمعه	۳ (23/۲)	۱۰ (30/۹)	۱۷ (6/۱۶)	۲۴ (13/۲۳)	

۹.ولادت امام حسن عسگری(ع) ۱۱.وفات حضرت فاطمه معصومه (س) ۱۲.بازگشت امام خمینی به ایران / آغاز دهه فجر ۱۴.روز فناوری فضایی ۱۹.روز نیروی هوایی ۲۲.پیروزی انقلاب اسلامی ایران ۲۹.قیام مردم تبریز

اسفند

Feb - Mar 2015

ربیع‌الثانی - جمادی الاولی ۱۴۳۶

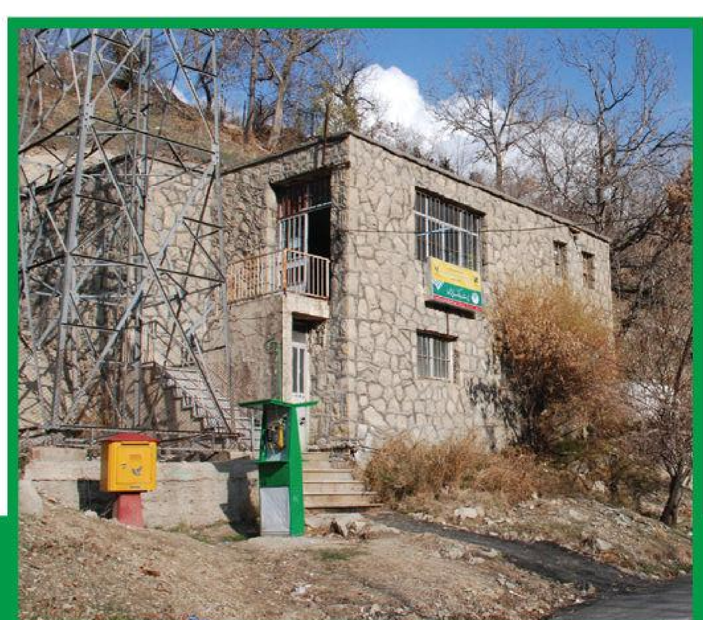
شنبه		۲ (21/۲)	۹ (28/۹)	۱۶ (7/۱۶)	۲۳ (14/۲۳)
یکشنبه		۳ (22/۳)	۱۰ (1/۱۰)	۱۷ (8/۱۷)	۲۴ (15/۲۴)
دوشنبه		۴ (23/۴)	۱۱ (2/۱۱)	۱۸ (9/۱۸)	۲۵ (16/۲۵)
سه‌شنبه		۵ (24/۵)	۱۲ (3/۱۲)	۱۹ (10/۱۹)	۲۶ (17/۲۶)
چهارشنبه		۶ (25/۶)	۱۳ (4/۱۳)	۲۰ (11/۲۰)	۲۷ (18/۲۷)
پنجشنبه		۷ (26/۷)	۱۴ (5/۱۴)	۲۱ (12/۲۱)	۲۸ (19/۲۸)
جمعه	۱ (20/۱)	۸ (27/۸)	۱۵ (6/۱۵)	۲۲ (13/۲۲)	۲۹ (20/۲۹)

۵.ولادت حضرت زینب (س) و روز پرستار / بزرگداشت خواجه نصیر الدین طوسی ۱۳.شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) به روایتی ۱۴.روز احسان و نیکوکاری ۱۵.روز درختکاری ۱۸.روز بزرگداشت سیدجمال‌الدین اسد آبادی ۲۲.روز تأسیس بنیاد شهید و انقلاب اسلامی ۲۵.روز بزرگداشت پروین اعتصامی ۲۹.روز ملی شدن صنعت نفت

گسترده‌ترین شبکه بانکی کشور با بیش از ۱۴ هزار و ۵۰۰ شعبه و دفتر خدمات بانکی شهری و روستایی








مرکز تلفن ۲ و ۸۱۵۶۱۰۰۱ - ۰۲۱ تلفنبانک ۸۴۲۸۴ - ۰۲۱

www.postbank.ir

روابط عمومی



پست بانک ایران

بانک ایران

سال ۱۳۹۳



فروردین

March-April 2014

جمادی الاول - جمادی الثانی ۱۴۳۵

شنبه	۳۰ (19 / ۱۹)	۲ (22 / ۲۰)	۹ (29 / ۲۷)	۱۶ (5 / ۵)	۲۳ (12 / ۱۲)
یکشنبه	۳۱ (20 / ۲۰)	۳ (23 / ۲۱)	۱۰ (30 / ۲۸)	۱۷ (6 / ۶)	۲۴ (13 / ۱۳)
دوشنبه		۴ (24 / ۲۲)	۱۱ (31 / ۲۹)	۱۸ (7 / ۷)	۲۵ (14 / ۱۴)
سه‌شنبه		۵ (25 / ۲۳)	۱۲ (1 / ۱)	۱۹ (8 / ۸)	۲۶ (15 / ۱۵)
چهارشنبه		۶ (26 / ۲۴)	۱۳ (2 / ۲)	۲۰ (9 / ۹)	۲۷ (16 / ۱۶)
پنجشنبه		۷ (27 / ۲۵)	۱۴ (3 / ۳)	۲۱ (10 / ۱۰)	۲۸ (17 / ۱۷)
جمعه	۱ (21 / ۱۹)	۸ (28 / ۲۶)	۱۵ (4 / ۴)	۲۲ (11 / ۱۱)	۲۹ (18 / ۱۸)

۱،۲،۳،۴. عید نوروز (تعطیل) ۱۲. روز جمهوری اسلامی ایران (تعطیل) ۱۳. روز طبیعت (تعطیل) ۱۴. شهادت حضرت فاطمه (س) (تعطیل) ۱۸. روز سلامتی ۲۰. روز ملی فناوری هسته‌ای ۲۴. سالروز وفات حضرت ام‌البنین (س) ۲۵. روز بزرگداشت عطار نیشابوری ۳۱. روز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) و روز زن

اردیبهشت

Apr - May 2014

جمادی الثانی - رجب ۱۴۳۵

شنبه		۶ (26 / ۲۶)	۱۳ (3 / ۳)	۲۰ (10 / ۱۰)	۲۷ (17 / ۱۷)
یکشنبه		۷ (27 / ۲۷)	۱۴ (4 / ۴)	۲۱ (11 / ۱۱)	۲۸ (18 / ۱۸)
دوشنبه	۱ (21 / ۲۱)	۸ (28 / ۲۸)	۱۵ (5 / ۵)	۲۲ (12 / ۱۲)	۲۹ (19 / ۱۹)
سه‌شنبه	۲ (22 / ۲۲)	۹ (29 / ۲۹)	۱۶ (6 / ۶)	۲۳ (13 / ۱۳)	۳۰ (20 / ۲۰)
چهارشنبه	۳ (23 / ۲۳)	۱۰ (30 / ۳۰)	۱۷ (7 / ۷)	۲۴ (14 / ۱۴)	۳۱ (21 / ۲۱)
پنجشنبه	۴ (24 / ۲۴)	۱۱ (1 / ۱)	۱۸ (8 / ۸)	۲۵ (15 / ۱۵)	
جمعه	۵ (25 / ۲۵)	۱۲ (2 / ۲)	۱۹ (9 / ۹)	۲۶ (16 / ۱۶)	

۱. روز بزرگداشت سعدی ۵. شکست حمله نظامی آمریکا در طبس ۱۱. ولادت امام محمدباقر(ع) / روز جهانی کار و کارگر ۱۲. شهادت استاد مطهری و روز معلم ۱۳. شهادت امام علی‌النقی(ع) ۲۰ ولادت امام جواد الائمه(ع) ۲۳. ولادت حضرت علی(ع)(تعطیل) ۲۵. وفات حضرت زینب(س) / روز بزرگداشت فردوسی

خرداد

May - Jun 2014

رجب - شعبان ۱۴۳۵

شنبه	۳۱ (21 / ۲۳)	۳ (24 / ۲۴)	۱۰ (31 / ۲)	۱۷ (7 / ۹)	۲۴ (14 / ۱۶)
یکشنبه		۴ (25 / ۲۵)	۱۱ (1 / ۳)	۱۸ (8 / ۱۰)	۲۵ (15 / ۱۷)
دوشنبه		۵ (26 / ۲۶)	۱۲ (2 / ۴)	۱۹ (9 / ۱۱)	۲۶ (16 / ۱۸)
سه‌شنبه		۶ (27 / ۲۷)	۱۳ (3 / ۵)	۲۰ (10 / ۱۲)	۲۷ (17 / ۱۹)
چهارشنبه		۷ (28 / ۲۸)	۱۴ (4 / ۶)	۲۱ (11 / ۱۳)	۲۸ (18 / ۲۰)
پنجشنبه	۱ (22 / ۲۲)	۸ (29 / ۲۹)	۱۵ (5 / ۷)	۲۲ (12 / ۱۴)	۲۹ (19 / ۲۱)
جمعه	۲ (23 / ۲۳)	۹ (30 / ۱)	۱۶ (6 / ۸)	۲۳ (13 / ۱۵)	۳۰ (20 / ۲۲)

۳. فتح خرمشهر ۴. شهادت امام موسی کاظم(ع) ۶. مبعث حضرت پیامبر اکرم(ص)(تعطیل) ۱۱. ولادت امام حسین(ع) ۱۲. ولادت حضرت ابوالفضل (ع) ۱۳. ولادت امام زین‌العابدین(ع) ۱۴. رحلت امام خمینی (ره)(تعطیل) ۱۵. قیام خونین ۱۵ خرداد / روز جهانی محیط زیست (تعطیل) ۱۹. ولادت حضرت علی اکبر(ع) / روز جوان ۲۳. ولادت حضرت قائم آل محمد(عج)

تیر

Jun - Jul 2014

شعبان - رمضان ۱۴۳۵

شنبه		۷ (28 / ۳۰)	۱۴ (5 / ۷)	۲۱ (12 / ۱۴)	۲۸ (19 / ۲۱)
یکشنبه	۱ (22 / ۲۴)	۸ (29 / ۱)	۱۵ (6 / ۸)	۲۲ (13 / ۱۵)	۲۹ (20 / ۲۲)
دوشنبه	۲ (23 / ۲۵)	۹ (30 / ۲)	۱۶ (7 / ۹)	۲۳ (14 / ۱۶)	۳۰ (21 / ۲۳)
سه‌شنبه	۳ (24 / ۲۶)	۱۰ (1 / ۳)	۱۷ (8 / ۱۰)	۲۴ (15 / ۱۷)	۳۱ (22 / ۲۴)
چهارشنبه	۴ (25 / ۲۷)	۱۱ (2 / ۴)	۱۸ (9 / ۱۱)	۲۵ (16 / ۱۸)	
پنجشنبه	۵ (26 / ۲۸)	۱۲ (3 / ۵)	۱۹ (10 / ۱۲)	۲۶ (17 / ۱۹)	
جمعه	۶ (27 / ۲۹)	۱۳ (4 / ۶)	۲۰ (11 / ۱۳)	۲۷ (18 / ۲۰)	

۷. شهادت مظلومانه دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یاران امام خمینی (ره) ۱۰. روز صنعت و معدن ۱۴. روز قلم ۲۱. روز عفاف و حجاب ۱۷. وفات حضرت خدیجه کبری (س) ۲۲. ولادت امام حسن مجتبی(ع) ۲۵. شب قدر ۲۷. شب قدر ۲۸. شهادت حضرت امیر المؤمنین امام علی (ع) (تعطیل) ۲۹. شب قدر

مرداد

Jul-Aug 2014

رمضان - شوال ۱۴۳۵

شنبه		۴ (26 / ۲۸)	۱۱ (2 / ۵)	۱۸ (9 / ۱۲)	۲۵ (16 / ۱۹)
یکشنبه		۵ (27 / ۲۹)	۱۲ (3 / ۶)	۱۹ (10 / ۱۳)	۲۶ (17 / ۲۰)
دوشنبه		۶ (28 / ۳۰)	۱۳ (4 / ۷)	۲۰ (11 / ۱۴)	۲۷ (18 / ۲۱)
سه‌شنبه		۷ (29 / ۱)	۱۴ (5 / ۸)	۲۱ (12 / ۱۵)	۲۸ (19 / ۲۲)
چهارشنبه	۱ (23 / ۲۵)	۸ (30 / ۲)	۱۵ (6 / ۹)	۲۲ (13 / ۱۶)	۲۹ (20 / ۲۳)
پنجشنبه	۲ (24 / ۲۶)	۹ (31 / ۳)	۱۶ (7 / ۱۰)	۲۳ (14 / ۱۷)	۳۰ (21 / ۲۴)
جمعه	۳ (25 / ۲۷)	۱۰ (1 / ۴)	۱۷ (8 / ۱۱)	۲۴ (15 / ۱۸)	۳۱ (22 / ۲۵)

۳. روز قدس ۷و۸. عید فطر (تعطیل) ۱۷ روز خبرنگار ۲۶. آغاز بازگشت آزادگان به میهن ۳۰. روز بزرگداشت علامه مجلسی / روز جهانی مسجد ۳۱. شهادت امام جعفر صادق(ع) (تعطیل)

شهریور

Aug - Sep 2014

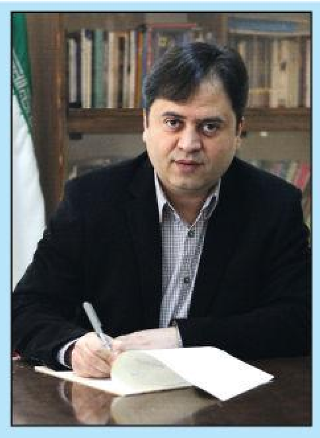
شوال - ذی‌القعده ۱۴۳۵

شنبه	۱ (23 / ۲۶)	۸ (30 / ۳)	۱۵ (6 / ۱۰)	۲۲ (13 / ۱۷)	۲۹ (20 / ۲۴)
یکشنبه	۲ (24 / ۲۷)	۹ (31 / ۴)	۱۶ (7 / ۱۱)	۲۳ (14 / ۱۸)	۳۰ (21 / ۲۵)
دوشنبه	۳ (25 / ۲۸)	۱۰ (1 / ۵)	۱۷ (8 / ۱۲)	۲۴ (15 / ۱۹)	۳۱ (22 / ۲۶)
سه‌شنبه	۴ (26 / ۲۹)	۱۱ (2 / ۶)	۱۸ (9 / ۱۳)	۲۵ (16 / ۲۰)	
چهارشنبه	۵ (27 / ۳۰)	۱۲ (3 / ۷)	۱۹ (10 / ۱۴)	۲۶ (17 / ۲۱)	
پنجشنبه	۶ (28 / ۱)	۱۳ (4 / ۸)	۲۰ (11 / ۱۵)	۲۷ (18 / ۲۲)	
جمعه	۷ (29 / ۲)	۱۴ (5 / ۹)	۲۱ (12 / ۱۶)	۲۸ (19 / ۲۳)	

۱. روز بزرگداشت ابوعلی سینا ۲. آغاز هفته دولت ۵. روز داروسازی (بزرگداشت زکریای رازی) ۶. ولادت حضرت معصومه (س) / روز دختران ۱۳. روز تعاون / بزرگداشت ابوریحان بیرونی ۱۶. ولادت امام رضا (ع) ۱۷. قیام خونین ۱۷ شهریور ۳۱. آغاز جنگ تحمیلی (آغاز هفته دفاع مقدس)

یادداشت سردبیر

چشم جان



■ علیرضا خانی

جهان از باد نوروزی جوان شد
زهی زیبا که این ساعت جهان شد

شمال صبحدم مشکین‌نفس گشت
صبای گرم رو عنبرفشان شد

کجایی ساقیا در ده شرابی
که عمرم رفت و دل خون گشت و جان شد

چو باز افتادی از ره، ره ز سر گیر
که همره، دور رفت و کاروان شد

نگارش نثر و سرایش نظم، در وصف جمالِ بی‌مثال بهار، برای آنها که دستی به قلم و دوات دارند، شاید چندان دشوار نباشد. توصیف بهار البته زیباست. تصویر بلبلان شوخ و شیدای شهرآشوب آوازخوان، بر گلشاخه‌های شیرین شهد فروردین و غلغل جویباران و سبزی کوهساران و مخمل سبزه و حریر ابر و بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک، شاخه‌های شسته، باران‌خورده، پاک، آسمان آبی و ابر سپید. برگ‌های سبز بید...

اما این‌ها کار شعرا و ادبا و عرفاست. نه ما شاعریم و نه در این شهر دود و آهن چندان صحنه و تصویری از «بلبل ایستاده بر منابر قضبان» به چشم می‌آید...

و براساس اصل اصیلی که مدعی آنیم که هرکس به کار و حرفه و تخصص و مسئولیت خود، باید تن دهد و بر آن متعصب و وفادار باشد، دو بیت نخست ابیات مطلع این کلام را لامحاله وامی گذاریم به متولیانش و چند جمله‌ای در این آغازین سخن سال می‌آوریم درباره ابیات سوم و چهارم که به گمان، آدمیزاده هم عصر ما را بیشتر به تأمل و تألم وا می‌دارد:

کجایی ساقیا در ده شرابی
که عمرم رفت و دل خون گشت و جان شد

و بیت چهارم که پاسخی است و راه گره گشودن از بیت پیشین:

چو باز افتادی از ره، ره ز سر گیر
که همره، دور رفت و کاروان شد

بهترین ویژگی این بیت عطار در آن است که علاوه بر تفسیر عرفانی، می‌توان آن‌را برای زیستن در جهان امروز به کار آورد. در پهنه متصل دنیای امروز ما، همه اهالی سیاره زمین، همرهان ما بوده‌اند اما، در اندک درنگی، بسیاری از کاروانیان به جاده‌ها و منزلگاه‌های بعدی رسیده‌اند و غمگنانه ما، هنوز در منزل پسینی هستیم که بسیار پیش‌تر باید از آن رخت بربسته بودیم:

خواب نوشین بامداد رحیل
بازدارد پیاده را ز سبیل

و در این خواب نوشین، آنچه به دست آوردیم کمتر از آنچه شایستگی داشته‌ایم و از دست داده‌ایم بوده است. چه در هشتاد سال پیش و چه در هشت سال گذشته، فرصت‌های بسیاری را بی‌انگارانه سوزانده‌ایم و کارهای بزرگ را در تقویم‌های پیشین جا و تعطیلات وسیعی در تقویم‌های اکنون برجا گذاشته‌ایم.

هفتصد سال پیش، یگانهٔ دوران به ما درس رستگاری و آسایش دو گیتی را بگفت و گروهی از ما همچنان نه با دوستان مروت می‌کنند و نه با دشمنان مدارا. هفتصد سال پیش هم او گفت که حافظ ار خصم خطا گفت نگیریم بر او / ور به حق گفت جدل با سخن حق نکنیم و ما کماکان آن کار دیگر می‌کنیم و هفتصد سال پیش زبان غیب حافظ گفت که باید «طرحی نو» دراندازیم و ما کم و بیش هفتصد سال است که درهای فرصت‌هایمان را بر پاشنه‌های کهنه و کهن می‌ساییم و به دعواهای روزانه و منفعت‌های روزمره سرگرمیم و هیچ طرح نویی درنینداختیم و مردمان و جوامعی که در این هفتصد سال نبودند، بوجود آمدند و استقلال یافتند و در جاده‌ی جهان، از ما سبقت گرفتند و پیش افتادند و ما، کماکان از اشتباهات پیشین درس نیاموختن را آموختیم و از شعرای کهن، دشنام دادن به عقل مآل‌اندیش و مدیحه‌سرایی برای دم غنیمت شمری و دلدادگی...

باری، برای اینکه کلام آغازین این دفتر بوی تلخی نگیرد، که برازنده‌ی بهار نیست، پایان آن را به شهد شیرین شعری شاداب و ناب می‌آزینیم، اما چون اشعار وصف بهار و بهاریه‌های وصف طبیعت را، ادبا و شعرا در همه جا می‌آورند و از جمله در صفحات پیش روی شما نیز، بسیار آمده و در آینده نیز، همچون گذشته بسیارتر خواهد آمد، اکنون ما که مطلع کلام را با شعری در وصف بهار آغازیدیم، ختم کلام را به زیور شعری محکم از حکیم بزرگ دیار، ابوالقاسم فردوسی می‌آراییم تا اشارتی باشد و البته بشارتی برای درانداختن طرحی نو، از پس یکهزار سالگی میلاد حکیم توس:

خرد بهتر از هرچه ایزد بداد
ستایش خرد را به از راه داد
خرد رهنمای و خرد دلگشای
خرد دست گیرد به هر دو سرای
کسی کو خرد را ندارد ز پیش
دلش گردد از کرده خویش ریش
خرد چشم جان است چون بنگری
تو بی‌چشم شادان جهان نسپری
خرد را و جان را که یارد ستود
و گر من ستایم که یارد شنود؟

نوروز مبارک

این قافله عمر

کریم فیضی

آغاز یک سال جدید، در حاشیهٔ خوشحالی‌ها و شادمانی‌هایی که به ارمغان می‌آورد، و بجا و درست و طبیعی است متضمّن یک واقعیت جدی نیز هست و آن گذشت زمان است و عبور قافلهٔ عمر از جایی به جایی. هر سالی که از راه می‌رسد و شادمانی کوچک و بزرگ را در این کهن دیار به دنبال دارد، در نهاد خویش، نوای آرام پایان یافتن سالی دیگر را به صدا در می‌آورد و این واقعه، هر سال تکرار می‌شود و در برابر چشمان گشوده ما، هر سال برگی بر اوراق دفتر عمر افزوده می‌شود. آری، عید خوب است و عید نوروز خوبتر، اما به این بخش ماجرا نیز باید نظر داشت که: این قافلهٔ عمر عجب می گذرد؛ کودکان بزرگ می‌شوند، جوانان میانسال و میانسالان پیرسال و پیرسالان، پیرتر می‌شوند. گرد زمان، آرام و به تدریج از کمند روزها و شب‌هایی که سخت معمولی‌اند، خارج می‌شود و روی خیمه و خرگاه زندگی می‌نشیند. روشنای روز و ظلمت شب در هم فرو می‌روند و ایام به ایام می‌پیوندد تا ماه از پشت ماه برآید و سالی، جای خود را به سالی دیگر بدهد. در تعویض و تبادل سالها، چه از دست می‌دهیم و چه به دست می‌آوریم؟ از کنار این پرسش به سادگی نمی‌توان گذشت. آهنگ گذشت زمان، توقف ناپذیر است. در هر شرایطی، زمان به کار خودش است. تدریج و نرمش به متن آن راه نمی‌یابد. کارش عبور است و با عبورش، کار خودش را می کند و روی همه چیز حک می‌شود، مهر حک شده زمان را روی هر چیزی می توان دید. هیچ شهر و دیاری از ترنم و ترانه زمان خالی نیست. سهل است، هیچ وجودی از تاثیرات محکم و قاطعانه‌ای که زمان نقش می زند، فارغ نمی‌تواند باشد، آدمی با گوشت و استخوان آثار واقعی زمان را در همه تحولات ریز و درشت درک و لمس می کند.

فراموش نکنیم که نوروز و نوروزها از جنس زمانند. هر اندازه از آمدن نوروز خوش باشیم و هر اندازه آمدنش را بزرگ و عزیز بشماریم، نمی‌توانیم ماهیت آن را نادیده بگیریم. نو بودن نوروز نمی‌تواند روز بودن آن را از دیدگاه تیزبین برکنار نگاه دارد و همین موضوع، زمینه‌ساز اندیشه‌هایی دیگر است: روز از نو و روزی از نو. حق روزها را باید ادا کرد، گیرم که روزی را به رنگ خاطره درآورده باشیم. و درباره آن خاطراتی خوش و سنت‌هایی نیکو داشته باشیم. کدامین روز از حکم فنا و زوال خارج است؟

چه روزی، از قواعد جاری در هستی بیرون است؟ نوروز را بپذیریم، در مقام روزی نو، نه ناروز و متناسب با روز بودنش با آن برخورد کنیم.

این تناسب اندیشی و مراعات آن بدون الزاماتی چند نیست: اندیشه ورزی، تأمل و هشیاری. بیندیشیم که در کجای قافله هستی ایستاده‌ایم. امید که بال اندیشه شماگرامیان تا زیباترین آسمان‌های آگاهی گشودن گیرد و لحظه‌هایی مقرون به توفیق و سلامت و سعادت در پیش داشته باشید.

در این موقف است که می توان عمق و گرمای جانبخش شمس تبریزی را درک کرد که با رندانه‌ترین بیان ممکن فریاد بر می‌آورد:

ایام می‌آیند تا بر شما مبارک شوند. مبارک نمایید!

*

ویژه نامه ای که در دست دارید،حاصل همراهی ها و تلاش و مساعدت های بزرگوارانی از اهل قلم و نویسندگان عزیز معاصر است که به خواهش ما جواب مثبت داده و مقالاتی پیرامون نوروز و متن و حاشیه آن فرستاده اند. با سپاس از همه این بزرگواران ،از همکاران گرامی تحریریه اطلاعات و خبرنگاران حوزه‌های مختلف خبری و غیر خبری هم سپاسگزاریم که مقالاتی را برای درج در این مجموعه تهیه و تدارک دیدند.

از همکاران عزیزمان در واحد حروفچینی و صفحه بندی و گرافیک و تصحیح هم نهایت امتنان را داریم که در کمترین زمان ویژه نامه ای با این حجم رابرای چاپ آماده کردند.

در پایان عید نوروز باستانی را از طرف خانواده موسسه اطلاعات به همه ایرانیان در همه جهان تبریک عرض می کنیم.


جشنواره بهاره ماکسیم
۲۰٪ تخفیف ویژه
فروشگاه های اختصاصی شرکت ماکسیم در تهران و شهرستان ها
۱. ماکسیم مرکزی: میرداماد، مجتمع کامپیوتر پایتخت ۸۸۷۸۹۰۹۶
۲. ماکسیم میرداماد: نرسیده به میدان محسنی ۲۲۲۵۱۷۰۹
۳. ماکسیم پاسداران: روبروی برج سفید ۲۲۵۹۳۳۰۰
۴. ماکسیم پاسداران (بانوان): داخل برج سفید ۲۲۵۸۵۶۸۷
۵. ماکسیم شهرک غرب: مجتمع تجاری میلاد نور ۸۸۰۸۹۹۹۰
۶. ماکسیم قلهک: شریعتی، مرکز خرید قلهک ۲۲۶۴۱۳۳۰
۷. ماکسیم قلهک (بانوان): شریعتی، مرکز خرید قلهک ۲۲۶۴۱۳۸۶
۸. ماکسیم فاطمی: روبروی هتل لاله، مرکز خرید لاله ۸۸۹۵۱۳۵۱
۹. ماکسیم اراک: خیابان دکتر بهشتی ۲۲۴۸۹۱۷
۱۰. ماکسیم اصفهان: شیخ صدوق جنوبی ۶۶۸۳۳۵۵
۱۱. ماکسیم اهواز: کیانپارس، موحدین، برج کوثر ۳۷۳۱۱۲۸-۹
۱۲. ماکسیم ایلام: بلوار امام علی، روبروی بیمارستان کوثر ۲۲۳۷۸۴۷
۱۳. ماکسیم بابل: میدان اوقاف، خیابان مطهری ۳۲۱۱۸۵۰
۱۴. ماکسیم بندرعباس: هتل بین المللی پنج ستاره هرمز ۳۳۴۳۸۰۸
۱۵. ماکسیم رشت: بلوار گلسار ۷۷۵۸۸۷۵
۱۶. ماکسیم زاهدان: بلوار جانبازان، نبش جانبازان ۱۹ ۲۴۴۸۰۲۳
۱۷. ماکسیم شیراز: بلوار زند، هتل بین‌المللی پنج ستاره پارس ۲۳۵۷۷۶۳
۱۸. ماکسیم قزوین: میدان عدل ۳۳۶۷۱۶۱
۱۹. ماکسیم کرج: خیابان بهشتی، جنب هلال احمر ۳۴۴۰۴۳۸۰
۲۰. ماکسیم کرمان: هتل بین‌المللی پنج ستاره پارس ۲۱۱۹۳۹۲
۲۱. ماکسیم گرگان: خیابان امام خمینی ۲۲۲۴۴۱۶
۲۲. ماکسیم مشهد: پروما، مجتمع تجاری پروما ۷۶۴۸۵۵۶
۲۳ ماکسیم مشهد: بلوار خیام، هتل هما شماره ۲ (بانوان) ۷۶۸۶۵۳۰
۲۴. ماکسیم مشهد: بلوار خیام، هتل هما شماره ۲ (آقایان) ۷۶۲۴۲۱۱
۲۵ ماکسیم یزد: آیت‌اله کاشانی، جنب پارک هفتم تیر ۸۲۴۵۶۳۹
۲۶. ماکسیم گنبد: خیابان مطهری ۵۵۵۷۵۷۰
maxim® COLLECTION
تلفن روابط عمومی: ۸۸۸۸۸۸۱۵
ماکسیم فقط در فروشگاه های ماکسیم عرضه می گردد

می‌گوید:

ز کبکان چنان بخت برگشته بود
که او هم از آنان دو تا کشته بود!

شکوفایی طبع شعر فتحعلی شاه!

درباره فتحعلی شاه قاجار این نکته قابل توجه است که وی زنان متعددی داشت و بسیاری از همسران وی نیز زنانی نازک اندیشه و شاعرپیشه بودند.

نقل است که روزی فتحعلی شاه نزد دو تن از زنانش به نام‌های «جهان» و «حیات» نشسته بود. در این حال، طبع شعرش گل کرد و گفت:

نشسته ام به میان دو دلبر و دو دلم
که را به مهر ببندم در این میان خجلم!

«جهان» پاسخ داد: تو پادشاه جهانی، جهان تو را باید!
«حیات» گفت: اگر حیات نباشد، جهان چه کار آید؟!

در این موقع، یکی دیگر از زنان به نام «بقا» از پشت پرده خارج شد و گفت:

حیات و جهان، هر دوشان بی وفاست
بقا را طلب کن که آخر بقاست!

داستان دیگری که در این باره از فتحعلی شاه قاجار نقل می‌کنند، این است که شبی برای دیدن هلال اول ماه به بام قصر رفته بود. در این بین، یکی از بانوان حرم نیز دریچه‌ای را باز کرد تا ماه را ببیند. شاه به ملک الشعرا که در حضورش بود، نگاهی کرد و فی البداهه گفت:

در شب نو آن پریرخ بی نقاب آمد برون

ملک الشعرا فورا پاسخ داد:

ماه می‌جستند مردم، آفتاب آمد برون!

مصرعی که شاعرش را از زندان نجات داد!

یکی از روزهای عید نوروز، فتحعلی شاه قاجار به عمارت نگارستان رفت. درختان تازه شکوفه کرده بودند. قطرات شبنم بر روی گلها نشسته بود و زیر نور خورشید می‌درخشید. فتحعلی شاه با دیدن این منظره زیبا طبع شعرش گل کرد و گفت: «روز عید است و به هر شاخه نم باران است»، ولی هرچه کوشید نتوانست مصرع دوم را بگوید.

یکی از ملازمین که دوستی نزدیکی با فتحعلی خان صبا، شاعر دربار که به زندان افتاده بود، داشت، موقع را غنیمت شمرد و گفت: اگر اجازه فرمایند، فتحعلی خان صبا را که در زندان به سر می‌برد و در بدیهه گویی استاد است، به حضور بطلبند تا مصرع دوم را بگوید.

فتحعلی شاه اجازه داد و شاعر را آوردند. همین که چشم فتحعلی شاه به وی افتاد، گفت:

روز عید است و به هر شاخه نم باران است

شاعر زندانی هم بلافاصله گفت:

روز بخشیدن تقصیر گنهکاران است!

به این ترتیب هم بیت را تکمیل کرد و هم خود را از زندان نجات داد.

دیوانگی در تمامی سال!

«مَحرَم» یکی از شاعران معاصر ناصرالدین شاه بود. روزی به حضور وی رفت و پس از ادای سلام و احترام گفت: قبله عالم به سلامت! جان نثار یک مصرع شعر سروده ام، اما هر چه فکر می‌کنم نمی‌توانم مصرع دوم آن را بگویم! شاه پرسید: آن مصرع چیست؟ مَحرم گفت:

دیوانه شود مَحرم در ماه مُحَرم...

ناصرالدین شاه فی البداهه گفت:

در ماه صفر هم، ده ماه دگر هم!

در طلب اسب ترکمان

روزی ناصرالدین شاه بر اسب ترکمانی سوار و مشغول چوگان بازی بود که غفلتاً پای اسب می‌لغزد و شاه بر زمین می‌افتد. معتمدالدوله فرهادمیرزا، این رباعی معروف امیرمعزی را برای شاه می‌خواند:

شاها ادبی کن فلک بد خو را
کآسیب رسانید رخ نیکو را
گر گوی خطا کرد به چوگانش زن
وراسب خطا کرد به من بخش او را!

ناصرالدین شاه فی البدیهه می‌گوید:

بد خویی ترکمان و اسبش دیدم
در کوه ز رفتار بدش رنجیدم
آن استر اسب نام بی معنی را
ز اصطبل دوازده بر شما بخشیدم!



عندلیب سرخوش!

برخی شاعران از بدیهه سرایی خود، به نیت حاضرجوابی استفاده کرده اند، یعنی پاسخ رندانه‌ای را که می‌خواسته‌اند به کسی بدهند، به زبان نظم درآورده و گفته اند، یا با مناظره‌ای فی البداهه به مصاف یکدیگر رفته اند.

نقل است که «سرخوش هروی» و «عندلیب الذاکرین» شاعر، سرگرم صحبت و شوخی بودند. ناگاه خری از بیرون به صدا در آمد. عندلیب گفت:

سرخوش است این خر که دارد گرم این کاشانه را!

سرخوش فی الفور پاسخ داد:

عندلیب آشفته‌تر می‌خواند این افسانه را!

ماجرای سراج الحکما

«صمدخان شجاع الدوله» (رئیس ایل مقدم مراغه) به یکی از طبیبان که زشت و سیاه چهره بود، لقب «سراج الحکما» داد. سراج‌الحکما به شادی این لقب، پس از این که دیوارهای خانه‌اش را از درون و بیرون با گچ سفید کرد، چند تن از دوستانش را به میهمانی فرا خواند.

یکی از میهمانان که باذوق و لطیفه پرداز بود، با زغال روی دیوار خانه میزبان نوشت:

چه خاک ریخت خداوند بر سر حکما
که ظلمت شب یلدا، سراج ایشان شد!

احمق‌ترین آدم!

«رشیدالدین وطواط» (شاعر نامدار دوره خوارزمشاهیان) در یک روز برفی به در خانه دوستش، ادیب شاعر رفت. چون در خانه را زد، زن مستخدم در را باز کرد و گفت ادیب در خانه نیست. وطواط فی البداهه گفت:

آن کس که برون رود در این روز
احمق‌تر از او کسی دگر نیست!

ادیب که در خانه بود، بلافاصله این بیت را در پاسخ او ساخت:

من خود به سرای خویشم اکنون
پیداست که در برون در کیست!

در باب زلف کنیزک!

«فیضی» از علما و فضلای بزرگ دربار سلاطین هندوستان بود. روزی به همراه «عرفی» و «شیرازی» که از شعرای مشهور بودند، برای گردش قدم می‌زدند که چشمشان به کنیز زیبایی افتاد که نسیم، زلف‌های او را به حرکت درآورده بود. فیضی فی البداهه گفت: ای صبا آن زلف را بر چهره زیباش نه!

عرفی فی البداهه، مصرع دیگر را چنین سرود:

آنچه بی رخصت ز جا برداشتی بر جاش نِه!

شعرهای بی نمک!

سلطان خضر خان بن ابراهیم، امیر معروف سلسله آل خاقان که در سال ۴۷۴ هجری قمری پس از مرگ برادرش نصر بن ابراهیم درماوراء النهر به تخت حکومت نشست و پس از اندک زمانی وفات یافت، مانند بسیاری از همتایانش تظاهر به شعرشناسی و ادب دوستی می‌کرد و به همین دلیل، شاعران متعددی را در دربارش گردآورده بود و صله‌های گرانبهایی به آنها می‌پرداخت. یکی از این شاعران، «عمعق بخارایی» بود که سمت امیرالشعرایی داشت و سروده‌های دیگران، توسط او ارزش گذاری می‌شد.

نقل است که روزی سلطان از عمعق پرسید: به نظر تو اشعار رشیدی [سمرقندی] (شاعر نامی قرن ششم هجری قمری) در چه حد است؟ عمعق پاسخ داد: سروده‌هایش بد نیست، اما قدری بی‌نمک است.

در این حال رشیدی از راه رسید و خضر خان، اظهار نظر عمعق را با وی در میان گذاشت. رشیدی که در آن هنگام جوان بود، رو به عمعق کرد و بلافاصله گفت:

شعرهای مرا به بی نمکی
عیب کردی، روا بود شاید
شعر من همچو شکّر و شهد است
اندر این دو، نمک روا نآید!
شلغم و باقلاست گفته تو
نمک‌ای بینوا تو را باید!

از این بدیهه گویی، خضرخان به خنده افتاد و خطاب به عمعق گفت: شعرهای رشیدی آن قدری هم که تو می‌گویی بی نمک نیست!

در ادامه، به ذکر تعدادی از بدیهه سرایی‌های به جامانده در تاریخ ادبیات ایران می‌پردازیم.

بقیه در صفحه ۷۴

دانستنی ها

درباره «گل»ها

سید جواد میری

گل اندام زایشــی در گیاهان اســت. گل از نظر زیباســازی محیط و تولید میوه و دانه که از مواد غذایی مهم به شمار می آیند اهمیت زیادی دارد. مراحل اصلی تولید مثل جنســی یعنی میوز ولقــاح درون گل انجــام می گیرد. پیدایش دانه فرایند تولید مثل جنسی را کامل می‌کند و پیدایش جنین درون دانه اولین مراحل دوران حیات گیاه جوان است.

ساختمان گل

گلها از نظر شــکل و اندازه و رنگ بســیار متنوعند و از نظر تعداد و آرایش نیز تنوع زیادی دارند. و بعضی گلها مانند عدسک آبی به زحمت دیده می‌شــوند و بعضی دیگر بسیار بزرگتر. گل معمــولا ۴ بخش دارد که عمومــا روی دوایر متحدالمرکز قرار دارند این چهار بخش عبارتند از: کاسه گل (کاسبرگها)، جام گل (گلبرگها)، نافه گل (پرچمها) و برچه (مادگی). این چهار بخش گل معمولا به نهنج گل که در انتهای دمگل قرار دارند متصلند.

کاسه گل (کاسبر گها)

کاسه گل معمولا سبز رنگ است و در غنچه‌ها بخشهای گل را می‌پوشاند. کاسه گل معمولا از تعدادی کاسبر گ جدا از هم و یا چسبیده بهم تشکیل شده است.

جام گل (گلبرگها)

جام گل معمولا قسمت رنگی گل است جام گل از قطعاتی فاقد کلروفیل به رنگهای گوناگون، به نام گلبرگ تشــکیل شده اســت. گلبرگها ممکن اســت جدا از هم و یا چســبیده به هم باشند.

نافه گل (پرچمها)

مجموعه‌ای از چند پرچم که غالبا جدا از هم هستند تشکیل شده است. هر پرچم دارای یک میله است که در انتهای آزاد آن بســاک قرار دارد، بســاک محل تولید دانه گرده است. ساختمان بســاک معمولا دارای دو قســمت اســتوانه‌ای است که بوسیله بافتی پارانشــیمی در تمام طول به هم چســبیده‌اند. هر قسمت دو حفره به نام کیسه گرده دارد. دانه‌های گرده درون کیسه گرده تولید می‌شــوند. در بساک رسیده شکافی در دیواره هر قسمت استوانه‌ای بســاک ظاهر می‌شود و باعث پراکنده شدن دانه‌های گرده می‌شود.

مادگی گل (برچه)

هر برچه از سه قسمت تشکیل شده که شامل کلاله، خامه و تخمدان می‌باشد. تخمدان بخش زیرین برچه و درشت‌تر از دو قسمت دیگر است. درون تخمدان یک یا چند تخمک وجود دارد خامه دراز اســت و در انتها به کلاله ختم می‌شود. برچه را برگی تغییر شکل یافته می‌دانند و این به دو علت است:

برچه در مراحل اولیه رشد به برگ شباهت دارد.

در مراحل رشــد تکامل گل شباهت برچه به برگ مشاهده می‌شود.

خامه

خامه میله درازی اســت که به کلاله ختم می‌شود. خامه در بعضی گلها دراز و در عده‌ای کوتاه است. هر رشته کاکلی ذرت که روی بلال دیده می‌شــود یک خامه اســت. خامه از سلولهای پارانشیمی ساخته شده که رابط تخمدان با بخش حجیم مادگی است.

کلاله

بخش پهن انتهای خامه است که لوله‌های ترشحی آن ماده مغذی چسبناک را می‌سازند که برای رویش دانه گرده لازم است. کلاله در بیشــتر گلها پس از گرده افشانی پژمرده می‌شود، سطح کلاله در اکثر گیاهان دارای یاخته‌های کرک مانند و کوتاهی است که در جذب و نگهداری گرده موثرند.

تخمدان

در نهاندانگان محفظه بســته‌ای است که از برچه‌های بسته یا از پیوســتگی لبه‌های برچه‌های باز تشــکیل می‌شود. برچه‌ها تخمک ساز هستند و منشا برگی دارند. میوه تخمدان رشد یافته است.

تأثیر گل و گیاه روی حالت روحی افراد

طبیعت و زیبایی‌های آن همواره الهام بخش بشر برای خلق آثار بدیع و تلطیف روح و روان او و مأمنی برای فرار از هیاهوی دنیای بیرونی و درونی او بوده و هست، پس زیبا است اگر بتوانیم با شاخه‌ای گل و یا گلدانی کوچک همواره بخشی از طبیعت را همراه خود داشــته باشــیم. آغاز سال جدید فرصت خوبی برای این کار است.

گل در نگاه نخست

نتایج پژوهش پژوهشــگران رفتارشناسی دانشگاه روگرز (Rutgers) در نیوجرســی آمریکا نشــان می‌دهــد، ارتباط با طبیعــت و لذت بــردن از مناظر زیبای آن راهی ســاده، اما مهم جهت کســب آرامش و تلطیف روح و روان آدمی اســت که در این بین کاشتن گل و گیاه و یا دریافت هدایایی مانند گل می‌تواند بیش از هر چیز شادی و طراوت را به انسان هدیه دهد.

پژوهش‌ها نشــان می‌دهد خریدن گل، کاشتن گل و گیاه و به طور کلی نگاه کردن به گل باعث برانگیخته شــدن احســاس شــادی، آرامش و طراوت، مثبت اندیشی و دوری از غم و اندوه می‌شود.









پروفسور جنت هاویلند جونز- روانشناس- از دانشگاه روگرز می‌گوید: «نکته جالب توجه درباره نقش گل در سلامت روحی- روانی افراد آن است که فرد با تماشا کردن به گل و لذت بردن از طراوت، رنگ و عطر زیبای آن می‌تواند حالت روحی نامتعادل خود را تغییر داده و به حالت طبیعی بازگرداند؛ در واقع گل عاملی جهت تعدیل رفتار در طول شبانه روز بوده و هر بار نگاه کردن به گل عاملی جهت ایجاد یک اتصال عصبی مثبت در مغز است.»

یافته‌های جدید

ده ماه مطالعه مستمر پژوهشگران دانشگاه روگرز درباره رابطه بین گل و گیاه و سلامت روانی افراد نتایجی را به این شرح نشان داد:

- گل و گیاه به ویژه دریافت حتی یک شاخه گل یا یک گلدان کوچک گل به سرعت می‌تواند روحیه شخص را تغییر داده و او را شاد و هیجان زده کند. لبخند، اولین و مهم‌ترین نشانه این تغییر است. احساس شادی و سرزندگی در همه افراد و در هر سنی به سرعت و به خوبی نمایان می‌شود.

- گل نگاه کردن یا دریافت گل- می‌تواند به مدت طولانی روی حالات روانی فرد تأثیر گذاشته و رفتار او را به سرعت دگرگون کند، به طوری که افرادی که در محیط اطرافشان- منزل، محل کار و...- گل و گیاه وجود دارد بیش از دیگران- دو تا چهار برابر- آرام، مهربان، شاد و با گذشت بوده و می‌توانند این حس را با رفتار مثبت خود به دیگران نیز منتقل کنند، بنابراین پژوهشگران توصیه می‌کنند همواره یک شاخه گل یا یک گلدان کوچک گل در معرض دید خود داشته باشید.



- هدیه دادن یا هدیه گرفتن گل می‌تواند برقراری ارتباط میان افراد را تسهیل کند که این به ویژه درباره همسران، فرزند و والدین بسیار با اهمیت است.

- گل و گیاه باعث ایجاد حس نگرش مثبت به زندگی و آرامش (well being)، احساس شادی و رضایت (happiness)، صمیمت (intimacy) و آرامش (calm) در افراد می‌شود. رنگ گل‌ها نکته بسیار پراهمیتی است، به طوری که گل‌ها با رنگ ملایم- صورتی، سفید، بنفش و...- حس شخص را به سوی احساسات آرام سوق داده و گل‌ها با رنگ‌های گرم و تند- قرمز، زرد، نارنجی و...- حس او را به سوی هیجان و سرزندگی پیش می‌برد.



- گل نشانه مشارکت و دوستی است، چرا که با هدیه دادن گل، لذت بردن از زیبایی را با یکدیگر تقسیم می‌کنیم.

دکتر جونز می‌افزاید: «دریافتیم گل و گیاه نه تنها بر احساسات شخصی افراد که روی رفتارهای برونی و اجتماعی فرد نیز تأثیرگذار است.»



پژوهشگران دانشگاه داکوتای شمالی آمریکا با بررسی بیش از ده هزار نفر در طول یک سال دریافتند هر فرد ۵ ثانیه پس از دریافت یک شاخه یا دسته گل و یا یک گلدان گل به عنوان هدیه، یکی از این سه عکس العمل را بروز می‌دهد:

- لبخند حاکی از ادب، احترام و تشکر
- لبخند حاکی از دوستی و صمیمیت
- لبخند هیجان‌زده همراه با عکس‌العمل یا کلامی خاص



- هریک از این عکس‌العمل‌ها بسته به شخصی که گل را هدیه گرفته و یا شخصی که گل را هدیه داده است، متفاوت بوده و به حس شخص نیز مرتبط است. اما نکته مهم آن است که یکی از این سه نوع لبخند و گاهی تلفیقی از هر دو، درست ۵ ثانیه پس از دریافت گل، بدون اراده، بروز می‌کند که این نشان از تأثیر «زیبایی گل» روی مغز است.

چند نکته

یافته‌ها نشان می‌دهد، فضاسازی منزل یا محل کار باید به گونه‌ای باشد که گل و گیاه به خوبی در معرض دید افراد قرار گرفته و بخشی از فضای منزل به این مسأله اختصاص یابد. این فضا می‌تواند با استفاده از چند شاخه گل در گلدان، کاشتن گل در ایوان، پشت پنجره‌ها، کناره‌های اتاق و... ایجاد شود. استفاده از گل در ورودی منزل، اتاق نشیمن و اتاق خواب ضروری است، به ویژه در باره ورودی منزل به طور غیرمستقیم خوشامدگویی به میهمانان را به همراه دارد... شاد باشید.

***

منبع: کتاب «تأثیر گل و گیاه روی حالت روحی افراد» - ترجمه: مهتاب خسروشاهی

- مقاله از انجمن بین المللی گل و گیاه آمریکا
- روزنامه همشهری - دوشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۸۵

منبع: تبیان

برچسب‌ها: خدا را دوست دارم

تاریخ: دوشنبه هجدهم دی ۱۳۹۱ | ۱۶:۰ | نویسنده: اکرم | ۱ نظر

آماده کردن گیاهان برای فصل سرما

با وزیدن نخستین بادهای پاییزی بسیاری از گیاهان خود را برای فصل سرما و به خواب رفتن آماده می‌کنند اما برای این که گیاهان بتوانند خوابی آرام را تجربه کنند قبل از آن باید کارهایی انجام داد تا با پایان فصل سرد دوباره زندگی با کیفیتی را شروع کنند، چون آدم‌های اهل فن می‌گویند پاییز شروعی است برای داشتن باغچه‌ای زیبا در بهار.

گام اول هرس کردن و پاکسازی گیاهان است، زیرا بیشتر آفت‌ها و بیماری‌ها از باقی ماندن قسمت‌های خراب و زائد گیاه در زمستان به‌وجود می‌آید، یعنی آفت‌ها درون گیاه و خاک رخنه می‌کنند و باعث بیماری آنها می‌شوند. بنابراین ضروری‌ترین کار، هرس کردن گیاهان و حذف قسمت‌های مرده و بیمار آن است.

پس اگر در خانه‌تان باغچه‌ای پر از گیاه دارید به این نکات توجه کنید: حذف کامل گیاهان و سبزیجاتی که عمرشان تنها یک سال است و در سال بعد دیگر سبز و زنده نخواهند شد، کندن برگ‌های مریض و از ریشه در آوردن علف‌های هرز و سرانجام تغذیه کردن باغچه با مواد و کودهای مغذی.

اما اگر به جای باغچه، گلدان در خانه نگه می‌دارید، باید آنها را نیز برای فصل زمستان آماده کنید. بیشتر گلدان‌ها در زمستان براثر سرما ترک می‌خورند. برای جلوگیری از یخزدگی گیاهان و ترک خوردن گلدان‌ها، روی آنها را با چند لایه نایلون بپوشانید. همچنین از آنجا که در پاییز و زمستان رویش گیاهان متوقف می‌شود از آبیاری و کوددهی زیاد به گیاهان خودداری کنید. شما می‌توانید قبل از انجام این کارها خاک گلدان‌ها را با مواد طبیعی و سالم تغذیه و ترمیم کنید. چون اگر در پاییز این مواد را به خاک بیفزایید، فرصت کافی وجود دارد تا مواد کاملاً در خاک نفوذ کنند.

آماده کردن گیاهان برای فصل سرما

در این میان حفظ درخت‌ها و درختچه‌ها از آفات احتمالی نیز اهمیت زیادی دارد، زیرا پاییز زمان بسیار مناسبی برای حفاظت آنها از آفات بالقوه‌ای است که ممکن است در اوایل بهار فعال شوند. معمولا برای این کار از مواد حشره‌کش مخصوص و تزریق آن در خاک استفاده می‌شود. این مواد از طریق ریشه گرفته می‌شود و تاثیر آن برای ماه‌ها باقی می‌ماند.



یادمان

و دریغ ایرج که یگانهٔ روزگار بود



■ دکتر محمدجعفر یاحقی

غیبت این قلم طولانی تر از آن بود که بتوان توجیهی برایش پیدا کرد. بهترین عذر بدتر از گناه من این است که حرفی برای گفتن نداشتم. الآن هم نداشتم اگر مهر ایرج نبود.

درود خدا بر ایرج که مرا به نوشتن واداشت. ایرج افشار را می گویم که درین فاصله از میان رفت. به مناسبت چهلم او برای یک نشریه چیزکی نوشته‌ام که بدرد خودم می خورد و شاید بدرد روان پرواز کرده او. همین امروز تمام شد. شما شاید اولین خواننده آن باشید اگر همین طور ادامه بدهید و بروید به صفحه بعد.

می گویید بعد از دو چهل روز آمد آن هم به مناسبت چهلم! خوش خبر باشی!

اگر از مرگ و میر مثل من بدتان می آید از خیرش بگذرید و معطل بمانید تا کی از زندگی برایتان بنویسم!

اگر بوالعلاء طبیب که خبر مرگ بونصر مشکان را با این عبارت به مسعود می داد: «بونصر رفت بونصر دیگر طلب باید کرد»، امیدوار بود که باز هم در دربار غزنه کسانی امثال بونصر پیدا شوند، باید بگوییم خیلی خوش‌خیالی خواهد بود اگر در روزگار خودمان بتوانیم بگوییم: «ایرج افشار رفت ایرج دیگر طلب باید کرد»! چه هرکس که‌اندکی با کارها و وجوه شخصیتی ایرج افشار آشنا باشد می داند که ایرج در فرهنگ ما تکرارپذیر نیست. در دنیای سترونی که ما در آنیم چگونه می توان آدمی طلب کرد که یک‌تنه بیاید و رژیمی مثل رژیم گذشته را متقاعد کند که کتابخانه‌ای مثل کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران را تأسیس و سالها تا آستانهٔ انقلاب به آن خوبی اداره کند کاری که بعد از او هرکس بگوید که توانستند به آن خوبی اداره کنند یا به خودش دروغ گفته یا مردم را دست کم و ناآگاه پنداشته است.

یا چگونه می توان امیدوار بود که کسی پیدا شود که بیاید و در شرق و غرب عالم راه بیفتد با این و آن دانشگاهی و دانشمند و شرق‌شناس و این و آن کتابخانه و مرکز علمی چنان روابط دوستانه‌ای برقرار کند که بتواند با یک اشاره میکروفیلم یا عکس بسیاری از نسخه‌های خطی محفوظ در آن کتابخانه‌ها و مراکز علمی را چه مستقیم و چه غیرمستقیم و به توسط دوستان و ارادتمندانش به رایگان و یا با ثمن‌بخس برای این مملکت فراهم کند که امروز گنجینه‌ای از آن نسخه‌ها و میکروفیلها در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه به عنوان ذخیره‌ای علمی و سرمایه‌ای ملی در اختیار همگان باشد؟

یا چگونه می توان امیدوار بود که آدمی بیاید و سالها در عالم مطبوعات با تأسیس و راه‌اندازی و مدیریت شایسته چندین نشریهٔ خوش نام مانند فرهنگ ایران زمین و آینده و راهنمای کتاب و تربیت و راهنمایی صدها محقق و قلم به دستِ جوان راه پژوهش و سری در میان سرها در آوردن را بر آنانَ هموار کند؟

یا چگونه می توان امیدوار بود که یک تن آن هم در سالهایی که فکر فهرست‌نویسی و گردآوری اطلاعات علمی به ذهن کمتر کسی خطور کرده بود مطالب هزاران مجله و مجموعه را به‌این پاکیزگی و روشمندی در قالب ۷ جلد (در ۸ مجلد) فهرست مقالات فارسی بریزد و کلیدی برای انواع پژوهشها در اختیار بگذارد و خاطر همه را از این بابت جمع کند؟

یا چگونه می توان امیدوار بود که در روزگاری که کسی کمتر با اصول دانشی همچون کتابداری آشنایی داشت بتواند این رشته را به صورتی علمی و آکادمیک در دانشگاهها راه‌اندازی کند و تجربیات گذشته را با اصول دانشی نوین به‌این خوبی پیوند بزند و هزاران دانشجو و دوستدار این علم را به دنبال خود بکشاند و به وضع کتاب و کتاب‌شناسی در این مملکت سر وسامانی بدهد؟

یا چگونه می توان امیدوار بود که آدمی پیدا شود در زمانه‌ای که کمتر کسی قادر بود ده نفر استاد و محقق داخلی را دور یک میز بنشاند با آن مایه از آشنایی با اصول راه‌اندازی کنگره و سمینار و قبل از آن که واژه‌های همایش و هم‌اندیشی و گردهمایی و سمپوزیوم و مجمع علمی و... پا به عرصهٔ وجود بگذارند و بودجه‌های کلانی را بی‌دلیل و با دلیل هباءاً منثورا کنند و با مورد و بی‌مورد و چپ و راست برای این و آن مورد به کاررود، کنگرهٔ تحقیقات ایرانی را با آن هیمنه و شکوه بنیان بگذارد و دهها و صدها آدم علمی را از دانشگاههای مختلف با کمترین هزینه و بیشترین دستاورد زیر یک عنوان گرد آورد و هرسال مجموعه مقالات آن را در چندین مجلد چاپ کند و نمونه‌ای به دست دهد که هرکس بخواهد برای تشکیل هر نوع کنگره‌ای اقدام کند خود را از آن بی نیاز نداند؟

یا چگونه می توان انتظار داشت که در عصر ماشین و کامپیوتر و اینترنت آدمی از همهٔ لذتها و بهره‌وریها چشم بپوشد و راه بیفتد در قبرستانها و عمارتهای مخروبه و کهنه‌بناهایی که جغد هم کمتر گذارش به آنجا می افتد، به خطهای کج و معوج سنگ قبرها و کتیبه‌ها و دیوارنوشته‌ها خیره شود و چشم و دل خود را به امید پیدا کردن جمله‌ای یا عبارتی که از گذشته‌های مملکتش خبر می دهد، بفرساید و تیر و طعنهٔ کسانی را که به او برچسب مرده‌خواری و نبش‌قبر می زنند به روی خود نیاورد و حاصل جستجوهای شیفته‌وار خود را در کتابهای پرحجم و بی‌قوارهٔ چند جلدی امثال یادگارهای یزد و یا صفحات فرهنگ ایران زمین تلنبار کند به امید این که به وطنش و به فرهنگش خدمت می کند؟

و یا چگونه می توان آدم وجیه و زبان‌آوری را تصور کرد که بیاید از روابط شخصی خود برای به دست آوردن نفایس کتب خطی از گوشه و کنار عالم تلاش کند، عکسی با کیفیت بالا از آنها به دست آورد شبها و روزها روی این کهنه کتابها بیفتد زیر و بالای صفحات را وارسی کند و برای آنها مقدمه‌های جانانه‌ای در شناخت حروف و کلمات و شدّ و مدّ و ویژگیهای خط و سرلوح و هویت ناسخ و قاری و مالک و صاحب وحاشیه نویس و... بنویسد و بعد هم از دوستان دلداده و ایران پرستش در خارج از کشور پولِ بی زبان کشورهای دیگر را که به عرق جبین و کدِّ یمین به دست آورده و خرج اتینای آن کافرکیشان خدانشناس نکرده‌اند بگیرد و به مصرف چاپ



نسخهٔ برگردان این کتابهای بدخط و ربط برساند و وقتی چاپ شد به فروش آن فکر نکند و بی‌هوا به این و آن هدیه بدهد به امید این که به وطنش خدمت می‌کند؟

و یـا چگونـه می‌توان آدم دلباختـه‌ای را به نظر آورد که بیاید ارث پدری خود را در بنیادی فرهنگی ـ هرچند به اراده و سفارش پدر ـ برای چاپ آثار دیگرانی که بر سر سفرهٔ خودشان نشسـته‌اند و یا تشـویق این یا آن محقق داخلی و خارجی که قدمـی در جهت اعتلای فرهنگ و زبان و تمدن وطن بی‌کس و کار اجدادی او برداشته‌اند به مصرف برساند و استفاده از آن را بر خود حرام کند؟

و یا بالاخره کجا می‌توان انتظار داشـت آدمی سرگشته و آوارهٔ کوه و بیابان بیاید در روزگار انفورماتیک و عصر اینچنانی سایبری پاترول قراضهٔ خود را سوار شود و شب از روز نشناسد، در دشت و بیابان و کوه و کمر کوره دهها و آبادیهای کم آدم و پر هول و ولا و بی‌سرانجام این سرزمین را یکی پس از دیگری زیر پا بگذارد، نان خالی بخورد، با روستاییان رفاقت پیدا کند، پای درد دل آنها بنشیند و غمهای بی‌اندازهٔ آنان را با خود قسمت کند که می‌خواهد وطنش را بشناسد و بیشتر دوست بدارد؟

مـن که باور نـدارم که بتوان ایرج دیگـری ازین قماش طلب کرد.

افشـار در قاموس رفاقت باب تازه‌ای باز کرد که شـاید بتوان آن را «رفاقت علمی» نام نهاد. شراکت در همهٔ زمینه‌ها در فرهنگ ما و شـاید هم در فرهنگ جهانی معنی دار بوده است برای آن که سهم الشرکه در بسیاری از زمینه‌ها تعریف و معنای مشخصی دارد اما این عمل در عرصهٔ علم و دانش کمتر خود را تعریف بردار و دارای حد و مرز نشـان داده اسـت. افشار در کار «شراکت علمی»، که کمتر به سرانجامی خوش منتهی شده است، پا را از حد متعارف شرکت فراتر گذاشت و باب «رفاقت علمی» را باز کرد بابی که تا این حد به روی کمتر کسی تا پایان عمر گشوده مانده است. اگر در فرهنگ ایران زمین از شصت و اند سال پیش نام ایرج افشار در کنار چهار یار همیشگی اش: محمد تقی دانش پژوه، دکتر منوچهر ستوده، مصطفی مقربی، و دکتـر عباس زریاب خویی به عنـوان بنیان‌گذاران گاهنامهٔ فرهنگ ایران زمین جاوید مانده است، یا اگر از همان دههٔ سی نـام او را در انجمن کتـاب و بعد هم در مجلهٔ راهنمای کتاب کنار نام احسـان یارشاطر می‌بینیم که حاصل آن ۲۱ دورهٔ پر و پیمـان راهنمای کتاب بود، یا اگـر در کنگرهٔ تحقیقات ایرانی نام ایرج به عنوان دبیر ثابت کنگره واسـطه العقد کسانی امثال پرویـز خانلری، ذبیح‌الله صفا، محمد محیط طباطبایی، مجتبی مینوی و... بود و نه سـال کنگـره را به آن پاکیزگی و بارآوری برگزار کرد، یا اگر با دانش پژوه فهرسـتهای متعدد نسخه‌ها و میکروفیلمها را منتشر کرد، یا اگر یحیی مهدوی آن همه کتاب به دانشگاه تهران اهدا و بعد هم موقوفه‌ای برای نشر آثار معتبر در سلسله انتشارات دانشگاه معین کرد، همه از برکت همراهی ایرج افشـار با این آدمها بود. شـگفت‌تر آن که او در زمینه‌های مختلف یاران همراه و متناسـب خود را انتخاب می‌کرد و در همـهٔ کارها هـم تمام بود و پا به پـای آن صاحب‌نظران پیش می‌رفت. در فهرست نگاری و کتابشناسی با دانش پژوه کار را به نهایت رسانید، در کنگره گردانی با مینوی و خانلری و محیط طباطبایی، در کار مطبوعات و مجله کاری با یارشاطر و مقرّبی و زریاب، در جغرافیای تاریخی و مردم‌شناسی با احمد اقتداری و عبدالرحمن عمادی، در ایران‌شناسی و آدم‌شناسی با کیکاووس جهانداری، در بیابان گردی و سنگ قبرخوانی و آدم‌شناسی با سـتوده و این اواخر با شفیعی کدکنی. وقتی مجلدات ارجنامهٔ ایرج را ورق می‌زنیم به طیف دوستان و دوستداران او از همه لونی بهتر می‌توانیم پی ببریم.

او در این سرزمین پهناور و گرفتار قحط سال، «نه قحطی آب که قحطی نور» سر از هر کوره ده و کوه و کمری در آورده و در هر آبادی و قصبه‌ای یاران و دوستداران و خاطرخواهانی به هم زده بود که می‌دانم آن روسـتاییان و شبانان و کشاورزان و مادران پیرشـان که بارها از ایرج افشـار میزبانی کرده و با او سـر یک سفره نشسته‌اند، اینک در فقدان همکاسه و دوستدار دیرین خود سوگوارند. چند سال پیش که به بستک (در استان هرمزگان) رفته بودم فرهنگی دانشور آن سامان احمد حبیبی، که با من سابقهٔ معرفتی داشت، شبانه مرا به روستای زادگاهش در چند کیلومتری بستک برد که الآن از نظر جهت یابی نمی توانم بگویم در چه نقطه‌ای از این مملکت واقع شده است. او در خانهٔ روسـتایی اما پر صفای خود، اتاقی را به من نشـان داد که ایرج افشار هر وقت می‌آید در آن سکونت می‌کند.

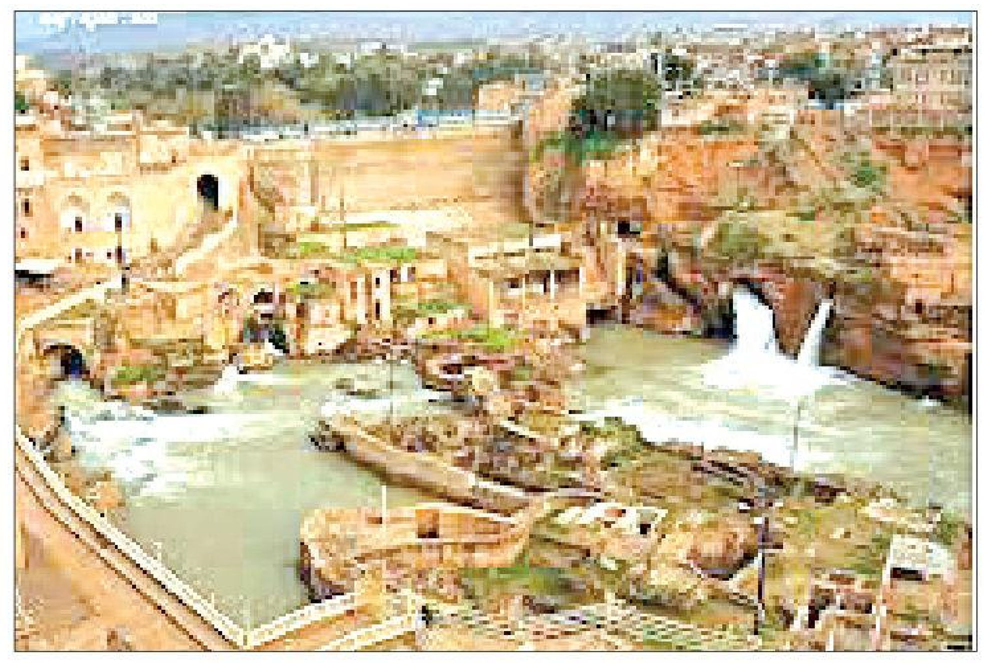
صبـح نـوروز ۱۳۸۷ که در گرگ و میـش هوا برای ادای فریضه بیدار شده بودم، تلفن زنگ زد، گوشی را برداشتم؛ صدا گفت: «آقای یاحقی! سـلام من ایرج افشـار هسـتم این تلفن آقای سـتوده اسـت از جنگل زنگ می‌زنم». و من که شـنیده بودم که یار کوه و دشـت و بیابانش منوچهر ستوده چند سالی است به جنگل شمال پناه برده و تن از دد و دام شهر و خیابان آزاد کرده اسـت گفتم خیراست ان شاءالله که در شمال خوش بگذرد؛ که گفت «نخیر آقا از جنگل خراسـان به شـما زنگ می‌زنم نه از جنگل شمال، می‌خواهیم برویم تربت حیدریه»؛ و من که پنجاه سـال اسـت در راههای خراسان سرگردانم و مسیر طوس تا تون را از طریق تربت و گناباد بارها پیموده‌ام، به یاد آوردم که در راه تربت به گناباد تابلو کوچکی که سمت راه آبادیی به نام «جنگل» را نشـان می‌دهد به چشمم خورده است. گفتم در جنگل تربت چه کار می‌کنید؟ گفت با ستوده از این حوالی رد می‌شدیم آمدیم این جا را ببینیم و سال نو را دیشب در جنگل آغاز کردیم. دریغ خوردم که من خراسانی تاکنون این نقطه از وطنم را ندیده ام و افشار در آنجا با مردم زندگی کرده است.

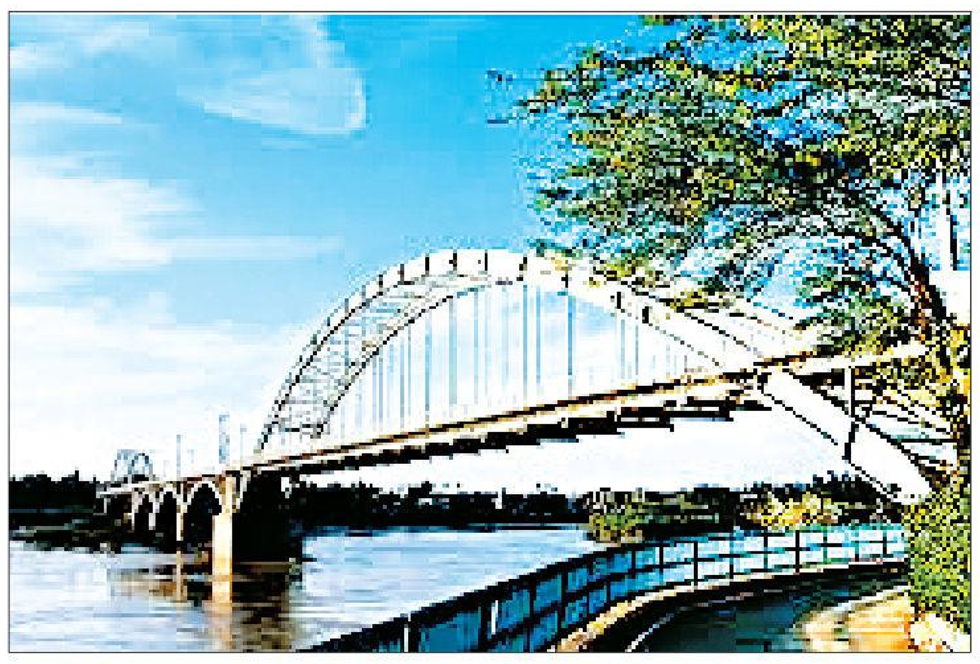
> **چگونه می‌توان آدم وجیه و زبان‌آوری را تصور کرد که بیاید از روابط شخصی خود برای به دست آوردن نفایس کتب خطی از گوشه و کنار عالم تلاش کند، عکسی با کیفیت بالا از آنها به دست آورد و شبها و روزها روی این کهنه کتابها بیفتد**

در سـال ۱۳۷۷ که من در مرکزخراسـان شناسی مشهد با رفیقانم خراسـان شناسـی می‌کردیم، از شهرنامه‌نویسـان شـهرهای خراسـان بزرگ (که هنوز به سه پاره تقسیم نشده بود) دعوت کرده بودیم که در مشهد گرد بیایند و در نشستی یکـروزه با هم کارهای آنهـا را ببینیم و اگر چیزی به نظرمان برسـد درجهت راهنمایی از آنها دریغ نداریم. سـی نفری از شهرهای مختلف که هرکدام به نوعی دربارهٔ شهر خود کارکی کرده بودند جمع آمدند همه با قلمهای آخته و گوشـهای باز که بشـنوند و بنویسـند. دیدم فرصت خوبی است از افشار و دو یار تیزپا و صحراگردش دکترمنوچهرسـتوده و قدرت الله روشـنی زعفرانلـو ـ کـه او هم به نوعـی نامش در کنار نام ایرج افشـار به یادها می‌آید ـ دعوت کرده بودم تا در این جلسه ما و شهرنامه نویسان ما را راهنمایی کنند. افشار بعد از انقلاب، نه‌این که از کسـی دل آزرده باشـد یا اگر بود قطعاً به روی خود نمی‌آورد و قضاوت را گذاشته بود برای آگاهان و بیداردلان، اما هرچه بود در هیچ جلسـهٔ رسمی و مخصوصاً دولتی شـرکت نمی‌کرد و ترجیح می‌داد از هفت دولت آزاد باشد، با این حال خواهش مرا پذیرفت و در این جلسه با دو یار دیرینش شرکت کرد. هرچه خواهش کردم برایشان بلیت بفرستم نپذیرفت و ترجیح داد با پاترول کذایی خود به مشهد بیاید و سر راه به صدجای دیگر هم سری بزند. وقتی پس از یک شب اقامت خواستند مشهد را ترک کنند گفتم بمانید تا به جاهای بکری در اطراف مشهد برویم. هرجا را که نام بردم از قـره تیکان و چهچه و پل خاتون و لنگر و هزار مسـجد و جز آن، همه را رفته بود و خویش هم رفته بود؛ دیدم که زیره به کرمان آورده ام و خرما به بصره می‌برم. بعدها در پاره‌های ایرانشناسی که دربخارا منتشر می‌کرد خواندم که در بازگشت در کوههای دره گز و کلات با همان پاترول کذایی به جاهایی رفته بودند که اسـمش بعضاً به گوش خراسان‌شناسی ما هم نخورده بود. از روان تابناک ایرج افشـار سپاسگزارم که یک بار دیگر هم، برخلاف سـنتی که بدان وفادار بود، دعوت مرا پذیرفت و برای شـرکت در همایش بزرگداشت فردوسی با عنوان «متن‌شناسی شاهنامه ـ از تهران تا توس» در اردیبهشت ماه ۱۳۸۵ به مشهد آمد و همه را سرفراز کرد. با حضور امثال او و خالقی مطلق و امید سالار و رسول هادی‌زاده و محمد نوری عثمانوف و اسـلامی ندوشن و مصطفی جیحونی و منصور رسـتگار فسایی و محمد دبیرسیاقی و جلال الدین کزازی و عزیزالله جوینی و چندین شاهنامه شناس جوان دیگر بود که می‌توانم ادعا کنم که جلسـه‌ای به‌این بار آوری برای بحث و گفتگو دربارهٔ شاهنامه شاید ازکنگرهٔ هزارهٔ فردوسی (۱۳۱۳) به‌این طرف در جایی تشکیل نشده است.

ادامه در صفحه۸۹












احمد نساجی

دروازۀ ورود بهار به ایران

استان خوزستان با مرکزیت شهر زیبای اهواز، یکی از استانهای پهناور و زیبای ایران است که با طبیعت با طراوت و شاداب خود همه ساله تعداد زیادی از مسافران نوروزی را پذیرا بوده و هست، این استان را به خاطر زیباییهای طبیعی که دارد می توان دروازه ورود بهار به کشور ایران نامید، چرا؟ چون در حالی که در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، کردستان، همدان و کرمانشاه برف و باران و هوای سرد را شاهد هستیم، مزارع سرسبز و خرم شهرهای خوزستان خبر از بدرقه زمستان و پذیرایی از بهار را می‌دهند.

بهار خوزستان تقریبا از اوایل اسفندماه آغاز می‌شود و تا پایان فروردین و اواسط اردیبهشت ادامه می‌یابد و از آن به بعد هوا رو به گرمی می‌رود و تابستان این استان با ویژه‌گی‌هایی که دارد رخ می‌نمایاند که آن هم خود داستانی مفصل دارد.

از این استان در سنین جوانی خاطرات بسیار خوبی را داشتم ولی در سال ۱۳۴۷ وقتی کار خود را در بهداری کل خوزستان آغاز کرده و در آن استان به کار مشغول شدم، به مناسبت مسئولیت‌هائی که داشتم استان را کامل‌تر و بهتر شناختم.

شناخت من قبلاً از خوزستان فقط اهواز، آبادان و خرمشهر بود ولی وقتی در مسئولیت‌های کاری شهرهای دزفول، اندیمشک، شوش، مسجد سلیمان، رامهرمز، بهبهان، سوسنگرد، شوشتر و ایذه را با بخش‌های تابعه دیدم، مشاهده کردم که خداوند متعال چه اثرات باشکوهی را از بهار در این مناطق رقم زده است منطقه ایذه که در شمال خوزستان قرار دارد گویی زیباترین تابلوی طبیعت است که در مقابل دیدگان هر بیننده‌ای قرار گرفته است، عطر پونه‌ها و بابونه‌های معطر، سبزی و خرمی مزارع و کوه پایه‌ها، بهاری بس زیبا را دارد که واقعاً می‌توان در این منطقه به خوبی آن را حس کرد شهرستان قدیمی و باستانی شوشتر با آبشارهای زیبا و دیدنی، بهبهان با کوچ بهاره‌ی ایلات و عشایر، مسجد سلیمان با کوه تپه‌های سبز و خرم، دزفول با مزارع کشاورزی پهناور و کانال‌های زیبای آب‌رسانی، رامهرمز با سابقه تاریخی کهن و سوسنگرد با مزارع تولیدی و پربرکت خود نمونه‌ای از سرسبزی و بهار با طراوت خوزستان هستند که یک دنیا زیبایی را با خود به همراه دارند.

طی سال‌های پس از ۱۳۴۷ همه ساله از ۱۵ اسفندماه تا ۱۵ فروردین ماه، اقداماتی همه جانبه را در بهداری کل خوزستان آن زمان با همکاری بسیاری از ادارات کل استان به مرحله اجرا می گذاشتیم و آماده پذیرایی از مسافرین نوروزی می‌شدیم.

در منطقه ورودی به استان خوزستان و در محلی قبل از شهر اندیمشک کمپ‌های امداد و درمان اورژانس دایر و فعال می‌شدند و مشابه همین کمپ‌ها در دیگر ورودی‌ها و خروجی‌های شهرهای استان فعالیت‌های خود را آغاز می‌کردند و در خدمت مسافران نوروزی بودند.

طی این مدت یک ماهه یعنی ۱۵ اسفند تا ۱۵فروردین اکیپ‌های سیار بهداشتی شامل بهداشت محیط وضعیت بهداشتی رستوران‌های مسیر جاده‌های خوزستان را کنترل و نظارت می‌کردند، اکیپ‌های آموزش بهداشت به همراه گروه‌های بهداشت محیط در مسیر جاده‌ها حضور داشته و آموزش‌های لازم را به کارکنان و مسئولان رستورانهای مذکور داده و آن‌ها را ملزم به رعایت نکات بهداشتی در زمینه بهداشت فردی، بهداشت مواد غذایی و بهداشت محل کار می‌کردند تا مساله و مشکلی برای میهمانان استان پیش نیاید، واحدهای درمانی در مراکز بهداشتی و درمانی شهرها به حالت آماده‌باش بوده و در خدمت کلیه‌ی مسافران بودند این روش کاری همه ساله به خوبی انجام می‌شد و هر سال تعداد کثیری از هم وطنان ما میهمان نوروزی استان خوزستان بودند و امیّد ما بر آن بود تا در پایان سفرشان با یاد و خاطره‌ای خوش استان ما را ترک نمایند که البته همین‌طور هم بود.

این رضایت‌مندی مسافران نوروزی ما را بر آن می‌داشت تا در برنامه‌ریزی‌های سال بعد مُصمّم‌تر، دل‌گرم‌تر و با انگیزه‌تر باشیم زیرا در آن سال‌ها استان خوزستان اکثراً رتبه اوّل در پذیرایی از میهمانان نوروزی را در سطح کشور داشته و بیشتر سال‌ها این رتبه را به خود اختصاص می‌داد.

انجام این برنامه یعنی پذیرش میهمانان نوروزی به خوبی ادامه داشت تا این‌که در شهریورماه ـ ۱۳۵۹ جنگ نابرابر تحمیلی عراق بر ایران آغاز شد و همه چیز را به هم ریخت و خراب کرد، از جنگ نگوییم که همه‌ی ملت شریف و صبور و بُردبار ایران اسلامی آن را به خوبی می‌شناسند و از ماهیت آن باخبرند پس دیگر از آن چیزی نگوییم و بپردازم به این موضوع که با شروع جنگ، برنامه‌های جاری جای خود را به برنامه‌های جنگی داد و کارها فُرم و شکل دیگری به خود گرفت خوزستان میزبان و مهربان حالا به خوزستان پایدار و قهرمان تبدیل شده بود و چون دلاورانه در برابر متجاوزین جنگ تحمیلی ایستاده و مقاومت و فعالیت می‌کرد دیگر فرصت پذیرایی از میهمانان هم‌وطن را در ایام نوروز نداشت.

در طول سال‌های جنگ تحمیلی برنامه‌های کاری با همان فُرم و شکل جنگی ادامه داشت تا اینکه برنامه آتش‌بس و توقف جنگ اعلام و خوزستان رزمنده و دلیر و پایدار و مقاوم نفسی به راحتی کشید ولی هنوز هم فرصت پذیرایی از میهمانان خود را نداشت چون باید خود را می‌آراست و گرد جنگ از چهره می‌زدود، باید به بازسازی می‌پرداخت، باید چهره‌ی قهرمانانه و دلاورانه خود را با رفع خرابی‌ها شاداب و پُرنشاط نشان می‌داد که البته همین کار را هم کرد و زمانی که پس از جنگ آماده‌ی پذیرایی از میهمانان خود در ایام نوروز شده بود، گویی میهمانان این استان طی چند ساله‌ی گذشته‌ی جنگ، استان‌های دیگر را تجربه کرده بودند و یار دیرین خود یعنی خوزستان را فراموش کرده بودند، البته بعد از جنگ اقدامات زیادی برای پذیرش میهمانان نوروزی صورت گرفت و میهمانان زیادی هم به این استان سفر کردند ولی در سال‌های قبل وقتی سه استان مقام اول تا سوم را که بیشترین گردشگر و مُسافر نوروزی را پذیرا بوده و معرفی کردند با کمال تعجب شاهد بودم که استان خوزستان جزء آن‌ها نبود، این موضوع برای من که اکثر سال‌ها شاهد مقام اوّل تا سوّم این استان در پذیرش گردشگر در ایام نوروز بودم قدری ناراحت‌کننده بود که چه عاملی باعث شده که این چنین شود.

البته طی سال‌های پس از جنگ و سال‌های اخیر مسافران گرانقدر راهیان نور با سفرهای خود به استان خوزستان شور و حالی وصف‌ناپذیر را در مسیر جاده‌ها و شهرهای خوزستان به وجود آورده که به خوبی شاهد آن هستیم و حضور عزیزان راهیان نور علاوه بر اینکه استان را پُرجُنب و جوش و شاداب و فعال می‌کند یاد و خاطره‌ی رزمندگان دلاور سال‌های دفاع مقدس و شهدای گرانقدر آن سال‌ها را زنده کرده و تداوم می‌بخشد، ولی چرا سه استان دیگر رتبه اول تا سوم را کسب می‌کنند و خوزستان در رده‌های بعدی قرار می‌گیرد؟ حتماً لازم است قدری بیشتر بر این موضوع اندیشه شود و با برنامه‌ریزی‌های دقیق موضوع تحت بررسی قرار گیرد تا نتیجه‌ای مطلوب حاصل شود، امید آنکه در این فرصت باقی مانده تا نوروز ۹۳ مسئولین محترم استان به گونه‌ای تبلیغات و اطلاع‌رسانی‌ها را آغاز کنند و امکانات لازم را برای مسافرین فراهم کنند که آن جذابیّت گردشگری به خوزستان بازگردد.

خوزستان اگر دروازه ورود بهار به کشور عزیزمان می‌باشد، دروازه عزت و شرف و غیرت و پایداری و پای‌مردی هم هست که لازم است دیگر هموطنان عزیزمان این همه عزت و شرف و غیرت و مقاومت و ایستادگی را از نزدیک ملاحظه و مشاهده کرده و برای مدتی هر چند کوتاه هم که شده میهمان دل‌های دریایی و مهربان مردم خون‌گرم خوزستان باشند، مردمی که مهربانند، مردمی که فداکارند مردمی که صدیق و صادقند و میهمانان خود را از صمیم قلب دوست دارند.







نوروز طلیعه بهار

نوروز باستانی نخستین روز بهار و جشن بزرگ ایرانیان است که با جشن طبیعت دمساز است و با شور و نشاط او همراز، این روز پیروز ما را بیاد روزگاران سرافرازی و نیرومندی نیاکان‌مان می‌اندازد که با فرّوشکوهی تمام در برپایی این جشن بزرگ شادی‌ها کرده و شادباش‌ها نثار هم نموده‌اند.

این روز یادآور دورانی است که نیاکان ما بر قسمت‌های بزرگی از جهان فرمانروایی می‌کرده و همه جا به رعایت خلق و عدالت گستری رفتار می‌نموده‌اند.

اهمیت نوروز که بر روی ما بهار دل افروز را در می‌گشاید و مژده فرح و شادی را به گوشمان فرو می‌خواند یکی این است که کشورهای متعلق به ایران بزرگ را که در میانشان فاصله افتاده یادآور پیوندی دیرینه سال می‌شود و محبت پدرانه و فرهنگ خاندانی را به آنان گوشزد می‌کند.

بهار فصل سرزندگی طبیعت است که پس از دمسردی زمستان برای جهانیان دلگرمی به ارمغان می‌آورد و به گل‌ها و گیاهان فرمان می‌دهد که سر از خاک به در آوردندو فضا را به رنگ و بوی دلاویز خود فرح و نشاط بخشند به درختان جامه زمّردین می‌پوشاند و با شکوفه‌های دل آرا زیور می‌بخشد.

بهار فصل گردش و تفریح است تا به باغ‌ها و گلستان‌ها رویم از دیدار ریاحین رنگارنگ و درختان شکوفه بار و نسیم روح بخش بهاری نفسی تازه کنیم و حظی بی‌اندازه بریم در اسرار آفرینش بیندیشیم و بر مناظر شکوهمند دیده تحقیق و تأمل بازگشاییم.

درین سیروگشت گل‌ها را به رنگ‌های گونه‌گون و بوهای مختلف می‌یابیم و بر نقشبندی‌های نقاش ازل تکبیر می‌گوییم؛ از این که هر گلی را به بویی و رنگی خاص می‌نگریم از پدیده رنگ به عظمت آفرینش دیدگان خود که چگونه رنگ‌ها را متفاوت می‌نگرد و به تنوع حس شامه خویش که چگونه هر بویی را به گونه دیگر درک می‌کند شگفت زده می‌شویم و بر خلقت پر راز و رمز پروردگار سر تعظیم فرود می‌آوریم.

هنگامی که آوای دل‌انگیز پرندگان را از فراز شاخسار درختان می‌شنویم و شور و نشاط مرغان بهاری را می‌نگریم که از شاخه‌ای به شاخه دیگر می‌پرند و نغمه‌های طرب سر می‌دهند لذّت می‌بریم و از این هم آهنگی احساس خود با شوق و ذوق طیور درک شعف می‌کنیم.

حلول سال نو و فرارسیدن فصل بهار ما را به اندیشه‌های دیگر نیز رهنمون می‌شود که سالی از عمر ما گذشت و چه بسا سال‌های دیگر نیز بگذرد. اما در طی لحظه‌ها و دقایق شبان و روزان آیا چه کار شایسته‌ای کرده و چه ترازنامه‌ای از حرکت و سکون خود می‌توانیم به خویشتن خویش نشان دهیم و منصفانه داوری کنیم که ازین بابت خرسندیم یا دل‌نگران، از خود می‌پرسیم که چه خدمتی به همنوعان کرده و چه باری از دوش مستمندان برداشته‌ایم؟ آیا چه گامی در راه خشنود کردن خدا زده و چه تخمی در زمین اعمال خود کاشته‌ایم اینها اندیشه‌هایی است که سرانجام راهی به دهی می‌برد و در آینده ما را رهسپار طریقت خیر می‌سازد پس بهار را عزیز بداریم و از آن توشه همت برگیریم. بهار را گرامی شماریم و به شکرانه کیفیتی که در آن است کمر به خدمتی شایسته نسبت به کشور و هم‌میهنان عزیز ببندیم.

سرشک نوبهاری

ادیب برومند

سپیده‌دم سرشک نوبهاری
به دل بخشد صفای سبزه‌زاری

به باغ اندر سحاب پرنیان پوش
کند طرف چمن را آبیاری

به کهساران همی‌غرّنده تندر
بغرّد چون پلنگ از بی‌شکاری

به دشت اندر گُرازد[1] آهوی نر
به‌کشّی[2] چون به‌شطّ اندر سُماری[3]

صبا دلجویی دلدادگان را
خرامد زی چمن با مُشکباری

تو گویی کاروان «تبّت» آمد
به بار اندرش، بس مُشک تتاری

بنفشه با «سِپرغَم»[4] دوش بر دوش
دهند آذین به بزم جویباری

تو گویی عکس گیرد از در و دشت
چو رخشد آذرخشِ[5] کوهساری

وثاق از بوی گل چونان که خادم
بر آتش افکند عود قُماری[6]

چَرَد در مرغزاران برّه با میش
کند آوای زنگش غمگساری

به شادی گل برد دهقان به دامن
چو شوید ابر، دامان صحاری

به طرف بوستان، شوریده سارک
به شاخ سروبر، گویان قناری

یکی خوانَد حدیث آفرینش
یکی گوید ثنای ذات‌باری

چو قمری دم زند از شعر «خواجو»[7]
چکاوک سر دهد شعر «نزاری»[8]

بهار از ابر، قوسِ «آرشی» کرد
به فّرو صولت «اسفندیاری»

بود رنگین‌کمان بر بام گردون
و یا ابرو کمان ماه حصاری

تو گویی رایت[9] ایران زمین است
به وجد اندر به جشن نوبهاری

به حوض اندر صفای آب ساکن
به جوی اندر، سرود آب جاری

یکی بر سر گمارد شوق رامش
یکی در دل فزاید بی‌قراری

بود طرف چمن زاران دل‌آویز
مهیّا بهرِ عیش و کامکاری

چو نظم «فرّخی» بالطف، دمساز
چو نثر «بلعمی» از حشو، عاری

نشاط فصل را در گردش آیند
کنون هرکس به سویی در تواری[10]

یکی با دلبری پوید به شیراز
یکی با گلرخی تازد به ساری

***

الا الی همدم پاکیزه منظر
که منظور منی در خواستاری

در این موسم که طرف باغ و صحرا
به نازک طبعی و رنگین عذاری

مرا خوانَد به عیش و شادروزی
تو را خواند به سوی شادخواری

بر افروز آن رخ گلگون به اکرام
برافراز آن قد موزون به یاری

ممان کز فرقتت مانم در اندوه
مَهِل کز دوری‌ات گریم به زاری

بیا تا با هم اندر باغ و گلشن
کنیم اکنون ز رامش خواستگاری

مسیر سیل غمها جانشکار است
بیا باشیم از این معبر کناری[11]

«ادیب» این چامهٔ نیکو فرستاد
به نزدیک تو بهر یادگاری

۱ـ گزاریدن = دویدن
۲ ـ کشّی = زیبایی
۳ ـ شماری = کشتی کوچک
۴ ـ سپرغم = نام گلی است
۵ ـ آذرخش = برق
۶ ـ قماری = منسوب به قمار از شهرهای ترکستان
۷ ـ خواجو = از شاعران مبرز ایران در قرن هشتم هجری
۸ ـ نزاری قهستانی = از شاعران مشهور ایران در قرن هفتم هجری
۹ ـ رایت = پرچم ـ علم
۱۰ ـ تواری = جابجا شدن
۱۱ ـ کناری = برکنار بودن





در باب پیدایش نوروز



■ **میترا نصر اصفهانی**

نوروز no [w]–ruz بزرگترین جشن ملی اقوام ایرانی که از نخستین لحظات سال نو شمسی آغاز می‌شود؛ به معنای روز نو، روز تازه است.

«کلمه نوروز در لفظ به زبان سغدی که زبان ارمنیان امروزه نیز می‌باشد، «نوسَرد» یا «نَوَسَرد» یا «نوسَرد» است که معنای «سال نو» دارد و در زبان اوستایی با لفظ «سرذه» به معنی سال خورشیدی تلفظ می‌شود.» (منصوره میر فتاح، ۱۳۸۹، صفحه ۱۴۷)

جشن فروردین، جشن بهار، بهار جشن، آنگاه که روز و شب برابر گردد، آغاز می‌شود و در اصل یکی از دو جشن بزرگ ایرانیان باستان بود.

«پارسایان در روزگار باستان، دو فصل گرما و سرما داشتند. فصل سرما ده ماه و فصل گرما ۲ ماه، چنانکه در وندیداد (از متون کهن ومقدس زرتشتیان) فرگرد اول بند ۲ و ۳ آمده، بعدها در دو فصل مزبور تغییری پدید آمد و تابستان ۷ ماه، زمستان ۵ ماه شد؛ در هر یک از این دو فصل جشنی (مهرگان ونوروز) برپا می‌شد که هر دو آغاز سال نو به شمار می‌رفت.(محمد معین، ۱۳۸۲،۱۵۵۸)

مطالعات بسیاری در مورد چگونگی پدید آمدن نوروز و چرایی جشن در آن روز بخصوص صورت گرفته است که آن موارد عبارتند از:

۱- نوروز روز خلقت انسان است.

باور زرتشتیان بر آن است که در گهنبار (مرحله) ششم، خلقت انواع کامل شده و اهورامزدا پس از تکمیل آفرینش، آرام یافته و در گرزمان (عرش) خویش آسوده است.

دین اسلام و یهودیت هم، مانند کیش زرتشت، طول مدت آفرینش را شش وعده می‌داند. شش هنگام امّا نه در شش روز متوالی، بلکه در مدت ۳۶۵ روز.

«در آغاز فصل ۲۵ بندهش (یکی از متون کهن و مقدس زرتشتی) چنین می‌خوانیم:

اهورامزدا فرمود: آفرینش جهان در۳۶۵ روز که شش گاهانبار (شش وقت) سال باشد انجام گرفت.» (عبدالعظیم رضایی، ۱۳۸۱، ۹۶)

«در گهنبار اول، اهورامزدا آسمان و کهکشان و ستارگان را خلق کرده است و در گهنبار دوم، آب‌ها را خلقت کرد؛ در گهنبار سوم خلقت زمین پایان یافته است؛ در چهارمین گهنبار گیاهان و درختان خلق شده‌اند و در گهنبار دیگر خداوند، جانوران را خلق کرد «و بالاخره در گهنبار ششم موسوم به همسپتمدم (Hamas path Modom) یعنی آخرین روز سال کبیسه، انسان زمینی حیات یافته است.» (منصوره، میرفتاح، ۱۳۸۹، ۱۴۶)

بر اساس این باور، ایرانیان، آخرین روز سال یا اولین روز فروردین را جشن می‌گیرند و آن را روز نو می‌خوانند تا از خداوند سپاسگزاری کنند.

۲- نخستین روز فروردین به باور بسیاری از مردم، آغاز هستی و جنبش است.

آغاز هستی و حیات کیهان در کتاب بندهش، روز هرمزد از ماه فروردین، نخستین روز فروردین است و آن را هنگام نیمروز می‌دانند؛ زمانی که شب و روز با هم برابر است.

«نخستین روز فروردین، اولین روز سال نو است و این روز با دخول آفتاب به برج سرطان مطابق بود؛ طبق زیج‌های مردم در آن زمان بود که، سال‌ها را کبیسه کردند. این بود که نوروز را دلیل آفرینش جهان دانستند و گفتند درین روز بود که خداوند افلاک را پس از آنکه مدتی ساکن بودند به گردش درآورد و...» (ابوریحان بیرونی، ۱۳۶۳، ۳۲۴)

«چون آن وقت را دریافتند ملکان عجم، از بهر بزرگ داشت آفتاب را و از بهر آنکه هر کس این روز را در نتوانستندی یافت؛ این روز را جشن ساختند و عالمیان را خبر دادند تا همگان آن را بدانند و آن تاریخ را نگاه دارند....» (عمر خیام، ۱۳۸۰، ۴)

۳- روز تاجگذاری جمشید (پادشاه پیشدادی) را روز نو خواندند.

«هر سیصد و شصت و پنج روز و ربعی که به اول دقیقه حمل بازآید (سال نو شروع می‌شود)؛ چون جمشید آن روز را دریافت نوروز نام نهاد و جشن آیین آورد و پس از آن پادشاهان و دیگر مردمان بدو اقتدا کردند.» (عمر خیام، ۱۳۸۰، ۲)

گروهی معتقدند که در این روز، جمشید پس از انجام یک سری اصلاحات اجتماعی بر تخت زرین نشست و فاصله بین دماوند تا بابل را در یک روز پیمود؛ چون مردم این شگفتی را از وی بدیدند؛ جشن گرفتند و آن روز را نوروز خواندند.

«... پس بفرمود (جمشید) تا جمله ملوک، اصحاب اطراف و مردم؛ حاضر شوند چه جمشید در سرای نو بر تخت خواهد نشست و جشن ساختند و ساعت گردش سال، در آن سرای به تخت نشســت و تاج بر سر نهاد و همه بزرگان جهان در پیش او بایسـتادند و جمشید گفت بر سـبیل خطبه: کی ایزد تعالی ارج و بهای ما تمام گردانید و تأیید ارزانی داشــت و در مقابل این نعمت‌ها بر خویشتن واجب گردانیدیم که با رعایا عدل و نیکویی فرماییم، چون این سـخنان بگفت، همگان او را دعای خیر گفتند و شادی‌ها کردند و آن آیین شد و آن روز هرمز از ماه فروردین بود و آن روز بسیار خیرات فرمود و یک هفته متواتر به نشاط و خرمی مشغول بودند.»(یحیی ذکاء، ۱۳۷۷، ۳۶)

«جمشید از حرب سیاهان و دیوان اندرین روز باز آمد با ظفر و فیروزی و غنیمت فراوان آورده پس آن روز که جواهر غنیمـت آورده بود بر تخت خویش انبار کرد تا هر کس ببیند. سـپس آفتـاب از روزن انـدر افتاد و همه خانـه، از عکس آن جواهرات، روشن گشت؛ بدین سبب او را «شید» لقب کردند و شید به پارسی روشنایی بود و آفتاب را بدین سبب خورشید گویند...» (یحیی ذکاء، ۱۳۷۷، ۳۳)

فردوسـی در شاهنامه نیز آغاز سال نو، نوروز را اینچنین می‌داند:

«بفـر کیانـی یکـی تخت سـاخت
چـه مایـه بدو گوهر اندر شـناخت
چـو خورشـید تابـان میـان هـوا
نشسـته بـرو شـاه فرمانـروا
جهـان انجمن شـد بـر تخت اوی
فـرو مانـده از فـره ی بخـت اوی
بـه جمشـید بر،گوهـر افشـاندند
مـرآن روز را، روز نـو خواندنـد
سـر سـال نـو، هرمـز فرودیـن
بـر آسـوده از رنـج تـن، دل ز کین
بـزرگان بـه شـادی بیاراسـتند
مـی و جام و رامشـگران خواسـتند
چنیـن روز فـرخ از آن روزگار
بمانـده از آن خسـروان یـادگار»

۴- نوروز جشن آغاز فصل گرم است.

این جشـن در اصل یکی از دو جشن بزرگ بود که یکی در آغاز فصل سـرد و دیگری به هنگام شـروع فصل گرم برپا می‌شده است؛ زیرا که ایرانیان در اعصار گذشته دو فصل گرم و سرد داشتند و سال به دو بخش تقسیم می‌شد.

فصـل گـرم وقتی بود که گله‌ها را از آغل‌ها به چمن‌های سبز و خرم می‌کشانیدند و دیگری (آغاز فصل سرد) که گله‌ها را به آغل‌ها کشانیده، توشه سرما تهیه می‌دیدند.

از بیان بندهش چنین بر می‌آید که در عهد بسـیار کهن، سال از اول تابستان (انقلاب صیفی) و با ماه تیر آغاز می‌شده؛ از سوی دیگر در می‌یابیم که، در زمانی، سال با اول تابستان شروع می‌شده ولی نه با تیر ماه، بلکه با فروردین ماه؛ ابوریحان بیرونی اوّل سال ایرانیان را در فروردین و در انقلاب صیفی می‌داند و اعیاد خوارزمی نیز، مؤید این مدعا است.

۵- نوروز روز شادی بزرگ، پس از گریه و نوحه‌سرایی است.

ایرانیان باستان جشنی داشته‌اند به نام فروردگان و آن ده روز طول می‌ کشـیده که در پایان سال گرفته می‌شد؛ ظاهراً در واقع روزهای عزا و ماتم بوده نه جشن شادی.

چنانکه بیرونی راجع به همین روزهای آخر سال در نزد سـغدیان می‌گوید: «در آخر ماه دوازدهم «خشـوم» اهل سغد بر مردگان پیشـین خود گریه می‌کنند و بر آنان نوحه می‌زنند و رویهای خود را می‌خراشـند و برای مردگان طعام و شـراب می‌برنـد؛ چنانکه ایرانیان در فروردگان به همین طریق رفتار می‌نمایند.» (ابوریحان بیرونی، ۱۳۶۳، ۳۶۳) و «ظاهراً به همین جهت جشن نوروز که پس از آن می‌آید، روز شادی بزرگ بوده است؛ علاوه بر آنکه جشن آغاز سال محسوب می‌شده است.» (محمد معین، ۱۳۸۴، ۱۵۵۹)

از مطالعـات و بررسـی‌های فـراوان انجام شـده دراین خصوص چنین بر می‌آید:

۱- مورد اوّل: روز خلقت انسـان و دوم: آغاز هستی؛ در صورتی می‌تواند درست باشد که، در کتب آسمانی به خصوص اوسـتا، چنین مواردی آمده باشد؛ زیرا به طور یقین، انسانها به خودی خود نمی‌توانند از آن، مطلع گردد؛ مگر آنکه از سـوی دین و پیشـوای آیینشان به آنها گفته شود و به برگزاری جشن فرا خوانده شوند؛ که در مطالعات خود به چنین نکته‌ای برخورد نکردم؛ البته امکان بودن آن را نیز نمی‌توان نقض کرد.

۲- سـومین فرضیه: تاجگذاری جمشـید در نوروز؛ به اسـتناد آثار کهن ادبیات فارسـی تا حدودی پذیرفتنی است؛ زیرا همواره نظام سیاسـی و اجتماعـی حاکم بر جامعه، نفوذ چشـمگیری در بنیان‌های فرهنگی، مراسم جمعی و برگزاری جشن‌ها، در طول تاریخ داشته است.

۳- جشـن آغاز فصل گرم نیز می‌تواند با پیدایش نوروز هم‌خوانی داشته باشد؛ زیرا در زمان کهن، طبیعت، وجود هوای مناسـب و آب فراوان، نقش بسـیاری در شـکل گیری و ادامه زندگی بشـر داشـته است علاوه بر آنکه پیشـه اکثریت مردم، کشـاورزی بوده؛ در نتیجه، پایکوبی و دست‌افشـانی در روز آغاز گرما با آن زمستان‌های بسیار سرد گذشته، کاملاً طبیعی و خودجوش به نظر می‌رسد.

۴- فرضیه پایانی، شادی بزرگ پس از گریه و نوحه‌سرایی به نظر مردود می‌رسد؛ زیرا منشاء غم ذکر نشده و دلیل شادی نیز. علاوه بر آن، برای چنین مراسم نوحه‌سرایی، کلمه جشن به کار نمی‌رفته اسـت و این نکته حائز اهمیت اسـت که در ایران باستان گریه و اندوه چندان رایج نبوده است بر خلاف آنچه در قرن‌های پسـین، به موجب حمله اقوام مختلف به ایران شاهد آن هستیم.

۵- با در نظر گرفتن تمامی فرضیه‌های بیان شده، جشن آغاز فصل گرم و تاجگذاری جمشـید می‌تواند به نظریه مبدل شود و به صورت عقلانی پذیرفته شود.

منابع:

۱- آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیر ایران، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۰، چاپ هفتم، ۱۳۸۴. ۲- انوری، حسـن، فرهنگ بزرگ سـخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱. ۳- برومند سعید، جواد، نوروز جمشـید (پژوهشـی نوین در پیدایی نوروز)، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۷. ۴- بلوکباشـی، علـی، نوروز، جشـن نوزایی آفرینـش، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگـی، ۱۳۸۰. ۵- بیرونی، ابوریحان، التفهیم لاوائل صناعـه التنجیـم، تصحیـح همایی، جلال الدین، تهران، انتشـارات بابک، ۱۳۶۲. ۶- بیرونـی، ابوریحان، آثار الباقیه، ترجمه داناسرشـت، اکبر، تهران، انتشـارات امیرکبیـر، ۱۳۶۳، چاپ سـوم. ۷- پورداوود، ابراهیم، فرهنگ ایران باسـتان، بخش نخسـت، تهران، انتشـارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶. ۸- پیرنیا، سیدعلی، فرهنگ مردم (فولکلور ایران)، تهران، نشر پارسا، ۱۳۶۹، چاپ اول. ۹- خیام، عمر بن ابراهیم، تصحیح مینوی، مجتبی، نوروزنامه (رساله‌ای در منشأ و تاریخ آداب جشن نوروز)، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰. ۱۰- دادخواه، محمد علی، نوروز و فلسفه هفت سین، تهران، حروفیه، ۱۳۸۲. ۱۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، سـازمان لغت نامه دهخدا، چاپ سـیروس، ۱۳۳۷. ۱۲- ذکاء، یحیی، نوروز و بنیادهای نجومی آن در همبستگی با تخت جمشید، انتشارات گنجینه هنر، ۱۳۷۷. ۱۳- رضایی، عبدالعظیم، تاریخ ده هزار سـاله ایران، جلد ۱، تهران، اقبال، ۱۳۸۱. ۱۴- رضایی، عبدالعظیم، تاریخ نوروز و گاهشـماری ایران، تهران، انتشارات دُر، ۱۳۷۸. ۱۵- رضی، هاشم، جشن‌های آتش، تهران، انتشـارات بهجت، ۱۳۸۵، چاپ چهارم. ۱۶- شـعبانی، رضا، آداب و رسـوم نـوروز، تهران، الهدی، ۱۳۷۹. ۱۷- شـفیعی کدکنی، محمدرضا، بوی جوی مولیـان، تهران، ۱۳۵۶، چـاپ اول. ۱۸- معین، محمـد، گردآورنده عزیزی، عزیزالله، فرهنگ فارسـی جیبی، تهران، راه رشد، ۱۳۸۲. ۱۹- مولانا، گلچینی از غزلیات شـمس تبریزی، تهران، انتشارات اسکندری، ۱۳۴۳. ۲۰- میرفتاح، منصوره، جشن‌ها و آیین‌های ایرانی از دیرباز تا امروز، تهران، محمد، ۱۳۸۹. ۲۱- هدایت، صادق، گردآورنده هدایت، جهانگیر، فرهنگ عامیانه مردم ایران (نیرنگستان، اوسانه، ترانه‌های عامیانه، آثار تحقیقی و آثار چاپ نشده)، تهران، نشـر چشمه، ۱۳۷۸. ۲۲- هینلز، جان راسـل، ترجمه آموزگار، ژاله، تفضلی، احمد، شـناخت اساطیر ایران، تهران، نشـر چشمه، ۱۳۷۳، چاپ پنجم. ۲۳- یوشـیج، نیما، گردآوری طاهباز، سیروس، مجموعه کامل اشعار نیما یوشیج، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۰.



هفت سین؛ حقیقت خوان نوروزی



■ میترا نصر

یکی از آیین‌های احتمالاً شش هزار ساله ایران باستان که تـا این زمان برجای مانده و همچنان مورد توجه عام و خاص قرار دارد؛ جشن نوروز است.

از زمان باستانی ایران، نوشته‌های مـورد اعتمادی که پیرامون این آیین اطلاعاتی داده باشد در دست نیست؛ در اوستا نیز هیچگونه اشاره یا گفتگویی در این مورد دیده نمی‌شود؛ شاهنامه فردوسی هم -دومین کتاب معتبر تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم -از چند و چون نوروز اطلاع در خور توجهی نمی‌دهد. عـلاوه برآن، به دلیل وجود ادبیات شفاهی و نقل سینه به سینه این آداب و رسوم، لغزش‌ها و افسانه‌های فراوان با حقیقت آمیخته شده است؛ از این رو این جشن با ابهام‌های فراوان همراه است و بازشناسی آن دشوار است. با وجود این، به نظر می‌رسد؛ دو کتاب ابوریحان بیرونی، آثار الباقیه ترجمه اکبر دانا سرشت و التفهیم به تصحیح دکتر همایی و نوروز نامه عمر خیام، از همه کهن‌تر می‌باشد.

نوروز و خوان نوروزی ریشه‌ای عمیق در تاریخ، جغرافیا، اسطوره، مذهب و فرهنگ کهن سرزمین ایران دارد و با ادبیات فارسی نیز رشته‌ای ناگسستنی ایجاد کرده است تا بدانجا که تمام شعرا و نویسندگان در این مورد، شعر یا مقاله‌ای را اثر کرده‌اند:

«شکوفه‌ها را بنه، خیز و بنگر
که چگونه زمستان سرآمد
جنگل و کوه در رستخیز است
عالم از تیره رویی درآمد
چهره بگشاد و چون برق خندید» (نیما یوشیج، ۱۳۷۰، ۴۹-۵۰)

و مولانا قلم را به واژه در رقص می‌آورد و می‌گوید:

آمد بهار دوستان منزل سوی بستان کنیم
گرد عروسان چمن خیزید تا جولان کنیم
امروز چون زنبورها پران شویم از گل به گل
تا در عسل خانه جهان شش گوشه آبادان کنیم
(مولانا، ۱۳۴۴، ۱۵)

شفیعی کدکنی (م-سرشک) می‌گوید:

«بزرگا، گیتی آراء نقشبند روزگارا
ای بهار ژرف
به دیگر روز و دیگر سال
تو می‌آیی و باران در رکابت مژدهٔ دیدار و بیداری
و لبخند جوانه‌ها
که می‌رویند از تنواره پیران» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۶، ۴۰)

از مشهورترین مراسم جشن نوروز ایرانیان آراستن هفت سین (haft-sin) است و آن گرد آوردن هفت چیز است که نام آنها با حرف «س» آغاز می‌گردد. معمولاً بین اشیاء ذیل: سیب، سیاهدانه، سنجد، سماق، سیر، سرکه، سبزه و سمنو می‌باشد که پیش از تحویل سال در سفره‌ای می‌گذارند.

«بالای سفره هفت سین یک آیینه می‌گذارند دو طرفش شمعدان که در آن به عده اولاد صاحبخانه شمع روشن می‌کنند. چیزهایی که در سفره می‌گذارند از این قرار است: قرآن، نان بزرگ، یک کاسه آب، که رویش برگ سبز است، یک شیشه گلاب، سبزه، علاوه بر آجیل شیرین، شیرینی و ماهی. در خوانچه، هفت چیز که اسم شان با سین شروع می‌شود باید باشد: سپند، سیب، سیر دانه، سنجد، سماق، سیر، سرکه، سمنو، سبزی به اضافه ماست، شیر، پنیر و تخم مرغ رنگ کرده.» (صادق هدایت، ۱۳۷۸، ۱۲۵)

نویسندگان مختلف از جمله صادق هدایت، بهرام فره‌وشی، جواد برومند سعید، علی دادخواه، علی بلوکباشی و... در خصوص محتویات سفره هفت سین، نظرات متفاوت دارند.

از نگاه برخی: «در دوران ساسانیان (دوره پیش از اسلام) این سفره با عنوان «هفت شین» شهرت داشته و محتوی شمع و شراب، شیرینی، شهد (عسل)، شمشاد، شربت و شقایق و یا شایه بوده است» (میرفتاح، ۱۳۸۹، صفحه ۱۵۱)؛ در آن زمان، قالب‌های زیبا و منقش کائولین، مهمترین کالای بازرگانی چین بود که به ایران وارد می‌شد؛ این قالب‌ها به چینی معروف بودند و هفت خوراکی که در خوان نوروزی می‌نهادند در این ظروف قرار می‌گرفته به همین سبب به خوانچه نوروزی «هفت چین» نیز می‌گفتند و بعدها با ورود اسلام به ایران ورواج زبان عربی، به دلیل عدم وجود «چ» در زبان عربی به سین تغییر نام داد و علاوه بر این سرکه به جای شراب، به علت حرام بودن آن، جایگزین شده و «هفت شین» یا «هفت چین ایرانی» به «هفت سین» مبدل شده است.

گروهی نیز اینگونه استدلال می‌کنند: «ایرانیان باستان در سر سفره نوروزی از هفت گونه میوه خشک شده یا تر سود می‌جستند و آن را «هفت چین=هفت چیدنی» می‌نامیدند که عبارت بودند از سنجد، سماق، سمنو، سیب، سیر، سرکه و سبزی.» (رضایی،۱۳۷۸، صفحه ۴۷۳ و ۴۷۴)

بعضی نیز آن را گرفته از «هفت صنف» دانسته‌اند و «گروهی نیز این دلیل تراشی را تا آنجا ادامه داده‌اند که معتقدند «سین» در الفبای ابجد (۶۰) است. قدیمی‌ها به تدریج صفر آن را رها کرده و «سین» را «۶» می‌خوانند و این عدد شش معنی اش این است که آدمی باید از شش جهت، دنیا را ببیند.» (برومند سعید، ۱۳۷۷، ۳۲۷)

بداهه‌سرایی در ادبیات فارسی

ادامه از صفحه ۶۵

کرده و ناکرده!

«فضل الله کمپانی» در کتاب کشکول خود می‌نویسد: روزی ابوعلی سینا به مجلس ابوسعید ابوالخیر (عارف و شاعر نامدار قرن چهارم و پنجم هجری قمری) درآمد و ضمن صحبت در مورد عفو الهی چنین گفت:

مایییم به عفو تو تولا کرده
وز طاعت و معصیت تبرا کرده
آنجا که عنایت تو باشد، باشد
ناکرده چو کرده، کرده چون ناکرده

ابوسعید فی البداهه درپاسخ او گفت:

ای نیک نکرده و بدی‌ها کرده
وآنگه به خلاص خود تمنا کرده
بر عفو مکن تکیه که هرگز نبود
ناکرده چو کرده، کرده چون ناکرده!

بدیهه‌ای در وصف فرش برف

شبی در مرو برف زیادی بارید و سلطان سنجر (پادشاه سلجوقی) در آن وقت در مرو بود. مهستی شاعر معروف و خوش قریحه نیز در خدمت سلطان سنجر بود. سلطان که عزم شکار داشت، از مهستی پرسید که هوا چگونه است. مهستی نگاهی به بیرون انداخت و این رباعی را بالبدیهه بگفت:

شاها فلکت اسب سعادت زین کرد
وز جمله خسروان تو را تحسین کرد
تا در حرکت سمند زرّین نعلت
بر گل ننهد پای، زمین سیمین کرد!

اسباب خودبینی

روزی «زیب النساء»، بانوی شاعر فارسی زبان هندی (۱۱۱۲-۱۰۴۸ هجری قمری) در مقابل آیینه ایستاده بود که بادی وزید و آیینه را انداخت و شکست. پدر زیب النساء، «اورنگ زیب» که پادشاهی شاعر مسلک بود، در آنجا حضور داشت و با دیدن این صحنه گفت:

از قضا آیینه چینی شکست

دختر بلافاصله پاسخ داد:

خوب شد، اسباب خودبینی شکست!

جای چشم ابرو نگیرد، گرچه او بالاتر است!

روزی در مجلسی، حکیم خاقانی شروانی (۵۹۵-۵۲۰ هجری قمری) را زیردست شخص عاری از فضلی نشاندند. وی برآشفت و فوری قطعه‌ای ساخت و خطاب به شخصی که بالای دست او نشسته بود خواند:

گر فروتر نشست خاقانی
نه ورا عیب و نه تو را ادب است
«قل هو الله» بین که در قرآن
زیر «تبّت یدا ابی لهب» است!

بدیهه گویی ناصر

در دوران پهلوی، روزی آقای نواب، عده‌ای را برای صرف ناهار به باغ خود واقع در پشت باغ ملی (شهرداری کنونی) دعوت کرده بود، از جمله مرحوم «ناصر» که شاعر بود و «راد سرشت» رئیس اداره فرهنگ وقت.

ظهر گذشت و موقع ناهار خوردن شد. آقایان حاضر در جلسه گفتند آقای ناصر اشعاری بسرایند که کلمات نواب، طاهری و راد سرشت در آن باشد. از آنجا که هنوز ناهار را نیاورده بودند و کمی دیر شده بود، ناصر رباعی زیر را سرود:

در منزل نواب که بزمی است بهشت
من بودم و طاهری، دگر راد سرشت
آنها همگی در پی تعلیم علوم
من با پکری در پی مالیدن خشت!

بداهه کاتبی نیشابوری در وصف خودش!

«کاتبی نیشابوری» (شاعر نامدار دوره تیموریان) برای ملاقات با «بایسنغر بن شاهرخ میرزا» از نیشابور به هرات رفت و در محل اقامت او حاضر شد. پادشاه که با ندیمان و خواص خود نشسته بود، شخصی دید به غایت قوی هیکل و بلند قد، دستار پاره پاره بر سر و جامه ساربانان در بر. به او گفت: تو که هستی و از کجا و به چه کار آمده ای؟ جواب داد: مردی شاعر پیشه ام و از ولایت نیشابور آمده ام. بایسنغر گفت: مناسب حال خود بیتی بگو! شاعر فی البداهه جواب داد:

قد بلند دارم، دستار پاره پاره
چون آشیان لک لک بر کله مناره!

بایسنغر از این تعبیر لطیف خندید و او را در گروه شاعران دربار خویش جای داد.

مرگ کجاست؟

به بیدل دهلوی گفتند: شعری بگو که پایانی نداشته باشد. بی درنگ گفت:

به انگشت عصا، پیری حکایت می‌کند هردم
که مرگ اینجاست یا اینجاست یا اینجاست یا اینجا...

همشیرگان!

شیخی بر حاکم مشهد وارد شد. حاکم به اتفاق برادرش به کشیدن شیره مشغول بود. شیخ فرمود:

بر خلاف طبیعت و سیره
دو برادر شدند همشیره!

خانه میزبان کجاست؟!

وقتی میرزا علی اصغر خان اتابک (صدراعظم سه تن از پادشاهان قاجار) در انجمن سادات اخوی قصیده‌ای می‌خواند که مطلعش این است:

من نگویم که من سخندانم
بلکه در قالب سخن جانم

تا رسید به اینجا که گفت:

نیستم ریزه خوار خوان کسی
کائنات است جمله مهمانم

ظریفی برخاست و گفت:

یکی از جمله کائنات منم
خانه میزبان نمی‌دانم!

از سوز شمع تا سوزش سلمان!

شبی سلمان که پسر امیرشیخ حسن و دلشاد خاتون است، در مجلس سلطان اویس بود. چون مجلس منقضی شد، سلمان خواست که به منزل خود برود و شب تاریک بود، سلطان فراش را فرمود تا شمعی بزرگ با لگن زرین از مجلس همراه او ببرد. فراش، لگن و شمع را در منزل سلمان گذاشت تا او خودش برگرداند. چون سلمان بامداد به ملازمت سلطان آمد، فراش از سلمان لگن زرین طلبید و او بر بدیهه این دوبیت گفت:

من و شمعیم دو دلسوخته خانه سیاه
که شب او گرید و من از غم مردن سوزم
شمع خود سوخت شب دوش به زاری و امروز
گر لگن را طلبد شاه ز من، من سوزم!

سلطان خندید و آن لگن را به وی بخشید.

در جستجوی جوانی

در مجلس نورالدین جهانگیر، چهارمین پادشاه گورکانی هندی، سخن از پیری بود. او فی البداهه گفت:

چرا خم گشته می گردند پیران جهان دیده؟

نورجهان بلافاصله پاسخ داد:

به زیر خاک می جویند ایام جوانی را!

ماه مبارک

در جلد دوم کتاب «برداشت‌هایی از سیره امام خمینی» از قول حجه الاسلام و المسلمین برهانی آمده است: مرحوم آقای واعظ زاده خوانساری که از عالمان و بزرگان عرفان و اهل منبر و با امام خیلی مأنوس بود، یک روز به من گفت: آقای برهانی! امروز بیا به زیارت حاج آقا روح الله برویم. به محضر امام رفتیم. با توجه به سوابق رفاقتی که این دو با هم داشتند، امام به او فرمود: آقای واعظ زاده! ما به خاطر رفاقت با شما، همیشه بهره‌ای هم می‌بردیم؛ چه از مباحث علمی و چه از اشعار ادبی؛ تا امام این را فرمود، مرحوم واعظ زاده رباعی زیر را خواند:

گیرد همه کس کمند و من گیسویت
جوید همه کس هلال و من ابرویت
در دایره دوازده برج تمام
یک ماه مبارک است، آن هم رویت!

امام هم فی البداهه این رباعی را در پاسخ او سرود:

گشود چشم نگارم ز خواب ناز از هم
نظر کنید در فتنه گشت باز از هم
تو در نماز جماعت نرو که می‌تَرسم
کُشی امام و بپاشی صف نماز از هم!

بعد مرحوم واعظ زاده شعر معروف مولوی را خواند که:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند
وز جدایی‌ها شکایت می‌کند

امام در پاسخ فرمودند:

نشنو از نی کآن نوای بینواست
بشنو از دل کآن حریم کبریاست
نی بسوزد تل خاکستر شود
دل بسوزد خانه دلبر شود!

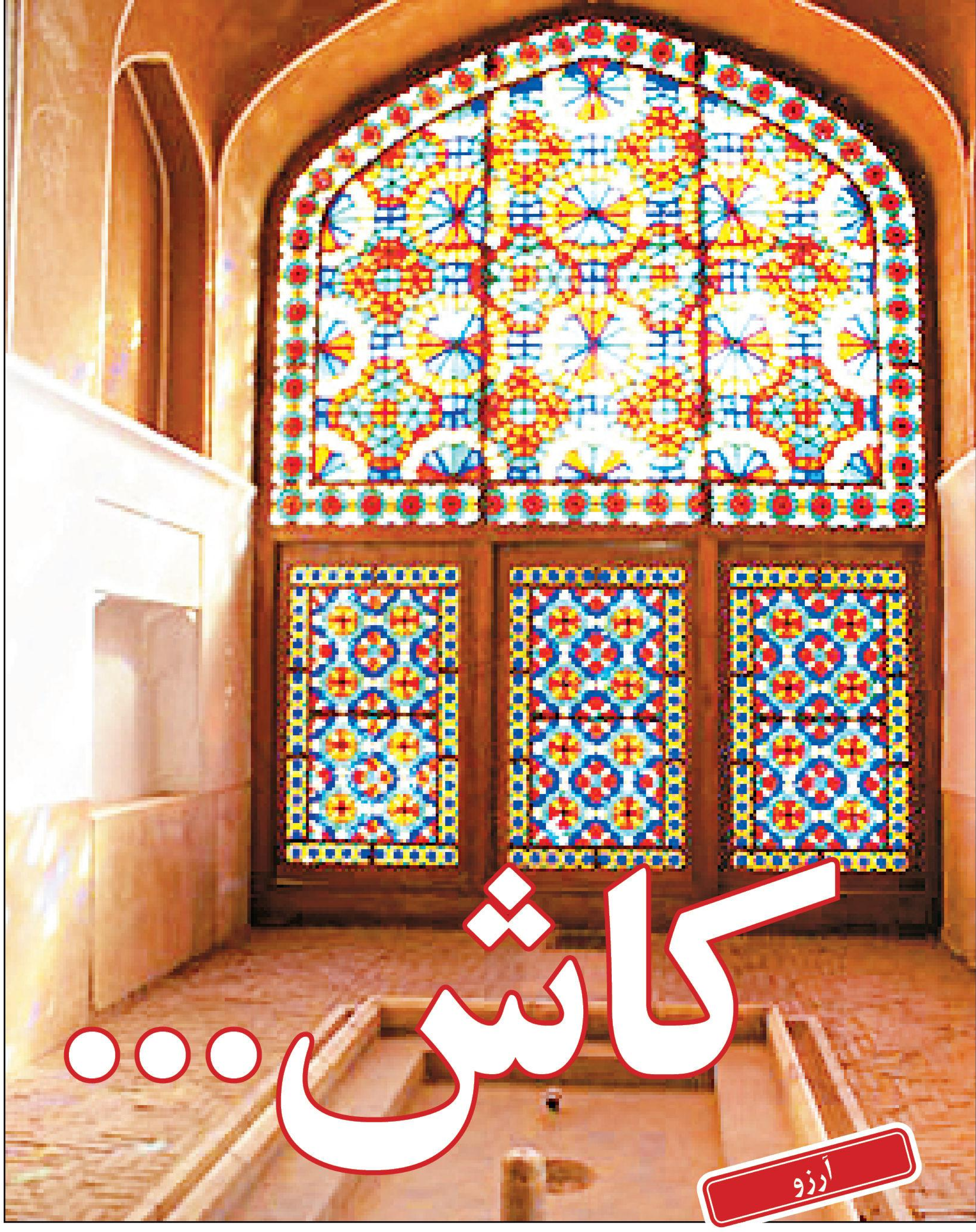
بداهه بهاری

در اوایل فصل بهار روزی ملک الشّعرای بهار و دیبا و شهریار با شخصی به نام علمداری از تهران به سوی کرج عازم شدند. مرحوم بهار در کرج دوستی داشت که به منزل او رفتند. چون میزبان خواست با همراهان بهار آشنا شود، مرحوم بهار بالبدیهه این دو بیتی را ساخته بر او خواند:

ای کرج سویت سه تن از شهر، یار آورده ام
با «علمداری» و «دیبا»، «شهریار» آورده ام
خلق می گویند از یک گل نمی گردد بهار
زین سبب سویت سه گل با یک «بهار» آورده ام!



طرح: حبیب‌الله صادقی



کاش...

آرزو

■ مجتبی نخجوانی



عصر یکی از روزهای بهاری ۱۰-۱۲ سال پیش، تنها در گالری نقاشی خود نشسته ومشغول مطالعه بودم. مرد جوانی، حدود چهل ساله، با سر و وضع و ظاهری تقریبا مرتب وارد گالری شد. از جای خود نیم خیز شدم و وی نیز به علامت احترام و اجازه، سری تکان داد و به تماشای تابلوها پرداخت. چنان با دقت و وسواس به یکایک تابلوها نگاه می‌کرد که حس کردم حتی ورق زدن کتابی که در دست داشتم، خلوت او را با تابلوها بهم خواهد زد.

معمولا از طرز تماشای هر کس به یک تابلوی نقاشی، می‌توانم به میزان علاقمندی او به هنر نقاشی پی ببرم. پس کاملا متوجه شده بودم که وی عاشق نقاشی است که این‌چنین محو تماشای تابلوها گردیده بود.

به آرامی، از نزدیک به جزئیات یک تابلو می‌نگریست، آنگاه کمی از آن فاصله می‌گرفت، اجزاء تابلو را با چشمان نیم باز به صورت یکپارچه تماشا می‌کرد و در نیمه راه تماشا، بناگاه یک لحظه حواسش معطوف تابلوی دیگری می‌شد و بلافاصله نگاه از آن برگرفته و به محدوده قاب تابلوی قبلی برمی‌گشت تا از تماشای آن سیر شود و سپس به حساب تماشای نقاشی بعدی برسد. کاری که خود من نیز معمولا در نمایشگاه‌ها و موزه‌ها، ناخودآگاه به هنگام تماشای تابلوهای مورد علاقه‌ام انجام می‌دهم.

ولع و اشتیاق او برای دیدن تابلوها، به همراه متانتش، مرا جلب کرده و از ادامه مطالعه بازداشته بود. زیرچشمی حرکات جالب او را می‌پائیدم و اصولا از دیدن چنین افرادی که عاشق نقاشی هستند، ذوق می‌کردم و می‌کنم هنوز. چون بسیاری را هم دیده‌ام که هنگام مواجهه با یک تابلوی هنری هیچ هیجانی از خود بروز نمی‌دهند و چنان بی تفاوت از کنار آن می‌گذرند که انگار از کنار یک تخته سنگ!

و البته تعجب من آنگاه بیشتر می‌شود که با یک دوست نقاش روبرو می‌شوم و تابلوی نقاشی هنرمندی که مرا شدیدا هیجان‌زده می‌کند، در او هیچ واکنشی بر نمی‌انگیزد و چنان خونسرد و بی تفاوت به تابلو می‌نگرد که فکر می‌کنم آن را با یک کلم عوضی گرفته است!

بارها اتفاق افتاده که دوست نقاشی به دیدنم آمده و ساعت‌ها با هم گپ و گفتگو کرده‌ایم ولی حتی لحظه‌ای سرش را به طرف تابلوها برنگردانده و اگر هم خدای ناکرده بصورتی کاملا اتفاقی چشمش به تابلویی افتاده، با نگاهی سرد و بی‌روح چشم از آن برگرفته و کاملا روشن است که انگیزه مرا هم برای نشان دادن تابلوهای جدیدم، از بین برده است.

در شگفتم که اینان چرا و چگونه نقاش شده‌اند و مگر یک نقاش نباید عاشق نقاشی باشد؟ یک نقاش اگر عاشق نقاشی نباشد، پس عاشق چه چیز می‌تواند باشد؟ آیا اصلا می‌تواند عاشق باشد؟!

به یاد دارم چند سال پیش، یک دانشجوی نقاشی که در نظر داشت پایان نامه اش را درباره نقاشی‌های آبرنگ مرحوم پدرم تنظیم کند، بنا به توصیه استادش نزد من آمده بود تا راهنمائی اش کنم. در مدت سه ربع ساعتی که در گالری‌ام بود و صحبت‌هایم را ـ ظاهرا با دقت ـ می‌شنید و یادداشت برمی‌داشت، حتی یک لحظه هم ندیدم که سری بالا کند و به تابلوهای دیوار، ولو گذرا نگاهی بیاندازد و من چه خوشبینانه، این را به حساب ادب و احترام او می‌گذاردم که لابد، تمام حواسش می‌باید معطوف من بوده باشد و البته هنگامی پی به اشتباه خود بردم که تلفن گالری زنگ زد و زمانی که فارغ از او مشغول صحبت با تلفن بودم، ایشان نیز با اوراق یادداشت‌هایش مشغول بود و دریغ از نیم نگاهی به تابلوها!

از دیر باز این پرسش برایم مطرح بوده است که دانشجوی نقاشی‌ای که اصولا باید از هر لحظه استفاده کند و با مطالعه بصری آثار نقاشان، سطح بینش خود را بالا برد و حداقل اینکه خود را از لذت دیدن آثار نقاشی محروم نکند، در مواجهه با آثار نقاشی مرتبط با رشته تحصیلی‌اش، چرا با آثار هنری اینچنین منفعلانه و بی تفاوت برخورد می‌کند؟



متاسفانه به این نتیجه رسیده‌ام که بسیاری از دانشجویان دانشگاه‌های ما، به دلایل مشخصی که در حوصله این مختصر نمی‌گنجد، ناخواسته و بی هیچ انگیزه و علاقه‌ای به رشته تحصیلی‌شان، مجبور به انتخاب رشته و تحصیل در آن هستند و برخی از دانشجویان نقاشی نیز از این قاعده مستثنی نخواهند بود.

البته عکس این مطلب نیز صادق است. یعنی هستند جوانانی که با شور و اشتیاق و استعداد وارد رشته‌های هنری می‌شوند ولی به علل مختلف و از جمله شیوه‌های نادرست آموزشی، آتش علاقه‌مندی و اشتیاق آنها به تدریج رو به خاموشی و زوال می‌رود و یا حداقل به تمامی آنچه هدفشان بود، دست نمی‌یابند و از مسیر درست هنری منحرف می‌شوند.

به میزان علاقه و شور و اشتیاق آن دانشجوی محترم نقاشی ـ از نحوه پرسش‌ها و میزان کنجکاوی اش در مورد نقاشی ـ کاملا پی بردم و مستمع را بی انگیزه درونی دیدم و از سر ذوق رفتم.

فکر میکردم که آن دانشجوی عزیز، که پس از دریافت مدرک کارشناسی و بالاتر، جذب مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها می‌شود، چگونه خواهد توانست بذر عشق و علاقه را در هنرجویان و دانشجویان آینده خود بپرورد و آنان را در مسیر صحیح هنری هدایت و تربیت کند و به عنوان هنرمندان خلاق، تحویل جامعه بدهد؟ خفته را خفته.....

آیا در جامعه ما این سیکل کور تکرار نمی‌شود؟

هرچند از اصل مطلب دور افتادم، اما این‌ها را یادآور شدم تا برگردم به موضوع و ادامه داستان آن دوست باذوق که برای دیدن تابلوهای نقاشی گالری من آمده و آنسان، استادانه و حرفه‌ای، تابلوها را می‌کاوید و باعث شد که بعدها، مقایسه‌ای صورت دهم بین او، که شاید هرگز در تمامی عمرش دست به قلم و رنگ نبرده بود و آن دانشجوی نقاشی که سال‌ها بعد، بنا به ضرورت کاری، نزد بنده آمد و شرحش رفت و نیز آنهای دیگری که محرومند از لذت دیدن و درک زیبایی‌ها، چه تابلوی نقاشی باشد و یک مجسمه و چه منظره دل انگیزی در طبیعت و یا برفی که همه جا را سپیدپوش می‌کند و به قول ا. بامداد شاعر، دوره می‌کنند شب را و روز را و هنوز را....

باید خوب دیدن و لذت بردن از زیبایی‌ها را یاد بگیریم و یادبدهیم تا چشم دل را از دیدن هر آنچه زیباست، نوازش کنیم. و سهراب سپهری شاعر و نقاش چه زیبا گفته است: چشمها را باید شست، جور دیگر باید دید....

باری، از طرز نگریستن آن هنردوست نازنین، به قدری سر ذوق آمده بودم که به خود جرات دادم و در یک لحظه مناسب و با استفاده از فرصت، به ایشان نزدیک شدم و آهسته گفتم که انگار خیلی علاقمند آثار هنری هستید. به سادگی و بدون چاپلوسی و البته خیلی مودبانه جواب داد که هر وقت از مقابل گالری شما بگذرم، حتما می‌ایستم و تابلوهایتان را از بیرون تماشا می‌کنم و امروز آمدم داخل، تا آثارتان را از نزدیک ببینم.

نمی‌دانم چرا اظهار داشتم که حتما کلکسیون جالبی از آثار هنری هم در منزل خود جمع کرده اید. همچنان که بخشی از حواسش معطوف تابلوها بود و بخشی نیز با من، آهی کشید و با صدایی گرفته گفت: می‌دانید، خیلی دلم می‌خواست یکی از تابلوهای شما، بر دیواراتاقم باشد، ولی وقتی سقف اتاق چکه می‌کند و من هنوز باید آن را رفع و رجوع کنم و نکرده امش، به نظر شما کمی خنده‌دار نخواهد بود که به دیوار آن اتاق، تابلویی آویزان کرده باشم؟!

فکر می‌کنم با شنیدن این حرف در آن لحظه، تمامی تابلوهای گالری بر سرم آوار شدند.

نمی‌دانم چه موقع گالری را ترک کرده بود. چند روزی منگ گفته اش بودم. از آن وقت تا حال، هروقت به یاد آن روز می‌افتم، سوز سخنان کوتاهش را هنوز هم در گوشه‌ای از قلبم احساس می‌کنم.

بارها و بارها افسوس خورده‌ام که‌ای کاش، آن لحظه با تمامی تلخی اش، یکبار دیگر هم تکرار می‌شد و این بار، یکی از تابلوهایم را به رسم یادبود و با اشتیاق و احترام تقدیمش می‌کردم.

اما هنوز هم وقتی به این موضوع فکر می‌کنم، تردید دارم که آن را از من می‌پذیرفت یا نه؟



ملاقات با خسرو افشار (برادر مرحوم استاد ایرج افشار)

از دفتر ملاقات

مردی دیگر از تبار افشارها

اشاره: از سالها پیش دفتری دارم به نام دفتر ملاقات. ظاهر غلط انداز «دفتر ملاقات» هرکسی را می تواند به این شبهه بیفکند که مثل صاحبان قدرت و ثروت، من هم دفتر و دستکی دارم و یکی از آنها را اختصاص داده ام به ملاقات هایم! زهی خیال باطل. ما کجا و این قبیل چیزها کجا؟ آنهم در این روزگار که ریال این چنین شده و چیزی نمانده که میلیارد بشود شوخی و بازیچه! دفتر ملاقات من، از جنس کاغذ است. دفتری است کاغذی که هرگاه ملاقات دندان گیر و قابل وصفی برایم پیش می آید، آنجا می نویسم و البته بهتر است بگویم: می نوشتم چون بحمدالله تازگی ها نه شخص دندان گیری را ملاقات می کنم و نه حال و حوصله و توان نوشتنش را دارم. باید خیلی صمیمانه بگویم: آن سبو بشکست و آن پیمانه ریخت!

مطلبی که می خوانید، یکی از آخرین یادداشت هایم در دفتر ملاقات است. این را هم بگویم که از ملاقات هایی که می کردم خیلی ها مطلع بودند، اما تا همین اواخر کسی نمی دانست کدام ملاقات ها را نوشته ام. چند نمونه از آنها را، بعد از ارتحال ملاقات شده ها چاپ کردم و موضوع فاش شد، مثل شرح ملاقات با دکتر خوانساری و زنده یاد امین ریاحی و مرحوم سحابی و چند عزیز دیگر. از زندگان، جناب خسرو افشار اولین – و احتمالا آخرین – عزیزی است که به چاپ ملاقاتم با او مبادرت می کنم که آن هم علت خاص دارد. بیماری جدی حضرت خسرو افشار و سفرش به خارج از کشور برای معالجه که ماههاست ادامه دارد، در حین گفتگوی متعدد و مفصلی که در این مدت با این عزیز داشتم، در ذهنم این اندیشه را به وجود آورد که ممکن است چاپ این ملاقات فوایدی داشته باشد که بسیاری را به کار آید و ... این بود که خیلی غیر مترقب موضوع را با خود آقای افشار در میان گذاشتم و برایش فرستادم و او هم ملاحظه کرد و ملاحظاتش را هم خیلی دوستانه و صمیمانه با من در میان گذاشت و اکنون آنچه می خوانید شرح دیداری است که به دوستداران علم و فرهنگ تقدیم می شود.

کریم فیضی

بی گمان مطرح ترین چهره در میان افشارها بخصوص به لحاظ علمی، ایرج افشار بوده و هست. شاید بعد از او، در این خاندان مردی در این پایه از کوشش های علمی پیدا نشود. مثل بسیاری از اهالی خواندن و نوشتن، من نیز اسم ایرج افشار را از طریق خواندن شناختم، چون او هرگز حضور رسانه‌ای، خاصص رادیو ـ تلویزیونی نداشت تا کسی او را از این راه‌ها بشناسد. با گذشت زمان، شنیده‌هایی دیگر از ایرج افشار به گوشم خورد که جالب بود. بعدها او را یک یا دو بار در منزل محمدرضا شفیعی کدکنی دیدم و دیگر ندیدم تا اینکه از دنیا رفت. در فقد او یادداشتی نوشتم که چاپ هم شد ولی به گمانم در بین خیل انبوه مطالبی که در رثای آن مرد به قلم آمد، گم شد و خوانده نشد. اگر خوانده می‌شد هم، مطلب درخوری در آن نبود. در واقع، من کلیت دیدگاه خودم در باب افشار را در آن مطلب یک ستونی عنوان کردم و با اندوهی جانگداز مطرح کردم. چند شب بعد سیدهادی خسروشاهی زنگ زد و طبق معمول، انتقادی داشت و این بار فراز آخر نوشته‌ام را هو می‌کرد که نوشته بودم: بدرود ای بی‌جانشین. بدرود ای...

در تشییع و تدفین افشار نیز حضور داشتم و با دوربینی که در اختیارم بود، استاد دکتر شفیعی کدکنی را از دایرۀالمعارف بزرگ اسلامی تا بهشت زهرا فیلمبرداری کردم. گواینکه الان نسبت به این کارم علاقه آن روز را ندارم که بگذریم... باری زمان گذشت و گذشت تا اینکه دو هفته قبل که در منزل استاد دکتر اسلامی ندوشن بودم، او گفت که جناب خسرو افشار دیروز منزل ما بود. مقاله‌ای از پروفسور رضا دربارۀ دکتر محمود افشار نوشته است. من گفتم بدهد به شما تا چاپش کنید! فردای آن روز آقای خسرو افشار تلفن کرد و برای ساعت ۱۲ روز چهارشنبه وقت تعیین کردیم. از بد حادثه آن روز، شخصی بدون هیچ مقدمه‌ای از من تکست خواست و من نتوانستم شخص زمان‌نشناس را مجاب کنم که این چه وقت مطلب خواستن است؟ مجبور شدم با سرعتی از جنس ابر و باد بنشینم به نوشتن. درست در اواسط کار بودم که تلفن زنگ زد. دانستم که خسرو افشار است ولی در آن شرایط نمی توانستم او را بپذیرم. آقای مهدی احمدی را پیش فرستادم تا تحویلش بگیرد تا جناب آقای یزدانپرست برگردد. به هر تقدیر، این کار با تأخیری صورت گرفت و بعد از انجام کار، به اتاق مهمان رفتم و در دید اول، با مردی روبرو شدم که به نظر می رسید بلندقدی افشار (ایرج) را نداشت . شاید هم داشت ولی می‌شد جاافتادگی او را در وجناتش دید.

خودم را معرفی کردم و مابین آقای احمدی و یزدانپرست نشستم. درست از همین لحظه ملاقات ما شروع شد و بیش از ۴ ساعت به طول انجامید. این گفتگو به دلیل اینکه دارای جنبه‌های مختلفی از حیث تاریخ و فکر و اندیشه و تاریخ بود، نکات فراوانی برای شنیدن ـ و طبعاً اکنون نوشتن ـ دارد ولی چون آن حجم از حرف و حدیث را نمی توان نوشت در مجموع برداشت‌ها و بخش اندکی از حرف‌ها اشاره می کنم و می گذرم. باید توجه داشت که اگر قرار باشد روزی این سطور و اوراق چاپ شود ـ البته اگر تا آن موقع نسل چاپ و کاغذ منقرض نشده باشد ـ باید آنقدر مفصل نباشد که کسی رغبت نکند بخواند.

در این گفتگوی بیش از ۴ ساعته (از ۱۲ تا ۱۶/۳۰) خسرو افشار را مردی یافتم متین و معقول که نمونه‌ای دیگر از ایرج افشار بود، با این تفاوت که ۲۰ سال از او کوچکتر است و دیگر اینکه ظاهرا کثرت مطالعات او را ندارد. خودش می گفت که: من متولد ۱۳۲۳ هستم. ۳ سال از بابک افشار (فرزند جوان مرگ ایرج) بزرگترم و ما دو تا با هم بازی می‌کردیم. طبق بیان خودش، شغل و حرفه‌اش ساخت کاغذهای قدیمی و دستی و مرمت نسخه‌های خطی کهن و متخصص تاریخ و ساخت کاغذ دستی و کاغذ ابری (ابر و باد) است و بارها و بارها در ایران و چند ۱۰ کشور جهان نمایشگاه برگزار کرده است. از نوع سخنانش می‌شد فهمید که عمر خودش را در این کار صرف کرده است و در این فن متخصص درجه اول است. (فردای آن روز وقتی موضوع را با صدوقی سها در میان گذاشتم، گفت: طبیعی است. افشارها چون متمول و متمکن بودند، دنبال ذوق خودشان می‌رفتند.)

خسرو افشار در توضیح فعالیت‌های خودش یادآور شد که تمام منابع و کتابهای مربوط به کاغذهای قدیم ایران را از ۴ گوشه جهان گرد آورده و منحصر به فردترین مآخذ را در این زمینه دارد و مثال می‌زد که فلان مقاله را فلان مجارستانی نوشته و فلان کتاب در دنیا فقط یک نسخه داشت و گران هم بود و هیچ کجا هم نبود و من چگونه آن را تهیه کردم و الآن هم دارم و...

یکی از بخش‌های قابل اعتنای سخنان خسرو افشار دربارۀ زندگی شخصی خودش این بود که می گفت: من چند سال قبل از انقلاب، با همسرم که هلندی بود و دو فرزندم ـ یک دختر به نام نوشسن که الآن استاد دانشگاه در رشته روانشناسی است و یک پسر به نام هومن که وکیل دادگستری است و در نیویورک وکالت می کند ـ عازم خارج از کشور شدم. همه کارهایمان را کردیم که برویم ولی در آخرین لحظه‌ها به ناگاه نظرم عوض شد و دیدم نمی‌توانم از ایران دور شوم. به همسرم گفتم که: نمی‌رویم! او تعجب کرد و گفت: چطور ممکن است نرویم؟ حالا ما همه کارهایمان را انجام داده‌ایم. پذیرفتم برویم ولی شرط کردم که: باید بچه‌هایمان زبان و خط فارسی بیاموزند و در خارج هم ایرانی زندگی کنیم و به زبان فارسی در منزل صحبت کنیم. زنم پذیرفت و به یاد دارم از یک گفتار پدرم که همیشه در گوشم بود:

بچه هایی که در خارج از کشور فقط زبان فارسی بدانند، بدون اینکه خط فارسی را بلد باشند، به تدریج زبان را فراموش می کنند ولی آنهایی که خط را یاد می گیرند، زبان را هیچ وقت فراموش نمی کنند و از این لحاظ بود که تاکید داشتم بچه ها، خط فارسی را یاد بگیرند.

حالا فرزندانم با اینکه بعد از آن هیچ وقت به ایران نیامده‌اند، به فارسی حرف می‌زنند با لهجه اصیل ایرانی و به فارسی می توانند بنویسند. در این لحظه نمونه‌ای از خط پسرش هومن افشار– حقوقدان و وکیل در نیویورک– را درآورد و نشان داد که به فارسی البته فارسی شکسته بسته نوشته بود: مرسی از بابت همه محبت‌هایت. من همیشه به یاد تو هستم و تو را فراموش نمی‌کنم. از این خط و سبک نگارش معلوم بود که هومن خان، ایرانی – فرنگی شده است. جالب بود که پایان‌نامۀ پسرش درباره نظام



حقوقی خلیج فارس بود که نسخه انگلیسی و فارسی آن را همراه داشت و پیشنهاد چاپش را داد و ما فی‌الفور پذیرفتیم. جالب است کـه اصـل آن مقاله در یکی از مجلات هم نیویورک چاپ شـده بود و در مقدمه، فرزند از پدر به خاطر اصل این ایده تشـکر کرده بود. یکی از حرف‌های خسـرو افشار درباره فرزندش این بود که می‌گفت: او بار اول در امتحان وکالت شـهر نیویورک قبول شـد، در صورتی که جان جونیور کندی، پسـر جان . اف کندی رئیس جمهور سابق آمریکا دو بار در دو سال در همین امتحان رد شد و بار سوم قبول شد!

خسرو افشار، آنگونه که خود می گفت محل کار و زندگی‌اش را به خارج منتقل کرده بود؛ در کانادا کتابفروشی و صحافی داشته به نام: کتابفروشی و صحافی دهکده؛ ولی از ۱۰ سال قبل به ایران بازگشته و مقیم ایران است و در مجموعه موقوفات افشار مشغول است. همکاری می کند و محل سکونتش هم همانجاست و به تعبیر خودش: باغ فردوس!

بـه صورت خلاصه باید بگویم که: از خلال صحبت‌ها، این جناب را فردی یافتم ایران دوست با اطلاع دقیق از تاریخ ایران و آگاهی‌های بسیار از گذشته ایران و هست و نیست آن و علاقه به ایران و عشـق به این آب و خاک و مواریث آن- که بسـیار جدی بود و اصلا مصنوعی و تظاهری نبود، جابه جا از سخنان وی پیدا بود. و این نشـان می‌دهد که بعد از ایرج افشـار در خاندان افشار، مردی دیگر هست با عشق تام و تمام به ایران زمین.

نمونه کارهای او در جمع آوری منابع مربوط به ایران و انتقال آنها به ایران و سپس اهداء آنها به کتابخانه‌های رسمی و معتبر نشان می‌دهد که از ناحیه وی، خدمات فرهنگی مهمی صورت گرفته که جای خوشحالی دارد. یاد می کرد از مجله معروف انجمن سلطنتی جغرافیایی لندن مربوط به سالهای بعد از ۱۸۳۰ که مطالبی درباره ایـران و آسـیای مرکزی و قفقاز داشـت و در کتابخانه مجموعه اسـتثنایی دانشگاه بریتش کلمبیا بود، در مدرسه دخترش و اجازه خـروج نمی‌دادند و کپی کردن هر صفحه آن، در داخل کتابخانه، ۱۵ سنت بیشتر از قیمت آن در بیرون بود: با این حال، من رفتم و در زیر زمین کتابخانه به کمک دخترم که تعطیلات تابستانی اش بود، به مدت چندین هفته تمام مقالات مربوط به ایران و آسـیای مرکزی و قفقاز را در آورده و همه آنها را فتوکپی کردم و سپس به ایران آوردم و به مرکز اسناد وزارت امور خارجه هدیه کردم، چون احساس کردم که ندارند و ممکن است به دردشان بخورد، با این شرط که یک نسخه از آن هم به دایره المعارف بزرگ اسلامی اهدا شود که این کار انجام شد.

در میان صحبت‌هایش، یادی کرد از دکتر فریدون میرهادی متخصص اطفال و برادر خانم توران میرهادی که همسری کانادایی داشت و او هم دکتر بود . آنها در اواخر عمر، با وقف کردن بخشی از ثروت‌شان به دانشگاه معتبر سایمان فریزر ونکوور کانادا، وصیت کردند که هر سال یک کنفرانس ایرانشناسی با حضور معتبرترین محققان برگزار شود و تا به امروز هم هر سال انجام شده است. از برادر توران میرهادی خاطراتی داشت که با زیبایی و احساس نقل می کرد و این حالت بیان، به طوری واضح در همه سخنان خسرو افشار محسوس و مشهود بود:

خاطره اولین ملاقاتم با فریدون میرهادی در وونکوور هنوز در ذهنم هسـت. لو موقع خداحافظی به شوخی گفت: به من می گویند دکتر. دکتر فریدون میرهادی، ولی از بس که در کانادا مانده ام، شـده ام کانادا درای! خوب اسـت بدانید او اولین ایرانی بود که بـه آنجا رفته بـود و از کبود هموطنان ایرانی در آنجا رنج می برد. خدا رحتمش کند. او به ایران علاقه داشت و خاطراتش را بازگو می کرد و فاصله زمانی و مکانی از ایران را همیشـه در وجودش احساس می کردم. در خصوص آرم «موقوفات افشار» متذکر شد که: بعد از اینکه پدرم موقوفات را راه انداخت، یک روز، با ترس و لرز پیشنهاد کردم که آرم موقوفات از نوع کارهای ایران باشد و بعد پیشنهاد کردم که شعری از فردوسی هم در داخل این کاشی نوشته شود که چنین شد و الان سالهاست که این آرم هست...

– وقتی اصرار داشـت که برود، پیشـنهاد کردم که چاپخانه اطلاعات را ببیند و برود. پذیرفت. وقتی دستگاه چاپ را از طبقه سوم دید، حیرت زده شد و بی‌اختیار شروع به تحسین کرد. انگار جایـی بـه این بزرگی برای چاپ ندیده بود. گفت: من هیچ وقت فکر نمی‌کردم موسسـه اطلاعات جایی به این بزرگی باشـد. من اطلاعات قدیم را در خیابان خیام دیده بودم؛ ولی آن به این بزرگی نبود... یاد کرد از مسعودی و پسرانش و گفت: من با یکی از پسران مسـعودی دوسـت بودم که در جوانی شـوخ و شنگ و کمی هم شـیطان بود و زود از دنیا رفت(خاطره‌ای نقل کرد که نظرش این بود که محرمانه باشـد). گفت: پدرم دربارهٔ مسـعودی حسن نظر داشـت و روزهایی را به یاد می‌آورد که مرحوم عباس مسـعود با دوچرخه می‌آمد، یک نسخه روزنامه می‌داد و یک مقاله می گرفت و می‌رفت. در این لحظه یزدانپرست بی‌اختیار لای یکی از کتابهایی را که خسرو افشار آورده بود باز کرد و مقاله‌ای آمد به قلم پدرش دکتر محمود افشار، خطاب به مدیر روزنامه اطلاعات.

– خسـرو افشار یادآوری کرد که: ۴۰ سال و بیشتر است که روزنامـه اطلاعـات می‌خوانم و مطالب آن را بعد از خواندن جدا می‌کنـم و جمع می‌کنم (همـان کاری که من در نوجوانی، در ایام پایان دبیرستان به صورت ذوقی انجام می‌دادم، غافل از اینکه بدانم مسـیر زندگی‌ام از همین روزنامه‌نگاری خواهد گذشت) و حالا کلی مطلب جمع و جور کرده‌ام و دارم.

– یاد کرد که: در این سـالها تمام آنچه را که دربارهٔ ایران و ایرانشناسی و جغرافیا و تاریخ ایران در روزنامه اطلاعات دیده‌ام، از آب و قنات بگیرید تا زعفران و چایی و پسته و زیتون و خاویار و گیاهات طبی و کوه و جنگل و رودخانه و ... جمع آوری کرده‌ام و دارم.

– درست از همین جا، سخن کشید، به قنات و حیات قنات در ایران و اینکه در این سـالها آب ایران کم شـده اسـت و سطح آبهای زیرزمینی پایین رفته اسـت و همین موجب نشسـت زمین شده است. در اینجا لحن سخنش بسیار نگران بود و معلوم بود که در این زمینه‌ها می‌اندیشد و احساس خوبی ندارد.

درباره باران‌های چند روزه اخیر هم با خوشـبینی حرف زد و گفت: از ۴۰ سال قبل این اندازه باران ندیده بودم. خوشحال و شاکر بود که امسال اینقدر باران آمده است.

ـ گفت: مقالاتی که در روزنامه اطلاعات و دیگر نشـریات چاپ می‌شـود، زیاد اسـت و انسـان وقت نمی‌کند همه آن‌ها را بخواند. گفت: من همیشه آرزو می کنم کاش این جور روزنامه‌ها فهرسـت مانندی داشته باشند تا انسان بداند چه مطلبی را بخواند و چـه مطلبی را نخواند. از ایـن فرمایش این بزرگوار فهمیدم که اصلاً و ابداً اینترنتی نیسـت و نمی‌داند که جستجوگرهای جدید چه اعجازی در این زمینه‌ها آفریده‌اند. بله، خسـرو افشار از نسل کسانی است که با دست ورق می‌زنند و از روی کاغذ می‌خوانند و علم در بیرون از حوزه کاغذ، برایشان بی‌معنی است. مرحوم ایرج افشار هم چنین بود.

ـ خسـرو افشـار در مقام کسـی که از جایی خاص نسبت بـه فرهنگ ایران نگاه می‌کند و نظر دارد، درباره آینده خوشـبین بـود. دلیلـش هـم کارهایی بود که الان در دسـت انجام اسـت: دایرهٔ‌المعارف‌هایی که در این ۲۰ـ۳۰ ساله در ایران به وجود آمده و در حال ادامه اسـت. می گفت: اینها کارهای مادر اسـت. در این خصـوص مقـداری حرف زد و توضیح داد بر اسـاس معلومات انگلیسـی‌اش ـ که با تلفظ عیناً انگلیسـی کلمات و اصطلاحات فرنگی همراه بود – گفت که غرب هم همین مسیر را پیموده است: اول دایرهٔ‌المعارف نوشـته‌اند، بعد رشـد کرده‌اند و این میزان کار علمی، نویدبخش است و آینده ایران خوب خواهد بود!

ناگفته پیداست که من تا چه حد این دیدگاه را ناروا می‌دانم و ناگفته پیداست که نمی‌توانم چنین دیدگاهی را تأیید کنم. نه مقدمه درست است، نه نتیجه. بنابراین، آینده ایران چه خوب باشد، چه بد، هیچ ارتباطی به این کارها و کاغذ سیاه کردن‌ها ندارد و اساساً متد و روش طوری عوض نشده است که شما بتوانید به این قبیل کارها، «کار» اتلاق کنید و دل خوش کنید به این که می‌دانید ...

ـ باری، در ادامه سخن، جلال رفیع هم به ما ملحق شد و ناهار را با هم خوردیم که حاصل آن پدید آمدن یک زمینه گفتاری گرم و زیبا و نسبتاً ادبی و خودمانی میان خسرو افشار و جلال رفیع بود و مـن ترجیـح دادم صحنه‌هایی از این لحظات را با دوربینم، فیلم بگیرم که شـاید روزی به درد بخورد. حاصل کلام این اسـت که: خسرو افشار مردی است که در کنار ایران دوستان و فرهنگ‌باوران معاصر قرار می گیرد. اطلاعات خوبی از گذشته دارد. از صداقت برخوردار است. ادبش قابل ستایش است. اعتدالی متناسب دارد و تقریباً منحصر بفرد است. آگاهی هایش به او اجازه می‌دهد که بدون واهمه حرف بزند. سیاست را به سخن و زبان و دیدگاهش راه نداده و با نوعی شادمانی و آرامش روحی زندگی می‌کند.

در همین نشست، جلال رفیع از او خواست که مقاله‌ای برای اطلاعات سال بنویسد و او با کمال میل اجابت کرد و زود است که مقاله‌ای بنویسد، البته بعد از سفری که به خارج دارد.

ـ وقتی گفتم: «وقتی مقدمه ایرج افشـار بر «زندگی طوفانی» تقی‌زاده را خواندم، احساس کردم از شفیعی کدکنی سرتر است»، گفـت: مـن آن کتاب را نخوانده‌ام و این موضوع دلیلی اسـت بر صداقـت خسـرو که می‌توانسـت بگوید: بله، بلـه، خوانده‌ام یا می‌توانست سکوت کند.

در پایان باید بگویم که خسرو افشار را مردی نیک یافتم که البته با توجه به موقعیت و شرایطی که در آن واقع بوده، می‌توانست شـاخص تر از این باشـد. با این حال، او در جایگاه خودش قابل قبول اسـت و آن مقـدار جاذبه و صداقـت دارد که با صمیمیت پذیرفته شود.

آبان ۱۳۹۰ تهران



نمونه‌ای از کاغذهای ابری خسرو افشار

سخنرانی استاد محیط طباطبائی در برنامه مرزهای دانش

حضار محترم! شنوندگان ارجمند!



حضار محترم! شنوندگان ارجمند!

در اوقات عزیزی که بر من و شما می گذرد هر روزی نسبت به روز پیش از آن روزی تازه یا نوروزی است، اما اختصاص نام نوروز به نخستین روز از هر سال جدید، به این جزء از زمان که در فواصل محدود و معینی همواره تجدید می‌شود، ماهیّت و کیفیت مخصوصی بخشیده است.

چنانکه می‌دانید اقوام روی زمین برای محاسبات مربوط به وقت و زمان هر یک تقویم یا تاریخی جداگانه داشته‌اند که مبنای آن بر حساب گردش ماه و زمین یا به تعبیر و تشخیص قدما بر گردش شمس و قمر قرار گرفته است.

چینیها، هندیها، بابلیها، مصریها، پارسیها، یونانیها، رومیها، عربها و ترکها هر کدام برای تعیین محاسبات زمانی، مقیاس و تقویم مخصوصی داشته‌اند که گاهی بر اساس گردش آفتاب و زمانی بر مبنای حرکت ماه و غالباً مبتنی به روابط موجود میان دوحرکت منسوب به آفتاب و ماه بوده است.

این انتخاب مقیاس برای وقت‌شناسی یا تقویم زمانی چون در تحت شرایط مختلفی انجام می گرفته است لذا نقطهٔ آغاز و شیوه تقسیم سال به ماه و روز غالباً اختلاف پیدا می کرده و کمتر ناظر به یک وضع یا موقعیت طبیعی و فلکی ثابت و معینی می‌شده است.

تنها سکنه مصر قدیم بودند که به مناسبت تأثیر وضع جریان رود نیل در زندگانی روزمرهٔ ایشان، افزیش سالیانه آب آن رودخانه را مبنای تحول سال و تحویل زمان شناخته بودند و چون این امر در حدود انقلاب صیفی یا آغاز تابستان از هر سال رخ می‌داد، طلوع ستاره شعری را که مقارن افزایش رود نیل در افق پدیدار می گشت و موقع ثابتی در وضع گردش ایام داشت مبدأ سال جدید قرار داده بودند و فاصله‌ای که در میان دو تغییر وضع مشابه آب رود نیل یا دو نوبت متوالی طلوع ستاره شعری وجود داشت واحد بزرگ تشخیص وقت یا «یک سال» می‌دانستند و آن را به دوازده ماه سی روز که نزدیکترین عدد به طول مدت ماه قمری بوده با پنج روز اضافه تقسیم می کردند.

این ترتیب سال‌شماری با وقت‌شناسی چون بر اساس طبیعی نسبتاً ثابتی قرار گرفته بود متدرجاً مورد توجه ملتهای دیگری نیز قرار می گرفت که امکان استیلا بر سرزمین مصر در مسیر تاریخ ایام قسمت آنان شده بود و هر کدام به شکلی و وضعی گاه شماری مخصوص به خود را بر آن تطبیق می کردند.

ایرانیان که از عهد سلطنت کابوجیه تا حمله اسکندر به مصر، سرزمین فراعنه را در قبضهٔ اقتدار خود داشتند، این ترتیب گاهشماری را پسندیدند و تقویم پیشین خود را که بیش از آن نزدیک به اسلوب بابلی بود بر همان اساس ولی با حفظ جنبه ملیت از حیث اسامی ماهها و روزها و موقع اعیاد و جشنها یا گاهاً بارها تجدید کردند.

این ترتیب سالشماری که پیش مصریان قدیم بدون رعایت تعدیل یا عمل کبیسه مقرر بود در تقویم پارسی یا ایرانی بر اساس منظم و دلپسندی از حیث تنظیم و تعدیل تطبیق می شد تا موقع طبیعی آغاز سال یا نوروز به اختلاف زمان تغییر فاحش پیدا نکند.

قطعاً شنوندگان عزیز ما می دانند که طول مدت سال شمسی، کسری به اندازهٔ پنج ساعت و چهل و هشت دقیقه و پنجاه و یک ثانیه تقریباً بر سیصد و شصت و پنج روز کامل اضافه دارد و در هر چهار سالی جمع این کسر تفاوت تخمیناً به یک روز می رسد و در صورتیکه این کسر چند ساعته به حساب طول سال در نیاید در چهار سال آغاز سال جدید یک روز از موقع اصلی خود پیش می‌افتد و در مدت صد و بیست سال تقریباً این تفاوت به یک ماه می رسد و آغاز سال یکصد و بیستم را مثلاً از اول برج سرطان یا تیر ماه سلطانی که اول تابستان است به آغاز برج جوزا یا خردادماه سلطانی می رساند و به فرض اینکه کسر معمولاً در محاسبه سال منظور نشود یا به عبارت دیگر کبیسه نگردد بعد از سیصد و شصت سال آغاز سال سیصد و شصتم به اول حمل یا نوروز سلطانی می رسد که در حقیقت سالی که باید درآغاز

فصل تابستان شروع شود در اول فصل بهار آغاز می کند.

در زمان سلطنت ساسانیان که اطلاعات ما نسبت به اوضاع و احوال آن عصر بیش از روزگار پیش از آن است برای اینکه مبدأ سال از آغاز تیرماه که مبدأ سنتی سال پارسیان بوده زیاد دور نیفتد هر صد و بیست سال که مجموع کسور ساعات به سی روز تقریباً می‌رسید آنرا یک ماه حساب می کردند و بر عده دوازده ماه عادی سال می‌افزودند، تا سال صد و بیستم به جای دوازده ماه دارای سیزده ماه باشد ولی این ماه سیزدهم نام مخصوصی نداشت بلکه آن را به ترتیب همنام یکی از ماه‌های دوازده‌گانه انتخاب می کردند و در دنبال همان ماه به حساب می آوردند.

یعنی در پایان صد و بیست سال اول دو فروردین و در پایان دویست و چهل سال دو اردیبهشت و پس از سیصد و شصت سال به جای یک خرداد، دو خرداد به حساب می آوردند و آن پنج روز اضافه بر سیصد و شصت روز را در پایان همان ماه سیزدهم می‌افزودند و جای پنجه در صد و نوزده سال دیگر تا نوبت کبیسه آینده همان آخر ماه همنام ماه کبیسه بود و به اعتبار محل وقوع پنجه و از روی ماهی که پنجه دزدیده بر آن افزوده می‌شد می توانستند دریابند که سال فلان در دوره چندم از کبیسه اتفاق افتاده است.

چنانکه در زمان یزد گرد سوم پنج روز معروف به دزدیده را در آخر آبان ماه می‌افزودند و این نکته بر اهل اطلاع روشن می‌ساخت که دوره هشتم کبیسه بوده و در انتظار نهمین دور برای افزودن ماه آذری پس از آذرماه عادی بوده‌اند که تحول وضع سیاسی و غلبه مسلمانان بر دولت ساسانی سبب شد که این نهمین کبیسه در نوبت خود به موقع عملی نشود و هر صد و بیست سال که از آن می گذشت به اندازه یک ماه جلو می‌افتاد چنانکه از زمان خلفای اموی به بعد و اوایل عهد عبّاسی این تفاوت به یک ماه یا افزونتر رسیده بود ولی خلفا از بیم آنکه این عمل تعدیل و اصلاح مشمول (نسیء) یا کبیسه سال قمری نسبت به شمسی واقع گردد که در قرآن کریم از آن نهی شده است با درخواست اصلاح‌طلبان برای کبیسه سال یزدگردی، جرأت موافقت نداشتند تا در عهد خلیفه متوکل عباسی که این تفاوت به دو ماه رسید و در وضع آغاز سال خراجی یا موقع مطالبه و دریافت مالیات سال نو تأثیری نامطلوب بخشیده بود، لذا آن را به صورت دیگری کبیسه کردند که با آئین تعدیل سالهای پارسی چندان ربطی نداشت جز آنکه موقع شروع سال جدید پارسی خراجی را با تاریخ کبیسه‌دار رومی تطبیق می کرد و بعد از مرگ متوکل در زمان معتضد خلیفه این ترتیب از نظر آغاز سال خراجی و مطالبه مالیات متداول شد و نوروز معتضدی هر ساله در حدود اوایل فصل تابستان آغاز می‌شد اما از نظر گاهشماری متداول چندان مورد قبول مردم ایران قرار نگرفت تا آنکه نوبت کبیسه سوم بعد از ظهور اسلام فرا رسید و آغاز نوروز پارسی به حرکت طبیعی خود از آغاز تابستان به آغاز فصل بهار پیش آمد.

خلف‌بن احمد صفاری از ملوک دانشمند سیستان درصدد برآمد تعدیل جدیدی به این مناسبت در وضع سال و ماه منظور آورد و پیش از انجام چنین مقصودی به دست سلطان محمود اسیر شد و او را از سیستان به غزنی فرستادند. حرکت طبیعی زمین و انتقال تدریجی و متوالی موقع نوروز پارسی از آغاز تابستان به آغاز بهار متدرجاً به وضع سال و نوروز مهرگان پارسی کیفیت تازه‌ای بخشید که لطف و صفا و تازگی آن





توانست بر خاطره دیرین نوروز قدیم پرده نسیان بیفکند و ایرانیان را چنان هواخواه این نوروز جدید سازد که بعد از تغییر موقع آن از آغاز حمل به برج حوت که در روزگار پادشاهی ملکشاه واقع شد وقتی خواستند کبیسه لازم را منظور بیاورند دیگر به یاد نیاورند که در صورت کبیسه باید نوروز را به شیوه باستانی بار دیگر به آغاز تابستان برگردانید و سه ماه و نوزده روز از مدت سال را در سال ۴۶۸ باید کاست تا نوروز به جای خود چنانکه در زمان ساسانیان بوده برگردد.

سازش وضع بهار و جلوه آغاز حمل که با سرسبزی و خرّمی زمین همراه بود فروردین جدید را به جای آنکه در محل برج سرطان یا ماه اول تابستان ببرد بر همان برج حمل تطبیق کرد که هنگام بهار و سبزی و خرمی و دلپذیری دشت و صحرا باشد. این کار در زمان سلطنت ملکشاه و به اشاره خواجه نظام‌الملک انجام گرفت ولی تشخیص ماهیت و کیفیت آن به ذوق سلیقه و نظر فنی جمعی از علمای بزرگ آن زمان انجام گرفت که به دو صورت مختلف سال یزدگردی را اصلاح و کبیسه کردند.

عمر خیام و ابوالمظفر اسفزاری و ابوالعباس لوکری و چند تن دیگر از ریاضی‌دانان خراسان، در اصفهان که پایتخت ملکشاه بود نوروز را در روز اول حمل اختیار کردند و سال را به همان روش یزدگردی بر دوازده ماه سی روز با پنج روز اضافی تقسیم کردند و پنجه را بر آخر اسفند افزودند و مبدأ آن را از سال ۴۷۱ هجری گرفتند.

و آنگاه برای اینکه محل طبیعی نوروز از آغاز برج حمل یا اولین روز فصل بهار تغییر نپذیرد هر چهار سال یک بار روزی به کبیسه بر آخر سال چهارم می‌افزودند که آن را بهیزک می‌گفتند و چون طول مدت یک روز، چیزی از جمع چهار نوبت «پنج ساعت و کسری» تفاوت سال بیشتر بود نوبت هفتم کبیسه به جای آنکه روز کبیسه را در پایان سال بیست و هشتم بیفزایند یک سال عقب می‌بردند و سال بیست و نهم کبیسه می‌کردند تا آن اختلاف جزیی هم از درج حساب ساقط شود. این ترتیب تا روزگار خواجه نصیر و رصد مراغه متداول بود و پس از آنکه خواجه اساس زیج مراغه را بر این محاسبه جدید استوار کرد دیگر سال جلالی مبنای اساسی گاه شماری علمی در ایران قرار گرفت و استخراج کنندگان تقاویم هنوز هم ترتیب صفحات دفتر تقویم استخراجی خود را بر دوازده صفحه سی روزه و یک صفحه پنج روزه قرار می‌دهند.

اما دانشمند دیگری در همین زمان در شهر مرو که یکی از چهار شهر بزرگ خراسان بود سال یزدگردی را به صورت دیگری تعدیل و اصلاح کرد و آن تطبیق موقعیت شهور سال جدید بر وضعیت طبیعی سال شمسی به اعتبار دوازده برج و چهار نقطه اعتدال و انقلاب بود.

به عبارت ساده‌تر، عبدالرحمن خازنی در سال ۴۶۸ نوروز را به نخستین درجه از برج حمل برد و طول مدت سال را سیصد و شصت و پنج روز در دوازده ماه اختیار کرد که هر ماهی دست بر یکی از برج دوازده‌گانه تطبیق می‌شد.

آغاز فروردین در نقطه اعتدال ربیعی و آغاز تیرماه در نقطه انقلاب صیفی و پائیز با آغاز شهریور و زمستان با آغاز دی شروع می‌شد.

ماههای بهار و تابستان همه سی و یک روزه به جز خرداد که مانند جوزا سی و دو روزه بود و ماههای پائیز دو سی روزه و یک بیست و نه روزه و زمستان دارای یک ماه بیست و نه روزه و دو سی روزه بود یعنی بر حساب رقومی «لالولالب‌لالولالا» شش مه است. «لل کط و کط لل» شهور کوته است تطبیق می‌کرده است.(۳۱_۳۱_۳۲_۳۱_۳۱_۳۱) (۳۰_۳۰_۲۹_۲۹_۳۰_۳۰)

در این حساب پنج روز اضافه یا دزدیده از میان می‌رفت و طول مدت هر ماه با ایام حرکت ظاهری خورشید در برج معینی موافق بود و برای اینکه کبیسه دقیقتر و محتاج به بیش از یک روز تعدیل هرگز نشود مبنای نوروز را بر تحویل ظاهری آفتاب از برج حوت به برج حمل قرار داد.

بدین ترتیب نوروز را در روزی معین می‌کرد که بعد از نصف‌النهار روز قبل آن آفتاب از برج حوت به برج حمل درآمده باشد و این نوروز را «نوروز سلطانی» و تاریخ را «تاریخ سلطانی» و ماههای دوازده‌گانه را نیز با اضافه نسبت «سلطانی» بکار برد.

خازنی برای اینکه این اصلاح یا تعدیل او پایدار بماند ترتیب متخذ را وارد «زیج سنجری» کرد که از معتبرترین زیجهای دوره اسلامی است ولی انس مردم عراق و مازندران و پارس با آن روش گاه شماری باستانی که سال را به دوازده ماه متساوی و پنج روز افزوده تقسیم می‌کرد سبب شد که روش اصلاحی خیام و یارانش با وجودیکه از نظر علمی ارزش کارخازنی را پیدا نکرده بود به روش تعدیل خازنی غلبه یابد و کشور ایران نه قرن دیگر در انتظار قبول اصلاح خازنی بماند تا مجلس شورای ملی به سال ۱۳۰۴ شمسی همان روش خازنی را با اندک اختلافی از بابت شماره روزهای هر ماه بپذیرد ولی تعیین نوروز را بر همان اساس تحویل شمس به برج حمل بشناسد و پنجه دزدیده را نیز حذف کند.

«نوروزسلطانی» در قلمرو حکومت عثمانی به صورت یک عید رسمی در قرن دوازدهم هجری شناخته شد و نوروز ایرانی در زمان سلطنت سلطان احمد سوم یکی از چهار عید دربار عثمانی قرار گرفت. در عراق و سوریه و سایر متصرفات سابق دولت عثمانی این جشن تاکنون مورد توجه عمومی می‌باشد و گاهنامه‌های سوریه و لبنان هنوز در ستون وقایع ایام خود «نوروزسلطانی» را منتهی یک روز بعد از نوروز فعلی ایران ثبت می‌کنند. در شهر دمشق تا پنجاه سال پیش از این در این روز تشریفات مخصوصی از گردش باغ و بوستان شبیه به تشریفات سیزدهم نوروز در ایران برگذار می‌شد. کسانی که ایام نوروز درسلیمانیه و کرکوک و اربل یا بغداد و خانقین بوده‌اند تعلق شدید کردها را به مراسم نوروزی دیده‌اند و شرکت عمومی شیعیان عراق در عتبات عالیات برای برگزاری مراسم نوروز که آن را عید مذهبی عالم تشیع می‌شمارند ارزش نوروز را در آن سرزمین از صورت یک جشن محدود ملی به یک جشن عمومی مذهبی بالا می‌برد. پیش از آنکه داماد ابراهیم پاشا در اسلامبول نوروز سلطانی را جشن رسمی در بار سلطان احمد قرار دهد اکبر شاه هندوستان دستور داد که سال ملکشاهی را در هند مبنای تاریخ الهی قرار دهند و «نوروز الهی» را مانند «نوروز سلطانی» خازنی بر اساس تحویل شمس به برج حمل اختیار کرد. طول مدت دوازده ماه را بر وقف حساب سال سلطانی خازنی بر طول مدت سیر شمس در برج ۱۲ گانه به حساب آورد و پنجه دزدیده را از درج حساب سال حذف کرد و به طور کلی می‌توان گفت حساب سال الهی که وقتی در سراسر هندوستان مبنای گاه‌شناسی و گاه‌شماری بوده همان محاسبه خازنی بوده است که با تبدیل صفت «سلطانی» به «الهی» توسط میرفتح‌الله شیرازی منجم دربار اکبر برای تقویم جدید هندوستان اختیار شده بود. بعدها محمدشاه هندی که در صدد تنظیم زیج جدیدی برآمد آن روش الهی را که از زمان شاه جهان به بعد تحولی پیدا کرده بود باز به همان روش «جلالی» موافق با ترتیب سال و ماه یزدگردی برگردانید چنانچه از جداول زیج محمدشاهی یکی همان «جدول تاریخ جلالی» است که بر روش اصلاحی خیام و همکاران او در اصفهان، ضبط کرده است.

نوروز در میان اعیاد کلیه اقوام و ملل این امتیاز را برای خود منحصرا حفظ کرده که بدون توجه به یادبود حادثه مخصوصی، روزی از روزهای سال را که با ذوق و فکر و روحیه کلیه افراد بشری از نظر ارتباط با طبیعت سازگارتر بوده برای آغاز سال نو برگزیده است و به جهانیان بدون اختلاف رنگ و جنس و نژاد و عقیده معرفی می‌کند.

شاید در موقعی که سازمان ملل متفق برای توحید مقیاس زمان بخواهد مبدا و مقیاسی انتخاب کند که با یادبودهای حوادث مختلف آلوده نباشد سال شمسی ایران و جشن نوروز ما بهترین مقیاس گاه شماری و شایسته‌ترین جشن باشد که لیاقت قبول همگنان را پیدا می‌کند.

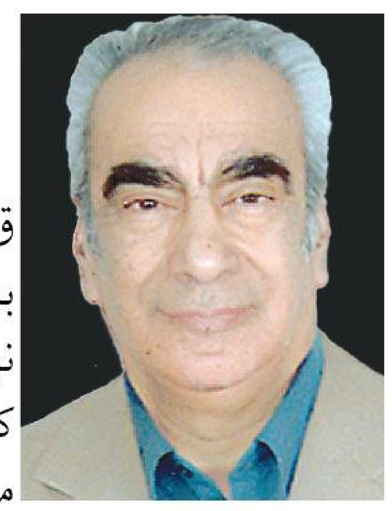
همانطور که گردش روزگار و اختلاف فصول و توالی ایام رامرز و سامانی و پایانی متصور نیست این جشن فرخنده نوروز که امروز توفیق عرض تبریک آن را به عموم هموطنان ارجمند پیدا می‌کند با بقای زمان جاویدان و پایدار بماند.

تهران ۱۳٤٤



مؤسس سلسله هخامنشیان به روایت والترهاینس[1]

کوروش



■ **ترجمه: شهرام تقی زاده انصاری**

حدود دو هزار و پانصد سال پیش، یعنی در سال ۵۳۰ ق.م در روز ۱۲ آگوست، زنی از اهالی بابل در شهر «بورسیپا»[2] به یکی از خویشاوندانش قطعه زمینی داد که دارای یک سنگ نبشته به خط میخی بود. و روی آن نوشته بود «در سال نهم کورش شاهنشاه کشورها». در روز ۳۱ آگوست همان سال مردی از اهالی بابل دراین شهر که پایتخت بود، الاغی را به ارزش پنجاه سکه نقره خریداری کرد. تاریخ آن، سال شروع حکومت کمبوجیه شاهنشاه کشورها رقم خورده است. این دو قطعه سنگ نبشته میخی قطعاً از یک گزارش تاریخی در جهان سخن می گوید: «میان ۱۲ و ۱۳ اگوست سال ۵۳۰ ق.م خبر مرگ کورش کبیر و تاج گذاری پسر بزرگش کمبوجیه در شهر بابل پخش شد». این دو سند مطمئن حکایت از این می کند که مؤسس سلسله هخامنشیان در کشور بزرگ ایران حدود ماه جولای ۵۳۰ ق.م فوت کرده است. وقتی کورش کبیر در مبارزه با ماساگت‌ها در آن طرف رود جیحون در منطقه ترکستان شوروی امروز کشته شد، هفتاد سال بیشتر عمر نداشت. هردر[3] شرق شناس و ادیب آلمانی حدود ۲۰۰ سال پیش، کورش را فرزند خدایان نامید و درباره او نوشت: اگر نزد شاهنشاهی تاریخش ماندگار شود، قطعاً یکی از آنها کورش پادشاه ایران می‌باشد. و در ادامه در کتاب «عقایدی در مورد فلسفه تاریخ بشریت» می نویسد: «اکسنوفون[4] که تحت آداب و رسوم ایرانیان در حکومت ایران یعنی کورش کبیر، بزرگ شده است، راست گفته است که افراد آلمانی از این بابت خوشحال خواهند بود که احتمالاً با نسل ایرانیان خویشاوند هستند.

ایرانیان قدیم حدود ۹۰۰ سال قبل از میلاد از جنوب روسیه در امتداد قفقاز به طرف شمال ایران مهاجرت کردند. ایرانیان حدود سال ۷۰۰ ق.م، شاهنشاه اشکانیان را به جنوب ایران که امروزه این منطقه به نام «فارس» معروف است بردند. یونانیان به این منطقه «پارس» می گفتند. در آن زمان، پایتختی بنام «شیراز زیبا» وجود داشت که در آن ایلامی‌ها سکنی گزیده بودند، چون پارس اصطلاحاً متعلق به نیمه حکومت ایلامیان در شرق بود.

احتمالاً پارسی ها به خاطر معاهده با شاهنشاه ایلام در شهر شوش در زمان حکومت اشکانیان به طرف جنوب ایران رفته بودند. این پادشاه به خاطر، تهدیدهای آشوری‌های قدرتمند، چشمش به رفقای همپیمانش بود و با این رزمندگان دوست شد. آنها در شرق ایلام با صاحب سرزمین شدند و یا آن را به زور تصاحب کرده بودند ۲۵۰۰ سال بعد از این تاریخ، شاهنشاه ایران یعنی کورش که از نوادگان اشکانیان از شهر پاسارگاد بود، نخستین حکومت جهانی را تأسیس کرد.

شرح حال این حادثه طبق اسناد و منابع معتبر معلوم است، اما نه تنها جزئیات آن در تاریخ به تاریکی سپرده شده است، بلکه علل پیدایش این حادثه مهم در بوته فراموشی قرار دارد. هیچکدام از قدرت‌های آن زمان در خاور نزدیک به ایرانیان آن زمان اجازه نمی‌دادند که در مدت دو قرن آقای جهان و این دو قدرت بشوند. چون نه تعداد آنها زیاد بود و نه قدرت تشخیص داشتند، بلکه آنها سرسخت بوده و دارای توانایی جسمی بودند. چون جنوب ایران دارای دشت‌های خشک و مناطق کوهستانی صعب‌العبور بود، به این دلیل فقط یک ضربه ملت می توانست کارساز باشد. پارسیان قدیم به مدرسه‌ای می رفتند که در آن بسیار محرومیت و سختی دیده بودند. یک فرد هلنی به پادشاه خود کراسوس[5] که خود را برای جنگ با ایرانی‌ها مجهز می کرد. گفت: «ای پادشاه من، چرا تو می خواهی با مردانی بجنگی که لباس چرمی در تن دارند و در دشت‌های شنی زندگی می کنند و آب می‌نوشند (و نه شراب) و چیزی مثل انجیر و دیگر میوه جات را هم تجربه نکرده‌اند؟ حالا تو که می خواهی با چنین مردمی بجنگی، فکر کن که چه چیزی بدست خواهی آورد؟

کورش که شخصیتش برای ما هنوز معمایی است، قدرت داشت ملتش را بسیج کند و در جنگ فاتح شود بدون آنکه همتایی داشته باشد. کورش حتی بعداً با قربانی دادن بسیار و بسیج ارتشش به دست آوردها و بالندگی‌های جدیدی رسید. در مورد کورش، با رقه‌هایی از انسانیت و عدالت ظهور کرد. او با قدرت و ارتشی که بدست آورد به چنان وضعیتی رسید که هیچکس توانایی برابری با او را نداشت. فقط می توان حکومت اسکندر را با حکومت و قدرت او مقایسه کرد. درباره او می گویند: او برعکس چنگیز خان و تیمور لنگ دارای بازتابی از انسانیت بود.

کورش در سال ۶۰۱ ق.م پا به عرصه وجود نهاد و در ۴۱ سالگی به پادشاهی ایران رسید. او احتمالاً به عنوان اطاعت از استیاگ که در اکباتان (همدان فعلی) حکومت می کرد، وسعت قدرت خود را به طرف شرق و شمال گسترش داد. کورش در کرمان کوشش کرد پادشاهان ایرانی را در حوزه خراسان و سیستان متحد خود سازد تا به قدرت ماد پایان دهد.

کورش در سال ۵۳۳ ق.م احساس کرد که به آن اندازه‌ای قوی هست که بتواند به پادگان مادها در منطقه پاسارگاد حمله کند. این منطقه تا حال به عنوان مرکز تأسیس ایران مطرح بود و بزودی پاسارگاد به پایتخت ایران در حکومت کورش تبدیل شد. نام سّری پاسارگاد به طور مختصر در کتیبه‌ای از اداره داریوش، «ده باتراکتا»[6] دیده شده است. چیزی که انسان را بخود جلب می کند این است که این نام ایرانی نیست. پادگان‌های ماد به طور آشکار در تمام ایران پخش شده بودند. برای مثال زبان شناسان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که در منطقه سیواند[7] میان پاسارگاد و تخت جمشید، نشانه‌های زبان مادها دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که جنگ علیه مادها در پاسارگاد بسیار تلخ بوده باشد. بنابر روایتی، ایرانیان می خواستند فرار کنند. اما زنان ایرانی در مقابل سربازان جنگی دامن خود را بالا زده و فریاد زدند که آیا شما می خواهید دوباره به دامن مادرتان برگردید؟ این مسأله در میان سرابازان انگیزه و حرکتی ایجاد کرد به طوری که آنها توانستند با روی آوردن به مبارزه جدید بر مادها پیروز شوند. کورش بزرگ بعداً برای زنان به خاطر این ابتکارشان قطعه طلایی بعنوان پاداش معین کرد. گفتار این زنان چنان تحت توجه قرار گرفت که اسکندر که در سال ۳۳۰ ق.م تخت جمشید را به آتش کشید، این قانون هدیه دادن به زنان را به رسمیت شناخت.

ایرانیان با فتح پاسارگاد هنوز به هدف خود نرسیده بودند. سه سال بعد یعنی سال ۵۵۰ ق.م کورش توانست بر پایتخت مادها مسلط شود. شهر اکباتان (همدان فعلی) در کنار جاده ابریشم قرار دارد و از بین النهرین شروع شده و تا ایران ادامه داشت و سرانجام به کشور چین می‌رسید. اکباتان به خاطر موقعیت عالی اش تحت حکومت اشکانیان، محل ممتازی برای اقامت‌های تابستانی شاهان بود. امروزه این تپه بزرگ

جنگلی که در کنار شهر اکباتان یعنی همدان مقر مادها قرار دارد، تبدیل به شهر مدرنی شده است و به این دلیل نمی توان در این منطقه بسیار مهم باستانی از نظر باستان شناسی و تاریخی برای تحقیقات به حفاری پرداخت. در تحقیقات تصادفی که در این منطقه انجام شـــده، ظروف طلایی و نقره‌ای بســیار زیبایی پیدا شده که حکایت از ثروت پایتخت مادها می کند.

شاهنشاه استیاگ شکست خورده در اثر این جنگ مجبور شد به اکباتان (همدان فعلی) فرار کند. کتسیاس[۸] پزشک یونانی که یکصد سال بعد در دربار آرتاکرکس زندگی می کرد، گزارش می‌دهد که ملکه آمیتیس پدرش آستیاگ[۹] را در ویرانه‌های قصر شاهنشاه پنهان کرده بود. با وجود این، شاهنشاه ماد خود را در اختیار کورش فاتح جنگ قرار داد تا بتواند از جان نوه‌هایش که اطلاعات ســری هم داشتند، محافظت کند. فرمانده گارد ایران آســتیاگ را ســخت به زنجیر کشید، ولی کورش دستور داد که ایــن زنجیرهــا را باز کنند و از او مانند پدرش مراقبت کنند. آن طــوری که بعضی گزارش های جزیی نشــان می‌دهد، کورش آخرین شاهنشاه ماد را به شرق ایران یعنی کرمان تبعید کرد تا به زندگی خود ادامه دهد.

کورش بعد از پیروزی خود در اکباتان (همدان فعلی) در ســال ۵۵۰ ق.م بر تمام ایران حکومت می کرد. اما به خانه‌های فئودال‌ها دست نزد، بلکه رهبران آنها را برای مدیریت پادگان ایرانی‌هــا برگزیــد. مادهــا، پارت‌ها، آریایی‌هــا، بختیاری‌ها، هیرکانیر، باکتریر، فوراسمیر و...

کــورش به عنوان معلم و یک مــرد بزرگمنش برای افراد پادگان جریمه‌ای تعیین نکرد و حتی به آنها هدایایی هم داد. این رفتار کورش نشان دهنده خوبی‌ها و نیکی‌های اوست که بعداً درباره آن قضاوت خواهد شــد. مســأله جالب توجه این است که ما بیشــتر این روایات را از منابع یونانی که دشــمن ایرانیان بودند، بدســت آورده‌ایم. به طور کلی گفته می‌شود که کورش مانند یک پدر بود. ایشیلوز[۱۰] که در مارتون[۱۱] علیه ایرانی‌ها تحت حکومت داریــوش می جنگید، در تراژدی خود بنام «ایرانیان» درباره کورش می گوید که: او مردی خوشبخت بود و صلح را برای ژدم به ارمغان آورد... خدایان دشــمن او نبودند، چون او فردی ملایم و محافظه کار بود. هرودت مورخ یونانی دو قرن بعد نوشت: «هیچ ایرانی ای نمی تواند کورش را با کسی مقایسه کند». ولی یک نسل بعد، بعد از سال ۴۰۰ ق.م گزنفون توانست کورش را به عنوان یک الگو در رمانی که نوشته بودف به مردم هلنی معرفی کند. اگر عظمت کورش نزد هلنی‌ها روشن نبود، اکسنوفون چنین عقیده‌ای نداشت و این حرف را نمی‌زد.

رشــد قدرت سلسله هخامنشــیان باعث ناآرامی قسمت بزرگی از آسیای صغیر یعنی شاهنشاه کراسوس شد که با ثروت انبوهی از طلایش، قدرت شماره یک شده بود. او در برنامه‌اش بــود که ازهالیس[۱۲] (قزل ارمــک[۱۳] امروزی) و رود مرزی لیدن عبور کرده و به شرق برود.

کراســوس بــرای احتیاط با فردی از معبــد پیتیا در دهلی مشورت کرد. راهبه‌ای برای او پیش‌بینی کرد که: «تو از هالیس عبــور می کنی، و سلســله بزرگی نیز در هــم خواهد ریخت». کراســوس نمی توانســت بفهمد که منظور او، از هم پاشــیدن سلســله‌اش می‌باشد. کورش متوجه تجهیزات جنگی لیدی‌ها شــده بود و به این دلیل با نظامیانش در مقابل ارتش او حرکت کرد.

در اوایــل پاییز ســال ۵۴۷ ق.م میان لیدی‌ها و ایرانیان در پتریا[۱۴] (امروزی) جنگی در گرفت).. چون زمستان در پیش بود، کراســوس ازهالیس برگشت و به پایتختش سارد[۱۵] در آسیای صغیــر غربی رفت. برخلاف انتظــار او، کورورش به راه خود ادامه داد و در اواخر ســال ۵۴۷، جنگ دوم در دشــت ســارد اتفاق افتاد. لیدی‌ها نیرنگی بکار بردند. آنها شــترهای خود را در راه کورش قرار دادند، چون اسب از بوی شتر بدش می آید. در میان ســواران لیدی‌ها اختلاف بزرگی به وجود آمد بعد از جنگ شدیدی ایرانان پایتخت سلسله لیدی‌ها را محاصره کرده و آن را گرفتند. بعد از جنگ ســارد، در جهان هلنی‌ها در مورد سرنوشــت کراسوس، اخبار متناقضی سر زبان‌ها افتاد. از همه روایات مهم‌تر این روایت است که کراسوس می‌خواست خود را بســوزاند، ولی کورش جلوی او را گرفت و او را بخشــید و در میــان مــردم برای او تکیه گاهی ایجاد کرد. کورش با ثروت فراوان همراه کراســوس زندانی به اکباتان برگشــت. ایرانیان چند ســال بعد تمام آســیای صغیر را فتح کردند، ولی کورش در شــرق کشــورش به جنگ پرداخت. اقوام ایرانی‌ای که قبلاً با کورش بشــکل پراکنده متحد بودند حالا برای همیشــه با او متحد شدند.

نابونید[۱۶] شاهنشاه بابل با ترس و وحشت این پیشرفت را تعقیب می کرد. با اینکه با خود عهد کرده بود که فقط در شــبه جزیره عربســتان حکومت کند، ولی به بین النهرین برگشــت. هیأت روحانی بابل از پادشــاه پیرشــان خیلی ناراحت بودند، چــون او به مــردوک در برابر خدای آنها (خدای ماه) در حرآن بی توجهی می کرد و به این ترتیب مقدار هزینه بســیار کاهش یافت.

جمعیت شهر پایتخت، صدای دشمنانه روحانیون مردوک را علیه نابونید به مردم رســاندند و کورش از این مســأله بسیار خوب و به موقع بهره برد. این مسأله به شاه بابل کمکی نکرد. او حالا با نفرت شدید، مجسمه خدایان بسیاری از شهرها را به بابل آورد تا از او حمایت کنند.

۸ سال بعد از جنگ سارد در سپتامبر ۵۳۹ ق.م ایرانیان به تگریس[۱۷] (بغــداد فعلی) هجــوم آوردند و بر نیروهای بابلی‌ها پیروز شــدند. در روز ۱۰ اکتبر همین ســال، مهاجمین به شهر سیپار[۱۸] وارد شدند بدون انکه با مقاومت روبرو شوند. نابونید بــه بابل فرار کرد. دو روز بعد کوبارو[۱۹]، فرمانده ارتش کورش بدون یک ضربه شمشیر وارد بابل شد و شاه بابل به زندان افتاد. حاکم جدید در روز ۲۹ اکتبر ســال ۵۳۹ ق.م وارد بابل شــد و به عنوان آزادی خواه از طرف مردم مورد تشــویق قرار گرفت. کورش محاصره شــهر را در هم شکست و کوبارو را به عنوان فرمانده شــهر برگزید. این حاکم در شــب ۶ نوامبر دستور قتل ولیعهد بلزاسار[۲۰] را صادر کرد، که ما او را از کتاب دانیال و تاریخ منتکل[۲۱] می شناسیم.

کورش به نابونید کاری نداشت همان طور که او از آستیاگ، کراسوس لیدی محافظت کرد. هیأت بابلی روحانیون بنام فاتح، بیانیه‌ای برای مردم صادر کرد. این سند در یک منشور خاکی که متاسفانه صدمه دیده است، حفظ شده و امروزه در موزه بریتانیا در لندن از آن نگهداری می‌شود. در این بیانیه، کورش به عنوان پیرو مردوک خدای بابل معرفی شده و مورد تحسین و تشویق مــردم قرار گرفت. بدون مبارزه و جنگ، خدای مردوک اجازه داد که او وارد بابل شود. نابونید که خود را به بابل رسانیده بود، بدون مقاومت تسلیم کورش شد.

همه مردم بابل، سومر و آکاد و فرماندهان و شاهانشان در برابر کورش ســر تعظیم فرود آوردند و پاهای او را بوسیدند و از حکومت پادشــاهی او خوشحال شدند و چهره کورش هم در میان مردم درخشید.

کــورش بــا توجه بــه سیاســت هوشــمندانه و مدارای شاهنشــاهان هخامنشــی برای روحانیون مــردوک امنیت را برقرار کرد. او در قســمت دوم بیانیه می‌فرماید: «من شاه جهان هستم» کورش با شور و هیجان بابلی‌ها در قصر پادشاهی قرار گرفــت، در حالی که ارتش ایران در خیابان‌های پایتخت بفکر آرامش و نظم بودند. برای کورش در معابد، روزانه قربانی‌هایی می‌آوردند. کورش دستور داد که مجسمه‌های خدایان که توسط نابونید به بابل برده شده بود، به مراکز مقدس مربوطه برگردد. در منشور استوا نه خاکی، صحبت از عمارات ساخته شده توسط کورش هم شــده است، ولی متأسفانه جزئیات آن باقی نمانده است. این تنها سند مفصلی است که ما از کورش داریم و به خط میخی است که داریوش آن را به رسمیت شناخته بود. این سند کمتر از انسان صحبت می کند و بیشتر در مورد سیاست کورش در مقابل مستضعفان سخن به میان می آید ابتکار کورش در مورد هیأت روحانیون بابل یکی از بزرگ‌ترین میراث باستانی شرق شد. طبق عادات و رسوم بابل، کوروش در موقع ورود به بابل، دست در دست مردوک گذاشت، ولی نه به خاطر آنکه خدایان آنها ایمان آورده بود، بلکه به خاطر آنکه آزادی عقاید و مذاهب ملت‌ها را به رســمیت شــناخت. این قدرت جهانی ایرانیان با یک ضربه از پامیر تا دریای مدیترانه و از کابل تا ســمرقند و از تاشــکند تا بیت‌المقدس رســید. با وارد شدن ارتش کورش به بابــل، همه مناطقی کــه تا حالا در اختیار حکومت نابونید بود، و همچنین ســوریه و بیت المقدس به وســعت کشور کورش





اضافه شــد. در طی ۸ ســال آخری که خداوند به کورش هدیه کرده بود، او توانســت حکومت جهانی اش را اســتوار سازد. همــان طور که قبلاً گفتیم، کــورش در اواخر ماه جولای ۵۳۰ ق.م در طرف شرق دریای خزر در نتیجه تهاجم قوم ما ساگت در مرکز آسیا کشته شد.

بزرگ‌ترین پسر کورش کمبوجیه که صاحب تاج سلطنتی شــد، دستور داد که جنازه نخســتین حاکم جهانی در تاریخ با جشــن و سرور به پاســارگاد در قلب ایران منتقل شود. مقبره کورش در آنجا هنوز باقی مانده اســت. مقبره او اطاق بزرگی اســت که روی یک ســری پله در چهار طرف قرار دارد طرح ساختمان مقبره با طاق ویژه اش مربوط به زمان قبل از هجرت ایرانیان به ایران می‌باشد.

بشر امروزی قطعاً از خود سؤال می کند که تأسیس سلسله اشکانیان توسط کورش کبیر، امروز چه ارزشی دارد؟ و اهمیت تاریخی آن چقدر بوده اســت؟ آیا فقط یک قدرت جهانی بود که ایرانیان قدیم توانستند از آن بهره ببرند؟ این سؤالات کاملا مجاز هســتند. اما هر کســی بنابر دیدگاه خود با نظر به معنای تاریخ، جواب‌های ویژه‌ای برای این مســأله می دهد. بنابراین جواب‌هایی گوناگونی را می توان انتظار داشت.

به درستی می دانیم که تاریخ فقط حادثه‌ای که بر اثر تصادف کور و یا حرص و طمع به وجود آمده باشد، نیست. امکان دارد که یک اراده قوی‌ای نیز در آن نهفته باشد، یک قدرت خارج از کره زمین که سعی دارد بشر رنجیده را هدایت کند.

کسی که با این دیدگاه به تاریخ جهان نگاه می کند، به این فکر می‌افتد که در منابع ما یک واقعیت تاریخی مذهبی از درجه ویژه‌ای هم وجود دارد که می گوید: در کتاب مقدس مسیحیان، به نظر می‌رســد که کورش دوســت خداوند است، او چوپانی از طرف خداوند اســت و حتی شــاید عیسی مسیح باشد. این گفته غیر منتظره کتاب مقدس در قســمت دوم کتاب شعیاء[22] که نویســنده اش متکلم اســت، نوشته شده است. این کلمات وحی که در مورد این پیامبر در بابل به او رسیده است که بخت النصر[23] یهودیان فلسطین را در سال ۱۵۸۷ اخراج کرد.

گفتاری که باو وحی شده است. (کتاب اشعیاء) باب ۴۴ و ۴۵ غیر عادی است. چه کسی مرد حق را در شرق بیدار کرد. چه کسی به ملت‌ها قدرت می دهد و پادشاهان را برای آنها انتخاب می کند؟ خداوند خودش می گوید: «من از شرق و شمال، کسی را انتخاب می کنم که نام مرا بیاورد و این شــخص کســی جز کوروش نیســت. من او را انتخاب کــردم و راه او را نیز صاف خواهم کرد. او باید شــهر مرا (بیت المقدس) را احداث کند و زندانیان آزاد سازد. اما نه با رشوه دادن و نه با خریدن آنها». این شخص از افراد کشورهای دور می‌باشد. این گفتارهای تسلی بخش را در اواخر ماه اکتبر ۵۳۹ ق.م که کوروش به عنوان فاتح به بابل رســید به همشهری‌های خودش در بابل ارایه داد. چند ماه بعد، در سال ۵۳۸ ق.م شاهنشاه ایران به تبعیدیان اجازه داد از بابل بروند. داستان بازگشت او در کتاب «عزرا»[24] موجود است و با این مطلب شــروع می شــود: کورش شاهنشاه ایران اطلاع دهید که همه سرزمین های کره زمین را خداوند آسمان به من عطا کرد. مأمور گنجینه میترا داتا دســتور گرفت، دستگاه‌های طلایــی و نقــره‌ای را که نابویند از معبــد بیت المقدس ربود و به معبد مردوک در بابل برد، به کســی که مهاجرین یهودی را از راه به در برد، تســلیم کند. کوروش هم دســتور داد، مخارج احــداث جدید معبد در بیت المقدس را از درآمد مالیات‌های فرمانداری[25] در سوریه کسب کنند.

دســتور کورش در ســال ۵۳۸ ق.م باعث شــد قوم یهود متلاشی نشود. پیامبر درست گفته بود که شاهنشاه ایران و حاکم جهان طبق بشارات خداوند عمل می کرد. چه چیزی باعث شد که کوروش عده ای اخراج شــده را به وطنشــان بازگرداند که به کلــی جداگانه ماند؟ چون همه گروهای اقوام گوناگون که از آشــور و بابل مجبور بودند محل سکونتشان را عوض کنند، می بایست در مناطق جدید خود بمانند. و فقط کوروش استثناء قایل شــد. و مســأله دیگر این است که چه مسأله‌ای باعث شد کــه کورش در فرمان خود، از «یهوه» به عنوان خدای آســمان صحبت کند.

به روشنی آشکار است که کوروش این خداوند آسمانی که قادر اســت و زمین و آسمان را آفریده است، را از تعلیمات پیامبر قدیمی ایران یعنی زرتشت شناخته است. در این آموزه دینی، خدا با نام «اهورا مزدا» آمده است. از منابع بعدی معلوم می‌شــود که شاهنشــاه اشــکانی خداوند معرفی شده توسط زرتشت را با خداوند آنها مساوی گرفته اند. به این دلیل است کــه آنهــا در تقاضای خود به حکومت ایران به عبارت دیگر به خداوند آســمان رجوع کردند که در ضمن اهورا مزدا یکی از کارمندان اوست.

فقــط با توجه به این دیدگاه مذهبی مشــترک اســت که می توان توضیح داد که بعد از کورش، داریوش هم خرج معبد بیت المقدس را داده است و آراکسرکس اول هم دوباره بدون ســاقی خود نحمیا[26] دستور احداث دیوار شهر را داده است و دیگر اینکه آرتاکســرکس دوم منشــی دربار عزرا[27] را به بیت المقدس فرســتاد تــا قانون Juda را به عنــوان حق ضروری گذرانــد. ایمان به یک خدای یکتا بــه یک روش باعث اتحاد ایرانیان شــد، در حالی که چنــد خدایی هلنی در همه جا دیده می‌شد. چگونه کوروش جزء پیروان دین زرتشت شد؟ شاید کورش شــاه ایران شــخصاً پیامبری را که در سال ۵۵۳ ق.م در منطقــه امروزی نیشــاپور فوت می کرد را می شــناخت. چون کوروش قبل از حمله‌اش به مدائن[28] همان طور که شرح دادیم، مناطق مرزی در شمال شرق را به سرزمینش اضافه کرد. شاید کوروش در این رفت و آمدها دنبال دیدار با پیامبر پیر در کاشمر در نزدیکی نیشــابور بوده است. در آن زمان، زرتشت خارج از شرق ایران هم شهرت پیدا کرده بود.

اگــر کوروش واقعاً در ســال ۵۵۵ ق.م زرتشــت را دیده باشد، می توان گفت که یکی از قدرتمندترین حکام جهان نگاه به چشــم یکی از بزرگ‌ترین روح های بزرگ دنیا کرده است. این مسأله باور نکردنی است که بگوئیم، که این دو مرد بزرگ چیزی برای گفتن نداشتند. بلکه بیشتر انتظار می رود که کورش شاهنشــاه ایران تحت تأثیر زرتشــت قرار گرفته باشد و پیرو دین او شــده باشــد. از اینجاست که انسان می فهمد چه چیزی در کورش وجود داشــته اســت. کورش در شهر پاسارگاد که پایتخــت ایران بود، برجی برای مخافظت «آتش مقدس» و دو معبد مرمر برای مؤمنین ساخت. نمی توان این شواهد تاریخی باستان شناسی را برای ایمان کورش به دین زرتشت انکار کرد. ضمنــاً بــا این فرض این تصمیم کورش هم که گروهی باید از تبعید به وطنشــان برگردند، قابل فهم می‌شود. خدای آنها هم خدای کورش بود. امروزه برای ما هم با این اســتدلالها روشن می‌شــود که بدون دخالت کورش کبیر، و بدون اجازه او برای بازگشــت تبعیدیان، آنها وجود نمی‌داشتند. به عبارت دیگر نه بیت الحم وجود داشت و نه گولگاتا[29].



منبع:

Jahrfeier ۲۵۰۰ Festgabe dutscher Iranisten zur
.۶۳-۵۵.Stuttgart ,۱۹۷۱ ,Irans

1 -Walter Hinz 2 -Borsippa 3 -Herder 4 -Xenophon 5-Kr?sus 6 -Pathrakta 7- Si-wand 8- Ktesias 9 -Artaxerxes 10 -Aischy-los 11 -Marathon 12 -Halis 13 -Kizel Irmak 14- Pteria 15 -Sard 16 -Naboned 17 -18 - 19 - Koubaro 20 - Belzasar 21 - Mentekel 22-Jesaia 23 -Nebukadnezar 24 -Asra 25 - Satrapie 26-Nehemia 27 - Esra 28 - Medien 29 - Golgatha

پژوهش

روز امید و آرزو

■ پوراندخت برومند
حقوقدان وپژوهشگر ادبیات

بهار فرا می‌رسد. شادابی فرو خفتهٔ طبیعت که با چیرگی زمستان سر در گریبان برده و خشم خود را فرو خورده، سر بر می‌آورد و بانگ بر می‌زند که تیرگی و تاریکی، خسته از کارزار با روشنایی، سپرانداخته و تیغ در نیام کشیده است.

گویی تلاش تیرگی برای پایداری و ماندگاری، ره به جایی نبرده و دوران اقتدار و سرکردگی تاریکی به پایان رسیده است.

نوروز می‌آید،روشنایی با تاریکی پهلو می‌زند و روز شب برابر می گردند. ترازوی زمانه، دادگری پیشه می گیرد و این نویدبخش پیروزی نیکی بربدی و درخشش و گرمای مهر و دوستی برغم و رنج و اندوه است.

آری، نوروز چشم‌ها بر شادابی و شادمانی می گشاید و شور و شوق درون بر شاخسار زندگی جوانه می‌زند و شکوفایی آغاز می گردد. به راستی نشانه‌های دیرپایی نوروز را باید در نیروی جان‌بخش بهار و سرخوشی طبیعت جستجو کرد.

نوروز جشن آغاز سال نو و نام گذاری این رسم دیرینه به سبب برگزاری آن در (هرمزد روز یا اورمزد روز) روز اوّل فروردین ماه است. جشنی که در ایران باستان (جشن فروردگان) نیز نامیده شده است.

پیشینهٔ جشن نوروز در دست نوشته‌های کهن به پادشاهان پیشدادی و نخستین برپایی آن به جمشید نسبت داده شده است. پادشاهان هخامنشی، اشکانی و ساسانی این روز را با شکوه تمام جشن می گرفتند.

در روزهای اوّل تا پنجم از ماه فروردین (نوروز عامه) پادشاهان ساسانی به نشانهٔ دادگری با بخشیدن خراج و مالیات و گوش فرا دادن به بیان خواسته‌های اقشار و طبقات مردم و پذیرفتن و دادن هدایایی به آنان سال نو را آغاز می کردند.

ایرانیان باستان فرارسیدن نوروز را به فال نیک می گرفتند و آن را (روز امید) می نامیدند و باور آنان بر این بود که بهار، پیام‌آور آرزوهاست و در نوروز نیک‌بختی میان مردمان روی زمین تقسیم می گردد. فردوسی بزرگ در شاهنامه از جمشید فرزند طهمورث پادشاه باستانی ایران و دوران پادشاهی او چنین یاد می کند.

برآمد برآن تخت فرّخ پدر
به رسم کیان برسرش تاج زر
کمر بسته با فّر شاهنشهی
جهان گشته سر تا سر او را رهی
زمانه برآسوده از داوری
به فرمان او دیو و مرغ و پری
جهان را فزوده بدو آبروی
فروزان‌شده تخت‌شاهی بدوی
منم گفت بافرّه ایزدی
همم شهریاری و هم موبدی
بدان را ز بد دست کوته کنم
روان را سوی روشنی ره کنم

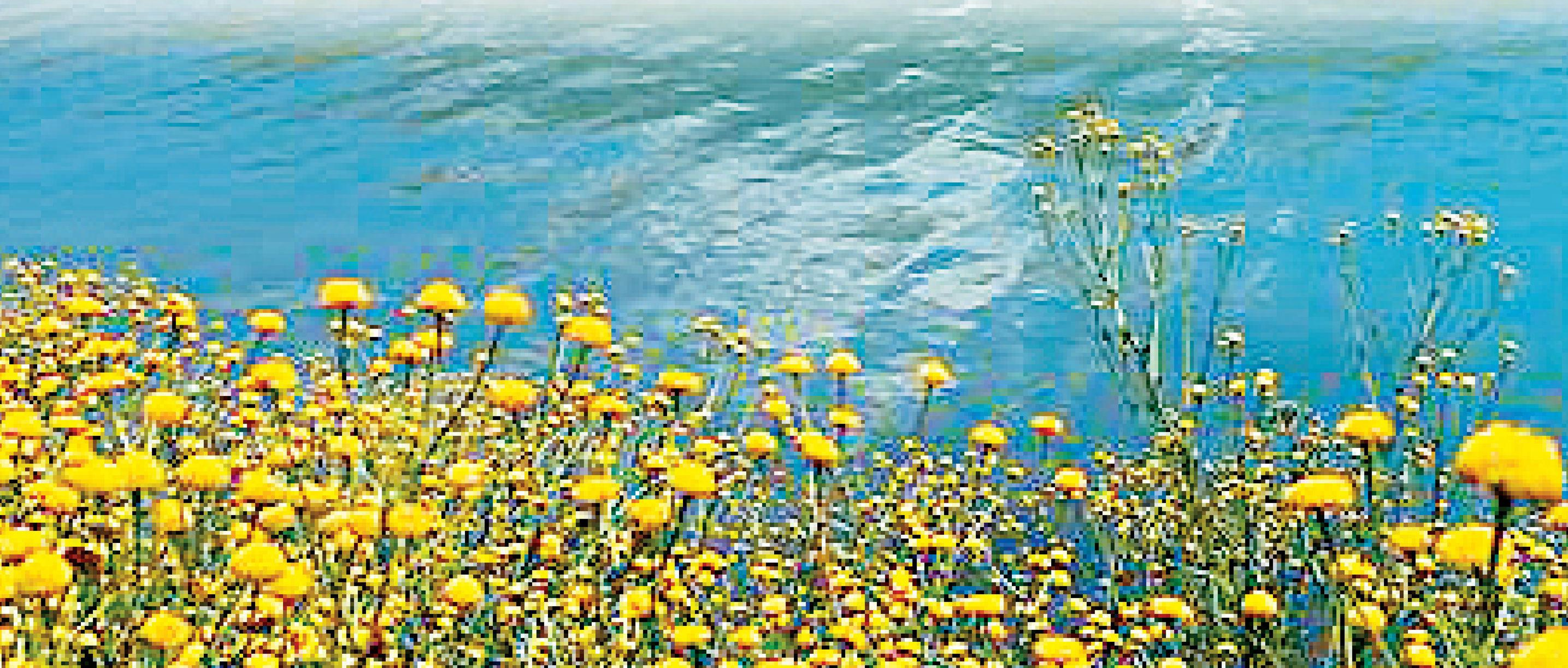
در دوران پادشاهی جمشید با شناخت آهن، آلات جنگی از تیغ و گرز و زره، تاخود و جوشن و برگستوان ساخته می‌شود. دانهٔ گیاهان و پوست و موی حیوانات به کار گرفته می‌شود و با رشتن و بافتن و تافتن آن، پوشاک فراهم می‌آید. جمشید به ساماندهی اقشار و طبقات مردم می‌پردازد و پایگاه پیشوایان دینی (موبدان)،جنگاوران (ارتشتاران)، کشاورزان (برزیگران) و پیشه‌وران (دست‌ورزان) را تعیین و مرز حق و تکلیف آنان را روشن می‌سازد.

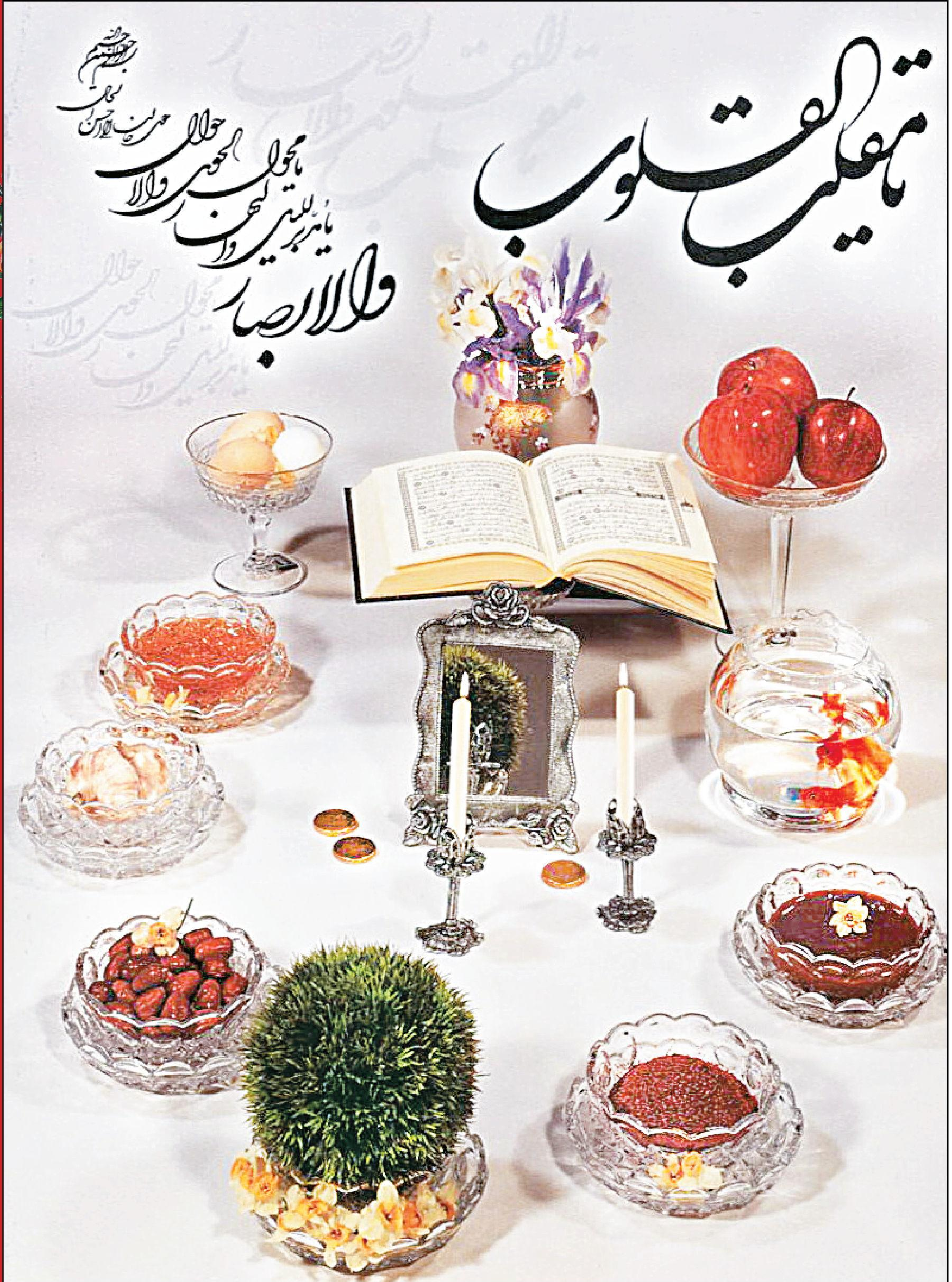
در این دوران به یاری دیوان، با در آمیختن آب و خاک، گل به دست می‌آید و با خشت، دیوار کاخها و گرمابه‌ها بنا نهاده می‌شود، به روشهای دانسته، گوهر از سنگ جدامی گردد. بویهای خوش شناخته می‌شود و گیاهان دارویی به کار دارو و درمان می‌آیند.پس از آن جمشید، آسوده از انجام کارهای بایسته، پای از جایگاه مهتری برتر آورده، فرمان می‌دهد تا برای او تختی گوهرنشان ساخته شود تا درآن بنشیند و سر به گردون برآورد.

همه کردنیها چو آمد به جای
ز جای مهی برتر آورد پای
به فرّ کیانی یکی تخت ساخت
چه‌مایه‌بدو گوهر اندر نشاخت
که چون خواستی دیو برداشتی
زهامون به گردون برافراشتی
چو خورشید تابان میان هوا
نشسته بر او شاه فرمانروا
جهان انجمن شد بر تخت اوی
شگفتی فرومانده از بخت اوی
به جمشید برگوهر افشاندند
مرآن روز را روز نو خواندند
سر سال نو هرمز فوردین
برآسوده از رنج تن، دل زکین

جمشید بر تخت نشست و سال نو را با دادگری آغاز کرد و نیکی بر جهان گسترد. اما با گذشت زمان خودبینی و خویشتن‌خواهی بر وی چیره گردید، مهر و خرد را فرو گذاشت و داد را به بیداد پیوند داد. مرز جور و ستم را درنوردید و ناسپاسی پیشه کرد.از اعتدال و داد کناره گرفت و سردی و بی‌مهری به کار آورد. فرّ یزدان نیز از او دور گشت و روشنایی روزگار او به تیرگی و تاریکی گرایش نمود.مردم عصیان زده و به تنگ آمده از بیداد جمشید، به ضحاک اژدهادوش، روی نهادند. جمشید گریخت. او بخت برگشته با بیم و هراس سالیانی دراز دور از چشم مردم زیست و سرانجام به چنگ ضحاک گرفتار شدو از پای درآمد... امّا نوروز خجسته تا به امروز پایدار مانده و خواهد ماند...

مجمع عمومی سازمان ملل متحد روز جهانینوروز (اوّل فروردین برابر با ۲۱ مارس) را در ۲۳ فوریه (۱۴ اسفند ۱۳۸۸) به عنوان روز بین‌المللی نوروز و فرهنگ صلح در جهان به رسمیت شناخت.





«محل تلفظ این دو حرف «سین و شین»، بسیار به هم نزدیک است، به طوری که بعضی از محققان بر این باورند که در ابتدا، این دو حرف، یک حرف بوده است.» (علی بلوکباشی، ۱۳۸۰، ۶۹)

ابوریحان بیرونی این سفره را از زمان جم می‌داند و می گوید: «جمشید بر اهریمن، که راه خیر و بارش باران و سبز شدن گیاهان را بسته بود؛ پیروز شد و دوباره برکت و باران شروع شد؛ به همین جهت مردم گفتند: «روز نو» یعنی روزی نوین و روزی تازه فرا رسید.

او می‌افزاید: هفت سین، عبارت از هفت صنف از غلات است که سر هفت استوانه در کنار خانه سبز می‌کردند و از روییدن این غلات خوبی و بدی زراعت و حاصل سالیانه را حدس می‌زدند.» (ابوریحان بیرونی، ۱۳۶۳، ۳۳۰) سپس این رسم در ایران پایدار ماند که مردم در هفت ظرف، هفت نوع از غلات را سبز کنند.

عده‌ای دیگر به «هفت میم» معتقدند: میوه، ماهی، مرغ، ماست، مربا، مسقطی و میگو.

پس از مطالعه بیش از ۲۰ کتاب در این خصوص، شایان بیان است:

۱- «هفت شین»: در نوروزنامه خیام آمده است: «بر پایه آیینی در روز اول سال، موبد موبدان نزد پادشاه می‌آمد و دسته‌ای سبزه و جامی می نثار او می‌کرد.» از این رو پیش خود حدس زده‌اند که بر سفره نوروز، شراب یکی از شین‌ها بوده است در صورتی که بر اساس همین نوشته، بزرگ موبدان علاوه بر سبزه و شراب، شمشیر، کمان، جوهر و حتی اسب را نیز پیشکش شاه می‌کرد. پس اگر این اشتباه به واسطه نوروزنامه خیام باشد، لابد باید بپذیریم ایرانیان، خوان نوروزی خود را در میان حیاط خانه پهن می‌کردند تا بتوانند کمان و شمشیر و اسب را نیز بر آن قرار دهند.!! شراب کلمه‌ای عربی است و پس از اسلام، این واژه وارد زبان ما شد در حالی که ما «می» را برای چنین مفهومی مورد استفاده قرار می‌دادیم و این به طور کاملاً آشکار در تمامی کتاب‌های کهن ایران به خصوص شاهنامه ملاحظه می‌شود و شایه نیز برای میوه مصطلح نبوده است.

۲- «هفت چین»: الف: ایرانیان باستانی تماس مستقیم چندانی با چین نداشتند و حتی در برخی منابع قدیمی، واژه کینیان برای چینیان بکار رفته که بیشتر اهالی سمرقند را شامل می‌شده است. ب: چینی به ظروف شکستنی دیگری، گفته می‌شد که هنوز هم این واژه بدون دگرگونی به همان صورت گذشته باقی مانده و این ظروف کاربرد دارند و اگر چینی به سینی بدل شده است ؛ چگونه است که این ظروف چینی کنونی تغییر نام نیافته اند؟!!

۳- «هفت میم»: الف: ماهی و میگو در زمان گذشته نمی توانسته مورد دسترس همه مردم در تمام نقاط ایران قرار گیرد. ب: حمل و نقل به راحتی امروز نبوده. ج: وسیله نگهداری این مواد خوراکی، نمک سود کردن و راهکارهای ابتدایی بود که نتیجه بخش در مسافت‌های طولانی نیست. د: مردم چیزی را که احتمال داشت نتوانند در سفره نوروزی خود داشته باشند را انتخاب نمی‌کردند. ه: مسقطی بسیار رایج و فراوان نیست که در سفره سال نو قرار گیرد.

از دیدگاه بنده تنها فرضیه «هفت سین» به نظریه تبدیل می‌شود:

از آغاز برگزاری این جشن، خوردنی های این سفره با حرف «س» شروع می‌شده است و همان سنجد، سماق، سمنو، سیر، سبزه، اسفند و سکه و مواردی از این دست بوده است. «سین» کوتاه شده واژه «سینی» است و می گویند در زمان قدیم مائده‌های تازه و خشک زمینی را در «هفت سینی» یا «هفت خوان مسین» می چیدند و در نوروز به حضور شاهان می‌بردند. همچنین، گفته‌اند که امشاسپندان، هفت فرشته مقدس دین مزدیسنا در ده روز فروردگان، از ۲۶ اسفند تا ۵ فروردین، از جهان مینوی فرود می‌آمدند و مردم هفت خوان از مائده‌های زمینی برای آنها مهیا می‌کردند.

قاعده اصلی چیدن «سین»، توجه به رمزهای اندیشه باستان است که هر کدام یکی از مظاهر حیات است؛ اسفند: نماد سلامتی، سمنو: زایش، سیب: باروری و زن، سنجد: عشق، سبزه: شادابی و سرسبزی، سماق و سیر: شادابی و پویایی و سکه: نماد فراوانی وروزی است.

این همان خوانی است که برکت و فراوانی برای خانه و خانواده می‌آورد؛ پیشینیان ما به نوعی همه عالم را در خوانچه‌ای فراروی خویش می‌آورند و با خداوند در لحظه تحویل نیایش می‌کردند.

منابع:

۱- آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیر ایران، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۰، چاپ هفتم، ۱۳۸۴.

۲- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱.

۳- برومند سعید، جواد، نوروز جمشید (پژوهشی نوین در پیدایی نوروز)، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۷.

۴- بلوکباشی، علی، نوروز، جشن نوزایی آفرینش، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.

۵- بیرونی، ابوریحان، التفهیم لاوائل صناعه التنجیم، تصحیح همایی، جلال الدین، تهران، انتشارات بابک، ۱۳۶۲.

۶- بیرونی، ابوریحان، آثار الباقیه، ترجمه داناسرشت، اکبر، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، چاپ سوم.

۷- پورداوود، ابراهیم، فرهنگ ایران باستان، بخش نخست، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.

۸- پیرنیا، سیدعلی، فرهنگ مردم (فولکلور ایران)، تهران، نشر پارسا، ۱۳۶۹، چاپ اول.

۹- خیام، عمر بن ابراهیم، تصحیح مینوی، مجتبی، نوروزنامه (رساله‌ای در منشأ و تاریخ آداب جشن نوروز)، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.

۱۰- دادخواه، محمد علی، نوروز و فلسفه هفت سین، تهران، حروفیه، ۱۳۸۲.

۱۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، سازمان لغت نامه دهخدا، چاپ سیروس، ۱۳۳۷.

۱۲- ذکاء، یحیی، نوروز و بنیادهای نجومی آن در همبستگی با تخت جمشید، انتشارات گنجینه هنر، ۱۳۷۷.

۱۳- رضایی، عبدالعظیم، تاریخ ده هزار ساله ایران، جلد ۱، تهران، اقبال، ۱۳۸۱.

۱۴- رضایی، عبدالعظیم، تاریخ نوروز و گاهشماری ایران، تهران، انتشارات دُر، ۱۳۷۸.

۱۵- رضی، هاشم، جشن‌های آتش، تهران، انتشارات بهجت، ۱۳۸۵، چاپ چهارم.

۱۶- شعبانی، رضا، آداب و رسوم نوروز، تهران، الهدی، ۱۳۷۹.

۱۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا، بوی جوی مولیان، تهران، ۱۳۵۶، چاپ اول.

۱۸- معین، محمد، گردآورنده عزیزی، عزیزالله، فرهنگ فارسی جیبی، تهران، راه رشد، ۱۳۸۲.

۱۹- مولانا، گلچینی از غزلیات شمس تبریزی، تهران، انتشارات اسکندری، ۱۳۴۳.

۲۰- میرفتاح، منصوره، جشن‌ها و آیین‌های ایرانی از دیرباز تا امروز، تهران، محمد، ۱۳۸۹.

۲۱- هدایت، صادق، گردآورنده هدایت، جهانگیر، فرهنگ عامیانه مردم ایران (نیرنگستان، اوسانه، ترانه‌های عامیانه، آثار تحقیقی و آثار چاپ نشده)، تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۸.

۲۲- هینلز، جان راسل، ترجمه آموزگار، ژاله، تفضلی، احمد، شناخت اساطیر ایران، تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۳، چاپ پنجم.

۲۳- یوشیج، نیما، گردآوری طاهباز، سیروس، مجموعه کامل اشعار نیما یوشیج، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۰.



زنده‌یاد مهرداد بهار

داستان جم

■ **به قلم : شادروان مهرداد بهار**

[هرمـــزد دیـــن را به جم فـــراز نمود و جـــم پیامبری را نپذیرفت. پس هرمزد پاســـداری و ســـالاری جهان را به وی ســـپرد. در شهریاری جم آفات اهریمنی نبود و مرگ و پیری. پس جهان از مردم و جانوران آکنده شد. جم به سوی نیمروز فرا رفت و جهان را سه برابر فراخ کرد. به فرمان دادار جایگاهی (وَرجَمکـــرد) را ســـاخت و از گیاهان و جانور و مردم تخمه و جِفتی به آن برد. در ورجمکرد، گیاهان و خوردنیها فاســـد نمی‌شـــوند و مردمـــان نقصان و عیبی ندارنـــد. در آنجا نور از آسمان نمی‌تابد و روشنی آن خودبخود است.

جم مرگ و درد و پیری را از جهان به ششصد سال دور داشت و ورجمکرد را ساخت و «پیمان» جهانی را از اهریمن باز ستاند. آســـن خرد (خردسرشـــتی و طبیعی) را دزدیدند و آشـــوب ســـخت در جهان افتاد. تا بتواند راز ســـلطهٔ دیوان را دریابد، جم به اعجاز خدائی، با تن به دوزخ درآمد و ســـیزده سال در کالبد دیوان در آنجا ماند. پس توانست در شهریاری خود بیمرگی پدید آورد.

جم ادعای آفرینندگی کرد و با این گناه فره از او جدا شد. چون جم از دیوان نپذیرفت که گوسفند را بکشد، پس دیوان او را میرنـــده کردنـــد و کیفر دادند. جم از گناه خود توبه کرد و دادار او را از دوزخ به همســـتگان درآورد و شاهی همستگان را به او داد].

زردشـــت از هرمزد پرســـید که «ای هرمـــزد، ای مینوی افزونی‌بخـــش، ای دادارِ جهان مـــادی، ای پرهیزگار! جز من که زردشـــت‌ام، نخســـتَ با کدام از مردمان همپرسگی کردی تو که هرمزدی، و آن‌گاه، تو این دین هرمزد و زردشـــت را به که فراز نمودی؟»

هرمزد گفت: «ای زردشـــت پرهیـــزگار! به جم نیکوی خوش رمه [فراز نمودم]. به جز تو که زردشـــتی، نخســـت با او از مردمان همپرسگی کردم من که هرمزم. آن‌گاه، بدو فراز نمودم این دین هرمزد و زردشت را.

«آن‌گاه، ای زردشـــت! من که هرمزدم، بدو گفتم که «ای جم نیکو، پسر ویونگهان! از من بپذیر آموزش و بردن دین را». آن‌گاه جم نیکو به من پاسخ گفت: «ای زردشت! که نه دهنده‌ام نه آموزانندَه‌ام آموزش و بردن دین را».

«آن‌گاه، من که هرمزدم، ای زردشـــت! به او گفتم که اگر «ای جم! از من نپذیری آموختن و بردن دین را، آن‌گاه، آن جهانِ مرا فراخ کن؛ آن‌گاه، آن جهان مرا ببالان؛ آن‌گاه، پاســـداری وَ سالاری آن جهان مرا برای نگهداری [جهانیان] بپذیر».

«آن‌گاه، جم نیکو، ای زردشت! به من پاسخ گفت که «من این جهان تو را فراخ کنم، من این جهان تو را ببالانم، من از تو بپذیرم پاسداری و سالاری جهان را برای نگهداری [جهانیان؛ که در] آن شاهی من نه آن سردْ باد، نه آن گرم باد و نه بیماری و نه مرگ باشد».

«آن‌گاه، من که هرمزدم، به او سلاح فراز بردم: سوورای زرین و نیز اَشتَرِ زرنشان.

«جم شد برَندهٔ شاهی.»

آن‌گاه، چون بر آن شاهی جم آن سدیگر سده بسر رسید، آن‌گاه، این زمین پر از رمه، ستوران، مردمان، سگان، پرندگان و نیز آتش سرخ سوزان شد. براین [زمین] رمه و ستور و مردم جای نیافتند.

آن‌گاه، ایشـــان به جم لابه کردند که «ای جم نیکو، پســـر و یونگهان! پر شـــد این زمین و بر هم آمد از رمه و ســـتوران و مردمان و پرندگان و نیز آتشِ سرخ سوزان. بر این [زمین] رمه و ستور و مردم جای نیابندَ.»

آن‌گاه، جم فراز رفت به روشنی، به نیمروزی‌ترین سوی، بر آنِ راه خورشـــید. بر این زمین به ســـوورای زرین بر سُفت و به اَشـــتَر بدان سَـــفت و چنین گفت [که] «دوستی [کن] ای ســـپندار مذ! فراز رو، بیش بگســـتر برای بردن رمه، ستوران و مردمان».]

]جـــم[پهلـــوی: jam,jamsed ، اوســـتا: yima- و در سنســـکریت yama-، از کهنتریـــن چهره‌های اســـاطیر هندوایرانی است. در اساطیر ودائی، جم سرور جهان مردگانی است که به سعادت ابدی رسیده‌اند، یعنی فرمانروای بهشت برین. اوبا خدایان جهان ودائی به دوســـتی و خوشـــگذرانی ســـرگرم اســـت و بخصوص با ورونه واگنی agni- خدای آتش، در ارتباط است. اگنی دوست یمه (=جم) و پریستار او است. خدائی به اتفاق یمه (که ظاهراً هر دو یکی‌اند) اگنی یا آتش پنهان شده را می‌یابند. او حتی گاه نام خداوند دارد، هر چند مشخصاً و مستقیماً با این نام خوانده نشده و تنها سمت مشـــخص او شاه بودن است. او شاه جهان مردگان سعادتمند اســـت. یمه و ورونه دو شـــاهی هستند که در بهشت به پذیرهٔ مردگان می‌آیند. او گردآورندهٔ مردم اســـت، او راحت بخش مردگان اســـت. او برترین آســـمان را در اختیار دارد و در آنجا مســـکن گزیده است. در این جایگاه وی که منزل خدایان نیز هســـت، یمه در میان ســـرودها و آوای نی بسر می‌برد. پدر او vivasvat- و مـــادرش ūsarany اســـت. او خواهری دارد به نام yama-.yami-، به معنای همزاد، در واقع در ارتباط یمه و خواهرش یمی yami- اســـت. مردمان جهان فرزندان این خواهر و برادراند. بنا به اساطیر هندو ایرانی که آثار آن در وداها و اســـاطیر ایرانی بازمانده است، می‌توان معتقد شد که هندوایرانیان معتقد بودند این برادر و خواهر نخســـتین پدر و مادر جهانیان‌اند. گناهی که در وداها بر عهدهٔ یمه قرار می‌گیرد این است که وی به تحریک خواهرش، با وی همبستر می‌شود و از این طریق مردمان پدید می‌آیند. البته باید توجه داشت که این تنها اســـطورهٔ مربوط به نخســـتین انسان در اساطیر ودائی نیست.

بنابه اســـاطیر ریگ و دائی، ویوسوت، پدر یمه، دو پسر دیگر هم بعد از یمه داشته است، به نامهای manu- و trita- که در اوستا نام این دو، علاوه بر ییمه، آثویه way-θā و ثریته rita-θ است.

دربـــارهٔ ویوســـوت کـــه همـــان ویوهونت اوســـتائی (vivahvant-) و ویونگهـــان (wiwanghan) ادبیـــات پهلوی اســـت، باید گفت که در ادبیات اوستائی وی نخستین کسی است از مردم که گیاه هوم را می‌فشارد و جم به پاداش ایـــن عمل، به عنوان پســـری برای او زاده می‌شـــود. نام او به احتمال با درخشـــیدن مربوط اســـت. الدنبرگ گمان دارد که ویوســـونت از کهنترین پریستاران هندوایرانی است که آئین یزش و فشـــردن هوم با او مربوط بوده اســـت و بعدها به علت همین تقدس به مقام خدائی در ذهن مردم ارتقاء یافته است.

در ریگ‌ودا، یمه دو پیام برنده دارد که هر دو ســـگ‌اند. سگ‌های یمه چهار چشم، پهن‌بینی، راه‌راه و قهوه‌ای‌اند. این دو ســـگ پاسدار راه بهشت‌اند و مردگان را وامی‌دارند. تا بی آن‌کـــه از راه بـــه در رونـــد، به انجمن پدران کـــه در کنار یمه نشسته‌اند، بپیوندند. این سگ‌ها در مراسم تشییع مردگان در دین زردشـــتی نیز وظیفه‌ای به عهده دارند که با این اســـطوره مربوط است، ولی ارتباط خود را با جم از دست داده‌اند.

در اوستا، ییمه دو صفت اصلی دارد؛ یکی xsaeta- به معنای شاهوار یا درخشان که امروزه نیز در جزو دوم نامهای خورشـــید و جمشـــید می‌بینیم و دیگر □hvar_sa□dar به معنای خورشید دیدار، و ییمه پسر ویوهونت یا ویونگهونت اســـت که نام او نیز با درخشـــیدن مربوط اســـت، و اگر توجه

کنیم که حتی در ریگ‌ودا نیز یمه با خورشید مربوط است و او دهندهٔ خورشید است، باید معتقد شویم که هر چند ممکن است او در عداد خدایان نبوده باشد، اما محتملاً موجودی است آسمانی و با خورشید مربوط. جالب توجه در این ارتباط، شباهتهای او است، بخصوص در ایران، با ایزدمهر که خود ایزدی است با منشأ خورشیدی:

الف ـ در ریگ‌ودا آمده است که میتره mitra– گردآورندهٔ مردم است و کشتکاران با چشمهائی که برهم نهاده نمی‌شود می‌پاید و پنج قبیلهٔ مردمان فرمانبرداری او را می‌کنند.

در اساطیر ایرانی نیز جمشید طبقات چهارگانهٔ مردم را متشکل می‌کند و گردهم می‌آورد و مردم را پاسداری می‌کند.

ب ـ بنا به مهر یشت، مهر کاخی برفراز کوه هرا hara–، البرز، دارد، جائی که در آن نه شب هست و نه تاریکی، نه سرما هست و نه گرما، نه بیماری هست و نه مرگ.

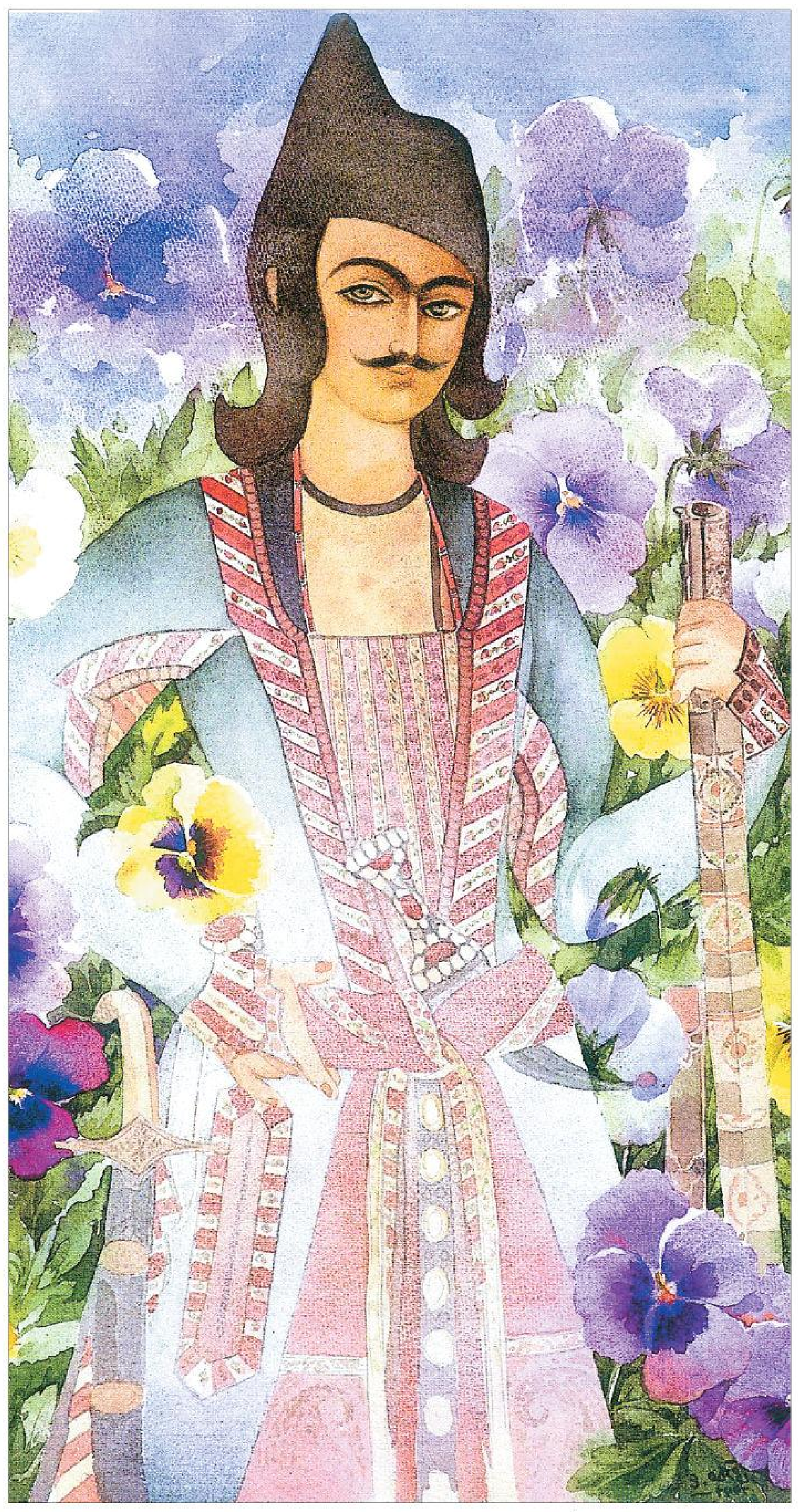
جمشید نیز «ور»، یا کاخی می‌سازد و در پادشاهائی او نیز تاریکی، سرما، گرما و بیماری و مرگ نیست.

پ ـ از مهر یشت بر می‌آید که مهر نه تنها وظائفی در زمینهٔ برکت‌بخشی بر عهده دارد، بلکه ایزدی جنگاور و نیز حامی پیمان‌ها و داور است. بدین گونه، مهر وظیفهٔ جنگاوری و موبدی، هر دو را بر عهده دارد. در ریگ ودا خدای خورشید، سوریه sorya–، نیز پریستار جهان خدایان است. در شاهنامه دربارهٔ جمشید چنین آمده است.

منم گفت با فـــرهٔ ایزدی
همم شهریاری و هم موبدی

جمشید در اوستا دارای سه فره یا فره‌ای با سه جلوه است: «یکی از آنها که فرهٔ خدائی ـ موبدی است به مهر می‌رسد؛ فرهٔ شاهی به فریدون می‌پیوندد و فرهٔ پهلوانی و جنگاوری را گرشاسپ بدست می‌آورد. در سنت ایرانی، اجراء آئین‌های برکت‌بخشی نیز به عنوان وظیفه‌ای بسیار مهم برعهدهٔ شاهان بوده است.

ت ـ در مرکز آئین‌های دین مهرپرستی قربانی کردن گاو به دست مهر، قرار داشته است. از افسانه مشی و مشیانه، که جانشین داستان جم و خواهرش جمگ شده است، و از یسنهٔ ۳۲، بند ۸ نیز بر می‌آید که جمشید به قربانی کردن گاو می‌پرداخته است. هم‌چنین مهر دارندهٔ چراگاه‌های فراخ بوده است (پهلوی: goyod، اوستا: (gao-yoatay– و جمشید دارندهٔ رمهٔ خوب (پهلوی huramag، اوستا: (hva٠wa–



که ارتباط هر دو آنها را با گاو و گله‌داری می‌رساند.

ث ـ در آغاز بهار خورشید یا مهر به برج بره وارد می‌شود و در واقع، تجدید سلطنت و قدرت می‌کند در برابر، جشن نوروز جشن پیروزی و فرمانروائی کامل جمشید است که در آغاز بهار قرار دارد.

ج ـ ارتباط انسان با خورشید از سوئی و ارتباط انسان با جم، از سوی دیگر، خود معرف ارتباط جم با خورشید است.

با در نظر گرفتن این نکته که میان وظائف، اعمال و شخصیت جمشید با مهر همانندی بسیار موجود است، شاید بتوان باور داشت که جمشید به عنوان شاه و پدر نخستین انسانها، در واقع تجسم ایزد مهر است بر زمین که وظائف روحانی، جنگاوری و برکت‌بخشی وی را در خود جمع دارد. اگر توجه کنیم که ایزدمهر در نزد ایرانیان، لااقل از دوره دوم سلطنت هخامنشیان، به صورت نمونهٔ کهن و آسمانی خدا ـ شهریار در می‌آید، باید باور داشت که براساس این نمونهٔ کهن شهریاری، شاه زمینی نیز خصوصیات او را در حدی زمینی می‌بایست دارا باشد، و این همان است که در جمشید می‌بینیم.

اصولاً به نظر می‌رسد که اعتقاد کهن بشری در زمینهٔ نژاد خدائی داشتن خاندانهای کهن سلطنتی، از همین شباهت و الگوسازی برخاسته باشد. این بدان معنا است که در آغاز، شاهان تکرارکنندهٔ اعمال خدایان بر زمین بوده و سپس با آنان شخصیتی مشترک پیدا کرده‌اند و در مرحلهٔ بعد، خود تجسم خدایان بر زمین شده‌اند و افسانهٔ نژاد خدائی داشتن ایشان بدین گونه پدید آمده است. البته نظر دیگر این است که شاهان سرسلسله و بزرگ و مؤثر در سرنوشت مردم خود، پس از مرگ به مقام خدائی رسیده‌اند و اسلاف آنان خود را از نسل خدا دانسته‌اند. هر دو نظر در کنار یکدیگر محتمل به نظر می‌رسد.

ضمناً در تفکر ایرانی این عقیده رشد می‌کند که ایزدمهر یا میشی آن ایزد رهائی‌بخشی است که هراز گاهی بر زمین می‌آید تا با کشتن گاو (در آئین مهری) یا با رهبری کردن مردم (در آئین مانوی) نعمت و نجات را ارزانی مردم دارد.

در اساطیر مانوی این امر هر چند گاهی یکبار اتفاق می‌افتد و مانی پیامبر خود را واپسین میشی می‌داند. اندیشهٔ نزول عیسی مسیح، پسر خداوند، بر زمین نیز از همین آبشخور تفکر مردم آسیای غربی سیراب است.

سه جنبه بودن فرهٔ جمشید که علاوه بر برکت‌بخشی، معرف ریاست او بر حکومت، دین و بر پهلوانان بوده است، می‌تواند گویای ساختمان ابتدائی قبائل هندواروپائی باشد که در آنها ظاهراً رئیس قبیله خود جادوگر قبیله و پهلوان نیز بوده است. در اساطیر هندواروپائیان، مصریان، هیتی‌ها و فنیقی‌ها نیز این امر به چشم می‌خورد. در داستان فریدون نیز این امر دیده می‌شود. او ضمن آن که پهلوان و شاه است، به هنگام بازآمدن فرزندانش از سفر ازدواج، جادوئی می‌کند و به چهرهٔ اژدها به آنان نمودار می‌گردد. ادامهٔ این سنت قبیله‌ای را در کارنامهٔ اردشیر بابکان هم می‌توان دید. نسبت خاندان مادری او به موبدان و نژاد پدر او به خاندان شاهان کیانی می‌رسد و پدرش خود چوپانی است. بدین گونه است که در افسانهٔ فوق اردشیر مظهر اتحاد سه طبقه اصل اجتماع می‌گردد.

بازار تبریز



سینما

دوران‌گذار در آیینه‌خانه‌سینما و جشنواره فیلم فجر

نگاهی به سینمای ایران در سال ۹۲



■ محمد سلیمانی

سینمای ایران در سال ۹۲، یکی از دشوارترین مقاطع دوران فعالیت حرفه‌ای‌اش را پشت سر گذاشت. بنیه اقتصادی‌اش به شدت تحلیل رفت و به لحاظ کیفی هم نتوانست توجه منتقدان را جلب کند. این سینما، هم مخاطبان عام خود را از دست داد و هم فرهیختگان و سینما دوستان جدی‌تر را. به همین دلیل هم می‌توان آن را سینمایی بحران‌زده و آکنده از نواقص ریز و درشت دانست که بررسی هر کدام از آن‌ها، نیاز به مجالی بسیار بیشتر از آن چیزی دارد که اینک در اختیار نگارنده قرار گرفته است ولی با نگاهی اجمالی سعی می‌کنم تصویری از آنچه که رخ داد را در برابر خواننده این سطور قرار دهم.

حلقه مفقوده سینمای ایران در سال ۹۰، همراهی و همدلی طیف‌های مختلف سینماگران بود که در برخی مواقع کار را به درگیری و اختلاف نظرهای شدید با پس زمینه‌های سیاسی می‌کشاند. وقتی حرف و حدیث آن‌هایی که اختلاف نظر داشتند به کف خیابان آمد، مشکل، ابعاد دیگری یافت که حالا دیگر نمی‌شد صرفاً با نگاهی فرهنگی به تجزیه و تحلیل آن پرداخت. به این ترتیب، سینمای ایران در نیمه دوم سال ۹۲ با معضل جدیدی به نام تعطیلی خانه سینما و پیامدهای آن روبرو شد که می‌توانست نقطه آغاز بسیاری از ناملایمات و مشکلات عمیق برای بدنه سینمای ایران باشد.

آسیب‌شناسی موضوع تعطیلی خانه سینما و بازگشایی آن، بدون تردید سرنخ‌های بسیاری را برای کشف رمز معضلات مبتلابه سینمای ایران به دست می‌دهد.

خانه سینما ایران از ابتدا به منظور سازماندهی فعالیت‌های صنفی فعالان رشته‌های گوناگون سینمای ایران از کارگردان و فیلمبردار و تدوینگر گرفته تا مدیران تدارکات و هنروران و... حتی نویسندگان و منتقدان سینمایی شکل گرفت.

رفته رفته با گسترش فعالیت‌های خانه سینما و حضور چشمگیر آن در مراسم و مجامع مختلف و برگزاری مراسم پرمخاطبی همچون «جشن سینما» در کنار جشنوارهٔ فیلم فجر، فعالیت‌های فرهنگی خانه سینما حتی پررنگ‌تر از امور صنفی آن در سطح جامعه هنری ایران جلوه‌گر شد و طبیعی بود که به واسطه اظهارنظرهای مدیران خانه سینما و اعضای شورای مرکزی اصناف گوناگون آن که زمینه‌های سیاسی آن‌ها قابل تشخیص بود، موجی از حاشیه پیرامون فعالیت‌های خانه سینما شکل گرفت که عاقبت به تعطیلی آن و پلمب شدن ساختمان اصلی‌اش انجامید.

در همین مقطع مهم تاریخی، جناح‌های فکری و سیاسی موجود، هر یک علم حمایت از یک سوی درگیری را در موضوع تعطیلی خانه سینما برافراشته و به این ترتیب بار سیاسی این واقعه، پررنگ‌تر از گذشته شد تا جایی که اظهارنظرها دیگر کمتر رنگ و بویی از سینما و زمینه‌های فکری مرتبط با آن داشت و بیشتر به تسویه حساب‌های سیاسی شبیه بود. اگر چه در این بین همیشه سخن از قانون در میان بود و هر دو طرف از قانونی بودن اقدامات خود سخن می‌گفتند ولی در عمل اظهارات و رفتارهای ضد و نقیض طرح و دیده شده، مجالی را برای تشخیص نص صریح قانون در این زمینه باقی نمی‌گذاشت.

ماجراهای ناخوشایند پلمب خانه سینما و اجتماع نمایندگان هر دو طرف درگیر در مقابل آن که به شکلی گسترده هم رسانه‌ای شد، آخرین امیدها را هم برای تعامل بین طرف‌های درگیر و ایجاد فضا برای گفتمانی سازنده، بر باد داد و این، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های غائله خانه سینما در سال ۹۲ بود؛ اینکه امیدمان را به همدلی و همراهی بین اهالی سینما تا حدود زیادی از دست دادیم و واضح و روشن دیدیم که چگونه کینه جای مهر را گرفت و تبدیل به معضلی لاینحل شد.

حل بحران

با آغاز به‌کار دولت یازدهم که قصد داشت مسأله خانه سینما را به سرعت حل کند، پلمب این خانه گشوده شده و اعضای هیأت مدیره آن بار دیگر به ساختمان کوچه سمنان بازگشتند و فعالیت‌های خانه سینما از سر گرفته شد بی‌آنکه جناح مخالف، مشارکت چشمگیری در آن داشته باشد. پس از مدتی هم آب‌ها از آسیاب افتاد و در حال حاضر شاید کمتر کسی به یاد بیاورد که روزی روزگاری در مقابل خانه سینما تجمعی برگزار شد و عده‌ای می‌خواستند به هر قیمتی مانع پلمب شدن آن شوند و بعد، با تغییر اوضاع سیاسی، این پلمب بسیار ساده‌تر از آنچه که تصور می‌شد، باز شد.

در شرایط کنونی، خانه سینما به فعالیت‌های صنفی و فرهنگی خود ادامه می‌دهد و البته انتظار می‌رود دامنه فعالیت‌هایش بسیار فراگیرتر از گذشته باشد و در پی جذب حداکثری دست‌اندرکاران حرفه‌ای سینما که شاید تاکنون به هر دلیلی عضو صنوف تحت پوشش خانه سینما نشده‌اند.

خانه سینما در اوضاعی که بحران‌های سینمای ایران، به ویژه در عرصه اقتصادی هنوز هم نگران‌کننده است، مسئولیت خطیری به عهده دارد و می‌تواند در ایجاد همدلی مورد نیاز سینمای امروز ایران به واسطهٔ نمایندگی اصناف سینمایی نقش مؤثری داشته باشد، به شرط آنکه در شرایط فعلی، بیش از هر چیز به فکر پررنگ‌تر کردن مسئولیت‌های صنفی خود باشد.

سینمای مستقل، کجای سینماست؟

امسال، یکی از بحث برانگیزترین سال‌های سینمای ایران در عرصه سینمای مستقل بود؛ سینمایی که می‌خواهد همچنان که از نامش پیداست، بدون وابستگی به جریان و جرگه‌ای خاص روی پای خودش بایستد و مخاطبش را پیدا کند.

سینمای مستقل در سال ۹۲ چاره‌ای نداشت جز اینکه حداقل یک هفته روی پرده بماند و به تک سانس‌های سینما آزادی دل خوش کند.

اکران عمومی برای فیلم مستقل، تقریباً حکم نوعی صدقه را پیدا کرده است در حالی که فیلم و سینمای مستقل مخاطبان فرهیخته خودش را دارد که البته نیازمند اطلاع‌رسانی و تبلیغ مناسب هستند. اینکه فیلمی صرفاً به مدت یک هفته، آن هم در یکی، دو سالن و از همه بدتر در یک سانس روی پرده برود، فقط حکم رفع تکلیف دارد، نه اکران و نمایش عمومی.

نقطه عطف

جشنواره فیلم فجر، حالا دیگر برای سینمای ایران حکم نقطه عطف را پیدا کرده است. خیلی‌ها در نوشته‌ها و گفته‌هایشان می‌نویسند و می‌گویند که حضور در جشنواره فجر برایشان اهمیتی ندارد و اصلاً بود و نبودش را خیلی مهم و تعیین کننده نمی‌دانند ولی به طور معمول فشار اهالی سینما هر سال باعث می‌شود که تعداد زیادی فیلم در بخش‌های مختلف جشنواره روی پرده برود و جشنواره، صرفاً به ویترینی برای سینمای ایران بدل شود که همه جور فیلمی را می‌شود در آن پیدا کرد. در حالی که یکی از استانداردهای مهم و پذیرفته شده جشنواره‌های مهم و معروف جهانی، انتخاب سختگیرانه فیلم‌ها و نمایش تعداد معدودی فیلم و در عوض، برگزاری جلسات متعدد نقد و بررسی با حضور رسانه‌ها و قرار دادن بهترین فیلم‌ها در جدول نمایش جشنواره است. جشنواره فیلم فجر، امسال در عرصه نمایش فیلم ایرانی در بخش‌های مختلف رکورد شکست و بیش از ۵۰ فیلم در چند بخش روی پرده رفتند که تعداد زیادی از آن‌ها در ارزیابی مجدد و سختگیرانه نباید وارد عرصه‌های رقابتی جشنواره می‌شوند ولی جشنواره و برگزارکنندگان آن، برای جلب رضایت همگان، فیلم‌های بد، ضعیف و خوب را در یک سبد عرضه کردند؛ حرکتی کاملاً غیراستاندارد که نتیجه‌اش واکنش‌های منفی و بعضاً توهین‌آمیز تماشاگران بود.

اینکه برخی از آثار فیلمسازان بزرگ سینمای ایران هم دقیقاً با همین واکنش‌ها روبرو شدند، بحث دیگری است که ارتباطی با سطح کیفی اغلب فیلم‌های حاضر در بخش‌های سودای سیمرغ، فیلم اول و... ندارد. جشنوارهٔ فیلم فجر، باید بپذیرد که هر سال تعداد زیادی فیلم نمایش می‌دهد که خارج از عرف پذیرفته شده بین‌المللی است و نتیجه نمایش این تعداد فیلم، خستگی مفرط کسانی است که باید به ضرورت، بیشتر آن‌ها را به تماشا بنشینند که به طور طبیعی روی قضاوت‌هایشان درباره کلیت فیلم‌ها تأثیر می‌گذارد. وقتی در بین همه این خستگی‌ها، مخاطب جدی جشنواره ناگهان با فیلمی که ارزش یک بار دیدن هم ندارد، روبرو می‌شود به طور طبیعی اعتراض می‌کند و آن را توهین به شعور خود از سوی اعضای هیأت انتخاب تلقی می‌کند.

برخی از اعضای هیأت داوران جشنواره امسال معتقد بودند که حداقل ۱۰ فیلم از بین آثار جشنواره نباید به بخش رقابتی راه پیدا می‌کردند که به خودی خود نشانگر این واقعیت است که قرار بوده جدول نمایش ۱۰ روز فیلم از صبح تا اواخر شب پُر باشد. این را به حساب رونق جشنواره می‌گذاریم ولی واقعیت این است که اسم این کار راضی کردن اهالی سینمای ایران به بهای عصبانی کردن مخاطبان فرهیخته‌اش است. درست مثل بخش بین‌الملل جشنواره که سال‌هاست می‌نویسیم و می‌نویسند که با توجه به اینکه نمی‌توانیم بسیاری از استانداردهای این بخش را رعایت کنیم، بهتر است اصلاً برگزار نشود و به جای آن، مجال و فضای بیشتری را به نقد و آسیب‌شناسی اوضاع سینمای ایران اختصاص دهیم. نمایش چند فیلم اغلب آسیایی که صرفاً به واسطه انتخاب مضامین خاص امکان حضور در جشنواره را پیدا کرده‌اند، نمی‌تواند عنوان بین‌المللی جشنواره را توجیه کند.

انتظاراتی که برآورده نشد

بسیاری از فیلم‌های نمایش داده شده در جشنواره امسال انتظاراتی را که از سازندگانش می‌رفت، برآورده نکرد. «رستاخیز»، «چ»، «اشباح»، «طبقه حساس»، «متروپل»، «امروز» و... آثاری بودند که امید بسیاری به آن‌ها بسته شده بود ولی صرف نظر از تلاش فراوانی که مخصوصاً برای ارتقای ابعاد تکنیکی دو فیلم اول یا پایان‌بندی «چ» حاتمی‌کیا شده بود، هیچکدام نتوانست عنوان به یادماندنی را از آن خود کند. این در حالی است که پیش از برگزاری جشنواره، به واسطه حضور نسل‌های مختلف در جشنواره امسال، پیش‌بینی می‌شد که شاهد دوره‌ای استثنایی در بین جشنواره‌های چند سال اخیر باشیم.

امیدهای بیمار محتضر

سینمای ایران در سال ۹۲ حکم بیمار محتضری را داشت که قرار بود جشنواره سی و دوم امید به ادامه حیات را در او تقویت کند ولی فیلم‌های به نمایش درآمده که اغلب، محصول سیاستگذاری‌های سینمایی در دولت دهم بود، نه فقط امید بخش نبودند که نگرانی‌ها را به ویژه از بابت چگونگی ارتباط مخاطب عام با اکران سال ۹۳ دو چندان کردند.

سینمای ایران در دوران گذار، همچنان نیازمند فکر و ایده‌های خلاقانه است.





تئاتر

قایقی بی بادبان

در آستانه اعتدال بهاری



■ زهره زاهدی کرمانی

آیین برگزاری نوروز، آیینی نمایشی است که سفر از نیستی به هستی و از سردی به گرمی و آرامش را هرساله برای ایرانیان روایتی دوباره می کند.

نوروز، آئین و جشنی است که باعث می شود ایرانیان با هر اعتقاد و مذهبی ، به یک حرکت واحد در لحظه‌ای واحد برسند. آنان در لحظه اعتدال بهاری، شکوفایی دوباره هستی را جشن می گیرند و در این جشن از خانه تکانی پیش از نوروز گرفته تا چهارشنبه سوری و تحویل سال جدید و سرانجام سیزده بدر، همگی آئین‌هایی هستند که به صورت نمادین و البته نمایشی اجرا می کنند.

نوروز از لحظه اعتدال بهاری آغاز می شود و باید گفت در دانش ستاره‌شناسی اعتدال بهاری یا اعتدال ربیعی در نیم کره شمالی زمین به لحظه‌ای گفته می شود که خورشید از صفحه استوای زمین می گذرد و به سمت شمال آسمان می‌رود. این لحظه، لحظه اول برج حمل نامیده و در تقویم هجری شمسی لحظه تحویل سال گفته می شود که «هرمز روز» یا «اورمزد روز» هم نامیده می شود.

اعتدال بهاری که فرنگی‌ها به آن اعتدال مارچ (March equinox) هم می گویند فقط در حد یک تغییر ستاره‌شناسی و تغییر چند عدد بر تقویم هجری شمسی نیست. اعتدال بهاری تغییرات بسیاری را هر ساله بر انسان‌ها و بر محیط زندگی‌شان شامل می شود.

این مراسم تقریبا از ۵۳۸ سال پیش از میلاد مسیح تاکنون در ایران اجرا می‌شود و با وجود بحران‌هایی که بارها و بارها قلب ایران را لرزانده، اما غیر از اندک تغییراتی، همچنان باقی مانده است. یکی از مهم‌ترین نکات این مراسم فراموشی است. فراموشی کینه‌ها و غم‌هایی که به قولی مردم سعی می کنند آن‌ها را به زمستان بسپارند تا با خود ببرد و سپس سبکبال‌تر با بهار همراه شوند.

آیین، سرچشمه هنر نمایش در ایران بود و حضور آیین‌های بی‌شمار در این سرزمین تاثیر بسیاری بر این هنر داشت. با وجود آنکه نمایش‌های آیینی کاملا هنری در نزد مردم عام بود و اجرایش هم وظیفه‌ای بر گردن آن‌ها که با تربیت هنرمندان می توانستند آن آیین خاص را به خوبی اجرا کنند، اما این هنر هرچه از سرمنشاء خود فاصله گرفت و به درام نزدیک‌تر شد - با وجود آنکه این حرکت درهمه جهان گامی رو به جلو و پیشرفت به حساب می آید - اما گویی از زیر پرچم حمایت مردم بیرون کشیده و از آن پس بلاهای بسیاری بر سرش آوار شد.

تئاتر امروز ایران خصوصا در سال‌های اخیر همچون قایقی بی پارو و بادبان بود که با هر طوفان دریا به سویی می‌رفت و عاجزانه تلاش می‌کرد خود را سرپا نگاه دارد و در انتظار روزهای آفتابی بنشیند. این قایق بی پارو و بی بادبان در آستانه اعتدال بهاری ۱۳۹۳ امیدهای بسیاری به بهار بسته است.

مشکلاتی همچون کمبود سالن‌های استاندارد نمایشی هنوز حل نشده است که هر چند ماه درمیان هم خبر استعفای چندین باره مدیر تالار مولوی را می‌شنویم یا گروه‌ها لب به اعتراض می گشایند که برخی مدیران تماشاخانه‌ها به آن‌ها در شرایطی اجازه اجرا در سالن‌هایشان را می دهند که گروه‌ها هم از بازیگران چهره در سینما استفاده کنند.

تئاتر ایران برخلاف سینما هیچ گاه بر دوش ستارگانش حمل نشد و فروش هیچ نمایشی پیش از این برعهده ستاره حاضر در آن نبود. وارد کردن این فرهنگ به محیط حرفه‌ای تئاتر و در میان هنرمندانی که سال‌ها برای قرار گرفتن در جایگاهی که هستند آموزش دیدند، خیانتی بود از سوی برخی مدیران به تئاتر ایران که باعث نازل شدن ارزش تئاتر کشور شد.

از سویی دیگر چند سالی است که مدیران تئاتری دم از تلاش برای خصوصی سازی در تئاتر کشور می‌زنند و این در حالی است که هیچ یک از قواعد خصوصی‌سازی رعایت نمی شود تا بتوانیم اندکی به این اتفاق امیدوار باشیم و بالعکس این عمل با اعتراض گروه‌ها و هنرمندانی مواجه شده است که می گویند مدیران با استفاده از واژه خصوصی‌سازی انگار فقط می خواهند از زیر بار مسئولیت‌هایشان فرار کنند و دیگر کمک هزینه‌ها را پرداخت نمی‌کنند که بگویند ما خصوصی سازی کرده‌ایم. از مسکوت ماندن تعمیرات ساختمان اداره تئاتر و اجاره بهای بسیار بالای ساختمان جدید این اداره گرفته تا دستمزدهای عوامل نمایش‌ها که هنوز بر سر آن‌ها بحث‌های بسیاری است، گله بسیاری در این فضا جاری شد که با نبودن گوشی برای شنیدن و دستی برای عمل کردن و درد روی درد آمدن ،این قایق بی بادبان و بی پارو در روزهای طوفانی اوضاع نابسامان‌تری پیدا کرد. اوضاع نابسامانی که با بازگشت برخی استادان پس از سال‌ها به وطن و اجرای آثاری در این حوزه نتوانست امیدی به بهبود در تئاتر به وجود آورد.

حتی شنیدن خبرهایی از پیشرفت‌های هنرمندان شهرستانی که در این سال‌ها در محرومیتی صدچندان نسبت به هنرمندان تهرانی به سر می‌برند همچون «نمایش «زن» از هرمزگان به جشنواره بین‌المللی تئاتر رومانی دعوت شد» یا «کارگردان همدانی راهی جشنواره تئاتر آلمان می‌شود» هم چندان امیدوار کننده نبود.

امیدوارم در آستانه اعتدال ربیعی و فراموشی آن دریای طوفانی این قایق خسته و طوفان زده در ساحل آرامش کناره گیرد و دیگر شاهد کوچ هنرمندان این عرصه از تئاتر به سینما برای تامین معیشت نباشیم.

یا محول الحول و الاحوال

حول حالنا الی احسن الحال



نگاهی به وضعیت هنرهای تجسمی در سال ۹۲ و سال پیش رو

نقبی به سوی امید



مریم نظری

به نظر می‌رسد هنرهای تجسمی در ایران به آن جایگاه و توانایی دست یافته است که با وجود ناملایمات رنگ و وارنگی که گاه و بی‌گاه به خاطر شرایط بی‌ثبات سدراهش می‌شود، همواره نقبی به سوی ادامه و امید و آینده بزند و خود را از رکوردی که می رود تا به نیستی بکشاندش برهاند و این جای بسی امیدواری دارد و مگر نه اینکه آدمی نیز به امید زنده است؟!

شاهد این مدعا، وضعیت هنرهای تجسمی در سال ۹۲ است، سالی که کشور سخت درگیر بحران اقتصادی بود و بخش هنرهای تجسمی نیز از تیرترکش‌های این شرایط دشوار بی‌امان نمانده بود، به طوری که به دلیل کمبود بودجهٔ معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شرایط و امکانات لازم برای برگزاری سه دو سالانهٔ «پوستر»، «نگارگری» و «نقاشی» که زمان برپایی‌شان بود، فراهم نشد و برگزاری این سه دوسالانه معوق ماند.

این مظلومیت و مهجوریت در پوشش رسانه‌ای هنرهای تجسمی نیز به چشم می‌خورد، چون طی سال‌های ۹۰ و ۹۱ برنامه‌هایی مانند «کارگاه هنر» و «منشور» که به هنرهای تجسمی می‌پرداخت در شبکهٔ چهار رسانهٔ ملی روی آنتن بود امّا پخش این برنامه‌ها در سال ۹۲ متوقف شد.

حضور نیافتن ایران در بی‌ینال و نیز از دیگر بداقبالی‌های هنرهای تجسمی در سال ۹۲ بود که برای این اهمال‌کاری دلایل مبهمی چون ضعف در کیفیت آثار و کمبود بودجه اعلام شد.

در سال ۹۲ چند هنرمند تجسمی را هم از دست دادیم که مهمترین‌شان درگذشت احمد اسفندیاری نقاش نوگرا و پیشکسوت بود که در آستانهٔ تحویل سال ۹۲ به رحمت ایزدی پیوست و ۵ فروردین به خاک سپرده شد. حمید غبرانژاد هنرمند عرصهٔ خوشنویسی و نقاشیخط، قدیر صباغیان نقاش پیشکسوت خراسانی و محمدحسین رحمتی هنرمند عکاس قمی از دیگر درگذشتگان سال ۹۲ بودند.

اواخر سال ۹۲ نیز دولت تازه به روی کار آمده با خوشبینی تمام، طرح «اختصاص ۱ درصد از بودجه عمرانی سازمان‌ها و نهادهای دولتی به خرید آثار هنرهای تجسمی» را روانه مجلس کرد که این طرح نیز از سر کم لطفی یا کم اطلاعی مجلسیان از هنرهای تجسمی در کمیسیون تلفیق به تصویب نرسید و به این ترتیب در پایان سال ۹۲ ضربتی دیگر بر ساقهٔ نحیف نهال امید اهالی هنرهای تجسمی فرود آمد.

اما با تمامی نامرادی‌ها و بداقبالی‌های هنرهای تجسمی و کم اعتنایی‌ها و نادیده گرفتن‌های پی‌درپی مسئولین در بخش دولتی به آن، در سال ۹۲ وقوع چنداتفاق در این بخش جانی دوباره و هرچند ناچیز به آن بخشید.

یکی از این اتفاقات خوشایند، شکستن طلسم ۱۱ سالهٔ برگزاری دو سالانهٔ تصویرگری بود که در سال ۹۲ این شاخه از هنرهای تجسمی با اقبال روبرو شد و پس از وقفه‌ای ۱۱ ساله برگزاری دو سالانه آن بالاخره به تحقق پیوست. رخداد دیگر، تغییر مدیریت مرکز هنرهای تجسمی بود که در پی آمدن دولت روحانی، مدیریت این پُست به مجید ملانوروزی داده شد. گرچه از هم‌اکنون نمی‌توان دربارهٔ عملکرد مدیریت جدید قضاوت کرد امّا طبیعتاً هر تغییری امیدها و آرزوهای تازه‌ای را در دلها پدید می‌آورد و تغییر ذکر شده نیز نمی‌تواند مستثنی از این امر باشد، چنانکه در پی این تغییر انجمن‌های مختلف هنرهای تجسمی به تعامل و همکاری با رویدادهای هنری رسمی و دولتی امیدوارتر شده‌اند.

امّا جدا از امیدهای کم سو و گاه کورسوی هنرمندان تجسمی به عملکردهای حمایتی دولت در سال ۹۲، بخش خصوصی هنرهای تجسمی در این سال یک تنه و بدون حمایت دولتی وارد میدان شد تا جبران مافات کرده، امید از دست رفته را به قلب بی‌رمق هنرهای تجسمی تزریق کند. در بخش خصوصی، اقتصاد هنر رونق چشمگیری داشت. آثار ایرانی در حراج کریستیز خوش درخشیدند، در حراج بزرگ تهران هم که تیر امسال برگزار شد تمامی آثار شرکت داده شده به فروش رفتند و در کنار آن، نمایشگاه‌های برگزار شده در گالری‌ها نیز با فروش راضی کننده آثار هنرمندان همراه بودند.

گالری‌ها که از اسفند سال ۹۱ فعال تر شده بودند، در چند دوره از نمایشگاه‌های خود، آثار هنرمندان شاخص و مطرح را ارائه کردند و گالری‌های تازه تأسیس، مراسم افتتاح خود را با نمایش آثار بزرگان عرصهٔ هنرهای تجسمی نظیر پرویز کلانتری، غلامحسین نامی و عباس کیارستمی برگزار کردند. و البته جوانان نیز در این میان همچنان حضور فعال خود را در گالری‌ها حفظ کرده بودند.

این گزارش مختصر را با ارائه دیدگاه‌های چندنفر از هنرمندان و صاحب‌نظران هنرهای تجسمی درباره سال ۹۲ و توقعات و آرزوهایشان برای سال پیش رو پی می گیریم.

بهنام کامرانی، نقاش و پژوهشگر هنر به وضعیت هنرهای تجسمی در سال ۹۳ امیدوار است، او می گوید: شاخصه‌هایی در هنرهای تجسمی معاصرمان وجود دارد که سبب ایجاد تنوع و تکثر در آثار هنری خواهد شد. این شاخصه‌ها، شامل حرکت‌های خودجوش هنری در بعضی مناطق و شهرستان‌ها یا حتی حرکت خود جوش برخی از گروه‌های هنری در تهران است که امکان رقابت در این بخش را بالا می‌برد و سبب ارتقاء سطح آن خواهد شد ، از طرفی ورود تعداد زیادی جمعیت جوان تحصیل کرده به این بخش که اطلاعات و توانایی‌هایشان را از فضاهای غیررسمی و از طریق فضای مجازی بدست می‌آورند، باعث می‌شود تا لهجه‌های تازه‌ای در زمینه هنرهای تجسمی تعریف شود، در

کنار آن ما شاهد نگارخانه‌های متنوعی در این عرصه هستیم که وجود آنها باعث تکثر لهجه‌های هنری متفاوت و متنوع در میان هنرمندان خواهد شد. امّا در سال پیش رو آنچه که مسئولین فرهنگی ـ هنری باید نگرانش باشند مسألهٔ تأمین شرایط هنرمندان به لحاظ اقتصادی است و اگر این اتفاق نیفتد هنرمندان جوان ما جذب کارهای جنبی برای ارتزاق خود خواهند شد و از فعالیت اصلی خویش که خلق اثر است باز می‌مانند.

محمدحسن حامدی، مدیر مسئول و سردبیر نشریه هنرهای تجسمی «تندیس» نیز با بیان این که در سال ۹۲ دو رشته «نقاشی» و «سفال و سرامیک» از روند رو به رشدی برخوردار بودند، توضیح می‌دهد: ارزیابی بنده در این زمینه بر اساس نمایشگاه‌های برگزار شده و کتاب‌ها منتشر شده طی سال ۹۲ است. بخش «سفال و سرامیک» جهش قابل توجهی داشته و این رشته که همیشه در حیطهٔ صنایع دستی تعریف می‌شد، توانست در فضای هنر امروز ایران تا حد زیادی جای خود را تثبیت کند.

حامدی همچنین تأسیس و افتتاح موزهٔ «مکتب کمال‌الملک» را از اتفاقات خوب سال ۹۲ برمی‌شمرد و می‌گوید: تأسیس این موزه گام بسیار بلندی بود که مقدماتش قبل از انتخابات ریاست جمهوری و در دورهٔ دولت پیشین فراهم شد و چند هفته پس از انتخابات و پیش از آغاز به کار رسمی دولت روحانی افتتاح شد.

حامدی وضعیت هنرهای تجسمی در سال ۹۳ را چنین پیش‌بینی می‌کند: بدنهٔ هنرهای تجسمی آنقدر پویا هست که انفعال ۸ سالهٔ دولت سابق را برنتابد و خواهد توانست کار خود را در سال ۹۳ به پیش ببرد و قطعاً روند رو به رشدی در این سال خواهد داشت.

امّا استاد ابراهیم جعفری، نقاش پیشکسوت، شاعر و استاد دانشگاه نسبت به جریان پیش رونده اقتصاد هنر در سال ۹۲ و تداوم آن در سال جدید چندان خوش بین نیست و به نوعی آنرا در فضای تجسمی کشور مخرب می‌داند و در توضیح می‌گوید: جوانان در هنرستان‌ها و دانشگاه‌ها تمام فکرشان این شده که چه کار کنند که اثرشان به فروش رود. حتی گالری‌هایی وجود دارند که به جوانان یاد می‌دهند چه نوع کارهایی را خلق کنند تا در فروش آنها کمک‌شان کنند . مایه تأسف است ، جوانی که باید در اول راه یادگیری باشد و به جای اینکه خودش، حالش و لحنش را در این مسیر پیدا کند، در حال گرفتن سفارش کار از این دست گالری‌ها است.

جعفری ادامه می‌دهد: اقتصاد هنر زمانی جریان پویایی قلمداد می‌شود که در روند آموزش و تحصیل جوانان تأثیر سو نگذارد، امّا وقتی می‌بینیم که وسایل و ابزار کار دانشجویان هنر به قدری گران است که دانشجو بدون به دست آوردن مبلغی از فروش آثارش نمی‌تواند آنها را تهیه کند، به این تمایل زود هنگام و کاذب هنرجو در فروش آثارش حق می‌دهیم.

جعفری همچنین از نگرانی‌هایش در ارتباط با تربیت تعداد فزاینده دانشجویان در دانشکده‌های هنر و آموزشگاه‌های هنری می‌گوید و معتقد است برای این تعداد هنرجو، مدّرس با کیفیت آموزشی بالا وجود ندارد و به همین دلیل آنان در دانشگاه‌ها به صورت ناقص و الکن آموزش می‌بینند.

او سطح و وضعیت آموزشگاه‌های هنری را در آموزش هنر بهتر از دانشکده‌های هنر می‌داند و در ادامه، آرزو می‌کند در سال جدید به وضعیت معیشتی و آموزشی دانشجویان هنر بیشتر توجه شود.

احسان آقایی، سرپرست سابق موزه هنرهای معاصر که چندی است مجید ملانوروزی بر جای نشسته نیز امیدوار است که در سال جدید دولت در برگزاری اکسپوها و فروش آثار هنری مستقیماً ورود پیدا نکند و مانند دیگر کشورها فقط به حمایت از بخش خصوصی برای برگزاری اکسپوها بپردازد.

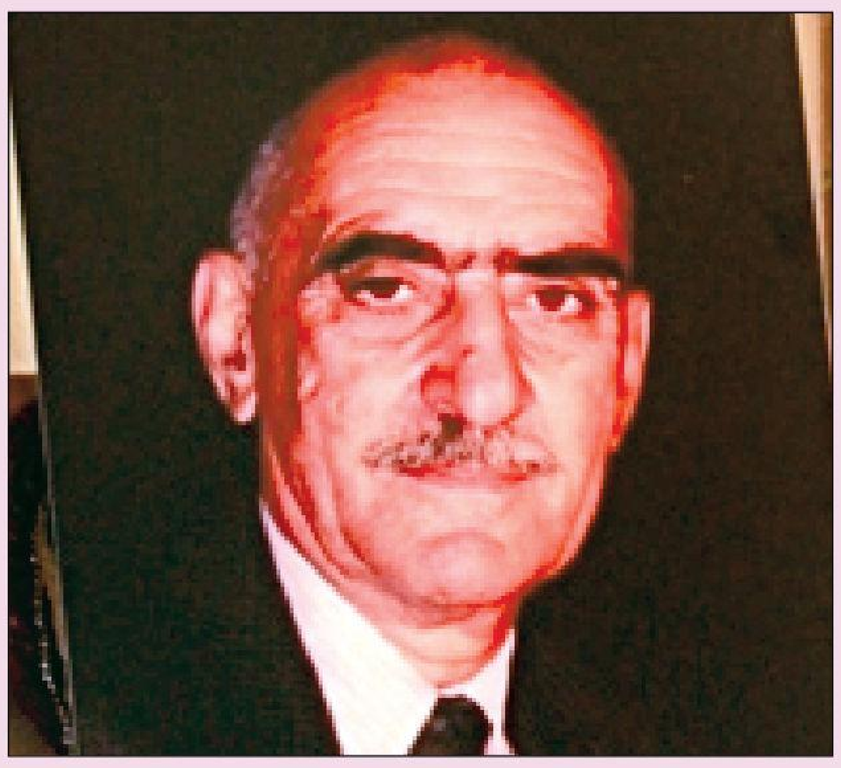
آقایی ادامه می‌دهد: با واگذاری امور مربوط به هنرهای تجسمی به بخش خصوصی و ایجاد بسترهای لازم برای هنرمندان و فعالین بخش خصوصی بالندگی بیشتری برای هنرهای تجسمی به وجود خواهد آورد.

او می‌گوید: امیدوارم دولت با یک برنامه‌ریزی مناسب برای سال آینده و سالیان پس از آن عرصهٔ پویایی و توانمندی هنرهای تجسمی را چند برابر کند و این امر با ایجاد بسترهای لازم و با حمایت از نگارخانه‌داران، اکسپوهای خصوصی، هنرمندان و بدون دخالت مستقیم دولت در این امور امکان‌پذیر خواهد بود و دولت در این جهت صرفاً باید مسئولیت هدایتی، نظارتی و حمایتی داشته باشد.

وی نسبت به بهبود وضعیت هنرهای تجسمی در سال ۹۳ امیدوار است و در این باره می‌گوید: این امید زمانی می‌تواند زنده بماند که ما در این حوزه، دارای فضا یا دولتی برنامه محور باشیم و نه سلیقه محور. برنامه محوری باعث رشد می‌شود و سلیقه محوری در جا زدن و گاه حتی پس‌روی را به همراه خواهد داشت. توقع ام این است که در سال آینده برنامهٔ چهار ساله دولت در هنرهای تجسمی کاملاً مشخص باشد، برنامه‌ای که از یک خرد جمعی برخوردار باشد و نه اینکه فقط از سلیقهٔ مدیران خاص فرهنگی برآید.



و دریغ ایرج...



ادامه از صفحه ۷۰

افشار اهل مدارا و گفتگو بود. درست به یاد دارم که نهمین کنگرهٔ تحقیقات ایرانی به میزبانی دانشگاه تربیت معلم و دبیری ثابت ایرج افشار در دانشگاه رضائیه تشکیل شده بود. انبوهی از مدعوین و سخنرانان به رضائیه آمده بودند. قرار بود صبح روز ۱۸ شهریور ۱۳۵۷ کنگره در سالن دانشگاه رضائیه افتتاح شود. عصر روز ۱۷ شهریور از تهران خبرهای مبهمی رسید مبنی بر این که واقعهٔ میدان ژاله اتفاق افتاده و گروهی کشته شده‌اند. ما جوانترها شب دور هم نشستیم و تصمیم گرفتیم پیشنهاد کنیم کنگره برگزار نشود. شب نامه‌ای تنظیم کردیم و عده‌ای آن را داخل اتاقها انداختند. دیدیم فایده ندارد و ممکن است کسی به آن ترتیب اثر ندهد. همان شب رفتیم پیش ایرج افشار و خواستیم خود او اعلام کند که کنگره برگزار نمی‌شود؛ به علامت همراهی سری تکان داد و پس از مشورت با یکی دو تن از زعمای کنگره قبول و اعلام کرد که کنگره به دلیل حوادثی که در تهران اتفاق افتاده برگزار نمی‌شود. همگی و مخصوصاً تهرانیها پا توی یک کفش کرده بودند که باید هرچه زودتر به تهران بازگردند. همهٔ پروازها لغو شده بود؛ می‌دیدم که ایرج افشار خود را به آب و آتش زد و بالاخره اتوبوسهای دانشگاه تبریز را به راه انداخت تا شرکت کنندگان توانستند با زحمت و در گرفت و گیر حکومت نظامی روز بعد خود را به تهران برسانند. خود او به شمه‌ای از سرگذشت نهمین کنگره تحقیقات ایرانی در مقدمهٔ پانزده گفتار، مجموعه گفتارهای نهمین کنگرهٔ تحقیقات ایرانی (تهران ۱۳۵۸) اشاره کرده است.

من از چاپ کرده‌های ایرج افشار نگفتم و نمی گویم که بر هیچ کس پوشیده نیست که بالاخره اهل کتاب هم که نباشی اگر فقط خواندن بتوانی محال است که از ۳۰۰ کتاب و رساله و ۲۵۰۰ مقاله و نوشته‌ای که او چاپ کرده دست کم یکی به چشمت نخورده باشد.

من از ارتباطات بین المللی ایرج افشار هم نگفتم که می‌دانم همهٔ آنهایی را که در نادره کاران از فقدانشان یاد کرده، و صدها کس دیگر را که یاد نکرده و یا هنوز زنده‌اند، از نزدیک می‌شناخت و با اغلب آنها رفاقت و بده بستان علمی داشت و از کارها و برنامه‌های پژوهشی آینده شان با خبر بود، «ور باورت نمی‌شود از بنده این حدیث» به پاره‌های ایرانشناسی او که این اواخر در بخارا منتشر می‌شد مراجعه فرما. به هر جای عالم که رفتم ایرج افشار را می‌شناختند و اگر آنجا حاضر نبود از حال و احوالش می‌پرسیدند؛ کتابها و چاپ کرده‌هایش را در همهٔ کتابخانه‌های عالم می‌توانستی پیدا کنی برای آن که همهٔ کتابخانه‌ها به آنها نیازمند بودند. در این سالهای پس از انقلاب که کتابهای چاپ ایران به ندرت به کتابخانه‌های عالم می‌رسید نوشته‌های ایرج افشار یک استثنای منقطع بود.

بگذارید با بوالفضل بیهقی هم‌آوا شوم و با تصرفی در سخن او بگویم: به مرگ این محتشم کتابشناسی و ایرانگردی و ایرانشناسی و نسخه شناسی و مجله کاری و سنگ قبرخوانی و فضل و کفایت و بزرگی بمرد و این جهان گذرنده دارخلود نیست و بر کاروانگهیم و پس یکدیگر می‌رویم. «و دریغ ایرج که یگانهٔ روزگار بود و چنو کم یافته شود!».



از مطبوعات ۵۰ سال قبل

ملاقات با دکتر مصدق

■ ژرژ فون هوبنت

حکومت استبدادی مولود کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که تمام حقوق و آزادیهای ملت ایران و نخست وزیر آن دکتر محمد مصدق را از هر جهت سلب کرده و آقای دکتر مصدق را پس از پایان مدت زندانی غیرقانونی با شدت و مراقبت بیشتری چند سال است در احمدآباد مقید و زندانی نموده است. چندی پیش به طور غیرمترقبه راه ملاقات را با آقای دکتر مصدق که فقط با خانواده خود اجازه ملاقات دارند برای ژرژفون هوبنت خبرنگار روزنامه محافظه‌کار دویچه تسیتونگ آلمانی غربی باز نمود.

آقای فون هوبنت جریان دیدار خود را با آقای دکتر مصدق در سه شماره روزنامه دویچه تسیتونگ، به طور مصور به صورت یک رپرتاژ چاپ نمود که در آلمان منتشر و خلاصه برخی از مطالب مهم آن توسط خبرگزاریها به سراسر دنیا مخابره گردید. اما دستگاه سانسور و تفتیش عقاید تمام جریانات مربوط به این دیدار را شدیداً سانسور و از ورود روزنامه مزبور به ایران تا سرحد امکان جلوگیری نمود تا این که از چندی پیش دو متن مجعول اولی به صورت پلی کپی شده و دومی به صورت یک دفترچه کوچک چاپی با تفسیر به عنوان «متن مصاحبه ژرژفن هوبنت خبرنگار روزنامه دویچه سایتونگ با آقای دکتر محمد مصدق» از طرف دستگاه تفتیش افکار و عقاید هیئت حاکمه به تعداد زیاد منتشر و توسط سانسورچی‌ها پخش شده است که مطالب مزبور ترجمه‌ایست سراسر تحریف شده از متن آلمانی رپرتاژ فون هوبنت مندرجه در دویچه تسیتونگ که با سوء نیت تمام برای مشوب کردن اذهان نسبت به نخست وزیر زندانی ملت ایران و تخطئه نهضت ملی ایران با اطمینان به این که به علت اختناق شدید کسی را یارای دفاع و جواب گوئی نخواهد بود تهیه شده است. اینک پس از تلاش و زحمات ممتد چه از لحاظ تهیه روزنامه آلمانی و چه از جهت آماده نمودن وسائل انتشار با کمال خوشوقتی موفق شده‌ایم توضیحات آقای دکتر مصدق و ترجمه کامل رپرتاژ فوق‌الذکر را با اضافه چند یادداشت تاریخی تهیه و در دسترس هموطنان شرافتمند بگذاریم.

باید خاطرنشان ساخت که رپرتاژ آقای فون هوبنت صورت مصاحبه ندارد بلکه گزارشی است از قسمتی از مشاهدات و استنباط‌های شخصی یک روزنامه‌نویس محافظه‌کار از مسافرت چند روزه‌اش به ایران و به سبب عدم آشنائی آقای فون هوبنت با رسوم و تمدن و روحیه مردم ایران و نیز عدم اطلاع از جریانات تاریخ معاصر این سرزمین و نداشتن تماس مستقیم با آقای دکتر مصدق در ضمن ملاقات به علت عدم آشنائی طرفین به یک زبان مشترک و وجود مترجمی که ورزیدگی کافی در این کار نداشته این گزارش یا رپرتاژ سندیت ندارد و مطالب مورد استنباط مخبر به علل فوق به خصوص نقص ترجه و عدم آشنائی به رسوم این سرزمین چندان دقیق نمی‌باشد و از طرفی خبرنگار سعی کرده است با بزرگ کردن برخی نکات بی‌اهمیت گزارش را برای خوانندگان اروپائی خود جالب نماید.

در ترجمه‌ای که به نظر خوانندگان محترم می‌رسد سعی شده است که اشتباهات نسبتاً مهمتر خبرنگار در متن ترجمه شده داخل پرانتز به عنوان یادداشت مترجم پس از کسب اطلاع دقیق تصحیح گردد و نیز با نقل برخی از جریانات تاریخی بخصوص قسمتی از مدافعات آقای دکتر مصدق در دادگاههای نظامی سعی شده است برخی از مطالب تاریخی گزارش آقای فون هوبنت را که به علل فوق ناقص و مبهم جلوه‌گر شده و تاب تعبیرات دیگری را پیدا نموده است برای خوانندگان محترم روشن نمائیم.

نقل از دویچه تسیتونگ شماره مورخ ۲۲ و ۲۳ اوت ۱۹۶۲

«مصدق چندان نیز خطرناک نیست. خود شما بروید و قانع شوید. از طرف من اجازه دارید مشروط بر آنکه او خود حاضر به پذیرفتن شما باشد.» با این کلمات شاه مرا مرخص کرد. اگرچه در نظر اول این امر غیرممکن به نظر می‌رسد که بتوان مصدق تبعید شده را ملاقات کرد تردیدی نبود که سخن شاه جدی است. اما مسأله در این بود که چگونه خواهیم توانست موافقت مردی را که از ۹ سال پیش در تبعیدگاه خود احمدآباد (در حدود ۱۰۰ کیلومتری شمال غربی تهران) بسر می‌برد به دست آورم. علاوه بر این مصدق دائماً از طرف ۸۰ سرباز «محافظت» می‌شود خطر اینکه سر مرا بتراشند و چند روز به زندان بیندازند و به عنوان یک خارجی مزاحم از شهر بیرون کنند با این اجازه شاه دیگر وجود نداشت. این اتفاق چند ماه پیش برای دو روزنامه‌نویس انگلیسی افتاده بود. این دو نفر به ابتکار خود سعی کرده بودند راهی به زندان مصدق بیابند.

در ایران بسیاری امور که برای اروپائیان به نظر غیرعملی می‌رسد، از طرق غیرمستقیم انجام می‌گیرد. مثلاً در پایتخت ایران سری است آشکار که رهبران جبهه ملی با مصدق که آقا نامیده می‌شود رابطه دارند. بنابراین لازم بود که با سران جبهه ملی تماس گرفته شود تا دعوتی از نخست‌وزیر اسبق به دست آورم. ماجرا از این جا آغاز شد. به دست آوردن شماره تلفن اعضای شورای مرکزی جبهه ملی دشوار نبود هر روزنامه‌نگار خارجی مقیم تهران این شماره‌ها را می‌داند با وجود این چند روزی طول کشید تا موفق شدم با یکی از اشخاص موردنظر وعده‌ای در سر یک چهارراه بگذارم از آنجا مرا با اتومبیلی که به سرعت حرکت می‌کرد به خانهٔ ناشناسی بردند. چند نفر که از منظور من آگاهی یافته بودند انتظار مرا داشتند. هیچیک از آقایان بیش از ۱۵ تا ۲۰ دقیقه در خانه نماندند چه بیم دستگیری آنان می‌رفت. سرانجام قرار لازم را گذاردیم. یکی از آنها پس از چند روز به من خبر داد که مصدق روز بعد منتظر من است با آنکه افراد جبهه ملی به من نظر موافق داشتند نتیجه مذاکرات تا سه چهار روز معلوم نبود و من بسیاری از اطلاعات موردنظر خود را به هر ترتیب و با استفاده از دیگران به دست آوردم.

سران جبهه ملی هر یک از آنها به چند زبان خارجی آشنائی دارد. به فلسفه جدید و قدیم تسلط کامل دارند. قادرند به کمک هگل و مارکس فلسفه سوسیالیستی خود را از کمونیسم که با آن به شدت مخالفند جدا کنند. اگرچه خود را سوسیالیست با حفظ جنبه ملی می‌دانند سوسیالیسم آنان نیز بیشتر متوجه پیشرفت‌های مادی جامعه است و برای رهبران فلسفی و فکری جبهه ملی به دست آوردن قدرت برای تحقق بخشیدن هدف‌ها در رتبه اول اهمیت قرار دارد.

البته در این میان با افراد بزن بهادری نیز برخوردم که اقوام سران و وزرای سابق جبهه ملی هستند و قدرت خود را در خدمت تحول می‌گذارند و امور جاری روزانه را انجام می‌دهند.

در نظر رهبران جبهه، مبارزه ضد استعمار مقام اول را دارد. اعتراضی که به غرب دارند آن است که جلوی انقلاب ملی را می‌گیرد. کمک اقتصادی و نظامی که ایران از خارج دریافت می‌نماید به عقیده آنها کمکی است به شاه عدم ممانعت از دیدار من با مصدق نشانه ضعف هیئت حاکمه تعبیر میشد.

مسافرت به سوی تبعیدگاه مصدق تقریباً بی‌اشکال صورت گرفت. این مسافرت صد کیلومتری که هشتاد کیلومتر آن در جاده آسفالت و بقیه در کوره راه بود با یکبار پنچری



دو ساعت بطول انجامید. خانه‌های احمدآباد همگی از گل بنا شده‌اند و تنها خانه مصدق از آجر است و یک حصار گلی آن را احاطه کرده است. در همین خانه است که مصدق باید همه عمر خود را به حال تبعید بسر برد. مصدق مالک این دهکده با ۱۴۵ هکتار زمین آن است که قانون اصلاح ارضی شامل آن نمی‌شود. او حق دارد در داخل این دیوار گلی حرکت و فعالیت کند. مصدق خود شخصاً بزارعین دستور میدهد ولی حق ندارد به زمینهای خارج برود. ده راننده تراکتور و ده نفر دیگر که کارشان محافظت درختها از دستبرد دزدان است و جمعی دیگر از زارعین در اختیار مصدق هستند.

پس از یک بازرسی مختصر در جلوی دیوار از طرف نگهبانان که پیدا بود از جریان امر اطلاع دارند به من و مترجم اجازه ورود داده شد در اطاق پذیرائی یک میز غذاخوری ساده که با رومیزی نایلون پوشیده بود. چند صندلی و یک کاناپه قرار داشت. صاحبخانه مدتی ما را منتظر گذاشت پیش خود او را در پیژامای تاریخی با عصایی که با آن احساسات توده‌های مردم را تهییج می‌کرد تصور می‌کردم که اکنون بر ما وارد خواهد شد. اما واقع امر جز این بود. مصدق بی‌عصا در حالیکه اندکی به زحمت راه می‌رفت وارد اطاق شد. قبای بلند یقه بسته‌ای شبیه آنچه رهبران ملتها مانند استالین و هیتلر در گذشته داشتند و امروز مائوتسه تونگ و نهرو هنوز می‌پوشند در برداشت بجز تکمه‌ها هیچ پیرایه‌ای بر جامه‌اش نبود. جورابهای قهوه‌ای رنگ آمریکایی برپا کرده بود. گفتگو خوب آغاز شد. شخصیت ترسناکی که امپریالیسم را بخاک مالیده بود خیلی پیر شده است. مردی فروتن و خوش نیت پدری بزرگ و باروح و نکته سنج با گذشته سیاسی پر تلاطم در برابر ما ظاهر شد در مدت مذاکرات ما که چهار ساعت طول کشید مصدق از صحبت درباره گذشته سیاسی بزرگ خود لذت میبرد. در حالیکه من از سلامتی و گذران روزانه‌اش می‌پرسیدم او دستور چای و خربزه داد. وقتی مصدق زنگ روی میز را فشار میداد فوراً مستخدمی در اجرای دستور بدرون می‌آمد. ناگاه متوجه خطر ختم پیش از موقع مذاکرات شدم مصدق نمی‌خواست به سؤالات سیاسی من پاسخ گوید ولی سرانجام این سوال که آیا عدم انجام انتخابات در وضع کنونی ایران صحیح است؟ ایشان را به حرف آورد. کلمات به سرعت از دهان وی فوران کرد. ملت آزاد نیست که بتواند انتخابات کند مملکت آزاد نیست اگر دولت مانع نشود آشکار خواهد شد ـ که مردم به انتخابات علاقه دارند اکنون ما درست در قلب سیاست بودیم و صحبت دور گرفت. باید دانست که موضوع صدور فرمان انتخابات برای جبهه ملی تنها راه عملی است که قدرت را بار دیگر بدست گیرد و این فریاد آزادی خواهی به‌منظور رسیدن به قدرت است و این امر چه در ضمن مذاکره با مصدق و چه در موارد دیگر تأیید گردید.

از ایشان پرسیدم: چه شد که در زمان نخست وزیری خود مجلس را منحل کردید؟ پاسخ داد که: در نخستین مرحله انتخابات دوره هفدهم چهل تن نمایندگانی که از طرف مردم انتخاب شدند، طرفدار من و سی و پنج نفری که زیر نفوذ ارتش و خارجیان قرار داشتند علیه من بودند انتخابات در حوزه‌های باقیمانده متوقف گردید زیرا نتایج آن به سبب وجود اختلالات و مداخلات خارجی نامعلوم بود و بیم آن میرفت که اکثریت از دست برود.[1]

وقتی که من در لاهه بودم (خبرنگار در اینجا دچار اشتباه شده است و مقصود او اخر دوره زمامداری بوده است ـ مترجم) پنج تا شش تن از وکلای برگزیده مردم تصمیم گرفتند برضد من رأی دهند و نقشه این بود که در مجلس به من رأی عدم اعتماد دهند و بدینوسیله موجبات سقوط من فراهم آید. من برای مقابله با این نقشه مصمم به انحلال مجلس شدم[2].

در رفراندمی که صورت گرفت دو میلیون و سیصد هزار رأی به موافقت با من و تنها ۱۹۵۳ رأی (نویسنده اشتباه کرده و کاملا متوجه رقم نشده مقدار صحیح آراء مخالف می‌باشد ـ مترجم) به مخالفت داده شده تجدید انتخابات در نظر نبود با آن مجلس در ایران نمی‌شد حکومت کرد (نویسنده در اینجا نیز اشتباه نموده است زیرا آقای دکتر مصدق گفته بودند که: تجدید انتخابات موکول شد بقطع نفوذ خارجیان ـ مترجم).

تضاد بین تقاضای فعلی جبهه ملی برای انجام انتخابات و نوع دولت مقتدری که مصدق در آن زمان در نظر داشت او را به هیچ وجه ناراحت نکرد چه به گفته او در آن زمان برنامه‌ای برای این کار در میان نبود (به نامه آقای دکتر مصدق خطاب به سخنگوی جبهه ملی توجه شود. مترجم) مصدق معتقد است که مشیت الهی و تقدیر پروردگار امروز در زندان شاه بیش از گذشته در فکر و عمل او مؤثر است. در برابر سئوال من که آیا این اعتقاد به مشیت الهی مربوط به نه سال زندان نیست؟ پاسخ منفی داد و گفت در گذشته و نیز در دوره حکومتم به تقدیر پروردگار اعتقاد داشتم دو بار قصد خودکشی کردم ولی چون خدا نخواست زنده ماندم. یک بار در زمان سلطنت رضا شاه و یک بار هم پس از آن. باید دانست که مصدق در آن زمان نیز دو بار به سبب فعالیت‌های سیاسی تبعید گردیده بود.[3]

ایمان مصدق به مشیت الهی مدت زیادی موضوع گفتگوهای ما بود.

آیا تصور می‌کنید انتخاب شما به نخست‌وزیری در ۱۹۵۱ تقدیر پروردگار بود؟

پس از استعفای دولت حسین علاء موضوع انتخاب نخست‌وزیر جدید در مجلس طرح شد تا آن روز من شخصاً در فکر زمامداری نبودم و وقتی یکی از نمایندگان مرا پیشنهاد کرد پاسخ منفی دادم و حتی وقتی همان نماینده تمایل تلفنی شاه را دائر به تشکیل کابینه از طرف من به من اطلاع داد باز رد کردم ولی هنگامی که رئیس مجلس رأی تمایل مجلس را به نخست‌وزیری من به عنوان تنها راه حل بحران سیاسی به شاه اطلاع داد و شاه موافقت خود را اظهار نمود من شرط قبولی خود را تصویب قانون ملی شدن نفت در مجلسی که تا آن زمان مخالف آن بود قرار دادم چهل و هشت ساعت قبل از انتخاب من قانون با اکثریت غیرمنتظره‌ای به تصویب رسید گرچه مطلعین پیش‌بینی کرده بودند که قانون مزبور رأی موافق نخواهد آورد پس مشیت الهی در تصویب قانون مؤثر بود[4]

اکنون که به گذشته می‌نگرید آیا خیال می‌کنید که لازم بود بعضی کارها را به طریق دیگر انجام می‌دادید؟

من دیگر نمی‌خواهم یاد گذشته کنم. آن زمان برای من فراموش شده است. هر کار شد خواست خداوند و هر کار که خدا نمی‌خواست من بدان قادر نبودم. من خیلی برنامه‌ها داشتم که فرصت نشد آنها را عملی سازم[5].

ایمان مصدق سبب شده که او با گذشته خود سازگاری داشته باشد نه سال است که او در زندان شاه است با اینهمه به نظر می‌رسد که در مناسبات او با شاه تخفیفی روی داده است و از شدت آن دارد کاسته می‌شود رفت و بازگشت شاه در ۱۹۵۳ به عقیده مصدق خواست خدا بود. (در اینجا آقای دکتر مصدق گفته بودند که زنده ماندن من در آن زمان خواست خدا بود زیرا در اطاقی بودم که از هر طرف آن دهها گلوله دائماً شلیک می‌شد. مترجم) در مورد زیر زندانی احمدآباد دلیل اقدام خود را چنین توجیه کرد.

من از او پرسیدم چرا در آن سه روزی که شاه در اوت ۱۹۵۳ در خارج بسر می‌برد سعی نکردید وضع خود را در برابر مخالفین و ارتش تحکیم کنید؟ پاسخ داد ـ ارتش ایران تحت نفوذ خارجی بود و من تنها کاری از دستم بر نمی‌آمد و هر کاری احمقانه بود.[6]

طرح سئوال مربوط به پنج حکومت پس از مصدق مخاطب مرا برانگیخت همه دنیا می‌دانند که این حکومتها سیاست عاقلانه‌ای نداشته‌اند. هیچیک از آنها حکومت خوبی نبوده ولی این حکومتها نبودند که اشتباه می‌کردند این حکومتها تنها آلت فعل برای هدف معین بودند.

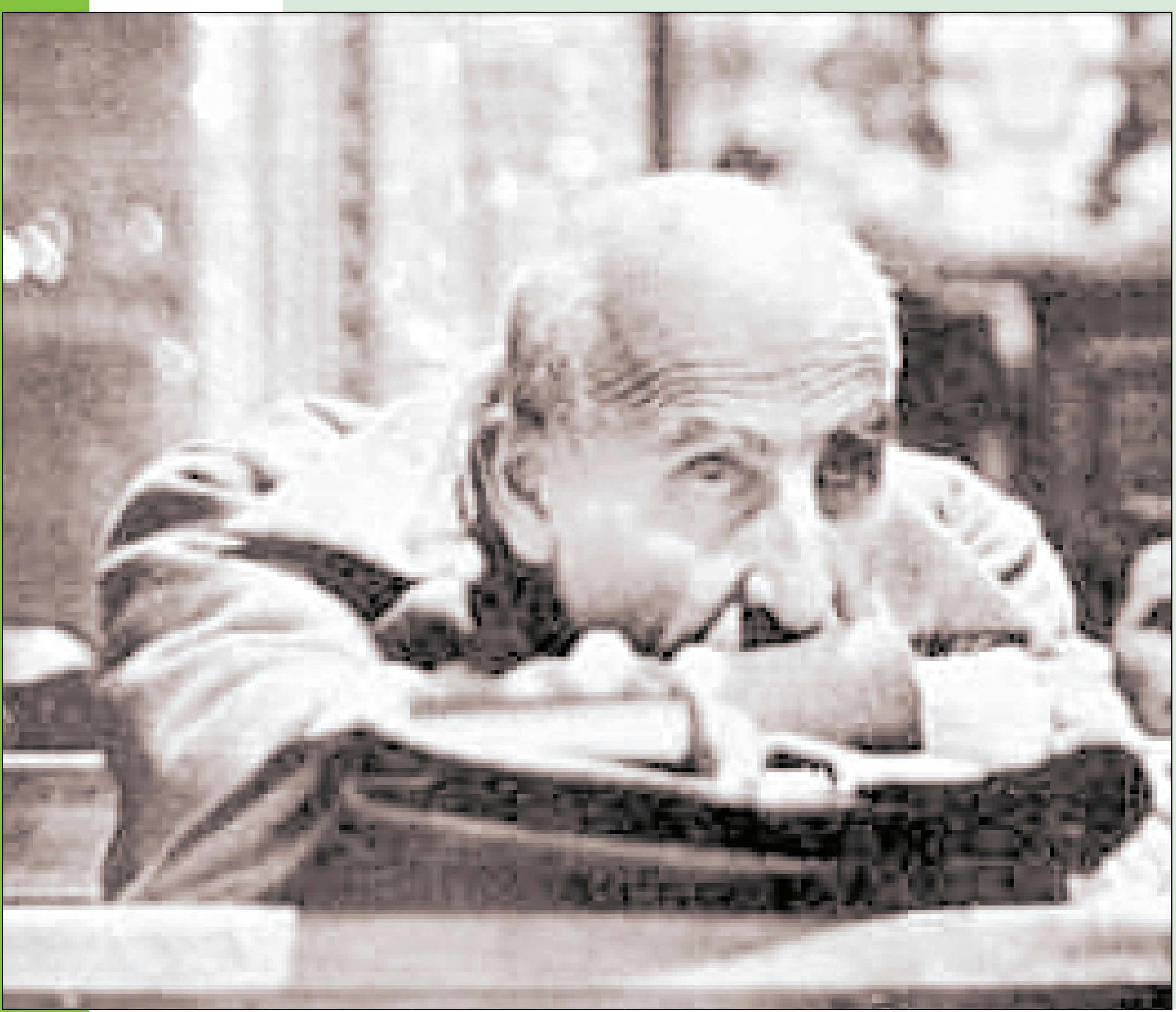
در اینجا او آشکارا عصبانی به نظر می‌رسد.

ولی مصدق اصلاحات ارضی شاه را رد نکرد. وی گفت آنچه اکنون انجام می‌دهند از لحاظ نظری خوب است ولی نتایج آن مسلم نیست. از ایشان پرسیدم چرا خود شما در دوره حکومت خود اصلاحات ارضی را به مورد اجرا نگذاشتید و فقط به تغییر بهره مالکانه اقدام کردید؟ جواب این بود که «قانون مزبور از بهره مالکانه ده درصد به زارع و ده درصد به شورای ده اختصاص می‌داد و در یک سوم دهکده‌های ایران به مرحله عمل درآمد در حقیقت نخستین قدم برای یک اصلاح وسیع و همه‌جانبه کشاورزی بود که هدف نهائی آن را دگرگون کردن وضع زندگی روستائیان و اقتصاد روستائی تشکیل می‌داد. هدف این بود که زارعین در شرکت‌های تعاونی متشکل شوند و جای مالکین بزرگ را بگیرند. این سیاست موفقیت‌آمیز و مساعد به نظر می‌رسید ولی مجال آن نشد که نتایج عملی آن آشکار شود.

نخست‌وزیر سابق دکتر امینی مانند شما در اروپا و آمریکا به کار و فعالیت و طرفداری از اصلاحات مشهور شده چه نظری درباره استعفای او دارید؟ فکر می‌کنید او در مدت زمامداری خود کار مثبتی برای کشور انجام داده باشد؟

او از تعقیب متهمین به فساد بدون هیچ نتیجه‌ای صحبت می‌کرد ـ او زمانی در کابینه من وزیر بود ولی همه حکومتهای پس از سقوط من از خود ابتکار عملی نداشتند.

سالخوردگی و تبعید سیاسی به مقدار زیاد سبب شده که مصدق وقایع سیاسی را به نحو معتدل‌تری تجزیه و تحلیل کند و در مورد نفت نظر خود را تغییر نداده است. از او پرسیدم آیا می‌دانید که سیاست نفتی شما در ایران در تغییر نحوه‌ی تقسیم درآمد نفت در کشورهای تولیدکننده به چه اندازه مؤثر



بوده است پاسخ داد «با وجود این به کشورهای تولیدکننده هنوز سهم کافی داده نمی‌شود. جزئی از آنچه که حق ایران است نیز، به آن داده نمی‌شود. ولی راجع به نفت صحبت نکنیم چون بوی بدی دارد.

پس از دو ساعت فکر کردم به ملاقاتم خاتمه دهم و بیش از آن از مهمان‌نوازی بی‌اندازه او استفاده نکنم ولی او با این جمله که اگر بگذارم پیش از غذا بروید من مهماندار بدی هستم طرح مرا نقش بر آب کرد از این گذشته او به شوخی گفت من مسن‌ترین فرد دهکده هستم و هرچه می گویم باید اطاعت شود، او دفترچه یادداشت مرا گرفت و در جیبش گذاشت، من که شوخی او را درک نکرده بودم با وحشت پیش خود مجسم کردم که اوراق آن را پاره کرده و دور خواهند ریخت او متوجه ناراحتی من شد و باز کتابچه را روی میز گذاشت و گفت حالا دیگر سیاست را فراموش کنیم. در این ضمن غذا را آورده بودند.

اگرچه من حاضر بودم هر نوع سئوال را جواب دهم او تنها یک سئوال از من کرد چگونه توانستید اجازه دیدار مرا از شاه بگیرید؟ جواب دادم که فکر می کنم که تا حال کسی جرأت نکرده بود از شاه چنین چیزی بخواهد.

پس از این او پیش‌بینی کرد که دیوار برلین فرو خواهد ریخت زیرا غیرطبیعی است. چند کلمه تقدیرآمیز درباره آدنائر گفت و خواهش کرد درود او را به ملت آلمان برسانم.

غذا مرکب از پنج خوراک بود بعد از ساعت ۱۲ شروع شد. مصدق شخصاً سوپ ما را در بشقاب ریخت. نوشابه‌های غیرالکلی و یخ دست به دست گشت و بعد هر کسی با بشقاب خود تنها ماند. مرد ۸۱ ساله مدتی در فکر فرو رفت و در گفتگوی سر میز شرکت نجست مثل این که خسته شده بود. ولی در موقع صرف چای بار دیگر با بذله‌گوئی و نکته‌سنجی خود در صحبت شرکت کرد. این که او مهارت خود را در به هیجان آوردن مردم از دست نداده از این واقعه آشکار می‌شود. قرار شد عکسی از مصدق و من با هم بگیرند. او شروع کرد با من لبخندزنان سخن بگوید او گفت اگر عکسی برای مردم تهیه می‌شود باید واقعی باشد. وقتی من خانه نخست‌وزیر اسبق ایران را ترک کردم یک جوال هندوانه محصول احمدآباد به عنوان هدیه خداحافظی به من دادند.

*

(۱) «... مصدق که از سال ۱۹۵۰ به بعد نخست‌وزیر ایران بود و در نتیجه دخالت امریکا و انگلستان سقوط نمود از ملیونی بود که مبارزات موفقیت‌آمیزی را علیه کمونیستها رهبری کرده بود. در انتخابات ملی زمان مصدق... سازمان جاسوسی مرکزی ما (سیا) میلیون‌ها دلار صرف تهیه رأی علیه مصدق کرد...» نقل از کتاب «مانیفست دمکراسی» بقلم ویلیام دوگلاس قاضی دیوان عالی ایالات متحده امریکا چاپ نیویورک صفحه ۱۸.

(۲) «.... اینجانب چه از نظر قانون و چه از نظر تنظیم لوایح قانونی و چه از نظر صلاح مملکت نخواستم که دست از کار بکشم و میخواستم قضیه نفت را که بسیار تشنه‌ی حل آن بودم شرافتمندانه حل کنم و بعوض آنکه نمیخواستند قرارداد شرافتمندانه‌ای با دولت اینجانب منعقد کنند وضعیات اقتصادی مملکت طوری شود که بدون عواید نفت بتواند روی پای خود بایستد و آزادی و استقلال که برای هر فرد یا مملکت یک قضیه حیاتی است از بین نرود...» نقل از آخرین دفاع آقای دکتر مصدق پیشوای ملت ایران در دادگاه نظامی ۱۳۳۲.

آقای دکتر مصدق در قسمت سوم لایحه دفاعی خود راجع بعدم صلاحیت دادگاه غیرقانونی تجدیدنظر نظامی گفته‌اند که در دوران زمامداری ایشان شش نقشه برای سقوط حکومت ملی و قانونی ایران یکی بعد از دیگری بکار رفت تا سقوط نمود راجع به نقشه چهارم اظهار داشتند نقشه چهارم ایجاد نفاق بین نمایندگان مجلس بود که قبل از اجرای نقشه سوم (نهم اسفند) شروع شده بود ولی عدم موفقیت در اجرای آن سبب شد که زمینه بیشتری برای اجرای نقشه چهارم تهیه کنند یعنی بر عده مخالفین بیفزایند و از طریق استیضاح دولت را ساقط نمایند که نتیجه معکوس داد و مجلس از بین رفت... این همان مجلسی بود که هر وقت اراده میکردند با رأی عدم اعتماد یا استیضاح دولت را از بین میبردند ولی این مرتبه اراده مردم (یفراندم) مجلس را از بین برد...» نقل از مدافعات آقای دکتر مصدق

(۳) پس از پایان مجلس ششم که دیگر انتخابات در تهران آزاد نبود آقای دکتر مصدق هم که از مخالفان دیکتاتوری بودند در مجلس هفتم انتخاب نشدند و بقیه دوران سلطنت رضاشاه را بعلت خفقان شدید و محدودیت کامل و برای پیشگیری از تعرض بیجای دستگاه که در صدد انتقام و تلافی مبارزات مؤثرش در مجلس بود (رجوع شود بمذاکرات مجلس شورای ملی دوره پنجم و دوره ششم) مجبور باحتراز از حشر با جامعه شدند و اوقات خود را اکثراً در احمدآباد میگذرانیدند تا اینکه روز پنجم تیرماه ۱۳۱۹ شهربانی مختاری ایشان را توقیف و پس از دوازده روز بازداشت در زندان مجرد از تهران بزندان بیرجند منتقل مینماید.

باتوجه بسابقه قتل مرحوم مدرس و دیگران آقای دکتر مصدق که مرگ خود را در بیرجند حتمی میدانستند در اتومبیل با دیدن جعبه دوای خود خوشحال شده و یقین مینمایند که با خوردن ادویه مسموم‌کننده که در آنست میتوانند از مدت نگرانی کسان خود بکاهند ایشان در ضمن راه بدون اینکه مستحفظین متوجه شوند ده دانه قرص دلائودید (ترکیبی از تریاک) و مقداری حب سرفه که تریاک خالص آن در حدود یک مثقال بود صرف مینمایند که خوشبختانه در نتیجه تکان اتومبیل زهر اثرکشنده خود را نمیکند و فقط دچار بیهوشی ممتد میگردند. موارد مکرر دیگری که جان ایشان در معرض خطر مرگ قرار گرفته و بطور معجزه‌آسا مرتفع شده اتفاق افتاده که نمیتوان نجات از مرگ را در این موارد جز مشیت الهی دانست و آقای دکتر مصدق در ضمن محاکمه خود شرح چند فقره از آنها را داده‌اند.

(۴) «در اواسط دوره ۱۶ ماده واحده راجع بملی شدن صنعت نفت از مجلس گذشت پس از آن مجلس شورای ملی کمیسیون نفت را که مرکب از ۱۸ نفر از نمایندگان آن دوره بود مأمور کرد که مواد اجرائیه ماده واحده را نیز تهیه و تقدیم مجلس کنند اشخاص مخالف با ملی‌شدن صنعت



نامه دکتر مصدق

احمدآباد ۲۸ شهریور ماه ۱۳۴۱

جناب آقای کشاورز صدر

قبل از وصول مرقومه‌ی مورخ ۲۵ جاری، ترجمه‌ی مصاحبه‌ی این جانب با آقای ژورژ نبت خبرنگار روزنامه‌ی دویچه سایتونگ آلمانی به این جانب رسیده بود و معلوم نشد مترجم آن چه غرضی داشته که یک مصاحبه‌ی مفصلی را ترجمه و در چند نقطه بیانات این جانب را تحریف سپس پولی کپی و منتشر کرده است و اکنون می پردازم به آن قسمت تحریف شده و مهم که ممکن است اذهان هموطنان عزیزم را نسبت به حقیر جریحه‌دار کند این جانب هیچوقت نگفته‌ام «در ایران نمی‌توان با وجود مجلس حکومت کرد» چون که مجلس نماینده‌ی صاحبان حقیقی مملکت است و هیچ فردی بیش از صاحب مال برای مال خودش دلسوزتر نیست. خادمین مملکت باید با مجلسی مرکب از نمایندگان حقیقی ملت همکاری کنند تا مردم به دولت و عمّال او اعتماد پیدا نمایند و به طیب خاطر مجری احکام و مقررات دولت بشوند و این عدم اعتمادی که بین دولت و مردم است از بین برود. و این که گفته‌اند مشروطه باید از پائین به بالا سرایت کند و تا انجمن‌های شهری و ایالتی انتخاب نشوند مردم نمی‌توانند وکلای خود را انتخاب کنند، عذری است بدتر از گناه چون که در این مملکت اول مردم نمایندگان مجلس را انتخاب می کنند چنانچه بعد مجلس قانونی برای تشکیل انجمن‌ها وضع نمود به این کار مبادرت می‌نمایند و تا نیم قرن بعد هم اگر مملکت دچار رژیم دیکتاتوری باشد اعضای انجمن ده نخواهند توانست به هویت اشخاص در جامعه پی ببرند و بدون اینکه احزاب اشخاص را معرفی کنند نمایندگان طبق نظریات خود انتخاب نمایند. برای اینکه انتخاباتی صحیح و بی‌غل و غش از کار درآید فقط کافی است که دولت مردم را آزاد بگذارد و احزاب آزاد و مستقل سیاسی نامزدهای وکالت را به جامعه معرفی کنند.

بنابراین در تشکیل مجلس هر قدر تأخیر شود، موجب ضرر و ندامت است و این مجلس است که در هر عهد سپر بلای شخص اول مملکت و دولت بوده است. یک نفر را می‌توانند از دو طرف بخواهید به گردش درآورند ولی این کار با گروهی از مردم عملی نیست و پیرامون آن نمی‌روند. بهترین مثال همین قراردادیست که با دولت آمریکا منعقد شده و معلوم نیست جنبه دفاعی و تعرضی دارد یا فقط صرف دفاعی است چون که تاکنون صاحب مملکت یعنی ملت ایران از آن بی خبر است. این قرارداد سبب شده که درروزهای اخیر متعهد عدم واگذاری پایگاه موشک‌های دولتی به دولت اتحاد جماهیر شوروی اعلام شود و باز یک قدمی بر خلاف آزادی و استقلال مملکت بر دارند چون که یک دولت مستقل و آزاد آن است که در خاک خود بتواند هر مقابله‌ای را که می‌خواهد بکند.

نفت میخواستند قبل از اینکه ۹ ماده اجرائیه بتصویب مجلس برسد دولت آقای حسین علاء استعفاء دهد و شخص معهودی را روی کار بیاورند که تمام کارهای راجع به ملی‌شدن صنعت نفت را از بین ببرد و خنثی کند. اینجانب به محض اطلاع از این تصمیم ۹ ماده را از تصویب کمیسیون نفت گذراندم. مجلس شورای ملی و مجلس سنا هر دو بمن رأی دادند و آن کار نشد و من دولت را تشکیل ندادم تا ۹ ماده پیشنهادی کمیسیون نفت از تصویب مجلس گذشت...»

نقل از آخرین دفاع آقای دکتر مصدق در دادگاه نظامی ۱۳۳۲

«... هیچ تصور نمیکردم با ضعف مزاجی که دارم مسئولین چنین کار خطیری را قبول نمایم قضیه نفت سبب شد که من این بار گران را بدوش بکشم و اکنون خدا میداند تا کی بتوانم آن را تحمل کنم.

هموطنان عزیز ـ تردید ندارم که برای قبول این کار و بار گرانی که بدوش گرفته‌ام از بین میروم چون مزاج متن متناسب با قبول چنین وظیفه مهمی نیست ولی در راه شما جان چیز قابلی نیست و از صمیم قلب راضی هستم که آنرا فدای آسایش شما بکنم...»

نقل از پیام نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ آقای دکتر مصدق

از رادیو تهران به مناسبت قبول زمامداری.

(۵) «... شایسته نبود که آزادی و استقلال ملت با این همه فداکاریهائی که نمود فدای مبلغ ناقابلی از عایدات که مصرف آن هم در اختیار ما نبود بشود این بود که دولت تصمیم گرفت برنامه اقتصاد بدون نفت تعقیب شود تا هر وقت رفع اختلاف شد عواید فروش نفت به مصرف امور تولیدی و بالابردن سطح زندگی افراد برسد. برنامه دولت با موفقیت پیشرفت میکرد چون که در مدت متجاوز از ۲۸ ماه آنچه خارج از عواید جاریه بدولت اینجانب رسید من حیث‌المجموع ۵۳۳ میلیون تومان بوده.... که از مبلغ مزبور ۲۵۰ میلیون تومان بابت کسر بودجه دستگاه نفت پرداخته شد و بقیه به مصارف تولیدی کشوری رسیده و کسر بودجه «نقل از فصل سوم لایحه فرجامی آقای دکتر مصدق بدیوان کشور شهریور ۳۳»

(۶) «... عدم موفقیت در نقشه چهارم سبب شد که نقشه پنجم یعنی کودتا به موقع اجرا گذاشته شود... چون عزل من در صلاح مملکت و موافق قانون اساسی و سنن مشروطیت نبود و کناره‌جوئی برضا و اختیار هم سبب میشد که هدف ملت ایران از بین برود ادامه کار را واجب شمردم و از وضعیتی که پیش آورده بودند تردید نداشتم که بهر صورت مرا از کار برکنار خواهند نمود پس چه بهتر بود از اینکه برضا و رغبت از کار خارج نشوم و هدف ملت ایران هم با من از بین نرود...

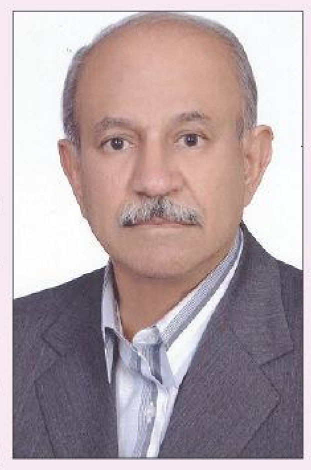
چون نقشه پنجم یعنی کودتای اول به نتیجه نرسید نقشه ششم میبایست عملی شود، ولو اینکه تشریف‌فرمائی اعلیحضرت از ایران عکس‌العملی پیدا نمیکرد و در غیاب شاهنشاه هیچ اتفاقی نمی‌افتاد... و آن کودتای ۲۸ مرداد بود که من و همکارانم همه چیز خود را برای پیشرفت هدف ملی بکار بردیم و تسلیم نشدیم خانه من و کسانم را خراب کردند و هر چه در آنها و بعضی از خانه‌های مجاور بود بغارت بردند ما را دستگیر و زندانی کردند تمام را در خیر و صلاح کشور تحمل کردیم.

و اکنون افتخار میکنم که بگویم اگر ما رفتیم هدف ملت از بین نرفته است... آزادی و استقلال چیزی نیست که آنرا بتوان بدون فداکاری و جان بازی بدست آورد مللی که باین مقام نائل شده‌اند آنقدر از خود گذشتگی نشان داده‌اند تا به مقصود رسیده‌اند ـ افسرانی داشته‌اند که در راه خدمت بوطن جهاد نموده‌اند تا کشور خود را به مقامی که شایسته ان بوده است رسانیده‌اند برعکس در این مملکت عده‌ای افسر خودخواه و جاه‌طلب آنهائی را که در راه آزادی و استقلال کشور طی مسافتی کرده بودند دستگیر و زندانی کرده و محکوم نموده و با این عمل لکه بزرگی بدامن خود گذارده‌اند...»

نقل از قسمت سوم لایحه دفاعیه آقای دکتر مصدق راجع بعدم صلاحیت دادگاه غیرقانونی تجدیدنظر

نوروز با نگاهی و زبانی دیگر

دکتر سیدجعفر حمیدی



نوروز ترکیب یافته از دو واژهٔ «نو» و «روز» است. کلمه نو در فرهنگ‌ها به معنای تازه، جدید، ضدکهنه، ضدقدیم، پهلوان، دلیر، شجاع، جوان و غیره آمده است: اگر چند بیژن جوان است و نو / به هر کار دارد خرد پیش‌رو (شاهنامه)

در بیشتر فرهنگ‌ها، این واژه به فتح اول، بر وزن جو آمده است. در پاره‌ای دیگر از فرهنگ‌ها و حتی در اشعار بعضی از شعرا، به ضمّ اول بروزن «او» نیز دیده می‌شود. در فرهنگ جهانگیری به ضم اول در فرهنگ رشیدی به ضم اول و در فرهنگ فارسی معین، به فتح و ضم، ضبط شده است: آسمان و زمین و هرچه در او / باشد از جسم و جان چه تازه چه نو (جامی)

در زبان پهلوی «نواک» navak به فتح اول گفته می‌شود. نظامی و فردوسی، بسامدی بیش از همه از کلمه نو به فتح اول دارند: مه نو تا به بدری نور گیرد / چو در بدری رسد نقصان پذیرد (نَظامی خسروشیرین)

ترکیباتی مثل: نامبردار نو، سپهدار نو، جهاندار نو، سالار نو، تاجور نو میرنو و... در ادبیات این دو شاعر فراوان است: فرستاده‌ای جست بوزرجمهر / خردمند و شادان دل و خوب چهر

بدو گفت از اینجا دو اسبه برو / گزین کن یکی نامبردار نو (شاهنامه ج ۶ ص ۲۵۲)

سخن‌ها چو بشنید از او کُندرو / بکرد آنچه گفتش جهاندار نو (ج ۱ ص ۵۲)

بیامد به درگاه سالار نو / بدیدندش از دور برخاست غو (ج ۶ ص ۲۸)

به کاخ اندر آمد روان کند رو / در ایوان یکی تا جور دید، نو (ج ۱ ص ۵۲)

واژه «نو» در کلمات ترکیبی روزمرّه و در صحبت‌های عادی افراد نیز به فراوانی به کار می‌رود. نوجوان، نورسیده، نوعروس، نوداماد، نونهال، نوکیسه، نودیده، نوپا، نوخانه، نودولت، نوروز، نونوار، نودین، نوآیین، نومسلمان، نوسفر، نوآموز، نوبهار، نوپرداز، نوچه، نورس، نوباوه، نورسته، نوزاد.

روز: واژه روز نیز در فرهنگ‌ها به معنای مختلف آمده است. «زمانی است که از طلوع آفتاب آغاز و به غروب آن ختم می‌شود» (ف. معین).[1] به معنی روزگار، زمان، نوبت و وقت نیز می‌باشد

جشن فرخندهٔ فروردین است/ روز بازار گل و نسرین است

در زبان پهلوی «روچ» ŔUČ[2] و در کردی «روژ». در پهلوی کلمه «روچک» Ručak به معنی روشنایی است.

واژه روز در ترکیباتی مثل امروز یعنی این روز، دیروز یعنی آن روز، نیمروز روزگار، نوروز، روزانه، روزی، روزه، روزبان یعنی نگهبان، روزمرّه و چندین ترکیب دیگر دیده می‌شود.

نوروز: امّا از تعریف لغوی که بگذریم، نوروز همان نوروزگار است یعنی روزی که زمانه نو و طبیعت جوان می‌شود، فصل تغییر می‌کند و با تغییر فصل، دل‌ها شادی و نشاط می‌یابند. درباره نوروز و پیدایش آن تا امروز کتب، مقالات و رسایل بسیار نوشته شده است. از ابوریحان گرفته تا خیام و از منوچهری گرفته تا قاآنی و دیگران، نوروز را به نوعی تعریف یا توصیف کرده‌اند. نوروز، راز خفته طبیعت است که هر سال با شروع بهترین و زیباترین فصل‌ها یعنی بهار، تجدید می‌شود. بهار که می‌رسد، جهان رنگ و بوی و طعم گل و گیاه و روشنایی و دل افروزی می گیرد. بهار فصل رویش و زایش و باروری است به همین سبب در کشور کهنسال ما، از دیرترین ایّام، آغاز بهار را نوروز یا روزنو نامیده‌اند. چنان که جهان و آفرینش براساس زیبایی و جمال بنا شده است و آفریدگار عالم، هیچ موجودی را زشت نیافریده است طبیعت نیز هر سال جامه عوض می کند و به جوانی و طراوت روی می‌آورد. از طرفی چون سرزمین الهی و اهورایی ما ایران، کشوری بوده که از آغاز در آن به شادی و شادمانی مردم توجه می‌شده است، مردم این سرزمین پیوسته منتظر بودند تا به شکرانهٔ نعمت‌های خداوندی، با کوچک‌ترین بهانه‌ای به جشن بپردازند و به خوبی‌ها و زیبایی‌ها بنگرند و درباره آنها تفکّر کنند و بیندیشند. برهمین اساس است که تقویم ایرانی یکی از بهترین و کامل‌ترین تقویم‌های جهان است که سرآغاز خود را با زیباترین و باشکوه‌ترین فصول سال رنگ و جلا می‌دهد.

تقویم ایرانی در حدود بیست و پنج قرن پیش توسط حضرت زردشت پرداخته شد و سال کبیسه به وجود آمد. پیش از زردشت، سال به ۳۶۵ روز و چهار ساعت تقسیم می‌شد و به این چهار ساعت آخر اهمیت داده نمی‌شد، هر صد و بیست سال یک بار از مجموع ساعت‌های اضافی سال «کبیسه» یا کبیسه بزرگ به وجود می‌آمد و سال به سیزده ماه تقسیم می‌شد. اینکه در ؟؟؟، مردم به هم می گویند: عمر شما به ۱۲۰ سال برسد یا پس از ۱۲۰ سال و نمی گویند صد سال که عدد شناخته شده‌است، ریشه در همین کبیسه صد و بیست ساله دارد. (زردشت، کبیسه صد و بیست ساله را به کبیسه هر چهار سال یک بار تبدیل کرد) (ر.ک آثار الباقیه ابوریحان بیرونی ص ۷۲) چهار شامپت سوری: آخرین لحظاتی که زردشت تقویم ایرانی را به پایان رساند و کامل کرد نیمه شب سه‌شنبه آخر سال بود و به مبارکی تنظیم تقویم جشن گرفته شد و نام آن شب را «چهارشامپت سوری» نهادند.

شامپت در فارسی به معنی نیمه‌شب است که بعد به پامبد، شنبد و شنبه تبدیل شد. بنابراین واژه شنبه که از نیمه‌شب هر روز شروع می‌شود یک واژه فارسی است و به کلمه «سبت» و شابات عبری به معنی شنبه ارتباطی ندارد. سوری هم به معنی سرخ، گل سرخ و اصطلاحاً آتش است. بنابراین چهارشنبه‌سوری به معنی چهارشنبه روشن است و در گذشته در این شب به شادی می‌پرداختند و خطرات ناشی از ترقه و مواد منفجره که متأسفانه امروز وجود دارد، وجود نداشت. تقویم خورشیدی ایرانی در زمان یزدگرد بن شهریار آخرین پادشاه ساسانی تکمیل شد، اما در سال ۴۶۷هـ‌ق به فرمان ملکشاه سلجوقی، گروهی از منجمان و ریاضی‌دانان، به قولی به سرپرستی حکیم عمر خیام نیشابوری، این تقویم ویراسته و منظم شد و به نام تقویم جلالی یا ملکشاهی شهرت گرفت و مقرر شد هر چهار سال یک بار با به هم پیوستن چند ساعت آخر سال، یک سال کبیسه یعنی ۳۶۶ روز قرار دهند. پس تقویم خورشیدی و سال ایرانی که یکی از منظم‌ترین تقویم‌های جهان است به ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۹ دقیقه و ۴ ثانیه تقسیم می گردد. پیدایی نوروز ریشه در روزگاری طولانی و بس کهن دارد. اگرچه شاهنامه فردوسی این پیدایی را به جمشید پیشدادی نسبت داده و گفته است:

سر سال نو، هرمز فروردین
بر آسوده از رنج تن، دل ز کین
به جمشید بر، گوهر افشاندند
مر آن روز را روز نو خواندند
(شاهنامه فردوسی، ژول‌مول ج ۱ ص ۳۶)

ممکن است صحت تاریخی نداشته باشد اما نشانه آن است که این رویداد و جشن‌های آن به روزگاری بسیار کهن مربوط می‌شود.

کلمه هرمز در مصرع اول، روز اول هر ماه و هرمز فروردین یعنی اول فروردین. نوروز از دگرگونی حیات انسان، نبات و حیوان خبر می‌دهد و چون هم زمان با فصل آغاز سال است، همه چیز در این روز و روزها بوی نو و تازگی و طراوت و شادمانی می‌دهد. طبیعت نوروز با طبع آدمی، خوپذیری دارد و به همین دلیل است که انسان در این ایام، ناخواسته احساس سبکی راحتی و نشاط می کند و لحظاتی که به پاکی و آب و روشنایی می‌اندیشد به حقیقت می‌اندیشد که تمام حق است. همه آداب و مراسم نوروز، راهی و نقبی به روح آدمیزاد دارند. به آب روان و سبزه و مناظر زیبا نگریستن، به دیدار عزیزان شتافتن، هدیه دادن و گرفتن، لباس نو و تمیز پوشیدن، به زیارت درگذشتگان و شهیدان رفتن، مسافرت کردن همه و همه مراسمی هستند که در تلطیف روح و آسایش جسم آدمی مؤثرند. جشن نوروز یادگار کهن نیاکان ما است که انجام هر کاری را با دانش و حکمت پیوند می‌دادند و هیچ آیینی را بدون توجه به حکمت و خرد برگزار نمی کردند. نوروز، زمان نو شدن طبیعت است و آدمی نیز با این دگرگونی باید به خود بیندیشد که اگر اخلاق، رفتار، منش، سیرت و نیت او زمستانی و تاریک است، آن را به روشنایی مبدل سازد. جشن‌های پیش از نوروز مثل مهرگان، آبانگان، یلدا، سده، چهارشنبه سوری و بعد از نوروز مثل سیزده به در هر یک دارای مقولات مفصلی است که به زمانی دیگر نیاز دارند تا شرح آن‌ها گفته آید. سال نو مبارک باد.

۱ـ ر ـ ک. فرهنگ فارسی معین ج ۲/۱ ـ ر ـ ک. فرهنگ پهلوی

دکتر بهرام فره‌وشی